بنی الاسلام علی الکلمتین ، کلمهٔ التوحید و توحید الکلمهٔ

کلمه

کلمه / روزنامهٔ صبح ایران/ پیش شماره نخست / پنج شنبه ۱ مهر ۱۳۸۹

شمارگان: ما بی‌شماریم

بسیجی که امام می‌خواست در مقابل ملت قرار نمی‌گرفت، بلکه در کنار مردم و پشت‌سر آنان بود؛ بسیجی که فراتر از جناح‌ها عمل کند و بازوان بلندش همه اقشار را در بر بگیرد؛ بسیجی که از دوستی مردم لذت ببرد؛ بسیجی که به دنبال رفاقت و محبت و یگانگی مردم باشد

از بیانیه شماره ۱۵ میرحسین موسوی

آغاز هفته دفاع مقدس با

بی حرمتی به خانواده های شهیدان «باکری» و «همت»

دختر شهید باکری با بیان اینکه ماموران لباس شخصی مادرش (همسر شهید باکری) را به شدت کتک زده‌اند، از سوختن نصف صورت همسر شهید باکری بر اثر پاشیدن گاز فلفل خبر داد.

در سالروز حماسه دفاع مقدس، احسان باکری، فرزند شهید باکری، بازداشت شد و خانواده شهیدان باکری و همت نیز مورد هجوم نیروهای لباس شخصی قرار گرفتند. به گزارش خبرنگار کلمه، خانواده شهیدان باکری و همت که صبح دیروز توسط نیروهای امنیتی از حضور در منزل میرحسین موسوی منع شده بودند، در یک تماس تلفنی با مهدی کروبی به منزل وی دعوت شدند، اما وقتی قصد مراجعه به منزل وی را داشتند، با تهاجم نیروهای لباس شخصی روبه‌رو شدند و با اسپری گاز اشک آور مورد حمله قرار گرفتند. دختر شهید باکری با بیان اینکه ماموران لباس شخصی مادرش (همسر شهید باکری) را به شدت کتک زده‌اند، از سوختن نصف صورت همسر شهید باکری بر اثر پاشیدن گاز فلفل خبر داد. وی همچنین با اشاره به تهدید فاطمه امیرانی، همسر شهید حمید باکری، با سلاح گرم، از ضرب و شتم شدید وی توسط ماموران لباس شخصی خبر داد و گفت: نصف صورت مادرم بر اثر پاشیدن گاز فلفل سوخته است. آسیه باکری گفت: ابتدا ما آقای کروبی را دعوت کرده بودیم، اما کمی بعد ایشان تماس گرفت و گفت نمی گذارند من بیایم و زنگ زده و گفته‌اند که اگر بخواهی از خانه بیرون بروی، بسیجی‌ها را دم در خانه‌ات می‌ریزیم! وی افزود: مادرم که این موضوع را شنید، تصمیم گرفت برای دیدار با آقای کروبی به منزل وی برویم. اما جلوی منزل ایشان، ماموران جلوی ما را گرفتند و مانع ورودمان شدند. یکی از آنها مادرم را تهدید کرد و گفت: اسلحه را روی شقیقه‌ات می‌گذارم و راحتت می‌کنم. احسان هم به شدت عصبانی شد و وقتی به سمت آنها رفت که اعتراض کند، آنها هم او را بردند. دختر شهید باکری همچنین در خصوص ممانعت ماموران از ملاقات خانواده این دو شهید دفاع مقدس با میرحسین موسوی نیز گفت: وقتی برای ملاقات با مهندس موسوی می‌خواستیم به منزل ایشان مراجعه کنیم، نیروهای امنیتی جلوی ما را گرفتند و حتی وقتی محافظ آقای موسوی گفت که اینها مهمان ما هستند، آنها به ما اجازه ورود ندادند.

وی خاطرنشان کرد: مادر من و همسر شهید همت هم به عنوان اعتراض، در راه بازگشت در خیابان شعارهای "یا حسین میرحسین" و "مرگ بر دیکتاتور" را فریاد می‌زدند. لازم به ذکر است که چند روز پیش همسر شهید باکری در نامه ای سرگشاده به عزیز جعفری فرمانده سپاه وی و برخی از همکارانش را به خیانت به خون شهدا متهم کرده بود و به آنها هشدار داده بود که از آرمانهای انقلاب فاصله گرفته اند و به دنبال قدرت اندوزی و ستم کردن به مردم رفته اند.

احمدی نژاد: هیچ زندانی سیاسی در ایران وجود ندارد

محمود احمدی‌نژاد در مصاحبه با شبکه تلویزیونی ای‌بی‌سی، صدور حکم سنگسار برای سکینه محمدی را از اساس انکار کرد. او ابتدا از مخالفت دولت خود با مجازات و تنبیه حتی یک نفر سخن گفت و موضوع استقلال قوه قضاییه را به میان کشید، اما وقتی خبرنگار بر سؤال خود اصرار کرد، اصل موضوع را انکار کرد! انکار عجیب حکم سنگسار سکینه محمدی از سوی احمدی‌نژاد، باعث شد که دیروز (سه شنبه) تصویر حکم قضایی مذکور و رسید ثبت آن در دبیرخانه دیوان عالی کشور در سایت‌های اینترنتی منتشر شود. حال باید دید احمدی‌نژاد آیا باز هم حاضر به اصرار بر نظر خود خواهد شد یا از جواب صریح به سؤال در این باره طفره خواهد رفت.

وی همچنین در مصاحبه با سی‌ان‌ان در پاسخ به سوالی در مورد دستگیری‌های بعد از انتخابات ادعا کرد که در ایران هیچ‌کس به خاطر تظاهرات بازداشت نشده و زندان نرفته است! رئیس دولت دهم در حالی این دروغ بزرگ را بر زبان آورد که نه تنها در یک سال اخیر هزاران تظاهرکننده در ایران بازداشت شده اند، بلکه برخلاف اصل ۲۷ قانون اساسی برای بسیاری از آنها نیز حکم زندان صادر شده است. وی در پاسخ به این سوال که آیا می‌تواند از نفوذ خود برای آزادی دو تبعه آمریکایی دیگر استفاده کند، گفت: من برای آزادی خانم سارا شورد توصیه کردم که با لطف، محبت و نگاه مهربانانه پرونده ایشان در دستگاه قضایی بررسی شود. دستگاه قضایی در ایران مستقل است و قاضی است که باید تصمیم‌گیری کند؛ چراکه تصمیم‌گیری در این ارتباط در اختیار قاضی است.

در آن سوی مرزها ادعای آزادی می کنند، اما اینجا خانواده شهدا را هم تحمل نمی کنند

سعید صفوی عضو شورای مرکزی سازمان عدالت و آزادی ایران اسلامی ضمن ننگین خواندن حمله صورت گرفته به خانواده های شهیدان باکری و همت خاطر نشان ساخت: به گمان خام تازه به دوران رسیده ها و مدعیان توخالی ارزش های اسلام و انقلاب، می توان جلوی خواست عمومی ملت را گرفت؛ غافل از اینکه حتی تحمل فرزندان این مرز و بوم را ندارند و هر روز بر کارنامه غیر اخلاقی و غیر انسانی خود برگی تازه می افزایند. وی تصریح کرد: آقایان در روز روشن با خانواده های سرداران رشید و شهدایمان این چنین می کنند، و ادعای آزادی در ایران را در آن سوی مرزها برای جهانیان سر می دهند.

مادر هنگامه شهیدی: احمدی‌نژاد به جای مانور جهانی برای سارا شورد، به بچه‌های این مملکت کمک کند

مادر هنگامه شهیدی، روزنامه نگار دربند، با بیان این که دخترش سالم به زندان رفته اما در حال حاضر از بیماری‌های مختلف رنج می‌برد و ادامه وضعیت موجود برای وی خطر جدی دارد، نسبت به تعیین وثیقه ۶۰۰ میلیونی برای دخترش که حتی بیشتر از وثیقه زندانی آمریکایی است گلایه کرد و این تبعیض را نامناسب دانست.

بازخوانی روایت شهادت حسن پور در دیدار رهنورد با خانواده این شهید

زهرا رهنورد ، نویسنده و استاد دانشگاه در ادامه دیدارهای خود با خانواده شهدا و همچنین زندانیان گمنام حوادث پس از انتخابات همزمان با نزدیک شدن به روز خاک سپاری یکی از شهدای جنبش سبز به دیدار خانواده او رفت .

به گزارش خبرنگار کلمه، او به همراه جمعی از زنان اصلاح طلب در منزل شهید علی حسن پور حاضر شدند و با خانواده این شهید اظهار همدردی کرد.شهید حسن پور روز ۵ مهرماه سال گذشته به خاک سپرده شد.

هرچند شهید علی حسن پور در روز ۲۵ خرداد ماه ،روز راه پیمایی میلیونی مردم از میدان امام حسین به میدان آزادی مورد اصابت گلوله قرار گرفته بود اما ۱۰۵ روز بعد جسد وی را به خانواده اش تحویل دادند .

همسر شهید حسن پور در این دیدار از روزهای سختی که پشت سر گذاشته برای زهرا رهنورد سخن می گوید :«روز ۲۵ خرداد وقتی دیدم همسرم به خانه بازنگشت بسیار نگران و هراسان شدم . اینکه در آن روزها چه بر من گذشت ، نمی توانم توصیف کنم تا اینکه در روز چهارشنبه همان ماه در سایت های خبری عکسی را دیدم که مجروحی را در خیابان آزادی با سر و روی خونین نشان می داد که شبیه همسرم بود ، این زخمی نزدیکی پایگاه بسیج در حوالی میدان آزادی نقش بر زمین شده بود . خیلی زود پی گیر شدم . اما هیچ کس جواب صریح و روشنی به ما نمی داد .»

لغو پروانه فیلم فرهادی به دلیل انتقاد

*مجوز ساخت فیلم "جدایی نادر از سیمین" با دستور مستقیم سیدعلیرضا سجادپور مدیر کل اداره کل نظارت و ارزشیابی سینمای حرفه‌ای لغو شده است. به نوشته جهان نیوز، "اظهارات ساختار شکنانه اصغر فرهادی در جشن خانه سینما از دلایل اصلی لغو این پروانه ساخت بوده است." فرهادی در جشن مذکور گفته بود: «ای کاش! سال آینده ایران، مثل امروز نباشه، ای کاش! سال آینده ایران شرایطی داشته باشه که «گلشیفته فراهانی»، «امیر نادری» و «محسن مخملباف» به راحتی به وطن بازگردند، ای کاش! سال آینده «جعفر پناهی» بتوونه فیلم بسازه و ای کاش سال آینده هیچ‌چیز مثل این سالهانباشه».

یادآور می شود اصغر فرهادی کارنامه درخشانی از فیلم های با مضمون اجتماعی مانند درباره ی الی و چهارشنبه سوری دارد.

بنی الاسلام علی الکلمتین ، کلمهٔ التوحید و توحید الکلمهٔ

کلمه

WWW.KALEME.COM

خبرنامه کلمه / پیش شماره دوم / شنبه ۳ مهر ۱۳۸۹

قیمت : صلوات

شمارگان: ما بی‌شماریم

امروز هیچ رسانه ای حتی در سطح مجازی نیست که در اختیار ما باشد و از فیلترینگ در امان مانده باشد این همه نشانگر این است که چشم اسفندیار آنها مسئله آگاهی است. بنابراین هرکس در هرجا احساس مسئولیت می کند باید در حد خود در گسترش آگاهی های سیاسی، اجتماعی تلاش کند حتی با گفتن یک نکته در جمع کوچک .

میرحسین موسوی در دیدار با زندانیان سیاسی قبل از انقلاب

دو پیـــــام از اوین

مجید دری : آقای احمدی نژاد! خبر بدی برایتان دارم؛ مهر ماه آمد

دو دانشجوی زندانی از درون زندان اوین نامه هایی را به بیرون از زندان فرستادند. اولی به محمود احمدی نژاد پیشنهاد داد که فقط یک روز قبل از رفتن به دانشگاه ، دانشجویان را خبر کند. دانشجویی دیگر اما از درون زندان به همکلاسی های خود پیام داد و از آنها خواست به یاد داشته باشند که امروز امید مردم به دانشگاهی هاست.

مجید دری یکی از دانشجویان دانشگاه علامه که بلافاصله پس از انتخابات ریاست جمهوری منزل خواهرش در قزوین بازداشت شده و تا امروز را در زندان گذرانده است در نامه اش به احمدی نژاد خبر آغاز ماه «مهر» را به او یادآوری کرده است: او می گوید: « خبر کوتاه است اما پر طمطراق: "مهر آمد".باری مهر آمد و دانشگاهها باز شدند و دانشجویان بازگشتند.با هر زحمتی نفسی سه ماهه کشیدی. اما تمام شد!مهر آمد.» مجید به فشارهایی که در چند سال اخیر به دانشگاهها آمده است اشاره می کند به رییس دولت یادآوری می کند در این سالها هرگاه به دانشگاه رفته است، با اعتراض شدید دانشجویان مواجه شده است. اعتراضی که همواره در رسانه ها سانسور شده است. او عقیده دارد که دولت احمدی نژاد دریافته است که دانشجوها برایش دردسر هستند و برای همین است. برای همین سعی میکند مخفیانه به دانشگاه برود. او یادآوری می کند در مجموع بیش از صد سال حبس برای دانشجویان صادر شده است. مجید دری همچنین به ۱۲۰ ترم محرومیت از تحصیل دانشجویان و شناسایی ۷۰ دانشجوی ستاره دار فقط در دو سال اول دولت نهم اشاره می کند و می گوید: «آقای احمدی نژاد! در مناظره ات به دروغ گفتی که کسی را به جرم انتقاد از تحصیل محروم نکرده ای، که هیچ دانشجویی را ستاره دار نکرده ای. در مقابل میلیونها بیننده گفتی. عجیب نبود که خورشید را هم انکار کنی چه رسد به ما که ستاره دار بودیم.»

مجید با اشاره به اعتراضهای سراسری دانشگاهها به عملکرد دولت می گوید: «کدامیک از دانشگاهها را می خواهی ساکت کنی؟! تهران ؟ امیرکبیر ؟علامه ؟علم و صنعت ؟ دانشگاه اصفهان ؟ مشهد یا مازندران و تبریز و...یا دانشگاه آزاد را؟! او که در پایان به رییس دولت پیشنهاد می کند که امسال به دانشگاه نرود. وگرنه بدترین روز عمرش را تجربه خواهد کرد.

مجید توکلی : دوستان! صدایتان از ورای دیوارهای زندان به گوش می رسد

مجید توکلی دانشجوی شیرازی دانشگاه امیر کبیر نیز از دروزن زندان اوین نامه ای منتشر کرده است. نامه ای خطاب به دانشجویانی که سال تحصیلی جدیدی را آغاز کرده اند. او نوشته است: «همه ی امیدمان به نسل جدید است که از دیروز اثر بخش بوده اند و امروز در بی شماریِ شان مژده پیروزی می دهند. چنین است که امید مردم به دانشگاه است و گویا مردم از دانشجویان پیمانی گرفته اند. آن ها پیمان گرفته اند که آزادی باید زنده بماند، شادی میهمان هر خانه شود»

مجید به دانشجویانِ سال جدید تحصیلی می گوید: «شما به دانشگاه آمده اید. روزگاری ما نیز دانشجوی این دانشگاه بوده ایم. البته سخت گیری های آموزشی چنین نبود. به ما می آموختند که بزرگ باشیم و سپس در پی دانش برویم. از شما می خواهند، کوچک و سرسپرده و مطیع باشید...در پی آگاهی و دانش بودن و آگاهی بخشی پیشه کردن، ممتازتان کرده است تا مردم به گرد شما جمع شوند. حال با هم بودن تان امتیازی است که از آن باید بهره ببرید.» مجید توکلی که به خاطر ستمهایی که در یک سال اخیر به او رفته است یکی از محبوب ترین دانشجویان زندانی است در این نامه به همراهانِ خود توصیه می کند: «مراقب باشید که همچنان منصف باشید. مبادا پَلیدی و استبداد و ظلم ها و ستم ها و تلخی ها و سختی ها شما را در دست بگیرند. نباید در شتاب مان در رسیدن به آزادی راه خطا برویم. باید اجازه دهیم ارزش ها تثبیت شوند. اگر در دام دروغ گویی ها بیفتیم، اگر به هتک حرمت ها و بی احترامی ها بی توجه باشیم، اگر بر اندک خوبی های این کل ناهنجار چشم ببندیم؛ فردا دچار مشکل خواهیم شد.»

بیانیه زهرا رهنورد در تقبیح اهانت به خانواده های شهدا باکری و همت

با نام شهدا برای خود مشروعیت کسب کردند، اما خون آنان را پاس نداشتند

زهرا رهنورد در پی هتک حرمت این خانواده بیانیه ای صادر کرده است . در این بیانیه آمده است : نمی دانستم معنای «کربلا منتظرماست بیا تا برویم»، این است که زن و فرزند شهیدان را سرکوب و دستگیر کنید. البته شهدا به کربلا رسیدند اما هیچ می دانید شما دولتمداران به کجا رسیده اید؟ پس از خشونت،کشتار، شکنجه و زندانی کردن فرزندان ملت، توسط قدرتمداران کینه توز، اینک نوبت خانواده شهداست که مشخصا به عنوان دست مریزاد ایثارهای آن جوانان پاکباخته، به اهانتی ننگین به خانواده های باکری و همت منتهی شد.

یادتان باشد که به نام آنها بزرگراه ساختید، بزگراه همت، باکری، بروجردی و دیگران. اما خانواده های آنها را بزرگ نداشتید. با نام و یاد آنها، برای خود مشروعیت کسب کردید، اما خون آنان را پاس نداشتید.

لازم به ذکر است، خانواده شهید همت و خانواده شهید باکری که در پی دید و بازدیدهای همه ساله در هفته دفاع مقدس به دیدار نخست‌وزیر دوران دفاع مقدس و زهرا رهنورد رفته بودند، با ممانعت و ضرب و شتم شدید نیروهای امنیتی، روبه‌رو شدند، که منجر به آسیب دیدن همسر شهید باکری با گاز فلفل، و بازداشت چند ساعته پسر شهید باکری انجامید.

یک نماینده مجلس:

دولت بعد از انتخابات ریاست جمهوری، سهام عدالت را پرداخت نکرده است

نماینده بهار و کبودرآهنگ در مجلس شورای اسلامی با بیان اینکه تنها ۳۰ درصد سهام عدالت پرداخت شده است، تصریح کرد: مردم حوزه انتخابیه اینجانب به دلیل پرداخت نشدن مابقی سهام عدالت، از دولت ناراضی هستند

به گزارش خانه ملت، عیسی جعفری، نماینده بهار و کبدراهنگ و عضو کمیسیون کشاورزی، آب و منابع طبیعی در مجلس شورای اسلامی با اشاره به مشکلات حوزه انتخابه خود، تاکید کرد: در سرکشی به روستاهای حوزه انتخابیه متوجه شدم، مردم از عدم پرداخت ۷۰ درصد سهام عدالت گلایه دارند. با وجود پیگیری از علل عدم پرداخت مابقی سود سهام عدالت، هیچ مسئولی پاسخگو نبود.

احمدی نژاد : مخالفان من از خود من آزادترند

محمود احمدی نژاد طی کنفرانسی خبری در نیویورک، در پاسخ به پرسش خبرنگاری که پرسید "شما از انتخابات آزاد در فلسطین صحبت می کنید؛ ولی در کشورتان مخالفان در خانه‌های خود محبوس هستند و تعداد زیادی از روزنامه‌نگاران نیز از کشور خارج شده اند. آیا این تناقض بین حرف و عمل شما نیست؟"، مدعی شد "اتفاقا مخالفان ما آزادتر از ما هستند؛ تخلف می کنند؛ تهمت می‌زنند و آزاد نیز راه می‌روند و آزادتر از خود ما در ایران هستند. "

وی همچنین ادعا کرد "این که چند روزنامه نگار از ایران رفته یا نرفته مهم نیست؛ ایرانی‌ها آزاد هستند که سفر کنند و در جاهای مختلف دنیا زندگی کنند. "

به گزارش جرس وی بدون اشاره به مصاحبه های یک نفره خود در سیما، ادامه داد "در ایران چند هزار خبرنگار زندگی می کنند، روزانه صدها روزنامه و مجله در ایران منتشر می‌شود، خبرگزاری‌های زیادی در ایران فعالیت می کنند و ما وقتی می‌خواهیم با خبرنگاران ملاقات داشته باشیم برخی از اوقات سالن‌های هزار نفری نیز جوابگو نیستند.

اخبار کوتاه

* مهندس جامی فعال کارگری می گوید : تلاش برای بقا و زندگی حداقلی بدون داشتن اوقات فراغت و محرومیت از تفریح و رسیدگی به خود، اتفاقات تلخی است که جامعه کارگری با آن روبرو است. کارگرانی که گویا قرار است هیچگاه خبردار نشوند که آنها هم حق و منزلتی دارند.
* مردم برخی از روستاهای همدان با مشکل آب شرب مواجه هستند؛ به‌طوری که مردم در طول روز تنها نیم ساعت آب شرب دارند.
* آیت الله بیات زنجانی خطاب به دختر شهید باکری : رسیدن به حق همیشه با رنج های فراوان همراه است.
* سید محمد خاتمی پس حمله نیروهای امنیتی دولت احمدی نژاد به خانواده شهید همت و باکری در تماسی تلفنی از آنها دلجویی کرد. به گزارش خبرنگار کلمه، رییس جمهور سابق کشورمان با همسران شهید باکری و همت صحبت و جویای اتفاقات پیش آمده شد.

مردم رسانه ندارند . لطفا پس از خواندن خبرنامه، آنرا به دوستان خود بدهید و یا در مکانی عمومی جا بگذارید.

بنی الاسلام علی الکلمتین، کلمهٔ التوحید و توحید الکلمهٔ

کلمه

WWW.KALEME.COM

روزنامه کلمه / پیش شماره سوم / دو شنبه ۵ مهر ۱۳۸۹

قیمت : صلوات

شمارگان: ما بی‌شماریم

امام بسیج را به عنوان ابزاری برای قدرت حاکمان نمی‌خواست قرار بود رفتار و اندیشه بسیجی در مردم اثر کند، نه آن که قدرت بسیج بر سر مردم فرود آید. قرار نبود بسیج جیره‌خوار دولت شود و به ازای دستگیر کردن مردم در اجتماعات پاداش سرانه بگیرد. .

بیانیه شماره ۱۵ میرحسین موسوی درباره بسیج مستضعفان

خاتمی: چرا سرداران جنگ فریاد نمی زنند؟

اگر کوتاه بیاییم، انقلاب تحریف می‌شود

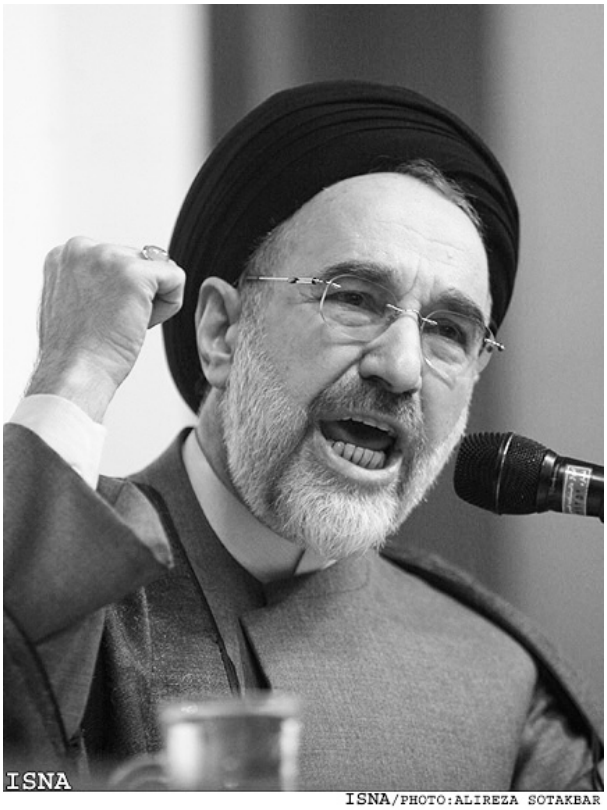

ISNA/PHOTO:ALIREZA SOTAKBAR

سید محمد خاتمی که در جمع اصلاح طلبان سخن می گفت، با تبریک آغاز سال تحصیلی به محصلان و معلمان گفت: متأسفیم که در حالی سال تحصیلی آغاز می شود که پاره ای از معلمان و همچنین اساتید گرفتار فشار و زندان هستند و جریاناتی تلاش می کنند که محیط پاک و زاینده مدارس و آموزشگاهها و دانشگاه ها را با فشار بر معلمان، استادان و مربیان مستقل و آزاده آلوده کند و ذهن نوجوانان و جوانان را از حقایق منحرف کند. سید محمد خاتمی به هتک حرمت خانوادهٔ شهیدان باکری و همت اشاره کرد و گفت: تعجب می کنم چرا وقتی خانواده های دو شهید بزرگوار همت و باکری و فرزندان ایشان مورد تعرض قرار می گیرند سرداران و رزمندگان بزرگی که همکار و همراه این دو شهید بوده اند فریاد نمی زنند. آنان که واقعاً از این رفتارها بیزارند این انتظار را از آنان داریم که برای دفاع از واقعیت سپاه و بسیج آشکارا موضع بگیرند، البته آرام و محترمانه، و نگذارند نهادهای انقلابی لطمه ببینند. خاتمی تاکید کرد: ممکن است مثل همیشه گفته می شود نیروهای خودسر این اعمال را انجام دادند! عجب نیروهای خودسر قوی هستند که همه کاری می کنند و به صورت رسمی هم علیه شان موضع گرفته می شود ولی باز هم رفتارهایشان را تکرار می کنند، تعجب می کنم در نظامی مقتدر و با وجود نیروهایی که مدعی می شوند بر همه چیز مسلط هستند نمی توانند با آنها برخورد کنند. وی افزود: بر خلاف سیاست اعلام شده جذب حداکثری و دفع حداقلی، آنچه در عمل جریان دارد سیاست دفع حداکثری و عدم جذب است. او به مسئولان هشدار داد:به نظرم آنچه امروز در معرض تهدید است، اگر در مقابلش کوتاه بیاییم تحریف کننده همه معیارهای اصلی انقلاب و خصوصیاتی است که نظام ما باید داشته باشد. از معیارهای اصلی حکومت این است که دروغ در آن نباشد، اگر کارها بر اساس دروغ و دغل باشد، غلط است و آنچه خدا می خواهد این است که نظام بر اساس عدالت و راستی و درستی مستقر شود و استقرار پیدا کند و انقلاب اسلامی هم برای همین بود. خاتمی در پایان یادآوری کرد: ما از حق دفاع می کنیم، معتقدم دل اکثریت ملت با حرف هایی است که ما می زنیم. چرا اجازه روزنامه به ما نمی دهند؟ چرا بخشنامه می کنند دستگاههای رسمی هیچ حرف و خبری از این طرف را منتشر نکند؟ رئیس جمهوری سابق کشورمان ادامه داد:باید حرف را زد و گفت، الحمدالله دنیا طوری شده که دیگر این محدودیت های رسمی و بخشنامه ای خیلی اثرگذار نیست هرچند که این حق همه جریانها است که روزنامه و رسانه و تریبون داشته باشند.

کروبی در پیام خود به مناسبت آغاز سال تحصیلی:

دانشگاه زنده است و کسی نمی تواند آن را با خاک یکسان کند

مهدی کروبی ضمن تبریک سال جدید تحصیلی به دانشجویان گفت: بار سنگین کشور برای دستیابی به پیشرفت و آبادانی توام با عزت و افتخار و استقلال، بر دوش شما دانشجویان و دانش پژوهان عزیز است که امید این ملت پر افتخار هستید. از همین صندلی های دانشگاه هاست که مدیران سطوح مختلف سیاسی و اجرایی کشور تربیت خواهند شد و اداره امور کشور به آنان واگذار خواهد گردید. کروبی در ادامه پیام خود افزود: دانشگاه همیشه زنده است و هیچ کسی نمی تواند آنرا با خاک یکسان کند. نباید مطالبات دانشجویان بی پاسخ مانده و انباشته گردد. باید فضای سیاسی دانشگاه ها چنان باشد که دانشجویان بتوانند مطالبات خود را آزادانه در میز گردها و تشکیل جلسات مطرح نمایند.

کروبی در پیامش به دانشجویان گفت: عزیزان من، سالی که گذشت، سالی سخت و پر فراز و نشیب برای همه ی ما بود و متاسفانه جامعه ی دانشگاهی ما هزینه های گزافی را پرداخت و در این میان شما دانشجویان در کنار سایر مردم مورد بیشترین آماج و هجمه های سیاسی قرار گرفتید که به نوبه ی خویش همیشه در احقاق حقوق به حق و قانونی شما، پایداری نمودم. شما امروز روزگاری سخت را صبوری می کنید.

مهدی کروبی در پایان ابراز امیدواری کرد هر چه زودتر شاهد بازگشت دانشجویان محروم از تحصیل به دانشگاه و آزادی دانشجویان زندانی بی گناه باشیم.

میر حسین موسوی:

جنبش سبز مانند اقتدارگرایان نیست و پدرخوانده ندارد

مهندس میرحسین موسوی خبر کذب روزنامه رسالت را مبنی بر «وجود اختلاف در میان صفوف جنبش سبز و اصلاح طلبان» را تکذیب کرد و گفت: «بر خلاف جناح اقتدار گرا جنبش سبز پدر خوانده ندارد و بیش از افراد، به تعامل بین شبکه های اجتماعی سبز و پیشرو تکیه دارد و بر عکس آنان(اقتدارگریان) از عقل جمعی برای پیشرفت استفاده می کند.» وی تصریح کرد: «هیچ اختلافی بین بنده و برادران بزرگوار کروبی و خاتمی وجود ندارد و ما مرتب با هم مشورت می کنیم.»

روزنامه رسالت که در رقابت شدیدی با کیهان برای تهمت و دروغ به منتقدان دلسوز وضع موجود است در جعل خبری تازه مدعی اختلاف میان موسوی، خاتمی و کروبی شده بود. رویه و رویکرد مدیران روزنامه رسالت در زمان دفاع مقدس علیه نخست وزیر (میرحسین موسوی) نیز به گونه ای بود که حضرت امام (ره) توزیع این روزنامه را در جبهه ها برای روحیه رزمندگان اسلام مضر تشخیص دادند. به همین دلیل میرحسین موسوی اظهارامیدواری کرد که «گرداننده های رسالت یک بار دیگر بین خود نامه حضرت امام را به مرحوم آیت الله آذری قمی در سال ۱۳۶۷ مطالعه کنند.»

هجوم لباس شخصی ها به منزل شهید باکری

آسیه باکری فرزند شهید حمید باکری، از حملهٔ گروهی ناشناس که خودشان را پلیس امنیت معرفی کردند به جلسهٔ قرآنی که در خانهٔ شهید باکری در حال برگزاری بود، خبر داد. او در گفتگو باکلمه گفت: آنها نگفتند جلسه قران چگونه باعث ناامنی می شود و حکم خود را هم نشان ندادند... آنها همهٔ خانم هایی که به خانهٔ ما می آمدند را مورد بازجویی قرار دادند... ۲۷ سال نیامدند در خانه ما بگویند حالمان چطور است حالا اینگونه آمدند. اصلا راه منزل ما را بلد نبودند. حالا بعد از این همه سال مزد سختی هایی که مادرم کشید و بی پدر ماندن ما را خوب می دهند. برای من جای سوال است که چرا این رفتار با ما می شود... پس از نامهٔ مادرم به فرماندهٔ سپاه، هر روز فشارها بر ما بیشتر می شود.

اخبار کوتاه

* کارگران کارخانه ریسندگی خاور رشت به دلیل دریافت نکردن حقوق ۷ ماهه مقابل استانداری گیلان تجمع کردند. بالغ بر ۳۰۰ نفر از کارگران مرد و زن کارخانه خاور مدت ۷ماه است هیچ‌گونه حقوق و مزایایی از کارخانه دریافت نکرده‌اند.

* کارگران «زهش» با وجود فعال بودن خطوط تولید و فروش محصولات این کارخانه در سه ماه گذشته حقوق دریافت نکرده‌اند. این کارگران می‌گویند: در نتیجه این وضع حقوق یک‌صد کارگر از سه ماه پیش تاکنون پرداخت نشده است. کارگران همچنین به نقل از کارفرمای خود از احتمال واردات محصولات چینی و اجرای سیاست‌های تعدیل نیروی انسانی در یک ماه آینده خبر داد می‌دهند. کارخانه زهش در منطقه آب‌یک قزوین واقع شده‌است

* بیش از ۶۰۰ نفر از معلمان خرید خدمتی آموزش و پرورش در اعتراض به تمدید نکردن قراردادهایشان از سوی آموزش و پرورش صبح دیروز مقابل مجلس شورای اسلامی تجمع کردند.

* از ۵ میلیون نفر روستایی که شامل بیمهٔ روستایی می شوند در پنج سال گذشته فقط ۸۰۰ هزار نفربیمه شدند. حدود ۴۰ تا ۵۰ نوع بلا گریبانگیر کشورهای بلاخیز مانند ایران است که روستائیان بیشتر در خطر آسیب دیدن این بلایا قرار دارند.

* «ممبینی» عضو شورای شهر اهواز چندی پیش از فرماندار این شهر شکایت کرده بود. اما دیروز بازداشت شد. چندی پیش نیز چند نفر از چهره های مطرح اصلاح طلب پس از شکایت از یک فرماندهٔ سپاه به زندان منتقل شدند.

* نسرین ستوده وکیل امور نوجوانان و جوانان که حدود یک ماه است در بازداشت به سر می‌برد، اجازهٔ شرکت در مراسم ختم پدرش را از طرف مسئولین زندان اوین نیافت، همچنان که در مراسم تدفین پدرش (که پنجشنبه‌ی پیش درگذشت) نیز نتوانسته بود شرکت کند.

به دستور دولت آقای احمدی نژاد، نام بردن از آقایان موسوی، خاتمی و کروبی در رسانه ها ممنوع است. با تکثیر و پخش این روزنامه به انتشار خبرها کمک کنید

بنی الاسلام علی الکلمتین، کلمهٔ التوحید و توحید الکلمهٔ

کلمه

WWW.KALEME.COM

روزنامه کلمه / پیش شماره چهارم / چهار شنبه ۷ مهر ۱۳۸۹

قیمت : صلوات

شمارگان: ما بی‌شماریم

بسیاری از هموطنان ما با چهره های زشت و توانفرسای فقر و تنگدستی در زندگی مواجه هستند. و بی شک وظیفه همه ماست که دست درماندگان را بگیریم، جلوه های زیبای اسلام رحمانی را به نمایش بگذاریم و از حال و روز یکدیگر با خبر شویم.

یادداشتی از میرحسین موسوی برای شب قدر

کارگران دخل و خرجشان نمی خواند

شش ماه از زمانی که حداقل مزد کارگران برای سال ۸۹ تعیین شده گذشته. ۳۰۳ هزار تومان!. در این مدت میلیون‌ها کارگر ایرانی ناراضی از این تصمیم کار کردند تا معاش خانواده خود را آبرومندانه تامین کنند. درحالی که در تمام مدت ۶ ماه اخیر حقوق کارگران بر مبنای مزد پایه ۳۰۳ هزار تومان در ماه پرداخت شده اما طی این ۶ ماه بهای سبد کالاهای ضروری رشد قابل ملاحظه‌ای داشته. گزارش بانک مرکزی نشان می‌دهد که هزینه متوسط برخی کالاهای ضروری (لبنیات، تخم مرغ، برنج، حبوبات، میوه و سبزی تازه، گوشت قرمز و مرغ، قند و شکر، چای و روغن نباتی) از حدود حدود ۷۰۳ هزار و ۲۷۰ ریال در شب عید نوروز سال ۸۸ (زمان تعیین حداقل دستمزد سال ۸۹) به یک میلیون دویست و پنجاه و پنج هزار و سیصد و ۱۰ ریال در آغاز مهرماه امسال افزایش یافته است. با فرض این‌که مقدار کالری موجود در سبد فوق برابر ۸۴ هزار و ۵۱۰ واحد است و نیز پذیرش این مطلب که مطابق تعاریف پذیرفته شده جهانی حداقل کالری روزانه مورد نیاز برای هر فرد ۲ هزار و ۱۷۹ واحد است می‌توان با یک تناسب ساده نتیجه گرفت که هر ایرانی برای رفع گرسنگی ماهانه خود باید مبلغی در حدود ۹۶ هزار تومان هزینه کند که به صورت تقریبی معادل یک سوم حداقل حقوق یک کارگر ساده است. بر این اساس درمجموع می‌توان نتیجه گرفت که هر خانوار کارگر ایرانی ماهانه بالغ بر ۵۱۳ هزار تومان هزینه می‌کند یعنی ۲۱۰ هزار تومان بیش از حداقل پایه حقوق تعیین شده برای هر کارگر. باید در نظر بگیریم که همه اینها تنها مخارجی است که برای رفع گرسنگی و نه مایحتاج دیگر نیاز می باشد. در واقع معنی همه آنچه شرح داده شد آن است که به فرض اگر یک کارگر ساده حداقل دستمزد تصویب شده یعنی ۳۰۳ هزار تومان حقوق را بگیرد فقط برای زندگی حداقلی خانوده خود، ماهانه حدود ۲۰۰ هزار تومان کم می آورد. این در حالی است که معاون اول اقای احمدی نژاد چندی پیش اعلام کرده بود امروز در کشور ما تورم یک رقمی (!) است، ولی متاسفانه عده‌ای دروغ می‌گویند و جمعی هم آن را باور می‌کنند! در سوی دیگر و در ضمن شرایط سخت اقتصادی گزارشها نشان می دهد در دولت مدعی مبارزه با فساد، بیشترین تسهیلات و وام های بانکی در اختیارتعداد اندکی از اشخاص حقیقی و حقوقی قرار داده شده است به طوری که حدود ۵۰ هزار میلیارد تومان معوقه بانکی کشور در اختیار ۸۴ فرد حقیقی یا حقوقی است. اما گویا برای دولتی ها اصلا این موضع اهمیت چندانی ندارد و آنها به روند پرداخت تسهیلات مشکوک ادامه می دهند تا جایی که خباز نماینده مجلس می گوید این رقم تاپایان سال به ۷۰ میلیارد دلار نیز می رسد. الیاس نادران دیگر نماینده مجلس نیز چندی پیش گفته بود از زمان روی کار آمدن رحیمی در ستاد مبارزه با مفاسد اقتصادی معوقه های بانکی افزایش پیدا کرده است. نکته مهم اما اینجاست که آقای احمدی نژاد در حالی در سخنرانی های استانی خود و در منظر مردم از تعویق پرداخت بدهی به بانکها گله می کند که رئیس سازمان بازرسی کل کشور معتقد است: «امروز بزرگ ترین وام گیرندگان از بانک ها، شرکت های دولتی هستند.» بنابراین این سوال مطرح می شود، وقتی بزرگ ترین وام گیرندگان شرکت های دولتی هستند، چگونه است که دولت نمی تواند آن ها را وادار به بازپرداخت وام ها کند؟ در واقع دولت به جای برخورد و رسیدگی به این موضوع از در انکار وارد می شود. برآیند اتفاقاتی که در سیاستگزاری های پولی و مالی کشور رخ می دهد نشان می دهد که بودجه عمومی چنانکه دولت ادعا می کند نه صرف رسیدگی به محرومین و مستضعفین که بیشتر هزینه در بی کفایتی های مدیریتی و ویژه خواری ها می شود.

خانواده شهید محلاتی هم از حمله خشونت طلبان بی نصیب نماند

خانواده شهید محلاتی که در ایام اعتراضات خیابانی مورد هجوم و حمله شدید نیروهای امنیتی قرار گرفته بودند تا کنون پرونده قضایی آنها بی فرجام مانده است.

مدتی پیش یکی از زندانیان سیاسی در دوران مرخصی به خبرنگار جرس گفته بود که با یکی از بستگان شهید محلاتی در زندان هم بند بوده است اما ظاهرا در آن زمان خانواده سکوت اختیار کرده و از طریق نهادهای قضایی پیگیر شده بودند. دلیل مشخص حمله و تحت فشار قرار دادن این خانواده نیز حمایت آنها از نامزدی میرحسین موسوی در انتخابات ریاست جمهوری بود. سکوت بستگان و نزدیکان شهید محلاتی بعد از روز عاشورا تا امروز به دلیل اینکه پیگیری های قضایی نتیجه نداده است، بالاخره شکست و فاطمه السادات شهیدی، خواهر همسر شهید محلاتی از حملهٔ ناجوانمردانهٔ نیروهایی که خودشان را مامور امنیتی معرفی می کردند، پرده برداشت. فاطمه السادات شهیدی می گوید: یک شب شش مرد بدون ارایه هیچ حکمی برای بازداشت خواهر زاده ام وارد منزل ما شدند. چند نفر اتاق خواب مرا و سایر جاهای خانه را بازرسی می کردند بقیه هم کتک می زدند. خواهر زاده جوان مرا که پدرش در دوران جنگ مفقود الاثر بوده است، به مبل بسته بودند و هر چقدر توان داشتند به سر و صورت او محکم مشت می زدند./ وقتی به آنها با فریاد می گفتم چرا فحش می دهید، می دیدم که بیشتر از دست ما عصبانی می شوند. حتی یک بار گفتم آقای خمینی آن موقع می آمدند محلات در خانه ما و با پدرم آیت الله شهیدی می نشستند آنها هم با عصبانیت حمله ور شدند و یکی از آنها هم فریاد زد «خمینی دیگر مرد، تمام شد.» دیدم تلفن های خانه را قطع کرده اند، موبایلم را برداشتم زیر چادرم پنهان کردم ولی یکی از آنها متوجه شد که می خواهم تماس بگیرم، از پشت روی چادرم لگد کرد و من با همان لباس خانه مانده بودم چه کنم. فقط می توانستم خدا را صدا بزنم و کمک بخواهم. با خشونت بر سر و گوش و دستهایم آنقدر کوبیدند که بینی ام شکست. جلوی چشم های خواهر زاده جوانم چنان مرا با فحش های رکیک مورد ضرب و شتم قرار دادند./ ابتدا از طریق آقای شهیدی که اتفاقا پسرعموی بنده و یکی از معاونان احمدی نژاد است درخواست ملاقات با آقای خامنه ای کردم تا در همان شرایطی که دست ها و صورتم کبود و سیاه بود بود، موضوع را به اطلاع ایشان برسانم اما گفتند : آقا نمی توانند دیدار کنند. حقیقتا خیلی ناراحت شدم و گفتم من اگر پیگیر نباشم فردا در برابر مردم مسوول خواهم بود و معلوم نیست چه بلایی سر دیگران هم بیاورند. خواهرزاده ام را هم همان شب روانه زندان کردند و او بیش از سه ماه در زندان بود و من بیرون از زندان پیگیر شکایتی بودم که هیچ کسی تا امروز پاسخگو نبوده، اما بازهم تا آخر می ایستم و پیگیری می کنم. بر اساس این گزارش عروس شهید محلاتی نیز در روز عاشورا توسط نیروهای امنیتی آنچنان مورد ضرب و شتم شدید قرار گرفت که بی هوش او را به بیمارستان منتقل کردند. در روز عاشورا که لباس شخصی ها و ماموران مردم را در خیابان کتک می زدند، عروس آقای محلاتی برای نجات یکی از مردم رفته بود اما خودش را با حشونت به باد کتک می گیرند. خون ریزی سرش آنقدر زیاد بود که بی هوش می شود و او را به بیمارستان منتقل می کنند.

خاتمی و موسوی با هم دیدار کردند

میر حسین موسوی و سید محمد خاتمی ضمن دیدار با یکدیگر به بررسی مسائل جاری کشور پرداختند. آنها ضمن تأکید بر تداوم این انتظار که «زندانیان سیاسی باید آزاد شوند و فضای باز و امن بر جامعه حاکم گردد و قانون اساسی به صورت همه جانبه و بدون تنازل جاری و اجرا شود»، از اینکه همچنان خلاف این امر اتفاق می افتد و حتی عزیزانی به آنها ستم شده و از حق قانونی خود برای شکایت استفاده کرده اند، به جای رسیدگی عادلانه، مجدداً به زندان بازگردانده می شوند، ابراز تأسف نمودند.

خاتمی و موسوی همچنین با گرامیداشت یاد و خاطره حماسه دفاع مقدس و ادای احترام به شهیدان و جانبازان و آزادگان و خانواده های محترم آنان، خواستار برخورد جدی با اهانت کنندگان و متعرضان به خانواده های عزیز سرداران شهید، همت و باکری و دیگر شخصیت های برجسته انقلاب و کشور شدند.

آیا خبر دارید محمد نوری زاد جهادگر بسیجی در نامه ای از کهریزک دوم در اوین خبر داده است؟ به سایت کلمه مراجعه کنید www.kaleme.com

اخبار کوتاه

* کارگران کارخانه روغن نباتی قو (واقع در تهران)، دراعتراض به عملکرد مدیریت آن شرکت و پرداخت حقوق کارگران از محل فروش املاک شرکت قو دست از کار کشیدند
* بهای خرید هر دلار در ساعات میانی معاملات روز سه شنبه را ۱۱۱۰ تومان و قیمت فروش هر دلار را ۱۱۳۰ تومان اعلام شد.
* دادستان کل کشور بدون اینکه دادگاهی برگزار شود و امکان دفاع را فراهم شود، فعالیت جبههٔ مشارکت را غیر قانونی اعلام کرد. اما جبههٔ مشارکت این حکم را غیر قانونی دانست
* نمایشگاهی در تنگه مرصاد برگزار شد تصاویر نمایش داده شده طوری در کنار هم قرار گرفته شده بود که به بیننده القاء کند که رهبران و مردمی که به تقلب در انتخابات اعتراض داشته اند با منافقین در یک مسیر قرار دارند. این حرکت برگزار کنندگان نمایشگاه مورد اعتراض بسیاری از خبرنگاران و جوانان بسیجی که برای بازدید از جبهه ها اعزام شده بودند قرار گرفت.

آیا شکایتنامه هفت قربانی انتخابات از مسئولان سپاه را خوانده اید ؟ از نزدیکان خود بپرسید

به دستور دولت آقای احمدی نژاد، نام بردن از آقایان موسوی، خاتمی و کروبی در رسانه ها ممنوع است. با تکثیر و پخش این روزنامه به انتشار خبرها کمک کنید

بنی الاسلام علی الکلمتین ، کلمهٔ التوحید و توحید الکلمهٔ

کلمه

WWW.KALEME.COM

روزنامه کلمه / پیش شماره پنجم / شنبه ۱۰ مهر ۱۳۸۹ / شمارگان: ما بی‌شماریم

برخلاف آنچه دستگاه‌های تبلیغاتی دولتی سعی در القای آن دارند، این ما هستیم که بازگشت اعتماد و آرامش به فضای جامعه را خواهانیم. ما حفظ جمهوری اسلامی را می خواهیم، و تقویت وحدت ملی، و احیای هویت اخلاقی نظام و بازسازی اعتماد عمومی جز با پذیرش حق حاکمیت مردم و کسب رضایت نهایی آنان از نتایج اقدامات حکومت، و شفافیت در تمامی اقدامات از طریق اطلاع‌رسانی مستمر، ممکن نیست.

از بیانیه شماره ۱۱ میرحسین موسوی

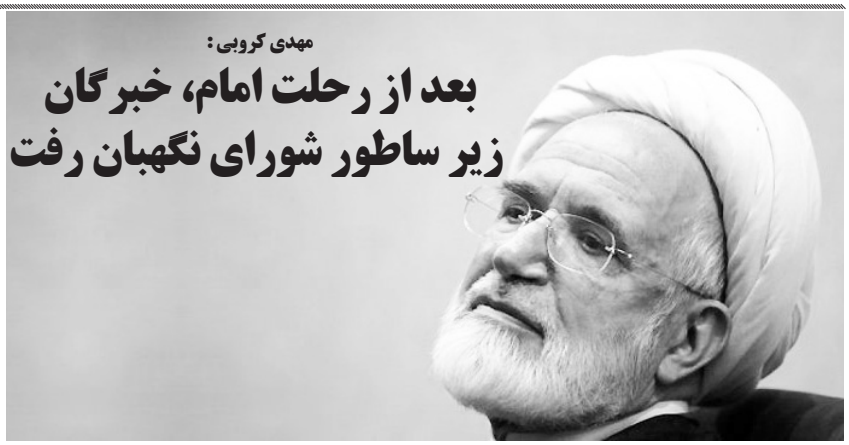

مهدی کروبی:

بعد از رحلت امام، خبرگان زیر ساطور شورای نگهبان رفت

چندی پیش مهدی کروبی، با ارسال نامه ای به رئیس مجلس خبرگان، خواهان اعمال نظارت بر نهادهای زیر مجموعه ی رهبری انقلاب شد. در این نامه آقای کروبی از عدم استقلال قوه قضائیه، فرمایشی بودن احکام دادگاه های سیاسی و مطبوعاتی و دخالت سپاه در مسائل سیاسی و اقتصادی انتقاد کرد. اما چیزی از انتشار این نامه نگذشت که رسانه های مدعی اصولگرایی با فحاشی و توهین به استقبال نامه مهدی کروبی رفتند. سایت تغییر در گفت‌وگویی با مهدی کروبی، به ارزیابی این واکنش‌های تند و توهین‌آمیز و علت آن پرداخته است. آقای کروبی در این گفت‌وگو تاکید می‌کند که چنین واکنش هایی صرفا در جوامع استبدادی به وجود می آید، و می‌پرسد: آیا مسئولیت بدون پرسش معنا دارد؟ وی همچنین تصریح می‌کند: مجلس خبرگان برای تعیین، نظارت و همچنین عزل رهبری شکل گرفته است. اما اینها می گویند صراحت قانون اساسی را بیان نکنید، حتی تلفظ هم نکن! در حالی که امام به فقهای مجلس خبرگان فرمود: "مسئولیت تان در راس همه مسئولیت ها است. زیرا بالاترین انحراف که منجر به انحراف تمام ارگان ها می شود، انحراف رهبری است."

آیت‌الله العظمی دستغیب شیرازی:

خبرگان فعلی از ماهیت خود بیرون رفته است

آیت‌الله العظمی سید علی‌محمد دستغیب گفتند: این که گفته شود ولیّ فقیه قانون اساسی می‌تواند بر جان و اموال مردم حکومت کند، سخن بی‌مدرکی است. این مرجع تقلید مقیم شیراز تاکید کرده: اعضای خبرگان، تکلیفشان تنها تعیین رهبر یا تأیید رهبر نیست، بلکه لازم است هر کدام ملجأ و مرجع مردم در حلّ مشکلاتشان باشند؛ مشکلات دینی و دنیایی، طرفدار مظلوم بوده و در برابر تجاوز ظالمین بایستند؛ این عضو مجلس خبرگان در ادامه می‌نویسد: خبرگان فعلی از ماهیّت خود بیرون رفته است.

تلاش دولت برای ترویج چند همسری و نامه رهنورد به رییس مجلس

دولت احمدی نژاد در چند ساله گذشته بارها تلاش کرده است با تصویب لایحه ای موسوم به حمایت از خانواده، چند همسری را در جامعه ترویج کند. تصویب این قانون نه تنها چند همسری مردان را آسان و به از هم پاشیدگی خانواده کمک می کند، بلکه در چنین شرایطی زن همچنان از حق طلاق هم محروم است. زهرا رهنورد، نویسنده و استاد دانشگاه با نوشتن نامه ای خطاب به رییس مجلس از او خواسته است که موادی از این قانون را که منجر به چند همسری مردان می شود از دستور مجلس خارج کند. رهنورد در بخشی از نامه خود نوشته است : اگر مطمئن نبودم که روح آیات مربوط به خانواده در قرآن ناظر به تک همسری است هرگز خود را راضی به نگاشتن این نامه نمی کردم. اما آیاتی که هر یک به نحوی به خانواده مربوطند آنچنان آرامش، مودت، رحمت و پرورش فرزندان نمونه را توصیه می کنند که هرگز با خانواده چند همسری و با شیوه های تعدد زوجات و وجوه جرم خیز و التهاب آفرین آن که بارها در جامعه امروزی شاهد آن بوده ایم قابل تصور نیست. این استاد دانشگاه همچنین خطاب به رییس مجلس گفته : چنانچه مستحضرید هر گاه بررسی لایحه به اصطلاح حمایت از خانواده مطرح شد، موجی از التهاب را در جامعه زنان دامن زده و موجب نگرانی بیشتر در فضای فکری و فرهنگی کشور شده است. بیهوده نیست که اغلب آن را لایحه "تخریب خانواده" می نامند.

حمایت سینماگران از جنبش سبز؛ خط و نشان وزیر ارشاد برای هنرمندان

در مراسم جشن خانه سینما که به منظور تقدیر از سینماگران برجسته ایران برگزار شده بود، رخشان بنی اعتماد، کارگردان صاحب نام، و باران کوثری، بازیگر مطرح سینمای ایران با مچ بند و روسری سبز روی صحنه حاضر شدند و اصغر فرهادی (کارگردان فیلم سینمایی درباره الی) در سخنانی به انتقاد از سیاست های فرهنگی دولت پرداخت. مچ بند و روسری سبز و سخنان انتقادی سینماگران با واکنش تند دولتمردان در وزارت فرهنگ و ارشاد احمدی نژاد روبرو شد. فیلم فرهادی توقیف شد و وزیر ارشاد برخی هنرمندان را به تلاش برای براندازی متهم کرد. وزیر ارشاد دولت دهم در اظهاراتی تهدیدآمیز، نسبت به انتشار بیانیه‌های مخالفان دولت در مطبوعات هشدار داد و خانه سینما را هم به تعطیلی و سرنوشت مشابه انجمن صنفی روزنامه‌نگاران تهدید کرد و گفت: الان دیگر اگر کسی بخواهد جنبش مُرده سبز را زنده کند معنی ندارد! اما در واکنش به این اظهارات مدیرعامل خانه سینما در نامه ای شدید الحن به وزیر ارشاد نوشت : ای کاش شهامت عذر خواهی از مردم و خانواده شهدا بابت کوتاهی ها و بی کفایتی هایمان در روند پیشرفت و آبادانی کشورمان را داشتیم.

مجازات های سنگین زندان برای فعالان سیاسی و اجتماعی

از خردادماه سال گذشته و پس از انتخابات پر مناقشه انتخابات دهم ریاست جمهوری، همچنان تعدادی از فعالان سیاسی، اجتماعی، دانشجویان، روزنامه نگاران و حتی شهروندان عادی که به نتیجه انتخابات معترض بوده اند همچنان در زندان به سر می برند؟ و برخی از این فعالان نیز با قرار وثیقه های سنگین آزاد و یا به مرخصی آمده اند؟ گزارش های مستند حاکی است که زندانیان سیاسی- عقیدتی مستقر در بند ۳۵۰ زندان اوین که اتهام اصلی شان اعتراض به نتیجه انتخابات بوده، روی هم رفته باید ۶۴۰ سال زندانی بکشند. به تازگی گزارشی مفصل از اسامی و مشخصات ۲۱۶ زندانی سیاسی – عقیدتی و امنیتی در زندان های مختلف کشور منتشرشده که در مجموع بیش از ۱۱۰۰ سال محکومیت دارند.

انفجار در بازار ارز اعتصاب در بازار طلا

بحران در بازار ارز و تداوم افرایش نرخ صعودی آن با وجود وعده های دولت مبنی بر کنترل آن همچنان ادامه دارد. این ماجرا در حالی صورت گرفته است که بازار طلا فروشان در تهران و چند شهر دیگر نیز در اعتراض به اجرای مالیات بر ارزش افزوده نزدیک به یک هفته است که در اعتصاب به سر می برند. رییس بانک مرکزی، محمود بهمنی با بیان اینکه «قیمت واقعی» دلار ۱۰۶۰ تومان است، گفت: «قطعا تا هفته آینده قیمت دلار به حالت عادی خود بر می‌گردد».پیش از این نیز معاون اول احمدی نژاد قول داه بود تا پنج‌شنبه خریداران می‌توانند به هر میزان که می‌خواهند طلا و ارز از بانک مرکزی خریداری کنند.او هدف دولت را از دخالت در این کار کنترل "قیمت ارز و طلا در بازار دا خلی "عنوان کرد. اما قیمت ها نه فقط کنترل نشده که به شکل لجام گسیخته ای در حال افزایش است.

تحریم ها عامل بی ثباتی بازار ارز

با این حال و با وجود این وعده ها، و تزریق « نامحدود سکه و دلار» به بازار، نوسان قیمت‌ها در این دو بازار همچنان ادامه دارد. قیمت دلار آمریکا این روزها در بازار داخلی همچنان روند صعودی داشته و هر لحظه رکوردهای جدیدی به ثبت می‌رسد. در هفته‌ای که گذشت، ریال ایران در برابر دلار آمریکا، نزدیک به ۱۵ درصد ارزش خود را از دست داد تا اینکه در روز پنجشنبه کمی قیمت آن بهبود پیدا کرد. برپایه گزارش‌های منتشر شده، قیمت دلار در روز پنجشنبه، نسبت به روز قبل، با کاهش ۴۰ تا ۷۰ تومانی مواجه بود و در بازار بین ۱۱۵۰ تا ۱۱۸۰ خرید و فروش شد؛ قیمت رسمی دلار که از سوی بانک مرکزی اعلام شده، ۱۰۲۰تومان بود. در همین روز سکه تمام بهار طرح قدیم در تهران بین ۳۷۰ تا ۳۷۵ و سکه تمام بهار طرح جدید، بین ۳۵۰ تا ۳۵۲ هزار تومان خرید و فروش شد. رییس کل بانک مرکزی به دلالان ارز و سکه وعده داده است: با عرضه فراوان سکه و ارز توسط بانکها و بانک کارگشایی قیمت سکه هفته آینده به سطح جهانی کاهش می‌یابد و دلار را نیز به قیمت ۱۰۶۰ تومان می رسانند. کارشناسان اقتصادی تحریم‌های ایران را از جمله عوامل بی‌ثباتی در بازار ارز ایران میدانند و میگویند در ماه‌های اخیر امارات متحده عربی، به ویژه دوبی، در ارائه خدمات مالی به ایران همچون گذشته عمل نمی‌کند. آنها تاکید می کنند: علت تغییرات شدید قیمت در بازار ارز و طلا همچنین به دلیل "خالی بودن موجودی ارز در بانک های داخلی"، "عدم صدور حواله ارزی توسط بانک های کشورهای همسایه (چون ترکیه و امارات)" و "متوقف شدن فعالیت بانکهای ایرانی در برخی کشورهای مبدا ارز، تحت تاثیر تحریم های جهانی" است.

نقش اعتصاب بازار طلافروشان

کارشناسان اقتصادی همچنین نوسانات بهای ارز خارجی را با اعتصاب بازارهای طلافروشان ایران هم مرتبط می دانند. آنها می گویند: نابسامانی های بازار طلا در اعتراض به اجرای قانون مالیات بر ارزش افزوده به جایی رسیده که نه تنها نرخی برای خرید و فروش سکه در بازار وجود ندارد بلکه صرافی ها و سکه فروشها، سکه ای برای فروش ندارند و از سوی دیگر قیمت دلار را به شدت افزایش داده اند. طلا فروش های شهر های شیراز، مشهد، تهران، قزوین و اراک در اعتراض به اجرای قانون مالیات بر ارزش افزوده اعتصاب و مغازه های خود را تعطیل کرده اند. معاون مالیات برارزش افزوده سازمان مالیاتی کشور به طلافروشان هشدار داده اگر تا پایان مهرماه برای نام‌نویسی در سامانه مالیات بر ارزش افزوده اقدام نکنند، مشمول پرداخت جریمه و متهم به جرائم قانونی خواهند شد. اما با توجه به عمل نکردن دولت به توافق و تعهد قبلی خود با بازاریان، این موارد تا کنون مورد توجه و پذیرش اصناف قرار نگرفته است. اعتصاب در بازار حتی به بازار آهن فروشان تهران هم رسیده است. اعضای این صنف هم خواهان تعویق شش ماهه اجرای قانون مالیات بر ارزش افزوده شده اند. کارشناسان اقتصادی پیش بینی می کنند که وضعیت اخیر به دلیل عدم تزریق ارز از سوی بانک مرکزی، ناکار آمدی دولت، تحریم های اقتصادی و بی انگیزه شدن سرمایه گذران از ورود به بازارهای موازی تا مرز انفجار پیش برود.

آیا اعترافات تلوزیونی حمزه کرمی در دادگاه های نمایشی پارسال را یادتان هست؟ این رزمنده دفاع مقدس چند هفته پیش در نامه ای به دادستان کل کشور پرده از شکنجه های وحشتناکی برداشت که در زندان انفرادی بر او وارد می کرده اند. متن نامه را از دوستان خود بخواهید.

اصل ۳۸ قانون اساسی کشورمان می گوید: هرگونه شکنجه برای گرفتن اقرار و یا کسب اطلاع ممنوع است. اجبار شخص به شهادت، اقرار یا سوگند، مجاز نیست و چنین شهادت و اقرار و سوگندی فاقد ارزش و اعتبار است. متخلف از این اصل طبق قانون مجازات می‌شود.

رسانه های رسمی بسیاری از حقایق مربوط به وضعیت اقتصادی و سیاسی کشورمان را از دید مردم پنهان کرده اند . به مردم خبر رسانی کنید.

بنی الاسلام علی کلمتین، کلمهٔ التوحید و توحید الکلمهٔ

کلمه

ویژه نامه مصاحبه میرحسین موسوی

WWW.KALEME.COM

روزنامه کلمه / پیش شماره ششم / چهارشنبه ۱۴ مهر ۱۳۸۹ / شمارگان: ما بی‌شماریم

فرازی از نامه علی (ع) به مالک اشتر

چونان حیوانی درنده مباش که خوردنشان (مردمان) را غنیمت‌شماری، زیرا آنان دو گروهند، یا همکیشان تو هستند یا همانندان تو در آفرینش. از آنها خطاها سر خواهد زد و علتهایی عارضشان خواهد شد و بعمد یا خطا، لغزشهایی کنند، پس، از عفو و بخشایش خویش نصیبشان ده، همانگونه که دوست داری که خداوند نیز از عفو و بخشایش خود تو را نصیب دهد.

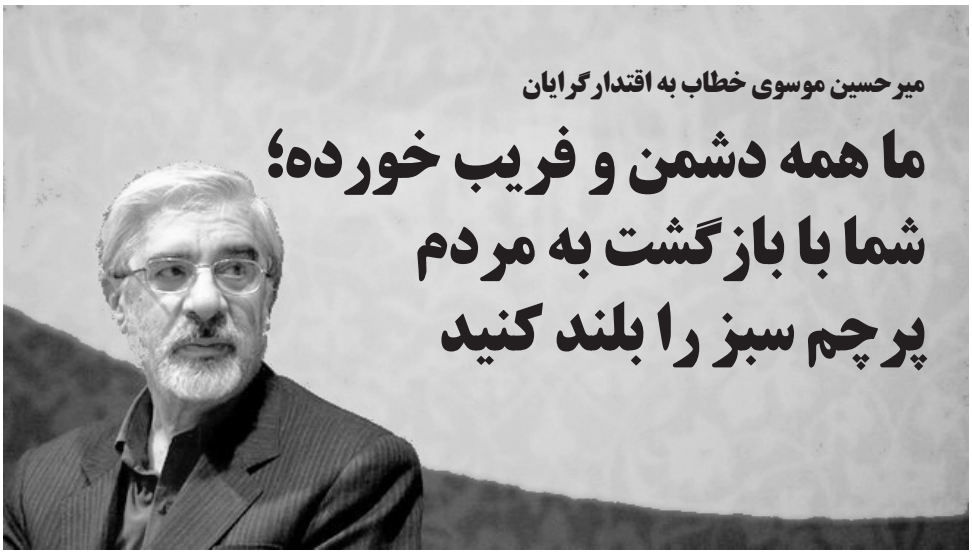

میرحسین موسوی خطاب به اقتدارگرایان

ما همه دشمن و فریب خورده؛ شما با بازگشت به مردم پرچم سبز را بلند کنید

«فرض کنید ما همه دشمن و یا فریب خورده دشمن باشیم. شما بدون توجه به ما، میثاق بین خود و مردم را که رعایت حقوق مردم و حفظ آزادی ها و اجرای بدون تنازل قانون اساسی و حق حاکمیت مردم بر سر نوشت خودشان است، رعایت کنید.» این جملات به خوبی تفاوت بین نگاه اخلاقی به سیاست و توجه به خیر عمومی مردم را در برابر نگاه رایج امروز که حفظ قدرت به هر بها و بهانه است، نشان می دهد. نخست وزیر دوران دفاع مقدس که دولتش از سوی امام لقب دولت خدمتگزار را گرفته بود در مصاحبه ای ، به تشریح ویژگی های جنبش سبز و نیز شرایط خطیر کنونی کشور پرداخت.

میرحسین در این مصاحبه از دولتمداران پرسیده است که «چه کسی به شما اختیار داده است که با ماجراجوئی و استبداد رای کشور را در مقابل همه جهان قرار دهید و این شرایط وخیم را در وضع اقتصادی و سیاسی کشور ایجاد کنید؟»

موسوی آبروی امروز نظام را در گرو عمل به قولها و اجرای قانون در مورد پرونده هایی چون فجایع کهریزک و یا جنایات حمله به کوی دانشگاه و پیگیری نامه های زندانی های مظلوم سیاسی از جمله عبدالله مومنی و حمزه کرمی و آریا آرام نژاد و فعالین مازندرانی دانسته است. نخست وزیر دوران جنگ در این گفت و گو به مشکلات اقتصادی کشور نیز پرداخته و گفته است که گذشته از خطرات امنیتی و اقتصادی بیرونی که کشور در معرض آن قرار دارد، یک مشکل اساسی امروز «کوتاه شدن دست کشور در استفاده از نیروهای کارآمد برای مدیریت بحران در سطح سیاسی و اقتصادی و اجتماعی است. نیروهای کارآمدی که به عوض آنکه مشغول حل مشکلات و از بین بردن اثرات خرابکاریها باشند، یا در زندانها هستند و یا در انزوا.»

دروغ و وارونه سازی حقایق باید متوقف شود تا ما همه مردم را پشت نظام داشته باشیم. باید بدانیم در دراز مدت برای مردم مهم تر از اسم حکومت تامین حقوق حقه آنان و احترام به کرامت ذاتی آنهاست. اگر می خواهید اسلام را حفظ کنید بطور عملی باید نشان بدهید که اسلام از تامین حقوق مردم و حق حاکمیت انان بر سرنوشت خود وحل مشکلات کشور عاجز نیست ومخالف ظلم وفساد و زورگوئی وفامیل بازی و اختناق است.

با عدالت طلبی نمی توان مخالفت کرد

موسوی تاکید کرد اقتدارگرایان نمی توانند آشکارا با مطالبات جنبش سبز مخالفت کنند چرا که چه کسی می تواند آشکارا با آزادیخواهی و عدالت طلبی و یا انتخابات غیر گزینشی آزاد و رقابتی مخالفت کند. یا چه کسی می تواند تکیه بر ارزشهای فرهنگهای متنوع قومی را رد کند و یا به راحتی و باصدای بلند بگوید که کرامت ذاتی انساتها را قبول ندارد و یا نمی خواهد مردم حاکم بر سرنوشت خود باشند؟ ما می دانیم درضمیر و باطن انسانی هیچ کس حتی در میان نیروهای امنیتی، نظامی و بسیجیان سیاهپوش امروزی راضی به کشتن و سرکوب ومحبوس کردن فرهیختگان، معلمان، کارگران و زنان و مردان نیست، مگر یک عده بیمار و یا وابستگان به قدرت و سودبرندگان از غارت منابع ملی. به همین دلیل وقتی مخالفان جنبش نمی توانند با خواسته های جنبش مقابله کنند دشمن تراشی می کنند.

فرض کنید ما دشمن و یا فریب خورده دشمنیم...

وی سخنان سردار مشفق از ماموران ارشد نیروهای مسلح را سندی برای اثبات تقلب و کودتای انتخاباتی دانست، سخنانی که انتشار آنها و شکایت اصلاح طلبان از وی موجب عصبانیت حاکمیت شد و تعدادی از اصلاح طلبان را دوباره روانه زندان کرد. وی تاکید کرد: «این سخنان برای نشان دادن انحطاط فکری دشمنان مردم بسیار مهم است. دلیل عصبانیت اقتدارطلبان از شکایت بر پایه سخنرانی کذائی همین است. اما ما در مقابل این عصبانیت می توانیم بگوییم که فرض کنید ما همه دشمن و یا فریب خورده دشمن باشیم، شما بدون توجه به ما میثاق بین خود و مردم را که رعایت حقوق مردم و حفظ آزادی ها و اجرای بدون تنازل قانون اساسی و حق حاکمیت مردم بر سر نوشت خودشان است، رعایت کنید. شما با بازگشت به سمت مردم و قانون و دوری از استبداد، خودتان پرچم سبز را بلند کنید.» چه کسی به شما اختیار داده است که با ماجراجوئی واستبداد رای کشور را در مقابل همه جهان قرار دهید واین شرایط وخیم را در وضعیت اقتصادی و سیاسی کشور ایجاد کنید. خودتان برای خودتان هورا نکشید! رفراندوم برگزار کنید ببینید آیا مردم این سیاستهای ویرانگر را قبول می کنند یا نه؟

به نظر من تبدیل دروغ بعنوان روش اداره کشور هم نشان خوف است و هم نشان زوال. اینها نه تنها از تجمع ها و راهپیمایی های خیابان که حتی از مچ بند سبز هنرمندان و ورزشکاران و جوانان نیز می ترسند.

برای پوشاندن ظلم، دروغ می گویند

وی با اشاره به اینکه برخی دولتمردان قصد دارند بگویند جنبش سبز پایان یافته است تصریح کرد: «امتحان این ادعا خیلی ساده است. بگذارند بدون پر کردن خیابانها از نیروهای سیاه پوش و مسلح در مراسمی مثل شانزده آذر و یا بیست پنج خرداد مردم نظر خود را با استفاده از حقوق شان که در اصل بیست و هفت قانون اساسی آمده است، نشان بدهند. نخست وزیر امام گفت: شما به ترک هائی که در بدنه آلوده به فساد و ظلم ایجاد شده نگاه کنید. این ترکها در جاهایی به شکافهای غیرقابل ترمیم تبدیل شده است. آنها برای پوشاندن این شکافها به طور مرتب به دروغگوئی وادار می شوند.

می شود سخنرانی ها و مواضع اخیر در نیویورک را از زاویه تامین منافع ملی بین استادان و صاحبنظران و حتی کارشناسان زبده وزارت خارجه به بحث و گفتگو گذاشت تا معلوم شوداین مواضع چقدر به نفع مصالح ملی ما بوده است. البته ممکن است در قهوه خانه های بعضی از کشور های عربی به به و چه چه هم بشنویم. ولی اثرات واقعی این مواضع درسفره های محرومان و مستضعفان جامعه و بازار و اقتصاد ملی روز بروز بیشتر حس خواهد شد.

او حفظ آبروی نظام را در گرو عمل به قولها و اجرای قانون به ویژه در مورد پرونده هائی چون فجایع کهریزک و یا نامه های زندانی های مظلوم سیاسی و یا جنایات حمله به کوی دانست و افزود: «کاملا مشهود است که دولتمداران راه حلی را در این زمینه ندارند و برای همین دروغ ها هر روز درحال افزایش است و هر روز بیشتر از روز پیش مشت اینان در مقابل مردم ایران و جهانیان باز می شود.» وی تاکید کرد: «اینکه در مقابل میلیاردها انسان در مقر سازمان ملل بگوییم در ایران زندانی سیاسی وجود ندارد و اینهائی که زندانی هستند می خواسته اند پلیسها را بکشند و یا ترس خود را از مچ بند سبز ورزشکاران و هنرمندان نتوانیم پنهان کنیم نشان می دهد که جنبش در همه حال و همه جای ایران و جهان حضور دارد و اینان را راحت نمی گذارد و عرصه را آن چنان برای ظالمان تنگ کرده است که تصدیق بدیهیات از سوی اینان مساوی رها کردن قدرت خواهد بود و به همین دلیل بسط آگاهی ها برای آینده کشور و جنبش نقش حیاتی دارد. نیروهای مسلحی که درآستانه روز قدس برای ترساندن مردم به خیابانها آورده شدند نشان می دهد که اقتدار گرایان از سرزندگی جنبش اطلاع کامل دارند. حالا اگر یک وزیر بی اختیار تعادل خود را در مقابل مچ بند سبز سینماگرها از دست می دهد نباید آنرا جدی گرفت.»

نظام ما دچار توهمات بزرگی شده است

وی با اشاره به آخرین وضعیت اقتصادی کشور به خصوص وضع تحریم های جدید علیه ایران یاد آور شد: نظام امروز دچار توهمات خطرناکی است و مشغول خراب کردن همه پلهای کوچک و بزرگ پشت سر خود است و گرنه در داخل این معرکه بزرگ به فکر حذف روز گفتگوی تمدنها از تقویم های کشور نمی افتادند. همین اقدام به ظاهر کوچک به خوبی نگاه کوتاه نگرانه و جناحی را که کشور دچار آن شده است، نشان می دهد. او تصریح کرد: «حضرات فکر می کنند عرصه سیاست داخلی و خارجی مثل سر گذرهای کوچک محلات قدیمی است که با اشتلم و فحش و دعوا حریف را از میدان به در می کردند. مشکل در این است که مقیاسها اشتباه گرفته شده است و بین منافع بزرگ ملی و منافع حقیرانه شخصی و صحنه پیچیده بین المللی و جدالهای کوچک سرمحله ای خلط شده است وگرنه با احتیاط و تدبیر بیشتر عمل می شد.» وی با اشاره به اینکه تعداد زیادی از مدیران و متخصصان کشور این روزها در زندان به سر می برند افزود: «بنده متاثر می شوم وقتی می بینم مدیران برجسته کشور به جای آنکه مشغول حل مشکلات و از بین بردن اثرات خرابکاریهای آقایان باشند یا در زندانها هستند و یا در انزوا. همه ما شاهد آن بوده ایم که بعضی از این مدیران در سطح اجرا چه معجزاتی آفریده اند. امروزهمه زنان و مردانی که گمنام و یا مشهور تحت تعقیب و یا در زندان هستند می توانستند گره های بسیار ازمشکلات کشور باز کنند.»

به شکایت زندانیان سیاسی رسیدگی کنید

موسوی بار دیگر ضمن سخنانش تاکید کرد: «دروغ و وارونه سازی حقایق باید متوقف شود تا ما همه مردم را پشت نظام داشته باشیم. باید بدانیم در دراز مدت برای مردم مهم تر از اسم حکومت تامین حقوق حقه آنان و احترام به کرامت ذاتی آنهاست. اگر می خواهید اسلام را حفظ کنید، به طور عملی باید نشان بدهید که اسلام از تامین حقوق مردم و حق حاکمیت آنان بر سرنوشت خود و حل مشکلات کشور عاجز نیست ومخالف ظلم وفساد و زورگوئی وفامیل بازی و اختناق است.» موسوی با اشاره به سخنان اخیر یکی از سخنگویان حزب موتلفه که گفته است باید بدنه مردم را از موسوی و خاتمی و کروبی جدا کنیم گفت: «به نظر من استراتژی عاقلانه ای است ولی مردم جذب تشکلهایی می شوند که مردم را به خاطر منافع خودشان با دگرسازیهای بی مورد خودی و ناخودی نکنند واز حقوق مردم دفاع کنند.» او در پایان افزود: «چه اشکالی دارد موتلفه هم به نامه های حمزه کرمی و عبدالله مومنی و به دفاعیه آریا آرام نژاد و فعالین مازندرانی توجه و رسیدگی کند و هم مخالفت صریح خود را با شکنجه و اعتراف گیری و تواب سازی اعلام کند؟ من یقین دارم اگر شهید بزرگوار عراقی امروز زنده بود از حق وعدالت دفاع می کرد حتی اگر به ضررخود ویا دوستانش بود.»

درست از لحظه پایان انتخابات معترضان هیچ تریبونی برای سخن گفتن با مردم نداشتند و در مورد آنها از رسانه های رسمی تنها دروغ گفته شد. به دانستن اقوام خود کمک کنید.

بنی الاسلام علی کلمتین ،کلمهٔ التوحید و توحید الکلمهٔ

کلمه

WWW.KALEME.COM

روزنامه کلمه / پیش شماره هفتم / شنبه ۱۷ مهر ۱۳۸۹ / شمارگان : ما بیشماریم

جنبش سبز حرکتی در تداوم تلاش مردم ایران برای دستیابی به آزادی و عدالت اجتماعی و تحقق حاکمیت ملی است که پیش از این در برهه هایی چون انقلاب مشروطیت، جنبش ملی شدن نفت و انقلاب اسلامی خود را جلوه گر ساخته است.

بیانیه شماره ۱۸ میرحسین موسوی / منشور جنبش سبز

هنرمندان در صف ملت

دولت : امضاکنندگان بیانیه‌های خانه‌سینما به‌دقت زیر ذره‌بین می‌روند

دهها سینماگر برجسته کشور که با امضای بیانیه ای یک جمله ای حمایت خود را از مدیر عامل خانه سینما اعلام کردند، توسط دولت تهدید شدند. ماجرا از اینجا شروع شد که اصغر فرهادی سینماگر مشهور کشورمان در جشن خانه سینما با انتقاد از شرایط فعلی کشور آرزو کرد که سال آینده شرایط مانند امسال و اکنون نباشد. در همان مراسم نیز هنرمندانی با دستبند سبز در مراسم حاضر شدند که از دید رسانه ها پنهان نماند . همه اینها مسوولان وزارت ارشاد را به واکنش های عصبی واداشت. حسینی، رئیس وزارتخانه ارشاد گفت معنی ندارد جنبش مرده! سبز دوباره زنده شود و اتهاماتی نیز به اهالی فرهنگ و خانه سینما نیز وارد کرد. در پی این اتهامات متصدی وزارت ارشاد دولت دهم علیه سینماگران و هنرمندان، مدیرعامل خانه سینما با ارسال نامه‌ای از اتهام‌زنی‌های وی به شدت انتقاد کرد و خواستار تشکیل یک کمیته حقیقت‌یاب برای بررسی رفتار وزارت ارشاد با خانه سینما شد. وی همچنین با انتقاد از هتاکی شمقدری معاون وزیر ارشادبیانه ی این معاون سینمایی رو به رفتار جرج بوش تشبیه کرد و نوشت: ای کاش روزی شهامت داشته باشیم و از ملت شریف ایران،شهدای عزیز و... بابت کوتاهی ها و بی کفایتی هایمان در روند پیشرفت و آبادانی کشورمان عذر خواهی می کردیم. عسگر پور در این بیانیه تاکید کرده بود خیلی وقت است. که دیگر اتهام بر اندازی نظام به منتقدانِ بی کفایتی و سوء تدبیر در مدیریت رنگ باخته است. پس از این بیانیه بود که موج حملات دولتی ها به خانه سینما شدت گرفت. در واکنش به این مساله دهها سینما گر در بیانیه ای که تنها حاوی این جمله بود که: «برای حفظ سینمای ارزش‌مدار ایران و جامعه‌ی اصناف سینمایی درکنار مدیرعامل منتخب خود(خانه سینما) ایستاده‌ایم»، از مدیر عامل خانه سینما حمایت کردند. پس از آن یکی از مدیران وزارت ارشاد در اظهاراتی تهدید آمیز گفت : برای شناسایی سربازان جنگ نرم در جبهه دشمن و عوامل نفوذی؛ امضاکنندگان بیانیه‌های خانه‌سینما به‌دقت زیر ذره‌بین می‌روند. این مدیر دولتی که گویا مانند سایر مدیران دولت کنونی دچار مشکل «خود نظام بینی» است درحالی به صراحت حمایت ساده جمع کثیری از هنرمندان را بر نمی تابد و تا حدی نفوذ دشمن و جنگ نرم ارتقا می دهد که بسیاری از این شخصیت ها هم اکنون برنامه های هنریشان در حال پخش از سینما و تلوزیون است. و این سوال باقی می ماند که آیا دشمن تا این میزان در به خدمت در آوردن هنرمندان کشورمان موفقیت داشته است؟ البته علیرغم همه این تهدیدات، امضاهای هنرمندان که در واقع تبدیل به کمپینی از سینماگران برای مخالفت با سیاستهای فرهنگی دولت شده است همچنان در حال افزایش است.

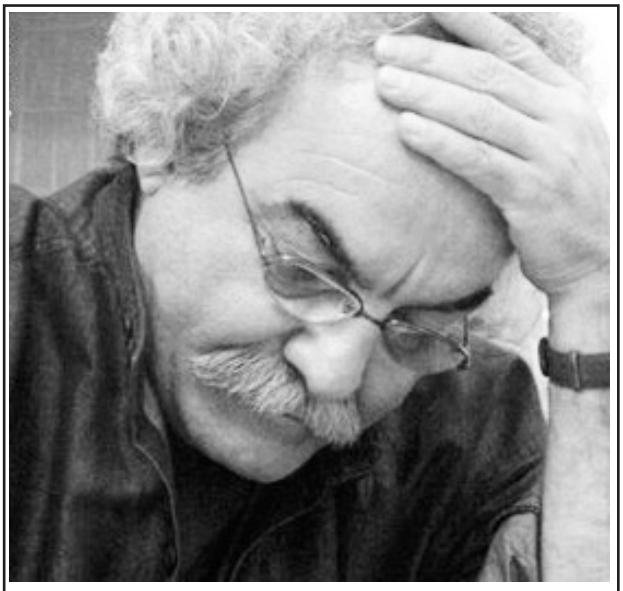

سید علی صالحی (شاعر) :

مردم گرسنه‌اند؛ جایزه‌ها را بگذارید برای بعد

سیدعلی صالحی جایزه داوران شعر نیما را نپذیرفت و اعلام کرد در شرایطی که «مردم با آبرو، گرسنه» هستند، هیچ جایزه‌ای را نخواهد پذیرفت. وی گفت: «در این شرایط شرف‌شکن، دادن و گرفتن جایزه، یعنی تأیید همین شرایط. شرم‌آور نیست؟ این بازی‌ها را بگذارید برای بعد.» به گزارش خبرگزاری ایلنا، صالحی گفته که «مردم با آبرو گرسنه‌اند، با سیلی رخسار سرخ می‌کنند. جایزه‌ها را بگذارید برای بعد. عزت مردم در اولویت است.»

سید محمد خاتمی:

فتنه، زیر پا گذاشتن معیارهای انسانی و قانونی به نام دفاع از انقلاب است

رئیس‌جمهور سابق کشورمان با بیان اینکه امروز زیاد از فتنه دم می‌زنند و واقعاً هم در دوران فتنه به سر می‌بریم، اظهار داشت:من می‌گویم آیا از مصادیق فتنه این نیست که معیارهای اخلاقی، شرعی، انسانی و قانونی به نام دفاع از ارزشها و انقلاب زیر پا گذاشته شود؟ و در نتیجه آن علاوه بر ظلم و ستمی که می شود و هزینه‌هایی که جامعه می پردازد چهره نظام نیز زشت جلوه داده می شود. وی با ابراز تاسف شدید از هزینه داشتن نقد و انتقاد، تاکید کرد: چرا باید آزادیهایی که در متن قانون اساسی بر آن تأکید شده است محدود شود و از طرف دیگر هر تهمت و ناسزا و ناروایی آزاد باشد یا برخورد مناسب با آن نشود؟ اگر اینها به نام نظام و انقلاب باشد جفا به نظام و انقلاب نیست؟ / اگر کسی شکایتی کرد وظیفه قانونی حکومت است که عادلانه به آن رسیدگی کند. نه اینکه –آن فرد– به جرم اعمال حق قانونی (مثلا شکایت) مورد فشار قرار گیرند وی با اشاره به تاکیدات قرآن کریم به صبر و شکیبایی گفت: ما در همه حال به صبر و شکیبایی نیازمندیم بخصوص در شرایط فعلی و از جمله برای شما و عزیزانتان که در تنگنای مضاعف هستند./ مراد از صبر، انفعال و بی تحرکی نیست. مراد مقاومت است و اینکه در برابر مشکلات و سختی ها مایوس نشد و کارآئی را از دست نداد. باید مقاوم بود و در عین حال راه را گم نکرد. اگر فردی یا جمعی هدف مقدس دارد باید مشقت‌های مسیر به سوی آن هدف را نیز تحمل کند و با توکل به خدا بی هیچ وادادگی و یاس و انفعال و با تدبیر راه خود را ادامه دهد.

مهدی کروبی در دیدار با جوانان و دانشگاهیان :

تک تکِ ما باید اطلاع رسانی و آگاهی بخشی کنیم

به گزارش سایت تغییر، مهدی کروبی ضمن ابراز نگرانی از نهادینه شدن تهمت زنی و دروغ گویی گفت: متاسفانه در فضای غبار آلود دروغگویی و ترویج خرافه پرستی، امنیت روانی و اجتماعی از بین می رود و جامعه با بحران های متعددی مواجه می شود. به خصوص که مردم به همت مدیریت جهانی آقایان، با مشکلات جدی معیشتی و اقتصادی مواجه هستند.

مهدی کروبی به جوانان نوید داد: وضعیت اداره حکومت قطعا به این شکل نخواهد ماند. این اتفاقات می گذرد و سرافرازی و پیروزی برای ملت ایران رقم خواهد خورد. وی با ابراز نگرانی از عادی شدن اهانت و دروغ در جامعه، تاکید کرد: در امر اطلاع رسانی باید از همین حداقل فضایی که داریم نهایت استفاده را ببریم.

کروبی همچنین گفت: مبارزه با دروغ گویی و خرافه پرستی که متاسفانه هر روز شاهد افزایش این رویه خطرناک هستیم، آسان نبوده و نیست و ما همه باید در این زمینه تلاش بیشتری کنیم. این مبارزه به حضور تک تک ما در امر آگاهی بخشی و اطلاع رسانی مردم، نیازمند است.

خبرهایی از اوین

جمعی از خانواده های زندانیان سیاسی بند ۳۵۰ چند روز قبل برای چندمین بار در ماه های گذشته به دادستانی تهران مراجعه کردند و خواستار دیدار با دادستان تهران شدند تا بدانند چرا تلفن های بند ۳۵۰ بیش از سه ماه قطع است و مسوولان آن را وصل نمی کنند.اما دادستان تهران بازهم ازدیدار با خانواه ها خودداری کرد و پاسخی هم درباره قطع تلفنهای این بند به خانواده ها نداد سه ماه است که از قطع تماس های تلفنی زندانیان این بند که بیشترشان از زندانیان سیاسی حوادث پس از انتخابات هستند می گذرد. اکنون ارتباط خانواده با زندانیان به ملاقات های هفتگی محدود شده است و زندانیان شهرستانی محبوس در این بند حتی این امکان را هم ندارند و بنابراین خانواده و زندانی تا ماه ها از هم بی خبرند .

اخبار کوتاه

* یک شهروند که سال گذشته به عنوان جاسوس و عامل تحریک مردم به اعتراض معرفی شده و به اعتراف در برابر چشم میلیونها نفر واداشته شده بود، خوشبختانه در دادگاه تبرئه شد. رسانه‌های راست‌گرا و صدا و سیما هم ترجیح دادند به جای توضیح درباره پوچ بودن اتهام‌زنی‌های یک ساله خود به جنبش سبز مردم ایران و بی آبرو کردن یک هموطن، این موضوع را در سکوت برگزار کنند.
* بازار طلافروشان اردبیل در اعتراض به قانون مالیات بر ارزش افزوده از پانزده روز قبل در اعتصاب به سر می برد.
* در ادامه کشمکشهای هنرمندان سینماگر و دولت، یک سایت حامی دولت هنرمندان حامی "خانهٔ سینما" را "سربازان جنگ نرم در جبهه دشمن و عوامل نفوذی" خواند و آنان را به محدودیت در فعالیتهای آتی تهدید کرد.
* صندوق بین‌المللی پول نرخ رشد اقتصادی ایران را در سال دوهزار و هشت یک درصد و در سال دوهزارونه، ۱.۱ درصد ارزیابی می کند و می افزاید که این نرخ رشد در سال جاری میلادی به ۱.۶ درصد می‌رسد. نرخ رشد ۱.۶ درصدی ایران در مقایسه با نرخ رشد ۴.۸ درصدی دنیا، بسیار پایین است.
* زهرا رهنورد در دیدار با خانوادهٔ شهیدان باکری و همت، گفت :حق طلبی و استقامت خانواده های باکری و همت موجب عصبانیت اقتدارگرایان شده و به همین دلیل چنین واکنش های غیرمنطقی و خشم آلودی را نسبت به این خانواده ها انجام می دهند.
* در حالی که زندانیان عادی حتی پس از وارد کردن مواد مخدر، زد و خوردهای خونین و ایجاد درگیری با مسئولان زندان به انفرادی فرستاده نمی شوند،اما زندانیان سیاسی به بهانه هایی چون سلام نکردن به مسئولان زندان، خندیدن، داشتن ریش و موی بلند، پوشیدن لباس های خاص، جمع شدن دور هم و حرف هایی که بین هم ردوبدل کرده‌اند،بلافاصله به انفرادی فرستاده می‌شوند.
* روسیه اعلام کرد موشکهای اس ۳۰۰ که قبلا پول آن را دریافت کرده است را به ایران تحویل نمی‌دهد و غرامت هم پرداخت نمی کند.

مردم رسانه ای برای بیان مشکلات و آگاهی از اخبار واقعی ندارند. کلمه را دست به دست تکثیر کنید. رسانه شمایید.

بنی الاسلام علی کلمتین، کلمهٔ التوحید و توحید الکلمهٔ

کلمه

ویژه‌نامه اقتصادی

WWW.KALEME.COM

روزنامه کلمه / پیش شماره هشتم / دوشنبه ۱۹ مهر ۱۳۸۹ / شمارگان : ما بیشماریم

امروز بیت المال در معرض یغمای یغماگران قدیس مآب است و هنوز ملت علی‌رغم ادعاها و دستورهای شدید از شناسایی و معرفی و محاکمه این مفسدان چیزی ندیده است. کجا رفت آن پرونده بزرگی که در مجلس باز شد و یک شبه در یک معامله پایاپای بسته شد؟
از بیانیه ۱۸ میرحسین موسوی

هدفمند کردن یارانه‌ها؛ تناقضی بزرگ برای اقتصاد ایران

دولت واقعیت را به مردم نمی گوید

هدفمند شدن یارانه‌ها قبل از آن که اجرا شود تبدیل به یک تهدید شده است. شاید روزی نباشد که مسئولین دولتی و یا حامیان آنها در بخش‌های حکومتی با زبان تهدید سخن نگویند و منتقدین خود را به مقابله با طرح تحول بزرگ متهم نکنند. برای همین نمی‌توان این مساله را نادیده گرفت که هدفمند کردن یارانه‌ها قبل از آن که از راه برسد تناقضی بزرگ را به جامعه تحمیل نموده است. در دو سال گذشته بارها محمود احمدی‌نژاد و تیم او از تریبون‌های مختلف به مردم گفته‌اند که یارانه‌های هدفمند، آرامش را به اقتصاد ایران می‌بخشد و باعث می‌گردد تا مردم تعادل اقتصادی را در دخل و خرج خود پیدا کنند. چند وقت پیش وزیر اقتصاد کابینه محمود احمدی نژاد در خطبه‌های نماز جمعه یکبار دیگر با قدرت این ادعا را مطرح کرد و گفت که هدفمند کردن یارانه‌ها همه چیز را در اقتصاد به نفع مردم تغییر می‌دهد. رییس او، محمود احمدی‌نژاد نیز چند روز پیش در گرگان چنین ادعایی را مطرح ساخت. به باور اعضای کابینه دهم، این طرح گره‌های کور اقتصاد را برای مردم باز می‌نماید. اما قبل از اجرای یارانه‌های هدفمند، مدیران دولتی و حامیان حکومتی آنها، منتقدین را تهدید می‌کنند که مسیر اجرای یارانه‌های هدفمند را مسدود کرده‌اند. احمد خاتمی جمعه گذشته در نماز جمعه به طور رسمی خواهان برخورد با منتقدین این طرح شد و استاندار تهران نیز به دفعات گفته است که ستادی برای مقابله با مخالفین یارانه‌های هدفمند تشکیل گردیده است. انگاری می‌توان از این سخنان نتیجه گرفت که پروژه یارانه‌های هدفمند قبل از به ثمر رسیدن، رویارویی و برخورد قهری با منتقدین را درون خود نهفته کرده است. اینگونه واقعی به نظر می رسد اگر گفته شود که طرح تحول بزرگ کابینه دهم، از ابتدا با تهدید به ارعاب و برخورد پا به میدان گذاشته است تا کاستی‌هایش به حساب منتقدین دولت نوشته گردد. از سوی دیگر این حملات استراتژی اصولگرایان نیز ارزیابی می‌شود. احمدی نژاد به دفعات گفته است که با پرداخت یارانه‌ها مشکلات اقتصادی مردم بر طرف می‌شود و اقتصاد ما الان آمادگی کامل برای اجرای هدفمند کردن یارانه‌ها دارد. او در دیدار با رهبری مدعی شد که تورم تک رقمی شده و قیمت کالاهای مصرفی مردم کاهش یافته است. اما همزمان با این سخنان غیر واقعی رییس کابینه دهم، مرکز آمار ایران بیکاری را بالای ۱۴ درصد تخمین زد و در مورد گرانی نیز نوشت که فقط بهای خرید و فروش مسکن در یکسال گذشته و در دوران رکود ۲۰ درصد بالا رفته است. احمدی‌نژاد این را هم گفت که تولیدات صنعتی ایران رشد داشته است در صورتی که نمایندگان مجلس می‌گویند ظرفیت تولید در ایران کمتر از ۴۰ درصد است. این شرایط الکن اقتصادی موجب نگرانی بزرگی شده است، چون احمدی نژاد با حذف یارانه‌ها می‌خواهد به هر ایرانی ۲۰ تا ۴۵ هزار تومان پرداخت کند. در حالی که حتی مدیران او نیز تایید کرده‌اند که تورم پنهان در اقتصاد ایران زندگی را برای فقرا سخت‌تر از همیشه کرده است. یارانه‌ها درواقع قبل از اجرا گره کوری گردیده است که بیشتر از همیشه در طی چند سال گذشته مشت دروغ را در اقتصاد ایران باز نموده است.

برخلاف شعارهای دولت؛

بیکاری جوانان کم نشد، بیشتر هم شد

بر اساس آمار رسمی، بررسی نرخ بیکاری جوانان ۱۵ تا ۲۹ ساله (گروه سنی دارای نرخ بیکاری بالا) حاکی است در بهار امسال ۲۰،۴ درصد از جوانان بیکار بوده اند، اما طبق برنامه می بایست این نرخ بیکاری به ۱۲،۵ درصد کاهش پیدا می کرد. سند اشتغال جوانان در اواخر سال ۸۳ و در دولت خاتمی به تصویب رسید که اولین و مهمترین سند و برنامه عمل راهبردی ملی در حوزه اشتغال جوانان بود که در برنامه چهارم توسعه از آن غفلت شد. پیش بینی شده بود در صورت اجرای این برنامه سالیانه به طور متوسط حدود ۷۰۰ هزار فرصت شغلی برای جوانان ایجاد شود و ۵۰ هزار جوان تحت پوشش برنامه ویژه اشتغال در طول سالهای برنامه قرار گیرند که دولت فعلی به هیچ کدام از این اهداف نرسیده است. در حال حاضر نرخ بیکاری در رده سنی ۱۵ تا ۲۹ سال حدودا دو برابر نرخ بیکاری کل است. بر اساس استانداردهای بین المللی، نرخ بیکاری جوانان به نرخ بیکاری کل کشور باید ۱/۵ برابر باشد در صورتی که در شرایط فعلی این نرخ در کشورمان بیش از دو برابر است. نرخ بیکاری دختران جوان کشور نیز به مراتب بیشتر از نرخ بیکاری کل جوانان است. آمار رسمی نشان دهنده بیکار شدن حدود ۲۰۰ هزار دختر جوان در سه ماهه نخست امسال است.

اجرای طرح تحول با این وضعیت یعنی سقوط به پرتگاه

براساس نظر کارشناسان، برای اجرای طرح هدفمند کردن یارانه‌ها، وجود چهار پیش‌شرط در جامعه مورد نظر الزامی است:
الف) نرخ رشد اقتصادی بالا
ب) نرخ تورم پایین
ج) انضباط مالی در کارکردهای دولت
د) اعتماد بالای مردم به عملکرد دولت
در شرایط فعلی، کدامیک از چهار پیش نیاز بالا در کشور وجود دارد؟
۱-یکی از اثرات حداقل کوتاه مدت اجرای طرح هدفمند شدن یارانه‌ها (حذف یارانه‌ها) ایجاد رکود در بخش تولید و به تبع آن در بخش اشتغال نیروی کار است. زیرا حذف یارانه انرژی باعث افزایش هزینه‌های تولید خصوصاً در صنایع بزرگی مانند فولاد، سیمان، خودروسازی و ... خواهد شد. از طرف دیگر، چون قدرت خرید اکثریت جامعه متناسب با افزایش قیمت‌ها افزایش نخواهد یافت در طرف تقاضا باعث کاهش تقاضاهای کل در اقتصاد کشور شده درنهایت باعث کاهش عرضه کل و کاهش اشتغال و به افزایش بیکاری منجر خواهد شد
۲- اثرات تورم اجرای طرح مذکور بین ۱۵ تا ۶۰ درصد پیش‌بینی شده است. یعنی به هر جهت سیاست حذف یارانه‌ها، موج تورمی جدیدی را به اقتصاد کشور تحمیل خواهد نمود. به واسطه حذف یارانه‌ها دولت تصمیم دارد در وهله اول کالا و خدمات (مانند آب، برق، بنزین، گاز، گازوئیل و ...) را به قیمت چندین برابر به مردم بفروشد. ولی این گرانی اثراتی مانند افزایش بهای تمام کالاها را دارد.
۳- انضباط مالی دولت به معنای توازن درآمدها و هزینه‌های سالانه دولت است. آنچه از شواهد امر پیداست متأسفانه دولت نه تنها خود برنامه مشخصی در این خصوص ندارد بلکه به روشهای مختلف از برنامه های اقتصادی کشور منحرف شده و تخلفات مالی متعددی مرتکب شده است. از جلمه می توان به عدم واریز هزار میلیارد تومان از درآمد حاصل از فروش نفت توسط دولت به خزانه در سال ۸۶ و هفت هزار میلیارد تومان در سال ۸۷ اشاره نمود.
۴- با توجه به سوابق رفتاری و عملکردی و وعده‌هایی که دولت در سال‌های اخیر به مردم داده است، آیا اعتماد و اطمینان لازم مردم به دولت وجود دارد؟ کاهش رشد اقتصادی و افزایش نرخ بیکاری به حدود ۱۵ درصد، عدم تحقق وعده‌های پرداخت سود به صاحبان سهام عدالت، افزایش حقوق کارمندان و بازنشستگان در آستانه برگزاری انتخابات ریاست جمهوری دهم و رفتارهای دولت با آنها پس از اتمام انتخابات، انجام تقلب گسترده در برگزاری انتخابات ریاست جمهوری، دستگیری و زندانی کردن و شکنجه کردن فرزندان انقلاب و جوانان کشور بدون دلیل و سند؛ همه و همه از دلایلی است که مردم و جامعه را نسبت به دولت بی‌اعتماد ساخته است. لذا با عنایت به مراتب فوق، زمینه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی اجرای قانون هدفمند شدن یارانه‌ها (حذف یارانه‌ها) در کشور فراهم نیست و اجرای آن قرار دادن کشور در مسیری است که تنها سرعت آن را جهت رسیدن به پرتگاه سقوط افزایش می‌دهد.

هدفمند کردن یارانه‌ها، مسکن را گران و راکد می‌کند

یک کارشناس مسکن گفت: اگر قرار باشد پس از اجرای قانون هدفمند کردن یارانه‌ها قیمت حامل‌های انرژی چند برابر شود به طور قطع قیمت مصالح ساختمانی بالا می رود و در نتیجه قیمت تمام شده مسکن هم رشد می‌کند اما از آنجا که بازار کشش نداشته و قدرت خرید هم وجود ندارد شاهد رکود تورمی در بخش مسکن خواهیم بود. احمدرضا سرحدی-کارشناس مسکن-در گفت‌وگو با ایسنا، با اشاره به ابهام در این بخش، افزود: اجرای این قانون دو بخش دارد اول این‌که چقدر می‌خواهند قیمت‌ها را افزایش دهند و دیگر این‌که چقدر می‌خواهند یارانه نقدی پرداخت کنند.

افتتاح راه‌آهن شیراز - اصفهان؛ دروغ بزرگ دولت

شانزده ماه قبل، راه‌آهن شیراز - اصفهان در ایام تبلیغات انتخاباتی، زیر پوشش زنده تلویزیونی، توسط معاون اول احمدی‌نژاد افتتاح شد. اما مسئولان دولتی که تاکنون ناتمام بودن این پروژه را انکار می‌کردند، به تازگی دستور تجهیز یک ایستگاه موقت راه‌آهن را داده‌اند و هنوز هم حاضر نیستند زمان اتمام پروژه را اعلام کنند. مقامات دولتی در یکسال گذشته دروغ بودن تبلیغات انتخاباتی احمدی‌نژاد را رد کرده و انحراف خطوط ریلی، از ریل خارج شدن قطار، آماده نبودن این خط راه‌آهن و توقف تردد قطار در این خط را نیز مورد انکار قرار داده بودند.

* بر اساس گزارش یک دستگاه نظارتی ، حجم استفاده شخصی از خودروهای دولتی بعد از سهمیه‌بندی بنزین و بخصوص کاهش سهمیه خودروهای شخصی افزایش یافته و علاوه بر روزها که خودروهای دولتی حتی گاهی با راننده در خدمت مدیران و کارکنان عالی‌رتبه دستگاه‌ها هستند، شب‌ها نیز خیابان‌های تهران جولانگاه خودروهای دولتی است .

* حدود ۱۰۰ نفر از کارگران شرکت نازنخ قزوین برای گرفتن ۶ ماه از حقوق سال جاری و ۲ ماه حقوق معوقه سال گذشته صبح دیروز در مقابل نهاد ریاست‌جمهوری تجمع کردند.

* در راستای واگذاری پروژه های بزرگ و سودآور کشور به سپاه پاسداران و با گذشت حدود یک ماه پس از واگذاری پروژهٔ توسعهٔ جاده هراز (شمال شرق تهران) به قرارگاه خاتم الانبیاء (وابسته به سپاه)، ساخت بزرگراه قم به مشهد نیز-بعنوان یکی از بزرگترین پروژه های کشور- توسط دولت به شرکت «تهران گسترش»، وابسته به قرارگاه خاتم الانبیاء واگذار گردید.

رساندن برگه های کوچک کلمه به دیگران، ارسال یک علامت است برای همه آنهایی که روی ندانستن مردم ما حساب باز کرده اند

بنی الاسلام علی کلمتین ،کلمهٔ التوحید و توحید الکلمهٔ

کلمه

WWW.KALEME.COM

روزنامه کلمه / پیش شماره نهم / چهارشنبه ۲۱ مهر ۱۳۸۹ / شمارگان : ما بیشماریم

ملت ما می خواهد معلمان کشور بابت درخواست حقوق خود کتک نخورند، کارگران بابت درخواست حق خود مورد تهاجم قرار نگیرند و زنان بابت درخواست رفع تبعیض مورد هجوم تهمت های گوناگون قرار نگیرند. ملت ما می خواهد حکومت اجازه بدهد که در رسانه ملی، صدای همه ملت شنیده شود و نه افراد خاصی که کاری جز بی انصافی و تهمت زنی ندارند.
میرحسین موسوی - ۸ اسفند ۸۸

همسر سردار شهید موسوی:

مسئولان، نظام را قربانی کردند

نزدیکی‌های میدان هروی، خیابانی است که از بیست و چند سال قبل، نامش شهید عبدالرضا موسوی گذاشته شده. همان شهیدی که یکی از شاگردان ممتاز دانشگاه تهران بود. همان شهیدی که همرزم برادر شهید جهان آرا در جبهه های جنگ بود. او فرزند یک سال و پنج‌ماهه‌اش را به خدا سپرد و برای دفاع از کشور و

خانواده شهدا میرحسین را به عنوان یک شهید زنده قبول دارند

مردم و ارزشهای انقلاب به جبهه های جنگ رفت. صدیقه زمانی همسر شهید عبدالرضا موسوی در گفت‌وگو با کلمه، درباره نسبت شهدا و جریانات امروز جامعه، می‌گوید: "اگر همسرم شهید نشده بود، این روزها برایش سخت بود، چون برای او حوادث پس از انتخابات غیر قابل تحمل بود." وی همچنین اضافه می‌کند: "متاسفانه این روزها تحمل مخالفت را ندارند و هیچ میدانی به مخالف داده نمی‌شود، ولو اینکه کسی که مخالفت می‌کند از خانواده شهدا باشد. اما من هم خانواده شهید همت را می‌شناسم که افراد معتقدی به آرمانها و خون شهدایشان هستند و هم با خانواده شهید باکری که هم قبل از انقلاب و هم بعد از انقلاب در صحنه انقلاب و دفاع از نظام حضور داشتند، رابطه دارم. بنابراین فقط تأسف خوردم از برخوردهای دیکتاتورمآبانه‌ای که با خانواده این شهدا صورت گرفت." این همسر شهید خاطرنشان می‌کند که تنها خانواده‌های همت و باکری نبودند که هزینه دادند، او به برخورد حذفی با پدر شهید جهان‌آرا به خاطر حمایت از میرحسین موسوی اشاره می‌کند و می‌گوید: "خانواده شهدا میرحسین را به عنوان یک «شهید زنده» قبول دارند، خیلی از خانواده‌های شهدا هزینه دادند، با هریک هم به یک نحو برخورد کردند. یکی از شهدا، عروسش در تظاهرات باتوم خورد. به خانواده‌ی یکی دیگر، منافق گفتند. به یکی دیگر اجازه فعالیت اجتماعی ندادند." خانم زمانی تصریح می کند: بعد از انتخابات و حمایت خانواده شهدا از میرحسین موسوی، رفتار برخی مسئولان با خانواده شهدا تغییر کرد و در بعضی موارد شاهد فشارهایی بر خانواده شهدا هستیم. خانم زمانی با بحرانی ارزیابی کردن وضعیت کشور می گوید: معتقدم که مسئولان، نظام را قربانی کردند. تقاضای ما خانواده شهدا از مسئولان این است که همه اقشار و قومیت‌های مختلف با سلایق گوناگون در درون خانواده نظام جمهوری اسلامی ایران با امنیت و اسایش زندگی کنند. ما معتقدیم که شهید موسوی برای افراد به جبهه‌های جنگ نرفتند، بلکه برای حفظ نظام و ارزشها به جبهه‌های جنگ رفتند. شهید موسوی اتفاقا در یکی از سخنرانی‌های خود می‌گوید که ما برای اهداف متعالی خود به جبهه‌های جنگ می رویم، برای اینکه هویت جمهوری اسلامی حفظ شود و از ارزشها و آرمانهای انقلاب دفاع کنند.

پدر یک زندانی سیاسی:

فرزند نیمه فلج من چه خطری برای نظام دارد؟

حامد روحی نژاد زندانی سیاسی، یکی از زندانی هایی است که در ماه های اخیر حکم زندان در تبعیدش اجرا شده و از زندان اوین به زندان زنجان منتقل شده است. او به بیماری ام اس مبتلاست. پدر حامد روحی نژاد با بیان وضعیت پسرش می گوید: من از مسوولان قضایی ایران می پرسم آزادی فرزند بیمار من که نیمه فلج شده است، چه خطری برای جمهوری اسلامی دارد که با او چنین می کنند؟ فرزند من بی گناه است و تحت فشارهای زیاد در دادگاه نمایشی از او اعترافاتی گرفتند که در دادگاه همه را تکذیب کرد. مهم ترین جرم او خروج غیرقانونی از کشور است. طبق قوانین ایران کسی که نمی تواند تحمل کیفر کند باید آزاد شود. چرا این قانون را درباره فرزند بیمار و نیمه فلج من رعایت نمی کنند؟ حامد وقتی در زندان اوین بود با کمک دوستان و هم بندانش در بند ۳۵۰ با بیماری سختش کنار می آمد. آنها دستش را می گرفتند و برای بهبود حالش هر کاری می کردند. پزشکان بارها هشدار داده بودند که نگهداری او در این وضعیت در زندان اوین خطرناک است. اما با وجود این هشدارها و در میان بهت و تعجب همه از جمله خانواده حامد حالا او به زندان شهر زنجان، در جایی به اسم اردوگاه منتقل شده است. زندانی که فاقد کوچکترین امکانات رفاهی و بهداشتی است. تا جایی که پدر حامد بارها در مصاحبه اش تاکید می کند که فرزندش در حال مرگ است و با این وضعیت بیش از یک ماه در این زندان دوام نمی آورد .

تایید گرانی ها و آغاز ذخیره سازی کالاهای ضروری

در آستانه اجرای طرح هدفمندی یارانه ها و در حالیکه مقامات ارشد دولت از "عادی بودن شرایط" و حتی "بهبود قریب الوقوع وضعیت مردم" سخن می گویند، و همزمان با "تصویب صعود قیمت ها" و همچنین آغاز "ذخیره سازی کالاها"، یکی از مقامات ارشد وزارت بازرگانی، افزایش قیمت کالاهای اساسی کشور را مورد تایید قرار داد و خاطرنشان کرد "وزارت بازرگانی ۲۲ قلم کالای ضروری و اساسی مردم را ذخیره‌سازی کرده است." این مقام دولتی، در پاسخ به این سؤال که آیا شما می‌پذیرید که برخی از اقلام کالاهای اساسی افزایش قیمت داشته است، اظهار داشت: بله، می‌پذیرم و معتقدم افزایش قیمت "برخی از اقلام" به دلیل افزایش قیمت‌های جهانی و مشکلات تأمین است. همزمان در شرایطی که شمارش معکوس برای اجرای طرح هدفمند کردن یارانه‌ها آغاز شده است و هر روز اخبار متفاوتی در این رابطه بر خروجی خبرگزاری‌ها قرار می‌گیرد، به تازگی دولت وزارت بازرگانی را مجاز کرده است تا اقدامات لازم برای ذخیره‌سازی یک میلیون و ۶۰ هزار تن نهادهای دامی و اقلام پروتئینی را انجام دهد. براساس تصمیم نمایندگان ویژه رئیس دولت در کارگروه کنترل بازار، وزارت بازرگانی باید سی هزار تن گوشت قرمز به ارزش یک هزار و ۸۰۰ میلیارد ریال و سی هزار تن گوشت مرغ به ارزش ۷۵۰ میلیارد ریال ذخیره کند.

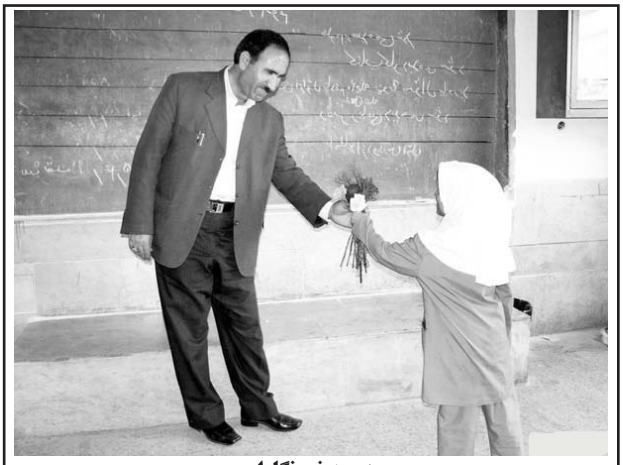

وزیر به خبرنگاران:

به شما ربطی ندارد که معلمان چقدر حقوق می گیرند!

این آخرین پاسخ وزیر آموزش و پرورش به سوال خبرنگاران در مورد میزان حقوق دریافتی معلمان بوده است: «به شما ربطی ندارد که معلمان چقدر حقوق می گیرند!» پاسخی که به وضوح نشان می دهد به غیر از احترام به جایگاه اصحاب رسانه و افکار عمومی ، موضوع حقوق معلمان کشور تا چه حد برای بزرگترین وزارت خانه کشور حساسیت زا است. به گزارش «فردا» اظهارات حاجی‌بابایی رییس وزارتخانهٔ آموزش و پرورش درحالی است که معلمین ابتدایی در مدارس انگلستان سالانه در حدود ۲۵۰ میلیون تومان حقوق دریافت می‌کنند. یعنی یک معلم ابتدایی در انگلستان در مقایسه با همتای خود در ایران، ۴۰ برابر بیشتر حقوق دریافت می‌کند.
این در حالی است که یکی از مقامات بلندپایهٔ دولت انگلیس در حمایت از حقوق معلمین این کشور گفته است: حرفه معلمی آکنده از مشکلات و خطرات است و علی‌رغم بحران اقتصادی انگلستان و کاهش بودجه موسسات علمی و آموزشی امکان ندارد که حقوق معلمین کم شود چرا که این امر ممکن است به استعفای معلمین از تدریس منجر شود. اما میزان واقعی حقوق معلمان در ایران چقدر است؟ یک معلم ابتدایی با توجه به سطح هزینه‌های خانوار و مشکلات پیش روی خود، تا چه میزان از دریافتی خود به این دلیل که می‌تواند با آن بر مشکلات روزانه خود فائق آید، راضی است؟ البته به نظر می رسد مدیران و مسئولین وزارت آموزش و پرورش اطلاعات دقیق‌تر و جامع‌تری از میزان حقوق دریافتی و وضعیت معیشتی معلمان در کشورهایی نظیر ژاپن، آلمان و حتی کشورهای منطقه در اختیار دارند و هرچند این موضوع را بی‌ربط به خبرنگاران و نمایندگان افکار عمومی جامعه می دانند ولی به جایگاه معلمان و نظام تعلیم و تربیت جامعه آگاهی لازم را دارند.

وزیر کار هم نرخ بیکاری اعلامی را قبول ندارد

هادی قوامی، نماینده اسفراین در مجلس گفت: «در برنامه چهارم توسعه قرار بود نرخ بیکاری به هشت و چهار دهم درصد برسد؛ اما متاسفانه نرخ بیکاری به بیش از ۱۲ درصد رسیده است.» این درحالی است که یک عضو هیئت مدیره کانون شوراهای اسلامی کار استان تهران گفت: «حتی شخص وزیر نیز در نرخ بیکاری اظهار تردید کرده است. بنابراین می‌توان گفت آمار مشخصی درباره نرخ بیکاری وجود ندارد.» به گفته او، «اگرچه نرخ بیکاری ۱۴.۶ درصدی برای بهار امسال اعلام شده، اما با توجه به آنچه مشاهدات در نهادهای کارگری نشان می‌دهد نرخ بیکاری بیش از اینهاست.»

* علی شکوری راد بازداشت شد. این نماینده سابق مجلس در دومقاله مواضع تناقض آمیز و همراه با دروغ محسنی اژه ی سخنگوی قوه قضاییه را نقد کرده بود.

* قنبری نماینده مجلس گفت: احمدی نژاد به جای تقویت احزاب به دنبال تقویت اطرافیان خودش هست.

* رضا رحیمی نسب نماینده خرم آباد و چگینی در مجلس گفت: دیر زمانی است که سرزمین مهربانی ها، لرستان نازنین مورد بی مهری قرار گرفته و از آبادی و آبادسازی در این ورطه گسترده خبری نیست که نیست! مردمان غمگینانه، ملول، گلایه مند و صبور چشم به زمانه دوخته اند، گویی در لاک خود نظاره می کنند تا چه می رود!

* رئیس کمیته محیط زیست شورای شهر تهران گفت: با وجود آنکه رئیس پلیس تهران و رئیس سازمان زندان‌ها برای ارائه توضیح به اعضای شورای شهر درباره وضعیت زندانها ، حاضر نشدند اما همچنان منتظر حضور آنها در شورای شهر هستیم.

رساندن برگه های کوچک کلمه به دیگران، ارسال یک علامت است برای همه آنهایی که روی ندانستن مردم ما حساب باز کرده اند

بنی الاسلام علی کلمتین ،کلمهٔ التوحید و توحید الکلمهٔ

کلمه

ویژه نامه زندانیان سیاسی

WWW.KALEME.COM

روزنامه کلمه / پیش شماره دهم / شنبه ۲۴ مهر ۱۳۸۹ / شمارگان : ما بیشماریم

با طرح مطالبی بی ربط، با استناد به کتابهایی که به خروار خمیر میشوند، با استناد به اعترافهایی که رنگ شکنجه های قرون وسطایی از آن هویداست انتظار دارند ملت را به چه چیز قانع کنند؟ آیا نخوانده اند که پیامبر اکرم (ص) فرمود برای کسی که بعد از شکنجه اقرار کند حدی نیست؟ یا کسی که در زندان یا قید و بند باشد و او را تهدید کرده باشند اقراری برای او نیست؟

از بیانیه شماره ۱۰ میرحسین موسوی

از آن سوی دیوارهای زندان

آیا نامـــــه ها به مقصد می رسند؟

بعد از انتخابات ریاست جمهوری سال گذشته صدها فعال اجتماعی و مدنی بازداشت و روانه زندان شدند .در آن روزهای شلوغ و پر هیاهو کسی نمی دانست بر سر این زندانیان چه آمده و در پشت آن دیوارهای بلند بر آنها چه گذشته است. ماه ها پس ازآن روزهای پر التهاب اما زندانیان به این فکر افتادند که آنچه را بر آنها رفته بود، به گوش مردم و مقامات ارشد نظام برسانند. آنها به تنها راهی که برای شان مانده بود اندیشدند. آنها نامه هایی را خطاب به رهبری ، رییس قوه قضاییه، مردم و به هر کسی که فکر می کردند ممکن است حرفشان را بشنود و دادشان را بستاند، نوشتند. اما این نامه ها آیا هرگز به مقصد اصلی شان رسیدند وگیرندگان اصلی نامه ها از جمله رهبری و رییس قوه قضاییه فهمیدند که بر زندانیان در این یک سال چه گذشته است ؟ و آیا هرگز زندانیان پاسخی از سوی مسوولان دریافت کردند؟ مسوولان قضایی از جمله دادستان بارها مصاحبه کردند و گفتند که نوشتن این نامه ها جرم بوده است اما هیچ کدام حرفی از محتوای نامه ها نزدند، آیا اصلا این نامه ها به مقصد می رسند؟ آیا می توان به بررسی این مظالم امید داشت؟

نامه هایی از آن سوی دیوارها

این زندانی ها اغلب در گوشه زندان به این نتیجه رسیدند که چاره ای جز گفتن حقیقت ندارند. آنها باید می گفتند که چه بر سرشان آمده است. برخی ها هم نامه نوشتند و زندانی شدند. مثل محمد نوری زاد مستند ساز و جهاد گر هم رزم شهید آوینی از جمله این افراد بود که وقتی نامه هایی به رهبری نوشت و از وضعیت موجود انتقاد کرد، روانه زندان شد . او تاکنون بیش از پنج نامه انتقادی اما با لحنی کاملا محترمانه نسبت به رهبری نوشته است. عبدالله مومنی، سخنگوی ادوار تحکیم وحدت از زندانیانی بود که پس از تحمل ماه ها حبس نامه ای را خطاب به رهبر انقلاب نوشت او در این نامه از شرح آنچه در هنگام بازجویی بر او رفته بود سخن گفت. او همچنین نوشت که برای رضایت بازجوها و فرار از شکنجه تن به اعتراف هایی خلاف واقع داده است. این فعال سیاسی به پنج سال حبس محکوم شده است و اکنون در زندان اوین به سر می برد.

اعتراف های اجباری چگونه خلق شدند

مومنی در چهارصدمین روز بازداشت خود خطاب به رهبری نوشت : هتاکی و فحاشی، ضرب و شتم و رفتارهای غیر قانونی از همان لحظه اول بازداشت من آغاز شد. ماموران با کینه و دشمنی چنان مرا به زیر مشت و لگد گرفتند که با بینی، دهان و دندانهایی خونین و دستان و پاهایی زنجیرشده به مسئولان شان در زندان اوین تحویل شدم؛ و جالب آنکه وقتی به ماموران که حدود بیست نفر بودند در برابر فحاشی و ضرب و شتم می گفتم که از شما به قاضی شکایت می کنم، با فحش های رکیک آنها و الفاظ وقیحانه به خودم و قاضی مواجه می شدم. مومنی که برادر یکی از شهدای جنگ هشت ساله ایران است خطاب به رهبر انقلاب توضیح داده است: بازجویان در تمام طول بازجویی بارها مادر مرحومه‌ام را که زنی مومنه و مادر شهید است، با بدترین وجه ممکن، مورد فحش و ناسزا و الفاظ رکیک قرار می‌دادند، همسر فداکارم، بارها برغم آنکه زنی مسلمان و مومنه و همسر شهید است (و با آنکه می‌دانستند من با همسر برادر شهیدم ازدواج کرده‌ام) به عنوان... می‌نامیدند و خواهران و نوامیس مرا به فجیع‌ترین وجه ممکن با لقب ... مورد دشنام و توهین قرار می‌دادند. این ابراز مکرر الفاظ ناشایست از مدافعین نظام اسلامی شامل حال برادر شهیدم نیز می‌شد و هدیه‌ی خانواده ما به مهین را منافق می‌خواندند. عبدالله خطاب به مقام رهبری از شرح شکنجه هایی نوشت که برای اعتراف به آنچه بازجویان می خواستند بر او اعمال شده است. حمزه کرمی دیگر زندانی حوادث پس از انتخابات هم نامه ای خطاب به دادستان کل کشور نوشت و از آنچه بر او گذشته بود سخن گفت. حمزه کرمی، از رزمندگان دفاع مقدس و مدیران دوران سازندگی به یازده سال حبس محکوم شده است. او به دادستان کل کشور نوشته است که بازجویی‌ها از همان ابتدا با کتک و سیلی و مشت و لگد آغاز شد و او پانزده بار در حین بازجویی یا پس از آن بیهوش شده است. داوود سلیمانی از دیگر زندانیانی بود که در خرداد ماه ۱۳۸۹ و یک سال پس از بازداشتش به مقام رهبری نامه ای نوشت او هم در نامه اش به رهبر انقلاب تاکید کرد که در بازجویی‌ها تحت فشار شدید روحی و روانی، ضرب، شتم، فحاشی، اهانت و ... قرار گرفته است.

زندانیان دیگری هم در این مدت به مسولان کشور نامه نوشتند. تا از این طریق بتوانند تنها قسمت کوچکی از آنچه بر آنها رفته است رابازگو کنند و به گوش همه برسانند .اما ایا این نامه ها را هرگز گیرندگان اصلی شان دریافت کرده و به آن پاسخی داده اند ؟ چه زمان فرستندگان این نامه ها پاسخ خود را دریافت خواهند کرد ؟

نامه سید محمد رضا خاتمی به سید حسن نصر الله

دبیرکل سابق جبهه مشارکت با توجه به سابقه آشنایی با دبیرکل حزب الله و سفر احمدی نژاد به لبنان، نامه ای خطاب به ایشان نوشت. محمدرضا خاتمی در این نامه یادآور شد: " هم اکنون در ایران یاران کم نظیر امام، السابقون السابقون انقلاب و وارثان جسمی و روحی آن عزیز سفر کرده به جرم ایستادگی بر آرمانهای امام تحت سخت ترین فشارها و بیشترین محدودیتها هستند و صدها تن از فرزندان راستین انقلاب بزرگ اسلامی به خاطر آنکه تسلیم انحراف نشدند در بدترین شرایط در زندان به سر می برند از این رو به نظر ما نمی توان از مقاومت در برابر رژیم غاصب صحبت کرد و این انسانهای نستوه را در بند کرد. انتظار ملت ما از همه مدعیان مبارزه با ظلم و سلطه این است که از زندانبانان این عزیزان بخواهند دست از ظلم و جفا بردارند و ذره ای از آنچه برای ملت سربلند لبنان و شیعیان مجاهد آن سرزمین آرزو می کنند در حق ملت خود روا دارند."

تاجزاده: اشرافیت نظامی در مدیریت کشور حرف اول را می زند

سید مصطفی تاجزاده در ملاقات کابینی با همسرش گفت: " قوم و خویش بازی، هزارفامیل و اشرافیت نظامی در مدیریت کشور حرف اول را می زند و مهم تر از همه بی کفایتی و تنگ نظری و ندانم کاری در اداره امور کشور روز به روز مشکلات عدیده اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و بین المللی را افزایش می دهد.

دستغیب : در جلسات مجلس حاضر نمی شوم

دستغیب، نماینده مجلس هشتم، پس از اینکه از یکی از نمایندگان حامی دولت سیلی خورد در بیانیه ای نوشت: ما فرزندان سجاد و حسین و علی و از نسل فاطمه ایم. خاندان ما به سیلی خوردن اما سر فرود نیاوردن عادت دارند. وی همچنین نوشته تا زمان رسیدگی به توهین نماینده حامی دولت به وی، از حضور در جلسات مجلس خودداری می کند.

نامه محمد نوی زاد به رهبری:

جرم من نقد حضرتعالی است

محمد نوری‌زاد، نویسنده و جهادگر بسیجی که به اتهام انتقاد از رهبری، از دیماه گذشته زندانی شده است، به تازگی در نامه ای به رهبری آورده است: چرا باید یک شهروند، به دلیل فعالیت سیاسی اش، مثلا شرکت در راهپیمایی غیرقانونی، و یا سخنرانی علیه رییس جمهور، و یا چون و چرا با رهبر، به زندان بیافتد؟ ما زندانیان سیاسی این روزهای انقلاب اسلامی، باورمان بر این است که بی دلیل حق آزادی از ما سلب شده است. و این یعنی ظلم. و ظلم، همان است که حتی نهضت رسولان الهی را فرو پاشید، و حکومت علی علیه السلام را از پا درآورد. شاید از ما بپرسید آیا در حکومت علی علیه السلام ظلم بوده که از پای درآمد؟ می گوییم بله. جامعه ای که به عدالت علی پشت کند، و نسبت به خلخال ربوده شده از پای زن یهودی بی تفاوت باشد، و عقیل های طایفه را به نوا برساند، و پرچم های علم را فروکشد، و اموال عمومی را ارث پدری خود بداند، و بر تحمیق و تحقیر مردمان اصرار ورزد، و دروغ و تزویر را به صحنه آورد، و نعمت های خدا را خراب کند، و به مصرف و اسراف روی برد، و به تفرقه و انشقاق درافتد، و به درجا زدن جاهلانه دچار شود، و آبروی خدا را خرج خود کند، و به اسم یاوری خدا، از خود خدا پیش افتد، و جز خسارت و خرابی بر جای نگذارد، لاجرم، خواهد شکست و فرو خواهد پاشید. بله رهبر گرامی، ما زندانیان سیاسی، در اعتراض به این نازیبایی ها، اکنون در زندانیم. ما، به جای آنکه مورد تشویق و اعتنا قرار گیریم، به تنگنای زندان درافتاده ایم. آمریکایی ها، زندانی هایی از جنس ما ندارند، و ما بسیار داریم. کدام آیا درست و درست کاریم؟

دفاعیات جوان مازندرانی

آرام نژاد؛ همان کسی که فریاد زد «علی برخیز!»

آریا آرام نژاد ،هنرمند جوان مازندرانی ،خواننده ترانه ی" علی برخیز " است که پس ازخواندن این ترانه در شهر بابل دستگیر شد.آرام نژاد این ترانه به خاطر حوادث ناگوار عاشورای تهران خوانده بود و در آن از امام علی (ع) در خواست کرده بود که برخیزد و بساط عوامفریبان را برچیند . محتوای این آهنگ اشاره دارد به سو استفاده عده ای دغل باز از نام خدا و قرآن و ائمه برای رسیدن به مقاصدی شیطانی و استمداد از ائمه برای برچیدن و خشکاندن ریشه های دروغ و نیرنگ و ریا. آرام نژاد در دفاعیاتش نوشته است: عجبا که امروز گویا توسل به دین و ایمان نیز در کشور ما جرم محسوب می شود! امام حسین (ع) برای احیای امر به معروف و نهی از منکر شهید شد انگاه توقع از ما شیعیان و پیروانش چیست؟ اینکه بیاییم و فقط بر سر و سینه بزنیم ؟! و یا در برابر ظلم و ستم اعلام انزجار کنیم! من رئیس جمهور را به رسمیت نمی شناسم ! آیا مسلمان نیستم ؟ بنده در روز عاشورا فریاد الله اکبر سر دادم و به خاطر فریاد زدن نام خدای بزرگ به خود می بالم . قطعا کافر و لا مذهب خواهد بود کسی که مرا به جرم فریاد زدن نام خدا به زندان بیاندازد. آریا آرام نژاد در دادگاه طی دفاعیاتش شرح شکنجه هایی را که در طول بازداشت و پس از ۴۴ روز انفرادی بر او روا شده بود را شرح داده است: از جمله توهین و خرد کردن شخصیت به وسیله فحش و ناسزا و حتی مسخره کردن چهره و ظاهر، ایجاد هراس و تهدید در مورد بازداشت همسرم که هیچ گونه فعالیت سیاسی و دخالتی در فعالیت های من نداشته است، توهین به برادر جانبازم و تهدید به بازداشتش در صورت همکاری نکردن من، تهدید به اعدام از سوی مقامات بازداشتگاه متی کلا، نگهداری در سلول ۱/۵ در ۲ متر بدون کوچکترین امکانات بهداشتی. متاسفانه در گزارش اداره اطلاعات آمده است که شعری بسیار توهین آمیز خطاب به معاویه در وبلاگ قرار داده ام ! آیا وزارت اطلاعات تبدیل به وکیل مدافع یزید و معاویه گردیده است؟ در بخش دیگری آمده است : بنده این آهنگ را در تقابل با نظام و ولی فقیه ساخته ام که البته مضحک ترین بخش این گزارش نیز بوده است ! خطاب آهنگ کاملا روشن است ! خطاب آن به کسانی است که به هتک حرمت برادران مسلمان پرداخته اند ! اما گویا اداره اطلاعات سعی وافری دارد که همه اعتراضات را به مقام دیگری حواله دهد ! که این جز پاک کردن صورت مسئله نیست.» .

فرزندان انقلاب ماه هاست که در اسارت نا اهلان و نامحرمان هستند. پیام آنها را به گوش مردم برسانید. رسانه شمایید.

بنی الاسلام علی الکلمتین
کلمة التوحید و توحید الکلمة

کلمه

روزنامه کلمه، پیش‌شماره یازدهم
دوشنبه، ۲۶ مهر ۱۳۸۹، شمارگان: ما بیشماریم

WWW.KALEME.COM

بنده به دلیل آنکه مشکلات حاد سیاسی باعث شده است مشکلات اقشار پایین دست جامعه و حقوق آنان کمتر مورد توجه قرار گیرد، ناراحت هستم.
اقشار مستضعف جامعه که دل در ارزش‌های اسلامی دارند بالقوه خواستار تحقق اهدافی هستند که جنبش سبز نیز به دنبال آن است. **میرحسین موسوی، ۱۳ بهمن ۸۸**

مدیر کل مطبوعات وزارت ارشاد دیروز تهدید کرد نشریاتی که اخبار و عکس موسوی و کروبی و خاتمی را منتشر کنند لغو امتیاز می‌شوند. پس هر شهروند یک رسانه.

آمار دولتی هم می‌گوید هزینه‌ها کفاف زندگی را نمی‌دهد

وضع شهرنشینان بد شده، روستانشینان بدتر

کلمه-گروه اقتصادی: سوار بر تاکسی می شوید، راننده تاکسی گلایه مند از وضعیت معیشتی خانوار است. درحالی که همواره ایرانی ها به مهمان نوازی و مهمان داری مشهورند، این بار راننده تاکسی از آمدن میهمان چندان راضی نیست. او می گوید:» میهمان حبیب خداست اما سه هفته درآمدم صرف آمد و رفت یک میهمانی می شود.»

مسافری که در صندلی جلوی خودرو نشسته، با تایید حرف راننده تاکسی می گوید:»دخلمان به خرجمان نمی‌خورد. خدا به دادمان برسد بعد از هدفمند کردن یارانه‌ها.»

مسفر دیگر هم از این وضع ناراضی است، می‌گوید:» فقط از خدا می‌خواهیم که آبرویمان جلوی زن و بچه مان نرود».او که از روستا به تهران آمده تا از خدمات یکی از مراکز بهداشتی که در روستایشان نیست بهره گیرد، می گوید:»مردم روستاها خیلی قدرت خرید و بنیه مالی ضعیف‌تری نسبت به شهرنشین ها دارند و امکاناتشان هم کمتر است.»راننده از گرانی بی‌سابقه مواد غذایی می‌نالد و می گوید شب می‌خوابیم و صبح قیمت‌ها چندین برابر شده است.

از این دست صحبت‌ها و نارضایتی از وضع اقتصادی بیش از پیش درمحافل عمومی حتی خانوادگی شنیده و رد و بدل می شود. اما برطبق گزارش مرکز آمار در سال ۸۸ هزینه متوسط ماهانه خانوارهای شهری ۸۲۶هزار تومان بوده، در حالی که درآمد متوسط آنها به ۷۸۰ هزار تومان بوده است. وضع خانوارهای روستایی البته بدتر است، چون هزینه متوسط ماهانه آنها ۴۹۳ هزار تومان است، حال آنکه درآمد متوسط آنها کمتر از ۴۳۷ هزار تومان است. در سال ۸۸ نسبت به سال ۸۷ مخارج خانوارهای شهری ۵،۳ درصد و مخارج خانوارهای روستایی ۹،۸ درصد افزایش داشته است.

معنای این آمارها، این است که خانوارهای ایرانی ماه به ماه مقروض‌تر می‌شوند؛ وضع خانوارهای روستایی هم بدتر از خانوارهای شهری است و قدرت خرید عموم مردم، چه در شهر و چه در روستا، روز به روز کمتر می‌شود.

همین امار کافی است برای نشان دادن روند منفی درآمد و گویاست که حرف مردم برای در مضیقه بودن و حرکت به سمت فقر صحیح است.

البته طبیعتا وقتی یک زوج، به طور مشترک کار می کنند و حداقل یکی از آنها ساعت کاری بیش از ۸ ساعت- بخوانید ۱۲ تا۱۴ ساعت- در روز را با دوشیفت کار در روز تجربه می‌کنند تا زندگی خود و فرزندان خود را تامین کنند و آنگاه هزینه‌های روزافزون زندگی را پوشش دهند، آیا می‌توان این مقدار کار روزانه را حتی اگر موجب پوشش دادن آن هزینه ها شود معقول، منطقی و متناسب دانست؟ چنین خانواده‌ای، فرصت همراه بودن با فرزندان را در طول روز یا هفته، چه میزان خواهد داشت؟

البته پرسشها بیش از این است اما بهتر است دولتمردان به عواملی که موجبات افزایش میانگین هزینه های خانوار را فراهم آورده توجه دقیق تری داشته باشند تا اگر کسی از مشکلات زندگی و معیشت مردم سخن گفت، محکوم به سیاه نمایی و شبهه افکنی نشود. میانگین ۸۲۶ هزار تومان هزینه ماهانه برای هر خانوار چهار نفره ایرانی، آن هم در سال گذشته، آماری نیست که بتوان بابی تفاوتی از کنار آن عبور کرد.

عبدالله آبروی نظام را برده است یا کسانی که او را شکنجه کرده‌اند؟

عبدالله مومنی، سخنگو و رییس شورای مرکزی سازمان ادوار که در شب ۳۱ خردادماه سال گذشته بازداشت شده و از آن موقع در زندان است، چندی پیش، نامه ای سرگشاده به رهبری نوشت و در آن به شرح اتفاقاتی که در دوران بازجویی برایش اتفاق افتاده پرداخت و توضیح داد آنقدر شکنجه اش کرده اند که وادار شده علیه خودش و دیگران اعترافات غیر واقعی کند

فاطمه آدینه وند، همسر مومنی، در باره این نامه گفته است : «چند وقت پیش عبدالله را به دادسرای زندان اوین احضار کردند. در آن جا آقای جعفری دولت آبادی، دادستان تهران، به عبدالله گفته نامه ای که از طرف تو منتشر شده، آبروی نظام را برده است. اما من می خواهم بگویم که افرادی که عبدالله را شکنجه کرده‌اند، آبروی نظام را برده اند،نه عبدالله که این شکنجه ها را شرح داده است. عبدالله برادرش را برای دفاع از همین نظام از دست داده است.»

مومنی در نامه‌اش به رهبری نوشته بود: هتاکی و فحاشی، ضرب و شتم و رفتارهای غیرقانونی از همان لحظه اول بازداشت من آغاز شد. ماموران با کینه و دشمنی چنان مرا به زیر مشت و لگد گرفتند که با بینی، دهان و دندان‌هایی خونین و دستان و پاهایی زنجیرشده به مسئولانشان در زندان اوین تحویل شدم. مومنی که برادر یکی از شهدای جنگ هشت ساله ایران است خطاب به رهبر انقلاب توضیح داده است: بازجویان در تمام طول بازجویی بارها مادر مرحومه‌ام را که زنی مومنه و مادر شهید است، با بدترین وجه ممکن، مورد فحش و ناسزا و الفاظ رکیک قرار می‌دادند.

اخبار کوتاه

ضرورت بازخوانی سفر خاتمی به لبنان

معصومه ابتکار در یادداشتی، رابطه‌ی طولانی سید محمد خاتمی با لبنانی‌ها را بازخوانی کرده. ابتکار می‌نویسد: بازخوانی حضور خاتمی در لبنان، امروز ضرورتی است تا کسانی که به نمایندگی از سوی ملت ایران در مجامع خارجی حضور می‌یابند فراموش نکنند نماینده تمدنی بزرگ، ملتی فهیم و ضد ظلم و آزاده هستند.

واپسین سفر رسمی سید محمد خاتمی به لبنان در اردیبهشت ۱۳۸۲، با استقبال گرم و بی نظیر مردم لبنان و شخصیت های سیاسی لبنان از گرایش‌های مختلف، و شخصیت‌های علمی و فرهنگی لبنان قرار گرفته بود.

مجید دری به زندان بهبهان تبعید شد

مجید دری، فعال دانشجویی، اوایل این هفته، از بند ۳۵۰ اوین به زندان بهبهان در استان خوزستان منتقل شد. حکم وی شش سال حبس در زندان ایذه بوده است. پیش از این حکم زندان در تبعید ضیا نبوی، احمد کریمی،حامد روحی نژاد و فاطمه رهنما نیز به اجرا گذاشته شده است.

خانواده مجید دری در شهر کرج زندگی می کنند.

رسانه ملی، شعور ملت را به سخره گرفته است

جاوید قربان اوغلی، یکی از دیپلمات‌های باسابقه وزارت خارجه در یادداشتی انتقادی نوشت:

این روزها که رسانه ملی با نمایش مکرر سفر احمدی نژاد به لبنان استقبال مردم لبنان از او را در بوق و کرنا کرده و شعور ملت را به سخره گرفته، شایسته است که تصاویر و فیلم‌های سفر خاتمی را از آرشیو خود بیرون کشیده و با قرار دادن آن در معرض افکار عمومی قضاوت را به ملت بزرگ ایران واگذارد تا مردم بدانند استقبال از احمدی نژاد نه بخاطر شخص او که استقبال از جمهوری اسلامی ایران است که تنها یار و پناهگاه شیعیان لبنان است.

آقای ضرغامی که ظاهرا رسانه ملی را ملک طلق خود و افراد هم تیمیش می داند باید در مقابل توهین به شعور ملت ازطریق قلب واقعیتها پاسخگو باشد. بخصوص اینکه هم ایشان و هم دیگر مدیران و کارکنان رسانه ملی و بودجه دهها میلیاردی آن از ذخایر و ثروتهای ملی که متعلق به همین ملت است، تامین می شود.

نان گران می شود

معاون وزیر بازرگانی اعلام کرده با حذف یارانه‌ها، قیمت نان نیز بر اساس قیمت جهانی گندم و آرد محاسبه می‌شود و مردم باید از «نانوایی‌های آزادپز» نان خود را خریداری کنند. به این ترتیب به زودی شاهد افزایش قیمت نان خواهیم بود. نان غذای اصلی طبقات کم درآمد ایران است.

نهاوندیان:
لغو تحریم باید مطالبه ملی باشد

رئیس اتاق بازرگانی ایران گفت: مایه تاسف است که گزارش اقتصادی بانک مرکزی منتشر شود ولی در آن صحبتی از نرخ رشد اقتصادی به میان آورده نشود. در همین حال، به نظر می رسد شفافیت و توجه به مسائلی که می تواند رشد اقتصادی کشور را بالا برده یا پایین آورد چیزی نیست که نسبت به آن شرم و حیا داشته باشیم بلکه باید به فکر چاره جویی باشیم.

نهاوندیان گفت: لغو تحریم باید مطالبه ملی باشد و فعالان اقتصادی از مذاکره کنندگان دور آتی این توقع را دارند که لغو فوری تحریم‌ها را در دستور کار قرار دهند.

آیت‌الله دستغیب:
از روزی بترسید که انگشت حسرت به دهان می‌گیرید

آیت الله دستغیب در واکنش به سیلی زدن یک نماینده حامی دولت به نماینده شیراز در مجلس در نامه‌ای به وی نوشت:

از خبر سیلی زدن فردی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی به شما به خاطر دفاع از حق و قانون اساسی - که بر اساس قرآن و سنت تدوین شده است - با خبر شدم؛ با شما به جهت استقامت در راه حقّ تبریک می گویم و به آنهایی که از حریم مجلس - که در رأس امور است - این گونه بی‌تفاوت می گذرند و دین و دنیای مردم را فدای آسایش خویش می‌نمایند؛ هشدار می‌دهم که از روزی بترسند که انگشت حسرت به دهان گیرند.

بنی الاسلام علی الکلمتین
کلمة التوحید و توحید الکلمة
کلمه
WWW.KALEME.COM
روزنامه کلمه، پیش‌شماره دوازدهم
چهارشنبه، ۲۸ مهر ۱۳۸۹، شمارگان: ما بیشماریم

مردم از خود می‌پرسند چه میزان از آزادی‌هائی که در پس قرن‌ها اختناق و استبداد با نثار فداکاری‌ها و تحمل مشقت‌های بی‌شمار به دست آمد و پاسداشت آنها در جای‌جای قانون اساسی مورد تاکید قرار گرفته، باقی مانده است. و باز مردم می‌پرسند تا چه اندازه در جامعه‌ای که در آن قلم‌ها شکسته و دهان‌ها بسته و روزنامه‌نگاران و فرهیختگان و استادان و معلمان و کارگران و زنان و مردان در پشت میله‌های زندان هستند و هرگونه انتقاد و اعتراض توطئه همداستانی با دشمن‌های خودساخته خوانده می‌شود و هر گامی برای احقاق حق، فتنه نامیده می‌شود، بحث از حقوق ملت و کرامت انسانی و آزادی‌ها موضوعیت دارد؟ **میرحسین موسوی**

مهدی کروبی:

ادعای فتنه اقتصادی بهانه‌ای برای فرار از مصیبت‌های پیش روست

مهدی کروبی در خصوص اظهارات یکی از فرماندهان نظامی- انتظامی مبنی بر احتمال وقوع فتنه اقتصادی، گفت: فتنه اقتصادی بهانه‌ای برای حیف و میل اموال عمومی است و دولت می‌خواهد تقصیرها را گردن دیگران بیاندازد.

این دولت از درآمد سرشار نفت به درستی استفاده نکرد و کارهای زیربنایی و بنیادی در این سال‌ها کمتر دیده شد. صرف هزینه در طرح‌های غیرکارشناسی ضمن هدر دادن سرمایه‌ها به رکود اقتصادی و فقر مردم نیز اضافه کرده است. به طوری که اکنون شاهد رکود بی‌سابقه‌ای در بخش تولید و تورم اقتصادی هستیم.

کروبی در ادامه افزود: ربط دادن ناتوانی‌های اجرایی و اقتصادی و ناکامی‌های حاصل از آن به مردم، جنبش و کشورهای خارجی تنها بهانه‌ای است برای رفع مسئولیت! ما ۳۰ سال استکبار جهانی را باعث عقب‌ماندگی و مشکلات اقتصادی خود به مردم معرفی کردیم، حالا به تعبیر آنان "فتنه و سران فتنه" هم به عاملان این ناکامی‌ها اضافه شدند.

وی تصریح کرد: آقایان باید بدانند که مسئله اقتصاد با زندگی روزمره مردم عجین شده است. این آقایان می‌گویند تحریم‌ها اثری ندارد اما چگونه است که به قول رئیس اتاق بازرگانی ایران " تحریم‌ها هزینه واردات را ۳۰ درصد افزایش داده است" ؟ وی همچنین گفت: سخن این آقا که از "فتنه اقتصادی" نام می‌برد مجوزی است برای

سرکوب گسترده مردم در مقابل اعتراض به افزایش چشم‌گیر قیمت‌ها! خودشان می‌دانند که چه مصیبت‌های اقتصادی در پیش دارند، می‌گویند فتنه اقتصادی در راه است.

کروبی همچنین در سخنانی در مورد جنبش سبز با بیان اینکه توده مردم ناراضی هستند، گفت: چه آنکه به خیابان آمد و چه آنکه نیامد، ناراضی است. مردم هشت ماه با وجود همه فشارها ایستادگی کردند و وقتی با صدای تکبیر، ماموران به خانه می‌ریختند و زن و بچه را می‌زنند و می‌برند فعلا تحفظ می‌کنند، اما فکرشان که عوض نشده است. وقتی در چنین شرایطی به خانه‌ی یکی از شهدای جنگ تحمیلی یورش می‌برند و فرزند وی را جلوی چشم خانواده‌اش به شدت مورد ضرب و شتم قرار می‌دهند یا فعالین دانشجویی را تعلیق، اخراج و زندان می‌کنند خود گویای این است که جنبش سبز زنده است. ترس حکومت از این جنبش تا آنجاست که از برگزاری یک مراسم ختم و ترحیم ساده نیز ترس دارند.

فتنه برای حاکم ذلت برای مومن

روزی حضرت علی(ع) از جایی به جایی سوار بر مرکب در حرکت بود؛ یکی از یاران، در حالی که پیاده بود، امام را همراهی می‌کرد. حضرت چون کسی را در رکاب خود دید، فرمود: برگرد، چرا که راه رفتن مثل تو با مثل من، فتنه برای حاکم و ذلّت برای مؤمن است. *(نهج‌البلاغه / کلمات قصار، شماره ۳۳۲)* طبیعت آدمیان به گونه‌ای است که از تعریف و تمجید احساس غرور و برتری می‌نمایند، به ویژه اگر صاحب قدرت باشند. بر همین اساس، پیامبر بزرگ اسلام فرمود: به دهان چاپلوسان و مداحان خاک بپاشید. هنگامی که امام علی را در راه صفین، در شهر انبار، بر اساس رسوم ایرانیان استقبال کردند، حضرت ناراحت شد و فرمود: این چه کاری‌ست که می‌کنید؟ به خدا سوگند حاکمان شما از اینگونه احترام گذاشتن‌ها سودی نبردند. شما در دنیا خود را به زحمت می‌افکنید و در آخرت نیز دچار عذاب می‌شوید، و چه سودمند است آسایشی که امان از جهنم در پی آن باشد. *(نهج‌البلاغه / حکمت ۳۷)*

پرهیز امام علی از اعمال و القاب تملق‌گونه به حدی بود که آورده‌اند حضرت در زمان خلیفه دوم در دادگاه در کنار مدعی قرار گرفت. خلیفه، امام را با کنیه صدا کرد و مدعی را با اسم. آثار ناراحتی و برافروختگی در سیمای حضرت ظاهر شد و فرمود: از آن جهت که در رفتارت نسبت به ما دو نفر عدالت رعایت نکردی، نگران شدم؛ زیرا او را با نام صدا کردی و مرا با کنیه و لقب "ابوالحسن" خواندی. ممکن است طرف دعوی نگران شود.

اخبار کوتاه

وعده هاشمی برای احقاق حقوق زندانیان از طریق رهبری، به نتیجه نرسیده است

جمعی از خانواده‌های زندانیان سیاسی در نامه‌ای به رئیس مجلس خبرگان، با اشاره به وعده هاشمی در جلسه ماه گذشته مبنی بر اینکه از طریق رهبری خواسته‌های این خانواده‌ها را پیگیری می‌کند، تاکید کردند که غیر از مرخصی دو سه روزه داود سلیمانی و یک نفر دیگر، هیچ‌یک از مسائل مطرح شده در آن جلسه به نتیجه نرسیده است. در این نامه تاکید شده است که: «ما امیدوار بودیم آن جلسه ملاقات و طرح مشکلات زندانیان سرفراز ما و خانواده‌هایشان که کاملا مستند شد، به عنوان مشتی از خروار بی‌قانونی‌ها و بی‌عدالتی‌ها و مظالمی که باید به آن رسیدگی شود، مورد توجه و اعتنا قرار گیرد. اینک پس از گذشت نزدیک به یک ماه از آن ملاقات، ما از این حکومت اسلامی که دستگاه قضایش بیگانه با اسلام عمل می‌کند و مسئولینش به تعهدات و مسئولیت‌های خود در برابر مردم که ولی نعمتند، عمل نمی‌کنند و به دلیل همه مظالمی که بر ما و عزیزانمان می‌رود، رضایت نداریم.»

جمعیت بیکاران کشور به پنج میلیون نفر می‌رسد

خبر نوشت: با ادامه روند موجود به نظر می‌رسد ایران باید خودش را برای نرخ بیکاری ۱۸ درصدی در برنامه پنجم توسعه آماده کند که این نرخ به منزله پنج میلیون بیکار در کشور است.

مقایسه وضعیت ایجاد اشتغال در چهار برنامه توسعه کشور نشان می‌دهد برنامه دوم بهترین عملکرد و برنامه چهارم ضعیف‌ترین عملکرد را داشته است. تحقق سالانه تنها ۲۶ درصد! از اشتغال مدنظر، خود گویای وضعیت نامطلوب اشتغال کشور در برنامه چهارم است که با روند فعلی پیش‌بینی می شود نرخ بیکاری کشور در برنامه پنجم به جای ۷ درصد به مرز ۱۸ درصد برسد.

احضار مجدد زهرا مجردی برای بازجویی

زهرا مجردی، همسر دکتر محسن میردامادی در روزهای گذشته برای سومین بار احضار شده و برای چندین ساعت مورد بازجویی قرار گرفته است.

دیدار زهرا رهنورد با زندانی گمنام مهرداد اصلانی

زهرا رهنورد در دیدار با مهرداد اصلانی، از زندانیان گمنام حوادث پس از انتخابات، گفت: صبر و مقاومت زندانیان مثال زدنی است و مهرداد اصلانی نیز یکی از همین زندانیان است که توانسته روزهای سخت و شرایط بد زندان را به خوبی تحمل کند هر چند این صبر و استقامت مختص او نبوده و خانواده‌اش نیز در طول دوران بازداشت مهرداد همواره صبر و استقامت به خرج داده‌اند. در این دیدار جمعی از زنان اصلاح‌طلب نیز رهنورد را همراهی می‌کردند. مهرداد اصلانی در ۳۱ خرداد ماه ۸۸ به دلیل شرکت در تجمع‌های اعتراضی پس از انتخابات، بازداشت و پس از تحمل یازده ماه حبس از زندان آزاد شد.

اصلاح‌طلبان سکوت نکرده‌اند رسانه‌ای باقی نمانده که سانسور نکند

حاضری استاد دانشگاه گفت: آنچه در شرایط فعلی به نام سکوت از سوی اصلاح‌طلبان مطرح می‌شود، عدم انعکاس اظهارنظرها است و نه سکوت. جایی باقی نمانده که اظهارنظرها منعکس شود و اظهارنظرها هم خود به خود با خودسانسوری از طرف گوینده و یا رسانه مواجه می‌شود.

نماینده کرمانشاه: مدیران بی‌دلیل جابه‌جا می‌شوند

کرمی‌راد گفت: طی حدود ۹ ماه گذشته قریب به ۲۸ نفر از مدیران لایق و صدیق استان تغییر کرده‌اند.

محرومیت معلم زندانی از تماس تلفنی با خانواده

سید هاشم خواستار، فعال فرهنگی و رییس کانون صنفی معلمان مشهد، بعد از ارسال نامه سرگشاده به معلمان جهان در روز جهانی معلم، از برقراری تماس تلفنی با خانواده‌اش محروم شد. این معلم ۶۸ سالهٔ بازنشسته ابتدا به شش سال و سپس دو سال حبس تعزیری با اتهام «اقدام علیه امنیت ملی» محکوم شده است.

استاندار تهران: نمی‌خواهیم قدرت رأی‌مان را به رخ بکشیم!

مرتضی تمدن، استاندار تهران، با ادعای اینکه محبوبیت احمدی‌نژاد نسبت به ۲۵ میلیون(!) رایی که آورده هم بیشتر شده، اضافه کرد: البته قرار نیست ما قدرت رای‌مان را به رخ بکشیم.

همسر شکوری راد: آیا شایسته است عضو هیئت علمی در زندان باشد؟

دکتر خدمت، همسر علی شکوری راد در مراسمی که در بیمارستان سینا در اعتراض به بازداشت شکورای راد برگزار شده بود گفت: «من از رئیس بیمارستان سینا، ریاست دانشگاه علوم پزشکی تهران و خانم دکتر وحیده دستجردی می‌پرسم چند نفر هیئت علمی اینچنین مخلص، فداکار و بدون هیچ‌گونه چشمداشت مالی و... دارید؟ آیا شایسته است این عضو هیئت علمی در زندان باشد؟»

سایت سید محمد خاتمی هم فیلتر شد!

با دستور کمیته دولتی فیلترینگ، سایت اینترنتی سید محمد خاتمی به آدرس www.khatami.ir هم زیر تیغ فیلترینگ رفت. این در حالی است که رئیس دولت دهم در نیویورک ادعا کرده بود مخالفان دولت در ایران از خود من هم آزادتر هستند!

خاتمی: باید در برابر عوامل افراط گرایی و خشونت ایستاد

سید محمد خاتمی با بیان اینکه توسل غرورآمیز به زور برای حل مسائل بین‌المللی که با دامن زدن به سوءتفاهم‌های تاریخی میان تمدن‌ها، ملت‌ها و دین‌ها همراه است، نتیجه‌ای جز گسترش افراط‌گرایی و افزایش ناامنی نداشته است، گفت: اگر خیرخواهان صلح‌اندیش تلاش خود را بر نهادینه کردن گفت و گو و جایگزینی خصومت و ستیزه‌جویی با تفاهم استوار سازند دست‌آورد ارزشمندی برای نسل آتی به ارمغان آورده‌اند.

قرآن کریم به بندگانی که سخن را می‌شنوند و بهترین را انتخاب می‌کنند بشارت داده است. دانستن حق مردم است.

روزنامه کلمه، پیش‌شمارهٔ سیزدهم
شنبه، ۱ آبان ۱۳۸۹، شمارگان: ما بیشماریم

کلمه
بنی الاسلام علی الکلمتین
کلمة التوحید و توحید الکلمة

WWW.KALEME.COM

باید باز گردیم، هنوز دیر نشده است. هنوز می‌توان اطمینان آسیب دیدهٔ مردم را بازسازی کرد؛ امنیت نظام ما در گرو چنین کاری است. فرزندان انقلاب را از زندان‌ها آزاد کنید. حبس آنان جز تغذیه غریزه فرافکنی در وجود خود شما فایده‌ای ندارد. مردم چگونه می‌توانند به حکومتی اعتماد کنند که دوستان و همکاران و فرزندانش را به صرف توهم در بند می‌کند؟
میر حسین موسوی، بیانیه نهم، ۱۰ تیر ۱۳۸۸

دادخواهی خانواده زندانیان سیاسی از مراجع

جمعی از خانواده‌های زندانیان سیاسی به مناسبت سفر رهبری به قم، در نامه‌ای سرگشاده خطاب به علما و مراجع، از آنها خواستند درباره شرایط کشور و برخورد با منتقدان از رهبری نظام سؤال کنند.

خانواده‌های زندانیان سیاسی در بخشی از این نامه خطاب به مراجع نوشتند: به یاد داشته باشید که ما با همین نامه، درب خانه‌های شمایان را کوفتیم و با شرم و عزت نفس مسلمانی خویش، گوشه‌ای از رنج و تعب شب و روزمان را با شما در میان گذاردیم. شما از جانب ما از رهبر کشور اسلامی‌مان بپرسید آیا هیچ حکمروا و فرمانروایی به این سهولت سرمایه اجتماعی خود را و بخش عمده‌ای از ملت و مردم خویش را از دست می‌دهد و به راحتی آنان را در سپاه دشمن تصور می‌کند؟

نویسندگان این نامه سرگشاده همچنین از مراجع خواسته‌اند از رهبری استفسار کنند که: آیا راز غربت اسلام و مسلمانی ما در این ملک سلیمانی و دلیل عدم گرایش مردمان به اسلامی که ما ساخته و پرداخته‌ایم، جز فاصله آن با اسلام ناب محمدی و سیره علوی است؟

آنها همچنین خطاب به ایشان نوشته‌اند: ای مراجع عظام! ما امروز از هر کجای این نظام اسلامی، به شما پناه آورده‌ایم و قطعا فردای قیامت، با هر حقی که از ما ضایع شده با شما به احتجاج خواهیم پرداخت. این روزها که رهبر کشور اسلامی‌مان میهمان شماست از او بپرسید اگر علی(ع) که امروز کودتاگران به نام او بر سر قدرتند، با ما بود، با نویسنده یک نامه، با سخنران یک مجلس، با امضاکننده یک بیانیه، با یک وبلاگ‌نویس و دارنده یک سایت اینترنتی، با یک معترض، با یک دختر یا پسر شرکت‌کننده در تظاهراتی آرام و با یک خیرخواه منتقد، آیا این می‌کرد که شما کردید؟ از ایشان بپرسید چرا باید در دستگاه قضای یک نظام اسلامی، دروغ بزرگی به اسم «فتنه» را برگردن رقیبان خویش بیاویزند تا چهره فتنه‌گران واقعی آشکار نشود.

از رهبری بپرسید شما که به کرات از حضور چهل میلیونی مردم در انتخابات سال گذشته با افتخار یاد کرده‌اید، چگونه همه صاحبان رأی‌های سبز و نقش ستادهای رقیب و تلاشگران خدوم فعال در آن‌ها را که همسران و فرزندان ما باشند، نادیده می‌گیرید؟

آنها همچنین خطاب به مراجع نوشته‌اند: بپرسید که مگر می‌شود جمع کثیری از هنرمندان و اندیشمندان و متفکران و سیاست‌مداران و استادان و دانشجویان و مردم کوچه و بازار سراسر کشور همگی فتنه‌گر و عامل دشمن و سرسپرده اجنبی باشند؟ بپرسید که چرا باید اعتراض بدیهی و مدنی یک شهروند به حساب دشمنی او گذارده شود؟

آیا از حملهٔ نیروهای امنیتی به مراسم دعال کمیل و دستگیری ۷۱ نفر در ۲۹ مهرماه سال گذشته خبر دارید؟ یادداشت «توطئه دعای کمیل» را در کلمه بخوانید.

مادر یک دانشجوی زندانی:
اعتراض به محرومیت از تحصیل، تنها گناه فرزند من

اتهام واهی ارتباط زندانیان سیاسی با گروهک مرده‌ی سیاسی منافقین به یک رویه عادی برای حمایت از دولت کنونی تبدیل شده است.

مادر مجید دری، دانشجوی زندانی و محروم از تحصیل، که جرم فرزندش را اعتراض به محرومیت از تحصیلش عنوان می‌کند، می‌گوید: اتهام وابستگی به منافقین که بارها توسط مجید و همه ما رد شده تنها بهانه‌ای برای دادن حکمی سنگین به اوست. این در حالی است که این اتهام، به بسیاری از دانشجویان زندانی وارد شده است. به نظر می‌آید نام این گروهک مرده سیاسی بهانه‌ای مناسب و راهکاری ایده‌آل برای دستگاه قضایی می‌باشد که با چنگ زدن به این حبل نامبارک، جوانان معترض زندانی را با حکم‌های طولانی مدت مواجه کند.

مادر مجید دری، همچنین از نامه‌ای که دادستان ضمیمه پرونده فرزندش کرده و طی آن هرگونه تصمیم‌گیری برای دادن تسهیلات به او را منوط به نظر خود کرده، ابراز تعجب می‌کند و می‌گوید: اگر قرار است تصمیم را دادستان تهران بگیرد پس چرا او را به زندان شهر دیگری فرستاده‌اند. پدر مجید هم از دشواری سفر به شهرستان بهبهان در جنوبی‌ترین استان کشور برای هر بار ملاقات شکوه می‌کند و می‌گوید: ما منتظریم که دقیقا معلوم شود که باید برای دیدن جگرگوشه‌مان به کجا برویم تا برادرش مرخصی بگیرد و خواهرش از شهرستان دیگری به ما ملحق شود و بتوانیم او را ببینیم.

اخبار کوتاه

همسر زیدآبادی:
رویای ما لحظه آزادی همسرم است

احمد زیدآبادی، از زندانیان سیاسی حوادث درباره زندانش گفته بود: «انگار توی قبر بودم، می‌خواستم خودم را بکشم، اما چیزی برای اینکار پیدا نکردم.»

مهدیه محمدی در مصاحبه با کلمه، گفت: رویای هر روز و شب ما لحظه آزادی آقای زیدآبادی است. بار زندگی سه فرزند هم بر دوشم است و این موضوع، شرایط را برایم چند برابر سخت‌تر کرده است. اما به هرحال توکلمان به خداست و سعی می‌کنیم صبر کنیم که خداوند پاداش صابرین را می‌دهد.

زیدآبادی، روزنامه‌نگاری که در دوران تبلیغات دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری ایران از نامزدی مهدی کروبی حمایت می‌کرد، یک روز پس از انتخابات بازداشت شد و در برخی جلسات محاکمه گروهی متهمان حوادث پس از انتخابات ایران که در مردادماه به صورت علنی برگزار شد، حضور داشت. وی در طول یکسال و نیم گذشته به خاطر مخالفت وزارت اطلاعات هرگز نتوانسته از حق مرخصی استفاده کند.

حوزه بهداشت و درمان، زیر فشار بدهی‌های هزار میلیاردی دولت

مرضیه وحید دستجردی، میزان مطالبات وزارتخانه تحت مدیریت خود از بیمه‌ها را ۹۰۰ میلیارد تومان اعلام کرد، در حالی که دبیر شورای عالی سازمان تامین اجتماعی هم از بدهی کلان ۱۸ هزار میلیارد تومانی دولت به سازمان تامین اجتماعی خبر داده بود. کارشناسان معتقدند برداشت‌های غیرقانونی و بی‌حساب و کتاب دولت از منابع تامین اجتماعی باعث بروز این مشکلات شده است، اما در نهایت دود همه خاصه‌خرجی‌ها و برداشت‌های بی‌حساب و فراقانونی دولت از منابع تامین اجتماعی، به چشم مردم می‌رود.

مسکن مهر، جوابگوی نیاز متقاضیان مسکن نیست

نماینده مردم لنگرود با بیان این که مسکن مهر سالانه ۲۰۰ هزار واحد مسکونی می‌تواند به چرخه عرضه و تقاضای بخش مسکن تزریق کند اظهار داشت: یک‌سونگری وزارت مسکن به بخش مسکن مهر نمی‌تواند جوابگوی نیاز حجم عظیمی از متقاضیان مسکن در ایران را فراهم سازد.

پرداخت یک میلیون تومان به هر نوزاد، خلاف قانون اساسی است

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی با ارزیابی طرح تأمین آتیه مهر اعلام کرد:

این طرح به شکل مصوبه دولت با مواد گوناگونی از قوانین و مقررات مالی مغایر است و اجرای آن در سال جاری با کسری حداقل ۸ هزار میلیارد ریالی روبرو است.

کارگران آب و فاضلاب آذربایجان ۸ ماه بدون حقوق

کارگران شرکت آب و فاضلاب آذربایجان غربی و سه شهرستان آذربایجان غربی در اعتراض به وضعیت جامعه کارگری، آخر هفته گذشته در مقابل استانداری آذربایجان غربی تجمع کردند. آنها بیش از هشت ماه است که حقوق نگرفته‌اند.

آیا تاریخ مصرف جانبازان و آزادگان تمام شده است؟

جمعی از ایثارگران در نامه‌ای، در خصوص تجمع روز دوشنبه جانبازان و آزادگان در برابر ساختمان بنیاد شهید و امور ایثارگران اعلام کردند: الان یک مرتبه دیدند تاریخ مصرف ما تمام شد! خودشان هم که کسری بودجه دارند، اول حقوق ما بیچاره‌ها را بدون هرگونه دلیل متقن و به یک‌باره و یک‌شبه قطع کردند. ما هم کلی قسط و بدهکاری داریم و بیست سال با این درآمد زندگی کردیم، مگر می‌شود با مردم اینطور رفتار خیالی داشت.

مراسم دعای کمیل سبز لغو شد

مراسم دعای کمیل به مناسبت سالگرد کمیل سبز که قرار بود از سوی برخی از همراهان سبز پنجشنبه شب برگزار شود، لغو شد. دلیل لغو این مراسم حضور چند خودروی امنیتی به همراه حکم دستگیری میهمانان ذکر شده است.

حمله به دفتر سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی

ماموران لباس شخصی با حمله به دفتر سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی ایران، تمامی کیس‌های کامپیوتر، اسناد و مدارک موجود در دفتر را با خود بردند. این حمله در شرایطی صورت گرفت که دو تن از کارمندان سازمان در دفتر حضور داشتند و تا پایان کار لباس‌شخصی‌ها، در اتاقی حبس شدند.

مصطفی تاج‌زاده:
روحانیت به مردم بازگردد

سید مصطفی تاج‌زاده در ملاقات کابینی با همسر خود گفت: «اکثریت روحانیون مخالف وضعیت موجود هستند و آنان نیز هم چون ما و همه دلسوزان خیرخواه از این همه هدر دادن فرصت‌های تاریخی و امکانات ملی نگران‌اند، ولی باید توجه داشت که به دلیل سوء استفاده عده‌ای معدود که اقدامات خود را به نام اسلام و تشیع و ولایت و روحانیت انجام می‌دهند، جامعه ما از همسایگان عقب مانده است و به همین دلیل اعتراض‌ها باید بیش از گذشته و جدی‌تر و صریح‌تر و بدون هیچ گونه ملاحظه‌ای باشد.»

بنی الاسلام علی الکلمتین
کلمة التوحید و توحید الکلمة

کلمه

روزنامه کلمه، پیش‌شمارهٔ چهاردهم
دوشنبه، ۳ آبان ۱۳۸۹، شمارگان: ما بیشماریم

WWW.KALEME.COM

اجرای بدون تنازل قانون اساسی را خواسته و محور اصلی جنبش سبز می‌دانم و باید در این باره کالبدشکافی بیشتری در ادبیات جنبش انجام گیرد. اصول متعددی از این قانون که متضمن حقوق ملت است به فراموشی سپرده شده است و اگر اینها خوب مطرح شود، اجماعی کلی را در جنبش بوجود می‌آورد.

میر حسین موسوی، ۱۹ فروردین ۱۳۸۹

حق اعتراض

فرانسه بار دیگر به صدر اخبار صدا و سیما بازگشته. پمپ‌بنزین‌های بسته‌شده، فروشگاه‌های تعطیل، مردم خشمگین و ناراضی که حاضر به عقب‌نشینی نیستند.

فرانسویان معترض‌اند. به چه چیز؟ ظاهراً افزایش سن بازنشستگی از ۶۰ سال به ۶۲ سال! همین! این اما همه ماجرا نیست. خشم تلنبارشده فرانسویان از سیاست‌های سارکوزی به این بهانه سر باز کرده. معترضان خواهان آنند که حقوق‌شان به رسمیت شناخته شود. خواهان این‌که دولت عقب‌نشینی کند. اما سارکوزی اعلام کرده به هیچ‌وجه کوتاه نمی‌آید. ظاهرا همه چیز به یک بحران بدل شده. کارگران و کارمندان در اعتصابند. روزی یک اتحادیه به صف اعتصاب‌کنندگان می‌پیوندد. البته سارکوزی که می‌خواهد با اعتصاب‌کنندگان مقابله کند جرات ندارد حق شهروندان برای تظاهرات و اعتصاب را نادیده بگیرد و مکرر تاکید می‌کند اعتصاب و تظاهرات از حقوق بنیادین شهروندان است و ما مخالفتی با آن نداریم. همه کس حتی کارمندان دولت و پلیس! حق اعتصاب دارند. در برخی مناطق دانش‌آموزان و دانشجویان نیز به اعتصاب‌کنندگان پیوسته‌اند. آیا واقعاً افزایش دو ساله سن بازنشستگی این‌قدر مهم است؟ یا در حکم جرقه‌ای است که بر انبار باروت نارضایتی مردم فرانسه زده شده؟

بیش از چهارسال پیش فرانسه یک بار به آتش کشیده شد. البته هیچ کس برای این کار اعدام و یا مجازات سنگین نشد و همه آنهایی که دستگیر شدند پس از چندی آزاد شدند. هیچ کس برای سنگ‌پرانی مفسد فی‌الارض اعلام نشد. هیچ پلیسی به خانه شهروندان حمله نکرد و یا ماشین آنها را تخریب نکرد. هیچ خبرنگاری از هیچ کجای دنیا حتی خبرنگار دولتی ایران بازداشت نشد. اعتراض آنان به قانونی بود که به کارفرمایانی که زیر ۲۰ کارمند داشتند اجازه می‌داد در دو سال نخست استخدام کارگران زیر ۲۵ سال خود را اخراج کنند. بحران بالا گرفت. ژاک شیراک رئیس‌جمهور وقت معترضین را به قصد رفع اختلاف به گفت‌وگو دعوت کرد. در مقابل نیکلا سارکوزی، وزیر کشور آن زمان، سیاست سرکوب را در پیش گرفت و نیروهای پلیس بیشتری را بر ضد تظاهرکنندگان ارسال داشت. نیروهای پلیس یک جوان فقیر را با شلیک گلوله کشتند و همین امر موجب تشدید اعتراضات شد. سارکوزی جوانان حاشیه‌نشین را مشتی «کثافت» [خس و خاشاک] نامید. صد البته صدا و سیمای ما نیز با شوقی وصف‌ناپذیر جزءبه‌جزء تظاهرات و اتفاقات رخ‌داده را بازگو کرد. چهارسال بعد؛ فرانسوی‌ها باز هم اعتراض دارند، باز هم به سارکوزی و سیاست‌های او. صدا و سیما نیز بار دیگر دست به کار شده. گزارش‌گر تلویزیون به میان جمعیت می‌رود. با لحن تعجب‌برانگیزی می‌پرسد: «به چه چیز اعتراض دارید؟» آن طرف تصویر، خبرنگاران دیگری هم مشغول تهیه عکس و خبرند، درست در فاصله چند قدمی نیروهای پلیس و مأموران انتظامی. اما کسی کاری با آن‌ها ندارد. گزارشگر اخبار تمایز آمارهای رسمی و غیررسمی را به رخ می‌کشد: «دولت می‌گوید یک میلیون نفر اما بیش از ۳ میلیون در خیابان‌ها هستند».

این همه در حالی صورت می‌گیرد که بزرگ‌ترین راهپیمایی مسالمت‌آمیز در سی‌سال اخیر کوچک‌ترین ردپایی در تلویزیون از خود به‌جا نمی‌گذارد. در بازنمایی دولتی ما تظاهرات سکوت ۲۵ خرداد کوچکترین جایی ندارد. اثری از انبوه مردم ناراضی دیده نمی‌شود. آن‌ها که به خیابان آمده‌اند مشتی اراذل و اوباش، خس و خاشاک، گوساله و بزغاله و غیره خوانده می‌شوند که قصد براندازی دارند. معترضانی که اگر فرانسوی باشند مسئولان تلویزیون به اوج‌شان می‌برند و اگر ایرانی باشند در گفتار رسمی «اغتشاشگر» خوانده می‌شوند؛ تصاویر آن‌ها قابل بازنمایی نیست. شعارهای آن‌ها قابلیت شنیدن ندارد. چرا که آن‌ها فرانسوی نیستند تا بتوان از اعتراض‌شان بهره‌برداری تبلیغاتی و سیاسی کرد. آن‌ها ایرانی‌هایی‌اند که پرسیده‌اند رأی‌شان چه شد. بنابراین نمی‌توانند به صدا و سیمای به اصطلاح ملی راه یابند. چرا که صدا و سیمای ملی متعلق است به فرانسوی‌ها، بلژیکی‌ها، انگلیسی‌ها، آمریکایی‌ها، و هر آن ملت‌هایی که در هر کشور صرفاً «غربی» اعتراضی کنند، بدون آن‌که خاستگاه این اعتراض‌ها مشخص شود. بدون این‌که معلوم شود بالاخره فرانسوی‌ها به چیز معترض‌اند؟

دولتمردان فرانسه نمی‌توانند آمارهای اقتصادی را کم و زیاد کنند، نمودارها را تغییر دهند. فرانسوی‌ها لااقل از این شانس برخوردارند که رسانه‌ها و مطبوعات آزاد داشته باشند، اتحادیه‌های کارگری تشکیل دهند، تحصن و اعتصاب کنند، داد بزنند، فریاد بکشند، شعار بدهند، اعتراض کنند، مخالفت کنند.

آیا ما نیز حق داریم اعتراض داشته باشیم، یا به محض اینکه حرفی از اعتراض به میان آید «فتنه‌گر» نامیده می‌شویم؟

سرمقاله

گامی به پیش

ابوسعید ابوالخیر روزی برای موعظه در مسجد حاضر شده بود؛ هنگامی که شیخ می‌خواهد از منبر بالا برود، یکی از حاضران که جا را بر مردم تنگ می‌بیند با صدای بلند می‌گوید «خدا رحمت کند کسی را که برخیزد و از همان جا که ایستاده قدمی پیش نهد.» مردم هر کدام گامی برمی‌دارند و جا برای دیگران باز می‌شود. اما شیخ در میان تعجب حاضران از منبر پایین آمده و از سخنرانی منصرف می‌شود. وقتی مریدان از او دلیل انصرافش را می پرسند می‌گوید «هر آنچه من می‌خواستم بگویم، در همین یک سخن آمده بود.»

این رفتار شیخ، به نوعی یادآور راهپیمایی سکوت ۲۵ خرداد است. روزی که مشهورترین تجلی‌گاه اعتراض مردم به نتایج انتخابات و رفتار حاکمیت بود. آن روز کسی در خانه نماند، هیچ کس به موعظه برنخاست و کسی هم موعظه نخواست. همه «گامی پیش نهادند» و در خیابان‌های تهران «سبز شدند» تا به ظلمی که برآنان رفته بود اعتراض کنند. آن روز را تحلیلگران سیاسی پیش‌بینی نکرده بودند و جامعه‌شناسان انتظار نداشتند، چرا که «۲۵ خرداد ۸۸، روز مردم بود».

روز مردم، خاستگاه جنبشی شد که کسی را توان انکار آن نبود و دوست و دشمن و مخالف و موافق به عظمت آن اقرار کردند.

خیزش مردم در ۲۵ خرداد، یعنی برای آنکه گامی برای رهایی از استبداد برداریم، کافی است از خود آغاز کنیم. آن‌گاه که جا تنگ و زمان رفتن است، به جای آن که دیگران را در برداشتن گام‌هایشان ناامید کنیم و به گام برداشتن آن‌ها خرده بگیریم؛ بهتر است، لازم است، باید! از ابوسعید بیاموزیم و از منبر پایین بیاییم و با مردم همراه شویم. «همه به برداشتن همین یک گام پای بند شویم» و «کنشگری‌های بی‌خشونت» و اعتراض‌های آرام را از ۲۵ خرداد و «گامی به پیش» را از ابوسعید ابوالخیر بیاموزیم، حتی با توزیع یک برگهٔ آگاهی‌بخش. آن‌گاه کسی نمی‌تواند مردم را نادیده بگیرد. چنین باد.

اخبار کوتاه

فشار تازه بر زندانیان سیاسی

بیانیه‌ای که نوشتید تکذیب کنید یا منتظر برخورد باشید

زندانیان سیاسی که از زندان اوین یا دیگر زندان‌ها بیانیه‌هایی نوشته یا امضا کرده‌اند، توسط مسؤولان زندان به دادسرا فراخوانده و از آنها خواسته شده تا امضاهای خود را تکذیب کنند وگرنه سلول انفرادی و دیگر تنبیه‌ها در انتظارشان خواهد بود.

۱۴ زندانی سیاسی اوین چندی پیش بیانیه‌ای در واکنش به سخنان احمدی‌نژاد که در سخنرانی خود در سازمان ملل پیشنهاد کرده بود یک گروه مستقل حقیقت‌یاب حادثه حمله تروریستی یازدهم سپتامبر را بررسی کند، ارایه دادند. این چهارده زندانی سیاسی خواستار تشکیل کمیته حقیقت‌یاب مشابه برای کشف حقایق مربوط به انتخابات و حوادث پس از آن شدند.

آنها در بخشی از این بیانیه تاکید کرده بودند: «ما به عنوان بخشی از قربانیان بی‌گناه و در بند این حوادث که پس از انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۸ به شیوه مورد اشاره آقای احمدی‌نژاد متهم، دستگیر و با احکام ناعادلانه زندانی شده‌ایم، پیشنهاد می‌کنیم یک گروه حقیقت‌یاب مستقل ملی، متشکل از افرادی معتبر و مورد اعتماد جامعه برای کشف حقایق مربوط به این انتخابات تشکیل شود.

حالا این زندانیان سیاسی تهدید شده‌اند که در صورت تکذیب نکردن امضاهایشان، علاوه بر انتقال به سلول انفرادی، ملاقات‌هایشان هم قطع و همچنین پرونده‌های جدیدی برایشان تشکیل خواهد شد.

احمدی نژاد:
آماری که احساس بدبختی می‌دهد منتشر نشود

احمدی‌نژاد گفت: اطلاعاتی وجود دارد که انتشار آن در جامعه ضرورتی ندارد، برخی اطلاعات که منتشر می‌شود موجب می‌شود که مردم احساس کنند بدبخت هستند که این اصلا خوب نیست. رییس دولت از دستگاه‌های دولتی هم خواست با هم هماهنگ باشند و تنها یک آمار متحد منتشر کنند.

ابراز نگرانی عضو جامعه روحانیت از تندروی طلبه‌های طرفدار دولت

ابوالحسن نواب با انتقاد از طلبه‌هایی که به مراجع توهین و بی‌ادبی می‌کنند، نسبت به فعالیت‌های «طلاب تندرو و سوپر انقلابی» امروز که به نظر وی، همان طلاب کفن‌پوش دیروز هستند و امروز طرفدار دولت شده‌اند، ابراز نگرانی کرد.

نماینده ساری:
یارانه‌های واریزی جوابگوی افزایش هزینه‌ها نیست

یوسف‌نژاد گفت: مهمتر از قانون یارانه‌ها، اجرای درست آن است؛ ضمن آنکه واریز یارانه‌های نقدی به تنهایی نمی‌تواند جوابگوی بخشی از افزایش هزینه‌ها باشد.

رتبه ۱۷۵ ایران در رده‌بندی آزادی مطبوعات

ایران از نظر آزادی مطبوعات در سال ۲۰۱۰ در میان ۱۷۸ کشور، مقام ۱۷۵ را کسب کرد. پس از ایران، ترکمنستان، کره شمالی و اریتره در قعر جدول آزادی مطبوعات هستند. مطبوعات از مهمترین ابزار نظارت بر عملکرد دولت‌ها در جهان به شمار می‌روند.

تجمع دوباره معلمان مقابل مجلس

تعدادی از معلمان خرید خدمتی و ضمن خدمت، دیروز با تجمع دوباره در مقابل مجلس نسبت به اقدام آموزش و پرورش در مورد اخراج خود تجمع کردند.

نماینده شهرکرد:
مردم چهارمحال و بختیاری گرفتار بیکاری هستند

نصرالله ترابی گفت: بیکاری در استان‌هایی مثل استان ما که مردم فقیرند باعث مضاعف شدن مشکلات اجتماعی می‌شود.

کارشناسان علم اقتصاد، فتنه‌گر اقتصادی نیستند

قنبری نماینده مجلس گفت: مجریان طرح هدفمندسازی در اینکه قانون مذکور بتواند حلال مشکلات اقتصادی کشور باشد دچار تردید شده‌اند و نگران واکنش مردم در قبال واقعیات هستند و ستاد تخریب اصلا وجود خارجی نداشته و ندارد.

بنی الاسلام علی الکلمتین
کلمة التوحید و توحید الکلمة
کلمه
WWW.KALEME.COM
روزنامه کلمه، پیش‌شمارهٔ پانزدهم
چهارشنبه، ۵ آبان ۱۳۸۹، شمارگان: ما بیشماریم

برادران ما! اگر از هزینه‌های سنگین و عملیات عظیم خود نتیجه نمی‌گیرید شاید صحنه درگیری را اشتباه گرفته‌اید؛ در خیابان با سایه‌ها می‌جنگید حال آن که در میدان وجدان‌های مردم خاکریزهایتان پی در پی در حال سقوط است.

میر حسین موسوی، بیانیه ۱۶

زمین گرد نیست

اعتراف تلوزیونی؛ نمایش شکست دولت‌ها

حتما بارها از خود پرسیده‌اید که پخش اعترافات تلویزیونی چرا انجام می‌شود؟ اعتراف به اشتباه، فریب و خیانت؟ یا خرد کردن مخالفان دولت؟ مخالفان دولت به چه منظوری جلوی چشمان میلیون‌ها نفر به خیانت‌های بی‌پایان یا فریب‌خوردگی‌شان! آن هم پس از مدتی زندانی بودن اعتراف می‌کنند؟ در همه این سال‌ها بارها شاهد پخش اقرارهای تلویزیونی شخصیت‌های سیاسی و اجتماعی بوده‌ایم. اما سوال اینجاست که چرا حکومت به چنین شیوه‌ای برای اثبات حقانیت خود و کوبیدن مخالفانش متوسل می‌شود؟ آیا همه اینها تنها نشان‌دهنده عقب‌ماندگی سیاسی یک کشور نیست؟

اعتراف گیری، عمری به اندازه تاریخ

در ایران اعتراف‌گیری تلویزیونی در زمان محمدرضا شاه پهلوی در اوایل دهه ۵۰ آغاز شد. بین سال‌های ۱۳۵۰ تا ۱۳۵۴ تعدادی از فعالان سیاسی و نویسندگان مخالف رژیم پهلوی درمقابل دوربین تلویزیون اعتراف کردند. این اعترافها در همان زمان نیز با اعتراض نهادهای بین‌المللی مواجه شد. شاه علاقه زیادی در به کارگیری این روش علیه مخالفانش داشت. او مخالفان خود را مشتی مزدور، خودفروخته، منحرف و وابسته به بیگانگان می‌دانست که فریب خورده بودند. بنابراین اصرار داشت که به مردم ایران و جهانیان نشان دهد که آنان خود به خطاکار بودن‌شان اعتراف می‌کنند. این روش در نظام‌های کمونیستی و نیز دیگر رژیم‌های توتالیتر و دیکتاتوری که خود را به دور از هرگونه اشتباه می‌دانند بارها استفاده شده است. حکومت‌هایی که هرگز حاضر نیستند کوچکترین ضعفی را بپذیرند.

اوج اعتراف گیری پس از انتخابات سال گذشته

اما اعتراف‌گیری در دادگاه‌های نمایشی و پخش آن در تلویزیون پس از انتخابات سال گذشته به اوج خود رسید. آنها اغلب پس از گذراندن زندان و شکنجه می‌گفتند که فریب خورده و خائن‌اند. در این دوره ابطحی، سعید شریعتی، محمد عطریانفر، عبدالله مومنی، حمزه کرمی و تعداد دیگری از فعالان سیاسی در مقابل دوربین‌های تلویزیون اعتراف کردند.

ابطحی در این دادگاه‌های نمایشی اعتراف کرد که فریب خورده است. او یک سال بعد از این ماجراها در صفحه فیس‌بوکش نوشت که در چنین روزی برای برگزاری دادگاه تمرین می‌کرده است؛ که نشان‌دهنده نمایشی بودن همه آن چیزی بود که بر وی گذشته بود. هر چند که اعتراف‌های ابطحی‌ها از سال گذشته تاکنون ادامه دارد و این بار پدر و برادر او هستند که به منحرف بودن در تلویزیون اقرار می‌کنند.

عبدالله مومنی هم در اعتراف‌های تلویزیونی خود تاکید کرد که یک خائن است و از جنبش دانشجویی در سال‌های اخیر سو استفاده‌ها کرده است. وی تنها با گذشت چند ماه از این اعترافات با اینکه همچنان در زندان است. نامه‌ای سرگشاده خطاب به رهبری منتشر کرد و توضیح داد که تحت شکنجه‌های شدید مجبور به اعتراف شده است.

یک سوال ساده

چرا حکومت‌ها در کشورهای پیشرفته جهان از چنین روش‌هایی برای تنبیه مخالفان‌شان استفاده نمی‌کنند و هر روز کسی را وادار به اعتراف و اقرار نمی‌کنند؟ صادق زیبا کلام، جامعه‌شناس پس از پخش دادگاه‌های نمایشی به این سوال در قالب یادداشتی این گونه پاسخ داد: «حکومت‌ها و رهبران سیاسی در کشورهای دیگر خود را نه عقل کل، قائد اعظم، مرشد کامل، نور مطلق، آریامهر خدایگان (لقب شاه ایران) می‌پندارند و نه معتقدند که زمین و زمان بسیج شده‌اند تا علیه آنان توطئه کنند. به علاوه به دلیل پیشرفت‌های سیاسی که در این کشورها صورت گرفته، حکومت و عملکردش توسط نهادهای دیگر همواره مورد نقد قرار می‌گیرد.»

او تاکید کرد: «عقب‌ماندگی بین ما و کشورهای پیشرفته محدود به صنعت، علوم، حمل و نقل، بهداشت، کشاورزی و دانشگاه نیست. اتفاقاً این خرد کردن جسم و روح افراد در «دادگاه» و وادار کردنشان به اعتراف، به گناهان، به خبط و خطاهای ناکرده و همکاری با دشمنان است که بیش از هر چیز دیگری عقب‌ماندگی ما را به نمایش می‌گذارد.»

خانواده‌ها بدهکارتر می‌شوند

اگر مصرف خانوارهای ایرانی بر خلاف محاسبات قبلی، مصرف غیرضروری نباشد و با آزادسازی قیمت‌ها، در الگوی مصرف مردم تغییری صورت نگیرد، خانواده‌های ایرانی بدهکارتر خواهند شد.

به گزارش فرارو، آمار بانک مرکزی و مرکز آمار باز هم با هم یکی نیست البته این بار این آمار ناهم‌خوان مشکل یکسانی را نشان می‌دهند: «دخل و خرج ناهم‌خوان خانوارهای ایرانی».

در هفته گذشته رئیس مرکز آمار ایران از کسری بودجه خانوارهای ایرانی در سال ۸۸ و ۸۷ خبر داد. بر اساس اظهارات عادل آذر، میزان کسری بودجه خانوارهای شهر نشین ایرانی سالانه معادل ۵۵۸ هزار تومان است. آمار منتشره از سوی بانک مرکزی البته تفاوت فاحشی با این ارقام دارد، بر اساس آمارهای منتشر شده از سوی بانک مرکزی میزان کسری بودجه خانوارهای شهرنشین ایرانی در سال ۸۸ معادل ۳۹۰ هزار تومان بوده است رقمی که در مقایسه با سال ۸۷ معادل ۴۰ درصد رشد داشته است.

اعلام این آمار در حالی صورت می‌گیرد که عادل آذر در نماز جمعه هفته گذشته سخنانی متضاد با آمار کنونی گفت و ادعا کرد : «درآمد سرانه هر ایرانی ۵ میلیون تومان است». او با یادآوری رشد برخی شاخص‌ها بر این امر تاکید نموده بود که «از این آمار می‌توان نتیجه گرفت که سطح رفاه زندگی در کشور بیش از پیش افزایش یافته است».

مهدی تقوی، استاد دانشگاه علامه از این وضعیت تعبیر به پس‌انداز منفی می‌کند و در توضیح آن می‌گوید: «طی سال‌های گذشته آنچه در اقتصاد ایران باعث جلوگیری از ورشکستگی اقتصادی مردم شده است درآمدهای نفتی است که توسط دولت به اقتصاد تزریق شده است و این آمارها نشان می‌دهد در عمل بخش عمده‌ای از خانوارهای ایرانی هیچ نقش واقعی در ایجاد ثروت در کشورنداشته‌اند».

وی می‌افزاید: «خانوارهای ایرانی برای آن‌که بتوانند تراز خود را متعادل کنند مجبور به هزینه کردن دارایی‌های خود بوده و می‌توان گفت در این سال‌ها فقیرتر شده‌اند و از سوی دیگر برای جبران هزینه‌های خود مجبور به قروضی شده‌اند که به امید افزایش درآمد در سال‌های آتی گرفته‌اند و در عمل هیچ نقش واقعی در انباشت سرمایه در کشور بازی نکرده‌اند».

پیشتر مرکز آمار ایران، آماری مبنی بر تفاوت دخل و خرج خانوارهای ایرانی داده بود: در سال ۸۸ هزینه متوسط ماهانه خانوارهای شهری ۸۲۶ هزار تومان بوده، در حالی که درآمد متوسط آنها به ۷۸۰ هزار تومان بوده است. وضع خانوارهای روستایی بدتر است، چون هزینه متوسط ماهانه آنها ۴۹۳ هزار تومان است، در حالی که درآمد متوسط آنها کمتر از ۴۳۷ هزار تومان است. در سال ۸۸ نسبت به سال ۸۷ مخارج خانوارهای شهری ۵/۳ درصد و مخارج خانوارهای روستایی ۹/۸ درصد افزایش داشته است. با توجه به آمارهای گوناگون داده شده، به نظر می‌آید خانوارها به سوی بدهکارشدن پیش می‌روند.

اخبار کوتاه

تماس تلفنی کروبی با خانواده سید ضیاء نبوی، فعال دانشجویی زندانی

در پی تبعید ضیاء نبوی، دانشجوی زندانی و محروم از تحصیل به زندان اهواز و فشارهای وارده بر خانواده این فعال دانشجویی، مهدی کروبی طی تماس تلفنی با خانواده نبوی، با آنها ابراز همدردی کرد.

در این مکالمه تلفنی پدر سید ضیاء نبوی از آخرین وضعیت فرزند خود در زندان اهواز و همچنین شرایط بسیار سختی که این روزها بر خانواده وی می‌گذرد، سخن گفت.

وزیر اطلاعات: منافقین به مجلس ششم خط می‌دادند سندش هم موجود است

پس از متهم کردن نخست وزیر ۸ سال جنگ، رییس مجلس سه دوره کشور و رییس جمهور دو دوره کشور، حالا وزیر اطلاعات در اظهاراتی گفت: خط دهی بیش از ۷۰ درصد اتفاقاتی که در مجلس ششم افتاد توسط منافقین صورت می‌گرفت و اسناد این مساله موجود است. مصلحی همچنین اذعان کرد: با مسیری که رهبری طراحی کرد، دولت نهم و دهم سر کار آمد.

با فحش، افترا و هر روز دشمن درست کردن، مشکلات مردم حل نمی‌شود

آیت الله موسوی تبریزی با بیان مطلب فوق گفت: باید خودمحوری را کنار گذاشت و به اندازه‌ای که برای خود حق قائل هستیم برای دیگران هم حق قائل شویم. این مسئله را ائمه نیز مورد توجه قرار داده‌اند و اگر ما چنین سفارشی از ائمه را مدنظر قرار دهیم آن وقت بسیاری از مشکلات ما حل خواهد شد.

تایید محرومیت از روزنامه‌نگاری برای ژیلا بنی‌یعقوب

حکم یک سال حبس تعزیری و ۳۰ سال محرومیت از روزنامه‌نگاری برای ژیلا بنی‌یعقوب، در دادگاه تجدیدنظر تایید شد.

این روزنامه‌نگار شجاع بارها به کشورهای خاورمیانه از جمله عراق و افغانستان و لبنان سفر کرده و در مورد زندگی زنان و پناهندگان در زمان جنگ گزارش‌هایی نوشته است.

واردات بی‌رویه، تیشه به ریشه صنعت شکر می‌زند

نماینده نقده و اشنویه گفت: واردات شکر امسال ۶۰ درصد بیشتر از پارسال شده که این مساله تیشه به ریشه صنعت شکر می‌زند. زنجانی گفت: بیان مشکلات و معضلات حوزه‌های انتخابیه همانند آب بر هاونگ کوبیدن است چرا که نه مسئولیت‌پذیری جدی در هیات رئیسه مشهود است و نه در دولت.

اضافه‌کاری پرستاران و حقوق مهرماه پرداخت نشده

چهارده روز پیش وزیر بهداشت از واریز مبالغ اضافه‌کاری‌های پرستاران با حقوق مهرماه خبر داده بود و در پاسخ به این سوال که آیا واریز اضافه‌کاری‌ها هم به سرانجام استخدام ۲۳ هزار پرستار تبدیل خواهد شد یا خیر گفته بود: به طور حتم پرستاران اضافه‌کاری‌هایشان را در فیش حقوقی مهرماه خواهند دید. اما با وجود گذشت چهار روز از آبان ماه دبیرکل خانه پرستار از عدم واریز اضافه‌کار پرستاران با وجود وعده‌های وزارت بهداشت خبر داد.

رشد اقتصادی ایران؛ کمترین در خاورمیانه

صندوق بین‌المللی پول در گزارش جدید خود، رشد تولید ناخالص داخلی واقعی ایران در سال گذشته را ۱/۱ درصد برآورد و پیش‌بینی کرد که این شاخص در سال جاری به ۱/۶ درصد خواهد رسید. با این حساب، در سال جاری، ایران از نظر رشد اقتصادی پس از جمهوری قرقیزستان بدترین وضعیت را در خاورمیانه و آسیای مرکزی خواهد داشت.

قیمت برق کشاورزان چهار و نیم برابر می‌شود

قیمت برق در بخش کشاورزی بعد از هدفمندی یارانه‌ها با هفت تومان افزایش ۹ تومان برای هر کیلووات ساعت تعیین شد.

کلمه
بنی الاسلام علی الکلمتین
کلمة التوحید و توحید الکلمة
WWW.KALEME.COM
روزنامه کلمه، پیش‌شمارهٔ شانزدهم
شنبه، ۸ آبان ۱۳۸۹، شمارگان: ما بیشماریم

جنبش سبز متعلق به مردم است و از متن جامعه بیرون آمده و اینگونه نیست که چند نفر آن را ایجاد و اداره کنند و تصمیم بگیرند. این جنبش ضد خشونت است و نشانه رشد مردم که خواستار احیای ارزش‌های انقلاب و مردم‌سالاری سازگار با دین و حقوق مسلم خودش و اعتبار و پیشرفت کشور است تا هم جمهوریت و هم اسلامیت نظام حفظ شود. **سید محمد خاتمی**

چرا دولت احمدی‌نژاد برای چند همسری مردان تلاش می‌کند؟

تهدیدی بزرگ برای نهاد خانواده

لایحه به اصطلاح حمایت از خانواده بالاخره چه سرنوشتی پیدا کرد؟ آیا ماده‌ای که چند همسری را برای مردان آسان می‌کند بالاخره در مجلس به تصویب نهایی می‌رسد؟ این سوالی است که بسیاری از زنان و مردان ایرانی می‌پرسند؟ آنها در همه این سال‌ها نظاره‌گر آن بوده‌اند که چگونه دولت تمام تلاش خود را برای تصویب این لایحه که شرایط چند همسری مردان را در جامعه آسان می‌کند به کار گرفته. آنچنان اصراری که گویی مهم‌ترین مشکل جامعه ایران همین است.

این لایحه در سال ۸۶ توسط قوه قضاییه تصویب شد اما همان موقع دولت نهم دو بند به آن افزود. دو بندی که به عقیده خیلی‌ها ضدیت اساسی با حقوق زنان دارد. طبق ماده ۲۳ این لایحه شرایط چند همسری برای مردان بسیار آسان می‌شود، چرا که مردان برای ازدواج مجدد دیگر مجبور نیستند از همسر اول‌شان اجازه بگیرند و تنها لازم است توانایی مالی خود برای داشتن زن جدید را به دادگاه اثبات کنند. بند دیگر این لایحه نیز به مالیات بر مهریه اشاره داشت.

ماده‌ای که داشتن همسر دوم را برای مردان آسان می‌کند در زمان‌های مختلف مورد اعتراض بسیاری از زنان و مردان آگاه قرار گرفت. اما سرانجام بررسی آن با تغییرات جزیی در کمیسیون حقوقی مجلس پایان یافته. هر چند تصویب نهایی آن منوط به طرح آن در صحن علنی مجلس است.

قربانی، عضو کمیسیون حقوقی درباره موارد بحث‌برانگیز این لایحه یعنی مواد ۲۲، ۲۳ و ۲۴ گفته: «کل ماده ۲۴ که بیشتر به موضوع مهریه می‌پرداخت، حذف شد و به جای آن ماده دیگری جایگزین شد.»

او همچنین در ادامه به تغییرات جزیی که در ماده ۲۳ و ماده ۲۲ این لایحه رخ داده نیز اشاره‌ای کرده است. اما آنچه در ماده ۲۳ رخ داده است تغییر اساسی را با قبل نشان نمی‌دهد. این ماده همچون سابق تنها شرایط چند همسری را برای مردان آسان می‌کند.

کارشناسان حقوق و حوزه زنان درباره تصویب این لایحه معتقدند: «هیچ توجیهی برای طرح و پیگیری تصویب چنین قوانینی در جامعه ما وجود ندارد.»

به گفته آنها قانون اساسی به طور صریح حفظ بنیان‌های نهاد خانواده را مورد تأکید قرارداده و این قانون و روحش در مغایرت با چنین اصلی قرار دارد و نهاد خانواده را مورد تهدید قرار می‌دهد.

کارشناسان معتقدند با توجه به مجموعه مسائل و مشکلاتی که جامعه ایران و زنان ایرانی با آن روبرو هستند هیچ توجیه معقولی برای اصرار دولت احمدی‌نژاد برای اعمال و مطرح شدن چنین قوانینی وجود ندارد و نه تنها توهین به زنان بلکه توهین به مردان و در نهایت خانواده را به دنبال دارد.

آمارها نشان می‌دهد روند طلاق مخصوصاً در دوره دولت کنونی به سرعت در حال افزایش است و به طور متوسط در طول سال‌های عمر این دولت، طلاق سالیانه حدود ۸/۵ درصد رشد داشته و برعکس ازدواج کاهش پیدا کرده است. با توجه به این آمارها توجه به تصویب قوانینی که چند همسری را تسهیل می‌کند امری عجیب و باورنکردنی به نظر می‌رسد قوانینی که بنیان خانواده را نیز در معرض تهدید جدی قرار می‌دهد و بر تحکیم آن اثری عکس می‌گذارند.

فعالان جنبش زنان این بار نیز پس از مطرح شدن این لایحه، پنج هزار امضا که به این طرح اعتراض می‌کرد تقدیم نمایندگان مجلس کردند و بار دیگر خواستند که در این لایحه بازنگری‌های لازم را انجام دهند. این بار باید ببینیم که سرنوشت این لایحه به کجا خواهد رسید؟ و آیا چند همسری در کشور سر انجام تبدیل به قانون خواهد شد؟

مردم فتنه‌گر نیستند، نگرانند!

پیش از این کارمندان ادارات و دانشجویان پایتخت که مسیر حرکتشان به سمت چهارراه ولیعصر بود، گاهی مقابل دکه روزنامه فروشی می‌ایستادند تا نیم‌نگاهی به روزنامه‌های صبح بیندازند.

این روزها بر تعداد خریداران روزنامه همشهری افزوده شده. اشتباه نکنید، این افراد خوانندگان روزنامه همشهری نیستند، بیکارانی هستند که در جستجوی کار، صفحات همشهری را در پارک‌ها ورق می‌زنند.

روزنامه همشهری در دست یکی از افرادیست که در پارک نشسته است. در عناوین صفحه اول روزنامه همشهری به سخنان محمود احمدی‌نژاد اختصاص دارد که میلیون‌ها ایرانی از جمله بیکاران به زودی مبلغ نقدی را که از مدت‌ها پیش قولش را داده بودند، دریافت خواهند کرد. همین خواننده روزنامه در این باره می‌گوید: حتی زنان خانه‌دار نیز قید سریال‌های تلویزیونی را برای گوش کردن اخبار می‌زنند تا بدانند چه زمانی یارانه نقدی به حسابشان واریز می‌شود.

اما اینجا یک واقعیت تلخ وجود دارد: مبلغی که بر اساس برآورد مقامات به ۶۰ میلیون ایرانی پرداخت شود، فعلا در حساب بانکی مسدود باقی خواهد ماند. خانواده‌ها امکان برداشت پولشان را تا تاریخی که دولت اعلام کند، نخواهند داشت. به گفته رئیس «سازمان هدفمندسازی یارانه‌ها»، دوره زمانی این پرداخت‌ها نیز هنوز «نامشخص» است.

تصمیم‌گیری درباره زمان و دوره‌ای که برای پرداخت و هزینه کرد یارانه درنظر گرفته شده، قرار است توسط وزارت دارایی و اقتصاد هفته آینده اعلام شود.

این در حالیست که بر اساس اخبار منتشر شده در خبرگزاری‌های رسمی تنها احمدی‌نژاد زمان اجرای قانون هدفمند کردن یارانه‌ها را می‌داند.

شمس‌الدین حسینی، وزیر اقتصاد هم می‌گوید که تنها یک ساعت پیش از اجرای طرح هدفمند کردن یارانه‌ها قیمت سوخت به مردم اعلام می‌شود. درست شیوه ای که در سال ۸۶ برای سهمیه‌بندی بنزین اجرا شد. همگان به یاد دارند که شب قبل از سهمیه‌بندی بنزین اجرایی شدن این تصمیم به اطلاع عموم رسید و این مساله باعث خشم عمومی و به آتش کشیده شدن ده‌ها پمپ بنزین شد.

در همین راستا به جای پاسخ دادن به سوالات مردم، عده‌ای به تمهیدات امنیتی و تشدید جو پلیسی برای کنترل تبعات اجرای طرح هدفمندی یارانه‌ها و اعتراضات آتی آن دست زده‌اند به طوری که فرمانده انتظامی تهران بزرگ از اجرای طرح موسوم به «امنیت محله محور» در بیش از دو هزار نقطه پایتخت از بامداد شنبه هشتم آبان ماه ۸۹ خبر داده است.

سردار پاسدار اسماعیل احمدی‌مقدم نیز در زمینه اعتراضات احتمالی آتی می‌گوید: پلیس آمادگی در برابر فتنه اقتصادی! را دارد و دارای اشراف اطلاعاتی در این باره است. فتنه یک اتاق فکر دارد و افرادی فکر می‌کنند که با به وجود آمدن این مسایل می‌توانند در مسایل اقتصادی سوار شوند.

این در حالی است که مردم از افزایش نرخ تورم نگران هستند و روز به روز قیمت کالاهای اساسی مردم چون گوشت و برنج و روغن افزایش می‌یابد.

زمانی در همین روزنامه‌ها با تیتر بزرگ طرح هدفمند کردن یارانه‌ها یک جراحی بزرگ خوانده شده بود، به نظر می‌رسد در این طراحی باید توانایی بیمار سنجیده می‌شود و سپس جراحی انجام می‌شود. اگر این کار بدون مراقبت کافی انجام شود، بیمار در معرض خطر قرار می‌گیرد و حتی ممکن است جان سالم به در نبرد.

اخبار کوتاه

آمریکا ۳۷ شرکت مرتبط با کشتیرانی را تحریم کرد

در ادامه اعمال تحریم‌های فراگیر علیه کشورمان، آمریکا ۳۷ «شرکت صوری» و پنج ایرانی را به دلیل دست داشتن در هدایت این شرکت‌ها در فهرست تحریم‌های خود قرار داده است.

نامهٔ مادر مهدی محمودیان به رییس قوّهٔ قضاییه

مهدی محمودیان، روزنامه‌نگار و فعال حقوق بشر، شهریور سال گذشته بازداشت و به تحمّل ۵ سال حبس محکوم شده است. مادر رنجدیده این زندانی سیاسی در نامه‌ای خطاب به رییس قوه قضاییه نوشته است:

فرزندم مدت سه ماه در سلول انفرادی نگهداری شد و طی این مدت از بسیاری از حقوق اولیه و انسانی‌اش محروم بود.

لازم است بدانید در دی ماه سال گذشته سه تن از برادران مهربان تا آنجا که می‌توانستند او را ضرب و شتم کردند و سپس با چشم‌بند و دستبند و به صورت عریان او را به مدت ۸ ساعت در حیاط و در سرما نگه داشتند.

از همان جا فرزندم دچار آنفولانزای شدید شد و هرچقدر تلاش کردیم او را معالجه کنیم، به ما اجازه این کار را ندادند.

تا کنون فرزندم در این مدت به مرخصی نیامده است. در این یک سال و اندی دختر او بسیار بی‌قراری و بی‌تابی می‌کند.

عبدالله مومنی به زندان بازگشت چون به خواسته‌های بازجوها تن نداد

عبدالله مومنی، از زندانیان حوادث پس از انتخابات که به تازگی خطاب به رهبری از شرح شکنجه‌هایی نوشته است که برای اعتراف به آنچه بازجویان می‌خواستند بر او اعمال شده، این روزها با روحیه‌ای مقاوم در بند ۳۵۰ زندان اوین دوران حبسش را می‌گذراند.

همسرش فاطمه آیینه‌وند که از خانوده شهداست می‌گوید که فرزندانش هر روز که از مدرسه باز می‌گردند از او می پرسند: «پدر آزاد نشده؟»

او وقتی در برابر این پرسش قرار می‌گیرد که آیا ممکن است برای آرامش فرزندان از کشور خارج شوید، می‌گوید :«ما برای این کشور خون دادیم. حتی یک لحظه هم به خروج از ایران فکر نمی‌کنیم، می‌ایستیم و با بی‌عدالتی مبارزه می‌کنیم.»

قرآن نمی‌تواند فصل‌الخطاب باشد؟!

علی سعیدی نماینده رهبری در سپاه گفت:

«اسلام و حکومت اسلامی در هر دوره‌ای نیاز به نماد و ترجمان دارد، حتی قرآن به دلیل وجود محکمات و متشابهات نمی‌تواند فصل‌الخطاب باشد!! و نیاز به ترجمان دارد.

دیروز این نماد، حضرت روح‌الله بود و امروز نماد حقانیت و حاکمیت، رهبر معظم انقلاب است.»

اعتصاب ۱۳۰۰ کارگر لاستیک البرز ادامه دارد

کارگران این کارخانه از حدود دو هفته پیش، دست به اعتصاب زده‌اند. کارگران کارخانه لاستیک البرز خواستار دریافت حقوق چهار ماه سال ۸۷ و عیدی و دو ماه حقوق سال گذشته خود و نیز فراهم آوردن مواد اولیه برای ادامه کار این واحد تولیدی هستند.

تجمع اعتراضی کارگران شهرداری آبادان

جمعی از کارگران شهرداری آبادان در اعتراض به پرداخت نشدن سه ماه حقوق و بیمه خود در مقابل شهرداری مرکزی آبادان تجمع کردند.

علی(ع) هم نتوانست در برابر تفکر عمروعاصی مقاومت کند

آیت‌الله العظمی جوادی آملی گفت: در جامعه‌ای که تفکر عمروعاصی حاکم باشد و علی را کنار گذاشته باشند، قطعا علی اگر بخواهد مقاومت کند، محکوم به شکست است؛ ولی در قیامت چه؟!

فتنه‌انگیزی علیه هدفمندی یارانه‌ها وجود دارد، اما اسنادش موجود نیست!

کوچک‌زاده نماینده دولتی مجلس گفت: عده‌ای در صدد فتنه‌انگیزی درباره طرح هدفمندسازی یارانه‌ها هستند اما مصادیقی برای این فتنه گری وجود ندارد!

روزنامه کلمه، پیش‌شمارهٔ هفدهم
دوشنبه، ۱۰ آبان ۱۳۸۹، شمارگان: ما بیشماریم
WWW.KALEME.COM

امام ما مردم را رهبر می‌پسندید، زیرا می‌دانست که گذر از یک گردنه تاریخ برای سعادت هیچ ملتی کافی نیست. آنان باید از چنان خودانگیختگی و بصیرتی برخوردار شوند که در هر عصری و نسلی بتوانند راه را از بیراهه بشناسند و بپیمایند. مردم ما امروز رهبرانند و این همان آرزوی بزرگی است که امام برای آنان داشت. او ما را دعوت کرد به سوی آن چیزی که ما را زنده می‌کرد. **میرحسین موسوی، بیانیه ۱۴، ۹ آبان ۱۳۸۸**

اینها آمار بانک مرکزی است نه سیاه‌نمایی!

سیاهه گرانی‌های سرسام‌آور در دولت دهم

اگر بحث‌های (انحرافی) سیاسی مربوط به مکتب ایرانی، کورش و... را فراموش کنیم، احتمالا وقتی برای فکر کردن به سفره‌هایمان داریم.

تقریبا هر جا که باشید از صندلی اتوبوس و تاکسی تا کلاس درس دانشگاه و جلسه درس حوزه، همه جا وقتی صحبت از خرید می‌شود، آهی جگرسوز پیش‌بندش می‌آید و بعد این عبارت گرانی شده تمام حدیث حقوق اول برج و قرض دهم ماه را بازگو می‌کند.

بله؛ گرانی هم شده اما کمتر کسی می‌گوید چه چیزی، چقدر گران شده!

نمودار بازی نکنیم و اسیر قیمت گوجه فرنگی از میدان ونک تا نارمک هم نشویم، دست به نقد، روی همین آمار رسمی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران توافق کنیم و آن را رسما معیار قرار بدهیم تا ببینیم براساس این آمار رسمی که حتما مورد قبول همه مسوولان هم هست، چه چیزی، چقدر گران شده است.

بانک مرکزی هر هفته آماری ارایه می‌دهد، شامل قیمت خرده فروشی کالاهای مصرفی، اتفاقا یکی از راه‌های محاسبه تورم هم همین جدول است.

احمدی‌نژاد در هفته اول تیرماه سال ۸۴ در دور دوم انتخابات، رسما رییس دولت شد. حدودا یک ماه جابه‌جایی‌ها طول کشید.

در این خصوص جهان‌صنعت با بررسی قیمت مواد غذایی براساس جداول قیمتی بانک مرکزی در هفته اول مردادماه ۱۳۸۴ با قیمت‌های همان جدول در هفته چهارم مهرماه ۱۳۸۹ را مقایسه می‌کند.

لبنیات: افزایش قیمت ۹۴ درصدی

در گروه لبنیات، پنیر باز با ۱۶۴ درصد افزایش، بیشترین افزایش قیمت را داشته. پس از آن کره پاستوریزه با ۱۲۵ درصد، ماست باز با ۹۶، ماست پاستوریزه با ۸۳، شیر با ۶۶ و پنیر پاستوریزه با ۳۳ درصد افزایش به ترتیب صاحبان رتبه در افزایش قیمت هستند.

برنج: افزایش قیمت ۱۴۳ درصدی

در گروه برنج نیز به ترتیب برنج وارداتی غیرتایلندی با ۱۹۷ درصد، برنج ایرانی درجه ۲ با ۱۲۳ و برنج ایرانی درجه یک با ۱۱۱ درصد رتبه‌های افزایش قیمت برنج را به خود اختصاص دادند. در گروه تخم‌مرغ، شاهد افزایش ۱۵۰ درصدی قیمت بودیم.

حبوبات: افزایش قیمت ۱۴۶ درصدی

در گروه حبوبات به ترتیب لوبیا چیتی ۱۷۸، لوبیا سفید ۱۷۰، لوبیا چشم بلبلی ۱۶۵، لوبیا قرمز ۱۴۵، عدس ۱۳۵، لپه ۱۲۹ و نخود ۱۰۱ درصد افزایش قیمت داشته است.

میوه: افزایش قیمت ۱۸۴ درصدی

در گروه میوه‌های تازه نیز به ترتیب اقلام سیب گلاب ۳۱۰ درصد، هلو ۲۶۸، گلابی ۲۳۷، خربزه ۱۷۶، پرتقال ۱۰۶، انگور ۱۰۲ و هندوانه ۹۵ درصد افزایش قیمت داشتند.

سبزی‌های تازه: افزایش قیمت ۱۸۲ درصدی

در گروه سبزیجات نیز اقلام خیار ۲۵۹ درصد، کدو ۲۴۶، گوجه ۱۹۶، لوبیا سبز ۱۹۳، سیب‌زمینی و بادنجان ۱۵۱، پیاز ۱۳۲ و سبزی‌های برگی ۱۳۰ درصد افزایش قیمت داشتند.

گوشت: افزایش قیمت ۱۹۹ درصدی

گوشت مرغ در هفته آخر مهرماه ۱۳۸۹ نسبت به هفته آخر مردادماه ۱۳۸۴ چیزی حدود ۹۶ درصد افزایش قیمت داشته است.گوشت گوسفند با استخوان که در آمار بانک مرکزی در حال حاضر هر کیلو ۱۷ هزار و ۳۰۰ تومان اعلام شده است، نسبت به مدت مشابه قبلی یعنی پنج هزار تومان چیزی حدود ۲۴۶ درصد افزایش قیمت داشته است. گوشت گاو و گوساله نیز ۹۶ درصد افزایش قیمت نشان می‌دهد.

قند و شکر: افزایش قیمت ۱۲۰ درصدی

بسته‌های نیم کیلویی چای خارجی ۶۹ درصد افزایش داشتند. قیمت قند شکسته ۱۳۵ درصد و قیمت شکر ۱۰۵ درصد افزایش داشته است.

روغن: افزایش قیمت ۱۲۰ درصدی

در گروه روغن، حلب روغن پنج کیلویی در تابستان ۸۴ چهار هزار و ۳۰۰ تومان بوده که در حال حاضر ۱۰ هزار تومان شده و افزایش ۱۴۳ درصدی دارد. روغن مایع نیز که هر لیتر آن در سال ۸۴، ۹۸۰ تومان بوده در حال حاضر هر لیتر یک‌هزار و ۹۰۰ تومان شده است و افزایش ۹۸ درصدی را نشان می‌دهد.

افزایش ۱۲۵ درصدی هزینه‌های سفره‌ها

بی‌شک این ۳۹ قلم کالا که در ۱۲ گروه کلی مورد بررسی قرار گرفتند، تمام مصرف خانوار را نشان نمی‌دهد. هزینه مسکن، سوخت، بهداشت و درمان، تحصیل، پوشاک، دخانیات و... نیز هزینه‌هایی هستند که خانواده‌ها ناگزیر از پرداخت آنها هستند.

اما در همین گروه محدود از اقلام مصرفی خانواده‌ها نیز به طور متوسط شاهد افزایش ۱۲۵ درصدی اقلام مصرفی هستیم.

این دیگر سیاه‌نمایی و... نیست، هرچه هست آمار بانک مرکزی است که اعلام شده. در مقابل درآمد افراد چقدر افزایش یافته است؟ نرخ بیکاری چه وضعی دارد و... در گزارش‌های بعدی به این سوالات نیز خواهیم پرداخت. بی‌شک رضایت عمومی با سخنرانی و برگزاری همایش و وعده و... میسر نمی‌شود، ممکن است وعده (آن هم فقط وعده) برخورد با پولدارها و ثروتمندان مقطعی مسکن درد برخی از مردم جامعه شود اما این قطعی نیست.

پس از گذشت بیش از پنج سال، همچنان اکثر مردم هم با نظر آقای دکتر احمدی نژاد موافق هستند که گفته بود: «یعنی مشکل مردم ما شکل موی جوان‌هاست؟ جوان‌ها هر طور می‌خواهند مویشان را بزنند به من و شما چه ربطی دارد؟ دولت باید اقتصاد کشور را سامان بدهد» امیدواریم در این سه سال باقی‌مانده از دولت آقای احمدی‌نژاد اقتصاد سامان پیدا کند و در سال ۱۳۹۲، گزارشی از کاهش یا دست‌کم تثبیت قیمت‌ها بدهیم. اگر هم این‌طور نیست، در سال ۱۳۹۲ این درصدهای افزایش رشد مضاعف نداشته و همین قدر باشند.

نامه اولین دادستان انقلاب به وزیر اطلاعات:

تشکیلات رسمی نباید مانند دزدان مسلح و آدم‌ربایان عمل کند

نخستین دادستان انقلاب در پی بازداشت فرزندانش و نحوه برخورد زننده با آنان نامه‌ای سرگشاده خطاب به وزیر اطلاعات نوشت و به او تذکر داد که این مناصب غنیمت نیست بلکه آزمون آخرت است. هادوی کسی است که در زمان شاه حاضر نشد حکم تبعید امام خمینی را امضا کند و به همین دلیل از دادستانی قم برکنار شد. او پس از انقلاب به دلیل اطمینان امام به او به عنوان نخستین دادستان انقلاب منصوب شد و پس از حدود دو ماه به قول خودش از هول قیامت استعفا داد. پسرش نیز که اکنون در بازداشت به سر می‌برد از فرماندهان مورد علاقه شهید چمران در جنگ بوده.

هادوی در این نامه به وزیر اطلاعات نوشته: «... آقای وزیر اطلاعات، هیچ دولتی نمی‌تواند مملکت را یواشکی و دزدانه اداره کند. تشکیلات رسمی نمی‌باید مانند دزدان مسلح و آدم‌ربایان عمل کند. دیروز فرزندم از کسانی که دارای لباس نامناسب بودند و نوه‌ام را بازداشت کرده بودند حکم قانونی برای ورود و بازرسی خواست. آنها با استهزا گفتند به ایشان نشان داده‌ایم و نوه‌ام را نشان دادند و او که رنگش پریده بود و معلوم بود چه نشانش داده‌اند، سرش را پایین انداخت و به زمین نگاه کرد و بدون حکم برای بازرسی وارد شدند.

فرستادن اشخاص با این وضع باعث می‌شود تا شیادان نیز به همین‌گونه مراجعه کرده، مردم را گروگان گرفته و اخاذی کنند. مگر وزارت اطلاعات ارگان رسمی نیست. چرا اقدام به دستگیری دزدکی می‌کنند و هیچ اطلاعی به کسانش نمی‌دهند. هویت زندانیان گوانتانامو و ابوغریب مشخص بود ولی در اینجا معلوم نیست چه کسی می‌گیرد، چرا می‌گیرد و بکجا می‌برد. آیا بازداشت‌کنندگان مامور رسمی هستند یا شیادان؟ چرا از نشان دادن حکم قضایی ابا دارند؟ ما که می‌دانیم قضات مامورند و تمایل شما را برآورده می‌کنند. پس چرا حکمشان را نشان نمی‌دهید. بنظرم برای نشان دادن این واقعیت است که دستگاه قضا هیچکاره است و ماموران شما هر کاری بخواهند می‌توانند بکنند.

آقای وزیر آیا می‌دانید هنگامی که ابن زیاد وارد کوفه شد گفت «من به تهمت میگیرم.» آیا شما نیز به تهمت می گیرید یا با دلیل و مدرک؟

اخبار کوتاه

همسر محمد نوری‌زاد در نامه‌ای به رئیس قوه قضائیه: همسرم را به نام شما به زندان بردند

فاطمه ملکی، همسر محمد نوری زاد روزنامه نگار و بسیجی منتقد، با نگران‌کننده توصیف کردن وضعیت جسمی این زندانی خطاب به رییس قوه قضاییه گفت: آقای رئیس قوه قضائیه، همسرم را روزی که بردند به نام شما از ما جدا کردند و به خاطر توهین به شما، من ایشان را با تن و روحی سالم به دادگاه‌تان فرستادم و فقط می‌خواستم ایشان را با بیست کیلو کاهش وزن و تنی ضعیف وقتی برای مرخصی آمده بودند می‌دیدید! حالا هم دست ما کوتاه است آقای لاریجانی، ولی یادتان باشد همسر من شش ماه برای شما حکم گرفت و گذراند ولی شما شش سال از سلامتی او را تراشیدید و حالا حتی اجازه درمان هم نمی‌دهید.

اخراج دو فعال دانشجوئی مازندران از دانشگاه

پس از اخراج ۵ تن از فعالین دانشجویی استان مازندران، مسئولین دانشگاه مازندران و صنعتی نوشیروانی بابل طی احکام جداگانه‌ای دو تن از فعالین دانشجوئی این استان را از دانشگاه اخراج کردند.

تهدید به تبعید، به خاطر درخواست کشف حقیقت

۱۴ زندانی سیاسی بند ۳۵۰ زندان اوین در هفته‌های اخیر توسط بازجویان وزارت اطلاعات بازجویی شدند. این زندانیان چندی پیش، در واکنش به درخواست محمود احمدی‌نژاد برای تشکیل گروه مستقل حقیقت‌یاب بین‌المللی برای بررسی حمله تروریستی یازده سپتامبر، خواستار تشکیل کمیته مشابه داخلی برای کشف حقایق مربوط به انتخابات و حوادث پس از آن شده بودند. این زندانیان پس از بازجویی‌های طولانی تهدید شدند که به زندان‌های دور از مرکز تبعید خواهند شد.

صد میلیارد دلار کجاست؟

علی مزروعی در یادداشتی، از رئیس بانک مرکزی پرسید: صد میلیارد دلار ادعایی حساب ذخیره ارزی ایران کجاست؟ بهمنی، در اظهاراتی گفته بود: نهادهای پولی موجودی حساب ذخیره ارزی ایران را صد میلیارد دلار اعلام کرده‌اند. نیس دولت مستقر نیز گفته بود: ذخیره ارزی را صد میلیارد دلار عنوان کردند که البته قطعاً بیش از این مقدار است. مزروعی با بیان تفاوت «حساب ذخیره ارزی ایران» و «ذخیره ارزی ایران» (ذخائر ارزی بانک مرکزی)، از مسوولان خواست بیش از این با الفاظ بازی نکنند و به وضع بیمار اقتصاد کشور بیاندیشند.

سود سهام عدالت در جیب دولت

عملکرد طرح سهام عدالت از سال ۸۵ تا پایان مهرماه ۸۹، به صراحت نشان می‌دهد که ۶ وزارتخانه بزرگ دولتی حدود ۱۸ هزار میلیارد ریال از سود سهامداران «عدالت» را پرداخت نکرده‌اند. البته آمارهای منتشره، تنها عملکرد سال‌های ۸۵، ۸۶ و ۸۷ را بیان کرده و سخنی از تعیین تکلیف سود سهام عدالت در سال مالی ۸۸ نکرده است.

استخدام ۲۳ هزار پرستار در سال جاری منتفی شد

احمدی نژاد در روز پرستار امسال خطاب به وزیر بهداشت گفت که از همین فردا به دنبال آگهی استخدام پرستار باشید.

اما اکنون وزارت بهداشت، می‌گوید که این استخدام سال آینده اجرایی می‌شود. یعنی اینکه موضوع استخدام ۲۳ هزار پرستار حداقل برای امسال منتفی است.

داد مهدی چمران هم درآمد

مهدی چمران در واکنش به تصویب ماده‌ای در کمیسیون شوراها که اختیار انتخاب شهردار تهران و مراکز استان‌ها را از شوراهای شهر می‌گیرد، گفت: مشخص است که می‌خواهند شوراها را جمع کنند، مردم‌سالاری را جمع کنند و بگویند فقط دولت.

ویژه‌نامه

کلمه
بنی الاسلام علی الکلمتین
کلمة التوحید و توحید الکلمة
WWW.KALEME.COM

ویژه‌نامهٔ دیدار میرحسین موسوی و مهدی کروبی
سه‌شنبه، ۱۱ آبان ۱۳۸۹، شمارگان: ما بیشماریم

در دیدار موسوی و کروبی مطرح شد:

بین ملت تفرقه نیندازیم؛ مردم را خس و خاشاک و فتنه‌گر و میکروب نخوانیم

مهدی کروبی روز یکشنبه به دیدار مهندس موسوی رفت. به گزارش خبرنگار سحام نیوز این دیدار در شرایطی انجام گرفت که نیروهای امنیتی قصد جلوگیری از ورود مهدی کروبی به پاستور را داشتند که با عکس‌العمل میرحسین موسوی این اقدام آنان ناکام ماند.

در ابتدای این دیدار آقای کروبی از فضای دروغ و تهمت در کشور که متاسفانه نهادینه شده است ابراز تاسف کرد و اظهار داشت: بعد از اینکه در انتخابات ریاست جمهوری نهم با تقلب توانستند شخص مورد نظر را در مسند ریاست جمهوری بنشانند در انتخابات مجلس هشتم و دهم ریاست جمهوری نیز به صورت سهمیه‌بندی و مهندسی شده آراء را تقسیم کردند و انتخاباتی را برگزار کردند

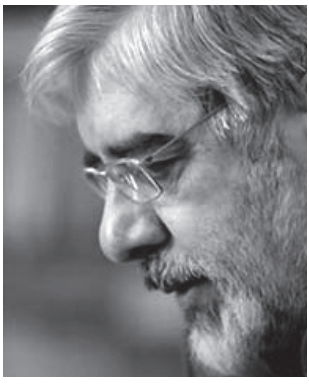

که باعث انفجار مردمی شد و با بدترین شیوه و خشونت زیاد با مردم برخورد کردند و هر روز در رسانه‌هایی که از پول بیت‌المال ارتزاق می‌کنند، انواع دروغ و تهمت‌ها به طرف مقابل می‌زنند و کوچکترین جوابی را از مخالفین و منتقدین نه تنها در رسانه ملی بلکه در روزنامه‌ها نیز برنمی‌تابند تا جایی که علاوه بر ممنوعیت خبری از من و شما در رسانه‌ها حتی از چاپ آگهی تسلیت هم روزنامه‌ها را منع کردند. و تحمل هیچ‌گونه آزادی بیان را ندارند و عملا آزادی راستگویی و صداقت را ذبح دو روزه دنیای خویش کردند. در حالی که می‌توانستند با برگزاری انتخابات سالم کشور را از هر گزندی محفوظ بدارند.

در ادامه این دیدار آقای موسوی به نبود تدبیر و عقل در اداره کشور اشاره نمود و گفت: به طور کلی کسی با هدفمند کردن یارانه‌ها مخالف نیست، اما حرف اصلی ما این است که نیرویی که بتواند این طرح را مدیریت کند، وجود ندارد و قسمت اعظم نیروهای کارشناس مشهور و توانمند کنار گذاشته شده‌اند. این هنر نیست که برای اجرای هدفمند کردن یارانه‌ها در ۲۰۰۰ منطقه تهران نیرو بچینیم یا فرمانده پلیس به یاری سپاه و بسیج برای ترساندن مردم افتخار کند. شیوه مدیریتی این آقایان بلایی بر سر کشور چه در اقتصاد و حوزه‌های دیگر آورده که امکان برگشت به وضعیت ۶ سال گذشته هم خیلی سخت شده است.

در ادامه این دیدار آقایان کروبی و موسوی در آستانه روز ۱۳ آبان مواردی را متذکر شدند:

– در آستانه ۱۳ آبان، روز دانش‌آموز و و سالروز تبعید حضرت امام؛ متاسفانه شاهد فشار زیادی بر فرهیختگان این کشور اعم از دانشگاهیان و دانشجویان و وکلا و روزنامه‌نگاران هستیم. هر روز احکام سنگینی بر علیه روزنامه‌نگاران متعهد صادر می‌شود؛ به طوری که علاوه بر زندان؛ به ده‌ها سال محرومیت از فعالیت‌های مطبوعاتی محکوم می‌شوند و یا وکلای شناخته شده را به جرم دفاع از موکلین خود زندان و به احکام سنگین محکوم می‌کنند تا دیگر وکالت زندانیان سیاسی را به عهده نگیرند و یا دانشگاهیان را به زندان‌های طویل‌المدت و خارج از اقامتشان تبعید و زندانی می‌کنند. به طوری که موجب خطر و آزار و اذیت خانواده‌هایشان می‌گردد. ولی با تمام این اقدامات هر روز نیروهای جدید و با انگیزه به صحنه می‌آیند و رویش جنبش مردمی هر روز از روز دیگر بیشتر است.

– به مصلحت کشور نیست که بین صفوف ملت تفرقه ایجاد کنیم و ده‌ها میلیون نفر از معلمان و کارگران، دانشجویان و اساتید و زنان و مردم کشور را خس و خاشاک و گوساله، یا میکروب و فتنه‌گر بنامیم. آن نظامی که امام عزیز ۱۵ سال برای آن مبارزه کرد به دنبال حاکمیت مردم بر سرنوشت خودشان بود. نه آنکه بخش زیادی از ملت را دشمن قلمداد کند. ایجاد رعب و وحشت باعث از بین رفتن مشروعیت نظام می‌گردد و بدون مشروعیت هیچ نظامی دوام نمی‌آورد. لذا ما معتقدیم همه ملت ایران، عزیز و دارای حقوق شهروندی می‌باشند و همه آنها از کرامت ذاتی برخوردار بوده و ذات انسان با میکروب و خس و خاشاک بی‌گانه است. جامعه سالم، مطلوب و برخواسته از رای مردم، جامعه‌ای است که در آن اعتراض، اعتصاب، انتقاد و... جزو حقوق طبیعی و اولیه مردم می‌باشد.

– سیاست‌های ماجراجویانه خارجی باعث شده است که در فاصله کوتاهی چندین قطعنامه از سازمان‌های بین‌المللی بر علیه کشور ما صادر شود و اثرات منفی خود را بر وضع معیشتی مردم نشان دهد. فقر و نرخ بیکاری و تعطیلی مراکز تولیدی و واردات بی رویه تا جایی رسیده است که سنگ قبر هم از خارج

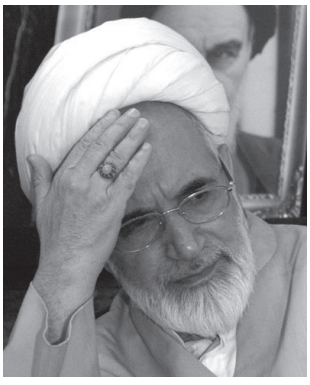

وارد می‌شود و کمک‌های بلاعوض و وام به کشورهای خارجی و همسایه که معلوم نیست تا چه اندازه مجلس در جریان است، اقتصاد کشور را به شدت ضعیف کرده است و ادامه این روند خطرناک می‌تواند به فروپاشی نظام تمام شود. آیا هزینه و فایده این ریخت و پاش‌ها به نفع کشور است؟ و چرا مردم به صورت شفاف در جریان این ریخت و پاش‌ها نیستند؟

– دلسوزانه خواستاریم به جای جنگ بی‌ثمر با علوم انسانی، از متخصصین برجسته علوم انسانی کشور در حوزه‌های اقتصاد و جامعه‌شناسی و دیگر شاخه‌ها استفاده کنید و کار را به دست کاردان‌ها بسپارید. نه آنکه تحمل دوستان خودتان را هم نداشته باشید.

نام بردن از آقایان موسوی، خاتمی و کروبی در رسانه‌ها ممنوع است. با تکثیر و پخش این خبرنامه به انتشار خبرها کمک کنید.

بنی الاسلام علی الکلمتین
کلمة التوحید و توحید الکلمة

کلمه

WWW.KALEME.COM

روزنامه کلمه، پیش‌شمارهٔ هجدهم
چهارشنبه، ۱۲ آبان ۱۳۸۹، شمارگان: ما بیشماریم

برای توجیه سیاست‌ها و رفتارهای غلط و حتی سرکوب به دروغ و تهمت و ناسزاگوئی متوسل می‌شوند. این تهمت‌ها وقتی از سوی کسانی مطرح می‌شود که موقعیت حساس را در نظام و جامعه اشغال کرده‌اند و ایجاب می‌کند که عادل باشند و دقیق حرف بزنند و مدافع حق و حقیقت باشند؛ تاسف بارتر است. **سید محمد خاتمی**

مردم بهبهان! مرا بپذیرید

مجید دری، دانشجوی محروم از تحصیل چند روزی است که از زندان اوین به زندان بهبهان تبعید شده است. مجید پنج سال باقیمانده از حبس‌اش را باید اینجا بگذراند. اما مجید از فاصله هزار کیلومتری نامه می‌نویسد و به مادر و پدرش و همه می‌گوید که تنها نیست. این که در میان استقبال گرم بهبهانی‌هایی که از دیدن یک زندانی حق‌طلب خوشحال شده‌اند و به دیدنش می‌آیند، دیگر احساس تنهایی نمی‌کند. او فریاد می‌زند: «غریب نبودم و غریبه نبودند و از اینجا، از پشت دیوارهای ستبر زندان بهبهان به همه سلام می‌کنم و می‌گویم: من یک بهبهانی‌ام! مردم بهبهان! مرا بپذیرید.»

مجید دری در بخشی از نامه خود آورده است:

چندی پیش از اوین به زندان بهبهان آوردندم. حکمم محاربه بود و در بی‌دادگاه قاضی پیرعباسی نامی که حتی اجازه دفاع به من و وکلایم را نداد محکوم شدم.

محارب شناخته شدم چون از خانواده زندانیان دلجویی کردم و به یک زندانی غریب کمک کردم‌ام و اسامی کشته‌شدگان و اسیرشدگان را جمع می‌کردم. اکنون به زندانی منتقل شده‌ام که تفکیک جرائم در آن صورت نپذیرفته است. زندانی که از کمترین امکانات بهداشتی و فرهنگی محروم است. زندان بهبهان. زندانی در جنوب کشو. آنگاه که وارد شده بودم و هنوز گرد غربت را از تن نزدوده بودم، هیچ تصوری از ادامه نداشتم... تحمل زندان... تنها و غریب...

اما صدای گرم و آشنای بهبهانی‌ها چنان گرمایی داشت که خون منجمد شده در رگهایم را به جریان انداخت. آنگاه که در روز ملاقات پشت در زندان آمدند و خواستار ملاقات با من شدند و نگذاشتند فاصله هزار کیلومتری خانواده‌ام در نظرم جلوه کند، دیگر غریب نبودم و غریبه نبودند و حال از اینجا، از پشت این دیوارهای ستبر به یکایکشان عرض سلام و ادب و احترام می‌کنم و به پدر و مادرم می‌گویم:

پدر! مادر! اینجا من تنها نیستم. پدر، مادر، خواهر و برادران بهبهانی‌ام حس غریب غربتم را شکستند و می‌توانم فریاد کنم: من یک بهبهانی‌ام! مردم بهبهان! مرا بپذیرید. درود بر شرفتان!

به امید روزی که با زجر و تلاش، من و تو ما بشویم...

مجید دری، آبان‌ماه ۸۹ زندان بهبهان

زهرا رهنورد: خداوند حق شهدا را خواهد گرفت

خانواده شهید محرم چگینی از شهدای جنبش سبز چند روز پیش پذیرای زهرا رهنورد و جمعی از زنان اصلاح‌طلب بودند.

محرم چگینی کارگری بود که به قول همسرش از صبح تا شب به دنبال یک لقمه نان حلال تلاش و کار می‌کرد. همسرش می‌گوید او همیشه معترض بود که چرا ماهانه ۳۰۰ هزار تومان حقوق می‌گیرد. شهید چگینی معتقد بود تا آزادی نباشد و نتواند اعتراضش را بیان کند عدالتی هم نخواهد بود.

زهرا رهنورد در این دیدار به پدر و مادر شهید چگینی گفت: «تحمل این شرایط بسیار دشوار است. همه این شهدا بی‌گناه بوده و به ناحق به شهادت رسیده‌اند و خداوند حق این جوانان را خواهد گرفت. این جوانان پاک تنها برای احقاق حقوق خود آن هم به صورت مسالمت‌آمیز و به دور از خشونت اعتراض کردند و مسلما خون بی‌گناه آنان هیچگاه پایمال نمی‌شود.»

شهید محرم چگینی ۲۵ خرداد ماه سال گذشته در تظاهرات میلیونی مردم از میدان امام حسین به میدان آزادی مورد اصابت گلوله قرار گرفت و جان سپرد.

عضو مجمع محققین حوزه علمیه قم:

دشمن و فتنه‌گر کسانی هستند که به راحتی دروغ می‌گویند

یک عضو مجمع مدرسین و محققین حوزه علمیه قم، با تکذیب خبر دروغین رسانه‌های مدعی اصولگرایی درباره تلاش این تشکل برای دیدار با رهبری، پرسید: «فرض کنیم دروغ شما راست باشد. فرض کنیم یک تشکل روحانی که تعداد قابل توجهی از آنان زندان‌های قبل از انقلاب را دیده و بعد از انقلاب از همراهان و یاران حضرت امام(ره) بوده و از سوی آن بزرگوار به مناصبی در نظام اسلامی تصدی یافته‌اند و تشکلی که همگی اعضای آن در سطوح بالا مشغول به تدریس و تحقیق هستند، آنگونه که شما گفته‌اید به خطا رفته باشد و حال تقاضای ملاقات با رهبری را داشته باشد. آیا رهبری که باید محور وحدت باشد به آنان وقت ملاقات نمی‌دهد؟ یا صورت دیگر این است که این گروه مواضعی خاص داشته و اکنون تقاضای ملاقات با رهبری را داشته باشد تا انتقادات خود را بیان کند. آیا یک تشکل روحانی شناسنامه‌دار و به ثبت رسیده در مراجع قانونی نمی‌توانند از رهبری وقت بگیرند و سخن خود را بیان کنند؟»

اشاره این استاد دانشگاه مفید قم به خبری است که در روزنامه‌های اقتدارگرایان منتشر شد و در آن آمده بود: «یک تشکل روحانی حامی فتنه سبز در قم برای ملاقات با مقام رهبری تلاش می‌کند... اما اخبار رسیده از ناموفق بودن این تلاش‌ها حکایت دارد.»

اما عضو مجمع مذکور نوشت: «واژه‌های «فتنه‌گر»، «دشمن نظام» و... امروزه در کشور ما به واژه‌ای کلیشه‌ای در ادبیات یک جریان سیاسی و مطبوعات حامی آن تبدیل شده است. این جریان سیاسی به خود اجازه می‌دهد که برای کسانی که همفکر او نیستند، این الفاظ را به کار برده و به دنبال آن هر ناسزایی را که خواست به آنان بگوید و هر تهمت و افترائی که خواست به آنان ببندد و هر سخن و عملی را بدون توجه به راست یا دروغ بودن آن، و شاید با علم به دروغ بودن آن، به آنان نسبت دهد.

سلیمانی همچنین خاطرنشان کرد: «در این نوشته دو خبر آمده. این دو خبر کذب محض است و نه تنها در جلسات رسمی این تشکل تصمیم بر چنین اموری نبوده بلکه مطابق تحقیقی که اینجانب انجام دادم حتی اعضای این تشکل به صورت شخصی و به عنوان شخص خود این امور را انجام نداده‌اند.

این استاد دانشگاه اظهار داشت: «به گمان من دشمن نظام و فتنه‌گر کسانی هستند که شریعت و اخلاق اسلامی را زیر پا می‌گذارند. کسانی که به راحتی دروغ می‌گویند و مخالف خود را مخالف دین و نظام به حساب می‌آورند و به این هم قناعت نکرده تصویری خوفناک و بی‌منطق از رهبری نظام اسلامی ارائه می‌کنند. توجه داشته باشیم که مخالف هیچ شخصیت سیاسی ضرورتا مخالف دین و نظام نیست. آیا دشمن دین و نظام آن کسانی نیستند که بی‌جهت مردم را مخالف دین و نظام معرفی می‌کنند؟ آیا دشمن دین کسانی نیستند که با بی‌اخلاقی‌های رسوای خود اسلام را بدنام می‌کنند؟»

اخبار کوتاه

افشای بدهی ۲۰ هزار میلیارد تومانی دولت به سازمان تامین اجتماعی

محمدرضا باهنر در جریان مخالفت با یکی از پیشنهادات اصلاحی لایحه برنامه پنجم، فهرست طلبکاران کلان دولت را افشا کرد. او از رقم نجومی بدهی ۲۰ هزار میلیاردی دولت به بیمه تامین اجتماعی خبر داد. به گفته وی، در حال حاضر دولت توان بازپرداخت بدهی‌های خود را هم ندارد. گفتنی است بیشتر بدهی‌های دولت به سازمان تامین اجتماعی مربوط به ایام قبل از انتخابات ریاست جمهوری است که در آن به بسیاری از مردم پول واریز شد و به آنها وعده داده شد در صورت انتخاب مجدد احمدی‌نژاد این مقادیر ماهانه ادامه می‌یابد. وعده‌ای که اگرچه از جیب مردم بود اما هیچ‌گاه پس از انتخابات عملی نشد.

نمایشگاه مطبوعات، یک مانور دولتی بود

ترابی نماینده شهرکرد با انتقاد از وضعیت نمایشگاه مطبوعات گفت: نمایشگاه‌ها مانوری دولتی است که بیشتر به غرفه‌آرایی اختصاص دارد. مطبوعات منتقد دولت که اصلاً نه یارانه دارند، نه آگهی دارند و تازه مورد تهدید هم هستند، اوضاع مطبوعات محلی هم بدتر از اینهاست.

متهم اول پرونده کهریزک، بار دیگر آفتابی شد

سعید مرتضوی، دادستان سابق تهران، که پس از عزل از سمت قضایی خود، به ندرت در محافل عمومی حضور می‌یابد، روز سه شنبه بار دیگر در یک جلسه عمومی با حضور خبرنگاران حضور یافت. مرتضوی که به عنوان متهم ردیف اول پرونده کهریزک شناخته می‌شود، به گفته خانواده شهدای کهریزک، دستور غیرقانونی انتقال بازداشت‌شدگان به این بازداشتگاه را صادر کرده است. در گزارش کمیته مجلس نیز نام او به عنوان متهم اول جنایات کهریزک، مطرح شده بود. مرتضوی سال گذشته، به خاطر این اتهام، از دادستانی تهران برکنار شد. اما احمدی‌نژاد او را به عنوان مشاور خود و رئیس ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق کالا و ارز منصوب کرد.

استعفای استادان و ادامه تحصن در دانشگاه ایران

دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی ایران برای سومین روز پیاپی در اعتراض به انحلال این دانشگاه، نام «تهران» را از سردر دانشگاه علوم پزشکی ایران برداشتند، بعد از آن بار دیگر نام «ایران» را بر سردر دانشگاه نصب کردند. دانشجویان این دانشگاه همچنین در این تجمع از اعلام استعفای چند نفر از اعضای هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی ایران خبر دادند.

دولت به جای تشویق به مصرف نکردن تورم را کنترل کند

فرهمند عضو کمیسیون کشاورزی مجلس گفت: درست است که با اجرای قانون هدفمند کردن یارانه‌ها، مردم باید صرفه‌جویی کنند اما مهم این است که به جای تاکیدات مکرر بر کاهش مصرف، مسوولان برای عوامل افزایش تورم و گرانی که از کنترل مردم خارج است فکری کنند.

دولت پروژه‌های روی زمین مانده را تمام کند

لاهوتی نماینده مجلس، در شرح برخی از معضلات راه‌های کشور می‌گوید: با این همه تعهدات و زمانی که کنار گذر یک شهر بیست سال طول می‌کشد مطرح کردن موضوعاتی مانند طرح جاده حرم تا حرم توجیه‌ناپذیر است.

کرایه تاکسی‌ها حداقل ۱۰ درصد گران می‌شود

محمد رویانیان رئیس ستاد مدیریت حمل و نقل و سوخت، با اشاره به استخراج جداول و فرم‌های تشخیص میزان تأثیر افزایش قیمت سوخت بر کرایه تاکسی‌های درون شهری، پیش‌بینی کرد که پس از هدفمند شدن یارانه‌ها، کرایه تاکسی‌ها به طور متوسط ۱۰ درصد افزایش یابد.

این روزنامه را به دوستان و آشنایان خود در شهرستان‌ها معرفی کنید. اقتدارگرایان، ما مردم را نادیده گرفته‌اند. اما ما بیشماریم.

بنی الاسلام علی الکلمتین
کلمة التوحید و توحید الکلمة

کلمه

ویژه‌نامه ۱۲ آبان و روز دانش‌آموز

روزنامه کلمه، پیش‌شمارهٔ نوزدهم
شنبه، ۱۵ آبان ۱۳۸۹، شمارگان: ما بیشماریم

WWW.KALEME.COM

سیزدهم آبان میعادی است تا از نو به یاد آوریم که در میان ما مردم رهبرانند. این روز عزیز را به ملت ایران تبریک می‌گوییم و برای گروهی از آفرینندگان این مناسبت که اینک در بندند و دیگر اسیران نهضت سبز از خداوند آزادی، شکیبایی و پاداشی متناسب با نیت‌های بلندشان آرزو می‌کنم. **میرحسین موسوی، بیانیه ۱۴**

انقلاب در دست نا اهلان و نامحرمان
دانشجویان پیرو خط امام در زندان

«سیزدهم آبانه، میردامادی زندانه»، این یکی از شعارهای اصلی مردم در تجمع اعتراضی سال گذشته سیزده آبان در تهران بود. منظور شعاردهندگان از این شعار یادآوری این بود که میردامادی و تعدادی دیگر از نقش‌آفرینان سیزده آبان سال ۱۳۵۸ که سفارت آمریکا را تسخیر کرده بودند، اکنون در زندان هستند.

امسال نیز محسن میردامادی و محسن امین‌زاده که هر دو از شخصیت‌های مطرح در آن رویداد تاریخی بودند و پس از انتخابات پر مناقشه سال ۸۸ بازداشت و روانه زندان شدند، همچنان در زندان به سر می‌برند.

محسن میردامادی در حادثه تاریخی سیزده آبان ۱۳۵۸ چهره نام‌آشنایی برای بسیاری از ایرانیان بود. او بارها به عنوان سخنگوی دانشجویان پیرو خط امام بر صفحه تلویزیون ظاهر و درباره فعالیت‌های این دانشجویان به مردم ایران گزارش داد.

میردامادی اکنون در بند ۳۵۰ زندان اوین به سر می‌برد و چندی پیش به همراه ۱۳ نفر از زندانیان همفکرش در بیانیه‌ای که به بیانیه ۱۴ نفر مشهور شد، در واکنش به سخنان محمود احمدی‌نژاد که در سخنرانی خود در مجمع عمومی سازمان ملل پیشنهاد کرده بود یک گروه مستقل حقیقت‌یاب بین المللی حادثه حمله تروریستی یازدهم سپتامبر را بررسی کند، خواستار آن شدند تا کمیته‌ای حقیقت‌یاب برای کشف حقایق مربوط به انتخابات و حوادث پس از آن تشکیل شود. این دانشجوی خط امام همچون سایر نوسندگان بیانیه در هفته‌های اخیر بارها مورد بازجویی ماموران وزارت اطلاعات قرار گرفته و توسط آنها تهدید شده که به خاطر نوشتن این بیانیه از حق آزادی مشروط و یا مرخصی محروم خواهد شد.

محسن امین‌زاده، یکی دیگر از دانشجویان پیرو خط امام است که نقش مهمی در رویداد تاریخی سیزدهم آبان سال ۵۸ که منجر به تسخیر سفارت آمریکا داشت. وی مسوول بخش رسانه‌ای دانشجویان پیرو خط امام بود که با صدور اطلاعیه‌های مستمر مردم را در جریان همه تحولات و رویدادهای مربوط به این حادثه قرار می‌دادند.

امین‌زاده نیز همچون میردامادی در نخستین روزهای پس از انتخابات سال گذشته، بازداشت و روانه زندان شد. او امسال در آستانه سالگرد واقعه ۱۳ آبان اقدام به نشر خاطرات خود از دوران زندان و بازجویی‌های خود کرده است.

امین‌زاده که همچنان در زندان اوین به سر می‌برد، در بخشی از خاطرات خود نوشته است: «بازجوها به زشت‌ترین روش‌ها بر مبنای ادعاهایی سرتا پا دروغ و بسیار توهین‌آمیز دست یازیده‌اند. روش‌هایی که شنیده بودم اما هرگز آن را همچون امروز باور نکرده بودم. بازجوی جدیدی که بعداً فهمیدم سرتیم بازجویان است برای اولین بارخودش دست به کار شد و بدترین لحظات بازجویی را برای من خلق کرد. او اندامی درشت و شکمی بسیار بزرگ داشت و با لحن بسیار بدی سخن می‌گفت. هرچند ادای الفاظ رکیک با برخوردهای فیزیکی هم همراه بود اما حتماً تحمل کتک‌ها از تحمل اظهارات و رفتار زشت او آسان‌تر بود.

بی‌تردید سلول انفرادی نوعی شکنجه است و سلول انفرادی بدون توالت برای من که سنگ کلیه دارم شکنجه‌ای مضاعف بود اما تلخ‌ترین و بدترین لحظات دوران زندان من مربوط به سلول انفرادی نیست. مربوط به ساعات بازجویی است. بازجویی‌های توهین‌آمیز، تکراری، بی‌محتوا و آزاردهنده. بازجویی‌هایی که حکایت از فقدان اطلاعات بازجویان نسبت به من و فقدان تجربه و تخصص آنان نسبت به کارشان داشت. بازجویی‌هایی در فضایی آکنده از توهم، نفرت، بداندیشی، دروغ و نیرنگ و باورهایی شبه‌کمونیستی که هدف هر وسیله‌ای را توجیه می‌کند. بازجویی‌هایی همراه با زشت‌ترین و رکیک‌ترین کلمات و تهمت‌ها و توهین‌ها. توهین نسبت به افرادی که مورد احترام من بودند و یا دوستشان داشتم. و البته تحمل توهین به آدم‌های محترم دیگر برای من غیرقابل تحمل‌تر از توهین به خودم بود. نمی‌دانم شاید دلبستگی به اعتلای این نظام و انقلاب اسلامی هم تجربه این لحظات را برایم زجرآورتر می‌کرد. من هیچ پاسخی برای علت چنین رفتاری با خودم نداشتم.»

امسال در شرایطی سال‌روز تسخیر لانه جاسوسی با سازماندهی دولتی در تهران و برخی از شهرهای کشور برگزار شد که همچنان دو نفر از چهره‌های معروف آن واقعه در زندان هستند و البته گواهی بر زندانی بودن گفتمان ۱۳ آبان و انقلاب ۵۷.

آیا می‌دانید سردار مشفق، از ماموران کودتای انتخاباتی در تهمتی بزرگ به دانشجوان خط امام ۱۳ ابان را طراحی آمریکایی‌ها عنوان کرده است؟ آیا می‌دانید نا اهلان و نامحرمان از سخنان سردار مشفق علیه فرزندان انقلاب حمایت کرده‌اند؟ آیا می‌دانید ۷ تن از فرزندان انقلاب از سردار مشفق شکایت کرده‌اند اما به جای رسیدگی، به زندان برگردانده شده‌اند؟ نام مشفق را در سایت کلمه جستجو کنید.

پارسال، اوج خشونت غاصبان چفیه
امسال، توزیع چفیه در مدارس کشور

این یادداشت کوتاه را معلم یکی از دبیرستان‌های تهران برای روزنامه کلمه ارسال کرده است. معلمی که شاهد خشونت نیروهای دولتی علیه معترضان در ۱۳ آبان سال گذشته بوده است. او از مشاهداتش می‌گوید و اینکه امسال در این روز در بیشتر مدارس ایران به دانش‌آموزان چفیه هدیه داده شده است.

کمتر کسی می‌تواند خشونت بی‌سابقه‌ای را که در روز ۱۳ آبان سال گذشته علیه معترضان اعمال شد فراموش کند. معترضانی که هنوز به دنبال رای خود بودند و به سیاست‌های دولت اعتراض داشتند.

از ساعت ابتدایی صبح ۱۳ آبان سال گذشته، تمام خیابان‌های منتهی به سفارت سابق آمریکا که بعد از انقلاب لانه جاسوسی خوانده شد، بسته شده بود و کسی جز جمعیت تایید شده دولت حق نزدیک شدن به مراسم ویژه این روز را نداشت.

اما دیگر خیابان‌های شهر هم به نوعی دیگر بر معترضان بسته شده بود. میدان ولی‌عصر و هفت‌تیر و تمام خیابان‌های منتهی به آن در این روز تبدیل به پادگانی نظامی شده بودند و در سراسر کوچه‌ها و خیابان‌ها ماموران گارد ویژه با انواع اسلحه گرم و سرد ایستاده بودند. در این روز معترضان با انواع سلاح‌هایی جدید روبرو شدند که برای متفرق کردن‌شان استفاده می‌شد. گلوله‌های پینت‌بال که با اصابت به بدن مردم موجب درد شدیدی در بدن می‌شد و در عین حال نیز لباس‌هایشان را رنگی می‌کرد تا با این نشانه‌گذاری بازداشت آن‌ها راحت‌تر شود. نیروهای گارد ویژه با شلیک این گلوله همچنین تلاش می‌کردند با ایجاد رعب و وحشت موجب متفرق شدن معترضان شوند.

آن روز معترضان بیش از هر روز دیگری مورد هجوم نیروهای لباس شخصی و بسیجی نماها قرار گرفتند و بارها با باتوم و دیگر ابزارهای سرد مورد حمله قرار گرفتند. نقش نیروهای لباس شخصی در سرکوب مردم بسیار چشمگیر بود نیروهایی که با چفیه‌های دور گردن (چفیه‌ای که از رزمندگان دفاع مقدس ربوده شده است)، باتوم و چماق در دستان‌شان تبدیل به چهره‌های معروف این روز شده بودند. این افراد که خود را بسیجی می‌نامیدند حتی از کابل، شیلنگ و سیم نیز برای سرکوب معترضان استفاده می‌کردند.

امسال ۱۳ آبان ماه در حالی برگزار شد که به دلیل سرکوب‌های گسترده یک سال اخیر معترضان به سیاست‌های دولت ترجیح دادند که به خیابان‌های شهر نیایند اما دولت سعی کرد سیاست‌های خود را به نوعی در مدارس کشور ترویج کند آنها امسال با پخش گسترده چفیه در مدارس کشور شاید سعی کردند فرهنگ بسیجی! را اشاعه دهند! چفیه پوش‌ها روزگاری مقابل دشمن مردم می‌ایستادند و همه به آنها افتخار می‌کردیم و می‌کنیم. اما امروز همان چفیه را بر گردن می‌اندازند تا مردم خود را بزنند. اما چه کسی می‌تواند تصویر نیروهای چفیه پوش با باتوم، چماق، کابل و سیم را در سال گذشته از یاد ببرد؟ یک سال زمان کمی برای از یاد بردن این حوادث نیست؟

کلمه: بیانیه ۱۵ میرحسین در مورد بسیج را بخوانید.

توزیع گسترده کلمه در مدارس و عصبانیت مسئولان

توزیع و پخش گسترده روزنامه کلمه در مدارس کشور موجب نگرانی مسولان آموزش و پرورش شده است.

دانش‌آموزان و معلمان زیادی در سراسر کشور با تکثیر این روزنامه هم‌کلاسی‌ها و شاگردان خود را در جریان برخی از آخرین اخبار و اطلاعات جنبش سبز قرار می‌دهند. این موضوع سبب شد معاون پرورشی آموزش و پرورش عصبانی شده و نسبت به توزیع این نشریه واکنش نشان دهد.

یزدانی در این‌باره گفت: «برخی از جریانات سیاسی در بعضی از مدارس کشور نشریه توزیع می‌کنند اما معاونت پرورشی در مدارس اقداماتی را برای برخورد با این عناصر فرصت‌طلب آغاز کرده‌اند و قطعا این موضوع را دنبال می‌کنیم».

معاون پرورشی وزارت آموزش و پرورش با بیان اینکه توزیع‌کنندگان این نشریه معلوم نیست از قشر معلم یا دانش‌آموز! هستند ادامه داد: «قطعا عناصر مسئله‌داری این حرکت را دامن می‌زنند ولی ما نمی‌دانیم دامنه آن در کل کشور چقدر است.»

این در حالی است که طبق اخبار موثق بعد از سخنان این مسوول آموزش و پرورش و انتشار بخشنامه‌ای در این‌باره که در فضای مجازی هم منتشر شد دانش‌آموزانی که با روزنامه کلمه آشنا نبودند هم با آن آشنا شده و تعداد بیشتری این روزنامه را در مدارس کشور توزیع کرده‌اند.

مصطفی تاجزاده، فعال سیاسی زندانی نیز با شنیدن این خبر در ملاقات با همسرش گفت: «از شنیدن توزیع روزنامه کلمه در مدارس، بسیار خوشحال شدم و از این بابت به سهم خود از همه عزیزان تهیه‌کننده و توزیع‌کننده این ندای سبز مردم ایران تشکر می‌کنم. و امیدوارم این کار به زودی در همه ایران سراسری شود.»

اخبار کوتاه

معلم زندانی: دلم لبریز از عشق به دانش‌آموزانم است

رسول بداقی معلمی که به خاطر پیگیری مشکلات معلمان در زندان است در نامه‌ای خطاب به دانش‌آموزان خود نوشت: اینک که این نامه را می‌نویسم، دلم لبریز از عشق و مهربانی شماست؛ اندیشه‌ام سرشار از امید به آینده شماست... من و همکارانم در کانون صنفی معلمان ایران سال‌هاست که برای بهبود کیفیت آموزشی و افزایش امکانات مدارس کشور تا رسیدن به استانداردهای جهانی تلاش می‌کنیم.

اعتراض چند صد فعال مدنی، به ادامه بازداشت دانش آموز وبلاگ نویس

نوید محبی که طی دو سال اخیر چندین بار موقتا بازداشت شده بود، امسال برای سومین بار از ۲۷ شهریور، با یورش ماموران، در منزل خانوادگی‌اش در شهر آمل دستگیر شد و بدون اعلام اتهامی مشخص، کماکان در بازداشت به سر می‌برد.

بیانیه‌ای به تازگی با امضای ۲۵۰ نفر از وبلاگ نویسان و کنشگران حقوق زنان و فعالان مدنی در روز دانش‌آموز در حمایت نوید محبی صادر شده. نوید محبی در آزمون سراسری امسال قبول شده بود که به دلیل بازداشت تاکنون موفق به حضور در کلاس‌های خود نشده.

۱۳ آبان روز پایداری دانش‌آموزان مقابل خودکامگان

همزمان با ۱۳ آبان و روز دانش‌آموز، کانون صنفی معلمان ایران بیانیه‌ای صادر کرد و ضمن تبریک به دانش‌آموزان کشور، این روز را «یادآور پایداری نونهالان این مرز و بوم در مقابل سموم خودکامگی و خودباختگی» ذکر کرد و برای دانش‌آموزان پویایی و بالیدن آرزو کرد.

بنی الاسلام علی الکلمتین
کلمة التوحید و توحید الکلمة
کلمه
WWW.KALEME.COM
روزنامه کلمه، پیش‌شمارهٔ بیستم
دوشنبه، ۱۷ آبان ۱۳۸۹، شمارگان: ما بیشماریم

آیا جای آن نیست که سوال شود با این همه سیاست‌های غلط‌انداز و غیرشفاف و مهلک چه کسانی می‌توانند فرصت طلایی برای آمریکا و اسرائیل و منافقین و سلطنت‌طلبان تلقی شوند؛ آزادی‌خواهان و عدالت‌جویانی که به دنبال عظمت اسلام و ایران هستند؟ یا فرقه‌های مشکوکی که با سیاست‌های خود کارگران و معلمان و کارمندان و کشاورزان و همه مستضعفان را خاک نشین کرده‌اند؟ **میرحسین موسوی، ۱۵ خرداد ۸۹**

شکایت از قاضی مرتضوی
قاضی صلواتی و شکنجه‌گرهای اوین

عبدالله مومنی کسی که در دادگاه‌های نمایشی او را مجبور به اعتراف ساختگی کرده بودند، از افرادی که در مدت بازداشتش در بند ۲۰۹ به طور مستقیم یا غیرمستقیم در شکنجه‌اش نقش داشته‌اند، شکایت کرد. او شکایت‌نامه خود را پس از تنظیم در دادسرای اوین به دادستان تهران عباس جعفری دولت‌آبادی تحویل داد.

این فعال دانشجویی دربند که از خانواده شهدا نیز هست در این شکایت‌نامه از سعید مرتضوی، حیدری‌فر بازپرس دادگاه انقلاب و از قاضی صلواتی و بازجوهای وزارت اطلاعات شکایت کرده. کسانی که مومنی آنها را در شکایتنامه‌اش شکنجه‌گران اصلی‌اش خوانده است.

مومنی هم‌اکنون در بند ۳۵۰ زندان اوین در اسارت به سر می‌برد. او چندی پیش نامه‌ای از زندان خطاب به رهبری نوشت.

وی در بخشی از نامه‌اش به رفتارهای بازجویی اشاره کرده که در زندان اوین به نام سید معروف است بازجویی که همیشه متهمانش را کتک می‌زند و به آنها فحاشی می‌کند و به این رفتارهای خود افتخار می‌کند.

عبدالله بارها توسط بازجو سید صالحی شکنجه می‌شده و حیدری‌فر بازپرس هم نه تنها با این شکنجه‌ها مخالفتی نمی‌کرد، بلکه با آنها همراهی هم نشان می‌داد. قاضی صلواتی قاضی پرونده وی هم هر بار عبدالله را می‌دید به او توصیه می‌کرد که اگر نظر بازجویش را برآورده نکند حکم سنگینی خواهد گرفت.

وی در چهارصدمین روز بازداشت خود در زندان خطاب به رهبری درباره همین رفتارها نوشته بود:

درکنار انفرادی‌های قبر مانند، بی‌خوابی‌های مکرر در نتیجه جلسات

بازجویی چند ساعته و ایستادن بر روی یک پا و ضرب و شتم و سیلی‌های پیاپی ترجیع بند این روزها بود. فشارها و آزار ناشی از عدم اطاعت از خواست بازجویان آنقدر بود که گاهی باعث می‌شد در حین بازجویی از هوش بروم.

مومنی در این‌باره به رهبری نوشته است: شنیدن رکیک‌ترین فحش‌هایی که به هیچ عنوان در این نامه نمی‌توان به آن اشاره کرد و حتی برای اولین بار در عمرم به گوشم می‌خورد برایم تجربه دردناکی بود و در ادامه همین بازجویی‌ها و فحاشی‌ها وقتی از بازجوی خود می‌شنیدم که «بلایی سرت می‌آوریم که وقتی بیرون اسم ۲۴۰ را شنیدی بدنت بلرزد»، از خود می‌پرسیدم که چگونه یک دستگاه امنیتی می‌تواند با چنین تهدیدها و ارعاب‌هایی امنیت را در کشور برقرار کند و عاقبت چنین روش‌هایی به کجا خواهد رسید؟ متن کامل گزارش را در سایت کلمه بخوانید.

بصیرت یا اطاعت کورکورانه؟

این روزها کلمه «بصیرت» زیاد به گوش می‌خورد و گاهی شهروندان به «با بصیرت» و «بی بصیرت» تقسیم می‌شوند که ظاهرا تحصیل‌کرده‌ها و اندیشمندان جامعه بیشتر در دسته دوم جای می‌گیرند! اکسیر «بصیرت» داروی دردهای جامعه ما گشته و کسانی هم توزیع این دارو را وظیفه خود تشخیص داده‌اند که البته اغلب نظامیان به جای اندیشمندان این وظیفه را بر عهده گرفته‌اند.

«بصیرت» واژه‌ای است که در متون دینی مکرر آمده و در ادعیه از خداوند «بصیرت دینی» خواسته می‌شود. در طول تاریخ بی‌بصیرتی مردم مشکل اصلی انبیا بوده و همین عامل بهترین سرمایه و ابزار در دست امثال عمرو بن عاص بوده است که با استفاده از آن به راحتی بتواند باطل را حق و حق را باطل جلوه دهد.

بصیرت به معنای روشن‌بینی است و جامعه‌ای که دارای بینش درست باشد، در راه مصالح خویش درست گام بر می‌دارد. اما این بصیرت یا بینش چگونه حاصل می‌شود؟

بصیرت و بینش از اندیشه بر می‌خیزد و اگر بخواهیم جامعه‌ای به بصیرت برسد باید مردم را به اندیشه دعوت کنیم، نه به تبعیت کورکورانه.

امام علی(ع) انسان با بصیرت را اینگونه تعریف می‌کند: «با بصیرت کسی است که بشنود و بیاندیشد» (گزیده میزان‌الحکمه، ص۱۰۴). مشکل همه پیامبران این بوده که مردم حاضر به شنیدن سخن آنان و اندیشه کردن در آن نبوده‌اند.

البته انبیاء مردم را نه به تبعیت کورکورانه، بلکه به شنیدن و اندیشیدن دعوت می‌کرده‌اند. خداوند در آیات متعددی از قرآن مجید از انسان‌ها می‌خواهد که در آیات او تامل و تدبر کنند. انسانی که آیات خداوند را می‌بیند یا می‌شنود و درباره آنها تامل می‌کند و می‌اندیشد صاحب بصیرت می‌گردد. اساسا بصیرت امری است که انسان باید کسب کند و امری است که باید جزو وجود انسان گردد و در درون انسان جای بگیرد. این حالت و ویژگی را نمی‌توان به زور به کسی داد یا از او گرفت.

بصیرت با تبعیت کورکورانه هیچ سازگاری ندارد و به همین جهت قرآن مجید کسانی را که دین نیاکان خود را بدون اندیشه می‌پذیرند مورد نکوهش قرار می‌دهد (مائده/۱۰۴). همچنین قرآن مجید اهل کتاب را به این متهم می‌کند که عالمان خود را ربّ خود قرار داده‌اند (توبه/۳۱) و در روایات آمده است که مقصود این است که از عالمان خود اطاعت محض می‌کرده‌اند (المیزان، ذیل آیه فوق).

قرآن مجید تبعیت کورکورانه را در حد شرک به خدا قرار داده است. پیروی بدون اندیشه از یک انسان معمولی بصیرت نیست بلکه بستن چشم است. چه گمراه است جامعه‌ای که در آن کسانی که به اندیشه دعوت می‌کنند متهم به بی بصیرتی شوند و کسانی که به تبعیت کورکورانه دعوت می‌کنند صاحبان بصیرت تلقی شوند.

مرحوم شهید مطهری به روشنی بر این نکته تاکید می‌کند که در اسلام جایی برای تقلید کورکورانه نیست: «پس اسلام... رشته تقلید را از اساس پاره کرده است و می‌گوید من اصول دین را بدون آنکه آزادانه آن را درک کرده باشد نمی‌پذیرم» (پیرامون جمهوری اسلامی، ص ۱۲۵).

آری! چه زیبا قرآن مجید می‌فرماید: «فبشر عباد الذین یستمعون القول و یتبعون احسنه» بشارت باد بر بندگانی که سخنان را می‌شنوند و بهترین را بر می‌گزینند (الزمر،۱۷-۱۸).

پـــرده‌هـــا آرام آرام کـــنـــار مـــی‌رونـــد

سید محسن امین‌زاده معاون سابق وزارت خارجه و یکی از دانشجویان پیرو خط امام در ۱۳ آبان ۵۸ بود. تلویزیون او را در دادگاه‌های نمایشی با پیژامه و دمپایی نشان داد. البته او حاضر نشده بود علیه خود اعتراف دروغ کند. حالا پس از مدت‌ها او خاطرات دوران زندان خود را منتشر کرده است. نوشته‌های او تایید سخن بسیاری دیگر است که اوین در وقایع پس از انتخابات کهریزک دوم بود. امین‌زاده نوشته: در زندان بسیار رنج کشیده، کتک خورده و با روح و جان او بازی شده است. او البته امروز هم به خاطر شکایت از سردار مشفق به عنوان عامل کودتای انتخاباتی به زندان بازگردانده شده اما هشت ماه اول بازداشت او چهار ماه در سلول انفرادی و در اتاق‌های بازجویی با چشم‌بند گذشته است.

امین‌زاده در این خاطرات از چهارشنبه هفتم مرداد به عنوان «سیاه‌ترین روز بازداشت» خود در زندان اوین یاد کرده و نوشته است که سرتیم بازجویان در این روز از او با «زشت‌ترین روش بر مبنای ادعاهایی سرتاپا دروغ و توهین‌آمیز و تکراری و بی‌محتوا، ادای الفاظ رکیک، برخوردهای فیزیکی و کتک» بازجویی کرده است.

آقای امین‌زاده نوشته است که در روز سوم شهریور سعید مرتضوی، دادستان وقت تهران، به او در زندان پیشنهاد می‌دهد که «اگر تخفیف و راه نجات می‌خواهد»، بعد از دادگاه مصاحبه کند اما او چنین پیشنهادی را نمی‌پذیرد.

این فعال سیاسی گفته است که عبدالله رمضان‌زاده، سخنگوی دولت محمد خاتمی و پسرش که یک روز پس از انتخابات بازداشت شدند، نیز در دوران بازداشت کتک خورده بودند. او می‌گوید: «ساق پای رمضان‌زاده پس از گذشت چهارماه، سیاه بود.»

امین‌زاده همچنین نوشته است: بی‌تردید سلول انفرادی نوعی شکنجه است و سلول انفرادی بدون توالت برای من که سنگ کلیه دارم شکنجه‌ای مضاعف بود اما تلخ‌ترین و بدترین لحظات دوران زندان من مربوط به سلول انفرادی نیست. مربوط به ساعات بازجویی است. بازجویی‌های توهین‌آمیز، تکراری، بی‌محتوا و آزاردهنده. بازجویی‌هایی همراه با زشت‌ترین و رکیک‌ترین کلمات و تهمت‌ها و توهین‌ها.

در ۱۷ مهر ۸۸ ، آخرین روز انفرادی، آقای امین‌زاده به سربازجو گفته است: من هرگز بلایی را که در بازجویی‌ها بر سرم آورده‌اند فراموش نخواهم کرد، اما بنای ایستادن بر سر این مسائل را ندارم و امیدوارم که حاصل هزینه‌هایی که ما داده‌ایم، ایجاد فرصت برای تحقق مردم‌سالاری و رفع مشکلات کشور و نظام اسلامی باشد.

اخبار کوتاه

ادامه واردات بنزین با وجود ادعای بی‌نیازی

مسوولان نفتی ادعا می‌کنند که ایران از واردات بنزین بی‌نیاز شده و مصرف بنزین نیز به زیر ۶۰ میلیون لیتر در روز کاهش یافته است. ولی برخی از خبرگزاری‌ها با دادن آدرس‌های مشخص از نام نفتکش و تحویل آن در کدام بندر کشور تاکید می‌کنند این محموله‌ها مربوط به سفارش شهریورماه امسال است!

۱۴۰ میلیون خرج تبلیغ شد، فقط ۱۲۰ هزار نفر آمدند

معاون وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در رادیو گفت و گو گفته است: ۱۲۰ هزار نفر از نمایشگاه مطبوعات امسال بازدید کرده‌اند در حالی که ۱۴۰ میلیون تومان خرج تبلیغات این نمایشگاه شده است.

واردات، دو برابر صادرات

به گفته معاون وزیر اقتصاد دولت احمدی‌نژاد، صادرات غیر نفتی در ۷ ماهه سال ۸۹ ، به ۱۷ میلیارد و ۴۴۷ میلیون دلار رسیده است، یعنی چیزی در حدود نصف میزان واردات در همین دوره. جالب است که این رقم صادرات نیز با احتساب میعانات گازی به دست آمده است. معاون وزیر اقتصاد، این حجم بالای واردات را که نسبت به مدت مشابه سال قبل از نظر ارزش ۲۳/۴ درصد افزایش داشته، نشانه موفقیت دولت و شکست تحریم‌ها می‌داند!

استخدام پرستاران منتفی شد

برخلاف وعده احمدی‌نژاد در روز پرستار مبنی بر استخدام ۲۳ هزار پرستار، دولت با پیشنهاد استخدام سالانه ۱۵ هزار نیروی بهداشتی - درمانی که حداقل ۵۵ درصد آنها پرستار باشند، مخالفت کرد.

حقوق حق‌التدریس‌ها؛ دیپلمه ۱۵۶ هزار تومان، دکترا ۲۶۱ هزار تومان!

طبق بخشنامه معاونت برنامه‌ریزی آموزش و پرورش کمترین میزان حقوق مربوط به نیروهای دیپلمه با ۱۵۶ هزار تومان و بیشترین میزان حقوق مربوط به نیروهای دکترا با ۲۶۱ هزار تومان در ماه است.

خاتمی: اقتدارگرایان در سراشیبی سقوطند

سیدمحمدرضا خاتمی گفت: اقتدارگرایان در سراشیبی سقوطند و برای همین به دروغ‌گویی پناه برده‌اند چون سیاست‌هایشان شکست خورده است. آنان به خوبی متوجه شده‌اند که بدنه‌شان از حوادث اخیر مایوس شده است و ناکارآمدی آنها نیز پیش از گذشته مشخص گشته و شیوه‌های آنان برای اداره کشور کارآمد نیست و در بیشتر حوزه‌ها چون سیاست داخلی، خارجی، اقتصاد و فرهنگ شکست خورده‌اند.

کلمه

بنی الاسلام علی الکلمتین
کلمة التوحید و توحید الکلمة

روزنامه کلمه، پیش‌شمارهٔ بیست و یکم
چهارشنبه، ۱۹ آبان ۱۳۸۹، شمارگان: ما بیشماریم

WWW.KALEME.COM

زمانی که امام ما از اسلام ناب محمدی(ص) نام می‌برد و آن را در مقابل اسلام تحجرگرا و اسلام آمریکایی قرار می‌داد چنین روزهایی را می‌دید. این پوستین وارونه اسمش اسلام هست، اما رسمش اسلام نیست. ما خواستار بازگشت به اسلام ناب محمدی(ص)، این دین غریب هستیم. **میرحسین موسوی، بیانیه ۱۱**

از مانور اقتدار زنانه‌پوش‌ها تا فاجعه غم‌بار سعادت‌آباد

در یکی از محله‌های اصلی شهر تهران، و در مقابل چشمان صدها نفر از عابرین و ساکنین، فردی چاقوی خویش را بیرون می‌کشد و برای دقایق متمادی عربده می‌کشد و تهدید می‌کند، تا کسی به جوان غرق به خونی که او با همان چاقو مضروب کرده و حالا روی زمین افتاده است، نزدیک نشود. خون‌ریزی از جوان برای دقایق متمادی پشت سر هم، و جلوی چشمان مردم، ادامه پیدا می‌کند، تا در نهایت مضروب به بیمارستان نرسد و در اثر خون‌ریزی جان بدهد. اتفاقی که به گفته پزشکان، اگر پلیس مداخله کرده بود و حتی چند دقیقه زودتر مضروب را به بیمارستان می‌رساند، رخ نمی‌داد.

این اتفاق در کشوری روی داده است که پلیس‌اش چندی پیشتر مانور اقتدار برگزار کرده بود، چند ماه پیشتر با معترضان مسالمت‌جوی به نتایج انتخابات با شدیدترین و «مقتدرترین» شکل ممکن برخورد کرده بود، و چندی قبل‌تر اقتدار خود را در برخورد با اراذل و اوباش در بوق و کرنای رسانه ملی کرده بود.

اما این پلیس و دولت مقتدر، امروز که کسی جلوی چشم و دوربین‌های مردمان، امنیت و آرامش عمومی را مختل می‌کند و اقتدار و تسلط پلیس را به سخره می‌گیرد، کجاست؟ آیا مانور مقابله با اراذل و اوباش هم، مانند مانورها و نمایش‌های دیگر، تنها برای صدا و سیما و برای نمایش تصویری امن و آرام و مقتدر و مسلط از کشور است؟ امروز که مردم، برخی در خیابان و عده بیشتری در اینترنت و از طریق تصاویر و فیلم‌های ضبط شده، این حادثه را می بینند، حق ندارند به یاد تصویر اراذل و اوباش آفتابه به گردنی بیفتند که با تحقیرشان، پلیس می‌کوشید برای خود آبرو و اقتدار خریداری کند؟

عکس از مانور اقتدار ناجا

جا ندارد آنها که امروز این منظره دلخراش و تاسف بار را می‌بینند، یاد صحنه‌های برخورد پلیس با تظاهرات‌کنندگان مسالمت‌جوی روزهای پس از انتخابات بیفتند و از خود بپرسند کجاست آن پلیس «مقتدر» و آن نیروهای امنیتی تا بن دندان مسلحی که به صغیر و کبیر و زن و مرد رحم نمی‌کردند و برای آن که مانع اعتراض‌شان به صحنه‌آرایی انتخاباتی شوند، با چوب و چماق و زنجیر و پنجه بوکس و باتوم و شوکر و گاز فلفل و اشک‌آور به آنها حمله ور می‌شدند و چوب را بر فرق سرشان می‌شکستند و باتوم را در پهلوهای‌شان می‌نشاندند و در جوی‌ها پرت‌شان می‌کردند و با ماشین زیرشان می‌گرفتند؟

و در نهایت، جا ندارد مردم از پلیس و دولت بپرسند مانور اقتدار حقیقی باید مانور برخورد با این اغتشاش‌ها و بی نظمی‌ها و شهرآشوبی‌ها باشد یا نمایش تمسخرآمیز و موهن معترضین به انتخابات، که (دست کم) بخشی از شهروندان مدنی این جامعه‌اند؟ و آیا از پلیسی که دغدغه اصلی‌اش را در برخورد و مقابله با معترضین قانونی و مدنی به نتایج انتخابات و در تمسخر و توهین و تحقیر آنها می‌داند می‌توان انتظار بیشتری داشت؟

در همه جای دنیا دولت و پلیس آن موظف اند نیروهای خود را چنان آموزش دهند که از توانایی و آمادگی لازم برای شرایط سخت و پیچیده‌ای از این دست برخوردار شوند، نه این که آنان را برای نمایش تمسخر و ابتذال لباس زنانه بپوشانند و آرایش زنانه کنند و نمایش توهین و تحقیر راه بیندازند. بدیهی است کسی که برای نمایش ابتذال آموزش دیده، یا کسی که برای سرکوب معترضین آماده شده، توانایی و آمادگی برخورد با جرایم اجتماعی را ندارد.

به نظر می‌رسد برای این که علت حادثه سعادت‌آباد را بهتر بفهمیم، بهتر است تصاویر مانور اقتدار و تصاویر سرکوب معترضان انتخابات را دوباره و چندباره نگاه کنیم.

سرمقاله

آنگاه فتنه‌گر شدم

پس از انتخاباتِ بحث‌برانگیز سال گذشته، گفتار رسمی خود را در وضعیتی گرفتار دید که دیگر انسجام آن حتی برای طرفداران سابق‌اش از بین رفته بود. دولتی که دم از عدالت و آزادی می‌زد و شعار دفاع از مردم و محرومان و مظلومان را سر می‌داد، این‌بار آشکارا به تمامی آرمان‌های ادعایی خود پشت کرد. حالا این ادبیات دیگر نمی‌توانست واقعیتِ کوچه‌ها و خیابان‌ها را توجیه کند. بنابراین برای ترمیم این گفتار باید چاره‌ای اندیشیده می‌شد.

حاصل این تلاش اما بازتولید گفتاری بود که پیش‌تر امتحان خود را پس داده بود؛ تکرار یک الگوی از پیش شکست‌خورده. غم‌انگیزتر از همه این‌که این ادبیات از سوی همان کسانی بازتولید می‌شد که پیش‌تر خود از قربانیان آن بودند، یعنی همان‌ها که سی سال پیش شکست این الگو را در زمان شاه دیده و فرجام آن را در انقلاب ۵۷ زیسته بودند، این بار خود دست به کار تکرار همان تجربه شدند. تجربه‌ای که عبارت بود از وارونه‌نمایی اعتراضات میلیونی مردم به حرکتی از پیش برنامه‌ریزی‌شده جهت براندازی. چیزی که برجسته‌ترین وجه آن تبدیل جنبش سبز به «فتنه سال ۸۸» در گفتار رسمی بود. در واقع این گفتار تلاش می‌کرد با فتنه خواندن آن‌چه پس از انتخابات در قالب تظاهرات خودجوش، مردمی، میلیونی و مسالمت‌آمیز ۲۵ خرداد تجلی یافت مرهمی بر زخم‌های دهان‌بازکرده خویش نهد و بار دیگر چینی شکسته مشروعیت خود را بندی تازه زند. پادزهر و دوای این زخم در قالب واژگانی همچون «امتحان»، «خواص»، «بصیرت» و از همه مهم‌تر «فتنه» ارائه شد و می‌شود. (از گسترش این واژه به حوزه‌های اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی می‌گذریم.) این خود نوعی تکرار طنزگونه تاریخ بود برای کسانی که تجربه انقلاب سال ۵۷ را پشت‌سر گذاشته بودند. چگونه؟ پیش از انقلاب، آن‌گاه که مشروعیت نظام شاهنشاهی نه فقط در اذهان مردم بلکه به صورت عینی و واقعی در خیابان‌ها از بین رفت، حکومت وقت باز هم سعی در بازسازی گفتار رسمی خود کرد. نگاهی به صحبت‌ها و روزنامه‌های آن سال‌ها نشان می‌دهد رژیم شاه به چه لطایف‌الحیلی با سرکوب معترضان به خود، آن‌ها را «خرابکار»هایی می‌خواند که نظم و امنیت شهر و دیار را بر هم ریخته‌اند. آن زمان هم از زبان حاکمیت می‌شنیدیم که بازاریان و کسبه از این «بلواها» بیزارند، چرا که آن‌ها را «از کار و کاسبی و نان‌خوردن» انداخته است.

اصل اساسی این تفکر این است که «حکومت ظالم و بد بهتر از هرج‌ومرج است، چنان‌که قانون بد بهتر از بی‌قانونی است». بنابراین حاکمیت همواره در تلاش است هرگونه اعتراض و مخالفت و تظاهراتی را مساوی با «هرج‌ومرج» بداند. از این منظر «فتنه» نامیدن جنبش سبز مستلزم القای این ذهنیت است که مردمی که در ۲۵ خرداد یکی از درخشان‌ترین لحظات تاریخ معاصر ایران را رقم زده‌اند مشتی «اغتشاشگر» بیش نبوده‌اند. معترضانی که پیش از انقلاب «خرابکار» نامیده می‌شدند حالا بدل به «اغتشاشگر» شده‌اند. مردمی که پیش از انقلاب «رعیت» نام داشتند حالا «اراذل و اوباش» و «خس و خاشاک» هستند. فعالان سیاسی و مدنی که قبل‌تر وابسته به «اجنبی» خوانده می‌شدند حالا حقوق‌بگیر «بیگانگان» نام گرفته‌اند، و قس علی‌هذا. نام‌ها و عناوین عوض شده اما ماهیت قضیه همان است... .

اصلاح‌طلبان در دموکراسی نمایشی حاضر نمی‌شوند

دبیرکل فراکسیون خط امام(ره) مجلس گفت: اگر اصلاح‌طلبان احساس کنند از آن‌ها استفاده ابزاری خواهد شد، مسلما با توجه به تحولات چندساله اخیر، خیلی رغبت برای حضور در عرصه نخواهند داشت.

محمدرضا تابش با تاکید بر این‌که «در این وحدت و همدلی باید به مطالبات مردم توجه داشته باشیم» گفت: نمی‌شود نگاه و سلیقه‌ای را حذف و طرد کرد چون در شرایط فعلی کشور، طرد یک نگاه سم مهلکی است.

وی با اشاره به نقش مردم در رفع تهدیدات از کشور گفت: مجموعه حاکمیت باید به این درک از واقعیات جامعه امروز و نیازهای مردم برسند و بدانند که اگر غرور مردم ترمیم شود، آن‌ها می‌توانند در عرصه منطقه‌ای و جهانی هویت خود را به منصه ظهور رسانند.

تابش اظهار داشت: «اگر اصلاح‌طلبان احساس کنند از آن‌ها استفاده ابزاری می‌شود، رغبتی برای حضور در عرصه نخواهد داشت.

وی آن‌چه «جلوه‌هایی از فقر و بداخلاقی» خواند را «یک سونامی در دل جامعه» تعبیر کرد.

اخبار کوتاه

افزایش ۲۰ درصدی اجاره مسکن در تهران

بنابر اعلام مرکز آمار ایران، در تابستان امسال به طور متوسط اجاره‌بهای واحد مسکونی به ازای یک مترمربع در شهر تهران نسبت به فصل بهار امسال ۱۲.۱ درصد و نسبت به تابستان سال گذشته ۲۰.۷ درصد افزایش یافته است.

محرومیت زندانیان بند ۳۵۰ زندان اوین از ملاقات

در ادامه فشارها بر زندانیان سیاسی، محسن میردامادی و جمعی از زندانیان بند ۳۵۰ زندان اوین طی هفته‌های اخیر، سالن ملاقات این زندان از ساعت یک بعد از ظهر دیروز تعطیل شد، که در نتیجه آن، زندانیان بند ۳۵۰ اوین از جمله محسن میردامادی، از ملاقات با خانواده‌های خود محروم شدند.

همسر نوری‌زاد: اجازه ندهید جان افراد در پای مسائل سیاسی قربانی گردد

محمد نوری‌زاد که بدلیل نوشتن نامه‌های دلسوزانه و انتقادی به رهبری به سه سال و نیم زندان و تحمل پنجاه ضربه شلاق محکوم شده، هم اکنون در زندان اوین در شرایط بسیار بدی بسر می‌برد و از ابتدایی‌ترین حقوق یک زندانی محروم می‌باشد. خانم فاطمه ملکی همسر دکتر نوری‌زاد در نامه‌ای خطاب به دادستان نوشته‌اند که امیدوارم هنوز وجدان شما بیدار باشد و اجازه ندهد که جان افراد در پای مسائل سیاسی قربانی گردد.

دست‌کاری نتایج آرا برای وحدت!

در اقدامی نه‌چندان بی‌سابقه برای پنهان کردن اختلافات در بین اصولگرایان، نتایج آرا فراکسیون اکثریت مجلس دستکاری شد! حسین نجابت نماینده تهران در این‌باره گفت: «نتیجه آراء اعلام شده درخصوص ریاست فراکسیون اصولگرایان به پیشنهاد بنده و برای ایجاد وحدت بوده است».

ممانعت از ورود آیت‌الله بیات زنجانی به منزل مهدی کروبی

روز یکشنبه هنگامی که آیت‌الله بیات زنجانی به قصد دیدار با مهدی کروبی به منزل ایشان مراجعت نمود، با ممانعت نیروهای امنیتی روبه‌رو گردید.

آیت‌الله بیات زنجانی پس از گفت و گویی تلفنی با مهدی کروبی، جهت ملاقات حضوری به منزل ایشان مراجعت نمودند. در پی این تماس تلفنی، بیش از ۱۰ نفر از نیروهای امنیتی با استقرار مقابل درب منزل مهدی کروبی از ورود آیت‌الله بیات به منزل ایشان جلوگیری کردند.

یکدیگر را دوست بداریم و برای هم آروزی آگاهی و بهروزی کنیم. یک نسخه از روزنامه کلمه را به همکلاسی خود هدیه کنید. حتی آن دوست عزیزی که مانند ما فکر نمی‌کند.

روزنامه کلمه، پیش‌شمارهٔ بیست و دوم
شنبه، ۲۲ آبان ۱۳۸۹، شمارگان: ما بیشماریم

کلمه
بنی الاسلام علی الکلمتین
کلمة التوحید و توحید الکلمة

WWW.KALEME.COM

دیندار بزرگ امام صادق(ع) است که در خانه خدا می‌نشیند و با منکر خدا حکیمانه گفتگو می‌کند. حقیقت خانه خدا همان قلب اوست که برای همگان جا دارد و برای همه حق قائل است؛ حق زیستن، حق شنیدن، حق برگزیدن، حق اشتباه کردن. **میرحسین موسوی، بیانیه ۱۶**

چه کسی با علوم انسانی مخالف است؟ یونسکو یا دولت

محدود کردن علوم انسانی و دخالت دولت در امور فرهنگی در ایران واکنش سازمان‌های جهانی از جمله یونسکو را هم به دنبال داشت. وقتی مقام‌های دولتی خبر محدود کردن رشته‌های علوم انسانی را در هفته‌های گذشته به صورت رسمی اعلام کردند دبیرکل یونسکو در واکنش به این خبر اعلام کرد در کنگره روز جهانی فلسفه در تهران شرکت نخواهند کرد. اما مقام‌های دولت اعلام کرده‌اند که این کار آپارتاید علمی است و دولت‌های غربی قصد محدود کردن علوم انسانی را دارند. اما واقعا چه کسی قصد محدود کردن این علوم را دارد و چرا دولت ایران با علوم انسانی مخالف است؟

زمزمه متوقف کردن رشته‌های علوم انسانی درست پس از انتخابات سال گذشته کلید خورد. زمانی که دولتمردان ایرانی دلیل آگاهی جوانان، زنان و مردان ایرانی و حضور فعالانه آن‌ها در عرصه اجتماع به ویژه در تجمع‌های اعتراضی پس از انتخابات را به «علوم انسانی» ارتباط دادند. آنها این‌گونه تعبیر می‌کردند که گسترش این علوم است که هزاران هزار معترض را به عرصه اجتماع آورده است.

مدیر کل دفتر آموزش عالی اعلام کرد: «پذیرش دانشجو در ۱۲ رشته دانشگاهی در رشته علوم انسانی فعلا متوقف می‌شود. تا سرفصل‌های این دروس بازنگری شوند.» اسامی رشته‌ها هم قابل حدس بود «حقوق، مطالعات زنان، حقوق بشر، مدیریت، مدیریت فرهنگی و هنری، جامعه‌شناسی، علوم اجتماعی، فلسفه، روانشناسی، علوم تربیتی و علوم سیاسی». یعنی تقریبا همه علوم انسانی.

برخی دیگر از مسوولان نظام نیز از لزوم بازنگری محتوای آموزشی علوم انسانی بارها سخن گفته‌اند. رهبری در چهارم شهریور ماه سال گذشته از «تحصیل حدود دو میلیون نفر از سه و نیم میلیون دانشجو در رشته‌های علوم انسانی» انتقاد کرد و محتوای آموزشی علوم انسانی را «نگران کننده» خواند.

در دادگاه‌های دسته جمعی و نمایشی حوادث پس از انتخابات هم بارها از علوم انسانی و نقش مخرب آن نام برده شد. سعید حجاریان، سعید شریعتی و محمد عطریانفر در اعترافات‌شان به نقش مخرب این علوم تاکید کردند و آنها را علوم اومانیستی غربی نامیدند که در تغییر رفتار سیاسی دانشجویان اثر گذار بوده‌اند.

گسترش جنبش‌های اعتراضی و نهادهای مستقل دانشجویی در سال‌های اخیر نیز انعکاس این نگرانی‌هاست و نشان می‌دهد که افزایش نارضایتی‌های سیاسی و فکری در میان استادان و دانشجویان به معضلی جدی برای اقتدارگرایان تبدیل شده‌اند و یکی از راه حل‌های آن نیز از نظر دولتمردان توقف رشته‌های علوم انسانی عنوان شده است. تغییر در علوم انسانی با چه هدفی انجام می‌شود؟

مصباح یزدی که برخی او را پدر معنوی دولت محمود احمدی‌نژاد نام داده‌اند، دلیل این بازنگری را به صریح‌ترین شکل ممکن توضیح می‌دهد: «حوادث بعد از انتخابات ضعف علوم انسانی در دانشگاه‌ها را بر ملا کرد. چرا که تفکر براندازی نظام اسلامی محصول اندیشه اساتیدی است که از سالیان گذشته چنین تئوریسین‌هایی را تربیت کرده‌اند.»

حذف «چرایی» ممکن نیست

به گفته کارشناسان، این مقدار غضب نسبت به علوم انسانی برای این است که، آموزه‌های این علوم مبتنی بر تئوری‌های حق‌مدارانه و مبتنی بر حقوق شهروندی است. مبانی‌ای که بیشتر به نفع مردم و حقوق آنان است تا حکومت‌ها. در علوم سیاسی و جامعه شناسی به طور مثال بارها به تجزیه و تحلیل قدرت و حکومت، تاریخچه مبارزه با حکومت‌های مستبد و نحوه اعتراضات مردمی به حاکمان وقت و مقاومت حاکمان در برابر اصلاحات بارها اشاره شده. با این همه اما «چرایی» را نمی‌توان از ذهن آموزش گیرندگان دور کرد حتی با حذف علوم انسانی.

هشتاد درصد بازنشستگان تامین اجتماعی زیر خط فقر

با توجه به نرخ تورم در شرایط کنونی جامعه و اعلام شدن حقوق ۸۰۰ هزار تومان برای خط فقر، باید ۸۰ درصد بازنشستگان تامین اجتماعی را زیر خط فقر دانست. بازنشستگان تامین اجتماعی از پرداخت نشدن کامل حقوقشان که مدت‌هاست ادامه دارد، خسته‌اند.

چند روز پیش تعدادی از این بازنشستگان برای علنی‌تر کردن اعتراضاتشان، به مقابل مجلس رفتند. رئیس کانون بازنشستگان جامعه اسلامی کارگران اعلام کرد که بازنشستگان تامین اجتماعی به دلیل بروز برخی تخلفات در تامین اجتماعی به دیوان عدالت شکایت کرده‌اند.

شاکیان به جای آمران محاکمه دانشجویان در دادگاه نظامی

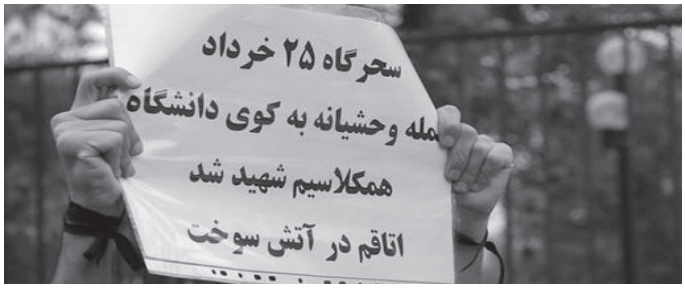

دانشجویان این روزها بعد از احضار و بازجویی در دادگاه‌های نظامی محاکمه می‌شوند. اقدامی که برای اولین بار در جمهوری اسلامی انجام می‌شود. دانشجویان معتقدند که جای شاکیان و متهمان در دادگاه رسیدگی به متهمان کوی دانشگاه تهران تغییر کرده و این دانشجویان هستند که به جای متهمان محاکمه و زندانی می‌شوند.

دانشجویان دانشگاه تهران و تعدادی دیگر از دانشگاه‌های کشور برای بازجویی به دادگاه‌های نظامی احضار می‌شوند. بهانه مسوولان برای این کار این است که چون متهمان پرونده کوی دانشگاه از ماموران انتظامی بوده‌اند پس محاکمه دانشجویان هم باید در این دادگاه‌ها برگزار شود.

دانشجویان دانشگاه‌های کشور از این اقدام یعنی احضار دانشجویان به دادگاه‌های نظامی ابراز نگرانی می‌کنند و می‌گویند که این شکل محاکمه یاد آوربرگزاری دادگاه‌های فعالان سیاسی در رژیم گذشته است. چرا که در زمان شاه هم دادسرای نظامی پرونده فعالان مدنی و سیاسی را بررسی می‌کرد.

دانشجویان به جای آمران محاکمه می‌شوند

اولین جلسه رسیدگی به پرونده ۲۷ نفر از متهمان حمله به کوی دانشگاه تهران در «شعبه دوم دادگاه نظامی یک تهران» در سیزدهم مهر سال جاری تشکیل شد و ۲۳ نفر از متهمان حوادث کوی دانشگاه و وکلای آنان و تعدادی از شاکیان در آن حضور یافتند.

بعد از برگزاری انتخابات پر مناقشه سال ۸۸ عده‌ای از نیروهای انتظامی و لباس شخصی‌ها به خوابگاه دانشگاه تهران حمله کردند و تعداد زیادی از دانشجویان را مورد ضرب و شتم قرار دادند. چند ماهی از این حادثه گذشته بود که فیلمی از این ماجرا منتشر شد. فیلمی که نشان می‌داد عاملان اصلی حمله به خوابگاه دانشجویان ماموران نیروی انتظامی بوده‌اند.

دانشجویان به محاکمه‌ها معترض‌اند

دانشجویان این محاکمه‌ها را باور ندارند و از احضار و بازجویی‌های مکرر دانشجویان به دادگاه‌های نظامی به بهانه رسیدگی به پرونده متهمان حوادث روی داده ابراز نگرانی می‌کنند.

یکی از دانشجویان دانشگاه تهران درباره این دادگاه‌ها می‌گوید: «چه دادگاهی؟ این جلسات از ماه‌ها پیش تشکیل و منجر به صدور احکام زندان برای دانشجویان شده است.»

عباس کاکایی دانشجوی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران از ۱۶ آذر ۱۳۸۸ تاکنون در زندان است و امکان استفاده از مرخصی هم نیافته است. او حکم یک سال زندان‌اش را به جرم مشارکت در اغتشاشات کوی دانشگاه دریافت کرده است. در حالی که همه می‌دانند دانشجویان در این حادثه کاملا بی‌گناه بوده‌اند و عده‌ای بدون هیچ بهانه روشنی به آنها حمله کردند.

ایوب نعمتی، دانشجوی محروم از تحصیل دانشکده حقوق و علوم سیاسی، کاوه اکبری، دانشجوی علوم اجتماعی دانشگاه تهران و حبیب فرحزادی از دانشجویانی هستند که در ارتباط با این دادگاه دستگیر شده و تحت فشار برای اعترافات ساختگی قرار گرفته‌اند.

این دانشجویان تنها دانشجویانی نیستند که به دادگاه‌های نظامی فراخوانده شده و یا حکم زندان دریافت کرده‌اند. دو نفر دیگر از دانشجویان همین دانشگاه نیز به اتهام مشارکت در حوادث کوی به حکم یک سال و دو سال زندان و ضربات شلاق محکوم شده‌اند. چندین دانشجوی دیگر نیز در هفته‌های اخیر بازداشت شده‌اند.

محاکمه دانشجویان در دادگاه‌های نظامی که یادآور محاکمه‌های زندانیان سیاسی دوران شاه است این بار چه کسانی را قربانی می‌کند؟ دانشجویان می‌پرسند تا پایان سال تحصیلی چند دانشجوی دیگر میهمان زندان اوین خواهند شد؟

اخبار کوتاه

بند متادون؛ جهنم زنان سیاسی زندانی

اواخر هفته گذشته بود که رسانه‌ها خبر از انتقال تمامی زندانیان سیاسی زن در زندان اوین به قرنطینه متادون بند نسوان دادند.

بند متادون، یک سالن دربسته به صورت یک سلول جمعی است. بندهای عادی، زندانیان از حق رفت و آمد در راهرو و هواخوری برخوردارند، در این بخش این حق نیز از زندانیان سلب شده.

بند متادون مخصوص زندانیانی است که معتادند و پیش از انتقال به بندهای دیگر به این بند منتقل می‌شوندو به لحاظ شرایط بهداشتی از وضعیت مطلوبی برخوردار نیست. مقامات برای اعمال فشار و کنترل شدید زندانیان زن سیاسی آنان را به این بند منتقل کرده اند.

هم اکنون در بند متادون بیش از بیست زندانی سیاسی زن نگه داری می شوند.

ادامه اعتصاب غذای وکیل دادگستری

نسرین ستوده در ملاقات با همسرش اعلام کرد که به درخواست دوستان و وکلایش اعتصاب خشک اش را شکسته، ولی تا رسیدن به خواسته‌هایش، اعتصاب غذایش را به صورتی که فقط از آب استفاده کند، ادامه خواهد داد. همسر این وکیل دربند پس از دیدار با وی گفت: چهره نسرین آنقدر تکیده شده بود که من اصلا نسرین را نشناختم.

وبلاگ معصومه ابتکار بار دیگر فیلتر شد

وبلاگ جدید معصومه ابتکار بار دیگر فیلتر شد. وی در آخرین یادداشت خود نسبت به تحریف تاریخ در مورد واقعه ۱۳ آبان سال ۱۳۵۸ هشدار داده و از رهبران آن حرکت دانشجویی که این روزها در زندان یا در انزوا به سر می‌برند یاد کرده بود.

درآمد غیرقانونی از محل هدفمند کردن یارانه‌ها

رئیس کمیسیون بررسی طرح تحول اقتصادی از کسب درآمد غیرقانونی دولت در سایه اجرای این قانون مصوب مجلس، ابراز نگرانی کرد.

مشکلات پرستاران حل نشده، بدتر هم شده است

دبیرکل خانه پرستار گفت: متاسفانه جامعه پرستاری مستاصل مانده که وعده‌های شیرین مسئولان را باور کند یا تلاش‌هایی که قصد تضعیف و نابودی پرستاران را دارد.

بهای سرسام‌آور اجاره‌ها در تهران

در دومین ماه فصل پاییز، زمانی که پرونده اجاره بها بسته می‌شود و قیمت‌ها به تعادل می‌رسند، باز هم چالش ودیعه مسکن دربازار وجود دارد و مستاجران باید بهای بیشتری را برای ودیعه بپردازند.

روزنامه کلمه، پیش‌شمارهٔ بیست و سوم
دوشنبه، ۲۴ آبان ۱۳۸۹، شمارگان: ما بیشماریم
WWW.KALEME.COM

قانون اساسی ما پر از ظرفیت‌هایی است که هنوز به فعلیت نرسیده‌اند؛ مسئولان گاهی با این حقیقت به گونه‌ای برخورد می‌کنند که گویی به عنوان امری مستحب مخیرند همچنان استفاده‌های بیشتری از ذخائر قانون اساسی ببرند. نه! هرگز چنین نیست. آنها مکلفند که این ظرفیت‌ها، آن هم تمامی این ظرفیت‌ها را به فعلیت برسانند. **میرحسین موسوی، بیانیه ۱۱**

مهدی کروبی خطاب به جنتی:

آقای جنتی! قتل‌های خودسرانه نتیجهٔ اظهارات شماست

حجت الاسلام والمسلمین مهدی کروبی در مصاحبه ای به سخنان احمد جنتی در خطبه‌های نماز جمعه این هفته تهران پاسخ داد. رییس مجلس سوم و ششم در بخشی از این مصاحبه علما و عقلا را به تذکر و توصیه به آقای جنتی برای پرهیز از اینگونه اظهار نظرات فراخواند و به رییس شورای نگهبان یادآور شد که این رفتارها و گویش‌ها ثمره‌اش قتل‌های خودسرانه‌ای می‌شود که همگان به خاطر دارند.

آقای جنتی در نماز جمعه «مرخصی دادن به زندانیان سیاسی پس از انتخابات را مانند مرخصی دادن به سارقان دانست» و از قوه‌قضائیه در این خصوص گله کرد. جنتی همچنین در بخش دیگری از سخنانش خواستار برخورد شدیدتر این قوه با زندانیان سیاسی شده است

کروبی اما در واکنش به این اظهارات خطاب به جنتی گفت: حالا چه شده که چون حاکمیت از خود ماست باید تشویق کنیم که مردم را بکشند ویا زندان کنند مگر امیرالمومنین کسی را که شمشیر بر فرقش زد سفارش نکرد که او را شکنجه نکنید واگر شهید شدم یک ضربه بیشتر به او نزنید حالا یک حادثه‌ای پیش آمده و عده‌ای را گرفته‌اند. آیا این افرادی را که گرفته‌اند قاتل امیرالمومنین هستند؟ دست به اسلحه برده‌اند؟ یک جمعیتی از خود همین نظام آمده‌اند و گفته اند رای ما چه شد؟ آیا جمعی را که دستگیر کرده اید باید با آنان با خشونت رفتار کرد؟ بیایید آمار بگیریم و ببینیم این افرادی که در زندانند چه کسانی هستند؟ این افراد مردم همین کشورند. جزو خانواده شهدا و یا جبهه ای هستند. دانشجو و استاد هستند. شما به جای اینکه بیایید تشویق به رفتار انسانی و اسلامی نمایید، دادگاه‌ها را توصیه به خشونت می‌نمایید؟"

شما به جای اینکه بیایید تشویق به رفتار انسانی و اسلامی نمایید، دادگاه ها را توصیه به خشونت می نمایید؟ آقای جنتی آیا از درون خانواده این افراد خبر دارید که چه بر آنان می گذردوچه چهره ای از روحانیت و اسلام در پیش آنها ترسیم خواهد شد؟ وقتی خانواده محمد نوری زاد، زیدآبادی و مومنی – که با همسر برادر شهیدش ازدواج کرده است وبرای اعتراف گیری سرش رادرچاه توالت می کردند- و یا وقتی این حرف ها را خانواده دو شهید مانند طبرزدی وعرب سرخی بشنود چه احساسی به آنها دست می دهد؟

من به خانواده این زندانیان می گویم که به خدا این روحانیت نیست. آقای جنتی سن زیادی از شما گذشته شما پسرتان حسین درزندان بود. می دانید مادر آن فرزند چه احساسی داشته؟

یکی از بزرگان از قول آیت الله طاهری نقل می کرد که اختلاف جنتی با من به خاطر ندادن ملاقات از طرف من به فرزند منافقش حسین بود. آقای جنتی شما فکر کن خانواده حسین مرعشی، عیسی سحر خیز، مهدی خزعلی، محمد داوری که از خانواده جانبازان و شهدا هستند و نیز نسرین ستوده که بنا به قول همسرش که وی را در دیدار اخیر نشناخته بود، چه سختی هایی را تحمل می کنند؟ آقای جنتی صحبت های من و شما که روحانی هستیم از دیدگاه مردم به حساب شخص گذاشته نمی شود بلکه به حساب روحانیتی که بیش از هزار سال خدمت کرده و از حقوق مردم دفاع کرده است ، می گذارند. آقای جنتی این رفتار تو است که افراد سرخورده از نظام این صحبت‌ها را به حساب روحانیت می گذارند.

آقای جنتی در چه فضایی زندگی می‌کنید؟ چه کسانی به شما مشاوره می‌دهند؟ به تعبیر خودتان سپاه و اطلاعات.

همین افراد اتاق فکر ومشاوران شما هستند. اینها که گله می کنند می خواهد که احکام این زندانیان نیز زیر نظر سپاه و اطلاعات باشد. آقای جنتی آیا شما در نماز جمعه از خون آنان که زیر شکنجه کشته شدند دفاع کردی و از این شکنجه ها سخنی گفتی؟ آیا شد در نماز جمعه بگویی که آقایان اطلاعاتی و نیروهای مسلح، سه پزشک تا به حال ترور شده اند، ببینید چه کسی آنان را کشته؟ چرا از پزشکان و اساتید دانشگاه کشته شده سخن نمی گویید؟ پرونده دکتر معتمدی چه شد؟ آن پرونده استاد دانشگاه مرحوم محمدی به کجا رسید؟ شما که ادعا می کنید ما در هوا تروریست را می گیریم و از داخل پاکستان عطارزاده را می آوریم! شما ببینید چه هیولای زشت و پلیدی از روحانیت در ذهن بچه های این مردم و خانواده های آنان با این سخنان بوجود می آورید!

آقای جنتی تو دبیر شورای نگهبانی که کارش نظارت بر انتخابات و قوانین مجلس است! شما را با قوه قضائیه چه کاری است؟ می دانید نتیجه این سخنان شما چیست؟ نتیجه اش همان قتل های خودسرانه ای است که در گوشه و کنار مملکت اتفاق افتاد.

آقای جنتی! اگر یک دستگاه عادلانه‌ای در کشور وجود داشت و یک هیات منصفه‌ای تشکیل می‌شد آن وقت به شما نشان می‌دادیم که طی این ۲۱ سال شما چه کرده‌اید و چقدر حقوق مردم را ضایع کرده‌اید؟

آقای جنتی همین رفتارهاست که باعث ضربه زدن به استقلال قوه قضائیه می شود. حرف های شماست که باعث می شود بازجوها به زندانیان بگویند که قاضی کاره ای نیست و همه کاره ما هستیم! من تعجب می کنم چرا جامعه روحانیت مبارز و جامعه مدرسین حوزه علمیه قم به ایشان چیزی نمی گویند؟ همیشه بزرگان ما در این کارها پیش قدم بوند اما حالا نمی دانم چرا اینطور نیست؟

آقای جنتی شما به عنوان دبیر و همه کاره شورای نگهبان اقدام به تهدید نمایندگان مجلس در برابر حق استیضاح وزرا می‌نمایید، و قصد قطع نمودن بازوهای نظارتی نمایندگان بر دولت و وزرا را دارید؛ آیا با این رفتارها چیزی از رسالت مجلس و نمایندگان مردم باقی خواهد ماند؟

مادر یک دانشجوی زندانی:

از این همه ظلم به کجا پناه ببریم؟

مجید دری، دانشجوی محروم از تحصیل چند هفته‌ای است که به زندان بهبهان تبعید شده است. زندانی که از محل زندگی خانواده‌اش هزار کیلومتر فاصله دارد. مجید اکنون در میان زندانیان عادی و در شرایط بسیار نامناسب بهداشتی دوران حبس‌اش را می‌گذراند. اما این بار فقط مجید نیست که تنبیه می‌شود بلکه پدر و مادر رنجدیده او هم مجازات می‌شوند. حالا آنها هر هفته باید رنج طی هزار کیلومتر راه را به جان بخرند تا بتوانند چند دقیقه‌ای پسرشان را ببینند همه این سختی‌ها موجب شده که خانواده مجید هم به تبعید خود خواسته بیندیشند و برای آنکه نزدیک فرزندشان باشند به مهاجرت به بهبهان یا شهری نزدیک آن فکر کنند.

مادر این دانشجوی زندانی می‌گوید: مجید را پس از نزدیک به ۱۶ ماهی که در زندان اوین زندانی بود به زندان بهبهان فرستادند. در حالی که حتی یک روز هم مرخصی نداشته است. وضعیتش مسلما مساعد نیست. چون هم میگرن دارد و هم کم خونی. اخیرا هم فهمیدیم که دنده‌اش توی زندان شکسته و چون می‌خواسته ما نگران نشویم تاکنون حرفی نزده است. حالا هم به زندان دور افتاده‌ای تبعید شده که شرایطش اسفبار است. مجید همیشه روحیه‌اش را حفظ می‌کند و شکایتی نمی‌کند، اما شما تصور کنید چقدر شرایط بد است که بچه‌ام دائم می‌گوید اینجا شرایط فاجعه‌بار است.

مادر دری تاکید می‌کند: غیر از خدا هیچ فریادرسی نداریم. دیگر نمی‌دانیم از این همه ظلم به کجا پناه ببریم. فرزندمان را تبعید کرده‌اند و حالا حتی حاضر نیستند حرفمان را بشنوند.

اخبار کوتاه

پرونده جنایات کهریزک، پس از یک سال و نیم، هنوز کامل نشده

دادستان انتظامی قضات، در خصوص آخرین وضعیت پرونده دادستان سابق تهران و دو قاضی دیگر متهم در پرونده بازداشتگاه کهریزک گفت: پس از تشکیل پرونده برای این سه متهم در دادسرای انتظامی قضات، حکم به تعلیق آنها داده شد. اطلاع‌رسانی غیرشفاف و تناقض‌آمیز درباره پرونده کهریزک که دست‌کم چهار فقره قتل و چندین جرم دیگر از قبیل شکنجه و... در آن وجود دارد، در شرایطی است که در یک سال و نیم گذشته متهمان سیاسی و مطبوعاتی نه تنها از حق محاکمه عادلانه بر طبق قانون اساسی برخوردار نبودند، بلکه پرونده‌های آنها نیز به سرعت و در اکثر موارد بدون طی تشریفات قانونی از مراحل تحقیق و محاکمه و صدور حکم و تجدیدنظرخواهی می‌گذشت و به اجرا در می‌آمد.

دیدار رهنورد با خانواده معلم زندانی

زهرا رهنورد، به دیدار خانواده «رسول بداقی» معلم زندانی رفت.

رسول بداقی از اعضای انجمن صنفی معلمان است که به خاطر فعالیت‌های صنفی‌اش به شش سال حبس محکوم شده است. او هم‌اکنون در زندان رجایی‌شهر دوران محکومیتش را می‌گذراند.

همسر رسول بداقی که سه فرزند کوچک دارد، در این دیدار از سختی‌هایی گفت که در مدت بازداشت همسرش بر او گذشته و اینکه ماموران امنیتی هر روز فضا را برای آنها بسته‌تر کرده‌اند، تا جایی که همسر معلم وی را از زندان اوین به زندان رجایی‌شهر تبعید کردند؛ زندانی که با توجه به فاصله‌اش از تهران، سختی‌های بیشتری را نیز به خانواده این معلم زندانی تحمیل کرده است.

رتبه اینترنت ایران ۱۴۴ از ۱۵۲

رتبه ایران به لحاظ سرعت اینترنت خانگی، در بین ۱۵۲ کشور، پس از کشورهایی همچون ونزوئلا، نیجریه، بولیوی، عراق، پاراگوئه و جزایر ترک و کایکاس، در جایگاه ۱۴۴ قرار گرفته است.

بی‌خبری از رئیس دفتر میر حسین موسوی؛ ممنوع‌الملاقاتی پس از دو ماه

دو ماه از بازداشت حمید محسنی، رییس دفتر میر حسین موسوی می‌گذرد اما تاکنون خانواده وی موفق به دیدار با اونشده‌اند. همچنین از وضعیت وی هیچ اطلاع دقیقی در دست نیست.

بخشنامه به مساجد برای تبیین «فتنه ۸۸»

در بخشنامه اخیر که به مساجد ابلاغ شده، تأکید شده است که سخنران‌های ویژه ماه محرم برای عزاداران ابعاد فتنه ۸۸ را تبیین کرده و در خصوص جنگ نرم دشمن مردم را آگاه کنند.

وزارت بازرگانی: گوشت گران نشده، تغییر قیمت داده!

معاون وزیر بازرگانی در توضیح دلیل افزایش قیمت مرغ به بالای سه هزار تومان گفت: این افزایش را گرانی نمی‌دانم چون بحث تغییر قیمت این کالا مطرح است و نوسان قیمت به تناسب شرایط و میزان عرضه و تقاضا صورت می‌گیرد.

روزنامه کلمه، ویژه‌نامهٔ پیام میرحسین موسوی به مناسبت آذر، ماه دانشجو
شنبه، ۲۹ آبان ۱۳۸۹، شمارگان: ما بیشماریم

بنی الاسلام علی الکلمتین
کلمة التوحید و توحید الکلمة

کلمه
WWW.KALEME.COM

پیام میرحسین موسوی به مناسبت آذر، ماه دانشجو

کلمه: میرحسین موسوی، در پیامی که به مناسبت فرا رسیدن ماه آذر خطاب به دانشجویان نوشته، آنها را همراهان پر مهر و شجاع جنبش سبز نامیده و گفته است که با توجه به ایجاد محدودیت‌ها برای دیدار مستقم وی با دانشجویان، لازم دیده که به عنوان قدردانی این پیام را برای آنها بفرستد.

موسوی آذر را ماه دانشجو نامیده است و به گفته خودش تلاش کرده در این پیام به بخشی از سوالات و دغدغه‌هایی که در این مدت از سوی دانشجویان مطرح شده، پاسخ گوید.

میرحسین در این پیام که شامل یک مقدمه مبسوط و پنج بند است، ۱۶ آذرماه را یادآور حادثه‌ای دانسته که دانشجویان هوشیار و پیشتاز ایران به خاطر اعتراض به استبداد داخلی و استعمار خارجی، به خاک و خون کشیده شدند. روزی که نشان داد سرکوب برای بقای بیشتر تکیه‌گاه بدی است.

میرحسین در تجلیل از دانشجویان، آنها را «تاریخ دیده‌بان بیدار مخاطرات جامعه ایران» خوانده و به مستبدان یادآوری کرده است که بکارگیری زر و زور و تزویر، فاصله مردم را با آنها بیشتر می‌کند، و آنها را به کنج خلوتکده امنی تخیلی می‌راند که توسط مداحان و ثناگویان منفعت جوی و دشمن مردم طراحی و اجرا شده است تا بلکه تألم ناشی از دست دادن پشتوانه مردم را از یاد ببرند.

وی در بند نخست پیام خود «شیوه خریدن فرصت» توسط دولتمداران را مورد نقد قرار داده و گفته است: «همه جا صحبت از فشارهای طاقت‌فرسا بر خانواده‌هایی است که این روزها بیش از هر زمان دیگر با فقر و نداری دست و پنجه نرم می‌کنند. صاحب منصبان نظامی و انتظامی به صراحت از بیمناکی خود نسبت به واکنش‌های عصبی مردم و خطر سوء استفاده‌های احتمالی دشمنان خارجی و مخالفان داخلی سخن می‌گویند.»

میرحسین سپس از دولتمداران پرسیده است: «چرا این همه اصرار بر چشم بستن به نظرات اقتصاددان‌های برجسته کشور و نمایندگان مجلس دارید؟ کجا رفت وعده‌های آموزش مجانی و ایجاد اشتغال و اصل ۴۳ قانون اساسی؟ چرا به مردم نمی‌گویید که با پولی که می‌خواهید با افزایش قیمت‌ها از جیب مردم در بیاورید در غیبت سازمان برنامه و بودجه و تضعیف مجلس و بی‌خاصیت کردن شوراها و سازمان‌های نظارتی چه کار می‌خواهید بکنید؟آیا استفاده از نیاز و فقر مردم با توزیع بخشی از پولی که از دست آنان ربوده‌اید می‌تواند بحران‌های بعدی را کنترل کند؟ کجا رفت وعده نفت بر سر سفره‌ها و قول برخورد با مفسدین؟ چگونه است که با نجوا و آهسته از سرنوشت سند چشم‌انداز بیست ساله نام می‌برید؟»

موسوی پس از طرح این سوالات اطمینان داده است که سه میلیون دانشجوی آگاه و فرهیخته حتی اگر تمام مساجد و تکایا و نهادهای

آن روز مستبدان و خودکامگان تصور می‌کردند که بعد از آن سرکوب و کشتار، دهان انتقاد و اعتراض برای همیشه بسته خواهد ماند؛ خطایی که همه کسانی که به پیروزی بر پایه ارعاب تکیه می‌کنند مرتکب می‌شوند، و چه بد تکیه‌گاهی است ابزار سرکوب برای بقای چند روز بیشتر

سنتی آمرانه و بخشنامه‌ای در خدمت محکومیت جنبش سبز به کار گرفته شود، می‌توانند با پراکندن سوال‌ها و نقدها پل‌های ارتباطی نیرومندی با همه اقشار مومن و مستضعف بر قرار کنند و به آنها ریشه‌های عقب‌ماندگی و فقر و سقوط تولید ملی را توضیح دهند.

وی در همین پیام ضمن یادآوری تجربه کهریزک، کوی دانشگاه و عاشورای تهران و با تاکید بر اینکه اقتدارگرایان خروش مردم رادر راهپیمائی‌های ۲۵ ، ۲۸ و ۳۰ خرداد و دیگر روزها ندیده و به تجمع‌های مهندسی‌شده دلخوش کرده‌اند، نتیجه گرفته که نشانی از بصیرت برای برگشت به سوی مردم دیده نمی‌شود.

موسوی با اشاره به این پرسش مهم بسیاری از همراهان جنبش سبز که در این روزها که امکان بیان اعتراض‌ها به سبب سرکوب‌های شدید و برخوردهای امنیتی وجود ندارد، چه باید کرد؟ گفته است که پاسخ به این پرسش باید محصول عقل جمعی باشد و همه همراهان راه سبز امید باید راهکار ارائه کنند. وی با تاکید بر اینکه «آگاهی چشم اسفندیار خودکامگان است» گسترش آگاهی در میان مردم را یکی از مهمترین راهکارها در شرایط موجود دانسته است.

میرحسین در پایان ضمن تجلیل از مبارزان در بند از زن و مرد و آگاه کردن مردم از ایستادگی زندانیان سیاسی گفته است که رسیدگی به خانواده‌های شهدا و آسیب‌دیدگان جنبش سبز جزو وظایف همه ماست.

متن کامل پیام میرحسین موسوی به مناسبت ماه دانشجو به این شرح است:

بسم الله الرحمن الرحیم

دانشجویان همراه جنبش سبز

دوستان جوان و پرمهر و شجاع هموطن

سلام و درود بر شما باد

در آستانه ماه آذر – ماه دانشجو – در یادآوری ایستادگی‌ها و مبارزه شما برای پاسداری از حقوق ملت ایران و حق حاکمیت مردم بر سرنوشت خود، لازم دیدم چند کلمه از باب قدردانی و احترام برای شما عزیزان بنویسم، بویژه آنکه امکان دیدار مستقیم با شما کم شده است.

مستبدان، روز به روز تنهاتر می‌شوند و به همه چیز و همه کس گمان بد می‌برند و در دایره تنگی که برای خود فراهم کرده‌اند، آنقدر گرد خویش می‌چرخند که از شنیدن همهمه سقوط کاخ خودکامگی و خودرایی باز می‌مانند و زمانی بیدار می‌شوند که بسیار دیر است برای بازگشت به آغوش مردم

در دو سال اخیر در ملاقات‌هایی که با شما داشته‌ام و یا در نامه‌ها و یادداشت‌هایی که فرستاده‌اید، همواره شاهد دغدغه‌های شما درباره آینده ایران عزیز و جنبش سبز آزادیخواهانه مردم ایران بوده‌ام. و البته از شما نیز جز این انتظار نیست، چرا که در سرزمین ما، دانشجو همواره تاریخ دیده‌بان بیدار مخاطراتی بوده است که جامعه ایرانی را تهدید می‌کرده است و در این راه خود نیز به گواهی تاریخ از خطرهای بزرگ در راه دفاع از مردم و ملت استقبال کرده است. و مگر نه این است که ۱۶ آذر ماه هر سال، یادآور حادثه تلخی است که در آن، دانشجویان هوشیار و پیشتاز این دیار که به استبداد داخلی و استعمار خارجی حامی آن دهان به اعتراض گشودند، به خاک و خون کشیده شدند. در آن روز مستبدان و خودکامگان تصور می‌کردند که بعد از آن سرکوب و کشتار، دهان انتقاد و اعتراض برای همیشه بسته خواهد ماند؛ خطایی که همه کسانی که به پیروزی بر پایه ارعاب تکیه می‌کنند مرتکب می‌شوند، و چه بد تکیه‌گاهی است ابزار سرکوب برای بقای چند روز بیشتر.

مستبدان تنها می‌شوند

مستبدان نمی‌دانند که به کارگیری زر و زور و تزویر، فاصله مردم را با آنها بیشتر می‌کند، وآنها را به کنج خلوتکده امنی تخیلی می‌راند که توسط مداحان و ثناگویان منفعت‌جوی و دشمن مردم طراحی و اجرا شده است تا بلکه تألم ناشی از دست دادن پشتوانه مردم را از یاد ببرند.

مستبدان، روز به روز تنهاتر می‌شوند و به همه چیز و همه کس گمان بد می‌برند، دوستان دیروزشان را از خود می‌رانند، و هر انتقاد و نصیحتی را توطئه‌ای برای نابودی خویش می‌پندارند. و بدتر آنکه منافع خودشان را مساوی با منافع ملی می‌گیرند و در چنین وضعی ناچار به سلاح‌داران تکیه می‌کنند، و به دنبال کسانی می‌گردند که چشم و گوش بسته از آنها فرمان برند و سایه شک و تردید نسبت به افکار و اعمال آنها را حتی برای لحظه‌ای از دل نگذرانند.

مستبدان در دایره تنگی که برای خود فراهم کرده‌اند، آنقدر گرد خویش می‌چرخند که از شنیدن همهمه سقوط کاخ خودکامگی و خودرایی باز می‌مانند و زمانی بیدار می‌شوند که بسیار دیر است برای بازگشت به آغوش مردم.

طایفه طایفه کردن و تحقیر مردم، روش مشترک مستبدان و فرعونیان

آنان نمی‌دانند که دهان و گوش و چشمان مردمان را شاید بتوان از گفتن و شنیدن و دیدن بازداشت، اما اندیشیدن موهبتی الهی است که دروازه‌های خلوتگاه آن، به روی زورمندان بسته است. راز این همه احساس خطر از دانش و دانشجو و دانشمند، این همه اضطراب از آزادی چرخش اطلاعات، این همه ترس از رسانه‌های آزاد، این همه واهمه از تجمع حتی آرام و مسالمت‌جویانه منتقدان و معترضان، و نیز این همه تلاش برای بیگانه‌نمایی دوستان مردم و انقلاب، و روند مستمر پایان‌ناپذیر ناخودی کردن فرزندان ایران، این همه هراس از هرآنچه با عقلانیت جمعی پیوند دارد و این همه پرهیز از هرآنچه با برنامه‌ریزی و مدیریت دانش‌محور مرتبط است آیا در همین نیست؟ و سرانجام مستبدین در جهت کسب پیروزی با حاکمیت ترس از همان روشی استفاده می‌کنند که فرعون و همه فرعونیان بهره بردند. طایفه طایفه کردن مردم «با خودی و غیرخودی کردن ملت» و قرار دادن مردم در مقابل هم، تحقیر مردم با گوساله و بزغاله و خس وخاشاک نامیدن جهت سوق آنها به سمت کرنش و درانجام رنگ قدسی بخشیدن به قدرت که «انا ربکم الاعلی» و این آخری به گواهی تاریخ بدترین جنبه جباریت است. یعنی واجب است که اطاعت کنید و سوال نکنید و ما برتر از آن هستیم که مورد سوال قرار گیریم. آیا قانون گریزی‌های گسترده و حساسیت در برابر خواست بازگشت بدون تنازل به قانون اساسی و عدم

نمی‌دانند که دهان و گوش و چشمان مردمان را شاید بتوان از گفتن و شنیدن و دیدن بازداشت، اما اندیشیدن موهبتی الهی است که دروازه‌های خلوتگاه آن، به روی زورمندان بسته است. راز این همه احساس خطر از دانش و دانشجو و دانشمند، آیا در همین نیست؟

تمکین در مقابل رأی مردم و گریز از انتخابات‌های آزاد و رقابتی غیرگزینشی و بستن روزنامه‌ها جز این معنی می‌دهد که عده‌ای خود را برتر از قانون و مستغنی از آرا و نظرات مردم می‌دانند؟

مگر امام رحمت‌الله علیه در سال ۵۹ نگفت «همه روی قانون عمل بکنند. این قانونی که ملت برایش رأی داده است. همین رأی نداده است که توی طاقچه بگذارید و کاری به آن نداشته باشید. بروید مشغول کار خودتان بشوید.» و در سال ۶۰ نیز فرمودند: «البته دزدها از قانون بدشان می‌آید و دیکتاتورها هم از قانون بدشان می‌آید» و هم ایشان بودند که در جواب نامه صریح نمایندگان

مجلس در مورد انحراف نظام از حدود قانون اساسی گفتند که همه باید به قانون برگردیم.

اقتصاد بیمار، سیاست‌های من‌درآوردی و فساد عمیق

۱. چنین است دوستان عزیز که امروزه روز، و به واسطه به کارگیری شیوه غلط خریدن فرصت‌های هرچند زودگذر از طریق ایجاد بحران‌های پیاپی، هزینه‌های سنگینی بر مردم ما تحمیل می‌شود تا با تمسک به خط مشی از پیش شکست‌خورده فرار به جلو، تحکیم مناسبات فرقه‌ای با الگوی «اطاعت محض یا اخراج»، برانگیختن کینه‌های ناشی از شکاف عمیق‌تر شده میان فقرا و اغنیا، این قدرت چندروزه، چند روزی بیشتر در دست قدرتمندان باقی بماند.

روندی که می‌بایست در بستر اعتمادسازی گسترده مردمی که به دولتمردان به دلیل انتخابات پر از تخلف و تقلب و دستکاری

همه جا صحبت از فشارهای طاقت‌فرسا بر خانواده‌هایی است که این روزها بیش از هر زمان دیگر با فقر و نداری دست و پنجه نرم می‌کنند. صاحب‌منصبان نظامی و انتظامی به صراحت از بیمناکی خود نسبت به واکنش‌های عصبی مردم و خطر سوء استفاده‌های احتمالی دشمنان خارجی و مخالفان داخلی سخن می‌گویند

رایانه‌ای آرا، بدبین شده بودند با تکیه به خرد جمعی و استفاده از صاحبنظران خداترس و بی‌طرف صورت می‌گرفت، اینک جراحی دردناکی نامیده می‌شود که جان اقتصاد بیمار ناشی از سیاست‌های من‌درآوردی و فساد عمیق را بیش از پیش در مخاطره قرار داده است. همه جا صحبت از فشارهای طاقت‌فرسا بر خانواده‌هایی است که این روزها بیش از هر زمان دیگر با فقر و نداری دست و پنجه نرم می‌کنند.

صاحب‌منصبان نظامی و انتظامی به صراحت از بیمناکی خود نسبت به واکنش‌های عصبی مردم و خطر سوء استفاده‌های احتمالی دشمنان خارجی و مخالفان داخلی سخن می‌گویند.

محکومیت بخشنامه‌ای و آمرانهٔ جنبش سبز و سه میلیون دانشجوی آگاه

پرسش بزرگ مردم ما از آنها این است که اگر به راستی بر این حقایق آگاهید و می‌شنوید نظر کارشناسان را که اجرای این طرح را به شکلی که شما تهیه کرده و اجرا می‌کنید جز خسارت‌های مادی و انسانی و تشدید بی‌عدالتی، دستاوردی در بر ندارد، چرا این همه اصرار بر چشم بستن به نظرات اقتصاددان‌های بر جسته کشور و نمایندگان مجلس دارید؟ کجا رفت وعده‌های آموزش مجانی و ایجاد اشتغال و اصل ۴۳ قانون اساسی؟ چرا به مردم نمی‌گویید که با پولی که می‌خواهید با افزایش قیمت‌ها از جیب مردم در بیاورید در غیبت سازمان برنامه و بودجه و تضعیف مجلس و بی‌خاصیت کردن شوراها و سازمان‌های نظارتی چه کار می‌خواهید بکنید؟ آیا استفاده از نیاز و فقر مردم با توزیع بخشی از پولی که از دست آنان ربوده‌اید می‌تواند بحران‌های بعدی را کنترل کند؟ کجا رفت وعده نفت بر سر سفره‌ها و قول برخورد با مفسدین؟ چگونه است که با

در غیبت سازمان برنامه و بودجه و تضعیف مجلس و بی‌خاصیت کردن شوراها و سازمان‌های نظارتی چه کار می‌خواهید بکنید؟ آیا استفاده از نیاز و فقر مردم با توزیع بخشی از پولی که از دست آنان ربوده‌اید می‌تواند بحران‌های بعدی را کنترل کند؟ کجا رفت وعده نفت بر سر سفره‌ها و قول برخورد با مفسدین؟

نجوا و آهسته از سرنوشت سند چشم‌انداز بیست ساله نام می‌برید؟ نمی‌اندیشید که سه میلیون دانشجوی آگاه و فرهیخته حتی اگر تمام مساجد و تکایا و نهادهای سنتی را آمرانه و بخشنامه‌ای در خدمت محکومیت جنبش سبز به کار بگیرید، می‌توانند با پراکندن سوال‌ها و نقدها پل‌های ارتباطی نیرومندی با همه اقشار مومن و مستضعف بر قرار کنند و به آنها ریشه‌های عقب ماندگی و فقر و سقوط تولید ملی را توضیح دهند.

راهبرد فرار به جلو و آشوب‌های ساختگی

۲. شاید قرار است که به این بهانه، باز هم آب گل‌آلود شود و کسانی باز هم به جای پاسخگویی، راهبرد فرار به جلو و از بین بردن فرصت‌ها تا مرز نابودی نظام و ایجاد بحران‌های شدید در این کشور را دنبال کنند. امروز بیش از همیشه شاهد دشمن دشمن

متاسفانه تجربه کهریزک و کوی دانشگاه و بی‌پناهان را با اتومبیل پلیس زیر کردن و از پل پائین انداختن و سر زندانیان را به چاه توالت کردن و خروش مردم را در راهپیمائی‌های ۲۵، ۲۸ و ۳۰ خرداد و دیگر روزها ندیدن و دل بستن به تجمع‌های مهندسی شده و فرمایشی جلوی روی ماست و نشانی از بصیرت برای برگشت به سوی مردم دیده نمی‌شود

دست‌اندرکاران به عنوان جزئی از استراتژی پیروزی از طریق ترساندن هستیم. پیش از این شاهد بوده‌ایم که به گواه تصاویری که ضبط شده است، مأموران امنیتی و افراد موسوم به لباس شخصی، خودروها و موتورسیکلت‌ها را می‌سوزانند، شیشه‌ها را خرد و ساختمان‌ها را تخریب می‌کنند، و با بی‌شرمی، معترضان را متهم به انجام آن می‌کنند. آیا برای آنهایی که به راحتی کارناوال راه می‌اندازند و برای مأموران دولتی کلاه‌گیس و آرایش‌ها و لباس‌های جنس مخالف فراهم می‌کنند دشوار است که این بار هم تحت عنوان فتنه سبز یا سرخ یا هر عنوان دیگری، آشوب‌های ساختگی برپا کنند و آن را وسیله‌ای برای فریب افکار عمومی و انحراف نهادهای نظارتی و تسویه حساب‌های جدید سیاسی قرار دهند؟

راهپیمایی ۲۵ خرداد را نمی‌بینند و به تجمع‌های مهندسی‌شده دل می‌بندند

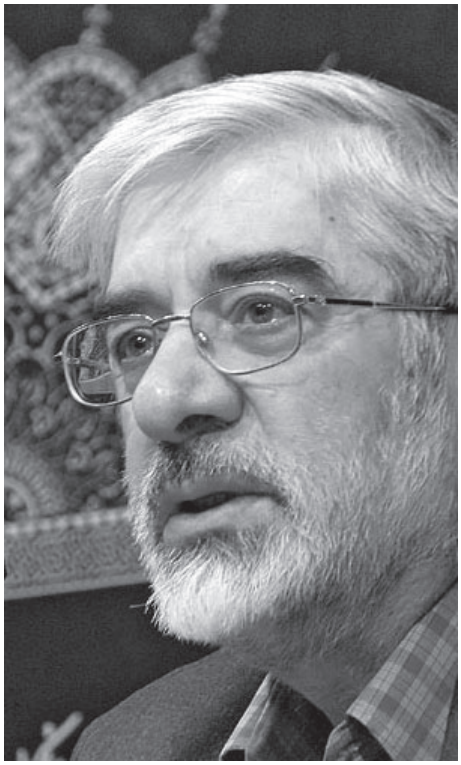

متاسفانه تجربه کهریزک و کوی دانشگاه و بی‌پناهان را با اتومبیل پلیس زیر کردن و از پل پائین انداختن و سر زندانیان را به چاه توالت کردن و خروش مردم را در راهپیمائی‌های ۲۵، ۲۸ و ۳۰ خرداد و دیگر روزها ندیدن و دل بستن به تجمع‌های مهندسی شده و فرمایشی جلوی روی ماست و نشانی از بصیرت برای برگشت به سوی مردم دیده نمی‌شود.

۳. همراهان جنبش سبز همچنان درخواست اجرای بدون تنازل قانون اساسی، پرهیز از خشونت، التزام به اخلاق و روش‌های اخلاقی را خط مشی اصولی خود می‌دانند و با هرکس که به هر عنوان و بهانه آشوب کور بیافرینند، مخالفند و آن را به ضرر مصالح و منافع ملی ایرانیان و اهداف جنبش سبز می‌دانند. باید به دیگران نیز توصیه شود که به سیره عقلا متعهد باشند و اگر تشخیص می‌دهند حرکتی مخرب است، آن را متوقف کنند.

هزینه ناکارآمدی‌های دولتمردان را مردم کوچه و بازار نباید پرداخت کنند. چنانچه این همراه کوچک بارها درخواست کرده‌ام، باید با دستگیری از کسانی که این روزها بر اثر انبوه مشکلات به زمین می‌خورند کمک شود تا به دور از روش‌هایی که کرامت انسانی آنان را از میان ببرد، به زندگی آبرومندانه‌شان ادامه دهند

هزینه ناکارآمدی‌های دولتمردان را مردم کوچه و بازار نباید پرداخت کنند و بر زخم‌های عمیق نابسامانی‌هایشان نباید نمک پاشید. برعکس، چنانچه این همراه کوچک بارها درخواست کرده‌ام، باید با دستگیری از کسانی که این روزها بر اثر انبوه مشکلات به زمین می‌خورند کمک شود تا به دور از روش‌هایی که کرامت انسانی آنان را از میان ببرد، به زندگی آبرومندانه‌شان ادامه دهند. چهره زندگی برای بسیاری از مردم زشت شده است، آن را زشت‌تر نکنیم، بلکه در حد توانمان، در زیبا کردن آن بکوشیم.

در شرایط اختناق و سرکوب چگونه اعتراض کنیم

۴. دوستان گرامی، پرسیده‌اید که این روزها که امکان بیان اعتراض‌ها و انتقادها به سبب سرکوب‌های شدید و برخوردهای امنیتی وجود ندارد، همراهان جنبش سبز چه باید بکنند؟ حقیقت این است که پاسخ به این پرسش هم باید محصول عقل جمعی باشد

به نظر من، به عنوان یک فرد از این خیل عظیم، «آگاهی چشم اسفندیار خودکامگان است». گسترش آگاهی به دایره کسانی که به فضای مجازی دسترسی ندارند، تماس‌های چهره به چهره، بالا بردن توانمندی‌ها در تحلیل آنچه پیرامون ما در جریان است، می‌توانند بخشی از تلاش‌های ما و نه همه آن باشد

و شایسته است که همه همراهان و علاقمندان به راه سبز امید در ارائه راهکارهای مناسب مشارکت داشته باشند.

به نظر من، به عنوان یک فرد از این خیل عظیم، «آگاهی چشم اسفندیار خودکامگان است». گسترش آگاهی به دایره کسانی که به فضای مجازی دسترسی ندارند، تماس‌های چهره به چهره، بالا بردن توانمندی‌ها در تحلیل آنچه پیرامون ما در جریان است، با مطالعه و بحث و گفتگو در جمع‌های کوچک حقیقی یا مجازی و با توسعه شبکه‌های اجتماعی که از آسیب فضای امنیتی موجود در امان باشند، آشنایی با تاریخ اسلام و ایران و به ویژه حوادث جنبش‌های مردم این سرزمین از مشروطه تاکنون، می‌توانند بخشی از تلاش‌های ما و نه همه آن باشد.

می‌توان با معرفی نظری و عملی اسلام رحمانی و تبری از افکار و اعمالی که به نام دین رواج یافته و با سرچشمه‌های وحیانی و سیره پیشوایان دینی بیگانه است، جلوی نهادینه شدن رفتارهای نابهنجاری را که دولتمردان و صاحب‌منصبان برای بقای قدرت خوی استخدام کرده‌اند، گرفت.

یادمان باشد که برای ما، هدف وسیله را توجیه نمی‌کند. یادمان باشد که شعار «دروغ ممنوع» در روزهای پرشکوه پیش از انتخابات، چگونه از جان مردم خسته از دروغ‌های پیاپی قدرتمندان برخاست و فضای این دیار را فرا گرفت. یادمان باشد که تا یکایک ما، خود را از آلودگی‌ها و نقایص اخلاقی پاک نسازیم، انتظار داشتن جامعهٔ اخلاق‌بنیادی که در آن همهٔ انسان‌ها بتوانند به قله‌های شکوفایی انسانی خود برسند، بیهوده است. و یادمان باشد که در این راه، شکست نیست، اما صبر و استقامت فراوان، و عدم ترس از پرونده‌سازی و سایر اقدامات سرکوبگرانه ضروری است. یادمان نرود که همه با هم می‌گفتیم نترسید نترسید ما همه با هم هستیم.

یادمان باشد که در این راه، شکست نیست، اما صبر و استقامت فراوان، و عدم ترس از پرونده‌سازی و سایر اقدامات سرکوبگرانه ضروری است. یادمان نرود که همه با هم می‌گفتیم نترسید نترسید ما همه با هم هستیم
چه کسی است که نداند سه میلیون دانشجوی آگاه کشور بزرگترین سرمایه جنبش سبز است؟

زندانیان سیاسی را یاد و به خانواده‌های آسیب‌دیدگان رسیدگی کنیم

۵. یاد و یادآوری مبارزان در بند از زن و مرد و آگاه کردن مردم از ایستادگی زندانیان سیاسی و رسیدگی به خانواده‌های شهدا و آسیب‌دیدگان جزو وظایف همه ماست. در این میان جا دارد در ماه آذر – ماه دانشجو – از دانشجویان در بندیاد شود. دانشجویانی که راه سه شهید اهورائی ۱۶ آذر را فراموش نکرده و نشان داده‌اند که در راه نیل به جامعه‌ای عادلانه و آزاد و متعلق به همه ایرانیان از هیچ خطری نمی‌هراسند و دلیرانه مقاومت می‌کنند و سرانجام آنکه چه کسی است که نداند سه میلیون دانشجوی آگاه کشور بزرگترین سرمایه جنبش سبز است؟ جنبشی که همراهان آن بی‌شمارند و هریک به نوعی رهبر این جریان عظیم مردمی هستند.

بنی الاسلام علی الکلمتین
کلمة التوحید و توحید الکلمة
کلمه
WWW.KALEME.COM
روزنامه کلمه، پیش‌شمارهٔ بیست و چهارم
دوشنبه، ۸ آذر ۱۳۸۹، شمارگان: ما بیشماریم

مستبدین در جهت کسب پیروزی با حاکمیت ترس، از همان روشی استفاده می‌کنند که فرعون و همه فرعونیان بهره بردند. طایفه طایفه کردن مردم با «خودی و غیرخودی کردن ملت» و قرار دادن مردم در مقابل هم و سرانجام رنگ قدسی بخشیدن به قدرت...

میرحسین موسوی، پیام به دانشجویان به مناسبت ماه دانشجو

کارنامه مدیریت جهان در سیاست خارجی دولت دهم

پنج آبروریزی دیپلماتیک در کمتر از یک‌ماه

یک سال قبل آقای نهاوندیان رییس اتاق بازرگانی ایران با جدی دانستن رکود در اقتصاد کشور اعلام کرد: «در بیشتر مناطق صنعتی کشور حدود ۵۰ درصد از واحدهای تولیدی در حال تعطیلی هستند و براساس تحلیلی که اتاق ایران انجام داده است، بیشتر واحدهای تولیدی کشور با کمتر از ۳۰ درصد ظرفیت اسمی خود مشغول کار هستند.» (وب سایت اتاق ایران، شنبه ۶ آذر ۱۳۸۹)

هشدار یک سال قبل آقای نهاوندیان در حوزه اقتصادی، امروز در روابط خارجی کشور نیز مصداق دارد و در حالی که فریادهای «مدیریت جهان» احمدی‌نژاد گوش فلک را کر کرده است، بیشتر صاحب‌نظران و تحلیل‌گران مسائل روابط خارجی کشور بر این باورند که سیاست خارجی کشور در اکثریت مناطق جهان در حال تعطیلی است.

تاکنون دلمان به این خوش بود که اگر رابطه‌ای با کشورهای مطرح جهان نداریم و به اکثر سفرای ما در کشورهای اروپایی حتی در سطح مدیرکل نیز ملاقات نمی‌دهند و وزیر امور خارجه ما علی‌رغم کثیرالسفر بودن – که حتی داد رییس دولت را نیز درآورد – نتوانسته حتی به یک کشور اروپایی سفر در چارچوب روابط دوجانبه داشته باشد و رابطه غربی‌ها با رییس دولت در حکم جن و بسم‌الله است، ولی چه باک که ما را در کشورهای آفریقایی و آمریکای لاتین در حد یک ابرقدرت تحویل می‌گیرند و نزد آنان اعتبار داریم.

ولی ظاهر حادثه نیجریه، از قصر ترک خورده‌ی روابط ایران با این کشورها نیز پرده برداشت و هنوز متکی پای خود را از ابوجا بیرون نگذاشته بود که مقامات این کشور آفریقایی موضوع ارسال تسلیحات را به شورای امنیت سازمان ملل گزارش کردند تا از این رهگذر، پرده بعدی این سناریو که قطع رابطه دولت ذره‌بینی گامبیا با ایران – آن هم به پیش‌دستی آن کشور – بود، رقم بخورد. حادثه‌ای که کاخ شیشه‌ای سیاست آفریقایی ایران را فرو ریخت تا احتمالا حوادث دیگری را در آینده رقم بزند و تتمه آبروی کشور را هم به حراج بگذارد.

اتفاقاتی که در یکی دو ماه گذشته در سیاست خارجی ما رقم خورد و مستقیما عزت و آبروی کشورمان را هدف قرار داد، آشکارا ناشی از بی‌کفایتی است و نمی‌تواند – و نباید – تحت عنوان مصالح کشور با بی‌اعتنایی و توجیه روبه‌رو شود. چند نمونه را فقط از باب تذکر یادآوری می‌کنیم:

۱. کشور کوچک گامبیا که روابط بسیار مستحکمی با ایران داشت، به خاطر اشتباه فاحش دستگاه دیپلماسی، در یک اقدام بی‌سابقه با اعلام قطع کلیه مناسبات خود با ایران، به کارکنان نمایندگی ایران در آن کشور و کلیه ایرانیانی که از طرف دولت ایران در گامبیا فعالیت می‌کنند، ۴۸ ساعت مهلت داد تا خاک این کشور را ترک کنند.

برای آگاهی بیشتر از اینکه گامبیا چگونه کشوری است و در پاسخ به تخطئه برخی از نمایندگان محترم مجلس که به جای انجام مسولیت‌های خود در قبال کشور سعی در ماست مالی کردن این حادثه کردند و گفتند «اصلا ما در این کشور سفارت نداشتیم!» خاطرنشان می‌کنم که گامبیا همان کشور کوچکی در غرب آفریقاست که:

* آقای احمدی‌نژاد سال قبل طی سفری رسمی به بانجول گفته بود: مصمم هستیم در زمینه ارتقاء روابط با گامبیا گام‌های مستحکمی برداریم و در این راه هیچ عاملی نمی‌تواند ما را متوقف کند.
* اولین کشوری بود که از آقای احمدی نژاد به عنوان میهمان ویژه در اجلاس سران آفریقا در بانجول (۱۳۸۵) دعوت کرد.

۲. کمیته اجتماعی، بشردوستانه و فرهنگی مجمع عمومی سازمان ملل، قطعنامه‌ای با ۸۰ رأی موافق و ۴۴ رأی مخالف درباره وضعیت حقوق بشر و مسائل اجتماعی – انسانی ایران صادر کرد. ۵۷ کشور به این قطعنامه رأی ممتنع دادند.

خبرگزاری رسمی و منابع نزدیک به دولت کریمه با جمع زدن آراء مخالف و ممتنع نوشتند: «قطعنامه ضد ایرانی حقوق بشر علی‌رغم مخالفت ۱۰۱ کشور در سازمان ملل به تصویب رسید.» فارغ از اینکه این قطعنامه اهمیتی دارد یا نه، نکته مهم سرمایه‌گذاری سنگین دولت و دستگاه دیپلماسی و قضایی کشور برای شکست دادن این قطعنامه بود. برای اولین بار محمدجواد لاریجانی برای رایزنی با کشورهای مختلف به نیویورک اعزام شده بود، و هرچند مشاور امور بین الملل قوه قضائیه، آن را قطعنامه‌ای «سیاسی و ضد ایرانی» خواند که حاصل فشارهای غرب بوده و از ارزش چندانی برخوردار نیست، ولی خود می‌داند که برای عدم تصویب آن هر کاری که در توانش بود، انجام داد.

۳. یک هفته قبل از رأی‌گیری برای این قطعنامه، همه خبرگزاری‌های کوچک و بزرگ جهان خبری را به طور همزمان روی خروجی‌های خود آوردند: «تلاش ایران برای کسب یک کرسی در هیأت اجرایی زنان سازمان ملل متحد ناکام ماند.»

از حوزه آسیا ۱۰ کشور برای ۱۰ کرسی سهمیه قاره در هیأت اجرایی این نهاد داوطلب شده بودند که ایران نیز در زمره این کشورها بود و علی‌الظاهر باید بدون هیچ مانعی این کرسی مهم را به دست می‌آورد.

تردید نباید کرد که کسب این کرسی برای دولت دهم از اولویت‌های دیپلماتیک بود که در صورت تحقق، فریاد پیروزی آنان گوش فلک را کر می‌کرد. ولی مانند همیشه «استکبار جهانی» به مقابله با ایران برخاست و ضمن نارضایتی از راهیابی ایران به هیات اجرایی این نهاد بین‌المللی، از کشور «تیمور شرقی» خواست که خود را کاندیدا نماید و عجیب اینکه این کشور کوچک آسیایی با ۸ سال تاریخ از زمان استقلال (۲۰۰۲) و کمتر از یک میلیون جمعیت، با اختلافی چشمگیر (۳۶ رأی در مقابل ۱۹ رأی) ایران مدعی مدیریت جهان را شکست داد و به جای ایران به عضویت هیأت اجرایی زنان سازمان ملل انتخاب شد.

۴. در همان زمان که تیم اعزامی به سازمان ملل متحد از سرافکندگی شکست در مقابل تیمور شرقی روی بازگشت به وطن را نداشت، دولت چین که دارای روابط استراتژیکی با ایران است و رییس دولت هیچ فرصتی را برای تمجید از روابط عالی پکن – تهران از دست نمی‌دهد، به طوری که حتی برای افتتاح سالن ایران در نمایشگاه اکسپو ۲۰۱۰ شانگهای شخصا عازم آن کشور شد، در مراسم افتتاحیه بازی‌های آسیایی گوانگجو در مقابل دیدگان حیرت زده صدها میلیون بیننده در صفحات تلویزیون‌های خانگی و ده‌ها هزار حاضرین در سالن مراسم، نام مجعول خلیج فارس را به دنیا عرضه می‌کند و عجیب اینکه هیچ اتفاقی هم نمی‌افتد و در حالی که ورزشکاران ایرانی در پیروی از سیاست‌های کشور از رویارویی با ورزشکاران رژیم اشغالگر قدس سر باز زده و از کسب مدال‌های زرین – که آرزوی هر قهرمانی است که سال‌ها برای آن زحمت کشیده و تمرین‌های طاقت‌فرسا را به جان خریده – باز می‌مانند، ولی مسئولان و رؤسای ورزش کشور بی هیچ دغدغه‌ای در سالن نشسته و به تماشای مراسم افتتاحیه ادامه می‌دهند و آب هم از آب تکان نمی‌خورد.

۵. در ادامه افتخارات دولت در مدیریت جهان، اتفاق ساده دیگری نیز رقم می‌خورد. یونسکو که بارها رسانه‌های کشور از آن با عنوان «سازمان معتبر جهان» یاد کرده‌اند، با صدور اطلاعیه‌ای «به خاطر عدم احراز شرایط لازم برای سازماندهی موثر یک همایش مورد قبول سازمان ملل» حمایت خود را از برگزاری همایش بین‌المللی فلسفه در ایران پس می‌گیرد.

به راستی چه نهاد و سازمانی مسئول رسیدگی به این رسوایی‌های دیپلماتیک است؟ تنها یک مورد از این اتفاقات در هر کشوری کافی است تا وزیر امور خارجه را وادار به استعفا کند و رییس دولت را به مجلس بکشاند.

اما انگار بهتر است ما هم لب فرو ببندیم و بگذاریم آقایان احمدی‌نژاد و متکی همچنان در رویاهای خود از برنامه‌هایی که برای مدیریت جهانی دارند، سخن بگویند و آقای مشایی هم «تغییر در سیاست‌های اعلامی در دنیا» را با «روش مدیریتی دکتر احمدی‌نژاد و اندیشه‌ها و بیانات ایشان» اعلام نماید.

اخبار کوتاه

شکایت از محمدتقی رهبر به خاطر زدن اتهام رشوه‌گیری به قضات

جمعی از قضات تهران در شکوائیه‌ای به دادستان دادگاه ویژه روحانیت با ابراز نگرانی از طرح مسئله رشوه‌گیری قضات از سوی محمدتقی رهبر نماینده‌ی مردم اصفهان، خواستار پیگرد قانونی و قضایی این نماینده مجلس شده‌اند. محمدتقی رهبر مدعی شده بود که برخی از قضات در دادگاه‌های کشور رشوه دریافت می‌کنند.

بازداشت ساجده کیانوش‌راد و همسرش

گفته می‌شود در پی حضور ماموران امنیتی در منزل بعضی از جوانان اصلاح‌طلب، تعدادی بازداشت و تعدادی دیگر نیز به دادسرای اوین فراخوانده شده‌اند. نیروهای امنیتی همچنین با حضور در منزل دکتر کیانوش‌راد عضو شورای مرکزی جبهه مشارکت دختر ایشان ساجده کیانوش‌راد و بهروز شاهرخ‌نیا همسرش را دستگیر کردند.

خودکشی ایوب قنبرپوریان، زندانی گمنام حوادث بعد از انتخابات

جمعی از زندانیان سیاسی بند ۳۵۰ تاکنون چندین نامه به مسوولان قضایی نوشته و با توجه به وضع وخیم ایوب قنبرپوریان، خواستار آزادی هرچه سریع‌تر وی شده‌اند.آنها در نامه‌های خود تاکید کرده‌اند که ایوب از نظر جسمی و روحی به شدت بیمار شده است و هرچند هم بندانش تمام سعی خود را برای محافظت از وی به کار گرفته‌اند اما مراقبت از وی در ماه‌های اخیر خیلی دشوار شده و مسوولیت هرگونه اتفاقی با مسوولان قوه قضاییه ایران است.

پشت دیوارها با سیم‌های خاردار چه می‌گذرد؟

جمعی از خانواده‌های زندانیان سیاسی، با نگارش نامه‌ای به اعضای شورای شهر تهران، از آنان خواسته‌اند تا با استفاده از اختیارات قانونی خود، از محل‌های نگهداری زندانیان سیاسی بازدید کنند و با تحقیق در این‌باره به عنوان نمایندگان مردم، از شرایط زیست زندانیان و رفتار مسئولان زندان خانواده‌ها را مطلع سازند.

وزیر بهداشت: آتشفشان ایدز در راه است

وزیر بهداشت گفت: آنچه برای ما خطر جدی است مسائل مربوط به ارتباطات اخلاقی است که منجر به بیماری ایدز شده و پیش‌بینی می‌کنیم تعداد مبتلایان در چند سال آینده ۵ برابر شود.

تاج‌زاده: محسنی اژه‌ای خود متهم است

سید مصطفی تاجزاده در ملاقات کابینی با همسرش در واکنش به تکذیب رفتار بد با زندانیان گفت: توجه مردم را به درخواست تحقیق و تفحص زندانیان بند دوالف از مجلس جلب می‌کنم و نیز شکایتی که خودم از قرارگاه ثارالله سپاه به دلیل ضرب و شتم و فحاشی و تهدید و روش‌های غیرقانونی در بازجویی‌ها دارم و با توجه به این که اطلاع دارم علاوه بر من آقایان صفایی فراهانی، سلیمانی، عرب‌سرخی، زیدآبادی، سحرخیز، مهدی محمودیان، حمزه کرمی، عبدالله مؤمنی و دیگر عزیزان مورد شکنجه و آزار واقع شده‌اند، متعجبانه می‌خواهم بدانم اساساً مصادیق شکنجه از نظر آقای اژه‌ای چه هست؟! البته مسئولیت آقای اژه‌ای «دادستانی» است در حالی که خود «متهم» است.

بنی الاسلام علی الکلمتین
کلمة التوحید و توحید الکلمة
کلمه
WWW.KALEME.COM
روزنامه کلمه، پیش‌شمارهٔ بیست و پنجم
چهارشنبه، ۱۰ آذر ۱۳۸۹، شمارگان: ما بیشماریم

یادمان باشد که تا یکایک ما، خود را از آلودگی‌ها و نقایص اخلاقی پاک نسازیم، انتظار داشتن جامعه اخلاق‌بنیادی که در آن همه انسان‌ها بتوانند به قله‌های شکوفایی انسانی خود برسند، بیهوده است. و یادمان باشد که در این راه، شکست نیست، اما صبر و استقامت فراوان، و عدم ترس از پرونده‌سازی و سایر اقدامات سرکوبگرانه ضروری است. **میرحسین موسوی، پیام به مناسبت ماه دانشجو**

تاکید مادر داغدار سهراب اعرابی:

از خون سهراب می‌گذرم اگر زندانیان سیاسی را آزاد کنند

کلمه – خبرنگار گروه سیاسی: از آزادی به سهراب می‌رسم. خانه پر از سهراب است. از در و دیوارها، قاب عکس‌های روی میز تا سهرابی که با یک زنجیر روی قلب خانم فهیمی مادر سهراب است. گردن‌بندی با زنجیر طلا.

«پروین فهیمی» مادر سهراب اعرابی از شهدای پس از انتخابات ریاست جمهوری سال گذشته با گذشت یک سال و ۶ ماه از شهادت پسرش شکایتش در مورد معرفی قاتل فرزندش از سوی مسوولان بی‌پاسخ مانده، او خواستار معرفی قاتل سهراب است.

در گفت و گویی که کلمه با او دارد، می‌گوید: «نمی‌گذارم خون پسرم پایمال شود، حتی اگر من را بکشند، بالاتر از سیاهی رنگی نیست، بالاتر از مرگ هم چیزی نیست.»

خانم فهیمی تنها شرط گذشتن از خون پسرش را آزادی تمام زندانیان سیاسی می‌داند و در این مورد می‌گوید: «اگر همه زندانیان سیاسی را با اعلام برائت آزاد کنند از خون سهراب می‌گذرم، چون حداقل می‌دانم خون فرزندم باعث آزادی دیگران شده است. اما اگر قرار باشد که فرزندم را که کشته‌اند و زندانیان هم در زندان باشند از خون سهراب نمی‌گذرم و تا مشخص نشدن قاتلش ساکت نخواهم بود.»

– خانم فهیمی آخرین بار کی سهراب را دیدید؟

– چند شب پیش. به خوابم آمد. سرش رو روی سینه من بود. دستم را توی موهاش بردم و... مدت‌ها بود خوابش را ندیده بودم.

– چند وقت از شکایت شما به مسوولان می‌گذرد؟

– از ۲۵ خرداد ۸۸ که سهراب به خانه نیامد همان شب از تمام بیمارستان‌ها سراغ فرزندم را گرفتم. هر بیمارستانی که می‌رفتیم حدود ۴۵ زخمی داشتند که معلوم نیست سرانجام آن‌ها چه شد. بچه‌ام را پیدا نکردم، صبح روز بعد کلانتری محل رفتم و اعلام مفقودی کردم، تمام ادارات، دادگاه‌ها، پلیس امنیت، دادستانی و همه جا را گشتم که هر کدام حرف متفاوتی می‌زدند یکی می‌گفت در حال بازجویی است یا می‌گفتند اوین است و... این رفت و آمدهای ما ادامه داشت که نزدیک به یک ماه بعد روز ۲۰ تیر ماه که باز برای پیگیری رفته بودم آگاهی گفت شناسایی شده است. با این حال براساس نامه‌ای که پزشک قانونی به ما داده تاریخ شهادت ۲۹ خرداد قید شده است. ۸ روز بعد از آن شکایت کردم که تا الان هم جوابی نداده‌اند.

– چه مواردی در شکایت شما قید شده است؟

– باید بگویند اگر فرزند من ۲۵ خرداد شهید شده از تاریخ بیست و پنج ام تا ۲۹ خرداد که به پزشک قانونی تحویل شده بر او چه گذشته؟ باید به من پاسخ دهند انگیزه قتل فرزندم چه بوده؟ قاتل یا قاتلین و آمرین چه کسانی بودند؟ اسلحه به کار رفته چه بوده؟ حتی وسایل شخصی پسرم را به من ندادند. تا امروز هیچ جوابی به من ندادند. وکیل من همچنان پیگیر است.

– کسی از مسئولان به سراغ شما آمده‌اند؟

– از هلال احمر و استانداری بعد از شهادت سهراب آمدند. آمدند نمی‌دانیم دردی از ما دوا کنند یا دردی به دردهایمان اضافه کنند. آن‌ها که از استانداری آمده بودند گفتند از بین رفتن فرزندتان کار اغتشاشگران بود. گفتم پس همه مردم ایران اغتشاشگر هستند. بعد هم گفتند که «شما ۳ فرزند دیگر هم دارید» که به نوعی ما را تهدید کردند. در هر حال مساله ما دادخواهی است.

– اگر شکایت شما برای همیشه بی‌جواب بماند؟

– از مراجع بین‌المللی دادخواهی می‌کنم. باید تکلیف قاتل فرزندم مشخص شود. مگر آن که شرط من را برای آزادی تمام زندانیان سیاسی بپذیرند. البته باید بگویم شهدای روز ۲۵ خرداد سال گذشته تنها فرزند من نبود تعداد زیادی در این روز شهید شدند محرم چگینی، حسن پور، اشکان سهرابی، مسعود هاشم‌زاده، رامین رمضانی و بسیاری دیگر که هیچ نامی از آن ها نمی‌برند. برخی خانواده‌های آن‌ها را هم تهدید کرده‌اند که چیزی نگویند. البته هیچ یک از ما خانواده‌ها از خون فرزندانمان نمی‌گذریم و اگر در ایران جواب نگیریم از مراجع بین‌المللی پیگیر خواهیم شد.

دادخواهی خانواده زندانیان از علما

آیا علی(ع) با خانواده مخالفانش اینگونه برخورد می‌کرد؟

خانواده‌های زندانیان سیاسی در نامه‌ای سرگشاده خطاب به مراجع پیرامون برخوردهای اخیر دستگاه‌های امنیتی و اطلاعاتی با این خانواده‌ها و دیگر فعالان سیاسی، اجتماعی سخن گفتند.

در بخشی از این نامه آمده است: ما خانواده‌های زندانیان سیاسی پس از همه رنج‌هایی که براثر انواع تهمت‌ها، دروغ‌ها، تزویرها، نیرنگ‌ها و رفتار و گفتار منافقانه و تحقیرها که بر خود و عزیزانمان از طرف سردمداران خشونت و کینه‌توزی طی این یک سال و نیم تحمل کرده‌ایم، بسیار متأسفیم که می‌بینیم دایره این ایذاء و اذیت‌ها از خانواده‌های زندانیان سیاسی به فراتر از آن کشیده شده و مردان و زنان و جوانانی که وظیفه انسانی و شرعی خود را برای حمایت از خانواده‌های مظلوم حق‌طلبانی که تنها جرمشان نقد مشفقانه و اصلاح‌طلبانه بوده و هست، انجام می‌داده‌اند اینک در معرض هجوم و صدمات و لطمات جدی نیروهای امنیتی قرار گرفته‌اند.

خانواده زندانیان سیاسی در نامه خود آورده‌اند: آیا علی(ع) که هنوز شیرینی حکومت عادلانه‌اش در کام ایرانیان دوستدار عدل علوی باقی است، حقوق مخالفش را از بیت‌المال قطع می‌کرد و خانواده او را در تنگنا قرار می‌داد و انفاق‌کنندگان به آنان را مورد بازجویی و مذمت قرار می‌داد؟ چرا باید امروز مدعیان حکومت علوی خانواده‌های زندانیان سیاسی را در عسروحرج بگذارند و هرگونه کمک مادی و معنوی به ایشان را جرم تلقی کرده، مجرمین را تحت پیگرد و فشار قرار دهند؟ باید اذعان کنیم که شرفمندی و عزت نفس عزیزان ما و همه خانواده‌هایشان بسیار بیش از آن است که تمنای کمکی از کسی یا نهادی داشته باشند اما آیا این سیره حسنه رفع گرفتاری‌های خواهر و برادر دینی و هم‌نوعانی که اعضای یک پیکرند، در جایی نقض شده که نیروهای امنیتی نظام جمهوری اسلامی به دنبال خیرین با تقوا و با اخلاق می‌گردند تا عقوبتشان کنند؟

اخبار کوتاه

تعطیلی کلاس‌ها و حضور مأموران امنیتی در دانشگاه شهید بهشتی

تعداد زیادی نیروی امنیتی و اطلاعاتی در دانشگاه شهید بهشتی مستقر شده و تاکنون سی دانشجوی استاد ترور شده این دانشگاه پس از احضار، تحت بازجویی قرار گرفته‌اند. تمامی کلاس‌های دانشگاه‌های شهید بهشتی نیز تعطیل اعلام شده است.

بازداشت یکی از اعضای ستاد انتخاباتی میرحسین موسوی

وحید طلایی که در اردیبهشت‌ماه امسال هم برای حدود دو هفته بازداشت شده بود، بار دیگر در منزلش بازداشت شد.

به نظر می‌رسد دور جدیدی از فشارها بر فعالان ستادهای انتخاباتی میرحسین موسوی به صورت بازداشت یا احضار آغاز شده است.

فیلتر سایت جدید آیت‌الله منتظری

در آستانه سالگرد درگذشت مرحوم آیت الله العظمی منتظری دومین وب‌سایت دفتر ایشان نیز مشمول فیلترینگ و خروج از دسترس کاربران داخل کشور شد.

عدم پذیرش وکالتنامه وکیل سالمندترین زندانی سیاسی

در آستانه برگزاری دادگاه دکتر ابراهیم یزدی سالمندترین زندانی سیاسی در شانزدهم آذرماه، قاضی صلواتی از پذیرش وکیل این پرونده خودداری کرد.

نادران: افزایش اختیارات احمدی‌نژاد نظرشخصی آقای جنتی است

به دنبال اختلاف نظر مجلس و شورای نگهبان بر سر پیشنهادات کار گروه مشترک، الیاس نادران، نماینده تهران گفت: این نظر شخصی جنتی است و نظر تفسیری شورای نگهبان در دهه ۶۰ مضبوط است.

دیدار جمعی از دانشجویان با خانواده مجید توکلی

جمعی از اعضای شورای عمومی انجمن اسلامی دانشگاه صنعتی امیرکبیر به همراه فعالان دانشجویی در آستانه ۱۶ آذر با خانواده مجید توکلی، دانشجوی دربند این دانشگاه دیدار کردند.

ضرر و زیان هر روز تعطیلی در تهران ۳۵۰ میلیارد تومان است

در پی اعلام تعطیلی‌های مکرر پایتخت توسط هیئت دولت، رییس فراکسیون محیط زیست مجلس گفت: «ضرر و زیان هر روز تعطیلی در تهران، حدود ۳۵۰ میلیارد تومان است.»

مسکن مهر، وعده‌ای که عملی نشد

طرح مسکن مهر از خرداد ماه ۱۳۸۶ به مورد اجرا گذاشته شده و قرار بود در پایان پاییز امسال ۱۴۰ هزار واحد مسکونی به بهره‌برداری برسد. اما تاخیرها، تحقق این وعده را با اما و اگر جدی مواجه کرده.

بنی الاسلام علی الکلمتین
کلمة التوحید و توحید الکلمة

کلمه

WWW.KALEME.COM

روزنامه کلمه، پیش‌شمارهٔ بیست و ششم
شنبه، ۱۳ آذر ۱۳۸۹، شمارگان: ما بیشماریم

هیچ کس را نمی‌توان دستگیر کرد مگر به حکم و ترتیبی که قانون معین می‌کند. در صورت بازداشت، موضوع اتهام باید با ذکر دلایل بلافاصله کتباً به متهم ابلاغ و تفهیم شود و حداکثر ظرف مدت ۲۴ ساعت پرونده مقدماتی به مراجع صالحه قضایی ارسال و مقدمات محاکمه در اسرع وقت فراهم گردد. متخلف از این اصل طبق قانون مجازات می‌شود. **اصل ۳۲ قانون اساسی**

نامه جمعی از زندانیان سیاسی به هاشمی رفسنجانی

تهمت‌های دروغ؛ سکه رایج امروز دستگاه قضا

«امروز هیچ نشانی از ارزشهای انقلاب و قانون اساسی منبعث از آن در شیوه برخورد با فعالان سیاسی وجود ندارد. تهمت‌های دروغین اغتشاش‌گری، اخلال در نظم عمومی و امنیت ملی و ارتباط با بیگانه سکه رایج در دستگاه قضا شده است. سایه سنگین سازمان‌های امنیتی و اطلاعاتی نشانی از عدالت و استقلال قضایی و قانون‌مداری در فرایند دستگیری‌ها، بازجویی‌ها و محاکمات این فعالان سیاسی باقی نگذاشته است. نصیحت‌الملوک، جرم امنیتی تعریف شده و راه بر یکه‌تازی اصحاب‌الملوک گشوده است.»

این بخشی از نامه زندانیان سیاسی پس از انتخابات است که قربانی دخالت نظامیان و تسویه حساب‌های جناحی شده‌اند و حالا در زندان به سر می‌برند. مخاطب این نامه اکبر هاشمی رفسنجانی است که رییس دو نهاد مهم حکومتی است. رونوشت آن هم برای روسای قوای مقننه و قضاییه فرستاده شده است.

این زندانیان که امضای خود را هم در پای نامه زده‌اند خطاب به هاشمی رفسنجانی نوشته‌اند: وضعیت زندانیان سیاسی حوادث پس از انتخابات ریاست جمهوری در حالی کاملا قابل مقایسه با وضعیت زندانیان سیاسی در زندان‌های رژیم شاه شده است که هیچ شباهتی میان فعالیت‌های این زندانیان و زندانیان پیش از انقلاب اسلامی وجود ندارد. اگر شما و یاران مبارزتان در معرض اتهام براندازی بوده‌اید تمامی زندانیان سیاسی حوادث پس ار انتخابات در زمره دلسوزان جامعه و مصلحان پایبند به قانون اساسی هستند که حداکثر جرم آنان انتقاد به عملکرد دولت و برخی ار نهادهای دیگر بوده است که این وضع موجبات ظلمی مضاعف را فراهم آورده است.

در حالی که شما و هم رزمانتان در چارچوب اتهام براندازی تحت فشار و زندان و شکنجه قرار گرفته‌اید تا حقایق مرتبط با مبارزانتان علیه رژیم را فاش کنید، زندانیان سیاسی در دوره کنونی تحت فشار و ارعاب و شکنجه قرار گرفته‌اند تا به جای گفتن حقیقت به مطالب دروغین مورد نظر بازجویان اعتراف کنند. در تشکیل پرونده‌ها طی فرایند رسیدگی در دادگاه انقلاب نه تنها از رعایت قوانین و حقوق دادرسی اثری نبوده بلکه پرونده‌ها غالبا بر اساس نظر و خواست ماموربن امنیتی شکل می‌گیرد. در مواردی متهمان وادار به اعتراف به گناه ناکرده شده‌اند و این اعتراف پایه اعمال فشار علیه آنان حتی برای اعتراف علیه دیگر متهمان شده است. ماموربن امنیتی از هیچ روش ناشایستی برای گرفتن اقرار کذب به نفع سناریوی تخیلی خود پرهیز نکرده‌اند، به درون زندگی خصوصی همه متهمان و خویشاوندان و مرتبطین آنان سرکشیده‌اند، حریم‌های شرعی و اخلاقی را شکسته‌اند و در صورت یافتن هر بهانه و نقطه ضعف شخصی و غیر مرتبط با پرونده از آن برای تطمیع متهمان و وادار کردن آنها به اعتراف بهره جسته‌اند. در عین حال سرنوشت آنان که مقاومت کرده و تن به این خواسته غیرقانونی بازجویان نداده‌اند نیز تفاوتی نکرده است. رابطه‌ای میان احکام صادره در دادگاه‌ها و محتوای پرونده‌ها وجود ندارد. احکام صادره، میزان و نوع مجازات‌ها ظاهرا توسط ماموران امنیتی بر اساس باورها و علایق خودشان تنظیم و به قضات دادگاه‌های انقلاب ابلاغ شده است. مطالعه احکام عجیب و غریب صادره توسط این دادگاه‌ها و انطباق آنها با محتوای پرونده‌ها به خوبی نشان دهنده «سوء استفاده از قانون» توسط مجریان امر با هدف حذف رقیبان سیاسی است.

متن کامل نامه و نام امضاکنندگان نامه را در سایت کلمه بخوانید.

پدر مهدی محمودیان:
برخی لیاقت شنیدن صدای ملت را ندارند

جرس: مهدی محمودیان پس از انتخابات ریاست جمهوری سال گذشته به روشنگری درباره زندانیان کهریزک، کشته‌شدگان حوادث انتخابات و گورهای بدون نام در بهشت‌زهرا پرداخت و اواخر شهریور ۸۸ دستگیر شد. در شرح آنچه بر این فعال اصلاح‌طلب در زندان و دوران بازداشت گذشته پدر محمودیان می‌گوید:

من خودم وقتی نامه مهدی به دادستان را خواندم از خودم به عنوان یک مسلمان خجالت کشیدم که در حکومتی که نام اسلام را بر خود گذاشته است با بچه‌های مسلمانمان اینگونه رفتار می‌شود. بچه من دو ماه زندگی و کارش را برای برگزاری انتخابات همین حکومت بدون هیچ‌گونه چشمداشتی گذاشت. حتی مورد اعتراض ما هم قرار می‌گرفت و نتیجه‌اش این بود که شش ماه حتی نگذاشتند دختر هفت ساله‌اش را که در آستانه مدرسه رفتن بود ببیند.

پدر مهدی ادامه می‌دهد: در زمان بازداشت در زندان وزارت اطلاعات در شب‌های سرد زمستان پسرم را بدون لباس ساعت‌ها در هوای باز و زیر باران رها کرده بودند و تا یک ماه بعد در حالیکه به شدت سرما خورده بوده بدون هیچ‌گونه اقدام درمانی او را رها می‌کنند. این اقدام آنها به گفته پزشکان زندان اوین منجر به منتژیت و عفونت ریه می‌شود که بعد از آن هم حتی از دادن دارو به وی خودداری می‌شود. البته پس از انتقال مهدی به زندان رجایی‌شهر و پس از پیگیری‌های زیاد مادرش، پزشکی قانونی وی را معاینه کرده و اعلام کرده است که حجم ریه مهدی کاهش پیدا کرده است.

محمودیان تاکید می‌کند: برخی مسئولان لیاقت شنیدن صدای ملت ایران را ندارند و تنها وقتی خارجی‌ها چیزی بگویند می‌شنوند. اما امیدوارم روزی که صدای ملت ایران شنیده می‌شود روزی نباشد که نه از تاک نشان باشد و نه از تاکنشان. ما حرف‌های خود و خواستهایمان را از همان خدایی می‌خواهیم که مهدی را به ما داده است. مطمئن هستم به امید همان خدا روزی نه چندان دور تمام کسانی که بدون دلیل در زندان هستند بر دوش ملت ایران به خانه‌هایشان برمی‌گردند. کما اینکه تمام آنها فرزندان همه ملت ایران هستند. لذا دلیلی ندارد در این مورد با مسئولان صحبت کنیم. سخنانم را با مردم ایران می‌گویم.

پدر محمودیان در پایان گفت: درخواستی از مسئولان مربوطه دارم و آن هم این است که متاسفانه پس از هر بار مصاحبه مادرش یا من، ماموران با همسر سابق مهدی تماس می‌گیرند و او را تحت فشار قرار می دهند که این فشارها به زینب دختر ۸ ساله مهدی منتقل می‌شود امیدوارم این بار این اتفاق نیفتد.

آقای لاریجانی! درباره مصداق منافق با خود صادق باشید

«جواد لاریجانی اخیرا با بیان اینکه باید از صحنه سیاسی کشور نفاق را از میان برداشت، گفت: نفاق این است که بگوییم قانون اساسی را قبول داریم ولی به آن عمل نکنیم. مشاور رئیس قوه قضائیه اظهار داشت: موضوع کهریزک در همه جا مطرح شد اما کسی به این مهم توجه نشان نداد که بازداشت شدگان کهریزک به استقلال و حیثیت نظام حمله کردند. وی خاطر نشان کرد: متأسفانه مجلس نیز در ابتدا گول خورد و هیچ شخصی بیان نکرد که بازداشت شدگان کهریزک و امثال کوی دانشگاه و کوی سیحان به استقلال نظام حمله کردند»

این سخنان دردآور از کسی نقل می‌شود که مشاور رئیس قوه‌قضائیه است و در این قوه صاحب منصب بوده و هست، قوهٔ قضائیه‌ای که فلسفه وجودی‌اش دفاع از حقوق ملت است. همچنین ایشان دبیر ستاد حقوق بشر کشور است که وظیفه‌اش صیانت از حقوق بشر است.

جناب آقای لاریجانی! شما که شعار قانون اساسی را می‌دهید آیا همین سخنان شما مطابق قانون اساسی است؟ جرم کسانی که به کهریزک برده شدند این بود که در راهپیمایی شرکت کردند و اصل بیست و هفتم قانون اساسی می‌گوید: «تشکیل اجتماعات و راهپیمایی‌ها، بدون حمل سلاح، به شرط آنکه مخل به مبانی اسلام نباشد آزاد است» و در اصل نهم قانون اساسی آمده است: «هیچ مقامی حق ندارد به نام حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور آزادی‌های مشروع را، هر چند با وضع قوانین و مقررات، سلب کند».

به فرض که از این دو اصل دست برداریم و بگوییم قانون عادی می‌گوید که راهپیمایی مجوز می‌خواهد، شما که در قوه‌قضائیه مسئولیت دارید و مدافع دولت هستید و در مجامع بین‌المللی دم از رعایت کامل حقوق بشر در کشور می‌زنید، باید برای صدور مجوز راهپیمایی برای مخالفان تلاش کنید. ممکن است بگویید در این جهت چقدر کوشیده‌اید؟

جناب آقای لاریجانی! اصل سی و ششم قانون اساسی می‌گوید: «اصل، برائت است و هیچ کس از نظر قانون مجرم شناخته نمی‌شود، مگر اینکه جرم او در دادگاه صالح ثابت گردد» شما که جرم بازداشت شدگان کهریزک را اعلام می‌کنید، بگویید جرم آنان در کدام دادگاه صالحی ثابت گردیده است؟

از همه اینها که بگذریم، شما که معترضید که چرا مجلس شورا تخلفات را پی‌گیری کرده، فرض کنید حق با شما باشد و بازداشت‌شدگان مجرم باشند. آیا مجرمی که بازداشت شده حقوقی ندارد. آیا می‌توان به او اهانت کرد؟ آیا می‌توان او را مورد ضرب و شتم قرار داد؟ آیا بدون حکم دادگاه صالح می‌توان کسی را مجازات کرد؟ جناب آقای مشاور! این اصل سی و ششم قانون اساسی است: «حکم به مجازات و اجرای آن باید تنها از طریق دادگاه صالح و به موجب قانون باشد» و اصل سی و نهم می‌گوید: «هتک حرمت و حیثیت کسی که به حکم قانون دستگیر، بازداشت، زندانی یا تبعید شده، به هر صورت که باشد ممنوع و موجب مجازات است»

جناب آقای لاریجانی! فرزندان این ملت به فجیع‌ترین صورت مورد ضرب و شتم و اهانت قرار گرفته و پریر شده‌اند. اصول قانون اساسی آشکارا زیر پا گذاشته شده. منافق کیست؟ چه کسی دم از قانون اساسی می‌زند و در عمل به آن پایبند نیست؟ چه کسی زیر پا گذاشتن آشکار قانون را توجیه می‌کند؟ شما یا مخالفان شما؟

خداوند تعالی می‌فرماید: «تلک حدود الله فلاتعتدوها و من یتعد حدود الله فاولئک هم الظالمون» اینها حدود خداست، از آنها تجاوز نکنید و کسانی که از حدود خدا فراتر روند، آنان همان ستمکارانند *(بقره/۲۲۹)*.

امام باقر(ع) درباره این آیه می‌فرماید: «خداوند بر زناکار خشم گرفت و برای او یکصد تازیانه قرار داد. پس هر کس نسبت به او خشم گیرد و بر این حد بیفزاید من از او بیزاری می‌جویم» *(وسائل، ج۱۸ ص۳۱۳)*. امام باقر(ع) می‌فرماید که امام علی(ع) به قنبر دستور داد مردی را حد بزند. قنبر از روی عصبانیت سه تازیانه بیشتر زد. علی(ع) قنبر را با سه تازیانه قصاص کرد» *(همان، ص۳۱۲)*.

بنابراین حتی کسی که مجرم است فقط همان مجازاتی را تحمل می‌کند که شرع و قانون تعیین کرده و دیگران حتی حق ندارند نسبت به او خشم بگیرند و مجازات او را بیفزایند کوچک‌ترین بی‌احترامی به مجرم، تا چه رسد به متهم و یا بی‌گناهی که به ناحق دستگیر شده، حرام است.

آری آقای لاریجانی! نفاق این است که بگوییم قانون اساسی را قبول داریم اما به آن عمل نکنیم... .

اخبار کوتاه

نگرانی معلولان از هدفمند شدن یارانه‌ها

یکی از نگرانی‌های جامعه معلولان کشور قبل از قانونمندشدن طرح هدفمند کردن یارانه‌ها، حذف یارانه کالاهای اساسی با وجود مستمری‌های ناچیز بهزیستی و اوضاع نابسامان اشتغال بوده که در حال حاضر با وجود قانونی شدن این طرح، نگرانی‌های خود را از طریق انجمن‌ها به گوش مسئولان رسانده و خواستار پیگیری موضوع هستند.

بودجه سال ۹۰، در تحریم خبری به‌سر می‌برد

لایحه بودجه سال آینده، به‌شدت در تحریم خبری به‌سر می‌برد. در حالی که پیش از این اعلام شده بود به زودی طی نشستی خبری اطلاعات مربوط به بودجه ۹۰ اعلام خواهد شد، اما با وجود نزدیکی به پایان زمان قانونی ارائه لایحه بودجه، این کار تا کنون انجام نشده است.

تماس تلفنی سردار مقدم، پس از سه هفته بی‌خبری

سردار دفاع مقدس محمد عزلتی مقدم که به جرم دوستی با میرحسین و دیدار با او زندانی شده پس از سه هفته بی‌خبری، با خانواده خود تماس تلفنی برقرار کرد. سردار مقدم در این تماس کوتاه چند دقیقه‌ای تنها اجازه یافت از حال خویش به خانواده‌اش خبر دهد و اجازه ارائه اطلاعاتی از محل بازداشتش و وضعیت پرونده‌اش به خانواده را نیافت.

حمله به دفتر انجمن اسلامی دانشکده اقتصاد و علوم اجتماعی دانشگاه چمران اهواز

معاون و چند تن از ماموران حراست دانشگاه شهید چمران اهواز با شکستن قفل درب انجمن اسلامی دانشکده اقتصاد و علوم اجتماعی، به این دفتر وارد شده و اقدام به تفتیش و تخریب اموال آن کردند. ماموربن حراست پس از تفتیش فایل‌ها، کمدها و کامپیوترهای انجمن اسلامی دانشکده اقتصاد و علوم اجتماعی را تخریب کردند.

انتقاد کارگران شرکت نیشکر هفت تپه از حکم زندان برای فعالان کارگری

اتهام نشر اکاذیب در حالی برای رضا رخشان حکم زندان را به همراه داشت که پیش از آن اعضاء هیأت مدیره سندیکا و خانواده‌های آنان در نامه مشترکی به دادگاه تجدید نظر کلیه اقدامات مورد اتهام رضا رخشان را در چارچوب وظایف سندیکائی وی دانسته و تأکید کرده بودند که هیچکدام از آن اقدامات و همچنین نوشته رضا رخشان تحت عنوان «ما یک خانواده هستیم» که امروز برای ایشان سند جرم به حساب می‌آید، اقدام فردی وی نبوده و ایشان هیچگونه مسئولیت فردی در قبال این اقدامات ندارند.

بسیاری از مردم در جریان حقایق مربوط به زندانیان سیاسی نیستند. امروز یک نفر را با کلمه آشنا کنید.

بنی الاسلام علی الکلمتین
کلمة التوحید و توحید الکلمة

کلمه

WWW.KALEME.COM

روزنامه کلمه، پیش‌شمارهٔ بیست و هفتم
دوشنبه، ۱۵ آذر ۱۳۸۹، شمارگان: ما بیشماریم

چه کسی است که نداند سه میلیون دانشجوی آگاه کشور بزرگترین سرمایه جنبش سبز است؟
جنبشی که همراهان آن بی‌شمارند و هریک به نوعی رهبر این جریان عظیم مردمی هستند.

از پیام میرحسین موسوی به مناسبت ماه آذر، ماه دانشجو

سرمقاله

چرا حسین کشتی نجات است؟

کاروان حسین(ع) به مقصد کربلا در حرکت است و محرم باز از راه می‌رسد. با همهٔ زیبائی‌ها و پیغام‌های تاریخ سازش، آنطوریکه زینب قهرمان، در برابر گزافه‌گویی و طعنه و طنز حاکمان غاصب و ظالم، قدرتمندانه ایستاد و زبان به خطبه و سخن گشود که «ما رَأیتُ الا جَمیلا»!

محرم از راه رسید با همهٔ درس‌های اخلاقی و انسانی‌اش! صحنهٔ نبرد میان قلم و شمشیر! و عیان شدن سُستی منطق خشونت و خونریزی در برابر منطق سخن و قلم و اخلاق و آزادگی!

مگر حسین چه می‌خواست و چه می‌گفت؟ جز حُرمت آزادی نوع بشر؟ جز مخالفت با خودرأیی و احترام به نظر و خواست مردم؟! جز دینداری و آزادگی و پرهیز از ظلم به بندگان خدا؟

حسین چه می‌خواست جز دعوت به مدارا و مهربانی؟ جز صداقت و جز اصلاح‌طلبی؟ و مگر حسین(ع) نگفت که حرکت نکردم جُز برای اصلاح دینِ جَدّم.

ندای حسین چه بود؟ جز ارزش‌گذاری به حقوق انسان و اهمیت و اعتنا به دعوت مردم، آنجائی که کوفیان داوطلبانه دعوتش کردند به رهبری ادارهٔ جامعه اسلامی؟

امام معصوم حتی اجبار را از گردن پیروانش به کناری زده و حجت را از گردن همراهانش برداشته و از آنان می‌خواهد که خود راه خود را انتخاب کنند بی‌آنکه اختیار از آنان بِستاند و اجباری بر گردن آنان نَهد!

حسین با چه مخالفت می‌کرد جز مخالفت با تحمیل عقیده و حکمرانی ظالمانه بر مردم!؟ و بر چه تاکید می‌کرد جُز بر تکریم اخلاق و رعایت حقوق انسانی و دین.

ان الحسین مصباح الهدی و سفینه نجاه. حسین چرا چراغ هدایت و کشتی نجات بود؟ چون شمشیر به دست گرفت؟ یا چون تلاش کرد تا مانع از خون‌ریزی شود. چون مخالفت با حکومت جائر کرد یا چونکه اصرار بر بدست آوردن قدرت می‌کرد؟ یا اینکه هیچ زمان دم از حکومت نزد تا مادامی که مردم از او دعوت کردند؟

و نهایت اینکه؛ تا تاریخ، تاریخ است، راه و نام حسین(ع) چونان الگویی برای بشریت و هستی زنده ماند و اما، نام دشمنان او و مردم چه؟

اخبار کوتاه

احمد خاتمی: هنر مداحان گره زدن فتنه یزیدی با فتنه ۸۸ است!

در حالی که کودتای خونین ۲۲ خرداد ۸۸ ، اعتبار اخلاقی و اعتقادی خشونت‌طلبان را ساقط کرد و آنها با مشکل مشروعیت مواجه هستند، احمد خاتمی همچون شیوه ابن زیاد دست به دامن مکرهای عوامفریبانه مداحان حامی و مروج خشونت شده است. احمد خاتمی گفته است: گره دادن دیروز و امروز هنر بزرگ مداحی است و مداحان باید فتنه یزیدی را با فتنه اخیر گره بزنند.

آذر این سال‌ها سبز است؛ سبز یعنی صبر و استقامت، مدارا و حق‌گویی

سازمان دانش آموختگان ایران (ادوار تحکیم وحدت) به مناسبت فرارسیدن ۱۶ آذر روز دانشجو، با صدور بیانیه‌ای از دانشجویان دربند نام برده است و تاکید کرده که: آذر این سال‌ها دیگر سرخ نیست. آذر این سال‌ها دوشادوش متولیانش رشد یافته و آبدیده شده است. آذر این سال‌ها سبزشده و جوانه آگاهی سرتاسر وجودش را سبزینه نموده است. سبز یعنی تحمل، آگاهی، صبر، استقامت، نسنوهی و بخشش. یعنی مدارا، یعنی حق‌گویی یعنی حقیقت‌جویی و یعنی خواستن روزگار نیک و شرافتمندانه برای هر کس و همه کس و جنبش دانشجویی امروز حاملان اصلی تمامی این مفاهیم والا و زیباست.»

داریوش قنبری: تک‌صدایی با ذات دانشگاه در تناقض است

داریوش قنبری در آستانه روز دانشجو، خاطر نشان کرد: کسانی که سعی دارند دانشگاه را به سمت تک صدایی سوق دهند کاملا در اشتباه هستند چون اساسا این مسئله با ذات دانشگاه در تناقض است.

پیام کروبی خطاب به دانشجویان:

روزی همین نزدیکی‌ها کشور از آن شماست

مهدی کروبی بیانیه‌ای به مناسبت روز دانشجو صادر کرده است. قسمت‌هایی از این بیانیه را در زیر می‌خوانید:

دانشجویان پیش از انقلاب پیشتاز مبارزه با رژیم طاغوت بودند و نقش مهمی در تحولاتی که منجر به انقلاب اسلامی شد، ایفا کردند. پس از انقلاب نیز دانشجویان پرچم آزادی‌خواهی را رها نکردند و همواره چشم بیدار و پاسداران آزادی، استقلال ایران و مدافعان آرمان‌های اصیل انقلاب اسلامی بودند.

در دوران پس از انتخابات ریاست جمهوری سال گذشته نیز که تمامیت‌خواهان از طریق مهندسی انتخابات، به زعم خود کشور را در اختیار گرفتند!، با واکنش جدی مردم مواجه شدند که به اعتراضات گسترده و تشکیل جنبش بزرگ اعتراضی مردم ایران منجر شد و جامعه دانشگاهی همیشه سرافراز ایران بار دیگر نقش برجسته‌ای را در مقاومت مقابل انحصارطلبان و ایثار و تلاش در راه بازگرداندن حق قانونی و شرعی ملت ایفاء کرد.

عوامل مهندسی کردن انتخابات، از آنجا که خود به درستی می‌دانند، دانشگاه مبدا تحولات است، به جان علم و دانش افتاده‌اند تا مگر دانشجویان و دانشگاهیان را از آموختن و پرسشگری باز دارند. اساتید محترم که سرمایه‌های عظیم کشور هستند نیز مورد تهاجم این دگماتیست‌ها قرار گرفتند. تعدادی از آنها را به زندان افکندند و جمع کثیر دیگری نیز تنها به دلیل انتقاد و پرسشگری از دولتمردان، از دانشگاه‌ها اخراج و یا به اجبار بازنشسته شدند.

اکنون که به روز دانشجو نزدیک می‌شویم، متاسفانه تعداد زیادی از فعالان دانشجویی در عین بی‌گناهی و تنها به جرم انتقاد و برای اینکه در مقابل قانون‌شکنی و دروغ ایستاده‌اند و آن را نفی کرده‌اند، در شرایط دشواری به سر می‌برند. عده‌ای زندانی، عده‌ای زندانی تبعیدی و بسیاری از حق مسلم تحصیل محروم شده‌اند. اما دانشجویان همواره نشان داده‌اند که در شرایط دشوار همیشه پایداری و مقاومت ورزیده‌اند.

تجربه نشان داده که فضای ترس و خفقان باقی نخواهد ماند. دروغ، تزویر و ریا هیچگاه پایدار نیست. لذا باید حضور خود را در صحنه حفظ کرد، چرا که خار چشم بدخواهان ملت ایران، حضور در صحنه است.

ستاره‌دار کردن دانشجویان که در دولت نهم و دهم تداوم و تشدید یافت. فرزندان من بدانید تحصیل حق مسلم شماست و این رویهٔ غلط پایدار نخواهد ماند.

امروز ما نیازمند آگاهی بخشی برای عموم مردم ایران هستیم. لذا در شرایطی که جامعه ما نیاز به روشنگری و آگاهی‌بخشی هرچه بیشتر و تبیین راهبردهای اصلاح‌طلبانه برای عموم شهروندان دارد و همانطور که بنیانگذار فقید آن امام خمینی یکی از وظایف دانشگاهیان را آگاه‌سازی ملت می‌داند، شما جوانان و دانشجویان و دانشگاهیان باید مانند همیشه با توکل به خدا، این مسوولیت را به گستره کشور و در جای جای نقاط ایران بسط و گسترش دهید.

تجمع بزرگ دانشجویان در دانشگاه تهران

تجمع بزرگ دانشجویان و استادان دو دانشگاه تهران و علوم پزشکی تهران، با سخنرانی مجید انصاری، الهه کولایی، محسن رهامی و غلامرضا ظریفیان در سالن دانشکده فنی دانشگاه تهران برگزار خواهد شد. قرار بود سیدمحمد خاتمی در این مراسم در جمع دانشجویان سخنرانی کند، که با مخالفت مسئولان دانشگاه تهران روبه‌رو شد.

بی‌حرمتی به موسوی، خاتمی و کروبی، واکنش شدید دانشجویان را در پی خواهد داشت

انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه تهران و علوم پزشکی تهران در واکنش به تحرکات اخیر بسیج دانشجویی برای اتهام‌زنی به موسوی، خاتمی و کروبی تحت عنوان تهیه کیفرخواست، به مسئولان دانشگاه تهران هشدار داد که این اقدامات معنایی جز زمینه‌چینی برای برهم زدن نظم دانشگاه ندارد. این تشکل بزرگ دانشجویی همچنین تصریح کرده که واکنش دانشجویان به چنین اقدامی، شدید خواهد بود.

اخبار کوتاه

آزار و اذیت مجید دری، فعال دانشجویی در زندان بهبهان

براساس گزارش‌های رسیده از زندان بهبهان، در این زندان تعدادی از زندانبانان با تحریک و حمایت یکی از مسوولان زندان (م . آ) سعی در آزار و اذیت مجید دارند و افرادی را برای کنترل لحظه به لحظه فعالیت‌های او در زندان اجیر کرده‌اند.

لیلا توسلی، به زندان اوین بازگردانده شد

لیلا توسلی، شاعد عینی حوادث عاشورای سال گذشته در میدان ولیعصر که به دلیل اعلام شهادت در مورد زیرگرفته شدن یکی از شهروندان معترض توسط خودروی نیروی انتظامی به دو سال زندان محکوم شده بود، به زندان بازگردانده شد.

عمل جراحی عیسی سحرخیز در زندان رجایی‌شهر

عیسی سحر خیز به دنبال خونریزی داخلی روز گذشته در بهداری زندان رجایی‌شهر تحت عمل جراحی قرار گرفت و شرایط جسمی وی مساعد گزارش شده است.

بازداشت برادر رییس سابق زندان اوین به اتهام توزیع مواد مخدر در زندان

برادر فرج‌الله صداقت، رییس سابق زندان اوین، به جرم قاچاق و توزیع مواد مخدر در زندان اوین بازداشت شد. چند ماه پیش کلمه، براساس گزارش‌های رسیده از داخل اوین، فاش کرده بود که مواد مخدر توسط زندانیان عادی به بند ۳۵۰ اوین راه پیدا می‌کند.

مادر کوهیار گودرزی: کجای دنیا، با امنیتی نامیدن زندانی سیاسی، او را از حقوق خود محروم می‌کنند؟

مادر کوهیار گودرزی گفت: کجای دنیا جز اینجا یک کلمه امنیتی روی زندانی سیاسی می‌گذارند و او را از طبیعی‌ترین حقوق محروم می‌کنند؟ فرزند من به خاطر اینکه در مقابل آقای لاریجانی یک گزارش داده است باید از دانشگاه اخراج شود و به جای نشستن سر کلاس درس در زندان اوین و رجایی‌شهر روزگار بگذراند.

فعالیت مجدد گروه رسا (راه سبز امید) با حضور گروهی از دانشجویان دانشگاه آزاد

گروه از دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی با تشکیل گروهی با عنوان رسا (راه سبز امید) ضمن اعلام از سرگیری فعالیت‌های خود، وعده داده‌اند که از این هفته، هر چهارشنبه یک شماره از نشریه خود را در اینترنت منتشر کنند.

گرانی به پیشواز هدفمندی رفت: ادامه افزایش نرخ تورم در آبان ماه

شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی در مناطق شهری ایران در آبان ماه ۱۳۸۹ نسبت به ماه قبل ۱/۱ درصد افزایش یافت. در مقایسه با ماه مشابه سال قبل، شاخص مذکور ۱۲/۵ درصد رشد داشته است. بانک مرکزی نرخ تورم در دوازده ماهه منتهی به آبان ماه امسال را ۹/۷ درصد اعلام کرد که نسبت به مدت مشابه در مهرماه ۰/۵ درصد افزایش نشان می‌دهد.

دولت به جای تعطیل کردن تهران، بودجه قانونی مترو را بپردازد

حسن غفوری‌فرد، با اشاره به‌اینکه حمل و نقل عمومی در جابجایی شهروندان نقش بسیار مهمی دارد، گفت: «اگر بودجه‌ای که مجلس برای توسعه مترو در نظر گرفته به شهرداری تهران پرداخت می‌شد مشکلات متروی تهران تا حدود بسیار زیادی حل می‌شد، چرا که در حال حاضر بسیاری از تجهیزات و ملزومات مورد نیاز مترو در گمرک به دلیل نبود بودجه ترخیص نمی‌شود.»

بسیاری از مردم در جریان حقایق مربوط به زندانیان سیاسی نیستند. امروز یک نفر را با کلمه آشنا کنید.

روزنامه کلمه، پیش‌شمارهٔ بیست و هشتم
چهارشنبه، ۱۷ آذر ۱۳۸۹، شمارگان: ما بیشماریم

بنی الاسلام علی الکلمتین
کلمة التوحید و توحید الکلمة

کلمه
WWW.KALEME.COM

مستبدین در جهت کسب پیروزی با حاکمیت ترس، از همان روشی استفاده می‌کنند که فرعون و همه فرعونیان بهره بردند. قرار دادن مردم در مقابل هم و سرانجام رنگ قدسی بخشیدن به قدرت...
میرحسین موسوی، پیام به مناسبت ماه دانشجو

سرمقاله

آقای احمد خاتمی! دست از سر کربلا بردارید

آقای احمد خاتمی، امام جمعه موقت تهران، گفته که «گره زدن دیروز و امروز هنر بزرگ مداحی است و مداحان فتنه یزیدی را با فتنه سال ۸۸ گره بزنند.»

شبیه سازی تاریخی همیشه که قرار نیست جواب دلبخواه بدهد. ریسک بزرگی است؛ شاید مخاطب بخواهد تامل خاصی بکند، آن وقت ممکن است جای حسینی و یزیدی را درست تشخیص ندهد! شاید بخواهد ابزار زر و زور و تزویر و بهانه مظلومیت سال شصت و یک هجری یک منازعه پُرخون را مقایسه کند با شرایط و توانمندی‌های امروز طرفین یک دعوا؛ دعوایی سر سلامت یک انتخابات و چه بسا آن چنان که می‌گویند یک «فتنه پیچیده»... به ریسکش نمی‌ارزد کربلا را بیاورند داخل ماجرای هر چقدر هم پیچیده؛ کربلایی که سالار شهیدانش «آزادگی» را فریاد کرد. در کربلایِ تاریخ، مظلوم کشته می‌شود با لبانی تشنه؛ با یارانی کم شمار. سر از تن‌اش جدا می‌کنند. دعوت کنندگانش پا پس می‌کشند از غم نان و جان. خاندانش را به اسارت می‌برند. توهین و تهمت نثارشان می‌کنند... ظالم از تخت پایین نمی‌آید ولی از زینبِ داغدار هم خلاصی ندارد... لطفا دَست از سر کربلا بردارید؛ خیر نمی‌بینید. کربلا پاک می‌ماند؛ ایمان داریم به این.

***

در بازار شام هنگامی که اسیران اهل بیت را بر در مسجد جامع دمشق به پای داشته بودند، پیرمردی خطاب به امام سجاد علیه‌السلام عرض کرد: «سپاس خدایی را که شما را کشت و عوامل فتنه را از ریشه قطع کرد»... *(بررسی تاریخ عاشورا، ص ۱۴۴ – ۱۴۵)*

نامه همسر محمد نوری‌زاد:

ای کسانی که اکنون قدرت در دستانتان است دست خدا بالای دستهاست

محمد نوری‌زاد جهادگر و رزمنده دفاع مقدس به خاطر چند نامه مشفقانه به رهبری چند ماه انفرادی و زندان را تا کنون تحمل کرده است. خانم فاطمه ملکی همسر مستندساز روستای بشاگرد نامه‌ای خطاب به همه آنها که اکنون قدرت در دستشان است نوشت. وی در بخشی از این نامه آورده است:

از روزهای نخستین انقلاب تا کنون شرایط و حوادثی پیش آمد که افراد شایسته به مرور غربال شدند و جامعه روز به روز از آرمان‌های خود فاصله گرفت. وحدت کلمه که رمز پیروزی ما بود کم‌کم جای خود را به تکثر کلمه داد. و هنر ما اینگونه نمایان شد که هر روز دوستان انقلاب را به دشمنان و یا به بی‌تفاوتان بدل کردیم. به جای اینکه مانند اعضای یک خانواده، به درد هم برسیم و مشکلات را از سر راه برداریم، هر روز به انگی اغلب اعضای تازه به هم پیوستهٔ این خانواده را از خود تاراندیم. گر چه این خانواده فرزندان ناخلف هم داشت، ولی تا جایی که توانستیم از عناوین مفسد فی الارض، جاسوس، منافق، مزدور، بیگانه‌پرست و... بهره بردیم و اغلب فرزندان این مرز و بوم را از تر و خشک با نام‌های ناشایست نامگذاری کردیم. خانواده‌ای که تازه طعم خوش یکی شدن را چشیده بود و آرزو داشت کامش همچنان شیرین بماند، کم‌کم با همین کج سلیقگی‌ها ذائقه‌اش تلخ شد...

ولی چاره چه بود؛ ما هم چشم داشتیم و هم گوش، باید صحنه‌هایی را می‌دیدیم که وارثان انقلاب را شایستهٔ آن نمی‌دانستیم. متاسفانه، کم‌کم به این جور دیدن‌ها عادت کرده بودیم، تا رسیدیم به صحنهٔ انتخابات اخیر که دیگر سنگ تمام ماجراهای گذشته بود. پراکنده کاران و ناآرامان دست به دست هم دادند و دوباره عناوین خودپسند را به گونه‌ای به فرزندان این سرزمین که حالا، اکثرشان دیگر نه فرزند انقلاب، بلکه فرزندان انقلابیون بودند، نسبت دادند. معترضین، روزی اغتشاشگر و روزی دیگر عامل بیگانه، فتنه‌گر اغتشاشگر و... نامیده شدند.

من، برای این‌همه جدایی و پراکندگی علتی جز خدافراموشی و نبود تدبیر نمی‌یابم. تدبیری که اگر بود می‌توانست گره‌گشای اکثر حوادث بعد از انتخابات باشد...

بعد از ماجرای انتخابات، مصائب بسیاری بر ما خانواده‌های زندانیان سیاسی رفته و می‌رود. همهٔ ما می‌دانیم که گرچه به ظاهر همسران ما در دستان شما اسیر و زندانی‌اند، ولی خوب است بدانید که اسیر و زندانی هم برای خود آدابی و ترتیبی و قانونی دارد. من کم و بیش از وضعیت زندانیان و خانواده‌های ایشان با خبر هستم؛ بدون استثناء، همه از بی‌قانونی و بی‌عدالتی گله‌مند و دردمندند...

نمی‌دانم چرا در برابر این بی‌عدالتی‌ها کسی پاسخگو نیست، و نمی‌دانم که دیگر باید سراغ چه کسی برویم. پس به ناچار مخاطب خود را فقط کسانی قرار می‌دهم که اکنون قدرت در دستشان است. به آنان می‌گویم:

ای کسانی که اکنون قدرت در دستانتان است، یدالله فوق ایدیهم

بدانیم و بدانید که خدایی قدرتمند هست که همهٔ ما از اوییم و به سوی او باز می‌گردیم. انا لله و انا الیه راجعون.

بدانیم که تنبیه کنندهٔ واقعی خداوند است و نجات بخش همهٔ ما هم هموست. پس خود را به ننگ ناراستی‌ها و نادرستی‌ها آلوده نکنیم و بدانیم کوچکترین ظلم ما به خودمان بازمی‌گردد. بترسیم از آن روز مبادا و نفرین بندگان خوب خدا...

افشای نقش بنزین تولید داخل در آلودگی هوا

دولت احمدی‌نژاد به جای جلوگیری از آلودگی هوا تنها به دنبال ماجراجویی و طرح‌های دور از واقعیت و فریب افکار عمومی است.

در همین راستا دو تن از نمایندگان مجلس فاش کردند که بنزین غیراستانداردی که دولت احمدی‌نژاد برای مصرف تبلیغاتی و مقابله ادعایی با تحریم در داخل کشور تولید کرده، علاوه بر سرطان‌زا بودن، عامل اصلی آلودگی هوای تهران هم هست. هر چند که دولت با تولید بنزین غیراستاندارد، هوای تهران را آلوده کرده و در عین حال دنبال طرح‌های تخیلی همچون ایجاد باد مصنوعی در تهران با چند دستگاه جت فن، و پاشیدن آب بر آسمان تهران با هواپیمای آب‌پاش است!

البته با تخمین زدن زمان یک ساعت برای بارگیری، پرواز و فرود هواپیما، چندین هفته و ماه و سال طول خواهد کشید تا آلودگی هوای تهران رفع گردد که با توجه به پیش‌بینی جو ناپایدار و احتمال بارش باران مستند به پیش‌بینی سایت‌ها و مراکز بین‌المللی هواشناسی، گویا دیگر به اقدام اورژانسی کمیته اضطرار تهران آن هم پس از ۲۰ روز آلودگی هوای تهران نیازی نباشد و خود آب و هوا به کمک شهروندان تهرانی و دیگر شهرهای کشور بیاید.

این دو نماینده در حالی به صراحت به نقش سیاست‌های غلط دولت احمدی‌نژاد و به طور مشخص، بنزین غیراستاندارد تولید داخل در آلودگی هوای تهران اشاره می‌کنند که مسئولان دولتی به دنبال طرح‌های عجیب برای کاهش آلودگی هوای تهران هستند؛ طرح‌هایی که به زعم کارشناسان، تخیلی و غیرعلمی به نظر می‌رسند.

مقامات دولتی یکشنبه شب در جلسه اضطراری که برای موضوع آلودگی هوا تشکیل دادند، دو طرح را مطرح و اعلام کردند: استقرار چند دستگاه جت فن برای ایجاد باد مصنوعی در تهران، و پاشیدن آب بر آسمان تهران با هواپیمای آب‌پاش!

مجید عباسپور رئیس دانشکده محیط زیست دانشگاه علوم تحقیقات تهران، این طرح‌ها را دارای جنبه تخیلی و غیرعلمی توصیف کرد و گفت: «برای ایجاد باد مصنوعی همه بتواند هوای شهری مانند تهران را جا به جا کند به چنان قدرت عظیمی نیاز است، که عملاً اجرایی نیست.».

یوسف رشیدی مدیرکل شرکت کنترل کیفیت هوای تهران نیز گفت: «کسی که چنین طرحی را پیشنهاد داده چیزی از انتقال جرم و مکانیک سیالات نمی‌داند.»

این در حالی است که شاعری قائم‌مقام سازمان حفاظت محیط زیست کشور، از آماده‌باش هلیکوپترها در پادگان قلعه مرغی و آبگیری پنج هلیکوپتر برای پاشیدن آب بر مناطق به شدت آلوده تهران خبر داده است!

اما شهریاری، رئیس کمیسیون بهداشت و درمان مجلس، هم با بیان اینکه «این راهکارها جواب نمی‌دهد»، طرح‌های دولت را کارگشا ندانسته می‌افزاید: «البته راهکاری مثل باران مصنوعی می‌تواند موثر باشد، در یک نوبت هم اجرا شد ولی متاسفانه باران مصنوعی سر از ارمنستان درآورد و یک نوبت هم در کویر باریدن گرفت.»!

اخبار کوتاه

خاتمی: باید تلاش کرد و از هزینه‌ها نهراسید

سید محمد خاتمی در پیامی به همایش دانشجویی «امید، رساترین اعتراض» خطاب به دانشجویان تاکید کرد: باید امیدوار بود، باید تلاش کرد و از دادن هزینه‌ها نهراسید و البته همواره روشی که عرضه شده است و روشی که دانشجویان ما به آن پایبند هستند و اصلاحات ما به آن پایبند است، پیروی از روش‌های مدنی و پرهیز از خشونت و نفی خشونت از طرف هرکس که می‌خواهد باشد. رییس جمهور سابق کشورمان همچنین گفت: فضایی که امروز متاسفانه کم و بیش شاهد هستیم که نیست و فشارهایی که روی بسیاری از اساتید و دانشجویان می‌آید، درخور و در شان دانشگاه نیست.

ایستادگی مرجعیت در برابر بدعتی تحت عنوان مداحی سیاسی

در حالی که احمد خاتمی از حامیان سرسخت دولت خواستار استفاده ابزاری و جناحی از محرم و ربط دادن انتقادات سیاسی از حاکمیت فعلی به «فتنه یزید» شده است، آیت‌الله العظمی مکارم شیرازی خواستار آن شده است که خطبا و مداحان از طرح مسائل جناحی و سیاسی در ایام عزاداری بپرهیزند و این مراسم‌ها را به جای حلقه وحدت، به وسیله شکاف و اختلاف تبدیل نکنند.

حمله نیروهای امنیتی به تحریریه روزنامه شرق

نیروهای امنیتی شب گذشته و در راستای اعمال سیاست آزادی نزدیک به مطلق دولت احمدی‌نژاد به تحریریه روزنامه شرق حمله کردند. آنها ضمن ضرب و شتم تعدادی از اعضای تحریریه چهار تن از اعضای روزنامه شرق را نیز بازداشت کردند. احمد غلامی، دبیر تحریریه، کیوان مهرگان، دبیر سرویس سیاسی و فرزانه روستایی، دبیر سرویس بین‌الملل و خدابخش، سرمایه‌گذار این روزنامه از بازداشت شده‌های دیشب هستند.

ما همه لیلا توسلی هستیم

زهرا رهنورد، در پی بازگشت لیلا توسلی، شاهد عاشورای تهران به زندان یادداشتی در این باره نوشته و تاکید کرده که «همه لیلا توسلی هستیم و شهادت می‌دهیم که شما ظالمان بی‌مقدار در روز عاشورا مردمانی را، جوانانی را از خیل عظیم عزاداران، یا حسین گو زیر ماشین له کردید و به شهادت رساندید.»

لیلا توسلی، شاعد عینی حوادث عاشورای سال گذشته در میدان ولیعصر که به دلیل اعلام شهادت در مورد زیرگرفته شدن یکی از شهروندان معترض (شهرام فرجی‌زاده) توسط خودروی نیروی انتظامی به دو سال زندان محکوم شده بود، به زندان بازگردانده شد.

حقوق بیشتر کارگران کارخانه‌های ساوجبلاغ عقب افتاده است

دبیر اجرایی خانه کارگر ساوجبلاغ می‌گوید: بیشتر کارگران این منطقه به دلیل آنچه که کمبود نقدینگی عنوان می‌شود با مشکل تاخیر در پرداخت حقوق و مزایا مواجه هستند.

نماینده زاهدان: آمارهای دولت اشتباه است، نرخ بیکاری حداقل ۳۰ درصد است

حسینعلی شهریاری می‌گوید: نرخ بیکاری در سیستان‌وبلوچستان حداقل ۳۰ درصد است و آمارهای اعلام شده اشتباه است. بیکاری مشکلات بسیاری را در استان به وجود آورده است و دولت باید در ایجاد اشتغال در استان مشارکت کند.

پیشرفت کار در برخی پروژه‌های پارس جنوبی، به جای ۲۵ درصد، نیم درصد بوده

رئیس کمیسیون انرژی مجلس اعلام کرد: متاسفانه تا پایان آذر، ۹ ماه از آغاز برخی پروژه‌های پارس می‌گذرد و هزینه مالی نیز به صورت منظم پرداخت شده است، اما پیشرفت کار در برخی پروژه‌ها متاسفانه تنها نیم درصد بوده است، درحالی که باید این میزان پیشرفت ۲۵ درصد می‌بود.

بسیاری از مردم در جریان حقایق مربوط به زندانیان سیاسی نیستند. امروز یک نفر را با کلمه آشنا کنید.

بنی الاسلام علی الکلمتین
کلمة التوحید و توحید الکلمة
کلمه
WWW.KALEME.COM
روزنامه کلمه، شمارهٔ بیست و نهم
ویژه‌نامهٔ یادداشت میرحسین موسوی به مناسبت ماه محرم
شنبه، ۲۰ آذر ۱۳۸۹
شمارگان: ما بیشماریم

یادداشتی از میرحسین موسوی به مناسبت ماه محرم

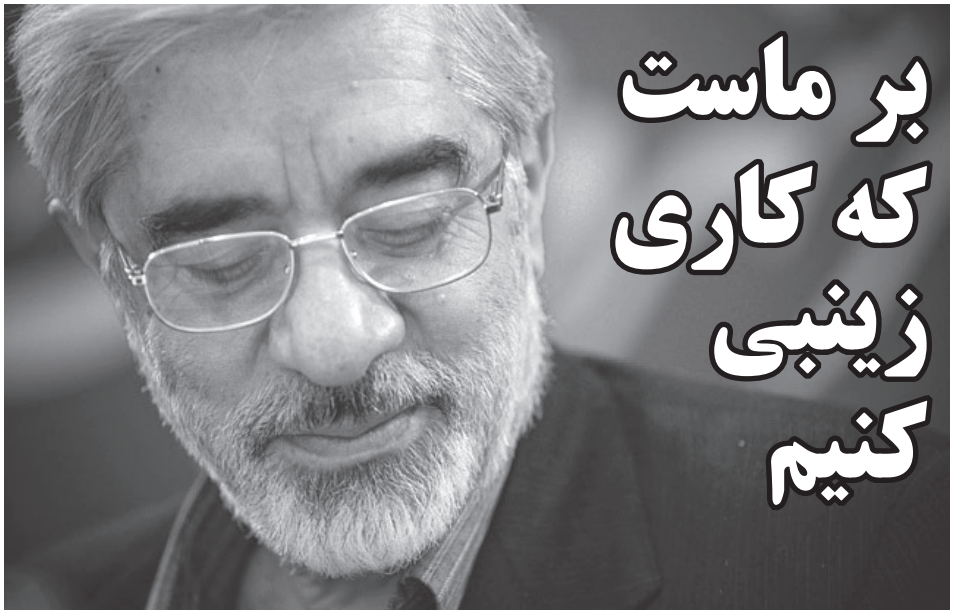

بر ماست که کاری زینبی کنیم

میرحسین موسوی، به مناسبت فرا رسیدن ماه محرم، با نگارش یادداشتی نوشت: «حسین(ع) زمانی به پا خاست که بازمانده‌ی دستاوردهای نهضت نیای خود را در معرض تندبادهای تمامیت‌طلبی تشنگان قدرت یافت.»

موسوی در همین نوشته تاکید می‌کند که «دین‌گریزی هنگامی زمینه‌ی گسترش پیدا می‌کند که دینی که ترویج می‌شود، با بدیهی‌ترین اصول اخلاقی مثل صداقت و پرهیز از دروغ در تضاد باشد.»

به گزارش کلمه، متن کامل یادداشت میرحسین موسوی به شرح زیر است:

بسم الله الرحمن الرحیم

ان الذین قالوا ربنا الله ثم استقاموا تتنزل علیهم الملائکه الاتخافوا و لاتحزنوا و ابشروا بالجنه التی کنتم توعدون (فصلت، ۳۰)

اینک بار دیگر در ماه محرم هستیم و در آستانه سالروز بزرگداشت نهضتی که قرن‌ها پیش برای بازگرداندن انسان به جایگاه والایی که در آفرینش او درآمیخته شده برپاشد و درخشان‌ترین نمونه‌ی انسانی زمان و زمانه، فریاد برپایی حق و افشای باطل را با همه رنج‌هایی که در انتظارش بود، بر سکوت ذلت‌بار ترجیح داد. حسین(ع) زمانی به پا خاست که بازمانده‌ی دستاوردهای نهضت نیای خود را در معرض تندبادهای تمامیت‌طلبی تشنگان قدرت یافت و ذبح دین در پای برج و باروی کاخ ستمگری و خودکامگی مشاهده کرد. حسین(ع) می‌دید که باطل را لباس

حسین(ع) می‌دید که زمانه‌ی ایستادگی در مقابل همه‌ی کسانی است که به نام جانشینی پیامبر(ص) و امارت بر مؤمنان، چوب حراج بر دین و دینداری زده‌اند تا دمی بیش بر مسند قدرت تکیه زنند.

حق می‌پوشانند و حق را باطل جلوه می‌دهند. حسین(ع) می‌دید که این بار اراده‌ی قدرت‌طلبان، نه تنها دستیابی به تمامیت قدرت، بلکه نگه‌داشت آن به هر قیمت و با تکیه بر زر و زور و تزویر است، که اینجا خود دین است که هدف آماج خودکامگان قرار گرفته، که دیگر سکوت نیست که می‌تواند به بقای کورسوی نور ایمان کمک کند، که زمانه‌ی ایستادگی در مقابل همه‌ی کسانی است که به نام جانشینی پیامبر(ص) و امارت بر مؤمنان، چوب حراج بر دین و دینداری زده‌اند تا دمی بیش بر مسند قدرت تکیه زنند.

حسین(ع) می‌دانست که ملات سنگ‌های کاخ قدرت، دروغ است و فریاد حقیقت‌خواهی است که به زوال آن می‌انجامد. حسین(ع) می‌دانست که در این راه چه رنج‌های بزرگی در انتظار اوست: مفتیان مزدبگیر، او را به خروج از دین و ایجاد فتنه متهم خواهند کرد، خاندان پیامبر(ص) را در محاصره‌ی تنگناها و بی‌حرمتی‌های پیاپی قرار خواهند داد، و او را بر سر دوراهی انتخاب میان زندگی ذلت‌بار یا ایستادگی برای حق‌خواهی قرار خواهند داد؛ و او ایستادن را برگزید. حسین(ع) سکوت را شکست تا دین نیای خویش را از هلاکت نجات دهد و رهبری قیامی را برعهده گرفت که نه در هوای قدرت و شهرت، که در کوشش برای راست کردن کجی‌ها و پاک کردن پلیدی‌ها هویت می‌یافت. و چنین شد که آزادزنان و آزادمردانی که پس از او آمدند، از هر مذهب و دینی که بودند، حسین(ع) را سرمشق جاودانه‌ی آزادی‌خواهی دانستند.

قرن‌ها بعد، انقلابی اسلامی در سرزمینی با فرهنگ و تمدنی دیرینه و مردمانی که در شناخت مصالح خود در جهانی دگرگون‌شده در این بخش از دنیا، پیشتاز بودن خود را پیش از آن با انقلاب مشروطه، نهضت ملی شدن نفت و قیام پانزده خرداد و تولید گفتمان آزادی‌خواهی، عدالت و استقلال‌طلبی برای پیشرفت و دستیابی به جامعه‌ای که در آن انسان‌ها به آسایش مادی و سعادت معنوی برسند به اثبات رسانده بود، رخ داد. همه‌ی ما به یاد داریم که سیل خروشان معترضان در روزهای تاسوعا و عاشورای سال ۱۳۵۷ چگونه طومار نظامی مستبد را درهم پیچید که همه راه‌های اصلاح را بسته، امکان هرگونه انتقاد و مخالفت از راههای مسالمت‌آمیز را از میان برده و در واپسین سالهای عمر خود، دچار خیالبافی‌هایی شده بود که بیش از هرچیز ناشی از دور ماندن از واقعیت‌های موجود در جامعه بود.

حاکمان مستبد آنچنان در حلقه‌ی محدود متملقان و ثناگویان خود محصور بودند که بجای آن که صدای ترک‌خوردن‌های فزاینده‌ی مشروعیت حاکمیت خود را بشنوند، در اوهام خویش به دنبال شنیدن صدای حمایت از قدرت‌های ماورایی بودند، غافل از آن که بزرگترین سرمایه‌ی هر کشور، پشتیبانی مردم آن از دولتمردان از طریق مشارکت آزادانه و آگاهانه‌ی آنهاست، غافل از آن که اعتبار را باید در ارتقای زندگی روزمره‌ی مردم جستجو کرد، و غافل از آن که اقتدار را از راه قلوب مردم باید یافت، نه از طریق رزمایش‌ها و نمایش زرادخانه‌ها. و چنین شد که مردمان این دیار روی از صاحبان قدرت گرداندند و بزرگترین انقلاب مسالمت‌آمیز مردمی قرن، پدیدار شد.

میلیون‌ها مردمی که در روزهای تاسوعا و عاشورا به میدان آمدند، خواسته‌های بیش از صدساله‌ی خویش را در ندای مردی بازشناختند که پایمردی‌اش در راه را آزموده بودند. در راهپیمایی‌های آن روزها، هرکس با باور و ایمان و رنگ و بوی خود حضور می یافت، بیگانه‌های دیروز به دیرآشنایان امروز تبدیل می‌شدند، خودخواهی‌ها به دیگرخواهی، و من‌ها به ما. از فردای پیروزی در شوق ساختن و آباد کردن ویرانه‌ای که پیش چشمانشان بود، دست در دست یکدیگر دادند به مهر. حتی آنگاه که اختلاف نظرها بالا گرفت، در برابر دشمن متجاوز همدل شدند و از آب و خاک اجدادی‌شان دفاع کردند. و کیست که از یاد ببرد که همه‌جای ایران، میدان حماسه بود: جبهه و پشت جبهه، کارخانه و مزرعه، مدرسه و دانشگاه، خانه و اداره، همه و همه صحنه‌ی تلاش و جهاد برای پاسداشت از این سرزمین شد. و کیست که از یاد ببرد در زمانی که به ناچار تن به صلح داده شد، همین مردم رنج‌دیده اما پایدار، در مقابل چندچهرگانی که به دامان و یاری متجاوز پناه آورده بودند، قدعلم کردند و بدین‌گونه نشان دادند که تصمیم برای ترک جنگ، نه از روی بزدلی و بی‌اعتقادی، که از سر درایت و آینده‌بینی است. نشان دادند که خطای رهبرانشان را با ایمان به صداقت آنان بخشودنی می‌دانند و اعتراف به خطا نه تنها از اعتبار رهبرانشان نمی‌کاهد، که محبوبیتشان را در قلوب مردم بیشتر می‌کند. نشان دادند که دینی را که برای جنگ و صلحش منطق داشته باشد، راهنمای

بزرگترین سرمایه‌ی هر کشور، پشتیبانی مردم آن از دولتمردان از طریق مشارکت آزادانه و آگاهانه‌ی آنهاست، اعتبار و اقتدار را باید در ارتقای زندگی روزمره‌ی مردم جستجو کرد، نه در رزمایش‌ها و نمایش زرادخانه‌ها.

عمل خویش قرار داده‌اند. نشان دادند که در نزد آنان، باور دینی به منزله‌ی راهنمایی است که در تندبادهای پر شن و خاک روزگاران، آنان را به منزلگه مقصود نزدیک می‌سازد. از همین رو بود که هرگاه خود را از راه دور می‌دیدند، برای تصحیح مسیر اقدام کردند: دوم خرداد و ۲۲ خرداد نشان از همین هوشیاری دارد.

اما صد افسوس که اقتدارگرایانی که انحصار در قدرت را تنها راه دوام خود می‌دانند، این بار به این خواسته‌های برحق وقعی ننهادند. اقتدارگرایان که با تمامی امکانات و رسانه‌ها در مقابل خواست اکثریت صف‌آرایی کرده بودند، زهرآگین‌ترین تیرهای تهمت و افترا را به سینه‌ی مردمی که خواهان تغییر بودند، رها کردند، هنگامی که به علت استقبال و حضور بی‌سابقه‌ی مردم از شیوه‌های معمولشان برای تقلب و تخلف در روند رأی‌گیری طرفی نبستند، چاره را در کودتای انتخاباتی دیدند: شمارش آرا را کنار نهادند، پیروزی‌شان را اعلام و ابلاغ کردند، به ستادهای مخالفانشان یورش بردند و به دستگیری چهره‌های فعال پرداختند. و آنگاه که مردم خشمگین و سرخورده برای اعتراضی آرام و مسالمت‌جویانه به خیابان‌ها ریختند تا مطالبه‌ی حق مسلم‌شان در احترام به رأی‌هایشان کنند، ریختن خونشان را مباح دانستند و ماجراهای خونین کوی دانشگاه و کهریزک و مانند آن را آفریدند.

به یاد دارید که در عاشورای سال گذشته با عزاداران معترض چه کردند: آنها را از پل‌ها به پایین انداختند، با ماشین از روی پیکر بی‌دفاع آنان گذشتند، سینه‌ی مالامال از عشقشان را هدف گلوله قرار دادند، و آنگاه بی‌شرمانه عکس‌العمل مردم خشمگین را با نمایش ناقص و گزینشی در رسانه‌هایشان، شورش دست‌نشانده‌های استکبار نامیدند و فریاد وا اسلاما سر دادند! آیا آن کس که ماشین پلیس دوبار از روی او رد شد، آمریکایی بود یا کسانی که از روی پل به پایین پرتاب شدند دست‌نشانده‌ی آمریکا و اسرائیل؟ یا کسانی که در ظهر عاشورا حسین حسین گویان مورد تیر مستقیم گرفتند از لشگر یزید و عمروعاص و ابن‌زیاد؟ پس از آن هم به دستگیری تعداد زیادی زن و مرد از بهترین فرزندان این انقلاب و آب و خاک پرداختند تا فریادها را در گلو خفه کنند. غافل از آنکه خشم فروخورده‌ی مردم آگاه و مظلوم بسیار خطرناک‌تر از فریادهای تظلم‌خواهی آنها خواهد بود.

همراهان سبزاندیش. دین و دین‌داری در این روزها دوران سختی را می‌گذراند و بسیاری از شما در این روزها می‌پرسید چگونه می‌توان با این همه سیاه‌کاری‌ها که به نام دین انجام می‌شود، جوانان روشن ضمیر این مرز و بوم را از امواج پی‌درپی دین‌گریزی نجات داد؟ پاسخ این همراه کوچک شما این است که دین‌گریزی هنگامی زمینه‌ی گسترش پیدا می‌کند که دینی که ترویج می‌شود با بدیهی‌ترین اصول اخلاقی مثل صداقت و پرهیز از دروغ در تضاد باشد، به نام دین‌داری دست به جنایات هولناک زده شود، تهمت و دروغ برای از میدان به‌در کردن معترضین از تریبون‌های مقدس نمازجمعه، نه تنها مجاز که مستحب تلقی شود، با بخشنامه همه‌ی منابر و مساجد برای رواج تهمت و دروغ بر ضد معترضین بسیج شود و چشم به احقاق حقوق کارگران و معلمان در همین مکان‌های مقدس بسته شود و شکاف‌های طبقاتی و فساد و فحشای بی‌سابقه ناشی از فقر و طلاق و بیکاری، پدیده‌های عادی تلقی شوند؛ و در چنین شرایطی، یک جوان چگونه می‌تواند تشخیص دهد این‌همه ظلم و خشونت و نفرت که از سوی صاحبان تریبون‌های رسمی، آمرانه به عنوان اسلام معرفی می‌شود، ربطی به اسلام ندارد. و او که شاهد مظلوم انبوه مشکلات اقتصادی و فرهنگی و حضور گسترده‌ی دروغ در همه‌ی صحنه‌هاست، چگونه باور کند حفظ نظام در حفظ ارزش‌های اخلاقی و اسلامی و منافع ملی، و نه بر حفظ افراد بر مسند قدرت به هر قیمت، استوار است؟ او اکنون به جای چهره‌ی اصلی دین که چهره‌ی محبت رحمانی است، با چهره‌ی عبوسی که جز خشونت‌ورزی و تحکم، زبان دیگری ندارد، روبه‌روست. او شاهد است که چگونه حقوق مردم بدان‌گونه که در قانون اساسی آمده، نادیده گرفته می‌شود، و تفکیک قوا که مانع بزرگی بر سر راه پیدایش انباشت قدرت غیرپاسخگوست، به طور مرتب نقض می‌شود، و استقلال قضا و قاضی و

از نقد منصفانه‌ی گذشته نهراسیم و در عین حال، از نفی دستاوردهای بزرگ آن پرهیز کنیم. بر ماست که همچون زینب(س) با بازگویی حقیقت، ملات کاخ دروغ را زائل کنیم.

دادگاه توسط مسئولان امنیتی از میان می‌رود، و مجلس که باید در رأس امور باشد، تحت امر قرار می‌گیرد، ماجراجویی‌های بی‌خردانه در سیاست خارجی باب می‌شود، و نظامیان به جای انجام وظایف قانونی خود سر از عرصه‌های سوداگری و مال‌اندوزی در می‌آورند، و هیچ صدای مخالفی تحمل نمی‌شود. و زندانها پر از زنان و مردانی است که این نگاه حاکم بر دولتمداران را بر نمی‌تابند.

بر ماست که در این دوران بحران‌زده، کاری زینبی کنیم و پیام راستین دین را با چهره‌ی فطرت‌پسندانه‌ی آن به تشنگان حقیقت برسانیم. بر ماست که یاد بگیریم و به دیگران نیز یاد بدهیم که عمل نادرست مدعیان دینداری به حساب دین گذاشته نشود. بر ماست که ماجرای راستین انقلابی را که در این دیار به نام دین برپا شد، برای نسلی که آنچه می‌داند یا از طریق رسانه‌های تحریف‌گر رسمی و یا از طریق روایت‌گران ناهمدل با آن است، بازگو کنیم و در این بازگویی، از نقد منصفانه‌ی گذشته نهراسیم و در عین حال، از نفی دستاوردهای بزرگ آن پرهیز کنیم. بر ماست که همچون زینب(س) با بازگویی حقیقت، ملات کاخ دروغ را زائل کنیم. بر ماست که همچون تمامی خاندان حسین(ع)، زنده نگه داشتن یاد شهدای گران‌قدر انقلاب، جنگ و حوادث پس از انتخابات و آزادزنان و آزادمردان دربندمان را وظیفه‌ی همیشگی خود بدانیم، و بر ماست که در این ماه پرخاطره، با برپایی مراسم و شرکت در مجالس بزرگداشت حماسه‌ی حسینی، به حفظ نهادهای مدنی سنتی کمک کنیم.

بنی الاسلام علی کلمتین ،کلمة التوحید و توحید الکلمة

کلمه

WWW.KALEME.COM

روزنامه کلمه / شماره ۳۰ / دوشنبه ۲۲ آذر ۱۳۸۹ / شمارگان : ما بیشماریم

بعد از انتخابات دو ماه طول کشید که بنده اعتقاد پیدا کنم مناظره کذائی نه برای از میدان بردن بنده یا آقای کروبی بلکه برای تصفیه حساب کامل با همه نیروهای رقیب و یکدست کردن کشور بوده است. بنده یکی و فقط یکی از این هدفها و سنگهای سر راه بودم.

گفتگوی میرحسین موسوی با روزنامه اینترنتی قلم سبز

وعده های بی عمل سفر های استانی سانسور شدید انتقادات در رسانه ملی

دولت احمدی نژاد در هفته گذشته، هشتاد و یکمین سفر استانی خود را با حضور در استان مرکزی، به فهرست سفرهای قبلی اضافه کرد. اما اولین سؤال مردم تجمع‌کننده در شهرستان‌ها از دولت، درباره‌ی وعده‌های محقق نشده و مصوبات اجرا نشده است. تذکرات نمایندگان در صحنَ علنی مجلس و مصاحبه‌های آنها با رسانه‌ها هم نشان می‌دهد که برخلاف فهرست سفرها، فهرست مصوبات به‌ثمررسیده‌ی آنها وضع خوبی ندارد. در همین هفته گذشته، در دو جلسه علنی مجلس، بیش از سی تذکر کتبی نمایندگان به احمدی نژاد بود. اعضای دولت‌های نهم و دهم در این سالها، به هر یک از استان‌ها که سفر کردند، دهها و بلکه صدها وعده را مطرح کردند که بسیاری از آنها مستقیما از زبان رئیس دولت در تجمعات چند هزار نفری به مردم اعلام شد. اما اکنون، در میانه‌ی دور سوم سفرهای استانی، دیگر به سادگی دو دور قبلی نمی‌توان وعده داد و عمل نکرد. چرا که اولین سؤال مردم تجمع‌کننده در شهرستان‌ها از دولت، درباره‌ی وعده‌های محقق نشده و مصوبات اجرانشده است؛ هر چند دولتمردان و پشتیبانَان رسانه‌ای آنها، به هر نحو ممکن تلاش می‌کنند آن سؤال‌ها و این خلف وعده‌ها را مخفی نگه دارند دیروز (شنبه) روزنامه جمهوری اسلامی فاش کرد که در سفر استانی اخیر دولت به استان اردبیل، امام جمعه و نماینده ولی فقیه در این استان قبل از احمدی نژاد سخنرانی کرده بود، اما سخنان وی از کلیه‌ی بخشهای خبری صداوسیمای مرکز اردبیل حذف شد، چرا که او از اجرایی نشدن مصوبات دو دور قبلی سفر استانی دولت احمدی نژاد به این استان، انتقاد کرده بود! همین دست سانسورها، به نحوی دیگر نیز در خصوص واقعیت ناکامی‌های دولت در تحقق وعده‌های استانی نمود دارد؛ آنجا که مسئولان استانی با ارائه آمارهای غلط، تلاش می‌کنند بدقولی‌ها و عدم اجرای طرحها و پروژه‌های استانی مصوب هیات دولت را پنهان کنند. این موضوع را امروز کرمی راد از نمایندگان کرمانشاه و پیش از او هم حسینی نماینده پاوه و چند نماینده دیگر مطرح کردند. آنها از ارائه آمار غلط از سوی مسئولان دولتی انتقاد کردند و از مصوبات استانی اجرانشده نام بردند. پیش و پس از این اظهارنظرها نیز دهها نماینده مجلس، که اتفاقا بسیاری از آنها از جناح همسو با احمدی نژاد بوده‌اند، از وعده‌های فراموش‌شده‌ی رئیس دولت در سفرهای استانی و بلاتکلیفی آنها سخن گفته‌اند. اما اعتراض‌ها به این مصاحبه‌ها محدود نمی‌شود. هرچند نمایندگان مجلس به خوبی می‌دانند که دولت احمدی نژاد را با هیچ ابزاری نمی‌توانند به اجرای قانون وادار کنند، چنان که در خصوص بودجه مترو با وجود همصدایی همه‌ی طیف‌های چپ و راست و اصولگرا و اصلاح طلب نتوانسته‌اند، اما تنها امکان قانونی باقی‌مانده برای طرح تخلفات دولت از وعده‌های خود، یعنی تذکر کتبی نمایندگان، هنوز فعال است، اگرچه در عمل بعید است نتیجه‌ای داشته باشد. در همین هفته گذشته، در دو جلسه علنی مجلس، بیش از سی تذکر کتبی نمایندگان به احمدی نژاد و اعضای دولتش اعلام وصول شد که جز سه چهار مورد، بقیه‌ی آنها مربوط به وعده‌هایی است که دولت در سفرهای استانی مطرح کرده و اجرا نشده‌اند، یا مصوباتی که به فراموشی سپرده شده‌اند و یا در اجرای آنها تعلل می‌شود.

تهدید، تحمیق و تطمیع؛ شیوه حکومتهای شیطانی

آیت الله حاج آقا مجتبی تهرانی از مراجع تقلید تهران معتقد است: امام حسین (علیه‌السلام) نه خود مغرور بود، و نه دیگران را مغرور کرد. این مشخّصه حکومت الهی است که هیچ‌گاه برای پیش‌برد اهدافش، از این ابزار استفاده نمی‌کند. در حکومتِ الهی هیچ خبری از این حرف‌ها نیست. در حکومت الهی اصلا بحث فریب‌کاری و بهره‌گیری از بی‌خبری مردم و بی‌خبرگذاشتن آنها نیست. این استاد اخلاق صاحب‌نام تهران، در سلسله سخنرانی‌های ایام دهه اول محرم خود که ذیل عنوان "امام حسین(ع)، مصلح غیور و انسان ضدّ غرور" ایراد می‌شود، ضمن برشمردن اهرم‌هایی که حکومت‌های شیطانی برای تداوم بقای خود به کار می‌گیرند و مقایسه‌ی آن با حکومت‌های الهی، ابزارهایی همچون غرور، فریب‌کاری، دروغ، در بی‌خبری نگه داشتن مردم، سوء استفاده از باورهای دینی مردم و در نهایت سه‌گانه‌ی تطمیع، تهدید و تحمیق را از جمله اهرم‌هایی برمی‌شمرد که خاص حکومت‌های شیطانی است و در حکومت الهی استفاده نمی‌شود. این عالم برجسته در جایی از سخنان خود تصریح می‌کند: ما دو نوع حکومت داریم؛ حکومتی داریم مادّی و بر محور هواهای نفسانی و حکومتی داریم الهی و بر محور خداخواهی؛ یکی محورش خودخواهی است و دیگری خداخواهی. حکومتی که بر محور خودخواهی و جنبه‌های نفسانی است، چه در حدوث و چه در بقا ابزار خاص به خودش را دارد. عرض کردم اهرم‌هایی را که برای حدوث و بقای خود از آن استفاده می‌کنند، معمولا سه چیز است؛ تطمیع و تهدید و تحمیق. گروه یزیدیان از همین سه عامل استفاده می‌کردند که اوّلین مرحله آن مسأله عبیدالله بود که از هر سه اهرم استفاده کرد؛ هم تطمیع، هم تهدید و هم تحمیق. ایشان همچنین می‌گوید: امام حسین (علیه‌السلام) مصلحی غیور و انسانی ضدّ غرور بود؛ نه خود مغرور بود و نه دیگران را مغرور کرد. این حرکت برای اقامه حکومت الهی و براندازی حکومت شیطانی بود؛ امّا جنبه شخصی نداشت و از آن ابزارهایی که برای به‌پاداشتن حکومت‌های شیطانی یا ادامه آن - چه از نظر حدوثی و چه بقایی - به‌کار گرفته می‌شود، یعنی تطمیع و تهدید و تحمیق، حضرت از این اهرم‌ها استفاده نکرد، بلکه عکس بود. **مشروح سخنان آیت‌الله حاج آقا مجتبی تهرانی در چهار شب آغازین دهه‌ی اول محرم را در سایت کلمه بخوانید.**

بازداشت دو روزنامه نگار دیگر

مهران فرجی، روزنامه نگار حوزه اجتماعی و ریحانه طباطبایی ،خبرنگار روزنامه شرق روز شنبه توسط ماموران امنیتی بازداشت شد.مهران فرجی، خبرنگار اجتماعی سابقه فعالیت در روزنامه های همشهری، اعتماد ملی و کارگزاران را در کارنامه خود دارد.

آقای لاریجانی! حقوق عزیزان ما پایمال شده

همسر محمد نوری‌زاد، و همسر سید مصطفی تاج‌زاده، با ارسال نامه‌ای مشترک و سرگشاده به رئیس قوه قضاییه، تاکید کردند: اخلال در امنیت کشور و سیاه نمایی و سیاه کاری را نه همسران مؤمن و غیرتمند ما و همه جوانان پاک این دیار، بلکه عمله ظلم که تحت فشارهای سخت در دستگاه های امنیتی و قضائی رخنه کرده اند، مرتکب شده و می شوند.

عرب‌سرخی به زندان اوین فراخوانده شد

فیض الله عرب‌سرخی، از فعالان سیاسی اصلاح طلب و عضو شورای مرکزی سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی، برای ادامه‌ی اجرای حکم زندان خود به اوین احضار شد.

نماینده زنجان: مردم به خاطر گرانی و بیکاری تحت فشارند

انصاری با اشاره به مشکلات و معضلات مردم گفت: تورم و گرانی اقلام مصرفی و حتی مواد اولیه و ساختمانی، نرخ روز افزون بیکاری و ضعف در نحوه به کارگیری درآمد بی‌سابقه نفت از سوی دولت، از جمله موضوعاتی است که باید به سرعت برای آن تصمیمات کارشناسی اتخاذ شود. مجلس باید با تصمیمات جدی، دولت دهم را به تغییر جدی سیاست‌ها وادار کند.

قاضی به راوی روایت فتح: گمشو بیرون مزدور اجنبی

محمد نوری زاد، رزمنده دفاع مقدس و راوی روایت فتح که به دلیل چند نامه دلسوزانه به رهبری ماههاست در اسارت به سر می برد در اعتراض به محاکمه سه دقیقه ای و اضافه شدن دو سال به مدت محکومیتش از شنبه اعتصاب غذای خشک کرد. نوری زاد علت این تصمیم را اعتراض به روند دادگاه سه دقیقه ای برای رسیدگی به شکایت وزارت اطلاعات از او و همچنین رفتار توهین آمیز قاضی در این جلسه دادگاه اعلام کرده است . قاضی مقیسه در این دادگاه، بر سر نوری‌زاد داد و فریاد کرده و رو به وی در جلسه دادگاه گفته است "گم شو بیرون، اجنبی مزدور" و "می‌دهم شلاق بزنند" به طوری که فریادهای او حتی در بیرون از دادگاه هم شنیده می‌شده است. این خبر از طریق یکی از زندانیان سیاسی که در دادگاه حضور داشته به خانوده نوری زاد رسیده است.

۲۸ ماه است نرخ رشد اقتصادی اعلام نشده است

با وجود گذشت ۲۸ ماه از اعلام آخرین نرخ رشد اقتصادی سالیانه که مربوط به پایان سال ۸۶ است، تا کنون بانک مرکزی هیچ نرخ جدیدی از آمار رشد اقتصادی کشور منتشر نکرده است .

بنی الاسلام علی کلمتین ،کلمة التوحید و توحید الکلمة

کلمه

WWW.KALEME.COM

روزنامه کلمه شماره ۳۱ / دوشنبه ۲۹ آذر ۱۳۸۹ / شمارگان : ما بیشماریم

روندی که می بایست در بستر اعتمادسازی گسترده مردم و با تکیه بر خرد جمعی و استفاده از صاحبنظران خداترس و بیطرف صورت می گرفت، اینک جراحی دردناکی نامیده می شود که جان اقتصاد بیمار ناشی از سیاستهای من در آوردی و فساد عمیق را بیش از پیش در مخاطره قرار داده است.

میرحسین موسوی

شوک بزرگ به جای شیب ملایم؛ افزایش ۳ تا ۴۰ برابری قیمت‌ها

شنبه شب، سخنان احمدی نژاد در سیمای جمهوری اسلامی شنیدنی بود؛ به خصوص آنجا که از تغییر قیمت‌ها با شیب ملایم و قابل تحمل برای مردم صحبت می‌کرد. اما نیم نگاهی به اتفاقی که در زمینه تغییر قیمت‌ها افتاده، این شیب ملایم را بیشتر عمودی و روند تغییر قیمت‌ها را دارای افزایش چند صد درصدی نشان می‌دهد. افزایشی که طبق وعده‌های بی‌حاصل قبلی، قرار بود تدریجی باشد، در طول پنج سال اتفاق بیفتد و فشار زیادی به اقشار ضعیف وارد نکند. غیر از بنزین که با ارائه‌ی سه نرخی و دامنه‌ی تفاوت قیمتی از ۱۰۰ تا ۸۰۰ تومان، به همراه پنجاه لیتر جدا از این سهمیه‌ها و ناشی از لطف دولت، میزان واقعی تغییر قیمت آن پنهان نگه داشته شده، در مورد بقیه اقلام می‌توان تغییرات را با اعداد ملموس‌تری اندازه‌گیری کرد. هرچند در خصوص بنزین نیز به طور نسبی، می‌توان به طور متوسط، از افزایش بیش سه برابری صحبت کرد. در مورد قیمت گازوئیل، شیب ملایم مورد ادعای احمدی نژاد بیش از هر کالای دیگری خود را نشان می‌دهد! چرا که قیمت هر لیتر گازوئیل از شانزده تومان یکباره به ۱۵۰ تومان سهمیه‌ای و ۳۵۰ تومان آزاد رسیده است؛ یعنی حتی برای گازوئیل سهمیه‌ای هم شاهد افزایشی بیش از ۹ برابری هستیم. در مورد برق خانگی، قیمت هر کیلووات ساعت از ۷۵ ریال به ۲۲۰ ریال رسیده که حدودا افزایش ۳ برابری را نشان می‌دهد. در عین حال تاکیده شده که قیمت برق تجاری و اداری با شیب تندتری افزایش یافته است. قیمت گاز خانگی هم شاهد افزایش حدودا ۴ برابری بوده است. قیمت آب هم، با آنکه گفته می‌شد در مرحله‌ی اول هدفمند شدن قرار نیست افزایش یابد، به نوشته‌ی خبرگزاری فارس به ۲۵۰ تومان برای استفاده‌ی خانگی و ۴۰۰ تومان برای استفاده‌ی صنعتی افزایش یافته است.

جالب‌تر از همه اینها، قیمت آرد است که تاکنون به صورت یارانه‌ای و با قیمت ۷۵ ریال در اختیار نانوایی‌ها قرار می‌گرفت، اما قیمت جدید آن ۲۸۰ تا ۳۰۰ تومان تعیین شده است که به معنای افزایش چهل برابری قیمت آن است. با این حال، دولت به نانوایان هشدار داده که فعلا حق افزایش قیمت را ندارند و در صورت گران شدن نان، با آنها برخورد می‌شود! احمدی نژاد هم در مصاحبه تلویزیونی خود از اهدای چهار هزار تومان یارانه‌ی نقدی اضافی به مردم بابت افزایش قیمت نان خبر داده بود. و جالب‌تر از اینها، پیش‌بینی احمدی نژاد از نرخ تورم است که در مصاحبه شنبه شب گفت: پیش‌بینی ما این است که افزایش و جهشی که در این دهک اتفاق می‌افتد حدود ۱۰ درصد است و ۱۳ درصد به هزینه‌های فعلی آن‌ها اضافه می‌شود. بنابراین ۱۵۰ هزار تومان از پول واریزی دولت برای خرج‌های دیگر آن‌ها باقی می‌ماند. هر چه به دهک‌های بالاتر می‌رویم این فاصله کم‌تر می‌شود و با محاسبات ما تا دهک ششم وضعیت مثبت است. اما در کنار این شیب نسبتا! ملایم افزایش قیمت‌ها، دولت تدابیر شدید پلیسی را برای کنترل بازار به کار گرفته و علاوه بر حضور گسترده نیروهای انتظامی در معابر، میادین و پمپ بنزین‌ها، پلیس اعلام کرده که از امروز مرحله جدیدی از طرح موسوم به ارتقای امنیت اجتماعی از امروز آغاز خواهد شد. ده هزار بازرس نیز از امروز از سوی وزارت بازرگانی ماموریت گرفته‌اند تا بازار را تحت کنترل بگیرند. پیش از این هم گفته شده بود که از نیروهای بسیج ادارات برای این منظور استفاده خواهد شد. علیرضا شجاعی سخنگوی وزارت بازرگانی نیز از "رصد لحظه‌ای قیمت‌ها" سخن گفته و وعده داده است که در روزهای آینده، بازار بدون هیچ تنشی به کار خود ادامه دهد. همزمان، مدیرعامل مترو نیز به افزایش نیافتن قیمت بلیت مترو اشاره کرده و نیز از وعده دولت برای ارائه یارانه‌ی مترو خبر داده است؛ وعده‌ای که به گفته‌ی شهردار تهران، یک سال است که عملی نشده است. خبرآنلاین هم در گزارشی از آماده‌باش پلیس خبر داده و نیز از قول برخی رانندگان شخصی، نوشته است که مسافرکشی با بنزین ۷۰۰ تومانی نمی‌صرفد و به همین دلیل کرایه‌ها باید گران شوند. مدیر عامل اتحادیه سواری کرایه بین‌شهری نیز از افزایش ۲۰ درصدی نرخ کرایه اتوبوس‌های ویژه و خودروهای سواری بین‌شهری، افزایش ۱۵ درصدی در بخش بار، افزایش ۱۲۵ درصدی در بخش مسافربری و افزایش حداقل ۱۰ درصدی کرایه‌ی خودروهای سواری داخل شهری خبر داد. وی همچنین تاکید کرد که مجوز افزایش ۲۰ درصدی کرایه سواری‌های بین شهری هم صادر شده است. این در حالی است که مسئولان دولتی به صراحت گفته‌اند به رغم افزایش قیمت بنزین و دیگر اقلام سوختی، کرایه‌های حمل و نقل درون شهری و بین شهری نباید افزایش یابند. خبرگزاری مهر نیز به کاهش محسوس حجم خرید مردم در میادین میوه و تره‌بار اشاره کرده و خبر داده که قیمت‌های این میادین به دلیل حضور ماموران و بازرسان، هنوز تغییر نکرده است. این در حالی است که خودروهای حمل میوه‌جات از امروز باید گازوئیل را با قیمت سهمیه‌ای ۹ برابری بخرند. به عقیده کارشناسان، افزایش قیمت اقلام سوختی، برق و ... همانند تاثیری که بنزین و گازوئیل از طریق افزایش هزینه‌های حمل و نقل بر کالاهای دیگر خواهند گذاشت، لاجرم بر سطح عمومی قیمت‌ها تاثیر دارند و از این رو در روزهای آتی باید منتظر تکان خوردن قیمت‌ها در خصوص کالاهایی که به طور غیرمستقیم با این اقلام هدفمند شده در ارتباط هستند، باشیم.

مردم در باره آزاد سازی قیمتها چه می گویند؟

پس از شروع اجرای آزاد سازی قیمتها واکنش های متفاوتی بین مردم بروز کرده است. از خیابان و تاکسی گرفته تا گفت و گو های خانوادگی و... . متنی که پیش روی شماست بخشی ازنظرات مردمی در سایت کلمه است که درباره آزاد سازی قیمت ها ارسال شده است.

* با سلام و خسته نباشید! تورم در حد دو رقمی باقی نخواهد ماند و بسرعت افسار پاره خواهد کرد. ولی تا هنگامیکه ظرفیتی برای جبران آن با تزریق موقتی و مصنوعی کالا از طرف دولت وجود دارد خود را آشکار نخواهد کرد. ولی نه دولت میتواند در طولانی مدت خیابانها را هم پادگانی و امنیتی کند و نه چنان ظرفیتی برای تزریق مصنوعی کالا به بازار دارد. این نیروهای امنیتی دیر یا زود باید در مرز های کشور برای کنترول قاچاق صف ببندند. واما مهمترین نکته اینست که مردم و توده های مزد بگیر و مستمری بگیر باید بجای چشم دوختن به افزایش یارانه ها روی افزایش حقوق و دستمزد خود تکیه کنند و این امر از اهمیت فوق العاده به جهت رفاه مردم برخوردار است!

* فشار اقتصادی را شاید بتونم تحمل کنم ولی توهین هایی که دیشب شدو هرگز. هم ثروتتو باج بدی هم منت رو سرت باشه هم صدقه ۴۰۰۰ تومنی نون رو بکوبن تو سرت. همه رو به ریشخند گرفته.

* کجاست حداد عادل رییس مجلس هفتم اصولگرایان که بنزین ۱۲۰تومانی سید مظلوم خاتمی را ستم بر مردم میدید و گفت عیدی مجلس به مردم کاهش مبلغ فقط ۲۰تومان افزایش سالانه بنزین و باعث جلوگیری از اجرای برنامه تنظیم شده مجلس ششم شدند؟ کجایند انهایی که قانون تثبیت قیمتها را به مجلس دادند و مجلس اصولگرایان ان را تصویب کرد؟

* ماشینی که قیمت جهانیش ۱۰ ملیون تومان است میخریم ۴۰ ملیون تومان. بهش بنزین میزنیم به قیمت جهانی!! چه امت مطیعی هستیم...

* در اینکه باید هدفمندی یارانه ها اجرا میشد شکی نیست. البته با تدابیر بسیار عاقلانه. خوب حالا که از دیشب این موضوع مهم آغاز شده و هنوز هیچ اتفاقی نیافتاده؛ شروع به ترسوندن مردم میکنین؟ بذارین کمی این موضوع پیش بره و بعد نظر بدین. مطمئنا قیمت ها افزایش پیدا میکنه؛ مثل همیشه. از اولی که تو این مملکت بودیم هر روز قیمتها بالا میرفت. اما باید الان کمی صبر کرد و بعد نظر داد.

* میشه لطفا بگن با این همه افزایش چه جوری قیمتها قراره ثابت بمونن؟ اینها فکر می کنن علم اقتصاد رو هم با گشت ارشاد و باتوم میشه کنترل کرد!

* این طرح که می گویند یکی از آرزوهای ملت ایران بوده و کارشناسان نخبه اجرای آن را منوط به سه شرط نموده بودند۱- رشد اقتصادی بسیار بالا ۲- محبوبیت دولت در بالاترین سطح ان ۳- ارامش و مقبولیت جهانی کشور که الحمدلله همه چیز مرتب است و ما هم نیز که به کارهای دولت ایراد می گیریم از مزدوران استکبار جهانی هستیم.

* دولت قیمت گذار نه خدمتگزار

* سلام. هیچ کس نگفته هر کاری که این دولت انجام می دهد به ضرر است و حتما این دولت هم با این که من آن را برخواسته از رای ملت نمیدانم نقاط مثبتی دارد. دنیا سیاه و سفید نیست! دنیا خاکستری است. اما کارشناسان اقتصادی هستند که نقد هایی به این طرح دارند ولی دولت به جای بحث و گفتگو دهانشان را می بندد. خودنان قضاوت کنید.
* این آقا دیشب به زبان چرب و شیرین هر اهانتی که به ملت خواست کرد و توپ را بصورت کامل در زمین مردم انداخت.

* درود بر احمدی نژاد رییس جمهور محبوب ملت ایران. ما از ایشان پشتیبانی می کنیم تا چشم موسوی و جنبش سبز... کور بشه.

* خوش به حال بنزین که آزاد شد.

* فعلا قراره قیمت کالا ها را فقط (و فقط) با زور اسلحه به مدت ۳ ماه و تا سال جدید تا حدودی ثابت نگه دارند... فقط خدا به داد این ملت برسد و گر نه که هیچکس فکر ملت نیست.
* به نظرم فشارش از سال دیگه است و امسال مشکلی ندارند چون پول نقد ۱۲ ماه رو برای ۳ ماه ریختن.

* هدفمندی یارانه ها بهترین طرح اقتصادی بعد از انقلاب است که دولتهای قبل هیچکدام عرضه ی اجرای آن را نداشتند و احمدی نژاد این عرضه را داشت.

* از چی شکایت می کنیم؟ این وضعیتی هست که خودمون به وجود آوردیم. احمدی نژاد و امثال او ماحصل تفکر ماست. این وعده ی الهی است که خداوند احوال هیچ قومی را تغییر نمیدهد مگر خود تغییر دهند.

* مردم هنوز نمیدانند چی شده بگذار قبض برق و گاز و آب بیاید از خواب بیدار میشوند. در ضمن... مگر ۳۰ سال کمیته امداد پول نداده؟ آیا فقیران وضعشان خوب شده؟

* مگر آقای موسوی نمی گویند هدفمندسازی یارانه ها خوبست ولی دولت نمی تواند اجرا کند. بهتر است کلمه با استفاده از نظر اقتصاددانان منتقد برنامه های خود را ارائه دهد هر چند می دانم در این خفقان کار سختی است.

* وای بر آنان که بخواهند مردم را فریب دهند.

مکروا و مکرالله فالله خیرالماکرین.

آمارهای غیر واقعی ارائه شده در مناظره های انتخاباتی خرداد ۸۸ را به یاد می آورید ؟ اخبار واقعی را به هموطنان برسانید

بنی الاسلام علی کلمتین ،کلمة التوحید و توحید الکلمة

کلمه

WWW.KALEME.COM

روزنامه کلمه شماره ۳۲ / چهارشنبه ۱ دی ۱۳۸۹ / شمارگان : ما بیشماریم

دین‌گریزی هنگامی زمینه‌ی گسترش پیدا می‌کند که دینی که ترویج می‌شود با بدیهی‌ترین اصول اخلاقی مثل صداقت و پرهیز از دروغ در تضاد باشد، به نام دین‌داری دست به جنایات هولناک زده شود، تهمت و دروغ برای از میدان به‌در کردن معترضین از تریبونهای مقدس نمازجمعه رایج شود.

میرحسین‌موسوی

نامه خانواده نوری زاد به رهبری

خانواده محمد نوری زاد رزمنده و جهادگری که به خاطر فشار و توهین در زندان دست به اعتصاب غذا زده اند در نامه ای خطاب به رهبری از آنچه در ظهر عاشورا بر آنان رفته است نوشته اند. متن نامه با اندکی تلخیص به شرح زیر است:

به نام خدای هرچه مهربانی؛ هرچه خوبی

رهبر معظم جمهوری اسلامی ایران

این‌که امروز از پس این‌همه حادثه، خطاب به شما دست به قلم برده‌ایم، تنها به این خاطر است که تمام راه‌های قانونی و مجراهای مرتبط را طی کرده و سرگردان و زخم‌دیده و بی‌پاسخ مانده‌ایم. دوست داشتیم بی‌پرده و بی‌واهمه شما را "پدر" خطاب می‌کردیم اما در این شرایط بحرانی که بر ما رفته و می‌رود، ترجیح دادیم هم‌چون معمولی‌ترین عضو جامعه، نامه‌ای برای شما بنویسیم؛ مگر که این درد بی پایان ما، اندک تسکینی یابد.

آقای خامنه‌ای

یادتان هست سال‌ها پیش، در میان انبوه جمعیتِ ولایت‌مدار و نگاه پر مهر برادران، دخترِی کم سن و سال با دستی لرزان به شما نزدیک شد و گفت: "آقا! من نمی‌دانم شما را چه صدا بزنم. یکی شما را مولای من خطاب می کند، دیگری شما را سیّد و مقتدا می خواند و آن یکی: رهبر" و شما گفتید: "بگو خامنه‌ای!" دخترک گفت: "آقای خامنه‌ای، من از شما انتقاد دارم ولی می‌خواهم خودتان این نامه را بخوانید و به این دو آقا ندهید. چون آنها نمی‌خواهند کسی از شما انتقاد کند!" شما با مهر کاغذ تا شده‌اش را گرفتید و زیر عبا گذاشتید. شما رفتید و ندانستید که ماموران و برادران، دخترک را با آن که کم سن و سال بود، بسیار مواخذه کردند. دخترک می‌لرزید و می‌گریست و سوال و جواب می‌شد، اما در دلش خوشحال بود که آقای خامنه‌ای گفته است نامه را می‌خواند. ...

آقای خامنه ای!

آن دختر، امروز دیگر اقبال گذشته را ندارد تا از رصد عزیزان بگذرد و بی‌ترس صدایتان کند: "آقای خامنه‌ای! من از شما انتقاد دارم!" اکنون حدود یک‌سال است که محمد نوری‌زاد، پدر آن دخترک، به خاطر انتقاد از شما در زندان است. خانواده‌اش حق دیدار و شنیدن صدای او را ندارند. ماموران شریف و عزیز، همسر و فرزندان او را مورد الطافی قرارداده‌اند که حریم قلم، شرح ماوقعشان را برنمی‌تابد. چندین‌بار او را محکوم کرده‌اند، بی‌آنکه حتی سخنانش را بررسی کنند و در آخر او را "مزدور اجنبی" خواندند.

آقای خامنه‌ای!

شنیده‌ایم که شما روزهای زیادی را در زندان گذرانده‌اید. از سرمای آن‌جا بر خود لرزیده و از دوری عزیزان خود اشک ریخته‌اید. در آن‌جا شاید عنوان "اعتصاب غذای خشک" به گوشتان خورده باشد. حالا، محمد نوری‌زاد بیشتر از یک‌هفته است که در اعتصاب غذای خشک به سرمی‌برد. یعنی نه آبی می‌نوشد و نه غذایی می‌خورد. ما تمام این روزها، هم‌چون همه‌ی کسانی که سلامتی عزیزشان را در خطر می‌بینند، هر مسیری را که به ذهنمان رسید، پیمودیم تا مگر از حال او خبری به‌دست ما رسد. به مسئولین مربوطه، نامه نوشتیم و به دیدار علمای دینی رفتیم تا شاید کسی بتواند امکان شنیدن صدای او را برای ما فراهم کند و ما را از این‌همه بی‌خبری و نگرانی برهاند.

آقای خامنه‌ای!

علما ما را به "توسل" فراخواندند و "صبوری". ما نیز ظهر عاشورا با لبی تشنه و قلبی ترک‌خورده مقابل اوین نشستیم و -حتی به توصیه‌ی ماموران- با صدای آرام زیارت عاشورا خواندیم. ناگهان در مقابل چشمان حیرت‌زده ی ماموران انتظامی، برادران شریف و بزرگوار لباس شخصی، بی‌هیچ کلامی، دعا از ما ربودند و حجاب از سر ما کشیدند و بر سر و دست ما تا توانستند، نواختند و تنها خدا شاهد است که در ظهر عاشورا، چه کردند با ما... تنها چیزی که در خاطرمان مانده، صحنه‌ی کشیده‌شدن بدن مادرمان بر روی زمین است، درحالیکه زمزمه ی زیر لبش "یا زینب" بود...

آقای خامنه‌ای!

مادر ما بر اثر برخورد شنیع و ناجوانمردانه‌ی عزیزان، بلافاصله در بخش مراقبت‌های ویژه بستری شد. و ما، خانواده‌ای که حالا نه مادر داشت و نه پدر، شام غریبان را اشک ریختیم و زخم یک‌دیگر را مرهم کردیم.

آقای خامنه‌ای!

کاش زمانی‌که همسر و فرزندان و خواهران محمد نوری‌زاد را می‌زدند و می‌بردند، یا وقتی از آنها بازجویی می‌کردند، و یا حتی زمانی‌که شبانه رهایشان کردند، دست‌کم خبری از حال و روز وی به خانواده‌اش می‌دادند یا نهاد و مرجع پاسخ‌گویی را معرفی می‌کردند.

آقای خامنه‌ای!

ما شما را مثل محمد نوری زاد، "پدر" خطاب نمی‌کنیم. شما را با اجازه‌ی خودتان به نام می‌خوانیم، و به دل شکسته‌ی مادر و پدری پیر و زحمتکش، برادری جانباز، همسری زخمی و بیمار و فرزندانی سرگردان و بی‌پناه ارجاع می‌دهیم که امروز حتی نمی‌دانند چه کسی مسئول است و کدام گناه نکرده، جسم و روحشان را کبود کرده است.

در پناه خدای آزادی

خانواده ی محمد نوری زاد
شنبه ۲۷ آذر ۸۹

امپراطـــوری دروغ

محمد علی رامین، معاون وزیر ارشاد برکنار شد. او گفته است که هنوز حکمی به دستم نرسیده است، اما خبر برکناری صحت دارد و مایوسانه گفته است این میز به کسی وفا نمی کند. مهرداد بذرپاش، رئیس سازمان جوانان و عضو هیات دولت، در پی اختلاف با مشایی برکنار شده است. او هم از وضعیت خود خبر ندارد اما تلویحاً می گوید که خبر صحت دارد و اعلام نتیجه را به پایان جلسه هیات دولت موکول کرده و البته برای خالی نبودن عریضه می گوید که خودش هم می خواسته است برود. معاون پارلمانی دولت می گوید بذرپاش تمایلی به کار اجرایی نداشته است و می خواهد ادامه تحصیل بدهد. اما بذرپاش اظهارات او را دروغ می خواند. فرحناز ترکستانی به ریاست سازمان جوانان منصوب شده است، اگرچه به خاطر بیماری تمایلی به پذیرش این پست نداشته و از رئیس دولت خواسته است که فرد دیگری را به این مقام منصوب کند. البته خواهزاده ی بقایی عاقبت حکم را می پذیرد! منوچهر متکی، خبر برکناری خود را از رئیس جمهور سنگال دریافت می کند در حالی که از عزل خود بی خبر بوده است. محمد رضا رحیمی می گوید که وزیر امورخارجه اطلاع داشته است. منوچهر متکی، رحیمی را دروغگو می خواند و هاشمی ثمره، متکی را به دروغ گفتن متهم می کند. مشایی از دروغ بزرگ می نالد و می گوید که او بذر برکناری بذرپاش را نپاشیده است و هتاکی به متکی به خاطر او نبوده است و شهادت می دهد که بذر پاش هنوز نیامده می خواسته برود. مهرداد هم بی مهری دولت را تلافی می کند و برای پذیرش حکم مشاورت اجتماعی مقاومت می کند. از آن طرف احمد توکلی، در یک برنامه ی زنده ی تلویزیونی معاول اول دولت را به فساد متهم می کند و او را دانه درشت بزرگ می خواند و سخنگوی قوه ی قضائیه هم از احضار رحیمی به دادگاه به خاطر اتهام فساد خبر می دهد. از طرفی دیگر رحیمی و احمدی نژاد از پرونده ی زمین خواری می گویند و تلویحاً جواد لاریجانی، معاون قوه ی قضائیه را به حیف و میل بیت المال متهم می کنند و... این هنوز از نتایج سحر است، تا کی باشد که صبح دولتشان بدمد. گویی در روزگار عطا ملک جوینی بسر می بریم که در وصف روزگار خود گفته بود: هر مزدوری، دستوری؛ هر مسرفی، مشرفی؛ هر شیطانی، نایب دیوانی؛ هر خسی، کسی و هر غادری، قادری ...

آنچه آمد، حکایت سال و ماه نیست؛ تنها روایت «یکی، دو روز» از سیاست ورزی دولتمردان مملکت ماست. دولتمردانی که داعیه ی تقوا دارند و جز غوغا نمی دانند. دولتمردانی که خود را شریعت مدار و اصول گرا می خوانند، اما چنان در غوغای قدرت گم شده اند که سهمشان از شریعت، حسین شریعتمداری است و اصالتشان را در اسلام و آرمان های انقلاب، با مشق مشایی می نویسند. کودتاچیانی که «جمهوریت و اسلامیت را برانداخته اند و باز هم مدعی نظام جمهوری اسلامی ایران اند» و غافلانه خود را صاحبان نظام می خوانند و دمی نمی اندیشند کدام نظام؟ نظامی که در میانگین تحصیلات زندانیان سیاسی آن از میانگین تحصیلات هیات دولتش بیشتر است و سابقه ی فعالیت سیاسی همه ی دولتیانِ آن در برابر سابقه ی سیاسی یکی از زندانیانَ کم می آورد؟! نظامی که ماههاست دادستان و قاضی القضاتش در پاسخ به هزاران نامه ی مودبانه و قانونی و حقوقی خانواده های زندانیان درمانده اند و جوابی برای رفتار نظامیانش ندارند و اختیاری برای برخورد با مفسدان سیاسی و اقتصادی در خود نمی بینند؟! نظامی که مجلسیانش با یک نهیب جلوس می کنند و به وکیل الدوله بودن مفتخرند؟ نظامی که، در آن فرعونی می کنند و از اسلام و دیانت دم می زنند. از دموکراسی دینی می گویند و به موبوکرات ها پناه آورده اند. پندار نیک را با سفاهت، گفتار نیک را با وقاحت و کردار نیک را با قساوت یکی گرفته اند و بی شرمانه از مکتب ایرانی می گویند . روزها به تمدن ایرانی می نازند و شب ها به خانه های ایرانیان می تازند. به اسم مهرورزی، عوام فریبی می کنند و به نام ملت، دولت می پرورند. توهم و خرافاتشان را بصیرت می دانند و نمی دانند که به جهل مرکب گرفتارند. بزرگ ترین زندان خبرنگاران جهان را بنا کرده اند و از آزادترین کشور جهان می گویند و رتبه ی اول اعدام های جهان را با داعیه ی مدیریت جهان یکجا می خواهند و ... آنچه آمد، آنچه این روزها بر ما و در مملکت ما می گذرد، اگرچه نفس گیر و دردناک است اما ابداً عجیب نیست. تا روزی که سنگ ها را بسته و سگ ها را رها کرده اند، اوضاع سیاست ورزی و حال و روز سیاستمداران بهتر از این نخواهد بود.

به قول مولانا:

چون سلاح و جهل، جمع آمد به هم
گشت فرعونی جهان سوزْ از ستم
چون سفیهان راست، این کار و کیا
لازم آمد؛ یقتلون الانبیا
چون قلم در دست غدّاری بود
لاجرم منصور، بَر داری بود

بنی الاسلام علی کلمتین ،کلمة التوحید و توحید الکلمة

کلمه

میلاد عیسی مسیح گرامی باد

WWW.KALEME.COM

روزنامه کلمه شماره ۳۳ / شنبه ۴ دی ۱۳۸۹ / شمارگان : ما بیشماریم

وقتی سانسور از زاویه دید یک دولت مطرح می‌شود اهداف بلند مدت آن دولت به زیر سوال می‌رود. کسانی که خواستار یک ایران بزرگ و پیشرفته در جهان هستند با سانسور مخالفند. افراد خلاق و هنرمندان می‌توانند در این عرصه بیش از سیاستمداران دلسوز دولت و ملت باشند

میرحسین موسوی در دیدار با هنرمندان

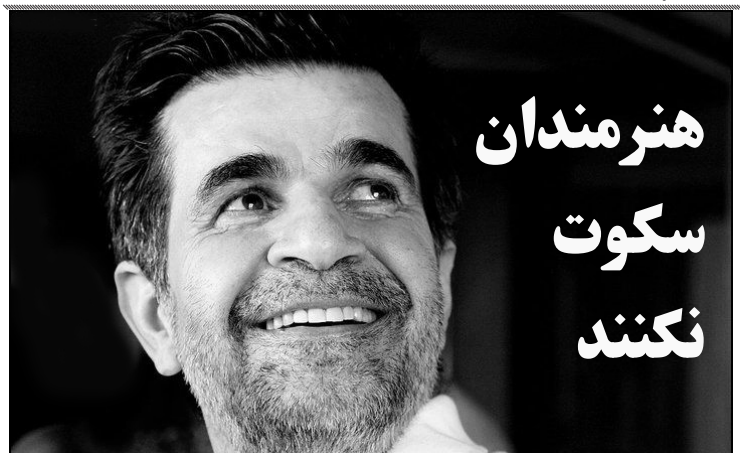

آخرین جملات شهید میثم عبادی در گفت وگو با پدرش

میثم در آن لحظه چه می‌گفت که گلوله خورد؟

میثم عبادی از نخستین شهدای جنبش سبز به حساب می‌آید. میثم ۱۶ ساله در روز ۲۴ خرداد ماه مورد اصابت گلوله قرار گرفت و به شهادت رسید. او کارگر یک کارگاه خیاطی بود و روزهایش را در این کارگاه سپری می‌کرد تا کمک خرج خانواده و به خصوص پدرش باشد که دیگر نمی‌توانست کار کند. گفت و گوی کلمه را با پدر این شهید بخوانید:

*** آقای عبادی، شکایتتان از قاتل یا قاتلان میثم به کجا رسید؟**

– الان شکایت در شعبه‌ی یک دادگاه جنایی ثبت است. اما این ثبت شکایت فایده ای ندارد. من می‌خواهم رییس قوه قضاییه را ببینم و از او بپرسم چرا پسر بی‌گناهم را کشته‌اند؟

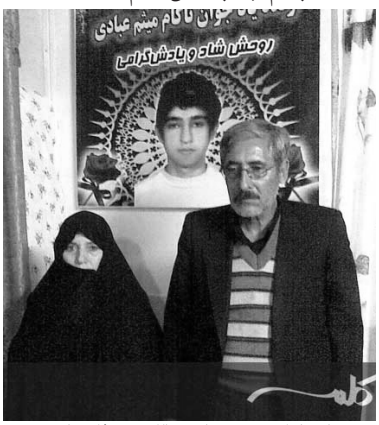

*** چرا شکایت به مراجع قانونی فایده‌ای ندارد؟ وقتی برای پیگیری پرونده می‌روید، به شما چه می‌گویند؟**

– وقتی می‌روم و می‌پرسم «قاتل پسرم را پیدا کردید یا نه؟» رو به من می‌گویند: «می‌خواست از خانه بیرون نرود! حتی می‌گویند: «کیانشهر کجا و خیابان ولی عصر کجا؟ چرا پسرت از خیابان کیانشهر رفته بود خیابان ولی عصر!» من خیلی از شنیدن این جملات ناراحت می‌شوم. حتی بارها گریه کردم. می‌دانید وقتی این حرفها را می‌شنوم، آن‌قدر حالم گرفته می‌شود که اصلا نمی‌توانم حرفی بزنم و اصلا از آمدنم برای پیگیری پشیمان می‌شوم. یک بار که برای پیگیری به دفتر ریاست‌جمهوری رفتم، کارمندی در آنجا گفت: «پسرت اغتشاشگر بوده، چرا پسر من را نکشتند؟» یعنی آن روزها که نصف جمعیت تهران بیرون بودند و برای اعتراض هم رفته بودند، باید همه را می کشتند؟ یعنی پسر من حق نداشته به خیابان ولی عصر برود؟ برای پیگیری دیگر به کجاها سر زدید؟ به هرکجا که فکرش را بکنید. دفتر رهبری، دفتر ریاست جمهوری، دادستانی و دادگاه جنایی و ... اما هیچ جا جواب درستی به من ندادند.

*** ضارب را هنوز پیدا نکرده‌اند؟**

– هر بار چیزی می‌گویند. دفعه‌ی آخر که برای پیگیری رفتم، گفتند: «ما نمی‌دانیم قاتل کیست، شما بگویید که کیست تا ما دستگیرش کنیم.» البته همان اوایل یک بسیجی را دستگیر کردند و گفتند «قاتل پسرت است»، اما بعد او را آزاد کردند. قاضی خودش رو به من گفت: «من نمی‌توانم این بسیجی‌ها را دستگیر کنم و با اینکه پرونده‌ی شما سه سال باز می‌ماند، من نمی‌توانم کاری کنم.» او با زبان خودش به من گفت که نمی‌تواند بسیجی‌ها را بازداشت کند. گفت که خانواده دارم و نمی‌توانم. یعنی قاضی هم از یک بچه‌ی ۱۵ ساله حساب می‌برد. حالا نمی‌دانم باید برای پیگیری چه کنم.

*** تا حالا کسی از مراجع قانونی یا دولتی به شما سر زده است؟**

– بله، یک بار از شورای شهر و یک بار هم از هلال احمر آمدند. یک بار هم از بنیاد شهید آمدند و یک کارت برایم آوردند، یک کارت به جای پسرم. آخر این کارت به چه کارم می‌آید؟ پسر من فقط چند ساعتی از خانه بیرون رفته بود؛ باید جنازه‌اش را شب به من تحویل می‌دادند؟

*** میثم دقیقا چگونه کشته شد؟**

– دوستانش بعدا برای ما ماجرا را گفتند که وقتی میثم و دو دوستش را به میدان ولی عصر راه نمی‌دهند، آنها سوار اتوبوس می‌شوند و در چهارراه پارک‌وی پیاده می‌شوند؛ جایی که زد و خوردهایی بین معترضان به نتایج انتخابات و نیروهای بسیج و لباس شخصی در جریان بوده است. در آن محدوده ظاهرا یک بسیجی دختری را به شدت با باتوم کتک زده و بعد هم روی زمین می‌کشیده است. میثم که این صحنه را می‌بیند، به شدت عصبانی می‌شود و اعتراض می‌کند و جواب اعتراضش هم گلوله‌ای بود که به شکمش اصابت می‌کند. میثم رو به آن شخص گفته بود: «چرا با دختر مردم این‌طور می‌کنی؟ مگر خودت ناموس نداری؟» که بعد از آن صدایش برای همیشه خاموش می‌شود. خب، او همیشه به این مسایل حساس بود.

*** حرف آخرتان؟**

– از مسئولان می خواهم قاتل فرزندم را پیدا کنند. در جنگ همه‌ی ما رفتیم و برای دفاع از اکمان جنگیدیم و حتی کشته هم دادیم. اما نمی‌فهمم بچه‌ی من و امثال او چرا کشته شدند مگر چه می‌خواستند؟ چند بار هم از قول من خبرگزاری‌های دولتی مطالبی را درباره‌ی آقای موسوی و کروبی منتشر کردند که همه دروغ بودند. من از آنها شکایت کردم و شکایتم را پیگیری هم کردم، اما در نهایت گفتند کسی که این مطالب را نوشته، انتقالی گرفته و رفته است. اما همین‌جا دوباره می‌گویم که آن حرفها دروغ محض بوده است.

بای ذنب قتلت
شهید میثم عبادی ، آیا نمونه ی شهید امر به معروف و نهی از منکر نیست؟

حکم اعدام برای جعفر پناهی بهتر نبود؟

انتشار خبر محکومیت جعفر پناهی، فیلمساز، که پس از انتخابات ریاست جمهوری ایران بازداشت شد، و به ۶ سال حبس تعزیری و ۲۰ سال محرومیت از فیلمسازی، فیلمنامه نویسی، ممنوعیت سفر به خارج از ایران و ممنوعیت گفتگو با رسانه های داخل و خارج ایران محکوم شده است، موجی از اعتراض را در میان هنرمندان و سینماگران سراسر جهان برانگیخته است. بیش از چهار هزار و پانصد تن از سینماگران، بازیگران، مولفان، وکلا و پزشکان با امضای طوماری اعتراض خود را نسبت به حکم جعفر پناهی اعلام کرده اند. . حسین زمان، هنرمند و خواننده، درباره محکومیت جعفر پناهی می نویسد: بهتر نبود حکم اعدام جعفر پناهی را صادر می کردند؟ مگر این حکم فرقی با اعدام دارد؟ شش سال زندان و بیست سال حرف نزدن، فیلم نساختن، فیلم نامه ننوشتن و بعنوان یک هنرمند شناخته شده بین المللی در کشور محبوس شدن و ممنوع الخروج بودن آیا معنای دیگری جز اعدام برای یک هنرمند مانند جعفر پناهی دارد؟ مگر پناهی چه کرده است که باید به اشد مجازات برسد؟ ضمن ابراز انزجار از حکم صادر شده برای هنرمند با ارزش کشور جناب آقای پناهی، بایستی به دیگر دوستان هنرمند به ویژه در عرصه فیلم و سینما عرض کنم سکوت و بی تفاوتی در برابر چنین ظلمی به معنای پذیرش هر نوع بی عدالتی در حق هنرمندان این مرز و بوم می باشد. امروز سکوت جامعه هنری در مقابل این هنرکشی و هنر ستیزی بعنوان یک ننگ در تاریخ هنر این کشور ثبت خواهد شد. مطمئن باشید اگر امروز از جعفر پناهی دفاع نشود فردا و فرداهای دیگر بجای هنرنمایی بایستی مانند عروسک های خیمه شب بازی منتظر بمانیم تا نخ های دست و پایمان را بکشند و به حرکتمان در آورند. برخورد با جعفر پناهی، برخورد با هنر متعهد و مسئول است. امروز بی بهره گان از هنر و کسانی که سینما آتش می زدند به فیلم سازی مشغول اند و از همه نوع حمایت برخوردارند و جعفر پناهی بایستی درگوشه زندان بنشیند. پیام حکم زندان جعفر پناهی به دیگر هنرمندان این است: هنری که در اختیار حکومت نباشد، هنری که برای حکومت به نمایش در نیاید و هنری که تحت فرمان نباشد، محکوم به نابودی و اعدام است. در چنین شرایطی بهتر نیست جامه هنر از تن به در کنیم و ننگ و ذلت و خواری را برای خود نخریم؟

رنجنامه‌ی همسر نوری‌زاد و همسر تاج‌زاده به محضر مراجع معظم

فاطمه ملکی و فخرالسادات محتشمی پور درنامه ای که برای حضرات آیات وحید خراسانی، شبیری زنجانی، صانعی، جوادی آملی، موسوی اردبیلی، بیات زنجانی، مکارم شیرازی و صافی گلپایگانی، امینی، خرازی و همچنین مجمع مدرسین و محققین حوزه علمیه قم ارسال شده، تاکید کرده اند که: ما برای افشای عمله جور که بی شرمانه روز عاشورا را برای حمله به خانواده مظلوم زندانیانی که در انفرادی و قرنطینه نگاه داشته شده و روزه دار و عطشان، مرگ را بر زندگی ننگین مرجح داشته اند، ترس و واهمه را کنار گذاشته حضور مبارکتان عرضه می داریم که این جان ناقابل در برابر خون هایی که روز عاشورا برای احیای دین محمد(ص) ریخته شد ارجمندی ندارد که به فکر حفظ آن باشیم. بنابراین نه تهدید و ارعاب و نه آزار و هرگونه آسیب محتمل بر ما و خانواده مان موجب عقب نشینی از راه حق نخواهد بود. آن چه به عنوان فتنه و فساد مخالفان و منتقدان دولت مستقر توسط مأموران حکومت به طور مستمر عرضه می شود دروغ و فریبی است که خداوند ما را مأمور افشای آن نموده و به سوی شما بزرگواران رهنمون کرده بود. در صحت گفتار ما همین بس که آقایان نه حرمت ماه های حرام را دارند و نه حرمت هیچ یک از محرمات الهی را.

بنی الاسلام علی کلمتین ،کلمة التوحید و توحید الکلمة

کلمه

WWW.KALEME.COM

روزنامه کلمه شماره ۳۴ / دوشنبه ۶ دی ۱۳۸۹ / شمارگان : ما بیشماریم

اصل دوم در برنامه دولت امید، تحول در جایگاه بخش خصوصی و ارتقای آن در نظام تصمیم‌گیری کشور است. تشکل‌های مدنی از جمله اتحادیه‌های کارگری و کارفرمایی باید همکار و شریک دولت شوند. ارتقای حضور بخش خصوصی اصل مهمی است که باید در همه بخش‌های کشور حاکم گردد

از رئوس برنامه های اقتصادی میرحسین موسوی

سرکوب اقلیت‌های قومی، یک سیاست صهیونیستی

میرحسین موسوی در مصاحبه با روزنامه قلم سبز، در پاسخ به سوالی در خصوص اسناد منتشره توسط ویکی لیکس، به چند سند به صورت خاص اشاره کرده بود. میر حسین در میان این اسناد، درباره یکی از آن‌ها گفته بود: «سند مربوط به تحریک اختلافات قومی از سوی اسرائیل باید برای همه ملت ما و از جمله قومیت‌ها هشدار دهنده باشد و من یقین دارم که تنها اسرائیل از این سیاست سود نمی‌برد و در سطح جهان و منطقه کشورهای هم عقیده فراوانی با اسرائیل همسو هستند.» براساس «این سند»، رئیس سازمان اطلاعاتی اسرائیل به مقام‌های آمریکایی پیشنهاد داده است که از ظرفیت موجود در گروه‌های قومی برای تغییر در نظام حاکم بر جمهوری اسلامی استفاده شود. در این سند آمده است که داگان، رئیس موساد، سه سال پیش به به یک مقام بلند پایه‌ی آمریکایی گفته است: «باید با تحریک گروههای قومی مانند آذری‌ها، کردها، بلوچ‌ها که مخالف رژیم حاکم هستند و با کمک به جنبش‌های دانشجویی دموکراسی خواه، برای تغییر رژیم در ایران اقدام کرد.» با دقت در محتوای «این پیشنهاد» نه تنها می‌شود به رویکرد اسرائیل درخصوص مسائل قومی ایران پی برد، بلکه می‌توان با مروری بر مهم‌ترین مسائل قومی، به «سیاست‌ها و عملکردهایی که خواسته یا ناخواسته به هم سویی با صهیونیسم منجر می‌شود» پرداخت و از خلال آن به ظرفیت‌ها، فرصت‌ها و تهدیدهای موجود در «این مسائل» پی برد. «دولتمردانی» که به هر بهانه‌ای، در اجرای قانون اساسی درنگ می‌کنند و یا به آن وقعی نمی‌نهند، نه تنها حقوق گروهی قومیت‌ها را نادیده می‌گیرند و آن‌ها را از حقوق اولیه‌ی خود محروم می‌کنند، بلکه با نادیده گرفتن این پیمانِ ملی، گام‌های خطرناکی را «هم‌سو با دشمنان ملت» بر می‌دارند که خوابِ فروپاشی و نابودی ایران را می‌بینند. به تدریج، عدم توجه به حقوق قومیت‌ها در قانون اساسی، نه تنها شکاف‌های بالقوه‌ی قومی و فرهنگی را «تشدید» می‌کند، بلکه به منشاء شکاف‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی تبدیل می‌شود. اگر «توسعه‌ی ناموزون» و «فقر طبقاتی» و «عدم حضور اقلیت‌ها در ساختار قدرت» مشاهده می‌شود، همه و همه علائم ظلم‌های مضاعفی است که بر قومیت‌ها می‌رود و بیش از هر چیز به عدم اجرای قانون اساسی بر می‌گردد. طرفه آنکه «اصرار بر اجرای قانون اساسی»، آن‌گاه که مطابقِ سلیقه‌ی مجری قانون نباشد و به هر دلیل به مذاقش خوش نیاید، می‌تواند با برچسب‌های امنیتی و سیاسی پیشاپیش محکوم شود و سیاسی دیدن حقوق اقلیت‌ها و نشانه‌های فرهنگی چون لباس، زبان و موسیقی که ابزار و اسباب پیشرفت فرهنگی و اجتماعی‌اند، سبب می‌شود تا این «لوازم حیات اجتماعی»، به «عوامل تهدید» تعبیر شوند و لاجرم! فرصت‌های فرهنگی و اجتماعی هر از گاهی به تهدیدهای امنیتی تبدیل شوند؛ و اسف‌بارتر از همه، نهادینه شدن بی‌قانونی است. تا جایی که دولتی که «موظف» به آموزش زبان مادری در کنار زبان رسمی است، نه تنها از آن سرباز می‌زند، بلکه مدعیان آن را دشمنان ملت می‌نامد! و باز هم بی‌دلیل نیست که اولین گروههایی که به نام قانون و به بهانه‌ی امنیت ملی، از حقوق خود محروم می‌شوند و در دفاع از حقوق خود محکوم می‌شوند، اقلیت‌ها هستند. میرحسین موسوی، در بیانیه ای که در آستانه‌ی انتخابات دهم منتشر ساخت، با تاکید بر جایگاه قانونی و انسانی حقوق اقلیت‌ها و لزوم پرداختن به آن‌ها آورده بود: «... توجه به مطالبات بر حق اقوام که تمامی آن‌ها در متن قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ملحوظ شده است، همبستگی، وحدت ملی و امنیت ملی را تقویت می‌نماید. یکی از مهم‌ترین عواملی که در اصلاح وضع موجود مؤثر می‌باشد بازنگری در نوع تفکر مدیریت کشور نسبت به اقوام است. این رویکرد متناسب با اصل نوزدهم قانون اساسی است که با تأسی از آیه‌ی ۱۳ سوره‌ی حجرات تأکید می‌کند «مردم ایران از هر قوم و قبیله که باشند از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ، نژاد، زبان و مانند این‌ها سبب امتیاز نخواهد بود.» و البته مهندس موسوی، به همین اکتفا نکرده و راهبردها و سیاست‌های روشنی را نیز برای احقاق حق و جبران ظلم‌های رفته بر اقلیت‌ها پیش بینی کرده بود. راهبردها و سیاست‌هایی چون «تأمین مطالبات قانونی اقوام در چارچوب قانون اساسی»، «تقویت اعتماد، مشارکت و رضایت میان حاکمیت و اقوام از طریق توزیع عادلانه ثروت، قدرت و منزلت»، «توسعه متوازن اقتصادی و اجتماعی در مناطق قومی و مرزی طی یک برنامه مشخص جهشی و مدت‌دار همراه با اولویت اجرای برنامه بازسازی و توسعه همه جانبه مناطق آسیب دیده از جنگ در غرب و جنوب کشور» و... «مشارکت اقوام و مذاهب در عرصه‌های تصمیم‌گیری ملی و ایجاد احساس خودی دانستن ایشان و باور به نقش مؤثر آنان در سطح ملی.» امید است روزی هر آنچه بزرگانی چون میر حسین موسوی همه‌ی مدافعان حق، برای ملت ایران و اقوام ایرانی می‌خواستند

نتیجه‌گزارش به مجلس نشان می دهد:

اکثر واگذاری ها به بخش خصوصی قلابی بوده است

سومین گزارش کمیسیون ویژه نظارت بر اجرای اصل ۴۴ در صحن علنی مجلس قرائت شد؛ گزارشی که از تخلفات گسترده دولت در روند خصوصی‌سازی و واگذاری‌های غیرقانونی پرده برمی‌داشت.

این گزارش نشان می دهد که با وجود واگذاری‌های صوری صورت گرفته، تصدی‌گری دولت در اداره بنگاههای واگذار شده همچنان ادامه دارد و همچنین از اینکه احمدی نژاد ”نقدهای وارده بر واگذاری‌ها را ناشی از تمایل به واگذاری شرکت‌های دولتی به گروه‌ها و افراد خاص و رانت‌خوار“ تلقی کرده، به شدت انتقاد می‌کند و آن را مغایر با تذکرات رهبری می‌داند!.

گزارش کمیسیون ویژه نظارت و پیگیری اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی، همچنین تصریح می‌کند که :تصدی دولت در اداره بنگاه‌های خصوصی سازی شده همچنان ادامه دارد. پس از قرائت این گزارش که به واگذاری‌های غیرقانونی دولت اشاره داشت، در حالی که نماینده دولت سکوت کرده بود، شش نفر از نمایندگان مجلس فرصت یافتند تا در اعتراض به خصوصی سازی ظاهری دولت نطق کنند.

موسی‌الرضا ثروتی نماینده بجنورد گفت: واگذاری‌ها به بخش خصوصی خیلی کم و حداکثر ۱۳/۵ درصد بوده و بقیه دولتی یا شبه دولتی بوده که باعث تاسف است.

عجایب قرن! سهام ایران خودرو و سایپا را خود دولت خریده !

وی ادامه داد: حتی در مواردی هم که این سهام به بخش خصوصی واگذار شده، شاهد تداوم مدیریت دولتی در بخش‌های واگذار شده هستیم که اصل خصوصی سازی را زیر سوال می‌برد.

ثروتی با اشاره به اینکه شرکت‌های زیر مجموعه سایپا، سهام سایپا را خریده است، این را از عجایب قرن خواند و گفت: وزیر صنایع جلسه محرمانه می گذارد که دوباره این سهام را برای دولت بخرند! کما اینکه سهام ایران خودرو و سایپا را خود دولت خریده است.

زمین شرکت‌های واگذار شده را می فروشند...

این نماینده گفت: بسیاری از شرکت ها واگذار شده اما مدیریت آنها واگذار نشده است نماینده بجنورد مشکلات پس از واگذاری را از دیگر مشکلات اجرای قانون اصل ۴۴ دانست و گفت: بعضی مواقع شرکت ها به کسانی واگذار شدند که اهلیت و شایستگی لازم را نداشتند و پس از گرفتن شرکتی اقدام به اخراج کارگران کرده و تمام زمین های آن را می خواهند بفروشند یا در آن ساخت و ساز انجام دهند.

انتقاد از جایگزینی شرکت‌های دولتی با شبه‌دولتی‌ها

نماینده مردم لنگرود، جلسه مجلس گفت: اگر قرار باشد شرکت‌های دولتی را از بین ببریم و شرکت‌های شبه‌دولتی به وجود بیاوریم، به طور قطع به اهدافی که در اصل ۴۴ قانون اساسی ذکر شده، نخواهیم رسید. لاهوتی معتقد است بسیاری از گروه ها مانع می شوند که بخش های خصوصی وارد خرید این شرکت ها شوند و تاکید کرد: واگذاری به افراد و یا شبه دولتی ها که توان اداره این شرکت ها را ندارند درست نیست، در این صورت هدف این واگذاری ها چه می شود؟ ما می خواهیم این شرکت ها با تفکر خصوصی اداره شوند و ما را از اقتصاد دولتی نجات دهند.

دولت: ما صحبتی نداریم!

جمشید انصاری نماینده زنجان نیز نسبت به عدم حضور نماینده دولت برای پاسخگویی درباره گزارش مجلس از خصوصی‌سازی تذکر داد که علی لاریجانی در جواب وی گفت: از نمایندگان دولت دعوت کرده بودیم ولی اعلام کردند صحبتی نداریم! نماینده مرودشت و ارسنجان در مجلس هم گفت: با وجود تاثیرات اصل ۴۴ قانون اساسی برخی واگذاری ها به تعطیلی کارخانه ها و بیکاری و اخراج کارگران می انجامد.

در خوشبینانه‌ترین تحلیل، تنها ۱۳ درصد به بخش خصوصی واگذار شده است.

---

* مسعود آقایی از از مدیران ستاد بازسازی خرمشهر در دوران نخست وزیری میرحسین موسوی، دیروز، چهارم دی ماه به زندان اوین بازگردانده شد . وی سال گذشته به همراه همسرش بدر السادات مفیدی ، دبیر انجمن صنفی روزنامه نگاران بازداشت شده بود.

* پس از اعلام آمادگی محسن میردامادی برای مناظره با عباس نبوی که در پی مواضع وی در برنامه «دیروز، امروز، فردا» صورت گرفت، اکنون عباس نبوی از پیشنهاد مناظره با محسن میردامادی استقبال کرده است

* بهاره هدایت، دانشجوی زندانی که از یک هفته پیش در اعتراض به ممنوع‌الملاقات شدن خود دست به اعتصاب غذا زده بود، در پی اوضاع نامساعد جسمی به بهداری منتقل شده است.

* سلحشور، کارگردان ادعا کرد: خانه سینما متعلق به این انقلاب و جامعه و در جهت این انقلاب نیست زیرا نه بنیانگذار، نه سیاستگذاری‌ها و نه خط مشی و اداره خانه سینما متناسب با اصول اسلام و انقلاب نیست.

* سخنگوی شورای شهر تهران گفت: تاثیر هدفمندی یارانه‌ها بر روی برق مترو به‌گونه‌ای است که حدود ۳۴۰ تومان بر روی قیمت تمام شده بلیط مترو اضافه می‌کند که ظاهراً این میزان باید از مسافران گرفته شود.

* آرش صادقی، فعال دانشجویی و عضو ستاد موسوی، که به دلیل مورد ضرب و شتم قرار گرفتن در بند امنیتی زندان اوین به اعتصاب غذا دست زده بود، پس از هفده روز جمعه شب اعتصاب غذای خود را شکست.

بنی الاسلام علی کلمتین ،کلمة التوحید و توحید الکلمة

کلمه

WWW.KALEME.COM

روزنامه کلمه شماره ۳۵ / چهارشنبه ۸ دی ۱۳۸۹ / شمارگان : ما بیشماریم

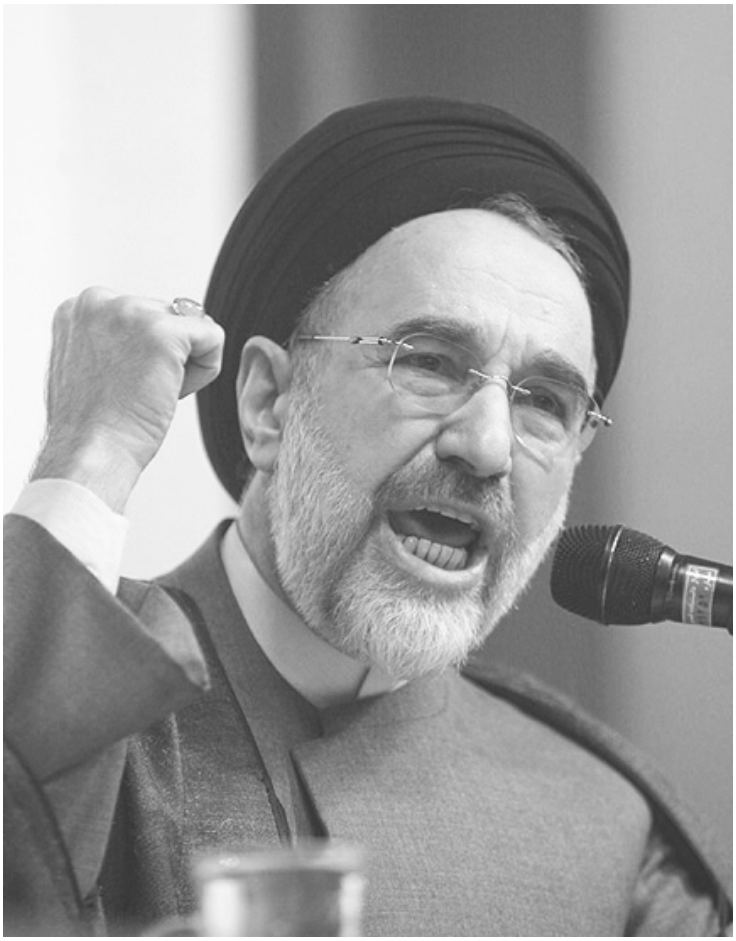

خاتمی کف خواسته های اصلاح طلبان را اعلام کرد:

آزادی زندانیان سیاسی، اجرای همه‌جانبه قانون اساسی، تضمین انتخابات آزاد

رییس جمهور سابق کشورمان در دیدار با اعضای فراکسیون خط امام مجلس شورای اسلامی گفت: مجلسی که بر آمده از اراده آزاد وتصمیم واقعی مردم باشد ، می تواند جلوی دیکتاتوری ها و انحرافات و بسیاری از مشکلات و کجرویها را بگیرد. وی با اشاره به رد صلاحیت غیرقانونی بسیاری از کاندیداهای اصلاح طلب در انتخابات مجلس گذشته گفت: همه نمایندگان با هر گرایش سیاسی قابل احترام هستند؛ اما اقلیت مجلس بدلیل حذف کاندیداهای اصلاح طلب که خواست و اراده اکثریت معنوی جامعه را نمایندگی می کند وظیفه سنگینی دارد. وی گفت: اگر ۲۹۰ کاندیدای ما در حوزه های انتخابیه را تایید صلاحیت می شدند، امروز جریان اصلاحات جریان غالب مجلس هشتم نبود؟اگر آنها جایگاهی در میان مردم ندارند چرا تمهیداتی فراهم می کنید تا آنها در معرض رای مردم قرار نگیرند؟ وی تاکید کرد که منظورازانتخابات ناسالم فقط امکان وقوع تقلب در رای گیری نیست، بلکه تاکید ما بر انتخابات سالم ، حفظ سلامت در تمامی مراحل انتخابات از مقدمات تا نحوه تشخیص صلاحیتها ، حقوق کاندیداها در نظارت بر صندوقها و روند رای گیری و شمارش آرا است. خاتمی افزود: اگر خروجی انتخابات این باشد که مردم احساس کنند که اولا کاندیداهایشان در انتخابات حضور دارند و ثانیا آرای اعلام شده همان آرای داده شده است و مقدمات انتخابات مانع حضورشان نشده ، بر سلامت آن اطمینان خواهند یافت و همگی با اشتیاق در انتخابات شرکت می کنند. رییس جمهور سابق کشورمان کف و خواست اصلاح طلبان را در گذشته و امروز چنین بر شمرد: ۱- آزادی زندانیان و ایجاد فضای آزاد برای همه احزاب و گروهها و رفع محدودیت های نا به جا ۲- پای بندی همگان بخصوص مسئولان به قانون اساسی و اجرای همه جانبه و کامل آن بخصوص اهتمام به روح قانون اساسی؛ ۳- فراهم آوردن سازوکاری برای برگزاری انتخابات سالم و آزاد. وی با اشاره به اینکه تا انتخابات زمان بسیاری مانده افزود: اگر این شرایط محقق شد تصمیم می گیریم که چگونه عمل کنیم. اما با توجه به روندی که هم اینک حاکم است به نظر می رسد شرایط در آینده سخت تر و راهها بسته تر و محدودیت ها گسترده تر خواهد شد. وی افزود: نمی شود به جز یک سلیقه برای همه سلیقه ها انواع محدودیت ها را ایجاد و انواع اتهامات را ردیف کرد و بعد گفت آزادی و مردم سالاری وجود دارد.نمی شود کسانی را که در جبهه ها بودند، هشت سال از انقلاب و مردم دفاع کردند و در کنار امام خدمات شایسته ای به نظام داشته اند را به اتهام دروغ ضدیت با نظام حبس یا حذف کرد. چرا با خانواده های زندانیان که متقاضی حقوق مسلم شرعی و قانونی زندانیان شان هستند برخورد ناروا می شود. رییس جمهور سابق کشورمان در ادامه به فضای سیاسی کشور اشاره کرد و گفت:فضای امروز کشور نه متناسب با شان نظام جمهوری اسلامی است و نه به نفع افراد است. فضای امنیتی، سخت گیریهای عجیب و غریب و اتهام زنی ها، دروغ گویی ها که به نام نظام حاکم شده و با این دروغ ها و دروغ پردازی ها برخورد نمی شود؛ از دروغگویان و از تهمت زنندگان شکایت می شود، اما رسیدگی نمی شود . حتی مراجع بزرگوار و شخصیت های برجسته را نیز مورد تعرض و اهانت قرار می دهند و برای مراجع دستور و تکلیف صادر می کنند یا به آنها تعرض می نمایند ولی کسی جلوی آنها را نمی گیرد و در مقابل دمادم نیروهای فعال اجتماعی را می گیرند یا محدود می کنند. حد اهانت از اشخاص و افراد به نهادهایی چون مرجعیت رسیده است و هیچکس در مقابل اهانت کنندگان نمی ایستد و به راحتی دروغ می گویند، تهمت می زنند و متاسفانه برخی برخوردهای نهادهای رسمی قضایی و امنیتی نیز مبتنی بر همین دروغ ها و تهمت هاست. رییس جمهور سابق کشورمان تاکید کرد:خیال نکنند این روش های بر خلاف موازین قانونی و شرعی به نفع نظام تمام می شود. وی افزود: ستم و ظلم بد است و بدتر از آن این است که به نام نظام و انقلاب ستم شود. انقلاب آمد تا به کسی ستم نشود **متن کامل سخنان سید محمد خاتمی را در سایت کلمه بخوانید.**

اخراج ۳۰۰ کارگر کرد در یک ماه

بیش از ۳۰۰ تن از کارگرانی که در پروژه سد آزاد به‌تیر – که بین شهرهای سنندج و مریوان قرار دارد – در یک ماه اخیر از کار اخراج شدند. در این پروژه حدود ۱۲۰۰ کارگر به صورت قراردادی مشغول به کارند.

دانش آموزان و معلمان موظف شدند در مراسم خودجوش شرکت کنند

طی بخشنامه ای امتحانات سه شنبه و چهارشنبه این هفته ی همه مدارس استان البرز به دلیل سفر احمدی نژاد لغو و دانش آموزان و معلمان موظف شده اند در این استقبال خودجوش شرکت کنند!

سه سال زندان به اتهام شعارنویسی روی دیوار زندان

مصطفی کامرانی چندی پیش به قصد ملاقات با برادر زندانی اش کیارش به اوین رفته بود روی یکی از دیوارهای سالن ملاقات با رنگ سبز نوشته بود: "عاقبت روزی اینجا را موزه خواهیم کرد". به همین دلیل او هم مانند برادرش بازداشت و به زندان محکوم شد.

دیدار زهرا رهنورد با خانواده نازنین خسروانی

زهرا رهنورد با خانواده نازنین خسروانی، روزنامه‌نگار زندانی، دیدار و گفت‌وگو کرد. خانواده‌ی نازنین در این دیدار از پیگیری‌هایی که در این مدت انجام داده‌اند سخن گفتند و تاکید کردند که نازنین تنها یک بار تماس تلفنی داشته و خانواده از هرگونه امکان ملاقات و یا تماس با او محروم بوده‌اند.

چهار ماه حقوق معوقه کارگران کارخانه ای در قزوین

چهار ماه حقوق ۲۳۰ نفر از کارگران کارخانه تبد قزوین – وابسته به بنیاد جانبازان – پرداخت نشده است.

مصاحبه تلوزیونی کنید وگرنه اتهام جدیدی می زنیم

مجید توکلی و بهاره هدایت، دانشجویان زندانی، با اتهامات جدیدی روبه‌رو شده‌اند. این اتهامات مربوط به نامه ی آنها است که به مناسبت روز دانشجو در رسانه‌ها منتشر شد. گفتنی است از آنها خواسته شده است که انتساب نامه به خود را طی یک مصاحبه تلویزیونی تکذیب کنند، در غیر این‌صورت پرونده‌ی جدیدی با اتهامات مذکور برای آنان تشکیل خواهد شد.

تجمع کارگران خوزستانی

بیش از ۵۰۰ نفر از کارگران کارخانه‌های نی‌بر هفت تپه و کشت و صنعت کارون شوشتر مقابل اداره کل تامین اجتماعی خوزستان تجمع کردند. عدم محاسبه سنوات بیمه ای این کارگران از سال ۶۸ تاکنون دلیل اعتراض آنها اعلام شده است.

بازداشت دو فعال فرهنگی در لرستان

سید رحیم سیف السادات رئیس سابق آموزش و پرورش لرستان و عنایت صادقی نژاد استاد فلسفه و منطق دانشگاه در جریان مراسم مذهبی محرم، توسط نیروهای امنیتی بازداشت و به نقطه نامعلومی برده شده اند. گفتنی است صادقی نژاد در شب تاسوعا سخنرنی ای با عنوان "قیام سیدالشهداء علیه بیداد یزیدی" ایراد کرده بود که ساعاتی پس از آن بازداشت می شود.

سرقت وسایل دفتر «پلمپ شده» کروبی

در سایت کلمه مشروح این خبر را بخوانید

بجز چند روزنامه اقتدارگرا که مشغول فحاشی و دروغ پردازی علیه خاتمی هستند، نام بردن از خاتمی در دیگر رسانه ها ممنوع است. رسانه شمایید

بنی الاسلام علی کلمتین ،کلمة التوحید و توحید الکلمة

کلمه

ویژه نامه بیانات مراجع

WWW.KALEME.COM

روزنامه کلمه شماره ۳۵ - ویژه نامه - / چهارشنبه ۸ دی ۱۳۸۹ / شمارگان : ما بیشماریم

امام علی (ع) درفرمانی اعتراف در ۴ مورد را بی‌اثر شمردند: اقرار کسي که به او **اهانت** مي‌کنند، اقرار کسي که در حال **ترساندن** اعتراف مي‌کند، اقرار کسي که در **زندان** محبوس است، اقرار کسي که **تهدید** شده است. (کافي، ج۷، ص۲۶۰)

این نه جمهوری است نه اسلامی

مراجـــــع عظام از وضع موجود راضی نیستند

اقرار و اعتراف کسی که در زندان است اعتبار ندارد. قاضی که بر این مبنا قضاوت کند اهلیت ندارد

آیت الله العظمی وحید خراسانی، مرجع تقلید مقیم قم، در ضمن مباحث درس خارج فقه خود اعلام کردند: اقرار و اعتراف کسی که در زندان است، اعتبار ندارد و اگر قاضی صرفا به استناد آن قضاوت کند و حکمی دهد،

آن قاضی از اهلیت و صلاحیت قضاوت ساقط می شود. همچنین اگر شخصی تهدید شود، اقرار او اثر ندارد. این مرجع تقلید در جلسه روز دوشنبه به نقل این روایت که از سوی بزرگترین مفسران و محدثان اهل سنت نقل شده و در کتابهایی مانند مناقب خوارزمی، ذخائرالعقبی ثبت شده، پرداخته و گفتند: زنی باردار در نزد خلیفه دوم اقرار به زنا کرد و خلیفه دستور داد تا او را رجم کنند. حضرت امیر علیه السلام با اطلاع از این ماجرا، به خلیفه فرمود: تو بر خود این زن قدرت و سلطنت داری و بر او حکم می کنی، ولی تقصیر طفلی که در شکم دارد چیست و چرا او را به قتل می رسانی؟ خلیفه پاسخ داد: او زناکار است! علی علیه السلام فرمود: مگر نشنیدی که رسول خدا فرمود: کسی که پس از بلا و گرفتاری اعتراف می کند، مورد حد قرار نمی گیرد. بالاخره خلیفه آن زن معترف را آزاد کرد و گفت: عجزت النساء ان تلد مثل علی بن ابیطالب لولا علی لهلک عمر. (زنان عاجزند که فرزندی مانند علی بن ابیطالب بزایند اگر علی نبود عمر هلاک می گشت.)

این مرجع تقلید سپس افزود: کسی که در حبس است، اقرارش اعتبار ندارد. قاضی ای که به چنین اقراری قضاوت کند، از اهلیت قضا ساقط است. اگر تهدیدی هم وجود داشته باشد، آن اقرار اثر ندارد.

نظرات فقهی حضرت آیت الله العظمی وحید خراسانی با توجه به اینکه از سال گذشته تا کنون متاسفانه شخصیت های زیادی با شکنجه و زندان انفرادی که از بارز ترین مصادیق شکنجه است مجبور شده اند اعتراف به گناه ناکرده بر اساس سناریوی بازجوها کنند و حتی در مقابل دوربین های تلوزیونی قرار داده شده اند حایز اهمیت فراوان است.

ایشان هفته گذشته نیز در دیدار یکی از خانواده های زندانیان سیاسی با شرحی از سیره‌ی علوی که مدارا حتی با دشمنان خود را به فرزندانشان توصیه کرده‌اند، از شرایط موجود و رفتار با مظلومین ابراز ناخرسندی کرده و افزوده بودند: ما اگر کاری از دستمان برآید، دریغ نمی‌کنیم.

آیت‌الله العظمی یوسف صانعی با تاکید بر لزوم احیای فرمان هشت ماده‌ای امام «ره» و بازگشت به آن، از نقض گسترده حریم خصوصی در کشور انتقاد و تصریح کرد که در حال حاضر بر ضد این فرمان بنیانگذار جمهوری اسلامی، عمل می‌شود.

ایشان در گفتگو با سایت جماران گفتند: از عبارات امام اینچنین برداشت می شود که هیچکس حتی قاضی هم حق ندارد دستور ورود به خانه کسی را صادر کند. از عبارات امام استفاده می شود حتی قوه قضاییه هم حق ندارد دستور ورود به خانه افراد را بدهد. در فرمان هشت ماده می نویسند «هیچ کس حق ندارد به خانه یا مغازه و یا محل کار شخصی کسی بدون اذن صاحب آنها وارد شود یا کسی را جلب کند یا به نام کشف جرم یا ارتکاب گناه تعقیب و مراقبت نماید و یا نسبت به فردی اهانت نموده و اعمال غیر انسانی ـ اسلامی مرتکب شود، یا به تلفن یا نوار ضبط صوت دیگری به نام کشف جرم یا کشف مرکز گناه گوش کند.» استثنا ندارد. نمی گوید مگر با حکم قاضی. تاکید می کند؛ هیچکس. تعدی از حقوق شرعیه جایز نیست. نمی شود فرد را چنان حبس کرد که حقوق اولیه او نقض شود. در احکام زندان، زندانی فقط زندانی است، نه کسی که از حقوق اولیه هم برخوردار نباشد. بهداشت او باید رعایت شود، سلامتی او باید رعایت شود. به نظر بنده سلول هایی که امروز در برخی جاها رایج است، هیچ کدام جواز شرعی ندارد. اگر سلول به این معنا باشد که زندانی چند روزی با کسی ارتباط نداشته باشد، یک حرفی است. ولی انفرادی طولانی مدت، به علت آنکه روانشناسان آن را نوعی شکنجه می دانند، به نظر اینجانب باز جواز شرعی ندارد.

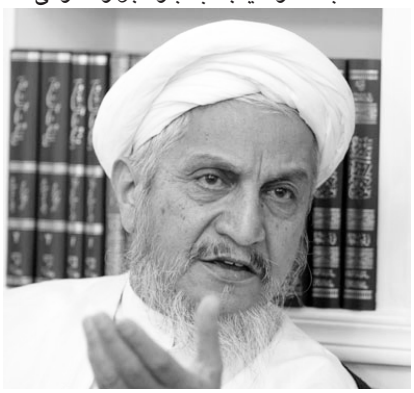

از دیدگاه امام، اینکه عده ای دور هم جمع می شوند و درباره برگزاری انتخابات حرف بزنند، توطئه برای براندازی نیست. توطئه یعنی اینکه عده ای بخواهند کل این نظام را با اسلحه از بین ببرند و نظام دیگری بیاورند. خوارج قصد داشتند براندازی کنند، می خواستند علی حاکم نباشد. اما تا دست به اسلحه نبردند، علی کارشان نداشت و از همه حقوق برخوردار بودند. ما توقع داشتیم (این فرمان) قانون شود و عملی بشود و اجرا شود و حالا بسیاری از بندهایش نه تنها عمل نشده، بلکه ضدش عمل شده و قانون هم نشده است. شب و نصف شب توی خانه مردم ریختن، در خانه مردم را شکستن و هرگونه محدود کردن افراد، مخالف این فرمان است.

آیت‌الله العظمی دستغیب از مراجع تقلید مقیم شیراز از وضع موجود کشور انتقاد کرده و گفتند: چه شد که در عرض این چند سال همه چیز عوض شد و قرآن و سنّت را خاک کردند؟ کجاست احکام قضاوت؟ هیچ مرجع عادلی را پیدا نمی‌کنید که بگوید: می‌توان با قهر از مجرم اعتراف گرفت. لذا چه در مجلس خبرگان و چه در جاهای دیگر بارها گفته و می‌گویم که هیچ یک از مراجع وضع موجود را تأیید و امضا نمی‌کنند زیرا خلاف قرآن و سنّت و قانون اساسی است.

ایشان همچنین با بیان اینکه وضعیت فعلی را نه جمهوری می‌توان نامید و نه اسلامی، تاکید کرد: وقتی دست مراجع بسته شود دست کسانی باز می‌شود که از قرآن و سنّت اطلاعی ندارند و دیگر از اسلام فقط یک اسم باقی می‌ماند.

در زمان شاه، اکثریت مردم چه شیعه و چه سنّی از زیر پا گذاشته‌شدن احکام و قوانین اسلام ناراحت بودند، لذا به

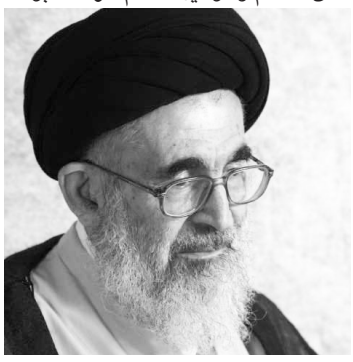

هنگام قیام امام خمینی مردم با ایشان همراه شدند. امام خطاب‌به‌شاه‌می‌گفت: تو برخلاف اسلام عمل می‌کنی، حدّاقل به قانون اساسی که خودتان تصویب کرده‌اید، عمل کن.

حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام خود، برای قضاوت به نزد شریح قاضی می‌رفتند و البته اگر اشتباهی از او می‌دیدند به او تذکر می‌دادند. ایشان با اشاره به برخی از تصمیم گیریهای قضات گفتند: قاضی نباید صرفاً بر اساس پرونده‌ای که توسط ضابطان همچون سپاه و سازمان اطلاعات و... آماده شده است، حکم دهد. در کجای احکام قضایی اسلام، چنین چیزی آمده است؟ اینچنین قاضی از عدالت ساقط است.

ایشان با اشاره بر اهانت هایی که از سوی گروههای فشار برای برخی از مراجع بوجود آمده است ادامه دادند: حضرت آیت‌الله صانعی که عمری را به درس و بحث مشغول بوده، چرا باید به خاطر نصیحتی که می‌کند، به دفتر و منزلش حمله شده و آنجا را سنگباران کنند و به ایشان تهمتهای فراوان بزنند؟ آقای تاج زاده چه گناهی کرده است که با نوشتن یا گفتن مطلبی او را مخلّ امنیت ملّی قلمداد می‌کنند و به ایشان متعرّض می‌شوند و او را اذیت می‌کنند؟ جمله امنیت ملی که منتقدین را با اتهام اخلال در آن بازداشتهای آنچنانی می‌کنند، یک جمله مبهم و قابل دهها توجیه است نصیحت می‌کنم که مردم و خانواده‌ها را اذیت نکنند؛ عاقبت خودشان را خراب نکنند که در آخرت مورد سؤال و مؤاخذه قرار خواهند گرفت. هنوز هم دیر نشده می‌توانند از این رویه برگردند و آن را اصلاح کنند. ان شاء الله خداوند هدایتشان فرماید.

اقتدارگرایان بدون توجه به عواقب آن جمعیت عظیمی از مردم را به بی دینی متهم می کنند. مخالفان خود را نیز دوست بدارید و آنان را از حقیقت دین آگاه کنید

بنی الاسلام علی الکلمتین
کلمة التوحید و توحید الکلمة
کلمه
WWW.KALEME.COM
روزنامه کلمه، ویژه‌نامهٔ بررسی
تحریف وقایع عاشورای ۸۸ توسط صدا و سیما
یکشنبه، ۱۲ دی ۱۳۸۹، شمارگان: ما بیشماریم

ما جنبش سبزیم و علمدار حسینیم

تبلیغات وسیع صدا و سیما علیه نخست وزیر هشت سال دفاع مقدس نماینده ۳ دوره مجلس و رییس جمهور دو دوره کشور و همچنین هواداران آنها در چند روزی که گذشت به مناسبت سالگرد عاشورای خونین تهران و همچنین برگزاری راهپیمایی دولتی نهم دی ماه به اوج خود رسیده بود... صفحه دو

سرمقاله

۹ دی، نقطهٔ شروع تاریخ

تجمع ۹ دی ماه ۸۸ تجمعی به ظاهر مردمی بود. چند روزی بیشتر از عاشورا نگذشته بود و امکان بسیج مردم بر مبنای احساسات و تعلقات مذهبی - بیش از پیش - فراهم بود. سازمان تبلیغات اسلامی فراخوان داد و تجمع «رسمیت» یافت. صدا و سیما سه شبانه روز تمام برای این تجمع تبلیغ کرد. دولت و امکانات دولتی برای حضور در این تجمع بسیج شدند. ادارات دولتی را دو ساعت زودتر تعطیل کردند، گروه‌های متعددی را با وسائل دولتی به محل تجمع انتقال دادند و کارمندان دولت را به حضورِ اکید در آن سفارش کردند. تجمع ۹ دی با سخنرانی «امام جمعهٔ مشهد» در «میدان انقلابِ تهران» برگزار شد. میدانی که در دست تعمیر بودِ و جمعیت چندانی را بر نمی‌تافت.

۹ دی ۸۸ «میدان انقلاب در دست تعمیر» بود. کسانی که تجمع نهم دی را شکل دادند، «گم شده‌ای» داشتند. آن‌ها از ۲۲ خرداد ۸۸ به بعد، در هیچکدام از «روزهای انقلابی و مردمی» نتوانسته بودند خود را بیابند. نه طرفدارانشان را، نه شعارهایشان را، نه عکس‌هایشان را. گویی هیچکدام از روزها مال آن‌ها نبود. نه روز قدس، نه ۱۳ آبان، نه ۱۶ آذر، نه تاسوعا و نه عاشورا. گویی آن‌ها به هیچکدام از این روزها «تعلق» نداشتند. آن‌ها «دیگران» بودند و روز نهم دی ماه ۸۸ «روزی برای دیگران» بود. پس «دیگران» در این روز به جستجو برآمدند و خود را یافتند و «هویت» خود را تعریف کردند و به جهتِ اطمینان، «ما» را «مشتی گوساله و بزغاله» نامیدند.

یک سال گذشته است و درسال‌روز نهم دی، تاکتیک جدید ابلاغ می‌شود. نهم دی ماه، باید «شخصیت» بیابد تا دیگران «هویت» بیابند. نام شخصیت‌های انقلاب را به صراحت بیاورید و به آن‌ها بتازید. نهم دی ماه «روز پیروزی» است. پیروزی در جنگی ۸ ماهه، بزرگ‌تر و عظیم‌تر از جنگی ۸ ساله. «انقلاب سوم!» انقلابی بزرگ‌تر از «انقلاب اسلامی» و - لابد - ۹ دی ماه بزرگ‌تر از ۲۲ بهمن. روزی در برابر همهٔ روزهای مردم. روزی در برابر «۲۵ خرداد ۸۸، روزِ مردم». «روز نهم دی شروع تاریخ است؛ همانند برخی از روزهای بزرگ زندگی بشر که تاریخ دوباره از آنجا نوشته شد!!»، پس در سالگرد این روز تاریخی، «امروز را دریابید و دیروز را تحریف کنید، حتی اگر فردا هم نابود شود».

در سالروز نهم دی، «انقلاب در دست تعمیر و تحریف» بود. راز جنبش و جوش و یورش مضاعفِ یاران کودتا در این ایام همین است. این روزها، تریبون‌های کودتا، بارها اعتراف کردند که «هیچکدام! از شرکت کنندگان در تجمع ۹ دی هیچ عکسی از احمدی نژاد در دست نداشتند و شعاری در حمایت از او سر ندادند». مدیرِ مسئولِ کیهان وسردبیر سابق کیهان هم مخصوصاً این عبارت را به کار گرفتند و تکرار کردند و آن را نشان دهندهٔ «بصیرت» برگزارکنندگان دانستند. عبارتی که تعمیق در آن، نه تنها هویت کسانی را که تجمع نهم دی ماه را برگزار کردند، افشا می‌کند بلکه بر «سازمان یافته بودن» این تجمع نیز گواهی می‌دهد.

دکتر خزعلی شاهد عینی عاشورای تهران

مردم بر زمین خوردن یک قاتل شادی کردند نه بر سوگ حسین

دکتر خزعلی فرزند آیت‌الله خزعلی و مدیر انتشارات حیان که در عاشورای تهران در خیابان‌های تهران حضور داشته است، در مصاحبه‌ای با سایت اصولگرای مشرق مشاهدات خود را از این روز روایت کرده است. وی در بخشی از این مصاحبه می‌گوید: «روز عاشورا من دراطراف دانشگاه بودم. تا ظهر مردم را می‌زدند. بعد از ظهر جنگ مغلوبه شد، این طرفی‌ها غلبه کردند. نمی‌شود بگویید ما فقط بزنیم و دیگران نگاه کنند. من در حسینیه جماران با خانواده‌ام بودم، چماق بدستان ریختند و زدند، ما برگشتیم، توی خیابان هم می‌زدند. چه کسی هتک حرمت می‌کند؟ آن کسی که با باتوم مردم را می‌زند؟ یا آنکه کتک می‌خورد؟ من آن روز سوت و کف ندیدم. من در خیابان‌ها بودم، کسی که ابتدای شعارش «یا حسین» و «ابوالفضل علمدار» است که حرمت امام حسین را نمی‌شکند».

وقتی خبرنگار در برابر سخنان خزعلی می‌گوید اما فیلم‌های کف و سوت هست، خزعلی پاسخ می‌دهد: «بیارید من ببینم. کسی که این کارها را می‌کند، ماموریت دارد، او به دنبال پیراهن عثمان است. بارها به آقایان مراجع هم عرض کردم تذکر بدهید حرمت ماه حرام را نشکنند. از جناح راست آمده بودند فضا را خراب کنند و بهره‌برداری سیاسی کنند. کسی که می‌گوید یا حسین ضد اباعبدالله نیست، حسین(ع) را برای مطامع خود خرج نکنیم. اهانت را کسانی کردند که گفتند اهانت شده، اهانت. به خدا قسم کسی اهانت به قرآن نمی‌کند، به جز کسانی که می‌خواهند آن را سر نیزه کنند. در مملکت امام حسین(ع) کسی به آن بزرگوار اهانت نمی‌کند، مگر کسانی که می‌خواهند اهانت به او را پیراهن عثمان کنند و مخالفان را سرکوب نمایند.»

خبرنگار این بار می‌گوید که جناب خزعلی، این‌ها را گرفته‌اند و اعتراف کرده‌اند از بیرون مرزها ماموریت داشتند. سیمای منافق برنامه‌های زیادی می‌گذارد که فلانی و فلانی سمپات و

چه کسی هتک حرمت می‌کند؟ آن کسی که با باتوم مردم را می‌زند؟ یا آنکه کتک می‌خورد؟ نمی‌شود بگویید ما فقط بزنیم و دیگران نگاه کنند. در حسینیه جماران چماق بدستان ریختند و زدند، توی خیابان هم می‌زدند. آمده بودند فضا را خراب کنند و بهره‌برداری سیاسی کنند، سوت و کف نبود. حسین(ع) را برای مطامع خود خرج نکنیم.

سرپل ما بودند و در عاشورا دستگیر شدند و بیانیه می‌دهند. شما دارید از چه کسانی دفاع می‌کنید؟ خزعلی پاسخ می‌دهد: «اگر فردا هم گفتند بنده عضو انجمن پادشاهی هستم باور می‌کنید؟ من یک بسیجی هستم تا شهادت برادرم کنارش بودم. تا آخر هم می‌گوییم ما ایستاده‌ایم برای دفاع از انقلاب اسلامی و دفاع از ولایت فقیه از جانمان می‌گذریم، اما اینکارها دروغ است. به حرمت این ماه محرم، دروغ است. کسی در عاشورا اهانت نکرد. درگیری بوده است اما شادی برای اباعبدالله الحسین هرگز نبوده است، مردم برای افتادن قاتل کسی که از بالای پل انداخته شد، شادی می‌کنند. ممکن است شادی کنند که یک قاتل از اسب و موتور افتاده. عصر عاشورا حسین دارد می‌جنگد، اگر یکی از سپاه عمر سعد به آتش می‌افتد، اهل بیت شادی می‌کنند. این شادی برای قتل شهدای کربلاست؟ نه، آن‌ها بر سقوط یکی از قتله مسرورند. شما می‌دانید مردم داشتند کشته می‌دادند، چگونه شاد بودند؟ پس بر زمین خوردن یک قاتل شادی کرده‌اند نه بر سوگ حسین(ع).

من در روز عاشورا فقط رفته بودم ببینم. اتفاقا در زاویه‌ای بودم که نزدیک چماق بدستان بودم. در تظاهرات نبودم. کنار نیروی انتظامی می‌رفتم تا صحنه‌ها را ببینم. من آغازگر خشونت را چماق‌بدستان می‌دانم و مردم پس از آن جنایت‌ها عصبانی شدند، وقتی از پل پرت می‌شوند، به سویشان تیراندازی می‌شود و یا روی آن‌ها می‌روند، می‌خواهید چه کنند، خوب کسی که عزیزش را زیر کرده‌اید و کشته‌اید، دیگر تعادل روانی ندارد، هر کاری از او سر می‌زند. من معتقدم روز عاشورا اگر برخورد با مردم نمی‌شد، مردم عزادارشان را می‌کردند و می‌رفتند، بله، شعارهای تند هم می‌دادند. اما مسالمت‌آمیز تمام می‌شد.»

فرمان آتش به تلویزیون برای تخریب خاتمی

صدا و سیما از چند روز قبل از ۹ دی توپخانه سنگین حملات خود را به سمت اصلاح‌طلبان نشانه رفت و در پروژه‌ای جدید و هماهنگ در قالب مصاحبه و تحلیل، شخص سید محمد خاتمی را پشت میز محاکمه نشاند و با انواع دروغ‌های رنگارنگ وی را متهم به جدا شدن از صف انقلاب و ولایت کرد. همچنین تندترین حملات را با ادبیاتی نامناسب نسبت به میرحسین موسوی انجام داد.

مهدی طائب برادر متهم ردیف اول کشتارهای سال گذشته در حوادث پس از انتخابات و فرمانده فعلی حفاظت اطلاعات سپاه پاسداران در اظهاراتی میرحسین موسوی و مهدی کروبی را گوساله سامری نامید و در اشاره مستقیم به سید محمد خاتمی گفت «وقتی این واقعیت‌ها را دید باز توبه نکرد. معلوم می‌شود خود این افراد تصمیم‌گیر نیستند. اینها جلوی خط بودند. آقای خاتمی چرا برنگشتی؟ چرا توبه نکردی!!» و جمعیت حاضر در مهدیه تهران شعار مرگ بر خاتمی و مرگ بر موسوی سر داد و تلوزیون هم آن را پخش کرد تا رسما رئیس جمهور سابق جمهوری اسلامی را مورد هتاکی و اهانت قرار دهد.

رسانه ملی در حالی که می‌بایست مدافع همه سلایق و عقاید باشد در اقدامی سیاسی و تبلیغاتی اظهارات طائب را پخش کرد که خطاب به خاتمی گفت: «الان بازی جدید ایجاد کردند بازی طلبکارانه! آقای خاتمی! یک خورده فکر کن که با کی داری حرف می‌زنی؟ کجا داری حرف می زنی؟... آقای خاتمی اطلاعیه می‌دهد که زندانی‌ها را آزاد کنید.»

در آستانه ۹ دی تلویزیون دولتی با افزودن بر حجم حملات خود به اصلاح‌طلبان و رهبران جنبش سبز فضایی متفاوت ایجاد کرده است.

در ابتدای مراسمی که روز ۹ دی در مهدیه برپا شد مهدی طائب درباره حماسه! ۹ دی سخنرانی کرد.

پس از سخنرانی طائب، سعید حدادیان که نقش مجری مراسم را هم ایفا می‌کرد از منصور ارضی، مداح اصلی گروه‌های خودسر و انصار حزب‌الله خواست که دقایقی برای مردم سخنرانی کند.

درحالی که منصور ارضی در حال صحبت بود مجری شبکه خبر بر صفحه تلویزیون ظاهر شد و گفت که ارتباط ما با مهدیه تهران قطع شده است و البته ارتباط شبکه خبر با مهدیه تهران پس از سخنان حاج منصور برقرار شد.

این امر حاکی از برنامه‌ریزی عوامل امنیتی برای تلویزیون بود که اظهارات طائب درباره خاتمی را با هماهنگی پخش کرد.

میزان هجمهٔ رسانه‌ای به سید محمد خاتمی پس از آخرین اظهاراتش منحصر به تلویزیون نبود و سایت‌های تندرو و خبرساز نیز در این راستا تمام تلاش خود را به کار گرفتند تا یک جریان منفی رسانه‌ای از اظهارات وی ارائه دهند. به خصوص که با و جود فیلتر بودن سایت‌های اصلاح‌طلبان و ممنوعیت انتشار هرگونه مطلب در باره خاتمی، موسوی و کروبی به راحتی میشد حمله تمام عیار به اصلاح‌طلبان و دست‌اندرکاران جنبش سبز را به راه انداخت.

بیست و سی در ادامه رفتارهای غرض‌ورزانه سیاسی با پخش تمسخرآمیز اظهارات پورفاطمی نماینده مجلس که اصلاح‌طلبان واقعی را پیرو ولایت فقیه دانسته بود کوشید به صورت غیرمستقیم خاتمی را از عوامل اصلی جریان به گفته آنها فتنه معرفی کند.

پخش اینگونه موارد از رسانه ملی و به خصوص بخش ویژه خبری بیست و سی چندان دور از انتظار نیست اما نکته جالب در این میان برنامه‌ریزی دقیق برای ترور شخصیت خاتمی بود که با مشارکت رسانه ملی! به نحو احسن انجام شد. هرچند با گسترش آگاهی‌ها که مانیفست فعلی جنبش است حاکمیت بایستی به بی‌اثر بودن این دست پروپاگانداها پی برده باشد هر چند اثری از عقلانیت در هیچیک از بخش‌های انتصابی آن دیده نمی‌شود.

هجمهٔ گستردهٔ صدا و سیما به جنبش سبز

ما جنبش سبزیم و علمدار حسینیم

تبلیغات وسیع صدا و سیما علیه نخست وزیر هشت سال دفاع مقدس نماینده ۳ دوره مجلس و رییس جمهور دو دوره کشور و همچنین هواداران آنها در چند روزی که گذشت به مناسبت سالگرد عاشورای خونین تهران و همچنین برگزاری راهپیمایی دولتی نهم دی ماه به اوج خود رسیده بود. متولیان فتنه‌گر امور این روزها با بسیج کردن همه نیرو و توان خود و استفاده از بیت‌المال در شبکه‌های مختلف صدا و سیما علیه رهبران جنبش سبز و طرفداران آنها هجمه‌پراکنی کردند بی آنکه مجرایی برای دفاع و بیان حقایق به مردم وجود داشته باشد.

حتی بارها مردمی را که در تظاهرات‌های خود جوش پس از انتخابات و در اعتراض به تقلب در انتخابات شرکت کرده بودند فریب‌خورده و بازی‌خورده نامیدند و در مقابل از مردمی که در تظاهرات ۹ دی ماه شرکت کرده بودند به عنوان ملت واقعی ایران نام بردند. آنها در این چند روز بارها و بارها با انتخاب تصاویری گزینشی از عاشورای سال گذشته مردم معترض را به حرمت‌شکنی متهم کردند و در مقابل از پخش صحنه‌های خشونت‌بار پلیس علیه مردم در روزی این چنین عزیز گریختند. اما این تبلیغات وسیع چرا انجام می‌شود؟ و در پس آن چه هدفی دنبال می‌شود؟

در روز عاشورا چه گذشت؟

در گزارشهایی که از صدا و سیما پخش شد بارها مردم معترض به نتایج انتخابات، منافق، مزدور و بازی‌خورده معرفی شدند،آنها را مردمی می‌خوانند که به تحریک دیگران به خیابان‌ها آمده و هیچ ایده و تفکری از خود نداشته‌اند. در این گزارش‌ها تصاویری مغشوش و مبهم از به اصطلاح کف و سوت در روز عاشورای حسینی بارها و بارها به نمایش در آمد اما هرگز صحنه‌های باتوم خوردن مردم توسط پلیس، کشته شدن‌شان در خیابان‌های شهر، رد شدن خودروی نیروی انتظامی از روی مردم به نمایش در نیامد. اما صدا و سیما هرگز نمی‌گوید که پس از بارها حمله وحشیانه نیروهای لباس شخصی به مردم و ضرب و شتم شدید مردم، دادن فحش‌های ناموسی آنها به زن و مرد و به اسارت گرفتن تعدادی از تظاهرات‌کنندگان، مردم با همبستگی خود موفق شدند که بازداشت‌شدگان را که جوانانی بی‌دفاع بودند پس بگیرند و پس از این موفقیت، تعدادی از جوانان در تشویق همبستگی مردم برای عقب راندن نیروهای پلیس و لباس شخصی‌ها فقط برای چند ثانیه‌ای و آن هم به عنوان یک واکنش طبیعی کف زدند. این بهانه‌جویان نگفتند که اگر معترضان برای هتک حرمت آمده بودند چرا لباس‌های سیاه در عزای سالار شهیدان پوشیده بودند و قبل از هجوم لباس‌شخصی‌ها در وسط خیابان به سینه زنی مشغول بودند.

ما جنبش سبزیم و علمدار حسینیم

راستی چرا صدا و سیما تصاویر دقایق طولانی شعارهای مردم خداجو را در روز عاشورا نشان نمی‌دهد که فریاد می‌زدند: «ما جنبش سبزیم و علمدار حسینیم – همه با میرحسینیم.»

البته مسوولان صدا و سیما می‌توانند این صداها و تصاویر را نشان ندهد اما با صدها سایت اینترنتی و شبکه‌های ماهواره‌ای چه می‌کنند که تصاویر تظاهرات مردم معترض را نشان می‌دهد که فریاد می‌زدند :«ما لشگر حسینیم، حامی میرحسینیم.» اصلا سایت‌های اینترنتی و شبکه‌های ماهواره‌ای به کنار! با جمعیت میلیونی مردمی که خود در عاشورای تهران حاضر بودند چه می‌کنند. مردمی که سینه به سینه وقایع عاشورای تهران را انتقال می‌دهند و در تاریخ ثبت می‌کنند. با دختر خردسال شبنم سهرابی شهید عاشورای تهران چه می‌کنند که فریاد مظلومیت مادرش را با واژه‌های کودکانه‌اش در یوتیوب فریاد می‌زند؟ با مادران دردمند شهید کریم بیگی و شهرام فرج‌زاده چه می‌کنند؟ با لیلا توسلی شاهد به زیرگرفته شدن یکی از شهدای عاشورا با اتومبیل نیروی انتظامی چه می‌کنند؟ به زندان می‌فرستندش تا صدای این شاهد عاشورا را خاموش کنند؟

به قول فرزند ارشد سردار شهید نظری معلوم نیست کسانی که تحمل چند ثانیه کف و سوت مردم را ندارند، چگونه تحمل ریخته شدن خون مردم بی‌گناه را در روز عاشورای تهران دارند؟

اما این فقط صدا و سیما نبود که برای سالروز وقایع عاشورای تهران تمام قوایش را بسیج کرد. سایررسانه‌های دولتی هم بسیج شدند تا به مردم ثابت کنند که فریب خورده‌اند و رهبران جنبش سبز نیز به بیگانگان وابسته‌اند! جالب آنکه روزنامه ایران برای ثابت

پس از بارها حمله وحشیانه نیروهای لباس شخصی به مردم و ضرب و شتم شدید مردم، مردم با همبستگی خود موفق شدند که بازداشت‌شدگان را که جوانانی بی‌دفاع بودند پس بگیرند و پس از این موفقیت، تعدادی از جوانان در تشویق همبستگی مردم برای عقب راندن نیروهای پلیس و لباس شخصی‌ها فقط برای چند ثانیه‌ای و آن هم به عنوان یک واکنش طبیعی کف زدند.

کردن این موضوع برای گفتگو به سراغ کسی رفت که خود قتل عمد انجام داده است. روزنامه دولت در ویژه نامه موسوم به «نهم دی ماه»، در گفتگویی با جلال‌الدین فارسی، قاتل نگهبان محیط زیست که چندین سال به خاطرآن تحت تعقیب بود و سرانجام به دلیل نفوذش پرونده‌اش را مختومه اعلام کردند مدعی شد که اگر رهبر فقید انقلاب زنده می‌ماند حیات سیاسی میرحسین به خطر می‌افتاد و امام دیگر به او مسئولیت نمی‌داد وی حتی به راحتی و در کمال

خونسردی اعلام کرد میرحسین موسوی به روز قیامت اعتقاد ندارد!

اتفاقاتی که در روز تشییع جنازه آیت‌الله منتظری رخ داد و همچنین حوادث عاشورای سال گذشته اساس برنامه‌های صدا و سیما را طی روزهای اخیر تشکیل داده است. آنها بارها از شعارهای ساختارشکنانه در این دو روز و بی‌حرمتی به امام حسین(ع) در روز عاشورا سخن گفتند و رهبران جنبش سبز را به تحریک مردم و همچنین سکوت در برابر این حوادث متهم کردند. اما در عاشورای

صدا و سیما بارها با پخش تصاویر مبهم و مغشوش تعدادی از مردم در این روز مردم را به حرمت‌شکنی متهم می‌کند. اما هیچ وقت پاسخ نمی‌هد که چرا در این روز شبنم سهرابی و امیر تاجمیر توسط خودروی نیروی انتظامی زیر گرفته شدند؟ آیا زیر گرفته شدن این افراد با خودروی نیروی انتظامی حرمت‌شکنی نیست؟ چرا این فیلم و حوادث مشابه هرگز توسط صدا و سیما پخش نشده است؟

سال گذشته واقعا چه اتفاقاتی رخ داد و در واقع چه کسانی حرمت‌شکنی کردند؟

صدا و سیما بارها با پخش تصاویر مبهم و مغشوش به اصطلاح کف زدن تعداد اندکی از مردم در این روز مردم را به حرمت‌شکنی متهم می‌کند. اما هیچ وقت پاسخ نمی‌هد که چرا در این روز شبنم سهرابی مادر یک کودک شش ساله و امیر تاجمیر توسط خودروی نیروی انتظامی زیر گرفته شدند؟ آیا زیر گرفته شدن این افراد با خودروی نیروی انتظامی حرمت‌شکنی نیست؟ چرا این فیلم و حوادث مشابه هرگز توسط صدا و سیما پخش نشده است؟ و چرا صدا و سیمای دولتی هرگز ترور علی موسوی حبیبی در روز عاشورا را توسط چند نفر که سوار بر پاترول‌اند حرمت‌شکنی نمی‌داند ؟ راستی چه کسی مصطفی کریم بیگی، شهرام فرج‌زاده، مهدی فرهادی‌راد، شاهرخ رحمانی، علی راسخی‌نیا و... را در روز عاشورا به شهادت رساند؟ چه کسانی در این روز مردم بی‌گناه را از روی پل‌ها به زیر انداختند و به شدیدترین شکل ممکن کتک زدند و خونین و مالین بر جای گذاشتند؟ آیا در روز عاشورای حسینی این حرکات حرمت‌شکنی محسوب نمی‌شود؟

میر حسین موسوی در بیانیه شماره ۱۷ خود که پس از عاشورای سال گذشته صادر شد به همین موارد اشاره می‌کند. او می‌نویسد: «مشاهده فیلم‌های تکان دهنده عاشورا نشان می‌دهد که اگر شعارها و حرکات جاهایی به سمت افراط غیرقابل قبول کشانده می‌شود، ناشی از به زیر انداختن افراد بی‌گناه از روی پل‌ها و بلندی‌ها، تیراندازی‌ها و آدم زیر کردن‌ها و ترورهاست. جالب آنکه در بعضی از این فیلم‌ها دیده شده است که مردم در پشت چهره نیروهای انتظامی و بسیجی مهاجم برادران خود را می‌بینند و در شرایط بحرانی و پر از خشم و هیاهوی آنروز سعی می‌کنند بدان‌ها آسیبی نرسد. اگر صدا و سیما یک جو انصاف و عقل داشت می‌توانست برای تلطیف فضا و نزدیک کردن مردم به همدیگر گوشه‌ای از این صحنه‌ها را نشان دهد. ولی هیهات! جریان روزهای بعد از عاشورا و گسترش دستگیری‌ها و دیگر تمهیدات دولتی نشان می‌دهد که مسئولان اشتباهات گذشته را این بار در وسعت بیشتر تکرار می‌کنند و آنها می‌اندیشند سیاست ارعاب تنها راه حل است.»

موسوی همچنین در این بیانیه که یک سال پیش صادر شده است جواب تهدیدهای مسوولان را درباره بازداشت خود و آقای کروبی داده است: «فرمان اعدام و قتل و زندانی کروبی و موسوی و امثال ما مشکل را حل نخواهد کرد و نتایج هر نوع اقدام تروریستی را مستقیما به سمت کانون نشانه خواهد رفت و گره مشکل بحران کنونی را ناگشودنی خواهد ساخت.»

واکنش شبکه‌های اجتماعی به هجمهٔ صدا و سیما

مخالفان و منتقدان به دولت که این روزها به هیچیک از رسانه‌های جمعی دسترسی ندارند و صدا و سیما به طوری انحصاری در اختیار گروهی اندک قرار گرفته اما در فضای مجازی عکس‌العمل‌های متفاوتی را نسبت به این برنامه‌ها نشان داده و ابعاد آن را مورد بررسی قرار دادند.

آنها در این روزها بیش از هر وقت دیگری بر دولتی بودن و غیرخودجوش بودن مراسم ۹ دی ماه تاکید کردند. و به دولتمردان یادآوری کردند که فراموش نمی‌کنند دولت در این روز همه امکانات خود را برای شرکت مردم در یک راهپیمایی بسیج کرد. آنها در سایت‌هایشان نوشتند که به هیچ وجه روز نهم دی ماه را قابل مقایسه با تجمع‌های اعتراضی مردم پس از انتخابات نمی‌دانند انتشار تصاویر بخشنامه‌هایی که به وزارتخانه‌های دولتی ارسال شده بود تا کارمندان و کارگران را مجبور به شرکت در این راهپیمایی کند این روزها در سایت‌های مختلف به وفور یافت می‌شود.

بسیاری از سایت‌های طرفدار جنبش سبز، وبلاگ‌ها و یادداشت‌های کوتاه عقیده مشترک مردم را درباره این برنامه‌ها و آزمون افکار عمومی برای محدودیت‌های بسیار بیشتر همراهان جنبش سبز تاکید می‌کند.

سایت‌های زیادی هم در این روزها در نوشته‌هایشان از رهبران جنبش سبز دفاع می‌کنند. «کمپین فرزندان روح‌الله» یکی از این سایت‌هاست که با یاد آوری عملکرد حکومت در روزهای پس از انتخابات یادآور می‌شود که صبر و استقامت هواداران جنبش سبز حدی دارد و حکومت باید بداند که هرگونه تعرض به سران جنبش سبز بی‌پاسخ نخواهد ماند.

روزنامه کلمه ، ویژه نامه مناطق کردنشین
جنبش سبز ، مطالبات قومی و قانون اساسی
چهارشنبه ، ۱۵ دی ۱۳۸۹، شمارگان : ما بیشماریم

WWW.KALEME.COM

زمان و خەتی ڕەسمی و هاوبەشی خەڵکی ئێران، فارسیە. بەڵگە و نامەکان وەدەقە ڕەسمیەکان و کتێبە دەرسیەکان ئەبێ بەم زمان و خەتە بێت بەڵام بە کار هێنانی زمانە ناوچەیی و قەومیە کان لە ڕۆژنامە و ڕسانەکان و دەرەس وتنەوە بە م زمانانە لە فیرگە کان و لە تەنیشتی زمانی فارسی دا ئازادە. (یاسای بنەرتی ، بڕگەی ۱۵)

بزاڤی سەوز و کوردەکان ، ئەزموونێکی تر

تووندوتیژی جیا لە ڕق و کینە و شەڕ، ناتوانی دەسکەوتێکی تر بەدوای خۆیدا بێنی. لە ڕاستیدا زۆر سەیرە کە زۆرجار لە میژووی وڵاتان و دەوڵەتانەدا هەوڵ ئەدرێت بە کاڵکوەرگرتنلە ئامرازی سەڕ و چەک و تووندوتیژی دیاردەیەک بە ناوی ئاسایش و ئارامش و ئازادی بهێنرێتە ئاراوە. تووندوتیژی تەنیا یەک زمانی هەیە، زمانێک کە بۆ چارەسەری کێشەکان هیچ پەیڤ و وشەیەکی تیدا نییە بەڵام بۆ سڕینەوەو هەوڵدان بۆ خۆخافڵاندن لە کێشەکان هەزاران مەکر و واتا و ڕێگای هەیە.لە میکانیزمی مەنتیق و لۆژیکی شەڕ و تووندوتیژیدا لایەنێک پێی وایە حەق و حەقیقەت بە تەواوەتی لە لای ئەوە. هەر بۆیە بە تەواوی هیچ هێزش دەباتە سەر لایەنی بەرامبەر. لایەنی دووهەمیش لە بەرامبەری ئەم هێرشەدا مفی خۆی دەزانی کە لەوپەڕی توند و تیژیدا بوونی خۆی بپارێزێ، هەر بۆیە ئەم ڕەوتە بەردەوام دەبێت و جیا لە کوشتار و مالوێرانی و ڕق، شتێکیتر بە دی نایەت.لە ڕاستیدا بۆ ئەوەی هەڵسوکەوت و ڕەفتاری لێرێز لە تووندوتیژی بە باشی تی بگەین لە جیاتی داوەری و گەڕان بە دوای حەق و ناحەقدا تەنیا و تەنیا دەبێ هەنگاو بۆ خەسارناسی هەڵبگرین و ڕەگ و کۆکەکانی ڕووداوەکە شی بکەینەوە بۆ ئەوەی ژیرانەترین ڕێگاکانی ڕاوەستاندنی تووندوتیژی پەیدا بکەین.دیارە لە نێوان دوو ڕەفتار و ڕوانگەی داوەری و خەسارناسیدا فەرق و جیاوازی زۆرە.لە ڕوانگەی خەسارناسیدا هەبوونی دوو لایەنی خەسارەکە زۆر گرنگترە لە بابەتی حەق و ناحەق. قازی و داوەر بە پێوەرەکانی خۆیەوە بە دوای دیتنەوەو ناسینەوەی زاڵم و مەزڵوومدا دەڕوات بۆ ئەوەی زاڵم پەیدا بکات و سزای بدات، بەڵام خەسارناس بیر لە ئایندە و داهاتووی لایەنە خەسارئافرێنەر و خەساردێتووەکان دەکاتەوە بۆ ئەوەی ڕووداوە دڵتەزێنەکە دووپات نەبێتەوە. جیا لەمەش هیچ کام لە دووڵایەنی گرفتەکە حازر نین ئەنجامێک لە داوەر و قازی قبووڵ بکەن کە قازانج و بەرژەوەندی ئەوانی تێدا نەبێت. هەر بۆیە لە پرۆسە و ڕەوتی داوەریژدا بەردەوام تووشی وەبیرهێنانەوەی ڕابردوو دەبن و دەیان و بگرە سەدان جاریتر ڕق و کینە و نەفرەت زیندوو دەکەنەوە و لە سێبەری بێمتمانەییدا مەجال و دەفەتی گفتگۆ یان دیالۆگ لەناو دەچێت و دەمرێت

.بە پێی ئەم پێشەکیە دەتوانین بڵێین تەواوی ئەو شتانە وا دوای سەرکەوتنی شۆڕشی ئیسلامی لە ناوچە کوردنشینەکانی ئێراندا ڕووی دا، پێویستی بە خەسارناسی هەیە نەک داوەری و خۆ بەقازی زانین.چەندووجۆنی

یەکەم مانگەکانی دوای سەرکەوتنی شۆڕش هەتاوەکوو ساڵانی شەڕی چەکداری و سەرهەڵدانی حیزب و لایەنە کوردیەکان و زۆر ڕووداوی‌تر، کۆمەڵێک کێشە و گرفتی تایبەتی هێنایە ئاراوە کە هەتا ڕۆژی ئەمڕۆ کاریگەری خۆی لە سەر هەڵومەرجی سیاسی، کۆمەڵایەتی، ئابووری و فەرهەنگی ناوچە کوردنشینەکانی ئێران پاراستووە. دیارە خۆخافڵاندن لە بوونی کێشە لام ناوچە بەربڵاوەی ئێراندا ڕێگای چارەسەری نییە و ئەگەری ئەوە لە ئارادایە کە گرفتەکان قوواڵترەوە ببن و هەر بەو ئەندازەیەش چارەسەرکردنیان کات و هێز و خەرجی زیاتر لە ئێستا داوا بکات. هەر بۆیە ئەگەر لە ئێستادا و بە پێی بەرنامە و ئیستراتژیەکی ژیرانە و زانستی و ڕاستبینانە هەنگاو بۆ چارەسەرکردنی کێشەی کوردەکانی ئێران هەڵ بگیردرێت، ئەوا گەیشتنی وڵات بە دیموکراسی و گەشە و هەڵدان ئاسانتر دەبێت.

میرحسەین موسەوی لە چەند بڤەیان و لێدوانی ژیرانەدا ئەو ڕاستیەی سەلماند کە کێشەو گرفتەکانی کورد و کوردستان بە وردی دەبینی و جوان دەزانی کە لەم بەشەی ئێراندا نابەرامبەری و بێبادی زیاتر لە شوێنەکانیتر ڕەگی داکوتاوەو بۆ کردنەوەی گرێی کورد وکوردستان، بەرنامە و ڕێگا و ئیستراتژیەک پێویستە کە ئاستەنگ و لەمپەرەکان بە جوانی ببینێت. بێ گومان بزاڤی سەوز بە ڕێبەرایەتی پ مووسەوی هەڵ و ئیمکانی ئەوەی هەیە کە کورد و قەومەکانیتری ئێران لە ئەزموونی گەیشتن بە دیموکراسیدا پاڵ بە بزاڤی گشتی و نەتەوەیی وڵاتەوە بنن و جاریکیتر ئەو ڕاستیە بسەلمێنن کە جیاوازبوونی قەوم و گەلەکانی ئێران نەک هەرەشە بەلکوو سامان و دەوڵەمەندی چاندی و کۆمەڵایەتی ئەم وڵاتەیە.

موسەوی باش دەزانێت کە داییمی مافی ڕەوای کەردەکان وەکوو مافی خوێندن بە زمانی زگماکی، مافی بەشداربوون لە بەڕێوەبردنی وڵات و بەدەستەوەگرتنی پۆستی هێمنایەتی و هەستیار بە بێ لەبەرچاوگرتنی جیاوازی قەومی و مەزهەبی، نەک تەنیا مانا و واتای جیاخوازی و پارچەکردنی وڵاتی تێدا نییە، بەڵکوو دەبێتە هۆی ئەوەی هێز و وڵاتە بیانیەکانی جیهان ئیزنی ئەوە بە خۆیان نەدەن بە دامەزراندنی تاق و دەستە و پەرەپێدان بە تووندوتیژی، کوردئی ئێران لە وڵاتە جوانەکەی خۆی ئێران دابڕن.

سێ خەسار

جوغرافیای سروشتی، جوغرافیای سیاسی و بابەتێک بە ناوی **دوژمن!**

لە جوغرافیای سروشتی، جوغرافیای سیاسی و فەرهەنگی و کۆمەڵایەتی ئێراندا، قەومی فارس، بوونێکی ناوەندی و سانترالی هەیە. فارسەکان هەم بۆ خۆیان لە شوێنەوارەکانی ناوەندی ئێراندا دەژین وهەم ساڵەهایە دەسەڵاتی سیاسی ئێرانیان بەدەستەوەیە هەر بۆیە فەرهەنگ و ئەدەبیاتی فارسی خاوەن شێوازێک هێژمۆنی و سەردەستیە و بە بۆنەی گەورەپیاوانی ئەدەبی و عیرفانی ، ئەم سەردەستیەی بەهێزتر بووە و بە شێوەیەکی سروشتی فەرهەنگی قەومی فارس سەردەست و زاڵەئەم ناوەندیبوونە جوغرافیایی و سیاسییە، کاتێک کە بابەت و بۆجوونێک بە ناوی دوژمنسازی و دوژمن پەروەری دێتێتە ئاراوە دەسکەوتی زۆر مەترسیداری لێ دەکەوێتەوە.لە ڕوالەتدا بۆ پتەوکردنی شوناسی نەتەوەیی بەاڵم لە ڕاستیدا بۆ پاراستنی بوونی خۆی،کەمایەتیەکان بە دوژمن ناو دەبات.ئەم ڕوانینە جیاوازی نێوان قەوم و کەمایەتیەکان ئەکاتە بیانووی مەوداگرتنی زۆرتر و ئەیانکاتە یار و یاوەری دوژمنی بیانی و دەرەوەی وڵات. سواربوون بە سەر ئەسپەشێتی پرۆژەی بەدوژمنزانین و دوژمنسازی، هاوڕێ لەگەڵ بۆچوونی هەڵە و چەواشەدا وەهم دەکاتە جێنشینی ڕاستی و حەقیقەت و **بەشێک لە نەتەوە لە بەرامبەر بەشیکیتردا دەکاتە دژبەر و دوژمن و بە پارچەپارچەکردن و دابڕاندنیان،** ئەم وەهمە بەدی دێتی کە بەرژەوەندی ئێوە لە ناکۆکبوون و ڕقەبەرایەتیدایە.لە ئەنجامی ئەم پرۆژەیەدا دوژمنی ناوەخۆ لە وەهمەوە دەبێتە ڕاستی و ڕۆڵەکانی میللەت دەکاتە دوژمن و ناوی دابەشکەر و پارچەکەر بە سەریاندا داسەپێنی. لیستەی دڕێژی حیزب و تاقمە دژبەرەکانی کۆماری ئیسلامی ئێران سەلمێنەری ئەم ڕاستیەیە کە ئاماژەمان پێ کرد. ئەوەشمان لە بیر بێت کە بەشێکی زۆر لەو حیزب و تاقمە دژبەرانە، سەردەمێک ڕەگ و دەماریان لەم ئاو و خاکەدا بووە. ئەم کارانە لە ئەنجامی خۆیدا بواری ئامادەبوونی دوژمنی ڕاستەقینەی بیانی خۆش دەکات و ئاوا دەبێت کە داکۆکی کردن لە سەر مافی ڕاستەقینەی قەومی ئەبێتە داردەست و دوژمنانی میژوویی وڵات.

ڕەوانینی سیاسی بۆ هێما فەرهەنگییەکان

جیاوازی قەومی و ئایینی لە ئێراندا دیاردەیەکی کۆمەڵایتی جوغرافیاتی سروشتییە بەاڵم بە داخەوە لە جیاتی ڕوانینی ئاسایی و فەرهەنگی لە لایەن کاربەدەستانەوە ڕوانینی سیاسی لێ ئەکرێت. ئەم ڕوانینە سیاسییە بە هەر جۆرێک بێت، چ هۆکاری بەهەڵە تێگەیشتن لە میژوو بێت، چ هۆکاری لاوازی فکری سیاسەتمەداران و ڕۆشنبیران و ناوەندیبوونی هاوکاتی جوغرافیای سیاسی و سروشتی بەدی هێنابێت، بوونی خۆی بە سەر بۆچوونەکانیتردا سەپاندووە. ئەم ڕوانینە سیاسییە بۆ بابەتی قەومی و کەمایەتی، وای کردووە هێما فەرهەنگی و کۆمەڵایەتیەکانیان وەکوو هێما و ماکی سیاسی چاوی لێ بکرێت و داکۆکی کردنیان لە سەر سامانی چاندی و شوناسی فەرهەنگی وەک کردەوەو چالاکی سیاسی بخریتە بەر لێپرسینەوە. لە هەمان کاتدا لەو لاوە چالاکە قەومی و ئەتنیکییەکان لە هەڵەیەکی گەورەدا لە بەرامبەر ڕەقیبێکی ناوەندیدا ڕادەوەستن و جل و بەرگی سیاسی بە بەر مافە ڕەواکانیاندا دەپۆشن و وای لێ دێ کە نیگا و سەرنجی دوژمنانی دەرەوە ڕاکێش دەکرێت.

بەڕێوەنەچوونی یاسای بنەڕەتی

بایەخ نەدان و خۆگێلکردن لە یاسای بنەڕەتی،لە بواری نەتەوەییدا چەوسێنەری و دیکتاتۆریەت بەدوای خۆیدا دێنی و لەو شوێنانەشدا کە پێوەندی بە مافی گەلان و تاقم و دەستە و کەمایەتیەکانەوە هەیە، ئەبێتە هۆی پێشێل کردنی بڕیارە بنەڕەتییەکانی کۆمەڵگا. کەمایەتی، بەرلەوەی دیاردەی بێ یاسایی ئاشکرا بێت و کۆمەڵگا تووشی زوڵم بێت، لەبەرخاتری وەلاوەنرانی بڕیاری کۆمەڵایەتی، تووشی ڕەنجی گەورە دەبێت.هەر بۆیە کەمایەتیەکان یەکەم دەستە و تاقمی کۆمەڵگان کە دژ بە بێیاسایی هەڵدەستن کە چی لە لایەن یاساوە بە یاساشکێن و دژبەر و دوژمن دەناسێندرێن و بۆ جارێکیتر لە دەرەنجامی بەڕێوەچوونی بە کەیفی تاکەکەسی دەسەڵاتداران، دوو ئەوندەی تاقمەکانیتر زوڵمیان لێ دەچێ و دەچەوسێندرێنەوە. ئەو کاربەدەستانەی دەوڵەت وا بە هەر بیانوویەک لە بەڕێوەبردنی یاسای بنەڕەتیدا ڕاوەستان و مەعتەلی دێننە ئاراوە و خۆیان لەو پێویستیە دەدزنەوە، هاوکات لە گەڵ پێشێلکردنی مافی ئەتنیکی و قەومیدا و بە لاوەنانی ئەم بڕیارە کۆمەڵایەتییەدا ئەبنە هاوڕێی ئەو دوژمنانە وا خەون بە ڕووخانی بنەڕەتی نیزامەوە دەبینن. خافڵبوون لە مافی ئەتنیکی و قەومی، هێدی هێدی مەودای سیاسی و ئابووری و کۆمەڵایەتی زۆرترەوە ئەکات و هێماکانی خۆی لە چوارچێوەی هەڵدان و گەشەسەندنی ناهاوسانی وڵات، هەژاری چینایەتی و بێ بەشی کەمایەتیەکان لە دەسەڵاتدا ئاشکرا دەکات. دیارە ئەم شتەش تەنیا و تەنیا لە بەر خاتری بەڕێوەنەچوونی یاسای بنەڕەتیە. سەیر لەوەدایە بەرپرس و کاربەدەستی دەوڵەت و حکوومەت لەو شوێنانەدا وا داکۆکی لە سەر پێویستی بەڕێوەچوونی یاسای بنەڕەتی دەکرێت، ئەگەر بابەتەکەی بەدڵ نەبێت، زۆر بە هاسانی و ساکاری ئیمکان و هێزی ئەوەی هەیە ناوی چالاکی سیاسی و دژەهێمنایەتی بخاتە سەر هەوڵدانە ڕەواکان و هێمای چاندی و فەرهەنگی وەکوو جل و بەرگ و مۆسیقا و زمان و ئەدەبیات، بە ئامرازی هەڕەشە و مەترسی ناو ببات. لێرەدایە کە بێ یاسایی سەقامگیر دەبێت و هەر ئەو دەوڵەتە وا بە پێی ئاماژەی ڕوون و ئاشکرای یاسای بنەڕەتی وەزیفە و ئەرکی پەروەردە و پشتیوانی زمانە زگماکییەکان پێی سپێردراوە، خۆی لە ئەرکەکەی دەدزێتەوەو ئەو کەسانەش وا باسی زمانی زگماکی دەکەن بە دوژمنی میللەت ناویان لێ دەبات گوشاریان دەخاتە سەر.هەر بۆیەکەمایەتیەکان یەکەم تاقم و دەستەن وا بەردەوام بە بیانووی ئاسایشی نەتەوەیی لە مافەکانیان بێ بەش دەکرێن.

بنی الاسلام علی الکلمتین
کلمة التوحید و توحید الکلمة

کلمه

WWW.KALEME.COM

روزنامه کلمه، شمارهٔ سی و هفتم
شنبه، ۱۸ دی ۱۳۸۹، شمارگان: ما بیشماریم

اگر اصلاح‌طلبان جایگاهی در میان مردم ندارند چرا تمهیداتی فراهم نمی‌کنید تا آنها در معرض رای مردم قرار بگیرند؟ نمی‌شود به جز یک سلیقه برای همه سلیقه‌ها انواع محدودیت‌ها را ایجاد و انواع اتهامات را ردیف کرد و بعد گفت آزادی و مردم‌سالاری وجود دارد. نمی‌شود کسانی را که در جبهه‌ها بودند، هشت سال از انقلاب و مردم دفاع کردند و در کنار امام خدمات شایسته‌ای به نظام داشته‌اند را به اتهام دروغ ضدیت با نظام حبس یا حذف کرد.
سید محمد خاتمی

سرمقاله

حملات و جملات بخشنامه‌ای

یک بار آنچه را اقتدارگریان در این ده روز علیه خاتمی و جنبش مردمی سبز و انتخابات گفته‌اند مرور کنید. چرا همهٔ کسانی که در «ده روز اخیر» علیه «سید اصلاحات» معرکه گرفته‌اند، تهمت‌ها و توهین‌های مشابه و یکسانی را تکرار می‌کنند و در بسیاری از موارد جمله‌ها و عبارت‌هایشان یکی است؟ آیا همهٔ این «جملات هتاکانه» در یک مرکز خاص «بخشنامه» شده‌اند و از یک «ستاد فرماندهی» ابلاغ می‌شوند؟ اگر غیر از این است، این همه شباهت از کجا آمده است؟

آن‌ها در همهٔ این «حملات و جملات بخشنامه‌ای» از «مردم» می‌گویند. مردم از اصلاحات روی‌گردان شده‌اند. مردم باید توبه سران فتنه را بپذیرند. اصلاح‌طلبان در میان مردم جایی ندارند. مردم به سران فتنه اجازهٔ حضور نخواهند داد. سران فتنه توسط مردم حذف شده‌اند! براستی این ستاد مردمی کجاست که «این چند ده غوغاطلب» را به میان مردم فرستاده است تا مبادا مردم اغوا شوند؟ همان روز اول، در حالی که ۲۴ ساعت از سخنان خاتمی نگذشته بود، کی و چگونه «رای مردم» را رصد کردند و از کجا فهمیدند که «محبوب‌ترین رئیس جمهور تاریخ ایران» در میان مردم جایگاهی ندارد؟

آنچه را اقتدارگریان در این ده روز علیه خاتمی و اصلاح‌طلبان و انتخابات گفته‌اند مرور کنید. آیا همین شباهت‌ها و هماهنگی در واژگان و عبارات و تعابیر گواهی نمی‌دهد که این «حملات و جملات بخشنامه‌ای» نسبتی با «مردم» ندارند؟! شاید هم این واکنش «ستاد کودتا» است که به نام مردم بخشنامه می‌شود!

چه شد که همه برانداز شدند؟

غلامعلی رجایی پژوهشگر و از رزمندگان دوران دفاع مقدس و مسئول تبلیغات قرارگاه خاتم‌الانبیا در دوران جنگ در یادداشتی ضمن هشدار به کسانی که این روزها و ماه‌ها دانسته یا ندانسته بر طبل کینه و تفرقه و تهمت و جهل می‌کوبند و لحظه به لحظه دایره خودی‌های نظام را تنگ‌تر و تنگ‌تر می‌کنند و مسولان روزگار نه‌چندان دور نظام را خائن و وابسته و... می‌نامند از آن‌ها پرسیده است:

چه شده است که در سی سال گذشته – بجز دو دوره ریاست جمهوری آیت الله خامنه‌ای و بدون در نظر گرفتن دوره مرحوم مهندس بازرگان و بنی صدر – همه کسانی که در گذشته‌ای نه‌چندان دور عالیترین مناصب نظام با رای مردم و نظر امام در دست آن‌ها بود اکنون جزء «سران فتنه» و «براندازان نظام» و «وابستگان به بیگانه» و «مخالفان نظریه مترقی ولایت فقیه که از میراث‌های ماندگار خمینی در زمان ماست» شده‌اند؟

چه شده است که بعضی از ما در اوج کینه و نادانی خود اینقدر بیگانگان را فعال ما یشاء در امور نظام مقدس جمهوری اسلامی و نقش آفرین در جذب مسولان عالی رتبه گذشته نظام می‌دانیم؟!

وی در ادامه با ذکر سوابق انقلابی شخصیت‌هایی چون میرحسین موسوی، سید محمد خاتمی، هاشمی رفسنجانی، مهدی کروبی و... پرسیده است که چگونه شد که این‌ها (هر کدام با تهمت‌های متفاوت) وابسته به سیا و از سران فتنه و به دنبال براندازی نظام و عامل موساد و مخالف نظریه ولایت فقیه و... از آب در آمدند؟

این مورخ تاریخ انقلاب ادامه داده است چه شد که دانشجویان تسخیرکننده لانه جاسوسی آمریکا که امام در تایید اقدامشان این کار را انقلاب دوم ایران و بزرگ‌تر از انقلاب اول نامید، تحریک شده عوامل شوروی معرفی می‌شوند؟!

مرجع عالیقدر حوزه و افتخار حوزه‌های دینی شیعی جهان، آیت‌الله جوادی آملی با شرایطی که مشتی تندرو برایش پیش آوردند با مصلحت دانستن استعفا از منصب معنوی امامت موقت جمعه، مانند هاشمی از اقامه نماز جمعه در قم بازمانده است. ناطق نوری خانه نشین شده است.

سید حسن خمینی، یا به قول فتنه‌شناسان خبره این روزها! مصطفوی! حامی فتنه‌گران شده و از خط و راه پدر بزرگ خود، دور شده و باید دوباره به خط امام برگردد!

رجایی در پایان تذکر داده است آیا این نمونه‌ها نباید ما را در نادرستی راهی که رفته و می‌رویم اگر نگوییم مطمئن که به تردیدی جدی وا دارد؟ نباید به ما بفهماند که تنها خود را نبینیم و تنها به حال توجه نکنیم و نگران نگاه‌هایی که در آینده به ما دوخته خواهد شد باشیم؟

نباید ما را متوجه این مساله کند که آینده سریعا فرا می‌رسد و همانگونه که اکنون عملکرد بعضی پیشینیان در برابر ماست و با نفرت وخشم به آن می‌نگریم خدای ناکرده دیگران هم به عملکرد ما که با تنگ‌بینی‌های خود انتقادها وحتی مخالفت‌ها را برنمی‌تابیم و قدر این انقلاب شریف و عزیز را نمی‌دانیم با همین چشم خواهند نگریست و ما را لعنت خواهند کرد؟

متن کامل یادداشت غلامعلی رجایی را در وبلاگ شخصی وی یا در سایت کلمه بخوانید.

پاسخ سیدعلیرضا بهشتی به ادعاهای وزیر اطلاعات

پس از آنکه وزیر اطلاعات دولت احمدی‌نژاد همپای سایر متولیان امور اقدام به اتهام‌زنی در تریبون‌های رسمی علیه یاران و فرزندان انقلاب نمود و اینبار تیر تهمت را به سمت فرزند شهید بهشتی نشانه رفت این استاد دانشگاه توضیحاتی را دراین راستا خطاب به مردم ارایه کرد.

وزیر اطلاعات هفته گذشته مدعی شده بود از منزل علیرضا بهشتی «جزوه بسیار تکان‌دهنده‌ای با طرح براندازی دین! و با ادبیات حزب توده» به دست آمده است، که سران فتنه در این طرح قصد داشتند از حوزه‌های علمیه، مراجع و شخصیت‌های علمی به عنوان ابزار برای رسیدن به اهدافشان استفاده کنند.»

سید علیرضا حسینی بهشتی در جوابیه‌ای که همه رسانه‌هایی که ادعاهای مصلحی را منتشر کردند آن را سانسور نمودند این احتمال را مطرح کرده که شاید اشارهٔ مقام امنیتی مذکور به جزوه‌ای باشد که گروهی از افراد و از جمله خود وی در جمعیت توحید و تعاون تحت عنوان «الگوی زیست مسلمانی» تهیه کرده بودند و در سال ۱۳۸۷ جهت اطلاع و نظرخواهی ابتدا به صاحبنظران مختلف، از جمله مراجع عظام، مدرسین حوزهٔ علمیه، اساتید دانشگاه و سیاستمداران ارسال شد و در زمستان همان سال در نشستی ارایه و تشریح شد. متن مذکور حاصل اندیشه ورزی‌ها و دغدغه‌های نظری تهیه‌کنندگان آن در طی سال‌های پیش از آن و هدف آن، نقد مشفقانهٔ کارنامهٔ سی سالهٔ انقلاب بود.

بهشتی ادامه داده انگیزهٔ انجام چنین بازنگری گذشته چیزی نبود جز احساس مسئولیتی که به عنوان مسلمان نسبت به راه طی شده و دستاوردها یا کاستی‌های آن داشتیم و عمل به آن دستور

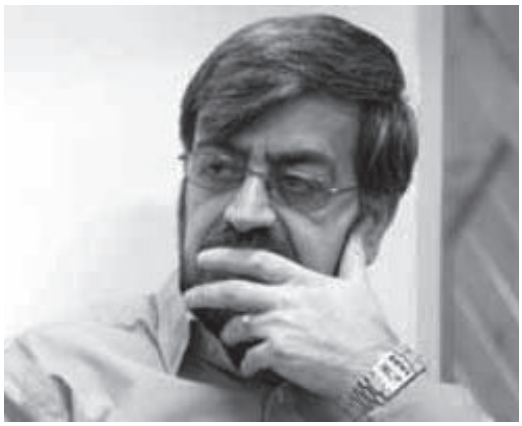

پیشوایان دینی که «حاسبوا قبل ان تحاسبوا» و محصول آن، ارایهٔ نظریهٔ الگوی زیست مسلمانی برپایهٔ عقلانیت جمعی توحیدی بود.

حال چگونه تلاش‌های فکری از این دست می‌تواند در جهت مقابله با نظام جمهوری اسلامی یا به تعبیر مقام مذکور، «براندازی دین»! فهمیده شود، پرسشی است که همچنان برایم بی‌پاسخ مانده است. اعتقاد ندارم که دین را بشود براندازی کرد، هرچند رفتارهای بی‌تناسب با دین که به نام دین انجام می‌شود، چنانچه به گواهی تاریخ دینداری در اروپا و نیز در میان مسلمانان اتفاق افتاده، می‌تواند باعث رویگردانی از دین شود. و چه چیز ضددین‌تر از اتخاذ اعمال و روش‌هایی که با اخلاق، که پیامبر این دین هدف از بعثت خود را ارتقای آن در جامعه اعلام می‌کند، در مغایرت و مخالفت آشکار است.

دکتر بهشتی یاد آورده است سیل تهمت و ناسزایی که این روزها در رسانه‌های رسمی و نیمه‌رسمی به سمت بزرگان و پیشگامان این انقلاب و یاران دیرینهٔ امام روانه شده، مرا بیاد ماه‌های نخست پس از پیروزی می‌اندازد. ماه‌هایی که یاران راستین امام از خشونت‌ورزی تبری می‌جستند و عالمانه با کسانی که نه تنها منتقد نظام، بلکه مخالف دین حاکم بودند در رسانهٔ ملی بر سر یک میز به گفتگوی مستدل می‌نشستند. و پرسشی که این روزها بیشتر از پیش ذهنم را به خود مشغول داشته این است که خون چند مظلوم دیگر باید بر زمین ریخته شود تا خشونت‌طلبی و زورمداری از این سرزمین برای همیشه رخت بربندد؟

متن کامل پاسخ دکتر سید علیرضا حسینی بهشتی را در کلمه بخوانید.

اخبار کوتاه

دردنامه‌ای برای آقای دادستان:
با کابل شکنجه‌ام کردند و گفتند اعتراف دروغ کن

غلامحسین عرشی از شهروندان معترض به نتیجه انتخابات که از یک سال پیش در زندان به سر می‌برد، طی نامه‌ای به دادستان تهران نوشت: بازجوها برای اجبار به اعتراف به کار نکرده، یعنی آتش زدن خودروهای پلیس، به ضرب و شتم با کابل و سیم قناعت نکرده و با بازکردن پاهای من در حالی که دستانم بسته بود، بیضه‌های مرا به شدت فشار می‌داده و به آن‌ها ضربه می‌زدند به گونه‌ای که فریاد من از درد و ضعف به هوا می‌رفت و جواب التماس و استغاثه‌های من تنها فحش‌های ناموسی بود.

تکذیب ادعای احمدی‌نژاد: بدهی دولت به بانک‌ها افزایش یافته است

برخلاف ادعای احمدی نژاد که در اظهارات خود بارها بر کاهش شدید بدهی دولت به بانکها تاکید کرده است، گزارش بانک مرکزی نشان می‌دهد این بدهی از ۵۶ هزار میلیارد ریال، با افزایشی شدید، به رقم عجیب ۲۰۶ هزار میلیارد ریال رسیده است.

۲۰۰ روز سکوت آماری درباره نرخ بیکاری

با گذشت حدود ۲۰۰ روز مرکز آمار ایران گزارش جدیدی از وضعیت بازار کار ارائه نکرده است. این در حالی است که طبق روال سالهای اخیر این مرکز هر ۳ ماه یکبار نسبت به اعلام جزئیات نوسانات نرخ بیکاری کشور اقدام کرده است.

معاون دوشغله بقایی ۲ پست دیگر هم گرفت

بقایی رییس سازمان میراث فرهنگی، معاونش علیرضا عامری را به‌عنوان دبیر کمیته‌ی طبیعت‌گردی و نیز رییس شورای آموزشی گردشگری منصوب کرد. عامری علاوه بر این دو پست، در حال حاضر معاونت گردشگری سازمان و ریاست ستاد تسهیلات سفرهای کشور را نیز عهده دار است.

شرکت صنایع پتو تعطیل شد

شرکت صنایع پتوی قم نیز به جمع واحدهای تعطیل شده این استان پیوست. این واحد تولیدی که متعلق به بخش خصوصی بود، پیش از ۳۰ سال سابقه فعالیت داشت.

کلاهبرداری میلیاردی در نهادهای دولتی

در آخرین گزارش منتشره از پرونده‌های مفاسد اقتصادی، به کلاهبرداری‌های چند ده میلیاردی در وزارت نفت، بانک ملی و سازمان بهینه‌سازی اشاره شده است. این گزارش در حالی است که دانه درشت‌های وابسته و عضو دولت، با حمایت‌های فراقانونی کماکان از تحقیق و پاسخگویی مصون‌اند.

فضای فوق امنیتی در بند ۳۵۰ اوین

با استقرار نیروهای وزارت اطلاعات در بند ۳۵۰، بند زندانیان سیاسی اوین، فضای این بند فوق امنیتی شده است. این ماموران با استفاده از دوربین های مدار بسته‌ای که در سراسر محوطه این بند نصب شده است به صورت مداوم رفتار و گفتار زندانیان را زیر نظر دارند.

تعطیلی یک کارخانه در گچساران و معضل بیکاری در این شهر نفت خیز

نماینده گچساران در مجلس ضمن اعلام تعطیلی کارخانه ماشین‌سازی این شهر در مورد وضع بیکاری در گچساران گفت: روزانه ۴۰، ۵۰ نفر در این زمینه با دفترش تماس می‌گیرند. وی تعداد بیکاران این شهر نفت خیز را طبق آمار ۱۳ هزار نفر اعلام کرد.

روزنامه کلمه، شمارهٔ سی و هشتم
دوشنبه، ۲۰ دی ۱۳۸۹، شمارگان: ما بیشماریم

کلمه
بنی الاسلام علی الکلمتین
کلمة التوحید و توحید الکلمة
WWW.KALEME.COM

آنچه به بنده به عنوان یک فرد کوچک این جامعه مربوط می‌شود استقبال از هر هجمه‌ای در راه اسلام و کشور عزیزمان است و سخنان چند روز اخیر، بنده را به یاد کلام امام رحمه‌الله علیه می‌اندازد که «بکشید ما را، ما نیرومندتر می‌شویم». **میرحسین موسوی، بیانیه ۱۷**

سرمقاله

آنها میرحسین را اینگونه می‌خواهند

براندازی، مخرج مشترک دشمنان واقعی نظام جمهوری اسلامی است. گفتمانِ براندازی، درصددِ حذف و تحریف خواسته‌های انقلاب اسلامی و آرمان‌های مردمی آن است. این گفتمان با دروغ و غوغا میانه‌ای دارد و در هر فرصتی حاملانِ گفتمان انقلاب اسلامی را ترور می‌کند.

برای شناسایی حاملان و عاملان این گفتمان، لازم نیست حتما به آن سوی مرزها رفت و الزاماً آن‌ها را در میان دشمنان بیرونی نظام جستجو کرد. اگر روزگاری صدام حسین نماد این گفتمانِ جنگ افروز و انسان‌سوز بود و اگر زمانی سازمان خشونت‌طلب و تروریست‌پروری چون مجاهدین خلق منادی این گفتمان بود تا عزیزترین وشریف‌ترین فرزندان ملت را به آتش نفرت بسوزاند، امروز حاملانِ این گفتمان، اغلب دولتمردان و دولت یاران و دولت‌پرورانی هستند که به نام نظام و حکومت و حاکمیت، هر روز به آتش تهمت، دروغی می‌پزند و در دروغی بزرگ به نام ملت، فتنه‌ای می‌سازند و به فتنه‌ای، فرزندان انقلاب را ترور شخصیت می‌کنند.

شباهت‌های براندازان و عاملان خشونت و یارانِ غوغا و بانیانِ دروغ، وقتی به مواجههٔ با میر حسین موسوی می‌رسد تماشایی است. او، نخست وزیری است که مورد حمایت بنیان‌گذار انقلاب اسلامی است؛ اصول‌گرایی است که به آرمان‌های انقلاب اسلامی وفادار است و گفته است که اصول خویش را گم نمی‌کند و نشان داده است که بر اصول خویش پایمردانه ایستاده است. او نخست‌وزیر سال‌های دفاع مقدس است و در سخت‌ترین سال‌های جنگ و تحریم، دولت جمهوری اسلامی را پیش برده است و نگاه داشته است. میرحسین، کاندیدای دهمین انتخابات ریاست جمهوری و چهرهٔ تمام‌نمای اعتراض به نتایج انتخابات و سیاست‌های همه‌چیزخواهان است. با این همه، برای حمله به آرمان‌های انقلاب، چه کسی بهتر از او؟ و برای شناخت گفتمان براندازی چه شاخصی بهتر از این؟

به نمونه‌هایی از هم‌نوایی و هم‌زبانیِ این «دو کهنه رقیب!» دقت کنید:

هر دو از گذشتهٔ میرحسین گریزانند! و این گونه دل‌خوش‌اند: این میرحسین همانی نیست که بود. او تغییر کرده است. ملاک حال آدم‌هاست!

هر دو، میرحسین را مصلحت‌گرا و متظاهر می‌خوانند! این گونه می‌گویند: به قانون اساسی اعتقادی ندارد. بنا به محدودیت‌هایی که دارد، شعار قانون و اجرای قانون اساسی سر می‌دهد.

هر دو، میر حسین را بی‌ریشه می‌خواهند؛ این گونه امر می‌کنند: لازم است، نخست‌وزیر امام نباشی. از این مقام، خلع شوی بهتر است.

هر دو، میر حسین را سکولار می‌پسندند! تفسیر می‌ورزند، این گونه: دینی که به درد دنیا نخورد، باید محو شود؛ این است میرحسین!

هر دو، میر حسین را، به قدرِ نیاز می‌خواهند. حساب می‌کنند، این سان: میر حسین منهای قانون اساسی، میرحسین واقعی است. میرحسین منهای نخست‌وزیری امام، میر حسین کنونی است.

هر دو میرحسین را معترف می‌خواهند؛ معترف به دوستی! هر دو میر حسین را منحرف می‌خوانند؛ منحرف از اصول! هر دو میرحسین را می‌نوازند؛ به یک منشور و هر دو میرحسین را می‌رانند به یک میثاق: «قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران».

و... شبیه‌تر از همه؛ هر دو جنبش سبز را «تمام» می‌خواهند.

جنبش سبز می‌داند، کاش آن‌ها هم بدانند: میرحسین، همان است که «می‌گوید»؛ صمیمانه. میر حسین همان است که «می‌نویسد»؛ عاقلانه. میرحسین همان است که «می‌کِشد»؛ صبورانه. میرحسین همان است که «هست».

در نامه‌ای خطاب به ریاست قوه قضائیه:

در خواست دوباره زهرا رهنورد برای آزادی همهٔ زندانیان سیاسی

زهرا رهنورد نویسنده و استاد دانشگاه در نامه‌ای خطاب به آیت‌الله لاریجانی خواستار آزادی زندانیان سیاسی پس از انتخابات شد. وی در این نامه تاکید کرد: زندانیان سیاسی آزادگانی هستند که نه خواهان براندازی و نه خواهان انقلاب نرم و نه خواهان انقلاب سخت نه مخملین نه هیچ جنس دیگر و نه خواهان مقام و موقعیت بوده‌اند، بلکه فقط آرزوی بهبود و ترمیم شرایطی را داشته و دارند که در پناه آن ملت ایران سرفراز و مرفه، شاد و آزاد زندگی کند. زهرا رهنورد با اشاره به اینکه در آستانه ماه صفر قرار داریم به آملی لاریجانی نوشت: انتظار می‌رود در حکومتی که ادعای تشیع را دارد و همیشه تاریخ داغ حبس و درفش ائمه علیهم‌السلام را زنده نگهداشته است برای رضایت رسول‌الله و به احترام همه آزادگان جهان تلاش کنید تا بهر نحو ممکن زندانیان سیاسی آزاد شوند. این قرآن پژوه با اشاره به وضعیت خاص زنان زندانی نوشت: در میان آنها مادرانی هستند که فرزندانشان در فراق آنها اشک می‌ریزند و اضطراب‌های روانی و بی‌پناهی، سلامتشان را تهدید می‌کند.

در میان زنان زندانی دختران جوانی هستند که پدر و مادر و خانواده‌اشان وحشت‌زده از این زندان به آن زندان و از تهران تا تبعیدگاه‌های دور هاجروار سعی می‌کنند تاکمی اضطراب خود و فرزندانشان را فرو نشانند.

اینان همه زنانی هستند از کارمند، دانشجو و معلم، هنرمند، حقوقدان و خانه‌دار و کارگر که دور از شغل و کار و مدرسه و دانشگاه و خانه سال‌های جوانی خود را می‌بینند که به خاکستر پیری در کنج غم‌افزای زندان‌های بی‌دلیل، بدل می‌شود.

این زنان بی‌شک زینب پیشگانی سلحشورند که در عصر ما ظهور کرده‌اند. آیا سزاوار است چنین استعدادهای درخشان آزادگی و قابلیت‌های زندگی و کاری و علمی در زندان باشند و جامعه به جای بهره بردن از توان از وجود چنین انسان‌های متعهدی، دستش تهی باشد؟ رهنورد در پایان خطاب به آملی لاریجانی نوشت: انتظار می‌رود تا باتلاش برای آزادی تمامی زندانیان سیاسی، در این ماه غم‌افزای صفر نه تنها ملت و خانواده‌های زندانیان سیاسی که بلکه پیامبر(ص) و ائمه علیهم‌السلام را از خود راضی کنید.

توهین و تهمت، شیوه کسانی است که پایه‌های قدرت خویش را بر تارهای عنکبوتی بنا نهاده‌اند

هاشمی رفسنجانی در پیامی به مناسبت ۱۹ دی، قیام خونین مردم قم علیه توهین به بنیانگذار جمهوری اسلامی آورده است: توهین و تهمت به کسانی که جایگاهی در قلوب مردم یک سرزمین یا پیروان یک آیین الهی دارند، شیوه همیشگی کسانی است که پایه‌های قدرت خویش را بر تارهای عنکبوتی بنا نهاده‌اند و شگفتا در تاریخ بسیار دیدیم و شنیدیم که حاکمان ناحق بسیاری، برای بقای خویش به این شیوه نخ‌نما تمسّک جستند و هربار نیز آفتاب حقیقت از پس ابر توهین و تهمت بردمید و اساس شب‌پرستان را درنوردید، اما اذناب جور به این میراث اجدادی خویش پایبندند. رییس مجمع تشخیص مصلحت در ادامه یادداشت خود آورده است: اینک ۳۰ سال از پیروزی انقلاب اسلامی می‌گذرد و بقایای فکری دین‌زدایی و روحانیت‌ستیزی که در بهار هوشیاری مردم ایران، چون مارهای افسرده سر در خاک انتقام فرو برده بودند، در پاییز بداخلاقی‌های سیاسی و اختلافات سلیقه‌ای، پوست‌اندازی کرده و سر برآورده‌اند و خاکریز به خاکریز جلو می‌آیند.

تأسف‌آور است که این بار برای توهین و تهمت، لباس رشیدی مطلق‌ها را درآورده و خرقه دوستی و ارشاد پوشیده‌اند، رندانه با چراغی که دروغ را اخلاق، تهمت را مبارزه و توهین را جهاد می‌دانند، مزوّرانه پشت خاکریزی پناه گرفته‌اند که مطمئناً آخرین و بالاترین هدف آنها خواهد بود.

اسم انتخابات آزاد اقتدارگرایان را وحشت‌زده می‌کند

ابوالفضل قدیانی پیش از بازگشت به زندان برای گذراندن یکسال حبس خود به واکنش اقتدارگرایان از شروط خاتمی اشاره می‌کند و می‌گوید: «این شروط کف خواسته‌های اصلاح‌طلبان و حداقل مطالبات آنهاست چون اگر بنا باشد این جریان سیاسی در انتخابات شرکت کنند شروطی خیلی بیش از این طلب می‌کند.»

او معتقد است که طرف مقابل پایگاه خیلی محدودی دارند و تنها اقلیتی از آنها طرفداری می‌کنند. آنچه که آنها را می‌ترساند و وحشت‌زده می‌کند انتخابات آزاد و خود را در معرض رای مردم قرار دادن است.

اخبار کوتاه

سیدمحمد صدر: در اوج جنگ تحمیلی به این اندازه در دنیا تنها نبودیم

سید محمد صدر از دیپلمات‌های باسابقه کشورمان گفت: «متاسفانه در شرایط فعلی به تجربیات گذشته دستگاه دیپلماسی کمتر توجه می‌شود. بدون هیچگونه تعصب و تحلیل غیر کارشناسی باید بگویم ما حتی در اوج جنگ تحمیلی و فشارها نیز به این اندازه در دنیا تنها نبودیم.»

آیت الله صانعی: اینها می‌ترسند خیانت‌هایشان برملا شود

آیت الله صانعی گفتند: «یک انقلاب زمانی از اهداف خود فاصله می گیرد که انسان‌های آزاده و انقلابیون حتی امنیت ابراز سخن هم نداشته باشند. محدود کردن انقلابیون به این علت است که می‌ترسند، خیانت‌ها و انحراف‌های آنان برملا شود و در واقع اینها از آگاهی مردم می‌ترسند.»

بودجه عمرانی بسیج پنج برابر می‌شود

سردار نقدی، رییس سازمان بسیج مستضعفین از افزایش سهم مشارکت بسیج سازندگی از اعتبارات عمرانی به پنج درصد در برنامه پنج ساله توسعه آینده خبر داد. گفتنی است در حال حاضر این سهم یک درصد است.

پروژه‌های اعتراف‌گیری بی‌وقفه پیش می‌رود

محتشمی‌پور، همسر مصطفی تاجزاد در نامه جدید خود به دادستان تهران نوشته است: «به نظر می‌رسد پروژه اعتراف‌گیری توسط تیم اطلاعات و بازجویی سپاه تا حدی کنترل شده و در عوض توسط نیروهای امنیتی و در بند اطلاعات بی‌وقفه و افسارگسیخته دارد پیش می‌رود. اعتراف‌گیری علیه خود و حتی دیگران هیچ‌گونه مجوز شرعی ندارد و قاضی که بر آن مبنا حکم دهد از عدالت و قضاوت خارج است.»

مادر نازنین خسروانی: مسوولان به ما دروغ گفتند

مادر نازنین خسروانی گفت که مسئولان دادسرای اوین به او گفته‌اند پرونده دخترش به دادگاه انقلاب ارسال شده اما دادگاه این مسئله را رد کرده است و این یعنی یا دادسرای اوین دروغ گفته یا دادگاه انقلاب. خسروانی، روزنامه‌نگار بیش از دو ماه است که در بازداشت به سر می‌برد.

جدی شدن جیره‌بندی آب و برق در سال آینده

خبرآنلاین، از جدی شدن جیره‌بندی آب و برق در سال ۹۰ خبر داد و نوشت: باید به فکر مهار این بحران بود و نباید تنها گفت که بارش باران دست ما نیست. چرا که اصل مدیریت، ایجاد راهکارهایی برای مقابله با بحران است.

فساد در سیستم بانکی در حال نهادینه شدن است

دلق پوش، عضو هیئت تحقیق سیستم بانکی گفت: «افرادی به راحتی تسهیلاتی را با پرداخت وجوهی به برخی افراد دریافت می‌کنند». وی گفت فساد در سیستم بانکی در حال نهادینه شدن است.

وعده اجرا نشده دیگر؛ بودجه هدیه به نوزادان تامین نشد

دامغانیان عضو هیات مدیره بانک ملی اعلام کرد که هنوز مبلغی برای طرح هدیه به نوزادان به بانک ملی ارائه نشده است.

درآمد دولت از اجرای هدفمندکردن یارانه‌ها: ۸۰ هزار میلیارد تومان

شهریاری، نماینده مجلس گفت: «قیمت‌های اعلام شده نشان می‌دهد که قرار است طی ۳ ماه، ۲۰ هزار میلیارد تومان از مردم گرفته شود و این یعنی ۸۰ هزار میلیارد تومان طی یک سال.» این مسئله در حالی است که طبق مصوبه مجلس دولت باید سالانه ۲۰ هزار میلیارد تومان از محل هدفمند کردن یارانه‌ها کسب کند.

بنی الاسلام علی الکلمتین
کلمة التوحید و توحید الکلمة

کلمه

روزنامه کلمه، شمارهٔ سی و نهم
دوشنبه، ۲۷ دی ۱۳۸۹، شمارگان: ما بیشماریم

WWW.KALEME.COM

امروز پرونده‌سازی با محور منافق‌سازی در دستور کار قرار گرفته و هر روز بندگان خدا را با این اتهام به سلابه می‌کشند و این سوال را نادیده می‌گیرند که مگر شما مدیون منافقین هستید که با تهمت و افترا جریانی که بدلیل جنایات و خیانت، پیش ملت مرده و منفور است را دوباره زنده می‌کنید؟ **زهرا رهنورد**

مهدی کروبی در مصاحبه با روزنامه اینترنتی اعتماد ملی:

وقتی حرف‌های آقای جنتی را می‌شنوم یاد حرف‌های شاه می‌افتم

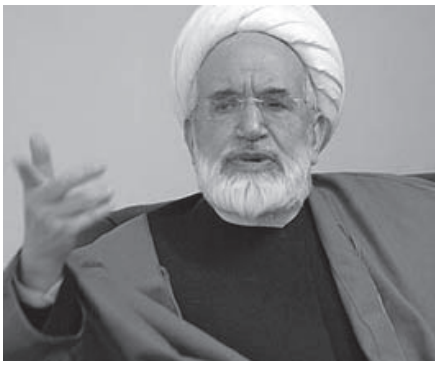

مهدی کروبی، دبیرکل حزب اعتماد ملی، در گفت‌وگویی با روزنامه اینترنتی اعتماد ملی به بیان برخی از حوادث دوران امام خمینی و پس از آن پرداخت. او همچنین وعده داد در آینده ناگفته‌های بیشتری را نیز با مردم در میان خواهد گذاشت.

دبیرکل حزب اعتماد ملی از «تغییرات خاص در قانون اساسی» نام برد و گفت: «در اثناء بازنگری قانون اساسی به اختیارات رهبری اضافه شد و همچنین مسئول اجرایی نیز تغییر کرد و همه چیز در اختیار این دو بزرگوار بود. آیت‌الله خامنه‌ای در بسیاری بخش‌ها و آقای هاشمی کابینه نسبتاً جدیدی را تشکیل داد و یک بخشی از نیروها را کنار گذاشت. پس از ۸ سال دولت سازندگی به مدیریت آقای هاشمی با توجه به جایگاه خاص ایشان رهبری در انتخابات ۷۶ ریاست جمهوری، در کنار صندوق رأی گفت کسی برای من هاشمی نمی‌شود. سال ۷۶ دولت اصلاحات با تعداد آراء زیاد که آقای خامنه‌ای آن را حماسه خواندند شکل گرفت. سال ۸۴ دولت آقای احمدی‌نژاد مستقر شد و رهبری نیز گفت که این دولت از نظر فکری به من نزدیکتر است. اما این‌بار جریانی به روی کار آمد که با انحصارطلبی و تنگ‌نظری و اقتدارگرایی شروع کردند به حذف دیگران تا همه چیز در اختیار خودشان باشد.»

این نامزد معترض به نتیجه انتخابات دهم ریاست جمهوری که با روزنامه اینترنتی اعتماد ملی گفت‌وگو می‌کرد، افزود: «یک هفته به حرمت فوت امام بازنگری تعطیل شد و بعد که مجدداً شروع کردیم متوجه شدیم که یک مرتبه همه چیز عوض شده. یکباره ظرف یک هفته برخی افراد ولایتشان قوی شد و اصرار داشتند که بر اختیارات ولایت فقیه در قانون اساسی اضافه شود.»

مهدی کروبی در خصوص صحبت‌های اخیر جنتی از تریبون نماز جمعه گفت: «وقتی من حرف های‌ایشان را می‌شنوم یاد حرف‌های شاه می‌افتم. مثلاً سال ۵۴ که در کریدور زندان تلوزیون نگاه می‌کردم و دیدم شاه در رامسر در مورد حزب رستاخیز صحبت می‌کند که ما این وضع را داریم هر کسی که نمی‌خواهد به هر جهنم دره یا هر بهشت موعودی که می‌خواهد برود. من آنجا به این می‌اندیشیدم که خدایا چطور قدرت، یک انسان را وادار می‌کند تا با انسان‌های دیگر این طور صحبت کند؟ حالا می‌بینیم که آقای جنتی با بیان این صحبت‌ها ادعای اعلیحضرتی شاه را دارد که به جای تاج، عمامه بر سر دارد و از تریبون نماز جمعه سخن می‌گوید. عملکرد انسان‌ها مهم است و الّا عمامه با تاج، کت و شلوار با قبا و لبّاده که ملاک نیست.» متن کامل مصاحبه را در سایت کلمه بخوانید.

بند ۲۰۹ زندان اوین: بازجوها خدایی می‌کنند

زندانیان بند ۲۰۹ وزارت اطلاعات این روزها در شرایط سختی به سر می‌برند و شرایط غیراستاندارد این بند در فصل زمستان شرایط بسیار دشواری را برای زندانیان این بند ایجاد کرده است. این در حالی است که بند زنان مستقر در بازداشتگاه ۲۰۹ شرایط بسیار غیراستاندارتر و سخت‌تری نیز دارد.

این بازداشتگاه در بخشی از محوطه زندان اوین قرار دارد. طبقه اول بیشتر محل استقرار کارمندان و بازجوهای این نهاد است. بارها بسیاری از حقوقدانان و فعالان حقوق بشر اعلام کرده‌اند که وجود چنین بندی با قوانین جمهوری اسلامی نیز تعارض دارد. نمایندگان مجلس ششم به ویژه کمیسیون اصل نود در این مجلس بارها در باره غیرقانونی بودن این بند هشدار دادند، هشداری که هرگز مورد توجه واقع نشد.

فضای فوق امنیتی حاکم بر این بند شرایط دشواری را برای زندانیان مستقر در آن به وجود آورده است و زندانیان اینجا، تنها در سلول‌های خود حق دارند بدون چشم بند به سر ببرند. زندانیان این بند حتی مجبورند برای رفتن به دستشویی و یا بهداری نیز از چشم‌بند استفاده کنند.

فضای فوق‌العاده امنیتی این بند موجب شده که از تعداد دقیق زندانیان این بند بی‌اطلاع باشیم. اما تقریبا همه زندانیان سیاسی تجربه حضور در این بند را دارند و حداقل چند ماهی از عمرشان را در سلول‌های این بند گذرانده‌اند تا سپس به بندهای عمومی منتقل شده یا به قید وثیقه از این بازداشتگاه به طور موقت تا زمان برگزاری دادگاه آزاد شده‌اند.

زندانیان حوادث پس از انتخابات نیز تجربه حضور در این سلول‌ها را داشته‌اند.

دوبار ملاقات در ماه، فضای فوق امنیتی و سلول‌های انفرادی

در این بند بازجوهای وزارت اطلاعات هستند که فرماندهی می‌کنند، آنها می‌توانند به زندانی ملاقات بدهند یا ندهند! می‌توانند او را از حق استفاده از تلفن محروم کنند یا نکنند! این بازجویان تا جایی قدرت دارند که وقتی خانواده‌ها از قاضی پرونده و یا حتی دادستان تهران برای ملاقات با زندانی‌شان اجازه می‌گیرند و نامه کتبی از سوی آنها به ماموران ارایه می‌دهند، آنها بی‌اعتنا به این نامه‌ها از ملاقات زندانی با خانواده‌اش ممانعت می‌کنند. این بازجوها قادرند زندانیان را تا مدت‌ها در سلول‌های انفرادی نمور و کوچک بدون استفاده از حق هواخوری نگه دارند و کسی هم نیست که از آنها بپرسد چرا! زندانیان زیادی در این بند زندانی بوده‌اند که تا روزها و حتی ماه‌ها در این سلول‌ها نگهداری شده، بدون اینکه از حق هواخوری استفاده کنند.

در ملاقات‌های دو هفته یک بار خانواده‌ها با زندانیان نیز همیشه ماموران حضور دارند که به حرف‌های زندانیان و خانواده‌هایشان گوش می‌دهند. گاه در زمان ملاقات همراه یک زندانی چند مامور فرستاده می‌شود تا همه صحبت‌هایشان را کنترل کند و بنابراین خانواده‌ها در این ملاقات‌ها نیز هیچ‌گونه راحتی احساس نمی‌کنند. در ملاقات‌های حضوری که به ندرت به خانواده‌ها داده می‌شود نیز ماموری با یک ضبط صوت همه مکالمات خانواده با زندانی را ضبط می‌کند.

سلول‌های سرد و زندانی‌های بدون لباس گرم

سلول‌های بند ۲۰۹ که سلول‌هایی کوچک و دربسته هستند در فصل زمستان بسیار سرد و در فصل تابستان بسیار گرمند.

اغلب مقامات جمهوری اسلامی به جز دادستان تهران و برخی مسئولان قوه قضاییه حق بازدید از این بند را ندارند و حتی نمایندگان مجلس نیز که بارها خواسته‌اند از این سلول‌ها بازدید کنند با ممانعت نیروهای امنیتی مواجه شده‌اند. بازجوهای وزارت اطلاعات این بازداشتگاه را قلمرو فرماندهی خود می‌دانند و کسی را به این راحتی‌ها به آن راه نمی‌دهند. شاید همین عدم نظارت موجب شده تا بازجویان وزارت اطلاعات این قلمرو را مناسب‌تر از هرجای دیگری برای اعمال خلاف قانون خود تلقی کنند. اما آیا این قلمرو همیشه اینچنین محصور در حصارهای امنیتی خواهد ماند و متولیان آن هرگز مورد پرسش افکار عمومی قرار نخواهند گرفت؟

پاسخ دولت افغانستان به دولت ایران:

کابل تهران نیست، اینجا همه حق اعتراض دارند

در پی درخواست نمایندگی ایران جهت واکنش دولت افغانستان به تظاهرکنندگان مقابل سفارت ایران در کابل، دولت افغانستان به این درخواست - که خواستار بازداشت تظاهرکنندگان بود - جواب رد داده و گفته است «کابل تهران نیست. بر بنیاد آزادی بیان که در قانون اساسی ما تضمین شده هر کس حق دارد در هر موردی که می‌خواهد معترض باشد و نظر خود را ابراز کند.»

در پی تجمعات اعتراضیِ شهروندانِ افغانی مقابل سفارت جمهوری اسلامیِ در کابل، مقامات آن سفارتخانه روز جمعه ۱۴ ژانویه (۲۴ دی ماه)، از دولت افغانستان خواسته بودند تا نسبت به حملات تظاهرکنندگان به ساختمان سفارت واکنش نشان داده و آنها را بازداشت کند.

اخبار کوتاه

خواسته‌های فرعی مثل آزادی ما اسرای دربند، شما را از خواسته‌های اصلی باز ندارد

مهدی محمودیان روزنامه نگار زندانی در نامه‌ای خطاب به سید محمد خاتمی، میرحسین موسوی و مهدی کروبی نوشت: «مبادا هیچگونه فشاری از هر سو سبب گردد تا دستیابی به خواسته‌های فرعی همچون آزادی ما اسرای دربند شما را از تاکید و پافشاری برخواسته‌های اصلی باز دارد؛ زیرا در چنین حالتی حتی در صورت دستیابی به این خواسته‌تان تمامی زحمات ما و سایر کسانی که در این مدت متحمل انواع هزینه‌ها شده‌اند از بین خواهد رفت.»

برخورد پلیسی با ۲۶ هزار راننده تاکسی در تهران

پلیس راهنمائی و رانندگی تهران فاش کرد که تا به حال با ۲۶ هزار راننده تاکسی و مسافربر شخصی به خاطر افزایش کرایه یا سوار نکردن مسافر برخورد شده است. این در حالی است که دولت ادعا می‌کند هدفمند کردن یارانه‌ها در فضایی آرام آغاز شده است.

خداحافظی با بنزین ۱۰۰ تومانی از بهمن ماه

براساس جدیدترین تصمیم دولت، از بهمن ماه اختصاص سهمیه بنزین ویژه - حمایتی (۱۰۰ تومانی) منتفی شد. با این تصمیم سهمیه بنزین نیمه یارانه‌ای (۴۰۰ تومانی) و آزاد (۷۰۰ تومانی) به ترتیب ۶۰ لیتر و ۵۰۰ لیتر در بهمن ماه تعیین شده است.

پرداخت یارانه با یک ماه تاخیر

پرداخت یارانه‌ای که قرار بود در بهمن ماه باشد به اسفند موکول شد. گفتنی است پیش از آغاز پرداخت یارانه‌های نقدی، دولت مدعی بود که منابع کافی برای پرداخت یارانه‌ها را فراهم کرده اما به نظر می‌رسد پیش بینی‌ها درست از آب در نیامده است!

کاهش سرمایه‌گذاری خارجی در ایران

بانک جهانی در جدیدترین گزارش خود، کاهش چهار درصدی سرمایه‌گذاری خارجی در ایران در سال ۲۰۱۰ را برآورد کرد. گفتنی است این رقم طی یک سال گذشته از سه میلیارد و ۱۶ میلیون دلار به دو میلیارد و ۹۰۰ میلیون دلار رسیده است.

اعلام نکردن نرخ بیکاری نشان می‌دهد ادعاهای اقتصادی دولت درست نیست

توکلی نماینده تهران اعلام نکردن نرخ بیکاری را به دلایل سیاسی خواند و گفت: «شاخص بیکاری محکی بود برای ادعای دولت که بسیاری از اقدامات اقتصادی خود را درست می‌داند و اعلام نکردن آن نشان می‌دهد که این ادعا درست نیست.»

نماینده ارومیه: استعفا حداقل انتظار از وزیر راه بود

نماینده ارومیه، استعفای وزیر راه و ترابری بعد از حادثه سقوط هواپیما در ارومیه را حداقل انتظار از وی خواند. این نماینده همچنین از هیات رئیسه مجلس خواست تا نمایندگان را برای استیضاح وزیر راه همراهی کنند.

تماس تلفنی آیت‌الله بیات زنجانی با خانواده سه زندانی سیاسی

آیت الله بیات زنجانی در تماس‌های تلفنی جداگانه‌ای از خانواده‌های سه تن از زندانیان سیاسی دلجویی کرد. این مرجع تقلید با همسران آقایان قدیانی، میردامادی و صفایی فراهانی گفتگو کرد.

انتقاد علی مطهری و علی لاریجانی از صحبت‌های جنتی

علی مطهری و علی لاریجانی از اظهارات جنتی انتقاد کردند. مطهری سخنان جنتی را موجب تضعیف مجلس خواند و لاریجانی گفت که کسی نمی‌تواند مانع از انجام وظایف نمایندگان در سوال از وزرا شود. آیت‌الله جنتی در نماز جمعه هفته گذشته تهران نسبت به فراخواندن وزرا به مجلس اعتراض کرده بود.

بنی الاسلام علی الکلمتین
کلمة التوحید و توحید الکلمة

کلمه

روزنامه کلمه، شمارهٔ چهلم
چهارشنبه، ۲۹ دی ۱۳۸۹، شمارگان: ما بیشماریم

WWW.KALEME.COM

قانون اساسی ما پر از ظرفیت‌هایی است که هنوز به فعلیت نرسیده‌اند؛ مسئولان گاهی با این حقیقت به گونه‌ای برخورد می‌کنند که گویی به عنوان امری مستحب مخیرند همچنان استفاده‌های بیشتری از ذخائر قانون اساسی ببرند. نه! هرگز چنین نیست. آنها مکلفند که این ظرفیت‌ها، آن هم تمامی این ظرفیت‌ها را به فعلیت برسانند. **میرحسین موسوی، بیانیه ۱۱**

سرمقاله

شورای نگهبانِ قدرت یا شورای نگهبان قانون اساسی؟

گویا «تعمدی» در کار است که عنوانِ کامل شورای نگهبان، چندان در صدا و سیما و تریبون‌های رسمی مورد استفاده قرار نمی‌گیرد. دورنیست که فراموش شود – و انکار کنند! – که عنوان کاملِ این نهادِ قانونی، «شورای نگهبان قانون اساسی» است.

اگرچه در قانون اساسی، «ممانعت» از تصویب قوانین خلاف شرع هم جزو وظایف شورای نگهبان است ولی همهٔ این وظایف ذیل قانون و در دل قانون دیده شده است. لذا می‌گوییم «شورای نگهبان قانون اساسی» و نمی‌گوییم «شورای نگهبان قانون اساسی و شرع». همین نشان می‌دهد که شرع و مشروعیت حکومت هم در بطنِ قانون اساسی گنجانده شده و هر «شخصِ یا نهادی» که این قانون را نقض کند، مشروعیت، بل مشروعیت دینی هم ندارد، حتی اگر این نهاد، خود شورای نگهبان باشد!

«مطلقه‌ای‌ها»یی که در شورای نگهبان حضور دارند با جهت‌گیری آشکار به سمت نامزدان ریاست جمهوری و مجلس، قانون اساسی را نقض کرده و به جای نگهبانی از قانونِ اساسی، «نگهبان قدرت حاکمه» شده است و این شورا در «نظر و عمل» ارزشی برای قانون قائل نیست. قانون صراحتاً حاکمیت را از آن خدا می‌داند که به مردم تفویض شده ولی «مطلقه‌ای‌های شورا» می‌گویند حاکمیت از آن خداست که به رهبر تفویض شده است. قانون صراحتاً می‌گوید رهبر در مقابل قانون با سایر افراد برابر است و مجلس خبرگان می‌تواند بر اعمال او نظارت کند و در صورت لزوم او را برکنار کند، ولی در «آئین مطلقه» رهبر که سهل است، همین معاون اول رئیس جمهور را هم نمی‌توان به محکمه کشید. قانون می‌گوید راهپیمایی و تجمع به شرطی که مسلحانه نباشد و با مبانی اسلام در تضاد نباشد، آزاد است ولی برای کسی و حزبی چنین مجوزی صادر نمی‌شود. در این وضعیت که قانون اساسی به تاراج رفته است، آیا بهتر نیست رسماً مرگ شورای نگهبان قانون اساسی – دور از جان اعضا! – اعلام شود؟ آیا صادقانه‌تر نیست که منتظر نامگذاری تاریخ نمانیم و رسماً از «شورای نگهبان قدرت حاکمه» بگوئیم؟

از زیرکی کروبی است که با شنیدن حرف‌های جنتی به یاد حرف‌ها و منطق شاه می‌افتد و راست گفته است میرحسین؛ تمام قرائن و نشانه‌ها بر نوعی کودتای خزنده به سمت حکومت فردی به سبک کره شمالی شهادت می‌دهند. «تردیدی اگر هست» به یاد بیاوریم که شعار اولیه انقلاب «نه شرقی، نه غربی» بود. قرارمان این بود که معایب غرب و شرق را تفریق و مزایای آن‌ها را با هم جمع بزنیم. تا با نفی فاصله طبقاتی در غرب و استبداد در شرق ترکیبی از مردم‌سالاری و عدالت برقرار شود. اما هر چه پیش رفتیم، هم بر بی‌عدالتی و اختلاف طبقاتی افزوده‌ایم و هم استبداد شرقی را چاشنی حکومت کردیم و زشتی‌های نظام‌های شرقی و غربی را به نام اسلام به خورد مردم دادیم. قرار بود نظام اسلامی محاسن هر دو نظام را داشته باشد نه معایب هر دو را...

گزارشی از نقش دولت در اتلاف انرژی‌های کشور

دولت ناکارآمد است؛ مردم را متهم نکنید

این روزها یک اتهام دیگر به فهرست اتهامات مردم ایران افزوده است: آنها متهم می‌شوند که اسراف‌کارند، صرفه‌جویی نمی‌کنند و هرچقدر هم دولت کارآمد است! باز نمی‌تواند از پس تامین مایحتاج این ملت برآید.

در سطرهای آینده، چند عدد و رقم ساده در زمینه میزان اتلاف چند نوع انرژی بررسی شده است تا مشخص شود که مقصر اتلاف انرژی و تضییع منابع ملی، دولت است یا مردم مظلوم؟ همهٔ عدد و رقم‌هایی که در این محاسبات مورد استفاده قرار گرفته، از آمارهای رسمی و دولتی اخذ شده است.

نقش دولت در اتلاف برق: تلفات برق در کشور ۲۳ درصد است. این درحالی است که استاندارد جهانی برای تلفات برق، بین هفت تا هشت درصد است. این یعنی ۱۵ درصد تلفات شبکهٔ برق ناشی از سوء مدیریت در ایجاد یک شبکهٔ برق است.

نقش دولت در اتلاف آب: مصرف آب کشور حدود ۹۸ میلیارد متر مکعب در سال است که حدود ۳۰ درصد آن در شبکهٔ توزیع گم می‌شود! بدین معنی که بخشی از آن در لوله‌های فرسوده شرکت آب هرز می‌رود و بخشی از آن هم توسط کسانی مصرف می‌شود که شرکت آب نمی‌تواند پولی از آنها بگیرد.

نقش دولت در اتلاف گاز: در ایران روزانه ۵۴ میلیون مترمکعب گاز در میدان‌های نفت و گاز و مشعل پالایشگاه‌ها و بدون کوچک‌ترین استفاده‌ای سوزانده می‌شود که این رقم معادل مصرف گاز یک روز در کل کشور ترکیه است. اگر ارزش این میزان گاز همراه را با قیمت گاز وارداتی ترکمنستان (۱۷۰ دلار به ازای هر هزار متر مکعب) محاسبه کنیم، متوجه می‌شویم که هر روز «نه» میلیون دلار گاز در کشور سوزانده می‌شود که سالی حدود ۳ میلیارد دلار ضرر مالی دارد

نقش دولت در اتلاف بنزین و گازوئیل: تکنولوژی خودروهای تولیدی در کشور با تکنولوژی روز دنیا فاصلهٔ زیادی دارد و این موجب شده که مصرف آنها بالا باشد. مطالعات وزارت نفت حاکی از آن است که تا ۵۰ درصد از مصارف فوق با اعمال راهکارهای مناسب از جمله جایگزینی روش‌های تولید خودرو با تکنولوژی روز، قابل صرفه‌جویی و کاهش است. با وجود مصرف روزانه حدود ۷۰ میلیون لیتربنزین، می‌توان نتیجه گرفت که به دلیل فعالیت خودروهای بی‌کیفیت تولیدی، سالانه حدود ۱۲ هزار میلیون لیتر بنزین در کشور هدر می‌رود. مصرف روزانه گازوییل نیز حدود ۱۱۵ میلیون لیتر است که حداقل ۵۰ درصد آن به دلیل کیفیت پایین کامیون‌های تولید داخل یا وارداتی هدر می‌رود.

حال، جالب است که دولت به جای آنکه به فکر تدبیری برای جلوگیری از این ضررهای هنگفت باشد، با انداختن تقصیرها به گردن مردم، قصد دارد بار اقتصادی بی‌کفایتی خود را هم بر دوش مردم بگذارد. آیا افکار عمومی از سوء مدیریتی که پشت طلبکاری دولت پنهان شده، خبر دارند؟

شباهت در سقوط دیکتاتورها

فرار رئیس جمهور تونس در اواخر دی ماه امسال، خاطر ایرانی‌ها را ناخودآگاه به یادِ فرار محمدرضا پهلوی در اواخر دی ماه ۵۷ انداخت، اما موفقیت جنبش مردمی تونس، قبل از آنکه خاطرهٔ جنبش ۵۷ و پیروزی انقلاب اسلامی را در میان مردم زنده کند، یادآور خواست و شیوه‌های مبارزهٔ جنبش سبز بود. این یادآوری‌ها و بازنمایی‌ها و مقایسه‌ها برای مخالفان و موافقان جنبش سبز ایران بسی زنهار دهنده است. جا دارد که موافقان و مخالفان جنبش از خود بپرسند این همه مقایسه چرا؟

کسی دربارهٔ مرگ توام با سقوط استالین گفته است: «انگشت شمارند کسانی که با مرگ خود مایهٔ خوشحالی این همه خلایق را فراهم کنند». سقوط رئیس جمهور تونس هم، همه را خوشحال کرد. حتی حسین شریعتمداری هم ظاهر شادکام نشان داد و مجبور شد در کیهان تیتر بزند «فرار دیکتاتور از تونس». این یعنی وقتی دیکتاتوری سقوط می‌کند، تیتر کیهان هم مفرح می‌شود. یعنی کیهان هم در برابر سقوط دیکتاتور کم می‌آورد.

اگر فرار رئیس جمهور تونس در اواخر دی ماه امسال، خاطر ایرانی‌ها را ناخودآگاه به یادِ فرار محمدرضا پهلوی در اواخر دی ماه ۵۷ انداخت، به خاطر این است که «دی ماه» یکی از این شباهت‌هاست. اما همهٔ آن نیست. دیکتاتورها تا لحظات آخر جرات فاصله گرفتن از قوای نظامی و امنیتی را ندارند و از ترس به خشونت رو می‌آورند. گفته‌اند «دیکتاتورها بر ببر سوارند و از ترسش نمی‌توانند پیاده شوند». این هم از شباهت‌های مبهم دیکتاتورهاست. دیکتاتورها تا مجبور نشوند صدای ملت خود را نمی‌شنوند. می‌گویند «وقتی صدای ملت خود را می‌شنوند که دیر شده است»؛ این هم یک شباهت دیگر. دیکتاتورها انگشت شمارند و اغلب نسبت به روزهای اول خود دیگرگون شده‌اند؛ یعنی هیچ کس دیکتاتور به دنیا نمی‌آید. بن علی قرار بود مظهر ارادهٔ جمهور باشد. گویا بار آخر با ۹۰ درصد آرا رئیس دولت شده بود. محمدرضا شاه هم قرار بود سلطنت کند نه حکومت. شاید خودش هم هیچ وقت نفهمید که کی دیکتاتور شده است. دیکتاتور شدن و دیکتاتور بودن، سفارشی نیست. تاریخ سفارش و توصیه نمی‌پذیرد و... از این دست شباهت‌های خانوادگی باز هم می‌شود پیدا کرد.

این تنها تلاشی بود برای پاسخ به بخشی از سوالی که در آغاز این نوشته آمده بود. قسمتی که سهم موافقان بود. متقابلا مخالفان جنبش سبز باید به بخش دیگر سوال پاسخ دهند: چرا موفقیت جنبش مردمی تونس، قبل از آنکه خاطرهٔ جنبش ۵۷ و پیروزی انقلاب اسلامی را در میان مردم زنده کند، یادآور خواست و شیوه‌های مبارزهٔ جنبش سبز بود؟

اخبار کوتاه

تجمع کارگران برای دریافت ۱۱ ماه حقوق معوقه

کارگران شرکت تبریز ساختمان، مجری ساخت راه آهن قزوین- رشت، به دلیل عدم دریافت حقوق ۱۱ ماهه و نیز عیدی و حق سنوات ۳ ساله خود تجمع کردند. به گفته این کارگران، کارفرمای این پروژه تاکنون ۱۷ میلیارد تومان از دولت دریافت کرده است.

گزارش بانک مرکزی: قیمت کالاهای اساسی خانوار افزایش یافت

بانک مرکزی گزارش هفتگی قیمت خرده‌فروشی در تهران را منتشر کرد. بر این اساس در یک ماه گذشته پس از اجرای هدفمندی، نرخ کالاهای اساسی خانوار افزایش داشته است به نحوی که از ۴۴ قلم کالا ۴۱ کالا افزایش و فقط ۳ کالا کاهش داشته است.

۱۱ ترم محرومیت از تحصیل برای یک روزنامه نگار دانشجو

سلیمان محمدی، روزنامه‌نگار و دانشجو به چهار ترم دیگر محرومیت از تحصیل محکوم شد. با این حکم این دانشجو مجموعا ۱۱ ترم متوالی از تحصیل محروم و به دانشگاه ممنوع‌الورود می‌شود. طبق قانون، دانشگاه‌ها حق دارند برای حداکثر یک ماه، دانشجویی را به دانشگاه ممنوع الورود کنند.

تشکیل ۴۳ ستاد برای استقبال از احمدی‌نژاد در کرمانشاه

یک مقام دولتی کرمانشاه از تدارک گسترده برای استقبال از احمدی‌نژاد خبر داد. طبق گفته مدیر کل ارزیابی و پاسخگوئی به شکایات استانداری کرمانشاه، تاکنون ۴۳ ستاد استقبال در نقاط مختلف استان تشکیل شده است.

دیدار زهرا رهنورد با خانواده بهاره هدایت، فعال دانشجویی زندانی

زهرا رهنورد به دیدار خانواده بهاره هدایت، فعال دانشجویی زندانی رفت. رهنورد در این دیدار خطاب به خانواده هدایت گفت: «دل خوش دارید و پایدار باشید، چرا که روزی زنان ایران به خود می‌بالند که با الگویی چون بهاره، در سحرگاه آزادی پیشتاز بوده‌اند.» حکم نه سال و نیم زندان برای بهاره هدایت یکی از سنگین‌ترین احکامی بوده که تاکنون برای یک فعال دانشجویی صادر شده است.

دیدار مهدی کروبی با خانواده نازنین خسروانی

مهدی کروبی در دیدار با خانواده نازنین خسروانی، روزنامه‌نگار زندانی، از آنها دلجویی کرد. کروبی در این دیدار گفت: «باید نسبت به نامهربانی‌ها و بی‌توجهی‌های چند وقت اخیر صبر و تحمل داشت، چون پایان دوران سخت نزدیک است.» بیش از ۸۰ روز از بازداشت خسروانی می‌گذرد که ۵۰ روز از آن را در سلول انفرادی و بدون حق استفاده از هواخوری گذرانده است.

رحیمی: در برخی استان‌ها بیش از حد مسکن ساخته‌ایم

رحیمی معاون اول احمدی‌نژاد از ساخت بیش از حد مسکن در استان‌های سمنان و قم خبر داد و گفت که مردم این استان‌ها با ۵ میلیون تومان می‌توانند خانه بخرند. وی بار دیگر وعده داد که تا پایان دولت دهم جشن مسکن‌دار شدن همه متقاضیان در کشور برگزار می‌شود.

روزنامه کلمه، شمارهٔ چهل و یکم
شنبه، ۲ بهمن ۱۳۸۹، شمارگان: ما بیشماریم

کلمه
بنی الاسلام علی الکلمتین
کلمة التوحید و توحید الکلمة
WWW.KALEME.COM

مستبدان در دایره تنگی که برای خود فراهم کرده اند، آنقدر گرد خویش می‌چرخند که از شنیدن همهمه سقوط کاخ خودکامگی و خودرایی باز می مانند و زمانی بیدار می شوند که بسیار دیر است برای بازگشت به آغوش مردم.

آنان نمی دانند که دهان و گوش و چشمان مردمان را شاید بتوان از گفتن و شنیدن و دیدن بازداشت، اما اندیشیدن موهبتی الهی است که دروازه های خلوتگاه آن به روی زورمندان بسته است

میرحسین موسوی

سرمقاله

الگوی برخورد با مخالف

معصومه ابتکار: یکی از موضوعات مورد بحث و مناقشه، به خصوص در دوران اخیر، نحوه رفتار سیاستمداران با مخالفین و منتقدان خود است. این موضوع از معیارها و ملاک‌های مهم در سنجش میزان مردمسالاری و حکمرانی خوب محسوب می‌شود.

شیوه برخورد سیاستمداران با مخالفین خود همچنین ملاکی برای تعیین نوع قدرت و خصوصیات قدرتمندان است. در واقع این موضوع بسیار مورد توجه است که رفتار صاحب منصبان با مخالفین و منتقدین خود چگونه بوده و آیا آنها توانسته‌اند حد و حدود انسانی و اخلاقی را در این رابطه دو طرفه رعایت کنند؟ یا جلوه‌های قدرت و توهماتی که قدرت بر قدرتمداران تحمیل می‌کند، راه هرگونه نقد و زمینه هر اصلاحی را بسته است؟

با همین انگیزه و از این منظر، رفتار سیاست مداران بسیاری مورد بررسی قرار گرفته است که در میان ایشان، سیره علی(ع) براساس اسناد تاریخی از بهترین الگوها معرفی می‌شود. در این مورد حدیث جالبی از امام جعفر صادق(ع) است که می‌فرماید: ان علیاً لم یکن ینسب احدا من اهل حربه الی الشرک و لا الی النفاق، و لکنه کان یقول: هم اخواننا بغوا علینا... (وسایل الشیعه، جزء ۱۵، ص ۸۳)

امام علی به هیچکس از کسانی که با او در جنگ بودند نسبت شرک و نفاق نداد بلکه می‌گفت: آنها برادرانمان هستند که بر علیه ما طغیان کردند.

توجه داشته باشیم حضرت امیر برای کسانی که علیه ایشان شمشیر کشیدند تعبیر برادر را به کار می‌برند و به آنان شرک و نفاق را نسبت نمی‌دهند، چه رسد به کسانی که فقط مخالف یا منتقد او هستند. به عبارت دیگر وقتی با کسانی که بر ایشان شمشیر کشیدند اینگونه با انصاف رفتار می‌کنند، رفتارشان با منتقدین چگونه بوده است؟

بر این اساس می‌توان سیره کسانی را که جایگاه و مسئولیتی نزد مردم دارند، سنجید و دریافت که رفتارشان به چه میزان با شیوه‌های شخصیتی که سرمشق آزادگان و عدالت‌طلبان است، همخوانی دارد.

آیت‌الله دستغیب: هیچ‌کس در آخرت به داد ظالمان نخواهد رسید

آیت‌الله سیدعلی‌محمد دستغیب، مرجع تقلید مقیم شیراز گفت: وقتی شخص ظالمی دیگران را مورد ظلم و ستم قرار می‌دهد، ترس و وحشتی از او در دل آنها می‌افتد که تا نامش را بر زبان می‌آورند یا صدایش را می‌شنوند، از شدت ترس به خود می‌لرزند. عین همین در قیامت برای همان ظالم به وجود می‌آید.

به گزارش کلمه وی افزود: ظالم گمان می‌کند اگر ظلم نکند حکومتی نخواهد داشت و اگر حکومت نداشته باشد مفلوک و بدبخت خواهد بود.

آنها نمی‌فهمند که هواداران و چاکران بسیار و ثروت هنگفت آنها را خوشبخت نمی‌کند.

نامهٔ مصطفی تاج‌زاده به علی مطهری

سید مصطفی تاجزاده ازشاکیان سردار مشفق یکی از ماموران کودتای انتخاباتی که ماه‌هاست در زندان به سر می‌برد در نامه‌ای به علی مطهری، آرمان محوری انقلاب اسلامی از دیدگاه شهید استاد مطهری را با ارجاع به کتاب «هدف‌ها و آرمان‌های نهضت» ایشان، «برقراری نظام دموکراسی» خواند. وی با آوردن این جمله از کتاب فوق، «اجرای دقیق تعلیمات اسلامی» را فرع بر این آرمان محوری دانست: «اجرای همه این خواسته‌ها، فرع بر این است که اولین خواسته اجرا شود، بدون آن هیچ چیز دیگر عملی نیست و اگر عملی شود مانند همیشه جز صورت‌سازی و فریب و اغفال نخواهد بود.»

وی با اشاره به ترکیه که در حال حاضر حکومت آن به دست اسلام گرایان است، توجه مطهری را به رشد علاقه به اسلام و در مورد خاص، حجاب اسلامی در این کشور، با وجود اجباری نبودن آن، جلب کرد. وی ضمن یادآوری این گفته ی علی مطهری که «با اعطای کمترین آزادی حجاب، ایران بدتر از اروپا می شود» به وجود نگرانیِ مشابه اما در جهت مقابل، میان لائیک های ترکیه اشاره کرد که می ترسند آزادی حجاب در این کشور به افزایش تعداد زنان محجبه بیانجامد. تاجزاده در این خصوص سوالات خود را اینطور مطرح می کند که: «چرا بعد از سه دهه حاکمیت و تبلیغات شبانه‌روزی و نظارت پلیسی- قضایی به محض این‌که پلیس پا پس بکشد، ایران بدتر از اروپا می‌شود؟ آیا همین مسأله به تنهایی شکست قاطع سیاست‌های کنونی را نشان نمی‌دهد؟»

تاجزاده در قسمتی دیگر از این نامه با ذکر جملاتی از کتاب شهید مطهری، «خوارج» امروزین را کسانی می داند که با تنگ نظری و نیش زبان «فتنه» همه را کافر می خوانند. وی تشریح می کند که: «اگر استعاره علوی «چشم فتنه» ناظر بر وجود آن پدیده شوم است، استعاره «کلب خوارجی»، ماهیت فتنه و خوارج و شیوه سخنگویی خشونت‌بار و بی‌ادبانه آن را افشا می‌کند. حربه اصلی خوارج همان بد زبانی آن‌هاست که با نیش تکفیر و تسفیق بر عالمان نواندیش مسلمان می‌کوشند جسارت آن‌ها را سلب کنند.»

وی «بصیرت» علوی را که باطل‌السحر خوارج مسلکی است، طبق آموزه های شهید مطهری با آنچه امروز نام «طرح بصیرت» بدان داده‌اند بی نسبت می خواند: «چرا که امروز «بصیرت» اسم مستعاری است بر بدزبانی و تهمت و بداخلاقی و حرمت‌شکنی. حال آن‌که بصیرت در تعریف عالمانه شهید مطهری همان خطی است که نهضت مسلمانان صدر اول را به نهضت‌ها و جنبش‌های اجتماعی و دموکراتیک معاصر متصل می‌کند.»

تاجزاده در پایان این نامه از فرزند شهید مطهری می پرسد که: «اگر استاد اکنون در میان ما بود و در عصر اینترنت و دموکراسی خواهی زندگی می‌کرد، مدل او برای حکومت کدام بود؟ آیا در پی آن می‌بود که روز به روز از حقوق و آزادی‌های آن بکاهد تا جایی که آنچه حرف اول و آخر را در رابطه حکومت و مردم بزند زور عریان باشد؟ به راستی استاد از کدام دین و روحانیت دفاع می‌کرد؟ اسلام و روحانیتی رهایی‌بخش و مدافع حقوق انسان‌ها یا اسلام توجیه‌گر حکومت و سرکوب‌ها و تحقیرها و بی‌کفایتی‌های آن؟»

متن کامل نامه را در سایت کلمه بخوانید

پروژهٔ تخریب نوهٔ دیگر امام هم کلید خورد

در پی تکذیب خبر دروغین سایت‌های حامی دولت از سوی سید علی خمینی، که نوشته بودند وی در مهدیه تهران در سخنرانی توهین آمیز نه دی حضور داشتند، این سایت‌ها ضمن آغاز تخریب این نوه امام راحل، سیدعلی خمینی را – که تا دیروز یک جوان بابصیرت! توصیف می‌شد – با این تعبیر توهین‌آمیز توصیف کردند: یک جوان ۲۰ ساله که غیر از یک پسوند باشرافت به دنبال اسمش، چیز مهم دیگری ندارد!

به گزارش کلمه، حامیان دولت در عین حال اعتراف کرده‌اند که شایعه کذب حضور سید علی خمینی در مراسم ۹ دی، تدارک تبلیغاتی این جناح برای آن روز را برهم زد.

آنها همچنین به‌سان سید حسن خمینی که چندی پیش – به قصد توهین – مصطفوی خوانده شد، سید علی خمینی را نیز سید علی مصطفوی خواندند تا اوج عصبانیت خود از موضع‌گیری صریح نوه حضرت امام را نشان دهند.

سایت آینده هم نوشت: مسئولان سایت مشرق نیوز قسم خورده‌اند که از حضور علی خمینی در مراسم نهم دی ماه سند دارند، اما می گویند به مصلحت نیست که این سند را منتشر کنند!

رجانیوز هم نوشت: اگرچه کلیت کار بچه‌های سایت مشرق دست مریزاد دارد اما به نظرم در ماجرای سیدعلی مصطفوی (نامت بزرگ باد خمینی کبیر) بدجوری گاف دادند. به درست یا غلط بودن خبر کار ندارم هرچند در وثاقت خبر دوستان مشرق هم تردید نمی کنم. اما اصل موضوع حضور سیدعلی خمینی در سالگرد حماسه ۹ دی و بزرگنمایی آن ، واقعا" چه حاصلی داشته و دارد. این همه خواص بی بصیرت سال گذشته به دره فتنه غلتیدند ، کک انقلاب هم نگزید و حضور میلیونی مردم در حماسه ۹ دی پاسخ محکمی به همه آن جفاکارها بود. حالا یک جوان ۲۰ ساله (که غیر از یک پسوند باشرافت به دنبال اسمش، چیز مهم دیگری ندارد) با ترس و لرز از توپ و تشر برادر بزرگتر به سالگرد این حماسه آمده یا نیامده ، واقعا" چه اهمیتی داشت؟

جا دارد به دوستان حامی دولت یادآوری کنیم که در روایات از معصومین (ع) نقل شده است: آدمی نباید چیزی بگوید که از آن پشیمان شود. سخن دروغ که جای خود دارد!

اخبار کوتاه

پیام تبریک آیت‌الله صافی گلپایگانی به مردم تونس

آیت الله العظمی صافی گلپایگانی با صدور پیامی خطاب به مردم، علما و استادان دانشگاه تونس، پیروزی آنها بر ظلم و استبداد حاکم را تبریک گفت. وی در این پیام به مردم تونس خاطر نشان کرده است که نعمت پیروزی بر حکومت ظالم را از یاد نبرند

مشکلات اقتصادی در واحدهای نساجی یزد

دهقانی دبیر اجرایی خانه کارگر یزد گفت: «بیشتر واحدهای تولیدی یزد را کارخانه‌های نساجی تشکیل می‌دهند که اکثرشان یا تعطیل شده‌اند یا در پرداخت حقوق کارگران مشکل دارند.» وی این واحدها را همچنین بابت خدمات به ارگان‌های مختلف بدهکار اعلام کرد.

بدهی ۴۷ هزار میلیارد تومانی دولت به بانک‌ها

رئیس سازمان بازرسی کل کشور از بدهی ۴۷ هزار میلیارد تومانی دولت به بانک‌ها خبر داد. وی درمورد پیگیری دریافت بدهی‌های دولت به بانک‌ها گفت: «کمک می‌کنیم اما خود بانک‌ها باید در این بخش اقدام کنند.»

وزیر اقتصاد: حساب ذخیره ارزی خالی است

حسینی وزیر اقتصاد گفت: حساب ذخیره ارزی خالی است! وی که برای پاسخ به سوالات نمایندگان در مجلس حاضر شده بود، خالی بودن حساب ذخیره ارزی را دلیل تاخیر در پرداخت اعتبارات دولت به مترو و دیگر پروژه ها اعلام کرد.

اشتباه ۶۰۰ میلیاردی وزیر اقتصاد و رویانیان

رقابت دولتمردان در ارائه آمار و بیان گستردگی خدمتگذاری دولت، در آخرین مورد به بروز گافی ۶۰۰ میلیارد تومانی انجامید! وزیر اقتصاد گفت ۲۹۰۰ میلیارد تومان به مترو پرداخت کرده و رویانیان گفت ۳۵۰۰ میلیارد تومان. رویانیان گفت ۷ برابر گذشته به مترو کمک شده ولی وزیر اقتصاد ادعا کرد ۹ برابر!

لایحه بودجه هنوز به بهارستان نرسیده است

درحالی که بیش از یک ماه ونیم از فرصت قانونی مجلس برای بودجه ۹۰ می‌گذرد، این لایحه هنوز به بهارستان نرسیده است. گفتنی است علی رغم اهمیت فراوان بودجه، طی ۵ سال گذشته این سند همواره در ماه‌های پایانی سال که هم دولت و هم مجلس به شدت درگیرند بررسی شده است.

تشکل‌های کارگری: دستمزدهای زیر خط فقر برای کارگران غیرقابل تحمل است

شش تشکل کارگری پیرامون وضعیت دستمزد کارگران بیانیه‌ای را صادر و اعلام کردند: حداقل دستمزدی که در طول سالهای گذشته و بدون حضور نماینده های واقعی ما در شورای عالی کار تعیین شده است بهیچوجه در طول این سالها کفاف هزینه های زندگی ما را نکرده است و با سیر صعودی هر ساله تورم، سال به سال ما کارگران و خانواده هایمان در فقر و فلاکت بیشتری فرو رفته ایم

محکومیت یک کارگر ساختمانی به ۶ سال حبس

بهزاد عربگل از بازداشت شدگان عاشورای ۸۸ به ۶ سال حبس محکوم شد. وی بیش از ۶ ماه در بازداشت به سر برده که بیش از ۵۰ روز آن در سلول انفرادی بوده است. عربگل، کارگر ساختمانی، متاهل و دارای دو فرزند خردسال است.

اعلام حمایت ۹۶۳ دانشجوی امیرکبیر از مجید توکلی

۹۶۳ تن از دانشجویان دانشگاه امیرکبیر با نگارش نامه ای خطاب به مجید توکلی، از وی و خانواده اش اعلام حمایت کردند. این نامه در پی آزار و تهدید نهادهای امنیتی به خانواده توکلی، که منجر به درخواست مجید از مردم و رسانه ها جهت قطع ارتباط موقت با خانواده وی شد، منتشر شده است.

روزنامه کلمه، شمارهٔ چهل و دوم
دوشنبه، ۴ بهمن ۱۳۸۹، شمارگان: ما بیشماریم

بنی الاسلام علی الکلمتین
کلمة التوحید و توحید الکلمة

کلمه

WWW.KALEME.COM

به خرد بازگردیم. کشوری به عظمت ایران را، با آرمان‌هایی به بزرگی اهداف انقلاب اسلامی و با دشمنانی به آن سرسختی و کینه‌توزی که می‌شناسیم با دور ریختن سی سال تجربه مدیریتی و انکار ضرورت برنامه‌ریزی و تصمیمات خلق‌الساعه فردی اداره نمی‌توان کرد.
میرحسین موسوی، بیانیه ۹

سرمقاله

اگر به اصلاحات تن ندهند

مشروعیت دینی حکام، یکسره بر باد رفته است. «دین» بالتمامه مورد استفاده ابزاری برای حفظ قدرت قرار گرفته است. شاهد این فقدان مشروعیت و استفادهٔ ابزاری، مراجع تقلیداند.

ریزش نیروها، به درونی‌ترین بخش‌های حاکمیت رسیده تا جایی که به امثال متکی، اژه‌ای، صفارهرندی و حتی بذرپاش هم اعتماد نمانده است. حلقهٔ چند نفرهٔ دولت، از سایه خود هم می‌ترسد و توهم توطئه همه ارکانش را دربرگرفته است. در این نوع حکومت کردن، به لحاظ غلبه شیوه‌های استالینیستی دیگر هیچکس به هیچکس اعتماد ندارد و همه برای آنکه جای پای خود را محکم کنند، زیر پای یکدیگر را خالی می‌کنند. ابعاد این توهم، تا نزدیک‌ترین یاران هم پیش رفته و چند صباح دیگر نوبت فتنهٔ لاریجانی‌ها و توکلی‌ها و باهنرها و قالیباف‌ها و مؤتلفه‌ای‌ها و... خواهد شد. دایرهٔ محارم روز به روز تنگ‌تر می‌شود و حذف و تهدید دامن گیر کسانی می‌شود که خود را خودی تلقی می‌کنند.

دیگر از ثبات سیاسی و اقتصادی خبری نیست. حاکمیت «نفس‌کشی و نُطق‌کشی» را به حساب ثُبات خود گذاشته، در حالی که ثبات تعریف دارد. تعریفِ سیاسی و تعریف اقتصادی دارد و صرفاً تعریف نظامی و امنیتی ندارد. نظام باثبات آن است که مخالفانش آزاد باشند و بتواند سر پا بماند و آزادترین کشور دنیا کشوری است که نتوان در آن دروغ گفت. این نامش ثبات نیست که رکورد زندانیان سیاسی و خبرنگاران و اعدامی‌های جهان را داشته باشی و دم از ثبات بزنی. «اعتماد به نفس کاذبِ متکی بر سرکوب» که «عزت» نام نمی‌گیرد و نشانهٔ ثبات نیست.

دولت آینده‌ای را برای خود تصور نمی‌کند، مشایی را به میان مردم می‌فرستد تا بی‌شرمانه از امیرکبیر و نوروز سبز ایران بگوید شاید از قِبلِ سخنان او آینده‌ای ولو مبهم آغاز شود و بن‌بَست خود ساخته را بشکنند. از فرط ناچاری و بی‌اخلاقی، چنان آیندهٔ خود را با متهمان اقتصادی و کانون‌های فساد و توطئه‌گره زده‌اند که هر آن دومینوی مفسدان، آیندهٔ آنان را فرو ریزد. بی‌دلیل نیست که محمدرضا رحیمی می‌گوید تا روزی که احمدی نژاد هست، من هم هستم. دولتمردان آینده‌ای ندارند و آیندهٔ آنان در گرو بی‌آیندگی ایران است.

متولیان امور، راه را از چاه تشخیص نمی‌دهند. نمی‌دانند چهار راه بیشتر پیش رو ندارد. عاقلانه‌ترین و کم هزینه‌ترین راه تن دادن به اصلاحات است که متاسفانه میدان را به تندروهای بداخلاقی سپرده‌اند که عقلانیت کافی برای پذیرش آن را ندارند. راه دوم سرنوشت صدام و مداخله خارجی است که سبزها و بلکه تمام مردم ایران با آن مخالفند. راه سوم انقلابی مردمی از جنس انقلاب‌های خشونت‌زا است که کسانی چون صفار هرندی و مجاهدین خلق به آن دل خوش‌اند و مردم را به آن توصیه می‌کنند و راه چهارم هم فروپاشی از نوع اتحاد جماهیر شوروی است. شوروی نظیر آقایان تا سال‌های آخر صورتش را با سیلی سرخ نگه می‌داشت و از جنجال تبلیغاتی دست نمی‌کشید ولی پوسیدگی درونی، بنای هفتاد سالهٔ آن را به ناگهان در کمتر از ۲۴ ساعت فرو ریخت.

اگر اقتدارگرایان تن به اصلاح ندهد، اگر میدان را برای سبزها باز نکنند، اگر دست تمنا به سوی اصلاح‌طلبان نگشاید، «تقدیرشان بس نامحمود است».

هاشمی رفسنجانی: مواضع خود را در نماز جمعه اعلام کردم و اکنون نیز به آن معتقدم

اعضای شورای مرکزی انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه گیلان با رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام دیدار کردند.

هاشمی رفسنجانی در این دیدار که به صورت پرسش و پاسخ برگزار شد، در جواب سؤال یکی از حاضران گفت: در خصوص مسائل کشور مواضع خود را به صورت مشخص در آخرین حضورم در نماز جمعه تهران اعلام کردم و اکنون نیز به آن معتقدم.

پیگیری مواضع بدور از جنجال

وی افزود: تفرقه را در شرایط فعلی کشور به صلاح نمی‌دانم و به این دلیل تلاش می‌کنم تا به دور از جنجال‌های سیاسی، پیگیر مواضع خود باشم.

رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام در پاسخ به پرسش دیگری در خصوص نحوه مواجهه با فضای تهاجم علیه خانواده خود گفت: این فضا برای من موضوع تازه‌ای نیست و همواره به دلایل مختلف با آن روبه‌رو بوده‌ام. در ابتدای انقلاب از سوی سازمان منافقین، سپس از سوی دشمنان خارجی، در دوران ریاست جمهوری از سوی جناح راست افراطی و پس از آن از سوی جناح چپ افراطی و امروز نیز از سوی گروهی که اهداف‌شان برای من مشخص است.

زمانی منافقین و امروز گروهی در پوشش اخلاق و اسلام...

وی افزود: گروه اخیر که در پوشش دفاع از اصول اخلاقی و اسلامی اتهامات کذب خود را مطرح می‌کند، عملاً شاهدیم حتی حاضر به تمکین در مقابل قانون نیز نیستند و نخواهند بود.

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در پاسخ به سؤال یکی از حاضران، مهمترین عنصر در حفاظت از انقلاب اسلامی را رضایت مردم عنوان کرد و گفت: اگر همراه مردم که صاحبان اصلی این انقلاب هستند، حرکت کنیم، دشمنان داخلی و خارجی نخواهند توانست گزندی به نظام جمهوری اسلامی وارد کنند.

رهبری از وضع جامعه مطلع هستند

هاشمی افزود: رهبری از وضع جامعه مطلّع هستند و گزارش‌ها و نامه‌های فراوانی از سوی افراد و گروه‌های مختلف به ایشان می‌رسد که بعضاً متضاد نیز هست و قضاوت کردن در این موارد آسان نیست.

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در پاسخ به سؤال دیگری گفت: وقوع انقلاب اسلامی در ایران و تشکیل حکومتی براساس مکتب اهل بیت کار بزرگی بود که به همت و با حضور امام، روحانیت و مردم از طبقات مختلف شکل گرفت.

ایشان افزود: موانع و مشکلات در مسیر انقلاب همواره وجود داشته و پس از رهایی از جنگ، گام‌های بسیاری برای توسعه زیرساخت‌ها و بالا بردن توان علمی کشور برداشته شد. اکنون نیز با توجه به زحماتی که در گذشته صورت گرفت و همچنین قیمت بالای نفت و با حرکت در مسیر برنامه‌ها به ویژه سند چشم‌انداز و سیاست‌های کلی می‌توانیم به جایگاه بالاتری برسیم.

وضعیت سانسور امنیت پایدار ندارد
جامعه دیر یا زود وضع خود را اصلاح می‌کند

رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام در پاسخ به سؤال دیگری در خصوص وضعیت رسانه‌ها تأکید کرد: فضای سانسور، امنیت پایدار به همراه ندارد به ویژه آنکه در فضای فعلی ابزارهای اطلاع‌رسانی وسیعی را شاهد هستیم و مردم روزبه‌روز آگاه‌تر می‌شوند.

ایشان آگاهی را مهمترین عنصر در تحول هر جامعه‌ای عنوان کرد و افزود: جامعه آگاه، دیر یا زود وضعیت خود را اصلاح می‌کند.

ایشان با اشاره به حوادث اخیر در کشور تونس و برخی کشورهای دیگر عربی و آفریقایی تأکید کرد: این حوادث بیانگر این است که جهان سوم از خواب قدیمی خود بیدار شده و به سمت صحیحی در حرکت است.

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در پاسخ به سؤالی در خصوص رسالت دانشجویان تأکید کرد: مهمترین وظیفه دانشجو، تحصیل علم است و همواره باید با درک شرایط، فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی خود را به نحوی به انجام برساند که خللی به این موضوع وارد نشود.

ایشان افزود: تحصیل علم بالاترین آرمان یک دانشجوست و باید برای ساختن آینده‌ای درخشان و رو به پیشرفت خود را آماده سازد.

آمارهایی که گم می‌شوند

مدت‌هاست که هیچ آماری منتشر نمی‌شود. این ایراد فقط به مرکز آمار وارد نیست. نهادهای تولیدکننده آمار هم سکوت کرده‌اند. آخرین آماری که بانک مرکزی از وضعیت اقتصادی منتشر کرده مربوط به ۳ ماه اول سال جاری است. معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی هم که زمانی شاخص‌های کلان کشور را تهیه می‌کرد و براساس چشم‌انداز مشخص می‌کرد که چقدر نسبت به سال قبل پیشرفت حاصل شده، عملا کرکره را پایین کشیده است. در چنین شرایطی مشخص نیست که برخی آمار و ارقام که مورد استناد مسوولان قرار می‌گیرد بر پایه چه ادله و کار تحقیقی است.

از آخرین گزارش رسمی دولت بیش از ۳ سال می‌گذرد. دولت بر اساس فصل ۱۵ قانون برنامه چهارم مکلف بود که گزارش نظارتی برنامه چهارم را منتشر کند با این حال این گزارش نه تنها منتشر نشد بلکه هر بار اعلام شد این گزارش‌ها در دست انتشار است.

رتبه هجدهم

یک ماه پیش بود که محمود احمدی‌نژاد اعلام کرد که جایگاه ایران در بین کشورهای جهان از لحاظ شاخص‌های اقتصادی در پله هجدهم است. به فاصله کمتر از چند روز از اعلام این خبر، مجمع جهانی اقتصاد در گزارشی از شاخص‌های اقتصادی ۱۹۲ کشور جهان، ایران را در پله ۶۹ جهان قرار داد. این جایگاه در شرایطی اعلام شده بود که در جداول مقایسه‌ای این مجمع جای بسیاری از شاخص‌های کلان به دلیل اعلام نشدن آمارها و قدیمی بودن آنها خالی بود. با این حال مشخص نیست اعلام این آمار بر مبنای کدام کار پژوهشی صورت گرفته است. آخرین آماری که بانک مرکزی منتشر کرده مربوط به سال ۸۸ است. در همین آمار هم جای برخی شاخص‌ها ازجمله رشد اقتصاد و رشد صنعت و معدن خالی است. سایت مرکز آمار هم بعد از اعلام نرخ بیکاری ۳ ماه اول سال جاری رسما تعطیل شد؛ چرا که اعلام این آمار منجر به اختلاف‌نظر بین وزارت کار و مرکز آمار شد. اکنون که قانون هدفمند کردن یارانه‌ها در دست اجراست جای این سئوال برای پژوهشگران باقی است که متر سنجش وضعیت اقتصادی کشور بعد از اجرای این قانون چیست و چگونه می‌توان به این نتیجه رسید که فاصله دهک درآمدی کاهش یافته و عدالت برپا شده است؟

اخبار کوتاه

صدر: مذاکرات بی‌هدف نتیجه ندارد

دکتر سید محمد صدر معاون وزارت امور خارجه در دوران اصلاحات می‌گوید مذاکرات ما در بحث اتمی در شرایط فعلی چندان هدف مشخصی ندارد. او معتقد است هدف ما در مذاکرات باید این باشد که اولا تلاش شود مذاکره در جهتی صورت گیرد که قطعنامه جدید علیه ایران صادر نشود. ثانیا مذاکره باید در راستای حل مشکل و توقف و سپس لغو قطعنامه‌های گذشته علیه کشورمان باشد تا مملکت از این انزوای اقتصادی، سیاسی و بین‌المللی که متاسفانه در ۶ ۷ سال گذشته به آن مبتلا شده نجات پیدا کند.

زنان کارتن‌خواب در کنار خیابان‌های تهران

رییس کمیسیون فرهنگی اجتماعی شورای شهر تهران نسبت به حضور زنان کارتن خواب و معتاد در سطح جامعه هشدار داد. وی همچنین آمار قابل توجه طلاق، افزایش تعداد زنان سرپرست خانوار، زنان کارتن‌خواب و معتاد را نتیجه تزلزل در بنیان خانواده عنوان کرد.

به زودی همه ناگفته‌ها را با مردم در میان خواهم گذاشت

فخرالسادات محتشمی پور در عریضه خود خطاب به دادستان تهران خبر داد که به زودی طی اطلاعیه‌ای خطاب به مردم همه ناگفته‌ها را با ایشان در میان خواهد گذاشت. وی همچنین نوشت: «امروز برای مردم پر بودن زندان‌ها از زندانیان سیاسی، هم چنان مانند روزهای قبل از انقلاب امری مذموم و منفور است. مردم مکدّرند از ظلمی که به نام انقلاب و اسلام به فرزندان ایران می‌رود و منزجرند از رفتارهایی که حتی در زمان طاغوت با مخالفان نمی‌شد. رفتارهای خشنی که تنها زندانی سیاسی را هدف قرار نداده بلکه خانواده و دایره وسیعی از دوستان و هم فکران او را نیز دربر می‌گیرد.

هشدار آیت‌الله مظاهری درباره شیوع ظلم، تهمت و اهانت در جامعه

آیت الله مظاهری در درس اخلاق خود، یکی از انواع ظلم را، ظلم حکومت ها به مردم عنوان کرد و گفت: «اگر کسی شاهد ظلم دیگران بود و نتوانست از مظلوم دفاع کند، باید به جبران ظلم واقع شده بپردازد.» وی همچنین نسبت به شیوع غیبت، تهمت و شایعه پراکنی در جامعه هشدار داد.

افزایش فشار به خانواده‌های زندانیان سیاسی به خاطر برگزاری جلسه قرآن

تعدادی از شرکت‌کنندگان در جلسات هفتگی قرآن خانواده‌های زندانیان سیاسی به وزارت اطلاعات احضار، بازجویی و تهدید به بازداشت شده‌اند. گفتنی است تاکنون ساجده کیانوش راد و زهرا حاتمی به همین دلیل دستگیر شده‌اند.

هدفمند شدن یارانه‌ها، بازار گردشگری را کساد کرده

به گفته فعالان حوزه گردشگری، هدفمندی یارانه‌ها کاهش مسافرت‌های درون کشوری و افزایش مسافرت‌های خارجی را به دنبال داشته است. همچنین طبق آمار در دو ماه گذشته حدود ۲۰ درصد از مسافران زیارتی مشهد کم شده است.

روزنامه کلمه، شمارهٔ چهل و سوم
شنبه، ۹ بهمن ۱۳۸۹، شمارگان: ما بیشماریم

کلمه
WWW.KALEME.COM

در پی گزارشی آشفته و دروغ در رسانه‌های دولت دروغ که نوشته بودند محمود ابوعباس ۵۰ میلیون دلار به جنبش سبز کمک کرده است، میرحسین موسوی اعلام کرد:
«اتکای جنبش سبز و همراهان آن را به مردم کشورمان جزو افتخارات جنبش می‌دانم. راویان دروغگوی این روایت سراپا کذب شبیه همان خطیب نماز جمعه‌ای هستند که ادعا کرد آمریکا از طریق عربستان یک میلیارد دلار به سران جنبش سبز کمک کرده و تفرعن او هنوز به او اجازه نداده است که ازاین دروغ توبه کند.»

کارگران زنده می‌ماندند اگر سندیکا داشتند

سارا قربانی - کلمه: هنوز نیم ساعتی به نیمه شب مانده بود که کارگران خسته از کار در صف سرویس ایستاده بودند تا به خانه‌هایشان بازگردند. همان زمان بود که تلفن مصطفی خضری به صدا درآمد و او از همسرش خواست که فرزند پنج ماهه‌اش را بیدار نگاه دارد تا او برسد. اما دقایقی نگذشت که یک دستگاه کامیون درحال ورود به در شماره ۹ ایران خودرو در محوطه کارخانه بود که با کارگران خسته این مجموعه برخورد کرد و تعدادی از کارگران از جمله خضری را به خواب ابدی برد.

هر چند که سایت ایران خودرو تعداد کشته شدگان این حادثه را ۴ نفر اعلام کرد اما خبرگزاری ایلنا نوشت که ۶ نفر از پرسنل ایران خودرو در محل حادثه در دم فوت کردند و ۲ نفر از آسیب‌دیدگان در حال رساندن به بیمارستان جان دادند.

عدم حضور مسئولان و ایجاد فضای امنیتی در ایران خودرو

پس از حادثه عده‌ای از پرسنل خسته از کار فریاد می‌زدند، عده‌ای بالای سر دوستان و همکارانشان ضجه می زدند اما هیچ یک از مسئولان ایران خودرو جرات نکردند که به میان آنها بیایند تنها آقای «د» مسئول یکی از بخش‌های ایران خودرو به میان پرسنل آمد که او هم سینه‌خیز از زیر اتوبوس‌ها فرار کرد. همان شب ماموران امنیتی تا صبح در محل حادثه حضور پیدا کردند و از روز پنجشنبه تاکنون فضای ایران خودرو امنیتی گزارش شده است.

روزپنجشنبه برای تمام کارگران ستادی ایران خودرو تعطیل اعلام شد و هیچ یک از سرویس‌ها هم به دنبال کارگران نرفتند. اما در عین حال کارگران هنوز از واقعه اتفاق افتاده خشمگینند و نسبت به رویه در پیش گرفته شده در مقابل کارگران معترضند.

اما چه کسی در این حادثه مقصر بود؟ نجم‌الدین چه رویه‌ای را در پیش گرفته که کارگران ایران‌خودرو نسبت به آن اعتراض دارند و وی را بی‌کفایت می‌دانند؟ سایت ایران‌خودرو راننده کامیون را به عنوان مقصر معرفی کرد اما اخبار غیر رسمی از عوامل دیگری خبر می دهند. مردم با شنیدن خبر حادثه در ایران خودرو که پای یک کامیون هم در وقوع آن وسط بود، یاد «هوو» افتاده‌اند، همان طور که با شنیدن حوادث هواپیمایی یاد «توپولف» می‌افتند که همیشه خلبان فوت شده مقصر است. البته عده‌ای از کارگران ایران خودرو نیز بر این موضوع صحه می‌گذارند و معتقدند که کامیونی که با همکارانشان برخورد کرد همان کامیون چینی است که در ماه‌های گذشته همواره حادثه را به جاده‌های کشور آورده است، هر چند که در اخبار رسمی این کامیون «بنز» معرفی شد.

کار کردن در تعطیلات حتی عاشورا اجباری است. یکی از کارگران در ایران خودرو درباره چرایی بی‌کفایتی مدیریت و نقش او در این حادثه می‌گوید: «مسئولان این شرکت به بهانه افزایش تولید، کارگران را مجبور به کار در روزهای تعطیل رسمی کشور از جمله در روزهای اربعین و تاسوعای حسینی کرده‌اند. و تنها کارگران را در تعطیلاتی چون ۲۲ بهمن، ۱۴ خرداد و روز قدس تعطیل می‌کنند، اقدامی که هم از نظر شرعی و هم از نظر قانونی به نظر خلاف می‌رسد. اگر هم کارگری در روزهای تعطیل نیاید ۱۰ درصد از مزایایش که در ایران خودرو اکورد نامیده می‌شود، کاسته می‌شود.»

یکی دیگر از پرسنل فنی ایران خودرو در این باره می‌گوید: «وقتی تو مملکتی کارگر نتواند حرفش را بزند و اگر هم تعطیل کنند کارگر با این گرانی مجبور به کار کردن است. پاداش روز تعطیل مبلغش ۱۰۰۰۰ تومان است، ببینید چقدر این کارگران محتاجند که بخاطر این ۱۰۰۰۰ تومان پاداش و اضافه کاری روز تعطیل که ساعتی بطور متوسط ۴۰۰۰ تومان است از خانواده و استراحت و حتی از عزاداری سالار شهیدان هم می‌گذرند این نشانه چیست در یک کشور اسلامی؟»

عدم توجه به شان انسانی کارگران یکی دیگر از کارگران دلیل اعتراض خود را این گونه عنوان می کند: «شرکت ایران خودرو حدود ۴ سال است که افزایش اول سال حقوق پرسنل را که از طرف شورای عالی کار اعلام می‌گردد تقسیم کرده و درصدی را به اصل حقوق و درصدی را به مزایای آن می‌زند که در نتیجه آن به هر کارگر ایران‌خودروئی بطور متوسط ۳۰ هزار تومان کمتر اضافه حقوق تعلق می‌گیرد و کارگران این شرکت نسبت به شرکت‌های مشابه از پایه حقوق و مزایای پایین‌تری برخوردار میباشند.»

هر چند که اتفاقی که رخ داد را مدیران به بهانه اهمیت افزایش تولید حتی در تعطیلات توجیه می‌کنند اما واقعیت این است که حادثه‌ای که در ایران خودرو رخ داد ناشی از نوع نگاه استثمارگرانه به کارگران است. کارگران اگر سندیکا و تشکلی داشتند اینگونه حقوقشان پایمال نمی‌شد.

آیت‌الله امجد: چطور می‌شود کسی عالم اسلامی باشد و بگوید این اسلام است؟

جمعی از خانواده‌های زندانیان سیاسی همزمان با اربعین حسینی با حضور در محضر استاد گرانقدر اخلاق، آیت‌الله امجد، ضمن تشریح وضعیت زندان‌ها و زندانیان سیاسی خواستار پیگیری علما در خصوص حقوق صنفی زندانیان شدند.

به گزارش خبرنگار کلمه، آیت‌الله امجد در این دیدار ضمن ابراز حزن و اندوه عمیق برای خانواده‌های شهدا و اسیران بی‌گناه و کل ملت ایران از اتفاقات اخیر، تصریح کردند: چطور می‌شود کسی عالم اسلامی باشد و دم از اسلام بزند، بعد بی‌تفاوت باشد به اتفاقاتی که افتاده؟ چطور می‌شود طاقت آورد وقتی می‌شنوی نیمه شب به دانشگاه‌ها حمله می‌شود و دانشجویان معصوم کتک می‌خورند؟ من همهٔ کارهایم را تعطیل کرده‌ام و جایی نمی‌روم، چون جوابی برای سوال‌ها ندارم. بگویم اسلام این است؟ اتفاقاتی که افتاده انسانی است؟

ایشان افزودند: اصل روحانیت دفاع از مردم است، اما این روزها انگار ما کاری نمی‌توانیم انجام دهیم و حتی پیش جوان‌ها زبان دفاع نداریم. ما باید بلندگوی حق‌طلبی باشیم اما دستمان بسته است. اگر چند لحظه، فقط چند لحظه به بنده در تلویزیون جمهوری اسلامی وقت بدهند، به مردم جامعه می‌گویم که این عمامه، یک عمر حامی عدالت بوده است، اصلا فلسفهٔ آن همین است. اگر دیگر حامی عدالت نباشد، باید بر زمینش گذاشت. این عمامه، مقدس است. علما آن را می‌بوسند و بر سر می‌گذارند. اگر این عمامه بر سرم نبود یک آدم معمولی بودم، اما الان که سرم هست مردم از من توقع دارند، اما حالا دهانم بسته ست.

این استاد اخلاق تاکید کردند: هدف، وسیله را توجیه نمی‌کند. این همه دکتر و مهندس برای این انقلاب و نظام خود را فدا کردند. الان داریم کاری می‌کنیم که مردم بگویند اف بر شما. این وضع زندگی و معیشت است؟ همه که همدیگر را دزد می خوانند. همدیگر را جلوی دوربین کشف می‌کنید... به کجا رسیدیم؟! مردم باید به چه چیزی دلشان را خوش کنند؟

آیت‌الله امجد ضمن تقدیر از همت ستودنی خانواده‌های زندانیان سیاسی اظهار کردند: بنده شرمندهٔ صبوری شما خانواده‌ها هستم و این درد مرا کشت که با دردشناسان، درد دل خود گفتم و حرفی نشنیدم.

آیت‌الله امجد با ذکر خاطراتی از اساتید و علمای قم افزودند: خدا رحمت کند آیت‌الله بهجت را که این اواخر در کلاس‌های خود می‌گفتند: خدا کند که دست‌هایمان را بر چشم نگذاریم و بگوییم روز، شب است. نقدهای ایشان کاملا مشخص بود به وضعیت، اما گاهی کسانی نمی‌خواهند درست منتقل شود. چرا این بزرگان این حرف‌ها را می‌زدند؟ من خودم در مجلسی در مشهد گفتم دروغ نگویید. آمدند گفتند: شبهه ایجاد کردید!

اخبار کوتاه

حضور مرتضوی در دولت، بی‌احترامی به شهدای کهریزک است

پدر محسن روح الامینی از شهدای کهریزک، حضور مرتضوی (از آمرین جنایات کهریزک) در دولت را بی‌احترامی به خون شهدای کهریزک خواند. روح الامینی گفت: «انتظار نداشتیم که قبل از رسیدگی به اتهام‌های مرتضوی و با توجه به تعلیق قضایی وی و مخالف قوه‌قضاییه، دولت وی را به کار گیرد.»

تلاش مشایی و شرکا برای تصاحب شرکت‌های در حال واگذاری

مشایی، رئیس دفتر احمدی‌نژاد، از مدیران بانک‌های دولتی و خصوصی خواسته است که بخشی از سهام دو شرکت هلدینگ را بخرند. هدف این امر خرید شرکت‌هایی است که در فهرست خصوصی‌سازی قرار دارند. این جدیدترین نمونه از روند ناسالم خصوصی‌سازی در کشور است.

افزایش فشارها بر تاجزاده و تهدید به اعتصاب غذا

فخرالسادات محتشمی‌پور در گزارشی خطاب به ملت درباره وضعیت مصطفی تاجزاده نوشته: «اخیرا تیم بازجویی سپاه او را تهدید به بازگرداندن به بند دو الف و تشکیل پرونده و تفهیم اتهام جدید کرده‌اند که ایشان نیز با اعتراض مجدد به وجود بازداشتگاه غیرقانونی سپاه و حبس طولانی مدت غیرقانونی‌اش در آن، تهدید به اعتصاب غذا نموده است.» محتشمی‌پور همچنین نوشته است که در اطلاعیه‌های بعدی خود «با گشودن پرده‌های دیگری که آقایان سعی بر پوشانده ماندن آن دارند»، رسالت زینبی خویش را ایفا خواهد کرد.

افت بی‌سابقه سطح زیر کشت پنبه

نظری مدیرعامل اتحادیه پنبه‌کاران از افت شدید سطح زیر کشت پنبه، از ۲۱۵ هزار هکتار به ۱۳۰ هزار هکتار، بر اثر سیاست‌های وزارت جهاد کشاورزی خبر داد. وی این افت را در ۸۰ سال اخیر بی‌سابقه خواند.

هاشم خواستار، معلم زندانی را با زنجیر به تخت بیمارستان بسته‌اند

هاشم خواستار، معلم زندانی ۶۰ ساله را برای انجام عمل جراحی با «زنجیر» به بیمارستان منتقل کردند. به گفته همسر وی، همزمان با بیهوشی در اتاق عمل زنجیرها را از پای او باز کرده‌اند و پس از عمل و به هوش آمدن او دوباره پاهایش را با زنجیر به تخت بیمارستان بسته‌اند.

احضار ۳۰ تن از دانشجویان دانشکده هنر به کمیته انضباطی

سی تن از دانشجویان دانشکده هنر تهران، به کمیته انضباطی احضار شدند. گفتنی است با گذشت نزدیک به دو ماه از برگزاری تجمعات اعتراضی روز دانشجو، کماکان احضار دانشجویان به کمیته‌های انضباطی ادامه دارد.

لیلی رشیدی: نگرانم که خشونت و دیکتاتوری وارد عرصه هنر شود

لیلی رشیدی با انتقاد از برخوردهای صورت گرفته با نمایش هدا گابلر، نسبت به حضور دیکتاتوری فرهنگی در عرصه هنری ابراز نگرانی کرد و گفت: چه دلیلی دارد نمایشی که چندین بار توسط هیات بازبینی دیده شده این‌طور مورد خشونت و تعرض قرار گیرد؟

منصور اسانلو، پنج سال زندان بدون یک روز مرخصی

منصور اسانلو رئیس هیات مدیره سندیکای شرکت اتوبوسرانی تهران و حومه پنج سال است که بدون گذراندن یک روز مرخصی در زندان رجایی شهر به سر می‌برد.

روزنامه کلمه، ویژه‌نامهٔ بیانیهٔ میرحسین موسوی درباره تحولات منطقه
دوشنبه، ۱۱ بهمن ۱۳۸۹، شمارگان: ما بیشماریم

کلمه
بنی الاسلام علی الکلمتین
کلمة التوحید و توحید الکلمة
WWW.KALEME.COM

سرمقاله

خط بطلانی بر یک دوراهی کاذب

در تحلیلی واقع‌بینانه، مصر نه تونس است که بتواند به راحتی پرواز بی‌بازگشت رئیس‌جمهور خود را به ثبت برساند، نه لبنان که با رایزنی و رقابت فعال جناح‌های سیاسی انتقال قدرت صورت گیرد، نه اردن و یمن که اصلاح سیاست‌های اقتصادی گامی به پیش محسوب شود. مصر یگانه کشوری است که خیزش آن، در صورت پیروزی، الگوی جدیدی برای دموکراتیزه‌کردن خاورمیانه، جهان عرب و آن‌چه به‌عنوان «کشورهای توسعه‌نیافته» شناخته می‌شود به ارمغان می‌آورد. از این منظر تنها کشوری که به‌لحاظ سیاسی هم‌ارز مصر قرار می‌گیرد «ایران» است. بنابراین پرداختن به مورد مصر به‌طور ضمنی پرداختن به مورد ایران است.

یازده سپتامبر ۲۰۰۱ آغازگر گفتمانی نوین در سیاست بین‌الملل بود. ایدهٔ توجیه‌گر حمله به افغانستان، هدیه‌دادن دموکراسی به کشورهایی بود که به خودی خود قادر به کسب آن نیستند، گیرم با چاشنی بمب و اسلحه و نیروی نظامی. در این نظریه «دموکراسی» که اصولاً مختص جهان متمدن غربی است به‌عنوان ارمغانی لوکس به کشورهایی اعطا می‌شود که ناتوان از اجرای آن‌اند. کمتر از چند سال بعد الگوی «صدور دموکراسی» در عراق نیز پیاده می‌شود؛ اما تا رسیدن به آرمان دموکراسی راهی طولانی را پشت‌سر می‌گذارد، راهی که تا به امروز نیز ادامه دارد.

تجربهٔ جنبش سبز، انقلاب تونس، اعتراضات اردن و یمن و الجزایر، و خیزش مصر خط بطلانی است بر دوراهی کاذب «دموکراتیزاسیون جهانی» یا «دیکتاتوری محلی». جنبش مردمی در این کشورها و بیش از همه در ایران و مصر به دلایل سوق‌الجیشی و دلالت‌های سیاسی آن می‌تواند پایانی باشد بر آغاز خاورمیانهٔ جدید جورج بوش و آغازی باشد بر پایان لیبرال دموکراسی یکدست‌کنندهٔ غربی. به چالش کشیدن نظام سی‌سالهٔ مبارک در مصر توسط مردم و تعیین تکلیف آن در «کف خیابان‌ها» مفری است که دوگانهٔ مذکور را می‌شکند و فضایی جدید برای نفس‌کشیدن جریان‌های جدید و بازشدن افق‌هایی نو به روی مردمان تحت سرکوب و خفقان می‌گشاید.

در چنین شرایطی، مردم نه دیگر عنصری منفعل در برابر حاکمان مستبد و خودکامه که به کنشگرانی فعال در فرایند رشد و نمو دموکراسی بدل می‌شوند؛ کنشگرانی که خود، فارغ از نسخه‌های تاکنون موجود، الگوی خود را تعیین و اجرا می‌کنند. اگر تا پیش از این هواپیماهای ناتو بودند که «دموکراسی با بمب» را به افغانستان و عراق می‌آورند، امروز این مردم‌اند که با تظاهرات خیابانی در تهران و اسکندریه و تونس و صنعا و امان دموکراسی مطلوب خویش را می‌سازند. و صد البته این خودکامگان‌اند که کابوس شبانهٔ خود را شبانه‌روز در میادین و خیابان‌های شهر به عینه می‌بینند و خواب پریشان خویش را تعبیرشده می‌یابند، و هنوز دیر می‌رسند، دیر می‌شنوند؛ و دور می‌شوند؛ از این‌جا تا قاهره راهی نیست.

بیانیهٔ میرحسین موسوی درباره تحولات منطقه

میرحسین: فراعنه زمانی صدای ملت را می‌شنوند که دیر شده است

کلمه: میرحسین موسوی در بیانیه‌ای ضمن بررسی شرایط حاکم بر خاورمیانه، قیام حق‌طلبانه مردم در برخی کشورها را در راستای بر هم زدن نظام ظالمانه‌ای دانست که منطقه را در چنگال خود فراگرفته و آن را ناشی از بی‌احترامی حکومت‌ها به حق تعیین سرنوشت مردم خواند. آخرین نخست وزیر ایران، همچنین از جانب ملت ایران به مردم آگاه و مبارز مصر و تونس و اردن و یمن ادای احترام و آرزوی پیروزی کرد.

به گزارش کلمه، متن بیانیه میرحسین موسوی به شرح زیر است:

بسم الله الرحمن الرحیم

این روزها خاورمیانه در آستانهٔ حوادث بزرگی‌ست که می‌تواند سرنوشت این منطقه و جهان و سرنوشت ملت‌های منطقه را تحت تاثیر خود قرار دهد. مسلما آنچه در حال وقوع است در راستای به هم زدن نظام ظالمانه ایست که سرنوشت ملت‌های بسیاری را درمنطقه در چنگال خود گرفته است و بدون هیچی شکی نقطهٔ آغازین آنچه در خیابان‌های تونس و صنعا و قاهره و اسکندریه و سوئز شاهد آن هستیم را باید در تظاهرات چند میلیونی ۲۵ و ۲۸ و ۳۰ خرداد تهران جستجو کرد. روزهایی که مردم با شعار «رای من کجاست؟» به خیابان‌ها آمدند و مسالمت‌جویانه، حقوق از دست رفتهٔ خود را پی گرفتند.

امروز دامنهٔ شعار «رای من کجاست؟» مردم ایران، به شعار «الشعب یرید اسقاط النظام» در قاهره و سوئز و اسکندریه رسیده است. برای کشف راز این پیوندها و مشابهت‌ها لازم نیست جای دوری برویم. کافی است شیوهٔ انتخابات اخیر مصر را با انتخابات‌های خود مقایسه کنیم و اینکه رئیس شورای نگهبان از بی‌نیازی به آرا میلیون‌ها شهروند سبز سخن می‌راند. اگر به نظام‌های در حال سقوط جهان عرب و خاورمیانه با دقت نگاه کنیم، خواهیم دید؛ در همهٔ این نظام‌ها به یک سان شبکه‌های اجتماعی وعرصهٔ مطبوعات و فضای مجازی مورد حمله قرار می‌گیرند و به شکل حیرت‌انگیزی اس‌ام‌اس‌ها و تلفن‌ها و اینترنت قطع و قلم‌ها مشابه یکدیگر در هم شکسته و معترضین به زندان‌ها برده می‌شوند.

متاسفانه منافع پشت سر ایدئولوژی حاکم در کشور، اجازه نمی‌دهد واقعیت‌ها آنچنان که هستند، خود را نشان دهند. خطیبان و تریبون‌های گوش به فرمان، به عملکرد مفسدانه و جبارانه فرعون مصر که با بازداشت‌ها، اعتراف گیری‌ها، پرونده‌سازی‌ها و غارت مردم از طریق باندها و اطرافیان، این شرایط انفجاری را در مصر ایجاد کرده‌اند، توجهی نشان نمی‌دهند. اینان به روز «خشم مردم» مصر اشاره می‌کنند ولی نمی‌گویند که روز غضب، نتیجه ناکارآمدی و فساد در بالاترین سطح حکومت و حیف و میل کردن بیت‌المال و هم چنین بستن دهن‌ها و شکستن قلم‌ها و اعدام‌ها و اعدام‌ها و برپا کردن چوبه‌های دار برای ایجاد خوف در میان مردم است. و نمی‌گویند اگرحکومت به حاکمیت مردم بر سرنوشت خود احترام می‌گذاشت و در انتخابات چند ماه پیش مصر آرای مردم را نمی‌دزدید، کار به شعار «اسقاط نظام» از سوی شعب عزیز مصر نمی‌رسید. و شاید هم متوجه نیستند که ادامهٔ سیاست غلبه به وسیلهٔ ایجاد خوف، نهایتا در نقطه‌ای به ضد خود تبدیل و آنگاه آمدن «روز خشم» و روزهای غضب ملی اجتناب‌ناپذیر می‌شود. فراعنه معمولا زمانی صدای ملت را می شنوند که بسیار دیر شده است.

ملت ما به انقلاب عظیم مردم شجاع تونس و قیام حق طلبانهٔ مردم مصر و یمن و دیگر کشورهای منطقه احترام می‌گذارد. ما به همهٔ مردم دلیر و آگاه و مبارز مصر و تونس و اردن و یمن درود می‌فرستیم و از خداوند منان پیروزی آنان را در مبارزات حق‌طلبانه‌شان آرزو می‌کنیم.

اخبار مصر

معترضان عده معدودی هستند که از خارج خط می‌گیرند

یک نماینده حامی دولت مبارک در پارلمان مصر گفت: معترضان عده معدودی هستند که از خارج خط می‌گیرند! وی در پاسخ به این سوالات که آیا منظورش از عده معدود، جمعیت میلیونی است؟ و چرا پلیس تجمعات آرام آنها را به خاک و خون کشید با عصبانیت گفت: «اینها ربطی به شما ندارد، یک پدر می‌تواند هر آن گونه که بخواهد فرزندان سرکش خود را تأدیب نماید!»

خود مردم رهبر اعتراضات هستند

اخوان‌المسلمین بزرگ‌ترین گروه مخالف دولت مبارک اعلام کرد: «ما تظاهرات در مصر را رهبری نمی‌کنیم، بلکه ملت مصر این روند را به دست گرفته است.» گفتنی است دولت مصر تظاهرات معترضان را به این گروه نسبت می‌دهد.

قطع سراسری اینترنت و سرویس پیام کوتاه در مصر

ساعاتی قبل از راهپیمایی مصری‌ها در روز جمعه، به دستور حکومت اینترنت و سیستم ارسال پیام کوتاه در سراسر این کشور قطع شد. گفتنی است مردم مصر از طریق تلفن همراه و اینترنت هموطنان خود را برای شرکت در این راهپیمایی دعوت می‌کردند.

چین به کمک دیکتاتور مصر شتافت

دولت چین کلیدواژه «مصر» را در خدمات اینترنتی به شدت رایج در این کشور نظیر شبکه توییتر فیلتر کرد. با تایپ واژه «مصر» در این شبکه‌ها پیامی با این مضمون مشاهده می‌شود: «براساس قوانین مربوطه، نتایج جستجو نشان داده نمی‌شود.»

ملک عبدالله: معترضان مصری فتنه‌گرند

ملک عبدالله، شاه عربستان که پس از فرار دیکتاتور تونس، به وی پناه داده بود، اکنون حمایت خود از رئیس‌جمهور مصر را نیز اعلام کرد. عبدالله در تماسی تلفنی با مبارک، گفت که انسان نمی‌تواند تحمل کند که کسانی با نام آزادی بیان بازی می‌کنند و کینه‌های خود را برای «فتنه‌انگیزی» به کار می‌گیرند!

با وجود چند صد معترض ایرانی در زندان‌ها، ایران از مصر خواست که به خشونت‌ها علیه معترضان پایان دهد

وزارت خارجه جمهوری اسلامی از مصر درخواست کرد که به خشونت‌ها علیه مردم معترض پایان دهد و به خواسته‌های آن‌ها «تمکین» کند. این درخواست دولت ایران از مصر در حالی مطرح می‌شود که با برخورد خشونت‌آمیز پلیس و نیروهای لباس شخصی در اعتراض‌های مردمی سال گذشته ایران، تعداد زیادی از معترضان زخمی، بیش از یکصد نفر شهید، چند هزار نفر روانه زندان، و چند جوان زیر شکنجه کشته شدند. همچنین در حال حاضر چند صد نفر از معترضان نزدیک به دو سال است که در زندان به سر می‌برند که بیش از پنجاه نفرشان روزنامه‌نگار هستند.

وحشت تلویزیون ایران از تشابه حوادث مصر و ایران

روز شنبه ۱۰ بهمن در اخبار ساعت ۱۴ شبکه یک تلویزیون در بخش آغازین همراه با سرفصل خبرها ویدئویی از حوادث مصر پخش شد که بسیار شبیه صحنه قتل ندا آقا سلطان از شهدای جنبش سبز بود. چنانچه معمول است باید این تصاویر در نیمه و انتهای اخبار نیز بازپخش شود اما در بازپخش‌ها این ویدئوی کوتاه حذف شده بود!

احمد خاتمی: شعار «الله اکبر» مردم تونس نشانه ماهیت اسلامی قیام آنان است

احمد خاتمی خطیب نماز جمعه تهران شعار «الله اکبر» مردم تونس را نشانه ماهیت اسلامی قیام مردم تونس دانست. این در حالی است که وی شعار «الله اکبر» مردم سبز ایران بر پشت بام خانه‌ها در سال گذشته را سوء استفاده ضرار دانسته و تخطئه کرده بود!

دیکتاتوری مادرزادی نیست

روزنامه اصولگرای جمهوری اسلامی در سرمقاله خود سقوط دیکتاتور تونس را حاوی پندهای مهمی برای همهٔ صاحبان قدرت دانست. در این سرمقاله آمده است: «دیکتاتورها هیچگاه دیکتاتور از مادر زائیده نمی‌شوند و دولتمردان معمولاً در اثر جلوس بر کرسی قدرت دیکتاتور می‌شوند.»

اعتراض آیت‌الله نوری همدانی به حمایت علمای مصری از دیکتاتور مصر

آیت‌الله نوری همدانی از علمای الازهر به خاطر حمایت از دیکتاتور مصر و حرام اعلام کردن تظاهرات مردمی شدیدا انتقاد کرد. وی گفت: «الازهر با استناد به آیه ۲۷ سوره بقره فتوا داده، اما باید بدانند که آیه مربوط به تظاهرات کنندگان نیست، بلکه مصداق آیه افراد فاسق و فاجری همچون حسنی مبارک است.»

فقط باید ایرانی باشی تا مزدور غرب لقب بگیری

از قاهره تا تهران؛ آنجا معترضی، اینجا اغتشاشگر!

عاطفه امیری - کلمه: وقتی مردم فرانسه در پاریس تظاهرات می‌کردند از سوی صدا و سیمایی که از پول من و شما ارتزاق می‌کند، «مردمی معترض» لقب گرفتند. وقتی دانشجویان در لندن تظاهرات بزرگ به راه انداختند دانشجویان معترض و آگاه خوانده شدند، حالا هم مردمی که در تونس و مصر و یمن به خیابان ریخته‌اند مردم معترضی هستند که وزارت خارجه دولت احمدی نژاد با صدور دستورالعملی از دولت مصر درخواست می‌کند که نسبت به معترضان خشونت نورزد چرا که اعتراض حق مردم است.

شما می‌توانید مردم هر جای دنیا باشید و تظاهرات کنید تا معترض‌هایی نامیده شوید که اعتراض حق شماست، اما اگر شما شهروند تهران، تبریز، شیراز، اصفهان، کرمانشاه، قم، رشت و یا هر جای دیگر ایران بودید و اعتراض کردید نامتان معترض نیست و اغتشاشگر است.

خبرنگار صدا و سیما اما هر چقدر هم که تلاش کند تصاویر اعتراض مردم مصر و تونس بیشتر یاد آور تظاهرات مردم معترض ایران در روزهای پس از انتخابات است و نه شبیه تظاهرات‌های دولتی و مهندسی شده ایران.

هرچقدر هم خبرنگاران صدا و سیما اصرار داشته باشند که حکومت دیکتاتور مصر آیینه وضع فعلی ایران نیست، روش‌های یکسان فرعون‌ها خود می‌گوید که چه کسی شبیه چه کسی است؟ چه کسانی اینترنت و موبایل اس‌ام‌اس مردم را قطع کردند؟

دولت ایران از فردای انتخابات شبکه اینترنت را دچار اختلال و اس‌ام‌اس و موبایل را قطع کرد. دیکتاتور مصر هم درسش را خوب از دولتمردان ایرانی فراگرفته بود که ساعتی پیش از شروع راهپیمایی گسترده و اعتراضی مردم مصر تمام وسائل ارتباطی از جمله اینترنت، پیامک و شبکه مخابراتی را قطع کرد.

صحنه مجروح و کشته شدن معترضان در تونس و مصر هر بیننده‌ای را به راحتی به یاد صحنه‌های به خون کشیدن معترضان ایرانی می‌اندازد.

منابع خبری گفته‌اند که در همین چند روز نزدیک به دو هزار نفر در مصر بازداشت و روانه زندان شده‌اند، همچنان که از فردای انتخابات چند هزار نفر از معترضان به زندان‌ها برده شدند.

شعارهای اصلی مردم ایران در تظاهرات‌های اعتراضی‌شان نسبت به نتیجه انتخابات الله اکبر و یا حسین بود. یکی از شعارهای اصلی مردم مصر نیز الله اکبر است. خطیب جمعه تهران و دیگر حامیان دولت شعار الله اکبر مردم مصر را نشان خیزش اسلامی مصر می‌دانند و شعار الله اکبر معترضان ایرانی را نشانه فتنه‌گری.

استفاده از واژه فتنه برای معرفی معترضان از دیگر ویژگی‌های مشترک حامیان دیکتاتورهاست. در ایران همچنان مخالفان دولت ایران و معترضان به نتیجه انتخابات فتنه و فتنه‌گر خوانده می‌شوند. ملک عبدالله بن عبدالعزیز، شاه عربستان، در تماسی تلفنی با حسنی مبارک، به وی گفته است «انسان نمی‌تواند تحمل کند که کسانی با نام آزادی بیان، برای فتنه‌انگیزی در این کشور تلاش می‌کنند.»

در کوران اعتراض‌های مردم ایران، دولت‌های غربی از دولت ایران خواستند نسبت به معترضان خشونت نکند و همین کافی بود تا دستگاه تبلیغاتی دولتی به کار بیفتد که «ای داد، بی داد! دیدید گفتیم که مخالفان ما از غرب حمایت می‌شوند. حالا هر روز دولت‌های غربی از دولت تونس و مصر می‌خواهند که به حقوق معترضان خود احترام بگذارند و نسبت به آنها خشونت نکند. اما برای خطیب جمعه و دیگر دولتمداران ایرانی این نشانه‌ای برای حمایت غرب از خیزش مردم مصر و تونس تلقی نمی‌شود.

رسانه‌های بزرگ دنیا از جمله «بی‌بی‌سی» و «سی‌ان‌ان» اخبار و تحولات مربوط به رویدادهای ایران را پوشش می‌دادند البته چون خبرنگارهایشان اخراج شده و دوربین‌هایشان در ایران خاموش بود نمی‌توانستد تصاویر حرفه‌ای و با کیفیت از صحنه‌های اعتراض‌های مردم پخش کنند و به پخش تصاویر غیرحرفه‌ای که مردم با موبایل گرفته و ارسال کرده بودند، بسنده می‌کردند.

اما اقتدارگرایان در ایران پوشش گسترده رسانه‌های غربی را از حوادث ایران نشان‌دهنده رضایت غرب از اعتراض‌ها و مزدور غرب بودن معترضان گرفتند.این روزها نیز رسانه‌های بزرگ دنیا از جمله همان بی‌بی‌سی و سی‌ان‌ان لحظه به لحظه حوادث مصر و تونس را پوشش می‌دهند و همان تصاویر نیز از رسانه‌های ایران پخش می‌شوند اما این بار این پوشش خبری گسترده رسانه‌های غربی از اعتراضات مردمی دیگر در کشوری دیگر، نشانه مزدور بودن این مردم تلقی نمی‌شود. فقط باید ایرانی باشی تا اگر اعتراض کردی مزدور غرب لقب بگیری.

تهران، تبریز، شیراز، اصفهان، رشت و یکی دو شهر دیگر از فردای انتخابات پر مناقشه ۸۸ به صحنه اصلی اعتراض‌های مردم و قدرت‌نمایی جنبش سبز تبدیل شد، حامیان دولت گفتند که جنبش سبزی‌ها یک مشت شهرنشین مرفه هستند، پس کجا هستند روستایی‌ها و مردم دیگر شهرهای کوچک در اعتراض‌ها؟ حالا در تونس و مصر نیز فقط مردم شهرهای بزرگ و طبقه متوسط به خیابان‌ها آمده‌اند و این بار رسانه‌های اقتدارگرایان نمی‌پرسند کجا هستند مردم روستاهای مصر و تونس؟

اما منصفانه نیست اگر بگوییم آنچه در مصر می‌بینیم همان است که در اعتراض‌های مسالمت‌آمیز مردم ایران دیدیم.

فقط یک روز از کودتا گذشته بود که دولت ایران خبرنگاران رسانه‌های دنیا را از ایران اخراج کرد و مردم به ناچار با موبایل فیلم‌های غیرحرفه‌ای گرفتند و روی فضای اینترنت منتشر کردند.

هنوز اما دوربین‌های حرفه‌ای خبرنگاران در قاهره و دیگر شهرهای مصر روشن است و هر لحظه تصاویر اعتراض مردم را به دنیا مخابره می‌کنند. همچنان که دوربین‌های خبرنگاران در تونس و یمن روشن است و کار رسانه‌ای و حرفه‌ای خود را انجام می‌دهند.

یکی از بزرگترین مخالفان دولت مصر با اعلام قبلی وارد قاهره شد و البته در فرودگاه قاهره کسی برای وی کوچکترین مزاحمتی ایجاد نکرد چه برسد به بازداشت یا ممانعت از ورود او.

چه کسی می‌تواند تصور کند که مخالفان دولت ایران که اکنون در خارج از ایران به سر می‌برند وارد فرودگاه‌های ایران بشوند و مستقیم به زندان منتقل نشوند؟

معترضان مصری در روز «خشم مصر» در مساجد قاهره و دیگر شهرها نماز گذاردند و نیروهای لباس شخصی و امنیتی به نماز آنها یورش نبردند. معترضان ایرانی حتی اجازه نماز خواندن در مساجد شهرهای خود را ندارند. چه

کسی است که ماجرای مسجد دستغیب را در شیراز فراموش کرده باشد؟

نمازگزاران مصری با آرامش نماز خواندند و کسی با گاز اشک‌آور و باتوم به سمت آنها حمله نکرد؟ چه کسی است که نماز جمعه سبز تهران را فراموش کرده باشد با آن صحنه‌های یورش ماموران به نمازگزاران سبز؟

هنوز از وجود کهریزک و تجاوز به معترضان و کشته شدن معترضان زیر شکنجه در مصر چیزی شنیده نشده است. اینجا حتی افشاگرانی که درباره کهریزک نوشتند راهی زندان شدند.

هنوز هیچ اتومبیل پلیسی در قاهره و تونس و یمن معترضان را زیر چرخ‌های خود له نکرده است، در تهران اتومبیل‌های آرم‌دار پلیس از روی مردم بی‌گناه چند بار رد شدند و شاهدان زیر گرفته شدن مردم به زندان برده شدند و کسی از عاملان زیر گرفتن مردم سراغی نگرفت.

در تظاهرات سی‌ام خرداد ماه، پاسخ فاطمه سمسارپور، زنی خانه‌دار که از خانه‌اش بیرون آمد تا به نیروهای لباس شخصی اعتراض کند که چرا به علمک گاز خانه‌شان شلیک کرده‌اند که موجب انفجار خانه مسکونی شان خواهد شد، شلیک مستقیم گلوله به قلبش بود که در دم جان سپرد. تا این لحظه از کشته شدن زنان خانه‌داری که در خانه‌های خود در قاهره نشسته و کاری به تظاهرات ندارند، گزارش نشده است.

فاطمه رجب‌پور و سرور برومند بر اساس گزارش‌های تایید شده در روز ۲۵ خرداد در خیابان آزادی داخل مهد کودک مورد اصابت گلوله قرار گرفتند و به شهادت رسیدند. تا این لحظه گزارشی از هجوم نیروهای نظامی، امنیتی و یا لباس شخصی به مهدکودک‌های مصر گزارش نشده است.

ساعتی پس از به پایان رسیدن تظاهرات مسالمت‌آمیز مردم در روز ۲۵ و ۳۰ خرداد در تهران افرادی ناشناخته و مشکوک بانک‌ها و اتوبوس‌ها را آتش زدند و تلاش کردند آن را به گردن معترضان بیندازند. ساکنان قاهره نیز دیروز و امروز از تلاش‌های مشکوک برای آتش زدن اموال عمومی و غارت بانک‌ها دچار وحشت شده‌اند.گفته شده که برخی از این غارتگران سوار بر موتورسیکلت، کارت شناسایی نیروهای امنیتی را دارند، و در گزارش دیگری گفته شده که پلیس هم در این غارتگری‌ها نقش دارد. روش دیکتاتورها انگار همه جای دنیا شبیه هم هست. قاهره و تهران ندارد.

جمعیتی که در روز خشم مصر به خیابان‌های قاهره ریختند سه میلیون نفر نبودند و کمتر از این‌ها برآورد شدند اما هنوز ۲۴ ساعت نگذشته بود که مبارک گفت صدای اعتراض مردم را شنیدم و برای اصلاحات تلاش خواهم کرد.

در تهران فقط در یک روز و بر اساس آمارهای رسمی و غیر رسمی بیش از سه میلیون نفر برای نشان دادن اعتراض‌شان به خیابان‌ها آمدند اما دولتمداران ایرانی صدایشان را نشنیدند یا نخواستند بشنوند و معترضان را خس و خاشاک و بزغاله نامیدند.

برنامه بیست و سی تلویزیون با هیجان زیاد رقم شرکت‌کنندگان در تظاهرات شنبه مردم قاهره را پنجاه هزار نفر می‌خواند و آن را راهپیمایی گسترده مخالفان نام می‌دهد و بارها و بارها تصاویر این تظاهرات را نشان می‌دهد. دیگر بخش‌های خبری نیز بارها تصاویر تظاهرات مصری‌ها را نشان می‌دهد. صدا و سیما هرگز حاضر نشد صحنه‌های پرشکوه تظاهرات میلیونی مردم تهران را در تظاهرات ۲۵ خرداد نشان دهد.

شباهت‌ها و تفاوت‌های آنچه در قاهره و اسکندریه و سوئز می‌گذرد با آنچه در تهران و تبریز و شیراز و اصفهان و... گذشت کم نیست اما میرحسین راز شباهت جنبش سبز مردم ایران را با جنبش اعتراضی مردم مصر در شیوه برگزاری انتخابات‌ها نیز جستجو می‌کند. آنجا که می‌گوید: «دامنهٔ شعار «رای من کجاست؟» مردم ایران، به شعار «الشعب یرید اسقاط النظام» در قاهره و سوئز و اسکندریه رسیده است. برای کشف راز این پیوندها و مشابهت‌ها لازم نیست جای دوری برویم. کافی است شیوهٔ انتخابات اخیر مصر را با انتخابات‌های خود مقایسه کنیم و اینکه رئیس شورای نگهبان از بی‌نیازی به آرا میلیون‌ها شهروند سبز سخن می‌راند.»

همچنین میرحسین شباهت فرعون‌ها را در دیر شنیدن صدای مردمشان می‌داند: «فراعنه معمولا زمانی صدای ملت را می‌شنوند که بسیار دیر شده است.»

بنی الاسلام علی الکلمتین
کلمة التوحید و توحید الکلمة

کلمه

WWW.KALEME.COM

روزنامه کلمه، شمارهٔ چهل و چهارم
شنبه، ۱۶ بهمن ۱۳۸۹، شمارگان: ما بیشماریم

متاسفانه منافع پشت سر ایدئولوژی حاکم در کشور، اجازه نمی‌دهد واقعیت‌ها آنچنان که هستند، خود را نشان دهند. خطیبان و تریبون‌های گوش به فرمان، به عملکرد مفسدانه و جبارانه فرعون مصر که با بازداشت‌ها، اعتراف‌گیری‌ها، پرونده‌سازی‌ها و غارت مردم از طریق باندها و اطرافیان، این شرایط انفجاری را در مصر ایجاد کرده‌اند توجهی نشان نمی‌دهند.

دیدار میرحسین موسوی و مهدی کروبی در آستانه سالروز پیروزی انقلاب

عده‌ای با سوء استفاده از جایگاه خود انقلاب را به انحراف کشانده‌اند

میرحسین موسوی و مهدی کروبی در آستانه سالروز ورود امام خمینی به ایران و پیروزی انقلاب اسلامی با یکدیگر دیدار کردند. در این دیدار که صبح دیروز با حضور آیت‌الله بیات زنجانی انجام شد، این سه چهره شاخص درباره مسائل مختلف از جمله تحولات کشورهای عربی و رخدادهای اخیر در ایران بحث و تبادل نظر کردند.

به گزارش تغییر، در ابتدای این دیدار میرحسین موسوی و مهدی کروبی ضمن تبریک فرا رسیدن ایام پیروزی انقلاب، بزرگترین دستاورد انقلاب را تحقق «جمهوری اسلامی» برشمردند که برخواسته از خواست و اراده مردم و ماحصل رهبری آیت الله خمینی و ایثارگری‌ها و جانبازی‌های ملت بزرگ ایران بوده است.

ایشان «جمهوری اسلامی» را نظامی مبتنی و استوار بر آراء مردمی دانسته و اعلام کردند متاسفانه برخی با سوء استفاده از قدرت و جایگاهشان نه تنها ارزشی برای مردم قائل نیستند بلکه برای حفظ موقعیت و قدرت چند صباح خود، مردم را به ستوه آوردند و انقلاب را به انحراف کشیدند. همچنین ایشان رحلت جانگداز پیامبر رحمت و مهربانی و شهادت امام حسن مجتبی را به حضور حضرت ولی عصر و مسلمانان و شیعیان جهان تسلیت گفتند.

اعدام‌های بی‌حساب و کتاب را متوقف کنید

مهدی کروبی و میرحسین موسوی نسبت به تعداد زیاد اعدام‌ها و تعجیل در اجرای احکام اعدام، بدون طی کامل مراحل دادرسی و قانونی در کشور اعتراض کرده و آنرا ناشی از بی تدبیری حاکمان و ایجاد رعب و وحشت در جامعه قلمداد کردند. آن دو ابراز کردند: فارغ از چند و چون اتهامات افراد و درستی یا نادرستی این اتهامات، حق قانونی و شرعی هر انسانی است که با طی کامل مراحل دادرسی و قانونی بتواند از حقوق خود بهره مند شود.

کروبی و موسوی متذکر شدند: اعدام قریب به ۳۰۰ تن طی یک سال گذشته، جز ایجاد رعب و وحشت در جامعه دستاوردی برای اذهان عمومی کشور ندارد و نتیجه‌ای جز انزوای بیشتر ایران در مجامع بین‌المللی را به همراه نخواهد داشت. آیا اعدام بدون طی شدن مراحل دادرسی و بدون اطلاع خانواده متهم اقدامی انسانی و اسلامی است؟ خودداری از تحویل جسد به خانواده و بستگان دیگر چه صیغه‌ای است که به تازگی آنرا باب کرده‌اند! لذا ما به عنوان شهروندان این کشور و عضوی از اعضای ملت آزاده ایران، خواستار توقف این شیوه هستیم و امیدواریم دستگاه قضایی کشور بتواند بطور مستقل و با رعایت حفظ اصل بی‌طرفی و برخوردار کردن متهمین از حقوق قانونی و شرعی خود و با عنایت به رافت و رحمت اسلامی تدبیری اتخاذ کند تا دیگر شاهد چنین روند ناصوابی در کشور نباشیم.

دیکتاتورهای منطقه و جهان عبرت بگیرند

آخرین نخست وزیر ایران و رئیس مجالس سوم و ششم شورای اسلامی در بخش دیگری از سخنان خود، حوادث اخیر کشورهای عربی را مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار دادند. آنها ضمن ابراز خوشحالی از قیام مردم آزادی‌خواه مصر تاکید کردند: امروز در کشورهای عربی شاهد بالندگی سیاسی و رشد مردم سالاری هستیم. هیچ قدرتی نمی‌تواند بر خواست و اراده مردم مسلط شود. دیر یا زود قدرت‌های دیکتاتوری و مستبد محکوم به فنا هستند.

آنها تاکید کردند: امروز دیگر ملت‌ها آگاه شده‌اند و یکی پس از دیگری بر سرنوشت خویش مسلط می‌گردند و این اراده ملت‌هاست که لرزه را به تن مستبدین انداخته است.

به عقیده موسوی و کروبی، هر چند در مصر شاهدیم حسنی مبارک به جای تمکین بر خواست و اراده ملت خود سال‌هاست تلاش می‌کند تا با برگزاری انتخابات‌های مهندسی شده و تشکیل مجالس فرمایشی و استفاده از نیروهای اراذل و اوباش مردم را سرکوب کند اما ره به جایی نخواهد برد چنانچه امروز نیز نتوانسته است با سرکوب و ارعاب بر اوضاع مسلط گردد. البته اقدام ارتش مصر در اعلام بی‌طرفی و مشروع دانستن خواسته‌های مردمی جای بسی تشکر و قدردانی دارد و گویی ارتش به درستی صدای انقلاب مردم را برخلاف حاکمیت مستبد و دیکتاتور مصر، شنیده است.

آنها افزودند: امیدواریم صدای انقلاب آزادیخواهانه مردم مصر و تونس و یمن به گوش مستبدین و دیکتاتورهای منطقه و جهان برسد تا شاید عبرتی باشد برای بازنگری و بازبینی در اعمال و رفتارشان. امروز در مصر با وجود تنش‌ها و درگیری‌ها اجازه راهپیمایی به معترضین داده می‌شود تا مشخص شود کفه اقبال اجتماعی کدامین جریان سنگین‌تر است. لذا ما معتقدیم اگر در ایران نیز به معترضین پس از انتخابات اجازه راهپیمایی داده شود مشخص خواهد شد کدام جریان از پایگاه اجتماعی و مردمی برخوردار است.

تعطیل کارخانه‌ها و بیکاری کارگران، دلیل بی‌کفایتی دولت

مهندس موسوی و حجت الاسلام کروبی در بخش پایانی صحبت خود به وضعیت تاسف‌بار اقتصادی در کشور اشاره کردند و از آسیب رسیدن بیش از حد به اقشار محروم جامعه ابراز نگرانی کردند و گفتند: این روزها ساده‌ترین فعالیت‌های اقتصادی مانند نقل و انتقال پول برای فعالین اقتصادی همچون کابوس درآمده است. اکثر بانک‌های جهانی برای فعالیت‌های تجاری در ایران ارزشی قائل نیستند و دولت به جای تصحیح امور، به فرافکنی و سانسور و مماشات روی آورده است. طبق گزارش منابع معتبر خبری هم اکنون تا سقف ۴۰ درصد هزینه‌های تولید به دلیل تحریم‌های بین‌المللی، افزایش پیدا کرده و تبعات مختلف ناشی از آنها نیز باعث به تعطیلی کشیده شدن بسیاری از کارخانه‌های کوچک و متوسط در کشور شده است. آنچنان که طبق گفته دبیرخانه کارگر بیش از ۶۰۰ واحد تولیدی تعطیل شده و باعث اخراج و بیکار شدن هزاران نفر نیروی انسانی شده است.

آنها تصریح کردند: ما دلیل تحمیل چنین شرایطی بر مردم و کشور را تنها در بی‌کفایتی دولتمردان و اتخاذ سیاست ماجراجویی و جنجال‌آفرینی در عرصه بین‌المللی توسط آنان می‌دانیم. این درحالی است که هم‌صدا با فعالین اقتصادی کشور، کارشناسان اقتصادی جهانی نیز اقتصاد ایران را در شرایطی بسیار ضعیف و در آستانه هشدار ارزیابی می‌کنند.

میرحسین موسوی و مهدی کروبی در پایان این دیدار ابراز امیدواری کردند که به یاری خداوند و با هوشیاری ملت بزرگ همیشه در صحنه، از این بحران نیز با سرافرازی و پیروزی عبور خواهیم کرد.

راه حل گام به گام اخوان‌المسلمین برای بحران مصر

عفو عمومی، آزادی زندانیان سیاسی، برگزاری انتخابات آزاد

رهبر اخوان‌المسلمین با صدور بیانیه‌ای، یک طرح ۶ مرحله‌ای برای اداره امور این کشور پیشنهاد کرد.

محمد بدیع، نظام کنونی مصر را برای اداره این کشور، فاقد مشروعیت دانست و ضمن رد اصلاحات محدود پیشنهاد شده از سوی حسنی مبارک، تاکید کرد: هدف طرح ۶ مرحله‌ای پیشنهادی برای تحقق آزادی‌ها، زندگی مسالمت‌آمیز و دموکراتیک و ساخت آینده‌ای روش برای همه ملت مصر است.

رهبر اخوان‌المسلمین، اولین مرحله این طرح را کناره‌گیری مبارک از قدرت و انحلال دو مجلس مشورتی و خلق مصر اعلام کرده و در مرحله دوم رییس دادگاه عالی قانون اساسی جایگزین مبارک شده و امور کشور را به دست بگیرد.

مرحله سوم طرح پیشنهادی حاکی است: حالت فوق‌العاده باید لغو شود، فرمان عفو عمومی صادر شود و همه زندانیانی که به دلیل بیان نظرات و مواضع سیاسی خود بازداشت شده‌اند، آزاد گردند.

محمد بدیع، تشکیل دولت وحدت ملی انتقالی و برگزاری انتخابات پارلمانی آزاد و شفاف تحت نظارت دستگاه قضایی برای تحقق اراده ملت را چهارمین و پنجمین مرحله طرح خود اعلام کرد.

در ششمین مرحله این طرح، پارلمان برآمده از رای ملت، تعدیلات لازم را در قانون اساسی صورت داده تا زمینه برگزاری آزاد و فراگیر انتخابات ریاست جمهوری با رای مستقیم مردم مصر فراهم شود.

نفی تروریسم و لزوم تحول صلح‌آمیز بارها توسط رهبران این گروه مورد تاکید قرار گرفته است.

آنها دیروز تاکید کردند که اتفاقی که در مصر می‌افتد یک انقلاب اسلامی نیست بلکه انقلاب مردم مصر اعم از مسلمان و مسیحی است.

اخبار کوتاه

استقرار نیروهای یگان ویژه در مقابل منزل کرباسچی

غلامحسین کرباسچی طبق رسمی ۱۷ ساله به مناسبت روز ۲۸ صفر میزبان عزاداران بود اما امسال این مراسم با حضور نیروهای یگان ویژه لغو شد.

کارگران کارخانه ریسندگی سنندج، هشت ماه بدون حقوق

با وجود اخراج اکثر کارگران شرکت ریسندگی پرریس سنندج در اعتراض به پرداخت نشدن حقوق‌های معوقه طی سالهای ۸۶ تا ۸۸ و استخدام نیروهای جدید با تدابیر شدید و گزینشی، کارگران فعلی و حتی کارگران اخراج شده این شرکت همچنان با مشکل پرداخت نشدن حقوق از طرف کارفرما مواجه هستند.

دوسال اضافه‌کاری دبیران هنرستان‌ها پرداخت نشده

دبیران، مدیران و معاونان و دیگر پرسنل هنرستان‌های آموزش و پرورش بیش از دو سال است که دستمزد مربوط به اضافه کاری اجباری خود را دریافت نکرده‌اند.

نامهٔ احمدی‌نژاد قطعا از سر خیرخواهی و مصلحت‌اندیشی نبوده است

رییس دیوان عدالت اداری از نامه احمدی‌نژاد خطاب به نمایندگان مجلس شورای اسلامی انتقاد کرد و گفت: قطعاً تهیه و تقدیم این نامه از سر خیرخواهی و مصلحت‌اندیشی نبوده است.

مدیریت تئاتر وجود ندارد، فضا پلیسی شده است

محمد رحمانیان، نویسنده و کارگردان تئاتر می‌گوید: اصلا چیزی به نام مدیریت تئاتر وجود ندارد. یک جو پلیسی را بر تئاتر حاکم کردند. ما را به صورت قلم به مزد فرض کردند که هرآنچه دلخواه دوستان است، روی صحنه بیاوریم در حالی که اصلا چنین چیزی نیست.

یکی دیگر از مجروحان حادثه ایران‌خودرو درگذشت

یکی دیگر از کارگران ایران‌خودرو که در پی مجروحیت در حادثه شامگاه اربعین حسینی در بیمارستان بستری شده بود، درگذشته است.

مصر سایت‌های اینترنتی و رسانه‌های خارجی را متهم کرد

تلویزیون دولتی مصر اعلام کرد که رسانه‌های خارجی و برخی از سایت‌های اینترنتی دلیل ناآرامی و اعتصابات مصر است!

زندانیان بند ۳۵۰ اوین همچنان محروم از تلفن، مرخصی و ملاقات حضوری

زندانیان سیاسی بند ۳۵۰ زندان اوین بدون استفاده از حق ملاقات حضوری، حق استفاده از مرخصی و ارتباط تلفنی با خانواده‌هایشان دوران حبس را می‌گذرانند. قوانینی خود ساخته که گذراندن دوران حبس را برای زندانیان سیاسی و خانواده‌هایشان بسیار دشوار می‌کند.

در بودجه ۸۹ دولت ۲۱ هزار میلیارد تومان تخلف داشته است

عضو کمیسیون برنامه، بودجه و محاسبات مجلس از تخلف ۲۱ هزار میلیارد تومانی دولت در بوجه سال ۸۹ خبر داد و نیز به عمل نکردن وزارت نفت به تعهداتش اشاره کرد. این نماینده همچنین از واریز نشدن مبالغ هنگفتی به ذخیره ارزی پرده برداشت و اعلام کرد که دولت فقط تا پایان سال برای واریز این مبالغ به حساب ذخیره ارزی مهلت دارد.

ویژه‌نامه

کلمه
بنی الاسلام علی الکلمتین
کلمة التوحید و توحید الکلمة
WWW.KALEME.COM

ویژه‌نامهٔ راهپیمایی ۲۵ بهمن
یک‌شنبه، ۱۷ بهمن ۱۳۸۹، شمارگان: ما بیشماریم

در حمایت از حرکت ضداستبدادی مردم منطقه، میرحسین موسوی و مهدی کروبی خواستار راهپیمایی شدند

درخواست راهپیمایی از امام حسین تا آزادی

میرحسین موسوی و مهدی کروبی در نامه‌ای خطاب به مصطفی محمدنجار، وزیر کشور، اعلام کردند که قصد دارند برای همبستگی با حرکت‌های مردمی در منطقه، به ویژه قیام آزادی‌خواهانه مردم تونس و مصر علیه حکومت استبدادی در این دو کشور، مردم را به راهپیمایی دعوت کنند.

به گزارش کلمه، زمان این راهپیمایی مردمی، روز دوشنبه ۲۵ بهمن ساعت ۳ بعدازظهر و مسیر آن، از میدان امام حسین تا میدان آزادی اعلام شده است.

متن کامل نامه موسوی و کروبی بدین شرح است:

جناب آقای نجار
وزیر محترم کشور
سلام علیکم

بدینوسیله به اطلاع می رساند که به منظور اعلام همبستگی با حرکت‌های مردمی در منطقه بویژه قیام آزادیخواهانه مردم تونس و مصر بر علیه حکومت استبدادی در کشور، درخواست صدور مجوز برای دعوت به راهپیمایی مردمی طبق اصل بیست و هفت قانون اساسی در جهت حمایت از قیام مردم این دو کشور مسلمان را در روز دوشنبه ۲۵ بهمن ساعت ۳ بعدازظهر از میدان امام حسین تا میدان آزادی را داریم.

مهدی کروبی، میرحسین موسوی

گفتنی است پیش از این میرحسین موسوی در بیانیه‌ای حمایت قاطع خود را از جنبش آزادی‌خواهی منطقه اعلام کرده بود.

بسمه تعالی

۱۳۸۹/۱۱/۱۶

جناب آقای نجار
وزیر محترم کشور
سلام علیکم

بدینوسیله به اطلاع می رساند که به منظور اعلام همبستگی با حرکت های مردمی در منطقه بویژه قیام آزادیخواهانه مردم تونس و مصر بر علیه حکومت استبدادی در کشور، درخواست صدور مجوز برای دعوت به راهپیمایی مردمی طبق اصل بیست و هفت قانون اساسی در جهت حمایت از قیام مردم این دو کشور مسلمان را در روز دوشنبه ۲۵ بهمن ساعت ۳ بعدازظهر از میدان امام حسین تا میدان آزادی را داریم.

مهدی کروبی
میرحسین موسوی

سبزها رسانه ندارند. با تکثیر و پخش این خبرنامه به انتشار خبرها کمک کنید. هر ایرانی یک رسانه است.

ویژه‌نامه

کلمه
بنی الاسلام علی الکلمتین
کلمة التوحید و توحید الکلمة
WWW.KALEME.COM

ویژه‌نامهٔ راهپیمایی ۲۵ بهمن
یک‌شنبه، ۱۷ بهمن ۱۳۸۹، شمارگان: ما بیشماریم

در حمایت از حرکت ضداستبدادی مردم منطقه، میرحسین موسوی و مهدی کروبی خواستار راهپیمایی شدند

درخواست راهپیمایی از امام حسین تا آزادی

میرحسین موسوی و مهدی کروبی در نامه‌ای خطاب به مصطفی محمدنجار، وزیر کشور، اعلام کردند که قصد دارند برای همبستگی با حرکت‌های مردمی در منطقه، به ویژه قیام آزادی‌خواهانه مردم تونس و مصر علیه حکومت استبدادی در این دو کشور، مردم را به راهپیمایی دعوت کنند.

به گزارش کلمه، زمان این راهپیمایی مردمی، روز دوشنبه ۲۵ بهمن ساعت ۳ بعدازظهر و مسیر آن، از میدان امام حسین تا میدان آزادی اعلام شده است.

متن کامل نامه موسوی و کروبی بدین شرح است:

جناب آقای نجار
وزیر محترم کشور
سلام علیکم

بدینوسیله به اطلاع می رساند که به منظور اعلام همبستگی با حرکت‌های مردمی در منطقه بویژه قیام آزادیخواهانه مردم تونس و مصر بر علیه حکومت استبدادی در کشور، درخواست صدور مجوز برای دعوت به راهپیمایی مردمی طبق اصل بیست و هفت قانون اساسی در جهت حمایت از قیام مردم این دو کشور مسلمان را در روز دوشنبه ۲۵ بهمن ساعت ۳ بعدازظهر از میدان امام حسین تا میدان آزادی را داریم.

مهدی کروبی، میرحسین موسوی

گفتنی است پیش از این میرحسین موسوی در بیانیه‌ای حمایت قاطع خود را از جنبش آزادی‌خواهی منطقه اعلام کرده بود.

بسمه تعالی

۱۳۸۹/۱۱/۱۶

جناب آقای نجار
وزیر محترم کشور
سلام علیکم

بدینوسیله به اطلاع می رساند که به منظور اعلام همبستگی با حرکت های مردمی در منطقه بویژه قیام آزادیخواهانه مردم تونس و مصر بر علیه حکومت استبدادی در کشور، درخواست صدور مجوز برای دعوت به راهپیمایی مردمی طبق اصل بیست و هفت قانون اساسی در جهت حمایت از قیام مردم این دو کشور مسلمان را در روز دوشنبه ۲۵ بهمن ساعت ۳ بعدازظهر از میدان امام حسین تا میدان آزادی را داریم.

مهدی کروبی
میرحسین موسوی

سبزها رسانه ندارند. با تکثیر و پخش این خبرنامه به انتشار خبرها کمک کنید. هر ایرانی یک رسانه است.

بنی الاسلام علی الکلمتین
کلمة التوحید و توحید الکلمة
کلمه
WWW.KALEME.COM
روزنامه کلمه، ویژه‌نامهٔ بیانیهٔ میرحسین موسوی و مهدی کروبی
به مناسب سالگرد پیروزی انقلاب
چهارشنبه، ۲۰ بهمن ۱۳۸۹
شمارگان: ما بیشماریم

شرایط سیاسی کشور چیزی از مناسبات شاهنشاهی کم ندارد

بیانیهٔ میرحسین موسوی و مهدی کروبی به مناسبت سالگرد پیروزی انقلاب

بسم الله الرحمن الرحیم

* و العصر * ان الانسان لفی خسر * الا الذین آمنوا و عملوا الصالحات و تواصوا بالحق و تواصوا بالصبر.

در آستانه سی و دومین سالگرد انقلاب اسلامی ایران هستیم، انقلابی که جلوه درخشان تعیین سرنوشت مردم ما به دست خودشان بود و برای یکایک ما ایرانیان، شناخت و بازشناخت این حادثه بزرگ و مهم تاریخی، اهمیت بسیار دارد. شاید از آن رو که شناخت هویت تاریخی هر ملت، در تعیین راه آیندهٔ آن مؤثر است، شاید از آن رو که این روزها از خود می پرسند که راه طی شده تا چه اندازه صحیح بوده، و شاید هم از آن رو که بیش از هر زمان دیگر، شاهد تلاش برای تحریف این تاریخ هستیم.

آنچه در آن روزها شاهد بودیم، نه یک جابجایی قدرت سیاسی صرف، که ورود یک گفتمان نو و خروج یک گفتمان کهنه بود: گفتمان کهنه ای که می انگاشت که با بستن همه راه ها به روی اصلاح تدریجی حکومت و جامعه، با کودتایی متکی بر بیگانگان سلطه جو و غفلت دلسوختگان این مرز و بوم، با در بند کردن فوج فوج آزادیخواهان، با اعمال سانسور بر مطبوعات، با سرازیر کردن درآمد نفتی سرشار به جیب منفعت جویان شریک در قدرت، با تا دندان مسلح شدن به سلاح های ریز و درشت، با به کارگیری ماشین تبلیغاتی پر سر و صدا، با توهم ایفای نقشی بزرگ در تحولات منطقه وجهان، با هیچ خواندن مخالفان و منتقدان و همه خواندن خود و هم سفرگان، با نماد فره ایزدی انگاشتن قدرت فاقد اقتدار ناشی از رضایت مردم، ماندنی است.

اما گفتمان نوین پس از کودتای شوم ۲۸ مرداد از همان فردای سال ۴۱ متولد شد ،بازنگری به کارنامه گذشته و به دنبال آن، جستجو برای یافتن راه رهایی از استبدادی که با پشتوانه استعمار بر کشور یکه تازی می کرد، آغاز شد. در کنار آنانی که از هر گونه تغییر مأیوس و نا امید بودند، در کنار آنانی که مصلحت اندیشی را به گونه ای تفسیر کردند که عافیت طلبی شخصی آنان را توجیه کند، در کنار آنانی که رعب پوشالی حکومت کودتا هر گونه حرکت را از آنان سلب کرده بود، چه بسیار کسانی هم بودند که دست از تلاش برنداشتند، چرا که باور داشتند زندگی کردن، صرفا به معنای زنده ماندن نیست. می دانستند که ملت های دیگر برای رسیدن به آزادی، عدالت ، استقلال و پیشرفت، راهی بس دراز پیموده اند و تلاش برای دستیابی به جامعه ای که از چنین نعمت هایی برخوردار باشد، خود، عین زندگی است. چنین بود که هنگامی که خواسته های خود را در گفتار رهبری استوار چون امام خمینی (ره) یافتند که در این راه مصمم گام نهاده بود، با او همراه شدند و بساط ظلم و جور را برچیدند. با تجربه ای که از گذشته به دست آمده بود، از همان فردای پیروزی، دغدغه حراست و مراقبت از این دستاورد بزرگ در دل زن و مرد و پیر و جوان به جنبش درآمد تا مبادا کودتایی دیگر، تجاوز نظامی، و مهم تر از همه، انحراف از آرمان های انقلاب اسلامی، این نهال تازه رسته را در هم شکند.

درس هایی که از آن واقعه و سالیان پس از آن فراگرفته شد، موجب شد که مردم ما بارها عزم خود را برای جلوگیری از انحراف از راهی که می توانست آنها را به سرمنزل مقصود برساند به نمایش بگذارند. مشارکت گسترده در دفاع از میهن در مقابل دشمن متجاوز، تلاش های ستایش برانگیز در رونق اقتصاد ملی، کوشش برای انجام اصلاحات گسترده در عرصه های گوناگون و حضور آگاهانه در عرصهٔ انتخابات، تبلور این احساس مسئولیت ملی است که مردم ما را اینگونه در صف مقدم تحولات فکری و اجتماعی چند دههٔ اخیر منطقه قرار داده است.

گفتمان نو باید با دیده بانی مستمر، خود را با نیازهای نو سازگار می کرد و نوشوندگی خود را پاس می داشت که بارزترین و غیرقابل‌انکارترین ویژگی آن، جهت گیری در مقابل باز تولید مناسبات استبدادی و شاهنشاهی بود.یادمان هست که بزرگترین دغدغه خبرگان قانون اساسی جستن راه هایی بود که جلوی ظهور استبداد و خود رایی و دیکتاتوری را به هر شکل و شمایل بگیرد و قانون اساسی در شرایطی نوشته شد که بیرون از مجلس خبرگان، مردم در خیابانها شعار میدادند «برابری، برادری، حکومت عدل علی».

درکتاب« پیکار صفین، نصرابن مزاحم» که شاید قدیمی‌ترین کتاب روایی– تاریخی در مورد جنگ صفین باشد، آمده است که بعد از استقرارحضرت امیر (ع) در کوفه، ایشان مسافرتی به مناطق فارس نشین و ایرانی در نزدیکی کوفه می کنند و در یک آبادی از مردم در مورد شاهان ایرانی سوال می کنند. بزرگ روستا می‌گوید:« در سنت شاهان ایرانی چیزهایی بود به نفع رعیت و چیزهایی بود به نفع پادشاه، تا این که خسروپرویز آمد و هرچه به نفع رعیت بود منسوخ کرد و هرچه به نفع پادشاه بود نگاه داشت و این موجب اضمحلال پادشاهی آنان شد.»

این روایت، دقیقا فضای روحی و سیاسی کشور در دهه اول انقلاب فارغ از ضعف ها و خودسری هایی که دامنگیر هر انقلابی در آغاز آن می شد را تشکیل می داد: مردمی که انقلاب کردند قصدشان این بود که آن مناسبات رابا الگو گرفتن از حکومت عدل علی از بین ببرند.

آیا دردناک نیست که بعد از گذشت بیش از سی سال از انقلاب، دوباره دغدغه مردم مواجهه با باز تولید همان مناسبات پادشاهی و این بار به نام دین باشد؟ در شرایطی هستیم که هر چیزی از حقوق مردم در قانون اساسی و آرمان‌های انقلاب بود زیرپا گذاشته شده، فصل سوم قانون اساسی، یعنی حقوق ملت، در پرانتز قرار گرفته و آنچه به نفع حاکمان بوده است به صورت اغراق‌آمیز و چند برابر به اجرا درآمده و تبعیت بی چون و چرا از قدرت، رنگ قدسی و آسمانی به خود گرفته و عدم سوال از قدرت فضیلت شده وهر صدای منتقد و متعارض با شبیه سازی های مضحک، به خارجی بودن و همدستی با بیگانه و صهیونیسم و نفاق متهم

گردیده است، تآ انجا که امروز شرایط سیاسی کشور ازخطر بازتولید مناسبات شاهنشاهی، جز موروثی بودن حکومت چیزی کم ندارد.

آری انتخابات سال ۸۸ جلوه ای از این احساس مسئولیت همگانی در مقابل خطرات بود. مردمی که احساس خطر می کردند، مردمی که از مدیریت ناتوان دستگاه اداره کشور ناامید شده بودند، مردمی که از دروغ به تنگ آمده بودند، مردمی که احساس می کردند برای پیشرفت کشور به دگرگونی های فراگیرتر و بنیادی تر نیازمندند، به میدان آمدند و چه بسیار کسانی که سال ها بود در انتخابات شرکت نمی کردند و این بار قفل سکوت خود را شکستند و چه بسیار کسانی که پا را از رقابت های سیاسی رایج فراتر نهادند و برای ایجاد تحولی بزرگ همنوا گشتند.

دریغا که آنچه بر سر نتایج انتخابات آمد و آنچه در پی شبه کودتای اقتدارگرایان رخ داد، حق اساسی تعیین سرنوشت ملت به دست خویش را خدشه دار کرد. اما دستگیری معترضان، ضرب و شتم آنان در خیابان ها، کشته شدن عده زیادی از جوانان و زنان و مردان در خیابان ها و بازداشتگاه ها، فجایع کوی دانشگاه و کهریزک،حمله به بیوت و دفاتر مراجع تقلید، به راه انداختن تجمعات اتوبوسی و نمایشی، هجمه تبلیغاتی یک سویه مملو از دروغ و افترا، سرکوب کارگران و معلمان و جنبش زنان و دانشجویان و استادان، راه اندازی کارناوال های شرم آور و مانورهای امنیتی با هدف ایجاد رعب، تلاش مستمر برای انحراف افکار عمومی به سمت مسائل فرعی و انحرافی، برخورد غیراخلاقی با خانواده های شهدا و زندانیان، واعلام مرگ جنبش سبز در مناسبت های متوالی، هیچ یک نتوانسته است اقتدارگرایان را از چالش بزرگ حاصل از بی اعتمادی مردم به دولت نجات دهد، همچنان که نتوانسته خواسته های برحق مردم برای برخورداری از حقوق شهروندی مصرح در قانون اساسی را به دست فراموشی بسپارد.

در طول این ماه ها، تحولات مهمی رخ داده است که توجه هر ناظر آگاهی را جلب می کند. بسیاری از کسانی که در ارگان های نظامی و انتظامی و امنیتی شاغل بودند نتوانستند سوابق جبهه و فداکاری هایشان برای حفظ مرزها و امنیت کشور را به سرکوب و ضرب و شتم مردم بی گناه بفروشند . برخی از روی تقیه ویا اطلاعات ناکافی و برخی از افراد ساده که بر اثر تبلیغات دولتی گمان می کردند که معترضان، ایمان دینی شان را نشانه رفته اند به تدریج متوجه شدند که چنین نیست. بسیاری از کسانی که فکر می کردند جنبش اعتراضی مردم از توطئه های قدرت های سلطه جوی بیگانه یا خشونت ورزانی که در بحبوحه جنگ به دامان دشمن پناه آورده و به خدمتش کمر بسته بودند سرچشمه می گیرد، فهمیدند که این ترفندی برای بدنام ساختن منتقدان و موجه ساختن اعمال غیرانسانی اقتدارگرایان بیش نیست.

وما دور نمی بینیم آنانی که بصورت واقعاً اصولی دغدغهٔ منافع ملی و ارزشهای اسلامی را دارند در کنار همه ملت (یا به تعبیر مستبدین «خس و خاشاک») قرار گیرند و صف خود را از زیاده خواهان ودست اندازان به حقوق و بیت المال ملت جدا سازند. ما بویژه اعتقاد داریم که در نهایت، بسیج و سپاه و نیروهای نظامی، ملت خود را تنها نخواهند گذاشت.

در طول سال های اخیر و بویژه دو سال گذشته، گفتمانی نو متولد شده و هیچ چیز نمی تواند مانع رشد آن شود. گفتمانی که فساد را تحمل نمیکند و با وعدهٔ آوردن نفت بر سر سفره مردم، یکشبه قیمت نان وسوخت و برق و گاز را چند برابر نمی سازد. گفتمانی که به حفظ نیروی کار کشور ایمان دارد و منابع و تولیدملی را با تحویل بازار ملی به واردات خارجی ویران نمی سازد .گفتمانی که عزت کارگر و کار آفرین را میخواهد نه ذلت آنها را. گفتمانی که اعتیاد و دزدی و طلاق را نتیجه سی در صد بیکاری جوانان می داند و در نتیجه اجازه نمی دهد مشکل جرم و جنایت با بر پا کردن چوبه های دار و قساوتی تاریخی حل شود و به بهانه جنایت و خیانت گروهی اندک، دور جدید تواب سازی و اعتراف گیری و شکنجه در محبس ها راه بیفتد. (به راستی شمایانی که هر روز و ساعت سنگ اسلام و معنویت را بر سینه میزنید، چند زن را میتوانید نشان دهید که در صدر اسلام اعدام شده باشند؟!) گفتمانی که از رأی مردم نمی ترسد واز رجوع به قانون اساسی نمی هراسد. گفتمانی که نه در شعار وهیئت ماکیاولیستی بلکه در عمل بدنبال وحدت اسلامی ونزدیکی مذاهب اسلامی به یکدیگر است و میلیونها شهروند ایرانی را تحت عنوان سنی و درویش و اهل حق و نام های دیگر ازخودنمی راند.

آری امروز گفتمانی تازه متولد شده است. گفتمانی که شهدای آن، پیشقراولان و دربندشدگانش پرچم داران آن هستند. گفتمانی که خشونت را طرد می کند و راه تغییر را از طرق مسالمت آمیز جستجو می کند. گفتمانی که پاسخ دروغ و نهمت و ناسزا را با راستی و حقیقت و ادب می دهد. گفتمانی که چشم امیدی به بازی های پنهانی قدرت های جهانی ندارد و راه حل شفاف ملی را تنها راه تحول به سوی اصلاح امور می داند. گفتمانی که خودی را ناخودی نمی کند بلکه سعی در خودی کردن ناخودی ها دارد. گفتمانی که چندصدایی را به رسمیت می شناسد و اتحاد ملی را نه در سکوت گورستانی که در تمسک به عقلانیت جمعی می جوید. گفتمانی که مردم را نسبت به آنچه در کشور می گذرد نامحرم نمی شناسد و گسترش آگاهی ها به میان همهٔ اقشار و گوشه کنار این مرز بوم را وجه همت خویش قرار داده است. گفتمانی که با گسترش و تقویت شبکه های اجتماعی، افراد را گرد هم می آورد و فضای مدنی را توسعه می دهد. گفتمانی که سرمشق بسیاری از حرکت های آزادیخواهانهٔ دیگر شده است. گفتمانی که خطاهای گذشته را نقد می کند اما دستاوردهای روشن آن را نفی نمی کند. گفتمانی که عدالت را نه در اقتصاد صدقه ای، بلکه در ایجاد فرصت های برابر و توانمندسازی محرومان می داند. گفتمانی که بجای انتشار کینه و انتقامجویی در میان فقیر و غنی، روستایی و شهری، اقوام، ادیان و مذاهب، به نهادینه کردن مدارا و مفاهمه و گذشت می پردازد. گفتمانی که درصدد پایان دادن به اوباش سالاری و حاکمیت نهادینهٔ شایسته سالاری است تا در پرتو آن، شکوفایی و رشد استعدادها در میان ایرانیان، زمینه ساز ارتقای این سرزمین به جایگاهی که شایستهٔ آن است، شود.

گفتمانی که بدنبال یافتن منجیان قهرمان نیست بلکه می خواهد هر ایرانی در نجات کشورش سهیم باشد. گفتمانی که به تعداد معتقدانش رهبر دارد. گفتمانی که می داند حفظ نظام یعنی حفظ ارزش هایی که نظام برای آن بوجود آمده، نه حفظ اشخاص در مناصب قدرت. گفتمانی که چرخش قدرت و پاسخگویی به مردم و برابری همه در قبال قانون را ضامن سلامت و زمینه ساز پیشرفت می شمرد. گفتمانی که اسلامیت و جمهوریت نظام و حاکمیت مردم سالاری بر همه شئونات کشور را تنها راه سعادت مردم می داند.

گفتمانی که در آن، تصمیمات و مصلحت بینی های شخصی جای خود را به عقلانیت جمعی می دهد. گفتمانی که با ایمان به خدایی که تعالی انسان را می خواهد، حق خواهی، و با استعانت از کردار نیکو، صبر و استقامت، راه امید را می پیماید و به پایندگی حق و زوال باطل یقین دارد.

امروز حاکمیت در ورای ایجاد این نگرانی که اگر او نباشد دین از بین می‌رود سنگر گرفته است و مرتبا با این اعلام خطر سعی می کند اقشار مذهبی را در پشت سر خود بسیج و منسجم کند، حال آن که در واقعیت، آن چیزی که بیشترین لطمه را به فضای دینی جامعه زده است رفتارهای ستمکارانه و ضددینی خود حاکمیت است. پایه‌های همه ادیان الهی در فطرت انسان ها قرار دارد و اگر اسلام پس از چهارده قرن باقی مانده است علتش مستحکم بودن پایه‌های فطری آن است، تا جایی که حتی ورود مغول واقدامات پهلوی اول نتوانست آن را از بین ببرد.

و این دین از ما خواسته است که به افراد ستمکار متمایل نشویم که در این صورت از کمک خداوند محروم خواهیم شد: «و لا ترکنوا الی الذین ظلموا فتمسکم النار و ما لکم من دون الله اولیاء ثم لا تنصرون»، و به کسانی که ستم کرده‌اند میل نکنید که آتش شما را لمس خواهد کرد، و شما را سرپرستی جز خداوند نیست، سپس دیگر به شما یاری نخواهد شد.

در آستانه سی و دومین سال پیروزی انقلاب اسلامی، به عنوان دو همراه کوچک به شما حاملان بی شمار گفتمان جدید درود م یفرستیم و از خداوند متعال میخواهیم همه ما را از یاران مظلومان و دشمنان ظالمان قرار دهد.

وما النصر الا من عند الله العزیز الحکیم

مهدی کروبی – میرحسین موسوی

کلمه

مبنی الاسلام علی الکلمتین
کلمة التوحید و توحید الکلمة

روزنامه کلمه، شمارهٔ چهل و پنجم
شنبه، ۲۳ بهمن ۱۳۸۹، شمارگان: ما بیشماریم

WWW.KALEME.COM

ملت ما به انقلاب عظیم مردم شجاع تونس و قیام حق طلبانهٔ مردم مصر و یمن و دیگر کشورهای منطقه احترام می‌گذارد. ما به همهٔ مردم دلیر و آگاه و مبارز مصر و تونس و اردن و یمن درود می‌فرستیم و از خداوند منان پیروزی آنان را در مبارزات حق‌طلبانه‌شان آرزو می‌کنیم.

میرحسین موسوی

سرمقاله

الله اکبر ...

الله اکبر یعنی خدا بزرگترین است. الله اکبر یعنی خدا از هر فرعونی که کوس «انا ربکم الاعلی» سر دهد قوی‌تر است. یعنی دست خدا بالای همه دست‌هاست. یعنی دست او همراه دست مردم است. الله اکبر یعنی خدا درست همانجایی است که دل مظلومی شکسته است. اللهاکبر یعنی خدا اگر بخواهد آه یک جوان دست فروش تونسی، دو دیکتاتور مستبد را خواهد گرفت. الله اکبر یعنی خدا از هر سپاه تا بن دندان مسلحی بزرگتراست. الله اکبر یعنی هنوز و همیشه می‌توان به فردا و فرداهای روشن امید داشت. چرا که هر قدرتی در برابر اقتدار الهی ناچیز است. الله اکبر یعنی آزادی را و عدالت را تنها باید از او خواست و به نام او قدم برداشت و پیروزی را از او خواست.

آری الله اکبر یعنی: الملک یبقی مع الکفر و لایبقی مع الظلم

باز هم «کرامت انسان» بر «احساس بی‌قدرتی» پیروز شد. یک دیکتاتور دیگر در برابر «خواست مردم» زانو زد و یک «رئیس جمهور اسمی»، در برابر «ارادهٔ جمهور» بی اعتبار شد. باز هم یک «ملت» آزادیخواه یک «دولت» اقتدارطلب را برکنارکرد و سرانجام حکم یک «پارلمان مردمی» بر تمام «اجزای حاکمیت» واجب آمد و «روحی تازه» به کالبد قانون دمیده شد.

جنبش مصر، تنها پس از ۱۸ روز مقاومت جشن پیروزی گرفت. حسنی مبارک رئیس جمهور مصر رسماً از قدرت کناره گرفت و قدرت را به صاحبان اصلی آن بازگرداند.

جنبش مصر، «مشق مقاومت» را از جنبش تونس آموخت اما دیکتاتور مصر نه تنها از دیکتاتور تونس درسی نگرفت، بلکه باور نداشت که «نیمی» از توان او را هم برای مقاومت ندارد. گویی رسم زمانه این است: «هر بار» مقاومت مردم بیشتر می‌شود و سقوط دیکتاتورها آسان‌تر و سریعتر...

کلمه به نوبهٔ خود این پیروزی را به مردم مصر و فعالان جنبش مصر تبریک می‌گوید و آرزو می‌کند که این جنبش در «دستیابی و نگهداری آرمان‌ها و خواستهٔ بنیادین خود»، همچنان «بر دوام» و استوار باقی بماند و تا استقرار کامل «حکومت قانون»، گام‌های بعدی را همچنان «بدور از خشونت» بردارد.

پیش از بستری شدن در بیمارستان فرستاده شد

نامهٔ نرگس محمدی به دادستان تهران

در پی بازداشت مجدد تقی رحمانی، نویسنده، پژوهشگر و مشاور مهدی کروبی، همسر وی نرگس محمدی بنا به تشخیص پزشکان معالج، در بیمارستان بستری شد. وی قبل از بستری شدن در نامه‌ای به دادستان تهران نوشت:

بگذارید صادقانه بگویم دیشب وقتی مردان نامحرم ناشناس در مقابل من ایستاده بودند و مرا با سر و روی نامناسب می‌دیدند، احساس کردم در ایران نیستم. احساس کردم سرزمین مادری‌ام به تاراج رفته و من بی‌پناه در سرزمینی غریب و بیگانه‌ام. حال سؤال دارم از شمای مسئول و طلب پاسخ دارم: آیا زنان این سرزمین، بر مردان حکومت حلال شده‌اند؟ آیا ما زنان و مادران دیگر حرمتی در این سرزمین نداریم؟ آیا با وضع ظاهری درون خانه دیدن من، یک مادر، یک زن ۳۷ ساله در منزل شخصی و در شب هنگام توسط مردان ناشناس و نامحرم هیچ گناهی در پیشگاه خداوند متعال ندارد.

مجمع محققین و مدرسین حوزه علمیه قم: ملت ایران با شرکت در راهپیمایی‌های مستقل و غیردولتی به جمع حامیان قیام تونس و مصر بپیوندد

در ادامه حمایت جنبش سبز از آزادیخواهان معترض درمصر و تونس، مجمع مدرسین و محققین حوزه علمیه قم با صدور بیانیه ای ضمن تاکید بر اینکه "انقلاب تونس و مصر اراده ملی برای تغییر، اراده زندگی و اراده پیوند دین و مردمسالاری است"، خاطرنشان ساخت "آینده جهان اسلام به نتایج انقلاب تونس و بویژه مصر، گره خورده است." این مجمع ابراز امیدواری کرد ملت آزادیخواه ایران نیز بویژه در قالب راهپیمایی های مستقل، مردمی و غیر دولتی به جمع حامیان این بیداری اسلامی در سراسر جهان بپیوند.

در قسمت دیگری از بیانیه آمده است:

این موج جدید مردمسالاری، البته تهدیدی بر هردو نیروی استبداد و استعمار در منطقه است. درست به همین دلیل است که استعمارگران سعی در برجسته کردن خطر بنیادگرایی دارند و جهانیان را از رشد رادیکالیسم مذهبی می ترسانند، و در مقابل، مستبدان و افراط گرایان مذهبی نیز صرفاً چهره ضد استعماری این قیام ها را برجسته می کنند. غافل از این که استبداد و استعمار، در هرکجا و هر زمان، دو روی یک سکه اند؛ باهم می آیند و باهم می روند؛ هردو به یکسان عامل فساد و تحقیر و ظلم و خیانتند.

انقلاب تونس و مصر اراده ملی برای تغییر، اراده زندگی و اراده پیوند دین و مردمسالاری است. مردم تونس شعر شاعر جوان خود را به شعار اصلی خود بدل نمودند و همصدا با ابوالقاسم شابی (۱۹۳۴ـ ۱۹۰۹) قصیده زندگی سرودند که؛ هرگاه ملتی عزم زندگی کند سرنوشت ناگزیراست خواسته او را اجابت کند

وبرشب است که به صبح انجامد وبر زنجیراست که درهم شکند.

آری این سنت خداوند است که اراده و تغییر را لازم و ملزوم هم نهاده وهمو فرموده است؛ إ

إِنَّ اللهَ لا يُغَيِّرُ ما بِقَوْمٍ حَتّى يُغَيِّرُوا ما بِأَنْفُسِهِمْ (رعد۱۱)

انقلاب آفریقای مسلمان، اهمیت داخلی، منطقه ای و جهانی گسترده ای دارد؛ از یک سوی، کشورهای منطقه ساختار و شرایط سیاسی مشابه دارند و مطالعات تاریخی نشان می دهد که هر تحولی در یکی از این کشورها، کم و بیش،زنجیرهٔ تغییرات در دیگر کشورها را به همراه داشته است؛ از سوی دیگر، نمی توان از تأثیر این تحولات بر روابط اعراب و اسرائیل، و در نتیجه خاورمیانه و جهان غفلت کرد. از هم اکنون می توان نشانه های ضعف در امنیت ملی اسرائیل را مشاهده نمود.

بدین سان، آینده جهان اسلام به نتایج انقلاب تونس و بویژه مصر، گره خورده است. مصر اهمیت بسیاری دارد؛ به لحاظ سابقه تاریخی، فرهنگی و سیاسی، قطب تأثیر گذار جهان اسلام است. به همین دلیل است که برخی تحلیلگران انتفاضه مصر را چونان فروپاشی دیوار برلین، پایان نظام های دیکتاتوری، و آغاز تغییرات دموکراتیک و بومی در منطقه و جهان اسلام می دانند. آری، تحولات قاهره، استعداد آن را دارد که به تولید گفتمان دینی- سیاسی جدید در خاورمیانه بیانجامد و نظام های اقتدارگرای منطقه را به چالش با نسل جدید از مسلمانان آزادی طلب و دموکراسی خواه برانگیزد. این، اتفاق فرخنده ای است و برهمه ما وهرمسلمان اصلاح اندیشی است که آنرا پاس بدارد و ارج نهد.

مجمع مدرسین و محققین حوزه علمیه قم، ضمن سپاس خداوند در قبال این نعمت بیداری و قدرشناسی نسبت به قیام هردو ملت رشید تونس و مصر، حمایت قاطع خود را ازحرکت های آزادیخواهانه و اصلاح جویانه در تمام جغرافیای منطقه اعلام می دارد. همچنین، تأکید می کنیم که حمایت از مظلوم و اعتراض به ظالمان از مسلمات دستورات اسلام است؛ازپیامبرگرامی اسلام (ص) روایت شده است: «من اصبح ولم یهتم بامورالمسلمین فلیس بمسلم». دستورنورانی امیرمؤمنان علی بن ابیطالب (علیه‌السلام) نیزاین است که «کونواللظالم خصماًوللمظلوم عوناً؛ همواره خصم ظالم و حامی مظلوم باشید».

همین اعتقاد اسلامی است که مبنا و انگیزه راهپیمایی های مردمی در حمایت از انقلاب مصرو تونس در همه کشور های اسلامی است. مجمع مدرسین و محققین امیدوار است ملت آزادیخواه ایران نیز بویژه در قالب راهپیمایی های مستقل، مردمی و غیر دولتی به جمع حامیان این بیداری اسلامی در سراسر جهان بپیوندد.

آیت‌الله دستغیب: نه به قرآن و سنت عمل می‌شود و نه به قانون اساسی

آیت الله دستغیب مرجع تقلید مقیم شیراز در سخنانی با تاکید بر اینکه خبرگان باید ناظر بر رهبر باشند و انحرافات را به گوش او برسانند، از اینکه فضایی ایجاد شده که مراجع محاصره شده‌اند و نمی‌توانند حرف بزنند و در صورت انتقاد نیز مورد حمله و تهمت قرار می‌گیرند، انتقاد کرد و گفت: مرجع باید بتواند حرفش را بزند. او که نمی‌خواهد دنبال براندازی باشد؛ یا بخواهد خودش را جلو بیاندازد. احتیاجی ندارند که خودشان را جلو بیاندازند، اینها می‌خواهند حرفشان زده شود؛ نه اینکه دور برشان محاصره شود.

آیت‌الله دستغیب نسبت به غلبه فضای سرکوب و دروغ در جامعه هشدار داد و نارضایتی مراجع تقلید از وضعیت کشور را ناشی از این دانست که نه به قرآن و سنت عمل می‌شود و نه به قانون اساسی.

آیت‌الله دستغیب همچنین با دفاع قاطع از میرحسین موسوی، به سخنان مرحوم آیت‌الله نجابت – از اساتید بزرگ عرفان و اخلاق – درباره مظلومیت موسوی اشاره کرد و گفت: این بنده خدا نه پولی جمع کرده، نه دنبال ریاست است و نه می‌خواهد که عقده‌گشایی کند و نه حقارتی او را به جبّاریت واداشته است. خوب، دائم می‌گوید که هر کسی سر کار است به این قانون عمل کند. می‌گوید تهمت نزنید و دروغ نگویید. این عضو مجلس خبرگان رهبری همچنین افزود: اگر بنا هست که حرف حق گفته شود، باید ایشان را در جایی بیاورند آزادانه بتواند صحبت کند. البته بعد مصیبت برایش پیش نیاورند که بگویند تو این حرفها را زدی، پس ضد امنیت هستی و او را به زندان ببرند!.

اخبار کوتاه

دیدار رهنورد با مادر شهید کریم بیگی

زهرا رهنورد، استاد دانشگاه به دیدار خانواده مصطفی کریم بیگی، از شهدای حوادث عاشورای سال گذشته رفت. وی در این دیدار گفت: مقاومت مادر سلحشور این شهید ستودنی است و دیکتاتورها بدانند که این ظلم ها پایدار نخواهند ماند و قطره قطره خون شهدا از جمله مصطفی ها ،سهراب ها و نداها تمام منطقه را سیراب کرده و آزاد گی و رهایی از دیکتاتوری را فرا راه ملتها قرار داده است.

قطع کلیه ارتباطات مهدی کروبی

از صبح دیروز تمامی خطوط تلفن همراه و ثابت مهدی کروبی؛ همسر و فرزندان ایشان قطع گردیده است و هیچ اطلاعی از شرایط و وضعیت آقای کروبی در دست نیست.

زندانیان آزاد شده از اوین: در راهپیمایی ۲۵ بهمن شرکت می‌کنیم

جمعی از زندانیان آزاد شده از زندان اوین با صدور بیانیه ای از اعلام راهپیمایی روز ۲۵ بهمن ماه که توسط رهبران جنبش سبز به منظور حمایت از قیام های مردمی در مصر و تونس اعلام شده، حمایت کرده اند .این راهپیمایی ظهر روز دوشنبه ساعت ۳ بعد از ظهر از میدان امام حسین تا میدان آزادی برگزار می شود .

هدفمندسازی یارانه‌ها بیماران را فقیر می‌کند

خبر آنلاین نوشت: توجه به شرایط تورمی و اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها، حداقل دو میلیون ایرانی با روند کنونی هزینه‌های درمانی به زیر خط فقر می‌روند.

تفاوت ۲۲ بهمن ۵۷ با ۲۲ بهمن ۸۹

حسین زمان در مطلبی در وبلاگ خود نوشت: بزرگترین و خطرناک ترین خطا و گناهی که طی سالهای پس از پیروزی انقلاب صورت گرفته قدیس تراشی بوده و بهره گیری از دین و معنویت برای ساکت کردن نظرات مخالف . هر نگاه منتقد و هر عقیده معترض را رو در روی دین و خدا قرار داده شد و مهر الحاد بر آن خورد تا دیگر هیچ مخالفی بر خود حقی متصور نشود . این مرز بندی ها بود که به تدریج بین ۲۲ بهمن ۵۷ و ۲۲ بهمن ۸۹ فاصله ای عمیق انداخت .

امیر ارجمند: ۲۲ بهمن روزی ملی است

مشاور موسوی در واکنش به ادعاهای دادستان کل کشور گفت: بر عکس آنچه اژه ای و اقتدار گرایان ادعا می کنند؛ مصادره ی این روز ملی توسط یک جناح است که می تواند موجب جدا شدن صفوف مردم شود. وی همچنین درباره تهمت ها و توهین ها نیز گفت: از تهمت زنندگان توقعی نیست؛ آنها فرزند شهید بهشتی را هم متهم به ارتباط با قاتلین پدر خود کرده اند. آنها به جای پاسخ به مطالبات، شخصیت های سیاسی را تخریب می کنند.

روزنامه کلمه، ویژه‌نامهٔ راهپیمایی ۲۵ بهمن
سه‌شنبه، ۲۶ بهمن ۱۳۸۹
شمارگان: ما بیشماریم

بنی الاسلام علی الکلمتین
کلمة التوحید و توحید الکلمة

کلمه
WWW.KALEME.COM

یک سال تهمت و افترا بی‌فایده بود
مـــردم دوبـــاره آمـــدنـــد

کلمه –گروه اجتماعی: عقربه‌های ساعت، سه بعد از ظهر را نشان می‌دهد. میدان انقلاب تهران جای سوزن انداختن نیست. هنوز ساعات ابتدایی شروع تظاهرات روز دوشنبه ۲۵ بهمن ماه به منظور حمایت از جنبش‌های اعتراضی در کشورهای مصر و تونس است. جمعیت زیادی در این میدان گرد هم آمده‌اند. جمعیت قصد حرکت به سمت میدان آزادی را دارد نمادهای سبز رنگ و لباسهای سبز رنگ را در هر گوشه و کنار می‌توانی ببینی.

شعارهای غالب در روز ۲۵ بهمن

جمعیت معترض حرکت خود را از میدان انقلاب به سمت خیابان آزادی ادامه می‌دهد. گروه بزرگی از مردم به هم پیوسته‌اند و شعار «مرگ بر دیکتاتور» سر می‌دهند شعاری که به شعار غالب مردم در این روز تبدیل شد. صحنه به هم پیوستن مردم در وسط خیابان، نشانه‌های پیروزی که نشان می‌دهند، تا حدودی یاد آور تظاهرات ۲۵ خرداد در روزهای پس از انتخابات ۸۸ است. هرچند که برخی از همکاران آن را با عاشورای تهران و یا روز قدس نیز مقایسه می‌کنند.

شعارهای مردم در این روز، بدون اشاره به تحولات این روزهای کشورهای مصر و تونس نبود. آن‌ها فریاد می‌زدند: «مرگ بر دیکتاتور چه با موتور چه با ش‌تر.» مرگ بر دیکتاتور چه قاهره چه تهران، «ایرانی می‌میرد، ذلت نمی‌پذیرد.»

مردم همچنین بارها وبارها سرود یار دبستانی را خواندند.

آنها بارها «فریاد الله اکبر» و «زندانی سیاسی آزاد باید گردد» و «یا حسین میر حسین» را در این روز سر دادند. همچنین از نیروی انتظامی در خواست حمایت می‌کردند: «نیروی انتظامی حمایت، حمایت».

غافلگیری نیروهای گارد ویژه و افسردگی نیروهای امنیتی

از همان ابتدای حرکت مردم نیروهای گارد ویژه مستقر در میدان انقلاب با بلندگوی دستی به مردم هشدار می‌دادند که متفرق شوند و گرنه با آن‌ها برخورد خواهند کرد. اما دقیقه‌ها می‌گذشت و هر لحظه بر موج جمعیت افزوده می‌شد. خیلی از معترضان بر این نکته تاکید می‌کردند که نیروهای گارد ویژه از دیدن جمعیت زیاد مردم غافلگیر شده‌اند و سرعت عمل لازم را برای ایجاد ترس و رعبی که قصد دارند در دل مردم ایجاد و آن‌ها را متفرق کنند، ندارند.

جمعیت معترض به حوالی خیابان نواب رسیده که نیروهای گارد ویژه با ضربات باتوم به مردم حمله ور می‌شوند و مردم را به هر گوشه‌ای می‌رانند. قصد آن‌ها از این کار تنها متفرق کردن مردم و یکپارچه نشدن جمعیت است تا مردم نتوانند به میدان آزادی برسند. حضور نیروهای امنیتی و لباس شخصی نیز در این روز بسیار پر رنگ است، آن‌ها با چهره‌های افسرده مردم را تماشا می‌کردند و در بیسیم‌هایشان پچ پچ می‌کردند. اغلب مردم معتقد بودند که آن‌ها هرگز انتظار دیدن چنین جمعیتی را نداشته‌اند.

برخورد تا حدی مناسب نیروی انتظامی با مردم

هر چند ماموران نیروی انتظامی در هر چهار راه و نقطه شهر با باتوم‌هایشان ایستاده‌اند اما در سر کوب مردم نقش چندانی نداشتند و تنها با جملاتی مانند زودتر حرکت کنید به مردم فرمان حرکت می‌دادند. خیلی اوقات معترضان رو به آن‌ها انتقاد می‌کردند و یا حتی بر سرشان داد و فریاد می‌کردند که چرا بااین دولت مردم فریب همچنان همکاری می‌کنید؟ اما ماموران نیروی انتظامی برخورد خشنی با آن‌ها نمی‌کردند. در چند مورد حتی آن‌ها به مردم هشدار دادند که نیروهای گارد ویژه قصد حمله ور شدن به آن‌ها را دارند و بهتر است زودتر از آن منطقه دور شوند. هر چند در برخی نقاط تهران هم گزارش شده است که نیروی انتظامی نیز به ویژه در ساعات پایانی تظاهرات به مردم حمله ور شده‌اند.

حضور لباس شخصی‌ها، نیروهای بسیج و گارد ویژه ضد شورش

گلوله‌های پلاستیکی، شوکر و گاز فلفل

در این روز هم مانند دیگر تجمع‌های اعتراضی پس از انتخابات حضور نیروهای لباس شخصی، بسیج و گارد ویژه بسیار پررنگ است. نیروهای بسیج با چماق و سوار بر موتور و اغلب با پرچم‌هایی که در دست داشتند بین مردم حرکت می‌کنند و با چماق‌ها و شوکرهایی که در دست دارند، سعی بر متفرق کردن مردم دارند. استفاده از شوکر در این روز بین نیروهای بسیج برای متفرق کردن مردم بسیار زیاد است. و البته بچه های ده دوازده ساله ای که باتوم به دستشان داده بودند.

شلیک گلوله‌های رنگی (پین بال) هم یکی از روشهای رایج این روز برای متفرق کردن جمعیت بود گلوله‌های رنگی که معترضان را نشان دار و با صدایی که تولید می‌کند به منظور ایجاد رعب و وحشت به کار می‌رود. برخی از معترضان که در اتوبوس‌های شرکت واحد هم شعار می‌دادند توسط همین گلوله‌ها و شلیک به داخل اتوبوس‌ها مجبور به سکوت می‌شدند. ضربات باتوم در این روز بارها و بارها بر سر و روی معترضان فرود آمد.

کشاندن مردم به خیابان‌های فرعی و کوچه‌های بن بست

استراتژی اصلی نیروهای گارد ویژه امروز، ۲۵ بهمن، جلوگیر ی از اتصال مردم به یکدیگر بود، آن‌ها جمعیت معترض را که از سمت میدان انقلاب به سمت آزادی حرکت می‌کردند، بارها و بارها با همین شیوه و کشاندن به خیابانهای فرعی و شلیک گاز فلفل و اشک آور متفرق می‌کردند. مردم که به خیابانهای فرعی می‌رسیدند اغلب از شلیک گاز فلفل به سرفه امی افتادند و مجبور بودند در این کوچه‌ها آتش روشن کنند و یا سیگاری آتش بزنند تا از سوزش شدید چشم‌ها، گلو و پوست صورتشان جلوگیری کنند.

تعدادی از معترضان هم با در دست داشتن سرکه و بوییدن آن به مقابله با گاز اشک آور می‌رفتند و یا هرجور شده به یکدیگر کمک می‌کردند تا اثرات این گاز را هر چه کمتر کنند.

حضور همه اقشار در راه پیمایی ۲۵ بهمن

آنچه بیش از هر چیز در جمعیت معترضان جلب توجه می‌کرد، حضور همه گرو ه‌های سنی و طبقاتی بود. زنان و مردان مسن و می‌انسال در کنار جوانان در این راه پیمایی حاضر شده بودند. همچنین حضور زنان باز هم مثل دیگر تجمع‌های اعتراضی پس از انتخابات بسیار چشمگیر بود. زنان خانه دار زیادی را در جمعیت معترض می‌دیدی که با مهربانی‌های مادرانه از جوانان حمایت می‌کردند.

تعطیلی ایستگاه‌های مرکزی مترو

با اینکه ماموران امنیتی و گارد ویژه بارها به مردم می‌گفتند که نقاط مرکزی شهر را ترک کنند، اما ایستگاه‌های اصلی مترو بسته بودند و وقتی مردم به سمت ایستگاه‌های مترو می‌رفتند، با درهای بسته مواجه می‌شدند. یکی از ماموران امنیتی رو به مردم گفت «: شهرداری دستور بسته شدن مترو را داده است.» اما مردم معتقد بودند که ماموران امنیتی از ترس اینکه مردم در مترو هم به اعتراض ادامه داده و شعار سر دهند ایستگاه‌ها را تعطیل کرده‌اند.

تظاهرات نه فقط در انقلاب

با وجودی که میرحسین موسوی و مهدی کروبی در فراخوان خود مسیر تظاهرات ۲۵ بهمن را از میدان امام حسین تا ازادی اعلام کرده بودند امروز در چند منطقه دیگر از جمله میدان صادقیه، پونک و... تظاهرات گسترده‌ای برگزار شد. منابع موثق حضور مردم را بویژه در میدان صادقیه بسیار پرشمار ذکر کرده‌اند. مردم در این مناطق نیر علیه دیکتاتوری شعار دادند. در این مناطق نیز گارد ویژه مردم را مورد حمله قرار داد.

حاشیه‌ها

* برخی از مردم معترض می‌گفتند که از ساعت ۱۱ صبح در خیابان‌ها پرسه می‌زدند و منتظر برگزاری تظاهرات بوده‌اند.

* خیلی‌ها هم به شوخی در این روز می‌گفتند که باید خودمان را به میدان تحریر برسانیم که البته منظورشان همان میدان آزادی بود که به خاطر تحولات مهم مصر مدام به زبانشان می‌آمد. مردم مصر روزها در میدان تحریر این کشور دست به اعتراض زدند

*خیلی از معترضان از تجربه‌هایی که از شرکت در دیگر تجمع‌های اعتراضی به دست آورده بودند در این روز سخن می‌گفتند. در محدوده خیابان نواب یکی از معترضان روبه دیگران به شوخی گفت: می‌بینم کسی در این جمع نیست که حتی یک تجمع اعتراضی را هم از دست داده باشد.

* تعدادی از معترضان در این روز با موبایل‌ها یشان مدام در حال فیلم برداری و عکسبرداری بودند و دیگران هم مواظب بودند تا کسانی که فیلم می‌گیرند توسط نیروهای امنیتی دستگیر نشوند.

*استفاده از شال سبز، مچ بندهای سبز و نماد وی در میان معترضان همچنان رایج بود.

* تعداد زیادی از معترضان در این روز می‌گفتند که از روزها پیش برای این تظاهرات برنامه ریزی کرده‌اند.

* خیلی‌ها هم می‌گفتند دولت می‌گوید، جنبش سبز مرده است عجب مرده سرزنده‌ای می‌بینیم.

* بوق‌های ممتد از سوی معترضانی که سوار بر خودردوهای شخصیشان بودند، برای حمایت از دیگر معترضان که در خیابان بودند بارها بارها انجام شد.

* در این روز همچنین در خانه بسیاری از شهروندان به روی معترضان باز بود تا آنان هنگام خطر خود را به این خانه‌ها برسانند.

* تمامی تلفن‌های همراه در خیابان انقلاب حدفاصل میدان انقلاب تا آزادی و خیابان‌های منتهی به آن قطع شده بود.

* تجمع‌های پراکنده مردم در تهران تا ساعت نه شب نیز گزارش شده است.

* برخی از منابع از بازداشت چند ده نفر از معرتضان در خیابان‌های خبر داده‌اند.

*دانشجویان دانشگاههای تهران، امیرکبیر و شریف با تجمع در مقابل دانشگاه‌های خود به تظاهرات مردم در خیابان انقلاب پیوستند.

۲۵ خرداد تکرار شد، هرچند انقلاب را اشغال کردند و راه آزادی را بستند

کلمه – گروه سیاسی: روز بیست و پنجم بهمن‌ماه، رو به پایان است و یک شادی جمعی، یک امید مضاعف به آینده و یک تجدید عهد دوباره با راه سبز امید بود که پس از ۲۰ ماه، امروز بار دیگر زنده بودن خود را به همه‌ی کسانی که چشم دیدن حیات جنبش سبز را ندارند، ثابت کرد. اما هنوز کارهای نکرده‌ای هم باقی است.

بسیاری از کسانی که در راهپیمایی امروز حضور داشتند و همفکران سبزاندیش خود را در خیابان‌ها دیدند که چگونه با آرامش و روحیه‌ی عالی از کنار عزم آشکار نیروهای انتظامی و امنیتی برای سرکوب، عبور می‌کردند و سعی می‌کرد حتی برای یک قدم هم که شده، خود را به آزادی نزدیک‌تر کنند.

مسیر پرمعنا و نمادین خیابان انقلاب تا خیابان و میدان آزادی، امروز در میدان انقلاب به بن‌بست رسیده بود. هزاران هزار مامور موتورسوار و باتوم به دست، میدان انقلاب اسلامی را اشغال کرده بودند تا از راهی شدن سیل جمعیت به سمت آزادی جلوگیری کنند. همین بیان نمادین، برای اتفاقی که امروز در تهران افتاد، کافی است.

امروز در تهران ۲۵ خرداد تکرار شد. این توصیف را بسیاری از کسانی که در ساعات عصر روز ۲۵ بهمن در خیابان‌ها بودند، با هم تکرار می‌کردند. آنها جمعیتی را که می‌دیدند، با سومین روز پس از کودتای انتخاباتی ۱۳۸۸ مقایسه می‌کردند و بسیار شنیده می‌شد که به هم بگویند: اگر جلوی مردم را نمی‌گرفتند و می گذاشتند به آزادی برسند...

صدها هزار تهرانی و هزاران نفر در مشهد و شیراز و اصفهان و تبریز و کرمانشاه، امروز در خیابان‌ها نتیجه تنها و تنها یک هفته تلاش سبزها در تنگنای شدید رسانه‌ای برای تدارک راهپیمایی مسالمت‌آمیز را دیدند؛ گویی جنبش سبز بار دیگر «رسانه شمایید» را تجربه کرد.

حضور مردمی از طبقات و گروههای اجتماعی مختلف، به خصوص کارگران و اقشار مستضعف، و نیز افراد مسن یا بسیار جوان، از نکات مشهود در راهپیمایی امروز بود.

همچنین رفتار مدنی راهپیمایان و پرهیز گسترده از مقابله خشونت‌آمیز با رفتار خشن سرکوب‌گران در خیابان‌ها، پرهیز بسیاری از تظاهرکنندگان از شعار دادن و در پیش گرفتن رویه‌ی راهپیمایی سکوت توسط بسیاری از مردم به خصوص در ساعات ابتدایی راهپیمایی، از نشانه‌های آن بود که فضای عمومی جامعه تفاوت مهمی با ماههای ابتدایی پس از کودتای انتخاباتی نکرده و همان خواسته‌ها، اقبال اکثریت مردم را به دنبال دارد. از این رو می‌توان به صراحت، سخنان آن مقام نظامی را تایید کرد که جنبش سبز را آتش زیر خاکستر توصیف کرده بود.

اما اگر شادی و امید باقی‌مانده از این روز به یاد ماندنی بگذریم و بخواهیم از تجربه‌ی عاشورای ۸۸ هم درس بگیریم، یک ضرورت باقی می‌ماند که بدون آن، تجربه‌ی خوشایند ۲۵ بهمن ناقص می‌ماند.

این ضرورت چیزی جز همان ضرورتی نیست که در پیام میرحسین موسوی در آغاز ماه محرم به آن اشاره شده بود؛ ضرورت کار زینبی.

اکنون که راهپیمایی ۲۵ بهمن، با وجود سرکوب گسترده، به یک قدرت‌نمایی آشکار و غیر قابل انکار از سوی سبزها تبدیل شده، باید این سرمایه را حفظ کرد. راه حفظ این سرمایه‌ی بزرگ نیز ایفای رسالت زینبی است.

بخش خبری پر از دروغ صداوسیما (بیست و سی) دیشب با پخش فیلمها و تصاویری از آتش زدن چند سطل آشغال که کاملا با فضای حاکم بر راهپیمایی آرام و مسالمت‌آمیز متفاوت بود، ادعا کرد که فتنه‌گران باز شعارهای ضد نظام سر دادند، به امام راحل اهانت کردند! و در نهایت هم فیلمی از تظاهرات چند ده نفر علیه راهپیمایی امروز را پخش کرد که فیلمبردار آن، عامدانه حضور نیروهای نظامی و ضدشورش در حمایت از این گروه را خارج از کادر قرار داده بود.

این رسانه‌ها تصاویر و فیلمهای اعتراضات در الجزایر، یمن و بحرین را در حالی پخش کردند که در ایران، نه تنها هیچ‌کسی غیر از نیروهای اطلاعاتی حق فیلمبرداری از اعتراضات خیابانی را ندارد، بلکه فیلمبرداری با موبایل‌ها و دوربین‌های کوچک شخصی نیز با برخوردهای شدید و خشونت‌آمیز ماموران مواجه می‌شود و حتی کسی حق عکس گرفتن از رفتارهای غیر انسانی برخی ماموران لباس شخصی هم ندارد.

به نظر می‌رسد که رسانه‌های دروغ و فریب باز هم قصد دارند واقعیت را تحریف کنند و صحنه‌های زیبایی را که هزاران هزار ایرانی سبز هم دیدند و هم در خلق ان حضور داشتند، قلب کنند و وارونه جلوه دهند.

سبزها خود می‌دانند که در برابر موج فریبکاری‌های ساعت‌ها و روزهای آینده، چه باید بکنند. رسالت زینبی، وظیفه‌ی آگاهی‌بخشی و لزوم مقابله با دروغ‌پردازی‌های در دستور کار رسانه‌های وابسته به دولت، تعطیلی‌بردار نیست و شکوه ۲۵ بهمن را تنها با تثبیت تصویر واقعی آن در افکار عمومی می‌توان تکمیل کرد و نیز تا رسیدن به عدالت و آزادی ادامه داد. چنین باد.

کلمه

بنی الاسلام علی الکلمتین کلمة التوحید و توحید الکلمة

WWW.KALEME.COM

روزنامه کلمه ، ویژه نامه هفتم شهیدان ۲۵ بهمن و فراخوان اول اسفند ۸۹ شنبه ،

برای ادامه راه دشوار آزادی و کرامت انسان، به نشانه اعلام همبستگی با هموطنـــان کـــرد در پاسداشت خون این دو عزیز ایرانی شیعـــه و سنـــی است که به پای مبارزه با استبداد دینی بر زمین ریخت . قرار ما : همه با هـــــم : یکم اسفنـــد ۱۳۸۹ ، ساعت ۳ بعداز ظهر، سراســر کشــور

اول اسفند
20 February

بەشێ لە نامەی دۆستانی شەهید سانیێع ژالّە بو باوکی

یەکێک لە دۆستان و هاوشاریەکانی شەهید سانیێع ژالّە لە نامەیەکدا، چیند پێشنیاری جوانی ئاراستەی بەرپرسان و هەموو خەڵکی ئێران کردووە و وێڕای سەلماندنی ئەوەی کە هەواڵەکانی بڵاوکراوەی بەشی ۲۰:۳۰ گشت هەواڵەکانی دەزگای دەنگ و ڕەنگی کۆماری ئیسلامی سەبارەت بەو شەهیدە فێڵ و درۆ بووە، داوای کردووە خەڵک بە ڕێکەوت بە تەلەفون زەنگ بۆ هەر مالێک لە شاری پاوەدا بدەن و بڵێن کە هەموو پاوەییەکی بەشەڕەف و موسوڵمان، ئەو ڕاستیە دەزانێ کە شەهید ژالّە لاوێکی ئازادیخواز بووە نەک بەسیجی و لایەنگری کۆماری ئیسلامی.

ئەمەش بەشێک لە نامەکەیەتی کە بۆ باوکی شەهید ژالّە و بۆ هەموو مرۆڤێکی بە ویژدان ئاراستە کراوە.

کاک قاور! ئەمشەو بەشی هەواڵەکانی ۲۰:۳۰ بە شێوەیەکی پڕ لە مەکر و فێڵ و درۆ هەواڵی شیهادەتی کوڕەکەی تۆی بڵاو کردەوەو قسەکانی هەمان زینەی بەناوبانگی پاوەی لە جیاتی قسەی تۆ بڵاو کردەوە و هێندە ی بی شیرەف بوو کە لە جیاتی تۆ کەسێکیتری بە ناوی باوکی شەهید ژالّە ناساند بۆ ئەوەی خوێنی کوڕەکەت بکەن بە مۆڵکی خۆیان. ڕەنگە شەهیدە قارەمانەکەمان لە قیامەتدا ئەو کەسە ببەخشێ وا گوللەی ڕەوانەی جەستەی نازداری ئەو کرد، بەڵام قەت ئەو درۆزن و بێ ویژدانانە نابەخشێ کە ئەیانەوێ شەهیدێکی ڕێگای ئازادی بکەن بە کوژراوی ڕێگای پاراستنی ڕێبەر و نیزام.

کاکە قاور ! بێ گومان تۆ باشتر لە گشت کەسێک کوڕەکەت دەزانی و دەیان جار شێوەرە ئازادی خوازانەکانی شێرکۆ بێکەست لە دەستی ئەودا بینیوە. مەحێڵە خوێنی کوڕەکەت پامالّ بێت و ڕۆژێ سەدجار لە دەم و دەزگای درۆی سەداوسیما و ڕۆژنامەکانی سەر بە حکوومەتدا دیسان بیکوژن. تۆ باشتر لە هەموو کەسێک لە قسەکانی من و نووسراوەکانی من تێ دەگەیت .تۆ چاکتر لە هەموو کەسێک ئەو خائینە دەناسی وا لە تەلەویزیۆنەدا خۆی لە جیاتی تۆ ناساند.

چاک دەزانم ئێستا یان هەرشەت لێ دەکەن یان خام و فامیل وەکوو ڕیش سپی دەنێرنە ماڵەکەت بۆ ئەوەی دەنگ نەکەیت و ڕاستی نەڵێی. بەڵام خوێنی کوڕی تۆ و شیهیدی ئێمە سوورتر و پیرۆزتر لەوەیە کە لە لایەن درۆزن و بێ شیرەف و خۆفرۆشەکانەوە مامەڵەی لە سەر بکرێت. تۆ باش دەزانی ئەو ڕۆژە بۆ چی کوڕەکەت چووبوە خیابانو هاواری گەڕووی ئەو و جەوانانی ئازادی خواز لە بەر چی بوو.هەموو ڕاستیەکان بدرکێنە با حەقیقەتی ئەو شەهیدە هەت هەتایە لە زەین و مێشکی هەمواندا بمێنێتەوە. دوور نییە ئەو ڕۆژە کە خەڵکی پاوە لە جیاتی مەیدانی بەناوبانگی پاوە ناوی مەیدانی شەهید ژالّە بێننە زمان.

کاکە قاور ! مەحێڵە خوێنی کوڕەکەت پامالّ بێت و ڕۆژێ سەدجار لە دەم و دەزگای درۆی سەداوسیما و ڕۆژنامەکانی سەر بە حکوومەتدا دیسان بیکوژن

بیانیه شماره ۲ شورای هماهنگی راه سبز امید

فراخوان بزرگداشت روز هفتم شهدای ۲۵ بهمن

شورای هماهنگی راه سبز امید باصدور بیانیه ای از مردم ایران دعوت کرد روز یکشنبه، اول اسفندماه، به منظور هفتمین روز شهادت دو شهید تظاهرات ۲۵ بهمن و همچنین بزرگداشت یاد و خاطره سایر شهدای جنبش سبز،در تجمع های تهران و شهرستان شرکت کنند.

متن کامل بیانیه‌شورای هماهنگی راه سبز امید به این شرح است:

با عرض تسلیت به مناسبت شهادت دو تن از جوانان مظلوم این مرز و بوم درتظاهرات ۲۵ بهمن و با گرامیداشت خاطره دهها شهید جنبش سبز، از ملت بزرگوار ایران دعوت می شود تا در تجمعات بزرگداشت هفتمین روز شهادت این عزیزان **که روز یکشنبه اول اسفندماه ۸۹، ساعت ۳ عصر در تهران و شهرستانهای سراسر کشور** برگزار می شود، حضور به هم رسانند.

این حضور پرشکوه در آستانه میلاد مسعود پیامبر رحمت حضرت محمد بن عبدالله(ص) و امام جعفر صادق (ع)، علاوه بر حمایت قاطع از مواضع رهبران جنبش آقایان میر حسین موسوی و مهدی کروبی برای ادامه راه دشوار آزادی و کرامت انسان، **نشانه اعلام همبستگی با هموطنان کرد در پاسداشت خون این دو عزیز ایرانی شیعه و سنی** است که به پای مبارزه با استبداد دینی بر زمین ریخت.

شورای هماهنگی راه سبز امید
۲۸ بهمن ۱۳۸۹

بەیانی ژمارە ۲ ی لێژنەی هاوئاهەنگی ڕێگای سەوزی ئومێد

بانگهێشتی بۆنەی حەوتەمی شەهیدانی ۲۵ی ڕێبەندان

وێڕای سەرەخۆشی بە بۆنەی شەهادەتی دوو لاوی قارەمانی وڵات لە خۆپیشاندانەکانی ۲۵ی ڕێبەندان و بە یادی هەموو شەهیدانی بزافی سەوز و ڕێگای ئازادی، لە نەتەوەی ئێران داوا دەکرێ لەو کۆبوونەوانەدا وا بە بۆنەی حەوتەمین ڕۆژی شەهادەتی ئەو دوو گەنجە نازدارە **لە ڕۆژی یەکشەممە یەکەمی ڕیشەمەدا پاش ساعەتی ۳ ، لە تاران و شارەکانیتری ئێراندا بەڕێوە** دەچێ ئامادە بن.

ئەمەیە دەقی بەیانەکە:

ئامادەبوونی بەشکۆی ئێوە هاوکاتە لەگەڵ لەدایکبوونی حەزرەتی فەخری عالّەم محەمەدی مدتەفا و هەروەها ئیمام قەعفەری سادق سڵاوی خوایان لێ بێت. لەم کۆبوونەوانەدا جگە لە پشتیوانیکردنی ئازایانە لە هەڵوێستی ئازادیخوازانەی ئاغایان موسەوی و کەڕوبی، بە مەبەستی درێژەدان بە ڕێگای دژواری ئازادی و پاراستنی بایەخەکانی ئینسان، هەروەها بە مەبەستی هاوڕێ بوون لە گەڵ شەپۆل و بزافی مەزنی ئازادیخوازانەی گشت میللەتی ئێران، **تەواوی وڵات لە گەڵ گەردەکانیدا هاوەدەنگ دەبن و یادی دوو شیهیدی سوونی و شیعەی** ئەم ڕۆژانە واتا شیهیدان ژالّە و موختاری بەڕز ڕادەگرن. ئەو دوو لاوە لە پێناوی سڕینەوەی چەوساندنەوەی دینی خوێنی خۆیان پێشکەش بە درەختی ئازادی کرد و یەکەم بەر و ئەنجامی خوێنی پیرۆزیان کۆبوونەوەو خۆپیشاندانی هەوومانە دەبێت، لە ڕۆژی یەکشەممە یەکەمی ڕەشەمەدا.

لێژنەی هاوئاهەنگی ڕیگای سەوزی ئومێد
۲۸ ی ڕێبەندانی ۱۳۸۹

بخشی از نامه یکی از دوستان شهید صانع ژاله به پدرش

یکی از دوستان و هم‌ولایتی‌های شهید «صانع ژاله» در نامه ای که به کلمه ارسال کرده است، نشانه‌هایی را ذکر کرده و پیشنهادهای جالبی را به مسئولان و رسانه‌ها داده است. او از همه خواسته است که با یکی از شماره‌های شهر پاوه به صورت تصادفی تماس بگیرند و دربارهٔ صانع ژاله از مردم پاوه سوال کنند و صحت اخبار رسانه‌های دولتی و رسمی را جویا شوند. این هم‌ولایتی شهید ژاله در خصوص خبر برنامه ۲۰:۳۰ هم افشاگری کرده و پیشنهادهای قابل تاملی را هم به پدر این شهید داده است.

سایت کلمه پس از اطمینان از محتوای متن نامه و صحت آن‌ها، متن پیام را که از ادبیات ساده و صمیمانه‌ای برخوردار است، آن را منتشر کرده است . در بخشی از این نامه آمده است :

سخنی هم با خانوادهٔ داغدار ژاله دارم. بخصوص پدر بزرگوارش. کاکه قاورا به عنوان یکی از همسن و سالان و دوستان صانع می‌گویم :

کاک قاور! امشب برنامه بیست و سی طوری خبر شهادت صانع را پخش کرد و تصویرها را نشان داد تا بیننده‌ها فرد دیگری یا همان "زینهٔ مشهور پاوه!" را پدر صانع بشمارند و حرف‌های او را حرف‌های تو بدانند. بیست و سی حتی به پدر داغدار صانع هم رحم نکرد و او را هم مصادره کرد. شاید صانع فردای قیامت آن کس را که به سوی او تیراندازی کرده است ببخشد و کار او را ناشی از جهل و خشم و عصبانیت لحظه‌ای بداند اما صانع هیچگاه از کسانی که هنوز دفن نشده خونش را مصادره کردند و پایمال کردند و آن را ابزاری برای حفظ قدرت خود ساختند نخواهد گذشت.

کاکه قاور، تو بهتر از هر کس دیگری می‌دانی که صانع که بود و چه می‌خواند و چه می‌خواست. حتما بارها و بارها دیوان شیرکو بی‌کس را در دستان او دیده‌ای. او که رفته است، نگذار خون او پایمال شود و **نگذار روزی صدبار در رسانه‌های دروغ باز هم کشته شود**. تو که بیشتر از هر کس گفته‌ها و نوشته‌های من را می‌فهمی. تو بیشتر از هر کس آن کسی را که برنامه بیست و سی به جای تو معرفی کرد می‌شناسی ...

کاکه قاور می‌دانم در چه شرایطی به سر می‌بری و چگونه با تهدیدها و...سراغت آمده‌اند و فامیل‌ها را واسطه کرده‌اند. اما کاکه قاور خون صانع رنگین‌تر از این حرف‌ها و خواسته‌ها است. تو که می‌دانی صانع چرا به خیابان رفته بود. تو راستش را به مردم بگو و پیام صانع را جاودانه کن .دیری نخواهد کشید که مردم پاوه "می‌ان پاوه" را "میان ژاله" بخوانند.

خدایـــا ! ایستـــاده مـــردن را نصیبم کن ، که از نشسته زیستن در ذلت خسته‌ام (آخرین پست شهید محمد مختاری صفحه فیس بووک ، روحش شاد)

روزنامه کلمه ، ویژه نامه هفتم
شهیدان ۲۵ بهمن و فراخوان اول اسفند ۸۹
شنبه ، ۳۰ اسفند ۱۳۸۹ ، شمارگان ما بیشماریم
صفحـــه ۲
کلمه
WWW.KALEME.COM

اول اسفند
20 February

برای ادامه راه دشوار آزادی و کرامت انسان، به نشانه اعلام همبستگی با هموطنـــان کـــرد در پاسداشت خون این دو عزیز ایرانی شیعـــه و سنـــی است که به پای مبارزه با استبداد دینی بر زمین ریخت . قرار ما : همه با هـــــم : یکم اسفنـــد ۱۳۸۹ ، ساعت ۳ بعداز ظهر، سراســر کشــور

سروده شده با درد
برای روز تشییع صانع ژاله

ای ژاله ژاله پر از خون دو بال تو
افتاده از نفس قلمم در خیال تو

می‌خواستی که باز بباری بر این کویر
سخت است مرگ تلخ و عبور محال تو

پنجاه و هفت... نام تو تکرار شور بود
میدان، دوباره سرخ و...
چه خوب است حال تو!

پرواز کن، عبور کن از این کویر پست
این خاک نیست لایق نام زلال تو

دزدان رای و پرچم و تابوت و آفتاب
دزیده‌اند پیکر همچون غزال تو

ای اسب چست و چابک اینک گسسته یال!
کرکس نشسته بر تن بی‌جَان و لال تو

دستش شکسته باد، کمانش شکسته باد
دستِ حرامیانِ به صید حلال تو

تقویم‌ها اگر چه دروغند و مرگبار
اما چه خوب آمده این بار فال تو

پنجاه و هفت... بهمن هشتاد و نه... هنوز
هر روز، روز رفتن و هر سال، سال تو

« فاطمه شمس»

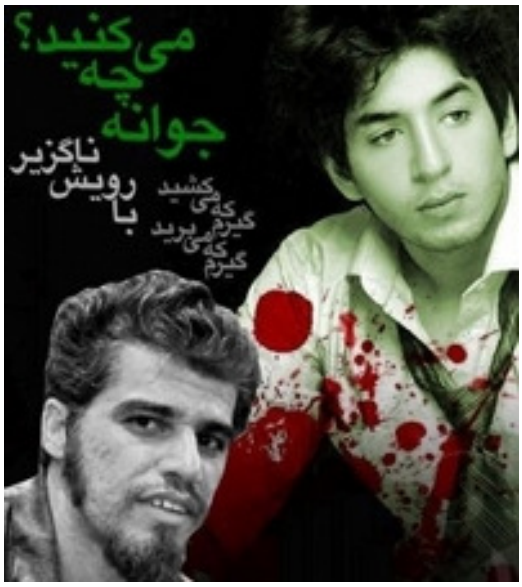

چرا حاکمیت در برگزاری مراسم شهید ژاله سنگ تمام گذاشت ؟

داریوش محمدی : برگزاری متفاوت مراسم» تشییع جنازه ی شهید صانع ژاله با شهید محمد مختاری، نشان می دهد که این مراسم «توسط مَردم «و به صورت خودجوش برگزار نشده است .« حضور چهره های شناخته شده و تدارکات وسیع و پشتیبانی صوتی و تصویری صدا وسیما» تائید می کند که مراسم تشییع جنازه شهید ژاله در تهران و شهرستان توسط حاکمیت ساماندهی شده است. به این شواهد می توان «قرق شدن دانشکده هنر و برخورد شدید با دانشجویان و انجمن اسلامی این دانشکده» را افزود. در این حال کشف «انگیزه ی حاکمیت» برای تدارک این مراسم چندان دشوار نیست. **در حالت نخست**، صانع ژاله یک دانشجوی بسیجی است که مخبر حسین شریعتمداری بوده و تصاویر او در کنار آیت الله منتظری و نوشته ی او در نشریه ای برانداز! نوعی فریب انجمن اسلامی توسط اقتدارگرایان بوده است و مصاحبه ی برادر او با رسانه های خارجی دروغ بوده و برادر دیگر او هم در مصاحبه با صداو سیما تحت فشار نبوده است. در این صورت، حاکمیت باید «تفاوت» این بسیجی را با بسیجیانی که ادعا می کند در جریان اعتراض های اخیر شهید شده اند، روشن کند و یا بپذیرد که در حال «بهره برداری استثنایی / سیاسی و غیر اخلاقی از شهادت یک انسان و تاخیر در دفن او»، برای فشار بر قوه ی قضائیه و افکار عمومی است . **در حالت دیگر**، حاکمیت از «ترس» این که ماجرای شهادت صانع ژاله، به »شاهدی» برای رفتار خشونت طلبانه و تناقض در رفتار و گفتار حاکمیت و ماهیت غیر دموکراتیک آن ها تبدیل شود، دست پیش گرفته و با فرار رو به جلو برای» بسیجی سازی و شهید نامی» او سنگ تمام گذاشته است. «به خصوص» که این شهید به دو اقلیت قومی و مذهبی معترض و همراه با جنبش سبز تعلق داشته و در این صورت با شهید دیگر متفاوت بود! و در این حالت حاکمیت با «مصادره» شهید ژاله، در «موضعی واکنشی و تدافعی» گیج شده و ناخواسته به دام رفتار خود افتاده و بسیار زود هم مکافات دیده است. **حالت سومی هم وجود دارد**. حاکمیت برای «فرار از آزمون ۲۵ بهمن ، سناریویی برای مرگ این شهید طراحی کرده است. در این وضعیت، اقتدارگرایان قصد داشتند با اجرای این سناریو، از آن «دستاویزی برای برخورد با رهبران سبز» ساخته تا به وسیله ی آن به جنبش سبز و معترضان «انگ وابستگی و انحراف» بزنندو آنها از «تداوم و تکرار» اعتراض بهراسند و محروم شوند. «ورود وحشت زده‌ی» اقتدارگریان و همراهی نمایندگان مجلس، «هزینه های کلان و فراخوان سازمان تبلیغات اسلامی» این فرضیه را تقویت می کند .با این حال «اطلاع رسانی وسیع سبزها» از یک طرف و «فراخوان راه سبز امید برای تجمع مجدد»، از طرف دیگر این سناریو را کم اثر و شاید نابوده ساخته و ظاهرا «بازهم تیر به چشم اسفندیار اصابت کرده است.» « نکته مهمی» هم در این میان وجود دارد. رسانه های خبری از حضور فردی سپاهی – امنیتی به نام زین الدین انصاری خبر می دهند که پروژه ی جعل کردن کارت بسیج را برای حاکمیت (پیشنهاد و) اجرا کرده است. چه بسا «خوش بینی مفرط حاکمیت به عملکرد ماموان نظامی – امنیتی خود»، سبب شده است که به دام این تقلب آشکار بیفتد. در این حالت، انتشار مستنداتی توسط دوستَان صانع و افشاگری جسورانه ی برادر او در خصوص سرقت عکس صانع، سناریوی حکومتی را، یک روزه افشا کرده و مطابق معمول «آگاهی مردمی چشم اسفندیار اقتدارگرایان را نشانه رفته است.» این نخستین باری نیست که حاکمیت به دام سنَاریوسازی های خام و عجیب و غریب و پر هزینه ی نیروهای اطلاعاتی و شبه نظامی می افتد .

تۆ لە ئێمەی

« لە یادی شەهید ژالەدا »

تۆ لە ئێمەی
ئەم دڵتۆپە خوێنەی سەر شەقامی بەفرپۆشی
ئەمڕۆ دەڵێ،
تۆ لە ئێمەی.
ئەم ئەستێرە سەوزەی سەر شانی تۆ و
ئەم هاوارە هەتایی‌یەی نێو گەروت دەڵێ،
تۆ لە ئێمەی.
کێوەکانی پاوە،
گڕووی سیروان و
شین و باهۆزی گشت دایکانی زاگرۆس دەڵێن،
تۆ لە ئێمەی.
ئەتۆ شەپۆلێک لە زەریای ڕۆحە ئێمەی،
کوا ئاوە مردووەکان
هێزی دزینی تۆیان دەبێ؟
ئەتۆ لقێک زەیتوون ئەدەی بە دەم کۆترەکانی ئەمڕۆوە
کوا شەمشەمە کوێرەکان
دەتوانن بڵێن هێلانەیان لە نێو سینگتدا بووە.
تۆ لە ئێمەی
وەکوو بەفری سەرچیای کوردستان و
وەکوو ئەم چڵە گوڵە سوورە
کەوا لە بەر پەنجەرەی هەموو ملێکی ئێراندا
لە ژێر بەفرەوە،
سەر دەر دێنێ
کە دەنگی سەوزە و
شەونمی سوور.

با پاشاکان گوێ رابگرن،
شاعیرێ دەیهەوێ بدوێ!

با ڕەشەباکان ڕاوەستن،
نێرگسێ دەیهەوێ بڕوێ!

با تفەنگەکان بێدەنگ بن،
منالێ دەیهەوێ بنوێ!

« لە تیف هە لمەت »

پادشاهان سراپا گوش !
شاعری می خواهد شعر بخواند

گردبادها بایستنـــد
نرگسی می خواهد بروید

تفنگ ها همه خاموش !
کودکی می خواهد بخوابد

« لطیف هلمت »

روزنامه کلمه، ویژه‌نامهٔ حصر میرحسین موسوی و زهرا رهنورد
سه‌شنبه، ۳ اسفند ۱۳۸۹
شمارگان: ما بیشماریم

بنی الاسلام علی الکلمتین
کلمة التوحید و توحید الکلمة
کلمه
WWW.KALEME.COM

میرحسین موسوی و زهرا رهنورد در حصر خانگی

کلمه: حصر خانگی مهندس میرحسین موسوی و دکتر زهرا رهنورد که از روز ۲۵ بهمن آغاز شده است، از روز ۲۷ بهمن ماه کامل شده و با قطع آخرین ارتباطات محدود آنها، هیچ اطلاعی از وضعیت و سلامتشان در دست نیست. اکنون محافظان موسوی از محافظت وی عزل شده و نیروهای امنیتی جای آنها را گرفته‌اند.

گزارش خبرنگاران کلمه حاکی است محل محافظان موسوی که در کنار منزل مسکونی ایشان قرار دارد، اکنون توسط نیروهای جدید امنیتی که مشخص نیست وابسته به کدام نهاد هستند، اشغال شده است. تمامی محافظان موسوی از محافظت عزل شده‌اند و معلوم نیست کجا هستند. کیوسک نگهبانی که از سالها قبل در ابتدای کوچه قرار دارد و معمولا یک نگهبان در آن بود، در حال حاضر خالی است و نگهبانی که به طور معمول سر کوچه بود، دیگر در آنجا حضور ندارد.

در روزهای ۲۵ تا ۲۸ بهمن در ابتدای کوچه‌ی بن‌بست اختر در خیابان پاستور که منزل میرحسین موسوی در آن واقع است، یک اتومبیل ون قرار داشت ، به طوری که دو طرف ون با دیوار و کیوسک نگهبانی در تماس بود و هیچ‌کس نمی‌توانست از کنار آن رد شود.این ون سپس با یک دیوار آهنی جایگزین شد اما این ون همچنان در اطراف آن کوچه قرار دارد.

شاهدان عینی به کلمه گفته‌اند که این اتومبیل ون، سرنشینانی دارد که صورت خود را با ماسک‌های مخصوص آلودگی هوا پوشانده‌اند و اگر کسی به سر کوچه‌ی اختر مراجعه کند، به سرعت چند نفر از آن پیاده می‌شوند و فرد را مورد بازجویی قرار می‌دهند. شیشه‌های این ون کاملا سیاه است و درون آن اصلا دیده نمی‌شود.

دختران موسوی و رهنورد که تا پیش از این هر روز با آنها دیدار حضوری و یا حداقل تماس تلفنی داشته‌اند، اکنون علی‌رغم همه‌ی تلاش‌هایی که به عمل می‌آورند، قادر به کسب هیچ‌گونه خبری از وضعیت پدر و مادر خود نیستند و ماموران مستقر در اطراف خانه، اجازه‌ی نزدیک شدن به محل سکونت والدین‌شان را به آنها نمی‌دهند. ماموران امنیتی به دختران موسوی گفته‌اند که از طرف دادستان، مامور حصر آقای موسوی هستند، اما از ارائه‌ی هرگونه کارت، نامه و حکم در این باره خودداری می‌کنند.

منابع کلمه، شمار نیروهای امنیتی را که اکنون در اطراف کوچه و خیابان محل سکونت موسوی و رهنورد مستقر هستند، نمی‌توانند برآورد کنند، اما می‌گویند که نیروهای امنیتی به تعداد زیاد در خیابان پراکنده هستند؛ به طوری که حتی رفتگرهای خیابان پاستور نیز با سرنشینان اتومبیل ون مستقر مقابل خانه صحبت می‌کنند و به شکل پنهانی از مراجعه‌کنندگان به کوچه عکس‌برداری می‌کنند.

منابع مطلع، اوضاع محل سکونت موسوی و رهنورد را مبهم و به شدت نگران‌کننده توصیف می‌کنند. مساله‌ی خوراک آنها مبهم است و از چند روز گذشته مواد غذایی آنها توسط نیروهای امنیتی تامین می‌شود و این بر نگرانی‌ها درباره‌ی ایشان می‌افزاید.

به گزارش منابع متعدد خبری، در روزهای گذشته گروههای ناشناخته چندین بار به اطراف منزل موسوی هجوم برده‌اند. حمله‌های گروههای فشار به کوچه‌ی باریک و خانه در حالی اتفاق می‌افتد که پاستور یک منطقه‌ی ممنوع امنیتی است و افراد بدون مجوز و هماهنگی حق ورود به آن را ندارند. بنابراین این سوال مطرح می‌شود که این گروههای خودسر چگونه در منطقه‌ای که ادارات بسیار خاص دولتی و سپاه در آن قرار دارند، امکان حضور پیدا می‌کنند و آیا افرادی که چنین جوازی را برای گروههای خودسر صادر کرده‌اند، ممکن است جواز کارهای نامعقول و خطرناک دیگر را نیز به زودی صادر کنند؟

اینکه چه کسی دستور داده که محافظان موسوی عزل و از محل خود بیرون رانده شوند و یا نگهبان سر کوچه برداشته شود و چرا؛ و اینکه آیا ممکن نیست که برنامه‌ی ناشناخته و خطرناکی در نبود محافظین برای آنها طراحی شده باشد، از دیگر سوال‌هایی است که هنوز پاسخی برای آن وجود ندارد.

این در حالی است که در همه‌ی شش – هفت ماه گذشته، ارتباط میرحسین موسوی و زهرا رهنورد با جامعه بسیار دشوار شده بود، به ویژه میرحسین موسوی در ماههای اخیر جز برای دیدار پدر پیرش یا چند دیدار محدود دیگر، امکان خروج از خانه را نمی‌یافت.

همچنین در ماههای اخیر اغلب کسانی که به دیدار ایشان می‌رفتند، بازداشت و بازجویی می‌شدند. محدودیت‌ها برای زهرا رهنورد نیز در ماههای اخیر شدت پیدا کرده بود، اما وی گاه با سماجت و ابتکارهای شخصی خود، با بسیاری از موانع مقابله می‌کرد و با خانواده‌های آسیب‌دیدگان حوادث پس از انتخابات به ویژه خانواده‌های زندانیان سیاسی و خانواده‌ی شهدای جنبش سبز دیدار و از آنها دلجویی می‌کرد.

ایجاد دیوار آهنی در معبر ورودی خانهٔ میرحسین

«خانه موسوی و رهنورد را به زندانی با دیوارهای بلند آهنی برای آنها تبدیل می‌کنند.» این، مشاهدات برخی از کارمندان نهاد ریاست جمهوری، پزشکان و بیماران بیمارستان شهید شوریده است که در نزدیکی کوچه اختر قرار دارد؛ کوچه‌ای که منزل موسوی در آن قرار دارد.

تعدادی از کارکنان شریف نهاد ریاست جمهوری در تماس با کلمه اطلاع داده‌اند که هم‌اکنون ماموران با سرعت زیاد مشغول ایجاد یک دیوار بزرگ آهنی در معبر ورودی خانه موسوی هستند.

ظاهرا آنچه در اطراف خانه موسوی اتفاق می‌افتد، یادآور حرف‌های احمد جنتی است که در نمازجمعه اخیر تهران گفت خانه‌های به گفته وی سران فتنه را برایشان تبدیل به زندان کنید.

به گزارش کلمه، در ماه‌های گذشته، محدودیت‌های زیادی برای ارتباط موسوی و رهنورد با جامعه ایجاد شد، محدودیت‌هایی که گام به گام به آن افزوده می‌شد. دایره محدودیت‌های امنیتی برای میرحسین موسوی از اواخر تابستان امسال و همزمان با حمله به منزل مهدی کروبی و مراجع، افزایش یافت.

پس از قطع تمامی راه‌های ارتباطی موسوی و رهنورد، از جمله تلفن‌های ثابت و همراه و اینترنت، اکنون با ایجاد دیوار آهنی در اطراف خانه موسوی، حصر آنها وارد مرحله جدیدتری شده است و معلوم نیست مقامات قضایی و امنیتی در روزهای آینده چه برنامه‌ای برای میرحسین و همسرش در دست اجرا دارند.

میرحسین موسوی، احساسات شاعرانه

یادداشتی از بهمن احمدی امویی روزنامه‌نگار زندانی

در باره میرحسین موسوی زیاد گفته و نوشته شده است،اما شاید کمتر از احساسات شاعرانه او سخن به میان آمده باشد.یکی از کسانی که در روزهای پیش از انتخابات ۸۸ در این باره نوشت،بهمن احمدی امویی، روزنامه نگاری است که از چند روز پس از حوادث انتخابات تاکنون به خاطر مقالات انتقادی که در باره عملکرد احمدی نژاد نوشته، در زندان اوین به سر می برد.گزیده ای از مقاله وی را در باره میرحسین می خوانید:

۳۵سال پیش دکتر علی شریعتی قبل از یکی از سخنرانی هایش در حسینیه ارشاد از مخاطبانش خواست تا از نمایشگاه نقاشی یک زوج جوان در راهروهای حسینیه دیدن کنند.زوجی که ضمن سخنرانی خود، آینده ی آنها را درخشان توصیف کرد. تابلوها نام حسین رهجو و زهرا رهنورد را برخود داشت . حالا پس از ۳۵ سال کمتر کسی نام واقعی زهرا رهنورد و نام مستعار میر حسین موسوی را به یاد دارد.

در همان سال ها ، تعدادی از فعالان جوان انجمن اسلامی چند دانشگاه گروهی را برای فعالیت های سیاسی –فرهنگی بر ضد شاه تشکیل دادند . میان آن جوانان نام میر حسین موسوی هم دیده می شد . او با نام مستعار حسین رهجو فعالیت می کرد ، پشتیبانی از اندیشه دکتر شریعتی و حمایت از جنبش توده ای مردم ایران که در حال شکل گیری بود، مهم ترین اهدافی بود که این گروه پیگیری می کرد،اما مبارزه در یک گروه سیاسی هم باعث نشد هرگز از اندیشه های شاعرانه و فعالیت های هنری اش فاصله بگیرد.

به گفته روغنی زنجانی، وزیر برنامه و بودجه دولت موسوی، میرحسین موسوی یک روز در دوران جنگ در جلسه هیات دولت یک مداد را در دستش گرفت و آنقدر فشار داد تا شکست . بعد رو به بقیه گفت :" این مداد آستانه تحمل مشخصی دارد . ما هم باید بدانیم آستانه تحمل نظام و لحظه فروپاشی آن کجاست . تنها در این لحظه باید احساس خطر کرد."

همسرش زهرا رهنورد هم در یکی از نوشته هایش که در همان سال ها در " جنگ سوره " که توسط حوزه هنری منتشر شد، تصویری از روحیه شاعر مسلک و حساس همسرش ارائه می دهد . البته او این روحیه را موجب امید به آینده می دانست :" در روزهایی که فشار و خفقان ستمشاهی به اوج خود رسیده واحساس یاس و نومیدی در میان همه رواج یافته بود . یک شب سرد زمستانی همراهم (موسوی) پرده اتاق را کنار زد و از پشت پنجره یک شاخه گل سرخ را در حیاط خانه مان به من نشان داد که خود را به زحمت از زیر برف بالا کشیده بود و گفت:" می بینی حتی در چنین یخبندانی هم گلی سر بر آورده است .پس همیشه می توان در سردترین لحظات به آینده ای بهتر امید داشت.»

روزنامه کلمه، ویژه‌نامهٔ رنج‌نامهٔ فرزندان موسوی و رهنورد
شنبه، ۷ اسفند ۱۳۸۹، شمارگان: ما بیشماریم

کلمه
بنی الاسلام علی الکلمتین
کلمة التوحید و توحید الکلمة
WWW.KALEME.COM

این است پاسخ هشت سال نشسته خوابیدن پدر در سال‌های جنگ

رنج‌نامهٔ فرزندان موسوی و رهنورد

کلمه: فرزندان میرحسین موسوی و زهرا رهنورد در نامه‌ای شرح درد و رنجی را که در این دو هفته بی‌خبری از پدر و مادر بر آنها رفته، روایت کرده‌اند. آنها در نامه خود توضیح داده‌اند که آخرین تماس با پدر و مارشان مربوط به غروب ۲۵ بهمن ماه بوده است و از آن روز بارها و بارها به کوچه اختر که خانه پدری‌شان در آن واقع است رفته‌اند و جویای سلامت پدر و مادر خود شده‌اند اما جز توهین، پرخاشگری، فحاشی و یا بی‌اعتنایی ندیده‌اند.

سه دختر موسوی و رهنورد در رنجنامهٔ خود نوشته‌اند که وقتی از ماموران مستقر در اطراف کوچه اختر پرسیده اند که پدر و مادرمان کجا هستند، به آنها گفته اند که به شما چه ربطی دارد؟ و وقتی می‌پرسند براساس کدامین حکم قانونی پدر و مادر را در حصر کرده‌اید باز هم پاسخ شنیده اند که به شما چه مربوط؟

آنها در نامه خود نوشته‌اند که به تازگی حتی پشت در بزرگ و سیاه فلزی که ابتدای کوچه اختر نصب شده، یک در بزرگ آهنین نیز نصب کرده‌اند و اکنون معبر ورودی خانه میرحسین با دو در بزرگ فلزی محافظت می‌شود. همچنین توضیح داده‌اند که به نظر می‌رسد که چراغ‌های خانه پدری‌شان خاموش است.

دختران موسوی و رهنورد در بخش دیگری از نامهٔ خود چندین سوال طرح کرده‌اند: «آنها چه کرده‌اند جز طلبیدن حق؟ جواب هشت سال نشسته خوابیدن پدر در سالهای جنگ، مبارزه درسالهای جوانی و مینالسالی و پیری دلسوزی این است؟ چه بی رحم است و فراموشکار این روزگار! که این تنها قسمت پدر و مادر ما نیست که سهم مادران و پدران دردمند بسیاری است که پاسخ حق جویی خود را چنین ناجوانمردانه دریافته اند. و گلوله ها و تازیانه ها بیش از درد ما راوی این داستان تاثر برانگیزند.

به گزارش کلمه، متن کامل این نامه به شرح زیر است:

به نام حق

آخرین بار که دیدیم شان دو هفته پیش بود، دور هم بودیم نه اینکه دلشاد که همهمه حزن و درد آسیب خوردگان این سال‌ها جایی برای شادی ما باقی نگذاشته بود اما مهر مادری و پدری انقدر نزدیکمان بود که باور نمی‌کردیم که تنها سه روز بعد از ما دریغ شود این همه لطف.

غروب ۲۵ بهمن آخرین بار صدای مادر را شنیدیم، از پشت تلفن. یک خودروی ون کوچه اختر را بسته بود. فکر کردیم موقتی است شاید... فکر کردیم مگر می‌شود ۱۳ روز پشت دری ایستاد و به انتظار صدایی و اشاره‌ای که مادر و پدر هنوز هستند، زنده هستند، سالم هستند و دری و درهایی که هیچ وقت گشوده نشوند و چراغ‌های خانه‌ای که روشن نشوند دیگر.

یک هفته پیش به سراغشان رفتیم. خودروی ون به شکلی پارک شده بود که از کنارش یک کاغذ هم رد نمی‌شد. مردانی که از خودرو پیاده شدند، نقاب داشتند. آدامس می‌جویدند و در جواب سوال ما که براساس کدام حکم فرزندانی را از دیدن پدر و مادرشان محروم می‌کنید، پرخاش کردند: «به شما چه مربوط که حکم کجاست؟ از کجاست؟ از طرف کیست؟» پرسیدیم در خودروی ون چند نفر هستید؟ باز هم پرخاش که به شما چه مربوط؟ پرسیدیم شیشه‌های خودروی تان چرا سیاه است؟ گفتند به شما چه مربوط؟»

واقعا به ما چه مربوط بود که پدر و مادرمان کجا هستند؟! به فاصله تنها ۷۲ ساعت، آنقدر غریبه شده بودیم!

تکیه زدیم به ماشین. غروب هم رسید. مردان نقاب‌دار می‌پاییدند ما را. توی صورتمان زل می‌زدند و می‌کاویدند و جوابی هم نمی‌دادند. تاریکی شب که رسید چراغی روشن نشد. خانه همچنان تاریک و تاریک تر می‌شد. هیچ نشانی از زندگی هم نبود. نه صدایی... نه حتی کیسه زباله‌ای کنار در. محافظان را هم مرخص کرده بودند. بازگشتیم. چند مرد هم دنبالمان.

از بن بست اختر تا فروردین، سر پاستور پشت سر ما می‌آمدند. با فاصله‌ای آنقدر اندک که لابد صدای‌مان را بشنوند.

فردا شب بازگشتیم. این بار از سر کوچهٔ خورشید، کوچهٔ کناری هم راه‌مان ندادند. در جواب سوال‌های معمول که هر فرزند نگرانی حق پرسیدن دارد یا سکوت کردند یا پرخاش.

باران می‌بارید و روشنایی خیابان پاستور فقط برق‌های دستگاه جوشکاری بود. همان که دری به سیاهی این روزهایمان را سر کوچه اختر جوش می‌داد. از پیاده روی مقابل که رفتیم ببینیم چه می‌گذرد، دو مرد مانع شدند. توهین کردند. گفتند یک سال شما تاختید و حال نوبت ماست. باز هم مردان نقاب داشتند. علاوه بر خودروی ون، دری بزرگ و آهنی. بدتر از میله‌های زندان سر کوچه جوش می‌دادند.

می‌گفتند: حقشان است و ما نمی‌خواستیم بحث سیاسی کنیم. ما تنها فرزندانی نگران بودیم. گفتند این یک سال هم اگر کشتیم، خوب کردیم که کشتیم. ما کشتیم، چون آنها را که کشتیم، آدم نبودند. صورت ندا و سهراب و محسن روح‌الامینی مقابل چشمانمان آمد. و باز صورت و صورت به خون غلتیده یاران دیگر و علی و خانواده‌اش.

ناله‌های مادرانه در گوشمان می‌پیچید. و صبر دردمندانه عمه بر پیکر علی و مادران بر مزارها. این چه کسی بود که می‌گفت آدم نبودند، آنها را که کشتیم! گفت: «الله اکبر گفتن‌هایتان هم دروغ است.» گفت و گفت و گفت. اسلحه نشانمان دادند و باز هم راندند ما را.

در جواب اصرار ما برای خواستن دلیلی، گفتند «زنگ می‌زنیم نیروی انتظامی بیاید و همه شما را ببرد.» در آن خیابان بلند، گویی درختان بی‌برگ فریاد می‌زدند به کدامین گناه؟ فریاد می‌زدند که دختران آب و آتش را پدر و مادری از جنس کوه و سرو و گل‌های یاس سال‌هاست که از ترس رهانده‌اند.

بچه‌ها بی‌تابی می‌کردند. کودک دو ساله می‌خواست به عادت معهود فاصله کوتاه کوچه خورشید و اختر را بدود و اسم پدربزرگش را صدا کند و آن لبخند دردمند و بیگناه و آن دست‌های گرم و مهربان در آغوشش بگیرد. بهانه می‌گرفت.آن دیگری، هفت ساله، گوشه‌ای کز کرده بود و ابراز دلتنگی می‌کرد و می‌گریست. دوربین‌هایشان مدام از این صحنه‌ها عکس می‌گرفت. تا حتی کودکانمان نیز بسان دشمنی در دفترشان برای تهدید و روز مبادا گنجانده شوند!

باز هم چراغی توی خانه روشن نبود. هیچ نشانی که دلگرم‌مان کند که پدر و مادرمان هنوز توی خانه هستند، اگرچه محصور و به ناحق... و صحبت از حق چه این روزها دشوار است!

به ماموراني که مانع ورود ما شده بودند گفتیم که می‌خواهیم تا سر کوچه برویم. گفتند می‌خواهید کوچه را ببینید که چه؟ اصلا کوچه چه مفهومی دارد؟ گفتیم کوچهٔ اختر یعنی خانهٔ پدر و مادر. خانهٔ ما. کوچه یعنی ردپای خسته مادری که به اندازه تمام جهان درد داشت. پدری که دلش برای فرزندان ایران می‌تپید. برای ما یعنی تمام لحظات امنیت. یعنی بهشت. یعنی بوی خدا، یعنی عطر یاس‌های کنار جانماز پدر، یعنی درد مشترک.

آن شب به تلخی و سنگینی گذشت...

آن لحظه نفرین هم نکردیم. به ما گفت بودند نفرین نکنید در این جهان. آه کشیدیم. خدا ناظر بود. ناظر این ظلم و بی‌منطقی. ناظر تپیدن دل‌های مضطرب ما، بی‌تابی بچه‌های کوچمکان توی سرمای شبانگاهی زمستان.

دو شب ما که دستمان از همه جا کوتاه بود و نمی‌دانستیم دادمان را از کدام بی‌دادگری بخواهیم نیمه شب عازم خیابان پاستور شدیم.

دری غول‌پیکر و سیاه سر کوچه گذاشته بودند. با یک محفظه کوچک که آن هم بسته بود و در از بیرون قفل شده بود. از گوشه در می‌دیدم. سه ماشین توی کوچه پارک شده است بعد از در زدن‌های طولانی مردی با نقاب از پشت در گفت چه می‌خواهید؟

چه می‌خواستیم جز خبری، نشانی، از بودن پدر و مادر در خانه، از سلامت آنها. از اینکه غذایی می‌رسد به آنها؟ اگر می‌رسد سالم است اصلا؟ ما بودیم و تجربه تلخ سال‌ها حوادث نگران‌کننده.

جوابمان را ندادند. بازهم تهدید کردند که می‌گوییم پلیس بیاید ببرندتان، توهین، قضاوت و سکوت.

پدر و مادر خودتان هم بود، همین داستان بود؟ آنها چه کرده‌اند؟ جز طلبیدن حق؟ جوابش فحاشی و بی‌احترامی است؟ جواب هشت سال نشسته خوابیدن پدر در سال‌های جنگ، مبارزه درسال‌های جوانی و مینالسالی و دلسوزی در پیری این است؟ چه بی‌رحم است و فراموشکار این روزگار! که این تنها قسمت پدر و مادر ما نیست که سهم مادران و پدران دردمند بسیاری است که پاسخ حق‌جویی خود را چنین ناجوانمردانه دریافته‌اند. و گلوله‌ها و تازیانه‌ها بیش از درد ما راوی این داستان تاثر برانگیزند.

باری دیگر باز برای سراغ گرفتن و خبری هرچند کوچک از سلامتی پدر و مادرمان به پاستور رفتیم. این بار حتی منفذ باریک میان دو لنگه در فلزی را هم با ورقه‌ای آهنین پوشانده بودند. اصلا از سر خیابان هم راهمان نمی‌دادند. گفتند دستور این است که خانواده موسوی حق ندارند وارد پاستور شوند! آی‌ی‌ی حق! تو چه واژه مظلومی هستی! مظلومتر از خانوادهای داغدار شهیدان و دل نگران اسیران!

بالاخره با اصرار تا سر کوچه رفتیم و از باریکه نیم‌سانتی که باز بود با زحمت توی کوچه را نگاه کردیم. پشت این در سیاه فلزی یک در بزرگ آهنین دیگر هم نصب کرده بودند! موازی همان یکی که قبل‌تر بود. این همه ترس و پنهان کاری برای چیست؟! این همه در آهنی و حفاظ و قفل برای چیست؟ این مردان نقاب پوش بدون حکم به دستور چه کسی پدر و مادری را در پس درهای آهنین پنهان کرده‌اند؟ آفتاب زندگی ما را؟ مگر نه اینکه آفتاب طلوع می‌کند نوازشگر و مهربان تا صبح دل انگیز ظهور؟

آیا ماموران امنیتی با هویت ناشناس در دفتر کوچک کار پدرم سکنی کرده‌اند؟ دفترش را غصب کرده‌اند؟ خانه‌اش را غصب کرده‌اند؟ نوه‌ها و فرزندان و دامادها را محروم کرده‌اند از دیداری و گرفتن خبری.

بدون حکم قضایی، بدون احترام. بدون شفافیت. که ما را صد البته نیازی به احترام کسی که پدر و مادرمان را در حصر کرده است نیست. کسی که مایل است مخوف و پر از پنهان کاری باشد. حصری که در آن حتی حقوق یک شهروند متهم عادی که سلامتش تایید می‌شود و سلامت غذا و دارویش نیز مشخص است، در آن رعایت نشده است. شجاعت این را ندارند که بگویند از کدام مافوق دستور می‌گیرند؟ شجاعت این را ندارند که نقاب‌هایشان را بردارند و با فرزندان این دو محصور روبرو شوند.

روزی خیابان پاستور. کوچه اختر برای ما خانه اولمان بود. پر از سادگی و صفا و مهربانی و احترام! ۱۱۰۰ متر نبود! قصر هم نبود! یک خانه دوست داشتنی قدیمی با گل‌ها و درخت‌هایی که پدری شاعر و نقاش کاشته بود با عطر پرده کعبه که از لای قرآن جانماز پدر می‌آمد و خانه‌ای آکنده از مهر و شور و جنبش مادر. امروز خیابان پاستور، کوچه اختر را با دیوار فلزی حصر کرده‌اند. حصاری غیرقانونی که هیچ از پشت آن اطلاع نداریم.

می‌دانیم پدر و مادرمان در هیچ محکمه صالحی محاکمه نشده‌اند. می‌دانیم پدر و مادرمان اصلا جرمی مرتکب نشده‌اند. می‌دانیم وقتی دو در بزرگ فلزی سر خانه نصب کرده‌اند، معنای خوبی ندارد. می‌دانیم وقتی چراغی روشن نمی‌شود مفهوم خوبی ندارد.

دو هفته می‌گذرد از ندیدن‌شان. هیچ چیز نشنیدیم جز فحاشی و توهین و نگاههای سرد و یخی. نمی‌دانیم این درد را کجا فریاد بزنیم.

تنها می‌دانیم که خداوند یاور مظلومان است

می‌دانیم که نور ز خورشید جو بو که برآید

دختران رهنورد و موسوی

پنج‌شنبه، پنج اسفندماه ۱۳۸۹

بیانیه شماره ۴ شورای هماهنگی راه سبز امید؛ فراخوان راهپیمایی

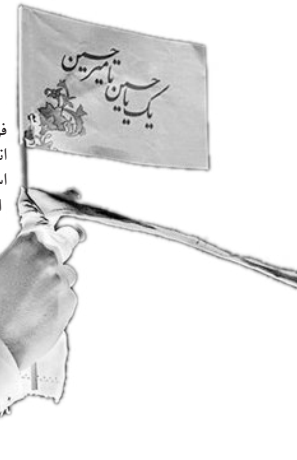

شورای هماهنگی راه سبز امید در پاسخ به فراخوان جوانان، تشکل‌های سیاسی و اجتماعی با انتشار بیانیه‌ای از مردم دعوت کرد تا در روز ۱۰ اسفند که همزمان با شب تولد میرحسین موسوی است، در اعتراض به حصر و زندان خانگی غیرقانونی همراهان مردم ایران، از میدان امام حسین تا میدان آزادی در تهران و در تمام میادین اصلی در شهرستان‌ها راهپیمایی کنند.

متن کامل بیانیه به شرح زیر است:

بسم الله الرحمن الرحیم

در پی هشدار شبکه‌های اجتماعی، تشکل‌های سیاسی جنبش سبز و بویژه جوانان پرشور اصلاح طلب به اقتدار گرایان حاکم بر کشور برای رفع حصر غیرقانونی رهبران جنبش سبز آقایان موسوی و کروبی و همسرانشان، شورای هماهنگی راه سبز امید در همراهی با این خواست مشروع و قانونی همگان را دعوت می‌نماید که دراعتراض به حصر و زندان خانگی رهبران جنبش روز سه شنبه ۱۰ اسفند، که مصادف با شب تولد میر بزرگوار جنبش است، از ساعت ۵ بعداز ظهر دست به تجمع و راهپیمایی از میدان امام حسین بسوی میدان آزادی با شعارهای «یا حسین، میرحسین» و «یا مهدی، شیخ مهدی» زنند و بدین وسیله صدای خود را برای آزادی رهبران سبزمان به گوش حاکمیت برسانند. در شهرستان‌ها تظاهرات در میادین و خیابانهای اصلی برگزار خواهد شد.

در صورتی که صدای اعتراض ما شنیده نشود و حصر و زندان خانگی غیرقانونی رهبران ادامه یابد، علاوه بر راه کارهای مناسب دیگر که شورا در اطلاعیه‌های بعدی خود پیشنهاد خواهد کرد، از هم اکنون همراهان سبز را دعوت به تجمعات اعتراضی غیرمتمرکز در سراسر کشور در روز ۲۴ اسفند می‌کنیم و در همه این ایام از باورمندان به جنبش سبز خواهانیم که به آگاهی بخشی هرچه بیشتر در درون جامعه پرداخته و با صبر و استقامت و در صفوف هماهنگ در مقابل سختی‌ها و ناملایمانی که از سوی اصحاب قدرت و کودتا برای تداوم وضعیت نامطلوب کنونی وتحمیل استبداد اعمال می‌شود راه عبور بسوی آینده و فردای بهتر را برای همه ایرانیان باز نمایند و مطمئن باشند که سنت الهی و تقدیر تاریخ بر پیروزی حق طلبان و عدالت خواهان قرار دارد.

شورای هماهنگی راه سبز امید - ۸۹/۱۲/۵

بنی الاسلام علی الکلمتین
کلمة التوحید و توحید الکلمة

کلمه

WWW.KALEME.COM

روزنامه کلمه، شمارهٔ چهل و ششم
شنبه، ۱۴ اسفند ۱۳۸۹، شمارگان: ما بیشماریم

آیا امروز قابل‌تصور است که حرکت مردم بر اثر بازداشته شدن همراهی از همراهی خاموش شود؟ اگر اینگونه باشد دستاوردهای چهل و پنج سال تاریخ معاصر خود را از دست داده‌ایم، و اگر چنین نباشد این نشانه‌ای از ریشه‌های انقلابی ماست. ما به اتکای این ریشه‌هاست که سبز شده‌ایم، ریشه‌هایی که اگر از آنها دور شویم به همان چیزی تنزل خواهیم کرد که مخالفان مردم آرزو می‌کنند. **میرحسین موسوی، بیانیهٔ ۱۴**

بیانیهٔ فرزندان میرحسین و رهنورد خطاب به مردم

پس از گذشت ۱۸ روز که از ناپدید شدن نخست وزیر محبوب امام و زهرا رهنورد، همسر و همراهش می‌گذرد و همچنان رسانه‌های امپراتوری دروغ ضمن زیر سوال بردن خبر بازداشت آنها، اعلام می‌کنند که خانواده میرحسین موسوی و مهدی کروبی با بستگان درجه نخست خود اجازه دیدار دارند و تنها محدودیت‌هایی بر ارتباط آنان اعمال شده است به گزارش کلمه، دختران ایشان اما برای چندمین بار به خانه پدری مراجعه کردند، با درهای بسته و سخنان نامناسب ماموران مواجه شدند.

پس از این، دختران رهنورد و موسوی در بیانیه‌ای خطاب به مردم آن‌ها را در جریان آنچه گذشت قرار داده‌اند و اتفاقات اخیر را بهای کینه به پدر به خاطر ایستادن بر سر آرمان‌ها دانستند.

خلاصه بیانیه به شرح زیر است:

دوستان و یاران مهربان ما

این روزها

ما نگرانیم، مانند هر فرزند دیگری که به ناگهان همهٔ ارتباطاتش با خانوادهٔ خود قطع شده و در بی‌خبری مطلق از عزیزترین‌های زندگیش به سر می‌برد.

عزیزترین‌هایی که بر همه روشن است در بند کسانی هستند که جز تنفر و کینه به خاطر آرمان‌هایشان از ایشان به دل ندارند.

ما نگرانیم که در روزنامه‌ها می‌خوانیم: پدر و مادر ما زندانی نیستند، در حصر هم نیستند. در خبرها می‌خوانیم آنان اسکورت هم می‌شوند! و ما یعنی فرزندان می‌توانیم آنها را ببینیم.

اما هرگز چنین نبوده است. ما پدر و مادرمان را ندیده‌ایم، صدایشان را نشنیده‌ایم. و آنچه هر لحظه بر نگرانی‌هایمان می‌افزاید همین تناقض گویی‌هاست.

برایتان بگوییم که ما برای اتمام حجت و روشن شدن واقعیت، پس از این همه خبر بی‌اساس، همگی در شب پنجشنبه باز هم به در خانه مراجعه کردیم و از نیروهای درون کوچه، از پشت آن در آهنی که از پس آن کوچه و خانه و پدر و مادر با هم گم شده‌اند، پرسیدیم اگر پدر و مادر ما اینجا هستند، آیا می‌توانیم آنها را ببینیم؟ گفتند چه کسی گفته؟ گفتیم کیهان، دادستان، وزیر امور خارجه. و ما فکر می‌کردیم برخی از این مراجع خبر، قاعدتا باید آنقدر محکم باشند که بشود باورشان کرد که دیدار میسر گردد و این نگرانی‌ها رفع گردد.

گفتیم شاید واقعا می‌شود ببینیمشان و ما نمی‌دانستیم. بی‌خبر بودیم!

جواب سوال ما باز هم نه بود. نه! نمی‌توانید. خبرها اشتباه بوده است! هرکسی گفته اشتباه گفته است. بروید دادگاه انقلاب. بروید پیش قاضی.

اما پدر و مادر ما که مجرم نیستند و آنها گم شده‌اند. ما پیش قاضی خواهیم رفت. اما قاضی واقعی، قاضی عادل دنیای این روزهای ما خداست. ما از او می‌خواهیم حکم کند.

ما فرزندان پدر و مادری که بیش از دوهفته است که چنان در اسارت‌اند و ربوده شده‌اند، که گویی نیستند و نبوده‌اند، به حکم فرزندی نگرانیم. اما صبر می‌کنیم...

برای شما که در این روزهای تلخ بی‌خبری از والدین و دل‌نگرانی از گم شدن عجیبشان و حصر و زندان و هر چه که هست یا بگویند، از سر محبت مرهم دردهای جانمان بودید و هستید، می‌نویسیم...

به یاد می‌آوریم شب ۲۲ خرداد پس از آن حمله‌هایی که مدام تکرار می‌شد، دل نگران از پدر پرسیدیم که فردا چه خواهد شد؟ او با همان آرامش و شرافت و صلابت دوست داشتنی پاسخمان داد که آنچه بیش از نتیجه مهم است سربلندی نزد خدا و مردم و تاریخ است. فردا آمد، روزهای سخت و سخت‌تر هم از پس آمدند. باران رنج و تهمت و افترا بر جانشان نشست. اما آن دو، هم چون شما یارانشان، ایستادند تا سربلند نزد خدا، مردم و تاریخ خود باشند. و این امید و آرزوی ماست.

اعتراض سه مرجع عالیقدر به بازداشت غیرقانونی و غیرشرعی رهبران جنبش سبز

آیت‌الله یوسف صانعی، مرجع تقلید مقیم قم، در بیانیه‌ای به شدت به حصر خانگی آقایان موسوی و کروبی انتقاد کرد و با اشاره به اینکه قدرت‌های استبدادی لااقل قیافهٔ قانون‌مداری می‌گیرند، دادگاه‌های سیاسی رژیم شاه را یادآور شد که در آن به متهمان اجازهٔ دفاع از اعمال و افکار خود داده می‌شد.

پس از سی سال از انقلاب اسلامی که شعار آن حاکمیت آزادی و جمهوریت بر مبنای موازین اسلام و نفی استبداد بود، شاهد حملات مکرر غیراسلامی و انسانی به معترضان سیاسی و حبس آنها هستیم و ناباورانه می‌بینیم که شخصیت‌های خدومی همچون زبدهٔ السادات و الاخیار، ذوی الغر و الاحترام؛ جناب آقای مهندس میرحسین موسوی و همسر مکرمه و فاضله ایشان و یار دیرین و معتمد امام، حضرت حجت الاسلام و المسلمین آقای حاج شیخ مهدی کروبی و همسر مکرمه ایشان بدون برگزاری هر گونه دادگاه و محکمه‌ای (هرچند صوری) و بدون اجازه دفاع به آنها در حصر خانگی با محرومیت از حقوق اولیه انسانی، قرار می‌گیرند. اعمال و رفتاری که نشان از درماندگی و ضعف سیاسی عاملان و آمران آن از اقناع افکار عمومی دارد.

* * *

آیت‌الله سید علی‌محمد دستغیب، مرجع تقلید مقیم شیراز و عضو مجلس خبرگان رهبری نیز در نامه‌ای به اعضای مجلس خبرگان رهبری، با تاکید بر این که دروغ‌ها و تهمت‌ها که بعضا از صدا و سیما پخش می‌شود هیچ قسم صورت شرعی ندارد، می‌گوید: هنگامی که این سطور را می‌نوشتم با برخورد غیرمنطقی حاکمیت با افرادی که هر کدام هشت سال و بیشتر با رای مردم خدمت می‌کردند مواجه شدم، و فکر می‌کردم آخر مردم دنیا چگونه قضاوت می‌کنند که کشور، مدت ۳۲ سال از انقلاب و در دست افرادی بود که به قول شعارهای شما دست نشانده آمریکا و اسرائیل بودند، چقدر زشت و زننده است! اینها دستور اسلام نیست، سیره ائمه اطهار نیست، تبلیغ اسلام و قرآن نیست...

* * *

آیت‌الله بیات زنجانی، نیز از دیگر مراجع تقلید، با اشاره به برخوردهای صورت گرفته با مدیران دوران دفاع مقدس و مبارزان با رژیم شاه، پرسید که چگونه و بر چه اساس در این شرایط، به سراغ یاران صدیق امام و انقلاب رفته و به صرف اعتراض، آنانی را که در روزهای مبارزه با رژیم ستمشاهی در صف اول مبارزات بوده‌اند و روزهای سخت دوران دفاع مقدس را با مدیریت اجرائی خود به بهترین نحو ممکن پشت سر گذاشته‌اند، مورد بدترین بی‌مهری‌ها قرار داده‌اند؟!

اخبار کوتاه

مجمع محققین و مدرسین حوزه:

آیا اکثر مسئولان طراز اول انقلاب وطن‌فروش و خائن بوده‌اند؟

مجمع مدرسین و محققین حوزهٔ علمیه قم در ادامه واکنش‌های اعتراضی به اقدامات اخیر در برخورد با معترضان و تشدید فضای امنیتی و خفقان در کشور، با صدور بیانیه‌ای با اشاره به سوابق و شخصیت‌های گرانقدری چون مهندس میر حسین موسوی، نخست وزیر سال‌های پر درد و رنج جنگ و مورد حمایت امام و حجت‌الاسلام کروبی که یار وفادار و مورد اعتماد امام راحل و منصوب آن حضرت در امور مختلف بوده‌اند و همسرانشان نوشته‌اند: چرا و به چه جرمی آنها محدود و محصور و از همهٔ حقوق شرعی و قانونی خود محروم و از دسترس علاقه‌مندان و خویشان و فرزندان خود دور شده‌اند و هر کس از قدرتمندان به هر زبان که می‌تواند با طعن و توهین به آنان به اقطاب قدرت تقرب می‌جوید. نکند نامحرمان و نااهلان به حریم انقلاب راه یافته‌اند! و همانگونه که امام راحلمان فرمودند انتقام او را از یاران و اطرافیان او می‌گیرند.

این تشکل در بیانیه فوق‌الذکر همچنین خاطرنشان کرده است: کدام تحلیلگر هوشمند سیاسی کشف کرده است که همهٔ مسئولان طراز اول انقلاب، اکثر اعضای شورای انقلاب، سران دولت‌های سه دهه نخست انقلاب، یاران نزدیک بنیانگذار انقلاب و... همه خائن وطن‌فروش، خود باخته و یا فاسد بوده‌اند؟

خاتمی: به جای حصر موسوی و کروبی، زندانیان باید آزاد می‌شدند

سید محمد خاتمی با انتقاد از حصر خانگی موسوی و کروبی و تهمت‌زنی به ایشان، هشدار داد که چنین اقدام‌هایی اعتراضات را متوجه اصل نظام می‌کند. خاتمی همچنین گفت: به جا بود که زندانیان که نوعاً انسان‌های امتحان داده و صادق و مؤمن‌اند آزاد شوند، نه اینکه این روزها شاهد دستگیری‌های گستردهٔ تازه و ایجاد محدودیت مجدد برای کسانی باشیم که اندکی از محدودیت آن‌ها کاسته شده بود و یا امید به کاسته شدن آنها می‌رفت.

مجمع روحانیون مبارز:

حصر یاران امام را خاتمه دهید

مجمع روحانیون مبارز در آخرین جلسهٔ خود، خواستار پایان هرچه سریع‌تر حصر مهدی کروبی و میرحسین موسوی، و «شناسایی مراکز هدایت و سازماندهی این جریانات فاسد» شد. این تشکل همچنین اشاره کرد: کدامین عقل سلیم می‌تواند رواج بد اخلاقی‌ها، اهانت‌ها، فحاشی‌ها و رفتارهای خلاف شرع و قانون و انصاف علیه شخصیت‌های ممتاز و سرمایه‌های انقلاب و بستگان آنان، آن هم به نام اسلام و از سوی نیروهای مشخص که معالاسف موج آن به پاره‌ای از نهادها رسمی نیز می‌رسد را به نفع انقلاب و منافع ملی و مردم ارزیابی کند؟

مجمع نمایندگان ادوار مجلس خطاب به مردم:

اجازه ندهید بیش از این جسارت به خرج دهند

مجمع نمایندگان ادوار مجلس شورای اسلامی در بیانیه‌ای خطاب به مردم ایران دربارهٔ کودتاگران هشدار داده‌اند: همان طوری که آرا مردم را جابجا و به سرکوب اعتراضات مردمی ادامه داده‌اند، با زندانی کردن دکتر زهرا رهنورد، فاطمه کروبی، مهدی کروبی و میر حسین موسوی گام دیگری درتکمیل نقض اصول قانون اساسی و قوانین آیین دادرسی‌ای که تمکین به آنها را ملت از حاکمیت مطالبه می‌کند، برداشتند.

مطهری: موسوی و کروبی به صدا و سیما دعوت شوند تا حرف‌شان را بزنند

علی مطهری، نماینده مجلس در واکنش به حصر و زندانی شدن مهندس موسوی و مهدی کروبی گفت: باید از همان ابتدا به معترضان اجازه تجمع می‌دادند تا حرف‌شان شنیده می‌شد و حتی موسوی و کروبی می‌آمدند در صدا و سیما و حرف‌شان را می‌زدند و پاسخ می‌گرفتند، هنوز هم دیر نشده و معتقدم باید آنها را دعوت کرد تا حرف‌شان را بزنند.

بیانیه پنجم شورای هماهنگی راه سبز امید منتشر شد

شورای هماهنگی راه سبز امید طی بیانیه شماره پنج خود، با بیان اینکه «روز سه‌شنبه، ۱۷ اسفند (هشتم مارس) فرصت دیگری برای پیوند «روزجهانی زن» با جنبش سبز مردم ایران در پیگیری مطالبات جامعه زنان ماست»، همراهی و همگامی خود را با برنامه‌های فعالان و نهادهای حوزه زنان برای پاسداشت این روز اعلام و از تبدیل آن به تجمع‌های اعتراضی نسبت به زندانی بودن دو بانوی سبز و رهبران جنبش حمایت کرد و همزمان از همراهان سبز خواست که فعالانه در برنامه‌های این روز شرکت نمایند.

روزنامه کلمه، شمارهٔ چهل و هفتم
شنبه، ۲۱ اسفند ۱۳۸۹، شمارگان: ما بیشماریم

کلمه
بنی الاسلام علی الکلمتین
کلمة التوحید و توحید الکلمة
WWW.KALEME.COM

آیا امروز قابل‌تصور است که حرکت مردم بر اثر بازداشته شدن همراهی از همراهی خاموش شود؟ اگر اینگونه باشد دستاوردهای چهل و پنج سال تاریخ معاصر خود را از دست داده‌ایم، و اگر چنین نباشد این نشانه‌ای از ریشه‌های انقلابی ماست. ما به اتکای این ریشه‌هاست که سبز شده‌ایم، ریشه‌هایی که اگر از آنها دور شویم به همان چیزی تنزل خواهیم کرد که مخالفان مردم آرزو می‌کنند.

میرحسین موسوی، بیانیهٔ ۱۴

زندانیان سیاسی

خانواده کروبی: پس از ۱۸ شب، چراغ‌های منزل روشن شد

خانواده مهدی کروبی شب گذشته مطابق هر روز مجددا به منزل والدینشان مراجعه نمودند و علیرغم زدن درب منزل و انتظار برای پاسخگویی؛ هیچ کسی اقدام به باز نمودن درب منزل و یا پاسخگویی نکرد. تنها نکته قابل تأمل، روشن بودن چراغ‌های پارکینگ و ورودی ساختمان و یکی از اتاق‌های خواب و اتاق نشیمن منزل بعد از ۱۸ شب خاموشی مطلق بود. لازم به توضیح است از نوزده روز قبل تاکنون خبری از مهدی کروبی و فاطمه کروبی نیست و هیچ اطلاعی از وضعیت ایشان و محل نگهداری آنان به دست نیامده است.

بی خبری از وضعیت هانی محمدزاده

هانی محمدزاده، دانشجوی ۱۹ سالهٔ دانشگاه شهید بهشتی، که از بهمن ماه ۸۸ بازداشت شده و اکنون در بند ۳۵۰ زندان اوین به‌سر می‌برد. به تحمل ۹ ماه حبس و ۸۴ ضربه شلاق محکوم شد که این حکم در دادگاه تجدیدنظر به ۶ ماه حبس و ۷۴ ضربه شلاق کاهش یافت.

حسین مرعشی آزاد شد

معاون رئیس‌جمهور در دولت دوم اصلاحات، پس از تحمل یک سال زندان، صبح امروز از آزاد شد.

بر اساس حکم صادر شده از سوی دادگاه، وی از شرکت و فعالیت در هرگونه حزب و موسسه‌ای که به کارهای سیاسی و فرهنگی و اجتماعی بپردازد، مادام‌العمر منع شده است.

آزادی سه تن از دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد

علی منصوری، احسان کاهوکار و محمد هرمزاده سه دانشجوی دانشگاه فردوسی که ۱۰ بهمن و اول اسفند بازداشت شده بودند، آزاد شدند اما از وضعیت محمد غفاریان هنوز خبری در دست نیست.

بی‌اطلاعی از وضعیت محمد نوری‌زاد

ده روز از بازگشت محمد نوری‌زاد به زندان اوین می‌گذرد در حالی که در این مدت هیچ تماسی با خانواده خود نداشته و خبری از وضعیت او در دست نیست. این جهادگر و کارگردان، به اتهام انتقاد از رهبری زندانی است.

آزادی دو تن از دانشجویان دانشگاه علم و صنعت

حامد تقی‌پور و ولی سجادی، دو دانشجوی دانشگاه علم و صنعت که به ترتیب در جریان تظاهرات ۲۵ بهمن و ۱ اسفند بازداشت شده بودند، با قرار وثیقه از زندان آزاد شدند.

عبدالله رمضان‌زاده، همچنان در سلول انفرادی بند دو الف زندان اوین

عبدالله رمضان‌زاده، سخنگوی دولت اصلاحات که دو هفته پیش به زندان بازگشت، همچنان در سلول انفرادی بند دو الف زندان اوین به سر می‌برد و درخواست رئیس بند دو الف برای نوشتن تقاضا برای مرخصی نوروزی را هم بی‌پاسخ گذاشته است.

رمضان‌زاده یکی از هفت شاکی از سردار مشفق به اتهام کودتای انتخاباتی است. از این هفت نفر، غیر از دو نفر که بیمارند و زیر نظر ماموران، تحت درمان هستند، بقیه به زندان بازگردانده شده‌اند.

پاسخ محسن امین‌زاده از زندان اوین به اظهارات کذب فرمانده ناجا

اقدام مأموران مسلح طرفدار یک نامزد در روز انتخابات، نشانه باخت نامزدشان بود

محسن امین‌زاده، رئیس ستاد اصلاح‌طلبان حامی میرحسین موسوی که اکنون در اوین زندانی است، در واکنش به سخنان فرمانده نیروی انتظامی که مورخ ۲۸ بهمن امسال در برنامه «دیروز، امروز، فردا» شبکه سه سیما پخش شد، نامه‌ای از اوین خطاب به ضرغامی رییس صدا و سیما نوشته است. امین‌زاده در این نامه سخنان فرمانده نیروی انتظامی را قصه‌های بی‌پایه و اساس نامیده و اعلام آمادگی کرده است که در این مورد با مدعیان مطرح‌کننده اکاذیب در باره فعالیت‌های ستاد قیطریه، در برنامه‌های زنده سیما، گفتگو و مناظره کند.

محسن امین‌زاده در این نامه می‌نویسد:

با سلام، پنج شنبه شب مورخ ۸۹/۱۱/۲۸ در برنامه «دیروز، امروز، فردا» شبکه ۳ سیما، فرمانده نیروی انتظامی مطالبی در مورد فعالیت ستاد اصلاح‌طلبان حامی میرحسین موسوی (ستاد قیطریه) در انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۸ مطرح کردند که عاری از حقیقت بوده و احتمالاً ساخته و پرداخته عواملی بوده که انتخابات ریاست جمهوری را به یک بحران تبدیل کردند.

اینجانب به عنوان مسئول ستاد قیطریه به صراحت اعلام می‌کنم که تمام فعالیت‌های ستاد در ایام تبلیغات انتخاباتی و تا لحظه تعطیلی، قانونی و بدون هرگونه تخلف بوده است. رسانه‌های فارسی زبان خارجی از جمله بی‌بی‌سی، نه تنها در ستاد دفتر و نماینده نداشته‌اند بلکه اعضای ستاد حتی یک مصاحبه هم با این رسانه‌ها نداشته‌اند. حمله‌کنندگان به ستاد در ساعات رأی‌گیری با لباس شخصی، با ظاهری شبیه اوباش، مسلح به سلاح گرم، باتوم، پنجه‌بکس، اسپری اشک‌آور و فاقد هرگونه حکم قضائی و حتی مدرک شناسائی بودند.

انجام عملیات ایذایی، اخلال‌گرایانه، در روز برگزاری انتخابات هرگز در سه دهه پس از انقلاب اسلامی سابقه نداشته است. به علاوه این اقدام بی‌سابقه توسط لباس شخصی‌هایی انجام شده بود که معلوم شد جزو کادر نیروی انتظامی کشور هستند. این تهاجم خشونت‌بار مؤید شایعاتی بود که از چند روز قبل درباره برنامه‌ریزی گروهی از مأموران امنیتی و نظامی برای برهم زدن انتخابات ریاست جمهوری در صورت بالارفتن احتمال پیروزی مهندس موسوی پخش شده بود.

طبعاً طرفداران کاندیدای برنده، در روز برگزاری انتخابات هرگز دست به اقدامی نمی‌زند که باعث اخلال در انتخابات و سوء ظن نسبت به سلامت آن شود. اقدام اخلال‌گرانهٔ مأموران مسلح طرفدار یک نامزد مؤید آن بود که اولاً از نظر آنها روند انتخابات به نفع کاندیدای مورد نظر آنها پیش نمی رود و وی بازنده است و نتیجه را واگذار خواهد کرد و ثانیاً احتمال آنکه آنان قصد برهم زدن انتخابات را داشته باشند جدی است.

حمله لباس شخصی‌ها به ستاد حامیان مهندس موسوی در زمان برگزاری انتخابات، اولین خبری بود که در سطح ایران و حتی در سطح جهان به منزله آغاز نا بسامانی و اغتشاش در انتخابات ریاست جمهوری تلقی گردید. بی‌تردید اگر روزی قرار شود در فضائی سالم، عادلانه و اخلاقی به بحران انتخابات ریاست جمهوری سال ۸۸ و عوامل واقعی پشت‌پرده ایجاد این بحران رسیدگی شود، پرونده این آشوب‌گران آغازگر بحران، حتماً اولویت خواهد داشت.

همچنین محسن امین‌زاده در این نامه، در ۵ بند، به تشریح جزئیات واقعهٔ حملهٔ مهاجمان مسلح طرفدار یک کاندیدا به ستاد قیطریه پرداخته است.

متن کامل نامهٔ محسن امین‌زاده را در سایت کلمه بخوانید.

فرزند ارشد مهدی کروبی خطاب به سردار نقدی:

مفسد فی‌الارض واقعی باید مجازات شود

محمدتقی کروبی، فرزند ارشد مهدی کروبی در واکنش به اظهارات سردار نقدی خطاب به وی گفت: «آقای نقدی! این تو هستی که به جرم شکنجه شهرداران و ریختن خون مردم، مفسد فی‌الارض هستی و باید مجازات شوی! آنانی که دستشان به خون ملت ایران آغشته هست، آنانی که گروگان‌گیری می‌کنند و به حقوق افراد تجاوز می‌کنند باید مجازات شوند و نه مردمی که به دنبال حقوق عادی و از دست‌رفته‌شان هستند.

آقای نقدی! شما و امثال شما بهتر است بدانید مدافعان ولایت فقیه در زمان امام، پاکترین نیروهای این کشور بودند؛ ولی حالا پست‌ترین افراد مثل مروان‌های صدر اسلام، مدافع وضع فعلی شده‌اند و اجازه به آنها داده شده است که به عمار و ابوذر انقلاب توهین کنند. خانواده کروبی بر خود می‌بالد که سه نسلش در اوین زندانی شدند.»

مصطفی تاج‌زاده با اشاره به صدور احکام طولانی مدت برای فعالان سیاسی:

نمی‌دانم چرا فکر می‌کنند که می‌توانند این احکام را اجرا کنند

سیدمصطفی تاج‌زاده در پاسخ به سوالی در خصوص احکام سیاسی صادر شده از سوی دادگاه‌های نمایشی برای دستگیرشدگان پس از انتخابات، صدور چنین احکامی را سیاسی، غیرقانونی و از پیش مشخص‌شده خواند و تاکید کرد: «جسم من در اختیار آن‌ها است، اما روحم، ایمانم، امیدم و آزادی‌ام هرگز. من آزاد زندگی کرده‌ام و به لطف پروردگار آزاد زندگی خواهم کرد؛ در اوین یا بیرون از آن.»

وی با ابراز اینکه هرگز از حق خداداد خود برای اندیشیدن، سخن گفتن و کار جمعی و حزبی کردن صرف نظر نخواهد کرد گفت: «نمی‌دانم بر چه اساسی تصور می‌کنند که می‌توانند ۱۰ سال خفقان ایجاد کنند که به امثال من حکم ۱۰ سال سکوت و انفعال داده‌اند. یعنی واقعاً فکر می‌کنند تا ۱۰ سال دیگر می‌توانند به چنین وضعی ادامه بدهند و چنین احکامی را اجرا کنند؟ از سوی دیگر صدور همین احکام نشانگر این است که در کشور یک کودتای واقعی اتفاق افتاده است که به علت حضور آگاهانهٔ مردم افشا شده است. این احکام نشانهٔ رفتار یک دولت کودتایی نامقتدر و نامشروع است، نه یک دولت ۲۴ میلیونی مقتدر و مشروع. ما پیروزیم؛ نه فقط به دلیل این‌که بی‌شماریم بلکه چون اخلاقی عمل می‌کنیم و به پیمان خود با مردم وفاداریم.»

اخبار کوتاه

تماس تلفنی سیدمحمد خاتمی با فرزندان رهنورد و موسوی

سید محمد خاتمی، در تماسی تلفنی با فرزندان میرحسین موسوی و زهرا رهنورد از حصر غیرقانونی موسوی و رهنورد ابراز تاسف کرد.

نایب رئیس مجلس: تصویب بودجه سال ۹۰ به امسال نمی‌رسد

شهاب‌الدین صدر در گفتگو با خبرنگار مهر اعلام کرد: نظر ما این است که لایحه بودجه حتما امسال تصویب شود اما با توجه به اینکه جلسات کمیسیون تلفیق از روز شنبه آغاز خواهد شد، قطعا نمی‌تواند تا پایان سال بودجه را تصویب کند و تصویب بودجه بعد از ۱۵ فروردین آغاز خواهد شد.

محمد صدر: نمی‌شود از آزادی مردم تونس و مصر دفاع کنند، ولی در داخل رفتار دیگری داشته باشند

محمد صدر در گفتگویی مفصل با سایت دیپلماسی ایرانی، دربارهٔ شباهت‌ها و تفاوت‌های انقلاب‌ها و حرکت‌های مردمی اخیر در منطقه سخن گفت که به دنبال آزادی و استقلال هستند. در بخشی از این گفتگو آمده است:

وقتی ایران از این خواست مردم مصر حمایت می‌کند نمی‌تواند در داخل رفتار دیگری داشته باشد. سیاست خارجی و داخلی نباید متفاوت باشد. قذافی مخالفین خود را سوسک و معتاد می‌نامد. اگر ما از خواست مردم لیبی حمایت کنیم و این رفتار قذافی را محکوم می‌کنیم، متقابلا رئیس دولت ایران نباید مخالفین خود را خس و خاشاک بنامد و باید حقوق آنها را رعایت کند.

آقای دادستان! تنها گناه مهسا زندگی مشترک با من است

در پی ادامه یافتن بازداشت مهسا امرآبادی، از بازداشت شدگان حوادث دهم اسفند ماه، همسر زندانی وی مسعود باستانی، در نامه‌ای خطاب به دادستان تهران، نسبت به تداوم وضعیت فعلی به وی هشدار داد. باستانی خطاب به عباس جعفری دولت‌آبادی خاطرنشان می‌کند «به من حق بدهید که نگران باشم چرا که وقتی می‌شنوم در ملا عام با فائزه هاشمی که دختر یکی از مقام‌های عالی رتبه نظام است اینگونه رفتار می‌شود و چنین الفاظ رکیک و رفتار وقیحانه‌ای با او صورت می‌گیرد چه تضمینی برای من که زندانی هستم و همسرم در بازداشتگاه بند دو الف به سر می‌برد، باقی می‌ماند.»

صادق زیباکلام: شرایط جدید کاندیداتوری مجلس، پایمال کردن حقوق ملت است

صادق زیباکلام در واکنش به مصوبه اخیر مجلس در خصوص شرایط کاندیداتوری مجلس گفت: محدودیت‌های جدید به وجود آمده، عملا تجاوز بیشتر به حقوق شهروندی و حق حاکمیت مردم است و لذا اینگونه طرح‌ها باعث می‌شود هر چه به جلو گام برمی‌داریم، اصل انتخابات آزاد که یکی از خواسته‌ها و انتظارات انقلاب اسلامی بوده است به هر شکل خدشه‌دار و تحت هر عنوان محدودتر شود که این مساله مغایر با فلسفه دموکراسی است. متاسفانه بخش عمده‌ای از خواسته‌های مردم و انقلاب در نتیجه مکانیزم نظارت استصوابی خدشه‌دار شده است و بخش‌های دیگر آن نیز با تصمیم‌گیری‌های جدید مجلس مورد تعرض قرار گرفته است.

روزنامه کلمه، شمارهٔ چهل و هشتم
دوشنبه، ۱۵ فروردین ۱۳۹۰، شمارگان: ما بیشماریم

کلمه
بنی الاسلام علی الکلمتین
کلمة التوحید و توحید الکلمة
WWW.KALEME.COM

گزارشی از اخبار دو هفتهٔ ابتدایی سال ۱۳۹۰

سال آگاهی تا رهایی

کلمه: با شروع نوروز و آغاز تعطیلات میزان فعالیت‌های رسانه‌ها نیز کاهش یافت اما هیچگاه اتفاق‌ها باز نمی‌ایستند. سال ۱۳۹۰ پرخبر آغاز شد.

این گزارش سعی دارد تا گلچینی از اتفاق‌های دو هفته اخیر را که کمتر در رسانه‌های انحصارگرای رسمی بازتاب می‌یابد ارائه کند، تا مخاطبانی که در دو هفتهٔ ابتدای سال کمتر به سایت‌ها و رسانه‌های مستقل خبری دسترسی داشتند در جریان خلاصه مواضع و اخبار قرار گیرند.

شنبه ۲۸ اسفند ۸۹

فرزندان میرحسین و کروبی: بهار که بیاید نه ظلم می‌ماند و نه زنجیر

سال ۱۳۸۹ با پیام‌های میرحسین موسوی، زهرا رهنورد و مهدی کروبی به مناسبت سال جدید آغاز شد اما سال ۸۰ به دلیل حصر این افراد، خانواده آنها این رسالت را بر عهده گرفتند و به مناسبت سال ۱۳۹۰ پیامی را منتشر کردند.

در این پیام آمده است: سال ۱۳۸۹ به پایان رسید، سال صبر و استقامت، سال پشت در ایستادن‌ها و انتظار کشیدن‌ها. سالی حماسی بود برای همه ما.

یکشنبه ۲۹ اسفند ۸۹

سال آگاهی تا رهایی

رسانه‌های سبز ایران، به تأسی از همراهان جنبش سبز آقایان میرحسین موسوی و مهدی کروبی، سال ۱۳۹۰ را سال «آگاهی تا رهایی» پیشنهاد کردند و خاطرنشان ساختند که صد سال پایداری و استقامت در راه مبارزه با استبداد در ایران به ما آموخته است که آگاهی چشم اسفندیار دیو استبداد و تمامیت‌خواهی است و امروز نیز گسترش آگاهی‌ها ارزشمندترین سرمایهٔ ما برای حضوری پردوام در راه سبز امید است.

اول فروردین ۹۰

زندانیان سیاسی؛ از مرخصی ۲۰ نفر تا محرومیت از حق ملاقات و تماس تلفنی در سال نو

تنها ۲۰ نفر از صدها زندانی سیاسی در سال جدید به مرخصی آمدند و صدها نفر در زندان حتی از ملاقات و تماس تلفنی هم محروم شدند.

سوم فروردین ۹۰

نامه سرگشاده مادر مهدی محمودیان روزنامه‌نگار زندانی و از افشاگرانِ اولیهٔ بازداشتگاه کهریزک

در این نامه مادر مهدی محمودیان، خطاب به قوه قضائیه نوشت: دیگر نمی‌گویم دین ندارید. از شما می‌پرسم آیا عمروعاص را می‌شناسید؟

سید یاسر خمینی: موسوی و کروبی دو یار صدیق امام

نوه امام خمینی در دیدار با علی کروبی، سومین فرزند مهدی کروبی که از زندان آزاد شده بود، موسوی و کروبی را دو یار صدیق امام نامید و ضمن محکوم کردن حصر و حبس آنها و همسرانشان، این حصر یا بازداشت ابداعی را امری غیرقابل قبول دانست.

یاد شهدای جنبش سبز در حافظیه شیراز

لحظات تحویل سال نو در حافظیه شیراز همراه با شعارهای مردم در تجلیل از شهدا و یاد اسرای جنبش سبز شده بود.

چهارم فروردین ۹۰

پیام جمعی از زندانیان سیاسی اوین: هرگز بخاطر دیدن بهار با زندانبان معامله نمی‌کنیم

جمعی از زندانیان سیاسی بند ۳۵۰ اوین، هم زمان با آغاز سال نو، با انتشار بیانیه‌ای خطاب به ملت ایران تاکید کردند: روز نوی ما وقتی ساخته می‌شود که کسی به خاطر عقایدش راهی زندان نشود و هیچ قلمی به خاطر نقد قدرت شکسته نشود.»

هشتم فروردین ۹۰

آیت‌الله وحید خراسانی: به خاطر عملکردها اعلام خطر می‌کنم

آیت‌الله حسین وحید خراسانی، از مراجع تقلید شیعه، به درخواست برخی اعضای جامعه مدرسین حوزه علمیه قم برای تعدیل اظهاراتش پاسخ منفی داده بود و تاکید کرد که انتقاداتش از برخی عملکردها، با اندیشهٔ قبلی بوده، با اعتقاد بیان شده، از باب حق‌گویی و حق‌طلبی بوده و ادامه خواهد داشت.

آیت‌الله‌العظمی وحید خراسانی در ادامه ای پاسخ تاکید می‌کند: تمام چیزهایی که من گفته‌ام، فکر کردم و با اعتقاد بیان داشته‌ام و برگشتی هم وجود ندارد. اشخاص مهم‌ترند یا اسلام؟ بنیانگذار جمهوری اسلامی الان کجا هستند؟ آقای خامنه‌ای و من تا کی خواهیم ماند؟

تهدید فعالان اقتصادی به زندان، در صورت تبعیت نکردن از سیاست‌های اقتصادی دولت

یکی از نمایندگان اصولگرای مجلس، ابعادی از اجرای قانون هدفمند کردن یارانه‌ها را بیان کرد که پیش از این در رسانه‌های دولتی مطرح نشده بود. او فاش کرد که دولت با تهدید مستقیم فعالان اقتصادی به زندان، در صورت عدم تبعیت از دولت، این قانون را اجرا کرده است.

نهم فروردین ۹۰

بی خبری از میرحسین و رهنورد

میرحسین موسوی و زهرا رهنورد پس از تماس کوتاه تلفنی در اول فروردین با خانواده، هیچ‌گونه ارتباط تلفنی دیگر و یا دیداری تا تاریخ ۹ فروردین با آنها نداشته‌اند و مقامات مسوول امنیتی، قضایی از دیدار و تماس با فرزندان ممانعت به عمل آوردند. علی‌رغم مراجعات مکرر خانواده آقای موسوی وخانم دکتررهنورد به مقابل خانه پدری خود واقع در خیابان پاستور، با ممانعت ماموران امنیتی موفق به دیدار و یا تماس با پدر و مادر خود نشدند.

درگذشت محسن دکمه‌چی، زندانی سیاسی در اوین

کانون حمایت از خانواده جان‌باختگان و بازداشتی‌ها، از درگذشت محسن دکمه‌چی در زندان اوین خبر داد. اما مقامات قضایی در این باره اظهار نظر نکردند.

دهم فروردین ۹۰

درگذشت پدر میرحسین موسوی و ایجاد جو امنیتی

حاج میر اسماعیل موسوی پدر میر حسین موسوی در این تاریخ دارفانی را وداع گفت. وی پس از حصر و بازداشت خانگی میرحسین مدام سراغ فرزند خود را می‌گرفت چرا که پیش از آن به صورت منظم با ایشان ملاقات داشت.

آخرین وداع؛ بوسه بر پیشانی پدر

میرحسین موسوی در شب ۱۰ فروردین در فضایی پلیسی و امنیتی، در منزل پدری حضور یافت تا با پدر مرحومش، میراسماعیل موسوی، وداع کند.

بر اساس این گزارش، موسوی در حالی که ماموران برای لحظه‌ای رهایش نمی‌کردند و حتی داخل خانه را نیز پر کرده بودند، بر سر جنازه پدر حاضر شد، پارچه را کنار زد، پیشانی پدر را بوسید و برای آخرین بار با او خداحافظی کرد و برایش دعا کرد و فاتحه خواند.

میرحسین در همان لحظات کوتاه حضورش در خانه پدر، از بدو ورود تا زمان خروج، تنها یک واژه بر لبش بود: صبر، صبر و باز هم صبر. او که با برخوردهای زشت و زننده ماموران مواجه بود، در اوج آرامش و متانت به اطرافیان توصیه کرد که مقاوم باشند، آرامش خود را حفظ کنند و صبر پیشه کنند.

اطلاعیه فرزندان میر اسماعیل موسوی و پیام تسلیت خانواده مهدی کروبی

در پی درگذشت میر اسماعیل موسوی، فرزندان وی اطلاعیه‌ای صادر کردند. همچنین خانواده مهدی کروبی هم پیام تسلیتی صادر کردند که با این جمله آغاز می‌شد: انا لله و انا الیه راجعون. پدری از بند آزاد شد و پسری که هنوز در بند ناعادلانه‌ای گرفتار آمده است.

لغو مرخصی شماری از زندانیان سیاسی همزمان با مراسم تشییع جنازه پدر میرحسین موسوی

ساعتی پس از انتشار خبر در گذشت پدر بزرگوار مهندس موسوی نیروهای امنیتی شتابزده با اعلام لغو مرخصی جمعی از زندانیان سیاسی در ساعات غیر اداری از آنان خواستند تا صبح فردا به زندان اوین بازگردند. مرخصی محسن میردامادی، عبدالله رمضان‌زاده، فیض‌الله عرب‌سرخی و شماری دیگر از فعالان اصلاح‌طلب لغو شد.

یازده فروردین ۹۰

پیام‌های تسلیت شخصیت‌ها در پی درگذشت میراسماعیل موسوی

پیام‌های تسلیت شخصیت‌های مختلف و گروه‌ها به میرحسین موسوی، به شرح زیر منتشر شد: سیدمحمد خاتمی، آیت‌الله صانعی، اکبر هاشمی رفسنجانی، بیت آیت‌الله منتظری، خانواده شهید دکتر بهشتی، آیت‌الله بیات زنجانی، مجمع مدرسین و محققین حوزه علمیه قم، آیت‌الله موسوی اردبیلی، آیت‌الله دستغیب، خانواده و فرزندان مرحوم آیت‌الله طالقانی، خانواده‌های زندانیان سیاسی، جمعی از بانوان سیاسی زندانی زندان‌های اوین و رجایی شهر، همسر شهید همت و همسر شهید باکری، سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی و...

برگزاری نیمه‌تمام مراسم تشییع جنازه در شرایط امنیتی

قرار بر این بود که مراسم تشییع پیکر مرحوم حاج میراسماعیل موسوی پدر مهندس میرحسین موسوی صبح پنجشنبه ۱۱ فروردین با حضور خانواده‌ایشان و مردم برگزارشود، اما با دخالت و حضور بسیار پررنگ نیروهای امنیتی نیمه تمام ماند.

ساعت ۹ صبح پیکر مرحوم میر اسماعیل موسوی از منزل خارج و بردوش مردم تشییع شد. اما به محض عبور جمعیت از کوچه شهید اکبرنژاد و ورود آن‌ها به خیابان ۱۵خرداد، صدها تن از ماموران انتظامی و امنیتی با هجوم به مشایعت‌کنندگان پیکر را از دست مردم خارج و به طرز غیرمودبانه و با پرخاش‌گری داخل آمبولانس گذاشتند و آمبولانس را از محل خارج کردند و با مردم تشییع‌کننده برخورد کردند.

به گفتهٔ ناظران، در این میان حاج میرحسن موسوی پدر شهید سیدعلی موسوی که رفتار ماموران را با مردم نمی‌توانست قبول کند، زبان به اعتراض گشود که بلافاصله دستگیر و به محل نامعلومی انتقال داده شد. وی ساعاتی بعد آزاد شد.

دوازده فروردین ۹۰

نامه و اعتصاب غذای محمد نوری‌زاد در زندان اوین

محمد نوری‌زاد، زندانی سیاسی محبوس در «بند دو الف» زندان اوین، طی نامه‌ای خطاب به دادستان تهران، اعتصاب غذای خود را اعلام کرد.

انتقال فخرالسادات محتشمی‌پور چند روز پس از اعتصاب غذا به بیمارستان

فخرالسادات محتشمی‌پور، همسر سیدمصطفی تاجزاده از شاکیان کودتای انتخاباتی چند روز پس از اعتصاب غذا روانه بیمارستان شد.

لغو مراسم ختم میراسماعیلی موسوی

مراسم ختم میراسماعیل موسوی که قرار بود یکشنبه برگزار شود لغو شد. در پی لغو مراسم، خانواده موسوی، اطلاعیه‌ای کوتاه در باب لغو مراسم منتشر کردند.

سیزده فروردین ۹۰

پیام تسلیت سیدحسن خمینی به میرحسین موسوی

حجت‌الاسلام و المسلمین سیدحسن خمینی، یادگار امام در پیامی به مهندس میرحسین موسوی، درگذشت پدرشان را تسلیت گفت.

روزنامه کلمه، شمارهٔ چهل و نهم
شنبه، ۲۰ فروردین ۱۳۹۰، شمارگان: ما بیشماریم

کلمه
بنی الاسلام علی الکلمتین
کلمة التوحید و توحید الکلمة
WWW.KALEME.COM

روایتی از ضرب و شتم داماد میرحسین استاد دانشگاه و برادر سه شهید

گفته‌اند که «کل یوم عاشورا و کل ارض کربلا» یعنی که هر روزی، عاشورایی دیگر است و هر سرزمینی، کربلایی دیگر؛ و شاید این یعنی که برای هرکس، آن لحظه آزمایش و امتحان، آن معرکه حماسه و شجاعت و آن اوج غربت و مظلومیت، دست‌کم یک بار در زندگی تکرار می‌شود.

برای میرحسین و خانواده‌اش، اگر در سالیان دور و نزدیک چنین تجربه‌ای نبود – که بود و بارها هم بود – این چند روز تجربه‌ای از چنین روزهای عاشوراگونه‌ای بود: تلفیق مظلومیت و حماسه، که از یک سو تعالی روح آنها را سبب می‌شود و از سوی دیگر، دنائت و جنایت‌پیشگی قدرت‌مداران را فاش می‌کند.

تک‌جمله‌ای در روزهای گذشته در شبکه‌های اجتماعی دست به دست شد که چنین بود: وقتی مادر مهندس فوت شد میر حسین نخست‌وزیر بود و چون از قبل برنامه کاشان داشت فقط آمد مادر را بوسید و رفت؛ مراسم تشیع نبود. داخل هلی‌کوپتر سر به دیوار آهسته گریه می‌کرد. وقتی پدرش که به هم خیلی وابسته بودند فوت کرد، فقط آمد جسد را بوسید و رفت.

اکنون دکتر علی شکوری راد که خود او نیز در حاشیهٔ مراسم در تشییع میراسماعیل موسوی، برای مدت کوتاهی بازداشت شده بود، در وبلاگ شخصی‌اش تصویری از دکتر جواد سلیمی، داماد مهندس موسوی، را که صورتش بر اثر ضرب و شتم ماموران آسیب دیده، منتشر کرده و به شرح بخشی از ماوقع آن روز و نیز به گوشه‌ای از بازجویی‌های این برادر سه شهید اشاره کرده است؛ کسی که تا پدرش فوت نکرد، بسیاری از همکارانش نمی‌دانستند که او برادر سه شهید است که دو تن از آنها از فرماندهان دفاع مقدس بوده‌اند.

عکسی که دکتر شکوری راد منتشر کرده، مربوط به روز چهاردهم فروردین است که همکارش دکتر سلیمی در محل کار حضور یافته، یعنی سه روز پس از حادثه.

متن یادداشت علی شکوری راد را (به طور خلاصه) به نقل از وبلاگش در ادامه بخوانید، که در شرح مظلومیت خانواده موسوی در شب هفت مرحوم میراسماعیل موسوی، همین کافی است:

مشت محکمی بر گوشهٔ چشم چپش فرود آمد و عینکش را روی صورتش خرد کرد و بلافاصله مشت دیگری به چشم راستش. این پاسخی بود به اعتراض او به مرد درشت هیکلی که پنجهٔ قوی خود را به بازوی زن چادری استغاثه کننده ای، که جرمش فریاد «یا حسین» بود، افکنده و وی را در مقابل چشمان حیرت‌زدهٔ جمعیت، کشان کشان می‌برد و گاهی ضربه‌ای نیز بر او وارد می‌کرد. غیرت مسلمانی به او اجازه نداده بود که در برابر این صحنه، تنها نظاره‌گر باشد.

غیرت و شهامت سه برادر شهیدش در وجودش به غلیان در آمد و اعتراضش را ادامه داد. همین شد که چند نفر از مأموران امنیتی که لباس شخصی بر تن داشتند بر سر او ریختند و او را در حالی که از خود دفاع می‌کرد زیر ضربات مشت و لگد گرفتند و سپس کشان کشان از جمعیت مردم جدا کردند و در کنار دیوار، جائی که جز خودشان کسی نبود نگه داشتند. در این حال مأموری لباس شخصی و سپید موی که سن پدر جواد را داشت در پیش چشم مردمی که نظاره‌گر بودند همچنان به او لگد می‌زد. جواد که صورتش خونین و لباس‌هایش پاره شده بود دیگر رمق و تاب ایستادن نداشت و روی همان دیواری که تکیه زده بود، سُر خورد و روی پاهایش نشست.

لحظاتی بعد بر دستانش دستبند زدند و درون یک سواری نشاندند. در آنجا بود که یکی دیگر از خیل مأموران دو مشت دیگر به صورت او کوفت تا به گفتهٔ خودش تلافی کرده باشد. بر چشمان مجروحش نیز چشم‌بند زدند و بردندش.

او تنها نبود. چند نفر دیگر از نوه‌های غیور آن مرحوم، پدر میرحسین، که جمعیت برای تشییع پیکر بی‌جان او گرد آمده بودند و نیز داماد آن مرحوم را نیز که پدر دو شهید بود و برای وساطت به میان آمده بود، بازداشت کرده و با خود بردند.

از ۱۵ سال پیش که با جواد در بیمارستان همکار شده‌ام، او را می‌شناسم. دانش‌آموختهٔ طب و دارای تخصص جراحی عمومی و فوق‌تخصص جراحی عروق بوده و اکنون عضو هیأت علمی دانشگاه با رتبهٔ استاد تمامی و نیز عضو تیم پراهمیت پیوند کبد است. با آنکه داماد مهندس میرحسین موسوی، نخست وزیر پرافتخار و محبوب دوران امام و جنگ تحمیلی‌ست، اما چندان وجهه و فعالیت سیاسی نداشته است.

تا پیش از آنکه چندی پیش پدر رنج کشیده‌اش به رحمت خدا برود و معرفی پدر موجب معرفی او نیز بشود، بسیاری از همکاران نمی‌دانستند او افتخار برادری سه شهید را دارد. شهدائی که دو تن از آنان از فرماندهان جبهه‌های جنگ در دفاع از اسلام و میهن بوده‌اند.

روز یکشنبه ۱۴ فروردین، وقتی به بیمارستان آمد چشمان کبودشدهٔ

او حکایت مزدی بود که بابت ایثارگری خود و خانواده‌اش و نیز تلاش بی‌وقفهٔ علمی، که او را در سن ۴۵ سالگی به رتبهٔ استاد تمامی رسانده بود، دریافت کرده بود. کشور به دستاورد ایمان، ایثار و ازجان‌گذشتگی و شهادت مردمانش می‌بالد و افتخار می‌کند اما اینچنین از آنها قدرشناسی می‌شود.

دکتر جواد سلیمی، استاد دانشگاه و برادر سه شهید را با صورتی خون‌آلود و با چشم بند، در حالی که تمام بدنش درد می‌کرد، به پای میز بازجوئی بردند. فردی که معلوم نیست که بوده، چقدر درس خوانده و چه خدمتی به کشور و ملت کرده و ارزش وجودی‌اش چقدر است، او را بازجوئی می‌کند.

می پرسد: چرا بازداشت شدی؟ او می‌گوید: دیدم یک زن چادری را، که گفته می‌شد شعار یا حسین سر داده است، مأموری لباس شخصی و درشت هیکل گرفته است و کشان کشان می‌برد و در همان حال او را می‌زند. اعتراض کردم که چرا با یک زن نامحرم و در پیش چشم مردم این‌گونه رفتار می‌کنید... بازجو سخنش را قطع می‌کند و می‌گوید: جفنگ نگو!

دیگر چه بگوید این دکتر مجروح دل شکسته! همهٔ آنچه روزگاری ارزش بوده است و برای آن انقلاب شده است، اکنون از نظر آنان جفنگیاتی بیش نیستند.

جواد دیگر حرفی برای گفتن ندارد و در خود فرو می‌رود.

... و چه می‌دانی که جواد کیست و اکنون به چه می‌اندیشد و در درون خود چه می‌کشد.

اخبار کوتاه

پیام تسلیت سیزده تن از دولت اصلاحات به میرحسین موسوی

سیزده تن از اعضای هیات دولت اصلاحات درگذشت حاج میراسماعیل موسوی را به مهندس موسوی تسلیت گفتند.

عبدالواحد موسوی لاری، بیژن زنگنه، اسحاق جهانگیری، حبیب الله بیطرف، سید صفدر حسینی، محمود حجتی، سید احمد معتمدی، پزشکیان، ناصرخالقی، احمد خرم، معصومه ابتکار، علی صوفی، محمد ستاری‌فر

تجمع کارگران اخراجی پالایشگاه آبادان

روز یکشنبه ۱۴ فروردین ماه ده‌ها کارگر اخراجی دو شرکت ساختمان نصب و فراب جهت بازگشت به کار در مقابل درب پالایشگاه آبادان تجمع کردند. اخیرا پالایشگاه آبادان اقدام به تصفیه حساب کارگران کرده است.

قابل ذکر است که کارگران قسمت تعمیرات و خدمات و هم چنین برخی از رانندگان که با شرکت‌های پیمانی در پالایشگاه آبادان کار می‌کنند، بین سه تا شش ماه حقوق معوقه خود را طلب دارند.

چهار میلیون بیکار؛ نرخ واقع بیکاری: ۱۷ تا ۲۰ درصد

در پی سکوت مرکز آمار و اعلام خوش‌بینانه نرخ ۱۰ درصدی بیکاری توسط رئیس دولت، برخی کارشناسان اقتصادی ایران این نرخ را ۱۷ درصد و فعالان عرصه اشتغال حتی بیش از ۲۰ درصد برآورد کرده‌اند. این نرخ‌ها مبین وجود بیش از چهار میلیون بیکار در کشور است.

افزایش ناگهانی آمار کشته‌شدگان سوانح نوروز

در حالی که پیش از این سازمان امداد و نجات هلال احمر کشور، شمار قربانیان تصادف‌های نوروزی را ۳۰۸ نفر اعلام کرده بود، دیروز سازمان پزشکی قانونی کشور اعلام کرد که ۱۲۰۴ نفر در ایام نوروز در حوادث رانندگی کشته شده‌اند.

عبدالرزاق برزگر، معاون پزشکی و آزمایشگاهی سازمان پزشکی قانونی کشور گفت: آمار ذکر شده از تلفات، آمار اولیه این سازمان است که به صورت فوری از استان‌ها گردآوری شده است.

پیش از این نهادهای مربوطه، نوروز امسال را کم تلفات‌ترین نوروز از لحاظ کشته‌شدگان سوانح رانندگی اعلام کرده بودند.

وضعیت بد جسمی و روحی سام محمودی، دبیر سرویس کتاب روزنامه شرق در زندان

سام محمودی سرایی، دبیر سرویس کتاب روزنامه شرق که دهم اسفند سال ۱۳۸۹ بازداشت شده است، از نظر جسمی و روحی دارای وضعیتی نگران‌کننده است.

به گزارش خبرنگار کلمه، وضعیت این این روزنامه‌نگار که از مشکل مزمن میگرن و دستگاه گوارش رنج می‌برد در زندان وخیم شده است.

وی به دلیل بیماری باید از مصرف برخی غذاها خودداری کند و داروهایش را به‌طور مرتب استفاده کند اما در زندان این موضوع رعایت نمی‌شود.

سام محمودی از زمان بازداشت تاکنون از ملاقات حضوری محروم بوده و تنها چند بار توانسته با خانواده‌اش تماس تلفنی بگیرد. این روزنامه‌نگار هم‌اکنون در بند قرنطینه زندان اوین به‌سر می‌برد.

زندانیان سیاسی رجایی‌شهر: از یکشنبه اعتصاب غذا می‌کنیم

جمعی از زندانیان سیاسی زندان رجایی شهر کرج با انتشار بیانیه‌ای اعلام کردند، از روز یکشنبه دست به اعتصاب غذا خواهند زد.

در این بیانیه آمده است: ما زندانیان زندان رجایی شهر در اعتراض به احضارها، بازداشت‌ها، تهدیدات و فشارهای وارد بر خانواده‌های زندانیان صنفی، سیاسی و حقوق بشری و فشارها و محدودیت‌های غیرقانونی و غیرانسانی تحمیل شده بر صدها زندانی سیاسی و غیرسیاسی و در همبستگی با خانم محتشمی‌پور از روز یکشنبه تا زمان تغییر رفتار کارگزاران امنیتی و قضایی با زندانیان و خانواده های آنها دست به اعتصاب غذا خواهیم زد.

نرگس محمدی خطاب به دادستان: ما و زندانیان، انسان و هموطنان شما هستیم

نرگس محمدی همسر تقی رحمانی در نامه‌ای به دادستانی با عنوان اینکه «ما و زندانیان، انسان و هموطنان شما هستیم» به تشریح وضعیت همسرش پرداخته و آورده است: چه دشوار است که شاهد باشیم قانون توسط برخی حافظان آن یعنی برخی از مسئولان نه تنها پاس داشته نمی‌شود بلکه زیر پا گذاشته می‌شود و عملکرد غیرقانونی توسط برخی رواج داده شده و این اقدامات اموری عادی تلقی می‌شوند و معترضان به نقض قانون، پاسخی درخور و شایسته نمی‌یابند.

خانم محمدی در این نامه، به نگهداری همسرش در انفرادی بدون هواخوری، قطع هرگونه تماس تلفنی یا ملاقات و عدم دسترسی به وکیل، اعتراض کرده است.

بنی الاسلام علی الکلمتین
کلمة التوحید و توحید الکلمة

کلمه

WWW.KALEME.COM

روزنامه کلمه، شمارهٔ پنجاهم
دوشنبه، ۲۲ فروردین ۱۳۹۰، شمارگان: ما بیشماریم

آیا امروز قابل‌تصور است که حرکت مردم بر اثر بازداشته شدن همراهی از همراهی خاموش شود؟ اگر اینگونه باشد دستاوردهای چهل و پنج سال تاریخ معاصر خود را از دست داده‌ایم، و اگر چنین نباشد این نشانه‌ای از ریشه‌های انقلابی ماست. ما به اتکای این ریشه‌هاست که سبز شده‌ایم، ریشه‌هایی که اگر از آنها دور شویم به همان چیزی تنزل خواهیم کرد که مخالفان مردم آرزو می‌کنند.

میرحسین موسوی، بیانیهٔ ۱۴

سرمقاله

نفاق چیست؟ منافق کیست؟

واژه «منافق» و «نفاق» واژه‌ای است که در قرآن مجید و روایات مکرر به کار رفته و حتی در قرآن مجید سوره‌ای به نام «منافقون» و درباره آنان آمده و در آن به برخی از اعمال و ویژگی‌های آنان اشاره شده است. صفت نفاق در ادبیات اسلامی بسیار منفی و زشت شمرده شده به گونه‌ای که منافق بدتر از کافر و مشرک خوانده شده است (نساء/۱۴۵).

منافق ویژگی‌هایی دارد که از جمله مهم‌ترین ویژگی‌ها مطابق آیات و روایات اسلامی امور زیر است:

۱. منافق از دین استفاده ابزاری می‌کند. از مهمترین ویژگی‌های منافق این است که به دین یا اخلاق اعتقاد قلبی ندارد اما وانمود می‌کند که اعتقاد دارد تا از این راه بهره‌ای ببرد.

۲. دروغ، خلف وعده، خیانت در امانت از ویژگی‌های منافق است. در آیات متعددی از قرآن مجید این سه ویژگی به منافقان نسبت داده شده است. نفاق بر دروغ استوار است و منافق دائما در سخن و عمل خود دروغ می‌گوید. او وعده می‌دهد و عمل نمی‌کند و امانت را رعایت نمی‌کند و در آن خیانت می‌کند.

۳. منافق از صدای مخالف هراسان است. وحشت زده است و هر صدایی را برای خود خطری احساس می‌کند و جلو آن را می‌گیرد.

۴. منافق می‌گوید و عمل نمی‌کند. دیگران را از اعمالی نهی می‌کند که خود آنها را ترک نمی‌کند و دیگران را به اعمالی ترغیب می‌کند که خود انجام نمی‌دهد.

۵. منافقین موضع ثابتی ندارند.

متن کامل این مقاله را در سایت کلمه بخوانید.

اخبار کوتاه

عددسازی و اطلاع‌رسانی غلط سازمان بورس برای بالابردن شاخص سهام

با وجود اینکه بسیاری از کارشناسان و متخصصان بازارهای سهام از حبابی بودن و رشد بیش از حد بورس ابراز نگرانی و کنترل بورس را به سازمان بورس توصیه می‌کنند، اما این سازمان بی‌توجه به توصیه کارشناسان و دلسوزان ضمن ارائه اطلاعات غلط و گمراه کننده به رشد بیش از حد بورس دامن می‌زند.

در آخرین نمونه از ارائه اطلاعات غلط و گمراه‌کننده توسط سازمان بورس؛ گزارش عملکرد بازار اوراق بهادار برای ماه منتهی سازمان بورس با تحریف واقعیت و محاسبه عجیب، سود پیش‌بینی شده بورس را افزایش داده تا باز هم جذابیت برای جذب سرمایه‌های جدید داشته باشد.

تیر خلاص وزارت صنایع بر معادن سنگ

برخلاف وعده‌ها و درحالی که با اجرای قانون هدفمندی یارانه ها و بالا رفتن هزینه‌های تولید پیش‌بینی می‌شد دولت اقدامات حمایتی را در برخی بخش‌های صنعتی افزایش دهد تصمیم عجیب وزارت صنایع در افزایش تعرفه صادرات‌سنگ‌های تزیینی فعالان و شاغلین بخش معدنی کشور را شوکه کرده است.

به گزارش عصرایران ، بر اساس بخشنامه‌ای که از سوی وزارت صنایع و معادن صادر شده، تعرفه‌ها صادرات سنگ های تزیینی به ۷۰ درصد افزایش یافته است. به گفته کارشناسان اقتصادی با این تصمیم عملا صادرات این بخش از اقتصاد ایران به کما رفته و دها هزار فرصت شغلی به خطر افتاده است.

۸ ماه در بازداشت موقت، اما این سخت‌ترین قسمت ماجرا نیست

همسر ستوده: ماموران با فرزندان نسرین مانند اسرای جنگی برخورد می‌کنند

نسرین ستوده، حقوقدان، وکیل دادگستری و فعال اجتماعی بیش از هشت ماه است که در یکی از سلول‌های بند ۲۰۹ زندانی است. او وکالت پرونده‌های بسیاری از فعالان حقوق بشر، فعالان حقوق زنان، کودک‌آزاری و کودکان در معرض اعدام و خانواده‌های تعدادی از کشته‌شدگان حوادث پس از انتخابات را برعهده داشته است.

خبرنگار کلمه در مصاحبه با رضا خندان، همسر نسرین ستوده، از آخرین وضعیت این زندانی سیاسی که از حقوق اولیه یک زندانی هم محروم است جویا شده است:

*** از آخرین وضعیت روحی و جسمی خانم ستوده بگویید آیا ایشان همچنان در بند ۲۰۹ زندان اوین نگهداری می‌شوند؟**

وضعیت روحی همسرم با وجود سنگین‌ترین فشارهایی که مخصوصا در تعطیلات عید به او وارد شد، خوب است ولی از نظر بینایی دچار مشکلاتی شده است اما به درخواستش برای مراجعه به چشم پزشک هم اعتنایی نمی‌کنند.

*** آقای خندان! با اینکه ماه‌ها از بازداشت همسرتان می‌گذرد اما هنوز ایشان به بند عمومی منتقل نشده‌اند؟**

بله .بازداشت همسرم وارد هشتمین ماه‌اش شده است اما هنوز در بند ۲۰۹ است.

*** آیا ایشان در سلول انفرادی نگهداری می‌شوند؟**

در حال حاضر با یک زندانی دیگر نگهداری می‌شود ولی در روزهای پایانی سال بعد از اینکه هم‌سلولی‌اش آزاد شد، در انفرادی بود. در سال جدید هم با رفتن هم‌سلولی جدیدش دوباره تنها ماند که در اعتراض به این مساله مجبور به اعتصاب غذا شد و اکنون با زندانی دیگری هم‌سلول شده است.

*** خانم ستوده نوروز هم به مرخصی نیامدند برای گرفتن مرخصی برای ایشان شما چه اقدامی کرده‌اید؟**

من به مدت ۳ روز کامل در دادستانی حاضر شدم و یک نامه کلی در مورد شرایط بازداشت و ملاقات‌ها و دو فرم تقاضای ملاقات حضوری دادم، با وجود اینکه دادستان در مقابل ۳۰ نفر از خانواده‌ها گفت که تقاضا بدهید ملاقات حضوری می‌دهیم، ولی عملا نه تنها مرخصی و ملاقات حضوری ندادند بلکه ملاقات کابینی هم در ۱۵ روز فروردین به ما داده نشد.

*** یعنی در ایام عید اجازه هیچ‌گونه ملاقاتی به فرزندان شما داده نشد؟**

حتی برای یک ثانیه هم مادرشان را ندیدند، چه به صورت حضوری و چه کابینی. حتی با وجود این که ۱۱ فروردین تعطیل رسمی نبود، در سالن ملاقات را بسته بودند و خانواده‌ها ۴، ۵ ساعت پشت در سالن ملاقات ماندند، و هیچ کس هم جوابمان را نداد به طور مشخص باید خدمت شما بگویم که من به عنوان همسر ایشان در نزدیک به ۸ ماه بازداشت همسرم، یک ثانیه ملاقات حضوری نداشته‌ام شاید این طور بگویم بهتر باشد، من اصلا نمی‌دانم سالن ملاقات حضوری چه شکلی است.

***چه مدت است که خانم ستوده فرزندانش را ندیده است؟**

الان بیش از بیست روز شده است، این در حالی است که ۲۰ روز قبل هم نیما که سه سال دارد به مدت شش یا هفت دقیقه مادرش را دید.

*** یعنی منظورتان این است که بچه‌ها را با ماموران زندان به نزد مادرشان می‌فرستند و مانع رفتن شما می‌شوند؟**

این مسئله سخت و آزار دهنده است این رفتار و این لحظه بدترین قسمت کل جریان بازداشت همسرم هست و بچه‌ها مثل اسرای جنگی تلقی می‌شوند. با این کار فقط در دل آنها فقط بذر نفرت کاشته می‌شود.

*** آقای خندان! فرزندان‌تان در چه شرایطی هستند؟**

مهراوه دختر بزرگم که یازده ساله است آن قدر بزرگ‌منش و مغرور است که به هیچ‌عنوان دلتنگی‌هایش را بروز نمی‌دهد و این خطرناک‌ترین حالت برای یک کودک است. نیما پسر سه ساله‌ام اما این روزها در یک نوع بحران روحی است که در این مدت ندیده بودیم یا بروز نمی‌داد. دلتنگی، وحشت از تنهایی، کابوس‌های وحشتناک، پرخاشگری و خشم در حال تخریب روح حساس و لطیف‌اش است. او به خودش قبولانده که مامان نسرین دیگه نمی‌آید و بابت این با همه دعوا دارد و تلاش ما برای متقاعد کردنش بی‌نتیجه مانده است.

در آخرین ملاقاتی که بچه‌ها توسط ماموران پیش مادرشان می‌رفتند، جیب‌های نیما را گشته بودند و یک شکلات از جیب‌اش درآورده بودند تا مبادا به مادرش بدهد.

انتقاد مجمع مدرسین و محققین از برخورد نیروهای اطلاعاتی و انتظامی در مراسم پدر میرحسین

مجمع مدرسین و محققین حوزه علمیه قم، از عملکرد نیروهای اطلاعاتی و انتظامی در رابطه با فوت مرحوم میراسماعیل موسوی ابراز تأسف کرد و به انتقاد از مخالفت حاکمیت با حضور ایشان در کنار پیکر پدر خود و دستگیری بعضی از شرکت کنندگان در مراسم پرداخت.

به گزارش کلمه، این تشکل همچنین ضمن محکوم کردن اقدام غیرقانونی کمیسیون ماده ۱۰احزاب در مورد توقیف پروانه خود، از موضع مجمع روحانیون مبارز در حمایت از مجمع مدرسین و محققین تشکر کرده است.

بر اساس گزارش اولین جلسه مجمع مدرسین و محققین حوزه علمیه قم در سال ۱۳۹۰ که در وب‌سایت این تشکل منتشر شده، این مجمع بر نظر آیت‌الله سیستانی در مورد محکومیت استفاده‌های ابزاری از مباحث مربوط به ظهور امام زمان و مسائل عرفانی خودساخته برای انحراف افکار مذهبی مردم تأکید کرده است.

اعضای مجمع مدرسین همچنین به تشکر از مردم قدرشناسی پرداخته‌اند که به‌رغم نبود امکان اطلاع رسانی آزاد، به دیدار تعداد معدودی از زندانیان سیاسی، که در ایام نوروز به مرخصی آمده بودند، رفته و حمایت خود را از استقامت آنان ابراز داشته‌اند.

اعضای این تشکل همچنین ابراز عقیده کرده‌اند که حاکمان دیکتاتوری که در سوریه، بحرین، یمن و لیبی به جای شنیدن سخن معترضان و مصلحان، به مقابله با مردم مظلوم خود می‌پردازند، سقوط خود را نزدیک‌تر می‌کنند.

اخبار کوتاه

پیام تسلیت ۳۰ نفر از زندانیان سیاسی به میرحسین موسوی

جمعی از زندانیان سیاسی زندان‌های اوین، رجایی‌شهر و خوزستان با ارسال پیامی از داخل زندان، درگذشت پدر میرحسین موسوی را به وی و خانواده‌اش تسلیت گفتند.

به گزارش کلمه، در این پیام که به امضای سی نفر از زندانیان سرشناس سیاسی رسیده، تاکید شده است: شرایط سخت و بازداشت خانگی جنابعالی و همسر محترم‌تان، سرکار خانم زهرا رهنورد و محدودیت‌های شدید اعمال شده برای خاندان موسوی، تاثر و تالم این فقدان را دوچندان کرده است.

کاتوزیان: قیمت برق تا ۵ برابر گران می‌شود

رئیس کمیسیون انرژی مجلس با اشاره به قیمت برق در مناطق گرمسیر در فصول گرم نسبت به سال گذشته، تصریح کرد: قیمت برق نسبت به مدت مشابه سال گذشته میزان ۴ الی ۵ برابر رشد خواهد داشت.

به گزارش آفتاب، نماینده تهران با اشاره به صدور قبوض گاز، تاکید کرد: این قبض‌ها خیلی زیاد است و مردم تحت فشار هستند و کمیسیون انرژی از صدور چنین قبض‌هایی نگران است.

۱۷ هزار هنرمند سینما: حکم جعفر پناهی و محمد رسول‌اف لغو کنید

در آستانه برگزاری جشنواره جهانی فیلم کن، سایت رسمی این جشنواره اعلام کرد که ۱۷ هزار تن از دست‌اندرکاران سینما در سراسر جهان، خواستار لغو حکم جعفر پناهی و محمد رسول‌اف شده‌اند.

در بیانیه منتشر شده در سایت جشنواره کن، از مقام‌های ایران خواسته شده هرچه زودتر حکم زندان و محرومیت از فعالیت‌های هنری و اجتماعی این دو فیلمساز ایرانی را لغو کنند.

فشار به وحید طلایی برای اعتراف دروغ به ارتباط با سازمان مجاهدین خلق

وحید طلایی، زندانی سیاسی در نامه‌ای به دادستان تهران پرسیده است که چرا وقتی وکیل یک متهم به بهانه امنیتی بودن اتهامات، حق مطالعه پرونده را ندارد، برخی نشریات وابسته به دولت حق دارند مطالبی را به عنوان محتویات پرونده و اکاذیبی را علیه متهمان منتشر کنند.

وحید طلایی، که عضو کمیته حقوقی ستاد انتخاباتی مهندس میرحسین موسوی بوده است، حدود چهار ماه و نیم است که در بند ۲۰۹ امنیت زندان اوین در بازداشت به سر می‌برد.

بر اساس گزارش‌های رسیده به بیرون از زندان، او برای اعتراف به ارتباط با سازمان مجاهدین خلق به شدت تحت فشار روحی و جسمی قرار دارد.

ابراز همدردی آیت‌الله امجد با میرحسین موسوی

آیت‌الله امجد ضمن اظهار همدردی با میرحسین موسوی و خانواده وی، از برخوردهای صورت گرفته در تشییع جنازه مرحوم میراسماعیل موسوی به شدت انتقاد کرد و این گونه رفتارها را سخیف، دور از منطق و خرد و مغایر با موازین اسلامی و اخلاقی دانست.

این استاد سرشناس اخلاق و عرفان، پس از لغو مجلس ترحیم میراسماعیل موسوی پدر مهندس میرحسین موسوی، از برخوردهایی که در تشییع جنازه شد، به شدت ابراز ناراحتی کرده و با میرحسین موسوی و خانواده آن مرحوم ابراز همدردی کرده است.

کلمه
بنی الاسلام علی الکلمتین
کلمة التوحید و توحید الکلمة
WWW.KALEME.COM
روزنامه کلمه، شمارهٔ پنجاه و یکم
دوشنبه، ۵ اردیبهشت ۱۳۹۰، شمارگان: ما بیشماریم

ما می‌گوئیم نهاد بزرگ و تاثیرگذاری چون سپاه اگر هر روز چرتکه بیاندازد که قیمت سهام چقدر بالا و پائین رفته نمی‌تواند از کشور و منافع ملی آن دفاع نماید؛ هم خود به فساد کشیده می‌شود و هم کشور را به فساد می‌کشاند. ما می‌گوئیم و حاضریم در مباحثات نشان دهیم که امروز منافع و حقوق مستضعفان و کارگران و کارمندان و سایر اقشار ملت در یک فساد بزرگ در حال غرق شدن است.
میرحسین موسوی، بیانیه ۱۷

سرمقاله

احمدی‌نژاد نه توانایی و نه حق اعتراض دارد

حیدر مصلحی چه استعفا داده باشد و چه برکنار شده باشد، روز دوشنبه ۹۰/۱/۲۹ وزیر اطلاعات نبوده است؛ این را قانون اساسی فراموش شده ما می‌گوید.

انتصاب – و نه ابقا! – مجدد حیدر مصلحی به مقام وزارت اطلاعات، با روندی کاملاً جدید انجام شده است. آنچه در خصوص مصلحی اتفاق افتاد، پروسه نسبتاً جدیدی! است که اثری از آن در قانون اساسی دیده نمی‌شود. انتصاب یک فرد به مقام وزارت بدون کسب رای اعتماد از مردم یا نمایندگان مردم تنها در سایه یک قرائت استبدادی از قانون اساسی ممکن است. قرائتی که اختیارات ولایت فقیه را فراتر از قانون اساسی می‌داند و اعتقاد دارد که یک فرد در مقام رهبر می‌تواند در هر لحظه‌ای که صلاح بداند قانون اساسی را به تعطیلی بکشاند و فراتر از اراده جمهور مردم قرار بگیرد و افراد را به مقام صدارت و وزارت برکشد.

متاسفانه قرائت استبدادی از قانون اساسی، پدیده چندان تازه‌ای نیست. رفتار شورای نگهبان و نظارت استصوابی از نشانه‌های بارز این قرائت‌اند. دلسوزان ملت بارها در این باره هشدار داده‌اند و به یاد بیاوریم که میر حسین موسوی در دوران سکوت ۲۰ ساله خود، یکبار سکوتش را در اعتراض به این قرائت شکست و تمام قد به آن اعتراض کرد و فراموش نکنیم که این حدیث نامکرر، بارها و بارها در سخنان میر حسین آمده است و لب لباب بیانیه‌های اوست. و مگر بازگشت به قانون اساسی و اجرای بدون تنازل آن مگر معنایی غیر از این دارد؟

اما محمود احمدی‌نژاد نمی‌تواند – و نباید – به این نوع انتصاب اعتراض کند. فردی که با همین الگو و با همین قرائت به قدرت رسیده است، طبیعی است که باید تسلیم باشد. احمدی‌نژاد خود چهره تمام نمای این قرائت استبدادی است و الحق که در گفتار و رفتار نیز آرزوهای سردمداران این قرائت استثنایی را جامه عمل پوشانده است و توانسته است آئینه تمام نمای افکار مصباحیه و فرقه مطلقیه باشد.

به همان اندازه که احمدی‌نژاد مجسمه قرائت استبدادی از قانون اساسی است، جنبش سبز هم بر این باور است که ریشه استبداد در این قرائت نهفته است. بزنگاه تاریخی ۲۲ خرداد ۸۸ به خوبی این حقیقت را آشکار می‌کند. جایی که این قرائت استبدادی احمدی‌نژاد را برکشید و به مقام ریاست دولت رساند و جنبش سبز با شعار «رای من کجاست؟» در برابر زیاده‌خواهی این قرائت قد علم کرد. رای من کجاست، معنایی جز گم شدن رای مردم و محو شدن اراده ملت در برابر اراده فردی نداشت و احمدی‌نژاد و انتخابات ۸۸ بهانه‌ای برای مواجهه دوباره جنبش آزادیخواهی ایران با مجسمه استبداد بود.

پایان موفقیت‌آمیز اعتصاب کارگران مجتمع پتروشیمی بندر امام

اعتصاب ۱۱ روزه ۱۵۰۰ کارگر مجتمع پتروشیمی بندر امام پس از موافقت مدیریت این واحد صنعتی با خواسته‌های آنان پایان یافت. کارگران مجتمع پتروشیمی بندر امام خواستار برچیده شدن شرکت‌های پیمانکاری و قرارداد دسته‌جمعی با خود بودند.

این اعتصاب پس از امضای توافقنامه کتبی میان نمایندگان کارگران و نماینده ماهشهر در مجلس، فرماندار ماهشهر رئیس اداره کار و امور اجتماعی این شهرستان و همچنین نمایندگان مدیریت این مجتمع به پایان رسید.

اعتصاب بیش از ۱۵۰۰ کارگر پیمانکار مجتمع پتروشیمی بندر امام روز بیستم فروردین آغاز شده بود؛ کارگرانی که خواستار اجرای مصوبه دولت محمود احمدی‌نژاد در سال ۱۳۸۴ برای انعقاد قرارداد مستقیم با خود کارگران بودند.

نامه ۲۳ زندانی سیاسی به مراجع تقلید

۲۳ نفر از زندانیان سیاسی کشور از داخل زندان، پیامی خطاب به مراجع تقلید و بزرگان حوزه‌های علمیه نوشتند و در ابتدای نامه با توجه به اتفاق‌های اخیر خاورمیانه عنوان کردند: بی‌تردید واکنش اخیر مراجع تقلید و بزرگان حوزه‌های علمیه در واکنش به جنایات دولت‌های خاورمیانه از جمله دولت بحرین علیه ملت‌هایشان در اعتراض به استبداد و فساد و در دفاع از حق و عدالت و آزادی به پا خاسته اند، در همین چارچوب قابل ستایش و احترام است.

آنان سپس ضمن مقایسه دقیق آنچه در ایران می گذرد با آنچه که در کشورهای منطقه در جریان است، نوشتند: اگر نظامیان و پلیس حکومت های مستبد منطقه به روش‌های خشونت بار و با سلاح‌های گرم و سرد به جان مردم می‌افتند در جمهوری اسلامی ایران نیز در دو سال گذشته هزاران نفر بر اثر حملات نظامیان ، پلیس و ماموران لباس شخصی تحت امر آنان مصدوم و مجروح شده و یا به قتل رسیده‌اند.

این زندانیان تاکید کردند که اگر در کشورهای استبدادی منطقه نظامیان و پلیس به سوی مردم بی دفاع تیراندازی کرده و آنان را به شهادت می‌رسانند در جمهوری اسلامی ایران نیز به ضرب گلوله نظامیان، پلیس و لباس شخصی مجروح و شهید شده‌اند. اگر در کشورهای استبدادی منطقه، یکی از اقدامات کثیف نظامیان و پلیس ربودن مجروحان تظاهرات از بیمارستان‌هاست، متاسفانه در جمهوری اسلامی نیز مجروحان از بیمارستان‌ها ربوده شده و در همان حال مورد ضرب و شتم قرار گرفته و به زندان افتاده‌اند که هنوز هم تعدادی از آنها در زندان به سر می‌برند.

آنها مقایسه‌های دقیق دیگری را درباره آنچه در ایران می‌گذرد و با اتفاق‌های کشورهای منطقه انجام دادند و سپس مراجع را مورد خطاب قرار دادند و نوشتند: چگونه است این جنایات در سایر کشورها فریاد یکپارچه شما را بلند می‌کند اما همین جنایات در داخل کشور تنها و تنها با واکنش قابل تقدیر معدودی از مراجع عالی قدر و بزرگان حوزه همراه بوده و سایران هیچ واکنش و اعتراضی نسبت به این ظلم‌ها و جنایات نداشتند.

امضا کنندگان این نامه، اکنون در زندان اوین (بند ۳۵۰، بند ۲ – الف تحت اختیار سپاه پاسداران، بند ۲۰۹ تحت اختیار وزارت اطلاعات و بازداشتگاه تحت اختیار حفاظت اطلاعات زندان اوین)، زندان رجایی شهرکرج و زندان‌های استان خوزستان به سر می‌برند این سوال را مطرح کردند که آیا می‌توان ستمکاری ستمکاران بیگانه را برنتافت اما همان ستم‌ها را در حکومتی که به نام اسلام علوی استقرار یافته نادیده گرفت؟ اسلامی که نه تنها ظلم بر مسلمانان و مومنان که ظلم بر غیر مسلمانان را نیز بر نمی تابد؟

آنها که خود را زندانیان سیاسی به عنوان بخشی از قربانیان خودکامگی این جریان افراطی، نظامی، اطلاعاتی، امنیتی و قضایی در کشور نامیدند در پایان نامه خود این درخواست را از مراجع داشتند که برای اصلاح امور و زدودن این مفاسد از درون نظام جمهوری اسلامی ایران و برای پاسداری از ارزشهایی که به نام اسلام و تشیع علوی به انقلاب اسلامی ایران به ملت‌های مسلمان و مستضعفان جهان نویدش را داده‌ایم و برای دفاع از حق و عدالت و انسانیت لااقل همزمان با موضع گیری‌هایتان نسبت به جنایت علیه ملت‌های مسلمان منطقه به ایران نیز بازگردید و با بهره‌گیری از اعتباری که از اسلام و قران و رسول خدا و اهل بیت مطهرش کسب کرده‌اید به نام خدا و دین خدا به مسوولان در جهت پایان دادن به این فجایع، ظلم‌ها و جنایات فشار آورید و در جهت فسادزدایی از دستگاه‌های نظامی، امنیتی، اطلاعاتی کشور قد علم کنید، و در جهت بازسازی و اعتلای ارزشهای معنوی در جمهوری اسلامی اهتمام ورزید و تردید نکنید که اگر جمهوری اسلامی ایران همچنان در دست افراطیون نظامی، امنیتی، اطلاعاتی اداره شود به جای یک کشور ارایه دهنده ارزش‌های متعالی اسلامی و علوی تنها یک نظام دیکتاتوری دینی را به جهان عرضه خواهیم کرد که یادآور نظام‌های دینی قرون وسطی است که تیشه به ریشه دین می‌زند و نتیجه عملی آن بدبین و دور کردن هر چه بیشتر نسل جوان از اسلام است.

سیدمحمد خاتمی در دیدار با علی کروبی تاکید کرد:
با آزادی کروبی و موسوی، از دلسردی بیشتر علاقه‌مندان انقلاب جلوگیری شود

سیدمحمد خاتمی، روز گذشته، در دیدار با علی کروبی از حصر حجت السلام کروبی و همسرش ابراز تاسف کرد.

به گزارش خبرنگار تلویزیون رسا، سیدمحمد خاتمی در این دیدار با ذکر خاطراتی از فداکاری‌های حجت‌السلام مهدی کروبی در دوران قبل انقلاب و تاکید بر نقش والای ایشان در دوران اصلاحات، وی را «فرزند شجاع انقلاب» خواند.

رییس دولت اصلاحات، ضمن ابراز تاسف از اینکه در این ایام وی و همسر همیشه همراهش که سال‌ها غمخوار و یاور خانواده معزز شهدا بوده‌اند، در حصر به سر می‌برند، اظهار امیدواری کرد که حصر ایشان و مهندس موسوی هرچه سریعتر برچیده شود تا کمتر موجبات دلسردی علاقه‌مندان انقلاب فراهم آید.

خاتمی همچنین در جریان اتهامات و مسائل مربوط به بازداشت علی کروبی فرزند حجت‌السلام مهدی کروبی قرار گرفت و ابراز امیدواری کرد که که پرونده اتهامات ایشان نیز با رسیدگی عادلانه سریعا مختومه شود.

بیانیه شورای هماهنگی راه سبز امید در گرامیداشت روز جهانی کارگر

شورای هماهنگی راه سبز امید، هفتمین بیانیه خود را به گرامیداشت روز جهانی کارگر اختصاص داد و با تأکید بر حق مسلم کارگران برای طرح مطالبات و حمایت کامل از برگزاری راهپیمایی و تجمع آنان به رسم همه ساله، از همه همراهان و تلاشگران جنبش سبز خواست تا در حمایت از خواسته‌های کارگران غیور این مرز و بوم، از همراهی و همدلی با آنان دریغ نورزند.

این شورا از همگان خواست در شرایطی که حاکمیت اجازه طرح هیچگونه انتقادی به این شرایط را نمی‌دهد، به مشکلات اقتصادی و خواسته‌ها و مطالبات کارگران و زحمتکشان توجه کنند و در بازتاب دادن مسائل غم‌انگیزی که هر روز زندگی را بر اقشار مختلف مردم دشوارتر می‌کند، همت بگمارند.

شورا در بیانیه خود با استناد به گزارش‌های رسمی سازمان‌هایی مانند بانک مرکزی، مرکز آمار ایران و صندوق بین‌المللی پول، نشان داده است که درآمد ۴۳۰ میلیارد دلاری ارزی پنج سال اخیر به جای سرمایه‌گذاری‌های زیربنایی و ایجاد شغل، صرف واردات افسار گسیخته و نابودی تولید داخلی شده است.

شورای هماهنگی راه سبز امید در عین حال تاکید کرده است: کارگران شریف ما با پوست و گوشت خود شرایط وخیم اقتصادی کشور را احساس می‌کنند و بی‌پایگی آماری که دولت در مورد بهبود شرایط اقتصاری اعلان می‌کند قبل از هر قشر و گروه اجتماعی دیگری برایشان قابل درک است.

اخبار کوتاه

محکومیت محمدصابر عباسیان به ۵ سال حبس تعزیری

محمدصابر عباسیان نایب رییس شاخه جوانان مشارکت شیراز و رییس ستاد ۸۸ از سوی دادگاه انقلاب به ۵ سال حبس تعزیری محکوم شد.

پس از تحمل نزدیک به یک سال و دو ماه بازداشت موقت! و برگزاری ۱۵ جلسه دادگاه، و تمدیدهای مکرر قرار بازداشت موقت وی، از سوی مراجع قضایی رای دادگاه صادر و به وی ابلاغ گردید.

نگرانی از سرنوشت دانشجوی نخبه دانشگاه تهران

با گذشت نزدیک به ۱۷۰ روز از ربوده شدن حسن جولانی، نابغه ریاضی و دانشجوی برتر دانشکده علوم دانشگاه تهران، بنا به اظهارات برخی از دوستان نزدیک وی، هیچ خبری از وضعیت و محل بازداشت وی در دست نیست و همین امر موجب نگرانی‌های مفرطی در خصوص وضعیت سلامتی وی شده است.

ناصر حجازی: مگر من بی‌غیرتم که مشکلات مردم را ببینم و عصبانی نشوم؟

ناصر حجازی، بازیکن پیشکسوت فوتبال، در گفت و گویی با وب‌سایت شخصی خود، از شرایط اقتصادی کشور و فشارهای موجود بر مردم به شدت انتقاد کرد.

وی گفت: به من می گویند عصبانی نشوم، مگر بی‌غیرتم وقتی درد و مشکلات مردم را به چشم می‌بینم، با بی‌تفاوتی از کنار آن بگذرم. آمده‌اند و یارانه‌ها را قالب کرده‌اند. زندگی مردم بهتر نشده که بدتر هم شده است. خدمت به مردم یعنی فراهم کردن رفاه و آسایش آنها، دولت می‌گوید چهل هزار تومان در ماه به مردم کمک می‌کنیم، مگر مردم گدا هستند؟

وزیر سابق اطلاعات: خودم هم نفهمیدم چطور کنارم گذاشتند

در ادامه انتقادها به نزدیکان احمدی‌نژاد در مجموعهٔ دولت، دادستان کل کشور، با روایت چگونگی برکناری خود از وزارت اطلاعات (دولت پیشین) از اقدام دولت در برکناری حیدر مصلحی به عنوان اقدامی بدون توجیه یاد کرد و در شرح نحوهٔ برکناری خود نیز، با بیان اینکه خودمان هم نفهمیدیم چطور ما را کنار گذاشتند و معاونم خبر را به من داد، گفت که مشایی حتی برای خداحافظی هم به جلسه دولت راهمان نداد.

اختلاف ۹ هزار میلیارد تومانی بین درآمد و هزینه دولت در بودجه ۹۰

جبار کوچکی‌نژاد از بررسی نهایی لایحه بودجه ۹۰ در نشست اول اردیبهشت ماه کمیسیون تلفیق بودجه ۹۰ خبر داد و گفت: مهمترین موضوع نشست کمیسیون تلفیق بررسی چگونگی حل مشکل فاصله ۹ هزار میلیارد تومانی درآمدهای دولت در سال ۹۰ و هزینه‌های آن بود.

عضو کمیسیون تلفیق بودجه، همچنین از احتمال پایان بررسی لایحه بودجه ۹۰ تا پایان اردیبهشت خبر داد و گفت: موارد درآمد و هزینه لایحه بودجه تقریبا به اتمام رسیده و درصورت حل مشکل تراز مالی بودجه، کار کمیسیون تلفیق برای ارائه گزارش نهایی بودجه به صحن علنی مجلس، تمام می‌شود.

آیت‌الله امجد: خون از دماغ کسی بیاید، همه علما مسئولند

آیت‌الله امجد، استاد اخلاق و از روحانیون مستقل و منتقد، در سخنرانی اخیر خود ضمن انتقادات صریح نسبت به وضعیت ناگوار جامعه، گفت: خون از دماغ کسی بیاید، کسی یک سیلی بیجا بخورد، همه ما مسئولیم، به خصوص علما.

بنی الاسلام علی الکلمتین
کلمة التوحید و توحید الکلمة

روزنامه کلمه، شمارهٔ پنجاه و دوم
چهارشنبه، ۷ اردیبهشت ۱۳۹۰، شمارگان: ما بیشماریم

کلمه

WWW.KALEME.COM

ما می‌گوئیم نهاد بزرگ و تاثیرگذاری چون سپاه اگر هر روز چرتکه بیاندازد که قیمت سهام چقدر بالا و پائین رفته نمی‌تواند از کشور و منافع ملی آن دفاع نماید؛ هم خود به فساد کشیده می‌شود و هم کشور را به فساد می‌کشاند. ما می‌گوئیم و حاضریم در مباحثات نشان دهیم که امروز منافع و حقوق مستضعفان و کارگران و کارمندان و سایر اقشار ملت در یک فساد بزرگ در حال غرق شدن است.

میرحسین موسوی، بیانیه ۱۷

کوتاه از جامعه کارگری

تعطیلی دومین کارخانه طلای کشور و بیکاری کارگران

همزمان با افزایش بی رویه قیمت طلا در بازار، کارخانه استحصال طلای پویا زرکان آق دره تکاب در جنوب آذربایجان غربی تعطیل و فعالیت آن متوقف شد.

مدیر عامل این کارخانه با تایید خبر فوق گفت: فعالیت بخش های عمده ای از کارخانه استحصال طلای معدن آق دره تکاب متوقف گردید و تا چند ماه تعطیل خواهد بود.

وی از بیکاری موقت ۳۰ درصد از کارگران خبر داد، حال آنکه به گفته کارگران این کارخانه، بیش از ۹۵ درصد کارگران و کارکنان این کارخانه شغل خود را از دست داده اند و فعالیت کارخانه طلای اق دره تکاب بکلی متوقف شده است.

اعتصاب و راهپیمایی کارگران شرکت سنگ آهن مرکزی بافق

کارگران شرکت سنگ آهن مرکزی بافق، در اعتراض به انتصاب مدیرعامل غیربومی برای این شرکت، اعتصاب و راهپیمایی کردند، اما پلیس آنها را پراکنده کرد.

به نوشته روزنامه جمهوری اسلامی، در پی انتصاب مدیر عامل جدید و غیر بومی شرکت سنگ آهن مرکزی بافق، روز شنبه کارگران این شرکت دست از کار کشیدند.

این گزارش حاکی است معترضین به همراه جمع کثیری از کسبه و اهالی بافق در میدان شهدای بافق اجتماع نموده و تا محل امامزاده عبدالله راهپیمایی کردند.

کارگران چینی‌سازی البرز:

کارخانه منحل شد؛ دستمزد یک‌سالمان را ندادند

جمعی از کارگران شرکت چینی‌سازی البرز مقابل مجلس شورای اسلامی تجمع کردند.

یکی از کارگران این شرکت به بیان علت تجمعشان پرداخت و اظهار داشت: از تاریخ ۲۵ اسفندماه ۱۳۸۸ شرکت چینی‌سازی البرز منحل شد و از این تاریخ تاکنون با ما تسویه حساب نکردند و ما در حال حاضر یک سال است که حقوق و مزایایمان را دریافت نکرده‌ایم.

این کارگر شرکت چینی‌سازی البرز ادامه داد: با انحلال این شرکت حدود ۱۸۵ نفر کار خود را از دست دادند.

محجوب: لایحه بودجه خلاف وعده‌های اشتغال‌آفرینی است

افزایش سالانه یک میلیون و ۲۰۰ هزار نفر بر جمعیت بیکار کشور

دبیر کل خانه کارگر یکی از دلایل مخالفت خود با لایحه بودجه ۹۰ را بی‌توجهی به وعده‌های اشتغال‌آفرینی اعلام کرد و گفت: گزارشی که از بودجه ۹۰ در اختیار نمایندگان قرار گرفته است، خلاف وعده‌های دولت است و متاسفانه ۵ درصد از سرجمع بودجه دستگاه‌های حمایتی اشتغال کم شده است.

علیرضا محجوب، دبیرکل خانه کارگر تصریح کرد: اتخاذ چنین رویه‌ای در خلاف مسیر ادعای اشتغال‌آفرینی است و بدون شک روند توسعه کشور را با مشکل مواجه می‌کند.

وی با بیان اینکه در ایران دسترسی به نرخ بیکاری تک‌رقمی سابقه ندارد، گفت: در حال حاضر طبق مراجع رسمی ۳ میلیون و ۳۰۰ هزار بیکار داریم و سالانه یک میلیون و دویست هزار نفر نیز بر این تعداد افزوده می‌شود بنابراین اگر بتوان به رفع این دو معضل اقدام کرد در حالت عادی و خوب می‌توان شاهد کاهش یک درصدی بیکاری بود.

اردشیر امیرارجمند در گفت و گو با روزنامه «کلمه»:

اقتدارگرایان بر سر انحصار قدرت مطلقه به اختلاف رسیده‌اند

مشاور میرحسین موسوی گفت: کسانیکه دو سال پیش با کمک یکدیگر کودتای انتخاباتی کردند امروز بر سر انحصار قدرت مطلقه و نیز پاسخگو به اختلاف رسیده‌اند.

دکتر اردشیر امیرارجمند در گفت و گو با روزنامه «کلمه» افزود: مقامات عالی کشور هشدارهای جدی و خیرخواهانه رهبران جنبش سبز و دیگر دلسوزان را نشنیدند و آنها را فتنه‌گر نامیدند.

وی به رفتارهای رئیس دولت در دو سال اخیر اشاره کرد و گفت: دو سال پیش وقتی آقای احمدی‌نژاد با اتکای به نیروهای امنیتی و اطلاعاتی و برخورداری از حمایت‌های غیرقانونی مقاماتی که وظیفه آنها تضمین حاکمیت قانون است و پشتیبانی بی‌دریغ برخی مداحان حرمت‌شکن قدرت را غصب کردند و مردم را خس و خاشاک نامیدند، همه این رفتارها را مباح و لازم به حفظ نظام می‌دانست، حالا چه شده است که گلایه می‌کند؟

امیرارجند وضعیت اسفبار کشور را نتیجه قانون‌شکنی بلکه قانون ستیزی مستمر حاکمان عنوان کرد و گفت: آنها به این رفتارهای خود افتخار می‌کنند و آن را نشان از اقتدار خود می‌دانند.

به گفته مشاور میرحسین موسوی، وقتی طرق دموکراتیک و حاکمیت قانون کنار گذاشته شود، فرآیند حذف رقیب به هر طریق و هر قیمت حد و مرزی نخواهد داشت. هر روز یک نفر و یک جریان خائن و فتنه‌گر می‌شود.

وی افزود: در کشوری که نیروهای اطلاعاتی و امنیتی از اطلاعات محرمانه در جهت منافع گروهی خود و جنگ قدرت استفاده می‌کنند، امنیت ملی بی‌معنا می‌شود.

وی تاکید دارد که نیروهای امنیتی به جای پرداختن به کار اصلی خود، مسئول گذاشتن شنود و جمع کردن مدارک علیه یکدیگرند، معلوم است در چنین شرایطی باید وفادارترین نیروهای سیاسی و افراد به مردم و کشور در زندان‌ها به عنوان فتنه‌گر و اقدام علیه امنیت ملی تحت شکنجه باشند.

استاد برجسته حقوق دانشگاه‌های تهران این سوال را مطرح می‌کند که مگر آقای کروبی و موسوی چه گفتند و چه می‌خواستند که فتنه‌گر نامیده شدند؟

وی سپس با پاسخ به این سوال گفت: آنها گفتند که دولت آمار دروغ می‌دهد. منابع کشور بدون حساب و کتاب و بدون برنامه و نظارت خرج می‌شود. اقتصاد صدقه‌ای راه انداخته‌اند تا رای جمع کنند. مردم برای معاش خود با مشکل مواجه هستند. از اسلام استفاده ابزاری می‌شود. اخلاق در سیاست و مذهب کنار گذاشته شده است. خرافات جانشین ارزش‌های واقعی اسلام شده است. از اسلام، دین و امام زمان برای قدرت شخصی خود سو استفاده نکنید. سپاه و بسیج باید فراجناحی بماند و نباید به مانند حزب سیاسی عمل کند. نباید وارد عرصه اقتصادی شود و نباید مردم را سرکوب کند. آنها از حاکمان می‌خواستند به مردم اعتماد کنند و خود را اصلاح کنند؛ چون می‌دانستند آنها راست می‌گویند و جرأت اصلاح خود و امور کشور را نداشتند، لجاجت کردند و آنها را زندانی کردند.

تاج‌زاده از درون زندان شریعتمداری کیهان را دعوت به مناظره کرد

مصطفی تاج‌زاده، معاون وزیر کشور دولت اصلاحات و شاکی پرونده کودتای انتخاباتی که به جای رسیدگی به شکایتش در زندان به سر می‌برد، در نامه سرگشاده‌ای خطاب به حسین شریعتمداری، نماینده ولی فقیه در موسسه کیهان، برای مناظره با وی اعلام آمادگی کرد.

تاج زاده در این نامه، با اشاره به اینکه حسین شریعتمداری تاکنون حاضر نشده است به پیشنهادهایش برای مناظره پاسخ دهد، تاکید کرد: پس از آزادی موقت از زندان در نشستی با کارشناس ارشد اطلاعات سپاه و مسئول بازجوها، به مناسبت بحثی که بین ما درباره انتخابات ریاست جمهوری دهم و تخلف‌ها و تقلب‌ها در گرفت، اعلام کردم من آماده‌ام با هر کسی که آنان معرفی کنند، درباره انتخابات ۸۸ در صدا و سیما به مناظره بنشینم. پیشنهاد من در آن جلسه نیز جنابعالی بودید، زیرا شما را سخنگوی یک جریان فکری و سیاسی می‌دانم که با وجود اقلیت بودن، مقدرات کشور را به طور کامل در دست گرفته و در صدد است تمام دستاوردهای ضد استبدادی و آزادی‌خواهانه ملت ایران از نهضت مشروطه تاکنون را از بین ببرد. به علاوه جنابعالی به علت سوابق و روابط‌تان، مدعی هستید که از نیمه پنهان منتقدان و حوادث و صد البته توطئه‌ها آگاهید و بسیاری از وقایع را پیش‌بینی می‌کنید.

بنابراین مناظره با چنین شخصی می‌تواند رافع بسیاری از شائبه‌ها و روشنگر حقایق بسیاری باشد...

او نوشته است: پیشنهاد دارم که مناظره مکتوب آغاز شود و یک مقاله من بنویسم، و کیهان شش روز فرصت برای نقدآن داشته باشد. بعد مقاله دوم و دوباره شش روز فرصت برای نویسندگان آن روزنامه محترم. به این ترتیب علاقمندان با مطالعه مقالات و نقدها به قضاوت بهتری درباره ادعاهای ما و شما دست خواهند یافت.

وی در این نوشته به نوعی کلید این مناظره را روشن کرد و از شریعتمداری چند سوال پرسید: برای آغاز مناظره از جنابعالی می‌پرسم که با وجود اعلام مکرر اتکای جناح حاکم به حمایت آگاهانه اکثریت قاطع ملت ایران، چرا رفتارتان درست در نقطه مقابل ادعای مذکور است؟ همچون اقلیتی نگران از آینده که از سایه خود نیز می‌ترسید. اگر ایرانیان را بصیرترین مردم دنیا می‌خوانید، چرا همزمان می‌کوشید تمام مجاری اطلاع‌رسانی آزاد و قانونی را به روی آنان ببندید؟ اگر این ملت «بصیرترین» است، چرا تا روی کار آمدن آقای احمدی‌نژاد، به زعم شما به کسانی رأی داده است که یا منحرف بوده‌اند یا جاسوس یا خائن؟

متن کامل سخنان تاج‌زاده را در سایت کلمه بخوانید.

مخالفت دولت با حضور بنیاد شهید بهشتی در نمایشگاه کتاب

بنیاد نشر آثار و اندیشه‌های شهید بهشتی در اطلاعیه‌ای اعلام کرد که با وجود اقدام مکرر این بنیاد برای حضور در نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران، همچون سال گذشته از صدور مجوز از سوی وزارت ارشاد برای شرکت این بنیاد در نمایشگاه کتاب تهران جلوگیری به عمل آمده است.

بنیاد شهید بهشتی در اطلاعیه خود اعلام کرده که مسئولان دولتی حتی با اعطای نمایندگی این بنیاد به ناشران دیگر نیز مخالفت کرده‌اند. بدین ترتیب کتاب‌های شهید بهشتی در نمایشگاه کتاب امسال عرضه نخواهد شد.

این بنیاد اعلام کرده که علاقه‌مندان به آثار و اندیشه‌های شهید بهشتی می‌توانند همانند گذشته، برای تهیه آثار ایشان به نمایندگی‌های فروش این بنیاد مراجعه فرمایند. بنیاد شهید بهشتی همچنین خبر داده که برای سهولت دسترسی علاقه‌مندان به کتاب‌های شهید بهشتی، قصد دارد تا نسخه الکترونیکی کتاب‌ها را برای استفاده مخاطبان در سایت خود قرار دهد.

اخبار کوتاه

حذف کامل یارانه نان و افزایش ۲۳ درصدی قیمت

در دومین مرحله از حذف یارانه نان و پس از افزایش ۴۴ درصدی قیمت گندم تحویلی به کارخانجات آرد که افزایش از ۲۵۰ به ۳۶۰ تومان در هر کیلو گندم را در پی داشت، نرخ انواع نان نیز بطور میانگین ۲۳ درصد افزایش خواهد داشت اما با وجود این افزایش شدید، سخنگوی ستاد هدفمندی یارانه‌ها با اشاره به ارائه قیمت‌های پیشنهادی استانداری تهران برای انواع نان برای بررسی در ستاد، گفت: افزایش قیمت نان بسیار کم و جزئی خواهد بود.

بازداشت علیرضا رجایی، فعال سیاسی و مدیر انتشارات گام نو

علیرضا رجایی، فعال سیاسی، روزنامه‌نگار و مدیر انتشارات گام نو، که عضو شورای فعالان ملی- مذهبی است، از سوی نیروهای امنیتی بازداشت شد.

خروج فاطمه کروبی از حبس، برای درمان

فاطمه کروبی بعد از ۷۱ روز تحمل بازداشت و حبس خانگی برای پیگیری امور درمانی از حبس خارج شد.

تشکیل پرونده قضایی جدید برای فائزه هاشمی

محسنی اژه‌ای از تشکیل پرونده قضایی برای فائزه هاشمی به اتهام مصاحبه با سایت روزآنلاین خبر داد. او در این مصاحبه گفته بود که مملکت دست اراذل و اوباش است.

بیانیه انجمن صنفی معلمان کردستان به مناسبت روز معلم

انجمن صنفی معلمان کردستان در آستانه روز معلم بیانیه‌ای صادر کرد. در بخشی از این بیانیه آمده است: «آنگونه که استحضار دارید روز ۱۹ اردیبهشت سالروز جان باختن فرزاد کمانگر، عضو هیئت مدیره انجمن صنفی معلمان کردستان می‌باشد. ضمن ارج نهادن به تلاش‌های انسانی این معلم شریف و بزرگوار، انجمن صنفی معلمان کردستان به همین مناسبت و در همین روز تحت شعار «نفی خشونت سازمان‌یافته و دفاع از حق حیات» از عموم فرهنگیان می‌خواهد با بر افروختن شمع در کلاس‌هایشان این روز را گرامی بدارند.»

احضار معلم زندانی به دادسرای اوین

محمد داوری، معلم زندانی که اکنون در بند ۳۵۰ زندان اوین نگهداری می‌شود، به دادسرای امنیتی مستقر در زندان اوین احضار شد تا تمام بیانیه‌هایی که توسط وی منتشر شده را تکذیب کند وگرنه با محاکمه تازه‌ای روبرو می‌شود.

هاشمی رفسنجانی: واردات بی‌رویه سم مهلک اقتصاد کشور است

رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام در دیدار جمعی از نمایندگان کارگران و مسئولین تشکل‌های کارگری گفت: یکی از اهداف اصلی اجرای هدفمندی یارانه‌ها، حمایت جدّی و اساسی از تولید در بخش صنعت و کشاورزی بوده است و مسئولان و مجریان نباید از رسیدن به این هدف بزرگ غفلت کنند.

وی واردات بی‌رویه و استفاده‌های پی‌درپی از ذخایر ارزی کشور در جهت اشباع بازار داخلی از کالاهای وارداتی را سم مهلک اقتصاد کشور خواند و گفت: برای احیای اقتصاد کشور راهی جز ساختن زیربناها و تقویت بخش‌های تولیدی صنعتی و کشاورزی نداریم، چرا که وفور منابع ارزی و ریالی کشور قطعاً همیشگی نخواهد بود.

بنی الاسلام علی الکلمتین
کلمة التوحید و توحید الکلمة

کلمه

روزنامه کلمه، شماره پنجاه و سوم، ویژه‌نامهٔ روز کارگر
شنبه، ۱۰ اردیبهشت ۱۳۹۰، شمارگان: ما بیشماریم

WWW.KALEME.COM

معلمان و کارگران آزادی می‌خواهند چرا که آزادی باعث می‌شود تشکل‌های صنفی و سیاسی خود را تشکیل دهند و فعالیت سیاسی کنند. آنها دنبال عدالت هستند. چه عدالت در سطح معیشتی و اقتصادی و چه در سطح توزیع منزلت‌های اجتماعی. باعث می‌شود آنها بهتر بتوانند خدمت کنند و بهتر می‌توانند ثروت ایجاد کنند و بهتر می‌توانند از اقتصاد کشور دفاع کنند. **میرحسین موسوی، پیام به مناسبت روز کارگر و معلم**

سرمقاله

خواسته‌های جامعه کارگری چیست؟

چند تشکل کارگری ایران، شامل سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه، اتحادیه آزاد کارگران ایران، هیئت بازگشایی سندیکای کارگران نقاش و تزئینات ساختمان، هیئت بازگشائی سندیکای فلز کار مکانیک، کانون مدافعان حقوق کارگر، کمیته پیگیری ایجاد تشکل‌های کارگری، کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری، چند خواسته خود را همزمان با روز جهانی کارگر اعلام کردند که مهمترین آنها عبارتند از:

– آزادی برپایی تشکل‌های مستقل کارگری، اعتصاب، اعتراض، راهپیمائی، آزادی احزاب، تجمع و آزادی بیان و مطبوعات حق مسلم ما است.

– ما جامعه‌ای را که اقلیتی صاحب ثروت و سرمایه‌های کلان باشند و اکثریتی هم نان شب نداشته باشند بر نخواهیم تافت. از نظر ما افزایش ۹ درصدی دستمزدها بویژه با توجه به اجرای طرح قطع یارانه‌ها و افزایش سرسام‌آور هزینه‌های زندگی اهانت به منزلت انسانی و حق حیات کارگران است. ما با رد شیوه کنونی تعیین دستمزدها مصرانه خواهان توقف اجرای طرح قطع یارانه‌ها و تعیین دستمزدها توسط نماینده‌های واقعی کارگران هستیم.

– ما خواهان محو قراردادهای موقت و سفید امضاء، برچیده شدن شرکت‌های پیمانکاری و انعقاد قرارداد مستقیم و دسته جمعی، تامین امنیت شغلی کارگران و رعایت بالاترین استانداردهای بهداشت و ایمنی در محیط‌های کار و زندگی هستیم.

– دستمزدهای معوقه کارگران باید فورا و بی‌هیچ عذر و بهانه‌ای پرداخت شود و عدم پرداخت آن بایستی به مثابه یک جرم قابل تعقیب قضائی تلقی شود.

– اخراج و بیکارسازی کارگران به هر بهانه‌ای باید متوقف گردد و تمامی کسانی که بیکار شده و یا به سن اشتغال رسیده‌اند باید تا زمان اشتغال به کار از بیمه بیکاری متناسب با یک زندگی انسانی برخوردار شوند.

– ما بیمه‌های تامین اجتماعی را حق مسلم تمامی آحاد جامعه می‌دانیم و خواهان اداره این نهاد بدست نمایندگان انتخابی در سراسر کشور هستیم.

– ما ضمن محکوم کردن هرگونه تعرض به اعتراضات کارگری و مردمی، خواهان لغو مجازات اعدام و آزادی فوری و بی‌قید و شرط کلیه کارگران زندانی و دیگر جنبش‌های اجتماعی از زندان هستیم.

– ما خواهان لغو کلیه قوانین تبعیض‌آمیز نسبت به زنان و تضمین برابری کامل و بی‌قید و شرط حقوق زنان و مردان در تمامی عرصه‌های زندگی اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و خانوادگی هستیم.

– ما خواهان برخورداری بازنشستگان از زندگی مرفه و بدون دغدغه اقتصادی و رفع هرگونه تبعیض در پرداخت مستمری بازنشستگان و بهره‌مندی آنان از تامین اجتماعی و خدمات درمانی هستیم.

– کار کودکان باید ملغی شود.

– ما دگرگونی‌خواهی را حق مسلم تمامی انسان‌ها در سرتاسر جهان می‌دانیم و با حمایت قاطعانه از مبارزات و اعتراضات مردمی در تمامی کشورهای خاورمیانه، هر گونه سرکوب اعتراضات مردمی و بند و بست دولت‌ها برای سمت و سو دادن به تغییرات و دخالت از سوی آنها در سرنوشت مردم کشورهای خاورمیانه را قویا محکوم می‌کنیم.

– ما بخشی از کارگران جهان هستیم و اخراج و تحمیل هرگونه تبعیض بر کارگران مهاجر افغانی و سایر ملیت‌ها را به هر بهانه‌ای محکوم می‌کنیم.

– ما ضمن قدردانی از تمامی حمایت‌های بین‌المللی از مبارزات کارگران ایران و حمایت قاطعانه از خواسته‌های کارگران جهان خود را متحد آنان می‌دانیم و بیش از هر زمان دیگری بر همبستگی بین‌المللی کارگران برای رهایی از مشقات نظام سرمایه‌داری تاکید می‌کنیم.

– اول ماه مه باید تعطیل رسمی اعلام شود و در تقویم رسمی کشور گنجانده شود و هرگونه ممنوعیت برگزاری مراسم این روز ملغی شود.

موسوی درباره کارگران چه اعتقادی داشت؛

کشور ثروتمند با قشرهای عظیم بدبخت، نمی‌تواند اسلامی باشد

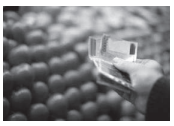

میرحسین موسوی دو سال پیش در چنین روزهایی در جمع هزاران تن از کارگران سخنرانی کرد و نکات مهمی را درباره جامعه کارگری بیان کرد. هشدارهایی که هنوز هم مشکل اساسی کارگران کشور محسوب می‌شود. موسوی دو سال پیش درباره طرح حذف یارانه‌ها هشداری داد. هشداری که به آن توجه نشد و امروز مشکلات ناشی از اجرای آن گریبان‌گیر اقشار مستضعفی مانند کارگران شده است.

بخش‌هایی از این دیدگاه به طور خلاصه بازخوانی می‌شود:

– وجود نهادهای کارگری به نفع کشور است. جز با حمایت این نوع تشکل‌ها، دولت پابرجا نمی‌ماند. ما نباید از نهادهای نیرومند کارگری بترسیم. وجود اینها به نفع نظام است. بسیاری از ما شرایط جنگ را به یاد داریم، در بدترین وضع اقتصادی و شرایطی که به نظر می‌رسید کشورمان در بحران بزرگی قرار دارد، این تشکل‌ها بودند که به کمک ملت آمدند.

– کشور ممکن است ثروتمند باشد، ولی قشرهای عظیمی از آن بدبخت باشند. نمی‌توانیم بگوییم که چنین کشوری اسلامی است. کشوری خوب است که ثروت و بهره‌وری مناسب برای همه قشرها وجود داشته باشد. در چنین شرایطی است که ما می‌توانیم یک جامعه سالم بسازیم.

– طرح نقدی کردن یارانه‌ها یک قرص مسکن خطرناک است و این مسکن در یکی دو ماه افراد را خوشحال می‌کند، اما در دراز مدت می‌تواند مهلکه‌ای بزرگ برای کشور باشد. اگر این طرح‌ها خوب هستند چرا شب انتخابات مطرح می‌شوند، مگر کارشناسان اقتصادی و نمایندگان مردم در مجلس، دلسوز ملت و دولت نیستند که چنین طرح‌هایی را مطرح کنند.

– منزلت اجتماعی در کشور ما به جای اینکه از کار سرچشمه بگیرد از عدم تولید، مصرف بالا و از راه‌هایی تأمین می‌شود که با منافع ملی سازگار نیستند. ریشه بسیاری از سختی‌ها در این است که یک نوع فضای ناصحیح بین نیروی کار و کارفرمایان ایجاد شده است.

– کارخانه‌ها با اشتغال مولد و با ایجاد ارتباط درست با کارگران و کارفرمایان می‌توانند سطح تولید محصول را افزایش دهند، اما در حال حاضر با واردات عظیم لوازم مصرفی، تمام کارخانه‌ها با خطرهای جدی روبرو هستند، برخی تعطیل شده‌اند و برخی دیگر نمی‌توانند حقوق کارگرهای خود را بپردازند. بدهی‌های معوقه بسیار بالا رفته است.

– نباید با رفتارهای عوام فریبانه برای کسب محبوبیت حرکت کرد. پول‌های فراوانی با طرح‌های زود بازده هدر داده شد. پول‌هایی که در جامعه ما تزریق کردند، ظاهر قشنگی داشت، اما اشتباه بزرگی بود. به دلیل همین نگاه کوته‌بینانه و نداشتن یک نظر بلند و وسیع و برنامه منسجم، این برنامه‌ریزی‌های اشتباه به تورم‌های وسیعی منجر شد.

–باید خواستار اصلاح سیاست‌های وارداتی باشیم. واردات بی‌رویه کالا نه به نفع کارگرها است و نه به نفع کارفرماها.

– در خراسان تعطیلی کارخانه‌های قند را از مهمترین مشکلات این استان دانستم. ما در سال، دو و نیم میلیون تن شکر وارد می‌کنیم طبیعی است که کارخانه‌ها تعطیل شوند و مزارع چغندر خراسان و مزارع نیشکر خوزستان تعطیل شود؛ دنباله این مسئله اعتراضات، بداخلاق، ناامیدی و فقر است.

نامش «اسانلو»؛ جرمش «کارگر» بودن

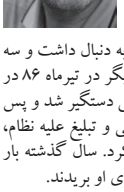

۳ سال زندان بدون یک روز مرخصی! تصور کردنش هم دشوار است گرچه در مجموع نزدیک ۵ سال در زندان است.

اسانلو قبل از این ۵ سال هم سابقه زندان دارد. نخستین بازداشت او در سال ۸۴ و به دنبال اعتراضات کارگری بود که بازداشت او هشت ماه زندان را به دنبال داشت و سه ماه آن را در بند انفرادی گذراند. بار دیگر در تیرماه ۸۶ در نزدیکی منزل خود توسط ماموران امنیتی دستگیر شد و پس از محاکمه به اتهام اقدام علیه امنیت ملی و تبلیغ علیه نظام، حکم ۵ سال زندان قطعی را دریافت کرد. سال گذشته بار دیگر محاکمه شد و یک سال زندان برای او بریدند.

بیمار است و نیاز به عمل جراحی فوری قلب دارد اما چون جزو دسته مجرمانی با جرم‌های آدم‌کشی و یا دزدی قرار نمی‌گیرد و یک «زندانی سیاسی» است از حق رفتن به مرخصی منع شده است.

رییس سندیکای کارگران شرکت اتوبوسرانی تهران است و برای اینکه فریادی برای کارگران باشد زندانی شد.

او نمادی برای کارگران است. نمادی برای مظلومیت آنها. همسرش می‌گوید، «منصور» در حالی که در زندان به سر می‌برد که حکمش به پایان رسیده بود، اما چندی پیش به دلایل نامعلوم دوباره به یک سال زندان محکوم شد.

گویی ترس حاکمیت از یک آزاده بیش از این‌هاست. او در زندان رجایی‌شهر هنوز فریاد آزادی سر می‌دهد.

اسانلو حتی وقتی همسرش حالش را می‌پرسد هرگز لب به گلایه نمی‌گشاید به قول پروانه اسانلو، همسر وی، او هرگز از منصور نشنیده که یک بار هم بگوید حالش بد است. اما او این روزها به شدت بیمار است تا جایی که همه پزشکان زندان رای به جراحی قلب او داده‌اند. اما با این وجود دادستان تهران با مرخصی پزشکی برای این زندانی سیاسی مخالفت می‌کند.

همسر این فعال کارگری درخواستی فراتر از آزادی همسرش دارد. او می‌گوید: فقط درخواست می‌کنم هر کسی به طریقی که می‌تواند به آزادی زندانیان سیاسی کمک کند، دریغ نکند. همسر من بیمار است و با این شرایط زندان را فقط به خاطر مردم و آرمان‌هایش تحمل می‌کند. این عزیزان را از یاد نبریم.

هدیه دولت به کارگران:
محاکمه ۴ کارگر در روزهای آینده

در حالیکه ۱۱ اردیبهشت همزمان با اول ماه می روز کارگر نامیده می‌شود، ۴ فعال کارگری که هم اکنون در زندان بسر می‌برند آماده محاکمه می‌شوند. محاکمه دو نفر از این افراد در دادسرای کارکنان دولت انجام می‌شود.

این خبر به نقل از سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوس‌رانی تهران و حومه در اطلاعیه‌ای اعلام شده است. آنها گفته‌اند که چهار عضو این تشکل کارگری در ماه‌های اردیبهشت و خرداد سال جاری محاکمه خواهند شد.

این سندیکا با اعلام اینکه در آستانه روز جهانی کارگر، دادگاه، تاریخ محاکمه اعضایش را مشخص کرده است، از برگزاری دادگاه غلامرضا غلامحسینی در روز ۲۱ اردیبهشت در دادگاه انقلاب شهریار خبر داد.

بر پایه این اطلاعیه، محاکمه مرتضی کمساری و علی نظری نیز در روز ۳۱اردیبهشت در دادسرای کارکنان دولت انجام خواهد شد.

همچنین قرار است محاکمه رضا شهابی، عضو هیئت مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوس‌رانی تهران و حومه، در روز چهارم خرداد ماه در دادگاه انقلاب اسلامی برگزار شود. رضا شهابی به این مناسبت و همچنین به مناسبت روز جهانی کارگر از زندان پیامی صادر کرد. وی در این پیام نوشته است:کارگران ایران و جهان، من در حالی که به خاطر دفاع از حقوق خود و دیگر همکارانم به مدت یک سال در بازداشت موقت به سر میبرم، روز جهانی کارگر را به همه ی شما کارگران چه در ایران و چه در دیگر نقاط جهان تبریک می گویم.وی ابراز امیدواری کرد که کارگران با پرهیز از تفرقه و چند دستگی و با اتحاد و همبستگی بتواند به حقوق و مطالبات خود دست بیابند.

اما بررسی اتهام های «رضا شهابی» و سایر کارگرانی که قرار است محاکمه شوند نشان می دهد این فعالان کارگری در حالی متهم به اقدامات امنیتی شده اند که تنها جرم اصلی و واقعی آنها، دفاع از حقوق کارگران و به خصوص حق آنها برای فعالیت صنفی است.

برخوردهای امنیتی و قضایی با فعالان کارگری در شرایطی انجام می‌گیرد که بر اساس مقاوله نامه‌های ۹۸ و ۸۷ سازمان بین‌المللی کار، ایران موظف است که از ایجاد تشکل‌های کارگری در ایران جلوگیری نکند و مانع تشکل یابی کارگران مانع نشود.

اخبار کوتاه

آیت‌الله دستغیب با اشاره به شانزده مورد انحراف:

پنج مرجع تقلید دیگر نیز این اشکالات را پذیرفته‌اند

آیت‌الله سیدعلی‌محمد دستغیب، مرجع تقلید مقیم شیراز، با تاکید دوباره بر ۱۶ موردی که پیش از این به عنوان موارد تخلف و انحراف حاکمیت از اسلام و قرآن و قانون اساسی جمهوری اسلامی مطرح کرده بود، اعلام کرد که پنج مرجع تقلید دیگر نیز این اشکالات را پذیرفته و موارد دیگری از انحرافات و تخلفات حاکمیت را هم به آنها افزوده‌اند.

انتقال تقی رحمانی به بند ۳۵۰ زندان اوین

تقی رحمانی، روزنامه‌نگار و نویسنده بعد از تحمل چند ماه حبس در بند امنیتی ۲۰۹ اوین، به بند ۳۵۰ اوین منتقل شد. وی از مشاوران مهدی کروبی در انتخابات گذشته، در وضعیت کاملا نامشخص و بلاتکلیف به سر می‌برد.

هشداری برای استقرار حکومت مطلقه فردی

سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی شاخه خارج کشور، با صدور بیانیه‌ای نسبت به تکمیل پروژه حکومت مطلقه فردی در کشور هشدار داد و از همه دلسوزان و ملتزمان به جمهوریت و اسلامیت نظام مصرانه خواست در برابر نقض آشکار قانون اساسی، جمهوریت نظام و نادیده گرفتن صلاحیت‌های مجلسی که به تعبیر بنیانگذار جمهوری اسلامی می‌بایست در رأس امور باشد، ساکت ننشینند.

فراخوان جنبش سبز کردستان به مناسبت روز کارگر

در آستانه روز جهانی کارگر و در حمایت از بیانیهٔ شورای هماهنگی راه سبز امید پیرامون بزرگداشت این روز، کمیته اطلاع‌رسانی جنبش سبز کردستان، طی بیانیه از تمامی تشکل‌ها، نهادها، فعالین کارگری و همچنین سبزها خواسته است «ضمن بزرگداشت روز جهانی کارگر، با شرکت در اعتصابات و حرکت‌های اعتراضی ۱۱ اردیبهشت، همبستگی خود را تقویت نمایند.»

صف‌های طولانی خرید سکه مقابل بانک‌ها

عرضه وسیع سکه‌ها در شعبات بانکی و خرید آنها توسط مردم با قیمت‌های پائین‌تر از بازار، باعث افزایش تعداد فروشندگان سکه در بازار شده و همین امر بر کاهش جزئی قیمت‌ها تاثیر گذاشته است. به گزارش فردا نیوز، در پنجمین روز از آغاز عرضه سکه در شعب منتخب بانک ملی، هنوز هم صف‌های طولانی در مقابل درب شعب تشکیل شده و مردم همچنان متقاضی خرید سکه با قیمت اعلامی توسط بانک مرکزی هستند.

شصت درصد مردم مخاطب ماهواره هستند

عبدالله بیچرانلو عضو هیئت علمی پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات ماهواره، شبکه نمایش خانگی و اینترنت را از رقیبان چالش‌ساز برای تلویزیون دانست و ادامه داد: «براساس نظرسنجی‌های به دست آمده مردم کشور هنوز به تلویزیون و فیلم دیدن گرایش دارند، در عین حال حدود ۶۰ درصد مردم مخاطب ماهواره هستند که در سال‌های اخیر به سمت این رسانه کشیده شده‌اند.»

افزایش قیمت برق، چاه‌های کشاورزی را تعطیل می‌کند

محمدرضا خباز نماینده کاشمر در مجلس در تذکری به افزایش بی‌رویهٔ قیمت برق که باعث تعطیلی چاه‌های کشاورزی می‌شود اشاره کرد و گفت: دولت باید طبق قانون هدفمندی، ۳۰ درصد از درآمد خود را که حاصل از این قانون است، به تولیدکنندگان کشاورزی و صنعت پرداخت کند اما این کار را انجام نداده است. خباز افزود: اگر دیر به فکر بیافتیم کشاورزان تولید بهاره نخواهند داشت.

روزنامه کلمه، شماره پنجاه و چهارم، ویژه‌نامهٔ روز معلم
دوشنبه، ۱۲ اردیبهشت ۱۳۹۰، شمارگان: ما بیشماریم

کلمه
بنی الاسلام علی الکلمتین
کلمة التوحید و توحید الکلمة
WWW.KALEME.COM

معلمان و کارگران آزادی می‌خواهند چرا که آزادی باعث می‌شود تشکل‌های صنفی و سیاسی خود را تشکیل دهند و فعالیت سیاسی کنند. آنها دنبال عدالت هستند. چه عدالت در سطح معیشتی و اقتصادی و چه در سطح توزیع منزلت‌های اجتماعی. باعث می‌شود آنها بهتر بتوانند خدمت کنند و بهتر می‌توانند ثروت ایجاد کنند و بهتر می‌توانند از اقتصاد کشور دفاع کنند. **میرحسین موسوی، پیام به مناسبت روز کارگر و معلم**

سرمقاله

راهی که از زندان مدرسه به زندان اوین منتهی شد

عبدالله مومنی- محمد داوری: قدم نهادن در مسیر آگاهی موهبتی است که به جبر زمانه در تقدیرمان جا گرفته است. در روزگار کودکی که گام‌های نخستین در این مسیر نهاده می‌شود کسی به استقبال مان می‌آید که تصویر منحصر به فردش یکی از ماندگارترین و به یادماندنی‌ترین خاطرات ماست.

«معلم» پس از پدر و مادر و حتی برتر از آنان، یکی از معماران بنای شخصیت انسان‌هاست. نقاشی‌های عاشقانه او بر لوح ذهن‌هایمان، نقش می‌بندند و او تبدیل به اسطوره دوران کودکی و جوانی ما می‌شود. و این گونه بود که ما به تاسی از او پا در جای پایش نهادیم و هم چو او عاشقی را پیشه کردیم. گمان ما این بوده و هست که رسالت نظام آموزش، تربیت نسل جدید و سرمایه انسانی جامعه است. رویای ما ساختن نسلی هست که روحیه نقادی، پرسشگری، ایثار، مشارکت جویی، مهربانی، نوعدوستی، رواداری و حق‌مداری در وجودش نهادینه شود. ما کوشیدیم به فرزندان این دیار «زندگی کردن» براساس آموزه‌های مدنیت و بنیان‌های حقوق شهروندی را بیاموزیم، با وجود آن که ساختار آموزش کشور چونان زنجیری بر پای ما سنگینی می‌کرد اما عزم ما و بلندای ارزش و اعتبار جایگاه بلندمرتبه معلم بود.

ما آموزش دادیم و آموزش دیدیم، پا به پای معلمی، دانشجویی را از یاد نبردیم و در مسیر مدرسه و دانشگاه کوشیدیم تا آن جا که می‌توانیم در اصلاح رویه‌های ناصواب سیستم آموزشی موثر باشیم و با خود شاگردان‌مان پیمان بستیم تا برای رهیدن از استبداد جهل و نادانی از هیچ کوششی دریغ نورزیم. ما معلمی را تنها حضور در کلاس و تدریس کتاب‌های درسی نمی‌دانستیم و خود را در برابر انحراف‌ها و ناکارآمدی‌های نظام آموزشی از رسالت‌های حرفه‌ای‌اش، مسوول می‌دانستیم. این باور راهی متفاوت را پیش روی‌مان قرار داد؛ راهی که از زندان مدرسه به زندان اوین منتهی شد. ما که چاره کار را در «اعتراض» می‌دیدیم و مشی‌مان «انتقاد» بود، به گرداب تهدید گرفتار آمدیم و به اتهامی ناروا دربند شدیم و این البته سرانجام کوشش در ساختارهای غیرمدنی و غیردموکراتیک است.

«روز معلم» بهانه‌ای شد تا در کنار تبریک به همکاران ارجمند خود در سراسر کشور، با یاد شادباش‌های دانش‌آموزان در سال‌های پیش شاد و امیدوار باشیم. برای دومین سال است که ما روز معلم را در زندان سپری می‌کنیم، در حالی که دغدغه‌هایمان همچنان پابرجاست و در کشاکش دوگانه «عشق و رنج معلمی» به امید روزهایی هستیم که آموزگاران با شور و شوق درس زندگی بدهند، مدرسه‌های ما در نظامی مشارکت محور، دارای جذابیت و بامحتوا صحنه پویایی و خلاقیت شوند تا در راستای ایفای نقش جامعه‌پذیری بتوانند سرمایه‌های انسانی را بارور سازند، با تربیت مدنی از کودکان و نوجوانان «شهروندی مسوول» بسازند و نسل فردا را امیدوار کنند.

در این روزها هنوز هم از پشت میله‌های زندان به روزهای شیرینی می‌اندیشیم که آن روز در مدرسه ایران همه مشق آزادی نمایند و با استقرار دموکراسی، عدالت را به ارمغان آورند. خواست ما؛ روزگاری است که معلمان و آموزگاران که به دلیل فعالیت‌های صنفی، اجتماعی و سیاسی بازداشت و محاکمه نگردند و حق داشتن تشکل، برگزاری تجمع، انتقاد و اعتراض آن‌ها به رسمیت شناخته شود.

امیدوارانه به ادامه مسیری می‌اندیشیم که به گاه انجام رسالت خود برای ساختن دانش‌آموزانی مسوول و منتقد، تحقیر نشویم و به یک سیستم آموزشی درست می‌اندیشیم که حاکمان، آموزگاران را بازیچه دست خود نخواهند. خواست ما قدم نهادن در کلاس درسی است که آزادگی و آزاداندیشی درس نخست آن باشد و کتابی را تدریس می‌کنیم که امید به آینده را در نسل فردا پدید آورد.

چگونه می‌توانیم؛ درس «شجاعت» را به دانش‌آموزان‌مان بدهیم، وقتی می‌بینند که پاداش نقدها، زندان است، چگونه آن‌ها را به «مسوولیت‌پذیری» تشویق کنیم، وقتی سرانجام مسوولیت‌پذیری در این کشور را با چشمان خود می‌بینند، مگر می‌توانیم از «عدالت» سخن بگوییم، وقتی خود گرفتار حکم‌های ظالمانه زندان هستیم.

ما نمی‌توانیم، به دانش‌آموزان خود بگوییم، شهروند خوب باید «ساکت»، «منفعل»، «بله قربان‌گو»، «ریاکار» و «ترسو» باشد چرا که بر این باوریم؛ رفتار مستبدانه و غیردموکراتیک خود نتیجه ترویج کژی‌هایی از این دست است.

به امید ایرانی سبز و آزاد
اردیبهشت ماه ۹۰
بند ۳۵۰ زندان اوین

بیانیه شورای هماهنگی راه سبز به مناسبت روز معلم:
معلمان به عنوان سفیران آگاهی ستون‌های کاخ ستم را سست می‌کنند

شورای هماهنگی راه سبز امید در آستانه سالروز شهادت استاد شهید مرتضی مطهری و روز معلم طی بیانیه‌ای اعلام کرد که همراهان جنبش سبز مصرانه خواهان آزادی هرچه سریع‌تر نمایندگان تشکل‌های معلمان که ماه‌هاست در سخت‌ترین شرایط در حبس بسر می‌برند هستند و اخطار داده که دولت موظف است در مقابل خواسته‌های صنفی معلمان پاسخگو باشد نه سرکوبگر و به جای دادن وعده‌های توخالی در هنگامهٔ تبلیغات انتخاباتی، به شعور فرهنگ‌سازان فرهیختهٔ این سرزمین احترام بگذارد.

در این بیانیه با تاکید بر اینکه دشمنی با فضای نقادانه‌ای که علوم انسانی در جامعه فراهم می‌کند، راه‌اندازی اینترنت ملی و قطع ارتباطات اینترنتی با جهان پیرامون و همهٔ اقدامات مداخله‌گرانهٔ دیگری که با نام مهندسی فرهنگی صورت می‌گیرد، نشان از ترس اقتدارگرایان از آگاهی دارد آمده است: خودکامگان، نه به نیازها و مشکلات معلمان توجه می‌کنند، و نه آنها را در انجام رسالت خویش آزاد می‌گذارند.

این بیانیه اشاره دارد که معلمان، استادان و عالمان دینی، قشر فرهنگ‌ساز جامعه هستند. آگاهی‌هایی که این فرهنگ‌سازان به مخاطبان خود ارزانی می‌دارند و آنان نیز به مثابه سفیران آگاهی به میان خانواده‌هایشان می‌برند، ستون‌های کاخ‌های ستمی که بر زر و زور و تزویر استوار شده‌اند را سست کرده و چشم‌اندازی نویدبخش برای آینده‌ای بهتر ترسیم می‌کنند.

این بیانیه تاکید دارد که جامعه‌ای که در آن آزادی بیان وجود نداشته باشد، جامعه‌ای که افراد نتوانند از حقوق خود از طریق شوراها و تشکل‌های صنفی دفاع کنند، جامعه‌ای که در آن اندیشیدن به شیوه‌ای متفاوت از حاکمان جرم باشد، جامعه‌ای که دستگاه‌های امنیتی برخلاف نص صریح قانون اساسی به تفتیش عقاید دست می‌زنند، نه روی بهزیستی در حیات دنیوی را خواهد دید و نه به سعادت اخروی دست خواهد یافت.

سپس این بیانیه برخی از اندیشه‌های استاد مطهری را یادآور شد و آورده است: استاد شهید مطهری آرزو داشت که در نظام اسلامی آنقدر آزادی بیان وجود داشته باشد که در دانشکدهٔ الهیات، کرسی درس مارکسیسم توسط یک استاد مارکسیست دائر شود تا بتوان با منطق گفتگو به نقد آن بر دین انتقاد کرد. کجاست آن شهید بزرگوار که ببیند این روزها استادان مسلمان را به جرم داشتن دغدغهٔ اصلاح امور، بی‌بصیرت می‌خوانند و به نام اسلامی کردن دانشگاه‌ها از تدریس محروم می‌کنند، و کجاست تا ببیند معلمانی چون هاشم خواستار، رسول بداقی، محمد داوری، عبدالله مومنی و... به جرم حق‌گویی و حق‌جویی به بند و زندان و شکنجه کشیده شده‌اند.

در پایان این بیانیه اینگونه جمع‌بندی می‌کند که امروزه ناکارآمدی نظام‌های تصمیم‌گیری فردمحور و کارایی نظام‌های مبتنی بر عقل جمعی چنان آشکار شده که تلاش‌های حقیرانه برای تقدس بخشیدن به افراد و خلق معجزات و کرامات برای صاحبان قدرت، در نزد شهروندان جز تمسخر عقلانیت انسان‌ها معنا نمی‌دهد. این همان نکته‌ای است که اهمیت آن را دولتمردان نتوانسته‌اند درک کنند. ایرانیان اما، نشان داده‌اند که از فرمانروایانشان در درک زمانهٔ خود پیشروترند و به پیروزی نهایی خرد بر نابخری، ایمان دارند.

کانون صنفی معلمان تهران:
معلمان و کارگران در بند را آزاد کنید

طیف صنفی کانون صنفی معلمان تهران به مناسبت روز معلم بیانیه‌ای صادر کردند و ضمن گرامیداشت یاد و خاطره دکتر خانعلی و فرزاد کمانگر، این روز را به همه فعالان صنفی دربند، بویژه هاشم خواستار (در زندان وکیل آباد مشهد) و رسول بداقی (در زندان رجائی شهر کرج) تبریک گفتند.

متن کامل این بیانیه به شرح زیر است:

به نام خداوند جان و خرد

معلمان فرهیخته، همکاران گرامی

با تبریک ۱۲ اردیبهشت روز ملی معلم و نیز گرامی داشت یاد و خاطره دکتر خانعلی و فرزاد کمانگر، این روز را به فعالان صنفی دربند، هاشم خواستار (در زندان وکیل آباد مشهد) و رسول بداقی (در زندان رجائی شهر کرج) نیز تبریک و تهنیت می‌گوئیم.

همکاران آگاه، همان طور که می‌دانید، سال‌هاست که تشکل‌های صنفی معلمان پی‌گیر حل ریشه‌ای و اساسی مشکلات معیشتی و منزلتی معلمان کشور هستند و هزینه‌های مادی و معنوی بسیاری را فعالان صنفی در این راه متحمل شده و می‌شوند. بارها با ارائه پیشنهادهای راه گشا نظیر: پرهیز از سیاست زدگی در امور آموزشی کشور / اجرای کامل و صحیح قانون نظام پرداخت هماهنگ از جمله افزایش حقوق سالانه مطابق با تورم واقعی/ تاکید برشایسته سالاری و عدم تبعیض جنسیتی / اجرای اصل ۳۰ قانون اساسی و عدم خصوصی‌سازی در آموزش و پرورش / رفع توقیف از هفته نامه قلم معلم / تدوین و تالیف کتب درسی با توجه به علم روز و منطبق با استانداردهای جهانی / به رسمیت شناختن شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی و احترام به حق قانونی و مسلم فعالیت صنفی تشکل‌ها توسط وزارت کشور / اجرای مدیریت انتخابی / قرار دادن شغل معلمی در زمره مشاغل سخت و... از دولتمردان می‌خواهند که خرد جمعی معلمان را در تصمیم‌گیری‌های کلان اموزش و پرورش دخالت دهند.

هرگونه تغییر و برنامه‌ریزی آموزشی بدون رکن اساسی آن یعنی معلم، بی‌ثمر خواهد بود و تا امنیت شغلی و معیشت او تامین نشود هیچ طرح آموزشی موفق نخواهد شد.

همکاران گرامی

متاسفانه سال‌هاست که نگاه سیاسی به آموزش و پرورش و آزمون و خطا در وزارت‌خانه‌ای که باید اینده‌سازان جامعه را تربیت کند، هرساله شاهد اجرای برنامه‌هایی هستیم که فعلا نتایج آن خروج معلمان با تجربه از آموزش و پرورش و ورود معلمان نوظهور به نام شرکتی به نظام آموزشی و کاهش معاونان مدارس و افزایش تعداد دانش‌آموزان کلاس‌ها و بسته شدن بسیاری از کتابخانه‌ها و آزمایشگاه‌های مدارس است. عدم هماهنگی بین رتبه‌های درجه‌بندی معلمان شاغل نیز با توجه به تورم موجود نمود کافی ندارد.

همکاران عزیز جا دارد که یاد و خاطره محمد بگی بنیانگزار آموزش و پرورش عشایری را که در آستانه روز معلم سال پیش بدرود حیات گفت گرامی بداریم و همچنین روز کارگر نیز به کارگران عزیز تبریک می‌گوییم و خواهان آزادی زندانیان صنفی معلمان و کارگران هستیم.

کانون صنفی معلمان تهران (طیف صنفی)
اردیبهشت ۹۰

اخبار کوتاه

وضعیت وخیم جسمانی عزت‌الله سحابی

عزت الله سحابی، فعال جنبش ملی و آزادیخواهی مردم ایران، در حالیکه وضعیت نامناسب جسمانی داشت، دچار سکته مغزی شد و نزدیکان وی از عمل جراحی اضطراری وی خبر دادند.

همزمان خانواده این فعال ملی - مذهبی، ضمن اعلام این خبر که مهندس سحابی امروز دو عمل جراحی داشته، از عموم مردم خواستار آن شدند تا برای سلامتی ایشان، دعا و طلب بهبود کنند.

جلسه هیات دولت؛ حضور احمدی‌نژاد غیبت مصلحی

جلسه روز گذشته هیات دولت با ریاست احمدی‌نژاد و غیبت وزیر اطلاعات برگزار شد.

اگرچه احمدی‌نژاد پس از یک هفته غیبت، امروز در جلسه هیات دولت حضور یافت و این جلسه به ریاست وی برگزار شد، اما وزیر اطلاعات در این جلسه حضور نداشت. علت غیبت حیدر مصلحی مشخص نیست.

کاهش ۵۷ درصد بازده سرمایه‌گذاری در بازار سهام

بازده سرمایه‌گذاری در بورس سهام تهران به ۶ درصد تنزل کرد. در پی افت شدید ۶۳۶ واحدی شاخص کل بورس اوراق بهادار تهران، بازده سرمایه‌گذاری در بورس تهران که طی سال ۹۰ به بیش از ۱۴ درصد رسیده بود به کمتر از ۶ درصد رسید.

توافق جدید یک میلیارد دلاری وزارت نفت و قرارگاه خاتم‌الانبیا

مهدی فکور، مدیر عامل شرکت نفت مناطق مرکزی با اشاره به واگذاری قرارداد توسعه ۲ میدان گازی به صورت ترک تشریفات به قرارگاه سازندگی خاتم‌الانبیا، ارزش این قرارداد را نزدیک به یک میلیارد دلار اعلام کرد و جزئیات سیاست جدید وزارت نفت برای واگذاری ترک تشریفات قراردادهای نفت و گاز را تشریح کرد.

مادر مهدی محمودیان: علما برای آزادی زندانیان سیاسی قدمی بردارند

مادر مهدی محمودیان از همه علما و کسانی که می‌توانند برای آزادی زندانی‌ها مخصوصا جوان‌ها قدمی بردارند و کاری بکنند خواهش می‌کند هر چه زودتر این کار را انجام دهند و هزاران خانواده را از نگرانی در بیاورند.

در حالیکه طی روزهای اخیر خانوادهٔ روزنامه‌نگار زندانی، مهدی محمودیان، امکان ملاقات با این زندانی سیاسی را نیافته بودند، نهایتا پس از چهار ماه تلاش، موفق شدند اجازه ملاقات حضوری دریافت کنند.

افزایش ۲۵ درصدی قیمت انواع نان فانتزی

رئیس اتحادیه نان فانتزی تهران خبر داد که قیمت نان فانتزی ۲۵ درصد افزایش یافته است.

رئیس اتحادیه نان فانتزی تهران گفت: بر این اساس نان باگت از قیمت ۴۰۰ تومان به ۵۰۰ تومان، نان ساندویچی از ۲۰۰ تومان به ۲۵۰ تومان، نان همبرگری از ۲۰۰ تومان به ۲۵۰ تومان و نان بربری فانتزی بدون افزایش قیمت ۵۰۰ تومان عرضه می‌شود.

مرخصی احسان عبده تبریزی، دانشجوی زندانی

احسان عبده تبریزی، دانشجوی زندانی با تودیع وثیقه پانصد میلیون تومانی بعد از یک سال و نیم بازداشت به مرخصی آمد.

عبده تبریزی از روز سه شنبه هفته گذشته برای گذراندن مرخصی از زندان اوین آزاده شده است، وی به پنج سال حبس تعزیری محکوم شده است.

بنی الاسلام علی الکلمتین
کلمة التوحید و توحید الکلمة

روزنامهٔ کلمه، شماره پنجاه و پنجم
چهارشنبه، ۱۴ اردیبهشت ۱۳۹۰، شمارگان: ما بیشماریم

کلمه

WWW.KALEME.COM

قرار نبود که ما بر مردم حکومت کنیم. قرار بود مردم حکومت کنند. قرار بود جابه‌جایی‌ها به خواست مردم و به صورت مرتب در کشور اتفاق بیفتد. باید ترسید از موقعی که فکر شود راه حل، در سرکوب ادامه فشارها و بستن فضاست.

میرحسین موسوی، دیدار با خانواده زندانیان سیاسی

پیامی از زندان

خواسته کارگران، جنبش سبز و سایر اقشار جامعه

ابوالفضل قدیانی*: یازدهم اردیبهشت ماه یا اول ماه می روز جهانی کارگر است. روزی که قرار است مقام معنوی کار و کارگر ارج گذاشته شود. برای اینکه در تقویم‌ها چنین روزی گنجانده شود، تاریخ فراز و فرود بسیاری را پشت سر گذاشته است. در روزگارانی نه چندان دور کارگران از بدیهی‌ترین حقوق انسانی محروم بوده‌اند اکنون اما در جوامع پیشرفته اوضاع چرخ گردون، دگرگون شده است. به مدد بیمه‌های اجتماعی همگانی و قوانین کار و نظام سیاسی و اجتماعی مردمسالار دیگر کمتر کسانی از اولیات زندگی انسانی محرومند.

جنانیه این گفتار هم این پرسش بنیادی است که چرا بعد از گذشت بیش از سی سال از انقلاب اسلامی هنوز کشور ما نتوانسته است حداقل‌های مادی یک زندگی معقول را برای قشر پایین جامعه به طور عموم و کارگران به طور خصوص فراهم کند. مگر یکی از خواست‌های اساسی انقلاب اسلامی برقراری «عدالت اسلامی» نبوده است؟ عدالتی که در سیره حکومتی امیرالمؤمنین جلوه‌گر شده است. اما در ایران امروز، ما شاهدیم که کارگران این سرزمین علاوه بر مشکل لاینحل پایین بودن دستمزد، حتی از حقوق اولیه کارگران کشورهای توسعه‌یافته محرومند. برای مثال حق داشتن تشکل‌های کارگری آزاد و اعتصاب و...

به نظر می‌رسد ناتوانی ما در برقراری «عدالت اسلامی» دو جنبه آشکار دارد. یکم اینکه دولت‌های پس از انقلاب مجموعاً نتوانسته‌اند که تولید ثروت در کشور را به نسبت پیشرفت فناوری و متناسب با آن توسعه جهانی و افزایش جمعیت ایران بالا ببرند و دوم اینکه بنابر گزارش‌های موجود، تفاوت دهک‌های بالا و پایین جامعه به وضوح نشان می‌دهد که همین ثروت تولید شده در کشور، که بخش عمده‌ی آن پول بادآورده نفت است، نیز عادلانه بین مردم توزیع نمی‌شود.

البته باید یادآور شوم که این عدم موفقیت نافی تلاش‌های دولت‌های پس از انقلاب نیست. آمارها نشان می‌دهد دولت میرحسین موسوی با وجود شرایط جنگی و تحریم‌های سخت توانسته بود گام‌های مهمی برای برای بهبود وضعیت اقتصادی و عدالت اجتماعی بردارد. یا در مورد دولت آقای خاتمی رشد اقتصادی به نسبت بالا و مهمتر از آن مداوم، با وجود قیمت پایین نفت، در صورت تداوم می‌توانست وضعیت امروز ما را به مراتب از وضعیت موجود بهتر کند. اما عملکرد جناب احمدی‌نژاد آنچه را که دیگران بافته بودند را یکسر رشته کرد. اینکه چرا و چگونه جناب احمدی نژاد توانست با سم پول بادآورده نفت، روند رو به بهبود اقتصادی را که حاصل دولت اصلاحات بود را به باد دهد محتاج واکاوی است. اما به گمان من مختصراً می‌توان گفت که این ساختار سیاسی موجود و در رأس آن شخص مقام رهبری است که به ایشان این اجازه را داد و بلکه تشویق کرد که آن رویه رو به بهبود را بر هم زند و کشور را به وضع تأسف‌بار امروز بکشاند.

در چنین اوضاعی، وضعیت کارگران با وضعیت سایر قشرها در ایران همبستگی تام و تمام دارد. ضعف و از هم گسیختگی روزافزون سیستم تولید و توزیع ثروت در کشور، منجر به بدتر شدن احوال معیشتی مردم و خصوصاً دهک‌های پایین‌تر جامعه از جمله کارگران می‌انجامد و دولت برای کنترل اعتراضات هرچه بیشتر تشکل‌های کارگری و صنفی را محدود و منکوب می‌کند. با ادامه این سیر نزول اقتصادی، حاکمان فعلی برای حفظ خود مجبورند نهادهای مدنی را بیشتر از پیش سرکوب کنند و خواستاران اجرای بی‌تنازل قانون اساسی را بیشتر به بند و حصر بکشند اما مشارکت هرچه بیشتر کارگران در جنبش مدنی مردم ایران که به جنبش سبز مشهور است می‌تواند گره کور وضعیت فعلی را – به حول وقوه الهی– زودتر باز کند.

از سوی دیگر به نظر می‌رسد که جنبش سبز نیز هرچه بیشتر باید با بدنه کارگر و زحمتکش این مرز و بوم ارتباط مستمر برقرار کند. حاکمان مستقر می‌کوشند که با هجمه تبلیغاتی خواسته‌های جنبش سبز را از خواسته‌های کارگران و سایر قشرهای ایران متفاوت جلوه دهند. همه‌ی ما باید بکوشیم که همه آگاه شوند خواسته‌های جنبش سبز وقتی از منظری درست به آن نگریسته شود با خواسته‌های کارگران و البته سایر اقشار مردم ایران یکی است. روزی که جنبش سبز مردم ایران به پیروزی برسد روزی است کارگران ایران هم به خواسته‌های به حق و مشروع خود یک گام نزدیک‌تر شده‌اند.

** عضو ارشد سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی زندانی در اوین*

سیدمحمد خاتمی در جمع معلمان:

حاکمی که درد مظلومان نداشته باشد حاکم مطلوب امام علی نیست

رئیس‌جمهور سابق کشورمان با تاکید بر اینکه «ایمان گلی است که در بوستان آزادی می‌روید»، گفت: «آنچه ما می‌خواهیم و انقلاب ما هم می‌خواست؛ پاسخ‌گویی حکومت در مقابل مردم و امکان نقد و اعتراض برای مردم است نه اینکه مثل گذشته‌ها، قدرت در هاله‌ای از تقدس پوشانده شود که کسی حق سؤال و انتقاد و اعتراض نسبت به آن نداشته باشد.»

سیدمحمد خاتمی در جمع معلمان با تبریک فرارسیدن روز معلم تصریح کرد: باری شریف‌ترین شغل که شغل انبیاء هم هست همین معلمی است و مگر نه اینکه صفت خاص پیامبر تعلیم کتاب و حکمت و تزکیه انسان‌هاست.جالب اینکه در آن جایی که حضرت امام علی از حق متقابل والی و مردم صحبت می‌کند نیز آگاهی‌بخشی و تعلیم و تأدیب جایگاه مهم دارد. حکومت حدود و اختیاراتی دارد ولی اینکه همه امکانات و همه حق در خدمت قدرت باشد و همه فرمان‌پذیری‌ها و اطاعت محض برای مردم، شیوه‌ای بوده که نوعاً در حکومت‌های جبار وجود داشته و اسلام عزیز و امیرالمومنین است که به صراحت از حق مردم صحبت می‌کند و حق مردم بر حکومت را عبارت می‌داند از بالابردن آگاهی جامعه، فروانداختن پرده‌های جهل و نادانی در جامعه و پرورش انسان‌ها.

وی تصریح کرد: جامعه‌ای که در آن جهل و فقر و تبعیض باشد جامعه مطلوب امام علی نیست. حکومتی که مورد خواست و رضایت مردم نباشد حکومت مطلوب نیست. و حاکمی که درد مظلومان و عزم مبارزه با استثمارگران و زورگویان را نداشته باشد حاکم مطلوب امام علی نیست.

وی با اشاره برخی از گفتار و رفتار امام علی در این زمینه افزود: اولین حق حکومت بر مردم انتقاد کردن است، اینکه آزادی مطلوب در جامعه باشد. جالب این است که امام علی آزادی و اندیشه و بیان و نقد و انتقاد را حق حکومت و وظیفه جامعه می‌داند.

وی سپس به آنچه که انقلاب ایران می‌خواست پرداخت و گفت: نظامی که هم در آن ارزش‌های الهی باشد هم خرد و منطق و عقل بر آن حاکم باشد و هم آزادی‌های مطلوب و مشروع وجود داشته باشد و هم پاسخ‌گویی حکومت در مقابل مردم باشد و هم امکان انتقاد و اعتراض برای مردم باشد و هم حق و امکان مردم به جابجایی قدرت با انتخابات و به طریق آزاد و مسالمت‌آمیز. این‌ها خواست جمهوری اسلامی بود که ریشه‌های الهی را در آن می‌بینیم.

وی سپس به برخی از مشکلات کارگران اشاره کرد و گفت: خوشبختانه در دوره ما سه‌جانبه‌گرایی را مورد توجه قرار دادیم. هم کارفرما، هم کارگر و هم دولت که با هم مسائل را حل کنند و بسیار هم مفید بود. از کل درآمد نفت از اول پیدایش و صدور نفت در یک قرن گذشته حدود نیمی از این درآمد در این پنج شش سال گذشته نصیب کشور شده است. از سوی دیگر نقشه راه یعنی سند چشم‌انداز پیش روی دولت بوده است. آیا در این مسیر حرکت کرده‌ایم؟ آیا رشد اقتصادی و سرمایه‌گذاری مطلوب و رواج و رونق کشاورزی و صنعت را شاهدیم؟ با ادعا مسائل حل نمی‌شود. اگر رشد ما پایین یا منفی است یعنی کار و کارگر هم دچار مشکل است.

آیت‌الله بیات زنجانی:

اسلام بازیچه دست حاکمان مستبد شده است

آیت‌الله بیات زنجانی با انتشار بیانیه‌ای، به رخدادهای جاری در منطقه پرداخته و شیوهٔ برخورد حکومت‌ها با مردمشان را به شدت محکوم کرد.

در بخشی از این بیانیه آمده است: در هر حکومتی، اولا باید به دنبال کنترل حاکم و مهار خودکامگی‌اش بود و ثانیا در جستجوی روند و مکانیسمی برای عزل مردمی وی در هنگام خواست مردم بود. وجه مشترک حاکمان سفّاک این کشورها این است که به نحو توهّم‌آمیزی می‌پندارند که حاکم یک کشور اسلامی‌اند و هرگونه خروج در برابر آنان به منزلهٔ خروج در برابر رسول‌الله است.

ایشان سپس در این بیانیه اشاره دارد که درد کنونی ما دو چیز است؛ یکی اسلام عزیز و دیگری مسلمین ساکن در این کشورها. اسلامی که نام و نشان آن، بازیچهٔ دست حاکمان نامشروع و مستبد این کشورها شده، و مسلمانانی که گرفتار خودخواهی و خودمداری این حاکمان شده‌اند.

این بیانه تاکید می‌کند که هرکس با هر تحلیلی که به قیام‌های مردمی منطقه از تونس و مصر گرفته تا لیبی و سوریه و بحرین بنگرد، نمی‌تواند منکر شود که در این قضایا، خون‌های مسلمین است که دارد ریخته می‌شود و نوامیس مسلمین است که مورد هتک قرار می‌گیرد.

ایشان در انتهای این بیانیه تاکید کرد: از خداوند متعال آزادی همهٔ اسرای سیاسی و فکری را خواهانم و برای رهایی مسلمانان از سلطهٔ حاکمان جائر دعا می‌کنم و مسلمین و مؤمنین معزّز را به روشنگری در این‌باره و حمایت‌های فکری و عملی در این زمینه دعوت می‌کنم.

همزمان با روز جهانی مطبوعات اعلام شد:

ایران بزرگترین زندان روزنامه‌نگاران جهان

علی مزروعی رئیس انجمن صنفی روزنامه‌نگاران در یادداشتی به مناسبت روز جهانی مطبوعات با تقدیر از نقش روزنامه‌نگاران در توسعه سیاسی و اجتماعی جامعه به وضعیت فعلی اهالی مطبوعات پرداخته و آورده است: تاریخ مطبوعات و روزنامه‌نگاران در ایران از بدو کار تا به امروز فراز و فرودهای فراوانی را پیموده است که بازگویی آن جز چشم پرآب و دل پرخون را طاقت نیست.

وی به ارائه آماری در این زمینه می‌پردازد و می‌گوید: فقط در دو سال گذشته بیش از ۱۵۰ روزنامه‌نگار به بند و زندان کشیده شده‌اند با آن وضعی که همه می‌دانیم که ۳۲ نفر آنها هنوز در زندان به سر می‌برند و برخی‌شان با محکومیت‌های سنگین عجیب و غریب چند سال محرومیت از فعالیت مطبوعاتی و زندان روبرو و با مجرمان زندانی خطرناک هم بند شده‌اند. بیش از چهل مطبوعه توسط هیات نظارت بر مطبوعات توقیف و تعطیل شده و دهها روزنامه‌نگار بیکار شده‌اند و به دلیل نبود امنیت شغلی و استقلال حرفه‌ای به ناچار یا این حرفه را ترک کرده‌اند و یا ترک یار و دیار کرده و آواره دنیا گشته‌اند تا شاید از تخصص و دانش خود در جایی دیگر بهره گیرند و گذران عمر و زندگی کنند.

وی سپس از خبرنگاران زندانی نام می‌برد و می‌گوید: قطعا نام این روزنامه‌نگاران در صحیفه آزادی‌خواهی مردم ایران ثبت خواهد شد. و البته این کارنامه سیاه حاکمیت، ایران را به بزرگترین دشمن مطبوعات و زندان روزنامه‌نگاران در گزارشات جهانی تبدیل کرده است.

اخبار کوتاه

مسعود آقایی آزاد شد

مسعود آقایی، فعال ملی - مذهبی، پس از گذراندن حکم خود در زندان‌های اوین، قزلحصار و رجایی شهر با یک روز تاخیر آزاد شد.

او سال ۸۸ پس از حوادث عاشورا در منزل بازداشت و از سوی شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب به ۶ ماه حبس تعزیری و ۵۰ ضربه شلاق محکوم شده بود، پیش از این ۵۲ روز را در بند امنیتی اوین در انفرادی گذرانده بود. وی پس از اینکه احضاریه کتبی برای اجرای حکم خود دریافت کرد، ششم دی ماه به زندان اوین بازگردانده شد.

وزیر بهداشت به جای عذرخواهی، تکذیب کرد!

در حالی که تصاویر دو بیمار رها شده در کنار جاده توسط رسانه‌های مختلف منتشر و دادستانی تهران برای بررسی این پرونده وارد گود شده است. امروز وزیر بهداشت در اظهار نظری عجیب رهاسازی بیماران در تهران را تکذیب کرد.

مرضیه وحید دستجردی گفت: «رهاسازی بیماران در تهران به هیچ وجه صحت ندارد و ما به عنوان شاکی خصوصی وارد موضوع شدیم.»

اخراج کارگران رسمی شرکت صنعتی مهرآباد

رییس شورای اسلامی کار شرکت صنعتی مهرآباد از اخراج ۸ نفر از کارگران رسمی این شرکت خبر داد.

فرهاد کاظم‌زاده افزود: مدیریت شرکت صنعتی مهرآباد بدون این که نظر کمیته انظباتی شرکت را جویا شود اقدام به این کار کرده است که عملی غیرقانونی و برخلاف سخنان وزیر کار است.

وی تصریح کرد: کارگران اخراجی سابقه ۲۰ تا ۲۴ سال هستند و حتی یکی از کارگران اخراجی عضو شورا است و طبق ماده ۲۸ قانون کار مصونیت قانونی و شغلی دارد.

محکومیت فرزند وزیر سابق اطلاعات به حبس و محرومیت‌های اجتماعی

حسن یونسی، فرزند علی یونسی وزیر اطلاعات دولت سیدمحمد خاتمی به حبس و محرومیت از حقوق اجتماعی محکوم شد.

این حقوقدان اصلاح‌طلب که در جریان تجمعات روز اول اسفند دستگیر و پس از مدت‌ها بازداشت، از بند امنیتی ۲۰۹ به بند ۳۵۰ منتقل شده است، به یک سال حبس، جریمه نقدی و پنج سال محرومیت از حرفه وکالت محکوم شده است.

ضرر ۱۵۰ تومانی دامپروران در هر لیتر شیر

عضو کمیسیون امنیت ملی وسیاست خارجی مجلس گفت: برای تولید هر لیتر شیر ۶۰۰ تومان هزینه می‌شود، ولی متأسفانه دولت با قیمت ۴۵۰ تومان شیر را از دامپروان خریداری می‌کند، این امر موجب می‌شود که دامپروران ما ورشکسته شوند.

سیدحسین نقوی حسینی گفت: با توجه به این که هزینه حامل‌های انرژی و نهادهای دامپروی از قبیل علوفه و کنجاله افزایش یافته است، توقع دامپروران از دولت این است که قیمت شیر را به‌صورت عادلانه تعیین کند.

افشای یکی از اسرار پرفروشی اخراجی‌ها

اعتدال نوشت: اخیرا تصویر نامه‌ای که صحت و سقم آن هنوز مشخص نیست، در فضای مجازی پخش شده است مبنی بر اینکه یک ارگان برای پرسنل خود، اقدام به خرید بلیط و اعزام گروهی آنها برای دیدن فیلم «اخراجی‌های ۳» کرده است.

در نامه‌ای به تاریخ روزهای ۲۳ تا ۲۹ فروردین سال ۱۳۹۰ منصوب به یکی از ارگان‌ها آمده است: «به منظور تامین اوقات فراغت کارکنان وظیفه، در اجرای تدابیر سلسله مراتب فرماندهی مقرر گردید کلیه کارکنان وظیفه پلیس ... به منظور بهره‌مندی از فیلم «اخراجی‌های ۳» برابر نامه تنظیمی از ساعت ۱۵ الی ۱۷ در سینما پایتخت در ضلع جنوبی میدان هفت‌تیر حاضر گردند.»

بنی الاسلام علی الکلمتین
کلمة التوحید و توحید الکلمة

کلمه

روزنامهٔ کلمه، شماره پنجاه و ششم
شنبه، ۱۷ اردیبهشت ۱۳۹۰، شمارگان: ما بیشماریم

WWW.KALEME.COM

سوال این است که آیا روش و سیره دولتمردانی که ادعای مسلمانی و اسلام دارند و دروغ می‌گویند با سیره فاطمه زهرا که یکی از القاب ایشان صدیقه است یعنی صداقت و دوری از کژی و دروغ کوچک‌ترین سازگاری داشته است؟

میرحسین موسوی، دیدار با جمعی از مدرسین و طلاب حوزه‌های علمیه بانوان

سرمقاله

همه چیز کاملا طبیعی است...

مهستی شیرازی: سرانجام اصوگرایان به درستی گفته‌های میرحسین موسوی پی بردند، اما چه دیر!

افسوس! هنگامی که دو سال پیش – در چنین روزهایی – میرحسین موسوی از دلایل خود برای شکستن سکوت بیست ساله می‌گفت، اصولگرایان چنان در بازی حفظ قدرت غرق بودند که مصلحت کشور و منافع ملی را فراموش کرده و از ترس آنکه مبادا ندای اصلاح‌طلبی جان بگیرد تمام قد به دفاع از احمدی‌نژاد برخواستند و تمام تخم‌مرغ‌هایشان را در سبد او گذاشتند.

روزی که میرحسین موسوی از خطرهای «مدیریتی که بر اساس ماجراجویی و بی‌ثباتی، رفتارهای نمایشی و قهرمان‌نمایی و شعاری، خیال‌بافی و خرافه‌گرایی، پنهان‌کاری، خودمحوری، قانون‌گریزی، سطحی‌نگری و روزمرگی و افراط و تفریط...» گفت، آنان نه تنها هشدار صادقانه میرحسین را نشنیدند، بلکه بر او نیز تاختند که چرا از تریبون‌های صدا و سیما! «دولت خدمتگزار» را به «خرافه‌گرایی و خرافه‌پرستی متهم می‌کند!»

اما! این روزها که آثار مدیریت جن‌گیرها و خرافه‌پرستان به تمامی آشکار شده و کشور در آستانه فروغلطیدن به بزرگ‌ترین بحران‌های اقتصادی و اجتماعی و امنیتی است، نزدیک‌ترین یاران و منصوبان رهبری هم از خرافه‌پرستان و مرتاض و جن‌گیر می‌گویند و از مدیریت کشور بر اساس آن می‌نالند و دستاورد خرافه‌پرستان! و زحمات دولت خدمت‌گزار! را انکار می‌کنند. گویی فراموش کرده‌اند که این حلقه پرورده و برکشیده کدام نهاد است.

از کوزه همان برون تراود که در اوست. آقایان فراموش کرده‌اند آنچه در کشور می‌رود، حاصل طبیعی یک‌دست کردن قدرت است. همه چیز طبیعی است: خوبان کشور که در حصر باشند، بدها به جان کشور می‌افتند. کارشناسان ارشد که زندانی شوند، به کارشناسی جن‌گیر و رمال باید بسنده کرد. استادان که از دانشگاه اخراج شوند، دانشگاه میدان خرافه‌پرستان خواهد شد. علوم انسانی را که ندیده بگیریم، حاصلی جز خرافه نخواهیم داشت. کتاب‌ها را که از علوم دقیقه پاک کنیم، بر صفحاتشان دروغ و خرافه خواهند نوشت و...

مردم اما؛ نگران‌اند. نگران‌اند که از «انتخاب میان بد و بدتر»، به «دعوای بد و بدتر» رسیده‌اند. به خود می‌گویند: کاش دعوای اخیر آقایان دعوایی بر سر قدرت نبود. کاش همه ماجرا، ماجرای «انتخابات یک مجلس» و «انتصاب یک وزیر» و «انحصار یک قدرت» نبود. کاش هشدار میرحسین را شنیده بودند. کاش به قانون، به اخلاق، به اصول، به راه و رسم میرحسین بازگردند.

اخبار کوتاه

افزایش ۷۵ میلیارد تومانی بودجه سپاه پاسداران

نمایندگان مجلس به پیشنهاد کمیسیون شوراها، ۷۵ میلیارد تومان به بودجه سپاه پاسداران در لایحه بودجه ۹۰ اضافه کردند.

نمایندگان مجلس در ادامه بررسی لایحه بودجه ۹۰، با الحاق جزئی به ردیف بودجه سپاه، مقرر کردند ۷۵ میلیارد تومان به منظور تامین هزینه های ماموریتی به ردیف بودجه این نهاد اضافه شود.

روایت تکان‌دهنده ضیا نبوی، زندانی سیاسی از زندان کارون اهواز:

آقای لاریجانی! اینجا زندان کارون است؛ مرز زندگی انسانی و حیوانی

ضیا نبوی، دانشجوی محروم از تحصیل، یکی از زندانیان حوادث پس از انتخابات که نزدیک به دو سال در زندان به سر می‌برد. ضیا نبوی هم اکنون شرایطی را در زندان کارون اهواز تجربه می‌کند که برای خیلی‌ها حتی تصورش ممکن نیست. او در نامه‌ای خطاب به محمدجواد اردشیر لاریجانی، دبیر ستاد حقوق بشر قوه قضائیه بخشی از شرایط این زندان را توصیف کرده است.

ضیا در این نامه بیش از آنکه از خود بگوید و از خود بنویسد از شرایط غیرانسانی این زندان سخن گفته است، شرایطی که به قول او توصیفش از عهده قلم و حتی هرگونه دوربین فیلم‌برداری و عکاسی خارج است و تنها وضعیتی مرزی بین زندگی انسان و حیوان را به نمایش می‌گذارد. او با چشمان دقیق یک دانشجو، امکانات و شرایط بهداشتی این زندان را توصیف می‌کند. ضیا می‌نویسد: «آنچه در این جا می‌گذرد حقیقتا «ورای حد تقریر» است و قابل بازنمائی نیست! من چنین وضعیتی را نه پیش از این تجربه کرده بودم و نه جائی خوانده یا شنیده بودم. هیچ فیلمی یا داستانی تاکنون زندان را این گونه تصویر نکرده بود و هرگز در مخیله‌ام هم نمی‌گنجید که چنین جایی ممکن است وجود داشته باشد! شاید بتوان گفت که همه مصیبت‌های اینجا از این نکته بر می‌خیزد که انسان در یک محیط بسیار کوچک و بسته و به غایت آلوده با شمار زیادی از انسان‌های متفاوت و نامتناجس مواجه است و مجبور است تمامی لحظات خود را در چنین وضعیتی بگذراند. واقعا برای خودم هم جای سوال است که چگونه می‌توان توصیف کرد جایی را که حتی هوای سالمی برای تنفس و یا چند متر فضای خالی برای قدم زدن وجود ندارد! در این چند ماهی که در این زندان به سر می‌برم گاهی وقتی افکار و رفتارم را در طول شبانه روز مرور می‌کنم به نتایج عجیبی می‌رسم، احساس من این است که کم کم زندگی‌ام از محتوای انسانی تهی می‌شود...»

گرچه یک روز بعد از انتشار این نامه، وی به زندانی دیگر موسوم به اردوگاه کلینیک با شرایط بهتر منتقل شد اما قطعا مشکلات این زندان باقی است و برای ارزش قایل شدن به انسانیت که مورد تاکید ضیا نیز بود نیاز به توجه دارد.

او در بند نخست نامه خود که آن را اینگونه توصیف می‌کند: «می‌توانم تضمین بدهم از شرحی که از وضعیت این زندان ارایه می‌کنم هیچ نوع اغراق و بزرگنمایی وجود ندارد و در مورد کاستی‌ها و کژی‌های اینجا اگر کم نگفته باشم چیزی بدان نیافزوده‌ام» می‌گوید: «بزرگترین و اساسی‌ترین مشکل در زندان کارون اهواز، ازدحام و تراکم وحشتناک جمعیت در آن است برای مثال در بند ۶ زندان که شخصا ساکن آن هستم حداکثر ظرفیت بند که از روی تعداد تخت‌های اتاق حساب می‌شود حدود ۱۱۰ نفر است ولی در این بند به طور متوسط بیش از ۳۰۰ نفر زندانی هستند.»

او با دلسوزی از زندانیان دیگر با شرایط ناگوار یاد می‌کند و می‌نویسد: «زندانیانی که به هنگام بارندگی هیچ سرپناهی ندارند و گاه در چراغ‌خانه (آشپزخانه) و گاه حمام و گاه توالت می‌خوابند. باور کنید حتی مشاهده این وضعیت هم وحشتناک است و به جز زنده بودن که بزرگترین دلخوشی من در اینجاست شادی دیگرم این است که هیچگاه حیاط خواب و... نبوده‌ام!»

بند دوم نامه به رعایت نشدن تفکیک جرایم در این زندان می‌پردازد و می‌نویسد: «با اینکه بند ۶ زندان با عنوان «امنیتی» نامیده می‌شود ولی فقط یک ششم ساکنین این بند اتهام سیاسی یا امنیتی دارند و بقیه اتهاماتشان سرقت و یا مواد مخدر است.»

وی ادامه می‌دهد: «زندانیان با اتهام سرقت و مواد مخدر مشکلات خاصی مانند اعتیاد، بیماری‌های خطرناک، مشکلات بهداشتی و... دارند که در مورد زندانیان سیاسی و امنیتی مصداق ندارد، بنابراین همنشینی و مجاورت با آنها در یک بند برای زندانیان سیاسی بسیار مشکل‌آفرین است.»

بند سوم نامه به هواخوری زندان اختصاص دارد: «هواخوری بند ۶ بسیار کوچک و با ابعاد هشت در پانزده است که با در نظر گرفتن جمعیت بند و یک حساب ساده می‌توان فهمید به هر سه زندانی یک متر مربع مساحت برای هواخوردن می‌رسد.»

بند بعدی نامه به وضعیت بهداشتی زندان کارون اشاره دارد. ضیا می‌نویسد: «در مورد وضع بهداشتی اینجا باید بگویم که اصلا واژه بهداشت در این زندان کاملا نامانوس است. در زندانی با این تراکم از جمعیت و با چنین زندانیانی و با چنین ساختمان کهنه‌ای، انصافا بیش از این هم انتظاری نمی‌شود داشت. تعدادی از زندانیان در بیرون از زندان به اصطلاح «کارتن خواب» بوده‌اند و سبک زندگی خود را به این مکان هم انتقال داده‌اند افرادی که هرگز حمام نمی‌روند، لباس‌هایشان را عوض نمی‌کنند، از هیچ ماده شوینده‌ای استفاده نمی‌کنند و حتی چیزی هم به پا نمی‌کنند و مسیر توالت و حمام و بقیه جاها را با پای برهنه طی می‌کنند. با وجود چنین افرادی باید وضع بهداشتی بند برای شما کاملا قابل تصور باشد.»

اما مشکل فاضلاب هم در نامه ضیا نبوی مورد توجه قرار می‌گیرد. وی می‌نویسد: یکی از بزرگترین مشکلات بند مشکل فاضلاب آن است از طرفی به علت نبود مهار مناسب در سیستم فاضلاب، موش و سوسک به سادگی از آن بیرون می‌آید و دیدن آنها دیگر جز معمول زندگی زندانیان شده است. مشکل دیگر که بسیار جدی‌تر است گرفتن هرازگاه مسیر فاضلاب و بیرون زدن آن از کف هواخوری است که در ابتدا حیاط‌خواب‌ها را آواره می‌کند این فاضلاب که گاه کل فضای هواخوری را پر می‌کند معمولا تا مدت‌ها در این وضع باقی می‌ماند و انصافا آلودگی و بوی تعفن ناشی از آن دیوانه کننده است تا جایی که گاه استنشاق هوای پاک تبدیل به آرزو می‌شود.

وی بخش دیگر این نامه را به غذای زندان اختصاص می‌دهد و می‌نویسد: «درمورد غذای زندان هیچ نمی‌گویم که احتمالا مقوله‌ای سلیقه ای تلقی می‌شود ولی همین قدر بس که آشپز محترم حتی زحمت پوست کندن سیب‌زمینی‌های استفاده شده در غذا را به خود نمی‌دهد. فروشگاه زندان به طور متوسط هر شش هفته یک بار مقدار اندکی میوه می‌آورد که در بهترین حالت با کشمکش بسیار سهم هر زندانی یک کیلو میوه در شش هفته است و این سبب شده بیماری‌های ناشی از کمبود ویتامین در زندان شایع باشد.»

ضیا ادامه می‌دهد: «در مورد امکانات ارتباطی نیز مشکلات زیادی وجود دارد. ابتدا اینکه هیچ روزنامه و مجله‌ای در زندان وجود ندارد و امکان وارد کردن آن نیز میسر نیست. در مورد کتاب نیز سختگیری‌های زیادی وجود دارد و حداقل شخص خودم تاکنون نتوانستم کتاب‌های مورد نظر خودم را که هیچ موردی نیز ندارد و عموما در مورد فلسفه و یا فیزیک و ادبیات است را وارد زندان کنم. در مورد تلفن نیز باید بگویم که مدت تماس تلفنی برای هر زندانی در بند ۶، هر هفته تنها ۳ دقیقه است که پر واضح است که چنین زمانی برای شخصی که با خانواده خود بیش از هزار کیلومتر فاصله دارد، بسیار ناچیز است.»

او در پایان به محمد جواد لاریجانی می‌نویسد: «حرف‌های زیادی هست که احساس می‌کنم نوشتن از آنها احتمال موثر بودن و به نتیجه رسیدن این نامه را کمرنگ‌تر می‌کند و از این رو از آنها صرف‌نظر می‌کنم. به هر روی امید من این است که با نگاشتن این نامه، نظر مسئولان امر تا حدی به این شرایط فاجعه‌بار جلب شود و از این رهگذر بهبودی در وضعیت این زندان حاصل آید. وضعیتی ناگوار که اگر بخواهم با موجزترین جمله بیانش کنم وضعیتی مرزی بین زندگی انسانی و زندگی حیوانی است.»

زیرکی را گفتم این احوال بین خندید و گفت
صعب روزی، بوالعجب کاری، پریشان عالمی

* متن کامل این نامه را در سایت کلمه بخوانید.

یادداشت

مدعیان اصول چه دیر امپراطوری دروغ را شناختند

گروه سیاسی: این روزها یادآور حال و هوایی است که دو سال پیش در هر کوی و برزن این سرزمین بزرگ و در میان مردم بزرگتر آن شاهد بودیم: بیداری از کرختی بی‌تفاوتی که پس از سرخوردگی از دوران پرفراز و نشیب اصلاحات و برخوردهای تمامیت‌طلبانه با خاتمی نجیب دچارش بودیم، بازگویی درد دل‌های چندین ساله‌مان که پیش از آن از بازگویی‌شان هراس داشتیم، و انفجار نشاط و تحرکی که زندگی خاکستری شهر و روستایمان را رنگین ساخت.

نقاش ما تصمیم گرفت از کارگاه خود پا بیرون نهد و بزرگترین نقش زندگیش را به ما هدیه کند، و ما که با ناباوری بازگشتش را نگاه می‌کردیم و شکستن سکوتش را می‌شنیدیم، دست در دست یکدیگر، شهرها و روستاها را یکی پس از دیگری سبز کردیم و چشم انتظار دولت امید، به تحولی زندگی بخش، امید بستیم. تا آن که زمان سخن گفتن در رسانه‌ای که تا آن از آن مردم نبود فرا رسید و از میر و شیخ شنیدیم آنچه پیش از آن در دل‌هامان ناگفته مانده بود: اینکه زمام کشور به دست دولتی ناکارآمد افتاده که با ارایهٔ آمار دروغ سعی در نمایش کارآمدی دارد، اینکه میلیاردها از بودجهٔ کشور ناپدید شده، اینکه ذخایر ارزی کشور به باد داده شده، و این که بجای مدیریت مدبرانه، به رمالی و جن‌گیری متوسل شده. گذشت آنچه همه می‌دانیم و سرقت رأی و اهانت به شعور مردم و دیگر داستان‌های تلخ، و خطیبان جمعه برآشفتند که نامزدهای منتقد، دولت را به دروغ‌گویی، دزدی و رمالی متهم می‌کنند.

این روزها اما، حامیان دیروز دولت منتصب، از جن‌گیری دولتمردان سخن می‌گویند و از خالی شدن حساب ذخیرهٔ ارزی و از آمارهای دروغ، و خطیبان جمعه گویی امروز فراموش کرده‌اند که بر زبان راندن همین سخنان تا دیروز جزایش اتهام و ناسزا و زندان و شلاق و حبس و حصر بوده! شاید چون خودکامگان آنقدر درگیر حفظ قدرتند که به این آسانی دچار فراموشی می‌شوند، و شاید تا ما بدانیم که همهٔ داستان، حفظ قدرت به هر قیمت و با تمسک به هر ابزاری است، و این که دین را هم می‌توان بازیچهٔ امیال خودکامگی ساخت.

اخبار کوتاه

پایان محکومیت سعید نورمحمدی

سعید نور محمدی ازفعالان انتخاباتی کمیته جوانان میرحسین موسوی با پایان یافتن دوران محکومیت خویش آزاد شد.

سعید نور محمدی از اعضای شاخه جوانان حزب مشارکت و از بازداشت‌شدگان دعای کمیل مشهور که در منزل شهاب‌الدین طباطبایی برگزار شده بود، با پایان یافتن دوران محکومیت خود از زندان آزاد شد.

محمد نوری‌زاد به مرخصی آمد

به گزارش تحول سبز، محمد نوری‌زاد با موافقت مراجع قضایی و پس از گذشت بیش از دو ماه از اعتصاب غذای مجدد خود در زندان به مرخصی آمد. وی که بیش از این در ایام نوروز به مرخصی آمده بود و در پی دیداری که برخی مسئولان با ایشان داشتند به زندان فراخوانده شده بود.

بنی الاسلام علی الکلمتین
کلمة التوحید و توحید الکلمة

روزنامهٔ کلمه، شماره پنجاه و هفتم
دوشنبه، ۱۹ اردیبهشت ۱۳۹۰، شمارگان: ما بیشماریم

کلمه
WWW.KALEME.COM

جنبش ریشه‌دارتر از آن شده است که با محدویت و یا حذف امثال بنده متوقف شود. بنده و برادر کروبی و دیگران، همراهان کوچکی با مردم هستیم. آنها جا دارد از خشم روزافزون مردم بترسند نه از ما.

میرحسین موسوی، گفت و گو با سایت کلمه

سرمقاله

برای شرافت و بزرگواری میر اسماعیل موسوی

محمدعلی سبحانی*: همه می‌دانیم در تمام دوران جنگ هشت ساله ایران و عراق و دفاع مقدس که ملت ایران در مقابله تهاجم ظالمانه رژیم ستمگر بعثی عراق مقاومت نمود فرزند میراسماعیل نخست وزیر بود و با مدیریت مثال‌زدنی خود در اداره امور کشور، پشتیبانی جنگ را بر عهده داشت.

حمایت امام از میرحسین به گونه‌ای بود که او آن روزها در آسمان سیاست ایران ستاره‌ای درخشان بود.

پدر نخست‌وزیر قبل و بعد از مسئولیت پسرش هیچ تغییری نکرد همان خانه، همان مغازه و همان زندگی ساده را در محله قدیمی درخوانگاه تهران ادامه داد و در همه مصائب و مشکلات مردم شریک بود.

میراسماعیل در همان مغازه و خانه نشست و زندگی ساده خود را بدون تاثیرپذیری از رفت و آمد قدرت در خانواده و اطرافیان ادامه داد تا آنکه در روز ۱۰ فروردین در غربت و دوری، در اوج شرافت و پاکی و با افتخار به خاطر تربیت فرزندان پاک و با صداقت چشم بر جهان بست.

خاطره‌ای که قصد بازگوئی آن را دارم، مربوط به زمانی است که در محله «گذرقلی» نزدیک‌ترین محله به «درخوانگاه» در خانه‌ای استیجاری زندگی می‌کردم.

خدای رحمت کند صاحب‌خانه مرحوم حاج ابوالقاسم جهرودی که مرحوم میراسماعیل را به من معرفی کرد و از پاکی و شرافت و بزرگواری او سخن به میان آورد.

با اینکه با میرمحمود در وزارت خارجه همکار و دوست صمیمی بودم اما پدر او را نمی‌شناختم ولی با دیدن رفتار و ادب میراسماعیل در محل ارادتم به او هم بیشتر شد و این مساله را بارها به او گفته بودم.

ایام جنگ بود روزی در صف نانوایی بربری که بین گذرقلی و بازارچه شاپور واقع شده است برای گرفتن نان ایستاده بودم. میراسماعیل نیز در همین صف ایستاده بود و در انتظار نوبت بودیم.

شاید به خاطر برخی افراد باشد که به خاطر محدودیت‌های دوران جنگ مشکلات معیشتی مردم زیاد بود، به دلیل قطع برق نانوائی‌ها با مشکل مواجه می‌شدند و گاهی ساعت‌ها طول می‌کشید تا انسان مایحتاج زندگی یعنی نان را تهیه کند.

در آن روز صف نانوایی خیلی شلوغ بود. آقایی درون صف بود که از خستگی و معطلی زیاد در رنج بود. شروع کرد به بیراه گفتن به نخست وزیر. نه یکبار که چندین بار. در آخر هم گفت: اینها خودشان نانوائی مخصوص دارند و از درد مردم بی‌خبرند.

برخی از افرادی که در صف بودند میراسماعیل را نمی‌شناختند. ابتدا کسی چیزی نگفت. سید نیز سر به زیر ساکت ایستاده بود. با استمرار اعتراضات مردم، خودم و چند نفر دیگر به او نزدیک شدیم و پدر میرحسین را که در صف طولانی نانوائی ایستاده بود به او معرفی کردیم. مرد ساکت شد. سکوت و آرامشی که این لحظه و لحظاتی از این دست آسمان و زمین ایران را در دوران دفاع مقدس نورانی و معطر می‌نمود حاکم شد.

به راستی آن همه مشکلات و گرفتاری‌ها دوران جنگ را مردم با همدلی و صداقت تحمل می‌کردند.

در حرم سیده معصومه حضرت زینب بودم که پیامک خبر درگذشت میراسماعیل به دستم رسید در همانجا به یاد این خاطره افتادم و به منزل که رسیدم شروع به نوشتن آن کردم تا ادای احترامی باشد به او و تسلیتی گفته باشم به خانواده محترم موسوی و دوستان عزیزم میرمحمود موسوی و حسین شریف‌زادگان و پدر شهیدان و خواهران موسوی و به ویژه به سرور ارجمند مهندس میرحسین موسوی.

به امید روزی که جامعه ما به آن درجه از رشد و بردباری برسد که مسائل انسانی و حقوق انسانی بر همه مسائل سیاسی مقدم باشد. و با آرزوی دورانی که جامعه ایرانی به آن درجه از آگاهی و مدارا برسد که هیچ کس درد هجران نکشد و حقوق انسانی و شهروندی حاکم و محکوم یکسان رعایت شود.

* *دیپلمات سابق*

تظلم‌خواهی زندانیان سیاسی زن از زندان قرچک ورامین:

این بار هفت سوله برای نگهداری صدها زندانی

زندانیان سیاسی زن که در روزهای گذشته به زندان قرچک ورامین منتقل شده‌اند، نامه‌ای خطاب به ملت ایران، آیات و مراجع عظام تقلید، مقامات مسئول جمهوری اسلامی و مجامع حقوق بشری در سراسر دنیا نوشته‌اند. آنها گفته‌اند اگرچه پش از این شرایط بسیار دشواری را در زندان رجایی‌شهر تجربه کرده بودند، اما اکنون آنچه که در زندان قرچک ورامین می‌بینند جز محیرالعقول خواندنش واژه‌ای دیگر برای توصیفش نمی‌یابند.

زندانیان سیاسی زن که به تازگی به زندان ورامین منتقل شده‌اند در تظلم‌نامه خود نوشته‌اند: «تنبیهات بسیار شدید و برخوردها و درگیری‌های میان زندانیان بسیار دور از شان و مقام و منزلت انسان است. چرا که از خود می‌پرسیم در کجای دنیا نتیجه درگیری بر سر آب جوش و تنبیه متعاقب آن شکستن ناخن‌های دستان یک زندانی باشد؟ در کجای دنیا عده‌ای مرد باتوم به دست را به بند نگهداری زنان زندانی به قصد ضرب و شتم می‌فرستند؟ در کجای دنیا کودکان ۱۴ و ۱۵ ساله را در چنین شرایطی نگهداری می‌کنند؟»

این زندانیان دست به دست به دامان وجدان‌های بیدار شده‌اند تا اگر ذره‌ای انسانیت باقی مانده باشد، در برابر این بی‌حرمتی‌ها به شان و منزلت انسانی که ملائک بر او سجده برده‌اند سکوت نکنند.

زندانیان سیاسی زن در این نامه تنها به انتقال خود از این زندان و بهبود شرایط خود نمی‌اندیشند. آنها می‌پرسند: «مگر مسئولین قضایی کشور، تمام آنچه شرع و قانون و اخلاق بدان معتقد است را به گوشه‌ای افکنده‌اند، و سیستم نظارتی خود را بر این اصل استوار کرده‌اند که تمامی مجرمین، از کوچک‌ترین مرتکبین به جرم تا بزرگ‌ترینشان مستحق مرگ‌اند. که اگر چنین بود امر به معروف و نهی از منکر به چه منظور به عنوان یکی از اساسی‌ترین مبانی شریعت اسلام شناخته شده است.»

این زندانیان گفته‌اند: «دریغا که شرمساریم از آنچه در اطرافمان می‌گذرد و دو چندان شرمساریم از آن که نظیر چنین فجایع غیرانسانی در مملکت ما به وقوع می‌پیوندد. کشوری که کباده تاریخ و فرهنگ و هنرش، دبدبه اسلام‌گرایی و انسان دوستی‌اش گوش فلک را کر کرده است.»

آنها همچنین نوشته‌اند: «زندان قرچک ورامین شامل هفت سوله است که هر سوله با تخت‌هایی به ظرفیت چند ده نفر تجهیز شده است. این در حالی ست که در هر کدام از این سوله‌ها بیش از ۲۰۰ زندانی نگهداری می‌شوند. عدم وجود کوچک‌ترین سیستم تهویه هوا، وضعیت اسف‌بار بهداشتی به نحوی که بوی فاضلاب و شدت گازهای ناشی از آن برای بسیاری از زندانیان ناراحتی‌های تنفسی جدی به وجود آورده است. دو سرویس بهداشتی برای بیش از ۲۰۰ نفر، دو اتاقک حمام برای همین تعداد از زندانیان در نظر گرفته شده. محدودیت‌های به وجود آمده به خاطر سرویس‌های بهداشتی، عملا باعث شده است تا بسیاری از زندانیان از محیط سوله و مابین تخت‌ها به عنوان «سرویس بهداشتی» استفاده کنند.»

پس از انتشار نامه سیدضیا نبوی در باره شرایط غیرانسانی زندان کارون اهواز، نامه زندانیان سیاسی زن نیز تصویری تکان دهنده و فاجعه‌بار از زندان زنان در قرچک ورامین ارائه می‌دهد. تصویری که بار دیگر این سوال را مطرح می‌کند که آیا وعده انقلاب اسلامی این بود؟ آیا این است وعده قانون اساسی جمهوری اسلامی که از حفظ کرامت انسان‌ها سخن می‌گوید؟

آیت‌الله بیات زنجانی:

گرفتن آزادی از مردم، گرفتن دین و گرفتن بشریت است

یک مرجع تقلید معتقد است: آزادی اگرچه به گفته بسیاری یکی از «حقوق طبیعی» است اما من آزادی را «فوق حق» می‌دانم.

آیت‌الله بیات زنجانی در گفت و گو با ماهنامه صبح آزادی می‌افزاید: من آزادی را جزو ذات انسان می‌دانم. سلب آزادی از انسان، سلب حقی از انسان نیست بلکه مسخ هویت انسانی‌ست. آزادی را نمی‌شود از انسان گرفت چرا که گرفتن آزادی، گرفتن دین و گرفتن بشریت است.

وی در این باره می‌گوید: سه نکته مهم را در منشور حکومتی علی(ع) یا همان عهدنامه مالک اشتر می‌بینیم که می‌نویسد: ۱. «مردم دو دسته‌اند، یا برادران دینی تو هستند یا در اصل انسانیت با تو مشترک‌اند». ۲. «تو زمینه را فراهم کن که مردم بدون دغدغه از تو سوال کنند». بدون دغدغه یعنی احساس نکنند اگر پرسیدند، تعقیب می‌شوند، زندانی می‌شوند. ۳. امیرالمومنین می‌فرماید: «شما (مردم) و من، حق متقابل با هم داریم. اگر من برای شما محدودیت ایجاد کردم، شما هم حق دارید برای من محدودیت ایجاد کنید. یکی از مهم‌ترین حقوق شما این است که من باید شما را محرم بدانم و تمامی آن‌چه که در علم و آگاهی شما دخیل است را در اختیار شما قرار بدهم».

بنابراین حاکم حق گرفتن آزادی را ندارد. حق محدود کردن ندارد، کما این‌که مردم حق دارند که حاکم را کنترل و نظارت کنند. این جمله علی(ع) است که می‌فرماید: «شما حق دارید از من سوال کنید».

سیدمحمد خاتمی:

تا استبدادزدگی کشور درمان نشود، همه راه‌ها بیراهه است

سیدمحمد خاتمی رئیس جمهوری سابق کشورمان در مراسم عزاداری شهادت حضرت زهرا گفت: «بارها گفته‌ام مشکل ما استبداد زدگی تاریخی است که تا درمان نشود، هر راهی و کاری که پیشنهاد شود به بیراهه می‌رود و دشواری ایجاد می‌کند.»

رئیس بنیاد باران ادامه داد: «زهرا(س) در ماجرای فدک از «حق» خودش دفاع می‌کند، زیرا اگر قرار است حق دختر پیامبر با آن جایگاه بلند پایمال شود، تکلیف دیگران معلوم است. یعنی حق مردم و جامعه پایمال می‌شود.»

رئیس جمهوری سابق کشورمان تاکید کرد: «حضرت زهرا در این مورد دنبال حقی است که پایمال می‌شود. البته حق اقتصادی امر مهمی است، اما حق اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و حاکمیت بر سرنوشت خویش هم که مهمتر است از بین می‌رود و مشکل ایجاد می‌کند و نگرانی حضرت زهرا از این مساله بود که طبق پیش‌بینی آن حضرت متاسفانه رخ داد.»

وی با بیان اینکه «به هر حال زندگی حضرت زهرا از آغاز تولد سرشار از بحران‌هایی بود که شدیدترین آن بعد از رحلت پیامبر(ص) بود»، افزود: «قطعا زهرای اطهر ناراضی از دنیا رفت و امت اسلامی باید از خود پرسش کند که وقتی پیامبر خدا می‌فرماید «رضایت خدا در رضایت فاطمه است و ناخشنودی فاطمه، ناخشنودی خداست»، چه شد که فاطمه سلام الله علیها ناخشنود از دنیا رفت؟

اخبار کوتاه

تعطیلی قریب‌الوقوع قدیمی‌ترین کارخانه خوزستان

نماینده مردم اهواز در مجلس با انتقاد از ناکارآمدی بخش خصوصی فعال در کارخانه لوله‌سازی خوزستان از تعطیلی قریب‌الوقوع این کارخانه به عنوان قدیمی‌ترین کارخانه خوزستان خبر داد.

رویترز : ایران هنوز بنزین وارد می‌کند

یک مقام ارشد بازرگانی در دبی به رویترز گفت: براساس گزارش‌های موجود، ایران در ماه مارس ۲۰۱۱ روزانه ۴۸ هزار و ۵۰۰ بشکه بنزین وارد می‌کرد و این رقم در ماه آوریل گذشته، به ۴۹ هزار و ۴۰۰ بشکه در روز رسید.

استاندار تهران: افزایش قیمت برنج و میوه موجب نگرانی نیست

استاندار تهران گفت: افزایش قیمت برنج و میوه افزایش معناداری نیست که موجب نگرانی مردم شود.

تمدن ادامه داد: هر زمانی که احساس کنیم افرادی می‌خواهند روند قیمت‌ها را در بازار بهم بزنند کالاهای ذخیره شده را روانه بازار می‌کنیم.

تا چند سال آینده دیگر اثری از دریاچه ارومیه باقی نمی‌ماند

دریاچه ارومیه یکی از با ارزش‌ترین اکوسیستم‌های آبی و خاکی کشور است که در حال از دست رفتن است.

هم‌اکنون شاهدیم که افزایش میزان شوری آب دریاچه و رسیدن آن به حد فوق اشباع سبب مرگ و میر پرندگان و اختلال در تردد شناورهای دریایی و پدیدار شدن زمین‌های شوره‌زار حداقل به میزان ۱۵۰ هزار هکتار و چسبیده شدن جزایر ۹ گانه پارک ملی که محل زاد و ولد گونه‌های مهم پرندگان مهاجر محسوب می‌شود، شده است.

تغییر محتوای درسی رشته‌های دانشگاهی

در ادامه کنترل و اعمال محدودیت بیشتر بر دانشگاه‌ها و مراکز دانشگاهی کشور، معاون پژوهشی وزارت علوم، تغییر محتوای برخی از دروس و رشته‌های تحصیلی را «لازمه اسلامی کردن دانشگاهها» دانست و گفت: «محتوی درسی دست کم ۳۶ رشته تحصیلی دانشگاهی تا مهرماه امسال تغییر می‌کند.»

احضار معلمان به دادگاه انقلاب یزد

چند روز بعد از احضار جمعی از فعالان فرهنگی همدان و سنندج، دادگاه انقلاب شهر یزد نیز، گروهی از اعضاء کانون فرهنگیان یزد را مورد احضار و بازپرسی قرار داد.

دادگاه انقلاب محمدعلی شیرازی، چنگیزی، میرزائی، صدیقی، دهقانپور، حسامی‌فر، قوچانی، شاهدی و نجاتی، از اعضاء کانون فرهنگیان یزد را در تاریخ ۱۴ اردیبهشت احضار کرد.

راه اندازی غرفه مجازی آثار شهید بهشتی

با توجه به دومین سال ممنوعیتِ حضورِ آثار شهید بهشتی در نمایشگاه بین‌المللی کتاب، گروهی از علاقمندان شهید بهشتی اقدام به ارائه این آثار و نوشته‌ها به صورت آنلاین کردند.

محکومیت وزیر مبارک به ۱۲ سال زندان

وزارت کشور مصر اعلام کرد که حبیب العدی، وزیر کشور حکومت حسنی مبارک، به جرم پول‌شویی به دوازده سال زندان و پرداخت جریمه‌ای معادل دو میلیون و سیصد هزار دلار محکوم شده است.

بنی الاسلام علی الکلمتین
کلمة التوحید و توحید الکلمة

کلمه

روزنامهٔ کلمه، شماره پنجاه و هشتم
چهارشنبه، ۲۱ اردیبهشت ۱۳۹۰، شمارگان: ما بیشماریم

WWW.KALEME.COM

بر ماست که در این دوران بحران‌زده، کاری زینبی کنیم و پیام راستین دین را با چهره فطرت‌پسندانه آن به تشنگان حقیقت برسانیم. بر ماست که یاد بگیریم و به دیگران نیز یاد بدهیم که عمل نادرست مدعیان دینداری به حساب دین گذاشته نشود.

میرحسین موسوی، یادداشت ماه محرم

خبر

تداوم بازداشت خانگی میرحسین موسوی و زهرا رهنورد

ملاقات یک ساعته با یکی از فرزندان

با گذشت حدود سه ماه از بازداشت خانگی غیرقانونی میرحسین موسوی و زهرا رهنورد ابهام‌ها در مورد شرایط زندگی، دسترسی به حقوق قانونی وانسانی آنها همچنان باقیست.

با توجه به تماس مکرر علاقمندان به میرحسین موسوی و زهرا رهنورد با کلمه و جویا شدن از وضعیت ایشان، به اطلاع می‌رساند، اولین ملاقات پس از عید تنها بین دختر بزرگتر به همراه خانواده ایشان در حضور ماموران امنیتی به مدت یک ساعت در محلی غیر از منزل مسکونی آنها با مهندس موسوی و دکتر رهنورد انجام شده است.

براساس این گزارش وضعیت روحی و جسمی مهندس موسوی و همسرشان خوب و رضایت‌بخش بوده است. به جز ملاقات ذکر شده در طول تمام هفته‌های گذشته محدودیت تماس‌های تلفنی خانواده با این زوج سبز همچنان به قوت خود ادامه داشته است.

غیر از ملاقات هفته پیش و در طول مدت حصر نیز فقط یکی دیگر از دختران خانواده موسوی در اسفند ماه سال گذشته توانسته بود ملاقات کوتاهی با والدین خود داشته باشد.

مهندس موسوی و همسرش دکتر زهرا رهنورد پس از ۲۵ بهمن در زندان خانگی قرار گرفتند و از بامداد ۲۷ بهمن کلیه ارتباطات آنها نیز قطع شد. در ایام نوروز پدر مهندس موسوی دار فانی را وداع گفت که مهندس موسوی مجال حضور در مراسم سوگواری پدر و نیز چهلم آن مرحوم که در روز شنبه همین هفته بود را نیافت.

پاسخ‌گو نبودن مقامات قضایی، امنیتی و دیگر مقامات ذیربط و تصمیم‌گیرندگان اصلی، در مورد وضعیت حقوقی و قضایی ایشان و نقض آشکار و مستمر حقوق اولیه و آزادی‌های آنها و همچنین اصرار در بی‌توجهی به قوانین و مقررات جاری کشور نگرانی‌ها را از این زندان خانگی غیرقانونی بیشتر می‌کند.

نامه مهدی محمودیان به رهبری درباره فجایع رخ داده در زندان‌ها

مهدی محمودیان، روزنامه‌نگار و زندانی سیاسی که در زندان رجایی‌شهر کرج به سر می‌برد از وقوع تجاوز جنسی به زندانیان در این زندان خبر داد.

این نامه در حالی منتشر می‌شود که در روزهای گذشته زندانیان دیگری هم از وضعیت بسیار نامناسب زندان‌های کشور خبر داده بودند. ضیا نبوی در نامه‌ای که منتشر شد از شرایط بسیار نامناسب زندان کارون اهواز سخن گفت و زنان زندانی سیاسی زندان رجایی‌شهر نیز که به تازگی به زندانی در قرچک ورامین منتقل شده‌اند از شرایط نامناسب آن سخن گفتند و توصیف کردند که این زندان به طویله‌ای شبیه است.

در این شرایط مهدی محمودیان دراین نامه نوشت: «در زندان رجایی شهر هر کسی که کمی زیبایی در چهره داشته باشد و احیانا زوری در بازو نداشته باشد و یا پول خوبی در حسابش نداشته باشد که باج بدهد به دیگران، به زور در سالن‌های مختلف و هر شب در یک اتاق گردانده می‌شود و هر مفعولی صاحبی دارد و از این بابت پولی به دست می‌آورد و بعد از چند وقت هم او را به دیگری می‌فروشد.»

وی در ادامه این نامه نوشته است: «در بندهای مختلف زندان رجایی‌شهر عمل لواط بصورت امری معمولی و قابل پذیرش در آمده است که ظاهرا مسئولین زندان برای کمتر شدن آلودگی‌های آن وسائل بهداشتی مورد لزوم افراد را آزادانه در اختیار زندانیان قرار می‌دهند»

او خطاب به آیت‌الله خامنه‌ای نوشته است: اینجا در زندان رجایی‌شهر تحت امر شما فرزندان و شهروندان کشور تحت امرتان با قیمت دویست و پنجاه هزار تومان اجاره داده می‌شوند ودر این سیستمی که شما مسئولیت آن را دارید هیچ دادرسی نمی‌یابند.

وی در ادامه نامه‌اش اشاره کرده است که از صدها مورد از این روابط که با رضایت طرفین و به صورت آزادانه و شاید صرفا بخاطر چند نخ سیگار و یا یکبار مصرف مواد صورت می‌گیرد می‌گذرد و از زندانی جوانی می‌گوید که طبق مشاهده یک زندانی سیاسی، در طول یک شب ۷ مرتبه به او تجاوز شده است و وقتی صبح به زندانبان شکایت می‌کند به انفرادی (یا به گفته مسئولین زندان سوئیت) منتقل می‌شود بدون اینکه هیچکدام از متجاوزین حتی مورد سوال واقع شوند.

او همچنین در بخش دیگری از نامه‌اش به وجود مواد مخدر در زندانهای کشور و خرید و فروش آزادانه آن اشاره کرده و نوشته است: در سه زندان رجایی‌شهر، کچویی و اوین بندهایی که در آن حضور داشتم، مواد مخدر به راحتی و بدون هیچ مشکلی و به هر میزان که اراده می‌شد وجود داشته و دارد، در حالیکه برای ورود یک دست لباس به زندان اوین می‌بایست ۶ ماه صبر کرد و در زندان رجایی‌شهر هم باید چند هفته نامه‌نگاری کرد و موافقت چندین مدیر و رییس را گرفت، اما مواد مخدر در حد مصرف نزدیک به هزار نفر در یک زندان وارد می‌شود. این در حالی است که بعد از حدود ۱۱ ماه زندان بودن هنوز نتوانسته‌ام اجازه ورود ۲ جلد کتاب آموزشی را بدست آورم.

وی تاکید کرده است که این شرایط مختص زندان رجایی‌شهر نبوده و در زندان کچویی نیز در مقیاسی کوچکتر به همین صورت بوده است و در زندان اوین و بند ۳۵۰ شرایط دیگری حاکم بوده تا جایی که مواد مخدر دقیقا توسط زندانبانی که هر روز در اتاق رئیس اندرزگاه بودند و اکثرا با هم غذا می‌خوردند، به قیمتی ارزان توزیع می‌شد.

وی خطاب به رهبری نوشته است: نمی‌دانم بعد از انتشار این نامه چه سرنوشتی در انتظارم است اما به خدای بزرگ و ائمه اطهار و همینطور به خون تمام شهدای راه آزادی و به خصوص شهدای یک سال اخیر سوگند یاد می‌کنم این مطالب عین واقع است و در زندان‌های تحت امر شما رخ داده است.

مهدی محمودیان از ۲۵ شهریور ماه سال ۸۸ زندانی است و اکنون در زندان رجایی‌شهربه همراه دیگر زندانیان سیاسی محبوس است.

متن کامل این نامه را در سایت کلمه بخوانید.

اخبار کوتاه

جمع‌آوری هزار عنوان کتاب از نمایشگاه

تا روز چهارم نمایشگاه حدود ۳۴۰ عنوان کتاب عربی و ۶۰۰ عنوان کتاب لاتین از سطح نمایشگاه جمع‌آوری شد که به گفته کارشناسان بخش کمیته نظارت و ارزشیابی نمایشگاه بیست و چهارم خیلی بیشتر از حد معمول حاوی مطالب انحرافی بوده است.

احتمال قطع تمام ارتباطات مخابرات ایران

شرکت ارتباطات زیرساخت اینترنت بین‌الملل با اخطار به شرکت مخابرات ایران اعلام کرد که در صورتی که این شرکت بدهی خود را با شرکت ارتباطات زیرساخت تسویه نکند ارتباطات مخابرات ایران در آینده‌ای نزدیک قطع خواهد شد.

دانشگاه هنر سوره شبیه پادگان شده است

جمعی از دانشجویان دانشگاه سوره با صدور بیانیه‌ای فضای امنیتی دانشگاه خود را به یک پادگان تشبیه کرده‌اند. پادگانی که از سربازانش می‌خواهد با یادگاری‌هایشان هم محصولاتی در ستایش شهریار تولیدکنند تا هنر را به ابزاری در اختیار حاکمیت تقلیل دهند.آنها در ادامه تاکید کرده‌اند که اما دانشجویان هنر پای آرمان‌هایش ایستاده‌اند و نمی‌خواهند در این رقابت منفعت‌طلبانه اخلاق کلبی‌مسلک پیشه کنند تا اینکه به وظیفه تاریخی خود عمل کرده باشند.

انتقال حمزه کرمی زندانی سیاسی به بند وزارت اطلاعات

حمزه کرمی، زندانی سیاسی به یکی از سلولهای انفرادی بند ۲۰۹ وزارت اطلاعات منتقل شد. انتقال یک زندانی که مشغول گذراندن دوران حبس خود است به بند امنیتی ۲۰۹ خلاف قانون تلقی می‌شود. روز گذشته هنگامی که خانواده کرمی برای ملاقات هفتگی با او به زندان اوین مراجعه کردند تا در روز ملاقات زندانیان بند ۳۵۰ او را ببینند مطلع شدند که وی به دلایلی نامعلوم به یکی از سلول‌های انفرادی بند ۲۰۹ منتقل شده است.

موسی قربانی: اطاعت نکردن از حکم حکومتی پیگرد قانونی دارد

موسی قربانی ادعای، عضو کمیسیون حقوقی مجلس در گفت و گو با هفته‌نامه مثلث، وجود ساختار دوگانه در کشور را رد کرد و گفت: حکم حکومتی لازم‌الاتباع است و عدم توجه به آن پیگرد قانونی دارد.

نفت پایین آمد، طلا بالا رفت

قیمت نفت که طی هفته گذشته با بیشترین افت هفتگی از سال ۱۹۸۳ تاکنون روبرو شده بود، روز سه‌شنبه را با افتی ۲ درصدی آغاز کرد و ارزش طلا به دلیل حمایت سرمایه‌گذاران از بازار فلزات با ارزش با افزایش روبرو شد.

علی شکوری راد: در دفتر هاشمی شنود کار گذاشته بودند

علی شکوری راد، نماینده تهران در مجلس ششم در گفت و گو با ماهنامه نسیم بیداری از شنود دفتر هاشمی رفسنجانی در دوره ریاست جمهوری‌اش خبر داد و در توضیح این موضوع گفت: در اواخر دولت دوم آقای هاشمی و در نماز ظهر نهاد ریاست جمهوری، یک درگیری بین محمد هاشمی و علی فلاحیان صورت گرفت که دلیل آن، این بود که اطرافیان آقای هاشمی متوجه شده بودند در دفتر خود آقای هاشمی هم شنود کار گذاشته شده است!

آیت‌الله صانعی:

سلب حقوق انسانی زندانیان خلاف شرع و حرام است

حضرت آیت‌الله صانعی گفت: «عموم قاعده لاضرر و سایر قواعد، ناظر به این است که هر ضرر زدنی موجب ضمان و مستلزم جبران خسارت است. مثلا در باب «شهادت به زور» آمده است اگر دو نفر عادل علیه شخصی شهادت دادند که دزدی کرده و قاضی هم به عنوان شهادت عدلین دست او را قطع کرد و بعد این دو نفر آمدند گفتند ما اشتباه کردیم و یا شهادت دروغ داده‌ایم اینجا ضامن خسارت هستند چرا که سبب افساد و اتلاف این شخص شده‌اند.»

آیت‌الله صانعی افزودند: «همین بحث در مورد فردی که با رعایت همه موازین شرعی و قانونی محکوم به زندان شده است جاری است. اگر چه زندان کردن او جایز باشد اما اگر مانع سایر حقوق انسانی او بشویم ضامن هستیم اگر مانع رشد استعدادهای او بشویم این جا ضامن هستیم اگر این فرد زندانی صنعتگر است باید ابزار صنعت در اختیارش قرار داد اگر اهل فکر و اندیشه است باید ابزار فکر و اندیشیدن در اختیارش قرار داد اینگونه نیست که بگوییم حالا که این فرد زندانی است پس حق مطالعه ندارد، حق کار و فعالیت ندارد، اینها خلاف شرع است.»

این مرجع عالیقدر افزودند: «هر کدام از این حقوق را اگر از او بگیریم خلاف شرع و حرام است و موجب ضمان است در روز قیامت باید جواب داده شود، همه این حرف‌ها را به مردم زده‌ایم حالا اگر خلافش را عمل کنیم خسر الدنیا و الآخرة هستیم.»

ایشان در پایان با بیان اینکه باید به خدا پناه برد از این که دچار قتل مردم شویم فرمودند: «خدا نکند که باعث قتل مردم شویم خدا نکند مرتکب قتل فکر مردم که بدتر از قتل جان آنهاست شویم، و همین گونه است ضرر زدن به فکر مردم یعنی با دروغ و حیله افکار آنها از توجه به ظلم ظالمین منحرف سازیم، باید به خدا پناه برد که روز قیامت حساب‌ها، مخصوصا نسبت به حق الناس خیلی دقیق و سختگیرانه است.»

آیت‌الله دستغیب:

لازم نیست با توپ و تفنگ مردم را بترسانید

آیت‌الله دستغیب در تفسیر یکی از آیات قرآن پیرامون «وعدهٔ خداوند پیرامون صبر»، خطاب به حاکمان جمهوری اسلامی خاطرنشان کرد: «ما می‌گوییم مردم خوبند باید با محبّت با آنها رفتار شود عمل شما آنها را جذب می‌کند، لازم نیست با توپ و تفنگ مردم را بترسانید اگر عملتان خوب باشد رو به شما می‌کنند و دوستتان می‌دارند.»

این مرجع تقلید در تفسیر سوره غافر مبنی بر «صبر کن که وعده خدا حق است و از گناه خویش آمرزش طلب و هر شامگاه و بامداد به ستایش پروردگارت تسبیح گوی»، به آموزه‌های این آیه در ابعاد فردی و اجتماعی پرداخت و تصریح نمود «آنچه این آیه به دیگر مؤمنین و مسلمین تعلیم می‌دهد در دو بعد فردی و اجتماعی قابل بررسی است. در بعد فردی، آیه دارای دو جهت معنوی و مادی می‌باشد. از جهت معنوی، آرزوی همه ما درک معرفت کامل پروردگار و حصول محبّت تامه او است. برای دستیابی به این آرزوی گران ناگزیر باید این سه دستور پروردگار را آویزه گوش خود کنیم؛ صبر یعنی خسته‌نشدن در طلب، در این راه گاه حالات خیلی سختی پیش می‌آید که به ناچار باید آنها را تحمّل کرد و ناامید نشد. گرفتاری‌های پیچیده‌ای رخ می‌دهد که نباید خستگی به خود راه داد. از خارج عده‌ای سعی در ایجاد مانع می‌کنند، زنهار بخاطر آنها نباید در تصمیم خود توقف کرد که «إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ» قطعاً به آنچه می‌خواهی، خواهی رسید.»

آیت‌الله دستغیب در ادامه افزود: «هدف ما این نیست که تفرقه‌افکنی کنیم. آقایان تفرقه می‌اندازند. ما همیشه صحبت از وحدت می‌کنیم. می‌گوییم همه ما باید رو به خدا برویم. از صبح تا شام باید فکرمان این باشد که چه کنیم تا خدا از ما راضی باشد و بر ما غضب نگیرد. این معنای وحدت است. اگر همه بر این روال باشند وحدت شکل می‌گیرد. اگر به احکام اسلام عمل شود وحدت ایجاد می‌شود و اگر نشود تفرقه پدید می‌آید.»

روزنامهٔ کلمه، شماره پنجاه و نهم
شنبه، ۲۴ اردیبهشت ۱۳۹۰، شمارگان: ما بیشماریم

کلمه
بنی الاسلام علی الکلمتین
کلمة التوحید و توحید الکلمة
WWW.KALEME.COM

مگر نمی‌خواهید که ما نباشیم و شما باشید؟ راهش توجه به این واقعیت است؛ مردم با زید و عمرو عهد اخوت ندارند و آن کسی را بیشتر می‌پسندند که حق بزرگی آنان را کامل‌تر ادا کند. این مسئله‌ای است که توجه به آن نه فقط گره انتخابات، که هزار گره دیگر را نیز می‌گشاید. و اگر بنا باشد حل نشود آرزو کنید که دامنه‌های مشکل در یک انتخابات، محدود بماند.
میرحسین موسوی، بیانیه ۱۶

شکایت ۲۶ زندانی سیاسی از وزارت اطلاعات و سپاه پاسداران:
شکنجه شده‌ایم

۲۶ زندانی سیاسی حوادث پس از انتخابات با نوشتن شکایت‌نامه‌ای خطاب به ریاست «هیات نظارت مرکزی بر حسن اجرای قانون احترام به آزادی‌های مشروط و حفظ حقوق شهروندی»، از برخوردهای غیرقانونی وزارت اطلاعات و سپاه پاسداران با آنها در مراحل مختلف بازداشت، بازجویی، محاکمه و حبس شکایت کرده‌اند و خواستار رسیدگی به این شکایت شده‌اند. این زندانیان هم اکنون در بند ۳۵۰ اوین، دوالف اوین، زندان رجایی‌شهر و زندان‌های خوزستان به سر می‌برند.

امضاکنندگان این نامه از فعالان سیاسی، روزنامه‌نگاران، فعالان دانشجویی و فعالان حقوق بشر هستند که اسامی آنها عبارت است از: محسن امین‌زاده، محسن میردامادی، بهمن احمدی‌امویی، عبدالله مومنی، میلاد اسدی، عبدالله رمضان‌زاده، عماد بهاور، مصطفی تاج‌زاده، مجتبی تهرانی، علی جمالی، محمدحسین خوربک، محمد داوری، امیرخسرو دلیرثانی، کیوان صمیمی، اسماعیل صحابه، محمد فرید طاهری قزوینی، فیض‌الله عرب‌سرخی، بهزاد نبوی، ابوالفضل قدیانی، مجید دری، ضیا نبوی، مهدی کریمیان اقبال، محمدرضا مقیسه، علی ملیحی، محمدجواد مظفر، حسن اسدی زیدآبادی.

این زندانیان سیاسی در نامه خود نوشته‌اند که همگی شکنجه شده‌اند و افزوده‌اند که غالب بازداشت‌ها با اعمال خشونت، توهین و تحقیر همراه بوده به طوری که برخی از متهمان هنگام دستگیری به شدت مورد ضرب و شتم قرار گرفته‌اند.

این زندانیان همچنین نوشته‌اند: «ما امضاکنندگان این شکوائیه تحت شکنجه قرار گرفته‌ایم. یکی از متداول‌ترین شکنجه‌ها نگهداری ما در سلول‌های انفرادی بسیار کوچک بوده است. روشی که به اذعان همه مسوولان عالی کشور شکنجه تلقی می‌شود و بازجویان و زندان‌بان‌ها نیز تایید می‌کنند که متهم پس از چند هفته نگهداری در سلول انفرادی دچار اختلالات جسمی و روحی شدید می‌شود.

نگهداری متهمان در سلول انفرادی فاقد توالت و جلوگیری از دسترسی متناوب آنها به توالت و حمام به ویژه برای متهمان بیمار شیوه تشدید این شکنجه‌ها بوده است. بازجویی‌های بسیار طولانی در نیمه‌شب و تکراری مدت برای چند ماه، ضرب و شتم شدید منجر به صدمه‌های شدید جسمی، تهدیدات مکرر متهم حتی تهدید به تعرض جنسی و تهدید به دستگیری اعضای خانواده او و گاه دستگیری آنان برای تحت فشار قرار دادن متهم، دادن اخبار دروغ به متهم درباره وضعیت خانواده‌اش، جلوگیری از خواب متهم، عدم توجه به بیماری و درد متهم برخی از شکل‌های متداول شکنجه زندانیان حوادث بعد از انتخابات است که به صورت‌های گوناگون درباره امضاکنندگان این شکوائیه انجام شده است.

شکنجه‌های شدیدتر، از جمله فرو کردن سر متهم در توالت، خوراندن کاغذ بازجویی به متهم و مواردی امثال آن اعمال شده، که برخی از شاکیان و زندانیان در گزارش‌های جداگانه جزییات آن را منتشر کرده‌اند.»

این زندانیان یادآور شده‌اند که «بازجویان معمولا این فشارها را نه برای کشف واقعیت بلکه برای وادار کردن متهمان به اعتراف مطالب واهی و خلاف واقع مورد نظر بازجویان به کار گرفته‌اند. این رفتارهای خلاف قانون منحصر به دوره بازداشت نبوده و برخی محکومان به رغم طی مراحل دادرسی و حکم قطعی در حال حاضر نیز همچنان تحت شکنجه به صورت انفرادی یا همراه محکومان دچار بیماری روحی و روانی نگهداری می‌شوند.»

امضاکنندگان این شکوائیه همچنین نوشته‌اند که ما بدون استثنا با رفتار غیراخلاقی و غیراسلامی بازجویان مواجه بوده‌ایم. شکنجه‌های روحی و فیزیکی فحاشی‌های شرم‌آور نسبت به متهم و خانواده و عزیزان او و طرح اکاذیبی چون روابط غیراخلاقی در غالب بازجویی‌ها به کرات انجام شده است. رفتاری که باعث فشار روحی زیاد به متهمان نیز بوده است.

آنها نوشته‌اند که نه فقط دستگیری‌ها و بازجویی‌های‌شان همراه با توهین و تحقیر بوده است بلکه بازجویان از فحاشی و توهین به آنها و خانواده و عزیزان و افراد مورد احترام‌شان از جمله رهبران جنبش اعتراضی، میرحسین موسوی و مهدی کروبی، و استفاده از رکیک‌ترین و زننده‌ترین عبارات به عنوان شگرد عادی برای تحقیر و تضعیف روحیه و تخریب مشاعر متهم استفاده می‌کردند. در برخی موارد با برخی متهمان با حضور قاضی نماینده دادستان و ماموران امنیتی و اطلاعات روز قبل از دادگاه رسمی (دادگاه نمایشی) دادگاه تمرینی برگزار شده و قاضی و نماینده دادستان اظهاراتی که متهم قرار بوده بر اساس نوشته تهیه شده توسط بازجویان برای تکمیل سناریوی مورد نظر روز بعد در دادگاه رسمی در مقابل دوربین‌های تلویزیون بیان کند استماع و اصلاح کرده‌اند که این موضوع خود گواه تلخی بر ابعاد تخلفات انجام گرفته است.»

این زندانیان سیاسی در بخش دیگری از نامه آورده‌اند که «قانون بر عدم استفاده از چشم‌بند و دستبند و پابند در جریان دستگیری و بازجویی و عدم تحقیر و استخفاف در هنگام دستگیری و بازجویی تاکید دارد. این بند قانون درباره تمام متهمان حوادث پس از انتخابات با شدت متفاوت نقض شده است. همه ما غالبا پس از بازداشت با چشم‌بند و گاه دستبند به زندان منتقل شده‌ایم. بستن چشم متهمان رویه قطعی تمامی بازداشتگاه‌های تحت نظارت وزارت اطلاعات (۲۰۹) و سپاه پاسداران (دوالف) است و تمام آنان با چشم‌بند در زندان جابه‌جا شده‌اند و غالبا با چشم‌بند اجازه استفاده از هواخوری داشته‌اند. برخی از ما و بسیاری دیگر از زندانیان حوادث پس از انتخابات ماه‌ها از دیدن هر محیطی جز سلول انفرادی خود محروم بوده‌ایم. ما و اغلب زندانیان فقط با چشم‌بند در مقابل بازجو قرار گرفته‌ایم. عده زیادی از ما حتی در طول بازجویی مجبور به استفاده از چشم‌بند بوده‌ایم و فقط اجازه داشتیم در حد دیدن برگه بازجویی چشم‌بند خود را جابه‌جا کنیم.»

ظاهرا برای چشم‌بند کاربردهایی مختلفی همچون مخفی نگه‌داشتن هویت بازجویان و ماموران و تحقیر و عصبی کردن متهمان پیش‌بینی شده است. شگفت‌انگیز آنکه این رویه غیرقانونی حتی در محیط دادسرا هم معمول بوده و هست.

نویسندگان این نامه گفته‌اند که آنچه در این نامه آمده عمق عملکرد فاجعه‌آمیز نسبت به متهمان و محکومان حوادث پس از انتخابات ریاست جمهوری سال ۸۸ را مشخص نمی‌کند.

میرحسین موسوی نماد وجدان بیدار ایرانیان
به راستی چه کسی بی‌بصیرت بود، میرحسین یا ...؟

کلمه – گروه سیاسی: مهندس میرحسین موسوی شخصیتی است که در سخت‌ترین شرایط با تلاش بی‌وقفه یکی از زیباترین خاطره‌های تاریخی را برای ملت ایران به یادگار گذاشت. با وجود آنکه در کل دوره پس از کنار رفتن او بسیار افرادی بودند که انگیزه متفاوتی نیز در جهت تخریب او مطرح کنند حتی یک نکته تاریک هم در زندگی شخصی، سیاسی و اقتصادی او پیدا نکردند.

میرحسین موسوی در عمل نشان داده است که مطیع اوامر اشخاص نیست. بنابرین ظلم به چنین افرادی قطعا یادآور ظلم‌هایی که به سلاله ایشان در طول تاریخ روا شده گرچه هنوز باید زمان بگذرد تا واقعیت‌های بیشتری آشکار شود.

اما حوادث چند ماه اخیر جلوه‌هایی را ظاهر کرده است که فعالیت جنبش سبز و موضع‌گیری‌های صادقانه مهندس موسوی را به خوبی نشان می‌دهد.

اولین مسئله‌ای که موسوی به عنوان انگیزه برای حضور در انتخابات ریاست جمهوری مطرح کرد احساس خطر برای کشور بود. اکنون که ایران سالانه میلیاردها دلار به جیب آل صباح، آل خلیفه، آل سعود و آل نحیان می‌ریزد و اخیرا ترکیه نیز به این لیست اضافه شده آیا این جز بهایی است که ایران باید بابت سیاست خارجی بپردازد؟ همان‌هایی که بخش بزرگی از درآمدهای خودشان را از طریق باج‌خوری و دلالی بابت شرایط تحریم اقتصاد ایران دریافت می‌کنند و...

دومین مسئله از محور اصلی انگیزه مهندس موسوی، در صحنه داخلی و مبارزه با دروغ و پرونده‌سازی برای ملت ایران و جلوگیری از تخریب اقتصاد ایران عنوان شده بود.

کار دروغ‌پردازی در این دولت به جایی رسیده است که از رئیس مجلس تا رئیس مرکز پژوهش‌های مجلس تا رئیس دیوان محاسبات کشور و سخنگوی قوه قضائیه و ائمه جمعه تا روزنامه‌ها و رسانه‌های طرفدار این دولت را به فریاد و فغان کشانده. جالب‌ترین قسمت این ماجرا تمنای خود احمدی‌نژاد از جناح اصول‌گرا در اولین نطق پس از حضور در هیات وزیران بود که عاجزانه از هم‌پیمانان اصول‌گرای خود تقاضا می‌کرد این‌همه دروغ به دولت و شخص او نسبت ندهند. وقتی ماجرای جن‌گیری و رمالی به قوه قضائیه کشیده شد و سایت‌های طرفدار دولت یکی پس از دیگری فیلتر و گاها محو شدند و اطرافیان احمدی‌نژاد در لیست دستگیری قرار گرفتند کم‌کم ترسی در میان همه کسانی که در سه سال گذشته با ظلم و جنایت و سرکوب، برای مظلوم‌ترین و شریف‌ترین

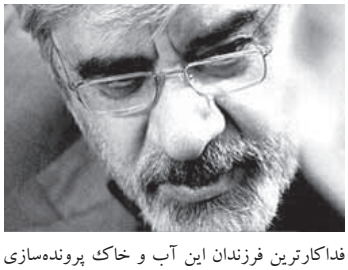

فداکارترین فرزندان این آب و خاک پرونده‌سازی کرده بودند، روشن شد که خودکرده را تدبیر نیست و بدین ترتیب پیامی برای بقیه کسانی که در این ظلم و جنایت‌ها شریک بودند و هنوز نوبت آنها فرا نرسیده است...

امروز حتی ناآگاه‌ترین و بی‌سوادترین حامیان این رویه‌ها نیز به خوبی می‌فهمند که پرونده‌سازی برای دیگران چه عواقبی دارد...

درباره تخریب اقتصاد ایران هم کیست که امروز پاسخ دهد آن همه جار وجنجال‌هایی که تحت عنوان سهام عدالت مطرح می‌شد چرا جای خود را به یک سکوت مرگبار داده است؟ چرا دیگر کسی سیب‌زمینی مجانی توزیع نمی‌کند؟ چرا حقوق بازنشستگان دیگر هیچ ارتباطی با نرخ تورم ندارد؟ چرا در لایحه بودجه برای حقوق‌بگیران دولت نرخ رشد منفی در نظر گرفته می‌شود؟ چه کسی باید سوال کند که پدیده سهام عدالت چه بر سر شرکت‌های دولتی آورده است؟ چه کسی پاسخگوی افزایش نزدیک به پنج میلیون نفر به تعداد فقرای در وضعیت اضطراری کشور طی سه ساله گذشته باید باشد؟ چرا باید در دوران نفت با قیمت بالای ۱۰۰ دلار نزدیک به پانزده میلیون نفر در کشور زیر خط فقر قرار داشته باشند؟ چرا باید فساد مالی گسترده بلایی بر سر کشور آورده باشد که میزان سرمایه‌گذاری دولت در زمینه‌های تولیدی به پایین‌ترین سطوح خود طی ۳۰ سال گذشته برسد؟ چرا احمدی‌نژاد که ملتمسانه از اصولگریان می‌خواهد دروغ کمتری به دولتش ببندند خود را ناگریز می‌بیند که ادعای ایجاد دو و نیم میلیون شغل کند؟ چرا دیگر الان جشن ملی هسته‌ای نداریم و نوعی خفقان بر همه طرفداران دولت و دستگاه تبلیغاتی کشور در این زمینه سایه انداخته است؟ برآیند آن همه گزاف‌گویی‌ها درباره پیشرفت علمی کشور چرا باید قهقرای اقتصاد و دست وپازدن در تورم فقفر و بیکاری باشد و حتی مدافعان افراطی دولت هم با گردن کج بگویند ما در حوزه اقتصاد حرفی برای گفتن نداریم؟

در این دوره شش ساله دولت بیش از ۵۰۰ میلیارد دلار درآمد نفتی داشته و حاصل آن افزایش فقر، فساد، تبعیض، تورم و بیکاری بوده است. آیا مبارزه با فساد و فقر و تبعیض فقط در دوره خاتمی باید نقش چماق را بازی می‌کرد و در دوران اصول‌گرایی واویلای فقر و فساد و تبعیض اشکال شرعی خود را از دست داده است؟

مهندس موسوی معتقد بود که معرکه‌گردان فرهنگ ایرانیان باید علم، عقل، ادب و اخلاق باشد نه مداح و رمال و جن‌گیر. شوری‌اش تا کجا باید رسیده باشد که سخنگوی قوه قضائیه با افتخار اعلام دستگیری رمال‌ها و جن‌گیرهای اطراف دولت را بطور رسمی اعلام کند؟

آیا میرحسین موسوی بی‌بصیرت بود که سه سال پیش گفت: آمدم تا عقلانیت را جایگزین دروغ و رمالی و کف‌بینی کنم یا آنهایی که در نماز جمعه ۲۹ خرداد افکار احمدی‌نژاد را به خود نزدیکتر دانستند و به منتقدان دولت رمال‌ها، بی‌مهابا تاختند؟ میرحسین موسوی بی‌بصیرت بود یا آنهایی که امروز از تریبون‌های رسمی افتخار خود را دستگیری جن‌گیرها رمال‌ها و... می‌دانند؟ وقتی امروز اسدالله بادامچیان از نااطمینانی اصول‌گرایان از تقلب در انتخابات آتی سخن به میان می‌آورد آیا ذره‌ای شرافت و صداقت در میان بازجویان و قاضیان و پرونده‌سازانی که فرزندان صادق این ملت را با آن‌همه شواهد و قرائنی که وجود داشت به جرم بر ملا کردن این تقلب خفت‌بار، آماج شکنجه، حبس، تجاوز و قتل قرار دادند، جوابی به پیشگاه ملت ایران می‌توانند ارائه کنند؟

آری مرور همه آنچه که به عنوان مشتی از خروار مطرح شد نشان می‌دهد که به راستی میرحسین موسوی به درستی احساس خطر کرده بود و ریشه‌های اصلی فساد و تبعیض و تخریب را به درستی تشخیص داده بود و این چنین بود که تا اعماق روح و جان ملت نفوذ کرد.

کلمه
WWW.KALEME.COM
روزنامهٔ کلمه، شماره شصتم، دوشنبه، ۲۶ اردیبهشت ۱۳۹۰

مشارکت: سریع و صریح اعلام موضع کنید

جبهه مشارکت ایران اسلامی ضمن اعلام حمایت و همبستگی با همه ملت‌های بپاخاسته منطقه بخصوص مردم سوریه از دولتمردان ایران می‌خواهد صریحا و سریعا مواضع جمهوری اسلامی را در قبال رفتار دولت سوریه در سرکوب ملت خود روشن کنند.

تعطیلی تعدادی از کلاس‌ها در دانشگاه تهران توسط دانشجویان

با توجه به نامگذاری ۲۵ اردیبهشت از سوی فعالین دانشجویی در اعتراض به امنیتی شدن فضای دانشگاه‌ها، دانشجویان دانشگاه تهران با تعطیلی برخی از کلاس‌ها اعتراض خود را نسبت به جو امنیتی حاکم بر دانشگاه اعلام داشتند.

سرمقاله

بحران‌سازی؛ اسم رمز بقای متحجران قدرت‌طلب

آن روز که مهندس میرحسین موسوی ورود خود به عرصه انتخابات را با عنوان نگرانی شدید نسبت به آینده کشور توضیح می‌داد کمتر کسی گمان می‌برد که حضور با پایمردی و سازش‌ناپذیری این مرد نقطه عطفی را در تاریخ این سرزمین رقم بزند.

مهندس موسوی در تجربه سال‌های مدیریت خود در شرایط اضطراری کشور، به خوبی دریافته بود که بحران‌های پی در پی ایجاد شده از سوی قدرت‌طلبان بی‌اخلاق به هیچ وجه جنبه طبیعی نداشته و کاملا دست‌ساز است و هدف این بحران‌های دست‌ساز هم آن است که بحران برای متحجران قدرت‌طلب «اسم رمز بقای» آنها است.

آنچه که به طور مشخص طی سه سال گذشته تحت عنوان «طرح تحول اقتصادی» مطرح شد دقیقا ترجمان همه تجربه‌های پس از پیروزی کودتاگران دنیا طی ۵۰ ساله گذشته است.

دامن زدن به واردات جنون‌آمیز به معنای نابود کردن فرصت‌های شغلی در زمان حال و مایوس کردن سرمایه‌گذاران تولیدی از آینده تولید وکشاندن آنها به معرکه سوداگری و دلالی است و ادامه این حلقه به وابسته کردن هر چه بیشتر کشور به نفت.

وقتی بحث هدفمند کردن یارانه‌ها مطرح شد، اولین سوال نمایندگان مجلس این بود که آیا شما گروه‌های هدف را می‌شناسید و در پاسخ به این سوال ابتدایی واکنش دولت راه انداختن نمایش مراجعه مستقیم به مردم برای شناختن گروهای هدف بود که بعد از تلف کردن میلیاردها تومان پول کشور معلوم شدکه به اندازه پشیزی ارزش ندارد. از منظر دولت بی‌کفایت کنونی این مهم نیست که افزایش قیمت شدید حامل‌های انرژی چه بر سر تولیدکنندگان و مصرف‌کننده و فقرا و مستضعفان می‌آورد، مهم این بود که تورم همراه با رکود مردم را نسبت به آینده خود مایوس کرده، از آن‌ها سلب اراده می‌کند و آن‌ها را مطیع هر کسی می‌کند که تکه‌ای نان به سوی آن‌ها پرتاب کند.

گام بعدی در این راستا به صورت اجتناب‌ناپذیر افزایش نرخ ارز خواهد بود اما انجام این کار برای شعبده‌بازان و دروغ‌گویانی که ادعا می‌کردند در «طرح تحول اقتصادی» هدف آوردن قیمت دلار به حدود ۲۵۰ تومان است، می‌بایست با موج جدیدی از بحران‌سازی و گل‌آلود کردن آب و از بین بردن آخرین لایه‌های شفافیت باشد. تمام این کارها و قرارها در ستاد بحران‌سازان «حذف چهار صفر» نام گذاشته شده است.

از طریق حذف صفرها وقتی دلار ۱۵۰۰ تومانی به دلار یک ریالی و یا یک تومانی تبدیل می‌شود. اگر سیاست‌های بحران آفرین دلار ۱۵۰۰ تومانی را بیشتر از ۳۰۰۰ هزار تومان برساند موجب بر ملا شدن نیت و ماهیت رفتار سیاستگزاران می‌شود. اما اگر دلار یک ریالی یا یک تومانی را حتی ۵ ریال یا ۵ تومان بکنند، گرچه از نظر از بین بردن بنیان‌های اقتصادی کشور همان اثر دلار ۷۵۰۰ تومانی را دارد اما تا زمانی که مردم بتوانند به ریشه‌های زشت و وابستگی‌آور این سیاست پی ببرند زمانی طول می‌کشد و فرصت جدیدی برای تنفس کودتاچیان فراهم می‌سازد تا زمینه‌ای برای بحران بعدی فراهم شود.

نامه عضو سابق اداره اطلاعات سپاه به محمد نوری‌زاد

یکی از اعضای سابق اداره اطلاعات سپاه پاسداران در نامه‌ای به محمد نوری‌زاد ضمن بیان نظرات خود در خصوص نامه‌های ایشان به رهبری و تاثیر آن در میان برخی همرزمانش اظهار داشت: نامه‌های اعتراضیتان به آقای خامنه‌ای، انقلابی در میان طیف مذهبی جامعه و به نوعی هم‌فکرهای شما به عنوان فردی که روزگاری موافق جریانی به نام ولی فقیه و منتقد عملکرد جریان اصلاح‌طلب در جامعه بود و امروز به عملکرد اشتباه آنان انتقاد دارد کرده است. این یک جمله‌تان «بقای این نظام اگر با کشتن بی‌گناهان میسر است، من شخصا این بقا را نمی‌خواهم» تحولی شگرف در دل هم‌فکران سابق شما ایجاد نموده است که در گفتگو با آنها این را به نیکی می‌شود دریافت.

این فرد که خود را «الف. س.» نامیده است، این نامه را با عنوان «نامه‌ای از نسل ما به نسل شما» نوشته و گفته است: نامه‌ای به نسلی که شاید بیشتر از ما درگیر دغدغه‌های ایران بودند به نسلی که بحبوحه‌های انقلاب و جنگ اجازه نداد جوانی‌شان را جوانی و پیری‌شان را پیری کنند.

او سپس به مرتضی آوینی اشاره می‌کند و می‌گوید: می‌خواهم از جملات همرزمان قدیمی‌تان در نوشتن این نامه به شما وام بگیرم زیرا زیباتر از آنها نتوانستم بیابم و احساس نمودم میتواند باعث سکینه قلبی شما در این شرایط گردد که بی‌شک اگر آقا مرتضی و هم قافله‌ای‌های شما که روزگاری بنا به فرمایش خودتان «برای برپایی آرمان‌های بسیار زیبا و شریف و عزیزی قیام کردید، جنگیدید، زحمت کشیدید، عمرتان را صرف کردید»، امروز زنده بودند و این شرایط را می‌دیدند به غیر از راهی که شما انتخاب نمودید، انتخاب نمی‌کردند.

این عضو سابق سپاه سپس به وصیت‌نامه شهید باکری اشاره می‌کند و می‌گوید: شما به حق جزء دسته سومی قرار گرفتید که شهید بزرگوار حمید باکری در وصیت‌نامه‌اش نوشت: «دعا کنید که خداوند شهادت را نصیب شما کند، در غیر این صورت زمانی فرا می‌رسد که جنگ تمام می‌شود و رزمندگان امروز سه دسته می‌شوند: یک. دسته‌ای که به مخالفت با گذشته خود برمی‌خیزند و از گذشته خود پشیمان می‌شوند. دو. دسته‌ای که راه بی‌تفاوت را بر می‌گزینند و در زندگی مادی غرق می‌شوند. سوم. دسته‌ای که به گذشته خود وفادار می‌مانند و احساس مسئولیت می‌کنند که از شدت مصایب و غصه‌ها دق خواهند کرد. پس از خداوند بخواهید با رسیدن به شهادت از عواقب زندگی پس از جنگ در امان بمانید، چون عاقبت دو دسته اول ختم به خیر نخواهد شد و جزو دسته سوم ماندن هم بسیار سخت و دشوار خواهد بود.»

وی در این نامه ادامه می‌دهد: شما شرمنده آنانی که روزگاری روایتگر دلاوری‌هایشان بودید نشدید و کاش ما نیز در زمان حیات شما بتوانیم دلاوری‌های شما را روایت کنیم. روایت کنیم که از خود چگونه عبور نمودید، روایت کنیم که می‌توانستید همچون کسانی که برای ادای دست‌بوسی به بیت رهبری رفتند بمانید و از سر زبان هم شده مجیزگوی آنان باشید. اما شما هجرت کردید، شما از خودتان هجرت کردید، شما از پشت دیوارها و باورهای فیزیکی هجرت نمودید و آیه شریفهٔ «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَاجَرُوا» را معنا نمودید، هجرت نمودید چون ایمان راسخ و قلبی به خدمت بی‌چون چرا به مردم داشتید.

او می‌نویسد: بی‌شک اقدام شما در جهت اعتراض به روند کنونی جامعه و مورد خطاب قرار دادن مسببین اصلی این گرفتاری‌ها و جنایات مانند میناتوری از زیبایی‌ها بر گونه تاریخ ایران زمین نقش خواهد بست. نامه‌های شما در آینده تبدیل به کتابی خواهد شد که روایتگر پیاخاستن مردان دلیر بر علیه استبداد خواهد بود، مردانی که برای احقاق حق و عمل به سخن حکیمانهٔ «راست بگو اگرچه در حال حاضر به ضرر تو باشد» از جان و مال و آبرویشان گذشتند.

وی سپس نوری‌زاد را خطاب قرار می‌دهد و می‌گوید: تو این بار با صدایت دلاوری‌های هم نسلانت را روایت نمی‌کنی، بلکه عملت امروز صدای گروه روایتی را که دلاوری‌ها و از خودگذشتگی‌ها را به تصویر می‌کشید دوباره زنده کرده است و رفتارت، خود روایتی است از آن همه شور و عشق به میهن. آری استاد! ما از شما می‌آموزیم، می‌آموزیم که تنها یاد نگریم و از آنچه آموخته‌ایم استفاده نماییم و بی‌شک عملکرد امثال شما نیز مانند فانوس راهی برای ما خواهد بود.

آیت‌الله امجد: امروز فقط بر سر مظلوم می‌زنند

آیت‌الله امجد با توجه به بهره‌برداری‌های حکومتی که از اماکن مذهبی شده گفت «آن وقت‌ها جمکران رفته بودیم معنویت داشت، این اواخر جمکران رفتیم، چند هزار نفر آدم بود، ولی یک ذره بوی معنویت از آن جمع نمی‌آمد.»

وی تاکید کرد «مرز و اساس اسلام اخلاق است «بعثت لاتمّم مکارم الاخلاق» اگر اخلاق نباشد، فقه عبادت نیست. و الّا ظواهر فراوان است.»

به گزارش سایت اطلاع‌رسانی این استاد اخلاق، وی طی سخنانی در یکی از مساجد شرق تهران، خاطرنشان کرد «چهار دسته‌اند که اگر خوب باشند، همه خوبند. اگه فاسد شوند، همه فاسدند اول: علما، دوم: حکام، سوم: تجار و چهارم: عبّاد و زهّاد.»

امجد در ادامه گفت «من معتقدم باید یک توفیق عمومی شود و الّا خطرات بزرگی ما را تهدید می‌کند من خیلی نگران و مضطربم. من خودم از همه بدتر هستم. ولی این بلایی که بعضی از این خدانشناس‌ها بر سر این مردم می‌آورند من تحمّل نمی‌کنم.»

وی خطاب به حکومت گفت «شما عدالت را در جامعه برقرار کن. من توان این کار را دارم که کاری کنم یک تار موی هیچ زنی در مملکت بیرون نباشد. عدالت کو؟ اول شما عدالت را برقرار کن. امروز ما فقط می‌توانیم توی سر مظلوم بزنیم، اگر این کار در مملکت نباشد، خیلی کارها می توان کرد.»

آیت‌الله امجد در گوشه‌ای دیگر از سخنانش در مسجد کوچه طحانی شرق تهران گفت «بعضی‌ها با دروغ منبرشان گرفته است، من یک کتاب‌هایی می‌دانم و بلدم که شماها نمی‌دانید. اگر مطالب آنها را بیایم و در منبر بگویم، مثل مور و ملخ در خیابان و اطراف، آدم می‌آید پای منبرم... مشکل ما خودخواهی است. همین خودخواهی است که عاشورا را درست کرد همه این فسادها از خودخواهی است... عمامه وقتی عمامه است که شمشیر حق باشد.»

وی در انتها تاکید کرد: «من نه به شخصی وابسته‌ام و نه به گروهی، من آزادم. بزرگترین ظلم به جامعه، خالی کردن آن از محتوا می‌باشد.»

اخبار کوتاه

ممانعت از ورود برخی دانشجویان به دانشگاه امیرکبیر

همزمان با فرا رسیدن ۲۵ اردیبهشت که دانشجویان این روز را به عنوان روز اعتراض خود به فضای امنیتی دانشگاه‌ها اعلام کرده بودند از ورود برخی چهره‌های فعال دانشجویی و شناخته شده به دانشگاه امیرکبیر ممانعت به عمل آمده است.

بر اساس اخبار رسیده از سوی شاهدان عینی، از صبح روز ۲۵ اردیبهشت مامورین حراست دانشگاه امیرکبیر با کنترل تردد دانشجویان به محوطه دانشگاه از ورود تعدادی از دانشجویان فعال و شناخته شده این دانشگاه ممانعت به عمل آورده‌اند.

شجریان: به مردم دروغ نگویید

محمدرضا شجریان، استاد آواز ایران گفت: باید با مردم شفاف بود و باید جامعه را جدی گرفت. به مردم دروغ نگفت و باید بدانید که اگر کوچک‌ترین اشتباهی بکنید، جامعه با شما برخورد می‌کند. مانند فواره بلند می‌شوید، اما با سر زمین می‌خورید.

بدهی ۱۹۰۰ میلیارد تومانی دولت به بازنشستگان

رئیس کانون بازنشستگان و مستمری‌بگیران تامین اجتماعی گفت: براساس قانون بودجه سال ۸۸ باید ۲۵۰۰ میلیارد تومان در قالب سهام به بازنشستگان پرداخت می‌شد که متاسفانه این قانون به‌طور کامل اجرایی نشده و بازنشستگان همچنان ۱۹۰۰ میلیارد تومان طلبکار هستند.

احمدی نژاد و دیکتاتوری رضاخان

در ادامه اختلافات احمدی‌نژاد و مجلس، نماینده تهران با اشاره به حداکثر تعاملی که مجلس با دولت داشته است، گفت: متاسفانه احمدی‌نژاد جایگاه مجلس را در راس امور نمی‌پذیرد و خواستار اداره کشور به تنهایی است.

وی با مقایسه روحیه احمدی‌نژاد و رضاشاه گفت: شاید این روحیه و رویه با انگیزه خدمت به ملت باشد. اینها نشان می‌دهد که او بر این باور است که این توانایی را دارد که با سرعت بیشتر کار کند ولی وجود قوه مقننه مانع از این سرعت است. منطق دیکتاتورها هم همین است که کافی است کشور را به ما بدهند و از ما بخواهند که تمام توانمان را در راه پیشرفت کشور به کار بگیریم. رضاخان هم شاید همین منطق را داشت! در خارج از کشور هم کسانی مشی دیکتاتور مآبانه داشته‌اند و تصورشان این است که وجودشان را وقف کشورشان می کنند.

لاریجانی: بن لادن نیازمند محاکمه‌ای منصفانه بود

«محمدجواد لاریجانی» رییس شورای حقوق بشر ایران روز پنجشنبه اعلام کرد: اسامه بن لادن سرکرده القاعده نیازمند محاکمه‌ای منصفانه بود، نه اینکه توسط نیروهای آمریکایی یک‌طرفه اعدام شود.

دولت نهم و دهم و رکورد بالا در تخلف از قوانین

محمدرضا باهنر با بیان اینکه دولت نهم و دهم در مسأله امتناع از اجرای برخی قوانین رکورد بالایی دارد، گفت: یا ما دولت را وادار می‌کنیم که قانون‌شکنی نکند یا نهایتا برخورد به حذف حقوقی برسد؛ ما حذف حقوقی در مجلس را با سوال، تذکر، تحقیق و بعد با استیضاح دنبال می‌کنیم.

کلمه
WWW.KALEME.COM
روزنامهٔ کلمه، شماره شصت و یکم، چهارشنبه، ۲۸ اردیبهشت ۱۳۹۰، صفحه یک

درخواست چندباره محمد نوری‌زاد از رهبری برای آزادی زندانیان انتخابات

محمد نوری‌زاد مستندساز و جهادگر که اخیرا از زندان آزاد شده در یادداشت جدیدی در وبسایت خود از رهبری خواسته است تا اگر زندانیان را آزاد نمی‌کنند، انفرادی‌هایی که آنان تحمل کرده‌اند را به ازای هر روز معادل ده روز محاسبه کنند.

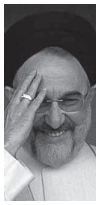

سیدمحمد خاتمی: هیچ کس نمی‌تواند جلوی حرف حق را بگیرد

سیدمحمد خاتمی با بیان این مطلب گفت: اینکه برخی حکومت‌ها و نظام‌ها خیال کنند که با ایجاد محدودیت‌ها و بخشنامه و دستور می‌توانند بین دنیای اطلاعات و ذهن ملت‌ها دیوار ایجاد کنند خیال باطلی است...

گزارش تکان‌دهنده وزیر دولت خاتمی از وضعیت اقتصاد کشور

وزیر صنایع و معادن دولت سیدمحمد خاتمی می‌گوید: کل درآمد ایران از نفت، از آغاز اکتشاف نخستین چاه نفت تا سال ۱۳۸۹ یک هزار میلیارد دلار بوده است که میزان ۴۵۰ میلیارد دلار آن مربوط به ۶ سال اخیر، میزان ۴۰۰ میلیارد دلار آن مربوط به پس از انقلاب تا سال ۱۳۸۴و میزان ۱۵۰ میلیارد دلار هم متعلق به قبل از آن است .طبق قانون برنامه پنجساله چهارم، اگر به آن برنامه عمل می شد، باید بیش از ۲۰۰ میلیارد دلار در این حساب وجود داشت.

در چهل و چهارمین نشست تخصصی ماهانه این بنیاد که به تازگی با حضور محمد خاتمی، رییس و دیگر اعضای بنیاد باران در تهران برگزار شد، اسحاق جهانگیری وزیر صنایع و معادن دولت اصلاحات به بررسی وضعیت شاخص‌های مهم اقتصادی کشور، رویکردها و سیاست‌های موجود و راه حل‌ها، پرداخت که سایت بنیاد باران متن این سخنرانی را منتشر کرد.

وی در ابتدا فعالیت های اقتصادی را در کنار مقوله های فرهنگ، سیاست و امور اجتماعی، چهار رکن اصلی دوام و قوام جامعه امروز دانست و گفت : نمی توانیم در صورت حساسیت نسبت به دیروز و فردایمان، نسبت به امور اقتصادی غافل باشیم. این فعالیتها بر سه بخش دیگر، هم تاثیر گذار و هم تاثیر پذیر هستند و مثلا رویکردهای سیاست داخلی و خارجی عامل تعیین کننده هستند.

به گزارش کلمه، جهانگیری معتقد است که در فعالیت های اقتصادی سه بازیگر تعیین کننده وجود دارد؛ دولت، بنگاه ها و خانوار. به نسبت اینکه رویکردها، دولت محور، بنگاه محور یا مصرف محور باشد، نقش این بازیگران در اقتصاد کشور افزایش یا کاهش می یابد. در اقتصاد کنونی ایران دولت نقش عمده را دارد و آن چه مسلم است اینکه اقتصاد عامل تعیین کننده در اقتصاد ایران است.

وی می گوید: اینکه اقتصاد در رکود یا رونق است و...، مربوط به سیاست‌های دولت است که باید کالبد شکافی شود. بررسی سیاست‌های کلان دولت زمان‌بر و نیازمند آمار مفصل و بحث‌های تخصصی است.

کلی‌گویی و شعار دادن در امر اقتصاد در میان مسئولین مرسوم است

به گفته این وزیر دولت سابق امروز، در امر اقتصاد، کلی‌گویی و شعار دادن که در میان مسئولین مرسوم است، مقبول نیست. اینکه بگوییم ۱۰۰ برابر دولت‌های قبلی کار انجام شده است، قابل قبول نیست، بلکه باید با کمیات در مورد اقتصاد توضیح داده شود. نکته دیگر در اقتصاد تراز و یا عامل سنجش است؛ اینکه گفته شود رشد ۵ درصدی خوب بوده است، صحیح نیست. بلکه باید چند شاخص سنجش وجود داشته باشد. در اقتصادی مانند ایران «برنامه» از جمله این شاخص‌هاست. عامل سنجش دیگر «مقایسه با سال‌های قبل» است، البته ممکن است این مقایسه صحیحی نباشد و شرایط داخلی و بین‌المللی و داده‌های برنامه قبل با آن سال‌ها تفاوت داشته باشد. عامل دیگر هم «مقایسه با کشورهای هم‌تراز و همسایه» است.

در دولت نهم و دهم آمارها دچار تردید شد

وی به مخدوش شدن آمار در این دوران اشاره می‌کند و می‌گوید: متاسفانه در دولت نهم و دهم، بعد از دوره‌ای ۳،۲ ساله آمار هم دچار تردید شد و هم از عرصه اطلاع‌رسانی حذف شد. در حالی که آمار رشد اقتصادی و بیکاری هر سال سه ماه یکبار از سوی بانک مرکزی منتشر می‌شد. هیچ‌گاه دولت‌ها فکر نمی‌کردند اگر آمار مغایر با سیاست‌ها بود، منتشر نکنند، زیرا این آمارها مبنای پژوهش‌ها و نقد سیاست‌ها می‌شود.

سال ۹۰ رشد اقتصادی صفر درصد خواهد بود

وی سپس به بررسی شش شاخص اصلی در اقتصاد ایران می‌پردازد و می‌گوید: «رشد اقتصادی» از اصلی‌ترین چهره‌های اقتصاد است و رفاه ملت را در بر دارد و آینده یک ملت، خود را در رشد اقتصادی نشان می‌دهد. در برنامه ۵ ساله سوم، متوسط رشد ۵/۵ درصد است، در برنامه چهارم هدف گذاری رشد ۸ درصد بود که در سه سال اول این رقم تا حدی قابل قبول است، اما از سال ۸۷ کاهش می‌یابد تا اینکه در سال ۸۸ بر اساس اعلام صندوق بین‌المللی پول به هشت دهم درصد می‌رسد. پیش‌بینی سال ۹۰ هم صفر درصد است که این موضع موجب نگرانی شده است.

وی می‌افزاید: قرار بود در برنامه چهارم با صرف ۱۰۰ میلیارد دلار، میزان ۸ درصد رشد اقتصادی داشته باشیم. اما در عمل (در ۶ سال) ۴۰۰ میلیارد دلار هزینه شد، اما میزان رشد ۳/۹ درصد است.

وی شاخص دیگر را «واردات» می‌داند و می گوید: در برنامه سوم، قرار شد تا مهر عدم ساخت برداشته شود و واردات تعرفه‌ای صورت گیرد که یکی از گلوگاه‌های مهم فساد برداشته شود که شاید در یکی از ملاقات‌های اول با رهبری، ایشان گفتند که یکی از گلوگاه‌های مهم فساد مهر عدم ساخت است. با انجام این کار هم به سرمایه‌گذارها علامت روشن دادیم و هم اینکه لازم نبود، واردکننده‌ها به وزارت صنایع و معادن مراجعه کنند و مجوز بگیرند. در همان موقع طی بررسی‌ها مشخص شد که ۲۰۰ هزار رفت و آمد بخش خصوصی و وزارتخانه کم شده بود. اما ضوابط فنی هم قرار دادیم تا کالاهایی در سطح کیفیت اروپا حق ورود دارند. اما در عین حال وقتی میزان واردات به حدود ۲۷ میلیارد دلار رسید، در هیات دولت بحث شد که ایران تبدیل به پایگاه کالاهای خارجی نشود.

با پول نفت اقتصاد را «چینی‌سازی» می‌کنیم

وی معتقد است اکنون دولت می‌گوید، واردات را بخش خصوصی انجام می‌دهد، اما در پاسخ باید گفت که این عمل از طریق پول نفتی که در اختیار این بخش قرار گرفته، انجام می‌شود. لذا منابع نفتی به جای تبدیل شدن به زیربنای اقتصاد و پایه توسعه، تبدیل به واردات شد، به جای ایجاد اشتغال در داخل کشور در خارج اشتغال ایجاد شد و در نهایت «چینی‌سازی» اقتصاد انجام شد. در حالی که ما در دولت قبل بسیاری از تجار را به تولیدکننده تبدیل کردیم، اما امروز متاسفانه بسیاری از صنعتگران تولیدات خارجی را می‌آورند و چند قطعه به آن اضافه می‌کنند که خودشان می‌گویند، جز از این راه نمی‌توانیم زندگی کنیم.

واردات از ۲۴ میلیارد دلار به ۵۳ میلیارد دلار رسیده، کسی هم حساسیت نشان نمی هد تعرفه وارادت شکر در زمان اصلاحات ۱۰۰ درصد بود الان صفر درصد!

وی به برنامه پنجم اشاره می‌کند و می‌گوید: متوسط واردات در برنامه پنجم هم ۲۴ میلیارد دلار بود که در برنامه چهارم پیش بینی رشد ۶/۴ درصدی بود، اما متاسفانه رقم متوسط واردات اکنون به ۵۳ میلیارد دلار رسیده است که بدترین اتفاق در کشور است و تعجب می کنم که حساسیتی به آن وجود ندارد. مثلا تعرفه شکر در زمان دولت اصلاحات، ۱۰۰ درصد بود که اکنون به صفر درصد رسیده است و چغندرکاری و... در کشور وضع مطلوبی ندارد.

اعلام رقم یک میلیون و ۶۰۰ هزار ایجاد اشتغال، جز تمسخر کردن مبانی علم اقتصاد، چیز دیگری نیست

وی درباره شاخص بعدی که «بیکاری» است می‌گوید: موضوع لشکر بیکاران و ایجاد سرمایه گذاری در کشور برای ایجاد اشتغال همواره مطرح بوده است. نرخ بیکاری با رشد تولید ناخالص داخلی و رشد سرمایه گذاری خارجی، نسبت معکوس دارد و فرمول سنجش آن مشخص است. با اجرای طرح‌های زودبازده و ضربتی که پمپاژ پول به جامعه و هدر دادن منابع را در پی دارد، هیچگاه مساله اشتغال قابل حل شدن نیست. در قانون برنامه چهارم نرخ بیکاری باید تک رقمی می شد. طبق اعلام مرکز آمار (که بعدا جلوی اعلام آمار آن گرفته شد) در سال ۸۸ این رقم ۱۱/۹ درصد و در بهار ۸۹، ۱۴/۶ بوده است. در حالی که این رقم در سال پایانی برنامه سوم، ۱۰/۳ درصد بوده است. بهترین سال دولت آقای خاتمی از نظر رشد اقتصادی سال ۸۲ بود (با ۷ درصد) که حدود ۱۱ درصد هم رشد سرمایه‌گذاری بود؛ با این آمار، ۶۰۰ هزار شغل ایجاد کردیم. بهترین سال رشد اقتصادی در دولت نهم، سال ۸۶ با ۸/۶ درصد و حدود ۷ درصد هم رشد سرمایه‌گذاری بوده است که بر اساس آمار رسمی ۶۰۰ هزار شغل ایجاد کردند. اما یکباره در سال ۸۹ اعلام می‌کنند یک میلیون و ۶۰۰ هزار شغل ایجاد شده است. در حالی که بر اساس اعلام خودشان رشد اقتصادی یک درصد است و طبق آمار صندوق بین‌المللی پول، صفر است. رشد سرمایه‌گذاری هم اصلا اعلام نمی‌شود؛ و اعلام رقم یک میلیون و ۶۰۰ هزار، جز تمسخر کردن مبانی علم اقتصاد، چیز دیگری نیست.

از تورم ۱۱ درصد تا تورم بالای ۲۵ درصد

وی ادامه می‌دهد: شاخص دیگر، «نرخ تورم» است که می تواند چهره اقتصاد را تا حدی نشان دهد. متاسفانه این رقم در کشور ما همواره دو رقمی بوده است، اما ما در اصلاح ساختاری که در برنامه پنجم پیش بینی کردیم، تصور کردیم در برنامه چهارم می‌توان آن را تک رقمی کرد، لذا در این راستا هدف‌گذاری کردیم. در سال ۸۰ هم این رقم به ۱۱/۴ درصد رسیده بود، در حالی که تا سال ۷۴ این رقم، ۴۹ درصد بود. سال ۸۱ اتفاق مهمی در اقتصاد کشور افتاد که تک نرخی کردن ارز بود که خیلی‌ها پیش‌بینی تورم ۳۰ درصدی بود، اما با تدابیری که اندیشیده شد و ایجاد صندوق ذخیره ارزی، نرخ تورم به ۱۵/۳ درصد رسید. اما متاسفانه با پمپاژ کردن پول نفت به اقتصاد که انگار دیگران نمی‌توانستند از آن استفاده کنند!، در سال ۸۷ نرخ تورم به بالای ۲۵ درصد رسید که بعدها تا حدی آن را کنترل کردند.

وی بحث دیگر را «طرح های بزرگ» می‌خواند و در عین حال می‌گوید: این طرح ها عامل حیات و موتور محرک اقتصاد ایران است. البته این به معنای نادیده گرفتن طرح های کوچک نیست، زیرا در صنعت اکثر طرح ها کوچک و متوسط است. مهمترین طرح بزرگ در اقتصاد ایران نفت و گاز است که می تواند عامل رشد یا خلاف باشد، اما با وجود استفاده بد از آن، اگر وجود نداشته باشد، اقتصاد دچار آسیب می شود. حدود ۴/۲ میلیون بشکه تولید نفت کشور در سال ۸۳ بود و قرار بود یا ظرفیت‌سازی از طریق منابع مشترک و ایفای نقش در اوپک، این رقم به ۵ میلیون بشکه در روز طی برنامه برسد. متاسفانه سال گذشته زیر ۴ میلیون بشکه تولید شد که از این نظر وضعیت پارس جنوبی بدتر است.

وی به پارس جنوبی دقت بیشتری نشان می دهد و می‌گوید: این منطقه یکی از بزرگترین نعمت هایی است که خداوند به ما عطاکرده است و میدان مشترکی با قطر است که آن ها ۱۰ سال قبل از ما شروع کردند اما با سرعتی که در زمان آقای خاتمی پیدا کردیم، از نظر برداشت روزانه به آنها رسیدیم و اگر برنامه‌ها ادامه می یافت، از قطر جلوتر می‌رفتیم، زیرا گاز سیال است و هر کشوری هرچه بیشتر برداشت کند، گاز به سمت آن کشور می رود.

وی می افزاید : مقام رهبری به پارس جنوبی رفتند و فکر می‌کنم گزارش های مربوط به این منطقه به گونه‌ای است که هرکس دلسوز باشد، حساسیتی نشان می دهد. در این میدان گازی، مناقصه فاز های ۱۵ و ۱۶ هم در زمان دولت اصلاحات انجام شد، اما اکنون به طور خوشبینانه بالای ۶۰ درصد و بدبینانه زیر ۵۰ درصد پیشرفت فیزیکی داشته است، اما با این وضعیت می گویند که یکباره تا فاز ۲۹ را می‌خواهند به مناقصه بگذارند تا ۳۵ ماهه کار تمام شود. این اتفاق در فولاد و فلزات وضع بدتری دارد و یکبار آقای احمدی‌نژاد در سخنرانی ۲۲ بهمن آمار بالایی را بیان کرد که آن را ناشی از ورود نیروهای ارزشی!! دانست. لذا در نامه‌ای درخواست کردیم تا ادعای خود را ثابت کنند، بعد هم شروع به فحاشی کردند تا اینکه در نهایت گفتند منظور ما ظرفیت تولید است. در حالی که تولید باید مطابق با ظرفیت پیش بینی شده باشد و طبق برنامه چهارم ظرفیت این طرح ها خیلی باید بالاتر می رفت.

۵ هزار میلیارد تومان معوقات بانکی به ۵۰ هزار میلیارد تومان رسیده است

شاهد موج چک‌های برگشتی هستیم

وی به «معوقات بانکی» هم اشاره می کند و می‌گوید: میزان پنج هزار میلیارد تومان معوقات بانکی در سال ۸۳ بود که اکنون به ۵۰ هزار میلیارد رسیده است. هرچند که در این سال ها تلاش کردند تا این پولها را تبدیل به وام کردند تا حالت معوقه به خود نگیرد، لذا شاهد موج شدید چک های برگشتی هستیم. همچنین شاهدیم که فقط افرادی که پول ها را پرداخت نکرده اند محکوم می شوند، در حالی که این اتفاق ناشی از سیاستگذاری های غلط است.

وی می افزاید :این شاخص ها در دوره ای بوده که طلایی ترین دوره اقتصاد ایران است. «درآمد افسانه ای نفت» از جمله دلایل مهم بودن این دوره است. کل درآمد ایران از نفت، از آغاز اکتشاف نخستین چاه نفت تا سال ۸۹، یک هزار میلیارد دلار بوده است که میزان ۴۵۰ میلیارد دلار آن مربوط به ۶ سال اخیر، میزان ۴۰۰ میلیارد دلار آن مربوط به پس از انقلاب تا سال ۱۳۸۴و میزان ۱۵۰ میلیارد دلار هم متعلق به قبل از آن است. یکی از بزرگترین کارها در برنامه سوم که البته با تاخیر انجام شد، حساب ذخیره ارزی بود که در پایان دوره اصلاحات ۱۲ میلیارد دلار ذخیره در آن موجود بود. در یکسال پایانی دولت اصلاحات، برخی دوستان به آقای خاتمی فشار می آوردند که این پول را استفاده کند و کالا به بازار وارد کند، اما ایشان گفتند که مگر این پول شخصی بنده است و با اعتبارات مملکت می توان این گونه برخورد کرد؟ رییس جمهور بعدی طرح های بزرگ را با آن اجرا می کند».

به جای ۲۰۰ میلیارد دلار تنها ۱۵ میلیارد دلار در صندوق توسعه ملی است

به گفته جهانگیری ، طبق قانون برنامه پنجساله چهارم، اگر به آن برنامه عمل می شد، باید بیش از ۲۰۰ میلیارد دلار در این حساب وجود داشت. کویت همین میزان در حساب دارد و در عربستان هم چند برابر؛ آنها از این اعتبار برای ذخیره پول و استفاده از رکود جهانی با خرید سهام شرکت تهای اروپا، استفاده کردند. اما ما فقط کالا خریدیم و نتیجه اینکه ۱۹۸ میلیون دلار در حساب ذخیره ارزی و ۱۵ میلیارد دلار در صندوق توسعه ملی وجود دارد.

وی دومین فرصت طلایی که این دولت از آن برخوردار بوده است را «حمایت تمام ارکان نظام» می‌نامد و می‌گوید: یعنی تمام دستگاه‌ها در خدمت منویات آن بودند. فرصت سوم این بود که سه برنامه توسعه بعد از جنگ اجرا شده بود و زیر ساخت‌ها

ادامه در صفحه دو

گزارش تکان‌دهنده وزیر دولت خاتمی از وضعیت اقتصاد کشور

ادامه از صفحه اول

شکل گرفته بود. فرصت چهارم هم اینکه در موارد اختلافی اقتصادی به تفاهم ملی رسیده بودیم، زیرا دولت آقای خاتمی آن را تدوین و مجلس با ریاست آقای ناطق نوری آن را تصویب کرد، در حالی که تا قبل از آن در مورد مناطق آزاد، مالیات بالای ۶۰درصد و... اختلاف نظر داشتیم. نیروی انسانی ۲۶ سال تربیت شده بود و یا تحصیل کرده بودند یا اینکه در طول پس از انقلاب تجربه کسب کرده بودند.

وی ادامه می دهد: اصل ۴۴ قانون اساسی هم به عنوان دغدغه ما در برنامه سوم که می توانست تحولات زیادی را ایجاد کند، پس از کار روی سیاست های آن، در این دولت به نتیجه رسید و ابلاغ شد. سند چشم انداز بیست ساله هم فرصت طلایی دیگری بود.

به گفته وزیر دولت اصلاحات، با توجه به این فرصت‌ها و آن شاخص‌ها، مهمترین سوال این است که چرا اقتصاد کشور چنین شد؟ در سال ۸۴ آقای احمدی‌نژاد طی یک انتخابات، انتخاب شد؛ اما وی این روند را یک انقلاب دانست که این یک دید غلط و آغاز مشکلات بود. مشکل دیگر، تمرکز تمام قدرت در ریاست جمهوری بود، لذا شوراهای مختلف منحل شدند، وزرایی که نظر متفاوت داشتند، برکنار شدند، به علم اقتصاد اعتقادی وجود ندارد و به توان شخصی افراد اعتماد می‌شود و از قانون عبور می‌شود.

می‌گفتند می‌خواهیم بودجه در جیب جا بگیرد! در حالی که بودجه باید شفاف باشد

وی ادامه می دهد: این رویکردها منجر به سیاست هایی شد که آن شاخص ها را در پی داشت. یکی از آن رویکردها کنار گذاشتن برنامه توسعه و سند چشم انداز بود؛ به صراحت گفتند که این برنامه‌ها غربی است و نیازی به آن نیست، در حالی که مجلس، شورای نگهبان و مجمع تشخیص آن را تصویب کرده بودند. رویکرد دیگر انحلال سازمان مدیریت و برنامه ریزی و ۲۸ شورای تخصصی بود. سازمان مدیریت جلوی تمام سیاسی کاری ها را می گرفت و نتیجه انحلال آن تورمی شدن بودجه و وابستگی شدیدتر به نفت است، تا جایی که می گویند اگر نفت زیر ۸۰ دلار شود در هزینه های جاری دچار مشکل می‌شویم. دایم می گفتند می خواهیم بودجه در جیب جا بگیرد! در حالی که بودجه باید شفاف و قابل بررسی باشد. در نتیجه بودجه سال ۱۳۹۰ برای اولین بار پس از آغاز سال تصویب می شود یا سال ۸۹ بدون برنامه توسعه می‌گذرد.

هر اقتصاددانی که انتقاد کرد گفتند یا طرفدار غرب است یا رانتخوار

به اعتقاد جهانگیری رویکرد دیگر بی اعتمادی به اقتصاددانان است. هر اقتصاددانی که نقد کرد، یا گفتند که طرفدار اقتصاد غرب یا وابسته به دولت های قبلی یا رانتخوار است. تغییرات پی در پی مدیران هم رویکرد دیگری است؛ سه مدیرکل بانک مرکزی، چند وزیر اقتصاد و... از جمله این موارد است.

۱۷ هزار میلیارد تومان، بدهی دولت به شرکت های پیمانکاری است

وی این سوال را مطرح می کند که اما چه باید کرد؟ و می گوید: فکر می کنم این شاخص ها، نشان می دهد وضعیت نگران کننده است. من از دغدغه های مقام معظم رهبری در اعلام سال جهاد اقتصادی خبر ندارم، اما در هر صورت این شاخص ها نیازمند جهاد است تا جمهوری اسلامی نسبت به کشورهای منطقه عقب نیفتد. راهکار هم «استفاده از تمام سرمایه‌های کشور» است. دارایی کشور فقط نفت نیست، نیروهای انسانی و سرمایه های اجتماعی هم هست و هیچ کس حق ندارد با دارایی انسانی یک نظام برخورد کند؛ ممکن است کسانی که در پست‌ها حضور نداشته باشند، اما در محافل علمی باید برای آنها فضا ایجاد کنیم، همچنین باید فضای کسب و کار را با محوریت بخش خصوصی ایجاد کنیم. بدترین فضای کسب و کار اکنون بر کشور حاکم است؛ باید به بخش خصوصی واقعی اعتماد کرد. خیلی از شرکت های پیمانکاری سرمایه های کشور هستند، زیرا با شرکت های خارجی رقابت می کردند، اما اکنون ۱۷ هزار میلیارد تومان، بدهی دولت به این شرکت هاست. مبارزه با فساد هم باید انجام شود، زیرا وقتی عده‌ای ببینند که از این طریق می توانند پول به دست آورند، دیگر تلاشی انجام نمی شود. در کدام دولت، مقام های بالای آن متهم به فساد مالی بوده‌اند؟ حتی قبل از انقلاب هم نبوده است، لذا دستگاه قضایی باید تکلیف موضوع را روشن کند. دلیلی ندارد کارمندان پایین دست احساس کنند، مقام های بالاتر، دست به این کارها می زنند.

به اعتقاد جهانگیری اقتصاد هم باید به عنوان یک علم پذیرفته شود و با اتکا به نیروی انسانی، به آن عمل شود. در بررسی کشورهای آسیای شرقی می بینیم که حتی با انجام کودتا در یک کشور هم سیاست‌های کلی تغییر نمی یابد. تعامل با اقتصاد جهانی هم باید صورت گیرد؛ زیرا اقتصادی که ۲۰۰ میلیارد دلار تجارت دارد، اقتصاد بزرگی است که باید بتواند با دنیا تعامل کند. همچنین باید امکان نقد خشن صاحبنظران به سیاست‌ها، فراهم شود تا بتوان اشتباه‌ها را اصلاح کرد.

جهانگیری در پایان تاکید کرد: «من معتقدم، کسانی که دلسوز این انقلاب هستند باید حساسیت نشان دهند و اشتباه ها را جبران کنند.»

دل‌نوشته‌ای از دختران میرحسین و رهنورد:

نود روز است که آن دیوار فلزی بلند بین ما فاصله انداخته

بیش از نود روز از بازداشت خانگی میرحسین موسوی و زهرا رهنورد از همراهان جنبش اعتراضی سبز می گذرد. از روزی که خانه‌ی موسوی و رهنورد را به زندانی با دیوارهای بلند آهنی برای آنها تبدیل کردند، سه ماه گذشته است. آنها در این مدت حتی از حقوق عادی یک زندانی نیز محروم بوده اند و اجازه ملاقات مستمر با خانواده خود را نداشته اند.

به گزارش کلمه، در ماههای پیش از این نیز، محدودیت‌های زیادی برای ارتباط موسوی و رهنورد با جامعه ایجاد شد، محدودیت‌هایی که گام به گام به آن افزوده می‌شد. دایره‌ی محدودیت‌های امنیتی برای میرحسین موسوی از اواخر تابستان سال گذشته و همزمان با حمله به منزل مهدی کروبی و مراجع، افزایش یافت. این برخوردها در روز دیدار جمعی از روزنامه‌نگاران با وی کلید خورد و پس از آن در برخورد با اقشار و شخصیت‌های مختلف که قصد ملاقات با موسوی را داشتند، ادامه یافت.

بازداشت خانگی مهندس میرحسین موسوی و دکتر زهرا رهنورد، بعد از راهپیمایی ۲۵ بهمن رسما آغاز شد و از بامداد ۲۷ بهمن ماه با قطع آخرین ارتباطات محدود آنها، در زندان خانگی قرار گرفتند.

دختران موسوی و رهنورد در این سه ماه به سختی قادر به کسب خبری از وضعیت آنها بوده‌اند و ماموران مستقر در اطراف خانه، به کسی اجازه نمی‌دهند به محل سکونت آنها نزدیک شوند.

دختران موسوی در نامه ای که به مناسبت نودمین روز حصر پدر و مادرشان به آنها نوشته اند، گوشه‌ای از رنج‌ها و نگرانی‌ها و همچنین امیدهایشان را با مردم تقسیم کرده اند. نامه‌ای که به دست مخاطبان اصلی‌اش نخواهد رسید.

به گزارش کلمه متن نامه به شرح زیر است:

نامه ای به پدر و مادر مان

به نام خدا

نود روز، یعنی یک فصل کامل از اسارت مظلومانه شما، گذشت. بهتر این است که بگوییم نود شب. چراکه ما را در دوری خورشید و ماه، شب و روز یکی بوده است. این نود روز را زندگی نکردیم. تنها زنده بوده‌ایم. که شما روح سبز زندگیمان بوده اید و از ما دورتان داشته اند. باور نداشتیم و نداریم. چگونه می‌شود بی دلیل و ناگهان به جرم خوب بودن، راستگویی و درستی همه سالهای عمر، چند در فلزی حائل شود بین ما و شما دو مهربان. انگار کابوسیست هولناک آنچه که به چشم در بیداری دیده ایم که به جای گل و درخت و لبخند در پیش چشممان دیوار آهنی رویید. آنشب سردی را می گوییم که برق دستگاه جوش در را به کوچه و مارا به خون جگر جوش می داد. ما ایستادیم و نگاه کردیم آن شب و شب های بعد... جمعی بودیم: خدا، ما، ستاره‌ها، بن‌بست کوچک قدیمی و آنها که معمار زندانتان بودند... هنوز بعد از گذشت این یک فصل تلخ دوری و جدا یی ما نمی دانیم چگونه به نوه هایتان شرح دهیم که چرا ظلم می تواند پدر و مادر را از ما دریغ و چشم‌ها را به اشک و دلهارا به خون بنشاند که دیده‌ایم این دغدغه مشترک همه آنهاییست که دردهایشان مشابه ماست.

یک فصل گذشت و ما نوبهار را با چشمانی پر از اشک و دست‌هایی رو به آسمان بر سر سفره‌های سبز هفت سین و کنار عکس شما آغاز کردیم. آن عکس دوست داشتنی شما که دست در دست هم داشتید. با دل هایی دردمند اما تپنده به امید این که شاید سال نود بشوید تلخی دو سال خونباری را که گذشت. اما افسوس که هنوز سهم ما تنها از شما که چنین ناجوانمردانه احتمالا زندانی خانه خود شده اید، دقایقی خیلی کوتاه از شنیدن صدای گرمتان بود و دیداری غمبار و چند دقیقه ای کنار بدن سرد و صورت زرد پدربزرگ که وداع آخری شد بین تو بابای خوب ما و پدر پیر و غمگینت که دقایق احتضار را با حسرت دیدن تو گذراند و صبور و آرام به درگاه آسمان پرگشود.

دلتنگیمان را از نبودن و ندیدن شما نگفتیم. در چشمانتان چشم دوختیم و لبخند زدیم از آن لبخندها که گفتگوییست بین ما وشما پر از همه دوستیها همه نوازش‌ها همه عاشقانه‌ها همه تاییدها و صبرها. صبر را هم از شما آموختیم و از آنان که پیش و بیش از ما بر جفا ها صبر پیشه کرده اند... صبری زیبا که بی‌تابیمان را از این همه انتظار و اسارت توجیه ناپذیرتان تاب بیاوریم. آنچنان که ما خود نیز باورش نمی‌داشتیم. به راستی که فراتر از وسع ناچیزمان، نعمتی الهی بود در فقدانتان. سکینه ای معطر، آسمانی و ربانی برجان و التیامی برای روح‌های مضطرب و چشمان نگران، در محراب سپیده دمانی که از خدا سلامت گم شدهایمان و گم شده های یارانمان را می خواستیم.

به نظاره نشستیم درهای فلزی را که بر سر کوچه با صفای پدریمان نصب کرده اند و کوچه ای که اختر بود ولی اکنون در بلند آهنیش اخگری برجانمان، همان که هر از چندگاهی اگر منافذ کوچک آن که سهوا باقی مانده بود را هم با فلز جوش می دادند، که مبادا بوی آشنای خانواده از درزهای آن بگذرد و مرهمی باشد نگاه کردن از منافذ آن به زخم هایمان. به نظاره نشستیم که هر از گاهی ارتفاع در را بالا ببرند که مبادا نور پنجره خانه اتان دلمان را گرمی ببخشد که شما هنوز هستید. اما شما هستید هنوز. گرمتر و پر رنگ تر از همیشه در دل های فرزندانتان، در دل تمام خانواده در دل تمام آنها که شما همراه سبزشان بوده اید وفادار بر عهد سبزتان و آنها یاران مهربانتان. که این نود روز نامتان هرجایی بوده است و یادتان روشنی بخش راهها که دوستان را فراموشی محال است. که دوری راه در سفر دلها چه ناچز می نماید. که اگر روزگاری شادی دیدارتان ممکن بود اکنون شرر اشتیاق هجرانتان بیقرارمان کرده است. در فصل تلخ دوری هر روز درسهایی که از صبر و مهر و دوستی و صفا و ایستادگی بر حق یادمان دادید مرور می کنیم و خدا را شاکریم که معلمانی چنین والدینمان بوده‌اند که یادشان نیز هوای جان را پر از بوی لطیف یاس و سبزه و آب و آیینه، بوی لطیف خدا می کند. که ما جز این‌ها از شما به یاد و یادگار نداریم.

دلمان گرفته است. دلمان گرفته است از دوری. از دیوارهای بی رحم و درهای فلزی. از پرس و جوهای مدام پدرت که در هذیانهای بیماری فراموشیش، نمی‌داند چرا دختر بزرگش دیگر به دیدنش نمی آید. آخر مادر عزیزما! مدام سراغ تو زهره اش را می گیرد چرا که نمی داند که زهره زندانی اختر است. به او گفته ایم در سفر زیارتید! راستی هم همین است که می‌دانیم شما را هر آن در کنج زندانتان گفتگوییست عاشقانه با مهربانترین مهربانان. از سکوت و صبوری زیاد مادربزگ که داغ خاله جوانمرگمان را هنوز بر دل دارد. از چشمان خیره و دل لرزان پیرش. از ندیدن صورت و نشنیدن صدایتان و دلمان را به قاب عکس شما خوش کرده ایم. در دل خون گریه می کنیم اما هر روز بارها خطاب به همدیگر با لبخند میگوییم این روزها می گذرد... بله این روزها هم می گذرد و تنها خداوند شاهد است بر این همه بیدادی که می رود که دادگر تنها اوست. که ما را عهدیست با جانانمان که چون شما بر سختی بلاها، بلی گفته ایم.

مهربانان دلیر ! این لحظه ها چشم به تلفن دوخته‌ایم شبانه روز که شاید پس از ماه که پشت ماه می‌گذرد، زنگی بخورد و صدای شما بپیچد توی گوشمان که شاید زنگ خانه را بزنند و شما پشت در باشید که شاید همه این ها خوابی باشد که که در انتها با طلوع خورشید ، این کابوس را دیگر نترسیم.

ما تنها دست هایمان به دعا بلند است که شما برگردید که دیوارهای ظلم فرو بریزد که در زندان‌ها گشوده شود که همه پدر و مادرها و همه فرزندان و همه پرندگان پر و بال بسته باز گردند به آشیانه خود به خانواده خود به فرزندان خود. دیگر پدربزرگی قصه‌هایش را برای میله های سرد و دیوارهای دور و بی روح نخواند. که لای لای مهرورزانه هیچ مادری، مادر بزرگی در هزارتوی ناشناس زندانی، حبسی، حصری گم نگردد نپیچد.

پدر صبور و مادر آزاده! نمی دانید که ما چگونه نود شبانه روز چون نود قرن از دوری شما گریسته‌ایم. بی‌صدا و خاموش که شما از ما خواسته‌اید که نشکنیم. باز هم باور داریم خداوند مهربان کنارمان هست و روزی این ایام فراق سر خواهد آمد که آسمان حق پرواز تمام پرندگانی است که طالب آزادی هستند.

دردم از یار است و درمان نیز هم
دل فدای او شد و جان نیز هم
دوستان در پرده می‌گویم سخن
گفته خواهد شد به دستان نیز هم
چون سر آمد دولت شب‌های وصل
بگذرد دوران هجران نیز هم

کلمه
WWW.KALEME.COM
روزنامهٔ کلمه، شماره شصت و دوم، شنبه، ۳۱ اردیبهشت ۱۳۹۰

آیا سوء استفاده از نیاز و فقر مردم با توزیع بخشی از پولی که از دست آنان ربوده‌اید می‌تواند بحران‌های بعدی را کنترل کند؟ کجا رفت وعده نفت برسر سفره‌ها و قول برخورد با مفسدین؟ چگونه است که به نجوا و آهسته از سرنوشت سند چشم انداز بیست ساله نام می‌برید؟
میرحسین موسوی، پیام به مناسبت ماه دانشجو

سرمقاله

کدام بی بصیرتیم، ما یا شما؟

مهدی خزعلی: سال ۸۳ نوشتم: امروز شهرداری را ستاد انتخاباتی خود کرده است و به معلمان و ائمه جماعات و هیات‌های مذهبی، از بودجه شهرداری خرج می‌دهد، فردا یک دولت می‌شود ستاد انتخاباتی و از بودجه بیت‌المال خرج می‌دهد! * جدی نگرفتید!

خرداد ۸۴ در نامه‌ای به شهردار تهران نوشتم: «نفی دموکراسی از سوی شما شائبه بازگشت استبداد و دیکتاتوری را در اذهان ایجاد می‌کند» * توجهی نکردید تا آن شهردار رئیس دولت شد!

خرداد ۸۴ در مقاله‌ای نوشتم: عده‌ای می‌خواهند با آوردن احمدی‌نژاد روی کار، نظام را ساقط کنند! * باور نکردید!

سال ۸۴ نوشتم: سقاخانه ایشان اگر برای مردم آب ندارد! برای خیلی‌ها نان داشته است. * باز هم گوش کسی بدهکار نبود!

سال ۸۴ هنگام تنفیذ حکم ریاست جمهوری، دست رهبری را بوسید، نوشتم: «امروز دست و پا می‌بوسد و روزی را می‌بینم که در برابر رهبری می‌ایستد!» * باور نکردید تا به چشم خویش دیدید!

سال ۸۴ نوشتم: «حکومت‌ها هر قدر از دانش فاصله بگیرند، از حوزه و دانشگاه می‌ترسند و اگر به علم بازگردند، در برابر دانشگاه و حوزه متواضع و خاشع می‌شوند.» * امروز شاهدیم که حکومت از علم و دانش محروم و کردانیسم حاکم است!

سال ۸۴ نوشتم: «آقای رئیس جمهور؛ پایه‌های جمهوری شما بر توهین، افترا، و زیر سئوال بردن مدیران انقلاب است، فراموش نکنید آن شب‌نامه‌هایی را که در دوره انتخابات منتشر شد و حتی خاتمی جرات نکرد عوامل تخریب هاشمی را معرفی کند» * امروز همان شب‌نامه‌نویسان علیه همان رئیس جمهور می‌نویسند!

سال ۸۴ نوشتم: «آقای رئیس جمهور؛ نکند به نام عدالت، فاتحه این واژه مقدس را در کشور بخوانیم و طنز سال‌های آتی «عدالت» باشد! * دیدید که چنین شد!

سال ۸۴ به مجلس نوشتم: «نمایندگان محترم؛ بوش را رها کنید، احمدی‌نژاد را مراقبت کنید که به خودمان گل نزند!» * مراقبت نکردید تا ده‌ها گل وارد دروازه خودمان کرد!

سال ۸۵ در پی اظهارات احمدی‌نژاد و تاکید بر بچه‌دار شدن بیشتر! نوشتم: «من به نوبه خود هشدار می‌دهم، روزهای سخت و سخت‌تری در پیش داریم، و این گونه افاضات غیرمنطقی و غیرعقلانی در بحث اقتصادی و سیاسی زیاد داریم و هزینه گزاف آن را ملت می‌پردازد! * باز هم گوش ندادید تا به امروز رسیدیم!

سال ۸۶ نوشتم: " دهه چهارم انقلاب دوره رمال ها و فالگیر هاست!" * جدی نگرفتید!

گذشت و گذشت و گذشت...

سال ۸۸ در پاسخ بازجو که پرسید بود: «نظرت را راجع به سران فتنه بنویس» نوشتم: «فتنه فقط یک سر دارد و آن احمدی‌نژاد است!» * حال به حرف من رسیدید!

سال ۸۹ برای بازجو درشت در یک صفحه A4 نوشتم: «سال نود سال رویارویی احمدی‌نژاد و حامیان ولایت است!» به بازجو گفتم این را در جیبت نگه دار، همدیگر را می‌بینیم! * خوب می‌بینید که همه پیش‌بینی‌ها درست از آب درآمد!

* حال انصاف دهید ما بی‌بصیرتیم یا شما؟!

اعتراض محمدتقی کروبی به دستگاه قضایی کشور

مستند قانونی بازداشت خانگی پدر و مادرم چیست؟

در پی انتشار اخبار چندی پیش برخی رسانه‌ها مبنی بر «سکته قلبی مهدی کروبی»، پسر وی، محمدتقی کروبی، طی یادداشتی در سایت خود، به دستگاه قضایی کشور هشدار داد تا در مورد اِعمال محدودیت‌های پیش آمده، باید پاسخگو باشد.

وی نوشته است: در یکی از سایت‌های وابسته به جریان حاکم، خبری مبنی بر سکته قلبی پدرم منتشر شد. انتشار این خبر موجب نگرانی خانواده و مردم شریف و بزرگوار ایران نسبت به وضعیت سلامت ایشان شد. بعد از پیگیری موضوع مقامات امنیتی به خانواده اطمینان دادند که خبر مذکور کذب محض است و ایشان در صحت و سلامتی کامل به سر می‌برند. با وجود آنکه از وضعیت جسمی ایشان مطمئن هستیم اما برای اطمینان منتظر دیدار و یا حداقل یک تماس کوتاه تلفنی پدر با یکی از افراد خانواده‌ایم.

وی در این نوشته تاکید دارد که صرف نظر از ظالمانه و یا عادلانه بودن شرایط تحمیل شده موجود، وظائف قانونی مقامات قضائی را مطابق اصل ۱۵۶ قانون اساسی که قوه قضاییه را قوه‌ای مستقل، پشتیبان حقوق فردی و اجتماعی و مسؤول تحقق بخشیدن به عدالت می‌داند را یکبار دیگر یادآور می‌شوم. حمایت از حق دادخواهی، استقلال قضایی، عدالت کیفری، محاکمه عادلانه و... در اصول مختلف قانون اساسی تضمین شده است.

وی از مقامات قضایی پرسیده است که کدام یک از موارد فوق در قبال این بزرگواران تاکنون رعایت گردیده است؟ از ابتدا تاکنون مقامات امنیتی همواره بر حصر خانگی تاکید می‌کنند اما براستی این حصر است یا زندان؟ در این کشور سابقه حصر خانگی بزرگانی نظیر مرحوم مدرس، مرحوم دکتر مصدق و مرحوم آیت‌الله منتظری اعمال گردیده است و در تمامی موارد با حفظ شأن آن عزیزان تنها ارتباط آنان با جامعه از طرق مختلف محدود شده است.

محمدتقی کروبی اعلام کرد که مطلبی جامع و تطبیقی در باب حصر خانگی در نظام‌های حقوقی معاصر نگاشته است اما در این نوشتار کوتاه صرفا می‌خواهد بداند مستند قانونی بازداشت خانگی این عزیزان چیست؟ اتهام آنان چه بوده تا بدین وسیله بتواند وسایل دفاع مناسب را تهیه نماید؟ به راستی در کدام محکمه صالحه به جرایم آنان رسیدگی شده و سپس حکم محکومیت و محرومیت از حقوق اولیه صادر شده است؟

وی در خاتمه نوشت: بسیاری از دوستان و اعضای خانواده بعد از سپری شدن سه ماه امیدوارند قوه قضائیه مطابق شأن و وظیفه قانونی خود نسبت به محدودیت‌های اعمال شده بطور ماهوی و شکلی پاسخگو باشد.

آیت‌الله دستغیب:

نباید با اموال بیت‌المال مرید و فدایی جمع کرد

یک مرجع تقلید و عضو مجلس خبرگان گفت: اینکه عده خاصی مثل ارتش یا سپاه یا دیگران از جهت اقتصادی همه امکانات را در دست گیرند و سایر مردم نوکری آنها را بکنند چیزی نیست که ملّت به دنبالش بودند!

آیت‌الله دستغیب در جلسه تفسیر سوره نساء که سایت حدیث سرو آن را منتشر کرد، ابتدا به تفسیر بخشی از سوره نساء پرداخت و در بخش دیگری از سخنان خود گفت: ثروت‌های هر کشور برای آن جامعه به عنوان پشتوانه اقتصادی و مایه قوام و دوام معاش مردم به حساب می‌آیند لذا بر عهده حکومت است که این ثروت‌ها را به شکل عادلانه میان همه مردم تقسیم کند.

وی شرط مهمّ تحقّق یک اقتصاد صحیح و اسلامی را این عنوان کرد که صاحب‌منصبان این عرصه، مهذّب و از حبّ دنیا خالی باشند و در پی اندوختن ثروت نباشند؛ یعنی نگویند: «نصف برای من، نصف برای تو. خداوند بهترین روزی‌رسان است»! یا نخواهند از اموال بیت‌المال برای خود مرید و فدایی جمع کنند تا اگر بعدها اتفاقی افتاد، آنها او را حفظ کنند.

وی تصریح کرد: جامعه اسلامی باید شاهد عدالت علوی باشد یا در مسیر آن حرکت کند، نه آنکه ماهیانه چیزی به مردم بدهند و دهان آنها را ببندند.

آیت‌الله دستغیب در ادامه گفت: امروزه تولید و اشتغال به عنوان اساسی‌ترین شرط پیشرفت در تمام دنیا پذیرفته شده. اگر حکومتی خواهان پیشرفت است نمی‌تواند کارخانجات را تعطیل کند، کشاورزی را از رونق بیندازد و تولید را متوقّف سازد و تبدیل به یک کشور صرفاً مصرف‌کننده کالاهای خارجی، آن هم با مصرف منابع اصلی ثروت و سرمایه شود!

دل‌نوشته نسرین ستوده به پسرش:

برای قاضی و بازجویم دعا کن

نسرین ستوده، حقوقدان و فعال جنبش زنان، که بیش از ۹ ماه است در زندان اوین به سر می‌برد، نامه‌ای به پسر سه ساله‌اش نیما نوشته است. وی در بخشی از این نامه می‌نویسد: هیچ «کاری» حق ندارد اینقدر حقوق کودکانم را نادیده بگیرد که طی ۶ ماه بازداشت به من یک ساعت ملاقات با تو را بدهد.

وی می‌نویسد: نیما جان! در پرونده‌های مربوط به حضانت کودکان، مهم‌ترین استناد دادگاه‌ها به سن چنین کودکانی است که نمی‌توانند ۲۴ ساعت دور از مادر بمانند زیرا برای کودک آسیب روحی – روانی به همراه دارد. اما همین دستگاه قضایی می‌تواند حقوق کودکی را نادیده بگیرد که تصور می‌کند مادرش در صدد اقدام علیه امنیت اوست!!!

او برای نیمای سه ساله می‌نویسد: نمی‌دانم آن را که از همه بیشتر دوست دارم، چگونه به تو بگویم؟ چگونه بگویم که برای قاضی یا بازجویم یا دستگاه قضایی دعا کن. دعا کن تا به عدالت قلبی و آرامش روح برسند تا شاید ما نیز در آرامش زندگی کنیم، مثل خیلی از کشورهای دنیا.

وی ادامه می دهد : عزیزم، آنچه در چنین پرونده‌هایی برنده‌ی نهایی است، دفاع قضایی خوب یا بد نیست بلکه معصومیت و مظلومیت انسان‌هایی است که در چرخ دنده چنین آرای عجیب و غریبی لِه می‌شوند. آن معصومیت قطعا برنده‌ی بازی است. برای همین از معصومیت کودکانه‌ات می‌خواهم برای آزادی همه زندانیان بی‌گناه، و نه فقط زندانیان سیاسی دعا کنی.

نسرین ستوده در شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب به اتهامات تبلیغ علیه نظام، اقدام علیه امنیت ملی و عضویت در کانون مدافعان حقوق بشر، به ۱۱ سال حبس تعزیری، ۲۰ سال محرومیت از وکالت و ۲۰ سال ممنوعیت خروج از کشور شده است.

اخبار کوتاه

آمریکا بانک صنعت و معدن ایران را تحریم کرد

وزارت خزانه‌داری آمریکا در ادامه افزایش فشارها بر جمهوری اسلامی، بانک صنعت و معدن را تحریم کرده است.

مقام‌های آمریکایی در بیانیه روز سه‌شنبه خود گفته‌اند که این بانک برای دور زدن تحریم‌ها به دولت ایران کمک می‌کند.

تهدید به دستگیری مادر مهدی محمودیان

در حالیکه مهدی محمودیان همچنان در زندان و اعتصاب غذاست، مادر این روزنامه نگار و افشاگر جنایان بازداشتگاه کَهریزک، از سوی دفتر دادستانی به علت نوشتن نامه‌های اخیرش به دادستان تهدید به دستگیری شده است. مسئولین دفتر دادستانی اعلام داشته‌اند که با حکم دادستانی در حال حرکت به سمت منزل ایشان بوده‌اند که از سر دلسوزی و به خاطر سن و سال ایشان فعلا از این تصمیم منصرف گشته‌اند.

ماه‌ها زندان به خاطر شعارنویسی برای تجمع ۲۵ بهمن

احسان شیرزادی به جرم شعارنویسی برای تجمع ۲۵ بهمن ماه سال ۸۹ از روز ۲۳ بهمن ماه زندانی است.

این زندانی ۲۷ ساله که هنوز بلاتکلیف در بند ۳۵۰ زندان اوین به سر می‌برد به اتهام تبلیغ علیه نظام از طریق شعارنویسی بازداشت شده است.

عیادت آیت‌الله بیات زنجانی از مهندس سحابی

آیت‌الله بیات زنجانی به عیادت مهندس عزت الله سحابی رفت. وی روز گذشته با حضور در یکی از بیمارستان‌های تهران، ضمن عیادت از آقای مهندس سحابی، در جریان رویهٔ درمان ایشان قرار گرفت.

احمد توکلی: افراد دور احمدی‌نژاد یا منحرفند یا متهم به فساد مالی یا هر دو

احمد توکلی رئیس مرکز پژوهش‌های مجلس معتقد است: «شعار» دولت عدالت است اما عدالت را یک عدالت توزیعی مساله‌دار تعریف می‌کند. در حالی که من این تعریف را قبول ندارم. در واگذاری قدرت نیز عدالت مطرح است و فقط نباید عدالت را در توزیع ثروت دید. الان اصلی‌ترین افراد دور احمدی‌نژاد را نگاه کنید، یا منحرفند یا متهم به فساد مالی یا هر دو. این عدالت در توزیع قدرت است؟

ابوالفضل قدیانی، مسن‌ترین زندانی حامی جنبش سبز

ابوالفضل قدیانی، زندانی سیاسی با ۶۵ سال سن مسن‌ترین زندانی حامی جنبش سبز در بند ۳۵۰ زندان اوین محسوب می‌شود. وی از اعضای سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی و رییس کمیته تشکیلات این حزب است. وی از جمله زندانیانی است که در دادگاه نسبت به کودتای انتخاباتی و دروغگویی‌های احمدی‌نژاد اعتراض کرد.

وجود «لجن» در آب شرب بندرعباس

تغییر مجدد رنگ، طعم و بوی آب شرب و وجود لجن در این آب در برخی محلات شهر بندرعباس موجب نگرانی شهروندان بندرعباسی شده به طوری که بیشتر ساکنان این مناطق به مصرف آب معدنی روی آورده‌اند.

بنی الاسلام علی الکلمتین
کلمة التوحید و توحید الکلمة

کلمه

روزنامه کلمه، شمارهٔ شصت و سوم
دوشنبه، ۲ خرداد ۱۳۹۰، شمارگان: ما بیشماریم

دوم خرداد

WWW.KALEME.COM

جنبش سبز می گوید راه حل برگشت به سوی مردم است. راه حل در جلب حمایت مردم است و اینکار جز از طریق به رسمیت شناختن حق مردم برای حاکمیت بر سرنوشت خود ممکن نیست. فصل سوم قانون اساسی را بدون کوچکترین تغییری اجرا کنید. خواهید دید که دوباره دورنمای صبح امید پیدا خواهد شد

میرحسین موسوی- دیدار به مناسبت ۳ خرداد

سرمقاله

جریان انحرافی، اسم رمز فرار از یک انحراف ۲۰ ساله

«دروغ» که به «بار» بنشیند، «انحراف» آغاز می‌شود. «متولیان امر»، از فرط «ناتوانی» در اداره کشور و «حسادت» بی‌اندازه به مدیران طراز اول، در میان عده ای بی کفایت محصور شده‌اند. مدعیان اصول، سالهاست هم پیاله رمالان و جنگیران‌اند و به دام بدمستی آنان گرفتار امده‌اند. «جریان انحرافی»، اسم رمز «این گرفتاری و آن ناتوانی» است.

جریان انحرافی، تازه‌ترین نسخه یک «انحراف ۲۰ ساله» است – و مگر میر حسین از این انحراف ۲۰ ساله نگفته بود؟ –. «قدرت مطلقه» در ۲۰ سال اخیر هر بار که به بحران می‌رسد و فاجعه‌ای می‌آفریند، با قربانی کردن چند نام و عنوان کردن چند واژه، «آلودگی ذاتی‌اش» را مثلاً! تطهیر می‌کند. روزی به نام سعید امامی به نظافت خویش می‌کوشد، باری به نام کهریزک و مرتضوی تجاوزش را پنهان می‌کند و امروز هم به نام رمالی و مشایی، دولت نامحمودش را محدود می‌کند و اصیل‌ترین باورهای مردم را معرکه قدرت می‌سازد تا دین و آئینمان مضحکه خاص و عام شود!

هیچ چیز تازه نیست! قصه میدان داری اجنه بر عرصه مدیریت کشور، «رمز شکستن یک سکوت ۲۰ ساله» است و تکرار حکایت «سگهای گشاده و سنگ‌های بسته» است که «میرمان» گفته بود. دعوای اجنه بر سر انتخابات آتی، «تعبیر خواب بامدادی شیخ» است و رویای قدرت آقازاده هاست و جاری شدن سیل خرافه و «به گل نشستن» کشتی نظام، اثبات ماجرای مشهور «بیل و پیل» است که «هاشمی نوشته بود».

معلوم نیست «مصباح» هدایتشان! چرا در میان خیل سوال‌های بی‌جواب «خاموش» نشسته است و نظریه‌پرداز حکومت اسلامی و تئورسین «فرقه مطلقه» نمی‌گوید که قدرت خدای گونه و مطلقیه چگونه مسحور اجنه شیطان شده است؟

جهلشان مرکب است، که اگر نبود می‌دانستند تکرار سخنان رهبران جنبش، دست کم اقرار به یک اشتباه ۲ ساله است! جهلشان مرکب است که اگر نبود می‌دانستند انکار آمارهای دولت پس از ۶ سال نهایت بی‌هنری است! جهلشان مرکب است که اگر نبود می‌دیدند که چگونه فاسدترین مردمان بر اریکه قدرت‌اند و بهترین فرزندان کشور در زندان محصورند. جهلشان مرکب است که اگر نبود مرز شجاعت و شقاوت را، می‌دیدند و به شجاعت نداشته دولتمردان نمی‌نازیدند و «نزدیکیشان را با آنان جار نمی‌زدند» و «دروغ را از راست» می‌شناختند. راستی که «جهل مرکب، بر بصیرتشان غبطه می‌خورد!»

مدعیان اصول، این بار «نمی‌توانند» فتیله دعوا و اختلاف بر سر قدرت را «پایین» بکشند، بناچار صدایشان را «بلند» کرده‌اند. صدایشان را بلند کرده‌اند که «گوششان سنگین» است؛ که اگر نبود می‌دانستند ماجرای رمالی و کف بینی دولتمردان داستانی است که بر هر سر بازاری هست. شاید هم مستی زدگان قدرت خود را به کری زده بودند که نتوانستند در حساسترین روزهای تاریخ کشور، از حمایت نامحمودشان دست بکشند و همچون مردم پیام میرحسین را لبیک بگویند که می‌گفت «من آمده‌ام، چون روندهای سیاسی، اقتصادی و فرهنگی موجود را نگران کننده یافتم. آمده ام تا کرامت انسان ها را پاس بدارم. آمده ام تا از حق مردم دفاع کنم و حامی گردش آزادانه و شفاف اطلاعات برای مردم، این ولی نعمت دولت ها، باشم».

افسوس! متولیان امر، باز هم به جای آنکه به انحراف در جمهوریت و اسلامیت نظام بپردازند و به قانون اساسی بازگردند و به دامان فرزندان ملت پناه ببرند، به بازیچه‌ای و دروغی به نام جریان انحرافی مشغول‌اند.

تاکید دوباره خاتمی بر شروط پیشین و پیشنهادی در آستانه سالروز ولادت حضرت زهرا :

رفع حصر ها و حبس ها، برگزاری انتخابات آزاد

رئیس جمهوری سابق ایران در آستانه دوم خرداد در دیدار با جمعی از جوانان اصلاح طلب با تبریک زادروز حضرت فاطمه زهرا علیها السلام با تاکید بر شروط پیشین خود اظهار امیدواری کرد که به عنوان گام اول به سوی رفع حصر ها و حبس ها و ایجاد و تأمین آزادی های اساسی و مدنی به میمنت ولادت حضرت زهرا سلام الله علیها شاهد آزادی همه زنان زندانی باشیم که زندگی آنان و بستگان و خانواده هایشان با این وضع تلخ تر از دیگران است.

سید محمد خاتمی در این نشست بر ضرورت حرکت به سوی انتخابات آزاد تاکید کرد و آن را انتخاباتی دانست که به بهانه احراز صلاحیت بخشهای مهمی از جامعه و آنان که به هر حال با سلیقه ای متفاوت هستند و برای بهبود وضع مملکت و در جهت تأمین مصلحت و خواست های ملت دارای نظر، انتقاد و اعتراض هستند از حضور در عرصه منع و محدود نشوند و نیز باید جلوی دخالت نیروها و نهادهایی که شرعا و قانونا در امور سیاسی و بخصوص انتخابات منع شده اند، نظیر نیروهای نظامی و امنیتی جلوگیری به عمل آید.

وی افزود: برگزار کننده انتخابات همانگونه که در قانون آمده است معتمدان واقعی مردم متشکل از همه طیف ها و گرایش ها باشند و نمایندگان نامزدهای مختلف در همه مراحل انتخابات قبل از انجام تا مرحله شمارش و اعلام نتایج انتخابات حضور فعال و مؤثر داشته باشند و امید آنکه چنین شود و طبعاً ایجاد فضای امن و آزاد و گذر از فضای امنیتی به فضای سالم سیاسی و تأمین آزادی های مشروع و در طلیعه آن آزادی زندانیان سیاسی و فضای پرنشاط و پرامیدی را فراهم خواهد آورد که بیشترین بهره آن را خود نظام خواهد برد.

به گفته رئیس دولت هفتم و هشتم، اگر هیچ حرکتی جز بر پایه خواستهای اصیل یک جامعه و تأمین آنها به نتیجه نمی رسد و اگر هدف اصلی مردم در حرکت دو قرنه خود استقرار مردم سالاری سازگار با دین و اخلاق و عدالت بوده است، پافشاری بر امر انتخابات آزاد و سالم و فراگیر را دقیقاً مسؤولیت شرعی، قانونی و انقلابی و ملی خود می دانیم و معتقدیم که هیچ نیرویی با هیچ توجیهی حق ندارد که ملت و بخش های مهمی از آنان را از حقی که خدا و انقلاب به آنان داده است محروم و یا زمینه اعمال آن را محدود کند. و این امر نه به منظور رسیدن به قدرت، بلکه به عنوان یک وظیفه الهی و ملی است که بر آن تأکید می شود.

خاتمی در بخش دیگری از سخنان خود به اصلاحات اشاره کرد و گفت : جنبش اصلاحی جنبش ضد خشونت است که جز به شیوه های مدنی برای رسیدن به خواستهای خود نمی اندیشد، همچنانکه انقلاب اسلامی فارغ از خشونت بود، بلکه در برابر رژیمی صورت گرفت که ابزاری جز خشونت و سرکوب و تحقیر ملت نداشت و اگر احیاناً خشونتی در جریان انقلاب رخ داده است امری عرضی است. رهبر بزرگ انقلاب نیز هیچ گاه حرکت های خشونت گرا و قهرآمیزی که پیش از انقلاب بود روی خوش نشان ندادند و مردم را به خشونت ترغیب نکردند و نتیجه اینکه انقلاب ما انقلاب کلام در برابر سلاح و گل در برابر گلوله بود.

وی یادآوری کرد : اصلاحات را آنگونه که من می فهمم و به آن پای بندم استنباطی است از روح تاریخی ملت ما و جهتی که حرکت این ملت در یکی دو قرن اخیر داشته است و چون در عمق وجدان اکثریت جامعه ما و بخصوص فرهیختگان و نسل جوان و نو جو ریشه دارد و همسو با این پدیده تاریخی است ماندگار است و با حذف اصلاح طلبان هرگز از صحنه خارج نخواهد شد. هر چند که ایستادن در برابر اصلاح طلبان و تلاش برای خارج کردن آنان از صحنه سرنوشت در کوتاه مدت دو اثر منفی را به بار خواهد آورد.

وی درباره این دو اثر منفی گفت: در غیاب اصلاحات و پرهیز از انتخابات آزاد و مطلوب و فراگیر و با محدود کردن اصلاح طلبان واقعی چه بسا که دروغ و ناکارآمدی و هدر رفتن سرمایه های ملی و نادیده انگاشتن حقوق اساسی مردم و بی اعتبار شدن قانون، بخصوص قانون اساسی و مهجور ماندن بخشهایی که به حقوق ملت مربوط است رایج شود و موجب دلسردی و حتی بدبینی بخشهای مهمی از جامعه بخصوص فرهیختگان نسبت به نظام و حاکمیت شود.

خاتمی افزود: دومین اثر منفی موجب نوعی یأس و ناامیدی از کارآمدی اصلاحات گردد و زمینه رشد بینش ها و گرایش هایی را فراهم آورد که راه کار را قهر انقلابی می دانند و گرایش هایی که به تغییر نظام می اندیشند و تجربه نشان داده است که این گرایش ها اگر غلبه پیدا کنند بر نا امنی می افزایند و هزینه های فراوانی را به جامعه تحمیل می کنند

آیت الله العظمی دستغیب: آقایان موسوی و کروبی امروز مظلومانه در حصرند

«هیچ متهمی را پیش از آنکه جرمش ثابت شود، نمی توان حصر یا زندانی کرد.»این گفته آیت الله دستغیب مرجع تقلید و عضو مجلس خبرگان است.

آیت الله العظمی دستغیب در جلسه تفسیر سوره غافر که سایت حدیث سرو آن را منتشر کرد با اشاره به اینکه هیچ متهمی را پیش از آنکه جرمش ثابت شود، نمی توان حصر یا زندانی کرد ادامه داد:« از جمله مسلّمات احکام شرع که مورد اجماع همه فقهاست و از ابتدای غیبت صغری تا کنون احدی در آن خدشه‌ای نکرده این است که هیچ متهمی را پیش از آنکه جرمش ثابت شود، نمی‌توان حصر یا زندانی کرد .حتی اگر جرم کسی ثابت شد و قاضی عادل حکم به اجرای حد یا تغزیر وی کند ، غیر از آنچه حکم شده نمی‌توان درباره‌اش جاری کرد و حتی یک سیلی به او زد یا توهینی به او کرد که اگر کسی چنین کند خود باید قصاص و تعزیر شود. کسانی که در این قبیل احکام مسلّم شرع مجادله می‌کنند و تشخیص خود را بر دستور خدای تعالی حاکم می‌سازند، مشمول همین آیه می‌شوند که «إنْ فی صُدُورِهِمْ إلاّ کِبْر»..

ایشان، نقل قولی از یکی از بزرگان آورد و گفت: «همه فقها و عرفا و زاهدان و راویان حدیث و عالمان بزرگواری که صدها شاگرد تربیت کردند از این دنیا رفتند، علمای امروز نیز خواهند رفت. آنچه می‌ماند احکام شرع است که در کنار حجّت خدا تا روز قیامت در زمین باقی خواهند ماند.»

به گفته این مرجع عالیقدر بر همه ما فرض است که جان خویش و هر آنچه داریم را فدای احکام اسلام کنیم. و اگر علمای عدول در نزد مردم محترمند به خاطر این است که به احکام اسلام عمل کرده، خود را فدای امام معصوم کردند و از درون به او متصل شدند و الا بزرگترین عالمان، منهای احکام اسلام و امام معصوم، هیچ احترامی ندارند و اگر کسی اعتنایشان کند، سطحی و ظاهری است، نه واقعی.».

ایشان از خداوند متعال در خواست آزادی همه زندانیان سیاسی را کرد : «ما ازآقایان موسوی و کروبی خلافی ندیدیم و انسانهای خوبی هستند و امروز مظلومانه در حصر قرار گرفته‌اند. همچنین سایر زندانیان سیاسی که جرمشان ثابت نشده و محاکمه نشده‌اند. پروردگارا ما به هر که توانستیم گفتیم، بیانیه دادیم، نوشتیم اما به جایی نرسید. اکنون مجدداً به تو می‌گوییم و از تو می‌خواهیم. تو قدرت داری خداوندا کاری کن که این عزیزان آزاد شوند .»

اخبار کوتاه

حبس موسوی و کروبی را به صلاح اسلام، امنیت و ثبات نظام نمی دانیم

جمعی از فضلا، روحانیون و مدرسین حوزه علمیه قم در آستانه یکصدمین روزحصر غیر قانونی آقایان کروبی و موسوی و همسرانشان با صدور بیانیه ای تاکید کرده اند: به صلاح اسلام، امنیت و ثبات نظام نمی دانیم. بدیهی است تشدید برخوردهای قهری و امنیتی با معترضان و منتقدان و دامن زدن به فضای التهاب و اتهام و توهین از طریق رسانه ها و فضاهای عمومی کشور، نتیجه ای جز افزایش تندروی ها و تحریک به ساختارشکنی هایی که خواست بد خواهان است، در پی نخواهد داشت.

برداشت غیرقانونی ۵ هزار میلیارد تومان از بانک مرکزی

رئیس کمیسیون ویژه مجلس شورای اسلامی از تخلف دولت در برداشت ۵ هزار میلیارد تومان از منابع داخلی بانک مرکزی برای پرداخت یارانه‌های نقدی خبر داد و گفت: این مبلغ تحت عنوان تنخواه برداشت شده است.

غلامرضا مصباحی‌مقدم در حاشیه جلسه علنی امروز مجلس در جمع خبرنگاران با اعلام این خبر گفت: این اقدام دولت تخلف از قانون است و در گزارش دیوان محاسبات به مجلس به آن اشاره شده است.

ملوانان و لنج‌داران بوشهر: استاندار محترم؛ گشنه‌ایم، گشنه‌ایم

پس از اتمام جلسه شورای اداری استان و زمانی که مدیران استانی قصد خروج از استانداری بوشهر را داشتند با ممانعت برخی از تجمع کنندگان مواجه شدند.این گزارش حاکیست تجمع کنندگان شعار "استاندار محترم؛ گشنه‌ایم، گشنه‌ایم" را سرداده و خواستار رسیدگی استاندار بوشهر شدند.

۱۵۰ استاد شناخته شده علوم انسانی در معرض اخراج و بازنشستگی

حجت الاسلام صدرالدین شریعتی با نزدیک شدن به پایان سال تحصیلی ۱۳۹۰-۱۳۸۹ و آغاز تعطیلی تابستانی دانشگاهها،پرونده نزدیک به ۱۵۰ استاد علوم انسانی که برخی از آنها از استادان برجسته و عالی رتبه در رشته های مدیریت، جامعه شناسی، ارتباطات، اقتصاد، حقوق و علوم سیاسی هستند را برای اخراج یا بازنشستگی اجباری آماده کرده است تا با شروع تعطیلات و در غیبت استادان و دانشجویان کار این دانشگاه را تمام و مقدمات ادغام آن در موسسه آموزشی مصباح یزدی در قم را فراهم کند.

داود سلیمانی به زندان بازگشت

داود سلیمانی، عضو شورای مرکزی جبهه مشارکت، روز شنبه ۳۱ اردیبهشت ماه، با وجودی که هنوز از وضعیت جسمانی مساعدی برخوردار نبود، به زندان بازگشت.مقامات قضایی جمهوری اسلامی، با تمدید مرخصی این فعال سیاسی زندانی موافقت نکرده و وی را به زندان خواسته بودند.

وضعیت نامناسب زندانیان سیاسی زن در بند قرنطینه زندان اوین

۳۲ زندانی سیاسی بند زنان زندان اوین اکنون در محیطی کوچک و نامناسب نگهداری می شوند.

بعد از انتقال هشت زندانی سیاسی دیگر از زندان قرچک ورامین به زندان اوین تعداد زندانیان این بند به ۳۲ تن رسیده است. زندانیان عادی زن هنوز از زندان قرچک ورامین به زندان اوین منتقل نشده اند و تنها این هشت زندانی که جرایم سیاسی داشته اند به اوین آورده شده اند. گفته می شود این ۳۲ نفر در فضای تقریبی چهل تا پنجاه متر نگه داری می شوند و تراکم زیاد نسبت به مساحت بند، زندگی را دشوارتر از قبل کرده است.

کلمه
WWW.KALEME.COM
روزنامهٔ کلمه، شماره شصت و چهارم، چهارشنبه، ۴ خرداد ۱۳۹۰

آنقدر باید مقاومت کنیم و آنقدر باید بایستیم تا تغییر ایجاد شود. در آینده هم اگر ما مقاومت کنیم و مدام مطالباتمان را مطرح کنیم، قدم به قدم به آنها نزدیک خواهیم شد.

میرحسین موسوی
دیدار با فعالان جنبش زنان، ۱۳۸۹

سرمقاله

اگر او الان زنده بود چه می‌کرد؟

آسیه باکری: یک انسان تمامیت‌طلب تصمیم گرفت تا با تمام توان به خاک کشور همسایه حمله کند. زنان و کودکان بی‌گناه را به خاک و خون کشید، یک ظلم آشکار. آنروزها مردانی از جان گذشته نتوانستند این ظلم و این تجاوز را تاب آورند و راهی نبرد شدند. مردانی رها از هرچه منیت با گوشت و پوست و خون خود ایستادند در برابر یک دروغ بزرگ، دروغی که می‌خواست قسمتی از خاک وطنشان را به یغما برد.

و سومی خرداد دیگر روزی باشکوه برای هر ایرانی روزی که خونین شهر به آغوش ایران بازگشت. چه امتحان بزرگی بود جنگ برای یک ملت. امتحانی که تنها کسانی از آن سربلند بیرون آمدند که موقعیت شناس بودند. کسانی که درک کردند و تصمیمی بزرگ گرفتند تصمیمی که سه خرداد در خانه‌هایشان باشند یا در خوزستان. شهدا می‌دانستند که باید در برابر یک ظلم و تجاوز آشکار ایستاد. بعضی‌هاشان انقدر به وظیفه خود آگاهی داشتند که با وجود تنگ‌نظری‌ها و سنگ‌اندازی‌های عده‌ای باز به وظیفه خود عمل کنند.

ابوالحسن السحاق هر چقدر بیشتر برایش مانع تراشی کردند، بیشتر به حقانیت راه‌اش آگاه شد. گفتند منافق است گفتند نباید در جبهه باشد... سه خرداد او اذان آزادسازی خرمشهر را خواند.

حمید و مهدی باکری برادرانی که پشت سرشان حرف زیاد بود. آنها که به جنوب رفتند از ارومیه نامه فرستادند که اینها نباید در جبهه باشند صلاحیت ندارند و برای خرابکاری آمده‌اند... سوم خرداد حمید فرماندهی اولین گردانی را به عهده داشت که وارد خرمشهر شدند و مهدی زخمی از عملیات بیت‌المقدس ۲ در بستر بود. اسم شهدا را در ذهنم ردیف می‌کنم، ابراهیم همت، حمید سلیمی، عباس کریمی، احمد متوسلیان و هزاران هزار شهید و جانباز و ایثارگر که در عملیات آزادسازی خرمشهر شرکت داشتند و نقش‌آفرینان حادثه سوم خرداد بودند.

با خود فکر می‌کنم اگر الان او زنده بود چه می‌کرد؟ شاید عده‌ای خرده بگیرند که نمی‌توانی بگویی اگر کسی که شهید شده اکنون زنده بود چه می‌کرد، شاید نتوانم دقیق بگویم چه می‌کرد... اما نکات بسیاری را از زندگی کوتاه‌اش آموخته‌ام؛ اینکه در مقابل ظلم ساکت نبود، او دروغ نمی‌گفت حتی به شوخی، او مصلحت جمع را فدای منافع‌اش نمی‌کرد، کسی از دهان او حتی یک بار هم توهین نشنید، او از خودش گذشت برای احقاق حقیقتی بزرگ‌تر، وقتی به او تهمت زدند سکوت کرد تا بتواند جلوی دروغی بزرگ‌تر بایستد... شاید نتوانم دقیق بگویم اگر شهدا بودند چه می‌کردند اما می‌دانم که اگر بودند نمی‌توانستند چشم خود را بر ظلم ببندند و به آسانی از کنارش بگذرند، آنها مردانی نبودند که مقابل دروغ و ظلم آشکار سر خم کنند. شاید باید به وصیت امام خمینی بیشتر توجه می‌شد وقتی که گفتند هر مسئولی که سر کار آمد از او بپرسید زمان جنگ کجا بوده و چه می‌کرده... و من امروز سوال می‌کنم سوم خرداد کجا بودید؟ آن روز که مردانی مرد دشمن را از خانه بیرون کردند شما چه می‌کردید؟ زیرا مردانی که آنروز توانستند بفهمند موقعیت چیست و وظیفه‌شان چیست امروز هم می‌توانند درک کنند که حق چیست.

تکذیب دروغ‌پردازی اقتدارگرایان درباره میر محصور جنبش سبز

هیچ تغییری در وضعیت بازداشت خانگی رخ نداده است

در آستانه صدمین روز بازداشت خانگی مهدی کروبی، میرحسین موسوی، زهرا رهنورد و فاطمه کروبی، و در حالی که فعالان سیاسی و حوزوی تلاش‌های تازه‌ای را برای متقاعد کردن حاکمیت به پایان این برخوردهای غیرقانونی آغاز کرده‌اند، رسانه‌های وابسته به امپراطوری دروغ بار دیگر به دروغ‌پردازی و خبرسازی روی آورده‌اند تا چهره این دو رهبر جنبش سبز و همسران همفکر و همراه آنها را تخریب کنند.

جهان نیوز، سایت خبری متعلق به علیرضا زاکانی، نماینده مجلس، وابسته به جریان مدعی نمایندگی انحصاری اخلاق و اسلام و اصول و...، با انتشار خبری پر از بی‌اخلاقی و بی‌ادبی، ادعاهای زشت و واژه‌های ناروایی را علیه موسوی و کروبی و همسران آنها منتشر کرد که مشاهده آن، چیزی جز تأسف و شرمندگی از انحطاط اخلاقی جریان ولایت‌مدار باقی نمی‌گذارد.

دروغ‌پردازی‌ها علیه شیخ و میر با ذکر جزئیات مبهم و موهوم در حالی بار دیگر آغاز شده که نزدیک‌ترین افراد به این همراهان سبز ملت، از وضعیت دقیق آنها بی‌خبرند و «کلمه» لازم می‌داند که تاکید کند مهندس موسوی غیر از معدود مواردی که اخبار آن منتشر شده، هیچ ملاقاتی با خانواده خود نداشته است.

بر اساس اخبار قطعی که در اختیار کلمه قرار گرفته، هیچ تغییری در وضعیت حصر و بازداشت خانگی مهندس موسوی و دکتر رهنورد ایجاد نشده و میرحسین و رهنورد غیر از ملاقاتی که پیش از عید با یکی از دخترانشان و بعد از عید با یکی دیگر از دختران داشته‌اند، هیچ ملاقات دیگری نداشته‌اند و تماس‌های تلفنی آنها نیز در این مدت، بسیار محدود بوده است. همچنین آنها امکان حضور در مراسم چهلمین روز درگذشت میر اسماعیل موسوی را نیز نیافته‌اند.

عجیب است که ۱۰۰ روز از این بازداشت‌های غیرقانونی گذشته و به جای اینکه دستگاه امنیتی و قضایی درباره مستند قانونی و اخلاقی این رفتار توضیح دهد، تریبون‌های سخن‌پراکنی وابسته به خود را جلو می‌اندازد تا با تنظیم خبرهای رسوا، پاسخگو نبودن دستگاه قضایی و متصدیان امر درباره برخورد با این دو چهره ملی را تحت‌الشعاع قرار دهد؛ آن هم در شرایطی که موسوی و رهنورد و شیخ مهدی و فاطمه کروبی هیچ امکانی برای دفاع از خود و تکذیب دروغ‌پردازی‌ها ندارند و در شرایط ایزوله کامل اطلاعاتی و ارتباطی به سر می‌برند.

جهان نیوز، سایت خبری زاکانی دیروز در خبری پر از طعنه و بی‌ادبی و با داستان‌سرایی درباره زندگی خصوصی میرحسین مدعی شده بود آنها دیدارهای منظمی با خانواده دارند. به نظر می‌رسد این دروغ پراکنی‌ها در راستای تاریخ‌سازی جعلی است تا بدنامی این اعمال در کارنامه حاکمان کنونی باقی نماند.

در سالروز آزادی خرمشهر

بیانیه ۱۵ خانواده شهید و ایثارگر زندانی سیاسی

۱۵ تن از خانواده‌های زندانیان سیاسی ایثارگر در سالروز آزادی خرمشهر در بیانیه‌ای گفته‌اند: امروز در سی و سومین سال پیروزی انقلاب اسلامی و با گذشت ۲۳ سال از پایان جنگ تحمیلی، ما در کنار هزاران زن و مرد رنجدیده میهن اسلامی، باز هم چشم به راه عزیزانمان هستیم.

این خانواده‌ها با بیان اینکه به باور ما، زندانیان سیاسی مدافعان حقوق ملت، پاسداران میراث شهیدان، ایثارگران دفاع مقدس و همسنگران امروز آنان هستند تاکید کرده‌اند: قریب به دو سال است که عزیزانمان به جرم ایستادگی در برابر انحراف از آرمان‌های ملی و ارزشهای اسلامی به زندان جور افتاده‌اند. امروز ما این عزیزانمان را در سنگری نو برای دفاع از حقوق مردم و ارزش‌های اصیل انقلاب می‌بینیم.

آنها نوشته‌اند: ما چشم به راه عزیزان دربندمان و سایر زندانیان هستیم؛ آنان که در این شرایط، بار دیگر در دفاع از عزت و کرامت انسان‌ها و دفاع از هویت دمکراتیک، آزادیخواه و عدالتجوی این انقلاب در زندان به سر می‌برند.

این نامه به امضای خانواده‌های زندانیان سیاسی بعد از انتخابات رسیده است: حسن اسدی زیدآبادی / فرزند شهید و برادر رزمنده و جانباز، جواد امام / رزمنده و جانباز، عمادالدین باقی / رزمنده و برادر جانباز، محسن امین‌زاده / جانشین ستاد تبلیغات جنگ، برادر سه رزمنده، محمد داوری / رزمنده و جانباز، عبدالله رمضان‌زاده / رزمنده و جانباز، عیسی سحرخیز / رزمنده و برادر شهید، داود سلیمانی / رزمنده و برادر شهید، پرویز شهپر / رزمنده و جانباز، فیض‌الله عرب‌سرخی / رزمنده و برادر دو شهید، ابوالفضل قدیانی / رزمنده و برادر دو رزمنده، مهدی کریمیان اقبال / رزمنده، محمدرضا مقیسه / رزمنده و جانباز، عبدالله مؤمنی / برادر شهید و برادر دو رزمنده دیگر، محسن میردامادی / مسئول ستاد جنگ دانشگاه‌ها و استاندار خوزستان در دوران جنگ و برادر جانباز

یک سال پس از افتتاح طرح

آبرسانی به خرمشهر دروغ بوده است

یک سال پس از افتتاح طرح آبرسانی خرمشهر و آبادان، امام جمعه خرمشهر ضمن یادآوری وعده‌ها و مانورهای دولتی‌ها و رئیس دولت، خاطرنشان کرد قضیه آبرسانی به این دو شهر دروغ بوده است. اشاره وی به سوم خرداد سال گذشته است که محمود احمدی‌نژاد در سفری به استان خوزستان، فاز یک طرح آبرسانی غدیر را افتتاح کرد، که این طرح به منظور آبرسانی به آبادان و خرمشهر به اجرا رسیده بود. همچنین افتتاح تصفیه‌خانه خرمشهر نیز از دیگر اهداف رییس دولت از این سفر بود.

به گزارش خبرآنلاین، پس از گذشت یک سال از سفر رییس دولت، امام جمعه خرمشهر لب به انتقاد از دولت گشود و خطاب به وی گفت: باید بفهمید همه قضیه آبرسانی به خرمشهر و آبادان که به شما گفتند دروغ بود، دروغ! عیب است برای رئیس جمهوری که این همه به او دروغ بگویند و متوجه نشود.

سیدابوالحسن نوری، سال گذشته نیز از نارسائی‌های موجود در خرمشهر و هدر رفتن اعتبارات دولتی استان شکایت داشت و به همین دلیل به سخنرانی سال گذشته احمدی‌نژاد در روز سوم خرداد در این شهر نرفت.

نوری با اشاره به مصیبت آب در این شهر و شهر همسایه آبادان می‌گوید: چند بار باید این پروژه آب را افتتاح کنید؟ چند میلیارد برایش خرج کنید؟ چقدر باید برای پروژه‌ای که مردم از آن نصیب نبردند پول پرداخت شود؟

وی با حمله شدید به استاندار خوزستان افزود: با این وضعیتی که استانداری و پیمانکارانش برای مردم به وجود آورده‌اند دیگر کسی رغبت آمدن به خرمشهر را ندارد.

وی برای بار دوم در این گفت و گو خطاب به رئیس دولت گفت: این خوش‌باوری‌ها را کنار بگذارید. این همه مرم دارند از اوضاع بد و استاندار و پیمانکارانش می‌نالند، به فکر مردم باشید.

اخبار کوتاه

تهدید ۲۶ زندانی سیاسی

۲۶ زندانی سیاسی به تازگی با نوشتن نامه‌ای خطاب به مقامات قضایی شرایط مراحل بازجویی و بازداشت‌شان را پس از انتخابات ریاست جمهوری سال ۸۸ شرح داده و از وزارت اطلاعات و سپاه پاسداران شکایت کردند. تعدادی از این زندانیان سیاسی اکنون از سوی مقامات دادستانی تهران و سپاه پاسداران تحت فشار قرار گرفته‌اند تا این نامه را تکذیب کنند. آنها از سوی این مقامات تهدید شده‌اند که در صورت عدم تکذیب این نامه دوباره بازجویی خواهند شد و پرونده‌های جدیدی برای‌شان تشکیل می‌شود.

دکتر بهزادیان‌نژاد به زندان بازگردانده شد

دکتر قربان بهزادیان‌نژاد، استاد دانشگاه و رئیس ستاد انتخاباتی میرحسین موسوی امروز به زندان اوین بازگردانده شد. به گزارش خبرنگار کلمه ماموران امنیتی در تماس با بهزادیان‌نژاد وی را به زندان فراخواندند. بهزادیان‌نژاد در جریان وقایع پس از کودتای انتخاباتی بازداشت شده بود و پس از تحمل چند ماه انفرادی و زندان آزاد شده بود. وی به ۵ سال حبس محکوم شده است. این استاد دانشگاه و مشاور میرحسین موسوی از تدریس در دانشگاه محروم شده است.

«به حصر ناجوانمردانه زهرا رهنورد و فاطمه کروبی پایان دهید»

جمعی از زنان اصلاح‌طلب در بیانیه‌ای ضمن شادباش ولادت با سعادت دخت گرامی رسول رحمت، از مسئولین خواسته‌اند به بهانهٔ این مناسبت فرخنده، عیدی و هدیهٔ روز زن را به جامعهٔ اسلامی و شهروندان ایرانی، آزادی همهٔ زندانیان سیاسی اعم از زن و مرد و به ویژه برداشتن حصر غیرقانونی از رهبران جنبش سبز و همسران بزرگوارشان قرار دهند.

غیر واقعی بودن آمار اشتغال‌زایی

عضو کمیسیون اقتصادی مجلس با بیان اینکه دولت با اعلام آمار اشتغال‌زایی در سال گذشته، سر مردم را کلاه می‌گذارد، تأکید کرد: آمارهای اعلام شده در زمینه ایجاد فرصت‌های شغلی در سال ۸۹، غیر واقعی است. فخرالدین حیدری تصریح کرد: دولت، افرادی را که با دریافت ۲ میلیون تومان وام، مجوز کسب گرفتند در آمار ایجاد اشتغال وارد کرده است.

جریمه ۱۷۰ میلیونی برای انصراف از «پایان‌نامه»

«تماشا» به نقل از امیر آقایی بازیگر سینما و تئاتر نوشت وی به علت انصراف از بازی در فیلم «پایان‌نامه»، ۱۷۰ میلیون تومان جریمه شده است. پایان‌نامه فیلمی سیاسی است که به طور یک جانبه مسائل بعد از انتخابات را در قالب داستان مطرح کرده است. امیر آقایی به خبرنگار این روزنامه گفته که تمایل ندارد درباره علت انصراف خود از بازی در این فیلم و فیلم‌های سیاسی صحبت کند، چرا که به خاطر این انصراف ۱۷۰ میلیون تومان جریمه شده است.

بزرگترین پایانه نفتی ایران در خزر در مرز تعطیلی

با گذشت ۴۲۸ روز از تعلیق عملیات سوآپ نفت ایران، بزرگترین پایانه نفتی ایران به دلیل توقف این تجارت در مرز تعطیلی کامل قرار گرفته است. با گذشت نزدیک به ۱۳ سال از آغاز سوآپ نفت کشورهای حاشیه دریای خزر از مسیر ایران به خلیج فارس، با عدم تمدید قرارداد چهار شرکت خارجی، حجم سوآپ نفت خام ایران به صفر رسید.

کلمه
WWW.KALEME.COM
روزنامهٔ کلمه، شماره شصت و پنجم، شنبه، ۷ خرداد ۱۳۹۰

دوستان جان بر کف؛ امروز دلبستگان به آزادی و عدالت و عظمت ایران، نگران سلامت شما هستند و امید آنکه شما با شکستن اعتصاب غذای خود در این روزهای یاد و یادآوری حماسه حسینی، خانواده‌ها و همراهان جنبش سبز را از نگرانی نجات دهید. **میرحسین موسوی**
پیام به زندانیان اعتصاب‌کننده، آذر ۸۹

سرمقاله

پرده‌های دروغی که یک به یک کنار می‌روند

درست است که حال که اندک اندک به دومین سالگرد انتخابات ریاست جمهوری نزدیک می‌شویم، خواسته‌های مردم از اعتراض به نتایج انتخابات بسیار فراتر رفته، چرا که طی این دو سال دانستند که معضلاتی که جامعه ما با آن دست به گریبان است ریشه‌هایی عمیق‌تر از این دارد، اما خبرهای این روزها چنان شگفت‌انگیز است که نمی‌توان به سادگی از کنارشان گذشت. از جمله این که نمایندگان مجلس بالاخره پس از دو سال فهمیدند که دولت نهم با صرف میلیاردها تومان از جیب ملت، در آستانه انتخابات و تحت پوشش سهام عدالت، تلاش کرده رأی حداقل نه میلیون نفر را بخرد. حال معلوم شد که سهام عدالت متعلق به شرکت‌های ورشکسته یا در حال ورشکستگی دولت بوده و سود سهامی در کار نبوده. این یکی از همان چیزهایی است که معترضان به عنوان تقلب و تخلف در انتخابات مطرح کردند و به خاطر آن مورد ضرب و شتم و دستگیری و اتهام اقدام علیه امنیت ملی و زندان های پنج تا شش سال قرار گرفتند. این روزها یک نکته مهم برای عام و خاص روشن شده و آن این که نه تنها عدالت و آزادی و برخورداری از حقوق انسانی در انحصارصاحبان قدرت است، که گفتن حقیقت نیز در انحصار آنان است!

حال با چراغ سبزی که نشان داده شده می‌توان رئیس دولت را دروغگو و رمال و جن‌گیر نامید، می‌توان از فساد مالی نزدیکان و یارانش سخن گفت، می‌توان درباره احتمال تغییر نزدیک به ده میلیون رأی فکر کرد، می‌توان پرده از تبلیغات دروغین برداشت، بدون آنکه به اتهام توهین به رئیس دولت و به حکم قاضی، به تحمل حبس یا ضربات شلاق محکوم شد! و جالب‌تر از همه این که امپراتوری دروغ انتظار دارد مردم خشمگین از این همه ستم آشکار، همه تقصیرها را از چشم یک یا چند نفر از نزدیکان رئیس دولت ببینند و بار دیگر با شور و شوق در انتخابات مهندسی شده دیگری شرکت کنند تا با پخش تصاویر آن، بتوان مردمی بودن حکومت را به رخ جهانیان کشید، و لابد بعد از آن هم مسئولان بلندپایه، برگزاری پرشکوه‌ترین و مردمی‌ترین انتخابات تاریخ ایران و بلکه تاریخ بشریت را به یکدیگر تبریک گویند! ای کاش صاحبان قدرت بجای تلاش‌هایی از این دست، یک مسئله مهم را می فهمیدند و آن این که مردم ایران، دارای شعور هستند و باید به شعور آنها احترام گذاشت. این چیزی است که همه خودکامگان تاریخ خیلی دیر درک می کنند. آنچه در منطقه ما اتفاق افتاده، نشان داده که حکومت هایی که به موقع این واقعیت را فهمیده اند، در فهم راه های تداوم حاکمیت خود موفق تر بوده اند. ای کاش حاکمان بجای تلاش های نافرجام برای برون رفت از بن بستی که به دست خود در آن گرفتار شده اند، به آغوش ملت باز می گشتند. ای کاش شجاعت نوشیدن جام زهر داشتند و در پی آن می دیدند که این مردم صبور و نجیب، عذرخواهی شان را می پذیرند و مصالح بزرگتر ملی و تاریخی کشور را قربانی ارضای حس انتقام جویی خود نخواهند کرد.

حامیان جنبش سبز از فروپاشی ارکان نظام، آشفتگی نظام اقتصادی کشور و بی‌اعتبار شدن دولت در عرصه جهانی استقبال نمی‌کنند، چرا که می‌دانند عواقب آن تنها دامن چند نفر یا گروه را نخواهد گرفت و آثار زیانبار آن، به منافع ملی بلندمدت مردم این سرزمین آسیب های جبران ناپذیر وارد خواهد کرد. این روزها بر همگان آشکار شده که پای بندی به خط مشی مسالمت جویانه و ایفای رسالت آگاهی بخشی که رهبران جنبش سبز همواره بر آن تأکید داشته اند، در همین مدت کوتاه، چه دستاوردهای بزرگی همراه داشته است. ای کاش حاکمان هم از چنین بصیرتی برخوردار بودند و پشت سر خود، زمین سوخته برجای نمی‌گذاشتند.

هاشمی رفسنجانی:

غارت بیت‌المال برای خرید چند رأی دیگر جواب نمی‌دهد

آیت الله هاشمی رفسنجانی که در مراسم بزرگداشت حماسه‌سازان جامعه پزشکی در دوران جنگ تحمیلی سخن می گفت، با اشاره به فداکاری های مردم در دوران جنگ آن ها را ناشی از اعتماد مردم به نظام دانست.

رییس مجمع تشخیص مصلحت نظام با بیان این که فریبکاری ها موقتی است، گفت: «آمار دروغ دادن، ادعای دروغ کردن، پول بیخودی مصرف کردن که مردم می‌فهمند یک بازی است و بیت‌المال را به غارت بردن برای خرید چند رای و امثال این چیزها دیگر در مردم جواب نمی‌دهد. حتی اگر مردم نیاز داشته باشند این پول را می گیرند، ولی لعنت‌شان هم می کنند.»

هاشمی با اشاره به این که اعتماد بخشی از مردم در جامعه خدشه دار شده است اظهار کرد: «اگر بخواهیم امروز یک حرف درستی بزنیم و نصیحتی انجام بدهیم آن است که نظام و به طور کلی همه باید تلاش کنیم که اگر اعتماد بخشی از مردم از بین رفته و به تردید افتاده‌اند اعتماد آن‌ها را برگردانیم و صفای بین دولت و مردم، نظام و مردم و حکومت و مردم را ایجاد کنیم. این کار آسان‌تری است چون مردم آگاه آسان‌تر برمی‌گردند و لجبازی نمی‌کنند بشرط آن‌که واقعیت را ببینند.»

وی اظهار امیدواری کرد که مسئولان بتوانند سرمایه و اعتماد مردمی را حفظ و تقویت کنند. رییس مجمع تشخیص مصلحت نظام در بخش دیگری از اظهاراتش باشاره به تحولات منطقه گفت: «می‌توان منطقه را دید که مردم هوشیار، آگاه، مجاهد و مبارز شده‌اند. مردم یمن ماه‌هاست در خیابان هستند و شهید می‌دهند. در لیبی نیز مردم می‌جنگند و کشته می‌دهند. در سوریه نیز مردم مقاومت می کنند. در بحرین که یک مظلمه‌ای است و هیچ پناهی نیز در این دنیا ندارند. در مقابل مردم در مصر موفق شدند و در جاهای دیگر حرکت آغاز شده و این گونه حرکات ادامه دارد، چون مردم آگاه شده‌اند و حاضر نیستند که استبداد و وابستگی به استعمار را بپذیرند.»

هاشمی با بیان این که مردم با علم وارد شده و تحصیل کرده‌ها نیز مردم را روشن‌تر می کنند، افزود در این بین کانال‌های فراوان رادیو و تلویزیونی و سرعت انتشار اخبار اینترنتی و وب‌ها همه در اختیار مردم است. اگر حادثه‌ای در هر گوشه از دنیا اتفاق افتد همه مردم در همه جای دنیا می‌توانند آن را ببینند و تحلیل کنند. این‌چنین مردم آگاه دیگر زیر بار استبداد و استکبار نمی‌روند و فقط می‌توان با خدمت درست و با صداقت اعتمادشان را به دست آورد.

نامه محمد نوری‌زاد به میرحسین موسوی:

پدرت ماند تا تو را در حصار کسانی ببیند که آنان را پناه داده بود

محمد نوری‌زاد نویسنده و کارگردان که در جریان حوادث پس از انتخابات سال ۸۸ و در پی نامه هایی به رهبری بازداشت شد و ماه ها در انفرادی ها و قرنطینه زندان اوین نگهداری شده بود در نامه ای خطاب به مهندس موسوی که از ۱۰۰ روز پیش همراه با زهرا رهنورد در حبس خانگی است گفت: از همان ابتدا هم معلوم بود که مواضع مته گون تو، و حضور نامحرم تو در خلوت غارتگری آنان، تحمل شدنی نیست.سیدعزیز، مگر چه می گفتی و یا چه می خواستی که از چهار طرف، بر تو و بر اطرافیان تو سنگ بارید‌ند؟ و حضور تو را در کانون قدرت برنتافتند؟ تو می گفتی:با رمالی و کف بینی و هاله ی نور و اوهامی چون مدیریت برجهان نمی شود کشور را اداره کرد.

او با اشاره به گفته‌های میرحسین موسوی و اتفاق‌های ناخوشایندی که کشور را محصور کرده است نوشت: تو می‌گفتی: همه در برابر قانون یکسان‌اند. و روی کلمه «همه»، تاکید می کردی. که یعنی بدون استثنا! و یعنی: قانون، به رهبر و رییس جمهور و همه ی رییس ها از یک طرف ، ویک روستایی از طرف دیگر، به یک چشم می نگرد. درست همان نگرش امام علی. و درست همان نگرشی که در قانون اساسی ما هست و ما از اساس بیرونش کشیده ایم و به قهقرایی دور و نا پیدا پرتابش کرده‌ایم تا کسی سراغش را نگیرد. ما با غرور بر منبرها از امام علی و آن یهودی گمشده در تاریخ یاد می کنیم که به قاضی القضات خود امام علی مراجعه می کنند و امام علی – شکست خورده – از آن محکمه خارج می‌شود. و در این زمان، آنچنان هیبتی از عدالت افراخته‌ایم که: حتی تجسم طرح شکایت یک روستایی بی‌نشان و آسیب دیده، از رهبرمان یا از رییس جمهور، یا از هر رییس صاحب نام، خنده‌دار یا کفرآمیز تلقی می‌شود.

او در بخش دیگری از این نامه سرگشاده نوشت: سید عزیز، زمان، مرگ پدر شریف تو را به تعویق انداخت. او می‌توانست سه سال پیش از دنیا برود. او زنده ماند تا تو را در حصار کسانی ببیند که خود، آنان را درسالهای تلخ و تاریک پهلوی پناه داده بود.

درخواست جوانان اصلاح‌طلب برای پایان اعتصاب غذای زندانیان رجایی‌شهر

جوانان احزاب اصلاح‌طلب با صدور پیامی خواستار پایان اعتصاب غذای زندانیان سیاسی زندان رجایی‌شهر کرج شدند.

زندانیان سیاسی رجایی شهر از ابتدای اردیبهشت ماه اعتصاب غذای متناوب خود را آغاز کرده بودند و از روز دوم خرداد دست به اعتصاب غذای سراسری زدند. مهدی محمودیان، عیسی سحرخیز، رسول بداقی و کیوان صمیمی از جمله زندانیان شرکت کننده در این اعتصاب هستند. آنها مسایلی چون فشار روز افزون بر خانواده‌های زندانیان سیاسی و قطع تلفن‌ها را از دلایل اعتصاب خود عنوان کرده و هدف آن را همبستگی مردم با این اعتصاب ها دانسته اند.

جوانان احزاب اصلاح‌طلب در بخشی از پیام آورده‌اند: ما و شما نیک می‌دانیم مدتهاست انسانیت، اخلاق و دین در بین این جماعت مرده است.

ما از شما می‌خواهیم که بخاطر ایران، به خاطر فرزندان و همسران و خانواده‌هایتان به اعتصاب غذایتان پایان دهید. ما وظیفه خود میدانیم تا واداشتن حاکمیت به برآوردن حداقلی از حقوق انسانی شما پژواک صدای دردمند و زخمی‌تان باشیم و برای رسیدن به مطالبات برحقتان از راهی دیگر، ادامه دهیم.

هیچ تغییری در وضعیت بازداشت خانگی کروبی به وجود نیامده است

فرزند مهدی کروبی، یکی از رهبران جنبش سبز که بیش از ۱۰۰ روز است که در حبس خانگی به سر می برد درباره وضعیت پدرش و همچنین شایعات اخیر گفته که ایشان همچنان در حبس به دور از حقوق اولیه شان می باشند.

به گزارش سایت شخصی مهدی کروبی، این عضو خانواده کروبی تصریح کرد: «در ارتباط با خبر کذب خروج آقای کروبی از زندان خانگی و بدنبال تماس های مکرر بسیاری از دوستان و علاقمندان، به اطلاع همه عزیزان می رساند که ایشان کما فی السابق در حبس و زندان خانگی هستند و تا این لحظه که صد روز از آغاز این حبس خانگی می گذرد، و آقای کروبی تاکنون یک بار هم از منزل خارج نشده اند و در این مدت اجازه استفاده از تلفن در جهت تماس با فرزندان، عروس ها و نوه هایشان را حتی برای یکبار را نیز نیافته اند.»

فرزند مهدی کروبی در پایان افزود: «البته امیدواریم حاکمیت به این روش غیر قانونی خود هر چه زودتر پایان بخشد.»

لازم به توضیح است طی روزهای اخیر به دنبال شایعه پراکنی رسانه‌های معلوم الحال، این شائبه در اذهان بوجود آمده بود که آقای کروبی از حبس خانگی خارج شده است.

افزایش فشار بر زندانیان سیاسی شکایت‌کننده از سپاه و اطلاعات

مقامات امنیتی و قضایی با احضار برخی از زندانیان سیاسی و خانواده‌های آنها که نامه اخیر ۲۶ امضایی را منتشر کردند، آنها را به تبعید و لغو ملاقات حضوری و مرخصی تا پایان دوره محکومیت تهدید کردند.

مقامات قضایی با فشار بر خانواده‌ها از آنها خواسته‌اند تا نامه تکذیبیه از عزیزان زندانی‌شان گرفته و منتشر کنند و گرنه با عواقب سختی مواجه خواهند شد.

زندانی سیاسی در نامه خود نوشته بودند که غالب بازداشت‌ها با اعمال خشونت، توهین و تحقیر همراه بوده است.

این زندانیان همچنین اعلام کرده بودند: «ما امضاکنندگان این شکواییه تحت شکنجه قرار گرفته‌ایم. یکی از متداول‌ترین شکنجه‌ها نگهداری ما در سلول‌های انفرادی بسیار کوچک بوده است. روشی که به اذعان همه مسوولان عالی کشور شکنجه تلقی می‌شود.

شکنجه‌های شدیدتر از جمله فرو کردن سر متهم در توالت، خوراندن کاغذ بازجویی به متهم و مواردی امثال نیز علیه برخی از ما اعمال شده، که برخی از شاکیان و زندانیان در گزارشهای جداگانه جزییات آن را منتشر کرده‌اند.»

کلمه
WWW.KALEME.COM
روزنامهٔ کلمه، شماره شصت و ششم، دوشنبه، ۹ خرداد ۱۳۹۰

تعدد روزنامه نگاران دربند، حقانیت راهی که جنبش سبز برگزیده است را نشان می دهد چرا که بخشی از قشر آگاه، روشن و حق طلب جامعه به دلیل مخالفت با رویش مجدد استبداد در زندان به سر می برند.

میرحسین موسوی
دیدار با روزنامه نگاران

سرمقاله

درس‌های میرحسین برای مدعیان بصیرت

نفس توقف به کار بردن الفاظی "همچون بصیرت" و تقسیم بندی جامعه به " بابصیرت ها" و"بی بصیرت ها" به اندازه کافی گویاست ومشخص می کند که حتی مدعیان عرضه ملاک های بصیرت وبی بصیرتی نیز امروز دریافته اند که معنی واقعی احساس خطر مهندس میرحسین موسوی به عنوان انگیزه شکستن سکوت علی وار۲۰ ساله اش چه بود؟هنگامی که مهندس موسوی در ارزیابی سیاست های خارجی دولت نهم از لفظ "ماجراجویی بین المللی" نام برد به خوبی می دانست که شعار های نسنجیده ونابهنگام هولوکاست ومحو اسرائیل گر چه ظاهری پرخاشگرانه وانقلابی نما دارد اما اثر عملی آن تقویت سیاسی ونظامی اسرائیل در منطقه وایجاد امواج جدیدی از فشار ها بر فلسطینیان است.

آنهایی که خود را صاحب بصیرت می دانند!همان روز ها مکررا از زبان مسئولین درجه اول اسرائیل شنیدند که "پدیده احمدی نژاد وسیاست خارجی" اورا هم چون مائده آسمانی گرامی می داشتند چرا که به ازای هریک از شعار های ضد اسرائیلی احمدی نژاد موجی از پیشرفته ترین سلاح ها و بسته های کمک بلاعوض چند ده میلیارد دلاری نصیب اسرائیل می شد.

وقتی امروزاز زبان تک تک به اصطلاح اصول گرایان سخن از انواع واقسام فساد ها ودزدی ها وتاراج بیت المال به میان می اید وآن را به "جریان انحرافی "نسبت می دهند عقل و انصاف حکم می کند که همه آنهایی که تحت عنوان اصول گرایی از این ظلم ها و خیانت ها با توصیه های احمقانه چشم وگوش بسته واطاعت کورکورانه حمایت کردند دقیقا مشمول همان حکمی هستند که در ماجرای عاشورا و زیارت عاشورا از آن ها با کسانی یاد می شود که در رویا رویی با امام حسین(ع) زین ولگام اسب ها را بستند و کمک کردند که یاغیان وشقی ترین افراد به پاک ترین انسان های زمان حمله کنند.

خوب است مدعیان بصیرت از خود بپرسند که این چه شرافتی است که شورای نگهبان آشکارا مشاهده کند که دارایی های کشور در شرکت های دولتی به قصد عوام فریبی و به قیمت نابودی شرکت های دولتی تحت عنوان سهام عدالت در آستانه انتخابات توزیع شود و بلافاصله پس ازانتخابات با بی شرمی تمام گفته شود که فعلا تا اطلاع بعدی دیگر سود سهام عدالت توزیع نمی شود.

مهندس میر حسین موسوی معتقد بود که حاکمان دروغ گو حاکمان شایسته ای نیستند و کسانی که در چشم مردمشان نگاه می کنند وبی شرمانه دروغ می گویند امانتداران شایسته ای برای ملک و ملت نخواهند بود.

یکی از زشت ترین دروغ ها طی ۵ساله اخیر تظاهر به میراث داری رزمندگان وشهیدان انقلاب اسلامی بود. امروز برای مردم، خرمشهر همان قدر که نماد مقاومت پاسداران انقلاب اسلامی (نه پاسداران قراردادهای همراه با زد و بند) است به همان اندازه نماد غیرت ایرانی و هویت و استقلال مردمی است که برای حفظ قطعه کوچکی از سرزمین خود تا پای جان ایستادند. آیا مدعیان بصیرت شرم نمی کنند وقتی در سالگرد سوم خرداد و فتح خرمشهر امام جمعه این شهر در حضور غاصبان قدرت و دزدان رای مردم اعلام می کنند که آنچه تحت عنوان آبرسانی برای مردم خرمشهر در سال گذشته ادعا شده بود چیزی جز یک دروغ بزرگ نبود؟

مشی اصلاح طلبانه مهندس میرحسین موسوی اقتضا می کند که همراهان جنبش سبزو نهضت به بازگشت ارمان های اصیل و فراموش شده انقلاب ۵۷، همچنان بر شعار حفظ آرامش و حاکمیت قانون وشفافیت اطلاعات پافشاری کنند وبر آنهایی که در میان اصول گرایان صادقانه به حاکمیت قانون اساسی و تمامیت ارضی ایران اعتقاد دارند گوشزد نمایند که هر روز که از حصر همراه با حبس میر حسین موسوی و مهدی کروبی و همسران ایشان می گذرد بار گناهان وطبیعتا بار عقوبتی که برآن ها خواهد رفت افزوده خواهد شد.

روایت زندانیان سیاسی زن از دو سال زندان

زندانیان سیاسی زن محبوس در زندان با انتشار بیانیه‌ای با تشریح وضعیت خود، توجه مقام‌های قضایی را به رفتارهای غیرقانونی صورت گرفته با خود، جلب کرده‌اند.

در بخشی از این بیانیه آمده است: ما شماری از زنان زندانی اعتراض های پس از انتخابات هستیم که همگی با اتهامات واهی و تکراری، به سال‌ها حبس و دوری از خانه محکوم شده‌ایم. امروز در آستانه روزی که در این سرزمین به نام ما" زنان" نام‌گذاری کرده‌اند، لازم دیدیم این نامه را خطاب به شما بنویسیم تا هم از جفایی که بر ما شده است نگاشته باشیم و هم پیام پر مهرمان را همراه این نامه به مادرانمان که دو سال پشت درب‌های زندان صبوری کرده‌اند، برسانیم.

آنها به مشکلات خود در زندان اشاره کرده اند و نوشته اند: متاسفانه، از آنجا که همه چیز در این کشور بر مبنای مرزبندی زنانگی و مردانگی است، آن‌چه در اتاق‌های بازجویی بر شماری از بازداشت‌شدگان زن گذشت، اعمال فشار بر آنان به جهت جنسیتشان بود. این مساله می‌بایست موجب وهن نظام اسلامی باشد که بازجویان مرد، در اتاق‌های بازجویی و در خلوت با زنان زندانی، با پیش کشیدن مسائل جنسی، به تهمت و افترا علیه آنان دست بزنند و با اجبار آنان را مجبور به اعترافات دروغین علیه خود و دیگران، با ذکر جزئیات، کنند. ما البته برای این ادعا به جز خداوند و آن دیوارهای ساکت اتاق‌های بازجویی، شاهدی نداریم. اما همین‌قدر بگوییم که ده‌ها برگه بازجویی که از بازداشت‌شدگان زن در این مدت اخذ گردیده، می‌تواند شاهدی باشد بر این مدعا.

آنها به ضرب و شتم و شکنجه هم اشاره دارند و می نویسند: مطابق قانون اعمال هرگونه شکنجه علیه متهم جهت اخذ اعتراف ممنوع است. با این وجود در بازداشتگاه‌های وزارت اطلاعات و سپاه، اعمال شکنجه از جمله روش‌های معمول برای اخذ اعتراف بوده است. سیلی زدن، تو سری، پرتاب اشیا و یا صندلی به سوی متهم، ضرب و شتم با مشت و . .. از جمله روش‌هایی است که در مورد زنان زندانی پس از انتخابات اجرا شده است و چه مایه تأسف است که هیچ‌کس تاکنون از این موارد سخنی به میان نیاورده است.

آنها ادامه داده اند: بازداشت‌شدگان به مدت طولانی از حق تماس تلفنی و ملاقات با خانواده‌هایشان محروم بوده‌اند. بطوری‌که که بسیاری از خانواده‌ها، تا مدتها از محل نگه‌داری عزیزانشان بی‌اطلاع بودند. مطابق قانون حقوق شهروندی پس از بازداشت متهم، مأموران موظفند بلافاصله خانواده‌اش را در جریان محل بازداشت وی قرار دهند.

به گفته این زندانیان، بازداشت‌شدگان به جز در جلسه دادگاه امکان ملاقات با وکلای خود را بدست نیاورده‌اند. این در حالی است که مطابق قانون از لحظه بازداشت، وکیل حق دارد که موکلش را همراهی کند.

آنها شرحی از بند عمومی داده اند و نوشته اند : بازداشت‌شدگان زن، پس از سپری کردن دوران بازجویی به بند عمومی زندان انتقال یافتند و در این بند به همراه مجرمان با جرایم عادی نگه‌داری شدند.پس از آن در مهرماه ۸۸، زنان سیاسی زندانی به بند متادون منتقل شدند. زندگی زنان در این بند، تا ماه‌ها بدون هرگونه امکانات رفاهی بوده است. نداشتن هواخوری مستمر، عدم اجازه برای استفاده از سالن ورزش و کلاس‌های فرهنگی که برای سایر زندانیان عادی آزاد است، از جمله مصائبی بوده است که زنان در ماه‌های گذشته تحمل کرده‌اند.

آنها به احکام تبعید هم اشاره کرده اند و ادامه داده اند: صدور احکام تبعید برای شماری از زنان و انتقال آنان به زندان رجایی‌شهر از جمله روش‌های غیرقانونی دیگری است که دستگاه قضایی برای اعمال فشار بیشتر بر زندانیان انجام داده است.

این زندانیان می گویند: هم‌اکنون ۳۲ زن سیاسی زندانی در سالن کوچک قرنطینه (متادون زندان) اوین زندگی می‌کنند. به گفته مسئولان سازمان زندان‌ها این اسکان به صورت موقتی است و تمامی زنان زندانی در آینده نزدیک به زندان ورامین انتقال می‌یابند. با وجود اخبار انتشار یافته در خصوص وضعیت زندان ورامین، هم‌اکنون این نگرانی برای ما و خانواده‌هایمان وجود دارد که در صورت انتقال به این زندان، سرنوشت زنان چه خواهد شد.

آنها اظهار امیدواری کردند که هر چه زودتر بصیرت بر دستگاه قضایی حاکم شود و علاوه بر آزادی زندانیان سیاسی شاهد محاکمه عامران و عاملان سرکوب و آزار مردم در جریان اعتراضات پس از انتخابات باشیم.

تقاضای خاتمی از اعتصاب‌کنندگان رجایی‌شهر برای پایان اعتصاب غذا

سید محمد خاتمی در تماسی با مادر مهدی محمودیان، از وی تقاضا کرد از اعتصاب کنندگان در زندان رجایی خواسته شود که اعتصاب غذای خود را بشکنند.

رییس جمهور سابق کشورمان در این تماس تلفنی گفت: شنیده ام آقای محمودیان و عده ای دیگر در زندان رجایی شهر کرج اعتصاب غذا کرده اند. وی تاکید کرد: مهمترین اصل، امروز، سلامتی این عزیزان است، من از شما تقاضا می کنم که از آنان بخواهید هر چه سریع تر اعتصاب غذای خود را بشکنند.

وی ضمن ابراز امیدواری برای آزادی هر چه زود تر زندانیان خاطر نشان کرد: همچنین امیدوارم مسوولان زیربط با رسیدگی و اجابت خواسته های به حق این عزیزان چنان عمل کنند که دیگر زمینه ی چنین اقدام هایی منتفی شود.

لازم به ذکر است که جمعی از زندانیان سیاسی زندان رجایی شهر (گوهردشت)، بعد از اعتصاب غذاهای متناوب هفته‌های گذشته، طبق قراری که از قبل مشخص کرده بودند، از روز یکشنبه اول خرداد، در اعتراض به وضعیت نامناسب زندان ها و بد رفتاری ماموران زندان، اعتصاب خود را تا رسیدن به اهداف خود آغاز کردند.

با گذشت یک هفته از اعتصاب غذا، گزارش ها از وضعیت نامساعد جسمانی تعدادی از آنان خبر می دهند و خاطرنشان می کنند که نگرانی ها نسبت به وضعیت آنان بالا گرفته است.

اخبار کوتاه

سیزدهم خرداد روز مبارزه با دروغگویی

به پیشنهاد شماری از فعالان سبز سیزدهم خرداد روز مبارزه با دروغگویی نامگذاری شد.

سیزدهم خرداد یک هزار و سیصد و هشتاد هشت، روزی است که در حافظه تاریخی تاریخی مردم ایران ثبت شده است. در آن روز میرحسین موسوی نامزد سبز انتخابات ریاست جمهوری در مقابل رئیس دولت کودتا به مناظره نشست و احمدی نژاد برای آن که بتواند به گمان خود از آن رودر روبی پیروز بیرون بیاید، هر آن چه دروغ می توانست، در مقابل میر سبز و چشم های حیرت زده میلیون ها ایرانی گفت.

ادامه بی خبری از دکتر علیرضا رجایی

بیش از یک ماه از بازداشت دکتر علیرضا رجایی، فعال ملی ـ مذهبی می‌گذرد و هنوز اتهامات وی مشخص نیست.

دکتر رجایی، عضو هیات مدیره انجمن صنفی روزنامه‌نگاران که از پنجم اردیبهشت ماه گذشته بازداشت شده، همچنان در سلول‌های انفرادی اوین (بند دو-الف) در حبس است.

نودمیلیون دلارجریمه مبارک برای قطع اینترنت و موبایل

دادگاهی در مصر حسنی مبارک، رئیس جمهوری سابق این کشور و دو نفر از مسوولان حکومت پیشین را به پرداخت ۹۰ میلیون دلار جریمه به خاطر قطع ارتباطات تلفن همراه و موبایل در جریان تظاهرات ضد دولتی در ماه ژانویه جریمه کرده است

حذف دختران در برخی رشته های دانشگاهی!

سازمان سنجش با همکاری وزارت علوم اقدام به حذف پذیرش دختران در برخی از رشته ها از واحد های پذیرش دانشگاه های کشور کرده است.طرح تفکیک جنسیتی از زمان دولت نهم و دهم مطرح است و وزیر علوم از اجرای آن هم خبر داده بود.

حسین زمان:کارهایم ممنوع الپخش است

حسین زمان که مدتهاست نتوانسته علی رغم تلاشی که داشته آلبومی را در بازار موسیقی ایران عرضه کند، گفت:به دلیل اینکه شرایط کاری برای من در داخل بسیار دشوار است و امکان برگزاری کنسرت ندارم و کارهایم نیز ممنوع الپخش است بنابراین برای اینکه بتوانم صدایم را به گوش مخاطبینم برسانم راهی ندارم جز اینکه کارهای جدیدم را در خارج از ایران و یا از طریق اینترنت منتشر کنم ندارم.

نامه ۱۱ نماینده برای جلوگیری از ادامه تخلفات احمدی‌نژاد

عضو کمیسیون انرژی مجلس با بیان این که بر اساس نظر مستدل و قاطع شورای نگهبان حضور احمدی نژاد در وزارت نفت به عنوان سرپرست این وزارتخانه کاملا غیرقانونی است، گفت: یازده نفر از اعضای کمیسیون‌های مختلف مجلس در نامه‌ای به رئیس مجلس، خواستار جلوگیری از ادامه قانون‌گریزی‌های رئیس‌جمهوری شده‌اند.

«سعی کنیم همه انقلاب را صادر نکنیم برای خودمان هم بگذاریم»

آیت الله امجد در آخرین سخنرانی خود گفت: ما نباید بدخواه کسی باشیم و الا حسینی نیستیم و همه را هم باید ببخشیم خصوصاً امروزه که گناه و تهمت فراوان است.

وی افزود:سعی کنیم همه انقلاب را صادر نکنیم برای خودمان هم بگذاریم.

کلمه
WWW.KALEME.COM
روزنامهٔ کلمه، شماره شصت و هفتم، چهارشنبه، ۱۱ خرداد ۱۳۹۰، صفحه یک

سوال مهم این است که چرا امروز که صبح تا شب از همه جا صدای مناجات، دعا و مداحی بلند است و همه شبکه های تلویزیون تمام وقت تبلیغات دینی و مذهبی پخش می کند، در جامعه احساس امنیت وجود ندارد؟ دلیلش خیلی روشن است :ایمان وجود دارد ولی با لباس ظلم و جور پوشانده شده است.

میرحسین موسوی، دیدار با رزمندگان دفاع مقدس

یادداشت

مهندس سحابی؛ سرمایهٔ کمیاب انسانی در سیاست

عباس عبدی*: اگر افراد را از حیث نگاه تحلیلی آنان به مهم‌ترین عامل تغییر اجتماعی به دو گروه تقسیم کنیم، یک گروه کسانی هستند که نقش فرد و رهبران سیاسی و انگیزه‌های خیرخواهانه آنان را در تحول جامعه از نقطه نامطلوب به نقطه مطلوب مهمتر از سایر عوامل می‌دانند. گروه مقابل کارآیی این نقش را در مقایسه با تحولات ساختاری فرعی در درجه دوم اهمیت می‌دانند. در این صورت نگاه تحلیلی من به گروه دوم نزدیکتر است. به ویژه در کشورهایی که ساختارهای اقتصادی و سیاسی و اجتماعی در وضعیت ناکارکردی و مخرب روند توسعه قرار دارند. ولی کاهش دادن اهمیت فرد به منزله نادیده گرفتن آن نیست، و اگر از زاویه دیگری به موضوع بپردازیم مجدداً به اهمیت فرد در حوزه سیاست و رهبری جامعه به سمت توسعه پی خواهیم برد. من به صورت تیتروار سه عنصر اصلی چنین اهمیتی را می گویم.

ـ شناخت درست جامعه و اولویت‌های آن و توجه به ناکارکردی‌های ساختاری آن.

ـ فعالیت تشکیلاتی و آمادگی برای مشارکت جمعی که رکن مهم کنش سیاسی است.

ـ التزام به ارزش‌های انسانی و اخلاقی و پرهیز از نان به نرخ روز خوردن.

با این مقدمه می‌توانم مدعی شوم که آقای مهندس عزت‌الله سحابی از هر سه جهت، چهره سیاسی شاخص و قابل احترام در تاریخ نیم قرن اخیر ایران است. جناب سحابی برخلاف بسیاری از چهره‌های سیاسی، نگرشی واقعی از ساختار نفتی اقتصاد ایران دارد. ایشان به دلیل مطالعات تاریخی و اقتصادی و نیز به دلیل فعالیت و مسئولیت در سازمان برنامه و بودجه و نیز خصوصیات اخلاقی که پذیرای نگرش‌ها و تحلیل‌های دیگران است، توانسته است نگرش و تحلیلی منطقی از معضلات ساختاری جامعه ایران به دست آورد.

فعالیت تشکیلاتی و تأکید بر کنش جمعی سیاسی، یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های مهندس سحابی بود. برای مهندس سحابی این امکان فراهم بود که با توجه به سوابق خودش نوعی برج عاج‌نشینی را پیشه کند و به مریدپروری بپردازد تا بنا به شرایط با استفاده از شیوه‌های توده‌ای و عوامانه او را به میدان بیاورند و او نیز خود را فراتر از احزاب و گروه‌ها قرار دهد. ولی مهندس سحابی چه از خلال فعالیت تشکیلاتی پیش از انقلاب و چه در نشریه ایران فردا، کوشید که نوعی کنش جمعی را در سیاست شکل دهد که جامعه ما هنوز هم از ثمرات آن بهره‌مند است.

اما آنچه که در مورد مهندس سحابی برجسته‌تر از دو مورد قبلی است، التزام ایشان به ارزش‌های انسانی و اخلاقی و جوانمردی در سیاست است که به معنای واقعی کلمه ایشان را در سرزمین سیاسی ایران برجسته می‌کند. از خود گذشتگی و پرهیز از اولویت دادن به منافع شخصی، سلامت اخلاقی و مالی، تعهد به فعالیت‌های خیرخواهانه، افتادگی و خضوع، پرهیز از نان به نرخ روز خوردن و پرهیز از افراط و تفریط و نیز دارا بودن صداقت و... مهندس سحابی به معنای دقیق کلمه از عناصر اصلی سرمایه انسانی و البته کمیاب در حوزه سیاسی ایران است، و چنین سرمایه‌ای مستهلک نخواهد شد و کنشگران حال و آینده این کشور می‌توانند از این سرمایه سیاسی بهره‌برداری کنند. من تردیدی ندارم که در آینده نه چندان دور شاهد باروری بیشتر از زمینی خواهیم بود که بذرهای سیاسی آن را جناب مهندس عزت‌الله سحابی کاشته‌اند.

** این یادداشت پیش از درگذشت مهندس سحابی و در دوران بیماری ایشان نگاشته شده و در نشریه صبح آزادی، شماره اردیبهشت ۹۰ به چاپ رسیده است.*

محمد نوری‌زاد: ای کاش بساط این ظلم خانمان‌برانداز را برچینند

محمد نوری زاد، جهادگر و مستند ساز یادداشت جدیدی از جوار مرقد امام رضا نگاشته است. او از زندانی های جوانی گفته که ماهیاست حتی فرصت دیدار کوتاهی با خانواده به آنان داده نشده است و از راز و نیازی که به درگاه امام رضا برده است برای کسانی که اسیر نفرتها شده اند.

وی در مقدمه نوشته خود به یکی از روزهایی که در زندان گذراند اشاره کرد و نوشت : یک روز در زندان، کف دست به دیوار سلول تنهایی خود خواباندم و سربه سمت سقف سلول بالا بردم و ملتمسانه از امام رضا(ع) خواستم تا بین ما و خدا وساطت کند و دربیرون رفت از مخمصه ای که کشورمان بدان دچار شده، مارا یاری فرماید. از او خواستم تا در اولین فرصت ممکن مرا به پای بوس خود توفیق دهد.

او در حضور خود در بارگاه امام رضا خبر می دهد و ادامه می دهد: در این زیارت از امام رضا " تشکر" کردم .بخاطر شایستگی هایش . بخاطربزرگی اش در علم وحلم و سیاست و تربیت فرزند و فضائل دیگری که در او فراوان هست و ما کمتر از آنها سراغ می گیریم و از میان آنهمه ستیغ کمالات ، گاه تنها به سروقت ضامن آهویی او می رویم .

نوری زاد اینگو زیارت خود را شرح می دهد :گریه های من در آن شب شوق انگیز از همین خصلت ضمانت گری حضرت گرما می گرفت . بخود گفتم: چه می شد اگر رهبرگرامی ما نیز که در ارادت ایشان به حضرت رضا هرچه بگوییم کم گفته ایم ، این مردم غم زده را و مادران گیسو پریشان و پدران چشم به راه را و همسران جدا مانده را و شیون فرزندان بی پدر را بقدر آن حیوان زبان بسته ارزش قائل می شدند و خود به ضمانت شان همت می کردند و بساط این همه ظلم خانمان برانداز را بر می چیدند.

او می نویسد: اگر رهبرگرامی ما نیز که در ارادت ایشان به حضرت رضا هرچه بگوییم کم گفته ایم ، این مردم غم زده را و مادران گیسو پریشان و پدران چشم به راه را و همسران جدا مانده را و شیون فرزندان بی پدر را بقدر آن حیوان زبان بسته ارزش قائل می شدند و خود به ضمانت شان همت می کردند و بساط این همه ظلم خانمان برانداز را بر می چیدند .

بخش دیگر نوشته نوری زاد به جوانی در زندان اشاره می کند :والله من در زندان به یک جوان بی گناه تازه دامادمشهدی برخوردم که اکنون یک سال ونیم در زندان اوین است و در این مدت یک روز هم به مرخصی نرفته و یک ساعت هم با همسر جوانش نبوده است . نفرت ما از رقیب نباید ما را به ورطه ی لجبازی های کودکانه در اندازد . آخر چرا نباید یک مرد زندانی یک پدرو یک فرزند زندانی هر از چندی به مرخصی بروند و با بستگان خود دیداری تازه کنند و دو روز بعد باز به همان جهنم نفرت ما باز گردند؟

او در انتهای این یادداشت می نویسد :ما از رهبر محترممان می خواهیم از میان آن همه کمالات حضرت رضا، به همین خوی ضمانت گری ایشان تاسی بجویند و خود ضمانت این همه انسان – ونه حیوان- دربند را بپذیرند و در فرمانی باشکوه که قطعا رضایت خدا و حضرت رضا در آن است، به رهایی آنان که بی دلیل به بند نفرت ما گرفتار آمده اند، دستورفرمایند. که اگر به این کار خداپسندانه دست برند، ما دست به سینه می نهیم و رو به رهبرمان سپاس می گوییم و می گوییم : سلام ای ضامن انسان !

محمدرضا تابش: اگر دست‌بند به دست خانم ستوده نمی‌بستند نظام با چه تهدیدی روبرو می‌شد؟

محمدرضا تابش دبیر کل فراکسیون خط امام مجلس شورای اسلامی ازشیوه برخورد با خانم نسرین ستوده وکیل دادگستری در دادگاه انتظامی قضات که با دستبند در این دادگاه حاضر شده بود شدیدا ابراز تاسف کرد.

وی گفت: تصاویرمتاثرکننده و منعکس شده در رسانه ها از چگونگی محاکمه خانم نسرین ستوده در دادگاه انتظامی وکلا در حالیکه دستبند به دست دارد قلب هر انسان منصف و دلبسته به انقلاب اسلامی و سربلندی ایرن را جریحه دار کرد.

نماینده اردکان در مجلس شورای اسلامی ازمسولان امر پرسید:چرا برخی دوستان نادان عملکردشان باید به نحوی باشد که اسباب وهن و تصعیف نظام را فراهم سازد.

تابش افزود: اگر دست بند به دست خانم ستوده ضعیف الجثه که در زندان نیز با کاهش شدید وزن مواجه بوده نمی بستند نظام با چه تهدید و خطر غیر قابل جبرانی روبرو می شد!

نماینده مجلس شورای اسلامی گفت : این که یک بانوی تحصیل کرده حقوقدان و یک مادر دور از فرزندان خردسالش را ولو مجرم، با این وضعیت به دادگاه منتقل کنیم با رحمانیت دین و عطوفت نظامی که برخاسته از آمال و ارزوهای ملت بود، سازگار است؟

تابش با اشاره به بازتاب این موضوع در سطح مجلس شورای اسلامی افزود:علاوه بر نمایندگان اصلاح طلب مجلس ،بسیاری از نمایندگان طیف اصولگرا نیز از این بابت ابراز تاسف کردند و ما امیدواریم رییس دستگاه قضا به جد این موضوع را بررسی و جلوی این گونه اقدامات که از طراحی بسیاری از پروژه های براندازی نرم مخرب تر است ، بگیرد.

مجمع روحانیون مبارز: زندانیان سیاسی را آزاد و از آقایان موسوی و کروبی رفع حصر کنید

مجمع روحانیون مبارز با اعلام حمایت و پشتیبانی از مواضع مدبرانه ، دلسوزانه و راهگشای سید محمد خاتمی برای تلطیف فضای سیاسی کشور تاکید کرد: آزادی زندانیان و به خصوص رفع حصر ازآقایان موسوی و کروبی یاران خدمتگذار امام،نظام و ملت گامی بزرگ در جهت ایجاد فضای سیاسی ای خواهد بود که کشور و ملت در این لحظه حساس به آن نیاز بیش از پیش دارد. شورای مرکزی مجمع عصر یکشنبه به ریاست سیدمحمد خاتمی تشکیل جلسه داد.

مجمع روحانیون تصریح کرد: انتظار می رود که به مناسبت سالروز رحلت امام و یاد آن عزیز شاهد تلطیف فضای جامعه و گذر به وضعیت سیاسی سالم و امن که همگان بتوانند در چارچوب قانون اساسی حضور فعال داشته باشند ،باشیم.

بخش دیگری از تاکید شورای مرکزی این تشکل قدرتمند روحانیون به آزادی زندانیان حوادث پس از انتخابات اشاره دارد . در این خصوص تاکید شده است:نگاه به آینده ، آزادی زندانیان و به خصوص رفع حصرازآقایان موسوی و کروبی یاران خدمتگذار امام،نظام و ملت گامی بزرگ در جهت ایجاد فضای سیاسی ای خواهد بود که کشور و ملت در این لحظه حساس به آن نیاز بیش از پیش دارد.

مجمع روحانیون همچنین ضمن اعلام حمایت و پشتیبانی از مواضع و پیشنهادات مدبرانه ، دلسوزانه و راهگشای اخیر سیدمحمد خاتمی ،تاکید کرد که این پیشنهادات را راهکاری مناسب برای تلطیف فضای سیاسی و همکاری عمومی در جهت پیشرفت و سعادت کشور و مردم و پویایی انقلاب اسلامی می داند.

اخبار کوتاه

جو امنیتی در اطراف منزل مرحوم سحابی

در پی درگذشت مهندس عزت‌الله سحابی و علی‌رغم پذیرش منویات نیروهای امنیتی برای چگونگی برگزاری مراسم تشییع از سوی خانواده آن مرحوم، رفتارهای تند نیروهای امنیتی و انتظامی در محدوده منزل ایشان با دوستان و نزدیکان این خانواده گزارش می‌شود.

مراسم تشییع جنازه مرحوم مهندس عزت‌الله سحابی امروز از مقابل منزل آن مرحوم برگزار شد.

درخواست جبهه مشارکت: به اعتصاب غذای خود پایان دهید

جبهه مشارکت اسلامی با صدور بیانیه ای با درخواست از زندانیان سیاسی برای پایان دادن به اعتصاب غذای خود آورده است: اعتصاب غذای زندانیان سیاسی زندان رجایی شهر موجی از نگرانی را در نزد خانواده ها و همه نخبگان کشور ایجاد کرده است ولی از سوی مسئولان قضایی مورد توجه قرار نگرفته و چون همیشه هیچ گوش شنوایی در اجابت خواسته های قانونی و حداقلی آنها وجود ندارد.

درخواست متقاضیان از وزیر: خانه‌های بادکرده را به ما بدهید

در پی سخنان اخیر وزیر مسکن، اعضای بیش از ۱۰ تعاونی مسکن مهر چند استان با ارسال نامه‌ای به یکی از رسانه‌ها، از وزیر مسکن خواسته‌اند خانه‌های ساخته شده که روی دست این وزارتخانه مانده است را به آنها تحویل دهند چرا که ماه هاست منتظر تکمیل خانه های خود هستند. وزیر مسکن چند روز قبل اعلام کرده بود به قدری خانه ساخته شده است که تعداد زیادی از آنها روی دستشان مانده است.

پیرترین رفتگر تهران به علت گرسنگی در بستر بیماری افتاد

در حالیکه محمود احمدی نژاد دو هفته پیش در گفت‌وگوی ویژه خبری شبکه دوم سیما اعلام کرد تنها کشور در کره زمین هستیم که هیچ خانواده‌ای در آن گرسنه نیست اما پیرترین رفتگر تهران به علت گرسنگی در بستر بیماری افتاد.

کارگران قند اهواز ۷ ماه حقوق معوقه دارند

دبیر اجرایی خانه کارگر استان خوزستان از حقوق معوقه ۷ ماهه کارگران قند اهواز خبر داد. آقایار حسینی افزود: این کارخانه در حال حاضر تعطیل است و ۲۰۰ کارگر آن بلاتکلیف هستند. وی گفت: بیشتر کارخانه‌های بحران‌زده یا مشکل مدیریتی دارند و با این که مشکل فروش دارند.

موافقت شفاهی دولت با افزایش قیمت محصولات لبنی

رییس هیات مدیره اتحادیه لبنی ایران با اشاره به این‌که وضعیت یارانه شیر هم‌اکنون در نهاد ریاست جمهوری و کارگروه تحول اقتصادی در حال بررسی است، گفت: سازمان حمایت تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان موافقت ضمنی خود را برای افزایش ۱۰ درصدی قیمت محصولات لبنی اعلام کرده و کارخانه‌ها منتظر ابلاغ مکتوب این مصوبه هستند.

حداقل دو کشته بر اثر آتش‌سوزی در بزرگترین مجتمع پتروشیمی ایران

بر اثر آتش‌سوزی در یکی از واحدهای فرآیندی در مجتمع پتروشیمی بندر امام، دست‌کم دو نفر کشته شدند.

بر اساس گزارش رسیده، این حادثه در یکی از واحدها در حین انجام تعمیرات دوره ای به وقوع پیوسته است.

ویژه‌نامهٔ درگذشت مهندس عزت‌الله سحابی

کلمه

WWW.KALEME.COM

روزنامهٔ کلمه، شماره شصت و هفتم، چهارشنبه، ۱۱ خرداد ۱۳۹۰، صفحه دو

زندگی مردم سخت شده است. خدا می‌داند که من چقدر برای ایران نگرانم! من دارم می‌میرم و کاری برای ایران نکردم.»

مهندس سحابی
در آخرین لحظات

یادداشت

درد دختران و پسرانم را به کجا برم؟

عزت‌الله سحابی*: تحمل حوادث و دردهایی که در این نه ماهه بر این سرزمین و فرزندانش رفته است برای من در این سنین آخر عمر بسی سخت و ناگوار بوده است. از توان ملی این کشور که به سان قالبی یخ در دست دولتی بی کفایت به سرعت در حال ذوب شدن است تا آنچه در خیابانها و زندانها بر فرزندان حق‌گو و حق‌طلب این آب و خاک گذشته است. اما در روزهای اخیر شنیده‌هایم غم جانکاه دیگری بر این تن رنجور ریخته است که نمی‌دانم شکایت این درد را به کجا ببرم و چه کاری از دستم ساخته است.

برای بنده که فضای بازجویی و زندان در حاکمیت قبل و بعد از انقلاب را تجربه کرده‌ام، انقلابی که به سهم خود نقش ناچیزی در آن داشته‌ام؛ بسیار غمبار است که اذعان کنم برخوردهای غیراخلاقی با زندانیان و تهدید جان و سلامت آنان با تبعید کردن‌شان میان برخی متهمان به قتل و آدم‌کشی و زیر اعدام و یا اعمال فشار و فحاشی به زنان و آوردن فشار بر برخی از آنان برای اعترافات شرم‌آور و نظایر آن در رژیم قبل نیز کم‌سابقه یا بی‌سابقه بوده است.

من نمی‌دانم بر حاکمان ما چه رفته است که برای حفظ قدرت دو روزه دنیایی این طور قید هرگونه اخلاق و مذهب را زده‌اند و از هر روش وابزاری برای ادامه قدرت خود استفاده می‌کنند.

من به عنوان یک فرد مذهبی که اخلاق را ستون فقرات و هدف اصلی مذهب می‌دانم و پیامبرمان هم برای تعالی اخلاق مبعوث شده است (انی بعثت لاتمم مکارم الاخلاق) شرم‌ام می‌آید در زمانه‌ای زندگی می‌کنم که به نام خدا و دین، دختران و پسران و زنان و مردان این جامعه را به جرم حق‌گویی و حق‌خواهی زیر شدیدترین فشارهای جسمی و روحی می‌گیرند، وقیحانه‌ترین کلمات را برای بانوان به کار می‌برند و اعترافات دروغ از آنها می‌خواهند.

واأسفا «دروغ» که در فرهنگ ملی و مذهبی ما بزرگ‌ترین گناه است، امروزه به سنت غالب زمانه تبدیل شده، دولت‌مردان با لاف و گزاف به راحتی به مردم دروغ می‌گویند و خیالات واهی داخلی و بین‌المللی‌شان را صبح و شب با تکرار و تکرار می‌خواهند به خورد مردم فهیم این مملکت بدهند. اما متأسفانه هم‌چنان در زندان‌ها می‌خواهند زندانیان زن و مرد را به دروغ‌گویی وادارند والا یا تبعید می‌شوند و یا زیر فشارهای مضاعف می‌روند. خدایا این دردها را باید به چه کسی گفت و پیش چه کسی برد؟

امیدوارم اگر گوش شنوا و ترس از خدا و آخرت در بین هر یک از مسئولان سیاسی و قضایی هنوز وجود داشته باشد، ناله بنده را بشنوند. خدایا تو شاهدی وعده‌ای که انقلاب به ملت ما می‌داد حکومت عدل علی‌وار بود، حکومتی که سخت‌گیری عدالتش نزدیک‌ترین افراد به علی را هم در برمی‌گرفت و رحم و مروت‌اش دورترین و دشمن‌ترین افراد نسبت به او را.

در حالی که آنچه حاکمیت ما به نام دین علی انجام می‌دهد آسان‌گیری و گذشت از هر فساد و تباهی سیاسی و اقتصادی و قتل و غارتی است که بعضی از خودی‌ها در بانک و شرکت و بازار و یا کوی دانشگاه و زندان اوین و کهریزک انجام می‌دهند و سخت‌گیری و فشار، آن هم با به کارگیری انواع فشارها علیه زنان و مردان دست‌بسته و چشم‌بسته و بی‌گناهی است که اهداف و آمال و وعده‌های همان انقلاب را مطالبه می‌کنند. ای خدای بزرگ، ای تغییر دهنده قلب‌ها و فکرها، یا حال و روز ما را دگرگون کن یا مرگ مرا برسان.

ربنا اخرجنا من هذه القریه الظالم اهلها واجعل لنا من لدنک ولیا واجعل لنا من لدنک نصیرا (نساء، ۷۵)

** این یادداشت در تاریخ ۲۱ فروردین ۱۳۸۹ نوشته شده که به مناسبت درگذشت مهندس سحابی بخش‌هایی از آن باز نشر می‌شود.*

محمد رهبر: چند ماهی مانده به دوم خرداد سال ۷۶، عزت الله سحابی اعلام کرد که نامزد ریاست جمهوری است؛ سن و سال سحابی آن روزها هنوز ازشصت و پنج گذر نکرده بود و می توانست رییس جمهور ایران باشد.

سحابی آمد و میان پنجاه، شصت نفری که حاضر بودند، از ایران گفت و اینکه چه کارها باید کرد تا آباد شود و از پیشینه و سابقه اش کمتر گفت. درهمان جلسه هم از محمد خاتمی که آن روزها زمزمه آمدنش بود حمایت کرد.

به هر حال شورای نگهبان، عزت الله سحابی را فاقد صلاحیت دانست و ردش کرد، اما برخی دوستان و آشنایان هم معتقد بودند که عزت الله سحابی چندان به کار سیاستمداری نمی آید و دلیل بزرگش، صداقت بی حد و مرز. انگار که سیاست در ایران ازصداقت جدا باشد، عزت الله سحابی به این اتهام همواره آراسته بود.

سحابی پسر از پدر نشانها داشت، نسلی از مبارزان ایرانی که در تمامی بزنگاههای تاریخ معاصر ایران حضور داشتند و نقشی. سحابی پیش از انقلاب هیچ گاه از ایران نرفت گوانیکه فرصتی هم پیدا نکرد. دوران دانشجویی سحابی مصادف بود با تاسیس انجمن اسلامی دانشگاه تهران که به همتِ مهندس بازرگان بنا شد، دوستی دیرینه دکتر یدالله سحابی و مهندس مهدی بازرگان به نسل بعد هم رسید و برای عزت اللهِ جوان، مهندس بازرگان پدر بود و مراد.

شور مصدق و نهضت ملی نفت در جوانان دانشگاه که سری پر شور داشتند و به حزب توده نیز دلی نسپرده بودند رنگی دیگر داشت. عزت الله جوان در این سالها نشریه«راه مصدق» را منتشر می کرد که بعدها اولین طعم زندان را با این اولین کار روزنامه نگارانه چشید. سالهای بعد از کودتا، سحابی پدر و پسر در رفت و آمد به زندان بودند، گرچه پسر رنجهای بیشتری برد و سالهای زندانش طولانی تر شد.

سالهای زندان همنشین شد با بیشتر مشهورینی که بعدها از بازیگران اصلی سیاست ایران بودند. از آیت الله منتظری و حجت الاسلام رفسنجانی و دکتر بهشتی گرفته تا مسعود رجوی.

انقلاب ۵۷ و دولت موقتِ مهندس بازرگان تنها فرصتی بود که عزت الله سحابی گامی همَ در دولتمردی زد و ریاست سازمان برنامه و بودجه رابر عهده داشت؛ سازمانی که عاقبت به دست محمود احمدی نژاد برانداخته شد.

اختلاف نظرهای اقتصادی عزت الله سحابی با نهضت آزادی منجر به این شد که پیش از سقوط دولت موقت از نهضت کناره گیری کند، ولی این استعفا از حزب هیچ گاه از آن ارادت که به بازرگان داشت نکاست.

اما کار بزرگ عزت الله سحابی، انتشار ماهنامه ایران فردا آن هم با امتدادی ۹ ساله بود. دهه هفتاد با انتشار ماهنامه های تاثیر گذاری همراه بود که سنگ بنای رای دوم خرداد نهاد و نسل جوان سیاسی و اصلاح طلبی را تربیت کرد و این میان مجله ایران فردا اَز تمامی همگنانش سیاسی تر و ملی تر به حساب می آمد.

عزت الله سحابی با سرمقاله های ماندنی و شفاف و بدون ایهام هر ماه مهمان دانشجویان بود. سرمقاله های ایران فردا، دغدغه حزب و گروه و فرد نداشت و آنچه در ذهنِ خواننده می ماند صداقت و دلسوزی نویسنده بود که آرام و متینَ از دولتمردان می خواست تا قدری هم منافع ملی را حساب کنند.

رضا علیجانی و هدی صابر از شاخصین ایرانِ فردا بودند و هر دو از زندان رفته های جمهوری اسلامی. هدی صَابر، این روزها در زندان است و به گواه سحابی از کسانی است که باید قدر می دید و تجلیل می شد، سحابی گفته بود که در تمام این چند سال اخیر، هدی صابرِ ساده زیست به سیستان و بلوچستان رفته بود تا کاری پژوهشی اجتماعی را برای مردمان آنجا انجام دهد و به پایان هم رسانده بود و از نظرسحابی کارستانی بود که دست مریزادی می خواست و نه زندان.

تاثیر ماهنامه ایرانِ فردا آنقدر بود که تیراژ مجله تا پنجاه هزار می رفت و این در جامعه کتاب نخوان ایرانی و برای مجله ای جدی و درد سر ساز موفقیتی بزرگ بود.

سر مقاله های عزت الله سحابی با آیاتی از قرآن مزین می شد و با هشداری قرآنی پایان می گرفت: فاعتبروا یا اولی الابصار.

عبرت از تاریخ و زندگی آن چیزی بود که عزت الله سحابی سعی می کرد تا به هر زبانی به نسل جوان منتقل کند. تاریخ شگفتی که در آن زیسته و سرشار بود از کژراهه و نابود شدن استعدادها و تلاش های بزرگ و نا کامی های حسرت انگیز.

سحابی سال ۷۴ جلسات هفتگی برگزارمی کرد که روایتی از تاریخ معاصرایران می گفت آنگونه که از نزدیک دیده بود. جلسات هر هفته و به مدت دو ساعت در خانه قدیم آیت الله طالقانی برگزار می شد و آنچنان این روایت تازه و صادقانه جذاب بود که هر کس هفته ای می آمد تا هفته ها شنونده می‌ماند.

سحابی از شهریور ۱۳۲۰ آغاز کرد وقتی هواپیماهای متفقین بر فرازتهران پرواز می کردند و نشانه ای بودند بر اشغال کشور و بعد دوران نهضت ملی نفت. سحابی آنگاه به زندان می رفت و هم نشین با رجالی که آن روزها زندانی بودند و از سلک مردمان عادی. نگاه بی غرض سحابی رنگ بد خواهی نمی گرفت و راوی خوبی وبدی می شد، و از اشتباهات خود نیز می گفت.

از رجوی می گفت که چگونه همان سالهای زندان با کبکبه و دبدبه در زندان با مریدان راه می رفت و در ماه رمضان و از برای اینکه بگوید از ظواهر مذهب گذشته است، هنوز به ساعت افطار مانده روزه باز می کرد.

شاید روایت مارکسیست شدن مجاهدین و ضربه ای که بر زندانیان و طرفداران مجاهدین وارد آمد را کسی به خوبی عزت الله سحابی نگفته باشد.

گفتن از تاریخ پر درد ایران گاه چشم راوی پر آب می کرد، به تاریخ انقلاب که می رسید باز دست ازصداقت بر نمی داشت. از آیت الله خمینی با احترام یاد می کرد و نقایص و قصورش می گفت.

از هاشمی رفسنجانی می گفت که در راهروی مجلس سنا و در آستانه خبرگان قانون اساسی به یدالله پدر گفته بود که با رضایت دادن به تشکیل خبرگان و اصرار بر آن، کاری کردید که آنچه روحانیان می خواهند از قانون اساسی در آید و همان هم شد و ولایت فقیه بر قانون اساسی سایه افکند.

سال ۷۹ و با حمله رهبری به مطبوعاتِ اصلاح طلب، ایران فردا نیزغروب کرد. اما سحابی ماند و سال بعد به زندانی سخت رفت.

هفتاد سال از عمر می گذشت و این موی سپید و سابقه البته باعث نشد تا ماموران اطلاعات ابایی کنند. سحابی که سالها زندان رژیم پهلوی کشیده بود باز هم راوی زندان شد و در قیاس زندان انقلاب و زندان شاه، این یکی را بدتر و جانفرساتر می دانست.

سحابی را مدتها در انفرادی بند ۵۹ اوین بازداشت کردند و بعدتر به خانه امن بردند که به تعبیر پیر مرد از قبر بدتر بود. جایی که تنهایی بیداد می کرد و هیچ از بیرون خبری نمی آمد. سحابی در زندان شکسته تر شد و بازجویان مصاحبه و اعترافی هم گرفتند وخرسند رفتند. بعدها گفت که انسان سراسر ضعف است و او هم انسان.

ملاقات با سحابی و جستن احوال پیرمرد در سال ۸۰ به همت مهدی کروبی بود که این روزها خود به حصر است. شیخ، تنها به شنیدن خبر سلامتی اکتفا نکرد و نماینده ای فرستاد که سحابی را در سونای دوما و بالای خیابان جردن ملاقات کرد. گویا بازجویان می خواستند تا اثبات کنند که شکنجه ای نبوده، اما روح که دیدنی نبود.

سحابی را با حال نزار به دیدار پدر کهنسال هم بردند، می گویند مبهوت بود و پس از مدتها خیابان و مردم را می دید و انگار که نمی بیند. یدا لله سحابی با دیدار پسر بد حال تر شد و گفت: «این عاقبت کسی است که عاشق مَردم و کشورش باشد.»

سحابی با همه رنجها بازهم همراه جنبش سبز و اعتراض مردمان ایران ماند و بازنشست نشد. او گفته است: «اینک پس از تجارب تمام عمرم برای من دغدغه اصلی حفظ ایران است و بر این اساس می گویم که امروز به خاطر بقای ایران برانداز نیستم و برای حفظ جمهوری اسلامی احمدی نژاد باید برکنار شود.»

انگار که این قبیله زندان رابه ارث برده اند، این روزها هاله سحابی هم به زندان است، به جرم شاهد قتل بودن و دیدنِ عبور خودروی پلیس از افتاده ای بی دفاع.

مهندس سحابی بعد از ۶۰ سال مبارزه برای آزادی روز گذشته دار فانی را وداع گفت.

سحابی؛ مردی که ۶۰ سال مبارزه کرد

یادداشت

کسی که انسانیت و آزادگی ما را به احتجاج آورد

محمد نوری‌زاد: پنجشنبه هفته گذشته، با هزار مکافات و البته با همراهی و همکاری و تصویربرداری لحظه به لحظه حراست بیمارستان مدرس، به دیدن مردی رفتم که سالها، در آن رژیم و در این رژیم زندانی بوده است. مردی که اکنون، نفس های پایانی عمر پرفراز وفرود خود را فرو می برد و برمی آورد.

مردی که غریبانه ، چشم بردنیای پر فریب، و فریب کاری امثال من، بسته است تا همان چشم را چند روز دیگر، به محشری از آسمان خدا بگشاید. عزت الله سحابی، اکنون، با نفس های پایانی عمرخود، میزان فهم ما را ، میزان شعور ما را، ومیزان درستی دین و انسانیت و آزادگی ما را به احتجاج آورده است.

این روزها، چه خوب که اخبار بیماری و درگذشت یک فوتبالیست در رسانه های ما تاب خورده و همه حساسیت ها و حیثیت رسانه ای و مملکتی ما را متاثرساخته است. و چه بد، که عزت الله سحابی، بی سرو صدا، رخت از این دنیا بر می بندد، تا دنیا را، با همه ی وسعتش، برای ما باقی گذارد. او اگر بجای سیاست در آن دوران تاریک، می رفت و به کار دیگری روی می برد، با استعدادی که داشت، امروز رسانه ها، اخبار ضربان قلب ثانیه به ثانیه او را رصد می کردند. ما اما با اطلاق جاسوسی و وطن فروشی، او را و دیگرانی چون او را فرو کوفتیم تا خود بر فراز آییم.

بربالین او، به چهره ی رنجور و فرسوده و بیمار و چشمان بی فروغ او که نگریستم، این چند جمله را از او دریافتم:

ای همه ی دنیا خواهان،
دنیا به کامتان!
من راه خویش برگزیده ام ،
و در کشاکش این راه،
بندها را ،
با مرگ خود، بریده و رفتم .
دنیا برای شما.
سیراز آن بخورید.
سخت که سیر شدید،
حالا کمی بیاندیشید.
کار سختی ست ، نه؟
به این بیاندیشید که :
مرگ شما نیز در راه است .

مهندس عزت الله سحابی، فعال ملی – مذهبی پس از شش دهه مبارزه، در پی یک دوره بیماری، بامداد روز سه شنبه دهم خرداد ماه، به دیار باقی شتافت.

ظلم ناگفته‌ای که در حق مهندس سحابی شده بود

یک عضو پیشین وزارت اطلاعات که خواست نامش فاش نشود در تماس با کلمه روایتی از بخشی از زندگی عزت الله سحابی را نقل کرد. این روایت به شرح زیر است:

مطابق قانون مصوب مجلس شورای اسلامی مدت زندان تمام زندانیان سیاسی قبل از انقلاب به عنوان دوران اسارت تلقی شده و به لحاظ برخورداری از مزایای بازنشستگی سال‌های زندان در دوران ستم‌شاهی به هنگام برخورداری از مزایای خدمتی در دستگاهای دولتی و غیردولتی دوبرابر حساب می‌شود. از آنجائیکه مهندس سحابی بیش از ۱۲ سال از عمر خود را در زندان‌های ستم‌شاهی گذراند بارها با توجه به کهولت سن و ناتوانی به بنیاد شهید و وزارت اطلاعات برای احتساب دوران زندان خود مراجعه کرد و این دو نهاد مسئول هرگز حاضر نشدند دوران زندان قبل از انقلاب اسلامی ایشان را مورد تایید قرار دهند.

این ظلم و ناجوانمردی در حق این مبارزه نستوه موجب شده است که حقوق بازنشستگی مرحوم سحابی حتی کمتر از یک کارگر ساده باشد...

کلمه
ویژه‌نامهٔ شهادت هاله سحابی
WWW.KALEME.COM
روزنامهٔ کلمه، شماره شصت و هشتم، پنجشنبه، ۱۲ خرداد ۱۳۹۰

پدر از یک نظر نگران بود. اینکه چرا ما تکرار اشتباه می‌کنیم. یک قدم جلو نمی‌گذاریم. خیلی به جنبش سبز امیدوار بود، اما این دو احساس را با هم داشت و می‌گفت که اگر خودش هم نباشد حال مردم تغییر خواهد کرد. به هر حال، حال خودش دگرگون شد و کنار پروردگار آرمیده. حتما حال بهتری دارد.

هاله سحابی، پس از درگذشت پدر

سرمقاله

حاکمیت جدا از مردم از مرده هم می‌ترسد

سال که نو شده بود، گفته بود که دیگر تاب تحمل دردهایی را که بر این سرزمین و فرزندانش می‌رود، از دست داده است. نوشته بود که نمی‌داند شکایت این درد را به کجا ببرد و چه کاری از دستش ساخته است. خواسته بود از خدا که یا حال و روز ما را دگرگون کند و یا مرگ او را برساند. همین هم شد، مرگش رسید تا نبیند رنج دخترش را؛ دختری که او هم تاب اینهمه ظلم و جور مستولی بر ایران را نداشت و یک روز بیش از پدر زنده نماند.

پریروز اگر در عاشورای ۸۸ شاهد جفا به عزاداران بودیم، و دیروز اگر در تشییع میر اسماعیل موسوی؛ امروز هم مهندس سحابی در تشییع جنازه خود نظاره‌گر انحطاط حکومتی بود که حتی از مرده هم می‌ترسد.

دو ماه قبل هم در همین روزها هم بود که در مراسم تشییع، جنازه میر اسماعیل موسوی را دزدیدند و دختری از تشییع‌کنندگان او را زیر کتک گرفتند و وقتی اعضای خانواده میرحسین، یک به یک جلو رفتند تا به این ستمکاری آشکاری اعتراض کنند، آنها را نیز آماج مشت‌ها و لگدهای خود قرار دادند.

اما دیشب و امروز نیز حاکمیت به طرز آشکاری این ترس را در لواسانات و حتی تپه‌های مشرف به آن، به نمایش گذاشت. ماموراني که سرکوچه‌های لواسان ایستاده بودند، و بازجوهای خیابانی که سواره و پیاده‌ای را که به قصد تسلیت‌گویی و همدردی با خانواده سحابی به محل آمده بود، مورد اذیت و آزار و بازجویی و در مواردی بازداشت قرار می‌دادند، و ماموران معذوری که دیشب و امروز بر خانواده سحابی فشار آوردند تا تشییع جنازه را چندباره جلو بیندازد تا از تجمع مردم جلوگیری شود، و مرده‌دزدانی که صبح امروز جنازه را ربودند و خانواده را پشت در قبرستان نگه داشتند و خود با سرعتی بیشتر از کارگران حرفه‌ای قبرستان‌ها، جنازه را دفن کردند تا مبادا روی خاک ماندن این مرده، بیشتر تن صاحبان قدرت را بلرزاند؛ همه اینها با رفتار بی‌شرمانه و نگاههای هراسانشان، یکصدا فریاد می‌زدند که این حاکمیت جدا از مردم، این صاحبان قدرت بادآورده، این بی‌دینان فریادزننده دینداری و این بدکاران مدعی ولایتمداری، از مرده هم می‌ترسند.

از مرده هم ترسیدند و با جنازه عزت‌الله سحابی هم همان کردند که با جنازه آیت‌الله منتظری و میر اسماعیل موسوی کردند، و بلکه شاید بدتر؛ و بدتر از همه اینکه دخترش را هم به پای قدرت دو روزه خود قربانی کردند. روایت‌ها مختلف است؛ از اینکه بر اثر ضرب و شتم افراد لباس شخصی از هوش رفته و راهی درمانگاه شده و در راه ایست قلبی کرده، تا اینکه جنازه‌دزدها در وقت ربودن پیکر مهندس سحابی و حمله به افرادی که زیر تابوت را گرفته بودند، دخترش را زیر دست و پا گذاشته اند؛ یا اینکه عکس مهندس را خواسته‌اند از دستش بگیرند و او اعتراض کرده و آنها با کتک پاسخ داده‌اند؛ یا بر اثر ضربه به شکم و ریه به شهادت رسیده است. و یا هر جزئیات دیگری، که در نهایت چیزی از اصل این واقعه نمی‌کاهد و بر آن نمی‌افزاید. چه فرقی می کند او چگونه رفته باشد؟ چه تاثیری در مسوولیت ظالمان دارد؟

شرم‌آورتر از همه، اقدام سایت‌های مدعی اصولگرایی است که امروز خبرنویسی کثیف را در دستور کار قرار داده بودند و ادعا کردند که هاله سحابی به خودی خود تشنج کرده و یا بر اثر افت فشار فوت کرده! البته از عمله ظلم، جز توجیه ظلم برنمی‌آید؛ اما لااقل کاش از لشکریان یزید و قاتلان امام حسین (ع) در کربلا درس می‌گرفتند که دست‌کم این شجاعت را داشتند که به آنچه کرده‌اند، اعتراف کنند و واقعیت زشت کرده‌های خود را تحریف نکنند.

برای جنبش سبز ملت ایران، دیگر داستان عاشورا و کربلا روضه‌خوانی نیست، تجربه است. این مردمان با گوشت و پوست خود تجربه کرده‌اند که: کل یوم عاشورا و کل ارض کربلا. برای آنها در این دو سال، هر روز عاشورا بوده و هر سرزمینی کربلا . هاله سحابی زندانی حکومت بود و برای همیشه آزاد شد.

آنچه در مراسم تشییع پیکر عزت‌الله سحابی اتفاق افتاد

هاله هم با عزت رفت

فرزند ارشد عزت الله سحابی تنها یک روز بعد از درگذشت پدر و در مراسم تشییع وی در پی برخورد و ضرب و شتم ماموران امنیتی، دچار ایست قلبی شده و پیش از انتقال به بیمارستان به شهادت رسید.

هاله سحابی ۵۴ ساله، از فعالان سیاسی و اجتماعی و حوزه زنان که در حوادث بعد از انتخابات به دو سال حبس تعزیری و پرداخت جریمه نقدی محکوم شده بود، چندی پیش، پس از آنکه پدرش، بزرگمرد سیاست ایران به کما رفت به مرخصی چند روزه آمد تا روزهای آخر زندگی پدر را در کنار وی باشد. روزهایی که کسی گمان نمیکرد آخرین روزهای زندگی خودش نیز باشد.

صبح روز سه شنبه خبر آمد مهندس عزت الله سحابی دار فانی را وداع گفت. غمی که در دل‌ها می‌نشست یاد آور نامه سال گذشته پیر مبارز بود. نامه‌ای که وقتی می‌نگاشت تمام دخترانِ را هاله خود می‌دید در نامه نوشته بود: «در این روزها مرتب می‌شنوم که برخی دختران زندانی‌ام را باز زیر فشارهای بازجویی مضاعف و مکرر و برخوردهای مملو از توهین و افترا گرفته‌اند تا روحیه‌شان را بشکنند و پشت سرشان جهنمی بسازند که دیگر هیچ وقت هوس بازگشت به آن را نکنند. این برخوردها تا آن حد بوده است که برخی از این بانوان از خدا طلب مرگ کرده‌اند. ای خدای بزرگ، ای تغییر دهنده قلب‌ها و فکرها، یا حال و روز ما را دگرگون کن یا مرگ مرا برسان.»

و خدا می‌داند آن روز چقدر دلش شکسته بود که خداوند تقدیر مرگ را برایش رقم زد. پیر میدان سیاست رفت و آنچه ماند حکومتی وحشت‌زده از مردم بود در مراسم تشییع.

تجربه‌های ناخوشایند حکومت در مراسم تشییع پیکر آیت‌الله منتظری، سیداسماعیل موسوی و ناصر حجازی کار را به آنجا رساند که برگزاری مراسم تشییع را در تهران ممنوع کرده و خانواده را ناچار کردند که تدفین را در شهرستان لواسان برگزار کنند. اما باز هم دل‌های نگران از حضور مردم آرام نگرفت در آخرین ساعات شب اعلام کردند که مراسم باید ساعت ۷ صبح برگزار شود، حال آنکه ساعت برنامه ۸ و نیم اعلام شده بود.

عزاداران سحابی باز هم به حرمت منش پدر سکوت کردند تا صبح روز تدفین.

امین احمدیان، عضو شورای مرکزی ادوار تحکیم وحدت، از حاضران در مراسم به خبرنگار کلمه می گوید: «از سحرگاه اتوبان بابایی شلوغ بود، به سمت لشگرک هم از نقطه ای توسط نیروهای انتظامی مسدود شده بود. آنها به مردم خصوصا جوانان و آنهایی که علایم عزاداری داشتند اجازه ورود به لواسان را نمیدادند. وقتی رسیدیم آنجا پر از مامور بود، بیشتر از میهمانان بود تعدادشان.»

یکی از حاضران در مراسم به خبرنگار کلمه می گوید: «صبح زود تهدید کردند که اگر قبل از ساعت ۷ تشییع نکنید با شما برخورد خواهد شد. حتی به یکی از بستگان مهندس گفتند اینجا را بر سرتان بمباران می‌کنیم.»

به گفته این شرکت کننده حامد پسر مهندس سحابی از مردم میخواهد شعارهای سیاسی ندهند و کاملا طبق آداب مذهبی عمل کنند.

حامد گفته است: برادران اطلاعات به ما اجازه داده اند پیکر را تا سر کوچه ببریم و اگر اجازه دادند به سمت شمال هم می رویم.

طبق هماهنگی با نمایندگان وزارت اطلاعات قرار بوده جنازه تا محلی تشییع شود اما در نیمه راه به سمت جنازه و تشییع کنندگان حمله می‌برند و اجازه ادامه تشییع تا محل مورد توافق را نمی‌دهند.

عکس پدر را از دستان دختر ربوده، پاره کردند

امین احمدیان توضیح می دهد: «عکسی ازمهندس در دستان هاله بوده. در همان هنگام که برای تغییر مسیر و گرفتن جنازه هجوم می آورند با هاله درگیر می شوند. در ابتدا جر و بحث بود و بعد هم ضربه زدن یکی از ماموران که ظاهرا جزو فرماندهان عملیاتی هم بوده اند. هاله پیش روی آنها ایستاده بود که در اثر ازدحام و ضربه ای که از نیروی امنیتی خورده بود زدن به زمین افتاد. در همین اثنا جنازه هم بر اثر توحش ماموران بر زمین افتاده و فضای بسیار متاثر کننده ای پیش می آید.»

به گفته شاهدان عینی، مرحوم هاله سحابی که بر زمین افتاده بوده توسط یک پزشک از جمع تشییع کنندگان مورد معاینه و درمان قرار میگیرد که بلافاصله آن پزشک با ضرب و شتم ماموران از هاله جدا می شود.

امین احمدیان می گوید: «ماموران خیال می کردند هاله برای اینکه مانع ربودن جنازه شود در میان بلوا خود را زیر دست و پا انداخته به همین دلیل بی تفاوت به حال هاله، جنازه را ربودند.»

تدفین مهندس سحابی توسط نیروهای امنیتی

به گفته این فعال سیاسی حاضر در مراسم، قرار بوده که نماز توسط حجت‌الاسلام احمد منتظری خوانده شود، اما ماموران امنیتی مانع از حضور وی شدند.

پس از انتقال جسد به بهشت فاطمه لواسان درها را از داخل می بندند و سریع، بدون طی کامل و محترمانه تشریفات سنتی و دینی جنازه را به خاک می سپارند. مردمی هم در بیرون قبرستان کاری از دستشان بر نمی آمده، سکوت می کنند. مراسم ادامه پیدا کرد و نیروها بعد از تدفین، به مردم اجازه دادند سر خاک بروند و فاتحه ای قرائت کنند. در جریان خاکسپاری چند نفر دستگیری شده اند که از جمله ی آنها حامد منتظری، نوه ی مرحوم آیت الله منتظری، جلال یوسفی و چند نفر دیگر بوده اند.

امین احمدیان می افزاید: «در این فاصله دکتر پیمان و چند نفر دیگر هاله سحابی را به بیمارستان محلی لواسان منتقل کردند. اما متاسفانه کمکی از دست کسی بر نمی آید و ایشان فوت می کنند.»

هنوز کسی از شوک شهادت هاله سحابی خارج نشده که مجتمع مسکونی نسیم دانش واقع در پل گیشای تهران توسط ماموران امنیتی محاصره می‌شود، جایی که تشییع کنندگان عزت‌الله سحابی ناباورانه درست ساعتی پس از دفن پدر بر سر پیکر بی‌جان هاله دختر عزت‌الله آمدند و در غم از دست دادن هاله سوگواری می کردند.

در هر گوشه و کنار منزل گروه‌های مختلف که در تشییع جنازه عزت‌الله سحابی شرکت داشتند؛ از حادثه کشته شدن هاله سخن می‌گفتند. یکی از مادران صلح شرکت‌کننده در این مراسم ماجرای کشته شدن هاله را روایت می‌کند: «از دیشب ماموران امنیتی به منزل سحابی در لواسان آمده بودند و چند نفری از آنها نیز در طبقه بالای خانه ماندند و برای تشییع جنازه مهندس اصرار می‌کردند که شبانه صورت بگیرد. هاله در تمام این ساعات با روحیه‌ای قوی به ماموران پاسخ داد که مراسم تشییع باید صبح امروز و با حضور عزاداران برگزار شود.»

از زمان تشییع پیکر هاله سحابی به منزلش در تهران، خانه توسط ماموران امنیتی تحت کنترل بود و از عزادرانی که برای تسلیت و شرکت در مراسم سوگواری هاله به آن خانه می‌آمدند عکسبرداری و فیلمبرداری می کردند.

دفن شبانه هاله سحابی در سکوت

فرزند هاله سحابی می گوید که طبق مذاکره نیروهای امنیتی با خانواده مراسم تدفین شبانه در سکوت و تاریکی شب انجام می‌شود.

یحیی شامخی در گفت و گو با جرس می‌افزاید: هم اینک خانواده و نزدیکان مرحوم هاله سحابی در اتوبوسی به لواسان منزل پدری هاله سحابی رفتند و طبق مذاکرات نیروهای امنیتی با خانواده امشب تدفین خانم سحابی در سکوت و تاریکی شب انجام شود.

خبرها حاکی از دفن این فرزند خلف در کنار پدر است. شبانه غسلش دادند و دفن کردند تا باز هم سندی باشد در تاریخ بر مظلومیت این بانوی صبور.

گفتنی است منصور سحابی برادر مهندس عزت‌الله سحابی و عموی هاله در گفتگوی با جرس حوادث مراسم تشییع و تدفین و چگونگی به شهادت رسیدن هاله سحابی را تشریح می‌کند. او صراحتا تاکید می‌کند که علت فوت خانم سحابی ضرب و شتم نیروهای امنیتی و ایجاد تشنج در مراسم خاکسپاری مرحوم سحابی بوده است که به ایست قلبی و درگذشت خانم هاله سحابی منجر شده است. منصور سحابی خود از نزدیک شاهد هجوم تعداد زیاد نیروهای لباس شخصی و امنیتی به سوی مردم عزادار بوده او می گوید نیروی انتظامی خود از عواملی بود که مردم را کتک می زد.

احمد منتظری در گفتگو با خبرنگار جرس، با تایید مسئله ضرب و شتم هاله سحابی توسط ماموران، خاطرنشان کرد «دقیقا هم ضرب و شتم همراه با هتاکی بود و من که در چند متری ایشان بودم، از قول تمام حضار که در کنار وی بودند متوجه شدم که یکی از چند ماموری که قصد داشت تصویر بزرگ مهندس سحابی را که در دستان دخترش (هاله) بود بگیرد، با کشیدن آن تصویر از دست هاله، بر اثر مقاومت و اعتراضی که وی انجام داد، با آرنج خود محکم به پهلوی هاله زد و او را نقش بر زمین کرد.»

مشاور میرحسین موسوی:

مسئولیت درگذشت شهادت‌گونه خانم سحابی متوجه عالی‌ترین مقامات حکومتی است

دکتر اردشیر امیر ارجمند، مشاور ارشد میرحسین موسوی در گفتگویی کوتاه با کلمه در گذشت شهادت گونه هاله سحابی را به مردم ایران و خاندان سحابی تسلیت گفت و مسولیت این حادثه تاسف بار را متوجه عالی‌ترین مقامات حکومتی دانست.

وی اذعان داشت که عاقبت تفرعن و خودکامگی غیر از این نیست. ادعای خدایی کردن و ترس از همه چیز و همه کس داشتن باعث شده اینها بتدریج از سایه خود هم بترسند. از انسانها می‌ترسند. از ختم پدر مهندس موسوی می‌ترسند. از برگزاری مراسم یک قهرمان ملی می‌ترسند و می‌بینیم که در مراسم تشیع پیکر پاک جناب آقای مهندس سحابی که از افتخارات جامعه سیاسی ایران بود چگونه رفتار می‌کنند.

سخنگوی شورای هماهنگی راه سبز امید بر این موضوع تاکید کرد که آنها حتی اجازه برگزاری آرام مراسم مذهبی را که حق اولیه هر فرد است را نمی‌دهند. خود را صاحب قدرت مطلق می‌دانند و هیچ حریمی برای افراد قائل نیستند حتی برای جنازه افراد.

وی افزود: آنها محدودیت ایجاد می‌کنند. جسارت و توهین می‌کنند و از برخورد فیزیکی هم ابائی ندارند و باعث این حادثه تلخ و اسفبار می‌شوند.

وی مسئولیت درگذشت شهادت‌گونه خانم هاله سحابی را بر عهده عالی‌ترین مقامات حکومتی دانست و گفت: مسئولان حکومتی نه تنها هیچ اقدام موثری برای پایان دادن به این گونه رفتار های سیستمایک غیر قانونی نمی کنند بلکه متاسفانه تلویحا و حتی گاهی صراحتا ان را تایید هم می‌کنند.

وی از همگان خواست تا یکدیگر را به شرکت با شکوه در آیین‌های بزرگداشت سحابی پدر و دختر فرا بخوانیم.

کلمه
WWW.KALEME.COM
روزنامهٔ کلمه، شماره شصت و نهم، دوشنبه، ۱۶ خرداد ۱۳۹۰

امروز بیت المال در معرض یغمای یغماگران قدیس مآب است و هنوز ملت علی‌رغم ادعاها و دستورهای شدید از شناسایی و معرفی و محاکمه این مفسدان چیزی ندیده است. کجا رفت آن پرونده بزرگی که در مجلس باز شد و یک شبه در یک معامله پاپاپای بسته شد؟

میرحسین موسوی، بیانیه ۱۸

راهپیمایی سکوت در پیاده‌روهای خیابان ولی‌عصر

فراخوان راه سبز امید: ۲۲ خرداد، ولی‌عصر - ونک

شورای هماهنگی در این بیانیه ضمن دعوت مردم به پیوستن در راهپیمایی سکوت در پیاده روهای خیابان ولی عصر حد فاصل میدان ولی عصر تا میدان ونک ساعت ۶ تا ۸ بعد از ظهر روز ۲۲ خرداد، تاکید کرده است: سکوت مطلق در طول برگزاری راهپیمائی حاکم خواهد بود. به هیچ شعاری پاسخ داده نشود و از هر گونه اقدامی که به خشونت طلبان بهانه برای انجام اقدامات غیر قانونی و ضد انسانی می دهد خود داری شود و رأس ساعت ۸ همه متفرق شوند.

متن کامل این بیانیه که در اختیار کلمه قرار گرفته به شرح زیر است:

بسم الله الرحمن الرحیم

بیانیه شورای هماهنگی راه سبز امید برای پاسداشت خاطره زنجیره سبز انسانی

ماه خرداد روزهای بس حماسی و بیادماندنی را در دل خود جای داده است و ۲۲ خرداد سال ۱۳۸۸ یکی از آن روزهای فراموش نشدنی است. در این روز مردم ما با شور و امید وصف ناشدنی به پای صندوق های رای آمدند تا از حق تعیین سرنوشت خویش استفاده کرده و با انتخاب رئیس جمهور شعار «تغییر سازنده» را تحقق بخشند. تلاش کنند تا با تغییر روند ها و روش ها به سمت دمکراتیزه شدن نظام حرکت شود, اخلاق به سیاست باز گردد, همبستگی ملی را با حذف مرزهای نامشروع خودی و غیر خودی تقویت کنند, حکومت قانون را جایگزین گریز از قانون نمایند, قاطیت خود بر لزوم پاسداری از کرامت انسان و حقوق بشر را به حکمرانان کشور یاد آور شوند, نظام اداری و اجرایی کشور را از گرفتاری در دام ناکارآمدی و دروغ و توسل به رمالی و جن گیری و...نجات بخشند و کارگران و کشاورزان و محرومان جامعه را از ترس نیاز های اولیه خود رها نمایند. اما آنانی که سواری بر مرکب قدرت را به هر قیمتی راهنمای عمل خود قرار داده بودند با مهندسی انتخابات و تقلب در آرای مردم نامزد مورد نظر خود را از صندوق ها در آورند و آنگاه که با صدای اعتراض میلیونی مردم مواجه شدند به جای پاسخگویی و اقناع به سرکوب و داغ و درفش و زندان متوسل شدند و جنبش سبز از دل این رخداد و در امتداد مطالبات تاریخی مردم ایران برای آزادی و توسعه سر برآورد و سروقامت و استوار همچنان هدف «تغییر سازنده»، تحقق حقوق بشر و امنیت انسانی برای همه ایرانیان را دنبال می کند.

شورای هماهنگی راه سبز امید برای پاسداشت همه آنانی که در این روز به پای صندوق های رای آمدند تا کشور را از بلیه دروغ و خودکامکی رهایی بخشند و در دوسال گذشته در پی رای گمشده خویش هر هزینه ای را بجان خریده اند وهم چنین قدردانی ازمقام عزیزانی که در این مسیر به شهادت رسیدند، از راهیان سبز امید دعوت می کند در این روز بیاد زنجیره سبز امیدی که میدان راه آهن را به میدان تجریش پیوند داد در سکوت مطلق وبا رعایت موارد زیر دست به راهپیمایی در پیاده روهای خیابان ولی عصر حد فاصل میدان ولی عصر تا میدان ونک بزنند و در ساعت ده همان شب بر روی بامها ندای الله اکبر سر دهند.

از همراهان جنبش سبز خواهانیم که برای این دعوت دست به اطلاع رسانی گسترده زده و همه همت خود را برای هرچه پرشور برگزار شدن این راهپیمایی انجام دهند.

این شورا به اقتدارگرایان حاکم قویا هشدار می دهد که برگزاری راهپیمایی مسالمت آمیز حقی بشری و منطبق با اصل ۲۷ قانون اساسی است و دولت مکلف به تضمین امنیت شهروندان شرکت کننده در آن می باشد و اعمال هرگونه محدودیت و یا مقابله با آن از جانب مامورین اطلاعاتی و امنیتی و نیروهای سرکوبگری که وابستگی آنها به اقتدارگرایان مسلم است جز مسئولیت و بی آبرویی بیشتر در سطح داخلی و بین المللی و افشای عدم صداقت آنها و سیاست دوگانه شان در مورد جنبش های دموکراسی خواهی در منطقه به دنبال نخواهد داشت.

شورای هماهنگی راه سبز امید برنامه های دیگر خرداد ماه را با همفکری با هم میهنان عزیز در بیانیه های دیگر بزودی اعلام خواهد کرد.

شورای هماهنگی راه سبز امید

۱۳۹۰/۰۳/۰۸

۱. محل: پیاده روهای خیابان ولی عصر حد فاصل میدان ولی عصر تا میدان ونک (به بالا از سمت شرق، به پایین از سمت غرب)

۲. زمان: ساعت ۶ تا ۸ بعد از ظهر. راهپیمایی رأس ساعت ۸ تمام شده و همه متفرق شوند.

۳. راهپیمایان با لبان بسته سه خواسته زیر را فریاد خواهند زد:

-آزادی رهبران جنبش و زندانیان سیاسی

- برگزاری انتخابات آزاد

-اقدام موثر و فوری برای حل مسئله گرانی و بیکاری

۴. فعالان جنبش سبزدر شهرستانها هم می توانند برنامه ای مشابه تهران را در این روز برنامه ریزی و اجرا نمایند.

۵. سکوت مطلق در طول برگزاری راهپیمائی حاکم خواهد بود. به هیچ شعاری پاسخ داده نشود و از هر گونه اقدامی که به خشونت طلبان بهانه برای انجام اقدامات غیر قانونی و ضد انسانی می دهد خود داری شود.

اخبار کوتاه

۳۰ زندانی سیاسی:

حقوق مردگان را نیز برنمی‌تابند

جمعی از زندانیان سیاسی کشور طی بیانیه‌ای با تسلیت درگذشت مهندس عزت الله سحابی و شهادت دختر مظلوم شان ،هاله در جریان مراسم خاکسپاری نوشتند : پیکر پاک عزت الله سحابی نیز هراسی بس بزرگ در دل کسانی انداخت که ارکان اقتدارو بقایشان آنچنان سست و بی اعتبار شده که نه تنها حقوق زندگان را رعایت نمی کنند بلکه حقوق اموات را نیز بر نمی تابند و از برگزاری مراسم هر چند مختصر تشییع و تدفین نیز بیم دارند این تزلزل و عدم اعتماد به نفس به چنان شتابزدگی و دستپاچگی منجر می شود که با اعمال تهدید ،ارعاب و فشار به خانواده سر فراز مرحوم سحابی حادثه ای دلخراش و فاجعه ای دردناک می آفرینند.

بعد از ۴۹۸ روز زندان

مرخصی علی بهزادیان‌نژاد

علی بهزادیان نژاد وبلاگنویس و عضو ستاد میرحسین موسوی پس از تحمل ۴۹۸ روز حبس بدون مرخصی، بطور موقت آزاد شد.

فیلتر کلمات «هاله» و «سحابی» در پیامک‌ها

پس از دفن شبانه «هاله سحابی» فرزند عزت الله سحابی و ترس حکومت از برگزاری مراسم ختم برای این بانوی آزاده اینبار مخابرات اقدام به فیلتر کردن کلمات «هاله» و «سحابی» در سیستم پیام های کوتاه خود کرده است.

قیمت برق ۵ برابر گرانتر از پارسال

رئیس کمیسیون انرژی مجلس با اشاره به قیمت برق در مناطق گرمسیر در فصول گرم نسبت به سال گذشته، گفت: قیمت برق نسبت به مدت مشابه سال گذشته میزان ۴ الی ۵ برابر رشد خواهد داشت.

بیانیه ۴ زندانی سیاسی رجایی‌شهر:

رهبران سبز را تنها نگذارید

همزمان با فراخوان شورای هماهنگی راه سبز امید؛ جمعی از زندانیان سیاسی رجایی شهر در بیانیه ای از مردم خواسته اند در اعتراض به حصر دو رهبر خود و همسرانشان و همچنین در اعتراض به تمامی ظلم های رفته بر این سرزمین خصوصا در این دو سال اخیر دعوت شورای هماهنگی راه سبز امید را لبیک گویند و خیابان ها را از حضور خود خالی نگذارند و در ۲۲ خرداد حماسه ای دیگر بیآفرینند.

در این بیانیه که به امضای کیوان صمیمی، مهدی محمودیان، رسول بداغی و عیسی سحر خیز رسیده آمده است: ما جمعی از زندانیان زندان رجایی شهر در اعتراض به شرایط موجود در زندان، نداشتن ملاقات حضوری، فشار روز افزون بر خانواده های خود، قطع تلفن، نبود حداقل آزادی ها در کشور و خصوصا عدم برگزاری یک انتخابات آزاد و تداوم بازداشت های غیر قانونی از تاریخ ۲ خرداد تا ۲۲ خرداد را اعلام اعتصاب کردیم تا شاید صدای تظلم خواهی ما به گوش مسولان مربوطه برسد. اما متاسفانه آنهایی که باید بشنوند و عمل کنند گوش ها و چشم های خود را بسته اند و چون همیشه فریاد تظلم خواهی ما را بی پاسخ گذاشتند.

آنها نوشته اند:اینک بنا به درخواست پدرانه حضرت آیت الله بیات زنجانی ، جناب حجت الاسلام و المسلمین آقای سید محمد خاتمی و همچنین بنا بر درخواست دوستان و همراهانمان در جبهه مشارکت ایران اسلامی ، سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی ، جوانان احزاب اصلاح طلب و رسانه های سبز اعتصاب غذای خود را در روز دوشنبه ۱۶ خرداد می شکنیم.

این زندانیان سیاسی تاکید کرده اند : ما این اعتصاب غذا را به یاد شهدای راه آزادی خصوصا شهدای سبز پس از انتخابات مخدوش ۲۲ خرداد ۸۸ می شکنیم اما قسم به خون شهدایمان که لحظه ای دست از آرمان ها و خواسته های خود بر نمی داریم .

مشاور میرحسین موسوی:

راهپیمایی ۲۲ خرداد پویایی جنبش سبز را حفظ می‌کند

اردشیر امیرارجمند مشاور میرحسین موسوی برگزاری راهپیمایی ۲۲ خرداد را باعث حفظ شور و هیجان جنبش سبز می‌داند و می گوید :به نظر ما انجام تظاهرات شور و هیجان و پویایی جنبش را حفظ می کند. بیست و دوم خرداد روز مهمی است، ماه خرداد ماه مهمی است.

امیرارجمند در گفت و گو با دویچه وله می گوید: ۲۲ خرداد آغاز یک‌سری فعالیت‌ها در ماه خرداد خواهد بود. راهپیمایی ۲۲ خرداد اولین آن است و آخرین نخواهد بود. مجموعه‌ی شبکه‌های اجتماعی باید نقطه نظرات خود را اعلام کنند تا تصمیماتی برای روزهای ۲۳، ۲۴ و شاید روزهای دیگری از ماه خرداد گرفته شود.

وی معتقد است باید با توجه به شرایط و اوضاع و احوال، تلاش کرد مناسب‌ترین روش را که بتواند بیشترین میزان مشارکت را جلب کند، انتخاب کرد.

به گفته امیر ارجمند ، در چند ماه گذشته، روش‌های دیگر راهپیمایی را هم آزموده‌ایم. به نظر می‌آید که این روش می‌تواند مشارکت خوبی را جلب کند. به شرطی که همه‌ی دوستان و فعالان جنبش سبز همکاری کنند تا این روش ظرفیت ایجاد کند و در مقاطع بعد، راهپیمایی‌ها به نحو دیگری صورت بگیرند.

وی می گوید: نباید از امتحان روش‌های مختلف ابا داشت یا یک روش را مطلق انگاشت. دیده‌ایم که با تصرف شهر، ایجاد حالت وضعیت اضطراری در شهر و حکومت نظامی اعلام نشده، تمام فضای شهر را اشغال می‌کنند و می‌توانند از راهپیمایی‌ها جلوگیری به‌عمل بیاورند. این طریق (راهپیمایی سکوت) روش جدیدی است که می‌تواند راهگشا باشد و باید به آزمون گذاشته شود.

مشاور ارشد میرحسین موسوی در خصوص ادامه اعتراضات می گوید: ما از همه‌ی شبکه‌های اجتماعی خواسته‌ایم که هم‌فکری کنند و نقطه‌نظرات‌شان را ارائه دهند تا بر اساس آن عمل شود. امیدواریم دوستان مشارکت کنند و روش‌ها و تاکتیک‌های جدیدی را پیشنهاد کنند که ما بتوانیم این مسئله را پیش ببریم و با معضلات قبلی مواجه نباشیم.

نیروهای تازه وارد برای سرکوب چه کسانی هستند؟

در سومین روز به شهادت رسیدن هاله سحابی حسینیه ارشاد و خیابان های اطراف شریعتی مملو از نیروهای امنیتی اعم از نیروی انتظامی، لباس شخصی، گارد ویژه و نیروهای تازه وارد سرکوب گر بود که مانع برگزاری هر گونه مراسمی برای هاله و عزت الله سحابی شدند.

نبش خیابان گل نبی ، کنار حسینیه ارشاد جمعی از مردان جوان را با لباس هایی خاص از اتوبوس ها پیاده کردند و آنها را مقابل در حسینیه به صف کردند. مردانی لاغر اندام با پوستی آفتاب سوخته که موهای همه شان با ماشین کوتاه شده بود و به کچلی می زد. همگی شلوار جین و یا کتان پوشیده اند؛ با تی شرت و بلوزهای آستین کوتاه. مردان آفتاب سوخته ی لاغر اندام را به صف می کنند و کاورهای فسفری رنگ به آنها می دهند. یکی از لباس شخصی ها لیستی در دست دارد و گویی آنها را حضور و غیاب می کند.

مشاهده نیروهای تازه وارد سرکوبگر این سوال را به ذهن متبادر می کند که چه کسانی هستند؟ آیا از زندان ها به خیابان برای سرکوب روانه شده اند؟ آیا از اراذل و اوباشی هستند که زمان جمع آوری اراذل و اوباش زندانی شدند و یا به خاطر کم سن و سال بودن شان آنها را از کانون اصلاح و تربیت کودکان و نوجوانان آورده اند؟ و سوال اساسی تر اینکه؛ این نیروها را چه ارگانی به خیابان ها سرازیر کرده است؟

عصر روز شنبه چهاردهم خرداد ماه، موتورسوران با لباس های سبز رنگ تیره مانور وحشت در خیابان راه انداخته اند، در خیابان جنب حسینیه به خودروی پارک شده ای که دو زن کنارش ایستاده اند حمله می کنند و پلاک خودرو را می کنند و چند جوان عابر پیاده را با باتوم کتک می زنند. آن طرف خیابان نیز افسر نیروی انتظامی با کلاه کاسکت محکم بر سر پیرمردی که در ایستگاه اتوبوس ایستاده می کوبد . کمی آن طرف تر،پایین تر از خیابان گل نبی گارد ویژه با دختری درگیر می شود و با مواجه شدن با مقاومت دختر،روسری را از سرش می درد.

نیروها اجازه رفت و آمد عابران پیاده را نمی دهد اما خیابان شریعتی مملو از خوردروهایی است که قصد شرکت در مراسم ختم هاله سحابی را داشتند.

نیروهای سرکوبگر چه تازه وارد ها و چه قدیمی ها حاکم بر خیابان بودند اما ترس و عدم اعتماد به نفس در چهره هایشان هویدا بود.

کلمه
WWW.KALEME.COM
روزنامهٔ کلمه، شماره هفتادم، شنبه، ۲۱ خرداد ۱۳۹۰

این رسم دولتی نامشروع است که جز به موافقان خود مجوز راهپیمایی نمی دهد با این حال راهی را که شما ملّت بزرگ ایران برگزیده اید مسدود شدنی نیست و شما خلّاقانه نقش آفرینی خود را در این مسیر متجلّی خواهید ساخت و ما نیز در همه حال تا رسیدن صبح روشن فردا در کنار و همراه شما خواهیم بود.

میرحسین موسوی، مهدی کروبی

سرمقاله

شباهت های خرداد ۸۸ با کودتای ۲۸ مرداد

— سیدمصطفی تاج‌زاده —

جناب آقای حسین شریعتمداری
نماینده محترم ولی فقیه در روزنامه کیهان

انتخابات دهمین دوره ریاست جمهوری پیشنهاد دیگر من برای گفت‌وگوی مکتوب ماست. بر این باورم که برای روشن شدن ابعاد مسأله، گریز و گزیری از طرح پرسش‌های مشخصی درباره روند انتخابات و حوادث پس از آن نیست پاسخ‌های جنابعالی می‌تواند رافع اعتراضات منتقدانی چون من باشد یا کفه ترازو را به سود معترضان سنگین‌تر کند.

اگر شما و همفکرانتان از ورود به بحث خودداری کنید و همچنان به هتاکی به اشخاص و احزابی بپردازید که نسبت به متمرکز، مطلقه و خودکامه شدن قدرت انتقاد دارند و تداوم سیاست‌های کنونی را به سود استقلال کشور، یکپارچگی سرزمینی، امنیت و منافع ملی نمی‌بینند، رفتار شما به آن معنا تلقی خواهد شد که جنابعالی از بحث با منتقدان انتخابات خرداد ماه ۱۳۸۸ طفره می‌روید. چرا که برای این سؤال‌ها جواب ندارید و بر همگان آشکار خواهد شد که انتخابات قانونی، سالم و منصفانه برگزار نشده است. اینجانب نیز متقابلا آماده‌ام به پرسش‌های کیهانیان در این مورد پاسخ‌های صریح و شفاف بدهم.

جناب آقای شریعتمداری!

آیا می‌توانم چند پرسش را که اذهان بسیاری از ایرانیان را به خود مشغول داشته است، با جنابعالی در میان بگذارم و انتظار شنیدن پاسخ مکفی داشته باشم؟

۱. چرا به روی مردم معترض به روند یا نتیجه انتخابات آتش گشودید؟ در کدام کشور دنیا برای جلوگیری از انقلاب مخملی (فرض کنیم چنین پروژه‌ای در کار بود) مردم را به گلوله می‌بندند؟

۲. چرا از اراذل و اوباش در شکنجه زندانیان استفاده کردید؟ (لطفاً تکذیب نفرمایید. کافی است به متن کیفر خواست دادستان تهران علیه متهمان پرونده کهریزک مراجعه فرمایید. در این زمینه صراحت دارد).

۳. آیا دلیل آن که منتقدان خود را "خس و خاشاک" و "هیچ" می‌خوانید و خود را معادل ملت می‌نامید، آن نیست که هیچ حقی برای آنان قائل نشوید؟

۴. چرا خواهان رسیدگی به ترور کنندگان سیدعلی موسوی، پرتاب کنندگان عزاداران حسینی از روی پل و گذر کنندگان ماشین پلیس از روی پیکر سوگواری در عاشورای ۸۸ نمی‌شوید؟ آیا سکوت در این زمینه یا تبلیغ درباره ۹ دی می‌تواند این فجایع را از اذهان عمومی بزداید؟

۵. سؤال اساسی تر آن که، آنچه جنابعالی و همفکرانتان پس از انتخابات مهندسی شده ۸۸ انجام دادید، واقعاً با رفتار رژیم سابق پس از کودتای ۲۸ مرداد ۳۲ چه تفاوتی دارد؟ مگر رژیم کودتا روزنامه‌های مخالف را بعد از ۲۸ مرداد به تدریج توقیف نکرد؟ آیا شما غیر از این عمل کردید؟ آیا دست به انحلال احزاب منتقد نزدید؟ آیا معترضان را سرکوب نکردید و تعداد زیادی را به زندان نینداختید؟ آیا کوی دانشگاه تهران را به خاک و خون نکشیدید؟ آیا لباس شخصی‌ها را به جان مردم بی‌دفاع، از جمله در مجتمع مسکونی سیحان نینداختید؟ و سرانجام آیا به بهانه مقابله با دشمن، انتخابات آزاد را منتفی نکرده‌اید؟ به نظر جنابعالی کودتا و حکومت نظامی شاخ و دم دارد؟ آیا اثبات اینکه انتخابات سالم برگزار شده است و شما در اکثریت هستید، آن است که انتخابات بعدی صد در صد آزاد برگزار شود تا جهانیان "قلت خس و خاشاک" را مشاهده کنند؟ یا راه آن استقرار حکومت پلیسی و سرکوب شدید و احکام قرون وسطایی برای منتقدان، اعم از نویسنده، هنرمند، دانشجو، استاد دانشگاه، روزنامه‌نگار، فعال مدنی و سیاسی است؟

همزمان با سالگرد انتخابات ۲۲ خرداد؛
در راهپیمایی «سکوت» شرکت می‌کنیم

راهپیمائی "سکوت" که قرار است روز ۲۲ خرداد برگزار شود دارای ویژگی‌های زیر است که آن را نسبت به سایر راهپیمائی ها ممتاز می کند:

۱ – این راهپیمائی روی سه خواسته مشخص یعنی آزادی زندانیان سیاسی ، انتخابات آزاد و مقابله با بیکاری و گرانی که مورد تقاضای آحاد مردم است انگشت می گذارد. این خواسته ها نه خلاف قانون اساسی است و نه خلاف اسلام . بنابراین حاکمیت نمی‌تواند خدشه‌ای در مشروعیت و قانونیت مطالبات راهپیمایان وارد نماید .

۲– این راهپیمائی در پیاده‌روهای عریض خیابان ولیعصر انجام می‌شود ولذا هیچگونه اخلالی در حرکت اتومبیل ها و حمل و نقل بوجود نمی‌آورد .

۳ – این راهپیمائی زمان محدود و مشخصی دارد (۶ تا ۸ بعداز ظهر) و از مردم خواسته شده است که بلافاصله پس از اتمام راهپیمائی متفرق شوند. لذا امکان هر گونه سوء استفاده‌ای از تجمع و راهپیمائی مذکور مسدود شده است.

۴ – در این راهپیمائی هیچگونه شعار نوشتاری یا گفتاری وجود ندارد. در واقع مردمی که در این پیاده‌روی آرام شرکت می کنند خواسته های سه گانه خود را قبلا اعلان نموده و اینک با حضور خود و با لبان بسته آنرا تایید می کنند. علت اتخاذ این شیوه مسدود نمودن راه دولت کودتا در فریبکاری تبلیغاتی است. مردم ما شیفتهٔ«کارناوال عاشورا» در سال ۷۶ و پاره کردن عکس امام خمینی (ره) و توهین به امام حسین (ع) و ... را که همگی برای منحرف کردن خواست های بحق مردم بوده است را فراموش نکرده‌اند.

۵ – اگر چه این پیاده‌روی و راهپیمائی کاملا قانونی است و حاکمیت نه تنها نباید مزاحمتی تولید کند بلکه باید امنیت کامل راهپیمایان را فراهم آورد ، اما از آنجا که راهپیمایان هیچگونه علامتی نظیر پلاکارد ، نماد سبز ، شعار و... ندارند لذا به عنوان یک عابر عادی تلقی می‌شوند و با هیچ بهانه ای نمی‌توان آن ها را متهم کرد.

به امید آنکه همراهان سبز با توجه به شرایط حساسی که بر کشور می گذرد و برای شکستن خفقان حاکم، در این پیاده روی و یا راهپیمائی سکوت شرکت کنند و کلیه بستگان و دوستان در کلیه رده های سنی را برای شرکت در این راهپیمائی تشویق نمایند.

شورای هماهنگی راه امید هم پیش از این در بیانیه‌ای مردم را به پیوستن در راهپیمایی سکوت در پیاده‌روهای خیابان ولی‌عصر حد فاصل میدان ولی‌عصر تا میدان ونک دعوت کرده بود.

بانگ «الله اکبر» شنبه شب ساعت ۱۰

دو سال است که خدا را در آسمان های شهر فریاد می‌زنیم، دوسال است که مظلومیت ملتی را در آسمان ها جستجو می‌کنیم، دو سال است که یارنمان دربندند و مادرانمان سیاه پوش و پدرانمان چشم به در ...

آسمان این شهر پر از ندا شده است، پر از سهراب و این آخری هاله...

چهار ماه است که رهبرانمان دربند هستند و ما همچنان خدا را صدا می کنیم...

اینک در آستانه دومین سالگرد کودتای انتخاباتی سال ۸۸ قرار داریم، دوسال پیش در چنین شبی امیدوارانه منتظر صبح بودیم و الله و اکبر گویان در دل طلوع را انتظار می‌کشیدم

۲۲ خرداد آمد و الله اکبر های ما فریاد شد، ۲۲ خرداد آمد و سکوت ما فریاد شد و باز دوباره می‌خواهیم خدا را در چنین شبی فریاد کنیم چراکه خدا از دیکتاتور ها بزرگ تر است....

شب ۲۱ خرداد دوباره خدارا با همه عظمتش فریاد خواهیم زد، صدای الله اکبر ما دوباره گوش شب را کر خواهد کرد...

دانشجویان سبز دانشگاه های تهران:
همراه با مردم و دانشجویان در راهپیمایی ۲۲ خرداد شرکت می‌کنیم

ائتلاف دانشجویان سبز دانشگاه های تهران با حمایت از فراخوان شورای هماهنگی راه سبز امید از همگان دعوت کرده‌اند که در راهپیمایی ۲۲خرداد شرکت کنند.

در بخشی از این بیانیه آمده است: ما به عنوان ائتلاف دانشجویان سبز دانشگاه های تهران، از فراخوان شورای هماهنگی راه سبز امید جهت حفظ وحدت جنبش، در هر صورت، حمایت می‌کنیم. آن هم در شرایطی که فعالان سیاسی زندانی رجایی شهر نیز از آن حمایت کرده‌اند و مردم را به شرکت در ۲۲ خرداد دعوت نموده‌اند.

این دانشجویان در ادامه بیانیه خود آورده‌اند: متاسفانه به نظر می رسد که در ۲ سال اخیر مفهومی کاملا غریب و متفاوت از مبارزه مسالمت آمیز در اذهان شکل گرفته است. معنای مبارزه مسالمت آمیز ترس و فرار در هر موقعیت خطرناکی نیست، بلکه ایستادن و مقامت کردن اما خشونت به خرج ندادن است. این مفهوم احتیاج به تمرین و درک کردن دارد.

آنها مصداقی از رهبر هند هم در ارتباط با عدم خشونت طلبی آورده‌اند و می‌نویسند: یادمان باشد که گاندی به عنوان معلم مکتب عدم خشونت اولین کسی بود که همواره می‌ایستاد، مقاومت می‌کرد و مثال عینی تحمل رنج بود. تنها کسانی می‌توانند به مردم دست خالی تحت خشونت، درس مسالمت و عدم خشونت در عین مقاومت را دهند که خود در کنار مردم و دوشادوش آنان آماج خشونت باشند، اما دست به خشونت نزنند و با تحمل رنج، الگوی مقاومت مسالمت آمیز باشند.

این بیانیه تمامی مردم و دانشجویان را نیز به شرکت در این حرکت اعتراضی دعوت می‌کند و با جمله «ما زنده به آنیم که آرام نگیریم موجیم که آسودگی ما عدم ماست» متن خود را به پایان می‌رساند.

جوانان اصلاح طلب :
۲۲ خرداد پیمانمان با یکدیگر و زندانیان سیاسی را محکم‌تر می‌کنیم

جوانان اصلاح طلب با انتشار بیانیه ای از آحاد مردم خواستند در راهپیمایی سکوت ۲۲ خرداد شرکت کنند و خطاب به مردم ایران اعلام کردند: کودتاگران غافلند از اینکه جنبش سبزی که آغاز شده است و سر باز ایستادن ندارد وابسته به فرد نیست، از این روست که رهبران ما را حصر کرده اند، اما ما به آنها نشان دادیم که این حصر نه تنها از اراده مردم نکاسته است بلکه باعث تکثیر رهبران در جامعه شده است. ما در کنار هم برای رسیدن به خواسته‌های برحقمان بویژه پایان حصر یاران سبزمان میرحسین موسوی، زهرا رهنورد و مهدی کروبی سکوت نمی کنیم.

آنها درباره ماه خرداد نوشته‌اند: خرداد ماه پر حادثه ای برای کشور عزیزمان است، ماهی که تمام حادثه های خوبش حاصل با هم بودن ماست، حاصل ایستادگی و استواری ما و عزممان برای حفظ استقلال و آزادی و کرامتمان، و تمام حادثه های تلخش حاصل زیاده خواهی و بی‌اخلاقی فرصت طلبان شیفته قدرت و مدهوشان ثروت بوده‌است.

این جوانان به سَردادن بانگ الله اکبر در شب ۲۲ خرداد نیز اشاره دارند و می گویند: ما همراه هم در شب ۲۲ خرداد فریاد الله اکبر سر می‌دهیم، تا آنان که بر قدرت نظامی خویش تکیه کرده‌اند بدانند خدایی هست که بزرگیش در تصور نمی گنجد.

آنها در بخش دیگری از بیانیه اعلام کرده‌اند: ما دست در دست یکدیگر به خیابان می آییم تا پیمانمان با همدیگر و با زندانیان عزیزمان که در شرایط سخت زندان درکنار ما با صبوری مقاومت می کنند و نیز رهبران سبزمان که هرگز خواست به حق مردم را فدای هیچ مصلحتی نکرده اند محکمتر ببندیم.

اخبار کوتاه

دهمین روز اعتصاب غذای هدی صابر و دلیرثانی

اعتصاب غذای دو زندانی سیاسی ملی- مذهبی در اعتراض به شهادت هاله سحابی در مراسم تشییع پیکر پدرش وارد دهمین روز خود شد.

امیر خسرو دلیر ثانی و هدی صابر دو زندانی سیاسی ملی -مذهبی در بند ۳۵۰ زندان اوین از روزی که خبر شهادت هاله سحابی را در مراسم تشییع جنازه پدرش شنیدند دست به اعتصاب غذا زدند.

تمدن: گرد و غبار تهران چاره‌ای جز دعا ندارد!

استاندار تهران گفت: «کاری جز دعا برای مهار گرد و غبار تهران نمی توانیم انجام دهیم.»

مرتضی تمدن در گفتگو با مهر، در مورد ورود موج جدیدی از ریز گردها به پایتخت که موجب تشدید آلودگی هوای تهران شده گفت: «گرد و خاک آمده و هوا را آلوده کرده است باید دعا کنیم که انشاءالله این گرد و خاک هرچه زودتر برطرف شود.»

ورود کتاب درباره کودتا و دمکراسی به زندان ممنوع!

ارسال کتابهایی محمود دولت آبادی رمان نویس معروف ایرانی و کتابهای رشته جامعه شناسی و علوم سیاسی به زندان اوین ممنوع شد .

زندانیان بند ۳۵۰ زندان اوین که از هر گونه امکانات رفاهی در این بند محروم هستند به تازگی و با پی گیریهای خانواده های شان حق دارند تعدادی کتاب را به مسوولان زندان تحویل دهند تا ماموران زندان پس از بررسی آنها را به دست زندانیان برسانند، اما هر بار مسوولان زندان اوین قوانین جدیدی را برای تحویل کتاب وضع می کنند . این قوانین اغلب سلیقه ای اند و توسط مسوولان زندان اوین به خانواده ها ابلاغ می‌شوند.

احضار و بازجویی زندانیان شکایت کننده از سپاه و وزارت اطلاعات

همه ۲۶ زندانی سیاسی شکایت کننده از سپاه پاسداران و وزارت اطلاعات به دادسرای اوین احضار شده و مورد بازجویی قرار گرفتند. معاونت دادسرا از زندانیان خواسته است که این بیانیه را تکذیب کنند و گرنه به احکام زندان شان افزوده می شود.

هدف از این احضار و بازپرسی، نه پیگیری شکایت شاکیان، بلکه کشف چگونگی تهیه ی متن شکایت و انتشار آن و در صورت امکان منصرف کردن شاکیان از شکایت بوده است.

افزایش آمار بیمارهای سرطانی با افزایش آلودگی هوا

مدیرعامل مراکز معاینه فنی خودروهای تهران گفت: به دلیل افزایش آلاینده های هوا متاسفانه آمار بیمارهای سرطانی عجیب و غریب به صورت وحشتناکی رشد یافته است به طوری که پزشکان در این عرصه دچار شوک شده اند.

صدرالدین علیپور گفت: این هفته می تواند تلنگری باشد برای مسئولان تا با هم اندیشی و همفکری برای وضعیت اسفناک آلودگی هوا چاره ای بیندیشند.

لیلاز: تورم به ۲۵ تا ۳۰ درصد می رسد

سعید لیلاز، کارشناس مسائل اقتصادی، گفت: پیش بینی من این است که در سال جاری نرخ تورم بین ۲۵ تا ۳۰ درصد می رسد. البته در تیر و مرداد که ماههای توقف تورم در ایران است، این روند کند خواهد شدت اما در زمستان و از نیمه دوم سال، مجددا این رشد تورمی شدت خواهد گرفت.

کلمه
WWW.KALEME.COM
روزنامهٔ کلمه، شماره هفتاد و یکم، دوشنبه، ۲۳ خرداد ۱۳۹۰، ویژه‌نامهٔ شهادت هدی صابر

از مسئولان قضایی این پرسش را دارم که شما را چه شده است که این چنین در برابر بخش امنیتی خاضع و تسلیم شده‌اید، تا آنجا که حوزه‌های تحت اختیار خود را نیز دربست به حضرات سپرده‌اید و حیات و ممات و جسم و جان زندانیان شما ملک طلق آنها شده تا همچون خدایگان تصمیم به زندگی و مرگ و حبس و آزادی آنها بگیرند.

بخشی از نامه عزت‌الله سحابی
بعد از بازداشت هدی صابر، مرداد ۸۹

سرمقاله

آنان
به چرا مرگ خود آگاهان‌اند...

خبر کوتاه است: زندانی دیگری، از خیل صلح جویان و اصلاح طلبان، از جماعت شیفتگان «ایران فردا»، از زندان تن و از حبس مدعیان و غاصبان حکومت علی(ع) رهید.

این بار نه همچون عزت الله سحابی، از غم و رنج فرزندان‌اش در زندان‌ها، از درد و غم رواج ظلم و دروغ و تباهی و ویرانی در ایران، و نه چون هاله سحابی، از ظلم و حمله دژخیمان در تشییع پیکر پدرش، که با برگزیدن آخرین راه اعتراض یک انسان: اعتصاب غذا. تا با این آخرین راه اعتراض و فریاد، وقتی دست و پا و قلم و زبان‌ات را بسته اند و تمام آزادی‌ها و فریادها را از تو گرفته‌اند، با فریاد کردن سکوت خود از راه در خود شکستن، مظلومیت و حقانیت خود و راه سبزی را که برگزیده‌ای فریاد کنی.

آری، هدی صابر آزاد شد. در مملکتی که رهایی از زندان های‌اش جز به مرگی عزتمند حاصل نمی‌شود. آری، صابر به مقتدای‌اش حسین بن علی (ع) پیوست، که گفت «انی لا اری الموت الا السعاده، و لا حیات مع الظالمین الا برما». «صابر» بر درد و ظلم صبر کرد تا کارد به استخوان رسید و ظلم و وقاحت و قساوت را حدی نماند و آنگاه جسم خود را دستمایه مبارزه و فریادش کرد و زندان شکست و رفت، تا در دو سالگی خرداد سبز ۸۸ به عزت‌ها و هاله‌ها بپیوندد. زندان شکست و رفت تا یاد مبارزان راه آزادی را زنده کند، تا خیابان های ایران از این پس نام «بابی ساندزها» و «هدی صابرها»ی راه آزادی و مقاومت را با هم به شکوه و بزرگی ببرند، که مبارک باد نام تو! تا نشانمان دهد که «هاله» ها و «صابر»ها –نام‌هایی که دیگر نمادین نیستند و نام ستاره های واقعی آسمان خرداد سرخ راه سبز این میهن اند– «به چرا مرگ خود آگاهان» اند و این ماییم که در فقدان عاشق ترین زندگان این روزها، تنها مانده با نامردمان بی‌آبرویی که بر ما به زور سرنیزه و به نیروی سرکوب حکومت می‌کنند، مرده‌ترین مردگان‌ایم.

تا به حاکمان بی شرم این سرزمین نشان دهد صدای سکوت اعتراض او بلندترین فریادها است. حاکمانی که در منابر عمومی هاله‌های توهم‌شان را به رخ جهانیان می‌کشند، در حالی که هاله‌های واقعی معنویت در خیابان های شهرهایشان زیر دست و پای حرامیان له می‌شود و با این که به مجلس ترحیمی هم برایشان اجازه نمی‌دهند، نام شان را و داغ شان را همه در کوچه و بازار تکرار می‌کنند.

حاکمانی که از رسانه های میلیاردی فریاد آزادی خواهی و مقاومت سر می‌دهند و از دشمن مخالف حقوق بشر و ظالم و متجاوز می‌گویند و نام بابی ساندزها را بر خیابان های شان می‌گذارند، در حالی که نه مخالفان و مبارزان، که ملایم ترین و صلح جوترین منتقدان و معترضان شان خود در زندان ها و سیاه چال هایشان بر اثر «مشکلات قلبی» خودکشانده می‌شوند. غافل از این که باز این صدای سکوت و اعتراض است که بلندتر از تمام فریادهای دروغین و ریایی آنها شنیده می‌شود. صدایی که کوشیدند در حبس تن و زبان و اندیشه خاموش اش کنند، اما عاشق ترین زندگان با بذل جان خود حربه ی حبس شان را نیز بی اثر کردند.

اعتصاب کرد تا مانع تکرار بیدادگری علیه انسان‌های بی‌دفاع شود
هدی صابر، زندانی سیاسی در پی اعتصاب غذا جان باخت

رضا هدی صابر روزنامه نگار، و فعال سیاسی که از زندانیان پس از انتخابات بود در پی اعتصاب غذا و حمله قلبی درگذشت.

بر اساس مستندات موجود از پرونده پزشکی وی، صابر در ساعت ۴:۳۰ دقیقه بامداد روز جمعه از درد قلب و درد در ناحیه سینه ابراز ناراحتی می کند، اما مسئولان زندان به آن بی توجهی می کنند. اما در ساعت ۱۰:۳۰ دقیقه به دلیل شدت درد وی را به بیمارستان مدرس تهران منتقل می کنند و حدودا در ساعت ۱۲:۳۰ وی جان به جان آفرین تسلیم می نماید.

پزشکان در این خصوص گفته اند که ۶ ساعت اول کسانی که در ناحیه سینه ابراز درد می کنند به golden time معروف است و متاسفانه برای هدی صابر این زمان به علت بی مبالاتی مسئولان زندان از دست رفته است.

بر اساس این گزارش دریافتی، هدی صابر روز گذشته دو بار انژوکت شده و تلاش می شود تا رگهایش باز شود که متاسفانه بی نتیجه بوده است.

هدی صابر و امیرخسرو دلیر ثانی دو فعال ملی – مذهبی در پی شهادت هاله سحابی اعلام کرده بودند که در اعتراض به فاجعه روز چهارشنبه ۱۱ خرداد ماه ۹۰ و تهاجم منجر به مرگ فرزند اول سحابی بزرگ که مادرصفت و خواهرگونه در خدمت مردمان و آسیب دیدگان وقایع دو سال اخیر میهن بود، از غروب پنجشنبه ۱۲ خرداد ماه در بند ۳۵۰ زندان اوین بدون طرح هیچ گونه مطالبه و خواسته شخصی، دست به اعتصاب غذای‌تر می‌زنیم.

آنها گفته بودند شاید این اقدام ما به سهم خود در شرایط وانفسای وطن مصدق – سحابی، مانع از تکرار این بیدادگری‌ها علیه انسان‌های بی‌دفاع شود.

هدی صابر روزنامه نگار، مترجم، و فعال ملی مذهبی و از گردانندگان مجله توقیف شده «ایران فردا» بود. وی از ۱۰ سال پیش بارها به زندان افتاده بود که آخرین بار آن مرداد سال گذشته بود. وی در این مدت بدون تفهیم اتهام به زندان اوین منتقل شد تا اینکه در پی اعتصاب غذا برای همیشه آزاد شد.

فریاد همسر صابر مقابل بیمارستان مدرس:
جنازه را تحویلمان بدهید

«جنازه را تحویل مان بدهید.» این فریادهای همسر هدی صابر در مقابل بیمارستان مدرس تهران است .

بر اساس گزارش رسیده، از مقابل بیمارستان مدرس در نزدیکی سعادت‌آباد تهران تعداد زیادی از افراد خانواده، دوستان و فعالان مدنی این روزنامه‌نگار مقابل این بیمارستان تجمع کرده‌اند. خانواده هدی صابر مدام فریاد می‌زنند که جنازه را تحویل‌مان بدهید اما تنها جوابی که می شنوند فریادهای فردی است که خود را قاضی کشیک معرفی می کند و می گوید که خانواده از آنجا دور شوند.

همچنین خبر می‌رسد جمعیت حاضر مقابل بیمارستان فریاد الله اکبر سر می‌دهند.

انتقال پیکر هدی صابر به پزشکی قانونی

ماموران امنیتی جنازه هدی صابر را از مقابل بیمارستان مدرس تهران به آمبولانسی منتقل کرده و گفتند که او را به پزشکی قانونی منتقل می کنند. آنها حاضر نشدند جنازه را به خانواده تحویل بدهند .

نیروهای گارد ضد شورش و نیروی انتظامی دور تا دور بیمارستان را محاصره کرده اند . فرزند و همسر هدی صابر با اصرار زیاد خود را به آمبولانس رسانده و اعلام کردند که باید آنها را نیز با خود به جایی ببرند که پیکر عزیزان شان را منتقل می کنند .

جمعیت زیادی مقابل بیمارستان مدرس گرد آمده اند و فریاد الله اکبر به گوش می رسد . خواهران صابر با ماموران نیروی انتظامی درگیر شده است .

شکایت خانواده از مسئولان زندان

قاضی کشیک پرونده‌های جنایی در بیمارستان حاضر و اظهارات خانواده و وکیل وی آقای شریف را ضبط کرده است. خانواده و وکیل درخواست رسیدگی به این موضوع را دارند که اولا چرا اقدامات پزشکی دیر انجام شده است و ثانیا چرا به خانواده هیچ خبری داده نشده است. این در حالی که ساعتها از مرگ وی گذشته.

گفته می شود که خانواده هدی صابر با کالبد شکافی مخالفت کرده‌اند. خانواده شهید صابر خواستار در اختیار گرفتن پیکر شده اند و دادخواست شکایت خود را عنوان کرده اند.

سیدمحمد خاتمی: مرگ هدی صابر «تلخ و سنگین» بود

در نخستین واکنش‌ها به مرگ هدی صابر، سیدمحمد خاتمی، در پیام تسلیتی به فیروزه صابر خواهر هدی صابر درگذشت آقای صابر را تسلیت گفت و از آن به عنوان رویدادی «تلخ و سنگین» یاد کرد.

در ابتدای پیام سیدمحمد خاتمی خطاب به خانواده هدی صابر آمده است: خبر تلخ و سنگین بود. هدی صابر به دیدار معشوق و معبود خود شتافت. انسانی که با ایمان زندگی کرد و بندگی خدا را با دلسوزی نسبت به همه بندگان خدا و خدمت به آنان و نگاهداشت حق و حرمتشان پاس می داشت و از تحمل رنج و محرومیت در جهت باورهای خود ابا نداشت.

وی سپس تسلیت خود را اینگونه بیان کرد: من این مصیبت را به سرکار عالی به خاندان محترم صابر و همسر باوفایایشان سرکار خانم فریده جمشیدی و به فرزندان عزیزش و به همه بستگان داغدار تسلیت عرض می کنم و از خداوند منان برای ایشان آمرزش و رحمت الهی و برای بازماندگان معززصبر و اجر و سلامتی مسألت می‌کنم.

شورای هماهنگی راه سبز امید:
شهادت هدی صابر جدیدترین سند فرعونیت حاکم بر کشور است

شورای هماهنگی راه سبز در پیام تسلیتی به مناسبت شهادت هدی صابر نوشته است:

سالروز ۲۲ خرداد با خبر بس ناگوار شهادت یاور مومن و آزاده جنبش دموکراسی‌خواهی و حق‌طلبی مردم ایران همراه شد. هدی صابر، از صادق‌ترین ظلم‌ستیزان، از جمع آزادگان میهن پرکشید و رفت. این فعال ملی-مذهبی، روزنامه‌نگار، قرآن پژوه و فعال جامعه مدنی، از مبارزانی بود که دغدغه آزادی و آبادی و عزت ایران داشت و در این راه جان داد.

این شورا در بخشی از پیام خود شهادت هدی صابر را جدیدترین سند مظلومیت ایرانیان و فرعونیت حاکم بر کشور برشمرد و گفت: اقتدارگرایان حاکم بر کشور چه توضیحی برای جان باختن مظلومانه نخبگان و فرزندان صالح این سرزمین دارد؟

شورای هماهنگی راه سبز امید به همراهان جنبش سبز یادآور شد و از همگان خواست تا در بزرگداشت شهید جدید جنبش سبز به قدر توان بکوشند و راهش را با شجاعت استقامت و پایداری ادامه دهند.

اسم چرچیل را برگردانید...

علی معینی نویسنده وبلاگ «راز سر به مهر» با مقایسه بابی ساندز زندانی سیاسی اعتصاب کننده غذا با هدی صابر که بر اثر اعتصاب غذا درگذشت نوشته است:

امروز بیست و دو خرداد سال ۱۳۹۰ هجری خورشیدی... هدی صابر هم رفت. یعنی دیروز رفت. الان باید توی سردخانه بیمارستان مدرس باشد... این روزنامه‌نگار زندانی که از مرداد سال گذشته برای چندمین‌بار بازداشت شده بوده چند وقت پیش در اوین و در اعتراض به مرگ هاله سحابی که پس از حمله به مراسم تشییع عزت‌الله سحابی جان باخته بود دست به اعتصاب غذا زده بود...

روزگاری «آدمکش» فحش بود... یعنی روزگاری بود... یعنی درست سی سال قبل، اردیبهشت سال ۱۳۶۰، بابی ساندز پس از ۶۶ روز اعتصاب غذا در زندانی در انگلیس مُرد... او عضو ارتش جمهوری‌خواه ایرلند بود... یعنی روزگاری داشتیم... این قدر ما ناراحت شدیم که نگو، وقتی بابی ساندز رفت... اسم خیابون «چرچیل» رو عوض کردیم و گذاشتیم: «بابی ساندز»، توی تهران... روزگاری بود، این‌جور خبرها ناراحت‌مون می‌کرد... امروز بیست و دو خرداد سال ۱۳۹۰، لطفا اسم چرچیل را برگردانید سر جایش.

یک بغض سنگین... چه سال سهمگینی... روزگاری «آدمکش» فحش بود و ما بابی ساندز را خیلی دوست داشتیم.

کلمه
WWW.KALEME.COM
روزنامهٔ کلمه، شماره هفتاد و دوم، دوشنبه، ۲۳ خرداد ۱۳۹۰، ویژه‌نامهٔ راهپیمایی ۲۲ خرداد

همزمان با دومین سالگرد انتخابات؛

خیابان ولی‌عصر از سکوت سرشار شد

دیروز در پیاده روهای تهران مردم با فریادی که در چشمانشان سر به آسمان می‌گذارد سالگرد دزدیده شدن رای‌شان را به یاد حاکمیت آوردند. بازداشت‌های گسترده، امنیتی کردن فضای شهر و حضور سنگین نیروهای نظامی، امنیتی واکنش حکومت در برابر راهپیمایی ده‌ها هزار نفری مردم تهران بود، راهپیمایی‌ای که در سکوت کامل انجام شد.

این راهپیمایی دیروز بعد از ظهر از میدان ولی عصرتهران به سمت میدان ونک برگزار شد.

به گزارش خبرنگار کلمه، این راهپیمایی بار دیگر به مردم یادآوری می‌کرد که دوسال پیش در چنین روزی حکومت به صورت گسترده در انتخابات ریاست جمهوری تقلب کرده است. آنها با حضور خود به حاکمیت نیز اتفاقات دو سال پیش را یادآوری می‌کردند و نیز یادآوری کردند که پس از دو سال سرکوب و ارعاب و کتک زدن مردم این تعداد جمعیت را باید جدی بگیرند چرا که آنها و ده‌ها برابر این جمعیت مطالباتشان را فراموش نکرده‌اند. مردم در سکوت آرامش این راهپیمایی سکوت را انجام دادند. حضور مردم پررنگ بود و تا ساعت‌ها پیاده روهای خیابان ولی‌عصر با گام‌های آرام مردم پر و خالی می‌شد.

طبق معمول همیشه و روال دو سال گذشته همه جای این مسیر و حتی در جاهایی غیر از این مسیر نیروهای امنیتی و انتظامی حضور پر رنگ داشتند و مردم را با خشم و غضب نگاه می‌کردند، مردمی که در این روز تنها کلام ارتباطی شان با یکدیگر لبخند بود آنها به یکدیگر لبخندهای معنی‌دار می‌زدند . وقتی مردم برای استراحت کردن گوشه ای را انتخاب می‌کردند یا حرکت شان را کمی کند می‌کردند خیلی زود نیروهای امنیتی، بسیج و انتظامی و... به مردم نزدیک می‌شدند و می‌گفتند حق توقف ندارند. آنها در اعتراض مردم که می‌گفتند ما فقط در حال استراحت هستیم اغلب با خشم این ماموران روبرو می‌شدند که تهدید کنان از مردم می‌خواستند زودتر حرکت کنند. کلماتی چون حرکت کن ، نایست و زودتر برو مدام بر زبان آنان جاری بود.

مانور وحشت هم در خیابان‌های شهر جریان داشت موتور سوارانی که با صدای بلند در خیابان حرکت می‌کردند و موتورهایشان صدای عجیبی می‌کرد. آنها همچنین با باتوم هایشان بر میله های فلزی خیابان می‌کشیدند تا با ایجاد این صدای بلند مردم را بترسانند.

از همان ابتدای شروع تظاهرات بازداشت معترضان آغاز شد. آنها حتی سکوت یک معترض را هم تحمل نمی‌کردند و هر کس را که دلشان می‌خواست صدا می‌کردند و بعد از چند لحظه ای بگو و مگو به داخل خودرو هایشان می‌راندند. هر چند همه مردم به این بازداشت‌ها اعتراض می‌کردند، اما اغلب بازداشت شدگان در آرامش کامل بودند. پلیس بی توجه به اعتراض مردم ، معترضان را می‌برد .

در حد فاصل این خیابان بارها درگیری‌های رخ داد. درگیری‌های که با تحریک ماموران حکومت انجام می‌شد چرا که مردم فقط در سکوت راه می‌رفتند و هیچکس شعار نمی‌داد. آنها هر جا که جمعیت را کمی به هم فشرده تر و متمرکز تر می دیدند به آنها حمله می‌بردند و با شوکر و باتوم به جان شان می‌افتادند و بعد هم جمعیت زیادی را بازداشت و می‌بردند . روبروی پارک ساعی و بعد از بیمارستان دی دیروز چنین درگیری‌هایی رخ داد.

بعد از بیمارستان دی در خیابان ولی‌عصر تهران دو مینی‌بوس قدیمی که روی آنها نوشته شده بود شهرداری تهران و توسط نیروهای لباس شخصی اداره می شد پر بود از زنان و مردانی که فقط در پیاده روهای خیابان ولی عصر راه پیمایی سکوت می کردند. یکی از مینی بوس ها با مردان و پسران جوان پر شده بود و دیگری با زنان. نه تنها تمام صندلی های این دو مینی بوس پر بود که تمام ماشین هم پر از بازداشت شدگان بود و حتی دیگر جایی برای ایستادن نداشت. نیروهای بسیج و لباس شخصی به اعتراض دستگیر شدگان هیچ توجهی نمی‌کردند و به زور بقیه دستگیر شدگان را هم در مینی بوسی که حالا دو برابر ظرفیتش مسافر داشت سوار می کردند.

ون‌های نیروی انتظامی هم همین طور بود و اینجا و آنجا پر از معترضان شده بودند و مردم با تعجب می‌پرسیدند چرا آنقدر بازداشت می‌کنند ؟ مگر ما چه کار می‌کنیم؟ ما که فقط در آرامش راه پیمایی می کنیم؟

نیروهای امنیتی و انتظامی همین طور مردم را به نوعی تحریک به شعار دادن می کردن مثلا در جاهایی فریاد الله اکبر سر می دادند تا ببینند مردم چه عکس العملی نشان می دهند مردم اما با سکوت و لبخند به این رفتارها پاسخ می دادند . مردم دیروز با آرامش عجیبی همه چیز را نظاره می کردند

خبرهای رسیده به کلمه نیز حاکی است بسیاری از بازداشت شدگان آزاد شده اند.

حاشیه‌ها

–دیروز نیروهای بسیج با جلیقه های پلنگی، ماموران سپاه با جلیقه هایی خاکی رنگ که بر پشت بیشتر آنها نوشته شده بود سپاه منطقه بهشتی، ماموران یگان امداد با لباسهای سراپا مشکی ، لباس شخص‌ها، ماموران وزارت اطلاعات، ماموران گارد ضد شورش و نیروی انتظامی در همه جای خیابان ولی عصر دیده می شدند .

– بازهم حضور جوانان موسوم به بسیجی که کمتر از پانزده سال داشتند در خیابانهای شهر مشهود بود. جوانانی که لابه لای جمعیت می چرخیدند و سعی می کردند به حرفهای تظاهرات کنندگان گوش دهند و با اطلاع به مافوق شان خودی نشان دهند.

– فیلمبرداری از تظاهرات کنندگان به صورت علنی انجام می شد . ماموران امنیتی از همه مردمی که در خیابانها پیاده روی می کردند با آرامش تمام فیلمبرداری می کردند و در اعتراض مردم هم هیچ پاسخی نمی دادند.

–هر کس لباس یا نماد سبز رنگی با خود همراه داشت دستگیر می شد. چند پسر جوان با تی شرت سبز بازداشت شدند. یکی از ماموران لباس شخصی سر یکی از این جوانان را به در خودرویی که قرار بود سوار آن شود کوبید وبا عصبانیت گفت دیگر موسوی و رنگ سبزش برای همیشه مرده است . او این جوان را داخل مینی بوسی کرد که پر از جوانان معترض بازداشت شده بود.

– دیروز حضور زنان و مردان مسن بسیار پر رنگ بود و مثل همیشه زنان در این تجمع هم حضور پرنگ تری داشتند.

–ترافیک شدید و بوقهای ممتد در خیابان ولی عصر به شدت چشمگیر بود .معترضان هرگز در این خیابان این همه اتومبیل و جمعیت ندیده بودند.

– برخی خیابانها برای تردد موتور سواران معمولی بسته شده بود یکی از این موتور سواران رو به ماموران نیروی انتظامی فریاد زد ما هم از خودتان هستیم آمده ایم تا کتک بزنیم!

– دیروز پیرمردی که از شهروندان معترض بود و به کندی حرکت می کرد و در پاسخ بدو و تند حرکت کن نیروهای امنیتی به آنها گفت که یک خس و خاشاک که این همه ترس ندارد، آن مامور به سوی پیرمرد حمله کرد تا بازداشتش کند اما با اعتراض شدید مردم مواجه شد و آنها او را رها کردند.

گزارش‌هایی که مردم در شبکه‌های اجتماعی درباره راهپیمایی سکوت دادند

خیابان های محدوده میدان ولی عصر تا ونک روز گذشته حال و هوای دیگری داشتند. حال و هوای اعتراض اما در سکوت.

مردم دیروز در قالب شهروند – خبرنگارهای ماهر مشاهدات خود را بلافاصله در شبکه های اجتماعی به اشتراک گذاشتند بخش کوچکی از این مشاهدات ارائه می شود:

همین که دیدم هنوز هستیم

از چهارا ولیعصر تا میرداماد انواع و اقسام مامور در طرح‌ها و رنگهای مختلف وایساده بودند. مردم خیلی زیاد بودند. برای خودشون را میرفتند. یه خانومایی کنار خیابون نشسته بودند تخمه می‌شکوندند. یه عالمه پیرزن پیرمرد دیدم.

سر زرتشت چندتا ماشین پارک بود. آدمارو بی‌خود سوار می‌کردند. سر فاطمی یه پسره رو کتک زدن و سوار ماشین کردن

نزدیکای ونک هم یه خانوم مسن رو گرفتن با یه پسره جوون.

همه خوشحال بودند که آنقدر آدم تو خیابونه. منم خوشحالم. خیلی زیاد بودن آدما. گور بابای شعار و فلان. همین‌که دیدم هنوز هستیم خوبم.

مثل روزهای اول

بهتر از صبحم و امیدوار، با لباس سیاه عزا رفتم، همه بودند، کوچه های منتهی به گاندی را هم بسته بودند، آدم ها همه خوشحال بودند، خانم مسنی نان سنگک تعارفمان می کرد، گاردی ها برای خودشان بستنی می خوردند، چپ چپ نگاهمان می کردند، لباس هایشان دیروز عجیب بود، سوار بر موتور در خیابان ولیعصر پرچم یا مهدی و یا ابوالفضل بالای سر می چرخاندند و عده ای هم فیلمبرداری می‌کردند، زیاد بودیم، مثل روزهای اول، مثل روزهایی که هنوز امیدوار بودیم...

امروز ما و آنها

امروز آنها ما را کتک زدند، ماهم خوب کتک خوردیم.

امروز آنها گاز اشک‌آور میزدند، ما هم خوب گریه می‌کردیم.

امروز آنها دستگیر می‌کردند، ما هم خوب دستگیر می‌شدیم.

آشتی صدا با سکوت

اینجا تهران است پیاده روهای خیابان ولیعصر حد فاصل پارک ساعی تا میدان ونک. اینجا تهران است ؛ اینجا صدا با سکوت آشتی می کند (با عرض معذرت از آقای شاملو) اینجا در پیاده روهای تهران مردم با فریادی که در چشمانشان سر به آسمان می گذارد سالگرد دزدیده شدن رای شان را به یاد حاکمیت می‌آورند.

زنده باد مردم

بدون اغراق جمعیت عابر در پیاده‌رو های خیابان ولیعصر از میدان ولیعصر تا میدان ونک بیش از بیست برابر روزهای عادی بود.

زنده باد مردم. زنده باد مردم. زنده باد مردم.

حضور صدها هزار نفری مردم در روز بیست دو خرداد دوباره این روز را به نام «ما» ثبت کرد. از کوچه‌های وزرا که به سمت ولیعصر می‌آمدیم، وقتی در مردم گم می‌شدیم، آرام بودیم و مغرور. ذلت سرکوبگران ترحم برانگیز بود. به همه این پیروزی رو تبریک می‌گم.

لباس شخصی‌ها

خطوط ویژه اتوبوس و خط‌های حرکت ماشین‌های شخصی به جولان‌گاه لباس شخصی‌های موتور سوار تبدیل شده بودند، ترکیب موتور سوارها شامل لباس شخصی. نیروهای گارد با لباس‌های مشکی و کلاه کج‌ها با باتوم‌های حمایل به پشت و گاز اشک آور و گاه موتور سوارهای لباس خاکی.

استقرار نیروهای لباس شخصی، بسیج و گارد پیاده در هر دو طرف پیاده روهای خیابان ولی عصر قابل رویت بود و عده‌ای از لباس شخصی‌ها با دوربین‌های آماتوری از جمعیت عابران فیلمبرداری می‌کردند. حضور نیروهای پیاده نظام و مستقر در دو طرف خیابان ولی عصر در محدوده توانیر و پل همت چند برابر می‌شد. ارتفاعات و پارک نزدیک توانیر کاملا در اشغال نیروهای لباس شخصی بود و امکان عکس برداری یا فیلمبرداری به کسی از این بلندی‌ها داده نمی‌شد.

کلمه
WWW.KALEME.COM
روزنامهٔ کلمه، شماره هفتاد و سوم، چهارشنبه، ۲۵ خرداد ۱۳۹۰

تهمت بی دینی و همراهی با قدرت‌های بیگانه و جریانهای منحوسی چون منافقین به فرض آنکه به حذف فیزیکی تعدادی از خدمتگزاران اسلام و مردم منتهی شود ناشی از چشم بستن به ماهیت مشکلات ملی کشور است. به عنوان یک دلسوز می گویم منافقین با خیانت ها و جنایت های خود مرده اند، شما برای کسب امتیازهای جناحی و کینه ورزی آنها را زنده نکنید.

میرحسین موسوی، بیانیه ۱۷

سرمقاله

خطر خیلی نزدیک است

مردی، در اعتراض به شهادت بانویی در تشییع پیکر پدرش، همراه با مرد دیگری اعتصاب غذا کرد. همان‌گونه که آن پدر پیش‌بینی کرده بود که او «تا آخر خط خواهد رفت»، با وجود این‌که ابَرمرد چندین مرتبه نسبت به وضعیت قلبش به زندان‌بان هشدار داده بود، رسیدگی به وضعیتش را آن‌قدر طول دادند تا او را شهید کردند، به آخر خطّش رساندند. شهادتش مبارک که شیفته شهادت بود و در این ماهِ خونین پر کشید.

هُدی صابر را که به هیچ معترض بود و تنها هدفش این بود که وضعیت به گونه‌ای به‌تر شود که دیگر شاهد فاجعه‌ای چون شهادت هاله سحابی نباشیم، به سادگی هرچه تمام‌تر به شهادت رساندند و رسانه‌های‌شان با بی‌شرمی هرچه بیش‌تر ادّعا کردند او به دلیل عارضه‌ی قلبی –گویی روی‌دادی رخ نداده و مرگ، طبیعی بوده است– فوت کرده است. چنین خبر شوک‌آوری مرا از پا درآورد، حتّی تاب اشک‌ریختن نداشتم، تنها تب بود که گریبانم را گرفت.

آنچه برجای مانده است ترس است، هراسی که یک‌دم آسوده‌ام نمی‌گذارد. من از این وضعیت می‌ترسم، از حجم دروغ‌گویی و بی‌شرمی و ناپاسخ‌گویی، از این‌همه خبر بد، از قتل یک اعتصاب‌کرده تا این‌که به باغی شخصی در اصفهان حمله می‌شود و دست مردان را می‌بندند و حبس‌شان می‌کنند و به همسران‌شان تجاوز می‌کنند و نیروی انتظامی می‌گوید دلیل تجاوز بی‌حجابی زنان بوده و امام جمعه‌ی اصفهان می‌گوید آن‌ها آدم‌های علیه‌السّلامی نبوده‌اند، از هجوم بی‌رحم نومیدی و نفرت، از رخنه‌ی موذیانه‌ی بی‌تفاوتی، می‌ترسم، خیلی می‌ترسم.

من برای آینده‌ی این کشور نگران‌ام، خیلی نگران‌ام. برای آینده‌ی نه‌چندان دوری که دیگر حرفی از اصلاح و حرکت در چارچوب قانون اساسی و مبارزه‌ی مسالمت‌آمیز نیست نگران‌ام؛ چنین آینده‌ای جز خون، چیزی جز ویرانی و تَرَک‌تازی فرصت‌طلبان کفتارصفتی که منتظراند خشم مردم لب‌ریز شود تا بار خود از این سرزمین بندند، نخواهد داشت. من از روزی که خشم فروخورده‌ی مردم فوران کند و آتشی به پا شود که هیچ‌کس را یارای خاموشی آن نباشد و عقل خاموش شود و آتش همه‌چیز را بسوزاند و ویران کند، می‌ترسم.

برای آینده‌ای که مردم صبر از کف خواهند داد نگران‌ام؛ مردمی که هرروز سفره‌ی‌شان کوچک‌تر می‌شود و معاش‌شان تنگ‌تر. من برای آینده‌ای که با تداوم این اوضاع فقط سیاهی‌ست نگران‌ام، آینده‌ای که خیلی دارد نزدیک می‌شود، آینده‌ای دردناک و خون‌بار و دهشت‌ناک.

وحشت من از روزهایی‌ست که هیچ‌چیز جلودار مردم نباشد و حکومت در خون فرو بریزد. این روند، اگر اصلاح نشود، اگر به فوران خشم مردم بیانجامد، چنان بحرانی ایجاد خواهد کرد که حتّی فکرش نیز وحشت‌ناک است.

دلسوزانه به حاکمان می گویم اگر به بقای خود و حیات این کشور علاقه‌مندند، هرچه زودتر رویّه‌اش را دگرگون کنند، زندانیان سیاسی، به‌ویژه آقایان موسوی و کرّوبی و همسران‌شان را، آزاد کنند، آزادی‌های مصرّح در قانون اساسی را تضمین کنند، برگزاری انتخابات سالم و آزاد را متعهّد شوند، جلوی دخالت بی‌حدّ نظامیان را در همه‌ی عرصه‌های سیاسی و اقتصادی کشور بگیرند، آرامش را در کشور، به‌دور از فضاسازی‌های امنیتی و نظامی حاکم کنند، راه‌کاری عملی و واقعی کارشناسی‌شده، با مشاوره‌ی کارشناسان زبده و بدون هیاهوهای رسانه‌ای پوچ، برای وضعیت اقتصادی کشور در پیش بگیرند و خِرَد را جای‌گزین بی‌خِرَدی در اداره‌ی کشور کنند.

باور کنید خطرِ خیلی نزدیک است.

شهادت‌نامه بیش از ۶۰ زندانی سیاسی درباره چگونگی جان‌باختن هدی صابر

بیش از ۶۰ زندانی سیاسی بند ۳۵۰ زندان اوین با ارسال شهادت نامه‌ای، شهادت دادند که شهید هدی صابر در هشتمین روز اعتصاب غذای خود در بهداری زندان اوین از سوی ماموران امنیتی و اطلاعاتی که حدس می‌زنند ماموران امنیتی و اطلاعاتی بوده‌اند، به شدت مورد ضرب و شتم قرار گرفته است. آنها شرایط بد جسمانی وی را از نزدیک شاهد بوده‌اند.

متن این شهادت نامه به شرح زیر است:

هدی رضازاده صابر ، زندانی سیاسی ، ۲۲ خرداد ۱۳۹۰ در پی اعتصاب غذای نامحدود و عدم رسیدگی مسوولان به شهادت رسید ما هم بندان او و امضا کنندگان این بیانیه که در طول یک سال گذشته در کنار وی حضور داشته‌ایم به اطلاع عموم ملت ایران می‌رسانیم و شهادت می‌دهیم :

روز پنج‌شنبه ۱۲ خردادماه ۱۳۹۰ در پی انتشار خبر شهادت هاله سحابی از زندانیان سیاسی که در مرخصی به سر می‌بردند در حالی‌که آقای هدی صابر همچنان عزادار و متاثر از درگذشت مرحوم عزت الله سحابی رییس شورای فعالان ملی –مذهبی بود در اعتراض به این ظلم و تعدی آشکار پس از اقامه نماز ظهر و عصر در حیاط بند ۳۵۰ زندان اوین اعتصاب غذای نامحدود خود را همراه با آقای امیر خسرو دلیر ثانی ضمن انتشار بیانیه ای آغاز کردند و به آگاهی عموم نیز رساندند .

ما شهادت می‌دهیم که هدی صابر روزانه علاوه بر مطالعه کتاب، قرائت قرآن و برگزاری کلاس‌های تاریخ همواره مدت قابل توجهی به ورزش اختصاص می‌داد به طوری که در مسابقات ورزشی بند ۳۵۰ همپای جوانان مشارکت می کرد.

ما شهادت می‌دهیم هدی صابر در طی مدت یک سال گذشته هیچ‌گونه عارضه و بیماری نداشت که طبعا سوابق موجود در پرونده بهداری زندان نیز موید همین نکته خواهد بود.

ما شهادت می‌دهیم هدی صابر در هشتمین روز اعتصاب غذای خود دچار درد در ناحیه سینه و اختلال در سیستم گوارشی شد که در ساعت چهار بامداد جمعه ۲۰ خردادماه برای نخستین بار به بهداری مستقر در زندان اوین جنب بند ۳۵۰ منتقل شد اما دو ساعت بعد در حالی که از درد به خود می‌پیچید به بند بازگردانده شد و از صدای فریاد او هم اتاقی هایش بیدار شده و دور او حلقه زدند در این هنگام صابر گفت :«در بهداری نه تنها هیچ رسیدگی به وضعیتم نشد بلکه مورد ضرب و شتم و توهین قرار گرفته‌ام و توسط ماموورانی در لباس پرسنل بهداری از اتاق درمان بیرون انداخته شده‌ام .»

ما شهادت می‌دهیم هدی صابر که از درد به شدت می‌لرزید و به خود می‌پیچید در اتاق یک بند ۳۵۰ با صدای بلند اعلام کرد که: «از دست آنها شکایت خواهم کرد.»

در این هنگام و در پی اعتراض هم بندان وی، افسر نگهبان دوباره مقدمات اعزام وی به بهداری را فراهم کرد اما این بار صابر با تکرار اعتراض خود نسبت به برخورد و عملکرد ماموران بهداری گفت: «من به آنها اطمینان ندارم که سپس افسر نگهبان وعده داد تلاش کند او را به بیمارستان خارج از اوین منتقل کنند.»

ما شهادت می‌دهیم در این هنگام هدی صابر در حالی که توان ایستادن بر روی پاهای خود را نداشت با برانکارد به خارج از بند منتقل شد در این آخرین ساعت حضور در بند وضع گوارشی او به شدت بحرانی بود و بارها گفت دچار اسهال و حالت تهوع شدید شده است.

ملت عزیز ایران

آنچه نقل شد گزارش آخرین ساعات حضور شهید هدی صابر در بند عمومی ۳۵۰ زندان اوین بود. اما اینک که حکومت اعتراض به جنایتی را با جنایتی دیگر پاسخ گفت ما قاطعانه اعلام می‌داریم حاکمیت کنونی مسوول مستقیم مرگ شهید صابر است. این حادثه ناگوار اولین نبوده و با ادامه ی وضع کنونی آخرین هم نخواهد بود.

گرچه رسیدگی دقیق به پرونده اغلب زندانیان سیاسی نشان از بی‌داد و تضییع گسترده حقوق آنان در دادرسی‌ها دارد اما هدی صابر قریب به یک سال بدون هیچ‌گونه قرار قانونی و محکومیت و به شکلی کاملا خودسرانه با اعمال زور و قدرت نمایی برخی نهادهای امنیتی در برابر چشمان همه دستگاه های مسوول در زندان به سر می‌برد و هیچ‌کس پاسخگوی این سوال نبود که اصلا او چرا و با کدام توجیه قانونی در زندان به سر می‌برد و البته که مدت محکومیت او مدت‌ها پیش از دستگیری اخیر منقضی شده بود. حبس خودسرانه و غیر قانونی صابر به تنهایی برای سلب مشروعیت دستگاه قضایی و اثبات عدم استقلال آن و مقهوریت نسبت به نهادهای امنیتی کفایت می‌کند و در این شرایط نه فقط شهروندان خارج از زندان که بیش از همه زندانیان امنیت حقوقی، درمانی و جانی نخواهند داشت.

ما تسلیت عمیق خود را به خانواده صبور شهید هدی صابر به ویژه سرکار خانم فریده صابر و فرزندان داغدارش حنیف و شریف اعلام می‌کنیم.

ما به عنوان نخستین گام این روند غیر انسانی در دستگاه قضایی و این نوع رفتار با زندانیان را محکوم و حاکمیت را مسوول آن می‌دانیم. بنابراین از این پس با توجه به نوع پی گیری موضوع از سوی مسوولان اقدامات بعدی را اتخاذ کرده و برای تحقق حقوق شهروندان و التزام حکومت به قانون تا آخر ایستاده ایم.

امضا کنندگان این شهادت نامه :

قربان بهزادیان نژاد، محمد داوری، بهمن احمدی امویی، عبدالله مومنی، حسن اسدی زید آبادی، علی جمالی، محمد رضا مقیسه، علی ملیحی، بابک داشاب، حمید رضا محمدی، قاسم شعله سعدی، کیارش کامرانی، محمد جواد مظفر، احسان مهرابی، عماد بهاور، مجتبی تهرانی، جواد امام، فیض الله عرب سرخی، عمادالدین باقی، ابولفضل قدیانی، محمد حسین خوربک، اسماعیل صحابه، امیرخسرو دلیر ثانی، سید محمد سیف زاده، سیامک قادری، سام محمودی سرابی، اکبر امینی ارمکی، هوشنگ فرزین، حامد میرزایی گرجی، آرش سقر، احمد شاه رضایی، آرش صادقی، نوید کامران، رامین پرچمی، علیرضا سهراب پور، مهدی حسین زاده، محمد صدیق کبود وند، مهدی خدایی، سیامک رحمانی، سعید متین پور، مسعود لواسانی، محسن غمین، محمد پور عبدالله، حسین مفیدی، مهدی نوذر، ابولفضل قاسمی، ابراهیم مددی، عباس نامی، علی بهزادیان نژاد، حسین زرینی، امیر حسین قنبری، غلامرضا آزادی، مجید تمجیدی، یوسف مهر، شاهین زینعلی، پیمان عارف، رامتین غفاری، مهدی وطن خواه، فریدون صیدی راد، سعید مالمیریان، جواد علیخانی، محسن قلعی و میثم رودکی.

دعوت شورای هماهنگی راه سبز برای حضور در تجمعات ۲۵ و ۲۶ خرداد

شورای هماهنگی راه سبز امید با سپاسگزاری از حضور مردم در راهپیمایی سکوت ۲۲ خرداد، برنامه های دیگر این شورا را در بزرگداشت دومین سالگرد تولد جنبش سبز و گرامی داشت یاد و خاطره شهدای سبز خرداد اعلام کرد.

این شورا از مردم خواست در روز ۲۵ خرداد، روز تولد جنبش سبز در میادین شهرها حضور به هم رسانند. همچنین در روز ۲۶ خرداد به یاد همه شهدای جنبش بر سر مزارشان حاضر شوند.

متن کامل بیانیه شورای هماهنگی راه سبز امید به این شرح است:

بسم الله الرحمن الرحیم

ملت هوشیار و پایدار ایران

درود بر شما همراهان همدل که در راهپیمایی سکوت اعتراض آمیز در روز ۲۲ خرداد در شهرهای مختلف سرزمینمان حضور یافتید، سکوتی که فریاد پایداری جنبش آزادیخواهی شما آزادزنان و آزادمردان است و نشان از سرزندگی همیشگی حق خواهی تان دارد.

شورای هماهنگی راه سبز امید ضمن سپاسگزاری از یکایک شما، از همهٔ مردم حق طلب ایران دعوت می کند به یاد ۲۵ خرداد ۱۳۸۸ و روز تولد جنبش سبز، از ساعت ۶ تا ۸ بعد از ظهر چهارشنبه ۲۵ خرداد در میادین شهرها در قالب تجمعات مسالمت آمیز حضور بهم رسانید. همچنین، در روز پنجشنبه ۲۶ به یاد همهٔ شهدای جنبش، از ندا تا هاله و از سهراب تا هدی، و نیز به یاد شهدای بزرگوار انقلاب و جنگ تحمیلی، به احترام آن پیشتازان بر مزارشان حضور خواهیم یافت.

اطمینان داریم تا زمانی که در راه بزرگداشت مقام و کرامت انسانی، آزادی و عدالت گام بر میداریم، یاری خداوند مهربان توشهٔ راهمان خواهد بود و پیروزی از آن ماست.

همراهان شما در شورای هماهنگی راه سبز امید

کلمه
WWW.KALEME.COM
روزنامهٔ کلمه، شماره هفتاد و چهارم، شنبه، ۲۸ خرداد ۱۳۹۰

گیرم که چند روز با دستگیری‌ها، خشونت‌ها، تهدیدها و بستن دهان روزنامه‌ها و رسانه‌ها سکوت برقرار گردید، تغییر قضاوت مردم را نسبت به نظام چگونه حل می‌کنید؟ تخریب مشروعیت را چگونه جبران می‌نمائید؟ نگاه ملامت‌آمیز و متعجب همه جهانیان از این همه خشونت یک دولت به ملت خود را چگونه تغییر می‌دهید؟

میرحسین موسوی، بیانیه ۱۷

سرمقاله

مسئول قتل هاله سحابی و هدی صابر کیست؟

بعید می‌نماید کسی سوره‌ای از قرآن خوانده باشد و دراین حقیقت تردید کند که اسلام نسبت به ظلم و ستم سخت حساس است. در قرآن آیات بسیاری بر عدم رضایت و خشم خدا از ستم و ستمگر دلالت دارد. در میان فرق اسلامی شیعه به عدالت خواهی ممتاز است. بعید است شیعه ای یافت شود و آن جمله معروف را از امام علی درباره زنی یهودی که سربازان معاویه در غارت شهر انبار خلخال از پایش ربوده بودند، نشنیده باشد.

این روزها درد و غم مرگ مظلومانه دو انسان شریف بر دل‌ها سنگینی می‌کند. هاله سحابی به گواه کسانی که در عدالتشان تردیدی نیست و به شهادت ده ها دوربین فیلمبرداری در تشییع پیکر مرحوم پدرش مورد ضرب و شتم قرار می گیرد و جان می سپارد. هدی صابر به شهادت بیش از شصت زندانی به رغم حمله قلبی در نیمه شب در بهداری زندان به جای معالجه مورد ضرب و شتم قرار می گیرد و زمانی به بیمارستان منتقل می شود که دیگر دیر شده است. مسئول این خون ها کیست؟ ضاربان، مسئولان زندان، حکومت، رهبری و یا همه؟

یکی دو سال پیش رهبری در سخنرانی های متعدد با اشاره به بمب گذاری های عراق که طی آن مردمان بیگناه زیادی کشته شدند استدلالی به این مضمون داشتند: درست است که این بمب گذاری ها کار آمریکا نیست، اما آمریکا و آقای بوش در برابر این حوادث مسئول است و باید پاسخ بدهد زیرا عراق را اشغال کرده و مسئول امنیت عراق است. موضع رهبری در برابر ناآرامی های افغانستان نیز همواره بر همین سیاق بوده است. این منطق البته قابل دفاع است. در حقوق بین الملل نیز قدرت اشغالگر مسئول هر حادثه ای شناخته می‌شود که در کشور اشغال شده رخ می‌دهد.

اکنون بر اساس همین منطق عقلائی و صحیح می توان سئوال کرد مسئول خون هدی صابر و هاله سحابی کیست؟ زندان های ایران در کنترل مأمورانی است که نظر رهبری را بالاتر از قانون و برابر با وحی و عمل بدان را عین عمل به سخن معصوم می‌دانند. مأموران امنیتی و نظامی که مسئولیت امنیت اجتماعات را برعهده دارند نیز به همین ترتیب. حال اگر با عاملان و آمران این جنایات هیچ برخوردی نمی شود که نمی شود، و اگر هیچ واکنشی در محکومیت این جنایات از جانب عالی ترین مقامات صورت نمی‌گیرد که نگرفته است، آیا ما می توانیم به پیروی از همان منطق، حاکمیت جمهوری اسلامی و عالیترین مقامات آن را مسئول بدانیم؟ حال آیا برای کشته شدن مظلومانه شهروندان ایرانی به دست مأمورانی که فقط خود را در برابر ایشان پاسخگو می دانند، نباید حداقل از این ظلم تبری بجویند؟

اگر نه چرا و اگر آری، آنگاه رفتار ایشان چه نسبتی با سیره امیرالمؤمنین دارد که کارگزاران خود را سرزنش می‌کرد که چرا از شنیدن ظلمی که بر آن زن یهودی رفته، برنیاشفته‌اند؟ آموزه های دینی به ما می گوید رضایت و سکوت در برابر ظلم خود عین ظلم است و امام خمینی صاحب نظریه ولایت فقیه به ما می‌گفت، فقیه اگر یک گناه بکند (چه برسد به ظلم) از ولایت ساقط است.

پیام استاد محمود امجد به مردم ایران:
دروغ و عوام‌فریبی ریاست می‌کند اما دریغ از یک فریاد

آیت الله محمود امجد استاد اخلاق و شاگرد مرجع فقید آیت‌الله بهجت در پیامی به مردم مسلمان و شریف ایران با تشریح وضعیت فعلی جامعه اعلام کرد: ظلم تا کجا بنابراین محکوم به عذابیم. در این عصر پر آشوب بسیار تلاش کرده‌ام که اختلافات را به همدلی بدل کنم اما با کمال تأسف روز به روز ظلم و ستم بیشتری را مشاهده می‌نمایم و نمی‌دانم به این مردم بی پناه چه پاسخی بدهم که آبی بر آتش تألمشان باشد .

این استاد اخلاق به سال‌های اول انقلاب اشاره کرد و گفت: سال‌های آغازین پس از پیروزی انقلاب با اتکا به کلمه مقدس جمهوری اسلامی اعلام کرده بودم هر کس در هر جای مملکت مشکلی دارد بنده در خدمتگزاری آماده‌ام به لطف خدای تعالی و به واسطه ی خود مردم گره‌های بسیاری از کار فرو بسته آن‌ها گشوده شد اما امروز بی‌قانونی و اعمال خودسرانه و هتک حیثیت مردم بیداد می‌کند و آن قدر رواج یافته که دیگر تعجب و تأسف مسئولان را بر نمی انگیزد..

ایشان تاکید کرد: مظلومان کشته می‌شوند، به حریم خصوصی و جمعی مردم تجاوز می شود، آزادی‌های قانونی و ابتدایی که حق اولیه ی هر انسان است سلب می‌شود که ملال و افسردگی بر چهره پیر و جوان نشسته و مشکلات بسیار، قربانی می‌گیرد دروغ و عوام فریبی، ریاست می‌کند اما دریغ از یک فریاد یک همدردی، و همدلی ، عذرخواهی و تلاش برای تصحیح .

آیت الله امجد معتقد است که هیچ نشانه ای حتی از درک این همه خیانت و قانون‌شکنی در کلام و رفتار مسئولان دیده نمی‌شود. وقتی هم از مسئولان ذیربط سوال می‌کنی هیچ‌کس مسئولیت قانون شکنی ظالمانه؛ هرج و مرج افسار گسیخته و آشفته‌گی در سلسله مراتب را به عهده نمی‌گیرد و با نقل مصادیق بیشتر بر بار غصه ها و نگرانی ها و مصیبت‌های ما می افزایند بنابراین متأسفانه امروز برای رفع مظالم راه به جایی ندارم تا از حقوق ستمدیده‌گان دفاع کنم.

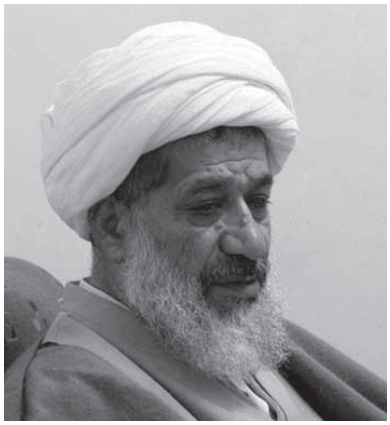

ایشان مصداقی برای سخنان خود بیان کرد و گفت: یک نمونه‌ی کوچک این روزها که خود با آن مواجهام و دیگر کسی نمی تواند ادعا کند که برای امجد سیاه نمایی می‌کنند و اخبار را کانالیزه به اطلاع او می‌رسانند شاهد بر این وقایع است.

وی افزود: زنی متدین و خانه دار با فرزند خردسالش را چند روز پیش در فرودگاه پس از طی همه مراحل قانونی در هنگام سوار شدن به هواپیما ممنوع الخروج می‌کنند و با هتاکی او را از سفر باز می‌دارند این زن و تدین و تعهد و بی‌گناهی او را خود به شخصه از نزدیک می‌شناسم و می‌دانم که هیچ جرم و خیانتی نکرده است، آخر چرا؟

این استاد اخلاق همچنین در انتهای این پیام نوشت: به خاطر مردم نجیب و بسیاری از جوانان ارزشمند و متدین و فهمنده که خواستن آزادی و عدالت و امنیت حق طبیعی ایشان است ناچارم در مملکت بمانم و الا ترک وطن کرده و عزلت می گزیدم.

انتقاد دانشجویان از مجازات «قربانیان» حمله به کوی دانشگاه

انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه تهران و علوم پزشکی تهران با انتقاد از برخورد دستگاه قضایی با «قربانیان» حمله به این دانشگاه در ۲۵ خرداد ۱۳۸۸، خواستار مجازات «آمران و عاملان اصلی» تهاجم به دانشجویان شد.

اعضای این تشکل دانشجویی در سالگرد حمله به کوی دانشگاه تهران، در نامه ای سرگشاده خطاب به صادق لاریجانی، رئیس قوه قضاییه، صدور احکام قضایی علیه دانشجویان را «ظلمی بزرگ» دانسته و از اینکه «هیچ خبری از اسامی و نام و نشان نیروهای حمله کننده به ساحت مقدس دانشگاه در رسانه ها و خبرگزاری ها به چشم نمی خورد» ابراز تاسف کرده اند.

انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه تهران و علوم پزشکی تهران در بیانیه خود آورده است که حاصل پی گیری های انجام شده بعد از حمله به کوی دانشگاه «مجازات عاملان اصلی این حادثه نبوده بلکه عمدتا این دانشجویان بوده اند که به دادگاه ها احضار شده اند.»

در ادامه بیانیه آمده است: «بر خلاف تصور رایج، برخورد با دانشجویان در رابطه با پرونده کوی دانشگاه از همان آغاز سال تحصیلی ۸۹-۸۸ صورت گرفت و علاوه بر برخوردهای انضباطی در دانشگاه، تعدادی از دانشجویان در همان زمان محاکمه و زندانی شدند.»

نویسندگان بیانیه بر همین مبنا خواستار آن شده اند که در رسیدگی به پرونده حمله به کوی دانشگاه «به نیرو های مجری و عاملان رده چندم بسنده نشود و چنگال عدالت بر دامن آمران که در پرده قدرت پنهان شده اند چنگ زند و با مجازات آنان، آبروی نظام جمهوری اسلامی حفظ شده و احقاق حق گردد.»

آیت‌الله دستغیب: سکوت نمی‌کنم

آیت الله العظمی دستغیب، در جلسه هفتگی تفسیر قرآن که در مسجد قبا، برگزار شد فرمود: مال حرام تنها منحصر در کسب حرام نیست. کسی هم که پول می گیرد تا دیگران را کتک بزند و رعب و وحشت ایجاد کند، مال حرام به دست آورده و لقمه حرام خورده است .

این عضو مجلس خبرگان در ادامه با اشاره به سخنرانی‌ها و انتقاداتی که طی این دوسال نسبت به روند ایجاد شده در جامعه، ایراد شده فرمود: بنده بین خود و خدای تعالی در میان انتقادات، هدفی جز عمل به تکلیف ندارم و می دانم که اگر نگویم، در جای خود متوقف می‌شوم. فروبستن زبان از بیان حقایق و انتقادات، مؤثر دیدن غیر خدا (شرک) است. یعنی اگر بخاطر حفظ مرید و حوزه و مسجد و ریاست خود سکوت کنیم، غیر خدا را لحاظ کرده ایم. گذشته از این، هنگامی که بنده را در قبر می گذارند، می گویند: تو که می‌دانستی و علم داشتی چرا تخلفاتی را که دیدی تذکر ندادی؟ در آن زمان چه بگویم؟ بگویم: ترسیدم، از توهین‌ها و تهمت‌ها؟

ایشان تصریح کرد: بنده حتی قادر نیستم بدن خود را حفظ کنم. اگر چند نفر بر سرمان بریزند و کتکمان بزنند، یا مشتی به پهلویمان بزنند، می‌میریم – مانند خانم هاله سحابی که همین طور کشته شد – اما مهم نیست. یا اگر کسی در تشییع جنازه مان نیامد و مانند آن بنده خدا شبانه دفنمان کردند باز هم اهمیتی ندارد. اما نمی توان گفت بخاطر اینکه شاید در تشییع جنازه مان نیایند یا در امامزاده سید محمّد(ع) دفنمان نکنند، باید سکوت کنیم. سر و کار ما با خداست و باید فکری به حال بعد از مرگ بکنیم. آیا ما باید به دنبال حرف مردم و دنبال هوای دیگران باشیم؟ این شرک است.

اخبار کوتاه

مراسم بزرگداشت «هدی صابر» در اوین

زندانیان بند ۳۵۰ زندان اوین با برگزاری مراسمی یاد و خاطره هدی صابر را که هفته گذشته به خاطر عوارض ناشی از اعتصاب غذا و ضرب و شتم به شهادت رسید، گرامی داشتند.

آنها در این مراسم تاکید کردند که هدی صابر در طی روز ساعت ها به تلاوت قرآن مشغول بوده و یکی از با اخلاق ترین زندانیان سیاسی این بند محسوب می‌شد.

احمدی‌مقدم بار دیگر اعلام کرد فتنه به پایان رسیده است

در حالیکه پیش از این روزقدس ۸۸ ۱۳ آبان، ۱۶ آذر، ۲۲ بهمن، ۹ دی ، ۲۵ بهمن و ... توسط اقتدارگرایان به عنوان پایان آنچه آنها فتنه می دانند عنوان شده بود در اظهار نظری جدید فرمانده ناجا در پاسخ به سوالی در مورد برخورد نیروی انتظامی با حامیان جنبش سبز عنوان کرد: اگر منظورتان فتنه سال ۸۸ است که این فتنه را باید تمام شده تلقی کرد.

مرخصی سه روزهٔ سیدمصطفی تاج‌زاده

سید مصطفی تاج زاده به مرخصی سه روزه آمد. این عضو ارشد سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی، بعد از حدود ده ماه برای چند روز به مرخصی آمده است.

معاون سیاسی وزارت کشور دولت سید محمد خاتمی، که تابستان گذشته پس از انتشار شکایت نامه ای از سردار مشفق به زندان بازگشته بود، برای اجرای حکم ۶ ساله ی خود به قرنطینه ی سپاه منتقل و بیش از ۶ ماه در سلول دو نفره ی این بند نگهداری شده بود.

افزایش قریب الوقوع نرخ کرایه تاکسی، مترو و اتوبوس

در حالیکه مجلس و دولت کماکان مدعی عدم افزایش مجدد نرخ کرایه های حمل و نقل بودند، معاون حمل و نقل و ترافیک شهرداری تهران، از بررسی طرح افزایش نرخ کرایه ها و افزایش قریب الوقوع ۱۵ درصد بخش تاکسیرانی و۲۰ درصدی مترو و اتوبوسرانی خبر داد.

۳۳ ماه حقوق معوقه کارگران کارخانجات ریسندگی کاشان

کارگران کارخانجات ریسندگی و بافندگی شهرستان کاشان نسبت به پرداخت نشدن ۳۳ ماه حقوق معوقه خود اعتراض دارند. این کارگران معترض که تعدادشان به حدود سیصد نفر می‌رسید، در روزهای اخیر با حضور در میدان ولی عصر کاشان و مقابل فرمانداری این شهرستان از فرماندار جدید که تنها سه روز از ورودش به این شهرستان می گذرد خواستند این مشکل را پیگیری کند.

انتقال وکیل دراویش به بند ویژه معتادان

مصطفی دانشجو وکیل دراویش طریقت نعمت اللهی گنابادی با اعمال نفوذ برخی مقامات از زندان ساری به اردوگاه معتادین منتقل شد.

دانشجو که با شکایت ماموران اداره اطلاعات ساری و همکاری و همراهی مراکز قضایی با آنها، به هفت ماه زندان تعزیزی محکوم شده و بیش از یک ماه از دوران محکومیت خود را در زندان ساری سپری کرده بود، ظهر روز چهارشنبه، ۲۵ خرداد به اردوگاه معتادین منتقل شد.

کلمه
WWW.KALEME.COM
روزنامهٔ کلمه، شماره هفتاد و پنجم، دوشنبه، ۳۰ خرداد ۱۳۹۰

بگذارند صداها قبل از آن که به فریاد تبدیل شود به صورت استدلال و مجادله احسن در رسانه ملی، تصحیح و تعدیل شود. بگذارند جراید نقد کنند، خبرها را آنچنان که هست بنویسند و در یک کلام فضایی آزاد برای مردم جهت ابراز موافقت ها و مخالفت های خود آماده سازند.

میرحسین موسوی، بیانیه ۲

سرمقاله

بند ۳۵۰ زندان اوین: حقیقت عریان کشور ما

در روزهای آغازین جنبش، تردیدهای زیادی در جامعه وجود داشت. حتی در میان روشنفکران و فعالان سیاسی کمتر کسی این مواجهه‌ی سهمگین حکومتی به نام اسلام را با مردم خویش حدس می‌زد. همه امیدوار بودند که پیام ملت توسط اولیای امور به موقع شنیده شود. حجم کثیری از نامه ها و توصیه نامه های دلسوزانه و صمیمانه که به رهبری نظام نوشته می‌شد، گواه‌اند که در مسوولیت آنچه در کشور می رود تردیدها فراوان بود.

جمعی از سر خوش بینی و گروهی بنا به مصلحت و دسته ای به نام حکمت، امیدوار بودند که رفتار گروهی از مجریان و دست اندرکاران سرخود باشد و آرزو می کردند که مسوولان اصلی و رهبری نظام از آنچه در کف خیابان ها و اعماق زندان ها می گذرد بی خبر باشند. حتی در روزهایی که فاجعه ی کهریزک جهانی شد و مدعیان اصول و مستی زدگان قدرت تلاش کردند که با بزرگنمایی برخی توصیه های نامعلوم و مبهم و درج اخبار خلاف واقع، حقیقت ماجرا را منحرف کنند؛ باز هم دلسوزان واقعی ملت ایران صمیمانه آرزو کردند چنین باشد. کسی چه می داند، شاید دچار خوش بینی مفرط شده بودیم و شاید هم سنت قرآنی استدراج حکمت ماجرا بود!؟

خلاصه اینکه، آن روزها هنوز به یمن قدوم جنبش سبز و پایمردی جاودانه رهبران جنبش، ماهیت واقعی حاکمیت آشکار نشده بود و مناسبات قدرت در لایه های نهایی حکومت بر همگان معلوم نبود و استبداد دینی این گونه عریان و بی آبرو در منظر دیدگان تاریخ نایستاده بود.

اما این روزها همه چیز تغییر کرده است. این روزها به یمن چشمان باز ندا و قامت رشید کیانوش آسا و سبزی سهراب، چشم همگان بر کراهت استبداد دینی و رشادت یک ملت و سبزی یک جنبش باز شده است. در سایه ی ۲ سال صبر و استقامت جنبش سبز و به برکت استراتژی آگاهی بخشی آن، کمتر کسی است که نداند مسوولیت نهایی آنچه در کشور می گذرد بر عهده ی چه نهاد هایی است؟ کمتر کسی سراغ آن ناجوانمرد از خدا بی خبری را گرفت که پهلوی هاله را نشانه رفت. به زعم فرا افکنی دادستان، کسی برای شهادت صابر سراغی از مسوولان اوین نگرفت.

اما از پندارهای باطل و رویاهای بی تعبیر و خیال های خام باید گذشت. حقیقت ایران و جنبش آن است که امروز در اوین می گذرد. نبض جنبش مردمی ایران در اوین می تپد و امروز ۱۲ تن از فرزندان ملت برای آنچه آرزوی دیرین ملت است آخرین سرمایه های خود را به میدان آورده اند. اعتصاب غذای این ۱۲ تن در اعتراض به شهادت صابر و هدی، حقیقت همه ی آن چیزی است که در جامعه ی ایران می گذرد. آیا در حصار رو به خلوت اولیای امر گوشی، چشمی، زبانی برای شنیدن و دیدن و گفتن از حقیقت وجود دارد؟ آیا متولیان امر مسوولیت روز افزون خود را شاهد نیستند و به عواقب تلخ این همه مسوولیت واقف اند؟

فاعتبرو یا اولوالابصار...

اعتصاب غذای نامحدود ۱۲ زندانی سیاسی در اعتراض به جان‌باختن هدی و هاله

دوازده نفر از زندانیان سیاسی بند ۳۵۰ اوین در اعتراض به شهادت دو نفر از زندانیان سیاسی هدی صابر و هاله سحابی از شنبه ۲۸ خرداد وارد اعتصاب غذای نامحدود شدند.

آنها در بیانیه‌ای که به‌وسیله یاران گمنام جنبش سبز در زندان اوین در اختیار کلمه قرار داده‌اند، ضمن گرامیداشت یاد همه شهدای راه میهن و آزادی اعلام کرده‌اند که هم زمان با روزهای گرامیداشت شهدای جنبش از ندا تا هاله و از سهراب تا صابر، اعتصاب غذای خود را آغاز می‌کنند.

متن کامل بیانیه به شرح زیر است:

باز آمد چون عید نو تا قفل زندان بشکنیم
وین چرخ مردم خوار را چنگال و دندان بشکنیم
مردم سربلند ایران

ما و شما فرزندان سرزمین مهر و آیین مهرورزی هستیم، لیک سالیانی است که در بند جباریتی افتاده‌ایم که با زبان قدرت و بی قانونی با شهروندان خویش سخن می‌گویند. شهروندانی که حقوق و آزادی‌های مندرج در قانون اساسی و نیز اسناد بین المللی را که کشورمان بدان متعهد شده است، می‌طلبند. و مبلغ مدارا با همه مردم ملتزم به قانون و منافع ملی با گرایش های متفاوت هستند.

هرچند ملت ما قربانیان و شهدای بسیاری را در همه این سال‌ها در راه دفاع از مهین و آزادی نثار کرده است، اما جنبش سبز ملت ایران نقطه عطف بزرگی در این راه بود که ده‌ها شهید از ندا تا هاله و از سهراب تا صابر را تقدیم کرد و در کنار آن ده‌ها معلول زمین‌گیر شده و صدها زندانی بی‌گناه با احکام ناعادلانه ای مواجه شده‌اند که در روند صدور این احکام بسیاری از بندهای قوانین اساسی و آیین دادرسی و حقوق شهروندی، نقض شده است.

واپسین شهدا، دو نفر از از زندانیان ملی و مذهبی بودند. هاله سحابی فرزند وارسته مردی چون مهندس عزت الله سحابی که در مرخصی از زندان به سر می‌برد و در مراسم تشییع و تدفین پدرش، با هجوم نابخردانه ماموران به شهادت رسید و هدی صابر هم بندی ما که در اعتراض به این حادثه ناگوار دست به اعتصاب غذای تر و محدود زد اما دست اجل او را از میان ما برد، اما دو مساله شهادت او را به چالش مشروعیتی بزرگ برای نظام کنونی تبدیل می‌سازد: اول حبس او به مدت ده ماه بدون محکومیت و هر قرار قانونی و کاملا خودسرانه و جبارانه، آن هم در پیش دیدگان دستگاه‌های مسوول و مدعیان قضاوت و عدالت و دیگری رفتار سهل انگارانه و مغرضانه در برابر آثار اعتصاب غذای او به همراه ضرب و شتم که منجر به شهادت مظلومانه اش شد و شرح چگونگی آن در شهادتنامه زندانیان سیاسی بند ۳۵۰ منعکس شده است.

اینک همزمان با ایامی که مقارن با ۱۳ رجب زادروز امام عدالت علی(ع) بوده و به یاد شهدای جنبش سبز از ندا تا هاله و از سهراب تا صابر نامگذاری شده است، ما ضمن اعلام تسلیت و همدردی با خانواده همه ی این شهدا، به ویژه خانواده های هم زندانیان عزیز از دست رفته مان، هاله سحابی و هدی صابر و مردم متین و صبور ایران، از روز ۲۸ خرداد (شنبه)اعتصاب غذای اعتراضی خود را آغاز می کنیم. امید که به مثابه روزه داری، مورد رضایت خداوند و مردم عزیز و بازماندگان همه شهدای جنبش قرار گیرد.

به امید آنکه جنبش مسالمت‌آمیز ایران پویاتر و از تکرار چنان فجایعی پیشگیری شود.

امضاکنندگان:

بهمن احمدی امویی، حسن اسدی زیدآبادی، عمادالدین باقی، عماد بهاور، قربان بهزادیان‌نژاد، محمد داوری، امیرخسرو دلیرثانی، فیض‌الله عرب‌سرخی، ابوالفضل قدیانی، محمدجواد مظفر، محمدرضا مقیسه، عبدالله مومنی

خانواده‌های زندانیان سیاسی: آنها به حقیقت شهادت دادند

ما شهادت می دهیم هدی صابر در هشتمین روز اعتصاب غذای خود دچار درد در ناحیه سینه و اختلال در سیستم گوارشی شد که در ساعت چهار بامداد جمعه ۲۰ خردادماه برای نخستین بار به بهداری مستقر در زندان اوین جنب بند ۳۵۰ منتقل شد اما دو ساعت بعد در حالی که از درد به خود می پیچید به بند بازگردانده شد و از صدای فریاد او هم اتاقی هایش بیدار شده و دور او حلقه زدند در این هنگام صابر گفت :«در بهداری نه تنها هیچ رسیدگی به وضعیتم نشد بلکه مورد ضرب و شتم و توهین قرار گرفته ام و توسط ماموراني در لباس پرسنل بهداری از اتاق درمان بیرون انداخته شده ام.

***

بیش از شصت زندانی شهادت دادند به آنچه پیش رویشان رخ داد به آنچه چشمانشان دید و قلب هایشان مهر زد.

فریده جمشیدی همسر هدی صابر می گوید: من درجریان بدحالی همسرم نبودم. کسی با گذشت ۹ روز از آغاز اعتصاب تر خود جان نمی‌دهد . احتمالا پزشک فکر می کرده می تواند با کتک زدن بیمارش وی را درمان کند.

زهرا رحیمی، همسر ابوالفضل قدیانی یکی از امضا کنندگان این شهادت نامه، می گوید: این زندانیان در آنجا حضور داشتند طبیعی است که بگویند چه اتفاقی افتاده و چه بر سر شهید هدی صابر آمده است.

همسر این عضو ارشد سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی تاکید می کند که اگر تدبیری باقی مانده باشد، حکم می کند این ماجرا از طریق مراجع در رده های بالاتر پیگیری شود و خود حکومت جلوی پایمال شدن خون این عزیز را بگیرد. حاکمیت نباید بیشتر از این به خودش هزینه تحمیل کند.

خانم انتظار مهدی، همسر جواد مظفر نویسنده دربند، یکی از شاهدین امضا کننده ی این نامه ضمن اعلام حمایت و موافقت را با اصل و فلسفه ی وجودی چنین نامه ای می گوید: به جرات می توانم ادعا کنم که همسرم هیچ وقت خلاف واقع نگفته است. اگر او چنین نامه ای را امضا کرده قطعا با چشمانش دیده و نتوانسته در برابر این ظلم خاموش بماند. شهید صابر در ایامی که همسرم زندان بود هفته ای یک بار به خانواده ی ما سر می زد. مجسمه اخلاق بود و در درستی و پاکی و مردانگی یگانه روزگارش.

ساجده عرب‌سرخی فرزند فیض‌الله عرب‌سرخی دیگر امضاکننده این نامه می گوید: هیچ کس نیست که نداند زندانی‌های سیاسی ما این روزها تحت چه فشارهای روانی و فیزیکی غیر انسانی‌ای قرار دارند. اما وقتی آنها چنین مردانه به دفاع از حق ضایع شده همرزمشان برخواسته‌اند فکر می‌کنم کمترین وظیفه ما حمایت از این حرکت است که قطعا در ادامه همان گامی‌ست که شهید هدی صابر برداشته.

فاطمه کمالی همسر عمادالدین باقی، از دیگر امضا کنندگان این شهادت نامه می گوید: امضا کنندگان شاهد آن وضعیت بودند و شهادت دادند. ما در ملاقات دیدیم که حرفهای مشابهی زدند و چقدر از این اتفاق به هم ریخته بودند.

***

خانواده های زندانیان سیاسی همه ی این ها را می دانند. همه را شنیده اند و دیده اند. می دانند امضای چنین شهادتنامه ای چه عواقبی برای زندانی و خانواده اش خواهد داشت. و استوار و صبور، سر تعظیم در مقابل شهامت و صداقت مردان ۳۵۰ فرود می آورند.

جوانان اصلاح‌طلب: اعتصاب غذای خود را بشکنید

جمعی از جوانان اصلاح طلب در واکنش به اعتصاب غذای ۱۲ زندانی سیاسی بند ۳۵۰ زندان اوین از حاکمیت این پرسش را کرده اند : شمایی که نگران زندان های ابوغریب و گوانتانامو هستید و دم از حفظ حقوق بشر می زنید ، با زندانیان خود چه می کنید که از جان خود به عنوان تنها سلاح برای رسوایی شما استفاده می کنند؟

این جوانان در بخشی از بیانیه ای که منتشر کرده اند از این زندانیان خواسته اند تا اعتصاب غذای خود را بشکنند و آورده اند: حفظ جان شما اوجب واجبات است و فردای سبز میهن به وجود شما نیازمند است، باید بمانید تا طلوع صبح آزادی را با هم جشن بگیریم. اما این درخواست ما به معنای عدم مسوولیت زندان بانان در قبال شما نیست.

آنها همچنین اعلام کرده اند : ما جوانان اصلاح طلب ایران در عین اعتراض به ظلم های رفته بر مردم و زندانیان سرافرازمان، اعلام می کنیم که روز دوشنبه دست به روزه سیاسی خواهیم زد و از یارانمان در زندان می خواهیم که همراه با ما افطار کنند.

کلمه
WWW.KALEME.COM
روزنامهٔ کلمه، شماره هفتاد و ششم، چهارشنبه، ۱ تیر ۱۳۹۰

آیت‌الله امجد: مدافع عملکرد مسئولان نیستم

آیت‌الله محمود امجد خبر منتسب به وی در سایت خبرآنلاین را تکذیب کرد: «حرف من همان است که در نامه قبلی زدم. من مدافع اسلام و "حقیقت" جمهوری اسلامی هستم نه عملکرد ناصواب مسئولان فعلی.» سایت وابسته به علی لاریجانی در خبری مدعی شده بود که نامه اخیر ایشان غیرمستند است و ایشان مدافع «عملکرد رهبری» هستند.

مهدی اقبال به اعتصاب‌کنندگان اوین پیوست

مهدی کریمیان اقبال، از اعضای جبهه مشارکت و قاری قرآن به اعتصاب کنندگان اوین در اعتراض به شهادت هدی و هاله پیوست. وی از نخستین روز اعتصاب غذای ۱۲ نفر، در جمع اعتصاب کنندگان قرار داشت اما به دلیل فشارهای وارده به خانواده اش ترجیح داد در آن شرایط نام خود را به عنوان یکی از اعتصاب کنندگان اعلام نکند.

سرمقاله

آقای صابر ما بیداریم

عبدالله مومنی*: یک کاسه سوپ که با دقت و سلیقه مهیا شده با احتیاط کنج اتاق می گذارد و با لحنی آرام طوری که بیدار نشوم می گوید :«عبدالله سرما خورده وقتی بیدار شد بگویید حتما بخورد» بی رمق اما بیدار ، پیش از آنکه مجال تشکری هر چند کوتاه بیابم از درب عبور کرده و رفته است، می خواهم صدایش کنم که «آقای صابر بیدارم...» اما او رفته است.

فرصت کوتاه بود و واقعه سخت نامنتظر؛ خرداد که شروع شد گویی ضربان قلب بند شدت گرفت. در پس دیوارهای آشنای اوین، دست بسته و دهان بسته، در خوف و رجای همیشگی اوج گیری منازعه استبداد و آزادی و در حالیکه ترجیع بند دعای پس از سلام نمازمان شفای مهندس عزت الله سحابی بود ناگهان قاصدی خبر آورد که «مهندس تمام کرد» سراسیمه و در پی صبر ، سراغ صابر را گرفتم و آنگاه او را که دلداه سحابی بود دیدم و با خود گفتم : «... اما تمام شد...». چندساعتی نگذشته، صابر ، تکیده اما استوار در پی برنامه ریزی برای برگزاری مراسم ختمی آبرومند و در خور شان عزت سیاست ایران در جمع زندانیان سیاسی اوین است اما تنها فاصله یک غروب و طلوع لازم است تا تلخ ترین روز صابر با اطلاع از خبر غروب مظلومانه «هاله خانم» آغاز شود.

این بار اما بر خلاف روز پیش خطوط چهره هدی تنها از حزن و اندوه مهار شده اش خبر نمی دهد، خشمی که حکایت از جریحه دار شدن غرورش دارد به روشنی نمایان است.

بر آمدن بانگ اذان بی شک تنها مانع این آمد و شد است،لحظاتی بعد صابر است و پاهای برهنه و آفتاب سوزان و سجاده سوزناک گسترده در برابر او- همچون نماز ظهر عاشورایت که با پای برهنه بر کف تفتیده هواخوری زندان اقامه کرد - چه کسی می داند که در آن نماز چه گذشت و صابر در پیشگاه صبار در چه عهد و پیمانی وارد شد؟ هرچه بود آنکه ساعتی بعدتر از عزم خود برای آغاز راهی سخن گفت که آن را دست کم مرهمی بر دل زخم خورده اش می دانست...

پروژه ای مشترک میان او و خدای‌اش کلید خورده بود و تنها هفت روز و شب و هفت وادی دلدادگی کافی بود تا هدی ناباورانه دامن از میان ما برچیند و تمنای شبانه‌اش را در آغوش بگیرد... «هدایت».

لختی با خود اندیشیدم، دینی درباره او بر گردن دارم که حالا از ادایش ناتوانم. در هر دوره بازداشت من و سایر زندانیان سیاسی رسم او بود که بی خبر و بی سروصدا درب خانه های ما را بزند و جویای احوال خانواده‌ها شود. اما من در پس دیوارهای این محبس مشترک چگونه توان بازدید آن دیدها را دارم؟

اما حالا آقای صابر! من دوباره بی‌رمقم و با آنکه می‌دانم مرزهای شرافت و آزادگی را پشت سر گذاشته‌ای، می‌خواهم صدایت کنم و فریاد برآرم که «آقای صابر ما بیداریم...»

* یکی از اعتصاب کنندگان اوین

درخواست شورای هماهنگی راه سبز برای پایان اعتصاب غذا زندانیان

فراخوان تکبیر در حمایت از زندانیان بند ۳۵۰؛ چهارشنبه ۱۰ شب

شورای هماهنگی راه سبز امید در بیانیه ای خطاب به ۱۲ زندانی اعتصاب کننده در اوین با تاکید بر اینکه ندای حق خواهی شما به گوش ملت رسیده است از آنان خواست که به اعتصاب غذای خود خاتمه دهند.

همچنین در این بیانیه آمده است: مردم ما به پاس حرکت قهرمانانه شما دوازده قهرمان و به یاد هاله و هدی چهارشنبه اول تیرماه از ساعت ۱۰ تا ۱۱ شب ندای تکبیر خود را بام‌ها سرخواهند داد تا همراهی‌شان را به گوش شما و شهیدان راه آزادی برسانند.

متن کامل این بیانیه به این شرح است:

با سلام به افتخارآفرینان ملت ایران، عزیزان گرانمایه!

اگر خودکامگان صدای اعتراضتان را نشنیدند، مردم شریف و آگاهی که شما به پاس پاسداشت از حقوقشان در بند شده‌اید، شنیدند. شما سرمایه‌ها و امیدهای مردم ما هستید، همانطور که هاله و هدی بودند. انسان های شریفی که از آسودگی زندگی ذلت بار چشم پوشیدید و با قامتی استوار در راه احقاق حقوق حقهٔ ملت ایستاده اید. حاکمیت نشان داده که در راه حفظ قدرت خویش حرمت هیچ حریمی را نگه نمی دارد و جان انسان ها را بی مقدار می‌شمرد.

ملت قدردان ایران، ندای حق خواهی شما را شنید و از شما می خواهد به اعتصاب غذای خود خاتمه دهید. مردم ما به پاس حرکت قهرمانانه ی شما دوازده قهرمان و به یاد هاله و هدی چهارشنبه اول تیرماه از ساعت ۱۰ تا ۱۱ شب ندای تکبیر خود را بام ها سرخواهند داد تا همراهی شان را به گوش شما و شهیدان راه آزادی برسانند.

شورای هماهنگی راه سبز امید

آیت‌الله دستغیب:

حاکمی که شنیدن حرف حق برایش دشوار باشد، عمل به آن برایش سخت‌تر است

آیت‌الله‌العظمی دستغیب در دیدار با جمعی از اساتید دانشگاه شیراز گفت: مولا علی(ع)، کسی است که پیامبر (ص) ایشان را به عنوان برادر و خلیفه و کسی که تمام صفات حسنای پروردگار را دارد معرفی می کند مع ذلک ببینید حضرت به مردم در خطبه ۲۱۶ نهج البلاغه چگونه سفارش می کند. ایشان در این خطبه با اشاره به روابط متقابل رهبر و مردم می فرماید: با من مثل آدم‌های جبّار حرف نزنید (شاهنشاها و فلانا و چنانا نگویید) چیزهایی که بعضی از این جبارها و شاه ها خوششان نمی‌آید را از من پنهان نکنید(می‌گویند به حضرت آقا بعضی مسائل را نگویید که ناراحت می شود) با من به سازشکاری راه نروید و فکر نکنید این حرف حقی را که می‌گویید سنگین است بر من زیرا کسی که شنیدن حق، یا عرضه شدن عدالت بر او مشکل باشد، عمل کردن به آن، برای او دشوارتر خواهد بود. پس، از گفتن حق، یا مشورت در عدالت خودداری نکنید، زیرا خود را برتر از آن که اشتباه کنم و از آن ایمن باشم نمی دانم(حضرت خطا نمی کند اما صحبت در این است که خدایتعالی باید ایشان را حفظ کند).

ایشان تاکید کردند: متاسفانه در شرایط فعلی آقایان وضعی را دنبال می‌کنند که نتیجه خوبی ندارد، شاید چند صباحی دیگر به حکومتشان اضافه شود اما این وضع زودگذر است، عده‌ای گمان می‌کردند که همیشه حکومت می‌کنند و پا برجا هستند اما اجل مهلتشان نداد و به آرزوی خود نرسیدند.

امیرارجمند: طبق قانون اساسی نمی‌توان گفت یک فرد بر فراز قانون است

مشاور ارشد میرحسین موسوی و سخنگوی شورای هماهنگی راه سبز امید تغییر قانون و مقامات و رهبران کشور را، امکان پذیر و حتی حق قانونی و طبیعی مردم و آحاد جامعه دانست و با مخاطب قرار دادن حکومت گفت: اگر شما از قانون اساسی صحبت می‌کنید و می‌گویید ما قانون اساسی داریم، نمی‌توانید بگویید یک فردی بر فراز قانون اساسی است، نمی توانید بگویید یک فرد اختیاراتی دارد که در قانون اساسی قید نشده و نمی توانید ادعا کنید که قانون اساسی مشروعیت خود را از او می گیرد.

وی خاطر نشان کرد که مجلس گوش به فرمان رهبری و یا هر شخص دیگر نشانه عدم وجود دموکراسی و قانون‌گرایی است.

وی همچنین با اشاره به اعتصاب غذای گروهی از زندانیان سیاسی، مسئولیت مستقیم هر حادثه‌ای در ارتباط با این زندانیان را بر عهده حکومت دانست و هشدار داد که دیگر نخواهند توانست با توجیه، عملکرد خود را و حادثه‌ای مشابه حادثهٔ هدی صابر را تکرار کنند.

نامه خانواده هدی صابر و سحابی به زندانیان اعتصاب‌کننده اوین

خانواده هدی صابر صبح دوشنبه با حضور در سالن ملاقات زندان اوین، از نماینده سازمان زندانها خواستند که بگذارند آنها با ۱۲زندانی اعتصاب کننده زندان اوین دیدار کنند و از آنها بخواهند به اعتصاب غذای خود پایان دهند.

هرچند نماینده سازمان زندان‌ها، مستقر در زندان اوین، اجازه چنین ملاقاتی را به خانواده شهید هدی صابر با زندانیان نداد، اما خانواده صابر همچنین به نمایندگی از سوی خانواده سحابی و شامخی (همسر و فرزندان هاله سحابی) با خانواده زندانیان اعتصاب‌کننده گفتگو کردند.

فیروزه صابر، همچنین نامه ی مشترک خانواده های شهید صابر و هاله سحابی را که خطاب به دوازده اعتصاب کننده اوین نوشته شده، در اختیار مسوولان زندان اوین قرار دادند تا به این زندانیان برسانند.

خانواده های سحابی و صابر در این نامه ضمن تشکر از زندانیان اعتصاب کننده، از آنها خواسته اند به این اعتصاب هرچه زودتر پایان دهند.هنوز مشخص نیست که آیا مسوولان سازمان زندان ها این نامه را به دست مخاطبانش خواهند رساند یا نه؟

اخبار کوتاه

آیت‌الله بیات:اعتصاب‌غذای خود را بشکنید

آیت الله بیات زنجانی در پیامی خطاب به ۱۲ زندانی اعتصاب کننده در بند ۳۵۰ زندان اوین با بیان اینکه بارها ندای آزادی خواهانهٔ زندانیان مظلوم، به بیرون از دیوارهای زندان رسیده است و این موضوع تکلیف را بر دوش همهٔ افرادی که دل در گرو اسلام علوی و محمدی دارند و برای آزادی خواهی تلاش می کنند سنگین تر می‌کند، تاکید کرده است تکلیف این عزیزان، شکستن اعتصاب غذا و خارج نمودن خانواده‌ها و نزدیکان و صد البته جامعه از این نگرانی‌هاست.

بازگشت سید مصطفی تاج‌زاده به زندان

سیدمصطفی تاج‌زاده بعد از ظهر دیروز پس از مرخصی پنج روزه به زندان اوین بازگشت. وی که از روز پنجشنبه به مرخصی آمده بود روز گذشته طی یک تماس تلفنی مجددا به زندان فراخوانده شد.

عماد الدین باقی آزاد شد

عمادالدین باقی، فعال حقوق بشر، دبیر انجمن دفاع از حقوق زندانیان، روزنامه نگار و روشنفکر دینی امروز پس از گذراندن دوره محکومیت خود از زندان اوین آزاد و به آغوش خانواده و دوستانش بازگشت.

کمپین «هر ایرانی یک صدا» آغاز شد

کمپین هر ایرانی یک صدا در حمایت از اعتصاب غذای ۱۲ زندانی سیاسی آغاز به کار کرد. این کمپین در اطلاعیه آغاز به کار خود اعلام کرد: ایرانیان چهارگوشه جهان از امروز با فرستادن پیام‌های صوتی و تصویری خود از گوشه و کنار دنیا صدای حمایت و همدلی خود را به این عزیزان دربند و خانواده‌های نگرانشان برسانند.

کافی است یک فایل صوتی یا تصویری سه دقیقه‌ای از حمایت خود با هر زبان و لهجه‌ای که دارید را به آدرس ایمیل everyiranianonevoice@gmail.com فرستاده شود.

روزه سیاسی جمعی از دانشجویان

جمعی از دانشجویان سبز دانشگاه علم و صنعت ایران در حرکتی نمادین اعلام نمودند که روز پنجشنبه ۲ تیر روزه سیاسی می‌گیرند.ای ن دانشجویان این امر را در راستای اعلام همبستگی با ۱۲ زندانی سیاسی اعتصاب‌کننده بند ۳۵۰زندان اوین و همچنین اعتراض به وقایع اخیر از جمله شهادت هاله سحابی و هدی صابر اعلام نمودند.

درخواست تعدادی وکلای دادگستری از زندانیان اعتصاب کننده

تعدادی از وکلای دادگستری که در دو سال اخیر وکالت زندانیان سیاسی جنبش سبز را نیز بر عهده گرفته بودند در پیامی خطاب به ۱۲ زندانی اعتصاب کننده در بند ۳۵۰ اوین گفته اند: می دانیم که زندانی زمانی دست به اعتصاب غذا می زند که از سایر اقدامات قانونی مایوس شده باشد، بدین وسیله از همه این عزیزان که ایمان دار یم پایبند به دین و شریعت و موازین حقوق بشری هستند تقاضا داریم به اعتصاب غذای خود که می تواند نتایج زیان بار و غیر قابل جبرانی داشته باشد پایان دهند.

روزنامه کلمه، شمارهٔ هفتاد و هفت
چهارشنبه، ۸ تیر ۱۳۹۰، شمارگان: ما بیشماریم

کلمه
بنی الاسلام علی الکلمتین
کلمة التوحید و توحید الکلمة

WWW.KALEME.COM

جنبش سبز باید با همه قشرهای اجتماعی پیوند خورد و مسائل آنها را مطرح کند. کارگران و معلمان و ... هدف جنبش سبز ایجاد زندگی بهتر برای همه و به ویژه اقشار فرودست و آسیب پذیر اجتماعی است. ما باید در جامعه از کارگران و کارآفرینان بطور توامان دفاع کنیم و اینکه منافع ایندو قشر بهم گره خورده و در تعامل مثبت با یگدیگر قرار دارد و اینکه تعامل سازنده این دو باعث پیشرفت و توسعه جامعه می شود

سرمقاله

مقامات صدای ما را نمی شنوند

ژیلا بنی یعقوب: بهمن عزیزم، همین دوشنبه پیش بود که دوباره از پشت شیشه ی تار و کدر کابین ملاقات دیدمت، آنقدر کدر که بارها به تو گفتم نحوه نشستن ات را تغییر بدهی تا بتوانم صورتت را واضح ببینم و این البته همه ی دردسر یک ملاقات نبود، تو مثل همه زندانیان دیگر، حالا موقع ملاقات مجبوری انگشت خودت را روی دکمه ای که تازگی ها روی گوشی های تلفن سالن ملاقات گذاشته اند فشار بدهی و هر وقت دستت خسته می شود و ناگهان آن را رها می کنی صدایت قطع می شود.

می گویم: بهمن! شنیده ام این دکمه ها کارش شنود حرفهای زندانیان و خانواده هایشان است.

می گویی: نمی دانم واقعیت دارد یا نه؟ اما اگر واقعیت دارد کاش دستگاهی پیش رفته تر بخرند که مجبور نباشیم در تمام طول ملاقات دستمان را روی این دکمه فشار بدهیم.

بهمن! آن روز سه روز از اعتصاب غذایت گذشته بود و حالا ۹ روز...گفتم همه می گویند که اعتصاب غذا باید خواسته مشخص داشته باشد و اعتصاب شما خواسته مشخص و ملموسی ندارد.

تو می گویی چه کسی گفته خواسته مشخصی ندارد؟ درخواست رسیدگی به پرونده هدی صابر و هاله سحابی درخواست مشخصی نیست؟بعد هم اضافه می کنی البته می دانیم که مقامات صدای ما را نمی شنوند و رسیدگی نمی کنند اما شاید صدای ما به مردم رسید... بعد هم مکث و این بار می گویی: «اگر صدای ما به مردم هم نرسد مهم نیست» ...چون... می پرسم چون چی بهمن؟!انگار به من گوش نمی دهی، انگار خیره شده ای به پنجره ای که پشت سر من است و می گویی: صابر عاشق منش و روش و اخلاق سحابی ها بود. می گویی: مرگ عزت و بعد هاله ضربه روحی بزرگی برای صابر بود و صبر صابر را تمام کرد.

دوباره از حرف نیمه تمام ات در باره دلیل اعتصاب غذایتان می پرسم و تو انگار من را نمی شنوی و باز حرف خودت را می زنی:صابر واقعا اصولگرا و اخلاق گرا بود...نه از این اصولگراهایی که در سیاست ایران حرفش را می زنند، نه! یعنی واقعا به اصولی که به آن باور داشت پای بند بود. خیلی مهربان بود، مراقب همه زندانی ها بود. وقتی کسی بیمار بود مثل یک مادر مهربان از او پرستاری می کرد...هر زندانی تازه واردی که می آمد صابر فوری سراغش می رفت تا احساس تنهایی و دلتنگی نکند.

می شنوم که می گویی: صابر به شدت جدی و اهل مبارزه بود، همیشه می گفت باید تا آخر ایستاد و مقاومت کرد و یک قدم هم کوتاه نیامد و هیچ وقت هم کوتاه نیامد. همیشه با صدای بلند و قاطع و از موضع بالا با بازجوهایش صحبت می کرد. صابر بازجوهایش را نصیحت می کرد و می گفت حیف است! با خودتان چنین نکنید. به معیارهای انسانی پایبند باشید و کرامت انسان را رعایت کنید.می گویی: نحوه مرگ هاله سحابی ضربه سنگینی برای آقای صابر بود و صبرش را تمام کرد.

می گویم :این را گفتی! بهمن جان.

می گویی : وقتی صابر اعتصاب غذا کرد، عصر یکی از همان روزها که توی حیاط زندان قدم می زد، از او پرسیدم که آقای صابر! چرا اعتصاب کرده اید؟ شما که با اعتصاب غذا مخالف بودید.صابر گفت :به خاطر فاجعه مرگ هاله سحابی دچار عذاب اخلاقی و روحی شدیدی هستم، من از این اعتصاب خواسته ای ندارم. می خواهم خودم را آرام کنم و آرام هم شده ام.

می پرسم:بهمن! می خواهی بگویی شما هم با اعتصاب غذا خودتان را آرام می کنید؟

می گویی: صابر صبرش تمام شد از مرگ هاله، ما هم صبرمان تمام شد از مرگ صابر، از مرگ هم بندی مان که چه آسان از میان ما رفت و هیچ کس هم پاسخگوی مرگش نیست.

ده ماه قرنطینه؛

تاجزاده: از حداقل حقوق یک زندانی برخوردار نیستم

مصطفی تاجزاده عضو سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی و جبهه مشارکت ایران اسلامی روایت ده ماهی را که در قرنطینه اوین گذرانده است را تشریح می کند.

وی در مرخصی ۴ روزه اخیر خود در گفت و گو با کلمه می گوید: از زمانی که به اوین برگشتم تا زمان مرخصی، من را به یکی از اتاق های حفاظت زندان ها بردند. در یکی دو روز نخست تنها بودم تا اینکه آقای نوری زاد را نیز به آنجا آوردند. پس از مدتی نوری زاد در اعتراض به شرایط خود دست به اعتصاب غذا زد و در پی آن از آن سلول منتقل شد تا آنکه پس از گذشت مدتی فردی را آوردند که سیاسی نیست و به دلیل شکنجه های وحشتناکی که بر او صورت گرفته است از حالت روحی مساعدی نیز برخوردار نیست.

او در باره هم سلولی خود تاکید می کند: بر اساس گفته های این فرد، او را ۵۰ روز در انفرادی بدون برق نگه داشته بودند، شرایطی که فرد عادی را نیز از حالت طبیعی خارج می کند، او شرایط بسیار سختی را پشت سر گذاشته و بر اساس گفته خودش تا کنون ۷ بار خودکشی کرده است. شرایطی فراهم کرده اند که تنهایی را به حضور فرد دیگری ترجیح می دهم. باید تاکید کنم که مشکلی با هم اتاقی خود ندارم و می دانم که هرکس هم که جای او بود از تعادل خارج می شد.

او در خصوص نحوه اعتراضش به شرایط نگهداری اش در قرنطینه زندان اوین نیز خاطر نشان می کند: حکم های ما از اساس ظالمانه است و افراد دیگری باید محکوم می شدند، اما حالا که به این شکل ناعادلانه محکوم شده ایم پس باید از حداقل حقوق زندانی ها نیز برخوردار شویم. پس از آنکه ملاقات های منظم من را قطع کردند و این ملاقات ها هر از چندگاه شد ، از ۲۰ آبان سال گذشته شروع به گرفتن روزه کردم و بیش از ۷ ماه یعنی تا روزی که از زندان آزاد شدم نیز روزه خود را ادامه دادم و اکنون نیز اگر دوباره به قرنطینه برگردم مجددا تا وقتی که از زندان آزاد شوم روزه خواهم گرفت و این را تنها روش مدنی برای اعتراض خود می دانم. مانند بقیه کارها نیز عجله ندارم و به صورت مستمر این امر را دنبال می کنم تا بالاخره این صدا شنیده شود.

او می افزاید: جمع بندی من در این است که تصمیم آقایان بر این است که در جمع نباشم و از طرفی دیگر نمی خواهند در انفرادی هم مرا نگه دارند چراکه دلیل و توجیهی برای کار خود ندارند. به من حتی اجازه سلام و علیک ساده با دیگر زندانیان را نیز نمی دهند.

تاجزاده همچنین در خصوص شکایات خود می گوید: یک شکایت ده ساله از آقای جنتی دارم که اگر به آن شکایت رسیدگی می شد اکنون این اتفاقات در کشور رخ نمی داد. شکایت دیگرم از سردار مشفق است که در واقع در سخنان خود به کودتای انتخاباتی اعتراف کرده و پس از آنکه به ما گفتند قانونی پیگیری کنید و شکایت کنید ما شکایت کردیم که به آن نیز رسیدگی نکردند. دو شکایت دیگر نیز از خبرگزاری ایرنا و روزنامه ایران دارم که چرا روز جمعه خبر بازداشت من را به دروغ منتشر و فضا را متشنج کردند. یک شکایت دیگر هم از قرارگاه ثارالله است که چرا من را مورد ضرب وشتم و توهین قرار داده اند و همچنین نسبت به بازداشت غیر قانونی خود نیز شکایت دارم که البته به هیچ کدام از این شکایت ها رسیدگی نشده است.

انتقاد تند امام‌جمعه شیراز از مسئولان:

کشاورزان زکات دهنده تحت پوشش کمیته امداد درآمده اند

آیت‌الله اسدالله ایمانی امام جمعه شیراز گفت: چرا ما می گوییم سرمایه گذار خارجی آمده؟ کو؟ اینها کجا هستند؟ چرا دروغ می گوییم؟ این سرمایه گذار خارجی کجاست که هیچ کس آنها را ندیده است؟!

عضو مجلس خبرگان ادامه داد: چرا با این دروغ گویی ها توقع مردم را بالا می برید؟ شما کارخانه های فعلی را نگه دارید، سرمایه گذاری خارجی پیش کشتان باد. به جای جلسات محفلی سیاسی بیایید برای مشکلات مردم برنامه ریزی کنید. چرا سفرهای خارجی و افراد معلوم الحال را دعوت کرده، حاتم بخشی می کنید؟ چرا سرمایه گذار داخلی را حمایت نمی کنید؟

نماینده رهبری در استان فارس اظهار داشت: چرا سهم صادرات ما در سال در سال ۸۹ کمتر از سال ۸۸ است؟ بازرگانی استان اعلام کرده در سال ۱۴۰۴ میزان صادرات فارس به خارج باید به ارزش تقریبی ۱۲میلیارد و ۳ میلیون دلار باشد. آیا با این وضع موجود ما می توانیم به این رقم برسیم؟!دغدغه و غصه ما این است که مردم فارس چه گناهی کرده اند که کارخانجات مهم و اثرگذار مرتب در حال تعطیل شدن هستند؟

وی در خاتمه تاکید کرد: آوردن سرمایه گذار مبارکتان! اینها را که دارید، حفظ کنید؛ در روزنامه خبر چهار هفته گذشته دیدم اسمی از میزان صادرات فارس نیامده است. چرا باید این چنین باشد ؟ چه کسی باید جواب گوی این وضع نابسامان اقتصادی فارس باشد؟ کشاورزان زکات دهنده ما تحت پوشش کمیته امداد آمده اند. متاسفانه در مجموعه استان فارس گوش شنوایی برای شنیدن حرف و قول مردم نمی‌بینم.

برگزاری شام غریبان سالگرد شهادت شهید بهشتی

امسال نیز مانند سال گذشته شام غریبان آیت الله شهید دکتر بهشتی و ۷۲ تن از یاران وفادارشان با حضور خانواده شهید بهشتی و جمعی از دوستداران و شاگردان مکتب شهید بهشتی در محل بهشت زهرا و بر مزار این شهدای بزرگوار برگزار شد.

مراسم شام غریبان در حالی برگزار شد که هر ساله رسم بر این بود که مراسم اصلی سالگرد در مسجد قبا برگزار شود اما خانواده شهید بزرگوار بهشتی تصمیم گرفتند با توجه به اتفاقات و حوادث بعد از انتخابات برای دومین سال پی در پی از برگزاری این مراسم در مسجد قبا صرفنظر کنند تا شرایط مناسب فراهم شود.

در آغاز مراسم شام غریبان دکتر سید محمد رضا بهشتی فرزند ارشد شهید بهشتی طی سخنانی کوتاه اظهار داشت: امسال این مراسم همزمان شده است با سالروز شهادت امام مظلوم و زندانی غریب بغداد امام موسی کاظم که در غربت و محنت به شهادت رسیدند.

در ادامه مراسم زیارت عاشورا و دعای توسل توسط حاضرین قرائت شد.

قبل از حضور خانواده شهید بهشتی بر سر مزار ایشان عده ۱۲۰ نفر از مسلمانان بوسنی و هرزگوین توسط وزارت ارشاد در قالب کاروانی در محل ارامگاه شهدای هفتم تیر حضور داشتند. مسئول کاروان در حال سخنرانی در مورد ولایت پذیری شهید بهشتی بود و می گفت ایشان شهید ولایت بودند و ولایت پذیری ایشان شهره بود. وقتی دشمنان و منافقین کوردل متوجه این موضوع شدند ایشان را به شهادت رساندند. در این هنگام دکتر علیرضا بهشتی وارد محل شدند. به محض ورود ایشان مسئول کاروان، به سرعت به سخنان خود خاتمه داد و کاروان را از محل خارج کردند.

اخبار کوتاه

پایان اعتصاب غذا در بند ۳۵۰ اوین

دوازده زندانی سیاسی اعتصاب کننده در بند ۳۵۰ زندان اوین با صدور بیانیه ای ضمن اعلام پایان اعتصاب غذای خود نوشته اند: اکنون ما اعتصاب کنندگان در پاسخ به پیام های محبت آمیز و ضمن ابراز احترام و تشکر از ایشان، اعلام می داریم که شب یکشنبه ۵ تیرماه ۱۳۹۰ به اعتصاب غذای خود پایان داده ایم. بدون شک این پایانی بر اعتراض های مدنی نسبت به نقض حقوق بشر و مظالم صورت گرفته نخواهد بود و اعتراض مردم سبز ایران تا دستیابی کامل به حقوق و آزادی های فردی و اجتماعی خود ادامه خواهد داشت.

سکه و ارز گران فروخته شد تا پول مسکن مهر جور شود!

عضو کمیسیون برنامه و بودجه مجلس درباره جلسه کمیسیون جهاد اقتصادی مجلس با بهمنی گفت: سیاست فروش سکه و ارز بانک مرکزی برای جمع‌آوری نقدینگی ناشی از تزریق ۱۴ هزار میلیارد تومانی مسکن مهر بوده است.

جعفر قادری در مورد نشست روز قبل کمیسیون جهاد اقتصادی افزود: سؤال نمایندگان در کمیسیون جهاد اقتصادی از آقای بهمنی رئیس کل بانک مرکزی این بود که چرا نرخ ارز یک باره افزایش و بعد یکباره کاهش پیدا کرد و این نوسان به خاطر چه بوده است.

آغاز تفکیک جنسیتی در دانشگاه صنعتی شریف

رئیس دانشگاه صنعتی شریف گفت کلاس‌های جداگانه‌ای برای دانشجویان پسر و دختر سال اول این دانشگاه برگزار می‌شود.

رضا روستاآزاد، رئیس دانشگاه صنعتی شریف تهران، «تفکیک جنسیتی» را از برنامه‌های وزارت علوم دانست و گفت این دانشگاه برنامه‌هایی را برای آن در نظر گرفته است.

دولت چای خریده؛ یک ریال به چایکاران نداده است

نماینده لنگرود در مجلس از عدم پرداخت مطالبات چایکاران از سوی دولت انتقاد و تصریح کرد: از ابتدای سال تا کنون ریالی به چایکاران پرداخت نشده است.

مهرداد بائوج لاهوتی در تشریح تذکر کتبی خود به وزیر جهاد کشاورزی، گفت: با وجود خرید برگ سبز چای از کشاورزان، اما از ابتدای سال تا کنون هنوز ریالی به چایکاران پرداخت نشده است.

ادامه اعتصاب غذای سه زندانی سیاسی کرد

اعتصاب غذای سه زندانی سیاسی کرد در زندان رجایی شهر وارد بیست و ششمین روز خود شد اما مسوولان زندان هیچ توجهی به شرایط و خواسته های این زندانیان برای پایان اعتصاب غذای شان نشان نمی دهند.

سه زندانی سیاسی کرد النور خضری ،کامران شیخی و سید ابراهیم سیدی در اعتراض به شرایط نگهداری شان و این که در میان زندانیان عادی با جرایمی همچون تجاوز به عنف، قتل و قاچاق مواد مخدر دارند از ۲۴ روز پیش دست به اعتصاب غذا زده اند.اما مسوولان زندان به خواسته اصلی آنان که همان انتقال به بند زندانیان سیاسی است بی توجهی نشان می دهند.

آیت الله بیات: در اسلام محارب و برانداز هم زندان نمی روند

آیت الله اسد الله بیات زنجانی از مراجع تقلید قم در بیانیه ای با تاکید بر این که "در اسلام حتی برای محارب و برانداز مجازات زندان مد نظر قرار نگرفته است" خواستار آن شد تا سالروز شهادت امام موسی کاظم (ع) به عنوان "روز اعلام هم نوائی و همدردی با زندانیان مظلوم و بی گناه و خانواده های آنان در سراسر عالم" اعلام شود.

بنی الاسلام علی کلمتین ،کلمة التوحید و توحید الکلمة

کلمه

WWW.KALEME.COM

روزنامه کلمه شماره ۷۸ / شنبه ۱۱ تیر ۱۳۹۰ / شمارگان : ما بیشماریم

حاضر نیستم به خاطر مصالح شخصی و هراس از تهدیدها از ایستادگی در سایه شجره سبز استیفای حقوق ملت که امروز به خون به ناحق ریخته شده جوانان این کشور آبیاری شده است لحظه ای صرف‌نظر نمایم.

میرحسین موسوی- بیانیه شماره۸

راه بازگشت به مردم از کوچه اختر می‌گذرد

هنگامی که سید محمد خاتمی رسما اعلام کرد که در حمایت از میرحسین موسوی از کاندیداتوری ریاست جمهوری کنار می‌رود کمترکسی گمان می‌کرد که آنچه او در وصف میرحسین موسوی و اولویت و صلاحیت های او می‌گوید فراتر از تعارف های معمولی سیاسی باشد. اما امروز هر کس که تاریخ سه ساله اخیر را با دقت مرور بکند از صداقت و شرافت ودرک بالای سید محمد خاتمی در شگفت می ماند. هنگامی که حسین شریعتمداری و امثال او پس از ماها زیر و رو کردن اسناد و مدارک، حتی یک لکه سیاه در زندگی سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی میرحسین موسوی نتوانست پیدا کند گمان نمی‌کرد که مجبور شود در جهت توجیه تحولات چند ماهه اخیر ناگزیر به فساد مالی گسترده و عمیق و ریشه دار باند احمدی نژاد و یارانش اعتراف کند. البته او هنوز به درجه عقل مجتبی ذالنور نرسیده است ولذا مذبوحانه احمدی نژاد را از مشایی واشباح او جدا می کند. اما دیری نخواهد گذشت که همین افراد هتاک، فساد مالی بالغ بر سیصد میلیارد تومانی احمدی نژاد را در شهرداری تهران را افشا خواهند کرد و این آغازی است بر افشای فساد های چند ده میلیارد دلاری از بالا تا پایین جناح کودتا. هنگامی که میر حسین موسوی به صراحت اعلام کرد که هیچ انگیزه شخصی و گروهی اورا به کاندیداتوری ترغیب نکرده است بلکه مشاهده فقر وفساد و ظلم و تجاوز به حریم مردم او را نگران سرنوشت کشور و اینده ایران نموده است کمتر کسی به اندازه عمق نگاه او از ابعاد این خطرات که بواسطه حاکمیت یافتن عده ای بی صلاحیت گریبان اجرایی کشور را گرفته اگاهی داشت. آن هایی که به هر دلیل خواه به واسطه کینه هایی که از دوران نخست وزیری این مرد خدوم و فرزند رشید ملت در سینه انباشته کرده بودند وخواه کسانی که به واسطه پایمردی او بر منافع عمومی و باج ندادن به اشخاص، از وی دل چرکین بودند، هرگز فکر نمی کردند که گذشت زمان به این سرعت و با این گستردگی یک به یک تحلیل های میر حسین موسوی را در قالب واقعیت های عینی جلو چشمان انها قرار دهد. چه کسانی آمدند و به جای درک واقعیت و پیدا کردن چاره ای برای آن ها، این موسسه ها و نهاد های بین المللی را با عناوین صهیونیستی و امریکایی مورد خطاب قرار دادند اما همان‌ها از شدت استیصال و پوسیدگی آشکار شده این دولت و فسادهایش کارشان به جایی رسیده است که برای رفو کردن افتضاح حذف یارانه ها به جعلی از صندوق بین المللی پول متشبث می شوند. آنچه شگفت انگیز و قابل تامل به نظر می رسد این است که همزمان با آشکار شدن روزافزون اندیشه ها و راه میرحسین موسوی و همراهانش و بر ملاشدن ماهیت دروغگویی و بی کفایتی و جبایت اقتدارگرایان، گروهی بویژه در خارج از کشور مرکز ثقل بحث های خود را هتاکی به میر حسین موسوی بایت پایمردی او به ضرورت اجرای بدون تنازل قانون اساسی قرار داده اند. البته شخص میر حسین زمانی که هنوز اسیر ظلم عقده های چندین ده ساله نشده بود مکرر توضییح داده بود که قانون اساسی موجود تا زمانی که جایگزین بهتری برایش پیدا نشده است مهمترین رکن حفظ تمامیت ارضی کشور و جلو گیری از بهم ریختگی ها واز هم گسیختگی های تحمیل کننده و هزینه های جبران ناپذیر بر کشور است واین مسئله ای است که هر انسان با حداقل دانش و تجربه تاریخی به آن صحه می گذارد. البته میرحسین موسوی گفته بود که این قانون اساسی را وحی منزل نمی داند و قابل اصلاح و تصحییح به شمار می‌آورد اما آن ها که محور حمله خود را قانون اساسی قرار داده اند باید توجه داشته باشند که اگاه یا نا آگاه در صف کودتاچیان قرار نگیرند. یکی از بحث های اصلی میر حسین موسوی آن بود وهست که کودتاچیان همانقدر که به نام دین همه موازین شناخته شده دینی را ریر پا گذاشته وقربانی ظلم وفساد وتجاوز خودساخته اند با قانون اساسی هم همان کار را کردند. وجه دیگر مسئله نیز آن است که کدام عقلی می پذیرد که ما تا جایگزین بهتری معرفی نکرده ایم قانون اساسی موجود را نفی کنیم و همنوا باکودتاچیان بر طبل بی قانونی وهرج ومرج وفرصت سازی برای آنها بکوبیم؟ تا امروز تعداد روزهایی که دو رهبر بزرگ و آزده جنبش سبز و همسرانشان در حبس ظالمانه قرار دارند از مرز یکصد روز عبور کرده است اما روند تحولات، چشم اندازهای امید بخشی را فرا روی ملت ایران قرار داه است. اقتدارگرایان فراموش کرده اند که تا همین چند هفته پیش از احمد جنتی در نماز جمعه نمایندگان مجلس را نکوهش می کرد که چرا چوب لای چرخ دولت می گذارند و امروز به جای اعتراض به بی صلاحیتی و جباریت خود، همدستی بخشی از کودتاگران با جنبش سبز به عنوان توجیحی برای کارهای احمقانه خود استفاده می کنند. گویی حافظه این ملت را دست کم گرفته اند ونمی دانند که همه این فساد هایی که به بخش افشا شده کودتاچیان منحرف نسبت می دهند فقط از طریق فرصت هایی که فضای سرکوب فراهم ساخته مجال بروز پیدا کرده است. آن هایی که تا دیروز این دولت را از صدرمشروطیت تا امروز ممتاز به حساب می آوردند در زمان طرح این ادعا، تفکیکی میان جناح مختلف اقتدارگرایان صورت نداده بودند. بنابرین هر انحرافی وهر فسادی مشاهده می شود بار جرم و مسئولیت آن به دوش همه انحصارگران است و راه توبه نیز ازمسیر بازگشت به ملت و جدی گرفتن هشدارهای میرحسین موسوی و مهدی کروبی و محمد خاتمی می گذرد. بنابرین در یک فضای باز و آزاد، بدون تردید بازگشت به برنامه های اصلاحی این بزرگان راهگشا خواهد بود وامید آن می رود که تا دیر نشده این بازگشت صورت پذیرد.

علی محمد حاضری: مطالبات امروز اصولگرایان، خواسته های گذشته اصلاح طلبان است

دبیر کل انجمن اسلامی مدرسین دانشگاهها گفت : با عدم حضور اصلاح طلبان در انتخابات آینده نه تنها استقبال مناسبی از انتخابات نخواهد شد بلکه یک رقابت درون گروهی دامن اصولگرایی را خواهد گرفت.

وی ادامه داد: درانتخابات چند سال گذشته اصلاح طلبان بر عدم دخالت دولت در انتخابات تاکید داشتند و خواستار تضمین سلامت انتخابات شدند اما امروز شاهد این هستیم که اصولگرایان در صحبتهای خود از مطالباتی حرف می زنند که مدتهای زیادی است خواسته طیف اصلاح طلب بوده است.

وی با اشاره به مشروط بودن حضور اصلاح طلبان درانتخابات آینده گفت: بر اساس آمارها اصلاح طلبان حداقل ۵۰ درصد آمارهای انتخاباتی را به خود اختصاص می دهند و حضورشان در انتخابات موجب شور انتخاباتی در مردم شده و انتخابات از استقبال بیشتری برخوردار خواهد شد.

هشدار نسبت به سونامی افزایش قیمت میوه در آستانه ماه رمضان

قائم مقام دبیر کل خانه کشاورز ایران عامل اصلی آشفتگی بازار و نابسامانی میوه را وجود گروهی انحصار گرا و فرصت طلب در این بازار دانست که باعث ایجاد کمبود مصنوعی وبرهم زدن توازن عرضه و تقاضا شده است.

عنایت اله بیابانی اظهار داشت: این گروه انحصار گرا و فرصت طلب که عمدتا وارد کنندگان میوه هم هستند با احتکار میوه ضمن ضربه به منافع ملی باعث آشفتگی بازار میوه و نابودی بخش کشاورزی شده‌اند.به گفته وی، در حال حاضر بازار میوه نسبت به گذشته از روند افزایشی به لحاظ قیمتی برخوردار است و طی یک ماه آینده در صورت نبود کنترل و نظارت جامع شاهد افزایش سر سام آور قیمت در این بازار خواهیم بود.

وی در پایان بازار میوه را در حال حاضر یک بازار آشفته و نابسامان توصیف کرد و نسبت به افزایش سونامی قیمت محصولات در این بازار در آستانه ماه‌رمضان هشدار داد.

اخبار کوتاه

چرا هزینه زندگی درتهران از شهرهای آمریکا گران تراست؟

محمد مهدی بهکیش دبیر کمیته ایرانی اتاق بازرگانی بین‌الملل در یادداشتی نوشته است: دنیا در طی دو قرن گذشته تغییرات زیادی کرده است. سطح مطالبات مردم هم افزایش یافته است. یک روز صنعتی شدن محور توسعه بود. امروز تجارت حرف اول را می‌زند. حال هزینه زندگی امروز در تهران را با یکی از شهرهای آمریکا مقایسه کنید. تقریبا تمامی کالاها در تهران گران‌تر است. شاید حمل‌ونقل در تهران کمی ارزان‌تر باشد. این گرانی برای چیست؟ به این دلیل است که خودرو را به قیمت دو تا سه برابر قیمت واقعی می‌خریم. پارچه را گران می‌خریم. یا هم اگر قیمت ارزانتر است کیفیت نامطلوب است. یکی از مشکلات ما در نظام اقتصادی یارانه‌ها بود که خوشبختانه کار خوبی صورت گرفت و برداشته یا همان هدفمند شد. اما این کار در صورتی به نفع اقتصاد خواهد بود که تثبیت قیمت‌ها به افزایش سرمایه‌گذاری منجر شود. اگر شرایط را برای سرمایه‌گذاری تسهیل و فراهم نکنیم مشکلات بسیار جدی خواهیم داشت.

افزایش ۴۱۳ درصدی قیمت ها نسبت به سال گذشته

آمارهای بانک مرکزی خاطرنشان می کند که افزایش قیمت مواد غذایی در خردادماه امسال، در مقایسه با خرداد۸۹، نسبت به افزایش قیمت «خرداد ۸۹، نسبت به خرداد ۸۸» بیش از ۴۱۳ درصد بیشتر بوده است.

دانشگاه مازندران هم تفکیک جنسیتی شد

پس از دانشگاه شریف که اعلام کرد دانشجویان ورودی سال ۹۰ را تفکیک جنسیتی می کند، دانشگاه مازندران هم چنین تصمیمی را البته گسترده تر گرفته است.رییس دانشگاه مازندران با اشاره به آغاز طرح تفکیک جنسیتی در کلاسهای دروس عمومی این دانشگاه، گفته: "اگر تعداد دانشجویان دروس تخصصی به حد نصاب لازم برسد و امکانات وجود داشته باشد، کلاسهای این دروس هم تفکیک می‌شود."

ارزان‌فروشی گاز ایران به پاکستان

سایت خبرآنلاین در یادداشتی از دروغگویی مسئولان دولت احمدی‌نژاد درباره قرارداد فروش گاز به پاکستان پرده برداشت و با اشاره به اظهارات اخیر معاون وزیر نفت پاکستان درباره قیمت خرید گاز از ایران، این قیمت را به مراتب پایین‌تر از قیمتی دانست که وزیر نفت احمدی‌نژاد به مجلس اعلام کرده است، و حتی ۴۰ درصد ارزان‌تر از مبلغ قرارداد جنجالی کرسنت.

افزایش ۱۰ تا ۱۵ درصدی قیمت لبنیات

رئیس اتحادیه سوپر مارکت و مواد پروتئینی ایران از گران شدن ۱۰ تا ۱۵ درصدی قیمت لبنیات خبر داد و گفت که «برای مثال قیمت شیری که ۸۵۰ تومان بود الان ۹۲۰ تومان شده‌است.»سعید درخشانی، با اشاره به افزایش قیمت کالاهایی چون روغن، انواع سس و لبنیات گفت: «معمولا همه محصولات لبنیات با هم گران می‌شوند چرا که همگی از شیر درست می‌شوند ولی خیلی از جنس‌ها چون پنیر پگاه گران نشده‌است در حالی که پنیر کاله افزایش قیمت داشته‌است.»

حبس، جریمه و شلاق برای ۱۴ دانشجو!

برخلاف ادعای برخی از مقامات بلند پایه قضایی در ایران، مبنی بر مجازات عاملین حادثه حمله به کوی دانشگاه تهران در شامگاه ۲۴ خرداد ماه ۱۳۸۸، که توسط نیروهای انتظامی و با پشتیبانی نیروهای معروف به لباس شخصی صورت گرفت، این بار نیز قربانیان و دانشجویان آسیب دیده کوی دانشگاه در جایگاه متهم قرار گرفتند.در جدیدترین حکم قضایی که در رابطه با حوادث کوی دانشگاه تهران از طرف نهادهای قضایی جمهوری اسلامی صادر شده است، ۱۴ تن از دانشجویان این دانشگاه با احکام قضایی مانند حبس، جریمه و شلاق روبه‌رو شده اند.

روزنامه کلمه، شماره هفتاد و نهم
دوشنبه، ۱۳ تیر ۱۳۹۰

کلمه
WWW.KALEME.COM

تمامی تلاش‌هایی که این روزها در مخالفت با شما صورت می‌گیرد برای آن است که از ثمربخش بودن اعتراضات قانونی خود ناامید شوید، زیرا تا ما ناامید نشویم این دولت از اعتبار واقعی برخوردار نخواهد شد. امید به آینده رساترین اعتراض ماست. اگر می‌خواهید ایرانی باقی بمانید از شعله امید در سینه‌های خود محافظت کنید، زیرا امید بذر هویت ماست.

میرحسین موسوی، بیانیه ۹

نسرین ستوده به صادق لاریجانی: متشکرم که زندانم طولانی‌تر از موکلانم است

نسرین ستوده، وکیل دادگستری و فعال جنبش زنان، خطاب به رئیس قوه‌قضائیه نامه‌ای نوشته است. نسرین ستوده که از ۱۳ شهریورماه ۱۳۸۹ در بازداشت به سر می برد، به ۱۱ سال حبس تعزیری و ۲۰ سال محرومیت از وکالت و خروج از کشور محکوم شد. او در پی انتشار خبر این حکم ناعادلانه و سنگین در اسفندماه، این نامه را به نگارش درآورده که متن کامل آن را در زیر می‌خوانید:

جناب آقای رئیس قوه‌ی قضائیه!

سپاسگزارم که به ما نشان دادید معترضان انتخاباتی چه موجودات خطرناکی هستند ما فراموش کرده بودیم آنها چه خیانت‌های بزرگی به ملت ایران کرده بودند!

سپاسگزارم که ماموران شما در همان ساعات اولیه پس از انتخابات به بازداشت گسترده‌ی این موجودات خطرناک پرداختند و از بروز اعتراض آنها جلوگیری کردند.ماموران در زمان بازداشت به آنها گفته بودند که برای "پیشگیری" آنها را بازداشت کرده‌اند!

سپاسگزارم خطر "ایمیل" و "SMS"ها را به ما نشان دادید. ما فقط با احکام سنگین دادگاه‌های شما دریافتیم این‌ها چه پدیده‌های خطرناکی هستند!

بابت حکم خودم به طور ویژه از شما سپاسگزارم. از اینکه قاضی شما در صدور حکم خویش به هیچ روی ملاحظه‌ی دو کودک خردسال مرا ننمود، بسیار سپاسگزارم.

قاضی شما نشان داد زنان ایران را به هیچ بهانه‌ای نمی‌توان نادیده گرفت. من حکم شما را با هیچ چیز در دنیا عوض نمی‌کنم، زیرا این حکم لطف و محبت بی‌پایانی را از سوی هموطنان‌ام و آزادیخواهان جهان به سویم سرازیر کرد.

از اینکه حکم حبس‌ام را بیش از موکلانم صادر کردید، بسیار سپاسگزارم. رهایی از زندان قبل از موکلانم برایم بسیار دردناک بود.

از اینکه هر بار ماموران شما مرا با ماشین اختصاصی و از سلول انفرادی، با دو مرد مسلح و یک زن جهت محاکمه به دادگاه اعزام کردند تا احساس مهم بودن بنمایم از شما سپاسگزارم.

خصوصا از دادرسی عادلانه ی شما بی‌نهایت سپاسگزارم!

آقای رئیس!

از اینکه قاضی شما دفاعیات مرا و وکلای شجاع‌ام را جدی نگرفت، بسیار سپاسگزارم اما بدانید ما احکام شما را و به ویژه احکام دادگاه‌های انقلاب تان را بسیار جدی می گیریم.

نسرین ستوده / اسفند ۸۹ / بند ۲۰۹ زندان اوین

صادرات نفت مجانی ایران به هند ادامه می‌یابد

با وجود افزایش بدهی های نفتی پالایشگاههای هند به ایران، شرکت ملی نفت با تکذیب خبر توقف صادرات نفت به هند بر ادامه صادرات طلای سیاه ایران به این کشور آسیایی تاکید می کند.

در حال حاضر به طور متوسط روزانه حدود ۴۰۰ هزار بشکه نفت خام ایران برای تامین خوراک پالایشگاههای هند به این کشور آسیایی صادر می‌شود.

محاسبات انجام گرفته نشان می دهد از ابتدای سالجاری میلادی تاکنون به طور متوسط قیمت هر بشکه نفت خام صادراتی ایران به پالایشگاههای هند حدود یکصد دلار بوده است و مطابق با گزارش شرکت ملی نفت در شرایط فعلی میزان بدهی های نفتی هند به ایران حدود ۹ میلیارد دلار برآورد می شود.

با بالا گرفتن اختلافات ارزی تهران – دهلی از ژانویه سال ۲۰۱۱ میلادی تاکنون، طرف هندی تاکنون هیچ گونه پولی بابت نفت خریداری شده از ایران پرداخت نکرده است و این در حالی است که مذاکرات انجام گرفته توسط مسئولان وزارت اقتصاد، بانک مرکزی و شرکت ملی نفت هم برای وصول این بدهی ها نتیجه ای نداشته است.

از سوی دیگر روز گذشته کپی نامه شرکت ملی نفت ایران خطاب به پالایشگاههای هند در اختیار رسانه های داخلی و خارجی قرار گرفت که مطابق با این نامه ایران با ارسال اولتیماتومی به هند خواستار وصول مطالبات نفتی از پالایشگاههای این کشور شده است.

همچنین در بخشی از این نامه آمده است: در صورتی که تا ماه اوت ۲۰۱۱ میلادی (مرداد ماه ۱۳۹۰) وضعیت پرداخت بدهی هند به ایران تعیین تکلیف نشود صادرات نفت ایران به این پالایشگاههای این کشور آسیایی متوقف خواهد شد.

با انتشار گسترده این نامه شرکت ملی نفت ایران به پالایشگاههای بدهکار نفتی، پیش بینی می شود وضعیت صادرات نفت مجانی و رایگان ایران به هند در کوتاه ترین زمان تعیین تکلیف شود.

«جریان انحرافی» یا «انحرافات زنجیره‌ای»؟

۱ـ اگر زیاده خواهی اقتدارگرایان، آنان را رو در روی یکدیگر قرار نمی‌داد، اگر اتفاقی به نام انتخابات! مجلس نهم در پیش نبود و اگر اختلاف میان بالاترین مقامات مسئول در کشور کار آنان را به «قهر» و «تهدید» نمی‌کشاند؛ آنگاه کوس رسوایی سی دی «ظهور نزدیک است» دیرتر از این‌ها به صدا در می‌آمد و این جریان موسوم به انحرافی زمانی دیگر «ظهور» می‌کرد؛ این تمام حقیقت همان «جریان انحرافی» است که در رسانه‌های رسمی و حکومتی جاری است.

۲ـ طرفه آن که، این «جریان انحرافی»، واقعاً انحرافی است. این واژه عوام فریبانه از «اذهان یک ملت» می‌خواهد، «یک حمایت نامحمود» را از «یک دولت ناکارآمد و نامشروع» منحرف کند – و آیا می‌تواند؟! -. این واژه افکار را از فقدان مشروعیت فرقه مطلقیه به «انحراف» دعوت می‌کنَد – و آیا کسی می‌پذیرد؟! – و این داستان، تاریخ را به «تحریف» مسئولیت حاکمان در نابودی سرمایه‌های یک کشور فرا می‌خواند – و ایا کسی می‌خواندش؟

۳ـ مروری تند و سریع بر زنجیره‌هایی از انحرافات بیست ساله اخیر حاکی است که سخن گفتن از یک جریان انحرافی، تا چه حد لوده و بی‌هوده است: قتل‌های زنجیره‌ای، کوی دانشگاه، فاجعه کهریزک، فساد نهادینه شده در دولت، تقلب در انتخابات، گم شدن میلیاردها دلار از بودجه عمومی، رشد اقتصادی صفردرصد، آمارهای غلط اقتصادی و اجتماعی، انزوای سیاسی در جهان، قطعنامه‌های بین المللی، بازی با اعتقادات ملی و مذهبی، حکومت اجنه شیطان بر منابع ملی، دولت ناکارآمد و مجلس فرمایشی و قاضی‌های ناتوان و...

۴- پناه بردن به دامان واژه‌های چون «فتنه و جریان انحرافی و دشمن» و طلب حاجت از آن‌ها یک «نیاز عوام فریبانه» است. عوام فریب شاید بتواند با خلق واژه‌هایی از این دست و دست و دلبازی از بودجه عمومی و تنفیذ آن‌ها در رسانه‌های رسمی، انحراف اش را چند روزی پوشش دهد؛ اما حقیقت این است که «انحرافات زنجیره‌ای» مخلوق و معلول و مدلول یک جریان «بی‌قانون و عوام فریب و مطلقه» است؛ زیرا در حکومتی که قانون حاکم باشد، انحراف در این مقام و وسعت و عمق ناممکن است و در ساختاری که مجلس و دولتش با رای مردم انتخاب می‌شوند و قاضی‌های مستقل وجود دارند، این همه انحراف پیاپی و فاجعه‌های ملی رخ نخواهد داد.

۵ـ سوال، طلسم عوام فریبی را باطل می‌کند و در این مورد خاص نیز «یک سوال بی‌جواب» بر تمام تبلیغات رسمی خط بطلان می‌کشد. سوال این است: مسئولیت نهایی این همه «دشمن پروری و فتنه انگیزی و انحرافات زنجیره‌ای» با چه کسی یا چه کسانی است؟ (اصولاً مسئولیت این همه انحراف!! در بالاترین لایه‌های مدیریت کشور با کیست؟)

۶ـ به قول میر حسین آنچه باید اصلاح شود رویه هاست وگرنه با تغییر چند نام اتفاقی نمی‌افتد و هر دم انحرافی نو از راه می‌رسد. به عبارتی دیگر راه و رسم پرهیز از انحراف و ابتلا همان است که جنبش سبز می‌گوید. فرزندان ملت را از اسارت نظریه پردازان و آمران قتل‌های زنجیره‌ای آزاد کنید تا «انحراف‌های زنجیره‌ای» ظهور نکنند. به قانون اساسی بازگردید و رویه‌های غلط را کنار بگذارید تا در یک انتخابات آزاد، ملت ایران بتواند نماینده‌های واقعی خود را به مجلس بفرستد و دولت منتخب خود را داشته باشد تا «زنجیره‌های انحراف»، فرزندان ملت را به اسارات و اعتصاب نکشانند.

اخبار کوتاه

تشییع امام جمعه یزد با شعار "خاتمی تسلیت، خمینی تسلیت"

مراسم تشییع پیکر محمدعلی صدوقی، امام جمعه یزد صبح امروز با حضوراعضای خانواده بنیانگذار جمهوری اسلامی و سیدمحمد خاتمی برگزار شد.تشییع کنندگان با سر دادن شعارهایی نظیر "خاتمی تسلیت ،خمینی تسلیت" پیکر امام جمعه یزد را تا مسجد حظیره همراهی کردند تا در کنار آرامگاه پدر به خاک سپرده شود. نیروهای انتظامی نیز با حضور خود تامین نظم این مراسم را عهده دار بودند .حجت الاسلام محمدعلی صدوقی صبح شنبه در سن ۶۲ سالگی در بیمارستان لاله تهران درگذشت.گفتنی است سید محمد خاتمی برادر همسر مرحوم حجت الاسلام صدوقی است.

بازگشت محسن میردامادی به زندان اوین

محسن میردامادی، نماینده ی مجلس ششم صبح امروز به زندان اوین بازگشت.میردامادی از بازداشت شدگان حوادث بعد از انتخابات ریاست جمهوری که به ۵ سال حبس تعزیری محکوم شده بود پس از مرخصی یک ماهه خود به بند ۳۵۰ زندان اوین بازگشت.

۴۰۰ هزار فرانسوی «جدایی نادر از سیمین» را دیدند

۴۰۰ هزار نفر فیلم «جدایی نادر از سیمین» به کارگردانی اصغر فرهادی را در سه هفته ای که از اکران آن در فرانسه می گذرد، تماشا کرده اند.فیلم جدایی نادر از سیمین که از روز هشتم ژوئن در سینماهای فرانسه اکران شده است، همچنان در فهرست ده فیلم پربیننده در فرانسه قرار دارد.

خانواده‌های زندانیان سیاسی: مجلس وضعیت زندانیان سیاسی را بررسی کند

جمعی از خانواده های زندانیان سیاسی در نامه ای به کمیسیون امنیت ملی مجلس با اشاره به ظلم ها و رفتارهای خلاف قانونی که نسبت به زندانیان سیاسی روا داشته می شود نسبت به وضعیت عزیزان خود ابراز نگرانی کردند و خواستار رسیدگی به وضعیت زندانیان شدند. آنها در این نامه از کمیسیون امنیت ملی مجلس خواسته اند پیش از سفر گزارشگر حقوق بشر به ایران با ارسال نمایندگانی گزارش واقعی از وضعیت زندانهای کشور به ویژه زندان های اوین، رجایی شهر، قزل قلعه و از بند های عمومی و سلول های انفرادی و قرنطینه ی زندان و سایر محل های غیر رسمی که زندانیان سیاسی بعضا به صورت ایزوله در آنها نگهداری می شوند، تهیه و به استحضار کلیه نمایندگان ملت ایران برسانند.

روزنامه کلمه، شماره هشتادم
چهارشنبه، ۱۵ تیر ۱۳۹۰

کلمه
WWW.KALEME.COM

ما برای اشاره به جنبشی که آغاز کرده ایم از عنوان «راه» استفاده می کنیم تا توفیق‌هایی که در هر مرحله به دست می‌آوریم پایان کار ندانیم و همواره نگاه به کمالی برتر بدوزیم. علاوه بر آن ما در این مسیر چشم به جاده‌هایی داریم که هدایت الهی پیش‌پایمان قرار می‌دهد.

میرحسین موسوی، بیانیه ۱۱

چگونه قهرمان پوشالی مبارزه با مفاسد اقتصادی سرمنشاء فساد اقتصادی شد!

بسیاری از کسانی که سخنرانی آیت الله خامنه‌ای را در بهار ۸۸ در کردستان شنیدند، آن را به حمایت از آقای احمدی‌نژاد تعبیر کردند. با این وجود آنچه سبب شد همه مخالفان و موافقان به حمایت بی‌دریغ رهبری از آقای احمدی‌نژاد پی ببرند تبریک زود هنگام و سخنان رهبری در نماز جمعه ۲۹ خرداد ۸۸ بود که اعلام کردند در آنچه میان هاشمی رفسنجانی و محمود احمدی‌نژاد می‌گذرد، «نظر آقای احمدی‌نژاد به من نزدیک‌تر است». معنای نهفته در این نزدیکی هنگامی آشکار می‌شود که به یاد بیاوریم، آیت الله خامنه‌ای همزمان با انتخابات ۲ خرداد ۷۶ گفته بود که «هیچکس برای او هاشمی نخواهد شد.»

«گفتمان اشرافیت و فساد اقتصادی»، بر اساس «استراتژی تضعیف» و همزمان با آغاز ریاست جمهوری هاشمی رفسنجانی، پی ریخته شد و به تدریج با حمایت‌های بی‌دریغ «کانون‌های نهان قدرت» توانست برای خودشان و منزلتی بیابد.

محمود احمدی‌نژاد، خود را نماد مبارزه با مفاسد اقتصادی اعلام کرد. در اغلب سخنرانی‌های عمومی خود در سطح کشور مبارزه با مفاسد اقتصادی را با ادبیاتی عوامانه و صریح اعلام می‌کرد و حتی در صحن علنی مجلس اعلام کرد که اسامی انها را در جیب کت خود دارد. یکبار هم به چند تن از بدهکاران بانکی یک فرصت چند روزه داد که بدهی خود را به بانک‌ها بپردازند وگرنه اسامی آن‌ها را اعلام می کند.

روزها و ماه‌ها، ۴ سال و بل ۶ سال از از تهدیدهای مردی از جنس مردم گذشت اما مردم خبری از اسامی مفسدان اقتصادی و بدهکاران بانکی نشنیدند. دستان خالی محمود احمدی‌نژاد حاکی از آن بود که نه تنها بسیاری از اتهامات او علیه رقبا برای رسیدن به قدرت بوده است.

در این میان، همزمان با بالا گرفتن درآمدهای نفتی، هشدار اقتصاد دانان و دلسوزان کشور در خصوص چگونگی بهره گیری از منابع مالی شدت گرفت.

احمدی‌نژاد در اولین گام سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور را منحل کرد تا در مصرف خلیفه وار از منابع مالی مزاحمی بر سر راه خود نداشته باشد. بی‌توجهی به بودجه مصوبه کشور و بی‌اعتنایی به ردیف‌های اصلی بودجه، به عادتی مرسوم در میان دولتیان تبدیل شد. صندوق ذخیره ارزی کارکرد اقتصادی خود را از دست داد و رشد اقتصادی کشور که در دوران اصلاحات اوج گرفته بود، به تدریج سقوط کرد و به صفر نزدیک شد.

دولت برای پوشاندن مفاسد اقتصادی و عملکرد ناموفق اقتصادی، به تغییر در آمارها و نهادهای ناظر روی آورد. بانک مرکزی به حصار خلوت دولت تبدیل شد و با کمترین مقاومتی روسای آن برکنار شدند. سازمان آمار به تولید و ساخت آمار مشغول شد. شاخص‌های بیکاری تغییر کرد تا دولت مبارزه با مفاسد اقتصادی «دولتِ کار» معرفی شود؛ شاید عوام فریب، «دولتِ واردات» را از چشم مردم بپوشاند.

اما این همه ماجرا نبود. در کنار این بی‌نظمی‌های مالی، دلالان و مفسدان اقتصادی مجالی برای کسب و کار یافتند و سپاه به بزرگ‌ترین پیمانکار دولت تبدیل شد تا قدرت سیاسی و نظامی و اقتصادی در یکجا جمع شوند. بی‌دلیل نیست که پس از گذشت ۶ سال از مبارزه با مفاسد اقتصادی و کار کردن و کارسازی، هر روز خبری از دستگیری مفسدان اقتصادی به گوش می‌رسد و اخباری در خصوص بیکار شدن مردم و اوضاع بد اقتصادی منتشر می‌شود.

هر روز نام مفسدانی اقتصادی در رسانه‌ها می‌ایند که از نزدیک‌ترین یاران محمود احمدی نژادند و به حلقه اصلی او منتسب‌اند. محمود احمدی‌نژاد که روزگاری می‌گفت هر کس کمترین پرونده‌ای از نزدیکان او دارد اعلام کند، اینک آنان را «خط قرمز» خود برای اجرای وظیفه می‌داند. اینک قهرمان پوشالی مبارزه با مفاسد اقتصادی به سرمنشاء مفاسد اقتصادی تبدیل شده است.

آیت‌الله امجد:
ظلم غوغا می‌کند، علما به داد مردم برسند

آیت الله محمود امجد در پیامی خطاب به علما و فضلای اسلام با اشاره به ظلم و عوام فریبی و دروغ و نفاق گفته اند: بنده که طلبه ی ناچیزی در این جامعه هستم، خیلی برایم مشکل است، نمی دانم بر علما چه می گذرد.

این استاد اخلاق که هفته‌ی گذشته برای ماه مبارک شعبان و رمضان به مالزی سفر کرده‌اند در پیام خود آورده‌اند: علما و فضلا به داد مردم برسند.

این پیام به شرح زیر است:

بسم الله الرحمن الرحیم

حضرت می فرمایند: صدیقک اخوک من صَدَّقَک لا من صَدَّقَک

انسان باید به دوستش، ظالم و مظلوم، کمک کند. اگر مظلوم باشد که معلوم است و اگر ظالم هم باشد باید جلویش را گرفت. الان ظلم و ستم و عوام فریبی و دروغ و تهمت و فضیلت کشی و نفاق، قابل تحمل نیست و غوغا می کند.

بنده که طلبه‌ی ناچیزی در این جامعه هستم، خیلی برایم مشکل است، نمی‌دانم بر علما چه می گذرد. امیدواریم که حضرات علما و فضلا دامت برکاته به داد مردم برسند. وضعی که ما داریم خطرات بسیاری را به دنبال دارد.

امیدواریم که برگردیم به مکتب. برگردیم به صداقت و علما حمایت کنند. علما خیرخواه و خدمتگزاران جامعه هستند، مردم از علما توقع دارند. به مردم ظلم می شود، ستم می شود. [آن ها] مشکلات فراوانی دارند. وقتی [آن ها] اشاره می کنند به علما، اینجاست که ما جواب مردم را نمی توانیم بدهیم.

با اینکه الان دنیا، دنیای آزادی و ارتباطات هست و انسان می توانند حرفش را برساند، اگر علما ساکت باشند جوابی نداریم به مردم بدهیم.امیدواریم که علما به داد مردم برسند.

سید هادی خامنه‌ای: مکر و عوام فریبی موج می‌زند

سید هادی خامنه‌ای به همراه جمعی از اعضای سازمان جوانان مجمع نیروهای خط امام، با حضور در منزل مرحوم هاله سحابی، یاد و خاطره خاندان محترم سحابی را گرامی داشتند.

در این دیدار، هادی خامنه‌ای "دین‌داری"، "روشنگری"، "تعهد" و "صداقت در خدمت به جامعه" را، از ویژگی‌های برجسته این خانواده بر شمرده و هاله سحابی را تربیت یافته این خاندان دانست و از منش اخلاقی و صبورانه این خاندان تقدیر کرد.

وی افزود: در این روزگار و زمانه که هجوم مکرها و عوام فریبی‌ها موج می‌زند شناخت راه و تکلیف دینی و اجتماعی بسیار خطیر و مهم است و بر همه دلسوزان دین و انقلاب و علمای اعلام است که به این وظیفه راستین خود بهتر عمل نمایند.

در این دیدار دکتر شامخی، همسر مرحوم هاله، به شرح برخی از مسائل بوجود آمده برای تشییع پیکر مرحوم هاله سحابی پرداخت و گفت: سیرحوادث به گونه‌ای رقم خورد که همه را یاد مظلومیت حضرت فاطمه انداخت و باعث شد کمی آرام‌تر شویم.

پیام خاتمی خطاب به عماد بهاور:
هدف اگر والا باشد تلاش برای آن جهاد بزرگ است

سیدمحمد خاتمی به مناسبت تولد عماد بهاور زندانی سیاسی و رئیس شاخه جوانان نهضت آزادی ایران که به ۱۰ سال زندان و ۱۰ سال محرومیت از فعالیت های اجتماعی محکوم شده است پیامی صادر کرد.

در این پیام آمده است: وقار و شکیبایی و دلبستگی اتان به اسلام و ایران را می ستایم و سالروز تولدتان را تبریک می گویم.

می دانم که شما ، پدر بزرگوار، مادر گرانقدر، همسر مهربان و باوفایتان و همه دوستان شما روزهای سختی را می گذرانید که امیدوارم شاهد گشایش در کارها باشیم.

از مولایمان امام حسین (ع) آموخته ایم که اگر هدف والا باشد پایداری در راه آن و تلاش برای رسیدن به آن «جهاد بزرگ» است. امیدوارم همیشه سالم و شاداب باشید.

اخبار کوتاه

تلاش برای برهم زدن مراسم مرحوم محمدعلی صدوقی

در جریان مراسم بزرگداشت محمدعلی صدوقی، امام جمعه یزد و از معاونین رئیس دولت اصلاحات، که با حضور محمد و محمدرضا خاتمی، جمعی از فعالان جنبش اصلاحات و همچنین نوادگان آیت الله خمینی در یزد برگزار شد، گروهی از لباس شخصی‌ها با مردم درگیر شدند.

جلوگیری از دیدار نسرین ستوده با فرزندانش

رضا خندان، همسر نسرین ستوده، از ممانعت ماموران جهت دیدار نسرین ستوده با فرزندانش خبر داد. همسر این وکیل زندانی، ضمن اعلام این خبر گفت که از آخرین ملاقات حضوری نسرین با بچه‌ها ۱۱ روز می گذرد.

حکم محمد علی دادخواه؛ ۹ سال زندان و ۱۰ سال محرومیت از وکالت و تدریس

محمدعلی دادخواه، وکیل باسابقه دادگستری و سخنگوی کانون مدافعان حقوق بشر با یکی از سنگین‌ترین احکام قضایی مواجه شده است. ۹ سال زندان، ده سال محرومیت از حرفه وکالت، ده سال ممنوعیت از تدریس، ۹۰۰ هزار تومان جزایی و ۵ ضربه شلاق. جرم دادخواه بنیانگذاری کانون مدافعان حقوق بشر بوده است.

بازدید نیروهای اطلاعاتی و امنیتی از بند ۳۵۰ زندان اوین

گروهی از نیروهای اطلاعاتی و امنیتی، در اقدامی غیر متعارف، از بند ۳۵۰ زندان اوین بازدید کردند.

دوشنبه سیزدهم تیرماه، ۱۲ تن از نیروهای اطلاعاتی و امنیتی در بند ۳۵۰ زندان اوین که بزرگترین بند زندانیان سیاسی کشور محسوب می‌شود حضور یافتند و از بخش‌های مختلف این بند بازدید کردند. هنوز دلیل این بازدید مشخص نیست و زندانیان نمی‌دانند آیا طبق گفته‌های قبلی مسوولان، این ماموران امنیتی قصد استقرار دائمی در این بند را دارند یا نیت دیگری از این بازدید داشته‌اند.

احضار فرزند وزیر اطلاعات دولت خاتمی به زندان

حسن یونسی فرزند وزیر اطلاعات دولت خاتمی، وکیل دادگستری و فعال سیاسی پس از تایید حکمش در دادگاه تجدید نظر، برای گذراندن دوران محکومیت خود به زندان احضار شد.

وی در دادگاه بدوی به اتهام فعالیت تبلیغی علیه نظام و اجتماع و تبانی برای ارتکاب جرم به یک سال حبس تعزیری و ۶ میلیون جریمه نقدی و ۵ سال محرومیت از حرفه وکالت محکوم شده بود که این حکم عینا در دادگاه تجدید نظر مورد تایید قرار گرفت.

روزنامه کلمه، شماره هشتاد و یکم
شنبه، ۱۸ تیر ۱۳۹۰، صفحه یک

کلمه
WWW.KALEME.COM

این روزها هر نگاهی که به نگاهی می‌افتد از پیروزی می‌پرسد. کی به آن می‌رسیم؟ چه چیز ما را به آن می‌رساند؟ تمامی وجود ما دعا و سوال است و وعده خداوند که فرمود هر آنچه مسئلت کنیم مقداری از آن را اجابت خواهد کرد. همین که خواسته‌ای در جامعه متولد می‌شود دیگر هیچ کس قادر نیست از برآورده شدن آن ممانعت کند.

میرحسین موسوی، بیانیه ۱۳

نامه محمدرضا خاتمی به فرمانده سپاه:

این رفتار شما یعنی حکومت کودتا

سید محمدرضا خاتمی، عضو شورای مرکزی و دفتر سیاسی و دبیرکل سابق جبهه مشارکت، در نامه‌ای خطاب به فرمانده کل سپاه پاسداران، به اظهارات اخیر او واکنش نشان داد و تصریح کرد که این رفتار یک فرمانده نظامی در عرف سیاسی دنیا یک تعریف بیشتر ندارد و آن هم حکومت کودتا است.

فرمانده سپاه چند روز پیش در گفت و گویی برای حضور سیدمحمد خاتمی در فعالیت‌های سیاسی کشور شرط و شروطی مشخص کرد و گفت: آقای خاتمی موضعی مبنی بر برائت از آن حرکت‌ها اتخاذ نکرده و اگر ایشان بخواهد با سیاسی‌کاری جلو بیاید مردم او را نمی‌بخشند ولی افراد دیگری که در این صحنه از خط قرمزها عبور نکرده‌اند می‌توانند در رقابت‌های سیاسی شرکت کنند.

متن کامل نامه محمد رضا خاتمی به شرح زیر است :

بسم الله الرحمن الرحیم

جناب آقای محمد علی (عزیز) جعفری

با سلام

نمی دانم جنابعالی را باید با چه سمتی خطاب کنم. فرمانده سپاه پاسداران؟ مسئول سازندگی کشور؟ مسئول فرهنگ و اخلاق جامعه؟ رئیس دولت یا رئیس حکومت نظامی؟

جنابعالی در مصاحبه اخیر خود در همه امور ریز و درشت کشور وارد شده اید و لابد با تفسیری که بعضی دوستان از نقشی که در قانون اساسی برای سپاه تعریف شده است دارند، یعنی دفاع از انقلاب، این همه مسئولیت به عهده سپاه است.

من به بخش‌های مختلف صحبتهای شما کاری ندارم که اگر مجالی و امنیتی باشد هزاران انسان نخبه به نقد منطقی و مستدل و مستند آنها خواهند پرداخت بلکه روی سخن من با ان بخش از صحبتهای شما است که برای اقای خاتمی و سایر اصلاح طلبان شرط گذاشته اید. البته اگر اجازه بفرمایید!

۱- ممکن است بفرمایید شما از کدام جایگاه سیاسی یا قضایی برای حضور یا عدم حضور یک شهروند در فعالیت سیاسی قانونی شرط تعیین می کنید؟ این موضع شما در کنار همه مداخلات سیاسی دیگر بر خلاف راهی است که امام برای نیروهای مسلح بیان فرمودند و اگر شما واقعا به امام معتقد هستید باید بدون درنگ از این موضع گیری ها دوری کنید و در غیر این صورت طبعا نه فقط فرماندهی شما برسپاه بلکه عضویت شما در این نهاد حتی به عنوان یک عضو ساده نیز محل مناقشه خواهد بود و باید به دنبال راه اندازی یک حزب سیاسی باشید و در این صورت هم حق ندارید بگویید چه کسی بیاید یا نیاید.

۲- این رفتار شما به عنوان یک فرمانده نظامی در عرف سیاسی دنیا یک تعریف بیشتر ندارد و آن هم حکومت کودتا است. چرا که در حکومت نظامیان کودتاگر، قانون همان است که فرماندار نظامی می گوید و همه طوعا یا کرها باید بپذیرند. من البته گمان نمی کنم شما به این سادگی خواسته باشید با این گفتار نسنجیده، همه ادعاهای منتقدان و معترضان در دو سال گذشته را به اثبات رسانده باشید. لابد اشتباهی و ناآگاهانه چیزی گفته شده است که باید سریعا و صریحا اصلاح شود.

۳- اما اگر همچنان بر سخنان خود اصرار دارید باید به عرض برسانم که آنها که در مکتب سیاسی امام پرورش یافته اند برای فعالیت سیاسی و اجتماعی به مجوز هیچ کس از جمله شما نیازی ندارند و از این اشتلم ها بیم به دل راه نمی دهند. شما می توانید نگذارید غیر از خودی هایتان کسان دیگری در انتخابات شرکت کنند یا حتی می توانید همه منتقدان را به زندان بیندازید و انتخابات خیلی خیلی پرشور حتی شورتر از انتخابات ریاست جمهوری برگزار کنید! اما لابد می دانید که میدان سیاست برای خاتمی و همفکرانش میدان تنگ قدرتی نیست که شما محدوده آن را تعیین می کنید. نشستن بر صندلی قدرت کاری است بسیار آسان و تازه دو روزی بیشتر نوبت هر کس نیست اما جای گرفتن در دل مردم کاری است بسیار سخت که البته به پول و سلاح و صدا وسیما هم بستگی ندارد. کاری که شما به خوبی نشان دادید توان و تدبیر آن را ندارید.

۴- جناب جعفری، خاتمی و اصلاح طلبان واقعی تشنه قدرت نیستند که برای رسیدن به آن از اصول خود بگذرند. آنها نگران آینده کشور هستند که در ورطه هولناکی گرفتار شده است و البته برای نجات کشور حاضر هستند از آبروی خود بگذرند و اگر از عفو و اغماض حرف می زنند نه برای نجات سرهای خود از تیغ های بران، بلکه برای ایجاد زمینه ای آرام برای اندیشیدن کسانی است که به مردم جفا کردند و شاید بازگشت آنها مجالی باشد برای حاکمیت اخلاق و تدبیر و دانایی.

۵- جناب آقای جعفری، شما نه قانونا و نه شرعا و نه عرفا و نه مصلحتا در جایگاهی نیستید که برای سیاسیون خط و نشان بکشید و برای آنها شرط تعیین کنید ولی اگر خواستار بهبود وضعیت کشور هستید و مشارکت سیاسی ملت برای شما ارزش دارد حداقل بخشی از شرایط آقای خاتمی را که در کف قدرت شما است یعنی آزادی همه زندانیان سیاسی و بازگشت نظامیان از میدان سیاست و واگذاری آن به سیاستمداران و کنشگران اجتماعی را عملیاتی کنید. آنگاه اگر از حضور در میدان رقابت با آقای خاتمی و همراهان او در یک انتخابات آزاد در هراس هستید می توان برای نگرانی شما چاره ای اندیشید.

سیدمحمدرضا خاتمی
۱۳۹۰/۰۴/۱۶

انتقاد شدید مرجع تقلید مقیم شیراز از ادامه حصر موسوی و کروبی:

آقای موسوی کار مجلس خبرگان را انجام داد

آیت الله دستغیب با انتقاد از سکوت اعضای مجلس خبرگان و علما و بزرگان در قبال ظلم‌های حاکمیت، گفت: چرا علمای اعلام و مراجع عظام و بزرگان در مقابل این همه خلاف شرع و قانون سکوت می کنند؟! مگر این افراد مومن و متدینی که در زندان‌ها هستند غیر از عمل به دستورات قرآن و سنت که چکیده اش قانون اساسی است چیز دیگری می خواهند؟! مگر این دو بزرگوار جناب آقای میر حسین موسوی و حجة الاسلام والمسلمین کروبی چه گناهی کرده اند که باید ماه ها در حبس باشند و هیچ خبری از آنها در دسترس نباشد؟ خوب این دو بزرگوار زحمات زیادی را برای انقلاب کشیده اند و مورد نظر حضرت امام خمینی (ره) بودند. آقایان و علمایی که لباس پیغمبر بر تن دارید و عمامه به سر هستید؛ این سکوت شما یعنی رضایت به وضع موجود.

ایشان همچنین تصریح کرد: آقای موسوی کار همه اعضای خبرگان را انجام داد، دور شدن حاکمیت از قانون اساسی را تذکر داد و نسبت به عواقب هر گونه اقدام خلاف شرع و قانون به مسئولین هشدار داد مع ذلک اشان را در حصر کردند و هیچ یک از بزرگان هم اعتراضی نکردند. این نوع برخوردها با کسانی که عمری را در همین دستگاه خودتان بوده اند صحیح نیست، خوب خودتان انقلاب کردید و خودتان همراه امام بودید و در دفاع مقدس از انقلاب دفاع کردید و این دو بزرگوار کمک کار شما بودند اما چون خواستار اجرای قانون اساسی و مطالبات بر حق مردم شدند، آمریکایی و اسرائیلی شدند؟! وظیفه شما اعضای خبرگان است که این تخلفات صورت گرفته را به گوش رهبری برسانید و تذکر دهید نه اینکه با سکوت خود موجبات بدبینی مردم را فراهم کنید.

ایشان ادامه داد: خیلی از این خلفای عباسی نماز می خواندند و حتی امام جمعه هم بودند ولی مع ذلک در موقع خودش گروه گروه انسانهای بی گناه را به قتل رساندند و از هیچ جنایتی فروگذار نبودند و به توجیهات مختلف که ما امیر المومنین هستیم و خلیفه واجب الاطاعة، به مردم ظلم می کردند و راه طغیان و سرکشی را در پیش گرفتند و در عمل خود را همردیف خدایتعالی می دانستند و همه را ملزم به پیروی از دستورات خود می کردند؛ روز قیامت به یک همچین اشخاصی گفته می شود: اَینَ ما کُنتُم تُشرِکون: آن شریکان که برای خدا می‌پنداشتید کجا هستند؟

وی افزود: در همین قضایای اخیر مسجد قبا که سه نفر از طلاب ما را تبعید کردند؛ یکی از دوستان ما برای دادخواهی خدمت یکی از علما رسید و گفته بود: ما نمی خواهیم که از ما دفاع کنید و حرف بزنید ولی بدانید که ما می خواهیم حجت را برای شما تمام کنیم و در پیشگاه خدایتعالی عذری نداشته باشیم؛ ما کسانی هستیم که آمدیم با شوق و ذوق در این لباس مقدس و درس خواندیم و چیز یاد گرفتیم و متوجه حق شدیم، حال که به حق عمل کردیم اینطور با ما برخورد کردند. این دوست ما گفت: این عالم پس از شنیدن این سخنان سرش را به زیر انداخته بود و چیزی نگفت. خوب شما که عالم هستی و عمری درس فقه و اصول خوانده ای این سکوتت فایده ای ندارد و باید صحبت کنید و تذکر دهید. سلام وصلوات خدا بر حضرت امام زین العابدین (ع). در عین حالیکه پدرش را به شهادت رساندند و اهل بیت پیامبر را به اسارت بردند ولی مع ذلک بر روی منبر می رود و حقایق را می فرماید؛ مقصود این است که آقایان به خود بیایند و این سکوت خود را بشکنند.

اخبار کوتاه

شکوری راد: خاتمی همیشه در کنار مردم خواهد ماند

علی شکوری راد عضو جبهه مشارکت گفت: «مطمئن باشید خاتمی همیشه در کنار مردم خواهد ماند و حتی برای خودش هم تصمیمی نمی گیرد که مخالف نظر اکثریت یا مصلحت اصلاح طلبان باشد چه برسد بخواهد برای خود آنان تصمیمی بگیرد یا نظری بدهد.» وی در بخش دیگری از سخنان خود در خصوص برخی از عملکردهای سید محمد خاتمی در دوران ریاست جمهوری این چنین توضیح داده است که: «آقای خاتمی روزی درون حاکمیت بود و مسئولیت اجرائی داشت. ناگزیر بود تصمیماتی بر خلاف میلش بگیرد تا شیرازهٔ امور از دستش در نرود و هرج و مرج ایجاد نشود.»

دومین رمضان بدون ربنای شجریان؟

در برنامه یادمان محمد نوری در تالار وحدت، فرزاد جمشیدی مجری این برنامه به روی صحنه رفت و در سخنانی گفت: من مجری برنامه‌های سحرگاهی ماه رمضان هستم و باید بگویم رمضان بدون شهد شیرین ربنای استاد شجریان لطفی ندارد و امیدوارم آقای شاه‌آبادی با رایزنی‌هایی که می کند امکان پخش مجدد ربنای شجریان در این عرصه را فراهم کند تا شیرینی رطب ربنای شجریان را در ماه رمضان بچشیم. او در ادامه گفت: شجریان را به مردم بازگردانید.

هشدار امیرارجمند نسبت به وضعیت موسوی و رهنورد

پس از آن که احترام السادت نواب صفوی، مادر زهرا رهنورد، نسبت به وضعیت جسمی میرحسین موسوی و دخترش به شدت ابراز نگرانی کرد، اردشیر امیرارجمند، مشاور ارشد میرحسین موسوی، گفته است: این موضوع مسئولیت بسیار جدی برای مقام های قضایی ایران به دنبال دارد و باید نسبت به وضعیت آقای موسوی و خانم رهنورد هشدار داد.

اختصاص اعتبارات پارس جنوبی برای پرداخت نقدی یارانه‌ها

حمیدرضا کاتوزیان رئیس کمیسیون انرژی مجلس از گزارش این کمیسیون برای ارائه به صحن علنی مجلس درباره کاهش ۷۲ هزار بشکه ای تولید روزانه نفت کشور خبر داد و با تایید برخی گزارش ها درباره اختصاص بخشی از منابع مالی پروژه های عمرانی وزارت خانه ها به پرداخت یارانه نقدی و گزارش دیوان محاسبات در این باره اعلام کرد: بخشی از بودجه ای که قرار بود وزارت نفت در پارس جنوبی هزینه کند، متاسفانه در قالب یارانه به مردم پرداخت شده است.

روزنامه کلمه، شماره هشتاد و یکم
شنبه، ۱۸ تیر ۱۳۹۰، صفحه دو

کلمه
WWW.KALEME.COM

ناگفته‌های زندان خانگی در گفت و گو با خانم نواب صفوی، مادر زهرا رهنورد

میرحسین، رهنورد؛ وضعیت جسمی نگران‌کننده، روحیه قوی، برخوردهای تهدیدآمیز ماموران

«خانه موسوی و رهنورد را به زندانی با دیوارهای بلند آهنی برای آنها تبدیل کردند.» این، مشاهدات برخی از کارمندان نهاد ریاست جمهوری، پزشکان و بیماران بیمارستان شهید شوریده است که روبه‌روی کوچه اختر قرار دارد؛ کوچه‌ای که منزل موسوی در آن واقع شده است.

امروز تقویم می‌گوید از زندانی کردن میرحسین و رهنورد صد و چهل روز گذشته است. اما دل بی قرار مادر شمردن نمی داند. دل بی تاب مادر کوچه بن‌بستی می‌شناسد که با دیوار و نرده‌هایی آهنی و سیاه، زندان شده است. دل نگران مادر، دختری را می‌شناسد که دیگر پشت زنگ تلفن حالی نمی‌پرسد و درآستانه در خانه مادری ظاهر نمی‌شود.

مادر زهرا رهنورد همان بود که انتظار می‌رفت، استحکام صدایش، یاد آور فریادهای بانوی سبز ایران بود و غم پنهان شده در گفتارش، درد مادران دیگر اسرای سبز را تداعی می‌کرد. صحبت کردن و مصاحبه با مادری پیر در این شرایط ساده نیست. مادری که خانواده اش در معرض تهدیدهای مختلف هر روز نگران تر از قبل منتظر خبری نشسته اند.

درباره وضعیت میرحسین موسوی و زهرا رهنورد گفت و گویی را با خانم نواب صفوی مادر خانم رهنورد انجام داده‌ایم که با هم می‌خوانیم:

از آخرین خبری که از آقای مهندس و خانم دکتر دارید برای ما می‌گویید؟

حدود دو هفته پیش با داماد و دخترم ملاقات داشتم و آنها هم روحیه‌ی خیلی خوب و قوی داشتند، محکم، مثل همیشه.

آزادی عمل در این دیدارها چقدرهست؟ مثلا فرزندان دیگرتون هم که به هرحال دلتنگ هستند می تونن باشن؟

ملاقات بدون هماهنگی قبلی بوده و به همین دلیل یکی دو بار اتفاقی فرزندان دیگرم هم حضور داشته اند.

درملاقات‌می‌توانیدراحت‌صحبت‌کنید؟فکرمی‌کنیدچقدر فضای آن با واقعیتی که در آن محصور هستند تطابق می‌کند؟

من یک مادرم و حتما راحت صحبت خودم را می‌کنم. البته حرف های سیاسی نمی‌زنم چون شنیدم که به بچه ها هم گفته اند در دیدارها حرف سیاسی نزنند که در غیر این صورت همین دیدارهای محدود کوتاه هم قطع می شود تمام دیدارها هم با حضور تعداد خیلی زیادی از ماموران انجام می شود. یک عده داخل هستند خانم و آقا یعنی آن‌ها هم در زوایای مختلف کنار ما می‌نشینند. در فضای بیرون هم که خب من تابه حال نشمرده ام اما خیلی زیاد هستند.

من هیچ اطلاعی درباره اینکه در جایی‌که حصر هستند چگونه زندگی می‌کنند ندارم و بعید می‌دانم که کسی هم اطلاعی داشته باشد. البته این را هم بگویم که بعد از یک ماه و نیم بی خبری چندباری خیلی کم به من و همسرم تلفن کرده‌اند.

ملاقات دخترخانم‌ها به چه ترتیبی است؟ مرتب می‌توانند به ملاقات بروند؟ و تعریفشان از ملاقات‌ها چه بوده است؟

متاسفانه باید بگویم که نوه هایم یعنی دخترها به مدت طولانی از پدر و مادرشان بی خبر بوده اند و برای ۳ ماه اول که تقریبا ملاقاتی نداشته‌اند حتی یکبار بیش از ۵۰ روز تمام خانواده به طور مطلق از آنها بی خبر بودند. جز چند دقیقه بالای سر پدر مرحوم آقای موسوی. ولی در ۴۰ روز اخیرملاقات های محدودی صورت گرَفته است که آنهم با حضور ماموران خانم و آقا و دوربین‌های متعدد نصب شده در محل بوده است.

طفلک نوه‌هایم با من زیاد صحبت نمی‌کنند. چرا که صحبت کردن راجع به این قضیه با کنترل دائمی مکالمه‌ها و دیدارهای خانوادگی‌امان سخت است در ضمن آن‌ها نمی‌خواهند مرا نگران کنند. اما حتما بودن نیروهای امنیتی و کنترل کردن و بازرسی بدنی دختران ایشان و حتی مواد خوراکی که برده‌اند و لوازم نوه‌های دختر و دامادم برایشان خیلی آزاردهنده بوده است. حتی وقتی بچه‌ها می‌روند موهای سر آن‌ها را هم گشته‌اند که ببینند چه چیزی قایم کرده‌اند. گل سرشان را باز کرده‌اند. آخر این رفتار درست است؟

برخورد ماموران با شما و دختران آقای موسوی و خود مهندس و همسرشان چطور است؟

در ظاهر که محترمانه، اما واقعیتش تهدید امیز است. مثلا دختر من نمی تواند یک کلمه به من خصوصی چیزی بگوید، چشم‌های آنها مرتب روی ماست که ببینند کی چه می شنود و چه جواب می‌دهد. همیشه هم می‌گویند خبر ندهید، تهدید می‌کنند و می‌گویند سکوت کنید. اما تا کی؟

وضع روحی خانواده، دخترهای مهندس چه؟ آیا آنها مشکل خاصی ندارند؟

آن ها هم مثل پدر و مادرشان روحیه مقاومی دارند. اما همگی ناراحتند از اینکه در چنین مخمصه گرفتار شده ایم. من یک مادرم. پدرش هم که بیمار است و من می‌ترسم اتفاقی بدی برایش بیفتد. مثل اتفاقی که برای موسوی بزرگ افتاد. امیدوارم همچین اتفاقی نیفته و سایه ی ایشون همچنان بر سر ما باشد.

از وضعیت جسمی خانم رهنورد و آقای موسوی چه خبری دارید؟

من که مدام نمی بینمشان و به هرحال دیدارها هم محدود بوده چون اونها زندانی هستند. اما از روی ظاهر می‌توانم بگویم که نسبت به ملاقات های اخیر، دفعه آخر متوجه رنگ پریدگی و لاغری شدید و ناگهانی دختر و دامادم شدم. و این از نظر من که مادر هستم پنهان نبود. من نمیدانم واقعا بر آنها چه گذشته است. البته خودشان برای اینکه ناراحتی ما را ندیدند و خواستند من را از نگرانی در آورند گفتند گاهی روزه می گیرند. اما بی شک دلیلش این نمی تواند باشد و تغییر ناگهانی ظاهری آنها و رنگ کاهی پوست و از دست دادن وزنشان به شدت نگران کننده است.

خوب این مساله خیلی مهمیه... اصلا وضعیت پزشکی آنها چطور است؟ قبل و یا بعد از زندان شما خبر دارید؟ مثلا آیا تحت نظر پزشک خاصی هستند؟

دخترم و دامادم پیش از این سالم سالم بودند و همه هم این را می‌دانستند. اصلا اگر غیر از این بود که نمی‌توانستند اینهمه فعالیت و جنب و جوش در این دو ساله داشته باشند. الان را طبیعتا نمی‌توانم بگویم، فقط از روی ظاهر و جسمشان می توانم قضاوت کنم. این نگرانی البته برای دخترانش و بقیه اعضای خانواده هم پیش آمد و همه پیگیر شدند. اما آن‌ها گفتند که خودمان دکتر داریم و پیگیری می کنیم. ولی پزشک از طرف ما نبوده است. معلوم است که تا زمانی که پزشک از طرف ما نباشد نگرانی ما همچنان باقیست.

یعنی خانواده مشخصا خواسته‌اند که این موضوع پیگیری شود و توجهی نشده است؟

بله دخترها و خانواده دامادم خواسته اند و بارها اصرار کردند ولی هر بار بهانه ای آورده اند و گفته اند ما خودمان دکتر خودمان را می‌بریم و ظاهرا هم دکتر از طرف خودشان برده‌اند.

نکته نگران کننده این است که دامادم (مهندس موسوی) پیش از این گفته بود که تنها در یک بیمارستان رسمی حاضر به انجام چکاپ است. یک بار هم اوایل حصر ظاهرا خواسته اند پزشک بیاورند که دخترم گفته بوده در همان بیمارستان ویزیت بشود وگرنه راضی نمی‌شوم... اینها برای من نگرانی می آورد. روزهای سختی است... من مدام به این فکر می کنم که تا قبل از زندانی شدن، آن‌ها هر دو در وضعیت سلامتی کاملا مناسبی بودند و این را همه خبر داشتند. اما بار آخر واقعا ما دچار شوک و نگرانی شدیم به خصوص اینکه اجازه نداده اند یک دکتر شناخته شده و قابل قبول از طرف خودمان به وضعیت سلامتی آنها رسیدگی کند.

همه ما نگران شدیم با این خبر... هیچ خبری نیست که تا کی می خواهد این وضعیت ادامه داشته باشه؟

نه. هیچ خبری نیست. و هیچ معلوم نیست علت این زندان بی دلیل چه بوده است و تنها خبری که ما داریم وجود چند در و دیوار در یک کوچه کوچک است. نوه هایم می گویند که کوچه را با چند دیوار بلند آهنی مسدود کرده اند و هیچ کس هم نمی داند اصلا داخل این محدوده چه می‌گذرد؟ چه تعدادی نیرو هست و آیا نیروها اصلا داخل خانه مقیم هستند یا خارج از آن و تا کی قرار است ادامه پیدا کند. البته باید تذکر بدهم که من این را حبس و حصر نمی‌دانم. این دقیقا آدم ربایی است. دختر و داماد من که کاری نکردند که زندانی شوند این‌ها جز خدمت به کشورشان هیچ کاری نکردند.

نظر خانم رهنورد و آقای موسوی درباره این مسائل چیست؟

آنها راجع به این قضیه حرف خاصی نزده اند. زیرا همانطور که گفتم در دیدارهای کوتاه ما مثل هر زندانی دیگری فضای این حرف‌ها نیست. من خودم مواظبم سوالی نکنم که گرفتاری ایجاد شود. اما خوب با توجه به زندانی شدن پسر بزرگم سال قبل که در راستای همین اتفاقات بود یاد گرفته ام که صحبت هایم چگونه و در چه مواردی باشد.

شما (یا اعضای خانواده) تا حالا با بازجوها یا نیروهای امنیتی صحبتی داشته‌اید؟

البته من نه اما بارها دخترهای مهندس، نوه‌ها و بقیه اعضای خانواده به‌طور رسمی و غیر رسمی تلفنی و حضوری بازجویی شده‌اند و یا تحت فشار و تهدید قرار گرفته اند، تهدیدهای شغلی وجانی. و حتی توهین‌های آزار دهنده‌ای که نه تنها کلامی بلکه بدنی هم بوده است.

خواسته آن‌ها چیست؟

خواسته اصلی آن‌ها که از همه پوشیده است. اما حتما یک از خواسته های بزرگ آنها سکوت کردن همه اعضای خانواده است. که همین هم به شک ما درمورد وضعیت زندگی و سلامتی آنها دامن می زند. شاید هم با سکوت ما برنامه های دیگری هم دارند.

تا حالا پیشنهاد یا راه حلی از سوی حکومت یا نیروهای امنیتی به خانواده شده برای حل این مسئله؟

البته که نه. چون خودشان می‌دانند راه حلی هم جز آزادی سریع آن‌ها و جواب دادن به این ۵ ماه زندانی بودن بی دلیل دختر و دامادم نیست همه می دانند داماد و دخترم جز خیرخواهی در این سال‌ها برای مردم و کشور چیزی نخواسته اند و از همه زندگیشان هم گذشته اند. دخترو دامادم برای مردم از هیچ کاری دریغ نمی‌کردند و حتی از ما هم کمک می‌گرفتند. این جواب تلخ و دردناکی‌است برای من که ناظر زندگی‌اشان بوده‌ام و همه‌ی کسانی که حقیقت را دیدند و می‌دانند.

دختر شما یکی از زنان فعالی بود که در این دو سال خانواده های زندانیان را تنها نگذاشت و همین دیدار ها و سر زدن های خانم دکتر همیشه بدخواهان را خشمگین می کرد، در این چند ماه برخورد مردم و خانواده های زندانیان سیاسی و فعالان سیاسی با خانواده موسوی و رهنورد چطور بوده است؟

خیلی صمیمانه. البته من دیداری با کسی نداشته ام یا صحبتی. بیشتر احتیاط می‌کنم. اما هرجا می رویم همه احوالپرسند و نگرانند در کوچه خیابان محل همه جا هرکسی که متوجه می شود خیلی ابراز دوستی و محبت ونگرانی و ناراحتی و خشم از این وضع می کنند.

با توجه به فضای تبلیغاتی و دروغ‌هایی که درباره این زندان گفته می‌شود که ایشان اصلا در حصر نیستند و یا فعالیت روزمره یا هنری عادیشان را فقط تحت مراقبت ادامه می‌دهند، از همین‌جا صحبتی با مسببان این ماجراها دارید؟

هیچ معلوم نیست تا کی آن ها باید در این وضعیت آنجا بمانند. مگر اینها جز خدمت به مردم و خانواده های زندانیان سیاسی کاری کردند؟ اول از همه باید بگم که حتی اگر برفرض محال هم چنین بود یعنی آنها در امن و آسایش هم بودند که نیستند خود نفس زندان کردن بیگناهان و قطع ارتباطشان با همه انقدر بد هست و اسیر بودن انقدر دردناک هست که لازم به توضیح نیست. اما خطاب من با کسانی‌است که این دستور را داده اند یا اجرا کردند. برای من رنگ رخساره خبر می‌دهد از سر درون.

از دیگر سو سخنی با مردمی که این مصاحبه رو می‌خوانند دارید؟ نکته‌ای وجود دارد که لازم باشه در اختیار مردم قرار گیرد؟ در آخر هم اگر صحبتی هست بفرمایید.

تشکر می‌کنم از شما که جویای حال من شدید. من خودم بیمارم و نگران دختر و داماد خوبم هم هستم و شوهرم که به شدت مریض احوال و رنجور است و بی تابی هایش برای خانم رهنورد ما را نگران و متاثر کرده است و تشکر میکنم از همه ی مردمی که یا همدرد ما هستند یا درد مارا درک می کنند.

مرتب به من آشنا و غریبه زنگ می زنند و می پرسند از آقای مهندس چه خبر از خانم دکتر چه خبر؟ من هم می گویم همان خبری که شما دارید را ما هم داریم. خیلی نکته ها هست اما فعلا نگفتنش بهتر است.

آرزو دارم روزی همه ی کسانی که دربند هستند روزی پیش خانواده هایشان برگردند و خانه هایشان دوباره روشن شود. من فقط برای دختر خودم دعا نمی کنم. امیدارم همه ی آنهایی که به هر علتی در بازداشت هستند و به آنها ظلم و ستم می شود زودتر آزاد شوند. ان شاالله خبر آزادی همگی را بشنویم که حتما همه خوشحال می شویم.

روزنامه کلمه، شماره هشتاد و دوم
دوشنبه، ۲۰ تیر ۱۳۹۰

کلمه
WWW.KALEME.COM

دوستان همراه، نوجوانان، جوانان و سالمندان، زنان و مردان حق طلب، روستائیان و شهرنشینان غیور، در هر کجای این سرزمین پرعظمت که زندگی می کنیم چاره ای جز صبر و استقامت در راه احقاق حق نداریم و باید شعله های آگاهی را در ظلمت ناپایداری که این روزها بر میهنمان سایه افکنده است زنده نگه داریم.

میرحسین موسوی

گفت و گویی در ایام مرخصی از زندان؛

تاج‌زاده: راه وسط نداریم، سبزها فقط در انتخابات آزاد شرکت می‌کنند

سید مصطفی تاج زاده، فعال سیاسی سبز که از زمان کودتای انتخاباتی سال ۸۸ زندانی است، تاکید می‌کند که ظهور جنبش سبز در ایران و همچنین بروز شرایط جدید در منطقه، راه حل میانه برای انتخابات را بی‌معنا کرده و همانطور که آقای خاتمی نیز تاکید کرده، اصلاح‌طلبان و سبزها تنها باید در یک انتخابات آزاد با ساز و کارهای خودش شرکت کنند.

او در گفت و گویی که در مرخصی ۴ روزه از زندان صورت گرفت می گوید: تا پیش از ۲۲ خرداد طرفدار این بودم که حتی الامکان در هر انتخاباتی با هر شکلی شرکت کنیم و حتی کسب اقلیت نمایندگی مجلس را نیز در نظر بگیریم، یعنی در عین حال که به شیوه برگزاری انتخابات اعتراض داریم اما در آن شرکت نیز کنیم. داستان جنبش سبز اما نظر من این امر را به شکل دیگری در آورد. در واقع جنبش سبز راه وسط را از بین برده، یا انتخابات باید آزاد باشد با همه مؤلفه ها یا ما نباید در آن شرکت کنیم و اجازه دهیم خودشان آن را برگزار کنند.

این عضو جبهه مشارکت اما معتقد نیست که برای رسیدن به چنین هدفی لزوما باید ابتدا قانون اساسی تغییر کند؛ بلکه تصریح می‌کند: اگر مردم در صحنه باشند، انتخابات آزاد با همین قانون اساسی نیز برگزار می شود. مهم تفسیر قانون است، می توان از قانون اساسی تفسیر دموکراتیک داشت و در عین حال می توان به دلیل انفعال مردم، حاکمیت تفسیر استبدادی از قانون اساسی داشته باشد.

وی خاطرنشان می‌کند که اگر از اقتدارگرایان از ترس اصلاح طلبان به برگزاری انتخابات فرمایشی رو نمی‌آوردند، باند بی‌کفایت فعلی که جریان انحرافی نام گرفته، به قدرت نمی‌رسید. او تاکید می‌کند که در انتقادهای متقابل اخیر جریان احمدی نژاد و باند مصباح و اصولگرایان، هر دو طرف نقدهای سال‌های قبل اصلاح طلبان به جریان مقابل را تکرار می‌کنند که این نشان از درستی انتقادهای اصلاح طلبان به هر دو جریان متخاصم فعلی دارد.

وی راهبرد جنبش سبز در شرایط فعلی را حق حاکمیت ملی و انتخابات آزاد بر می شمرد و می گوید: انتخابات آزاد تنها راه نجات کشور است. نجات کشور در ایجاد دولت وحدت ملی و برقراری آشتی ملی تحقق پیدا نمی کند. با تفاهم های ظاهری و بده بستانهای موجود نمی توان مشکلات را حل کرد. انتخابات آزاد نیز موئلفه های خاص خود را دارد. انتخابات آزاد یعنی آزادی قلم، اندیشه و بیان و سبک زندگی، یعنی آنکه احزاب آزاد باشند، آزادی تجمعات وجود داشته باشد، اتحادیه ها و تشکل های غیر دولتی و سندیکاها آزادی عمل داشته باشند.

وی افزود: از نظر تاکتیکی نیز روزه، اعتصاب غذا، اجتماع خیابونی و کارهای اینچنینی می تواند بسیار مفید باشد. به هیچ وجه نباید سکوت کنیم و از طرفی نیز معنی ندارد که طرف یکی از جناح های اقتدار گرا را بگیریم . هر دو گروه مسبب وضعیت کنونی هستند اما نباید چنان رفتار کنیم که ترس از اصلاح طلبان سبب شود این اتحاد مصنوعی ایجاد شده بین طیف های مختلف اصول گرا که یک وجه مشترک دارند و آن دشمنی با اصلاح طلبان است بوجود آید.

عماد افروغ: در تخلف انتخاباتی هیچ شکی ندارم

عماد افروغ نماینده اصولگرای مجلس هفتم درباره انتخابات ریاست جمهوری نهم گفت که در بروز «تخلف مستقیم یا غیرمستقیم» در انتخابات ریاست جمهوری گذشته «هیچ شکی ندارد» و «از نزدیک شاهد دخالت قوه مجریه در فرآیند انتخابات بوده است.»

افروغ که مترجم کتاب «قدرت، نگرش رادیکال» است گفت: در آن کتاب مساله اغوا مطرح شده است دال بر اینکه صاحبان قدرت نتایج انتخابات راپیش بینی می کنند و سعی می کنند، خط و ربط دهند. من این خط و ربط ها را در جریان قبل از انتخابات زیاد دیدم و از نزدیک شاهد دخالت قوه مجریه در فرآیند انتخابات بودم. نمی‌توان گفت که اینها تخلف نیست. باید به این تخلف‌ها رسیدگی شود.

به تدریج داریم ولایت فقیه را تبدیل به شاه می‌کنیم

افروغ تاکید کرد: شرایط سیاسی، اجتماعی و فرهنگی مستعد پذیرش آرای مخالف نیست و حتی برای پذیرش آرای رهبری هم فضا مستعد نیست. برخی کاسه داغ‌تر از آش هستند.

وی در جای دیگر گفته است: هر روز تصورمان از انقلاب و ولایت فقیه تنگ‌تر می‌شود و به تدریج داریم ولایت فقیه را شاه می‌کنیم.

وی ابراز عقیده کرده که مخالفت با مصلحت سنجی‌های رهبر، از نظر آیت‌الله خامنه‌ای نوعی «خط قرمز» محسوب نمی‌شود و افزوده: نکته جالب این است که کسانی خط قرمزهای رهبری را بر نمی‌تابند و دایره مخالفت با ولی فقیه را تنگ می‌کنند که خودشان عملا این خط قرمزها را شکسته‌اند.

عده‌ای نمی‌خواهند و نمی‌توانند محاکمه‌ای برای موسوی و کروبی برگزار کنند

وی درباره امکان بازگشت آقایان کروبی و موسوی به عرصه سیاست گفت: این آقایان

فعلا در مظان اتهام هستند. این افراد به عنوان شهروند باید محاکمه شوند و اسناد محکمه پسند علیه آنها مطرح شده و فرصت دفاع هم به آنها داده شود. در نهایت هم قوه قضاییه با روال قضایی خود تصمیم‌گیری کند. ولی به نظر می‌رسد که عده‌ای نمی‌خواهند این اتفاق رخ دهد و چنین محاکمه‌ای برگزار شود. چون احساس می کنند در شرایط پیش از محاکمه بهتر می‌توانند اهدافشان را دنبال کنند. اما این زیبنده نظام نیست.

جامعه پزشکی: حبس موسوی و کروبی خلاف شرع و قانون است

نشست مجمع عمومی سالانهٔ انجمن اسلامی جامعهٔ پزشکی کشور برگزار شد و دکتر ظفرقندی دبیر کل انجمن با اشاره به محدودیت هایی که در دوسال اخیر برای فعالیت تشکل ها اعمال شده است گفت: با این حال فعالیت های انجمن متوقف نشده است.

وی در ادامه با بیان اینکه تعدادی از خانواده های زندانیان از نظر مالی و معیشتی دچار مشکل هستند گفت: یکی از مشکلاتی که وجود دارد این است که یک عده ای در زندان ها هستند که جرمشان آزادی خواهی است. آنچه که ما از اسلام می فهمیم این است که خانواده های آنها نباید سختی بکشند و باید به آنها رسیدگی شود و البته این وظیفه حکومت است ولی آنها نه تنها اقدامی نمی کنند بلکه اگر بتوانند ممانعت نیز می کنند.

براساس این گزارش دکتر سعیدی از کرمانشاه نیز با اظهار حمایت از سخنان اخیر آیت الله دستغیب در انتقاد به سکوت علما در مورد اقدامات خلاف شرع و قانون و حبس خانگی میرحسین موسوی و کروبی و زندانیان سیاسی گفت: ما باید از ظرفیت جامعه پزشکی استفاده کنیم. گروهی هستند که نمی خواهند هزینهٔ چندانی برای فعالیت ها پرداخت کنند اما دلشان می خواد به اشکال دیگر وارد کار شوند. ما باید از هر کس به اندازه توانی که دارد انتظار داشته باشیم و استفاده کنیم.

جمعی از زندانیان سیاسی آزاد شده:

بند ۳۵۰ را بند «شهید هدی صابر» بنامیم

جمعی از زندانیان سیاسی آزاد شده در بیانیه‌ای با انتشار بخشی از آنچه در زندان‌ها می‌گذرد، آن را «قصد جان حکومت نسبت به جان زندانیان سیاسی بیمار» نامیده‌اند.

این زندانیان که خود مدت‌ها در بندهای سیاسی زندان های مختلف ایران اسیر بوده‌اند از رسانه‌های سبز و حقوق بشری و نیز آحاد جامعه، به خصوص خانواده‌های زندانیان سیاسی درخواست کرده‌اند جهت پاسداشت جان درگذشتگان در زندان‌های کشور و به ویژه ادای احترام به فتوت و بزرگی آخرین جانباخته ایستادگی در برابر ظلم که مرگش همچون نمادی ماندگار از آزادی خواهی و ظلم ستیزی در تاریخ این سرزمین خواهد درخشید، نام بند ۳۵۰ اوین را از این پس «بند شهید هدی صابر» بنامند و این نام را آنقدر تکرار کنند تا روز موعود، روز به ثمر نشستن همه این مجاهدات، روز رهایی به جای بند و زندگی به جای مرگ... تا روز غلبه آزادی بر استبداد در ایران زمین.

اخبار کوتاه

چهلمین روز اعتصاب غذای زندانی سیاسی کرد

در چهلمین روز از اعتصاب غذای انور خضری، زندانی سیاسی کرد، همچنان مسئولان زندان رجایی شهر نسبت به خواسته های این زندانی سیاسی بی توجه اند. این در حالی است که وضعیت جسمانی این زندانی بسیار نامناسب و بحرانی گزارش می شود. این زندانی سیاسی به مدت دو سال است که به صورت کاملا بلاتکلیف در زندان به سر می برد و نه تنها تاکنون برایش دادگاهی برگزار نشده، که حتی برای بازپرسی نیز احضار نشده است.

مرخصی استعلاجی محمد رضا رزاقی

دادستان تهران بعد از مدتها پیگیری خانواده رزاقی با مرخصی چند روزه و استعلاجی وی موافقت کرد. وضعیت جسمانی محمد رضا رزاقی، وکیل دادگستری، فعال حقوق بشر و عضو کمیته پیگیری حقوقی ستاد میرحسین موسوی نامناسب گزارش می‌شود. این حقوقدان که نزدیک یک سال است در بند ۳۵۰ زندان اوین به سر می‌برد به دلیل نارسایی کلیوی که ناشی از عوارض زندانی بودنش است، دچار خونریزی کلیه شده است.

بهمن احمدی، ۱۱ ماه محروم از ملاقات حضوری

بهمن احمدی امویی، روزنامه نگار زندانی ۱۱ ماه است که حق از ملاقات حضوری با خانواده اش محروم است.بیش از دو سال از زندانی بودن این روزنامه نگار می گذرد. او در مدت زندانی بودنش تنها یک بار از مرخصی استفاده کرده و بیش از ۱۳ ماه از هر گونه حق مرخصی محروم مانده است.

آشفته بازار این بار به احتکار سیمان رسید

قیمت مصوب سیمان در حالی طی روزهای اخیر افزایش یافت که برخی کارخانه‌ها پیش از تعیین نرخهای جدید، تولید و عرضه خود را کاهش دادند، این مسئله باعث بالا رفتن ۱۵۰۰ تومانی قیمت هر کیسه سیمان در بازار سیاه و فعال شدن دلالان شد.

نفت مجانی به هند می‌دهیم تا سراغ عربستان نروند

نماینده ایران در اوپک فاش کرد که دلیل ادامه فروش مجانی نفت ایران به هند، رقابت با عربستان در پی به توافق نرسیدن در اوپک است.خطیبی گفت: با توجه به تلاش‌های یغماگرایانه عربستان سعودی، با وجود اینکه وجهی از هند دریافت نشده اما صادرات نفتی به این کشور ادامه دارد.

۶۰۰ تومان قیمت شیر یارانه‌ای

معاون برنامه‌ریزی استاندار تهران از تعیین تکلیف قیمت شیر یارانه‌ای در پایتخت خبر داد و اعلام کرد قیمت شیر یارانه‌ای درجه یک با بار میکروبی ۵۰۰ هزار و با وزن ۹۰۰ گرم، ۶۰۰ تومان تعیین شد.

روزنامه کلمه، شماره هشتاد و سوم
چهارشنبه، ۲۲ تیر ۱۳۹۰

کلمه
WWW.KALEME.COM

جنبش سبز از گوناگونی اندیشه‌ها استقبال می‌کند و همواره گفته است این تکثر یک فرصت برای آینده ملت ماست و ما نقطه اتصال این گوناگونی گفتمان‌ها را ظهور و بروز یک رهبر تعریف نکرده‌ایم.

میرحسین موسوی

از برج مینو و جزیره مجنون تا اسکله‌های برادران قاچاقچی

یک پاسدار: رهبری شهادت داده است که سپاه از آغاز تاکنون درخط و مسیر امام حسین(ع) حرکت کرده‌است، اما احمدی‌نژاد همزمان از برادران قاچاقچی سخن می گوید که هر کالایی را بخواهی از لوازم آرایش تا لوازم برقی تا ماشین آلات صنعتی را به صورت قاچاق وارد می کنند و درتهران به تو تحویل می دهند. مگر جبل‌علی و دبی و اسکله های قشم و بندرعباس و گناوه برسر راه کربلای شلمچه است؟

از دوکوهه تا اسکله‌های خلیج فارس راهی طولانی است درست به اندازه فاصله‌ای که میان پاسداران مدافع شرف و کیان ملت با نیروی سرکوبگر وجود دارد و یا به فاصله مقام جوانان رشید و پاکباخته‌ای که در بازی دراز و شلمچه و طلایه سر بر ایمان خود نهادند تا جایی که برادران قاچاقچی دور از چشم قانون و مردمان به جابجایی کالا مشغولند. این راه طولانی چگونه به این سرعت طی شد؟ صاحبان بازوان با شرافتی را که امام بر آن‌ها بوسه می‌زد کجا بیابم. آیا باید باور کنیم که نسل حاج همت‌ها و زین الدین‌ها و باکری‌ها و بروجردی‌ها و داوود کریمی‌ها منقرض شده است؟ آیا باید باور کنیم جای آنان را که سلاح برکف و الله اکبرگویان بر خاکریزهای دشمنان متجاوز یورش می‌بردند کسانی گرفته‌اند که کلاه‌خود بر سر و چماق برکف حیدر حیدر گویان بر مردم مظلوم هجوم می‌برند و بر سر زن و مرد بی‌گناه می کوبند؟

آن زمان که پاکدلانه با استبداد شاه مبارزه می کردیم پندار ساده ای داشتیم. به تصور ایده آلیستی ما مشکل رژیم شاه این بود که انسان های فاسد و بی ایمانی بودند. در دوران دفاع مقدس نیز که در کنار امثال حاج همت می جنگیدیم تصور ما این بود که تنها خطری که متوجه کشور است دشمنان خارجی و صدام متجاوز اشغالگر است اگر شر این خطر را کم کنیم هیچ خطری نظام و ملت را تهدید نمی کند. اشتباه ما این نبود که در سر سودای استقرار حکومت صالحان داشتیم، اشتباه ما این بود که تصور می کردیم با روی کار آمدن نیروهای مؤمن و صالح کار تمام است. ما از این حقیقت تلخ غافل بودیم که ایمان و تقوی به تنهایی تضمین کننده مصونیت حکومت از استبداد و سلامت حکومت گران از فساد نیست.

وقتی با پیدایش دوم خرداد و آزادی مطبوعات ماجرای قتل های زنجیره ای برملا شد، اولین تردیدها به جان بعضی از ما افتاد. داستان ساده ای نبود. از میان سربازان گمنام امام زمان غده ای سرطانی سربرآورده بود. سربازان امام زمان را با قتل مخالفان و تشکیل شرکت های اقتصادی زنجیره ای و سوداگری و... چه کار؟

زمانی که کروبی به وجود اسکله های در اختیار برخی نیروهای نظامی که خارج از نظارت سازمان گمرک فعالیت می کنند اشاره کرد، با خود گفتیم که لابد ربطی به سپاه ندارد. مگر می شود سپاه سوداگری کند؟ امروز که سپاه و قرار گاه خاتم خارج ازتشریفات مناقصه و با زد و بند و اعمال نفوذ قراردادهای چند میلیارد دلاری با شرکت نفت و وزارتخانه های دیگر امضا می کند و با استفاده از قدرت خود و با تهدید رقیب بخش خصوصی را از میدان به در می کند و شرکت مخابرات را درسته قورت می دهد و در پوشش قانون خصوصی سازی حدود هشتاد در صد حجم صنایع و شرکت های دولتی را تصاحب می کند می فهمیم تمرکز قدرت با ایمان چه می کند و چگونه یک نهاد پاک باخته انقلابی را به نیروی دنیا زده سودا گر که برای حفظ منافع خود ناگزیر از سرکوب گری است مبدل می سازد.

امروز برخلاف گذشته روز پاسدار را به سردار جعفری نمی توانم تبریک بگویم. زیرا او به جای آن که جلو برادران قاچاقچی را بگیرد و دامن سپاه را از این ننگ پاک کند، تمام تلاش خود را می کند با احمدی نژاد وارد توافقات پنهان شود تا دفترش اطلاعیه بدهد و اعلام کند که صحبت های رئیس جمهور در باره برادران قاچاقچی درست منعکس نشده و تحریفی صورت گرفته است.

بنابراین ناگزیر به سراغ کهنه پاسدارهای آزاده‌ای می‌روم که مظلومانه یا از سپاه تصفیه شده اند و در گوشه عزلت معصومانه فروپاشی تمام آن چه را که برای ساخته شدنش جانبازی ها کردند نظاره می کنند و یا در سپاه تحت فرماندهی کسانی که یک روز هم در جبهه نبودند و آدرس دو کوهه را هم نمی دانند در گوشه ای به فعالیتی حاشیه ای نشسته اند و هر روز برای ادای توضیحات به حفاظت سپاه فراخوانده می شوند. به سراغ پاسداران پاک نهادی بروم که در بدنه سپاه به فعالیت مشغولند و به انتظار روزی که خیلی دور نیست دندان بر هم میفشارند. باید آن ها را بیابم و روز پاسدار را تبریک بگویم.

یکی دیگر از فرزندان انقلاب به زندان رفت

سید علیرضا بهشتی شیرازی مشاور میرحسین موسوی و از رزمندگان دفاع مقدس برای اجرای حکم به زندان اوین فرخوانده شد. وی مهر ماه گذشته در شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب با ریاست قاضی پیرعباس به ۵ سال زندان محکوم شده بود.

این بار سومی است که سید علیرضا بهشتی شیرازی پس از انتخابات به زندان می رود. بار نخست تنها ده روز از انتخابات ریاست جمهوری گذشته بود که در حمله نیروهای امنیتی به تحریریه روزنامه کلمه سبز بازداشت شد و پس از مدتی با قید وثیقه آزاد شد.بار دوم ، وی بعد از حوادث روز عاشورای ۱۳۸۸ و در تاریخ ۷ دی ۱۳۸۸ بدون هیچگونه اتهامی بازداشت و به زندان انفرادی منتقل شد. او بالاخره در تاریخ ۱۱ مهر ۱۳۸۹ بعد از ۹ ماه اسارت به قید وثیقه ۵۰۰ میلیون تومانی از زندان آزاد شد.

بهشتی شیرازی امروز برای گذراندن ۴ سال و ۳ ماه از باقی مانده حکم ۵ ساله اش به اوین رفت. وی پیش از اینکه وارد زندان اوین شود در محوطه بیرون زندان نماز ظهر خود را به جا آورد و سپس روانه زندان شد.بهشتی شیرازی از اعضای حزب جمهوری اسلامی و دبیر هیات دولت در دوران نخست وزیری میرحسین بود. وی پس از جنگ به فعالیت های فرهنگی و برخی تالیفات مذهبی اشتغال داشت. بهشتی شیرازی از شاگردان عارف فقید مرحوم اسماعیل دولابی بود.

آیت‌الله امجد: مردم را در لباس روحانیت گول نزنید

آیت‌الله محمود امجد در جمع نمازگزاران با بیان اینکه «هر حرفی می زنیم در عالم ضبط می شود، پس خلاف نگوییم، فریبکاری نکنیم و مردم را در لباس روحانیت گول نزنیم» افزود: مردم می فهمند. امروز دیگر روزی نیست که بتوان سر مردم کلاه گذاشت. ممکن است بخواهیم عده ای را در جهل نگه داریم ولی در حقیقت اینگونه نیست، مگر اینکه بخواهیم خود را فریب دهیم. وقتی پای انسان لب گور است و در لباس روحانیت دروغ می گوید چه می توان کرد؟ نمی دانم چطور می خواهند جواب خدا را بدهند. آنهم برای چه؟ برای منافع دنیوی؟

این استاد اخلاق با اشاره به اینکه بزرگترین خیانت، فریب دادن و گول زدن مردم است و بالاتر از این خیانتی نیست، اظهار داشت: مردم محترم اند، خداوند نیز مردم را دوست می دارد که انبیا را برای هدایت این مردم فرستاده که به راه خودشان برونند. و آنانی که در راه انبیا هستند، وظیفه شان هدایت و ارشاد مردم است.

وی پرسید: تا کی می خواهید به مردم دروغ بگوئید و بعد به مردم بگویید به رادیوهای خارجی گوش ندهید. بگذارید همه چیز شفاف گفته شود تا مردم هم روشن شوند.

آیت الله امجد ادامه داد: رسانه باید در حاکمیتی که ادعا می کند جمهوری اسلامی است آزاد باشد و همه ی مردم، راضی و ناراضی، حرفشان را بزنند تا مردم رشد پیدا کنند. وگرنه مثل الان می شود که هر کس هر نسبتی که می خواهد می دهد، امام زمان و خدا را زیر سوال می برد، و اینها همه به خاطر طمع دنیاست.

وی همچنین اظهار داشت: همه می دانند که ما خائن به مردم نیستیم و قصد ما لطمه زدن به جامعه نیست. حرف ما این است که روشن شوید تا به کلی سقوط نکنید. خودتان مردانه به میدان بیایید و حقیقت را بگویید. جمهوری یعنی مردم راضی و ناراضی بتوانند حرف خودشان را بزنند، آن وقت خواهید دید جامعه چقدر رشد خواهد کرد. نه اینکه همه ی رسانه ها را یکطرفه کنیم و آن وقت یک کسی به اسم روحانی هر چه دلش می خواهد بگوید. این درست نیست. مردم به ما می خندند. با مردم نمی شود بازی کرد.

وی گفت: باید برگردیم به خدا، به اسلام، به دین. نه اینکه فقط بگوییم عجل علی ظهورک، امام زمان بیاید چه کند؟ امام زمان برای تحقق عدالت برای همه می آید. ما باید آماده باشیم. همه ی ما باید عادل باشیم.

این استاد اخلاق در خاتمه تاکید کرد: همین بنده ای که الان اینجا نشسته ام، اگر شما اعتراض درستی کنید و من قبول نکنم، نباید فردا پشت سر من نماز بخوانید. چرا که در این صورت من از عدالت ساقط هستم. حالا هر که می خواهم باشم. و هر کس دم از مصونیت از گناه بزند از عدالت ساقط است.

جامعه پزشکی: سلامتی موسوی و کروبی در خطر است

انجمن اسلامی جامعهٔ پزشکی ایران در قطعنامهٔ پایانی نوزدهمین مجمع عمومی خود از جنبش سبز ملت ایران و رهبران آن، زندانیان سیاسی و همه آسیب‌دیدگان حوادث پس از انتخابات حمایت کرده و ضمن انتقاد از فضای امنیتی و فساد حاکم، بر لزوم تحقق شرایط خاتمی برای نیل به انتخابات آزاد و سالم تاکید کرده است.

انجمن اسلامی جامعهٔ پزشکی همچنین با ابراز نگرانی از خبرهای نگران کننده درباره وضع سلامتی موسوی و کروبی، اعلام کردند: رهبران جنبش سبز و یاران نزدیک امام، موسوی و کروبی، تنها خواست و مطالبات مردم را بیان کرده و مرتکب هیچ خطائی نشده اند که مستوجب مجازات باشد. علاوه بر این اگر ادعای حقوقی علیه آنها وجود دارد باید در دادگاهی صالح و با رعایت تشریفات آئین دادرسی به آن رسیدگی گردد و آنان بتوانند از خود دفاع کنند. به همین دلیل حبس خانگی این دو عزیز و همسرانشان را که با اعمال محدودیت شدید در برقرای ارتباط حتی با فرزندان و نزدیکان همراه است و علاوه بر آن امکان دسترسی آنان به اخبار و اطلاعات کشور و جامعه بشدت محدود و کانالیزه شده است را غیر قانونی می دانیم و خواستار رفع همهٔ این محدویت ها از این عزیزان هستیم. علاوه بر این خبرهای نگران کننده از وضع سلامتی این بزرگواران ما را بشدت نگران کرده است و لذا خواهان معاینه ایشان توسط پزشکان مستقل هستیم.

اخبار کوتاه

وضعیت نامناسب جسمی مریم مجد عکاس ورزشی در اوین

مریم مجد عکاس ورزشی در شرایط جسمی نامناسب در بند ۲۰۹ اوین بسر می برد.منابع خبری نزدیک به وی اعلام کردند این عکاس روز گذشته در تماسی که با خانواده خود داشت گفت از درد شدید کلیه رنج می‌برد و از جمعه گذشته نتوانسته غذا بخورد.

جلوگیری از برگزاری مراسم برای چهلم سحابی‌ها

در حالیکه قرار بود خانواده و نزدیکانِ خانوادگی مرحومان عزت الله و هاله سحابی، به مناسبت چهلمین روز درگذشت آنها مراسمی خصوصی برگزار کنند، ماموران امنیتی با حضور و ایجاد رعب، مانع از برگزاری این مراسم سوگواری خانوادگی شدند.یکشنبه شب نوزدهم تیرماه، مراسم غریبانه ای به طور خصوصی برای مهندس و هاله سحابی در یک رستوران در لواسان برگزار شد، که با دخالت و برخوردهای ارعاب آمیز ماموران متوقف ماند.

یک سال از قطع تماس‌های تلفنی بند ۳۵۰ اوین گذشت

یک سال از قطع تماس‌های تلفنی زندانیان سیاسی بند ۳۵۰ زندان اوین می گذرد ، این در حالی است که در این یک سال خانواده های زندانیان سیاسی این بند بارها به این شرایط اعتراض کرده اند.

بند ۳۵۰ زندان اوین با ۲۰۰ زندانی بزرگترین بند زندانیان سیاسی کشور محسوب می شود . در این بند تعداد زیادی از زندانیان حوادث پس از انتخابات نگهداری می شوند.

حذف یارانه‌ها و فشار مضاعف بر بازنشسته‌ها

رییس هیات مدیره کانون کارگران بازنشسته تامین اجتماعی استان قم از عدم ابلاغ دولت به سازمان تامین اجتماعی برای افزایش مستمری‌ها انتقادکرد.

وی با بیان اینکه ۲ سال است که وام‌های ۵۰۰ هزار تومانی متعلقه به بازنشستگان سازمان تامین اجتماعی قطع شده است، تاکیدکرد: حافظی مدیرعامل تامین اجتماعی قول برقراری مجدد این وام را داده است اما هنوز نتوانسته به قول خود عمل کند.

ترکمان با بیان که این بازنشستگان از حذف یارانه‌ها فشارزیادی را متحمل می‌شوند، اظهارداشت: یارانه پرداختی دولت فقط پول آب، برق، گاز می‌شود و چیزی برای جبران گرانی سایر اقلام مصرفی کارگران نمی‌ماند.

روزنامه کلمه، شماره هشتاد و چهارم
شنبه، ۲۵ تیر ۱۳۹۰

کلمه
WWW.KALEME.COM

اعتراض اساتید دانشگاه تربیت مدرس به حبس کروبی و موسوی

جمعی از اعضای هیأت علمی دانشگاه تربیت مدرس در بیانیه‌ای نسبت به حبس خانگی غیرقانونی موسوی و کروبی و همسرانشان اعتراض کردند و گفتند: مسئولیت هرگونه عواقب ناگوار ناشی از حبس آنها را متوجه عالیترین مقامات نظام می‌دانیم.

سیدهادی خامنه‌ای:

آقایان موسوی و کروبی در حصرند چون از تاثیرگذاری آنان در هراسند

جمعی از اعضای شورای مرکزی و عمومی انجمن فرهنگ و سیاست دانشگاه شیراز و علوم پزشکی با حجت‌الاسلام و المسلمین سیدهادی خامنه‌ای دیدار و گفت و گو کردند.

در این دیدار سیدهادی خامنه‌ای با اشاره به مخالفان اصلاحات گفت: گروه اندکی که با اصلاحات مخالف‌اند در حقیقت با مصالح مردم مخالف‌اند و ریشه آن، زیاده‌خواهی و فزون‌طلبی آنهاست مخالفت عده‌ای دیگر با اصلاحات، به این دلیل است که از جریان اصلاح‌طلبی، شناخت واقعی ندارند و تحت تأثیر تبلیغات دروغ و تهمت‌ها قرار دارند.

مدیر مسئول روزنامه توقیف شده حیات نو و جهان اسلام با اشاره به محدودیت های فرهنگی و رسانه‌ای ایجاد شده تأکید کرد: در مقابل هر فیلتر، یک فیلتر شکن وجود دارد. همانطور که در زمان جنگ با وجود تمام تحریم‌ها و کارشکنی‌ها، از سلاح‌های دشمنان بر علیه خودشان بهره بردیم. چرا که با روش غیر منطقی و عقلی در مقابل یک اندیشه و عقیده نمی‌توان بهره دائمی برد.

دبیرکل مجمع نیروهای خط امام در پاسخ به سوالی در مورد آینده سیاسی کشور و تنوع حضور اصلاح‌طلبان و منتقدان در انتخابات پیش رو افزود: اگر فرصت رقابت برای انتخابات مساوی باشد می توان در این مورد اظهار نظر کرد و در وضعیتی که فرصت‌ها برای گفتن، پاسخ دادن به اتهامات و بیان نظرات و اندیشه‌ها و انتقادات برابر و عادلانه نیست و بیان نظریات و انتقادات، مصون از عواقب امنیتی

و قضایی و محدودیت‌های دیگر نیست، چگونه می‌توان شرایط مناسب برای برگزاری انتخابات را پیش‌بینی کرد.

دبیرکل مجمع نیروهای خط امام تأکید کرد: رفع محدودیت و حصر و بندها از ابتدایی ترین لوازم برای برگزاری انتخابات سالم و آزادانه است و این حق ما است و نه شرط ما، به دنبال تأمین ابتدایی ترین حقوق خود و دوستان و دلسوزان نظام و انقلاب و راه امام هستیم. پس اگر آقایان با این مقدمات مخالف‌اند صراحتا و شجاعانه بیان کنند که جبهه اصلاحات و خط امام حق شرکت در انتخابات را ندارند.

سیدهادی خامنه‌ای با اشاره به ادامه حصر خانگی آقایان میرحسین موسوی و مهدی کروبی تأکید کرد: آقایان موسوی و کروبی از چهره‌های مورد احترام امام، ملت ایران و اصلاح طلبان بوده و هستند و هدف از حصر آنها جلوگیری از تأثیر گذاری آنها در ساحت جامعه است. قطعاً توقیف و محدود کردن افراد و چهره‌های مردمی و انقلابی کار عبثی است و بر مشکلات می‌افزاید و این اقدام انفعالی قطعاً به نتایج دلخواه برای جریان سیاسی انحصار طلب نمی انجامد و بی تردید به نفع کشور و منافع ملی نخواهد بود. اگر دلسوزی در میان است و صلاح دین و کشور را می‌خواهیم باید بدانیم که حصر این آقایان چاره کار نیست.

عین خیالشان نیست شش سال بر این مملکت چه رفته است

صادق زیباکلام: انصافا اصولگرایان ما در برون و درون مجلس چهره‌ها و شخصیت‌های جالبی هستند. شش سال همه توش و توان‌شان را به کار گرفتند تا آقای احمدی‌نژاد در انتخابات ریاست جمهوری پیروز شود. در چهار سال نخست رئیس قوه مجریه منتخب‌شان، از هر سیاستی که ایشان اتخاذ کردند، از هر تصمیمی که گرفتند، از هر عزل و نصبی که کردند، از هر موضع‌گیری که در عرصه بین‌المللی کردند، از هر برخوردی که با مخالفان و منتقدان و معترضان‌شان کردند، دفاع کردند.

اما حالا دارد معلوم می‌شود چه بر سر مملکت در این شش سال نرفته است. اگر ونزوئلا، لبنان و سوریه را مستثنی کنیم، تقریبا با همه کشورها و قدرت‌ها، در منطقه و در عرصه بین‌الملل اگر خصومت نداشته باشیم، خیلی هم رابطه گرم و صمیمانه‌ای نداریم. تورم و گرانی، رکود بخش خصوصی، بیکاری، ورشکستگی شرکت‌های خصوصی یکی پس از دیگری، رشد نجومی چک‌های برگشتی، عقب ماندن پروژه‌های ملی و بدهکاری‌های فزاینده دستگاه‌ها، شرکت‌ها و سازمان‌های دولتی به پیمانکاران و اشخاص حقیقی و حقوقی و رشد اقتصادی نزدیک به صفر، تصویر وضعیت اقتصادی کشور بعد از شش سال مدیریت اصولگرایان و رئیس جمهور منتخب‌شان است. سند چشم انداز ۲۰ ساله عملا به طاق نسیان زده شد و پوشه نارنجی رنگ برنامه توسعه چهارم در بایگانی دولت نهم و دهم مدفون ماند. جملگی مدیران ارشد کشور را که در زمان هاشمی رفسنجانی و خاتمی مسئولیت داشتند کنار گذاشتند و هر وزیری که کوچک‌ترین ابراز مخالف با «رئیس» کرد نیز از کابینه کنار گذاشته شد.

جناب محمدعلی رامین هر روزنامه و نشریه‌ای را که اراده کردند با یک تلفن بستند و رادیو و تلویزیون هم دربست در خدمت آقای احمدی‌نژاد قرار گرفت.

رئیس جمهور از هر حسابی که خواستند برداشت کردند. میلیاردها تومان صرف طرح‌های زودبازده اشتغال‌زا، صندوق مهررضا، مسکن مهر، سفرهای استانی، پرداخت سهام عدالت و امور و برنامه‌های دیگری که بسیاری از صاحب‌نظران اقتصادی نسبت به مفید بودن و نتیجه بخش بودن آنها تردیدهای زیادی داشتند کردند، اسرائیل، آمریکا، اروپا و تمدن غرب را بارها و بارها به آخر خط رسیده اعلام فرمودند و داعیه‌دار مدیریت جهانی شدند. در مقام اثبات افسانه و ساختگی بودن هولوکاست برآمدند و همایش بین‌المللی در نفی آن به راه انداختند. کنترل جمعیت را توطئه و برنامه دشمنان اسلام و انقلاب اعلام کردند و برای تولد فرزندان بیشتر مقرری و جایزه تعیین کردند.

هرکدام از مصوبات مجلس که دوست نداشتند را اجرا نکردند. هزاران طرح را بدون بررسی، بدون مطالعه و بدون کار کارشناسی در جریان سفرهای استانی تصویب کردند. در تمام آن شش سال اصولگرایان در قبال سیاست‌ها و تصمیمات آقای احمدی نژاد به جز تایید، تمجید، دفاع همه جانبه، ابراز احساسات و افتخار، دنباله روی و حمایت کار دیگری نکردند. اما اکنون همان اصولگرایان که تا دیروز احمدی نژاد را بر روی سر گذاشته و حلوا حلوا می‌کردند، به گونه‌ای دارند با او برخورد می‌کنند کانه اساسا نه او را می شناسند، نه نقشی در به روی کار آمدن وی داشتند، نه از او حمایت می‌کردند و نه هیچ ارتباط و مراوده دیگری با وی داشته‌اند.

از همه جالب تر اینکه اساسا عین خیال اصولگرایان نیست که دولت نهم و دهم دستپخت آنها بود برای مملکت و خوب و بد آن نیز بر گردن آنهاست.

بی خیال، با فراغ بال و راحت به دنبال برنامه ریزی برای انتخابات مجلس هستند. درست مثل اینکه احمدی نژاد رئیس جمهور کشور گینه بیسائو یا بورکینافاسو است. آنان نه تنها هیچ مسئولیتی در قبال احمدی نژاد ندارند بلکه فعلا برنامه های مهم تری دارند از جمله به دست گرفتن مجلس نهم تا یک وقت در جریان خدمات برجسته شان به کشور خللی وارد نشود.

جوان نخبه: استمداد دارم امکان دفاع عادلانه برایم فراهم شود

امید کوکبی، دانشجوی فوق دکترای فیزیک اتمی که در خارج از کشور دوران تحصیلی خود را سپری می کرد اما در سفر به ایران برای دیدار با خانواده بازداشت شد در آستانه ی تشکیل دادگاه خود در نامه ای تکان دهنده به آملی لاریحانی با توصیف شرح شکنجه ها و انفرادی های خود درخواست تشکیل دادگاهی عادلانه با امکان دفاع داده است.

این دانشمند جوان در بخشی از نامه ی خود نحوه بازجویی های خود را شرح داده است: تهدیدات مکرر به بازداشت اساتیدم در ایران، تهدید به تحویل به بازجویانی که در شرایط طاقت فرساتری من را تحت شکنجه و ضرب و شتم فیزیکی در شرایط قطع غذا و سرویس های بهداشتی و هرگونه تماس با بیرون قرار دهند. تکرارهای چندین باره بازجویان درباره این موضوع که پدرم بخاطر عمل جراحی باز اخیر قلبش همچنان در شرایط نامناسبی قرار دارد، دچار حمله قلبی شده و بخاطر بازداشت من روانه بیمارستان شده و آنقدر من را در بازداشت و سلول انفرادی و در شرایط قطع کامل ارتباطی با خانواده نگه خواهند داشت که وی را هرگز نبینم و از داشتن پدرم به علت فشارهای وارده به وی محروم شوم و همچنین عنوان کردن مشکل قلبی خواهرم که می گفتند وی نیز با شرایط نامطلوبی در به در دنبال کارهای من است و تحت فشارهای شدید روحی و روانی و نامساعد بودن روحیه خانواده حال و روز خوبی ندارد.

امید کوکبی که از هموطنان اهل سنت و ترکمن است و هیچ گونه سابقه فعالیت سیاسی ندارد. وی از بهمن ماه سال ۸۹ در بازداشت بسر می برد. وی که به «ارتباط با دولت متخاصم» و « کسب درآمد نامشروع» متهم شده است که این موضوع به خاطر بورس تحصیلی است که او موفق به دریافتش شده بود.

متن کامل این نامه را در سایت کلمه بخوانید

اخبار کوتاه

• شامگاه روز ۱۹ تیر ۴ مرد و ۱ زن از حفاظت‌اطّلاعات نیروی انتظامی وارد منزل پگاه آهنگرانی بازیگر سینما شده و ضمن ضبط برخی وسایل وی، او را بازداشت کرده‌اند. خانم آهن‌گرانی از ۲۲ تیر به سازمان اطلاعات سپاه تحویل داده‌شده‌است.

• در سردشت یک بمب شیمیایی عمل‌نکرده ۳۰۰کیلویی، طیّ حفّاری ساخت‌مان در عمق ۲متری زمین پیدا شد و با اعزام نیروهای خنثاسازی از تهران و خنثاشدن آن، از یک فاجعه انسانی جلوگیری شد

• تعدادی از کارگران واحد نسّاجی مازندران صبح روز ۲۲ تیر به دلیل عدم دریافت ۱۳ ماه حقوق اقدام به راه‌پمایی از درب کارخانه تا فرمان‌داری قائم‌شهر کردند

• جواد منصوری –سفیر پیشین ایران در چین و معاون پیشین وزارت امور خارجه– در گفت‌وگویی اعلام کرد ۴۰ سفارت‌خانه‌ی جمهوری اسلامی بی سفیر هستند و بنا به دستور رییس دولت در دولت‌های فعلی و پیشین ۶۰۰ نفر از نیروهای باتجربه‌ی این وزارت‌خانه وادار به بازنشستگی شده‌اند

• در ۲ سال گذشته وزارت نفت طیّ چند قرارداد صوری با یک شرکت تبلیغاتی خصوصی که متعلّق به یکی از کارکنان این وزارت‌خانه است، چندصدمیلیارد تومان را بدون انجام هیچ کاری به حساب این شرکت واریز کرده‌است.

• به فاصله‌ی کمی از نامه‌ی احمدی‌نژاد به وزیر علوم که در آن خواسته شده‌بود از اخراج اساتید خودداری شود، سعید مشیری –دانشیار دانشکده‌ی اقتصاد دانشگاه علامه– با حکم شریعتی رئیس این دانش گاه اخراج شد.

• علی مطهّری در گفت‌وگویی اظهار داشت مجلس به شاخه دفتر رهبری تبدیل شده و اگر نماینده‌گان در دوره‌های هفتم و هشتم مجلس به وظیفه خود عمل می کردند پدیده احمدی‌نژاد ظهور نمی کرد.

• مسئول روابط عمومی انجمن صنفی پیمانکاران ساختمان و تاسیسات استان تهران از به خطر افتادن اشتغال ۱۰ هزار نفر کارکنان این صنعت خبر داد.

• بالاترین مقام امور حقوق بشر در دولت آلمان خواستار آزادی موسوی، کروبی و تمامی زندانیان سیاسی در ایران شد.

• آلن ژوپه وزیر امور خارجه و اروپای فرانسه در مقاله ای که لوموند آن را منتشر کرده تاکید دارد که فرانسه، ایران را فراموش نکرده است. او نوشت: از مقامات ایرانی می‌خواهیم به حق آزادی بیان احترام بگذارند، تمام زندانیانی را که خودسرانه بازداشت شده اند فوری آزاد کنند و آزادی کامل آقایان موسوی و کروبی را به آنان برگردانند.

• رییس جامعه‌ی هتل‌داران استان یزد گفت: افزایش مشکلات اقتصادی مردم سبب شده است تا بسیاری از افراد، مسافرت را از سبد هزینه‌ی خانوار حذف کنند. این امر، سبب کم شدن مسافر و در نتیجه، کاهش درآمد هتل‌ها شده است.

• امام جمعه تبریز، در حضور رئیس دولت، از افزایش قیمت‌ها در زمینه قبوض گاز و برق گلایه کرد.

• پس از اظهارات انتقادی حجت‌الاسلام ثمری دبیر سابق هیأت عالی گزینش کشور نسبت به مشایی، احمدی‌نژاد در حکمی احمد علیزاده را به عنوان دبیر جدید هیأت عالی گزینش کل کشور منصوب کرد.

روزنامه کلمه، شماره هشتاد و پنج
دوشنبه، ۲۷ تیر ۱۳۹۰

کلمه
WWW.KALEME.COM

ما اعتقاد داریم دروغ و ظلم و قانون‌ستیزی مشروعیت نظام را ذوب می‌کند و وعده‌های قرآن و روایات و خود تحلیل حادثه عظیم کربلا و عاشورا نشان می‌دهد که ظلم باقی ماندنی نیست.

میرحسین موسوی

سیدعلیرضا بهشتی خطاب به متصدیان امور:

چرا برای چند روز دست از این گناه کبیره بر نمی‌دارید؟

سیدعلیرضا بهشتی شیرازی مشاور میرحسین موسوی برای بار سوم به زندان رفت. وی پیش از حضور در زندان در یادداشتی تفصیلی به بررسی وضعیت موجود کشورمان پرداخته و در تحلیلی با بررسی وجوه مختلف دولت جایگاه و وضعیت سیاسی کشورمان را واکاوی نموده است.

سید علیرضا بهشتی این تحلیل را به عنوان تلاشی برای آسیب شناسی مشکلات کنونی عنوان و به برادرانی هدیه کرده است که به تعبیر او «می‌خواهند سر به تن ما نباشد». در بخشی از این تحلیل این رزمنده دفاع مقدس می نویسد:

زدن مهر محرمانه بر روی یک خبر معمولا نشانهٔ آن است که وضعیت از آن چیزی که تظاهر می‌شود بدتر است... امروز با استفاده از مهرهای محرمانه وخیلی محرمانه وجود بحران سیاسی در کشور تکذیب می‌شود، بحرانی که دیگر حتی ساکنان روستاهای دورافتاده و زنهای خانه‌دار نیز وجود آن را لمس می‌کنند. چه باید کرد؟ از کسانی که در حوادث دو سال گذشته رنجیده شدند می‌شنویم که رویداد این روزها مکافات آن روزهاست. به عبارت دیگر از آنچه که می‌گذرد خوشحالند. حال آن که همه ما در یک کشتی نشسته‌ایم. و حتی یک بند انگشت پیشرفت به سوی آرزوهایمان یک بند انگشت پیشرفت است. و آرزوی ما جاه‌طلبی برای من یا او نیست، بلکه می‌خواهیم این آب گل‌آلودی که به ما می‌نوشانند زلال شود و این بحرانی که دارد همه چیز کشور را به سوی نابودی می‌برد آرام گیرد. (آیا سازشکارانه‌تر از این هم ممکن است؟)

بهشتی با اشاره به سخن نخست وزیر دوران جنگ می نویسد: مهندس موسوی می‌گفت اگر جریان‌هایی از آب زلال، هر قدر هم باریک، به سوی این آب تیره باز شود رفته رفته کدورت‌ها را از بین خواهد رفت. قرار نیست که ما منتظر بمانیم تا طرف مقابل این کار را آغاز کند. منتهی طرف مقابل خودش که این کار را نمی‌کند، تحمل انجام آن از طرف ما را هم ندارد. از نظر او مشکل یک چیز بیشتر نیست: نافرمانی یک عده یاغی، و به قولی باغی. خوب! این که مشکل غیرقابل‌حلی نیست. با هوای نفستان مخالفت کنید تا همه از شما اطاعت کنند. مگر روایت نکردید که کسی که .... و با هوای دلش مخالفت می‌کند .... برای عامه مردم (جایز) است از او تبعیت کنند. چرا ایمانی را که به این روایت دارید آزمایش نمی‌کنید؟ اگر چای شیرین میل دارید چای تلخ بنوشید، یا اصلا چای نخورید. اگر میلتان فرمود که بیگناهان را زندانی کنید به مخالفت با آن برخیزید، بلکه آن هوسی را که امر به سرکوب دیگران می‌کند حبس کنید تا مردم به قید اطاعت شما درآیند.

وی در ادامه آورده است : این مقاله را به عنوان تلاشی در این زمینه به برادرانی که می‌خواهند سر به تن ما نباشد هدیه می‌کنیم، شاید فراستشان طلوع کند و به احترام روایت امام صادق (ع) ما را به عنوان بهترین دوستان خود برگزینند. احب اخوانی من اهدی الی عیوبی.

آیا آنها چنین کاری خواهند کرد؟ احتمالا نه! بلکه به مانند گذشته هر چه را که گفته‌ایم از صدر تا ذیل تکذیب می‌کنند. مگر از قول امام جمعه کاشان نشنیدند که تکذیب آنچه حقیقت دارد گناه کبیره است و در مکتب اسلام کسانی که مرتکب این جرم شوند هشتاد ضربه شلاق می‌خورند. آیا شما دایرهٔ اجرای احکام دارید و دین هستی ندارد؟ به چهرهٔ خود بنگرید و آن را با عکس‌های دو سال پیش، بلکه شش ماه پیش مقایسه کنید. شما رنج‌دیده و خسته هستید. چرا برای خودتان چند روز مرخصی درنظر نمی‌گیرید. چرا برای چند روز دست از این گناه کبیره برنمی‌دارید و به گرده‌های آسیب‌دیدهٔتان استراحت نمی‌دهید.

در این شرایط ما باید صبر کنیم. آخرین

پیامی که مهندس موسوی برای ما فرستاد صبر بود: «صبر، صبر، صبر». به نظر می‌رسد در دنیا چیز ارزشمندی وجود نداشته باشد که بدون صبر به دست بیاید، یا بدون صبر ارزش آن شناخته شود...اگر به درستی نیت‌های‌مان اطمینان داریم جا دارد که به آفریدگار مردم هم اعتماد داشته باشیم. او کسی را که دوست نداشته باشد نمی‌آفریند، و کسی را که دوست داشته باشد تنها نمی‌گذارد. او دندانی نمی‌آفریند مگر آن که نانی می‌آفریند، و خواسته‌ای در جان مردم متولد نمی‌شود که او نخواسته باشد. منتهی او از کنه تقاضای ما آگاه‌تر است. ما از او باران می‌خواهیم، اما او نگاه می‌کند و می‌بیند که ما باران نمی‌خواهیم بلکه نان می‌خواهیم، و نان نمی‌خواهیم بلکه شکم سیر می‌خواهیم، و شکم سیر نمی‌خواهیم بلکه رفاه می‌خواهیم و رفاه نمی‌خواهیم بلکه بی‌نیازی می‌خواهیم. خوب است که او کدامیک از این درخواست‌ها را اجابت کند.

او از ما صبر می‌خواهد. بزرگی در تمجید از کسی گفته بود فلانی ندارد خوش است؛ یعنی خوشحال است که ثروت و شهرت و مقام ندارد. ما هم جا دارد به خاطر آنچه که نداریم خشنود باشیم. آیا دوست داشتید که غالب بودیم و تنها گناه مرگ یک هالهٔ سحابی یا هدی صابر بر گردن ما قرار می‌گرفت؟ اگر عجله کنیم، اگر صبر نکنیم....

متن کامل یادداشت بهشتی را در کلمه بخوانید.

ادعای دروغین ارتباط با امام زمان؛ انحرافی به وسعت تاریخ

این روزها عده‌ای چنان در موضوع مهدویّت به افراط گرفتار شده‌اند که در تصور آنان اسلام جز موضوع مهدویت چیز دیگری ندارد. گویا یک مسلمان هیچ مسئولیتی ندارد و حل همه مشکلات را نه از خدا بلکه باید از امام زمان خواست.

بسیاری دچار توهم ارتباط با امام زمان شده‌اند، طوری که برخی از مسئولین رده بالای کشور ادعاهایی طرح کرده‌اند که در طول تاریخ تشیع جز از شیخیه سابقه نداشته است: «امام زمان مدیریت کشور را بر عهده دارد»؛ «اگر از قبل به این اعتقاد بودم که امام عصر در مسائل کلی همراه و کمک ما هستند، اما امروز اعتقادم بر این است که امام عصر حتی در جزءجزء کارها به کمک ما آمده‌اند.» «من یقین دارم حضرت ولی عصر (عج) اجرای موفق طرح هدفمند کردن یارانه‌ها را مدیریت کرده و هدایت می‌کنند.» «سند داریم که آمریکا می‌خواهد جلوی ظهور امام زمان را بگیرد.»

این ادعاها چنان به باور عده‌ای ساده لوح نشست که با انتشار گسترده یک سی دی، مدعی شدند که گوینده این کلمات شعیب بن صالح است. او فراهم کننده ظهور است و بنابراین ظهور امام زمان بسیار نزدیک شده است.

وزیر اطلاعات، در مصاحبه‌ای در پاسخ به پرسش خبرنگاری در مورد مدعیان امام زمان گفت:« همیشه افرادی بودند که ادعای دیدار با امام زمان (عج) را داشتند و ما این ادعاها را پیگیری می کردیم و حال نیز همین مسائل مطرح است. این موضوعات در زمان جنگ نیز وجود داشت. شاید تقدیر ما بر این است که دنبال این مسائل و پیگیر این افراد باشیم.»

تا زمانی که این فضا وجود دارد این ادعاها تمامی نخواهد داشت. هر روز مدعیان امام زمان یا مدعیان ارتباطات با امام زمان بیشتر خواهند شد. نگاهی به آثار و پیامدهای سوءِ موعودگرایی افراطی، در تاریخ تشیع این درس روشن را به ما می‌دهد که این موضوع باعث به وجود آمدن اختلافات، خونریزی‌ها و خسارت‌های مادی و معنوی جبران ناپذیری برای تشیع شده است لذا باید در این مورد به آنچه که از روایات قطعی است بسنده و از طرح و دامن زدن به آنچه که صریحاً از طریق اخبار متواتر قابل اثبات نیست، جداً خودداری کرد. در غیر این صورت باید منتظر شکل‌گیری جریان‌های متعدد انحرافی در آینده نزدیک بود.

متن کامل این مطلب را در کلمه بخوانید.

وعده دولت درباره مطالبات چایکاران محقق نشد

با وجود اتمام دومین دوره بهره برداری چای، اخیرا تنها بخشی از مطالبات مربوط به مرحله اول بهره برداری آن هم بدون لحاظ وعده افزایش قیمت ها به چایکاران پرداخت شد تا همچون همیشه دولت به چایکاران بدهکار باقی بماند.

ایرج هوسمی رئیس اتحادیه چایکاران کشور از عدم تعهد دولت در قبال چایکاران خبر داد و اعلام کرد: با وجود تاکید دولت بر پرداخت بدهی چایکاران، اخیرا تنها بخشی از مطالبات مربوط به مرحله اول بهره برداری چای به کشاورزان پرداخت شد. علاوه بر مطالبات مرحله دوم بهره‌برداری، بخشی از مطالبات مرحله اول نیز باقی مانده است.

وی افزود: این در حالی است که پرداخت صورت گرفته نیز بدون لحاظ افزایش قیمت وعده داده شده از سوی دولت صورت گرفته است.

هوسمی با اشاره به اینکه هم اکنون چای درجه یک کیلویی ۶۰۰ تومان و درجه دو نیز کیلویی ۳۰۰ تومان توسط دولت خریداری می شود، عنوان کرد: طبق وعده سازمان چای قرار بود چای درجه یک و دو بین ۴۰ تا ۶۰ تومان گرانتر از قیمت قبلی خریداری شود که این افزایش قیمت وعده داده شده در پرداخت های اخیر دولت گنجانده نشده است.

به گفته وی، در حال حاضر طلب چایکاران از دولت به حدود ۱۸ میلیارد تومان می رسد.

مرخصی بهاره هدایت و مهدیه گلرو پس از یک سال و نیم زندان

بهاره هدایت و مهدیه گلرو فعالان دانشجویی و زنان که دی ماه سال ۸۸بازداشت شده بودند، در آستانه یمه شعبان پس از یک سال و نیم به مرخصی آمدند.

بهاره هدایت فعال حوزه دانشجویی و از معترضین حوادث بعد از انتخابات که دهم دی ماه سال ۸۸ برای پنجمین بار بازداشت شده و پس از ماه‌ها انفرادی به بند قرنطینه متادون منتقل شده بود با وثیقه ۷۰۰ میلیون تومانی به مرخصی آمد. این عضو شورای مرکزی دفتر تحکیم وحدت تابستان گذشته به نه سال و نیم زندان محکوم شده بود.

مهدیه گلرو دیگر فعال زنان و دانشجویی نیز که در دی ماه ۸۸ به همراه همسرش بازداشت شده و ماه‌ها به همراه جمعی دیگر از زندانیان سیاسی زن، در بند متادون نگهداری شده بود با پذیرش وثیقه ۱۵۰ میلیون تومانی از سوی قاضی پرونده موفق شد به مرخصی بیاید.

اخبار کوتاه

- نسرین ستوده –وکیل پرونده‌های حقوق بشر– پس از ۸ ماه با مادرش به طور حضوری ملاقات کرد و هم‌چنین توانست فرزندان و هم‌سر خود را نیز ملاقات کند.
- محمّدرضا مقیسه –عضو کمیته‌ی پی‌گیری امور بازداشت‌شده‌گان و آسیب‌دیده‌گان اعتراضات پس از انتخابات– که در اعتراض به شهادت هاله سحابی و هدا صابر همراه با ۱۲ نفر از زندانیان سیاسی اعتصاب غذا کرده‌بود، به علّت عدم رسیدگی پزشکی در خطر ازدست‌دادن کلیه‌های خود قرار دارد.
- در تعدادی از سینماهای تهران تماشاگران در حمایت از پگاه آهنگرانی –که چندی پیش از سوی اطّلاعات سپاه بازداشت و به زندان اوین منتقل شد– وی را تشویق کرده و شعار مرگ بر دیکتاتور سر داده‌اند.
- حمید رضا کاتوزیان رییس کمیسیون انرژی مجلس هشتم و نائب رئیس کمیسیون صنایع و معادن مجلس هفتم ، تاکید کرد: تعداد قابل توجهی از کارخانه ها و شرکت های واگذار شده در طرح سهام عدالت در سالهای گذشته نه تنها سود نداشتند ، بلکه ضرر هم داده اند. وی اعلام کرد: چون منبع یارانه های پرداخت شده در قانون نیامده ، برای نمونه از محل صادرات برق و بودجه پارس جنوبی به مردم یارانه پرداخت می شود.
- یک عضو مجمع نمایندگان استان کرمانشاه گفت: به دلیل آنکه پس از هدفمندکردن یارانه‌ها حمایت از بخش تولید کامل اجرایی نشده، قیمت کالاها نیز طی هفته های اخیر آنقدر بالا رفته که کسی نمی تواند آن را انکار کند.
- عضو کمیسیون اقتصادی مجلس گفت: ممنوعیت و توقف یکباره ورود ماده اولیه آزبست به کشور از سوی سازمان محیط زیست و بیکاری مستقیم و غیرمستقیم ۵ هزار کارگر، مغایر با سیاست اشتغال‌زائی دولت است.
- معاون وزیر راه وشهرسازی گفت: افزایش قیمت بلیت هواپیما حتمی است واگر افزایش قیمت نداشته باشیم خدمات هواپیمایی کاهش پیدا می کند.
- رامبد جوان هنرپیشه و کارگردان درباره مسعود ده نمکی می گوید: آقای ده‌نمکی از دید من و خیلی‌های دیگر، این قدر چهره‌ی تکلیف روشنی بود که فکر می کردم اگر این آدم قرار است از موقعیّت خشن سیاسیش تبدیل شود به یک آرتیست و هنرمند، باید از آنهایی که آزارشان داده عذرخواهی کند.

کلمه
WWW.KALEME.COM
روزنامه کلمه، شماره هشتاد و ششم، چهارشنبه، ۲۹ تیر ۱۳۹۰

آهنگ «دلتنگی» برای میرحسین

آریا آرام نژاد هنرمند سبز که خود مدتی در زندان بوده است آهنگ جدیدی به نام «دلتنگی» منتشر کرده و در معرفی آن نوشته است: برای میرحسین که مردانه ایستاد. این آهنگ ضمن اینکه همراه با دلتنگی برای میرحسین و زهرا رهنورد است اما شهدای جنبش سبز را نیز فراموش نکرده و از آن ها در این آهنگ یاد شده است. این آهنگ را از سایت کلمه می تواند دانلود کنید.

موسوی خوئینی: سپاه در انتخابات دخالت کرد

آیت‌الله سیدمحمد موسوی خوئینی‌ها درباره دخالت سپاه در سیاست گفت: سرداری که خود را «مشفق» معرفی کرده است توضیحاتی درباره انتخابات داده است که جای تردید باقی نمی ماند که سپاه در انتخابات دخالت کرده است و در مناقشات سیاسی وارد شده است مگر اینکه سپاه رسماً این اظهارات را تکذیب کند. دخالت سپاه در سیاست موجب تباهی و فساد سپاه، خواهد بود.

سیدمحمد خاتمی:

فضا باز شود، حبس‌ها و حصرها منتفی شود تا همگان در انتخابات شرکت کنند

سید محمد خاتمی رئیس جمهور سابق کشور در دیدار با اعضای انجمن فرهنگ و سیاست دانشجویان دانشگاه شیراز گفت: باید فضا باز بشود، مردم با همه گرایش‌ها و سلیقه‌ها در انتخابات حضور داشته باشند و اطمینان داده شود که آنچه مردم می خواهند تحقق پیدا خواهد کرد خواست همه ما است.

وی تصریح کرد: جریاناتی هستند که جز فحاشی و تهمت زنی و بگیر و ببند و ترور شخصیت کاری ندارند و متأسفانه مصونیت هم دارند و این‌ها هستند که به نظام و اسلام و انقلاب ضربه می زنند.

رئیس جمهور سابق کشورمان تاکید کرد: انتخابات حق ما است و اگر اعتراض داریم کسی حق ندارد انتخابات آزاد را از مردم بگیرد و در انحصار یک جریان خاص درآورد. فضا باید باز شود، در دانشگاه‌ها و مجامع میزگرد پرسش و پاسخ گذاشته شود، احزاب و گروهها آزادانه فعالیت کنند، نماینده و نامزد داشته باشند، صراحت های قانون اساسی را رعایت کنید، حصرها و حبس ها منتفی شود تا همگان در انتخابات شرکت کنند.

وی افزود: خوشبختانه بسیاری از بزرگان و احزاب و گروهها هم بر همین امور تأکید می کنند. اگر برگزارکنندگان بی طرف باشند، نیروهای نظامی و امنیتی دخالت نکنند، همه جریان‌ها بتوانند نامزدداشته باشند، نمایندگان مردم و احزاب و گروه‌ها بتوانند از مرحله رأی گیری تا اعلام نتایج ناظر باشند آنگاه است که انتخابات پرشور و تعیین کننده برگزار خواهد شد.

وی در بخش دیگری از سخنان خود گفت : بشر به درجه بسیار بالایی از رشد ذهنی رسیده است و در هیچ کجای دنیا، خودکامگی و فرعونیت ارزش به حساب نمی آید. حتی حاکمان زورگو هم به نام مردم صحبت می کنند و به نام دفاع از مصالح مردم کارها را پیش می برند. فرعون هم با همین توجیه که موسی آمده تا دین شما را از شما بگیرد و جامعه را بر هم بزند و من خواستار مصلحت شما هستم اعمال خود را توجیه می نمود.

وی افزود: مردم خواهان رهایی از سلطه حکومت های جباری هستند که با سلطه نظامی و امنیتی و سرکوب و خفقان جامعه را اداره می کنند و مصالح جامعه را نادیده می گیرند و مردم را تحقیر می کنند و اجازه حاکم شدن اراده مردم را نمی دهند و قدرت را به دست خود مردم نمی سپارند.

وی گفت: یکی از بهترین خاطرات من سال ۸۳ بود که در دانشگاه تهران به عنوان رئیس جمهور و رئیس شورای عالی امنیت ملی و دومین مقام کشور صحبت می کردم و دانشجویان اعتراض های تندی کردند. و من مطمئن بودم جوانی که بلند شده و اعتراض می کند ذره ای نگران نیست که بیرون از این در با او برخورد خواهد شد.

خاتمی افزود: قرار بوده عدالت و پیشرفت باشد و از سرمایه های کشور استفاده شود که نشده و حتی براساس آمار رسمی ما عقب رفت کرده ایم.

خاتمی افزود: اینکه فضا باز بشود، مردم با همه گرایشها و سلیقه ها در انتخابات حضور داشته باشند و اطمینان داده شود که آنچه مردم می خواهند تحقق پیدا خواهد کرد خواست همه ما است.

وی افزود: خوشبختانه بسیاری از بزرگان و احزاب و گروهها هم بر همین امور تأکید می کنند. اگر برگزارکنندگان بی طرف باشند، نیروهای نظامی و امنیتی دخالت نکنند، همه جریانها بتوانند نامزدداشته باشند، نمایندگان مردم و احزاب و گروهها بتوانند از مرحله رأی گیری تا اعلام نتایج ناظر باشند آنگاه است که انتخابات پرشور و تعیین کننده برگزار خواهد شد. انقلاب و نظام مال ما است نه در انحصار ما.

صلاح ندیدند ابن‌زیاد به قیام امام حسین بگوید «فتنه»؛ دیالوگ را تغییر دادند

فرهاد اصلانی بازیگر نقش «ابن زیاد» در سریال تاریخی «مختارنامه» با اشاره به تغییرات اندک دیالوگ‌ها نسبت به فیلنامه، به یک مورد جالب از تغییرات دیالوگ در حین فیلمبرداری اشاره کرد و گفت: فقط یک کلمه بود که کمی سیاسی بود. من چندین بار کلمه «فتنه» را گفته بودم که به دلیل ایجاد شبهه سیاسی کلمه «فتنه»، پسندیده نبود ابن زیاد آن را بگوید و به همین دلیل آن یک کلمه حذف شد.

سخنان این بازیگر، اشاره به سکانس مربوط به خطبه ابن زیاد در مسجد کوفه باشد که در آن، بدون اشاره به کلمه «فتنه»، امام حسین به اغتشاش و قیام علیه حاکم برحق زمان (یزید) و برهم زدن نظم و آرامش امت اسلامی متهم می‌شد؛ خطبه‌ای که از سوی برخی از بینندگان این سریال، با مواضع اقتدارگرایان مخالف جنبش سبز در دو سال گذشته مقایسه شد.

کشورهای عربی همچنان نفت ایران را می‌برند

ایران با در اختیار داشتن ۲۸ میدان مشترک هیدروکربوری شامل ۱۸ میدان نفتی، چهار میدان گازی و ۶ میدان نفت و گاز با هفت کشور همسایه یکی از معدود کشورهای جهان بوده که از این تعداد ساختار مشترک هیدروکربوری برخوردار است. شرکت ملی نفت ایران تولید از ۱۰ مخزن مشترک نفت و گاز با کشورهای همسایه را از سال‌های گذشته تاکنون آغاز کرده و این در حالی است که با وجود ورود به یکصد و سومین سال کشف طلای سیاه در ایران، تولید از ۱۸ مخزن هیدروکربوری مشترک هنوز آغاز نشده است. در بین میادین مشترک، ۱۵ مخزن در آب‌های خلیج فارس و ۱۳ مخزن در خشکی قرار گرفته‌اند که ۱۲ حوزه در مرز مشترک با عراق، هفت مخزن در مرز مشترک با امارات، چهار مخزن مشترک با عربستان سعودی، ۲ مخزن مشترک با قطر و عمان و یک مخزن مشترک با کویت و ترکمنستان است.

گزارش‌های رسمی از شرکت ملی نفت ایران نشان می‌دهد که حدود ۵۰ درصد ذخایر گاز طبیعی ایران در مخازن مشترک قرار گرفته‌اند. مطابق با اعلام مسوولان وزارت نفت برای توسعه مخازن مشترک گاز در برنامه پنجم توسعه باید حدود ۶۷ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری انجام شود.

قطر به عنوان مهم‌ترین شریک ایران در میادین مشترک گاز بطور متوسط روزانه ۳۶۰ میلیون مترمکعب گاز طبیعی از پارس جنوبی برداشت می‌کند که با مشارکت شرکت‌های بزرگ بین‌المللی بزودی ظرفیت تولید گاز خود را به ۴۵۲ میلیون متر مکعب افزایش می‌دهد.

درخواست جمعی از دانشمندان دنیا برای آزادی نخبه ایرانی

جمعی از دانشمندان و اساتید دانشگاه و برندگان جایزه نوبل در نامه ای خطاب به رهبری اعلام کرده اند که امید کوکبی زندانی محبوس در اوین که به زودی به اتهامات کسب در آمد نامشروع و ارتباط با دولت متخاصم محاکمه خواهد شد، مبری از این اتهامات بوده و صرفا به عنوان پژوهشگری جوان در حال تحصیل و دور از فضای سیاست بوده است.

در بخشی از این نامه آمده است: طبق اظهارات اساتید و دانشجویان دانشگاه تکزاس و همچنین موسسه علوم فوتونی در بارسلونا- اسپانیا، که ایشان مدرک کارشناسی ارشد خود را در این موسسه گرفته اند، همگی گویای این واقعیت هستند که آقای کوکبی تمامی تمرکز خود را بر روی درس خود داشته اند و از سیاست دوری می گزیده اند. ایشان به خاطر همکاری در امر اموزش، کمک هزینه می گرفته اند. که این کمک هزینه به طور معمول به تمامی دانشجویان سال اول دکتری چه آمریکایی و چه غیرآمریکایی، توسط دانشگاه تگزاس داده می شود و این کمک هزینه از طرف دولت آمریکا یا دیگر آژانس ها نمی باشد.این دانشمندان با اشاره به اینکه امید کوکبی دانشمند جوان و با استعدادی است که مطالعات ایشان بدون هیچ دلیلی قطع شده است تصریح کرده اند که اگر به امید برای ادامه تحقیقات خود فرصت داده شود، قادر خواهد بود که مهارت ها و افتخارات فراوانی را برای کشور بزرگ ایران به ارمغان بیاورد.

امید کوکبی که هیچ گونه سابقه فعالیت سیاسی ندارد، بهمن ماه سال ۸۹ هنگامی که برای دیدار با خانواده اش به ایران سفر کرده بود، بازداشت شد.

۳۰ تخلف احمدی‌نژاد در مجلس محرز شده است

یک هفته پس از آنکه خبر رسید مجلس طرح سوال از محمود احمدی نژاد را فعلا منتفی اعلام کرده، یک عضو کمیسیون اصل نود، از بررسی شکایت ۱۲ نماینده مجلس در مورد بیش از ۳۰ تخلف رییس دولت در آن کمیسیون و محرز شدن تخلفات وی در گزارش مستند منتشره خبر داد.

فاضل موسوی، نماینده خدابنده و عضو کمیسیون اصل نود،گفت: گزارش مذکور به علاوه گزارش کمیسیون درمورد سرپیچی احمدی‌نژاد از حکم رهبری درباره برکنار نشدن وزیر اطلاعات آماده قرائت است و هر دو گزارش‌هایی از نوع آیین‌نامه داخلی هستند و در صورتی که این دو گزارش رای مثبت مجلس را بگیرد احمدی‌نژاد سه کارت زرد را از مجلس خواهد گرفت.

موسوی افزود: من شخصا با علی لاریجانی صحبت کردم و وی گفت هر دو گزارش با عنوان ماده ۲۳۳ آیین‌نامه داخلی خوانده شود و کسی نمی‌تواند در قرائت آن، «انفلت» بیاورد. چرا که قانون می گوید در صورت رای مثبت نمایندگان به این دو گزارش استیضاح باید صورت بگیرد. البته استیضاح ساز و کارهای خاصی دارد اما به هرحال استیضاح ایشان کلید خواهد خورد و وارد مراحل خاص خودش می‌شود.

اخبار کوتاه

* مهدی خزعلی در حالی که چندی پیش وثیقه‌ی قرار صادرشده از سوی مراجع قضایی را تودیع کرده‌بود، در پی تماس بازجوی پرونده‌اش برای تحویل وسایلش به محلّ قرار با وی مراجعه کرد که بازداشت و به مکان نامعلومی منتقل شد

* رئیس کانون سراسری انبوه سازان بابیان اینکه هزینه ساخت وساز مسکن ۲۰ درصد افزایش یافته است، گفت: با ادامه این وضعیت، بعید است انبوه سازان در قراردادهای آینده مسکن مهر حضور داشته باشند.

* با وجود این‌که مطابق قانون زندانیان می‌توانند از هوای آزاد در تمام روز استفاده کنند و این حق در زندان رجایی‌شهر ۴ ساعت در روز بیش‌تر نیست، مسئولان این زندان چندی‌ست همین ۴ ساعت هواخوری روزانه را نیز از زندانیان دریغ کرده‌اند.

* شش چاپخانه در تهران به دلیل زیان‌دهی و عدم برگشت سرمایه، سهامشان را واگذار و این حرفه را رها کردند.چاپخانه‌های «آشنا»، «شاهین»، «مرکز»، «نیک»، «سپیده» و «دقت‌پور» که همگی در تهران فعال بودند، به دلیل زیان‌دهی سهامشان را واگذار کردند.

* سعید مرتضوی -دادستان سابق تهران و یکی از متّهمان اصلی بازداشتگاه کهریزک- در یادداشتی اعلام کرد که وی و دیگر قضات متّهم این پرونده تبرئه شده‌اند.

* در هشتمین دوره‌ی جشنواره‌ی فیلم زردآلوی طلایی ارمنستان، «جدایی نادر از سیمین» جایزه‌ی بهترین فیلم را از آن خود ساخت.

* ماشاءالله شمس‌الواعظین، نایب رییس انجمن صنفی روزنامه نگاران ایران برای اجرای حکم ۱۶ ماه حبس تعزیری خود به زندان اوین فراخوانده شد.

* رسول منتجب‌نیا، عضو مجمع روحانیون مبارز می‌گوید حضور اصلاح‌طلبان در انتخابات بدون تحقق شرایط مطرح شده، نوعی «خودکشی سیاسی» است.

* مصطفی تاج‌زاده در آخرین روز مرخصی و در حمایت از پگاه آهنگرانی به دیدن فیلم «ورود آقایان ممنوع» با بازی وی رفت و صبح امروز به زندان بازگشت.

* علی شکوری‌راد عضو جبهه مشارکت می‌گوید در انتخابات مجلس نهم «تعدادی از اصولگرایان با تابلوی اصلاح‌طلبان به میدان می‌آیند تا مردم را به صحنه بکشانند.»

* محمد هاشمی می‌گوید عده‌ای شرایط را به گونه‌ای کرده‌اند که اکبر هاشمی رفسنجانی انتخابی جز شرکت نکردن در نماز جمعه نداشته باشد.

* مرضیه وفامهر، همسر ناصر تقوایی کارگردان سینما از دو هفته پیش تا کنون در بازداشت به سر می‌برد.

کلمه
WWW.KALEME.COM
روزنامه کلمه، شماره هشتاد و هفتم، شنبه، ۱ مرداد ۱۳۹۰

اعتراف به ورشکستگی سازمان تامین اجتماعی

مدیرعامل سازمان تامین اجتماعی در نمازجمعه تهران به طور ضمنی اعتراف کرد که این سازمان در آستانه ورشکستگی قرار دارد و از عهده پرداخت مطالبات معوق مستمری‌بگیران تامین اجتماعی بر نمی‌آید.

واکنش موسوی خوئینی‌ها به دروغ پردازی‌ها

آیت‌الله موسوی خوئینی‌ها به دروغ‌پردازی‌های جریان اقتدارگرا درباره جلسه مجلس خبرگان پس از رحلت امام خمینی واکنش نشان داد و خواستار آن شد که فیلم آن جلسه از آرشیو صداوسیما بیرون بیاید تا حقیقت برای مردم آشکار شود.

دیدار سیدمحمد خاتمی با خانواده میرحسین و رهنورد

سید محمد خاتمی با حضور در خانه‌ی پدر و مادر دکتر رهنورد، ضمن دلجویی از احترام السادات نواب‌صفوی مادر این زندانی سیاسی، پدر پیر و بیمار زهرا رهنورد را نیز مورد عیادت قرار داد.

در این دیدار که با حضور فرزندان میرحسین موسوی و زهرا رهنورد انجام شد، فرزندان میرحسین موسوی در پاسخ به ابراز نگرانی و سوالات سید محمد خاتمی درباره وضعیت خانواده و آنچه در پنج ماه گذشته بر آنان گذشته، آخرین وضعیت و شرایط پدر و مادرشان و فشارهای وارده بر خانواده در این مدت را توضیح دادند.

آنها با تایید مواردی که در مصاحبه‌ی چندی قبل با مادر زهرا رهنورد مطرح شده بود، از جمله دلنگرانی‌های موجود درباره‌ی وضعیت جسمی موسوی و رهنورد و نیز رفتارهای ناشایست و تهدیدهای ماموران علیه خانواده به مسائل دیگری در همین زمینه اشاره کردند؛ از جمله محدودیت‌های شدید در ارتباطات مهندس موسوی و دکتر رهنورد با خانواده، انگشت‌شمار بودن تماس‌های تلفنی و ملاقات‌ها که همین تعداد اندک نیز در حضور ماموران امنیتی زن و مرد و تحت نظارت دوربین‌های آنها بوده است.

دختران مهندس موسوی و دکتر رهنورد، همچنین با تاکید بر غیر قانونی بودن حبس و حصر پدر و مادرشان افزودند آنها از حقوق قانونی و متعارف اکثر زندانیان سیاسی از جمله ملاقات و دسترسی منظم به تلفن نیز بهره‌مند نیستند و این وضعیت موجب نگرانی مضاعف خانواده شده است.

در ادامه این دیدار، خانم نواب صفوی نیز ضمن تشکر ازحضور سید محمد خاتمی در جمع این خانواده، از تکرار این دیدار در آینده استقبال نمود.

سید محمد خاتمی نیز در این دیدار صبوری و تحمل و خویشتنداری خانواده های زندانیان سیاسی را ستود و اظهار امیدواری کرد که پای بندی به قانون و مصلحت کشور و رفع حصر از این عزیزان و آزادی همه زندانیان می تواند گام مهمی در جهت تغییر فضای ناگوار کنونی به نفع نظام و مردم و موجب تلطیف فضا و امید و رضایت مردم و زمینه ای برای خدمت همگان به کشور و جامعه باشد.

آیت‌الله دستغیب: دلیل علاقه مردم به موسوی صداقت اوست

آیت الله دستغیب با بیان این پرسش که « آیا افرادی همانند آقای موسوی و کروبی شایسته حمایت نیستند؟» گفت: «هیئت حاکمه باید متوجه شود که این راه نتیجه خوبی ندارد؛ یعنی مردم را در شکنجه قرار دادن و ایجاد جو امنیتی که هیچ کس جرات نکند حرف بزند، راه حکومت داری نیست، راه قرآن نیست، راه اسلام نیست.»

آیت الله دستغیب در دیدار جمعی از دانشجویان دانشگاه های شیراز با ایشان تاکید کرد: « این سید عزیز و اولاد رسول الله که ماه ها در حبس خانگی قرار گرفته که اگر مریض شود باید دکتری که مورد تایید خودشان باشد را بیاورند و از غذایی که آنان صلاح بدانند تناول کند و حتما فردا هم چیزی در غذایش می ریزند و بعد هم می گویند به مرگ طبیعی فوت نموده است و همینطور برادر عزیز جناب حجۀ الاسلام والمسلمین کروبی ، آیا شایسته حمایت نیستند؟!»

این مرجع تقلید تاکید کرد: «شخص یا اشخاصی همانند آقای میرحسین موسوی و مهدی کروبی که اینطور دارند خودشان را فدای آزادی می کنند، فدای حق می کنند آیا شایسته حمایت نیستند؟! خوب آنکس که خود را فدای مردم می کند و فریاد می زند که گنج های مردم را تاراج نکنید و اموال مملکت را بتاراج ندهید و با عدالت رفتار کنید و همه چیز را برای خود و اطرافیانتان نخواهید و گدا پروری نکنید به اینکه ماه به ماه به مردم مبلغی می دهید که آن هم صرف قبوض می شود و بفکر مردم مستضعف و رنج دیده باشید،آیا چنین شخصی شایسته حمایت نیست؟!»

این فقیه حامی جنبش سبز در ادامه با اشاره به اینکه «بزرگانی همانند آقای موسوی و کروبی و متعلّقه هایشان، برای احقاق حقوق مردم لطمات و صدمات زیادی دیده اند و شایسته حمایت هستند» گفت: «به ما و امثال ما هم که انتقاد می کنیم و حقایق را می گوییم نصیحت می کنند که شما که می بینید وضع اینطور است و انتقاداتتان اثری ندارد به درس و بحث خود مشغول شوید. این صحبت ها برای کسی است که همه همّ و غمّش دنیا باشد نه برای ما که این دنیا و متاع آن را سرابی بیش نمی دانیم. »

وی در ادامه با اشاره به اینکه «علت توجه مردم به آقای موسوی به خاطر صدق و راستگویی ایشان است» گفت: «چون شما دوستان عزیز صادق هستید، انسانهای صادق را نیز دوست دارید. غالب شما و امثال شما که در سرتاسر مملکت هستید، آقای میر حسین موسوی را دوست دارید به علت اینکه ایشان واقعا آدم صادقی هستند؛ بنده ایشان را خیلی بیشتر از شما می شناسم؛ از زمانی که نخست وزیر بودند کاملا اطلاع از وضع ایشان داشتم و همچنین در بین این مدت و انتخابات ریاست جمهوری سال هشتادو هشت، از وضع ایشان بی اطلاع نبودم و دروغ و خیانت و ریاکاری از ایشان مشاهده نشد و در عوض آنچه از این بزرگوار به یاد دارم جز صدق و صفا چیز دیگری نبود.»

آیت‌الله امجد: تا واپسین دم حیات، علیه ظلم و جهالت فریاد خواهم کشید

آیت‌الله محمود امجد در واکنش به حمله ماموران به منزل خود در تهران، اعلام کرد: تا آخرین قطره خون خود و تا واپسین دم حیات علیه این ظلم و جهالت فریاد خواهم کشید.

این استاد اخلاق که از چندی پیش به دعوت گروهی از دانشجویان ایرانی مقیم مالزی به کوالالامپور سفر کرده تا در عبادات ماه مبارک رمضان و شبهای قدر همراه ایرانیان مقیم این کشور باشد، به دلیل انتقادهای صریحی که درباره عملکرد مسئولان فعلی و ظلم و ستم‌های رایج در کشور مطرح کرده، اخیرا مورد فشار و تهدید برخی جریانات تندرو قرار گرفته است.

در جدیدترین نمونه از این برخوردهای غیرقانونی، روز سه‌شنبه تعدادی از ماموران حکومتی به منزل ایشان در تهران حمله کردند و با ادعای اینکه در آخر خرداد ماه اخطاریه فرستاده بودند و اکنون وقت تخلیه منزل رسیده، به تفتیش خانه آیت‌الله امجد و صورت‌برداری از اثاثیه موجود در آن پرداختند.

این شاگرد برجسته آیت‌الله بهجت که در دو سال اخیر با اتحاد مواضع روشنگرانه و نقد رفتارهای غیراسلامی حاکمیت، خشم عاملان و آمران ظلم را برانگیخته است، در بدو ورود به مالزی نیز با پیامی از مراجع و علما خواسته بود به سکوت خود پایان دهند، علیه ظلم قیام کنند و با مردم ستمدیده همراه شوند. او اکنون هم در واکنش به فشارها و تهدیدهای اخیر اعلام کرده که: با این نادانی‌ها نمی‌توانند بنده را از مسیری که در پیش گرفته‌ام، منصرف کنند.

به گفته منابع نزدیک به آیت‌الله امجد، ایشان اعلام کرده که در پاسخ به همه پیام‌های پنهان و آشکار و تهدید و تطمیع‌ها، یک حرف بیشتر ندارد: تا آخرین قطره خون خود و تا واپسین دم حیات، علیه این ظلم و جهالت فریاد خواهم کشید تا جوانان پاک این مرز و بوم، حساب دین و دیانت خود را از اعمال جاهلانه و ستمگرانه عده‌ای ظاهر فریب و دین به دنیا فروشانی که در لباس دین و مذهب هرگونه ستمی بر این مردم ستمدیده روا می‌دارند و وقیحانه از مقدسات و معتقدات اصیل این مردم شریف خرج می‌کنند، جدا سازند.

ایشان در واکنش به تهدیدهای پنهان و آشکار، بار دیگر گفته است که تنها چاره کار و خروج کشور از بحران را نه سکوت روحانیون و اهل دیانت، که آزادی کلیه زندانیان سیاسی، ایجاد فضای باز سیاسی و توبه حاکمیت ظلم و جور و برگشتن همه مسئولان فعلی کشور به سمت خدا و عدالت می‌داند.

این استاد اخلاق می‌گوید تاکنون بنا به مصالحی، مواضع شفاف خود را تنها با مسئولان عالی‌رتبه نظام مطرح می‌کرد و کمتر به رسانه‌ای کردن انتقادات می‌پرداخت، به امید اینکه «مگر جهالت برخی حکام جور کاسته شود.» اما می‌افزاید: نشد که نشد و زمان و زمانه هرچه بیشتر و سریعتر به سمت بحران فراگیر می‌رود و ای بسا بسیاری از روحانیون و اهل دیانت دیگر سکوت و محافظه‌کاری و مصلحت‌اندیشی‌ها را به ضرر مملکت و ملت دیده‌اند.

زندانیان سیاسی زن؛ محروم از ملاقات، تماس و هواخوری

وضعیت بهداشتی و رفاهی بند سیاسی زنان زندان اوین بسیار نامناسب است و این زندانیان حتی از حق هواخوری هم محروم‌اند.

با وجود اینکه بیش از ۳۰ زندانی در این بند به سر می برند، اما همچنان این بند یک هواخوری بسیار کوچک دارد که در حدود پنج یا شش متر است و عملا زندانیان از حق هواخوری محروم هستند. چندی پیش هشت زندانی سیاسی از زندان قرچک ورامین به زندان اوین منتقل شدند که این موضوع تعداد زندانیان این بند را به بیش از ۳۰ نفر رساند. لازم به ذکر است که زندانیان عادی زن هنوز از زندان قرچک ورامین به زندان اوین منتقل نشده‌اند و تنها این هشت زندانی که جرایم سیاسی داشته‌اند، به اوین آورده شده‌اند.

تعداد زندانیان این بند در حال حاضر ۳۲ نفر گزارش شده که در فضای کوچکی نگهداری می‌شوند و فضای هواخوری مناسبی ندارند. این موضوع موجب شده که برخی از زندانیان این بند به بیماری‌های مختلف که ناشی از نبود آفتاب کافی است، مبتلا شوند، چرا که فضای کوچک هواخوری بیشتر برای خشک کردن لباس زندانیان استفاده می‌شود و زندانیان امکان استفاده دیگری از آن را ندارند. همچنین این بند فاقد هرگونه امکانات رفاهی است.

در کنار این امکانات بسیار محدود، اغلب زندانیان سیاسی زن از حق ملاقات حضوری محروم‌اند و تنها به تعداد اندکی از آنان این حق داده می‌شود. تلفن‌های این بند نیز از ماه‌ها پیش قطع شده است؛ موضوعی که در تمام بندهای زندانیان سیاسی کشور عمومیت دارد و زندانیان از حق تماس تلفنی با خانواده هایشان محروم‌اند.

اخبار کوتاه

* محمد جعفر محمدزاده، معاون مطبوعاتی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی می گوید که گاهی مواقع ندانستن حق مردم است.
* دکتر منصوری، استاد دانشگاه شریف می گوید افزایش ظرفیت دکتری که اخیرا تصویب شده، یک تصمیم سیاسی و غیرعلمی است.
* خانواده هدی صابر، زندانی سیاسی‌ای که در پی اعتصاب غذا جان، باخت شکایت نامه‌ای را به قوه قضائیه تحویل دادند.
* سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی با صدور بیانیه‌ای اعلام کرد که حبس خانگی رهبران سبز نوعی «آدم ربایی» است.
* غلامحسین اسماعیلی، رئیس سازمان زندان‌ها به نمایندگان مجلس گفته وضع بهداشتی زندان‌ها مناسب نیست و این امر حتی مسوولان را هم نگران کرده است.
* در حالی که مرتضوی مدعی تبرئه در فاجعه کهریزک شده برای شکایت پدر روح الامینی و جوادی فر هنوز دادگاهی برگزار نشده و بازپرسی هم انجام نشده است.
* محسن میردامادی، عبدالله رمضان‌زاده و فیض‌الله عرب‌سرخی که در شب نیمه شعبان به مرخصی آمده بودند، به زندان اوین بازگشتند.
* بنا به روایت یک شاهد عینی، حین بازداشت و انتقال مهدی خزعلی از وزارت اطّلاعات به بند ۲۰۹ زندان اوین وی دچار شکستگی و ورم گردن شده و در دادگاه اعلام کرده اعتصاب غذا خواهدکرد.
* انور خضری – زندانی سیاسی کرد محبوس در رجایی‌شهر – پس از ۵۰ روز اعتصاب غذای خود را شکست. درخواست آقای خضری انتقال از بند زندانیان عادی بود که با انتقال به سالن ۶ این زندان که بندی عادی‌ست ولی زندانیان سیاسی هم در آن حاضراند، اعتصاب غذای خود را شکست.

کلمه
WWW.KALEME.COM
روزنامه کلمه، شماره هشتاد و هشتم، دوشنبه، ۳ مرداد ۱۳۹۰

درخواست پیگیری پرونده هاله سحابی و هدی صابر

جمعی از فعالان ملی مذهبی به مناسبت چهلم درگذشت مهندس سحابی و فرزندش و هدی صابر ضمن تأکید مجدد بر ضرورت پیگیری پرونده هاله سحابی و هدی صابر گفته اند: هنوز برای ما روشن نیست که چرا تشییع و مجالس ختم بزرگداشت این عزیزان باید امری امنیتی قلمداد شود.

نامه کارگردان سینما به دختر دربندش

منیژه حکمت کارگردان سینما در چهاردهمین روز بازداشت دخترش پگاه آهنگرانی به مناسبت تولد وی نوشت: مطمئنم تو هیچ کاری نکردی که آسیبی به کسی بزند یا مسئله‌ای رو به خطر بندازه یا ارزشی رو تهدید کند. به تشخیصت ایمان دارم فقط دلم برای خنده‌هایت خیلی تنگ شده. تولدت مبارک عزیزم...

ضربان گرانی در آستانه ماه رمضان تند شد
مردم از کم‌فروشی و گرانی می‌نالند

در حالیکه تنها یک هفته به آغاز ماه مبارک رمضان باقی مانده است اما گویی سنگینی بار گرانی ها و کاهش قدرت خرید مردم به سفره های این ماه رنگ و بوی تنگدستی می‌بخشد.

به گزارش کلمه، طبق آمار و با نگاهی گذرا به روند رشد قیمت‌ها قبل از رمضان ۸۶ تا رمضان ۹۰، شاهد رشد ۲۶ تا ۱۳۸ درصدی قیمت‌ها هستیم. به‌طوری که گزارش‌های خرده‌فروشی بانک مرکزی نشان می‌دهد قیمت گوشت گوسفندی در پایان خردادماه سال جاری نسبت به ماه رمضان سال ۸۶ بیش از ۱۳۸ درصد رشد داشته و از هفت هزار و ۲۲۹ تومان در سال ۸۶ به بیش از ۱۷ هزار و ۲۶۷ تومان در پایان خردادماه سال جاری رسیده است.

در این بین برخی از نمایندگان مجلس هم واکنش هایی به گرانی ها داشته اند اما هیچ کدام از فریاد ها هنوز شنیده نشده است. حسینعلی شهریاری رئیس کمیسیون بهداشت و درمان مجلس در این باره گفت: متاسفانه این روزها مردم به شدت تحت فشار کم فروشی و گرانی‌ها هستند، طرح‌های نظارتی وزارت بازرگانی نیز موفق نبودند، چون اقدامات صورت گرفته تاثیر چندانی بر کنترل قیمت‌ها نداشت.

از سوی دیگر با نزدیک شدن به ماه مبارک رمضان و درست در همین زمان، انتشار آمار قیمت خرده‌فروشی مواد غذایی متوقف شده است. پیش از این بانک مرکزی این آمار را به صورت هفتگی منتشر می‌کرد، اما از هفته منتهی به ۲۷ خرداد، کمتر از یک ماه مانده به ماه مبارک و در زمانی که قیمت خوردنی‌ها بطور متوسط بر اساس همان آمار افزایش ۱۸۰درصدی نشان می‌دادند بی‌سر و صدا انتشار آمار مزبور متوقف شد؛ توقفی که تاکنون نیز ادامه دارد.

از سوی دیگر مردم هم در این زمینه درد و دل هایی دارند. «علی حسن زادگان»کارمند دولت، می گوید: ماه رمضان برای ما کارمندان ماه پرخرجی است . مسئولان اعلام می کنند که سبد کالا ویژه کارمندان در این ماه درنظر گرفته می شود، اما میزان آن ناچیز است. هر ساله آن ها وعده

می دهند که مواد غذایی در این ماه تامین می شود و اصلا گرانی نداریم، اما شاهد هستیم هنوز ماه رمضان از راه نرسیده گوشت و مرغ و دیگر ارزاق عمومی گران می شود. یعنی واقعا مسئولان قدرت پیش بینی و در نظر گرفتن تمهیدات لازم را ندارند؟

خانم خانه داری هم از گرانی قبل از فرارسیدن این ایام شاکی است و می گوید: پارسال قیمت گوشت حداکثر به ۱۰ تا ۱۱ هزار تومان رسید اما هنوز ماه رمضان فرا نرسیده ، قیمت گوشت آن قدر بالا رفته که دیگر توان خرید آن را نداریم.

وی افزود: از اول سال هیچ کالابرگی اعلام نشده و هر روز شاهد گران شدن مواد غذایی هستیم، چگونه مسئولان ادعا می کنند که مواد غذایی در رمضان گران نخواهد شد؟

شعارهایی چون مشکل توزیع و کمبود گرانی ارزاق نداریم و مردم نگران افزایش قیمت ها نباشند و تنظیم بازار برای کنترل نرخ ارزاق و مایحتاج ضروری ماه مبارک رمضان، رنگ باخته است و آنچه شاهدیم افزایش نرخ ها در آستانه ماه مبارک رمضان است.با گشت زدن در بازار می توان به راحتی فهمید در آستانه ماه مبارک رمضان ضربان گرانی تندتر می زند.

نوشته یک زندانی سیاسی به مناسبت چهلمین روز جان باختن هدی صابر

امیرخسرو دلیر ثانی فعال سیاسی که برای سپری کردن دوران محکومیت خود در اوین است، در مطلبی که از بند ۳۵۰ زندان اوین به مناسبت چهلمین روز شهادت هدی صابر ، به بیرون ارسال کرده ضمن گرامی داشت خاطره ی یار همیشه در یادش نوشته است :«با همان جدیتی که همواره حضورت را پربارترمی ساخت ، دلیرانه دست به اعتصاب غذا زدی و لب به اعتراض گشودی و خواستی که همه بدانند که حتی در کنج زندان استبداد هم می توان با خلوص و از خود گذشتگی ، در راه مبارزه با ظلم قدم برداشت و دیگر سکوت جایز نیست حتی اگر جسم و جانت را در قفس تنگ زندان به زنجیر کشیده باشند.»

وی نوشته است: «من نیز با حیرتی که تحسین گر انگیزه و ایمان راسخ ات بود ، با تو همراه شدم ،با تو که تازه یافته بودمت، و هر روز که می گذشت با تو بودن برایم معنایی دیگر می یافت ، و لحظه لحظه زندگی ام از گرمای کلام از جان برخاسته ات بارور می شد و شاید هرگز گمان نداشتم که دست بازیگر هستی با منتهای لطف و رحمانیت خویش این چنین عاشقانه به راه پر فراز و نشیب زندگی ات پایان خواهد داد.»

وی تاکید کرده است: به راستی که چنین رفتنی شایسته چون تویی بود و دلیلی محکم بر راهی که سالها پیموده بودی که چنین رفتن هایی و چنین پایانی سرانجام چنین بودن هایی است و مصداق بزرگ سخن معلم بزرگ که : «خدایا چگونه زیستن را تو به من بیاموز ، چگونه مردن را خود خواهم آموخت.»

او در پایان این نامه نوشته است: و من ماندم با غمی جانکاه و بزرگ که بار سنگین بودنم را افزون و افزون تر ساخت و اینکه تو رفتی و من باید بعد از این بودنت را و حضورت را بر صحنه سبز تاریخ این سرزمین فریاد گر باشم.

سرحدی‌زاده:
انتخابات را برای ظاهرسازی می‌خواهند

ابوالقاسم سرحدی‌زاده، وزیر کار دولت دوم میرحسین موسوی و نماینده سه دوره مجلس شورای اسلامی، در گفت وگویی درباره انحراف انقلاب هشدار داده است.

او به روی کار آمدن ارتجاع و گرایش‌های منحط مذهبی که در طول تاریخ هم وجود داشته اشاره می‌کند و با تاکید بر اینکه انقلاب امام(ره) حرف دیگری بود و برخی مدعیان اصولگرایی با اسلام ناب بی‌نهایت فاصله دارند، خاطرنشان می‌کند: جریانی وجود دارد که اعتقادی به انتخابات ندارد و انتخابات برای‌شان یک ظاهرسازی بیش نیست. امام با صدای بلند فریاد زد که بالاترین رای، متعلق به مردم است، بنابراین این‌ها نمی‌توانند از آن عدول کنند، هرچند برخی اعتقادات‌شان هیچ شباهتی به اسلام ندارد.

سرحدی زاده که به علت بیماری در سالهای اخیر تا حدی دور از فعالیت‌های اجتماعی بود، در این مصاحبه از دولتمردان که آمارهای خلاف واقع می‌دهند، نمایندگان مجلس که توان ایفای نقش قانونی خود را ندارند و اصولگرایانی که از اسلام ناب مورد نظر امام خمینی فاصله گرفته‌اند و انتخابات را تنها برای ظاهرسازی می‌خواهند، انتقاد می‌کند.

وزیر کار دوران دفاع مقدس همچنین اظهار کرد: هدفمندی یارانه‌ها طرح بسیار اساسی و مهمی است، اما این‌که بخواهند با هیاهو و سر و صدا و شلوغی آن را جا بیاندازند درست نیست، باید سال‌های متمادی، کارشناسان و اقتصاددانان روی آن کار کنند، تنها این‌که یکی شعار بدهد و از فردایش شروع کنند عاقلانه نیست.

وی افزود: در جامعه باید اعتماد وجود داشته باشد و مردم بتوانند اعتماد کنند، از ۱۰ درصدی بودن رشد اقتصادی سخن می‌گویند، در حالی که مراکز تحقیقاتی داخلی و بین‌المللی می‌گویند این رشد اقتصادی صفر بوده است، با وجود این شرایط کدام یک را باید باور کرد. بدون باور چگونه می‌توانیم، قضاوت کنیم. در مورد بیکاری هم همینطور؛ می‌گویند ۱,۷ میلیون شغل ایجاد کرده‌ایم، از آن طرف مراکز آماری آمار دیگری ارائه می‌دهند. حرفی می‌زنند، اما واقعیت‌ها چیز دیگری است.

تولید چای خشک داخلی در گرداب؛ جولان قاچاقچیان

در حالی که تولید چای خشک در کشور به شدت کاهش یافته است، بازار مصرف در اختیار قاچاقچیان قرار گرفته و بیش از ۶۰ درصد مصرف داخلی از این طریق وارد کشور می‌شود.

در سال گذشته ۲۹ هزار و ۵۰۰ تن چای خشک تولید شد در حالی که سال پیش از آن، این میزان ۳۰ هزار تن بود که این امر نشان می‌دهد تولید چای خشک در کشور با کاهش ۵۰۰ تنی مواجه شده است، البته این رقم از سوی تولیدکنندگان تایید نمی‌شود و آنها معتقدند که حداکثر تولید چای خشک در کشور بین ۲۰ تا ۲۵ هزار تن است.

براین اساس، تولید چای خشک در سال ۱۳۷۶ بیش از ۷۰ هزار تن، درسال ۱۳۷۷ بیش از ۶۴ هزار تن و در سال ۱۳۷۸ بیش از ۶۷ هزار تن بوده است اما این میزان در سال ۱۳۷۹ رو به کاهش گذاشت و هم اکنون حتی با آمار اعلام شده از سوی رئیس سازمان چای کشور با کاهش بیش از ۴۰ هزار تنی روبرو است.

در واقع بازار نابسامان تولید چای و واردات چای‌های خارجی به کشور هر روز صنعت چای داخلی را در گرداب فرو می‌برد و این درحالی است که کشورهای دیگر تولیدکننده چای از ایران به عنوان یکی از بزرگترین کشورهای مصرف کننده چای، سود زیادی را به دست می‌آورند.

همچنین در این سالها تولید برگ سبز چای متاثر از واردات چای خشک گرفتار بی‌کیفیتی شده است و چایکاران تنها از روی اجبار به کشت برگ سبز چای ادامه می‌دهند.

واردات چای زمینه قاچاق این محصول را به کشور فراهم آورده است به طوریکه هم اکنون از کل مصرف ۱۰۰ هزار تنی چای خشک در کشور حدود ۶۰ تا ۷۰ هزار تن به صورت قاچاق به کشور وارد می‌شود و مصرف کننده نمی‌تواند بین آنها تفاوتی را ببیند در واقع بیش از نیمی از چای‌های موجود در کشور قاچاق است.

اخبار کوتاه

* جمعی از فعّالان کارگری در نامه‌ای به گزارش‌گر ویژه حقوق بشر از او خواستند به نقض گسترده حقوق کارگران توجّه کند و در صورت سفر به ایران با خانواده‌های کارگران زندانی ملاقات کند.
* اردشیر امیرارجمند مشاور میرحسین موسوی در نشست سفیران سبز امید انتخابات آزاد، سالم و منصفانه را حقی دانست که حاکمیت موظف به ادای آن به شهروندان خویش است.
* به علت شرکت در تجمعات معلمان در سال ۱۳۸۵ یک سال به محکومیت محمد داوری روزنامه‌نگار و سردبیر سحام‌نیوز افزوده شد.
* سعید سهراب‌پور قائم‌مقام بنیاد ملّی نخبه‌گان و رئیس پیشین دانش‌گاه صنعتی شریف، اعلام کرد ۴۰ درصد دارنده‌گان مدال طلای المپیادهای دانش‌آموزی به خارج از کشور مهاجرت می‌کنند.
* سازمان پزشکی قانون اعلام کرد در ایران به طور میانگین روزانه ۳ نفر با سلاح سرد کشته می‌شوند و آمار مقتولان با این سلاح در سال ۸۹ نسبت به سال ۸۸، ۱۲ درصد رشد داشته‌است.
* انجمن بازیگران سینمای ایران با انتشار بیانیه‌ای از وضعیت پیش‌آمده برای پگاه آهنگرانی ابرازنگرانی کرد و از مسئولان ذی‌ربط خواست با راه‌کارهای مناسب برای وضعیت وی و موارد مشابه آرامش را به خانواده سینما بازگردانند.
* در حالی که بهاره هدایت سخن‌گوی دفتر تحکیم وحدت که به تازه‌گی برای مدّت کوتاهی پس از ۲ سال بازداشت با وثیقه سنگین ۷۰۰ میلیون تومانی به مرخصی آمده‌بود قرار بود برای خارج‌کردن سنگ کیسه صفرا تحت عمل جرّاحی قرار بگیرد، با مخالفت دادستانی با تمدید مرخصی‌اش به زندان اوین بازگشت.
* داریوش قنبری سخن‌گوی فراکسیون اقلّیت مجلس در گفت‌وگویی ابراز داشت دولت با طرح افزایش تعداد نمایندگان به دنبال مهندسی انتخابات و واردکردن حامیان خود به مجلس است.
* واردات گسترده پتوهای چینی به ایران موجب تعطیلی اغلب واحدهای تولیدکننده پتو در کشور شده است.

کلمه
WWW.KALEME.COM
روزنامه کلمه، شماره هشتاد و نهم، چهارشنبه، ۵ مرداد ۱۳۹۰

اسلام، کسی را نمی‌زند، کسی را نمی‌گیرد، تهمت نمی‌زند، کسی را در زندان نگه نمی‌دارد و محدودیت ایجاد نمی‌کند، اسلام یقیناً مدافع نیرومند اقتصاد ملی و عظمت و استقلال کشور است.

میرحسین موسوی، دیدار با ایثارگران

اظهارات صریح دو مرجع تقلید درباره اتفاق‌های روز

آیت‌الله دستغیب: اگر قانون اساسی نقض شود، شرکت در انتخابات وجه شرعی و عقلی ندارد

آیت‌الله بیات زنجانی: حصر موسوی و کروبی خلاف شرع است

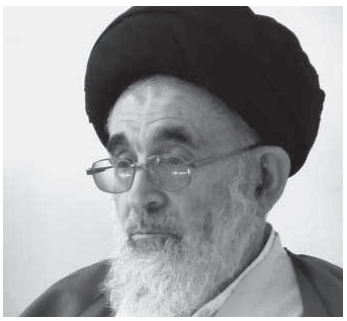

دو نفر از مراجع تقلید شیعیان نسبت به موضوعات روز کشور نظرات صریحی را مطرح کردند و هر دو از نسبت به زندانی بودن غیرقانونی میرحسین موسوی و مهدی کروبی واکنش نشان دادند.

آیت‌الله‌العظمی سید علی‌محمد دستغیب، مرجع تقلید مقیم شیراز، شرط شرکت مردم در انتخابات آتی را آزادی موسوی و کروبی و دیگر زندانیان سیاسی، لغو نظارت استصوابی و حاکم شدن رای مردم، بازگشت ولی فقیه به جایگاه قانونی، ممانعت از دخالت نیروهای امنیتی و نظامی در سیاست و اقتصاد دانست و تاکید کرد که در غیر این صورت، وضع مانند دو انتخابات ریاست‌جمهوری گذشته خواهد شد و در چنین شرایطی «رای دادن وجه شرعی و عقلی ندارد.»

ایشان در این زمینه گفت: شخصی که در نظام جمهوری اسلامی، مثل آقای میرحسین موسوی که مورد تایید امام امّت است و هیچ مدرکی علیه او یافت نکردند، شورای نگهبان او را تایید می کند، آن هم در اثر فشار مردم و ترس از آن‌ها، اما در عمل به فرمانداری ها گفته می شود که سعی شود ستاد انتخاباتی ایشان تشکیل نشود و به دفعات به ستاد وی حمله می شود و در روز انتخابات نمایندگان آن بزرگوار را از حضور در پای صندوق‌های رای و نظارت بر آنها محروم می کنند و نتیجه انتخابات را پیش از تمام شدن وقت قانونی ابلاغ می نمایند و مردم را بی اطلاع از جریان‌های مهندسی شده قرار می دهند؛ که هیچ کدام آن از نظر قانون رعایت نشده، با این حال چگونه مردم اطمینان کنند که رای آن‌ها محترم بوده و حقوق آن‌ها رعایت می شود؟

در ادامه توضیح خاطرنشان شده است: شورای نگهبان که باید حافظ قانون اساسی باشد، خود ناقض بوده و رای مردم را بی ارزش می‌داند، مجلس شورای اسلامی که باید مستقل و در راس امور بوده و حافظ منافع ملت باشد، آلت دست شده، نیروهای امنیتی و نظامی که باید حافظ مرزها و امنیت کشور باشند، سبب نا امنی شده و در امور مردم دخالت می کنند، قوه قضائیه که باید مستقل بوده و مدافع حقوق مردم باشد، فاقد فقه الهی و غیر مستقل و مجری دستورات نیروهای امنیتی و نظامی است؛ زندانیان بدون محاکمه در حبس به سر می برند که در واقع اتهام زندانیان سیاسی بخاطر عمل نکردن به نظر شخص است، نه عمل خلاف شرع و قانون؛ با این فرض که مسائل انتخابات رعایت نمی شود آیا می توان گفت این وجوب شرکت در انتخابات همچنان بقوّت خویش باقی است؟

این عضو مجلس خبرگان رهبری، در پاسخ به سؤالی درباره ادعای عصمت ولی فقیه که به تازگی از سوی برخی افراد مطرح شده، با تاکید بر اینکه احدی غیر از چهارده معصوم، مصون از اشتباه نیست، ولایت فقیه فعلی را چیزی غیر از ولایت فقیه دوران امام خمینی (س) دانست و افزود: طرح اینگونه مسائل از جانب برخی روحانیون موجب خدشه دارشدن اصل امامت و سست شدن اعتقاد مردم به صاحبان شریعت می شود و فضا را برای استبداد و خودکامگی فراهم می کند و باورهای دینی را از بین می برد.

از سوی دیگر محمد نوریزاد نویسنده، روزنامه نگار و کارگردان سبز اندیش در نامه ای خطاب به آیت الله العظمی بیات زنجانی با بیان اینکه باورم بر این است در عالم، هیچ پرسشی یافت می نشود که داّب دین بر او بار نگردد با طرح سوالاتی، ایشان را به داد و ستد علمی و اجتماعی و مشارکت در این عرصه دعوت نموده است.

در همین راستا آیت الله اسدالله بیات زنجانی نیز در جواب به سوالی در خصوص زندان انفرادی و شکنجه برای فعالین سیاسی، تاکید کرد: زندان و حبس، در نظام سیاسی اسلام برای مخالفین و منتقدین دیده نشده است و هیچ سند تاریخی و روائی قابل اعتنائی مبنی بر زندانی شدن مخالفین در حکومت محمدی و علوی وجود ندارد و آن حضرات به هیچ وجه منتقدین و مخالفین خود را محبوس نمی کرده اند.

آیت الله بیات زنجانی با محکوم و غلط دانستن حصر و حبس آقایان کروبی و همسر گرانمایه اش و مهندس میرحسین موسوی و همسر فاضله اش، زندانی شدن تمام کسانی که بخاطر مسائل فکری، انتقاد و اعتراض به عملکرد مسؤولان به زندان ها افتاده اند نیز نامشروع عنوان کرد.

ایشان در پایان این سوال تاکید کرد که این آقایان از ذخایر مردمی و از سرمایه های ملی و انسان‌هائی عزیز و محترم هستند.

این مرجع تقلید در مورد جمع آوری ماهواره ها توسط نیروی انتظامی نوشت: در این اواخر، افرادی با عناوینی وارد خانه های مردم می شوند و به بهانه هایی، حریم خصوصی خانواده ها را مورد تعدّی و تجاوز قرار می دهند که این موضوع، نه اخلاقی است و نه شرعی و اگر خساراتی بر مردم وارد شود، هجمه کنندگان ضامن اند.

امیر ارجمند: آنها باید روش حکمرانی خود را تغییر دهند

به اعتقاد مشاور میرحسین موسوی، انتخابات یک حق است، حقی بشری یعنی شهروندان حق دارند در یک انتخابات آزاد، سالم، و منصفانه درصدد تحقق حق تعیین سرنوشت خود باشند و طرف مقابل یعنی حاکمیت ، دولت و نهادهای دیگر باید این حق را تضمین کنند و اگر تضمین نکنند تخلف کردند.

اردشیر امیرارجمند در نشست سفیران سبز امید تاکید کرد: ما برای استیفای حق خود از هیچ فرد و نهادی گدایی نمی کنیم. ما از موضع قدرت درصدد ایجاد فهم و کنش سیاسی هستیم تا طرف مقابل را مجبور به عقب نشینی کنیم.

وی تصریح کرد: نباید منتظر این بود که طرف مقابل چیزی به ما بدهد بلکه باید با توجه به نیروهای اجتماعی خود به این حق برسیم. آشتی ملی و انتخابات سالم مستلزم تغییرات اساسی و مهم در کنش حاکمان است. آنها باید روش حکمرانی خود را تغییر دهند.

وی گفت: آن ها حاضر به این کار نیستند. ما باید آنها را مجبور به این کار کنیم و قدم به قدم آنها را عقب بنشانیم.

وی با اشاره به برخی از شروط گفت: آنها باید رهبران سیاسی و زندانیان سیاسی را آزاد کنند. زندانی کردن آقایان موسوی و کروبی و همسرانشان و بقیه رهبران سیاسی زندانی و تمام کسانی که در خیابان‌ها به صرف اعتراض به نتیجه انتخابات بازداشت شده‌اند مغایر موازین حقوق بشری و حتی قوانین داخل کشور است. قوانینی که تازه با موازین حقوق بشر فاصله دارند.

وی با اشاره به شروط دیگر گفت: بدون آزادی زندانیان سیاسی ، بدون آزادی احزاب ، بدون مطبوعات آزاد، بدون تشکلات صنفی آزاد و مستقل انتخابات معنا ندارد.مشاور میرحسین موسوی با اشاره به نظارت استصوابی شورای نگهبان گفت: با نظارت استصوابی انتخابات آزاد معنا ندارد. نظارت استصوابی مغایر قانون اساسی و مغایر با موازین شناخته شده عقلی انتخابات آزاد است.

چین هم بابت خرید نفت به ایران بدهکار است: ۳۰ میلیارد دلار!

در حالی که هنوز مساله بدهی نفتی ۵ تا ۱۰ میلیارد دلاری هند به ایران حل نشده است، روزنامه فایننشال تایمز از بدهی ۳۰ میلیارد دلاری چین به ایران خبر داده و گزارش کرده که چین قصد دارد به جای بدهی خود، کالا و خدمات به ایران ارائه دهد!

تهران و پکن به دنبال استفاده از سیستم معامله پایاپای برای خرید نفت ایران در قبال کالا و خدمات چینی هستند و این در حالی است که تحریم‌های آمریکا چین را از پرداخت مبالغی بیش از ۲۰ میلیارد دلار برای واردات نفت از ایران منع می‌کند.

این موضوعی است که در تازه ترین گزارش روزنامه فایننشال تایمز مطرح شده است. این روزنامه ، به نقل از منابع آگاه گزارش می دهد که بدهی‌های نفتی چین به ایران در طول ۲ سال گذشته ایجاد شده است و دولت‌ها به دنبال راهی برای پرداخت و دریافت پول نفت هستند.

چین و هند در مجموع یک سوم نفت ایران را خریداری می کنند و گزارش رویترز حاکی از آن است که چین در سال گذشته ۴۹ درصد بیش از سال قبل از آن از ایران نفت وارد کرده است. این در شرایطی است که ایران هفته گذشته به هند هشدار داد که در صورت پرداخت نکردن بدهی‌های نفتی، صادرات به این کشور متوقف خواهد شد.

اما بر خلاف هند که تقریبا کالایی به ایران صادر نمی کند، چین بازار ایران را به انحصار خود در آورده است و می تواند از معامله پایاپای برای واردات نفت استفاده کند. فایننشال تایمز به نقل از یکی از مقامات سابق ایرانی می نویسد: چین و هند از نگه داشتن پول ایران در بانک‌ها خشنود هستند و می کوشند تا از طریق معامله پایاپای محصولات بی کیفیت خود را به ایران صادر کنند یا به ایران یوان و روپیه پرداخت کنند که به اندازه دلار و یورو و پوند ارزش ندارد.

اخبار کوتاه

* مأموران امنیتی به منزل مهدیه گلرو فعال دانشجویی که هفته پیش از زندان به مرخصی آمده بود، یورش بردند و با در دست داشتن حکم فرار از زندان او را با خود بردند.

* عیسی کلانتری، وزیر پیشین کشاورزی می گوید کشاورزی در حال موت است و صندوق‌های بازنشستگی یکی پس از دیگری در حال ورشکستگی هستند.

* مصطفی ملکیان استاد دانشگاه گفت: نظام‌های ایدئولوژیک می‌دانند که ایدئولوژی‌های دیگر آن‌ها را از میان نمی‌برد و علوم انسانی است که ضعف آن‌ها را نشان می‌دهد.

* با اینکه فصل برداشت میوه در ایران آغاز شده است اما دلالان میوه برای داشتن سود بیشتر، اقدام به تزریق میوه‌های خارجی به بازار تهران کرده‌اند.

* غلامحسین محسن اژه‌ای، سخنگوی قوه قضاییه می گوید سعید مرتضوی هنوز در پرونده بازداشتگاه کهریزک تبرئه نشده است.

* زندانیان بند ۳۵۰ زندان اوین مراسم چهلّمین روز شهادت هدا صابر را در سالن این بند برگزار کرده و هریک با ذکر خاطراتی از وی اعلام کردند یاد او هرگز فراموش نخواهدشد

* ۶ جوان ۲۰ تا ۲۵ ساله – که یکی‌شان افغانی بوده و هر ۶ تن بازداشت شده‌اند – به زن جوانی در ملارد کرج حمله کرده و ضمن ربودن وسایلش وی را مورد آزار و اذیت جنسی قرار دادند.

* پس از گذشت یک سال از ارائه آلبوم «مرغ خوش‌خوان» محمّدرضا شجریان به وزارت ارشاد سرانجام این وزارت‌خانه مجوّز انتشار این آلبوم را صادر کرد.

* ۳۵۰۰ تن از کارگران صنایع مخابراتی راه دور شیراز – بزرگ‌ترین کارخانه‌ی مخابراتی کشور – در اعتراض به عدم پرداخت ۲۴ ماهه حقوق خود مقابل مجلس تجمّع کردند.

کلمه
WWW.KALEME.COM

روزنامه کلمه، شماره نود، پنج شنبه، ٦ مرداد ١٣٩٠

بیانیه مقدماتی شورای هماهنگی راه سبز امید درباره انتخابات سال نود

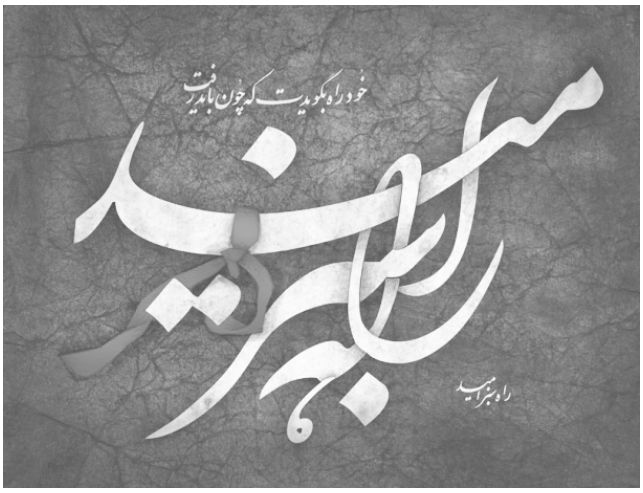

«شورای هماهنگی راه سبز امید» در بیانیه ای مقدماتی به تحلیل وضعیت کشور و شرایط مورد نظر این جنبش برای شرکت در انتخابات پرداخت و از شهروندان در خواست کرد تا در این زمینه تحلیل ها و نظرات خود را ارائه دهند.

به گزارش کلمه، این بیانیه با این سوال آغاز می شود که جنبش سبز ایران باید در قبال این پدیده چه موضعی اتخاذ کند؟ و سپس تحلیلی درباره شرایط فعلی کشور و ناهنجاری های موجود ارائه می دهد و اعلام می دارد: شرایط کشور در عرصه های گوناگون نشان از پیامدهای محتوم اتخاذ سیاست های غیرمدبرانه ای است که در سال های اخیر از طرف متخصصان دلسوز و دل نگران نسبت به آن هشدار داده شده بود.

این بیانیه سه راه را که شامل «مشارکت بی قید و شرط» ، «تحریم بی قید و شرط» و «مشارکت مشروط» در انتخابات است را بررسی می کند و می نویسد: کنشگران سیاسی آگاه در شرایطی که جامعه حساس ، ملتهب و فعال است با اعلام پیشین عدم مشارکت مطلق، خود را از امکان فعالیت مدنی و از جمله انتخابات، محروم نمی کنند.

این شورا اعلام کرد که طی ماه های گذشته به رایزنی و گفتگو با طیف گسترده ای از فعالان سیاسی و صاحبنظران داخل و خارج از کشور که خود را متعهد به همراهی با جنبش سبز مردم ایران می دانند پرداخته و به جمعبندی مقدماتی در ارتباط با انتخابات دست یافته است.

شورای هماهنگی راه سبز امید برخی از این شروط را در این بیانیه ذکر کرده است که آزادی شهروندانی که بعد از انتخابات بازداشت شده اند، آزادی رهبران جنبش سبز، کوتاه کردن دست نهادهای نظامی و امنیتی از هر گونه دخالت و مهندسی انتخابات، محترم شمردن آزادی قلم، فعال شدن تمامی شهروندان و همه گرایش ها و تشکل های سیاسی، عقیدتی و قومی بتوانند بدون احساس زور و تحمیل در انتخابات، فعالیت آزاد احزاب و تشکل های صنفی، لغو نظارت استصوابی، ایجاد امنیت جانی و مالی و حیثیتی مساوی احزاب، نامزدها و رای دهندگان در انتخابات و ... از جمله آنهاست.

در انتهای این بیانیه درخواستی هم از تمام شهروندان شده است :اینک که در آستانهٔ ماه پربرکت رمضان قرار داریم، انتظار داریم همهٔ شهروندان و ایرانیان داخل و خارج از کشور از این فرصت مبارک برای تأمل و گفتگو دربارهٔ تحلیل و شروط پیشنهادی فوق الذکر استفاده کرده و نظرات خود را به هر صورت ممکن ارایه نمایند تا شورا بتواند با استفاده از نظرات و پیشنهادات شما، به جمعبندی نهایی و اعلام موضع اقدام نماید.

بسم الله الرحمن الرحیم

مردم شریف، آزاده و آگاه ایران

سال جاری، سال برگزاری انتخابات مجلس نهم است. از هم اکنون بحث حول این موضوع در محافل مردمی و سیاسی و همچنین فعالان مدنی همراه و همدل با جنبش اعتراضی سبز آغاز شده است. پرسش این است که جنبش سبز ایران در قبال این پدیده چه موضعی باید اتخاذ کند و رویکرد و برنامه آن در برابر انتخابات چه باید باشد. اما پاسخ به این پرسش، بدون درک صحیح و دقیق شرایط کشور و تحولات جهانی، میسر نیست.

تحلیل شرایط کشور

شرایط کشور در عرصه های گوناگون نشان از پیامدهای محتوم اتخاذ سیاست های غیرمدبرانه ای است که در سال های اخیر از طرف متخصصان دلسوز و دل نگران نسبت به آن هشدار داده شده بود. در عرصهٔ اجتماعی، ناامنی های گسترده ای که در شرایط بحران اقتصادی تشدید شده و با گسترش میزان بزهکاری های اجتماعی و نابهنجاری های اخلاقی از قبیل قتل، تجاوز و سرقت، امنیت خاطر خانواده های ایرانی را به خطر انداخته، مردم را نسبت به توان دستگاه های مربوطه در حفظ امنیت دچار تردیدهای جدی کرده است. در عرصهٔ فرهنگی، تنگ نظری ها و تصمیمات غیرکارشناسانه، تأثیرات خود را در حوزهٔ نشر، سینما، تئاتر و دیگر حوزه های فرهنگی به نمایش گذاشته و عرصه را بر هنرمندان و هنردوستان تنگ نموده است.

کشور ما همچنین در نتیجهٔ مدیریت ناکارآمد و سیاست های غلط اقتصادی و افزایش فزاینده نقدینگی ناشی از پمپاژ میلیاردها دلار از در آمدهای نفتی و توزیع پول به بهانه های مختلف ازجمله تحت عناوینی مانند طرح حذف یارانه ها و سود سهام عدالت به جامعه، آن هم در شرایط رکود تورمی حاکم بر اقتصاد و کاهش تولید ملی ناشی از تعطیلی گسترده واحدهای تولیدی، آثار خود را به صورت تورم مهار گسیخته، گسترش فقر، فاصله طبقاتی، موج فزاینده بیکاری، نرخ رشد پائین نزدیک به صفر و یک درصد و عقب ماندگی کشور، نشان داده و خواهد داد و ادامه این روند دیر یازود به میدان آمدن ارتش بیکاران، بر نارضایتی ها اقتصادی خواهد افزود و شهروندان ناراضی از اوضاع اقتصادی را در کنار ناراضیان سیاسی و فرهنگی قرار خواهد داد.

شرایط جهانی و به ویژه منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا نیز در مقایسه با شرایط سال های گذشته تغییر اساسی کرده است. دو سال پس از جنبش اعتراضی مردم ایران و تأثیر آن برمنطقه خاورمیانه، اینک شاهد جنبش های گسترده مردمی علیه نظام های استبدادی (چه از نوع سلطنتی و چه از نوع جمهوری، چه از گونه به اصطلاح مستقل و ضد امپریالیستی و چه از قماش وابسته و هم پیمان با آمریکا و غرب و ...) است. آمریکا و غرب نیز اگر در گذشته به اقتضای نیازهای جهانی دو اردوگاهی و جنگ سرد به نفع خود می دیدند که از دیکتاتوری های سلطنتی تا جمهوری دفاع کنند و از آن ها به عنوان هم پیمان خود در مبارزه با کمونیسم شوروی حمایت سیاسی، نظامی و ... کنند، اینک با توجه به تغییر کیفی شرایط جهان و به ستوه آمدن ملت ها از استبداد و تحقیر و فقر، دیگر پشتیبانی از نظام های استبدادی را به سود خود نمی بینند و به جای حمایت ازمتحدان دیکتاتور خود، می کوشند با استفاده از راهبرد جدید مدیریت ومواجهه دسته جمعی با شرایط جدید و همراهی با مردم و جنبش های آزادی خواه، حتی المقدور در جهت منافع استراتژیک و بلند مدت خود یعنی تامین امنیت انرژی وحفاظت از زیر ساخت ها و مناطق حساس انرژی و نیز مبارزه با بنیادگرایی و رادیکالیسم در کادر طرح خاور میانه بزرگ، بر این جنبش ها اثر بگذارند.

فشار فزاینده ناشی از قطعنامه های شورای امنیت سازمان ملل علیه فعالیت هسته ای ایران و تحریم ها و قطع همکاری های اقتصادی ناشی از آن، احتمال اعمال تحریم های فلج کننده در آینده نزدیک و نیز انزوای اقتصادی و سیاسی در حال گسترش در سطح جهانی و منطقه که آثار محتوم خود را بر همکاریهای اقتصاد و طرح های توسعه کشور برجای گذاشته و خواهد گذاشت، و هزینه های سنگینی بر کشور تحمیل کرده که ناشی از بحران فقدان عقلانیت در نظام سیاسی و مواضع و تصمیمات ماجراجویانه و توهم آلود است.

حال در پاسخ به پرسشی که مقدمتاً طرح گردید، می توان به طور کلی سه موضع و رویکرد را به عنوان مواضع محتمل در قبال انتخابات آینده باز شناسی و تفکیک کرد: مشارکت بی قید و شرط، تحریم بی قید و شرط، مشارکت مشروط.

مشارکت بی قید و شرط

به نظر می رسد جریان حاکم، بر مبنای برگزاری انتخاباتی مهندسی شده با نتایج از پیش معین در صدد نمایش تکثر صوری و رقابت ظاهری به اصطلاح پرشور است. لذا از هم اکنون براساس سیاست تفرقه بیانداز و حکومت کن، ارسال پیام و دادن چراغ سبز و وعده به برخی افراد را آغاز کرده است، تا شاید با ایجاد تفرقه میان جبهه گسترده منتقدان، زمینه چنین نمایشی را فراهم آورد. روشن است که ورود به انتخابات از چنین موضع ضعیف و عاری از هر گونه قدرت، هیچ گونه دستاورد و نتیجه مثبتی برای پیشبرد اصلاح امور، چه در سطح حاکمیت و چه در سطح جامعه، نخواهد داشت. در این صحنه، سودبران واقعی استبدادطلبان و زیان دیدگان اصلی، کسانی خواهند بود که بی توجه به شرایط حاکم بر جامعه تصمیم به شرکت بی قید و شرط در انتخاباتی گرفته اند که ترکیب کاندیداهای رقیب در هر حوزه انتخابیه، نتایج آراء و همچنین کاندیداهای پیروز آن از قبل مهندسی و تعیین شده است. این موضع نه تنها دستاوردی عملی و نظری برای ملت نخواهد داشت بلکه از یک سو حاکمان را به ادامه روش خودکامانه تشویق خواهد کرد و از سوی دیگر سرمایه اجتماعی و مشروعیت مردمی صاحبان چنین موضعی را از بین خواهد برد، درحالی که در ازای این خسارت، تأثیر چشمگیری در اصلاح امور نخواهند داشت. ما مطمئن هستیم در حالی که تلاش های فراوانی صورت می گیرد تا عده ای را به نام اصلاح طلب وارد چنین دامی کنند، اصلاح طلبان واقعی در آن گرفتار نخواهند شد.

تحریم بی قید و شرط

برخی ممکن است با توجه به ارزیابی تجربه انتخابات در دورهٔ هشت سالهٔ اصلاحات، بی ثمر بودن هر گونه انتخاباتی در چارچوب قانون اساسی را نتیجه بگیرند و گروهی از آنها استراتژی براندازی را به جای استراتژی جنبش اصلاح طلبانه سبز پیشنهاد کنند. اما باید توجه داشت که جنبش سبز خود، حاصل یک تجربه اصلاحی که محصول آگاهی گستردهٔ مردم نسبت به حقوق شهروندی است بوده و بنابراین نمی تواند به طور پیشینی و نامشروط، مخالف با اصل هرگونه انتخابات باشد. از این رو به نظر می رسد شرکت در هر انتخابات «آزاد، سالم و منصفانه» در شرایط متعارف سیاسی، منطبق با اصول جنبش سبز است. این جنبش از همان زمان که با شعار «رأی من کو؟» حرکت خود را آغاز کرد و از همان زمان که از زبان رهبرانش اجرای بی تنازل قانون اساسی، احترام به حقوق و آزادی های اساسی مصرح در آن و تحقق حق تعیین سرنوشت مردم را به عنوان هدف و فصل مشترک مطالبات مردم مطرح کرد، التزام خود را به راهکارهای مسالمت آمیز و در رأس آن انتخابات آزاد، سالم و قانونی برای حل معضل یکه سالاری و از بین بردن مناسبات مولد استبداد در ساختارهای حقوقی و حقیقی قدرت اعلام داشت. از این رو می توان گفت تحریم بی قید و شرط انتخابات، هم با استراتژی کلی جنبش سبز به عنوان جنبشی اجتماعی مدنی آرام، مسالمت آمیز و طرفدار گذار بدون خشونت به سوی دموکراسی ناهمخوان بوده و هم با اقتضائات عملی فعالیت سیاسی و علنی در برابرحاکمیتی نابردبار و خشن ناسازگار است و هم موجبات فرصت سوزی و امکان سوزی را فراهم می آورد. با توجه به آن چه گفته شد، شرکت در انتخابات آزاد و سالم و منصفانه به عنوان مناسب ترین، مسالمت آمیزترین، کم هزینه ترین روش برای پایان دادن به مناسبات قیم مآبانه و دستیابی به حق حاکمیت بر سرنوشت خویش و مشارکت در اداره

کلمه

بیانیه مقدماتی شورای هماهنگی راه سبز امید درباره انتخابات سال نود

روزنامه کلمه، شماره نود، پنج شنبه، ٦ مرداد ۱۳۹۰

ادامه ...
امور کشور، برای جنبش سبز یک استراتژی است و در شرایط فقدان چنین زمینه ای تحرک و پویایی سیاسی برای افشای ماهیت برگزار کنندگان یک انتخابات دروغین و مشروعیت زدایی هرچه بیشتر از خودکامگانی که می کوشند بنا به مصلحت روز، مقبولیت از دست رفته را از این طریق ترمیم کنند، یک تاکتیک است.

کنشگران سیاسی آگاه در شرایطی که جامعه حساس ، ملتهب و فعال است با اعلام پیشین عدم مشارکت مطلق، خود را از امکان فعالیت مدنی و از جمله انتخابات، محروم نمی کنند. در این میان اگر حاکمیت به هر دلیل و تحت شرایط خاص داخلی و خارجی و بنا به علل غیر منتظره ای که ممکن است در طول حدود فرصتی که تا برگزاری انتخابات باقی است پدید آید از خود انعطاف نشان دهد و شرایط برگزاری انتخاباتی آزاد، سالم و منصفانه را بپذیرد، حامیان و همراهان و همدلان جنبش سبز می توانند از موضع قدرت، هم سو با موازنه قوای اجتماعی و با اتکا به ظرفیت های بی پایان اجتماعی به سود مطالبات آزادی خواهانه و عدالت طلبانه مردم و استیفای حقوق ملت مصرح در قانون اساسی از شرایط پدید آمده استفاده کرده و از این طریق مقدمات اصلاح جدی زمینه های سوء استفاده از این قانون برای توجیه یکه سالاری را فراهم آورند. گذار به دموکراسی با توجه به وجود نهادهای اقتدارگرا و بن بست آفرین در سیستم، بدون پشتوانه یک جنبش گسترده اجتماعی، عقیم و نافرجام است و تجارب تاریخی ما نشان داده که وجود این پشتوانه و وجود اراده سیاسی لازم برای تکیه به چنین پشتوانه ای می تواند حتی نهادهای مستظهر به قدرت و استعمار خارجی را به عقب نشینی وادار کند و فرایند دموکراتیک شدن و انتقال مسالمت آمیز قدرت از نهادهای انتصابی و غیر دموکراتیک به نهادهای انتخابی و دموکراتیک را پیش ببرد. از خودکامگانی که می کوشند بنا به مصلحت روز، مقبولیت از دست رفته را از این طریق ترمیم کنند، یک تاکتیک است.

کنشگران سیاسی آگاه در شرایطی که جامعه حساس ، ملتهب و فعال است با اعلام پیشین عدم مشارکت مطلق، خود را از امکان فعالیت مدنی و از جمله انتخابات، محروم نمی کنند. در این میان اگر حاکمیت به هر دلیل و تحت شرایط خاص داخلی و خارجی و بنا به علل غیر منتظره ای که ممکن است در طول حدود فرصتی که تا برگزاری انتخابات باقی است پدید آید از خود انعطاف نشان دهد و شرایط برگزاری انتخاباتی آزاد، سالم و منصفانه را بپذیرد، حامیان و همراهان و همدلان جنبش سبز می توانند از موضع قدرت، هم سو با موازنه قوای اجتماعی و با اتکا به ظرفیت های بی پایان اجتماعی به سود مطالبات آزادی خواهانه و عدالت طلبانه مردم و استیفای حقوق ملت مصرح در قانون اساسی از شرایط پدید آمده استفاده کرده و از این طریق مقدمات اصلاح جدی زمینه های سوء استفاده از این قانون برای توجیه یکه سالاری را فراهم آورند. گذار به دموکراسی با توجه به وجود نهادهای اقتدارگرا و بن بست آفرین در سیستم، بدون پشتوانه یک جنبش گسترده اجتماعی، عقیم و نافرجام است و تجارب تاریخی ما نشان داده که وجود این پشتوانه و وجود اراده سیاسی لازم برای تکیه به چنین پشتوانه ای می تواند حتی نهادهای مستظهر به قدرت و استعمار خارجی را به عقب نشینی وادار کند و فرایند دموکراتیک شدن و انتقال مسالمت آمیز قدرت از نهادهای انتصابی و غیر دموکراتیک به نهادهای انتخابی و دموکراتیک را پیش ببرد.

مشارکت مشروط

مشارکت مشروط گزینه ای است که برخی از منتقدان در گذشته و در شرایط متفاوت انتخاباتی اختیار کرده اند و همواره مشارکت خود را منوط به وجود حداقل شرایط لازم برای یک رقابت جدی اعلام داشته اند. در این میان گاه همچون انتخابات مجلس پنجم موفق به ایجاد فراکسیون اقلیت قدرتمند شده اند و گاه همچون انتخابات مجلس ششم به پیروزی چشم گیری رسیده اند. گاه نیز همچون انتخابات مجلس هفتم که نظارت استصوابی به گونه ای بی سابقه مورد استفاده قرار گرفت و در نتیجهٔ آن شصت در صد از داوطلبان نمایندگی و از جمله حدود هشتاد نفر ازنمایندگان مجلس ششم رد صلاحیت شدند، بخش مهمی از اصلاح طلبان به دلیل فقدان حداقل شرایط لازم برای برگزاری انتخاباتی آزاد و رقابتی از شرکت در انتخابات خودداری کردند.

اینک اما با شرایط ماهیتاً متفاوتی روبرو هستیم. افزون بر اعمال نظارت استصوابی به صورتی لجام گسیخته تر، اقتدارگرایان پس از تقلبی بزرگ، در فرایندی پیش رونده به سوی یک پایه شدن قدرت، در سرکوب اعتراض گسترده مردم تردیدی به خود راه نداده اند. طی دوسالی که از انتخابات متقلبانه ریاست جمهوری دهم می گذرد بیش ازصد نفر به شهادت رسیده، هزاران نفر دستگیر شده اند. هجوم به خوابگاه دانشجویان و جنایات زندان کهریزک، شکنجه، اعتراف گیری های اجباری در نمایش های تلویزیونی، حاکم ساختن وضع اضطراری و فوق العاده بر کشور، تبدیل شهرستان ها و شهرهای بزرگ به پادگان نظامی در مناسبت های مختلف، انحلال و توقیف احزاب، مطبوعات و نهادهای صنفی و مدنی مستقل، دستگیری ده ها تن از شخصیت ها و نیروهای تحول خواه و منتقد، حبس خانگی آقایان موسوی و کروبی، حاکم ساختن رعب و اختناق بر همه جا از دانشگاه ها گرفته تا حوزه های علمیه، از مجالس عزاداری امام حسین و مساجد و هیئت های مذهبی گرفته تا جلسات خانگی، و در یک کلام، استفاده از زور و سرکوب عریان برای خاموش کردن صدای مردم، واقعیت عرصه سیاست و مدیریت کشور طی دوسال گذشته را ترسیم می کند.

با توجه به شرحی که گذشت، شرایط اجتماعی و سیاسی کنونی با شرایط کشور در دوره های انتخاباتی گذشته، ماهیتاً به کلی متفاوت بوده و تجربه انتخابات ریاست جمهوری دهم اعتماد عمومی را نسبت به اراده حاکمیت در برگزاری انتخابات آزاد و سالم و منصفانه را به شدت مخدوش ساخته است. بنابراین نمی توان بی توجه به تحولات دو سال اخیر که به سوی تغییر ماهوی و کیفی نهاد قدرت و استحاله کامل جمهوریت نظام پیش می رود، با همان مواضع و استدلال های گذشته وارد انتخابات شد. ضمن اینکه نمی توان از توهینی که نسبت به باور میلیون ها شهروندی که در انتخابات شرکت کردند و سپس رأیشان دزدیده شده و حضور مدنی آنان مورد سوء استفاده تشنگان قدرت قرار گرفت بی تفاوت گذشت و نسبت به سرکوب های خونین و خشونت بار پس از انتخابات ۸۸ ساکت ماند.

جنبش سبز و انتخابات(نگاه فرایندی و شرط های معیاری)

مهم ترین مزیت جنبش سبز، سرمایهٔ اجتماعی آن است که دستاورد خون شهیدان جنبش سبز، پیگیری شجاعانه مطالبات مدنی توسط شهروندان آزاده، مقاومت و پایمردی رهبران و فعالان آن در برابر سرکوب و زندان و آگاهی روزافزون آحاد ملت نسبت به آنچه در کشور می گذرد است. بدیهی است هرگونه برنامه و راهکاری که خارج از چارچوب اصول و مطالبات جنبش تعریف شود و به این سرمایه اجتماعی آسیب برساند، پیشاپیش محکوم به شکست است. جنبش سبز ماهیتاً جنبش مدنی و اعتراضی شهروندان خواهان تغییر وضع موجود است و اگر در مقاطعی با شرکت در انتخابات از رأی خود برای نیل به این هدف سود می جستند، به این علت بود که تا آن زمان هنوز تقلب و مصادره رأی مردم نهادینه و ساختاری نشده و حداقل شرایط رقابت دموکراتیک برفرایندهای انتخاباتی حاکم بود و امید برای تأثیرگذار بودن رأی هنوز مخدوش نگردیده بود.

اما امروز با توجه به شرایط پس از انتخابات پر از تخلف و تقلب ۲۲ خرداد سال ۸۸ و تغییرات ماهوی در سطح قدرت، که به برهم خوردن نظم نهادی میان نهادها و قوای حاکمه جمهوری اسلامی و تغییر جایگاه مجلس انجامیده و نیز بی اعتنایی حاکمان به حقوق اساسی شهروندان، دیگر نمی توان از حضور اقلیتی چند ده نفره انتظار ایفای نقش مهمی را داشت. افزون بر این در صورت حفظ شرایط موجود با توجه به نهادینه شدن تقلب سازمان یافته و ماهیت غیردموکراتیک و عملکرد نامنصفانهٔ نهادهای نظارتی و اجرایی، شکل گیری انتخاباتی سالم و حضور فراکسیون مؤثر و وفادار به جنبش سبز منتفی است.

از آنجا که از جمله اصول جنبش سبز، توجه به مطالبات شهروندان و توسل به عقلانیت جمعی در فرایندهای تصمیم گیری است، شورای هماهنگی راه سبز امید طی ماه های گذشته به رایزنی و گفتگو با طیف گسترده ای از فعالان سیاسی و صاحبنظران داخل و خارج از کشور که خود را متعهد به همراهی با جنبش سبز مردم ایران می دانند پرداخته و به جمعبندی مقدماتی زیر دست یافته است:

جنبش سبز به مثابه جنبشی مدنی، مسالمت جو و مسئول نمی تواند در قبال انتخابات مجلس نهم موضع مشارکت نامشروط و یا عدم مشارکت غیرمشروط را اتخاذ کند، همان گونه که نمی تواند برای مشارکت خود شرط هایی تعیین کند که نهایتاً به پذیرش ساختار متقلبانه و غیر سالم انتخابات منجر شود. نگاه جنبش سبز به انتخابات مجلس نهم و هر انتخاباتی که پس ازانتخابات ریاست جمهوری دهم برگزار خواهد شد، نگاهی فرایندی است و نه نگاهی ناظر به شرط های جزئی و موردی. از این رو جنبش سبز برای مشارکت در انتخابات به شرط های فردی و مصداقی از قبیل تأیید صلاحیت این یا آن فرد و گروه نمی اندیشد، بلکه برگزاری انتخابتی آزاد، سالم و منصفانه را حق مردم و وظیفه دولت میداند که تخطی از آن موجب مسئولیت داخلی و بین المللی برای حکومت میگردد و لذا در پی تحقق لوازم، معیارها و استانداردهای برگزاری چنین انتخاباتی و تحمیل آن از موضع قدرت به حاکمیت است؛ این در حالی است که متأسفانه در کارنامهٔ دست اندرکاران برگزاری انتخابات، اثری از اعتنا و اعتقاد به رأی مردم دیده نمی شود.

بدیهی است چنان که آقای خاتمی نیز چندی پیش تأکید کرد، در فضای امنیتی- نظامی و در غیاب فضای با نشاط سیاسی و فقدان مطبوعات و احزاب مستقل و آزاد و در حالی که فعالان سیاسی و مطبوعاتی در زندان به سر می برند و نظامیان مقدرات سیاسی کشور را در دست دارند، نمی توان به برگزاری انتخاباتی آزاد و سالم امیدوار بود، در حالی که وجود فضای پر رونق و سالم نقد و نظر سیاسی، وجود احزاب وتشکل های سیاسی منتقد و مستقل و وجود جامعه مطبوعاتی پرنشاط و عاری از سانسور و اختناق لازمه برگزاری یک انتخابات آزاد و سالم است. براین اساس، سامان یابی سیاسی اجتماعی و پایان دادن به شرایط امنیتی نظامی کنونی، ازجمله ضوابط لازم برای هرگونه تصمیمی برای شرکت جنبش سبز در انتخابات است.

جنبش سبز مردم ایران موارد زیر را ازجمله شروط و نیز لوازم و استانداردهایی می داند که بدون تحقق آنها، انتخابات ناسالم، ناعادلانه و غیرمنصفانه ارزیابی خواهد شد:

الف) آزادی و اعاده حیثیت تمامی شهروندانی که در حوادث پس از انتخابات ۸۸ به شکل غیرقانونی و ناعادلانه بازداشت شده و یا با جریمه ها و وثیقه های سنگین به طور موقت آزاد هستند.

ب) دست نهادهای نظامی و امنیتی از عرصه رقابت ها و منازعات سیاسی و نیز هرگونه دخالت و مهندسی انتخابات کوتاه شود.

ج) به حبس خانگی آقایان موسوی، کروبی و همسران ایشان خاتمه داده شود و کلیه محدودیت های امنیتی و پلیسی موجود برای فعالیت آنان برطرف گردد.

د) موانع و محدودیت های غیر قانونی موجود از مقابل فعالیت آزاد احزاب و تشکل های صنفی سیاسی و نهادهای غیر دولتی برداشته شود.

ه) به سانسور و اعمال فشار علیه رسانه ها و توقیف غیر قانونی علیه مطبوعات پایان داده شود و آزادی قلم محترم شناخته شود.

و) با لغو نظارت استصوابی که مغایر موازین انتخابات آزاد، سالم و منصفانه و همچنین قانون اساسی است، انتخابات زیر نظر مرجع نظارتی بی طرف و مورد اعتماد کلیه جریان های سیاسی و اجتماعی برگزار گردد.

ز) تمامی شهروندان و همه گرایش ها و تشکل های سیاسی، عقیدتی و قومی بتوانند بدون احساس زور و تحمیل در انتخابات فعال شوند و به نامزدهای مورد نظر خود رأی دهند و به خاطر رأی خود مورد بازخواست و تهدید و محرومیت واقع نشوند.

ک) حاکمیت باید تمام اقدامات لازم را به عمل آورد تا احزاب و نامزدها و رأی دهندگان از امنیت جانی و مالی و حیثیتی مساوی برخوردار باشند و از اعمال هر نوع خشونت، جلوگیری بعمل آید.

این شروط و لوازم و معیارها، استانداردها و حداقل هایی هستند که نه تنها در عرف انتخابات آزاد سالم و منصفانه در جهان شناخته شده و رایج هستند، بلکه ضوابطی هستند که هر عقل سلیمی انتخابات را بدون آنها، ناسالم و غیرمنصفانه ارزیابی می کند. همچنین، معیارها و شروط یاد شده، برآمده از خرد ملتزم به مصالح کشور و برای پایان بخشیدن به روند انحطاط و سقوطی است که کشور بدان گرفتار آمده است. شورای هماهنگی در جهت حفظ منافع بلندمدت کشور، در پی ایجاد وفاق ملی است که بر مبنای آن، چشم اندازی امیدوارانه برای نجات کشور ترسیم گردد. از همین روست که اینک که در آستانهٔ ماه پربرکت رمضان قرار داریم، انتظار داریم همهٔ شهروندان و ایرانیان داخل و خارج از کشور از این فرصت مبارک برای تأمل و گفتگو دربارهٔ تحلیل و شروط پیشنهادی فوق الذکر استفاده کرده و نظرات خود را به هر صورت ممکن ارایه نمایند تا شورا بتواند با استفاده از نظرات و پیشنهادات شما، به جمعبندی نهایی و اعلام موضع اقدام نماید.

شورای هماهنگی راه سبز امید

کلمه
WWW.KALEME.COM
روزنامه کلمه، شماره نود و یکم، شنبه، ۸ مرداد ۱۳۹۰

محدودیت های تاجزاده بیشتر شد

سید مصطفی تاج زاده، از شاکیان پرونده کودتای انتخاباتی از قرنطینه زندان اوین به بند متادون زندان منتقل شد.این محل همان محل سابق نگهداری زندانیان سیاسی زن بوده است . این بند محدودیت های بیشتری را برای این زندانی سیاسی از جمله عدم استفاده از هواخوری عمومی زندان و قطع ارتباط کامل با دیگر زندانیان به همراه خواهد داشت.

آیت‌الله طاهری:نماز جمعه محل تمجید دولت نیست

آیت الله طاهری امام جمعهٔ پیشین و اصلاح طلب اصفهان با بیان اینکه «بایستی از حکومتی نمودن نماز جمعه پرهیز کرد»، خاطرنشان ساخت:خطبه های نماز جمعه نبایستی به محلی برای تعریف و تمجید دولتیان تبدیل شود یا از آن هر تفسیر و توجیه اشتباهات و سو مدیریت ها استفاده نمود.

سید محمد خاتمی: حاکمانی که از امکانات سوء استفاده می کنند باید مورد انتقاد قرار گیرند

سید محمد خاتمی در دیدار با اعضای شورای مرکزی انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه تهران و علوم پزشکی تهران گفت: «رسالت بزرگی بر عهده همه ما و از جمله نهاد دانشگاه است که در مسیر حرکت تاریخی جامعه برای مردمی که ذی حق و دارای خود باوری هستند و برای اینکه حقوقشان تأمین شود باید روشنگری کرد باید انتقاد کرد و حاکمانی که از مسیر حق مردم منحرف شوند یا از امکانات سوء استفاده می کنند مورد انتقاد قرار گیرند.»

وی افزود: « خود دانشجو به عنوان آن پیشانی پیشروی جامعه باید مظهر اعتقاد و اعتماد به حق و حرمت مردم باشد که تأمین آن مهمترین سبب رستگاری اجتماعی و رفع مشکلات اجتماعی و پیشرفت جامعه خواهد بود ؛ دانشجو و دانشگاه در این زمینه باید پیشرو باشد. در درون دانشگاه باید رعایت حق یکدیگر و تحمل همدیگر را بکنیم و هر کسی مسؤولیتی پیدا کرد باید جوابگوی آن باشد دانشگاه باید این نقش را داشته باشد. »

وی همچنین در این دیدار روح زمانه ما را روح آزادی خواهی و روح رهایی انسان عنوان کرد و افزود:« روح پیوستگی و برآمدن قدرت ها از اراده مردم است روح آزادی نقد است روح برخورداری جامعه و همه افراد آن از حقوق سیاسی و فرهنگی و اجتماعی است که دارند و باید داشته باشند و اینکه جوامع با حقوق اساسی و قانون اساسی شکل می گیرد. »

خاتمی تصریح کرد:« ما در جامعه اسلامی به سر می بریم منظورم این نیست غیر مسلمانان در جامعه ما نیستند و منظورم این نیست که همه چیز را برای مسلمانان جامعه بخواهیم نظام اسلامی که مورد توجه ماست فقط حقوق و مزایا وحرمت و نیازهای مسلمانان یا شیعیان را برآورده نمی کند بلکه در این نظام هر کسی در اینجا هست باید حق و حرمت داشته باشد و مورد احترام باشد. »

وی افزود: «نظامی که می خواهیم پیاده کنیم نظام الگویی باید باشد که تمام نیازهای به حق و دستاوردهای مهم تاریخ بشری که یکی از انها رهایی از قدرت های استبدادی و جبار در تاریخ بوده در این نظام داشته باشیم بعلاوه اینکه عدالت که روح دعوت انبیا است در جامعه وجود داشته باشد. عدالت فقط جنبه اقتصادی آن نیست بلکه آزادی مردم و آزادی انتخاب مردم از بارزترین مصداق های عدالت است. »

نتیجه دادخواهی از رهبری؛ محاکمه دوباره عبدالله مومنی

عبدالله مومنی، یکسال پس از انتشار نامه اش خطاب به رهبری که در آن ازشکنجه های بی سابقه ای که که در دوره بازداشت موقت بر او رفته، شکایت کرده بود،چند روز پیش با احضار به شعبه چهار دادسرای امنیتی اوین، با اتهامات جدیدی روبرو شد. اتهام هایی که به گفته بازپرس به خاطر آن دوباره محاکمه خواهد شد.

عبدالله مومنی، سخنگوی سازمان ادوار تحکیم، این بار با اتهام تازه نشراکاذیب و تشویش اذهان عمومی روبرو شده و در انتظار برگزاری دادگاهی تازه است.

عبدالله مومنی در موج اول بازداشت های پس از انتخابات دهم و در روز سی و یکم خرداد ماه ۱۳۸۸ بازداشت شده است.وی به مدت سه ماه در سلول های انفرادی بند ۲۰۹ و ۲۴۰ که تحت نظر وزارت اطلاعات اداره می شود محبوس و بازجویی شد.مومنی از سوی قاضی صلواتی، رییس شعبه پانزدهم دادگاه انقلاب به هشت سال حبس محکوم شد که در دادگاه تجدیدنظر به پنج سال کاهش یافت.

عبداله مومنی در شهریور ۸۹ با انتشار نامه ای سرگشاده خطاب به آیت الله خامنه ای، با تاکید بر اینکه با نوشتن این نامه قصد دارد از فجایعی که در دوره حکومت ایشان در زندان ها اتفاق می افتد پرده بر بردارد، مسوولیت این رفتارهای غیرقانونی و غیرشرعی را متوجه بالاترین مقامات کشور دانست.

مومنی با تشریح دقیق شرایط نگه داری خود در سلول انفرادی، توهین و ضرب و شتم که با آن مواجه شده بود از موارد بی سابقه ای ار شکنجه در زندان ها سخن گفت که تا پیش از آن کمتر کسی از آن خبر داشت. از جمله فرو کردن سر زندانی در توالت فرنگی و توهین های رکیک نسبت به اعضای خانواده، مادر شهیدش و برخی از مقامات عالیرتبه نظام و انقلاب.

در بخشی از نامه مومنی به رهبری آمده بود: هتاکی و فحاشی، ضرب و شتم و رفتارهای غیر قانونی از همان لحظه اول بازداشت من آغاز شد. در جریان دستگیری درحالیکه گاز اشک آور که تا پیش از آن در خیابانها استفاده می شد در فضای بسته مرا به حالت خفگی انداخته و امکان هرگونه تحرکی را از من سلب کرده بود ماموران دست بردار نبوده و با کینه و دشمنی چنان مرا به زیر مشت و لگد گرفتند که با بینی، دهان و دندانهایی خونین و دستان و پاهایی زنجیرشده به مسئولان شان در زندان اوین تحویل شدم.

عبدالله مومنی پیش از این همچنین در پی انتشار نامه ۲۶ زندانی سیاسی، نامه ۱۴ زندانی سیاسی در خصوص لزوم تشکیل کمیته حقیقت یاب و همچنین اعتصاب غذای ۱۲ نفره به دادسرای اوین فراخوانده شده بود.

پاسخ مومنی به مقامات قضایی در جریان این احضارها که گاه با درخواست انصراف از شکایت و یا تغییر مواضعش نیز همراه بوده، همواره این بوده است که «پیش از هرچیز باید به ظلم ها و شکنجه هایی که بازجوها مرتکب شده اند رسیدگی کنید و این تنها خواسته ی من است.»

کارمندان پتروشیمی آبادان: از کاهش دستمزدها و تعدیل های بی دلیل جلوگیری کنید

جمعی از کارمندان شرکت پتروشیمی آبادان با نوشتن نامه ای خطاب به مردم و مسوولان کشور از وضعیت نابسامان خود در این شرکت گلایه کرده اند.

آنها تاکید کرده اند که در شرایط بسیار دشوار اقتصادی مدیران این مجموعه نیز شرایط سختی را بر کارمندان آن تحمیل کرده اند. آنها با آوردن مصداق هایی در این زمینه نوشته اند: مدیران مجموعه با تعدیل‌های نابجای کارکنان فضای ترس ، رعب و وحشت را به جان کارمندان ریخته اند.

آنها نوشته اند که از زمان رفتن مدیر عامل قبلی شرکت و روی کار آمدن مدیر عامل جدید، فضای خفقان بر محل کار ما حاکم شده است .

این کارمندان تاکید دارند که از زمان روی کارآمدن مدیریت جدید، میزان حقوق و دستمزد دریافتی کارکنان نیز به میزان قابل توجهی کاهش یافته و برخی از نیروها و سرمایه های انسانی این شرکت که تجربه های فراوانی در این صنعت داشته اند، به بهانه کوچک شدن مجموعه و کم کردن هزینه ها بی دلیل تعدیل شده اند، در حالی که از سوی دیگر شاهد اضافه شدن نیروهای جدید پس از تعدیل آن نیروها هستیم که قابلیت و توانایی نیروهای قبلی را ندارند نکته ای که جای بسی تأمل دارد .

آنها از مسئولان درخواست کرده اند که با توجه به شرایط نابسامان اقتصادی حاکم برجامعه و اوضاع نامناسب اشتغال از تعدیل های بی دلیل و منطق نیروی کار و فضای ظلم و خفقانی که براین شرکت حاکم شده است جلوگیری کنند تا از تضییع هر چه بیشتر حقوق کارکنان تلاشگر این مجموعه جلوگیری شود.

اصلاح طلبان :از طرف ما لیست که دادید، لطفا از طرف ما رای ندهید!

انتشار یک لیست جعلی به نام اصلاح طلبان از سوی رسانه‌های حامی دولت، واکنش فعالان اصلاح طلب را برانگیخت. چند فعال سیاسی، این لیست را از اساس تکذیب کردند و بار دیگر شرطهای اعلام شده از سوی خاتمی را مورد تاکید قرار دادند.

محسن هاشمی هم که نام او در لیست جعلی منتسب به اصلاح طلبان آمده، پاسخ جالبی به این خبر دروغین داد. او گفت: از برادران تشکر می کنم که به جای ما زحمت کشیدند و تصمیم به کاندیداتوری گرفتند و به جای ما متحمل زحمت شدند و از طرف ما ائتلاف تشکیل دادند. البته امیدوارم لطف برادران در همین حد متوقف شود و دیگر زحمت رای دادن به جای ما را متقبل نشوند!

سایتهای مدعی اصولگرایی ادعا کرده بودند افرادی همچون محمدرضا عارف، بیژن زنگنه، اسحاق جهانگیری، محسن هاشمی، حبیب الله بی طرف، علی اکبر محتشمی پور و مرتضی الویری را در لیست اصلاح طلبان قرار دارند.

اما یک روز پس از انتشار این خبر دروغ، الیاس حضرتی شرکت در انتخابات را به تحقق شرایط لازم موکول کرد.

علی محمد حاضری دبیر کل انجمن اسلامی مدرسین دانشگاه‌ها نیز که نامش در لیست مذکور آمده، به تکذیب آن پرداخت و به فرارو گفت: اساسا اصلاح طلبان در گام نخست هنوز تصمیمی برای حضور در انتخابات نگرفته‌اند که بخواهند در گام بعدی اقدام به تهیه لیست انتخاباتی کنند.

وی افزود: اصلاح طلبان برای حضور در انتخابات با موانعی روبرو هستند که تا آن موانع رفع نشود علاقه‌ای به حضور در انتخابات ندارند.

اخبار کوتاه

انفجار در خط لوله صادرات گاز ایران به ترکیه، که بامداد جمعه هفتم مرداد ماه روی داد، موجب توقف صدور گاز طبیعی ایران به این کشور شد.

هادی نژادحسینیان، معاون سابق وزارت نفت می‌گوید دولت محمود احمدی‌نژاد صنعت نفت را «شخم» زد و بهترین فرصت‌ها را از دست داد.

عضو هیات علمی دانشگاه علامه طباطبایی گفت: سن اعتیاد در کشور به ۱۳ سال رسیده است.

دادگاه تجدید نظر پرونده احمد قابل قرآن پژوه و فعال سیاسی را بررسی و حکم نهایی را اعلام کرد. بر اساس این حکم، ۲۰ ماه حبس تعزیری احمد قابل تایید شد.

سازمان عفو بین‌الملل در پیامی به نشست افتتاحیهٔ «سفیران سبز امید» نسبت به وضعیت رهبران جنبش سبز و همسرانشان اعتراض کرد.

پگاه آهنگرانی، بازیگر و مستند ساز پس از ۱۷ روز انفرادی با سپردن وثیقه آزاد شد.

محمد خاتمی در پیامی به کیل مگنه بوندویک، نخست وزیر سابق نروژ، حمله تروریستی در نروژ را محکوم کرد و به ملت، دولت و خانواده‌های عزادار تسلیت گفت.

احمد توکلی، نماینده مجلس می‌گوید ضریب وابستگی ایران به واردات در سال ۱۳۸۴، ۳۵ درصد بوده که درسال ۱۳۸۹ به ۷۵ درصد افزایش یافته است.

هاشم خواستار که چندی پیش با پایان محکومیت خود باید آزاد می‌شد به دلیل نگارش نامه به رییس قوّه‌ی قضاییه درباره‌ی وضعیت اسفبار زندان وکیل‌آباد مشهد در بازداشتگاه اطّلاعات مشهد زندانی‌ست.

رامین پرچمی بازیگر سینما که ۲۵ بهمن سال گذشته بازداشت و به اتّهام اقدام علیه امنیت ملّی و اخلال در نظم عمومی به تحمّل ۱ سال حبس محکوم شده تاکنون نه ملاقات حضوری داشته و نه اجازه داده‌اند به مرخصی بیاید و به گفته‌ی خواهرش وضعیت روحی مناسبی نیز ندارد.

محمد منبع، معاون وزیر دادگستری مصر در امور دادگاهها اعلام کرد که حسنی مبارک، رئیس جمهوری سابق این کشور چهارشنبه هفته آینده به همراه پسرانش علاء و جمال و همچنین حبیب العادلی، وزیر کشور اسبق مصر به صورت علنی محاکمه خواهند شد.

"الهه وحیددستجردی" خواهر وزیر بهداشت و معاون سابق پژوهشی دانشکده دندانپزشکی دانشگاه علوم پزشکی شهیدبهشتی از سوی ریاست دانشگاه به سمت ریاست دانشکده دندانپزشکی منصوب شد.

WWW.KALEME.COM
روزنامه کلمه، شماره نود و دوم، دوشنبه، ۱۰ مرداد ۱۳۹۰

مردم در ٦ سال گذشته یا بیکار یا بدهکار

داریوش قنبری نماینده ایلام در مجلس در جلسه علنی امروز در نطق میان دستور خود، خطاب به احمدی نژاد، گفت: پس از گذشت ۶ سال از ریاست جهوری جنابعالی اکنون مردم ایران به لحاظ اقتصادی تبدیل به ۲ دسته شده‌اند، یا بیکار هستند و یا بدهکار.

تجمع معلمان جلوی مجلس

جمعی از معلمان حق‌التدریس و آموزشیاران نهضت سوادآموزی، صبح دیروز مقابل مجلس شورای اسلامی تجمع کردند.معلمان حق‌التدریس و آموزشیاران نهضت سوادآموزی تجمع کننده، تعیین تکلیف وضعیت شغلی خود و بازگشت به کار را خواستار شده بودند.

انتقاد شدید آیت‌الله صانعی از تداوم حصر میرحسین و کروبی

آیت‌الله‌العظمی صانعی با انتقاد شدید از تداوم حصر میرحسین موسوی و مهدی کروبی، «آگاه کردن کسانی که در معرض فریب خوردن هستند» را وظیفه همگانی اعلام کرد، بر لزوم «مبارزه فکری و مدنی به‌صورت‌های مختلف و مناسب» با «ظلم ظالمان و ستمگران و اقتدارگرایان» تاکید کرد و با هشدار نسبت به مأیوس شدن مبارزان راه مبارزه با ظلم، گفت: «یأس در همه موارد، خصوصا در مبارزه با ظلم، از گناهان کبیره است... ما هم اگر بنا داریم به دین خدمت کنیم و علیه ظلم ظالمان و ستمگران و اقتدارگرایان اقدام کنیم، نباید مأیوس شویم.»

ایشان در بخش دیگری از سخنانش با اشاره به طرح برخی مباحث در مقوله امنیت جامعه فرمود: «کسانی که دغدغه امنیت جامعه را دارند، باید به تمام ابعاد امنیت توجه داشته باشند؛ چه امنیت جانی مردم باشد، چه امنیت اقتصادی و چه سیاسی و قلم و بیان و چه آزادی انتخاب و حاکمیت خود مردم بر سرنوشتشان.»

ایشان متذکر شد: «آیا این که صدها نفر از نخبگان ملت از مرد و زن، استاد و دانشجو و عالم و غیرعالم زندانی می‌شوند، آن هم با محرومیت برخی از آن‌ها اگر نگوییم همه آن‌ها از حقوق اولیه زندانی، این امنیت است؟ این‌که اشخاص باتقوا و مدیر و مدبّری هم‌چون جناب آقای کروبی و زبده‌السادات و الکرام آقای مهندس موسوی با خانواده‌هایشان در حصر خانگی آن هم حصری که از جهت محرومیت بسیاری از حقوق اولیه‌شان تقریباً با سلول برابر است، به سر می‌برند، این امنیت است؟ این که به کسی که روزی رئیس‌جمهور یک ملت بوده، در مراسم ختم یکی از بستگانش به او حمله‌ور می‌شوند، آیا این امنیت است؟»

انتقاد آیت‌الله دستغیب از «قراردادهای بدتر از ترکمانچای»

آیت‌الله العظمی دستغیب با انتقاد از حیف و میل شدن اموال عمومی و چپاول ذخایر عظیم نفتی، درباره قراردادهایی که آن‌ها را «بدتر از ترکمانچای» و مایه‌ی ذلیل کردن مردم توصیف کرد، هشدار داد و گفت: «نمی‌توان در مقابل این قراردادها بی‌تفاوت بود. نمی‌توان تحمل کرد که ذخایر بزرگ ثروت را عده قلیلی به یغما برند و به جای آنها سلاحهایی وارد مملکت کنند، برای سرکوب خود مردم!»

این مرجع تقلید با تاکید بر اینکه «اگر مملکت واقعاً اسلامی باشد و مردم را با رفتار و اعمال صحیح به سوی خدا دعوت کنند، نیازی به این همه سلاح مدرن نیست» ادامه داد: «مگر در زمان جنگ اسلحه ها ما را پیروز کردند؟ از خدا می‌خواهیم که آقایان رأس‌نشین را بیشتر متوجه احکام اسلام کند و طوری شود که به داد مردم بیچاره برسند. نباید روزی که عذاب خدا نازل شود که عذاب، اگر نازل شود، فراگیر می شود. از خدا می خواهیم دل حاکمان را نرم کند تا این قبیل نصایح بر آنها تأثیر بگذارد و گمان نکنند امثال بنده در پی شهرت و آوازه هستیم.»

آیت‌الله دستغیب در ادامه شکستن دل مؤمن را موجب توبیخ الهی و دروغ را عامل عقوبت الهی و رسوایی انسان دانست و نیز رفتارهای ناهنجار مردم یا عملکرد نادرست حاکمان را موجب نزول بلا دانست.

ایشان با اشاره به نزول عذاب و بلایای آسمانی در دوران پیش از پیامبر اسلام، خاطرنشان کرد که پس از اسلام، بلا در قالب اختلاف و تفرقه بین مردم ظاهر می‌شود.

ایشان همچنین گفت: «اگر حاکمیت جامعه ای ظلم را پیشه خود سازد باید بداند که به زودی عقوبت آن دامنش را خواهد گرفت و هر چه آتش ظلمش افروخته تر باشد، زودتر و بیشتر در عقوبت الهی گرفتار می آید.»

این عضو مجلس خبرگان همچنین بار دیگر تاکید کرد که هیچکدام از فقهای دلسوز و عادل، وضع فعلی جامعه را تایید نمی کنند، و افزود: «منظور، آن دسته از فقیهانی هستند که وابسته به دنیا نیستند و ترسی از عناوین و القاب خویش ندارند و فروش رساله و آوردن خمس و زکات برایشان مهمتر از احکام خدا نیست و واهمه ای از ارعاب و تهدیدها ندارند. آیا این قبیل فقها وضع موجود را امضا می کنند؟ هرگز! الگو و مرجع امروز ما همن فقهای عدولند، نه فقهای مصلحت‌بین، لکن وقتی حکومت و قدرت در دست انسان می افتد معلوم است که مصالح خود را بر هر چیزی مقدّم می دارد اما بی‌شک حکم خدا این نیست.»

ارتش اسد، سوریه را به خاک و خون کشید

ارتش سوریه سحرگاه یکشنبه با تانک و تک‌تیراندازان خود به شهر حماه حمله کرد، جریان آب و برق شهر در پی این حمله قطع شده است. این شهر که در دویست کیلومتری شمال دمشق قرار دارد، در ماه‌های اخیر یکی از مراکز اصلی تظاهرات مخالفان بشار اسد بوده است.

به گفته فعالان سیاسی و حقوق بشر ارتش سوریه مناطق مسکونی را هدف قرار داده‌اند و شمار کشته‌ها در نخستین ساعات بامداد دست‌کم ۲۲ اعلام شده بود که این آمار هر لحظه روبه افزایش است.

یکی از ساکنان شهر حماه به خبرگزاری رویترز گفته که، اجساد زیادی در سطح خیابان‌ها قرار دارند. به گفته‌ی این شاهد عینی، تک‌تیراندازان ارتش در پشت‌بام ساختمان مرکز برق و نیز زندان اصلی شهر مستقر هستند.

فعالان حقوق بشر سوریه می‌گویند، از هنگام آغاز تظاهرات علیه رژیم بشار اسد در سوریه بیش از ۱۵۰۰ نفر کشته شده‌اند. علاوه بر این همین منابع می‌گویند، از آغاز ناآرامی‌ها در ماه مارس سال جاری، هر ساعت یک نفر در سوریه ناپدید می‌شود و شمار این مفقودشدگان تا کنون به سه هزار نفر رسیده است.پس از تظاهرات آخرین جمعه ماه ژوئیه، مخالفان بشار اسد اعلام کرده‌اند که قصد دارند در طول ماه رمضان در تمامی شب‌ها، از شامگاه تا بامداد، به طرفداری از دموکراسی در سوریه دست به اعتراض بزنند.

حساب دخل و خرج شش سال اخیر: نفت را فروختند و صرف واردات کردند

هفته نامه ستاره صبح در مصاحبه ای با اکبر ترکان، یکی از مسئولان کهنه کار دولتی در ایران، به ارزیابی سیاستهای اقتصادی جناح حاکم و ریشه های شکست اصولگرایان در اداره کشور پرداخته است. ترکان که در سالهای آغازین فعالیت دولت احمدی نژاد، معاونت وزارت نفت را برعهده داشت، در این مصاحبه می گوید در کل تاریخ کشف نفت در ایران، درآمد حاصل از فروش نفت ۹۹۵٫۶میلیارد دلار بوده که سهم دولت احمدی نژاد در شش سال اخیر به ۴۵۰ میلیارد دلار می‌رسیده است!

ترکان در عین حال نشان می‌دهد که دولت های نهم و دهم در این شش سال، به همان اندازه که از مجل فروش نفت درآمد داشته اند، یعنی درست به میزان ۴۵۰ میلیارد دلار، واردات هم داشته اند. او تصریح می کند که تنها ۱۵ درصد واردات این شش ساله متعلق به کالاهای سرمایه ای و ماشین آلات بوده و بقیه کالاها واسطه ای و مصرفی بوده است؛ و این یعنی بخش عمده ی درآمد نفتی کشور در دولت احمدی نژاد، به جای اینکه در تولید به کار گرفته شود یا سرمایه ای بر داشته های ملت بیفزاید، هدر رفته است.

این هفته نامه در مقدمه این مصاحبه نوشته است: گذشت زمان، بهترین داور درباره درستی یا نادرستی سیاست‌هاست. از سال ۸۳ به بعد که مجلس هفتم به انحصار اصولگرایان درآمد و سال بعد دولت هم در دست همین جریان قرار گرفت. این دو نهاد وعده های نشدنی به ملت دادند. حال که مجلس هشتم در پایان راه و دولت دهم در میانه راه قرار گرفته، سیکل معیوب سیاست‌های این دو نهاد به بار نشسته و شاخص‌ها از رشد اقتصادی پایین، وجود تورم توام با رکود، بیکاری، گرانی واردات بی‌رویه از خارج خبر می‌دهد. نتیجه سیاست‌ها با گذشت شش سال یکی پس از دیگری رخ نشان می‌دهند تا کارنامه مجلس و دولت مدعی اصولگرایی باز در معرض داوری ایرانی‌ها قرار گیرد.

اخبار کوتاه

- با احداث سومین سد بر رودخانه خرسان استان چهار محال بختیاری، آبشار آتشگاه، معروف‌ترین آبشار دیدنی این منطقه به زیر آب خواهد رفت.
- یک استاد دانشگاه از راه‌اندازی کارخانه سیمان در حریم محوطه پارک ملی گلستان خبر داد و آن را عامل نابودی حیات وحش این پارک در درازمدت دانست.
- سه موتورسوار دوشنبه هفته گذشته با حمله به قهرمان سابق وزنه‌برداری ایران، او را در جلوی خانه‌اش در شهریار به قتل رساندند.
- به علت سود سرشار واردات کالا و نبود نظارت در واردات، خودروسازان بزرگ ایران هم به واردات برنج روی آورده‌اند.
- احمد قویدل، مدیرعامل کانون هموفیلی ایران می‌گوید هنوز در ایران برای پیشگیری از تولد نوزاد هموفیلی اقدامی صورت نگرفته است.
- فرشاد مومنی، اقتصاددان می‌گوید «شیوه اجرای هدفمندی یارانه‌ها در چندماهی که گذشت به شوک درمانی برای پیشروی در باتلاق می‌ماند.»
- محمد خاتمی با خانواده عبدالله مومنی، فعال دانشجویی و معلم زندانی دیدار و نسبت به آزادی زندانیان ابراز امیدواری کرد.
- جایزه جهانی هلمن –همت سال ۲۰۱۱ به بهمن احمدی امویی ، روزنامه نگار زندانی در ایران تعلق گرفت.براساس گزارش های رسیده به کلمه، جوایز معتبر هلمن- همت به آن دسته نویسندگانی تعلق می گیرد که به خاطر فعالیت هایشان به خاطر آزادی بیان مورد تعقیب و آزار و اذیت قرار گرفته اند .موسسه هلمن-همتسعی بر این دارد که با تاکید بر موارد مشخص توجه را بر روی عدم ازادی بیان متمرکز سازند.
- کارگران شرکت آهن‌گری تراکتورسازی از ۵ روز پیش اعتصاب کرده‌اند و کلیه‌ی کارگاه‌های این شرکت تعطیل شده است. کارگران خواستار پرداخت بهره‌وری‌های معوّق، افزایش مدّت قرارداد کارکنان قراردادی، پرداخت به موقع حقّ بیمه، لحاظ‌کردن شرایط سختی و زیان‌آور به هنگام بازنشسته‌گی و پرداخت کامل پایان کار هستند.
- محمّدرضا خاتمی دبیر کلّ پیشین جبهه‌ی مشارکت در گفت‌وگویی ضمن اعلام این موضوع که اصلاح‌طلبان چیزی برای از دست دادن ندارند و منتظر پاسخ حکومت به شروط اعلام‌شده‌ی‌شان برای شرکت در انتخابات هستند تصریح کرد حکومت راه اصلاح‌طلبی را بر خود بسته و پاسخ مناسبی به این شروط نداده‌است
- یک مقام آگاه در اصفهان اعلام کرد تعداد زندانیان در زندان‌های اصفهان به‌قدری زیاد شده که تعدادی از آن‌ها با قرار وثیقه شب را در منزل‌شان می‌گذرانند و صبح خود را به زندان معرّفی می‌کنند
- مؤسّسه‌ی خدمات اینترنتی آکامای اعلام کرد ایران در میان ۷۲ کشور جهان، از نظر سرعت اینترنت رتبه‌ی ۶۷م را داراست و تنها کشورهای نیجریه، بولیوی، لیبی، ازبکستان و لبنان پایین‌تر از ایران قرار دارند

بنی الاسلام علی کلمتین کلمه التوحید و توحید الکلمه
کلمه
WWW.KALEME.COM
روزنامه کلمه، شماره نود و سوم، چهارشنبه، ۱۲ مرداد ۱۳۹۰ شمارگان : ما بیشماریم

اگر مردم علیرغم تمامی صحنه‌های تلخی که دیده‌اند همچنان اجرای بدون تنازل قانون اساسی را شعار محوری خود می‌دانند به آن خاطر نیست که اگر چیز دیگری بخواهند به آنها داده نمی‌شود. تنها و تنها حکمت و واقع‌بینی مردم بود که اجازه نداد رفتار زشت حاکمان به واکنش‌های عصبی و لجام گسیخته بیانجامد.
میرحسین موسوی- بیانیه ۱۶ آذر

درآمد «دو و نیم» برابر، اجرای برنامه ۲۵ درصد گزارش مجلس از تخلفات دولت از برنامه چهارم

رئیس هیئت تحقیق و تفحص مجلس از عملکرد برنامه چهارم توسعه، از تهیه گزارش ۱۶۰۰ صفحه ای این هیئت خبر داد و گفت: گزارش از عملکرد دولت در برنامه چهارم توسعه دو هفته دیگر در صحن مجلس قرائت می شود.

غفار اسماعیلی از آماده شدن گزارش هیئت تحیق و تفحص از عملکرد برنامه چهارم توسعه خبر داد و گفت: طبق این تحقیق و تفحص، دولت تنها برای ۴۲ درصد از برنامه چهارم آیین نامه اجرایی نوشته است، بدین ترتیب در ۵۸ درصد برنامه چهارم توسعه اساسا دولت ورود به برنامه نداشته است و اگر در مواردی کاری صورت گرفته غیر قانونی بوده است.

رئیس هیئت تحقیق و تفحص از عملکرد برنامه چهارم توسعه تورم ، اشتغال، رشد، سرمایه گذاری داخلی، سرمایه گذاری خارجی، رفاه، درآمد سرانه، بودجه، وضع مالی دولت، بازار ارز ، اوراق مشارکت ، بیمه ، پیشرفت در اجرای اصل ۴۴، تعامل با اقتصاد جهانی، بهره وری ، آمایش سرزمین، توازن منطقه ای، انرژی ، حمل و نقل، آب ، صنعت، معدن، مسکن، کشاورزی و منابع طبیعی را شاخص های مورد بررسی در این تحقیق و تفحص اعلام کرد.

وی یادآور شد: درآمد کشور در طول اجرای برنامه چهارم بیش از دو و نیم برابر شده و به عبارتی بیش از ۲۵۰ درصد رشد داشته است، اما میزان تحقق برنامه کمتر از ۲۵ درصد بوده است.

برنامه چهارم توسعه دولت را موظف کرده بود که آذرماه هر سال گزارشی از روند اجرای برنامه به مجلس ارائه کند ، همچنین تیر ماه امسال سخنگوی کمیسیون تلفیق برنامه پنجم توسعه در حین بررسی این برنامه، از تصویب ماده‌ای در قانون برنامه پنجم خبر داد که براساس آن رئیس‌جمهور باید همزمان با تقدیم لایحه بودجه سالانه ، گزارش اجرای برنامه پنجم توسعه را به مجلس ارائه کند.

درخواست تحقیق و تفحص از عملکرد دولت در برنامه چهارم توسعه ۲۶ آبان ماه سال ۱۳۸۸ با ۱۱۷ رای موافق، ۷۷ رای مخالف و ۶ رای ممتنع در مجلس شورای اسلامی به تصویب رسید.

خاتمی: همه بویژه صاحبان قدرت از آمنه بیاموزند

سیدمحمد خاتمی با ارسال پیامی به آمنه بهرامی، قربانی اسیدپاشی که از قصاص عامل جرم گذشت، نوشت: «آیا در عرصه زندگی سیاسی و اجتماعی نیز نمی توان از آمنه آموخت و بحران را با آرامش و تنش را با احترام به یکدیگر و پاس داشت حق و حرمت انسان و دوری از غرور – بخصوص آنان که قدرت بیشتری دارند – سودا کرد؟»

رییس جمهور سابق ایران در این پیام با بیان اینکه «در برابر سنگدلی و بی آزرمی و نفرت پراکنی و خودخواهی و کین توزی هنوز می توان از مهربانی، شرافت و احترام به زندگی، دیگرخواهی و بزرگ منشی هم سراغ گرفت و زیبایی را در اوج آن به تماشا نشست»، افزوده است: «آنچه آمنه از خود نشان داد حکایت گر آن است که جان زیبا و شکوهمند را هیچ عاملی جز نفرت و نابردباری و خشونت نمی تواند زشت کند و یا زشت بنمایاند.»

آمنه بهرامی در پاییز ۱۳۸۳ توسط خواستگار پیشین اش مورد اسیدپاشی قرار گرفت. در این حادثه چشمان و صورت وی دچار آسیب بسیار شدید شد، و وی بینایی یک چشم خود را از دست داد.

دو روز پیش قرار بود حکم قصاص در بیمارستان دادگستری اجرا شود و چشمان عامل جنایت، نابینا شود؛ آمنه بهرامی اما در آخرین ساعات، از قصاص چشم پوشید و «زندگی» را رعایت کرد.

همسر عبدالله مومنی: به من گفتند چرا شوهرت به رهبری نامه نوشت

عبدالله مؤمنی، فعال سابق دانشجویی و عضو ستاد مهدی کروبی در انتخابات ریاست جمهوری گذشته، که پس از انتخابات بازداشت و روانه زندان شده بود، بار دیگر به نشر اکاذیب و تشویش اذهان عمومی متهم شده است.

این فعال سابق دانشجویی در نامه‌ای که به رهبری نوشت، از "شکنجه شدید، اعترافات ساختگی و محاکمه نمایشی و فقدان کامل استقلال قضایی در محاکمه اش" سخن گفت و خواستار تشکیل کمیته حقیقت یاب پیرامون رخدادهای صورت گرفته شد.

اکنون فاطمه آدینه وند، همسر عبدالله مؤمنی می گوید: قبلا از ایشان خواسته بودند که بدون سر و صدا نامه را تکذیب کند. خود آقای افضلی در دادستانی هم به من گفت که چرا شوهرت نامه نوشته و چرا خودت مصاحبه کردی. حتی اعتراض کرد که چرا در مصاحبه ات گفتی که پسرت ناگهان از خواب پریده و گفته است که مرا نزنید!

وی در باره ی نامه می گوید: «من از آقایون می‌خواهم فقط یک بار با دقت نامه را بخوانند و به محتوای آن فکر کنند.»

عبدالله مومنی به تحمل چهار سال و ۱۱ ماه حبس محکوم شده و در حال حاضر در بند ۳۵۰ زندان اوین تهران زندانی است. مؤمنی ۳۰ خردادماه ۱۳۸۸ پس از انتخابات ریاست جمهوری ایران در ساختمان ستاد شهروندان آزاد (حامیان مهدی کروبی، از نامزدهای انتخابات ریاست جمهوری) بازداشت شد.

آیت‌الله دستغیب به ظالمان: روز رفتن که برسد، فرصت جبرانی نمی‌ماند

آیت الله العظمی دستغیب، مرجع تقلید مقیم شیراز، نسبت به پند ناپذیری افراد ظالم هشدار داد و با یادآوری سرنوشت شاه، گفت: "کسانی هم که مرتکب ظلمهای بسیاری می شوند و حاضر به پذیرش هشدار نیستند و حق را قبول نمی کنند بی تردید به چنین وضعی می افتند و فرصتهای خود را از دست می دهند. هنگامیکه شاه مخلوع از ایران می رفت بسیار ناراحت بود و گریه می کرد اما این گریه ها دیگر فایده ای برایش نداشت و او پس از آن هرگز فرصت جبران نیافت."

آیت الله سید علی محمد دستغیب که در دهم مرداد ماه بعد از اقامه نماز ظهر و عصر به تفسیر قرآن می‌پرداخت، همچنین با اشاره به اینکه ظالمین در لحظات آخر عمر دعوی ایمان می کردند، گفت: "همه افراد بشر چون به اضطرار می افتند، پروردگار یکتا را می خوانند و خداوند نیز آنها را اجابت می کند اما اگر این اضطرار و خواندن، در لحظه آخر و پس از مشاهده مرگ و عالم برزخ باشد، دیگر سودی ندارد. هنگامیکه فرعون در لحظات آخر عمر، خود را در حال غرق شدن دید و فهمید که چیزی به هلاکتش باقی نمانده دعوی ایمان سر داد و گفت: ایمان آوردم که هیچ معبودی جز آن که بنی اسرائیل به او ایمان آورده اند نیست و من از مسلمانانم."

اخبار کوتاه

> اکبر هاشمی رفسنجانی می‌گوید ۲۰ تا ۵۰ درصد صنایع غذایی کشور غیرفعال یا تعطیل است و این وضعیت را «مصیبت»بار خوانده است.

> یک پرونده تجاوز گروهی دیگر در تربت جام گشوده شده اما مقامات قضایی این شهرستان حاضر به اعلام جزئیات بیشتر نیستند.

> رئیس جامعه جنگلبانی ایران می‌گوید در ۳۰ سال اخیر بیش از ۱۰۰ هزار هکتار از جنگل‌های زاگرس از بین رفته است.

> محمدرضا شجریان می‌گوید که اثر ربنای او، در اصل «مشقی برای هنرمندان رادیو و تلویزیون» بوده است و او این اثر را بدون تکرار در ضبط خوانده است.

> مهران فرجی -خبرنگار اجتماعی روزنامه‌ی شرق که آذرماه سال گذشته بازداشت شد و ۲ ماه در بند ۲۰۹ زندان اوین زندانی بود- به اتّهام فعّالیت تبلیغی علیه نظام به یک سال حبس محکوم شد.

> احمد منتظری -فرزند آیت‌الله منتظری- در یادداشتی از مسئولان جمهوری اسلامی خواست زندانیان سیاسی را آزاد کنند و اگر از میرحسین موسوی و مهدی کرّوبی تقدیر نمی‌کنند دست‌کم آنان را آزاد کنند و پرونده‌ی خود را بیش از این نزد خدا و مردم سنگین نکنند

> با گذشت ۱۳ روز از بازداشت مهدی خزعلی او کماکان در اعتصاب غذا به‌سر می‌برد و از وضعیت سلامتی وی خبری در دست نیست. محمّدصالح خزعلی -فرزند وی- در نخستین دیدار با پدرش اعلام کرده وی از ناحیه‌ی گردن دچار آسیب شدید و احتمالن شکسته‌گی است.

> مجموع فروش داخلی و جهانی فیلم «جدایی نادر از سیمین» از مرز ۱۰ میلیون دلار گذشت و رکورد «اخراجی‌ها ۲» را که ۸ونیم میلیون دلار فروخته‌بود شکست. این فیلم هنوز در آمریکا اکران نشده‌است

> نماینده مردم سنقر و کلیایی در مجلس با بیان اینکه آب شهرستان سنقر در استان کرمانشاه گاهی از اوقات رنگ سبز و بوی جلبک به خود می‌گیرد، گفت: مسئولان به‌ویژه وزارت نیرو باید هرچه سریع‌تر برای حل مشکل آلودگی شهر سنقر اقدام مناسبی را انجام دهند.

> محمد توانا جانباز جنگ تحمیلی و مبارزه با مواد مخدر و عضو سابق واحد تخریب لشکر ۵ نصر خراسان در دوران دفاع مقدس و از فعالان سیاسی و حقوق بشری مشهد عصر پنج شنبه بازداشت شد.

بنی الاسلام علی کلمتین کلمه التوحید و توحید الکلمه

کلمه

WWW.KALEME.COM

روزنامه کلمه، شماره نود و چهارم، شنبه، ۱۵ مرداد ۱۳۹۰ ، شمارگان: ما بیشماریم

سومین مشاور میرحسین هم به زندان رفت

مهدی فروزنده پور مشاور مهندس میرحسین موسوی برای گذراندن دوران محکومیت خود به زندان رفت. وی سومین مشاور موسوی است که در دو ماه اخیر به زندان فراخوانده می شود. وی در دادگاه انقلاب به ۵ سال حبس محکوم شده بود که این رای در دادگاه تجدید نظر به یکسال کاهش پیدا کرد.

سایت آیت الله موسوی خوئینی‌ها فیلتر شد

سایت آیت الله سیدمحمد موسوی خوئینی‌ها، عضو مجمع روحانیون مبارز که حدود یک ماه پیش همزمان با مبعث پیامبر اکرم (ص) راه اندازی شده بود فیلتر شد. موسوی خوینی ها در این سایت به پرسش های مخاطبان خود پاسخ می داد و بحث و گفتگوهایی بین وی و جوانان در می گرفت.

آینده‌ی تاریک صنعت نفت ایران با وزیر شدن یک نظامی

بالاخره رئیس قرارگاه خاتم‌الانبیای سپاه، به ریاست کل مجموعه‌ی نفت ایران رسید و در حالی که اوضاع پولدارترین وزارت خانه کشور به اقرار معاونین و مدیران این وزارت خانه با سوء مدیریت و بی کفایتی باند احمدی نژاد و خانه نشین کردن مدیران با سابقه و گذاردن افرادی ناآگاه از مسائل نفتی چون میرکاظمی و علی آبادی در راس وزارت نفت از هم پاشیده است، امروز یک سردار سپاه و فرمانده یک قرارگاه نظامی- اقتصادی سپاه نیز به عنوان وزیر به ساختمان پر از پول تقاطع حافظ – طالقانی راه یافت تا پس از تصاحب قراردادهای فاز ۱۵ و ۱۶ پارس جنوبی، اکنون تمام صنایع و سرمایه های نفتی ملت در چنبره ی سپاه پاسداران قرار گیرد.

در هیچ جای جهان قابل قبول نیست که یک مجموعه غیر شفاف و آن هم نظامی، در عرض شش سال و بدون برآورد از توانمندی و سوابق فعالیت های مشابه، بتواند ۲۵،۰۰۰،۰۰۰،۰۰۰ دلار پروژه اخذ کند! این مبلغ در عرف قراردادهای نفتی جهان آنچنان بزرگ است که کارتل های بزرگ نفتی نیز نمی توانند با چندین دهه سابقه درخشان نفتی و در دست داشتن تکنولوژی های روز دنیا و دسترسی به بهترین منابع و نیروهای انسانی متخصص و ماهر، این مقدار پروژه را در این مدت کوتاه اخذ کنند و آن را به انجام رسانند.

برای روشنتر شدن مقیاس این عدد باید گفت اگر جمعیت کشور را ۷۵ میلیون نفر در نظر بگیریم، با قیمت ارز ۱۱۰۰ تومانی، به ازای هر ایرانی در حدود ۳۷۰،۰۰۰ تومان در اختیار این مجموعه قرار گرفته است! از آن جالبتر اینجاست که این پروژه ها نه در قالب مناقصات مرسوم و قانونی، بلکه به صورت دستوری و ترک تشریفات به این مجموعه واگذار شده و باز نکته دیگر اینکه از همان ابتدا به جای روند جاری، این مجموعه نظامی با شگفتی هزینه انجام پروژه ها را از صندوق ذخیره ارزی برداشت نموده و اقدام به فاینانس نمودن پروژه ها کرده است.

سردار رستم قاسمی مدعی شده که در احداث چندین پالایشگاه حضور داشته است. سوال می کنیم که لطفا یکی از این پالایشگاه ها را نام ببرید! مجموعه تحت امر شما به صورت دستوری و خارج از روال قانونی، صدها پروژه بزرگ مملکت را از دست شرکت های صاحب نام و تخصصی مرتبط با این صنعت در آورده و غصب کرده

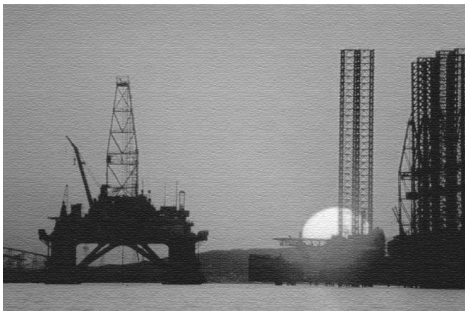

است و تاکنون حتی یک پالایشگاه نیز از این پروژه ها به بهره برداری نرسیده است که ادعای احداث چندین پالایشگاه را کرده اید!

مدیرانی که برای این پروژه های کلان گمارده اید، حتی گاهی نمی دانند استاندارد چیست و کیفیت کدام است و مهندسی چه معنایی دارد. شما و تفکر حامی شما سرمایه مملکت و مردم را در اختیار چنین کسانی قرار داده اید.

به تصاحب قراردادهای بزرگ نفتی بسنده نکردید و سهام اندک شرکت های موجود مانند صدرا و تأسیسات دریایی ایران و غیره را شما و دوستان دیگر نظامی تان غصب کردید تا صاحب انحصاری هرچه قرارداد بزرگ نفتی هست شما نظامی ها باشید و شرکت های خصوصی نتوانند به هیچ شکلی رشد کنند و در نتیجه استعدادها راهی آن سوی مرزها شوند.

شما لطفی به مردم و مملکت نکرده اید و با قرار گرفتنتان در مسند وزارت نفت، راه ورود بیشتر نظامیان بر این مجموعه را بازتر از آنچه هست خواهید کرد. نمی توان انتظار داشت که متخصصین در مجموعه ای که باید دست به سینه و خبردار جلوی سرداران نظامی خم و راست شوند و تنها به فرمانبرداری بی چون و چرا بسنده کنند، حضور یابند و گره از مشکلات عدیده این وزارت خانه که در این شش سال به هم پیچیده و دشوارتر شده است، بگشایند.

نمایندگان اکثریت مجلس با هیاهویی که پس از نطق رئیس مجلس ایجاد کردند، نشان دادند که حتی حاضر نیستند صدای مخالفی هم به گوش برسد، و می خواهند تنها نظامیان در این مملکت در هرم قدرت قرار بگیرند و متخصصین و دود چشم خورده های صنعت نفت نیز همچون دیگر صنایع و دیگر وزارت خانه های مهم کشور شاهد حاکمیت نظامی ها شوند.

بدین سان، آینده صنعت نفت ایران، تاریک خواهد بود. کارتل های نفتی بزرگ در تمامی میادین نفت و گازی مشترک ما با کشورهای همسایه شریک شده اند. در کشور عراق که ما تعداد زیادی منابع مشترک مرزی داریم، در غیاب و غفلت چند ساله ما و به هم ریختگی سیاست های داخلی و خارجی کشور، دولت عراق با گرفتن سهم بیست درصدی، میدان های نفتی اش را به این غول های بزرگ نفتی سپرده است. نفت و گاز ما را به راحتی خواهند ربود. حتی حفاری افقی و نفوذ به داخل میادین نفتی ما نیز دور از ذهن نیست، کما اینکه در مورد پارس جنوبی گزارش آن منتشر شده است.

در شش سال اخیر به عمد قراردادهای نفتی میادین مشترک مانند اسفندیار با سنگ اندازی مواجه شده اند و هیچ توفیقی در آنها حاصل نشده است. نگهداری از پالایشگاه های موجود با مشکلات فراوان روبه‌رو بوده است. متخصصین با حاکم شدن افراد غیرمتخصص و دست نشانده بر پست های مدیریتی، تحقیر شده و از مملکت رفته اند و یا سرخورده شده اند.

طرح های سرمایه گذاری برای حفظ سقف تولید و افزایش تولید نفت با سیاست های غلط و عدم حرکت بر محورهای مشخص شده با کندی و توقف مواجه شده اند و هزار و یک مشکل عدیده دیگر در این چند سال دست به گریبان این وزارت خانه بوده است.

آنقدر افراد ضعیف بر این مسند گماشته شده اند که حال سرداری نظامی که به یمن قدرت گرفتن احمدی نژاد پا در پروژه های نفتی کرده، از شانس تصدی این وزارت خانه برخوردار شده و نمایندگان هم که از حرکات بعدی احمدی نژاد و گزینه های ضعیف تر در لیست می ترسند، آنطور که اخبار این چند روزه نشان می داد، بر صدارت رستم قاسمی بر این وزارت خانه توافق کردند و شد آنچه نباید می شد.

سرنوشت مبهم پرونده ترور یک پزشک بعد از گذشت ده ماه

در حالیکه ده ماه از ترور دکتر عبدالرضا سودبخش می گذرد اما پیگیری های خانواده وی برای شناسایی آمران و عاملان این جنایت تاکنون از سوی مسئولین به نتیجه نرسیده است و از سوی دیگر شایعاتی مبنی بر مراجعه برخی از زندانیان کهریزک برای درمان توسط این پزشک ترور شده ابهام ها درباره این ترور را بیشتر کرده است. طی دو سال گذشته تا کنون علاوه بر ترور دکتر عبدالرضا سودبخش همچنین غلامرضا سرابی، دکتر معتمدی، استاد دانشگاه تهران و دکتر مسعود علی محمدی ترور شده اند. ترورهایی که تا کنون عاملان هیچ یک از آنها معرفی و یا شناسایی نشده اند. این در حالی است که مقامات قضایی و امنیتی ارتباط این ترورها را با مسائل سیاسی کشور را رد می کنند.

دامون سودبخش فرزند دکتر عبدالرضا سودبخش اعلام کرد که نامه ای در این زمینه برای وزیر بهداشت نوشته است.

وی با اشاره به بخشی از آن نامه گفت: در آن از وزیر بهداشت درخواست کردم که از تمام توان خود برای پیگیری پرونده استفاده کند. به طور مثال طبق گفته یکی از فرماندهان نیروی انتظامی از وزارت علوم برای پرونده کهریزک استعلام کرده و وزارت علوم هم پاسخ داده که دکتر سودبخش ربطی به کهریزک ندارد. در حالیکه وزارت علوم هیچ ارتباطی به وزارت بهداشت که دانشکده های پزشکی زیر نظر آن فعال می کنند ندارد و یا باید صحت اصل خبر را زیر سوال برد یا به انگیزه طرح چنین مسایلی فکر کرد. البته موارد دیگری نیز در نامه آورده شده اند.

فرزند این پزشک اعلام کرد که در این پرونده نه متهمی دستگیر شد و نه کسی یا ارگانی متهم به این عمل فجیع شد. همچنین آقای جعفری دولت آبادی در مصاحبه ۱۴ اردیبهشت خود نیز گفته اند که سرنخ جدی برای این پرونده پیدا نکرده اند.

وی اظهار امیدواری کرد تا این پرونده توسط فردی متعهد به اخلاق و دور از بازیهای سیاسی بررسی شود و به نتیجه برسد که این حداقل ادای دین به شرافت حرفه ای و خدمات پدرم به ملت ایران است.

سید حسن خمینی: وضع معیشتی سختی در جامعه حاکم است

سید حسن خمینی نسبت به مشکلات اقتصادی هشدار داد و گفت: بیکاری گسترده و فقر عمیقی در جامعه وجود دارد و وضع معیشتی سختی حاکم است. وی افزود: عزت یعنی رخنه در دل های مردم. هیچکس نمی تواند عزتی که خداوند به کسی داده، از او بگیرد. خداوند گاهی اوقات کسی را عزیز می کند که همه می خواهند او ضعیف باشد.

سید حسن خمینی با بیان اینکه حضرت امام خمینی (س) در جامعه ما مظلوم است، گفت: مهمترین دلیل مظلومیت امام این است که آنگونه که باید، امام را نشناخته ایم و آنگونه که واقعیت امام بود، معرفی نشده است. یکی از مهمترین ابعاد وجودی امام این بود که ایشان، منیت را در خود کشته بود. او یک پا روی "من" گذاشته بود و پای دیگر، را در کوی دوست نهاده بود.

اخبار کوتاه

> معاون فرمانده انتظامی هرمزگان از دستگیری ۳۰ جوان در بندرعباس به دلیل «آب بازی» خبر داده است.

> تحلیل آمارهای اعلام شده توسط پلیس نشان می‌دهد که سرقت‌های مسلحانه در ایران از سال ۸۷ تا سال ۸۹ سیر صعودی داشته است.

> با حکم جدید دستگاه قضایی، عیسی سحرخیز، روزنامه نگار و فعال سیاسی دو سال بیشتر در زندان خواهد ماند.

> احمد زید آبادی رییس سازمان دانش آموختگان ایران اسلامی (ادوار تحکیم وحدت) پس از بیش از ۷۵۰ روز حبس به مرخصی آمد.

> آیت دستغیب می‌گوید عملکرد نامناسب مسئولین بعد از انتخابات موجب رنگ باختن اعتقادات مردم شد.

> ناصر تقوایی کارگردان سینما از سازمان ملل درخواست کرد گزارشگر ویژه خود را زودتر به ایران بفرستد تا وضعیت زندانیان را از نزدیک ببیند و از آنها دفاع کند.

> گزارش‌های حاکی‌ست که نزدیک به چهار میلیارد دلار پول ایران به دلیل تحریم‌ها در کره جنوبی «معلق» خواهد ماند.

> احمد شهید، گزارشگر ویژه حقوق بشر خواستار فراهم شدن مقدمات حضورش در ایران شد.

> مسئولان زندان اوین بر شیشه‌های ۲جداره و قطور کابین ملاقات زندانیان سیاسی با خانواده‌های‌شان میله‌های آهنی نصب کرده‌اند که این عمل باعث دشوارترشدن این ملاقات‌ها شده‌است.

> در پی گردهم‌آیی اعتراض‌آمیز کارگران شرکت مخابراتی راه دور ایران که ۲۰ ماه است حقوق نگرفته‌اند مسیر میدان امام حسین تا بلوار آزادی شیراز مسدود شد. اعتراض این کارگران به عدم اجرای تعهّدات دولت در قبال این شرکت است که پیش‌تر و پس از تجمّع دیگر این کارگران اعلام شده‌بود.

> آریا آرام نژاد هنرمند و خواننده حامی جنبش سبز که خود مدتی زندانی بود به دیدار پروین فهمی مادر سهراب اعرابی از شهدای جنبش سبز رفت.

> یک عضو کمیسیون اجتماعی مجلس تاکید کرد: کشوری که رشد اقتصادی صفر و تورم دو رقمی دارد نمی تواند تعطیلاتش را افزایش دهد.

بنی الاسلام علی کلمتین کلمه التوحید و توحید الکلمه

کلمه

WWW.KALEME.COM

روزنامه کلمه، شماره نود و پنجم، دوشنبه، ۱۷ مرداد ۱۳۹۰ ، شمارگان: ما بیشماریم

نامه مهدی کروبی به پسرش حسین

مهدی کروبی که نزدیک شش ماه است به همراه همسرش در زندان خانگی بسر می برد در نامه ای به پسرش حسین نوشت: « یقین داشته باشید این دوران سخت و دشوار پایان خواهد یافت. زشتی و شرمندگی می ماند برای افراد و مسئولینی که ظلم می کنند و بر خلاف قانون و شرع حقوق مردم را پایمال می نمایند.» متن کامل این نامه را در سایت کلمه بخوانید.

درخواست آیت الله صانعی برای کمک به سومالی

دفتر آیت‌الله‌العظمی یوسف صانعی با اختصاص شماره حسابی مورد وثوق از مردم دعوت کرد با توجه به گرسنگی و بی‌آبی ناشی از خشکسالی در شرق آفریقا کمکهای خیرخواهانه خود را به مردم کشورهای این منطقه و به خصوص سومالی اختصاص دهند. شماره حساب برای این کمک خیرخوانه در سایت این مرجع منتشر شده است.

طفلی به نام شادی، دیریست گم شده است

با چشم‌های روشن براق/با گیسویی بلند... به بالای آرزو/هر کس از او نشانی دارد/ما را کند خبر/این هم نشان ما/یک سو خلیج فارس/سوی دگر خزر....«شفیعی کدکنی»

۱ – شکل گیری قرار در شبکه های اجتماعی برای برگزاری مراسمی از جنس آب بازی، پدیده‌ای است اجتماعی که هر گونه مواجهه سیاسی با آن یک «خبط آشکار» است. شناسایی «انگیزه» شکل گیری این قرارها کار دشواری نیست و با یک نظر سنجی ساده از همان‌هایی که در این شبکه‌ها حضور دارند ممکن می‌شود. البته اندکی تعقل هم می‌شود پی برد که انسان برای «شاد بودن» انگیزه‌ای نمی‌خواهد بلکه شادی خود یک انگیزه قوی برای بسیاری از رفتارها و رابطه هاست.

۲– شادی از جنس آزادی است و چه بسا نمونه ناب و اعلای آزادی است. آنگاه که شادی را از کسی دریغ می‌کنیم، بی‌هیچ محاکمه‌ای او را مجازات کرده‌ایم. حکومت‌هایی که شادی را از مردم خود دریغ می‌ورزند و راه بر شادی مردم می‌بندند، خواسته یا ناخواسته، کشور را به زندان بزرگی تبدیل کرده‌اند که در آن همه شهروندان بی‌محاکمه و بی گناه به زندان افتاده‌اند. وسعت این زندان مهم نیست، مهم آن است که بندیان آن نمی‌توانند شادی کنند. با این وصف، قرارهایی از جنس «آب بازی»، شکل گیری قرارهایی برای شادی است و شاید هم قرارهایی است برای فرار، فرار از دنیای سیاهی که سیاستمدارانشان (حاکمانشان) برایشان ساخته‌اند.

۳– آنچه در این مدت در بوستان‌های تهران زخ داد، یعنی زندگی هم چنان ادامه دارد. دسته‌ای از جوانان ایرانی، فارغ از هر گونه موضع گیری سیاسی و جناحی به حکم غریزه، قدرت ابتکار خویش و شبکه‌های اجتماعی خود را به رخ همه کشیدند و اعلام کردند: ما می‌توانیم زندگی کنیم، آن گونه که می‌خواهیم؛ ما می‌توانیم بخندیم با همه دردها. آن‌ها به سادگی هر چه تمام‌تر، رو به همه تریبون‌های غوغاگر و بی‌مایه‌ای که خود را سرچشمه همه فضایل می‌دانند نوشتند: این مائیم که «مردمان سر رودیم» و حتی اگر فضای جامعه گِل الود انحرافات رنجیره‌ای حاکمان باشد، ما آب بازی می‌کنیم اما آب را گِل نمی‌کنیم.

۴– کاش حاکمان و والیان به جای آنکه به فکر تادیب و تنبیه و تهدید جوانانی باشند که در این کارناول‌های شادی حضور داشتند، اندکی از آنان بیاموزند. کاش تنوع جمعیتی آنان را ببینند و به ماهیت غیر متمرکز شبکه‌های اجتماعی پی ببرند تا هر آنچه را در این شبکه‌ها می‌بینند و می‌شنوند به توطئه دشمنان نسبت ندهند. کاش از شادی یکسان قشرهای مختلف جامعه یاد بگیرند که نه تنها شادی و آزادی، بلکه خواسته‌های اصیل و نیازهای واقعی آدمی «ز هرچه رنگ تعلق پذیرد آزاد است». کاش به جای سخن گفتن به زبان آتش – درباره آنچه در بوستان «آب و آتش»، رخ داد–، چشم‌هایشان را به آب بشویند و حقیقت جامعه را آنگونه که هست ببینند.

۵– جامعه‌شناسان گفته‌اند: «توتالیتاریسم از طریق ایدئولوژی به دو شیوه جامعه مدنی را در هم می‌شکند و شرایط جامعه توده‌ای را اساسا تشدید می‌کند: یکی از طریق ویران کردن روابط میان انسان‌ها و دیگری از طریق ویران کردن روابط ادراکی انسان‌ها با واقعیت». یعنی، مواجهه امنیتی و سرکوبگرانه حکومت با مناسبات جدید اجتماعی، نشانه بارز در گیری یک حکومت توتالیتر با جامعه‌ای است که مناسبات حکومتی را بر نمی‌تابد و به آنچه به نام ایدئولوژی و یا ارزش در تریبون‌های رسمی حکومت تبلیغ می‌شود، بی‌اعتناست. به عبارتی دیگر، شکل گیری این قرارها در شبکه‌های اجتماعی، نوید شکل گیری جامعه‌ای را می‌دهد که نه تنها مقهور و مغبون ساختار توتالیتر حکومت نشده است بلکه بزودی مناسبات و روابط خود را بر ساختار سیاسی قدرت تحمیل خواهد کرد.

نگاهی به کارنامه‌ی حکومت نااهلان و نامحرمان بر انقلاب

امام خمینی: نگذارید انقلاب به دست نااهلان و نامحرمان بیافتد

هنگامی که عدالت و آزادی و حقوق فردی و اجتماعی انسان‌ها در مسلخ کودتا، شکنجه، حبس‌های غیرقانونی و قتل و کتک زدن مردم کوچه وخیابان قربانی می‌شود باید منتظر عواقب این جنایت‌ها و ظلم‌ها به شکل‌های گوناگون باشیم. اکنون مدتی است که دستگاه‌های مختلف بار مسئولیت خود را در قبال امنیت اجتماعی و اخلاق اجتماعی به دوش این و آن می اندازند. در این بازی جدید که عبارت است از خنثی سازی تا حذف احمدی‌نژاد و فرقه‌های او، مجلسیان فرصتی پدید آورده‌اند تا نامحرمان دولت یعنی عامه مردم هم فرصتی پیدا بکنند که از زبان طیف دیگری از انحصار طلبان و زور مداران با ابعادی از آنچه که امروز در جامعه ما می‌گذارد آگاهی پیدا بکنند. سخن از این به میان می‌رود که تعداد قتل با چاقو و قمه از اندازه قابل تحمل خارج شده، طلاق افزایش شدید پیدا کرده به حدی که آمارهای آن در لیست محرمانه‌ها و سری‌ها قرار گرفته، خودکشی در کشور بی‌داد می‌کند جرائم جنسی و ایدز، حتی جرائم اطفال و سرقت و زورگیری به مرز رکوردهای بدترین محلات فقیرنشین‌ترین شهر آفریقا رسیده است.

فرمانده نیروی انتظامی در مجلس سخن از افزایش جرائم و جنایات در دوره پس از انتخابات سال ۱۳۸۸ به میان می‌آورد. وقتی آنها اولویت خود را حمله به مظلوم‌ترین و پاکدامن‌ترین و شریف‌ترین آحاد این ملت قرار می دهند که تمام حرف‌شان سوال از رایشان است، وقتی دستگاه‌های نظامی و انتظامی و امنیتی خدوم‌ترین و شایسته‌ترین فرزندان این ملت را هدف قرار می‌دهند و تمام هم و غم خود را سرکوب و شکنجه و زندانی کردن و اقرارگیری از آنها قرار می‌دهند معلوم است که این رویکرد به نوعی چراغ سبزدادن به دزدان و قاتلان و جانیان و متجاوزان خواهد بود.

وقتی هزاران نیرو بسیج می‌شوند تا مردم بر سر قبر ندا آقاسلطان فاتحه نخوانند، وقتی هزاران نیرو بسیج می‌شوند تا مراسم ختم هدی صابر در یک شرایط وحشتناک خفقانی برگزار شود وقتی هزاران نیروی بسیج می‌شوند تا مجلس ختم عزت‌الله سحابی برگزار نشود. آری فرمانده سرکوبگران برای یک بار هم که شده حرف راست به زبان جاری کرده آنجا که می‌گوید: که پس از انتخابات جرائم رشدی سریع پیدا کرده‌اند.

وزیر کشور ریشه همه این افزایش افسار گسیخته در جرائم اجتماعی و رشد مضاعف و ناهنجاری‌های طاقت‌سوز را سرخوردگی اجتماعی ذکر می‌کند. آیا او می‌داند چه بر زبان رانده؟! دولت و هم‌پیمانان آن فضایی به وجود آورده‌اند که اگر کسی جرم و جنایت را پیشه خود سازد کسی کاری به کارش ندارد اما اگر روزنامه نگاری یا متفکری از سر درد و دلسوزی درباره این جرم و جنایت‌ها حرف بزند متهم به تشویش اذهان عمومی و اختلال در نظم می‌شود و بایست از دست دادن حقوق اجتماعی و زندان را به جان بخرد.

چرا وزیر کشور جرات نمی‌کند که بگوید نسبت طلاق به ازدواج در ایران در سال ۵۸ کمتر از ۷ درصد بوده و الآن بیش از دو برابر شده است؟ فرق دولت کودتایی با دولتی که براساس خواست مردم سر کار می‌آید اینجا نیز ظاهر می‌شود چرا وزیر کشور نمی‌گوید که ۸۵ درصد فاحشه‌ها کسانی را در بر می‌گیرد که در سنین ۱۵ تا ۲۴ سال قرار دارند؟ چرا وزیر کشور نمی‌گوید که ۳۰ درصد مبتلایان به ایدز به واسطه روابط جنسی دچار این عارضه شده‌اند و بالاترین درصد در میان آنها اختلاط مردان با مردان است؟

چرا وزیر کشور نمی‌گوید که ۸۵ درصد معتادان اولین تجربه منجر به اعتیاد را در سنین کمتر از ۱۵ سال به دست می‌آورند؟ آری. میان آنچه که فرمانده نیروی انتظامی گفته یعنی افزایش جرائم به دنبال کودتای انتخاباتی سال ۱۳۸۸ و آنچه که وزیر کشور به زبان رانده یعنی سرخوردگی اجتماعی به عنوان ریشه اصلی اوج‌گیری ناامنی‌های اجتماعی همه یک چیز را منعکس می‌کند و آن هم این است که کودتاچیان به همان اندازه که در نابود کردن درآمدهای نفتی مقصرند در گسترش ظلم و جنایت و تجاوز و ناامنی و آنچه که بر سر ملت می‌آید نیز مقصر می‌باشند.

مردم ما امروز که خاطرات بحث‌های میرحسین موسوی را در دوران انتخابات مرور می‌کنند، می‌بینند که همه حساسیت‌هایی که او داشت و همه راهکارهایی که او توصیه می‌کرد، می‌توانست نجات‌بخش کشور از فقر و فلاکت و ظلم و بی‌دادگری و فساد باشد. میرحسین امروز از دسترس ما خارج است. باید اومی بود و می دید و به ما می گفت که ریشه های بحرانی که امروز دچار آنیم چیست؟ میرحسین کجاست که ببیند هر آنچه که باعث شده بود تا سکوت بیست ساله ی خود را بشکند و همه ی احساس خطرهایی که کرده بود و بر مبنای آن آبروی خود را به میان گذاشت و پا به عرصه نهاد امروز برای همگان از روز روشن تر شده است.

میرحسین موسوی به جای مبارزه با معلول‌ها سراغ ریشه‌ها و علت‌ها رفته بود. او معتقد بود سرمنشأ فساد سرکردگان دولتی هستند که هیچ الزامی برای گزارش‌دهی به مردم درباره نحوه هزینه‌کرد صدها میلیارد دلار درآمد ارزی نمی‌بینند. مهندس میرحسین موسوی معتقد بود که هر کسی برای مبارزه با فساد و ناهنجاری‌های اجتماعی طریق افشاگری و هتک حریم مردم را انتخاب کرده باشد، او خود دزدی است که برای رد کم کردن فریاد آی دزد آی دزد سر می‌دهد. آنچه که طی ماه‌های اخیر از مفاسد دولت کودتا افشاء شده تأیید کننده دانش و تجربه راهگشای میرحسین موسوی است. او معتقد بود که اگر دولت به جای دروغ گویی راه صداقت با مردم در پیش بگیرد هیچ نیازی به دادن آمارهای دروغ ندارد.

شهید بهشتی : ما شیفتگان خدمتیم، نه تشنگان قدرت

این حرف امروز بسیاری از دلسوزان کشور و انقلاب است که: اگر قرار است امنیت اجتماعی در کشور حاکم شود اولویت‌ها باید تغییر کند، بهترین فرزندان این مرز و بوم که در زندان ظلم و جور گرفتار هستند آزاد شوند و به جای آنها متجاوزین به نوامیس و اموال و جان مردم در زندان قرار گیرند.

میرحسین موسوی را به کمک بگیرید تا ریشه‌های بی‌خردی و ماجراجویی را در سیاست خارجی بخشکاند و با تکیه بر اعتماد مردم از موضع قدرت و صداقت تدبیر درباره منافع ملی با خارجی ها طرف مذاکره باشد در آن صورت خواهید دید که حتی خارجی‌ها هم به راستگو بیشتر اعتماد می‌کنند؛ همانطور که در دوران سید محمدخاتمی شاهدش بودیم.

معلم زندانی همچنان بلاتکلیف در بازداشتگاه اطلاعات مشهد

هاشم خواستار، زندانی سیاسی و عضو انجمن صنفی معلمان ایران چهارم مرداد ماه امسال یعنی درست روز آزادی اش از زندان وکیل آباد مشهد دوباره بازداشت شد . اقدامی عجیب که کمتر در سیستم قضایی ایران رخ داده است . هاشم خواستار به دو سال حبس محکوم شده بود که این دوران را با وجود بیماری شدید گوارشی بدون استفاده از هر گونه مرخصی در زندان وکیل آباد مشهد گذراند . زندانی که به لحاظ شرایط بهداشتی و رفاهی وضعیت بسیار نامناسبی دارد .

هاشم خواستار چند هفته ای قبل از تاریخ آزادی اش در نامه ای خطاب به رییس قوه قضاییه و دادستان مشهد درباره وضعیت ناگوار زندان وکیل آباد مشهد نوشت. نامه هایی که گفته می شود یکی از دلایل دوباره بازداشت آقای خواستار بوده است . همسر این معلم زندانی درباره آخرین وضعیت شوهرش می گوید: آقای خواستار الان در زندان نگهداری نمی شوند و در بازداشتگاه وزارت اطلاعات به سر می برند. وی اضافه می کند: همسرم بیمار است ، اما در اداره اطلاعات گویا چند باری دکتر به او سر زده و الان حالش کمی بهتر شده است آقای خواستار در ملاقاتی که داشتیم گفتند زندان به من خیلی سخت گذشت ، اما اینجا (اطلاعات) برخورد مناسب تری داشته اند .

بنی الاسلام علی کلمتین کلمه التوحید و توحید الکلمه

کلمه

WWW.KALEME.COM

روزنامه کلمه، شماره نود و ششم، چهارشنبه، ۱۹ مرداد ۱۳۹۰ ، شمارگان: ما بیشماریم

نظر یک نویسنده درباره ربنای شجریان

رضا امیرخانی نویسنده اصولگرا گفت: «صداوسیمایی که به دلیل موضع‌گیری سیاسی آقای شجریان، ربنای او را پخش نکند، احساس انسداد در مردم ایجاد می‌کند. صداوسیما باید به قدری ربنای شجریان را پخش کند که رئیس آن به مخالفان که«ربنا» ربطی به اظهارات سیاسی شجریان ندارد.»

حضورآیت الله بیات زنجانی در فضای مجازی

آیت الله العظمی بیات زنجانی از مراجع تقلید و از مراجع حامی جنبش و همراه مردم حضور خود در فضای مجازی را با وجود فیلتر سایت شخصی اش بیشتر کرد.این مرجع بزرگوار، در تداوم ارتباط با مردم اخیرا صفحه ای ویژه در شبکه اجتماعیِ «فیس بوک» راه اندازی کرده است.

اعتصاب پارچه‌فروشان در بازار تهران وارد دومین هفته شد

اعتصاب صنف قماش و پارچه‌فروشان در بازار تهران امروز در حالی وارد دومین هفته شد که مطبوعات و خبرگزاری‌ها در این باره آشکارا سکوت کرده‌اند.

کسبه و بازاریان صنف قماش و پارچه در بازار تهران که از دوشنبه هفته گذشته – دهم مردادماه – در اعتراض به شیوه‌ی اجرای مالیات بر ارزش افزوده دست به اعتصاب زده بودند، همچنان مغازه‌های خود را بسته نگه داشته‌اند.

بخش‌های مختلف صنف پارچه از جمله تولیدکنندگان و فروشندگان پارچه‌های پرده‌ای، لباس‌کار، روپوش مدارس و مانتو، پارچه‌های ملحفه‌ای، جین، فاستونی، چادری، آستری و پارچه‌های خارجی که در پاساژها و سراهای مختلفی در بازار فعالیت دارند، در این اعتصاب مشارکت کرده‌اند.با بسته شدن مغازه‌های طاقه‌فروشی، اعتصاب گسترده‌تر از قبل شده و پیش‌بینی می‌شود که در صورت حل نشدن موضوع در چند روز آینده، دامنه‌ی اعتصاب به شهرستان‌های بزرگ کشور نیز گسترش یابد.

این اعتصاب در واکنش به ابلاغ دستور اداره مالیات برای ثبت نام کسبه فعال در این صنف جهت پرداخت ۴ درصد مالیات بر ارزش افزوده صورت گرفته است.بر اساس این گزارش، امروز وقتی رئیس اتحادیه در جمع بازاریان معترض حاضر شد تا آنها را به شکستن اعتصاب خود راضی کند، با فریادهای اعتراضی و هو کردن آنها روبه‌رو شد و در نتیجه مسئولان اتحادیه بدون هیچ نتیجه‌ای بازار را ترک کردند.

بر اساس این گزارش، در بازار پارچه‌فروشان معاملات غالبا با چک‌های مدت‌دار ۴ تا ۹ ماهه‌ی مشتریان انجام می‌شود و در نهایت هم، با توجه به مشکلات اقتصادی موجود، به طور قطعی و صددرصدی مشخص نیست که چه مقدار از این چک‌های دریافتی در تاریخ سررسید پاس می‌شوند.

اعضای این صنف می‌گویند در شرایطی که هیچ تضمینی برای پاس شدن چک‌ها وجود ندارد، چگونه اداره مالیات می‌خواهد از درآمدی که مشخص نیست بعد از به طور متوسط شش ماه وصول شود یا نه، مالیات اخذ کند.

این در حالی است که اداره مالیات در اقدامی جداگانه، مالیات بر درآمد حاصل از فروش را نیز از بازاریان می‌گیرد و گرفتن مالیات بر ارزش افزوده به صورت جداگانه، فقط باعث تورم مضاعف و افزایش قیمت‌های تمام شده خواهد شد.

حمایت سروش از شروط خاتمی برای حضور در انتخابات

«عبدالکریم سروش» فیلسوف و نواندیش دینی از شروط خاتمی برای حضور در انتخابات مجلس حمایت کرد.

وی در گفت و گو با تلویزیون «رسا» گفت: «زمانیکه شروط آقای خاتمی مطرح شد علی رغم اینکه واکنش های منفی در خارج از کشور دیده می شود اما من شروط ایشان را بسیار پسندیدم.»

محمد خاتمی، رئیس جمهور سابق کشور بارها اعلام کرده است «آزادی زندانیان و ایجاد فضای آزاد برای همه و گروه‌ها، پایبندی مسئولان به قانون اساسی و فراهم آوردن سازوکاری برای برگزاری انتخابات سالم و آزاد» از جمله شرایط حداقلی برای شرکت در انتخابات است.

«سروش» درباره این شروط افزود: «صرفنظر از اینکه این شروط تحقق پذیر باشد یا نباشد می توان از آنها به عنوان خواسته های مدنی اساسی، بسیار مثبت و منطقی نام برد که جای هیچ شبهه ای در آنها نیست.»

این محقق در عین حال گفت: «البته بنده خوش خیال نسبت به تحقق این شروط نیستم و قطعا آقای خاتمی هم خوش خیالی نمی کند چراکه اگر هر یک از این شروط در یک نظام استبدادی بخواهد عملی شود برابر با یک انقلاب است.»

وی البته معتقد است که انقلاب و اصلاح دو قطب متضاد هم نیستند و بستگی به زمینه وقوع دارند دارند به طوریکه در یک نظام آزاد اگر انقلابی ترین ایده ها داده شود اصلاح در آن نظام پدید می آید اما در یک نظام بسته ساده ترین ایده های اصلاحی که داده شود موجب انفجار و انقلاب می شود .

وی به یکی از این شروط که آزادی رسانه ها است اشاره کرد و گفت: «در کشور ما مدت هاست که به دستور رهبری و با فرمان فراقانونی و حکم حکومتی مطبوعات فضای بسته ای دارند. در واقع ریه های جامعه را بسته و خفه کرده اند و همین که صحبت از آزادی مطبوعات شود چنان تحول بزرگی است و چنان تغییری در شرایط پدید خواهد آورد که از یک طرف می توان آن را خواسته معقول و منطقی دانست و از طرف دیگر بعید است که نظام با این خواسته موافقت کند .»

این نواندیش دینی افزود: «اگر قرار باشد مملکت روی صلاح و رستگاری ببیند باید انتخابات آزاد برگزار شود چراکه با انتخابات آزاد مردم می توانند معتمدین خود را به مجلس بفرستند و از آنجا کم کم یک رشته اصلاحات تدریجی پیدا شود.»

وی بار دیگر شروط خاتمی را تایید کرد و گفت : «ممکن است این شروط کم و زیاد شود اما به صورت حداقلی بسیار درست و منطقی است و از این کمتر نمی توان خواست . »

«سروش» معتقد است که باید از فرصت انتخابات تا آخرین لحظه برای مباحثه استفاده کرد بعد تصمیم گرفت که وارد انتخابات شد یا نه.

وی افزود: « حرکت کسی مثل آقای خاتمی یک حرکت معقولی است که باید ادامه یابد. باید درباره شروط بحث کرد. باید این شروط را جا انداخت. باید حاکمیت را در مقابل یک توقع و انتظار منطقی قرار داد تا بعد تصمیم گرفت. »

جواد مجابی: ۶ هزار صفحه از آثارم در وزارت ارشاد معطل مانده است

جواد مجابی، نویسنده و شاعر ایرانی که حدود ۶ هزار صفحه از کتاب هایش در انتظار دریافت مجوز از وزارت ارشاد است گفت دیگر رغبتی به بازگویی مشکلات ناشی از سانسور ندارد.

آقای مجابی گفت: که مجموعه ای از رمان ها، اشعار، نمایشنامه ها و مجموعه مقالاتش بین یک تا سه سال است که در وزارت ارشاد مانده است.

آقای مجابی در نامه ای طعنه آمیز از وزارت ارشاد بابت ممیزی کتاب هایش تشکر کرد و نوشت: «می خواهم از مسؤولان کتاب وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی بابت چند سال معطلی برای جواب انتشار شش‌هزار صفحه شعر، رمان، داستان و مقاله‌هایم تشکر کنم.»او در بخش دیگر نامه اش نوشت: «مژده می دهم که همین میزان نوشته را به دست ایشان خواهم رساند. این نوشته‌ها شامل تاریخ طنز ایران، تاریخ نقاشی مدرن ایران، مجموعه مقالات و چند کتاب شعر جدید می‌شود.»

آقای مجابی در توضیح وضعیت آثار معطل مانده اش گفت: «درباره بعضی کتاب ها اصلا جواب نداده اند. نمایشنامه هایم را غیرمجاز اعلام کرده اند. درباره زندگینامه من از مجموعه "فرهنگ شفاهی" گفته اند که ۳۰ صفحه اش را کم کنیم. این کار را هم کردیم ولی هنوز مجوز نداده اند. یک کتاب دیگرم حتی صحافی هم شد ولی جلوی توزیعش را گرفتند.»

انتقادهای نویسندگان و مترجمان از وضعیت ممیزی کتاب در سال های اخیر افزایش یافته است. به گفته آقای مجابی «کافی است با ناشران صحبت کنید تا از ده ها کتابی که آنجا حبس شده سخن بگویند»

بیانیه روزنامه نگاران زندانی: حق دسترسی ایرانیان به اطلاعات مسدود شده است

جمعی از روزنامه نگاران زندانی در زندان های اوین و رجایی شهر به مناسبت فرا رسیدن روز خبرنگار، بیانیه ای را خطاب به ملت ایران صادر کردند. این روزنامه نگاران که تنها به دلیل نوشتن و گزارش کردن واقعیت های حاکم بر جامعه ایران هم اکنون در بندند، در ابتدای این بیانیه با تحلیل شرایط و وضع فعالان رسانه ای زندانی تاکید کرده اند: «هم اکنون بیش از ۴۰ نفر از روزنامه نگاران و فعالان رسانه ای کشور در زندان به سر می برند. تعدادی از آنها با احکام غیر قانونی برای همیشه و یا برای چندین ده سال از ادامه کار بازمانده اند و برخی نیز با نا امن بودن فضای کار حرفه ای زندگی در غربت و تبعید خود خواسته را به رغم میل خویش در پیش گرفتند.»

این روزنامه نگاران زندانی همچنین در ادامه بیانیه خود با اشاره به تعطیلی دو روزنامه «کلمه سبز» و «اعتماد ملی» نوشته اند: «تعطیلی دو روزنامه اعتماد ملی و کلمه سبز به عنوان دو روزنامه شاخص جنبش سبز ایران و دستگیری و در حصر خانگی قرار دادن مدیران مسوول و سیاستگذاران این دو روزنامه که از رهبران جنبش نیز هستند، اوج فشارهایی بوده که بر فضای جامعه ایران سنگینی کرده و آن را به سوی یک استبداد همه جانبه سوق داده است.»

آنها اعلام کردند: «با تعطیلی روزنامه ها و مراکز اطلاع رسانی و تعطیلی دفاتر خبرگزاری های خارجی و اخراج خبرنگاران و روزنامه نگارانی که قادرند واقعیت های موجود ایران را در داخل و خارج از کشور منعکس کنند ،عملا جریان آزاد اطلاعات و حق دسترسی شهروندان به اطلاعات مسدود شده است.»

اخبار کوتاه

* وزیر آموزش و پرورش گفت که کتاب‌های درسی دانش‌آموزان قرار است در جهت مبارزه باجنگ نرم تغییر کند.

* وزیر نیرو می‌گوید که کشور با کاهش منابع آبی روبرو است و در حال حاضر ایران به لحاظ تامین منابع آب، در وضعیت اضطراری به سر می برد.

* دریاچه پریشان یکی از زیباترین دریاچه‌های آب شیرین ایران واقع در شهرستان گلشهر کازرون خشک شد.

* عسکر جلالیان عضو کمیسیون انرژی می‌گوید با روند کنونی، فازهای پارس جنوبی وقتی کامل می‌شوند که گاز این مخزن توسط رقیب قطری خالی شده است.

* محمد خاتمی در پیامی به مناسبت روز خبرنگار گفت که میزان مقبولیت یک حکومت را می‌توان از آزادی رسانه‌هایش جستجو کرد.

* محمدرضا باهنر، نایب رییس مجلس از اصلاح‌طلبان خواهش کرد در انتخابات مجلس که در اسفندماه برگزار می‌شود شرکت کنند.

* کوهیار گودرزی، فعال حقوق بشر، و مادر او، پروین مخترع، توسط ماموران وزارت اطلاعات در شهر کرمان بازداشت شده‌اند.

* آیت‌الله محمود امجد از مهدی خزعلی زندانی سیاسی و فرزند آیت الله خزعلی خواست اعتصاب غذای خود را که در اعتراض به بازداشت خود بوده بشکنند.

* تاریخ دادگاه محسن آرمین عضو ارشد سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی برای ۱۹ مرداد بلافاصله پس از مصاحبه با روزنامه اعتماد و انتشار آن از سوی سایت های سبز اعلام شد.

* دبیرا جرایی خانه کارگر استان خوزستان گفت: دیروزکارگران کارخانه قند وتصفیه شکر اهواز در مقابل استانداری تجمع کردند.این کارگران از آذرماه سال گذشته تاکنون حقوق ، عیدی و پاداش خودرا دریافت نکرده‌اند.

* عضو کمیسیون اقتصادی مجلس، تحقق درآمد ۶۲ هزار میلیارد تومانی را در چارچوب اجرای قانون هدفمند کردن یارانه‌ها غیرمنطقی خواند و گفت: این درآمد به‌طور حتم تحقق نمی‌یابد و مشکلاتی را در اجرای قانون هدفمند کردن یارانه‌ها ایجاد می‌کند.

بنی الاسلام علی کلمتین کلمه التوحید و توحید الکلمه
کلمه
WWW.KALEME.COM
روزنامه کلمه، شماره نود و هفتم، شنبه، ۲۲ مرداد ۱۳۹۰ شمارگان : ما بیشماریم

ادامه ی سیاست غلبه به وسیله ی ایجاد خوف، نهایتا در نقطه ای به ضد خود تبدیل و آنگاه آمدن "روز خشم" و روزهای غضب ملی اجتناب ناپذیر می شود. فراعنه معمولا زمانی صدای ملت را می شنوند که بسیار دیر شده است.

میرحسین موسوی- بیانیه برای تحولات منطقه – بهمن ۸۹

استمرار جمعه های اعتراض در سوریه ؛ دیکتاتور به کشتار ادامه می دهد

جمعه ها در سوریه یکی پس از دیگری می آیند و می روند و هنوز «بشار اسد» صدای اعتراض مردم خود را نشنیده است و از آنها با نام «تروریست» نام می برد.

روز گذشته در جمعه اعتراضی دیگر که با نام « سر فرود نمی آوریم جز در برابر خدا» خوانده شد تظاهرات اعتراضی مردم بعد از نماز جمعه علیه حکومت بشار اسد ادامه پیدا کرد.

از فروردین که اعتراض ها در سوریه رنگی تازه گرفته بود سازمان‌دهندگان اعتراض‌ها از معترضان خواسته‌اند که هر جمعه در خیابان‌ها تظاهرات کنند و این قرار هنوز پابرجاست. هفته پیش جمعه «خدا با ماست» بود و این هفته در دومین جمعه ماه مبارک رمضان جمعه «سر فرود نمی آوریم جز در برابر خدا» پیش روی سوری ها قرار گرفت. هفته گذشته سوریه شاهد تظاهرات گستردهٔ مخالفان حکومت بشار اسد بود اما تانک های مستقر در برخی از شهرهای سوریه اقدام به شلیک به گلدسته مساجد برای جلوگیری از پخش اذان کردند.

روز گذشته هم با وجود سرکوب و کشتارهای وسیع مخالفان دولت بشار اسد که در روزهای اخیر از شدت بیشتری برخودار شده است، معترضان سوری با شعار « تسلیم سرکوب نمی شویم» به خیابان ها آمدند.

دیده بان حقوق بشر سوریه اعلام کرد بامداد دیروز دو نفر از معترضان توسط نیروهای نظامی این کشور کشته شدند.

تلویزیون العربیه به نقل از شاهدان عینی اعلام کرد شهرهای دیر الزور، حمص،سقا ،جبله ،دیر الزور، ادلب و حماه به رغم سرکوب شدید به خیابان ها آمده و بر ضد بشار اسد شعار می دهند.

یکی از شاهدان عینی در تماس با تلوزیون العربیه درباره شعار این هفته اعتراضات گفت: «رژیم بشار

اسد حتی درصورتی که در برابر هر معترض یک تانک قرار دهد، باز هم به اعتراضات ادامه خواهیم داد.

همچنین در آخرین خبرها در حالی‌که ترکیه با اعلام مهلتی ده روزه خواسته هایی را از سوریه برای خروج از بحران مطرح کرده که یکی از آنها عقب نشینی از حماه بود و این عقب نشینی به سرعت عملی شد، اما چند ساعت طول نکشید که نیروهای بشار اسد این بار به سمت حمص و مرز ترکیه لشکرکشی کردند و قتل عامی تازه به راه انداختند. این اتفاق در روز پنجشنبه گذشته رخ داد.

منابع آگاه سیاسی و دیپلماتیک در آنکارا فاش کرده‌اند که بر اساس مفاد توافق مطرح شده بین اسد و وزیر خارجه ترکیه، اردوغان ده روز برای آغاز اصلاحات در سوریه فرصت داده است. اما باز هم از سوریه خبر رسید که در نتیجه تیراندازی نیروهای امنیتی سوریه در شهر حمص ۱۵ نفر کشته شده اند و احتمال اینکه این آمار افزایش پیدا کند زیاد است.

رامی عبدالرحمن، مدیر گروه نظارت بر حقوق بشر سوریه، گفته است در جریان تیراندازی نیروهای امنیتی به سوی ساکنان منطقه باب عمرو در شهر حمص در روز چهارشنبه ۱۵ نفر کشته شده اند. رامی عبدالرحمن می گوید: «یک قتل عام در این منطقه به وقوع پیوست.»

یک فعال ناراضی هم در حمص نیز می گوید: نیروهای امنیتی دست به عملیات بزرگی در این شهر زده اند که با دستگیری ها، جست‌وجوی خانه به خانه و شلیک به سوی کسانی که می خواهند فرار کنند همراه است.

گروه فعال «کمیته همکاری محلی» در صفحه فیسبوک خود نیز نوشت: نیروهای امنیتی اقدام به ربودن اجساد کردند و به سوی اتومبیلی که یک غیرنظامی زخمی را حمل می کرد شلیک کردند که باعث توقف آن شد. بعد از آن تانکی این ماشین را زیر گرفت و له کرد.

منابع حقوق بشری، تعداد کشته‌های سوریه را بیش از ۲ هزار و ۳۰۰ نفر برآورد می‌کنند. بشار از آغاز اعتراض‌ها تا کنون در چند باری که در مجامع عمومی‌ظاهر شده، وعده‌هایی هم برای انجام اصلاحات داده است اما این وعده‌ها، بدون ارائه یک جدول زمانبندی ملموس، عملا تاثیری محدود بر معترضان داشته است.

روزشمار اتفاق های سوریه در ۵ ماه اخیر

* تظاهرکنندگان در سوریه خواهان اصلاحات دموکراتیک شدند/ ۲۴ اسفند ۸۹
* سکوت رسانه‌های حامی دولت احمدی‌نژاد درباره‌ی اعتراضات مردمی در سوریه/ ۲۵ اسفند ۸۹
* کشته شدن چند تن از معترضان سوری در تظاهرات/ تلویزیون سوریه: نفوذی‌های شورشی متفرق شدند!/۲۷ اسفند
* حمله نیروهای امنیتی سوریه به مراسم تشییع جنازه معترضان/ ۲۸ اسفند
* سازمان ملل متحد خواستار توقف خشونت نیروهای امنیتی سوریه در مقابل مردم معترض شد/ ۳ فروردین
* مشاور ارشد بشار اسد: خواسته های معترضان عادلانه است، اصلاح می کنیم/ ۵ فروردین
* به آتش کشیدن دفتر حزب بعث و تخریب مجسمه حافظ اسد/ ۷ فروردین
* مشاور بشار اسد: زندانی سیاسی نداریم /اینها طرح فتنه است/ ۷ فروردین
* وعده ی لغو وضعیت فوق العاده پس از ۴۸ سال از طرف دولت سوریه به معترضان/ ۸ فروردین
* سفیر ایران: اعتراضات اخیر در سوریه، فتنه‌ی طراحی شده از سوی دشمن است/ ۱۴ فروردین
* بشار اسد اصلاحات را آغاز کرد/ ۱۹ فروردین
* ۲۸ کشته در مراسم سوگواری در دو شهر سوریه/اخراج سردبیر روزنامه "تشرین"/ ۲۱ فروردین
* دولت سوریه مانع دسترسی پزشکان به مجروحان اعتراض های اخیر شد/ ۲۳ فروردین
* بشار اسد وعده اصلاحات می‌دهد، معترضان همچنان کشته می‌شوند/ ۳۰ فروردین
* دولت سوریه به خواست معترضان تن داد / لغو حالت فوق‌العاده پس از چهل سال/ ۳۰ فروردین
* اینترنت و تلفن همراه در پایتخت سوریه قطع شد/ ۳۱ فروردین
* استقرار لباس شخصی های سوریه در خیابانها برای سرکوب معترضان/ ۱ اردیبهشت
* افزایش آمار قربانیان اعتراضات امروز سوریه: شصت کشته در جمعه خونین/ ۲ اردیبهشت
* ورود تانک‌های ارتش سوریه به درعا / بیست کشته و دهها زخمی / ۵ اردیبهشت
* جلسه اضطراری شورای حقوق بشر سازمان ملل در مورد سوریه / استعفای ۳۰ عضو حزب حاکم بعث/ ۸ اردیبهشت
* تعداد اعضای مستعفی حزب بعث سوریه به ۲۰۳ نفر رسید/ ۸ اردیبهشت
* مخالفان بشار اسد در سوریه برای تظاهرات «روز خشم» آماده می‌شوند/ ۹ اردیبهشت
* اعتراض یک نماینده اصولگرای مجلس :سوریه مدارا کند؛ جواب تظاهرات مسالمت‌آمیز مردم گلوله نیست/ ۱۳ اردیبهشت
* در جریان سرکوب معترضان سوری در "جمعه نافرمانی"، دهها تن کشته و زخمی شدند/ ۱۷ اردیبهشت
* نیروهای امنیتی سوریه در چند شهر با تانک به معترضان حمله کردند/ ۱۸ اردیبهشت
* انتقاد نماینده دزفول از سانسور اخبار سوریه در رسانه های ایران/ ۲۶ اردیبهشت
* جسد نوجوان شکنجه شده سوری به دست خانواده اش رسید/ ۱۰ خرداد
* عقب نشینی بشار اسد؛صدها زندانی سیاسی سوری آزاد شدند/ ۱۲ خرداد
* ادعای بشار اسد: اگر مردم مرا نخواهند، استعفا می‌دهم/ ۲۴ خرداد
* تانک‌های ارتش سوریه مانع برگزاری مراسم سوگواری شهدا شدند/ ۵ تیر
* کشته شدن دهها سوری در جریان حمله ارتش / ۱۶ تیر
* تظاهرات نیم میلیونی در سوریه علیه بشار اسد/ ۱۸ تیر
* تظاهرات برای آزادی زندانیان سیاسی سوری به بازداشت ۳۰ روشنفکر منجر شد/ ۲۳ تیر
* تظاهرات میلیونی علیه دیکتاتور سوریه در «جمعه‌ی اسیران آزادی»/ ۲۴ تیر
* دستورجدید بشار اسد: لغو مجازات زندان برای خبرنگاران/ ۵ مرداد
* فریاد «الله اکبر» جوانان معترض سوری در پشت بام ها/ ۹ مرداد
* ارتش بشار اسد، حماه را به خاک و خون کشید/ ۹ مرداد
* پاسخ ناامیدکننده‌ی دیکتاتور سوریه به آخرین پادرمیانی‌ها: سازش در کار نیست، با تروریست‌ها می‌جنگم!/ ۱۹ مرداد
* قتل عام در حمص سوریه؛ نیروهای امنیتی جسد کشته شده ها را می ربایند/ ۲۰ مرداد

انگلیس که دیار کفر است، شما چرا به نام خدا مردم را می‌زنید و می‌کشید؟

یکی از خوانندگان کلمه در یادداشتی به نحوه پوشش خبری اتفاقات اخیر انگلیس در رسانه های وابسته به حاکمیت واکنش نشان داده و نوشته است:

باز یک اتفاقی در کشورهای استکبار جهانی افتاد و باز این رسانه های پر ادعای وطنی دست به کار شدند برای سفید نمایی وضعیت کشور و سیاه نمایی دیگر نقاط جهان! این بار بعد از چند ماه که دیکتاتور کشور دوست و برادر – بشار اسد – به مقابله با فتنه اغتشاشگران پرداخت و تودهنی محکمی به دشمنان زد و همچنان دارد می زند، ناگهان از قدرت خدا در انگلیس هم اغتشاشاتی شروع شد که رسانه های کذا و کذا را از خواب غفلت بیدار کرده، طوری که روزها از سرکوب های شدید لندن ابراز نگرانی می کنند و شب ها از غم ملت مظلوم و رنج کشیده انگلستان خواب ندارند.

رسانه ملی که نه انتشار خبر تجاوزهای اقصا نقاط میهن اسلامی را صلاح می داند و نه حتی از کشته شدن آن چند سرباز و کادر مظلوم نیروی انتظامی در درگیری با پژاک خبری می دهد، سینه چاک کرده که وا انسانا، وا حقوق بشرا. چه نشسته اید که غرب وحشی کشت و برد و در مقابله با رسیدن موج بیداری به لندن، هرچه خواست کرد و ... انگار نه انگار که در همان کشور دوست و برادر، فوج فوج آدم کشته می شود و این دلسوزان انسان و اسلام، کککشان هم نمی گزد.

کاش وقتی انگلیس امروز را با سوریه دیروز و ایران پریروز مقایسه می کنید، لااقل اینقدر شرافت به خرج می دادید که اعتراف می کردید اگر در این «موج بیداری انگلیسی» ذره ای خواسته سیاسی وجود داشت، افکار عمومی و رسانه ها دولتشان را مجبور می کردند با معترضان وارد مذاکره شود. کاش اینقدر به دروغ عادت نکرده بودید تا این را هم بگویید که روز اول این جماعت در مقابل اداره پلیس تجمع کردند و خواستار پاسخگویی شدند و همه بحران از وقتی شروع شد که پلیس به آنها بی محلی کرد، در حالی که اگر در کهن دیار ما و یا کشور دوست و برادر بود، در مقابل اداره پلیس که هیچ، تجمع در یک خیابان فرعی یا یک پارک بی سر و صدا هم همان دقایق اول با هجوم نیروهای گارد ویژه و بازداشت به اتهام برهم زدن نظم و آرامش پرندگان حاضر در پارک مواجه می شد!

لااقل از همان فلاح خبرنگار صداوسیمایتان در آن دیار کفر بپرسید که در تصورش هم می گنجد روزی خبر برسد که دولت فلان روزنامه یا فلان حزب را به خاطر حمایت از معترضان تعطیل کرده یا فلان رهبر سیاسی را ممنوع التصویر کرده و یا آن یکی را به اتهام زمینه چینی مخملی برای تظاهرات بازداشت کرده؟ اینها همه هیچ؛ همانقدر که همان خبرنگار آزادی عمل دارد که در خیابان های لندن راه برود و هر روز یک گزارش دروغ و راست علیه دولت استعمار پیر تهیه کند، شما هم در «آزادترین مملکت دنیا» چنین حقی برای خبرنگاران قائلید؟ برای خارجی‌ها هیچ، برای خبرنگاران داخلی این حق را می‌پذیرید؟

اگر سرخط خبرهای رسانه ملی تان شده اینکه یک نفر در لندن کشته شده، هرکه بوده و هر کار که کرده، یک اشاره ای هم به آن هزاران بیچاره ای داشته باشید که در کشور دوست و برادر دارند مثل گوشت قربانی، فدای سیاسی کاری های شما می شوند. لااقل از تلویزیون همان کشور دوست و برادر یاد بگیرید که کشته شدن مردمش را انکار نمی کند و مسکوت نمی گذارد، حتی اگر آن را به گردن گروههای موهوم مسلح بیندازد. لااقل اینقدر از شرافتتان خرج کنید که بگویید کسانی که این روزها در خیابان های لندن و دیگر شهرهای انگلیس آتش می زنند و غارت می کنند، با مردمی را که به خاطر رایشان به خیابان آمدند و از امام حسین تا آزادی را پیاده رفتند و حتی یک شیشه هم نشکستند، فرق دارند. اگر اینقدر از خودتان شرافت به خرج می دادید، شاید می شد باور کرد که این روزها واقعا نگران مردم مظلوم انگلیس شده اید!

بگذریم. این قصه سر دراز دارد ...

بنی الاسلام علی کلمتین کلمه التوحید و توحید الکلمه
کلمه
WWW.KALEME.COM
روزنامه کلمه، شماره نود و هشتم، دوشنبه، ۲۴ مرداد ۱۳۹۰ ، شمارگان: ما بیشماریم

ادامه اعتصاب پارچه فروش ها

دیروز هم به مانند ۱۳ روز گذشته بازار پارچه فروش های تهران تعطیل بود و اعتصاب این صنف ادامه دارد.خبرنگار کلمه از بازار خبر داد که روز گذشته اطلاعیه ای بدون سربرگ و مهر و امضای خاصی در بین کسبه و بازاریان معترض توزیع شد که از آنها می خواست تا ده نماینده برای مذاکره معرفی کنند.

خاتمی: مسیر تاریخ غلبه حق بر باطل است

سید محمد خاتمی گفت: مسیر تاریخ غلبه حق بر باطل و از پای درآمدن باطل است. انسان آگاه و با اراده می تواند در مسیر اراده خداوند قرار بگیرد و جبر تاریخ او را بی اختیار به این سو و آن سو نکشاند، بلکه او باشد که بر تاریخ حاکم می شود و مسیری که خداوند برای تاریخ معین کرده است را آسان تر و با مؤونه کمتر طی کند.

مهدی خزعلی چند ساعت بعد از آزادی از زندان:

روزی خواهد آمد که آنها را محاکمه کنیم اما عادلانه

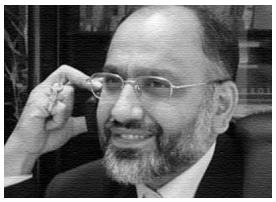

مهدی خزعلی رزمنده دفاع مقدس و فرزند آیت الله خزعلی که به خاطر نوشته ها و انتقادهایش برای بار دوم در یکسال اخیر به زندان رفته بود بعد از ۲۶ روز زندان و اعتصاب غذا آزاد شد. وی چند ساعت بعد از آزادی اش در گفت و گویی درباره دلیل بازداشتش گفت: آقایان وزارت اطلاعات مرا دعوت کرده بودند تا گفتگویی داشته باشیم و وسایل من را پس دهند. به جای گفتگو و استرداد وسایل شخصی من که دو سال و اندی در دستشان بود، در مقابل در اصلی وزارتخانه من را بازداشت کردند. آقایان گفتند ما می خواستیم با تو حرف بزنیم اما چون روز قبلش در سایتت نوشته بودی که به وزارت اطلاعات احضار شدی ما کفرمان در آمد. من سوالی دارم از همه، آیا اگر کسی کفرش دربیاید توجیه شرعی و قانونی دارد که فردی را بازداشت کند به انفرادی بیندازد؟

وی افزود: من قطعا از وزارت اطلاعات شکایت خواهم کرد و به طور جدی پیگیر شکایتم هستم. ضمنا کسی فکر نکند که اگر امروز قدرت دارد می تواند با اعمال نفوذ کاری کند بالاخره یک روز همه چیز تمام می شود.

خزعلی امیدوار است که روزی می آید ما همه ی این افراد را محاکمه می کنیم. وی سپس گفت: آن روز با قوت و با عدالت با آنها برخورد خواهیم کرد. بدی آنها باعث نمی‌شود که ما هم مثل خودشان رفتار کنیم و به آنها بدی کنیم. من در زندان برای آن ها نوشتم که به زودی ما آنهایی را که مرتکب این اعمال می شوند، محاکمه می کنیم، اما ابزار ما چشم بند و سلول انفرادی نیست. ما تمام حقوق زندانیان را رعایت خواهیم کرد. ما به آن ها فرصت خواهیم داد که وکیل داشته باشند و از خود دفاع کنند. مطمئن باشید که ما استوار تا آخر ایستاده ایم. تا روز پیروزی.

این رزمنده دفاع مقدس درباره اعتصاب غذای خود در زندان گفت: اگر اعتصاب کردم برای این بود که ظلمی را که به همه می رود اعلام کنم. من علیرغم اینکه پاسخ کافی برای اعتصاب غذا داشتم اما قبل از آن از ۴ مرجع تقلید تایید گرفتم.

وی مدتی را بعد از انفرادی به بند ۳۵۰ اوین منتقل شد و درباره این بند که زندانیان سیاسی حضور دارند گفت: "بند ۳۵۰ آزادترین جای ایران است." بچه ها آنجا آزادانه صحبت می کنند. خط قرمز ندارند. و با اینکه اختلاف فکری و سیاسی زیادی وجود دارد، گرایش های مختلف به راحتی یکدیگر را تحمل می کنند. در یک اتاق ممکن است ۵ گرایش فکری وجود داشته باشد اما همه آنجا خیلی دوستانه با هم مکالمه می کنند و با احترام با دیدگاه های یکدیگر برخورد می کنند. من دویست و دومین زندانی آن بند بودم و با جرات می گویم در نگاه و اعتقاد یک نفر هم ذره ای تزلزل و تردید ندیدم.

وی اعلام کرد که مطمئن است که پیروز می شویم و سپس گفت: ما الان در مسیری هستیم که نهایت آن رسیدن به آزادی و دموکراسی است. با هر تفکری در این قطار یا کشتی همسفریم. اندیشه ها ممکن است متفاوت باشد اما هدف یکی است و نفس حرکت مهم است. هر کس با کاری که در توان دارد. من با نوشتن، کسی دیگر با صحبت کردن. اما نهایتا ما به نتیجه می رسیم. زیاد دور نیست آن روز.

اخبار کوتاه

* نسرین ستوده در اعتراض به برخورد ماموران زندان اوین با خانواده‌اش می گوید از این به بعد از آمدن به ملاقات خودداری می کند.
* فعالان صنعت لبنی می گویند کارخانه‌ها قریب به ۳۰۰ میلیارد تومان بابت سال‌های ۸۹ و ۹۰ از وزارت بازرگانی طلب دارند.
* برخی از گاوداری ها از وایتکس برای ماندگاری بیشتر شیرهایشان استفاده می کنند و چون وایتکس یک ضدعفونی کننده قوی است مانع فاسد شدن شیر می شود!
* بیش از ۴۰ تن از زندانیان سیاسی سابق، در نامه‌ای خطاب به احمد شهید، برای کمک به وی در زمینه وضعیت حقوق بشر ایران اعلام آمادگی کردند.
* مرتضی مبلغ معاون سیاسی وزارت کشور اصلاحات می گوید اصلاح‌طلبان تنها با تامین شرایطی که از سوی محمد خاتمی عنوان شده در انتخابات شرکت می کنند.

مجاهدین خلق؛ نماد وابستگی، خشونت و ترور در ایران

سازمان مجاهدین خلق، «نماد خشونت و ترور» در ایران است و کمترین حضور این واژه و کمترین تعلق خاطر به این سازمان، کافی است تا مخاطب ایرانی به یاد خشونت و ترور و خیانت بیافتد. مادامی که شالوده فرقه ای و فردپرستانه‌ی این سازمان باقی است این سازمان چاره ای جز تمکین به بیگانگان برای خنجر زدن به ملت خود ندارد و هر کشور و نهادی که از این سازمان حمایت کند، خود را در میان مردم ایران بدنام می‌کند و در اذهان تاریخی مردم ایران به دفاع از خشونت و خیانت مشهور می‌شود.

دولتمردانی که فریب حمایت از این سازمان را می‌خورند تنها دیوار بی‌اعتمادی میان ملت‌ها را بالا می‌برند و خاطرات تلخ سیاست‌های ضدایرانی همچون کودتای ۲۸ مرداد را در اذهان مردم زنده می‌کنند.

سازمان مجاهدین خلق، رانده ملت ایران است؛ پیش از آنکه رانده دولت باشد. زنده کردن نام بدیُمن مجاهدین خلق، آرزوی شوم همه دشمنان دموکراسی و مردمسالاری در ایران است. خشونت طلبان از زنده شدن نام و یاد مجاهدین خلق خوشحال خواهند شد، چه در کنار آن‌ها باشند و چه در برابر آن‌ها؛ زیرا از خشونت، خشونت می‌زاید.

حضور این سازمان تروریست در هر نقطه‌ای از جهان می‌تواند، بهانه‌ای برای برخوردهای نامشروع اقتدارگرایان در ایران با فضای نقد و اعتراض باشد و آن‌ها تنها گروهی خواهند بود که از وجود و حضور رسمی آن‌ها استقبال خواهند کرد؛ حتی اگر در ظاهر خود را دشمنان آنان بخوانند.

سازمان مجاهدین خلق نماد خشونت و دشمنی، و نماد وابستگی و تکیه بر قدرت‌های بیگانه و درنتیجه نامشروع است و یادآور تلخ‌ترین خیانت‌ها هست. و امروز که ملت ایران، سر مشق مبارزه ی مسالمت آمیز و ضد استبدادی و نماد «استقلال و استغنا»ی ملتها است پیوند با «خشونت و وابستگی » را نمی پذیرد و حمایت هیچ دولتی را از خشونت و وابستگی برنمی تابد.

به پیروی از همراه بزرگ جنبش سبز، سازمان مجاهدین خلق را همچنان «منافقینی می‌دانیم که با خیانت‌ها و جنایت‌های خود مرده‌اند» و هشدار میرحسین موسوی را اینگونه تکرار می‌کنیم که «هیچ دولتی نباید برای کسب امتیازهای خود آنان را زنده کند و اگر چنین تلاشی کرد در خاطر ملت ایران به بدنامی نامبردار خواهد شد».

من به عنوان یک دلسوز می‌گویم منافقین با خیانت‌ها و جنایت‌های خود مرده‌اند، شما(حاکمان) برای کسب امتیازهای جناحی و کینه ورزی، آن‌ها را زنده نکنید.
(میر حسین موسوی، بیانیه شماره ۱۷)

در تاریخ معاصر ایران، هیچ حزب، سازمان و حتی هیچ فرقه‌ای به اندازه سازمان مجاهدین خلق در نزد ملت ایران بدنام نیست. هنوز ملت ایران، فراموش نکرده است که بهترین فرزندانش، توسط سازمان مجاهدین خلق به فجیع‌ترین شکل ممکن ترور شدند و به شهادت رسیدند و هنوز هزاران خانواده و فرزندان کسانی که توسط این سازمان ترور شده اند زنده و شاهد بر این جنایاتند. ملت ایران فراموش نمی‌کند که این سازمان در کنار صدام حسین، به جان و ناموس ایرانیان طمع کرد و همراه و یاور او در سرکوب و کشتار مردم ایران و عراق بود. ایرانیان به سالهای دفاع در برابر مجاهدین خلق و صدام افتخار می‌کنند و در هر فرصتی صدها هزار شهیدِ این دفاع مقدس را تکریم می‌کنند. مردم ایران به خوبی می‌دانند که این سازمان هنوز هم از منابع نامشروعی بهره می‌گیرد که در اساس متعلق به ملت عراق و ایران بوده است و آگاهند که بقای مالی و موجودیتِ محدود این سازمان، وابسته به حمایتهایی است که صدام حسین از زمان جَنگ علیه کشورمان از آنان نمود.

۲۲ زندانی سیاسی محروم از مرخصی در بند ۳۵۰ اوین

در حالی که مقامات قضایی از جمله دادستان تهران بارها ادعا کرده اند که همه زندانیان سیاسی از حق مرخصی و یا آزادی موقت بهره مند هستند، بسیاری از این زندانیان بویژه زندانیان حوادث پس از انتخابات و حامی جنبش سبز یا تاکنون از این حق استفاده نکرده اند و یا از آخرین مرخصی شان مدتها (در اغلب موارد بیش از یکسال) گذشته است. براساس خبرهای رسیده به کلمه، برخی از این افراد بیش از ۲۴ ماه است که بدون یک روز مرخصی در زندان اوین محبوس اند. عبدالله مومنی، سعید متین پور، محمد داوری، عباس نامی، بهمن احمدی امویی، نظام حسن پور، عماد بهاور، نوید کامران، امیر خسرو دلیرثانی، امیر بهمنی، مجید تمجیدی، حسین رونقی ملکی از جمله دهها زندانی سیاسی محروم از حق مرخصی هستند.

این در حالی است که براساس قوانین داخلی کشور مرخصی از حقوق اولیه همه زندانیان محسوب می شود و قانون در این مورد زندانیان سیاسی و عقیدتی را استثنا نکرده است.

مسوولان قضایی در مصاحبه های مختلف خود محرومیت زندانیان سیاسی از حق مرخصی را شایعه ی رسانه های به گفته آنها ضد انقلاب خوانده اند. متن کامل این گزارش را در سایت کلمه بخوانید.

* عبدالله مؤمنی سخنگوی ادوار تحکیم وحدت برای درمان ناراحتی پوستی اش که در زندان دچار قارچ شده و شنوایی گوشش که به دلیل ضربات حین بازجویی ضعیف شده‌است از بند ۳۵۰ زندان اوین به بیمارستان حضرت رسول منتقل شد. آقای مؤمنی در این بیمارستان با دست‌بند سبز حضور یافت.

صنایع لبنی در صف طلبکاران دولت قرار گرفتند

فعالان صنعت لبنی می گویند کارخانه‌ها قریب به ۳۰۰ میلیارد تومان بابت سال‌های ۸۹ و ۹۰ از وزارت بازرگانی طلب دارند.

روز گذشته ده‌ها نفر از مدیران کارخانه‌های تولیدکننده لبنیات از نقاط مختلف کشور برای پیگیری مطالبات قرارداد شیر یارانه‌ای خود در مقابل وزارت بازرگانی تجمع کرده و خواستار پرداخت مطالبات خود از سوی این وزارتخانه شدند.

مدیر یکی از کارخانه‌های لبنی معترض که در سالن انتظار وزارت بازرگانی حضور داشته، درباره تجمع گفته است: «کارخانه‌ها به دامداران بدهکارند. دامداران، کارخانه‌ها را تحت فشار قرار می‌دهند. ۳۰۰ میلیارد تومان پول کمی نیست. طی چند ماه اخیر، حقوق کارگران کارخانه‌ها عقب افتاده است. کارخانه‌ها دیون خود را نمی‌توانند پرداخت کنند و در حال ضرر دادن هستند.»

دو هفته پیش از این معاون مالی وزیر بازرگانی قول داده بود که بدهی دولت به کارخانجات لبنی پرداخت شود، اما هنوز این پرداخت انجام نشده است.

علاوه بر این بدهی ۳۰۰ میلیارد تومانی وزارت بازرگانی به کارخانجات لبنی، مدیرعامل اتحادیه سراسری دامداران هم گفته که پرداخت یارانه مصوب ۹۸۸ میلیارد تومانی دامداران طی سال‌های ۸۹ و ۹۰ از سوی دولت به تعویق افتاده است.

به این ترتیب دولت ۱۲۸۸ میلیارد تومان به این بخش بدهکار است و راهکاری برای پرداخت این بدهی نیز ارائه نکرده است.

* بیش از ۳۰۰ تن از دانشجویان و دانش‌آموختگان دانشگاه صنعتی شریف در ۲ نامه‌ی جداگانه به رییس قوّه‌ی قضاییه خواستار آزادی امید کوکبی و علی‌اکبر محمّدزاده دو نخبه کشورشدند.

بنی الاسلام علی کلمتین کلمه التوحید و توحید الکلمه

کلمه

WWW.KALEME.COM

روزنامه کلمه، شماره نود و نهم، چهارشنبه، ۲۶ مرداد ۱۳۹۰ ، شمارگان: ما بیشماریم

جنبش شما از دو سو مورد تهاجم قرار گرفته است: از یک سو اقتدار گرایانی که چشم به پست و مقام و زر و زور دارند و از سوی دیگر (مورد) تلاش بیگانگان و موج سواران بین المللی برای پی گرفتن مطامع خود.

میرحسین موسوی

گزارشی از حرکتی که اگر نه نامش، اما مرامش سبز بود

«اگر گفته می‌شود راه سبز را باید زندگی کرد سخنی پیچیده و تازه و دعوت به امری ناشناخته نیست. بلکه توجه دادن به همان چیزی است که دارید تجربه می‌کنید، و این که حرکت امروز مردم ما به خلاف عهدهای پیشین، آغاز نوعی از زندگی است. در همصدایی‌ها و پیوندها و چشم‌پوشی‌ها و یکرنگی‌ها و هوشمندی‌ها و سرزندگی‌هایی که ادامه این مسیر مستلزم آن است حظی وجود دارد که زندگی را سرشارتر می‌کند.» - میرحسین موسوی- بیانیه شماره ۱۳

راه سبز را باید زندگی کرد. میرحسین می گوید: «سبز بودن این نیست که همه را سبز کنیم، سبز بودن یعنی در کنار هم زیستن». حال می تواند این سبز بودن حتی از یک قرار فیس بوکی برای اقدامی انسانی شروع شود.

ماجرا به قرار عده ای جوان برمی گردد که روز پنجشنبه در حوالی پارک وی جمع شدند و برای رساندن صدای کودکان کار دو ساعت خود را جای آنها قرار دادند و شیشه خودروها را تمیز کردند. ۵۰۵ هزار تومان کمک جمع آوری و به حساب انجمن از حمایت از کودکان کار واریز کردند.

اقدامی که بازخوردهای بسیار مثبتی به همراه داشت. جوانان شرکت‌کننده در این حرکت بین ۱۸ تا ۲۵ سال داشتند.

یکی آن وسط خیابان گیتار می زد و برای مردم ترانه می خواند. برخی عابرین پیاده هم ترجیح می دادند که دقایقی بایستند و نظاره گر این حرکت متفاوت باشند.

پیام این ۱۰۰ – ۱۵۰ جوان به بچه‌هایی که در خیابان کار می‌کنند این بود: ما شما را درک می‌کنیم و به شما احترام می‌گذاریم. کاری از دست ما برنمی‌آید اما اقلا دو ساعت کار شما را انجام می‌دهیم و با مشتریان شما حرف می‌زنیم تا شاید نگاهشان را نسبت به شما تغییر دهیم. ما رو در رو به مشتریان شما می‌گوییم شما هم انسان هستید و حق زندگی و کودکی دارید و این انتخاب شما نبوده که در خیابانها کار کنید. این اتفاق به همه ما برمیگردد و ما در قبال شما بچه‌ها مسوولیم.

این حرکت ابتکاری و خودجوش ساعت ۱۰ و ۳۰ دقیقه شب به پایان رسید و فردای آن روز بار دیگر کودکان کاری که طبق منشورهای بین المللی مجاز به کار نیستند به سر چهارراه ها برگشتند اما شاید این برنامه انسانی و اخلاقی بتواند نقطه شروعی برای بیدار شدن وجدان های جامعه باشد.

گفت و گو با تاج‌زاده در زمان مرخصی از زندان:

انتخابات آزاد یا انتخابات رسوا؛ حد وسط نداریم

سیدمصطفی تاج زاده زندانی سیاسی با تاکید بر لزوم برگزاری انتخاباتی آزاد گفت: مادامی که انتخابات آزاد نباشد ما در انتخابات شرکت نمی‌کنیم، البته در انتخابات آزاد حتماً شرکت می‌کنیم و مردم را نیز با میل و رغبت به حضور دعوت می‌کنیم.

تاجزاده در گفت و گویی که در دوران مرخصی کوتاه مدت خود از زندان انجام شد، با اشاره به لزوم برگزاری انتخابات آزاد می گوید: جنبش سبز برای نخستین بار از مشروطه تاکنون یک انتخابات را ادامه داده و هنوز انتخابات سال ۸۸ برای مردم مسأله است و به دلیل گستردگی و عظمت جنبش از آن خارج نشده‌ایم. این مسأله باعث شده تا انتخابات آزاد تبدیل به یک خواست عمومی شود، درست مانند زمان شاه. حتی مطمئنم در انتخابات آینده بخشی از اصولگرایان از انتخابات آزاد سخن بگویند نه از انتخابات به تنهایی.

این عضو سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی بر این باور است که اگر اصلاح‌طلبان در انتخابات شرکت نکنند اصولگرایان تقسیم بر دو می‌شوند و به جان هم خواهند افتاد و با توجه به این‌که هر دو خود را عین اسلام می‌دانند و مخالفان خود را به راحتی با یک حکم بین‌الغی، واجب التهمه و واجب الافترا می‌خوانند، به این ترتیب حتی اگر مردم شرکت کنند، اینان چنان جلوی هم خواهند ایستاد و افشاگری خواهند کرد که به این نتیجه می‌رسند که پیروزی در انتخابات مجلس به هیچ وجه مناسب نخواهد بود.

وی معتقد است اگر بتوانیم سد نظارت نظامی- استصوابی را بشکنیم می‌توانیم به انتخابات آزاد برسیم، اما اگر نتوانیم آن وقت باید انتخابات را رسوا کنیم تا نظارت نظامی- استصوابی برای همیشه برچیده شود. از این زاویه تأکید بر شروط آقای خاتمی اصولگرایان را در مقابل دو راهی قرار می‌دهد. اگر بپذیرند که یک پیروزی برای جنبش است و اگر رد کنند اصولگرایان در آزمون راستی آزمایی شکست فاحشی می‌خورند. چرا که ثابت می‌شود علیرغم ادعاها از ۲۵ میلیون رأی برخوردار نیستند.

تاجزاده به تعریف انتخابات آزاد هم پرداخت و گفت: انتخابات آزاد یعنی این که صلاحیت هر کس که می‌خواهد در چارچوب قانون اساسی فعالیت کند رد نشود و هر کسی در انتخابات شرکت می‌کند حق دارد حزب، روزنامه، تجمع و امنیت کامل داشته باشد و بتواند از طرفداران خود دفاع کند و بعد هم بتواند برنامه‌های پیشنهادی‌اش را در امنیت کامل در مجلس پیش ببرد و طرفدارانش نیز امنیت داشته باشند. نه این که مانند انتخابات سال ۸۸ چند روز قبل از انتخابات حکم دستگیری ما صادر بشود. سپاه حکم ما را از آقای مرتضوی، متهم ردیف اول کهریزک گرفته بود، این اسمش انتخابات آزاد نیست. انتخابات آزاد با تمام مولفه‌های آن یعنی قبل از انتخابات امکانات عمومی به سود کسی بسیج نشود، بیت‌المال به نفع یک فرد یا جریان هزینه نشود، صدا و سیما و کمیته امداد به نفع یک جناح بسیج نشوند و از سوی دیگر همه از امکانات عمومی به طور مساوی استفاده کنند تا انتخابات معنای آزاد پیدا کند.

وی در پایان گفت: می توانیم جامعه ایی بسازیم که در آن کسی نتواند با ماشین از روی انسانی رد شود و یا جوانان را از روی پل پرتاب کنند. ای کاش همه دست به دست دهیم و هم به اقتدارگراها و هم اصول گراها و هم براندازها بگوییم بس است اینکه می خواهید یک تفکر را حذف کنید و تفکر خود را مستقر سازید، خشونت بس است حقوق یکدیگر را به رسمیت بشناسیم.

اخبار کوتاه

* قرارداد طرح توسعه میدان نفتی جفیر به ارزش تقریبی نیم میلیارد دلار به دلیل اختلاف شرکت بلاروس نفت و شرکت ملی نفت به حالت تعلیق درآمد.

* مدیرکل سابق دفتر بهبود تغذیه وزارت بهداشت می‌گوید برخی نانوایی‌ها به جای خمیر مایه از قرص آسپرین استفاده می‌کنند.

* رییس سازمان پزشکی قانونی ایران می‌گوید آمار خودکشی در سه ماهه نخست امسال نسبت به مدت مشابه سال قبل، نزدیک به ۵ درصد رشد داشته است.

* درپی تجمع دانشجویان بسیجی در مقابل سفارت بریتانیا در تهران در روز یکشنبه، کاردار بریتانیا آنها را به گفتگو درباره حقوق بشر دعوت کرد.

* وزارت ارشاد جمهوری اسلامی از چاپ هشتم منظومه «خسرو و شیرین» جلوگیری کرد. این ایرادات پس از ۹ قرن بر این منظومه وارد می‌شود.

* مهدی محمودیان عضو کمیته اطلاع رسانی جبهه مشارکت که بعد از انتخابات و به جهت افشای جنایات بازداشتگاه کهریزک دستگیر شده بود در حالی ۷۰۰ روز را در زندان می گذراند که حتی به تجویز پزشک قانونی از حق مرخصی استعلاجی جهت درمان "محروم" مانده است.

* جمعی از جوانان اصلاح طلب به همراه خانواده‌های برخی زندانیان سیاسی با حضور در خانه تعدادی از روزنامه‌نگاران زندانی، روز خبرنگار را به پاسداران حرمت قلم تبریک گفتند.

* یک عضو کمیسیون عمران مجلس با انتقاد از ساخت ۱۰ هزار واحد مسکونی در ونزوئلا از سوی ایران گفت: اگر دولت توان ساخت این تعداد واحد مسکونی را در خارج از ایران دارد، بهتر است این توان را برای حل مشکل مسکن کشور صرف کند.

بشار اسد اردوگاه آوارگان فلسطینی را هم به گلوله بست

سکوت رسانه‌ها و مسئولان ارشد ایران در قبال کشت و کشتارهای بی‌وقفه‌ای که بشار اسد در سوریه به راه انداخته، در حال تبدیل شدن به یک آزمون تاریخی و اخلاقی برای مدعیانی است که خود را سلسله‌جنبان بیداری اسلامی در منطقه و بلکه جهان می‌دانند، اما به خاطر زد و بندهای ضد ملی و غیر انسانی و بعضا منافع شخصی‌شان حاضر نیستند جنایات آشکار یک دولت سرکوب‌گر علیه ملت خود را محکوم کنند؛ جنایاتی که دامنه‌ی آن حتی به کشتن و از خانه راندن آوارگان مظلوم فلسطینی هم رسیده است.

اکنون دیگر بی‌اغراق می‌توان گفت که بشار اسد روی اسرائیل را سفید کرده است. دیکتاتور سوریه که متحدان ایرانی‌اش او را دشمن درجه یک اسرائیل در میان همسایگانش می‌نامند، در شب و روز گذشته در جریان سرکوب نظامی مردم شهر لاذقیه، با فلسطینیانی که در اردوگاه «الرمل» در این شهر پناه گرفته بودند، ابتدا به آوارگان فلسطینی ساکن این اردوگاه اخطار داد که باید محل زندگی خود را ترک کنند، سپس همزمان با دیگر نقاط شهر لاذقیه، به وشیله‌ی تانک‌ها و قایق‌های توپدار، منطقه‌ی محل سکونت فلسطینیان را هم گلوله‌باران کرد و تعدادی از آنها را کشت یا زخمی کرد، و بقیه را هم فراری داد.

آنطور که کریستوفر گانس، سخنگوی آژانس امدادرسانی سازمان ملل متحد اعلام کرده، پنج تا ده هزار نفر از این اردوگاه گریخته‌اند این در حالی است که تعداد کل ساکنان اردوگاه الرمل، ده هزار نفر بوده است.

این مقام سازمان ملل همچنین کشته شدن دست‌کم چهار تن از فلسطینیان و زخمی شدن دست‌کم ۲۰ نفر را نیز تایید کرده و خواستار آن شده است که این نهاد از اردوگاه آوارگان فلسطینی در لاذقیه دیدن کند. او گفته است: «در این اردوگاه در مجموع ده هزار فلسطینی زندگی می‌کردند و باید دید چه بلایی بر سر آنان آمده است.»

فراخوان اعتراض به ادامه زندان خانگی موسوی و کروبی

در آستانه پایان ششمین ماه بازداشت خانگی رهبران جنبش سبز، نزدیک به ۳۰۰ چهره فعال سیاسی، فرهنگی، هنری و اجتماعی به همراه چندین تشکل هوادار جنبش سبز و فعال در زمینه حقوق بشر، با امضای یک نامه سرگشاده خطاب به بیش از ده نهاد و مقام بین‌المللی، خواستار اقدام برای آزادی میرحسین موسوی، مهدی کروبی و همسران آنها شدند.

این نامه که به همت «کمپین اعتراض سبز» تهیه شده و تاکنون به امضای ۲۸۳ نفر و ۲۱ گروه و تشکل رسیده است، با هدف استفاده از تمام ظرفیت‌های بین‌المللی و حقوقی برای شکستن حصر غیر قانونی رهبران جنبش سبز آماده شده و کمپین اعتراض سبز اعلام کرده که تا تاریخ ۱۰ سپتامبر ۲۰۱۱، یعنی کمتر از یک ماه دیگر، کار جمع‌آوری امضا از علاقه‌مندان برای این نامه سرگشاده، ادامه خواهد یافت.

در بخشی از این نامه، با اشاره به اینکه «هیچ کدام از مقامات قضایی، دولتی و امنیتی کشور در طی این مدت هیچ گونه مسئولیتی در قبال به وقوع پیوستن این جرم و قانون شکنی بر عهده نگرفته اند و همچنین هیچ گونه حکم بازداشت، احضاریه یا اتهامی از طرف مقامات قضایی در مورد این افراد صادر نشده است» رفتار مقامات قضایی و دولتی ایران در مورد این چهار نفر، «در راستای نقض آشکار حقوق بشر، و همچنین نقض قوانین بین‌المللی و داخلی کشور ایران، از جمله اصل ۳۲ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ماده شماره ۵۸۳ قانون مجازات اسلامی، ماده شماره ۹ میثاق بین‌الملل حقوق سیاسی و مدنی و پیمان بین‌الملل برای حمایت از تمامی اشخاص در برابر ناپدید شدن اجباری»، ارزیابی شده است.

برای امضای این نامه به سایت کلمه مراجعه کنید.

فزت و رب الکعبه
ایام شهادت علی علیه السلام تسلیت باد

بنی الاسلام علی کلمتین کلمه التوحید و توحید الکلمه
کلمه
WWW.KALEME.COM

روزنامه کلمه، شماره صدم، شنبه، ۲۹ مرداد ۱۳۹۰ ، شمارگان : ما بیشماریم

صدمین شماره
روزنامه کلمه

میرحسین در سلامت است؛ هدف سایت امنیتی از خبرسازی چیست؟

در پی خبرسازی جدید رسانه‌های وابسته به جریان اقتدارگرا درباره همراهان جنبش سبز و خبر یکی از سایت‌های وابسته به نهاد های امنیتی با مضمون بیماری و «وخامت حال!» میرحسین موسوی، که باعث تماس و ابراز نگرانی مکرر علاقه‌مندان ایشان شد، «کلمه» به اطلاع می رساند که در پی لاغری میر حسین، ماموران امنیتی چند روز پیش ایشان را تحت الحفظ برای چک‌آپ به بیمارستان منتقل کرده اند، اما نتیجه معاینات حاکی از سلامتی عمومی ایشان بوده و خبر بیماری یا بستری بودن مهندس موسوی، تایید نمی شود. در عین حال و با توجه به اینکه هیچ منبع خبری معتبری در شرایط قرنطینه خبری وجود ندارد و نیز نهاد های امنیتی اجازه معاینه پزشک مستقل را نیز نداده اند این سؤال مطرح می‌شود که سایت خبری وابسته به نهادهای امنیتی دیروز با چه هدفی از بیماری و با عنوان «وخامت حال» موسوی خبرپراکنی کرده است؟ و این نگرانی پیش می آید که آنها چه برنامه‌ی تازه‌ای تدارک دیده‌اند؟

در حالی که شش ماه از بازداشت غیر قانونی موسوی و کروبی و همسران آنها می‌گذرد و حاکمیت همچنان آنها را در وضعیت آشکارا غیر قانونی «زندان خانگی» بدون هر گونه پاسخ گویی و قبول مسوولیت به گروگان گرفته است، برخی محافل امنیتی به تازگی با اهدافی نا مشخص در تلاش‌اند تا بروز مشکل جسمی برای میرحسین را در جامعه پخش کنند؛ که این موضوع، باعث نگرانی شده است.

این منابع وابسته به اقتدارگرایان و زندانبانان در حالی ادعای فراموش شدن موسوی از جانب سبزها! و بیماری او را مطرح می‌کنند که تریبون‌های آنها تاکنون هیچ اشاره‌ای به مسئولیت بدیهی حاکمیت برای حفظ سلامتی و رعایت حقوق قانونی زندانیان بی‌محاکمه و بی‌گناه خود نکرده‌اند و گزارشی نیز از وضعیت سلامت آنان به خانواده و مردم نمی‌دهند و حتی متوجه نیستند که با شبهه‌پراکنی‌های خود درباره‌ی سلامتی رهبران جنبش سبز، بیش و پیش از هر چیز، ظلم و رفتار غیر مسئولانه و خودکامگی صاحبان قدرت را به نمایش می‌گذارند.

در همین راستا، روز چهارشنبه یک سایت نزدیک به محافل امنیتی، در خبری مشکوک ادعا کرد که میرحسین موسوی بیمار شده، حال او وخیم است و پزشکان بر سر بالینش حاضر شده‌اند تا او را تحت مراقبت قرار دهند! سایت «صراط نیوز» که به نماینده رهبری در کیهان منتسب است، در حالی ادعای بیماری مهندس موسوی را مطرح کرده که نزدیکان او و مشکل جسمانی و سابقه‌ی بیماری وی را قبل از حصر رد می‌کنند و تاکید دارند که میرحسین تا روز قبل از حصر غیر قانونی، هیچ بیماری و مشکل جسمی خاصی حتی بیماری های متداول این سن را نداشته است.

در پیگیری این خبرسازی‌ها، این اطمینان حاصل شد که میر محصور جنبش سبز، تا امروز حال عمومی مساعدی دارد و در ماه مبارک رمضان، روزه نیز می گیرد. با این حال با توجه به قرنطینه‌ی اطلاعاتی میرحسین موسوی و همسرش، ادعای دیروز این سایت امنیتی این نگرانی را به وجود می آورد که ستاد کودتا چه نقشه ای در سر می پروراند؟ خبرنویس این سایت اما توجه نکرده که با خبر خود، به فرض صحت خبر، قبل از همه، سوء تدبیر قدرت‌طلبان حاکم را به نمایش می‌گذارد و همه‌ی اینها چیزی از مسئولیت حاکمان کم نمی‌کند.

نهادهای امنیتی از شش ماه قبل تاکنون، با بی‌توجهی به نگرانی‌های خانواده و درخواست‌های مکرر دلسوزان، امکان معاینه‌ی رهبران جنبش سبز توسط پزشکان مستقل را مهیا نکرده‌اند. این بی‌توجهی ها، واکنش مادر زهرا رهنورد را در پی داشت که یک ماه قبل در مصاحبه با کلمه از «کاهش وزن» میرحسین ابراز نگرانی کرده بود. دختران موسوی و رهنورد هم در دیدار با سید محمد خاتمی، این موارد را تایید کرده و «دلنگرانی‌های موجود درباره‌ی وضعیت جسمی موسوی و رهنورد و نیز رفتارهای ناشایست و تهدیدهای ماموران علیه خانواده» را مورد اشاره قرار داده بودند.

اساتید دانشگاه:
حذف دانشجویان دختر با عدالت‌خواهی در تضاد است

جمعی از اساتید دانشگاه علم و صنعت با ارسال نامه ای به رییس مجلس نسبت به سیاستهای محدودیت ظرفیت پذیرش بانوان در رشته های کارشناسی و کارشناسی ارشد هشدار دادند.

پس از انتشار دفترچه‌های انتخاب رشته توسط سازمان سنجش، گزارش شده که ظرفیت دانشجویان دختر دانشگاه علم و صنعت کاهش یافته است. این اساتید در نامه خود خطاب به علی لاریجانی نوشته‌اند: «با توجه به صراحت بیان در انتظار بوجود آوردن شرایط و حقوق مساوی برای بانوان در مقایسه با آقایان در جای جای قانون اساسی، آیا توجیهی نیز برای چنین تصمیمی باقی می ماند؟»

آنها افزوده‌اند: «آیا با توجه به آمارنزدیک به ۶۰ درصد از حضور خواهران در آزمون سراسری ورود به دانشگاهها در دوره کارشناسی، از منظر حفظ و صیانت از منافع ملی و پیشگیری از تبعات اجتماعی، چنین تصمیماتی را با چه بیانی می توان توجیه نمود؟»

اساتید دانشگاه علم و صنعت اضافه کرده‌اند: «آیا با توجه به موارد فوق، در ذهن دانشجویان فعلی و بالقوه دانشگاه علم و صنعت ایران و عموم دانشگاههای کشور بجا نیست اگر هدف چنین اقداماتی، که سالها پیش در کشورهای بسیار عقب افتاده نیز کنار گذاشته شده، حذف تدریجی بانوان از صحنه های اجتماعی قلمداد گردد؟»

امضا کنندگان این نامه در پایان خواستار بررسی این تصمیم سازمان سنجش از سوی رئیس مجلس شورای اسلامی شدند.

محمد هادی افشار، سید جواد امامی، علیرضا خاوندی، محمدباقر ذهبیون، سید محمد شهرتاش، محمد تقی صالحی، داود عرب خابوری، نورالله کثیری و تورج محمدی امضا کنندگان این نامه هستند.

مشاور مهدی کروبی:
شرایط برای برگزاری یک انتخابات سالم فراهم نیست

اسماعیل گرامی مقدم، مشاور مهدی کروبی و همراه سیاسی شیخ اصلاحات در سالیان اخیر، با اشاره به دیدگاه‌هایی که تاکنون از سوی چهره های اصلاح طلب درباره انتخابات ابراز شده گفت: مسئله ی انتخابات یک رویداد رقابتی است و برای ایجاد الزامات آن از دو زاویه امکان دارد. یک زاویه نگاه را آقای خاتمی داشتند، که او معتقد است برای حضور ما اصلاح طلبان در انتخابات می بایستی حداقل این شروط، یک "آزادی آقایان کروبی و موسوی" و دوم آزادی تمامی زندانیان سیاسی و سومین شرط نیز برگزاری انتخابات سالم محقق شود.

وی به دیدگاه آقای موسوی خوئینی ها (دبیرکل مجمع روحانیون مبارز) هم اشاره کرد و گفت: او معتقد است جریانی که در انتخابات گذشته به دلیل حضور در انتخابات صدمه و آسیب دیده است، دو نامزد اصلاح طلب در حبس خانگی هستند، صدها نفر در زندان هستند و ده ها نفر نیز جان خود را از دست داده اند و هیچ گونه دلجویی هم از آنها نمی شود، مثل این است که یک خانواده ای این همه ملامت و خسارت دیده است، حالا به او گفته شود: بیا در عروسی هم شرکت کن! خوب معلوم است که امکان آن وجود ندارد، و به عبارت دیگر به جای اینکه بگوییم این شرایط آقای خاتمی محقق شود، می توان اینگونه گفت که اساساً اصلاح طلبان شرایط خودشان برای حضور در انتخابات فراهم نیست، مگر حاکمیت شرایط و الزامات اصلاح طلبان را فراهم آورد. بنابراین هر دو نگاه، بر فقدان شرایط لازم برای اصلاح طلبان در حال حاضر برای حضور مقتدرانه در انتخابات پیش رو متمرکز است.

این نماینده سابق مردم بجنورد که از ابتدای تاسیس حزب اعتماد ملی تاکنون سخنگویی این حزب را برعهده داشته است، در مصاحبه‌ای با سحام نیوز، پیش‌بینی کرده که اگر اصولگرایان سنتی نتوانند با به صحنه کشاندن اصلاح طلبان، نوعی وحدت در جناح خود ایجاد کنند، حامیان دولت و جریان موسوم به انحرافی با استفاده از امکانات دولتی و توزیع پول، اکثر کرسی‌های مجلس نهم را به دست خواهند گرفت.

اخبار کوتاه

* صادق لاریجانی در بخش‌نامه‌ای تازه در مورد مرخصی زندانیان گفته است زندانیان سیاسی و مجرمان خطرناک مرخصی ندارند.

* اداره کتاب وزارت ارشاد کتاب «بیژن و منیژه» را پس از هفت نوبت چاپ، غیرقابل چاپ اعلام کرد.

* عبدالکریم سروش نواندیش دینی می‌گوید اگر قرار باشد مملکت روی صلاح و رستگاری ببیند باید انتخابات آزاد برگزار شود.

* جمعی از زندانیان بند ۳۵۰ زندان اوین در نامه‌ای خطاب به دادستان تهران از نقض قوانین زندانیان در ایران انتقاد کردند.

* فخرالسادات محتشمی‌پور، همسر مصطفی تاج‌زاده، همزمان با انتشار نامه سرگشاده به رییس قوه قضاییه، برای ادای پاره‌ای توضیحات به دادگاه احضار شد.

* یک عضو کمیسیون برنامه و بودجه مجلس، تورم ۱۹.۶ درصدی تیرماه مرکز آمار ایران را حقیقی‌تر از نرخ تورم ۱۶.۳ درصدی اعلامی از سوی بانک مرکزی دانست و تاکید کرد: تنها مرجع معتبر اعلام نرخ تورم مرکز آمار ایران است.

* همچنان که در خرده فروشی های اغلب شهرها میوه‌های تابستانی و مرکبات وارداتی دیده می‌شوند در اغلب استانهای کشور میوه‌های تابستانی روی دست کشاورز باقی مانده است و باغداران از برداشت میوه‌های خود صرفنظر کرده‌اند.

طرح مسکن مهر به زودی تعطیل خواهد شد

یک عضو کمیسیون عمران مجلس از تعطیلی قریب الوقوع طرح مسکن مهر به دلیل نبود بودجه خبر داد.

امین شعبانی، نماینده سنندج گفته است: «در قانون بودجه سال ۹۰، ردیف اعتباری خاصی برای مسکن مهر، منظور نشده است و از آنجا که در قانون برنامه پنجم برداشت از صندوق توسعه ملی توسط دولت فقط حدود ۱۰ درصد و آن هم با مجوز مجلس برای امر تولید در نظر گرفته شده، لذا هیچ ردیف بودجه‌ای برای مسکن مهر معین نشده واین طرح راکد خواهد ماند.»

این عضو کمیسیون عمران مجلس تاکید کرد: «دولت ۸ هزار میلیارد تومان اعتبار برای مسکن مهر پیش بینی کرده بود که اکنون به نظر می‌رسد با عدم شناسایی منابع مالی لازم، این طرح راکد خواهد ماند.»

طرح مسکن مهر در دولت نهم توسط قانون بودجه سال ۱۳۸۶ آغاز شد و سپس بر مبنای قانون ساماندهی و حمایت از تولید و عرضه مسکن، به صورت پیوسته در دستور کار قرار گرفت.

به موجب این طرح قرار است سالانه تعداد یک میلیون و ۵۰۰ هزار واحد مسکونی، زمین در سطح کشور واگذار می‌شود.